فتح الرحمن بترجمة القرآن

مترجم:

احمد بن عبدالرحيم مشهور به

شاه ولی الله دهلوی رحمه الله

به کوشش:

مسعود انصاری

صفحه آرایی و ترتیب:

گروه علمی فرهنگی موحدین

فهرست سوره‌های قرآن کریم

جهت انتقال به سوره مورد نظر، کلید crtl را پایین نگه داشته و بر روی اسم سوره کلیک کنید. جهت بازگشت به فهرست، از home +crtl استفاده نمایید.

سُورَةُ الفَاتِحَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ ٧

سوره فاتحه

به نام خدای بخشایندهٔ مهربان. ﴿۱﴾ ستایش خدایْ راست، پروردگار عالم‌ها*.[۱] ﴿۲﴾ بخشاینده مهربان. ﴿۳﴾ خداوند روز جزا. ﴿۴﴾ تو را می‌پرستیم و از تو مدد می‌طلبیم. ﴿۵﴾ بنما ما را راه راست. ﴿۶﴾ راه آنان که انعام کرده‌ای بر ایشان، بجز آنانکه خشم گرفته شد بر آنها و بجز گمراهان[۲]. ﴿۷﴾

---

*- توضیح: ستایش خداوندی را سزاست که پروردگار جهانیان است.

۱- مترجم گوید: یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علی هذالقیاس [فتح الرحمن].

۲- مترجم گوید: مراد از آنان که اکرام کرده شد بر آنها چهار فرقه‌اند: نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و مراد از آنان که خشم گرفته شد بر آنها یهوداند و از گمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای ما را [فتح الرحمن].

سُورَةُ البَقَرَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى
لِّلۡمُتَّقِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ
وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ
٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ
أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤
أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥

سوره بقره

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الم. ﴿۱﴾ این کتاب هیچ شبه[۱] نیست در آن، رهنما
است پرهیزگاران را. ﴿۲﴾ آنان که ایمان می‌آرند به
نادیده و برپا می‌دارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی
داده‌ایم، خرج می‌کنند. ﴿۳﴾ و آنان که ایمان
می‌آرند به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه
فرود آورده شده پیش از تو و به آخرت، ایشان یقین
دارند. ﴿۴﴾ ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار
خویش و ایشانند رستگان. ﴿۵﴾

۱- در اصل متن، شبه آمده است و این تغییر در تمام این ترجمه اعمال شده است.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ
تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ٦ خَتَمَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَعَلَىٰ
سَمۡعِهِمۡۖ وَعَلَىٰٓ أَبۡصَٰرِهِمۡ غِشَٰوَةٞۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ
٧ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ
وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ٨ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٩ فِي
قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ
بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ١٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ
ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ
ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ
ٱلسُّفَهَآءُۗ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا
يَعۡلَمُونَ ١٣ وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا
خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ
مُسۡتَهۡزِءُونَ ١٤ ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ فِي
طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٥ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ
بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٦

هرآیینه آنان که کافر شدند، برابر است بر ایشان، که ترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را، ایمان نیارند. ﴿۶﴾ مُهر نهاد خدا بر دل‌های ایشان و بر شنوایی ایشان، و بر چشم‌های ایشان پرده‌ای است و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿۷﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ایمان آوردیم به خدا و به روز بازپسین و نیستند اینان مومنان. ﴿۸﴾ فریب می‌دهند خدا را و مومنان را و به حقیقت نمی‌فریبند مگر خود را و آگاه نمی‌شوند. ﴿۹﴾ در دل ایشان بیماری است؛ پس افزون داد به ایشان خدا بیماری را و ایشان راست، عذاب درد دهنده؛ به سبب آن‌که دروغ می‌گفتند. ﴿۱۰﴾ و چون گفته شود ایشان را تباهکاری مکنید در زمین، گویند: جز این نیست که ما اصلاح کاریم. ﴿۱۱﴾ آگاه شو، به تحقیق ایشانند تباهکاران و لیکن آگاه نمی‌شوند. ﴿۱۲﴾ و چون گفته شود ایشان را که ایمان آرید، چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند: آیا ایمان آریم چنانچه[1] ایمان آوردند، بی‌خردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی‌خردان، و لیکن نمی‌دانند. ﴿۱۳﴾ و وقتی که ملاقات می‌کنند با اهل ایمان، گویند: ایمان آورده‌ایم و چون تنها شوند با شیاطینِ خود[2]، گویند: هر آیینه ما با شماییم، جز این نیست که ما تمسخر می‌کنیم. ﴿۱۴﴾ خدا تمسخر می‌کند به ایشان و مهلت می‌دهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده. ﴿۱۵﴾ ایشان آن کسانند که خریدند گمراهی را عوض هدایت، پس سود نیافت تجارتِ ایشان و راهیاب نشدند. ﴿۱۶﴾

۱- چنانکه [مصحح].

۲- یعنی رئیسانِ خود.

مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا
حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا
يُبۡصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿١٨﴾
أَوۡ كَصَيِّبٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٞ وَرَعۡدٞ وَبَرۡقٞ
يَجۡعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ
ٱلۡمَوۡتِۚ وَٱللَّهُ مُحِيطُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ ٱلۡبَرۡقُ
يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡۖ كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوۡاْ فِيهِ وَإِذَآ
أَظۡلَمَ عَلَيۡهِمۡ قَامُواْۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمۡعِهِمۡ
وَأَبۡصَٰرِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ
فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ
أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا
نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ
شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢٣﴾
فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ فَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِي وَقُودُهَا
ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُۖ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٤﴾

داستان ایشان مانند داستان کسی است که افروخت آتش را، پس چون روشن کرد آتش، حوالیِ او را دور ساخت خدا نور، این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی‌ها، هیچ نبینندز ﴿۱۷﴾ کرانند، گنگانند، کورانند، پس ایشان باز نمی‌گردند[۱]. ﴿۱۸﴾ یا داستان ایشان، مانند باران بزرگ است آمده از آسمان، که باشد در وی تاریکی‌ها و رعد و برق. درمی‌آرند انگشتان خود در گوش‌های خود، به سبب آوازهای پر هول به ترس مرگ، و خدا احاطه کننده است کافران را. ﴿۱۹﴾ نزدیک است که برق برباید چشم‌های ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را، روند در آن روشنی، و چون تاریکی دهد بر ایشان، بایستند و اگر خواستی خدا، هرآیینه بردی شنوایی ایشان را و دیده‌های ایشان را. هرآیینه خدا بر همه چیز تواناست[۲]. ﴿۲۰﴾ ای مردمان! بپرستید پروردگار خویش را، آن که آفرید شما را و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند، تا در پناه شوید[۳]. ﴿۲۱﴾ آن که ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان آب، پس بیرون آورد به سبب آن انواع میوه‌ها روزی برای شما، پس مقرر مکنید همتایان برای خدا دانسته. ﴿۲۲﴾ و اگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بندهٔ خود (یعنی از قرآن)، پس بیارید یک سوره مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بجز خدا، اگر هستید راستگو. ﴿۲۳﴾ پس اگر نکردید و البته نتوانید کردن، پس حذر کنید از آن آتش که آتش انگیز آن[۴] مردمان و سنگ‌ها باشند. آماده کرده است برای کافران. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که اعمال منافقان همه نابود شود، چنانکه روشنی آن جماعت دور شد.

۲- مترجم گوید: که حاصل مثل، آن است که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده‌اند و چون مواعظ بلیغه شنوند فی‌الجمله ایشان را تنبیهی می‌شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شبِ تاریک و ابر حیران باشند و در برق دو سه قدم بروند و بازایستند، والله اعلم.

۳- تا پرهیزگار شوید.

۴- یعنی هیزم‌های آن.

وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ كُلَّمَا رُزِقُواْ مِنۡهَا مِن
ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا قَالُواْ هَٰذَا ٱلَّذِي رُزِقۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَأُتُواْ بِهِۦ
مُتَشَٰبِهٗاۖ وَلَهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَهُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ
﴿٢٥﴾ ۞إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسۡتَحۡيِۦٓ أَن يَضۡرِبَ مَثَلٗا مَّا
بَعُوضَةٗ فَمَا فَوۡقَهَاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ
ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَيَقُولُونَ مَاذَآ
أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۘ يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرٗا وَيَهۡدِي بِهِۦ
كَثِيرٗاۚ وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٦﴾ ٱلَّذِينَ
يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ
أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ
أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيۡفَ تَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ
وَكُنتُمۡ أَمۡوَٰتٗا فَأَحۡيَٰكُمۡۖ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡ
ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ
سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٩﴾

و بشارت ده آن کسان را که ایمان آورده‌اند و کردند
کارهای شایسته، به آن که ایشان راست بوستان‌ها، می‌رود
زیر آن جوی‌ها. هرگاه داده شوند از آنجا روزی از قسم
میوه، گویند: این همان است که داده شده بودیم پیش ازین
و آورده شود به ایشان آن روزی، مانند یکدیگر،[1] و
ایشان راست در آنجا زنان پاک کرده شده و ایشان در
آنجا جاویدند. ﴿۲۵﴾ هرآیینه خدا شرم ندارد از آن که
بزند داستانِ پشه و بالاتر از آن؛ امّا آنان که ایمان آورده‌اند،
می‌دانند که این داستان، راست است از پروردگار ایشان. و
امّا آنان که کافرند، می‌گویند: چه چیز خواسته است خدا
به این داستان! خدا گمراه می‌کند بسبب آن بسیاری را و
هدایت می‌کند به سبب وی بسیاری را و گمراه نمی‌کند به
وی، مگر بدکاران را. ﴿۲۶﴾ آن فاسقان[2] را که
می‌شکنند پیمان خدا بعدِ بستن آن، و می‌بُرَّند آنچه خدا
فرموده است پیوستن آن و تباهی می‌کنند به زمین، ایشانند
زیان کاران. ﴿۲۷﴾ چگونه کافر شوید به خدا حال آن که
بودید بی جان، پس زنده گردانید شما را، بعد از آن بمیرانَد
شما را، باز زنده گرداند شما را، باز به سوی وی گردانیده
شوید. ﴿۲۸﴾ وی آن ست که بیافرید برای شما هر چه در
زمین است، یکجا. باز متوجه شد به سوی آسمان؛ پس
راست کرد آن هفت آسمان را و او به همه چیز داناست.
﴿۲۹﴾

۱- یعنی غبارِ فقدان مرغوب، هیچ ساعت به خاطر ایشان ننشیند؛ والله اعلم.

۲- کافران چون ذکر پشّه و عنکبوت در قرآن شنیدند، طعن کردند و گفتند که: خدای تعالی به ذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است؟! این آیت نازل شد.ـ والله اعلم.

وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ
خَلِيفَةٗۖ قَالُوٓاْ أَتَجۡعَلُ فِيهَا مَن يُفۡسِدُ فِيهَا وَيَسۡفِكُ
ٱلدِّمَآءَ وَنَحۡنُ نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَۖ قَالَ إِنِّيٓ
أَعۡلَمُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٣٠ وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلۡأَسۡمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ
عَرَضَهُمۡ عَلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِي بِأَسۡمَآءِ
هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٣١ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ لَا
عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٣٢
قَالَ يَٰٓـَٔادَمُ أَنۢبِئۡهُم بِأَسۡمَآئِهِمۡۖ فَلَمَّآ أَنۢبَأَهُم
بِأَسۡمَآئِهِمۡ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ غَيۡبَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَأَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا كُنتُمۡ
تَكۡتُمُونَ ٣٣ وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ
فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ وَٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٤ وَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ
ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ
ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٣٥ فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ
عَنۡهَا فَأَخۡرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ وَقُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ
بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ
وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ٣٦ فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ
فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٣٧

و یاد کن، چون گفت پروردگار تو به فرشتگان که: من آفریننده‌ام در زمین جانشینی را، گفتند: آیا می‌آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در وی و خون‌ریزی کند، و ما تسبیح می‌کنیم به حمد تو و به پاکی اقرار می‌کنیم برای تو! فرمود: هرآیینه من می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید. ﴿۳۰﴾ و بیاموخت خدا آدم را نام‌های مخلوقات، تمامِ آن. بازپیش آورد آن چیزها را بر فرشتگان؛ پس گفت: خبر دهید مرا به نام‌های این چیزها اگر راستگو هستید!. ﴿۳۱﴾ گفتند: به پاکی یاد می‌کنیم تو را، هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی به ما، هرآیینه تویی دانای با حکمت. ﴿۳۲﴾ فرمود: ای آدم! خبر ده فرشتگان را به نام‌های اینها، پس چون خبر داد ایشان را به نام‌های آنها، فرمود: آیا نگفته بودم شما راکه هرآیینه من می‌دانم پنهان آسمان‌ها و زمین را و می‌دانم آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پوشیده‌می‌داشتید؟. ﴿۳۳﴾ و چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، قبول نکرد و سرکشی نمود و گشت از کافران. ﴿۳۴﴾ و گفتیم: ای آدم! بمان تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از بهشت، خوردن بسیار، هرجاکه خواهید و نزدیک مشوید به این درخت که خواهید شد از گناهکاران. ﴿۳۵﴾ پس بلغزانید هر دو را شیطان از آنجا، پس بر آورد ایشان را از آن نعمت‌ها که بودند در آن، و فرمودیم: فرو روید، بعض شما دشمن باشد بعضی را و شما را هست در زمین آرام‌گاه و بهره‌مندی تا مدّتی. ﴿۳۶﴾ پس فراگرفت آدم از پروردگار خود، سخنی چند، پس بازگشت خدا به مهربانی بر وی، هرآیینه اوست بازگردندهٔ مهربان[۱]. ﴿۳۷﴾

۱- و آن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳] والله اعلم.

قُلْنَا ٱهْبِطُواْ مِنْهَا جَمِيعًاۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى
فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
٣٨ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ
ٱلنَّارِۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٩ يَٰبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُواْ
نِعْمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُواْ بِعَهْدِيٓ أُوفِ
بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّٰيَ فَٱرْهَبُونِ ٤٠ وَءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلْتُ
مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوٓاْ أَوَّلَ كَافِرِۭ بِهِۦۖ وَلَا
تَشْتَرُواْ بِـَٔايَٰتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰيَ فَٱتَّقُونِ ٤١ وَلَا
تَلْبِسُواْ ٱلْحَقَّ بِٱلْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُواْ ٱلْحَقَّ وَأَنتُمْ
تَعْلَمُونَ ٤٢ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرْكَعُواْ
مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣ ۞أَتَأْمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلْبِرِّ وَتَنسَوْنَ
أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٤٤
وَٱسْتَعِينُواْ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
ٱلْخَٰشِعِينَ ٤٥ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمْ
وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ٤٦ يَٰبَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱذْكُرُواْ
نِعْمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى
ٱلْعَٰلَمِينَ ٤٧ وَٱتَّقُواْ يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ
شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ٤٨

فرمودیم: فرو روید از آنجا همۀ شما؛ اگر بیاید به شما از من هدایتی، پس هر که پیروی کرد هدایت مرا، هیچ ترس نیست بر آن جماعت و نه ایشان اندوه خورند. ﴿۳۸﴾ و کسانی که نگرویدند و دروغ داشتند آیت‌های ما را، ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۳۹﴾ ای[1] فرزندان یعقوب! یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و وفاکنید پیمان مرا تا وفاکنم پیمان شما را و از من بترسید. ﴿۴۰﴾ و ایمان آرید به آنچه فرود آورده‌ام، باور کننده آنچه با شما است. و مباشید نخستین منکر او و مستانید عوض آیت‌های من بهایی اندک را و از من حذر کنید. ﴿۴۱﴾ و خلط مکنید راست را با ناراست و پنهان مکنید راست را دانسته. ﴿۴۲﴾ و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و نماز گزارید با نماز گزارندگان. ﴿۴۳﴾ آیا می‌فرمایید مردمان را به نیکوکاری و فراموش می‌کنید خویشتن را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات). آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۴۴﴾ و مدد طلبید[2] به شکیبایی و نماز و هرآیینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان. ﴿۴۵﴾ آنان‌که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آن‌که ایشان به سوی وی باز خواهند گشت. ﴿۴۶﴾ ای فرزندان یعقوب! یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و آن‌که فضل دادم شما را بر همۀ عالم‌ها[3]. ﴿۴۷﴾ و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند هیچ‌کس از کسی چیزی را، و پذیرفته نشود از هیچ‌کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ‌کس عوض و نه ایشان یاری داده شوند. ﴿۴۸﴾

۱- مترجم گوید: خدایْ تعالی بنی اسرائیل را نعمت‌های خود یادآوری و معجزه‌هایی که در این قوم ظاهر شده بود، ذکر فرمود. آنگاه شبهات و هفوات ایشان را رد کرد به دلائل و این قصه ممتد است تا قوله تعالی: ﴿وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ﴾ [البقرة: ۱۲۴].

۲- یعنی در جمیع حاجات و مصائب، والله اعلم.

۳- یعنی عالمیان آن زمان.

وَإِذۡ نَجَّيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ
ٱلۡعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ
وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ﴿٤٩﴾ وَإِذۡ فَرَقۡنَا
بِكُمُ ٱلۡبَحۡرَ فَأَنجَيۡنَٰكُمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ
وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذۡ وَٰعَدۡنَا مُوسَىٰٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗ
ثُمَّ ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ
عَفَوۡنَا عَنكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ
﴿٥٢﴾ وَإِذۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡفُرۡقَانَ لَعَلَّكُمۡ
تَهۡتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِنَّكُمۡ
ظَلَمۡتُمۡ أَنفُسَكُم بِٱتِّخَاذِكُمُ ٱلۡعِجۡلَ فَتُوبُوٓاْ إِلَىٰ
بَارِئِكُمۡ فَٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ
عِندَ بَارِئِكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ
نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ
﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَٰكُم مِّنۢ بَعۡدِ مَوۡتِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ ٱلۡغَمَامَ وَأَنزَلۡنَا
عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا
رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ
يَظۡلِمُونَ ﴿٥٧﴾

و یاد کنید نعمت من، آن وقت که رهانیدیم شما را از کسان فرعون؛ می‌رسانیدند به شما سخت‌ترین عذاب را، ذبح می‌کردند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را و در این کار، آزمایشی بزرگ بود از پروردگار شما[1]. ﴿۴۹﴾ و آن وقت که شکافتیم برای شما دریا را، پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و شما می‌دیدید. ﴿۵۰﴾ و آن[2] وقت که میعادْ مقرر کردیم با موسی چهل شب، پس گرفتید گوساله[3] را پس از رفتن موسی، شما ستمکار بودید. ﴿۵۱﴾ پس درگذرانیدیم از شما بعد از این تا بُوَد که سپاسداری کنید. ﴿۵۲﴾ و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجّت، تا بُوَد که راه یابید. ﴿۵۳﴾ و آن وقت که گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! هرآیینه شما ستم کردید بر خویشتن به فراگرفتن گوساله، پس باز آیید به سوی آفریدگار خود، پس بکشید خویشتن را، این بهتر است شما را نزدیک آفریدگار شما. پس خدا بازگشت به مهربانی بر شما، هرآیینه اوست بازگردندهٔ مهربان. ﴿۵۴﴾ و[4] آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز باور نداریم تو را تا آن‌که ببینیم خدا را آشکارا، پس گرفت شما را صاعقه و شما می‌دیدید. ﴿۵۵﴾ باز زنده گردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما شکرگزاری کنید[5]. ﴿۵۶﴾ و سایه‌بان ساختیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما «منّ» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه‌های آنچه دادیم شما را، و ایشان ستم نکردند بر ما و لیکن بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۵۷﴾

۱- مترجم گوید: سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان، فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی او گردد.

۲- مترجم گوید: که خدا موسیؑ، را وعده داد که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات عطا فرماییم. درین مدت بنی اسرائیل به اغوای سامری، گوساله‌پرستی اختیار کردند. خدای تعالی بعد عودِ موسی حکم فرمود که بعض ایشان بعض را بکشند و این توبه ایشان است.

۳- یعنی معبود ساختید.

۴- مترجم گوید: موسیؑ، هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا با وی کلام الهی استماع نمایند؛ ایشان بعد از شنیدن، خواهان رؤیت شدند و در طلب آن پا از حدِ ادب بیرون نهادند. خدای تعالی آن همه را به صاعقه بسوخت و باز به دعای موسی زنده ساخت. اشارت به این قصه است این آیت.

۵- بنی اسرائیل مأمورشدند به جهاد عمالقه و ایشان در آن باب تغافل کردند، پس معاقب شدند به افتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه‌ها مفقود شد، خدایْ تعالی به دعای موسیؑ مَنّ وسلوی نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید. قدر این نعمتها نشناختند وکفرانِ نعمت کردند. اشارت بدین قصه است این ایت.

وَإِذۡ قُلۡنَا ٱدۡخُلُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ فَكُلُواْ مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ رَغَدٗا وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ لَهُمۡ فَأَنزَلۡنَا عَلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ﴿٥٩﴾ ۞وَإِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ فَقُلۡنَا ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنفَجَرَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۖ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ مِن رِّزۡقِ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿٦٠﴾ وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصۡبِرَ عَلَىٰ طَعَامٖ وَٰحِدٖ فَٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُخۡرِجۡ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۢ بَقۡلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَاۖ قَالَ أَتَسۡتَبۡدِلُونَ ٱلَّذِي هُوَ أَدۡنَىٰ بِٱلَّذِي هُوَ خَيۡرٌۚ ٱهۡبِطُواْ مِصۡرٗا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلۡتُمۡۗ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ﴿٦١﴾

و آن وقت که گفتیم: درآیید در این دیه[۱]، پس بخورید از آنجا بافزونی هرجا که خواهید، خوردنی گوارنده. و درآیید به دروازه، سجده‌کنان و بگویید: سؤال ما آمرزش است؛ تا بیامرزیم شما را گناهان شما و زیاده خواهیم داد، نکوکاران را. ﴿۵۸﴾ پس بَدَل کردند کسانی که ستمکار بودند سخنی بجز آنچه فرموده شد ایشان را[۲]، پس فرود آوردیم بر آن ستمکاران، عذابی از آسمان به سبب بدکار بودن ایشان. ﴿۵۹﴾ و آن وقت که آب خواست موسی برای قوم خود، پس گفتیم: بزن به عصای خود سنگ را! پس روان شد از سنگ، دوازده چشمه، بدانست هر قوم آبْ خوردِ خود را[۳]. گفتیم: بخورید و بنوشید از روزی خدا و فساد مکنید در زمین، تباهی کنان. ﴿۶۰﴾ و آن وقت که گفتید ای موسی! هرگز شکیبایی نکنیم بر یک طعام، پس بطلب برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد برای ما از آن جنس که می‌رویاندش زمین از ترهٔ وی و با درنگ وی و گندم وی و عدس وی و پیاز وی. گفت موسی: آیا بدل می‌کنید آنچه وی فروتر است به آنچه آن بهتر است؟! فرو روید به شهری؛ پس هرآیینه باشد شما را آنچه خواستید و زده شد[۴] بر ایشان خواری و بی‌نوایی و بازگشتند به خشمی از خدا. این به سبب آن است که باور نمی‌داشتند آیت‌های خدا را و می‌کشتند پیغمبران را ناحق. این به سبب گناه کردن ایشان‌است و آن‌که از حد درمی‌گذشتند. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی دیه که در زمان حضرت موسی فتح شده بود.

۲- یعنی به جای حِطه. حنطهٔ گفتند.

۳- یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یک چشمه معین شد؛ والله اعلم.

۴- یعنی فرود آورده شد.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ
وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَعَمِلَ
صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا
فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ وَٱذْكُرُواْ
مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَۖ
فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ لَكُنتُم مِّنَ
ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْاْ مِنكُمْ
فِى ٱلسَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ﴿٦٥﴾
فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّ ٱللَّهَ
يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُواْ بَقَرَةًۖ قَالُوٓاْ أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًاۖ قَالَ
أَعُوذُ بِٱللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ ٱدْعُ
لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَۚ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا
فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَۖ فَٱفْعَلُواْ مَا
تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾ قَالُواْ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَاۚ
قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ
ٱلنَّٰظِرِينَ ﴿٦٩﴾

و هرآیینه آنان‌که مسلمان شدند و آنان‌که یهود شدند و ترسایان و بی‌دینان، هر که از ایشان ایمان آورد به خدا و به روز بازپسین و کرد کار شایسته، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان، و نه ترس بود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند[۱]. ﴿۶۲﴾ و آن وقت که گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما طور را، گفتیم: بگیرید، آنچه داده‌ایم شما را به استواری[۲] و یاد دارید آنچه در آن است تا بُوَد که در پناه شوید. ﴿۶۳﴾ باز روگردانیدید، بعد از این؛ پس اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و مهربانی او، هرآیینه می‌شدید از زیانکاران. ﴿۶۴﴾ و هرآیینه دانسته‌اید آن‌کسان را که از حد در گذشتند از شما در شنبه[۳]، پس گفتیم ایشان را: بوزینه شوید، خوار شده. ﴿۶۵﴾ پس ساختیم این قصّه را عبرتی برای آن قوم که[۴] پیش آن دیه بودند و آن قوم که پس از ایشان آیند، و پندی پرهیزگاران را. ﴿۶۶﴾ و[۵] آن وقت که گفت موسی به قوم خود: هرآیینه خدا می‌فرماید شما را به بکشتن گاوی، گفتند آیا ما را مسخره می‌گیری؟! گفت: پناه می‌گیرم به خدا از آن که باشم از نادانان. ﴿۶۷﴾ گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست آن گاو! گفت: هرآیینه خدا می‌فرماید که هرآیینه آن‌گاوی است نه پیر و نه نازا، میانه است در میان این و آن، پس بکنید آنچه فرموده شدید. ﴿۶۸﴾ گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو؟ گفت: هرآیینه خدا می‌فرماید که وی گاوی است زرد، نیک زرد است رنگ آن، خوش می‌کند بینندگان را. ﴿۶۹﴾

۱- حاصل معنی آیت آن که آدمی دراصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آورد از اهل نجات بود؛ خصوصیتِ فرقه معتبر نیست.

۲- یعنی احکام تورات.

۳- یعنی شکار کردند وشکار کردن در روز شنبه در دین بنی اسرائیل حرام بود.

۴- یعنی در آن زمانه حاضر بودند.

۵- مترجم گویند: شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشنده آن معلوم نبود. خدایْ تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعض وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد. القصه گاو را به مبلغ خطیر خرید کردند وبزدند، مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان کشتند، پس قاتلان را به قصاص رسانیدند، از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند، والله اعلم.

قَالُواْ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ ٱلۡبَقَرَ تَشَٰبَهَ
عَلَيۡنَا وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهۡتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ
إِنَّهَا بَقَرَةٞ لَّا ذَلُولٞ تُثِيرُ ٱلۡأَرۡضَ وَلَا تَسۡقِي ٱلۡحَرۡثَ
مُسَلَّمَةٞ لَّا شِيَةَ فِيهَاۚ قَالُواْ ٱلۡـَٰٔنَ جِئۡتَ بِٱلۡحَقِّۚ
فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذۡ قَتَلۡتُمۡ نَفۡسٗا
فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَاۖ وَٱللَّهُ مُخۡرِجٞ مَّا كُنتُمۡ تَكۡتُمُونَ ﴿٧٢﴾
فَقُلۡنَا ٱضۡرِبُوهُ بِبَعۡضِهَاۚ كَذَٰلِكَ يُحۡيِ ٱللَّهُ ٱلۡمَوۡتَىٰ
وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتۡ
قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلۡحِجَارَةِ أَوۡ أَشَدُّ
قَسۡوَةٗۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلۡحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنۡهُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ وَإِنَّ
مِنۡهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخۡرُجُ مِنۡهُ ٱلۡمَآءُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا
يَهۡبِطُ مِنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ
﴿٧٤﴾ ۞أَفَتَطۡمَعُونَ أَن يُؤۡمِنُواْ لَكُمۡ وَقَدۡ كَانَ فَرِيقٞ
مِّنۡهُمۡ يَسۡمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعۡدِ مَا
عَقَلُوهُ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ
ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ قَالُوٓاْ أَتُحَدِّثُونَهُم
بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ لِيُحَآجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمۡۚ
أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند: سؤال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چه کاره است آن گاو؟ هرآیینه گاوان مشتبه شدند بر ما، و هرآیینه اگر درخواسته است خدا، راه یافتگانیم. ﴿۷۰﴾ گفت: هرآیینه خدا می‌فرماید که وی گاوی است نه محنت‌کشنده که شوراند زمین را، و نه آب می‌دهد زراعت را، سلامت است؛ هیچ خال نیست در وی. گفتند: الحال آوردی سخن درست*؛ پس ذبح کردند و نزدیک نبودند از آن که کنند. ﴿۷۱﴾ و آن وقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید در وی. و خدا بیرون آرنده است چیزی را که پنهان می‌کردید. ﴿۷۲﴾ پس فرمودیم: بزنید این شخص را بعض وی از گاو این طور زنده می‌کند خدا مردگان را و می‌نماید شما را نشانه‌های خود تا بُوَد که دریابید. ﴿۷۳﴾ باز سخت شد دل‌های شما بعد از این؛ پس آنها مانند سنگند، بلکه زیاده‌تر در سختی، و هرآیینه از سنگ‌ها آن است که روان می‌شود از وی جوی‌ها و هرآیینه از سنگ‌ها آن است که می‌شکافد، پس بیرون می‌آید از وی آب و هرآیینه از سنگ‌ها آن است که فرومی‌افتد از ترس خدا و نیست خدا بی‌خبر از آن چه می‌کنید. ﴿۷۴﴾ ای مؤمنان! آیا امید می‌دارید که یهود، منقاد شوند شما را؟! و هرآیینه گروهی از ایشان می‌شنیدند کلام خدا را (یعنی تورات را) پس بدل می‌کردندش دانسته، بعد از آن که فهمیده بودند او را. ﴿۷۵﴾ و چون ملاقات کنند با مؤمنان، گویند: ایمان آوردیم، و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی[1] گویند: آیا خبر می‌دهید ایشان را به آنچه گشاده است خدا بر شما[2]، تا مناظره کنند با شما به آن دلیل نزد پروردگار شما، آیا در نمی‌یابید؟. ﴿۷۶﴾

*- توضیح: وی گاوی است که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند ونه کشت را آبیاری کند و از هر عیبی پاک و نباشد در وی رنگ دیگری.

۱- یعنی با رئیسان خویش.

۲- یعنی نعمت پیغمبر آخر الزمان.

أَوَ لَا يَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ
﴿٧٧﴾ وَمِنۡهُمۡ أُمِّيُّونَ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ وَإِنۡ
هُمۡ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ يَكۡتُبُونَ ٱلۡكِتَٰبَ
بِأَيۡدِيهِمۡ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ لِيَشۡتَرُواْ بِهِۦ
ثَمَنٗا قَلِيلٗاۖ فَوَيۡلٞ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَوَيۡلٞ لَّهُم
مِّمَّا يَكۡسِبُونَ ﴿٧٩﴾ وَقَالُواْ لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا
مَّعۡدُودَةٗۚ قُلۡ أَتَّخَذۡتُمۡ عِندَ ٱللَّهِ عَهۡدٗا فَلَن يُخۡلِفَ
ٱللَّهُ عَهۡدَهُۥٓۖ أَمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٨٠﴾
بَلَىٰۚ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓـَٔتُهُۥ
فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٨١﴾
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا
وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ
حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ ثُمَّ تَوَلَّيۡتُمۡ إِلَّا
قَلِيلٗا مِّنكُمۡ وَأَنتُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٨٣﴾

[این جهولان] آیا نمی‌دانند که خدا می‌داند آنچه پنهان می‌کنند و آنچه آشکارا می‌نمایند؟. ﴿۷۷﴾ و بعضی از ایشان ناخوانندگانند، نمی‌دانند کتاب را؛ لیکن می‌دانند آرزوهای باطل را و نیستند مگر گمان کننده. ﴿۷۸﴾ پس وای آن کسان را که می‌نویسند نوشته به دست‌های خود، باز می‌گویند: این از نزدیک خدا است تا بستانند عوض وی بهایی اندک را، پس وای ایشان را به سبب نوشتن دست‌های ایشان و وای ایشان را به سبب پیشه گرفتن ایشان!. ﴿۷۹﴾ و گفتند: نرسد به ما آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده. بگو: آیا گرفتید از پیش خدا پیمانی تا هرگز خلاف نکند پیمان خود را؟! آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟![۱]. ﴿۸۰﴾ آری! هر که کرد کار بد و به گرد آمده او را گناه او، پس ایشانند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویداند. ﴿۸۱﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، ایشانند باشندگان بهشت؛ ایشان در آنجا جاویداند. ﴿۸۲﴾ و آنگاه که گرفتیم پیمان بنی اسراییل را، که نپرستید مگر خدا را، و به والدین نیکویی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بینوایان. و بگویید به مردمان، سخن نیک و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را، پس برگشتید روگردان شده؛ مگر اندکی از شما. ﴿۸۳﴾

۱- مترجم گوید: یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می‌کفتند یهود نباشند در دوزخ مگر روزی چند و این خطا است، زیرا که دخول جنت، موقوف بر ایمان به خدا و روز قیامت و پیغامبر آخر زمان است، جنس یهود و غیر آن اعتبار ندارد و اشارت به همین معنی است درین آیت، والله اعلم.

وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ لَا تَسۡفِكُونَ دِمَآءَكُمۡ وَلَا
تُخۡرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ ثُمَّ أَقۡرَرۡتُمۡ وَأَنتُمۡ
تَشۡهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تَقۡتُلُونَ أَنفُسَكُمۡ
وَتُخۡرِجُونَ فَرِيقٗا مِّنكُم مِّن دِيَٰرِهِمۡ تَظَٰهَرُونَ
عَلَيۡهِم بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَإِن يَأۡتُوكُمۡ أُسَٰرَىٰ
تُفَٰدُوهُمۡ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيۡكُمۡ إِخۡرَاجُهُمۡۚ أَفَتُؤۡمِنُونَ
بِبَعۡضِ ٱلۡكِتَٰبِ وَتَكۡفُرُونَ بِبَعۡضٖۚ فَمَا جَزَآءُ مَن
يَفۡعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمۡ إِلَّا خِزۡيٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَيَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلۡعَذَابِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ
عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡحَيَوٰةَ
ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ
يُنصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَقَفَّيۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِۦ بِٱلرُّسُلِۖ وَءَاتَيۡنَا عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ
وَأَيَّدۡنَٰهُ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِۗ أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمۡ رَسُولُۢ بِمَا
لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ ٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ فَفَرِيقٗا كَذَّبۡتُمۡ
وَفَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُواْ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ لَّعَنَهُمُ
ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلٗا مَّا يُؤۡمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و آنگاه که گرفتیم پیمان شما را که مریزید خون یکدیگر و بیرون مکنید قوم خویش را از خانه‌های خویش، پس قبول کردید حاضر آمده. ﴿۸۴﴾ باز شما آن گروهید که می‌کُشید قوم خویش را و بیرون می‌کنید گروهی را از قوم خود از خانه‌های ایشان، یکی مددکار دیگری می‌شوید بر ستم کردن در حقّ ایشان به گناه و تعدّی، و اگر اسیر شده به شما می‌آیند، فدا می‌دهید عوض ایشان و حال آن‌که حرام است بر شما بیرون کردن ایشان. آیا ایمان می‌آرید به پاره [ای] از کتاب و کافر می‌شوید به پاره [ای]؟! پس چیست جزا[ی] آن که چنین کند از شما، مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت گردانیده شوند به سوی سخت‌ترین عذاب، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید[۱]. ﴿۸۵﴾ ایشان آن کسانند که خریدند زندگانی دنیا را عوض آخرت، پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب، و نه ایشان یاری داده شوند. ﴿۸۶﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتاب و از پی در آوردیم بعد از وی پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه‌های روشن و قوت دادیم او را به روح القدس (یعنی جبرئیل) آیا هرگاه آورد پیغامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفس‌های شما، سرکشی کردید؟!. پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید ﴿۸۷﴾ و گفتند[۲]: دل‌های ما در پرده است، بلکه نفرین کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس اندکی ایمان آرند. ﴿۸۸﴾

۱- یعنی: منع کرده شدند از کشتن و جلا وطن کردن ودر ظلم، مددکاری نمودن و فرموده شدند به فدای اسیران و ایشان ازین همه احکام به فدای اسیران عمل کردند و بس؛ زیراکه موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است، طاعت خدا نیست.

۲- مترجم گوید: و دیگر از قبائح یهود آن بود که می‌گفتند: «قلوبنا غلف» یعنی: در دین خود آن قدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی‌یابد و این خطا است که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی، زیرا که آثارِ تقوی هیچ‌گاه از ایشان ظاهر نمی‌شد و اشارت به همین معنی است درین آیات.

وَلَمَّا جَآءَهُمۡ كِتَٰبٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا مَعَهُمۡ
وَكَانُواْ مِن قَبۡلُ يَسۡتَفۡتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَمَّا
جَآءَهُم مَّا عَرَفُواْ كَفَرُواْ بِهِۦۚ فَلَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى
ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِئۡسَمَا ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ أَن
يَكۡفُرُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغۡيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن
فَضۡلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ
عَلَىٰ غَضَبٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ
لَهُمۡ ءَامِنُواْ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ نُؤۡمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا
وَيَكۡفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَهُمۡۗ
قُلۡ فَلِمَ تَقۡتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبۡلُ إِن كُنتُم
مُّؤۡمِنِينَ ﴿٩١﴾ ۞وَلَقَدۡ جَآءَكُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ
ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ وَأَنتُمۡ ظَٰلِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذۡ
أَخَذۡنَا مِيثَٰقَكُمۡ وَرَفَعۡنَا فَوۡقَكُمُ ٱلطُّورَ خُذُواْ مَآ
ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱسۡمَعُواْۖ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا
وَأُشۡرِبُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡۚ قُلۡ بِئۡسَمَا
يَأۡمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٩٣﴾

و آنگاه که آمد به ایشان کتاب از نزدیک[1] خدا، باور کننده آنچه با ایشان است و پیش از این طلب فتح می‌کردند بر مشرکان، پس هرگاه آمد به ایشان آنچه می‌دانستند، منکر شدند وی را؛ پس لعنت خدا است بر آن کافران[2]. ﴿۸۹﴾ بد چیز است آنچه فروختند عوض وی خویشتن را که کافر شوند به آنچه فرود آورده است خدا، به سبب حسد بر آن که فرود آورد خدا به رحمت خود بر هر که خواهد از بندگان خود؛ پس بازگشتند به خشمی بالای خشمی و کافران را است عذاب خوار کننده. ﴿۹۰﴾ و چون گفته شود ایشان را ایمان آرید به آنچه فرود آورده است خدا، گویند: ایمان می‌آریم به آنچه فرود آورده شد بر ما و ایشان کافر می‌شوند به آنچه بجز وی است، حال آن که او راست است، باور کننده آنچه با ایشان است. بگو: پس چرا می‌کشتید پیغمبران خدا را پیش از این، اگر مؤمن بودید؟. ﴿۹۱﴾ و هرآیینه آمد به شما موسی با نشانه‌های روشن؛ پس گرفتید گوساله را پس از آن، و شما ستمکار بودید. ﴿۹۲﴾ و آنگاه که گرفتیم پیمان شما و برداشتیم بالای شما طور را، گفتیم: بگیرید آنچه دادیم شما را به قوّت و بشنوید. گفتند[3]: شنیدیم و نافرمانی کردیم و در خور کرده شد در دل‌های ایشان دوستی گوساله را به سبب کافر بودن ایشان. بگو[4]: بد چیز است آنچه می‌فرماید شما را ایمان شما، اگر هستید از اهل ایمان. ﴿۹۳﴾

۱- یعنی قرآن.

۲- تعریض است به آن قصه که: یهود خیبر با غطفان جنگ می‌کردند و هزیمت می‌یافتند، آخر دعا کردند که به طفیل محمد، نبی امی، که خروج او در آخر زمان موعود است؛ ما را نصرت ده؛ بعد از آن فتح یافتند.

۳- یعنی به زبان حال.

۴- دیگر از تحریفات یهود آن بود که می‌گفتند که داخل نخواهد شد در بهشت هیچ کس مگر یهود و این خطا است؛ زیرا که علامت بهشتیان مشتاق شدن به ملاقاتِ خداست و ایشان از مرگ هراسان بودند. و اشارت به مهمین معنی است در این آیت.

قُلۡ إِن كَانَتۡ لَكُمُ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ ٱللَّهِ خَالِصَةٗ
مِّن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ
٩٤ وَلَن يَتَمَنَّوۡهُ أَبَدَۢا بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ
بِٱلظَّٰلِمِينَ ٩٥ وَلَتَجِدَنَّهُمۡ أَحۡرَصَ ٱلنَّاسِ عَلَىٰ حَيَوٰةٖ
وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۚ يَوَدُّ أَحَدُهُمۡ لَوۡ يُعَمَّرُ أَلۡفَ سَنَةٖ
وَمَا هُوَ بِمُزَحۡزِحِهِۦ مِنَ ٱلۡعَذَابِ أَن يُعَمَّرَۗ وَٱللَّهُ
بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ٩٦ قُلۡ مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّجِبۡرِيلَ
فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ بِإِذۡنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ
يَدَيۡهِ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٩٧ مَن كَانَ عَدُوّٗا
لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَجِبۡرِيلَ وَمِيكَىٰلَ فَإِنَّ ٱللَّهَ
عَدُوّٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ ٩٨ وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ
وَمَا يَكۡفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلۡفَٰسِقُونَ ٩٩ أَوَ كُلَّمَا عَٰهَدُواْ
عَهۡدٗا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٞ مِّنۡهُمۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
١٠٠ وَلَمَّا جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٞ لِّمَا
مَعَهُمۡ نَبَذَ فَرِيقٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ كِتَٰبَ
ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ كَأَنَّهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٠١

بگو: اگر هست شما را سرای بازپسین نزد خدا به تخصیص، بجز از مردمان دیگر، پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگو. ﴿۹۴﴾ و هرگز آرزو نکنند او را هیچ‌گاه به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان، و خدا داناست به ستمکاران. ﴿۹۵﴾ و هرآیینه بیابی ایشان را حریص‌ترین مردم بر زندگانی و حریص‌تر از آنان‌که مُشرک‌اند. دوست می‌دارد یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال و نیست رهانندهٔ وی از عذاب، آن‌که عمر داده شود و خدا بیناست به آنچه می‌کنند[۱]. ﴿۹۶﴾ بگو[۲]: هر که باشد دشمن جبرئیل را [چه زیان می‌کند]؛ پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن به حکم خدا، باور دارندهٔ آنچه پیش [از] وی است و رهنما و مژده دهنده اهل ایمان را. ﴿۹۷﴾ هر که باشد دشمن، خدا را و فرشتگان وی را و پیغامبران وی را و جبرئیل و میکائیل را، پس هرآیینه خدا دشمن است آن کافران را. ﴿۹۸﴾ هرآیینه فرود آوردیم ما به سوی تو نشانه‌هایی روشن و کافر نمی‌شوند به آنها مگر بدکاران. ﴿۹۹﴾ آیا هرگاه بستند پیمانی را، بر انداخت آن را گروهی از ایشان؟ بلکه اکثر ایشان باور نمی‌دارند. ﴿۱۰۰﴾ و هرگاه که آمد به ایشان پیغامبری از نزد خدا، باور دارندهٔ آنچه با ایشان است، افکند گروهی از آن قوم که داده شده‌اند کتاب، آن کتاب خدا را پس پشت خویش، گویا نمی‌دانند. ﴿۱۰۱﴾

۱- دیگر از جمع هفوه، کلام بیهوده را گویند، هرچه از دهن برآید.

۲- دیگر از هفوات یهود آن که جبرئیل را دشمن می‌داشتند که عذاب بر امم سابقه فرود آورده؛ این خطا است که جبرئیل مأمور است از بارگاه حق عزوجل وی را چه اختیار!.

وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا
كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ
ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلۡمَلَكَيۡنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ
وَمَٰرُوتَۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ
فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ
بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ
إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ
وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ
وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿١٠٢﴾
وَلَوۡ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَمَثُوبَةٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ خَيۡرٞۚ لَّوۡ
كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقُولُواْ
رَٰعِنَا وَقُولُواْ ٱنظُرۡنَا وَٱسۡمَعُواْۗ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ
أَلِيمٞ ﴿١٠٤﴾ مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا
ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ
وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

و پیروی[۱] کردند آنچه می‌خوانند شیطانان در سلطنت سلیمان، و کافر نشد سلیمان و لیکن شیطانان کافر شدند. می‌آموختند مردمان را جادو و پیروی کردند به آنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل، هاروت و ماروت. و نمی‌آموزند هیچ کس را تا آن‌که گویند: جز این نیست که ما بلاییم، پس تو کافر مشو. پس یاد می‌گیرند از ایشان افسونی که جدایی می‌افگنند به سبب وی در میان مرد و زَنِ او، و نیستند ایشان زیان رساننده به سحر، هیچ کس را مگر به ارادهٔ خدا، و ایشان می‌کرند آنچه زیان می‌رساند ایشان را و سود ندهد ایشان را. و هرآیینه دانسته‌اند هر که بستاند جادو، نیست او را در آخرت هیچ بهره و هرآیینه بد چیز است آنچه فروختند عوض آن خویشتن را، کاش می‌دانستند. ﴿۱۰۲﴾ و اگر ایشان ایمان می‌آوردند و تقوی می‌کردند، هرآیینه ثواب از نزدیک خدا بهتر بودی، کاش می‌دانستند. ﴿۱۰۳﴾ ای مؤمنان! مگویید: «راعنا» و بگویید: «انظرنا» و نیک بشنوید و کافران راستْ عذاب درد دهنده[۲]. ﴿۱۰۴﴾ دوست نمی‌دارند آنان‌که کافر شدند از اهل کتاب ونه مشرکان، که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص می‌کند بخشایش خود هر که را خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگست. ﴿۱۰۵﴾

۱- دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر می‌کردند و سلیمان﷣، را ساحر می‌دانستند. این افترا بود بر سلیمان﷣، و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۲- دیگر از هفوات یهود آن بود که مجلس پیغامبر، آمده لفظ «راعنا» می‌گفتند و این لفظ را دو معنی است: یکی آنکه رعایت کن ما را و شفقت کن بر ما، دیگر رعونت دارنده یعنی ابله وقصد ایشان سبّ بود. حقْ سبحانه، مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّ باب فساد و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۞مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ أَوۡ نُنسِهَا نَأۡتِ بِخَيۡرٖ مِّنۡهَآ أَوۡ
مِثۡلِهَآۗ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١٠٦ أَلَمۡ
تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا
لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ١٠٧ أَمۡ
تُرِيدُونَ أَن تَسۡـَٔلُواْ رَسُولَكُمۡ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن
قَبۡلُۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلۡكُفۡرَ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ
ٱلسَّبِيلِ ١٠٨ وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم
مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم
مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ
يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٠٩
وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم
مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ
١١٠ وَقَالُواْ لَن يَدۡخُلَ ٱلۡجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوۡ
نَصَٰرَىٰۗ تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡۗ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ١١١ بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ
فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ ١١٢

هرچه نسخ می‌کنیم از آیتی یا فراموش می‌گردانیم آن را، می‌آریم بهتر از وی یا مانند وی. آیا ندانسته‌ای که خدا بر همه چیز تواناست؟[۱]. ﴿۱۰۶﴾ آیا ندانسته‌ای که خدا راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و نیست شما را بجز وی هیچ دوست و نه یاری دهنده؟. ﴿۱۰۷﴾ آیا می‌خواهید که سؤال کنید پیغامبر خود را چنانکه سؤال کرده شد موسی پیش از این؟ و هر که بستاند کفر را عوض ایمان، پس هرآیینه گم کرد راه میانه را. ﴿۱۰۸﴾ دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که کافر گردانند شما را بعد از ایمان شما به سبب حسد از نزد نفوس خود، پس از آن که واضح شد بر ایشان حق؛ پس درگذرانید و روبگردانید تا آن که آرد خدا فرمان خود را[۲]، هرآیینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۰۹﴾ و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه پیش می‌فرستید برای خویشتن از نیکوکاری، خواهید یافت آن را نزد خدا؛ هرآیینه خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۱۱۰﴾ و گفتند: هرگز به بهشت درنیاید مگر آن که یهود باشد یا ترسا باشد. این آرزوهای باطلهٔ ایشان است. بگو: آرید دلیلِ خود را، اگر هستید راستگو. ﴿۱۱۱﴾ بلی! هر که منقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نیکوکار باشد، پس او راستْ مزد او نزد پروردگار خویش و نیست ترس برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۱۱۲﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به جواب یهود که انکار نسخ می‌کردند، والله اعلم.

۲- یعنی امر کند به جهادایشان، الله اعلم.

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ لَيۡسَتِ ٱلنَّصَٰرَىٰ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَقَالَتِ
ٱلنَّصَٰرَىٰ لَيۡسَتِ ٱلۡيَهُودُ عَلَىٰ شَيۡءٖ وَهُمۡ يَتۡلُونَ
ٱلۡكِتَٰبَۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ مِثۡلَ قَوۡلِهِمۡۚ
فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ
يَخۡتَلِفُونَ ١١٣ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن
يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ
لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ
وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ ١١٤ وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ
وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ
عَلِيمٞ ١١٥ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ بَل لَّهُۥ مَا
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ١١٦ بَدِيعُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ
كُن فَيَكُونُ ١١٧ وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ لَوۡلَا
يُكَلِّمُنَا ٱللَّهُ أَوۡ تَأۡتِينَآ ءَايَةٞۗ كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِهِم مِّثۡلَ قَوۡلِهِمۡۘ تَشَٰبَهَتۡ قُلُوبُهُمۡۗ قَدۡ بَيَّنَّا ٱلۡأٓيَٰتِ
لِقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ١١٨ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗاۖ
وَلَا تُسۡـَٔلُ عَنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَحِيمِ ١١٩

و گفتند[1] یهود: نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند ترسایان: نیستند یهود بر هیچ چیز، و ایشان همه می‌خوانند کتاب را. همچنین گفتند آنان‌که نمی‌دانند[2] قول ایشان. پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کنند در آن. ﴿۱۱۳﴾ و کیست ستمکارتر از آن که منع کرد مسجدهای خدا را از آن که یاد کرده شود نام خدا در آن، و کوشش کرد در ویرانی آنها. این گروه نمی‌سزد ایشان را که در آیند به مسجدها مگر هراسان؛ ایشان راست در دنیا، خواری و ایشان راست در آخرت، عذاب بزرگ[3]. ﴿۱۱۴﴾ و خدا راست، مشرق و مغرب؛ هر سو که روآرید، همان سو روی خدا، هرآیینه خدا فراخْ نعمتِ دانا است[4]. ﴿۱۱۵﴾ و گفتند: بگرفت خدا فرزند را، پاکی او را است، بلکه او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر کسی برای وی فرمانبر دارند[5]. ﴿۱۱۶﴾ آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است و چون می‌کند کاری، پس جز این نیست که می‌گوید او را: بشو، پس می‌شود. ﴿۱۱۷﴾ و گفتند: آنان‌که هیچ نمی‌دانند (یعنی مشرکان) چرا با ما سخن نمی‌گوید خدا؟ یا نمی‌آید به ما نشانه‌ای؟ همچنین گفتند کسانی که پیش از ایشان بودند، مانند قول ایشان به یکدیگر مشابهت دارند دل‌های ایشان، هرآیینه بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که یقین می‌کنند. ﴿۱۱۸﴾ هرآیینه ما فرستادیم تو را به راستی، مژده دهنده و بیم کننده، و پرسیده نخواهد شد تو را از اهل دوزخ. ﴿۱۱۹﴾

۱- دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه از یهود و نصاری دیگر را انکار می‌کرد و اشارت به همین معنی است درین آیت.

۲- یعنی مشرکان گفتند.

۳- درین آیت، تعریض است به کفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان، والله اعلم.

۴- دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت‌المقدس منسوخ شد، استهزا می‌کردند. اشارت به همین معنی است درین آیت.

۵- دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود، عزیز را و نصاری عیسی را پسر خدا می‌گفتند. در ردّ ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد.

وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ
مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۗ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ
أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ ٱلَّذِي جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ
ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٢٠﴾ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن
يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٢١﴾ يَٰبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتِيَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَأَنِّي
فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢٢﴾ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا لَّا تَجۡزِي
نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡـٔٗا وَلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٞ وَلَا
تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٞ وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿١٢٣﴾ ۞وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ
إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٖ فَأَتَمَّهُنَّۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ
لِلنَّاسِ إِمَامٗاۖ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِيۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهۡدِي
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٢٤﴾ وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا
وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ
وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ
وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿١٢٥﴾ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ
هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ
مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ
قَلِيلٗا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ
﴿١٢٦﴾

و هرگز خوشنود نشوند از تو یهودان و نه ترسایان، تا آن که پیروی کنی کیش ایشان را. بگو: هرآیینه هدایت خدا، همان است هدایت. اگر پیروی کردی آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس آنچه آمده است به تو از دانش، نباشد تو را برای خلاص از عذاب خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای. ﴿۱۲۰﴾ آنان‌که دادیم ایشان را کتاب (یعنی تورات) آنان‌که می‌خوانند آن را حقِّ خواندن آن، ایشان باور می‌دارند هدایت خدا را. و هر که منکر وی باشد، پس ایشانند زیانکاران[۱]. ﴿۱۲۱﴾ ای بنی اسراییل! یاد کنید آن نعمت مرا که انعام کرده‌ام بر شما و آن‌که فضل دادم شما را بر همهٔ عالم‌ها. ﴿۱۲۲﴾ و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود از کسی بدل و سود ندهد او را شفاعت و نه ایشان یاری داده شوند[۲]. ﴿۱۲۳﴾ و یاد کن، چون بیازمود ابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم به انجام رسانید آنها را گفت خدا: هرآیینه من می‌گردانم تو را پیشوای مردمان. گفت ابراهیم: و از اولاد من نیز پیشوایان پیدا کن. فرمود: نرسد وحی من به ظالمان. ﴿۱۲۴﴾ و آنگاه که ساختیم کعبه را مرجع مردمان و محل امن، و بگیرید نمازگاه از جای قدم ابراهیم. و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسمعیل که پاک سازید خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع سجده کنندگان. ﴿۱۲۵﴾ و آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بساز این مکان را شهر با امن و روزی ده ساکنان آن را از میوه‌ها وروزی ده آن را که ایمان آورد از ایشان به خدا و روز بازپسین. فرمود خدا: و کسی که کافر شود، بهره‌مند گردانمش اندکی؛ پس به بیچارگی برانم او را به سوی عذاب آتش و آن بدجایی است. ﴿۱۲۶﴾

۱- یعنی آنانکه تورات را می‌فهمند تصدیق شریعت محمدیّه می‌کنند و آنانکه تصدیق نمی‌کنند، تورات را نمی‌فهمند.

۲- مترجم گوید: ازین جا تا «سیقول السفهاء» خدای تعالی اثبات می‌فرماید نبوت پیغمبر ما راﷺ از قصهٔ دعای حضرت ابراهیم که در تورات مذکور است و ترجیح می‌دهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن مبعوث‌اند و رد می‌کند قول یهود را که حضرت یعقوب ما را به یهودیت وصیت کرده است و از تفریق در انبیا نهی می‌فرماید؛ یعنی معتقد بعضی باشد و منکر بعضی.

وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِـۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ
رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا
وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ
وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ
عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ
وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَن يَرۡغَبُ
عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ
ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذۡ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسۡلِمۡۖ قَالَ أَسۡلَمۡتُ
لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبۡرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعۡقُوبُ
يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا
وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ
يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ
قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ
وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلۡكَ
أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا
تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

و آنگاه که بلند می‌کردند ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را گفتند: ای پروردگار ما! قبول کن از ما، هرآیینه تویی شنوا[ی] دانا. ﴿۱۲۷﴾ ای پروردگار ما! و بکن ما را فرمانبردار خودت و از اولاد ما بکن گروهی منقاد خودت و بنما ما را طریق عبادت‌های ما و به مهربانی بازآ بر ما، هرآیینه تویی باز آیندهٔ مهربان. ﴿۱۲۸﴾ ای پروردگار ما! بفرست در میان ایشان پیغامبری از ایشان، بخواند بر ایشان آیت‌های تو و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را؛ هرآیینه تویی توانا[ی] دانا. ﴿۱۲۹﴾ و کیست که روبگرداند از کیش ابراهیم مگر آن‌که در احمقی افگند نفس خود را و هرآیینه برگزیدیم او را در این سرای و هرآیینه او در سرای دیگر از شایستگان است. ﴿۱۳۰﴾ آنگاه که گفت او را پروردگار او که: منقاد شو، گفت: منقاد شدم مر پروردگار عالم‌ها را. ﴿۱۳۱﴾ و وصیّت کرد به این کلمه ابراهیم، پسران خود را و یعقوب نیز فرزندانش را: ای فرزندان من! هرآیینه خدا برگزیده است برای شما این دین را، پس از این جهان نمیرید، مگر مسلمان شده. ﴿۱۳۲﴾ آیا حاضر بودید آنگاه که پیش آمد یعقوب را موت، آنگاه که گفت فرزندان خود را: چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من؟ گفتند: عبادت کنیم معبود تو را و معبود پدران تو را که ابراهیم و اسمعیل و اسحاقند، عبادت کنیم آن معبود یگانه را و ما او را منقادیم. ﴿۱۳۳﴾ این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و شما راست آنچه کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه آن گروه می‌کردند. ﴿۱۳۴﴾

وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ
إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١٣٥ قُولُوٓاْ
ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ
وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ
مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ
بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ١٣٦ فَإِنۡ ءَامَنُواْ
بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا
هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ
١٣٧ صِبۡغَةَ ٱللَّهِ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبۡغَةٗۖ وَنَحۡنُ
لَهُۥ عَٰبِدُونَ ١٣٨ قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا
وَرَبُّكُمۡ وَلَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ
مُخۡلِصُونَ ١٣٩ أَمۡ تَقُولُونَ إِنَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ
وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطَ كَانُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰۗ
قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ ٱللَّهُۗ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً
عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٤٠
تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا
كَسَبۡتُمۡۖ وَلَا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٤١

و گفتند: شوید جهود یا ترسا تا راه بیابید، بگو: بلکه به ملّت ابراهیم هستیم که حنیف بود و نبود از اهل شرک. ﴿۱۳۵﴾ بگویید: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شد به سوی ما و به آنچه فرود آورده شد به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذرّیتِ یعقوب و به آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش، تفریق نمی‌کنیم در میان هیچ‌کس از ایشان و ما برای حق، عزّوجل، منقادیم. ﴿۱۳۶﴾ پس اگر باور دارند آنچه باور داشتید شما، پس راه یافتند و اگر برگشتند، پس جز این نیست که ایشان در مخالفتند. پس زود باشد که کفایت کند خدا به انتقام تو ایشان را و اوست شنوا[ی] دانا. ﴿۱۳۷﴾ قبول کردیم رنگ خدا را[1] و کیست بهتر از خدا به اعتبار رنگ و ما او را پرستندگانیم. ﴿۱۳۸﴾ بگو: آیا مکابره می‌کنید با ما در باب خدا و او پروردگار ما و شما است؟ و ما راست، کردارهای ما و شما راست، کردارهای شما و ما او را به اخلاص پرستندگانیم. ﴿۱۳۹﴾ آیا می‌گویید که: هرآیینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان او یهود بودند یا ترسا بودند؟ بگو: شما داناترید یا خدا! و کیست ستمکارتر از آن که بپوشد آن گواهی را که اوست از جانب خدا، و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۱۴۰﴾ این گروهی است که درگذشت، وی راست آنچه کردند و شما راست آنچه شما کردید و پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان می‌کردند. ﴿۱۴۱﴾

۱- یعنی دین او را.

۞سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمۡ عَن قِبۡلَتِهِمُ
ٱلَّتِي كَانُواْ عَلَيۡهَاۚ قُل لِّلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ يَهۡدِي
مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَٰلِكَ
جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ
وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ وَمَا جَعَلۡنَا
ٱلۡقِبۡلَةَ ٱلَّتِي كُنتَ عَلَيۡهَآ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يَتَّبِعُ ٱلرَّسُولَ
مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِۚ وَإِن كَانَتۡ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى
ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡۚ إِنَّ
ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١٤٣﴾ قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ
وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ
وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ
وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا
يَعۡمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنۡ أَتَيۡتَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ بِكُلِّ
ءَايَةٖ مَّا تَبِعُواْ قِبۡلَتَكَۚ وَمَآ أَنتَ بِتَابِعٖ قِبۡلَتَهُمۡۚ وَمَا
بَعۡضُهُم بِتَابِعٖ قِبۡلَةَ بَعۡضٖۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم
مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ إِنَّكَ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿١٤٥﴾

[1]خواهند گفت بی‌خردان از مردم: چه چیز برگردانید ایشان را از آن قبله که ایشان که بودند بر آن(یعنی بیت المقدس). بگو خدا راست، مشرق و مغرب؛ راه می‌نماید هر که خواهد به سوی راه راست. ﴿۱۴۲﴾ و همچنین ساختیم شما را گروهی مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما، و مقرر نکردیم آن قبله راکه بودی بر آن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آن‌که بدانیم کسی را که پیروی پیغامبر کند، جدا از آن کس که باز گردد بر هر دو پاشنه، و هرآیینه هست این خصلت، دشوار مگر بر آنان‌که ایشان را راه نموده است خدا، و خدا ضایع نمی‌سازد گرویدن شما را، هرآیینه خدا به مردمان بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۱۴۳﴾ به تحقیق می‌بینیم گشتن روی تو در جانب آسمان[2]، پس البته متوجّه گردانیم تو را به آن قبله که خوشنود می شوی به آن؛ پس متوجّه گردان روی خود را به طرف مسجد حرام و هرجاکه باشید متوجّه گردانید روی‌های خویش را به طرف آن، و هرآیینه اهل کتاب می‌دانند که این راست از پروردگار ایشان و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می کنند. ﴿۱۴۴﴾ و هرآیینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هر نشانه‌ای، هرگز پیروی نکنند قبلهٔ تو را و نیستی تو پیروی کننده؛ قبلهٔ ایشان را؛ و نیستند بعضی ایشان، پیروی کننده قبلهٔ بعض دیگر را و اگر تو پیروی کنی خواهش‌های نفسانی ایشان را بعدِ آنچه آمده است به تو از دانش، هرآیینه تو باشی آن گاه از ستمکاران. ﴿۱۴۵﴾

۱- مترجم گوید: چون آن حضرتﷺ، به مدینه هجرت فرمود، شانزده ماه یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نماز می‌گزارد، آرزو می‌کرد که خدایْ تعالی کعبه را قبلهٔ وی سازد. خدای تعالی نازل کرد «قد نری تقلب» الی آخره، بعد از آن جواب شبهه سفها درین مسأله نازل کرد «سیقول السفهاء» و بعد از آن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد و در بسیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی‌کردند، بیان حقیقت حال فرمود و ردّ و ابطال شبهات مخالفین کرد و سؤال‌های ایشان را جواب داد و این سیاق ممتد است تا آخر؛ والله اعلم.

۲- یعنی آنچه در سابق، علم الهی مقرر شد، آن است که قبلهٔ امت محمد مصطفیﷺ، کعبه باشد و توجه به بیت المقدس یک چند مدت بنابر حکمت، امتحان است.

ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ
أَبۡنَآءَهُمۡۖ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنۡهُمۡ لَيَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَهُمۡ
يَعۡلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
ٱلۡمُمۡتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلّٖ وِجۡهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَاۖ فَٱسۡتَبِقُواْ
ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ أَيۡنَ مَا تَكُونُواْ يَأۡتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًاۚ إِنَّ
ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿١٤٨﴾ وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ
فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ وَإِنَّهُۥ لَلۡحَقُّ مِن
رَّبِّكَۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنۡ حَيۡثُ
خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ
مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ
لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ فَلَا
تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِي وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ
وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا
مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ
وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ
تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ
لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَعِينُواْ
بِٱلصَّبۡرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾

کسانی که داده‌ایم ایشان را کتاب، می‌شناسند وی را چنانکه می‌شناسند[1] فرزندان خویش را و هرآیینه گروهی از ایشان، می‌پوشند حق را دانسته[2]. ﴿۱۴۶﴾ این درست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرندگان. ﴿۱۴۷﴾ و هر کسی را جانبی هست که آن متوجّهٔ آن است، پس شتاب کنید به سوی نیکی‌ها، هرجاکه باشید بیارد شما را خدا جمع ساخته، هرآیینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۴۸﴾ و هرجا که رَوی پس متوجّه کن رُوی خود را جانب مسجد الحرام و هرآیینه وی راست است از پروردگار تو و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۱۴۹﴾ و هرجاکه رَوی پس متوجّه کن رویِ خود را جانب مسجد الحرام و هرجاکه باشید، پس متوجّه کنید روهای خویش را جانب وی، تا نباشد مردمان را الزام بر شما، مگر آنان‌که ستم کرده‌اند از این جماعت، پس مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا بُوَد که راه یابید. ﴿۱۵۰﴾ چنانکه فرستادیم پیغامبری در میان شما از قوم شما، می‌خواند بر شما آیت‌های ما و پاک می‌سازد شما را و می‌آموزد شما را کتاب و علم و می‌آموزد شما را آنچه نمی‌دانستید. ﴿۱۵۱﴾ پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و سپاس گویید مرا و ناسپاسی من مکنید. ﴿۱۵۲﴾ ای مسلمانان! مدد جویید در تحصیل ثواب آخرت به صبر و نَماز و هرآیینه خدا با صابران است. ﴿۱۵۳﴾

۱- بعضی از عالمان، از ضمیر «یَعرِفُونَهُ» پیغمبر را مراد گرفته‌اند، والله اعلم [مصحح].

۲- یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

وَلَا تَقُولُواْ لِمَن يُقۡتَلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتُۢۚ بَلۡ
أَحۡيَآءٞ وَلَٰكِن لَّا تَشۡعُرُونَ ١٥٤ وَلَنَبۡلُوَنَّكُم بِشَيۡءٖ
مِّنَ ٱلۡخَوۡفِ وَٱلۡجُوعِ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَنفُسِ
وَٱلثَّمَرَٰتِۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم
مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ
عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥٧ ۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ
فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن
يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ
١٥٨ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ
وَٱلۡهُدَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
أُوْلَٰٓئِكَ يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلۡعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ١٥٩ إِلَّا ٱلَّذِينَ
تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَبَيَّنُواْ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَتُوبُ عَلَيۡهِمۡ وَأَنَا
ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٠ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمۡ
كُفَّارٌ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةُ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ
أَجۡمَعِينَ ١٦١ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ
وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ١٦٢ وَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا
هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ١٦٣

و مگویید کسی را کشته شود در راهِ خدا که ایشان
مردگانند، بلکه ایشان زنده‌اند و لیکن شما آگاه نمی‌شوید.
«۱۵۴» و هرآیینه بیازماییم شما را به چیزی از ترس و
گرسنگی و نقصان مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها و بشارت ده
صابران را. «۱۵۵» آنان‌که چون برسد بدیشان سختی،
گویند: هرآیینه ما از آنِ خداییم و هرآیینه ما به سوی وی
باز خواهیم گردید. «۱۵۶» این گروه، بر ایشان است
درودها از پروردگار ایشان و بخشایش، و ایشانند
راه‌یافتگان. «۱۵۷» هرآیینه صفا و مروه از نشانه‌های خدا
است؛ پس هر که حجِّ خانه کند یا عمره بجا آورد، پس بزه
نیست بروی در آن‌که طواف کند در میان این هر دو[1] و
هر که نیکی بجا آرد، پس خدا قبول کننده داناست.
«۱۵۸» هرآیینه آنان‌که می‌پوشند آنچه فرود آورده‌ایم از
سخنان روشن و هدایت، بعد از آن که بیان کردیم آن را
برای مردمان در کتاب، آن گروه لعنت می‌کند ایشان را
خدا و لعنت می‌کنند ایشان را لعنت کنندگان. «۱۵۹»
مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و
بیان کردند؛ پس این گروه، به مهربانی باز می‌گردم برایشان
و منم باز گردندهٔ مهربان. «۱۶۰» هرآیینه آنان‌که کافر
شدند و کافر مردند، آن گروه، برایشان است لعنت خدا و
فرشتگان و مردمان، همه یکجا. «۱۶۱» همیشه باشند در
آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان
مهلت داده شوند. «۱۶۲» و معبود شما خدای یگانه است،
نیست هیچ معبود بجز وی، بخشایندهٔ مهربان است.
«۱۶۳»

۱- بعض اهل اسلام، صفا ومروه را از شعائر طوافیت گمان کرده از آن دست بازداشتند پس نازل شد این آیه.

إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ
وَٱلنَّهَارِ وَٱلۡفُلۡكِ ٱلَّتِي تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِمَا يَنفَعُ
ٱلنَّاسَ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٖ فَأَحۡيَا بِهِ
ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖ
وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلۡمُسَخَّرِ بَيۡنَ ٱلسَّمَآءِ
وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن
يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ
إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ
شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ
ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ ﴿١٦٦﴾
وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ لَوۡ أَنَّ لَنَا كَرَّةٗ فَنَتَبَرَّأَ مِنۡهُمۡ كَمَا
تَبَرَّءُواْ مِنَّاۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡ حَسَرَٰتٍ
عَلَيۡهِمۡۖ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ ﴿١٦٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّاسُ كُلُواْ مِمَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا وَلَا تَتَّبِعُواْ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا
يَأۡمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلۡفَحۡشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا
لَا تَعۡلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

هرآیینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز و آن کشتی که می‌رود در دریا به آنچه سود می‌دهد مردم را (یعنی به تجارت) و در آن‌که فرود آورد خدا از آسمان آب، پس زنده ساخت به سبب آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت در زمین، هر نوع جنبنده، و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده شدهٔ میان آسمان و زمین، هرآیینه نشانه‌هاست آن گروه راکه در می‌یابند. ﴿۱۶۴﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گیرد بجز خدا همتایان را، دوست می‌دارند ایشان را مانند دوستی خدا، و کسانی که ایمان آوردند، قوی‌ترند در دوستیِ خدا و عجب کند بیننده اگر ببیند کسانی را که ستم کردند در آن حالت که معاینه کنند عذاب را به سبب آن‌که توانایی خدا راست تمام آن و به سبب آن که خدا سختْ عقوبت است. ﴿۱۶۵﴾ در آن حالت که بیزار شوند پیشوایان کفر از تابعان و بینند عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همهٔ اسباب (یعنی وسیله‌ها). ﴿۱۶۶﴾ و گویند پیروی کنندگان: کاش ما را بازگشتی باشد تا بیزاری کنیم از آن پیشوایان، چنانکه بیزار شدند ایشان از ما. همچنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای ایشان را پشیمانی‌ها بر ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ. ﴿۱۶۷﴾ ای مردمان! بخورید حلال و پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام‌های شیطان را، هرآیینه او شما را دشمن آشکار است[1]. ﴿۱۶۸﴾ جز این نیست که می‌فرماید شما را به بدکاری و بی‌حیایی و به آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمی‌شناسید. ﴿۱۶۹﴾

۱- مترجم گوید: اهل جاهلیّت چیزها را نزد خویش حرام ساخته بودند به حائر و سوائب، خدای تعالی در ردّ ایشان نازل کرد [فتح الرحمن].

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَآ
أَلۡفَيۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ءَابَآؤُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ
شَيۡـٔٗا وَلَا يَهۡتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ كَمَثَلِ
ٱلَّذِي يَنۡعِقُ بِمَا لَا يَسۡمَعُ إِلَّا دُعَآءٗ وَنِدَآءٗۚ صُمُّۢ بُكۡمٌ
عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ
مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ
إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ
وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ ٱللَّهِۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ
غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ
رَّحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡتُمُونَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلۡكِتَٰبِ وَيَشۡتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَٰٓئِكَ مَا
يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ إِلَّا ٱلنَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡعَذَابَ
بِٱلۡمَغۡفِرَةِۚ فَمَآ أَصۡبَرَهُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ
نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿١٧٦﴾

و چون گفته شود ایشان را: پیروی کنید آن را که فرود آورده است خدا، گویند: بلکه پیروی می‌کنیم چیزی را که یافته‌ایم بر وی پدران خویش را. آیا تقلید می‌کنند اگرچه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را و راه نمی‌یافتند؟. ﴿۱۷۰﴾ و داستان پند دادن کافران، مانند حال کسی هست که بانگ می‌زند آن چیز را که نمی‌شنود مگر فی الجمله خواندن و آواز بلند کردن. کافران کرانند، گنگانند، کورانند، پس ایشان هیچ نمی‌فهمند. ﴿۱۷۱﴾ ای مسلمانان! بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را و سپاس گویید خدا را، اگر او را می‌پرستید. ﴿۱۷۲﴾ جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه آواز بلند کرده شود در ذبح آن به غیرِ خدا. پس هر که بی‌چاره شود نه تعدی کننده و نه از حدّ در گذرنده، پس گناه نیست بر وی[1]. هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است[2]. ﴿۱۷۳﴾ هرآیینه کسانی که می‌پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می‌ستانند عوض آن بهایی اندک، آن جماعت نمی‌خورند در شکم‌های خود مگر آتش را و سخن نگوید با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک کند ایشان را و ایشان راستْ عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۴﴾ ایشانند آنان‌که خرید کردند گمراهی را عوض هدایت و عذاب را عوض آمرزش، پس چه شکیبایند ایشان بر دوزخ!. ﴿۱۷۵﴾ این همهٔ به سبب آن است که خدا فرود آورد کتاب را به راستی، و هرآیینه آنان‌که اختلاف کردند در کتاب، هرآیینه در مخالفت، دورند از صواب. ﴿۱۷۶﴾

۱- یعنی در خوردن آن چیزها.

۲- مترجم گوید: که اگر گویی که درین آیت حصر کرده شد تحریم را در اشیای مذکوره، حال آنکه در حدیث، سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است، پس وجه تطبیق چه باشد؟ گویم: حصر اضافی است به نسبت به حائر و سوائب که حرام می‌دانست. پس در بهیمهٔ الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر اشیای مذکوره و در خبائث و سباع و مانند آن سخن نداشتند، والله اعلم.

۞لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِصَاصُ فِي ٱلۡقَتۡلَىۖ ٱلۡحُرُّ بِٱلۡحُرِّ وَٱلۡعَبۡدُ بِٱلۡعَبۡدِ وَٱلۡأُنثَىٰ بِٱلۡأُنثَىٰۚ فَمَنۡ عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ شَيۡءٞ فَٱتِّبَاعُۢ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيۡهِ بِإِحۡسَٰنٖۗ ذَٰلِكَ تَخۡفِيفٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَرَحۡمَةٞۗ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ إِن تَرَكَ خَيۡرًا ٱلۡوَصِيَّةُ لِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنۢ بَدَّلَهُۥ بَعۡدَ مَا سَمِعَهُۥ فَإِنَّمَآ إِثۡمُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿١٨١﴾

نیست نیکوکاری آن‌که متوجّه کنید روهای خود را به طرف مشرق و مغرب[۱] و لیکن صاحب نیکوکاری آن است[۲] که باور دارد خدا را و روز قیامت را و فرشتگان را و کتاب و پیغامبران را و بدهد مال را با وجود دوست داشتن آن مال، خداوندان خویشی را و یتیمان را و فقیران را و مسافران را و سؤال کنندگان را و خرج کند در باب برده‌ها[۳] و برپا دارد نماز را و بدهد زکات را، و وفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کنند و صبر کنندگان را در تنگ‌دستی و سختی و به وقت کارزار، ایشانند راستگو و ایشانند پرهیزگاران. ﴿۱۷۷﴾ ای مسلمانان! لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان[۴]، آزاد در مقابلۀ آزاد است[۵] و بنده در مقابلۀ بنده و زن در مقابلۀ زن پس کسی که در گذشته شد او را چیزی از خون برادرش[۶]، پس حکم آن پیروی کردن است به نیکویی[۷] و رسانیدن خون بهاست به وی به خوش خویی[۸]. این حکم سبک کردن است از سوی پروردگار شما و مهربانی است، پس هر که از حد گذرد بعد از این، وی راستْ عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۸﴾ و شما را به سبب قصاص، زندگانی است ای خداوندان خرد، تا باشد که پرهیزگاری کنید[۹]. ﴿۱۷۹﴾ لازم کرده شد بر شما وقتی که پیش آید کسی را از شما موت، اگر مال بگذارد، وصیّت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی؛ لازم شد این کار بر متّقیان. ﴿۱۸۰﴾ پس هر که بدل کند وصیّت را بعد از آن که شنیدش، پس جز این نیست که گناهِ تبدیل بر آن کسان است که بَدَل می‌کنند آن وصیّت را، هرآیینه خدا شنوای داناست. ﴿۱۸۱﴾

۱- یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری زعم می‌کنند، نیکوکاری نیست، بلکه منسوخ شده است.

۲- یعنی صاحب آن نکوکاری که ملت‌ها در آن اختلاف ندارند (فتح).

۳- یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

۴- یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان.

۵- یعنی مثل اوست در حکم.

۶- یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول.

۷- یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

۸- یعنی قاتل به خوش خویی ادا نماید نه به صعوبت.

۹- اهل جاهلیت، شریف را در مقابله وضیع نمی‌کشتند و در مقابله شریف چند کس از وضیع می‌کشتند. خدایْ تعالی نازل فرمود که حکم الهی به اعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان؛ به این معنی که احرار را حکم جداست که هر حرّ مثل حرّ دیگرست در آن حکم. و عبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست در آن حکم و زنان را حکم جداست که هر زن مثل زن دیگرست در آن حکم و امتیاز زنان است حکم در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص. پس هر فردی ازین اجناس، مساوی است با فرد دیگر؛ هر چند بعضی شریف باشد و بعضی وضیع و بعضی جمیل و بعضی دمیم، بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت، زیاده کرده است دوو جنس دیگر. مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابلۀ کافر پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون‌بها قبول نمایند، ولی دوم را باید که به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی و قاتل را باید که به خوشخوئی ادا کند نه به بدخویی.

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ
فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ
مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍۚ
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ
أَيَّامٍ أُخَرَۚ وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍۖ
فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُۥۚ وَأَن تَصُومُواْ خَيْرٌ
لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ
أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ
وَٱلْفُرْقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُۖ وَمَن
كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ
ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ
ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ
أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِي
وَلْيُؤْمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

پس هر که دریابد از وصیّت کننده، ظلمی یا گناهی، پس صلاح آرد در میان ایشان، پس هیچ گناه نیست بر وی، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است[۱]. ﴿۱۸۲﴾ ای کسانی که ایمان آوردند، لازم کرده شد بر شما روزه داشتن، چنانکه لازم کرده شد بر کسانی که پیش از شما بودند؛ تا باشد که پرهیزگاری کنید. ﴿۱۸۳﴾ [روزه داشتنِ] چند روز شمرده شده پس هر که باشد از شما بیمار یا مسافر، پس لازم است شمار آن از روزهای دیگر و لازم است بر آنان که می‌توانند روزه داشتن [و روزه نمی‌دارند] فدیه‌ای[۲] که عبارت از خوراک یک درویش است. پس هر که بجا آرد نیکی این بهتر است او را و آن که روزه دارید بهتر است شما را اگر می‌دانید[۳]. ﴿۱۸۴﴾ ماه رمضان آن است که فرود آورده شد در وی قرآن؛ راهنمایی برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل. پس هر که دریابد از شما آن ماه را، پس البته روزه‌دارد آن را و هر که بیمار باشد یا مسافر، پس بر وی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر. می‌خواهد خدا به شما آسانی و نمی‌خواهد به شما دشواری و می‌خواهد که تمام کنید شمار را و به بزرگی یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نمود شما را و تا باشد که شما شاکر شوید. ﴿۱۸۵﴾ و چون استفسار کنند تو را بندگان من از حال من، پس هرآیینه من نزدیکم، قبول می‌کنم دعای دعا کننده، وقتی که دعا کند مرا. پس باید که فرمانبرداری کنند برای من و باید که بگروند به من تا باشد که راه یابند. ﴿۱۸۶﴾

۱- حکم وصیت، منسوخ است به آیت مواریث.

۲- مضمون این آیت تخییر است در صوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می‌آید. مترجم گوید: شاید که معنای آیت چنین باشد که واجب است بر آنان که می‌توانند داد فدیه را، دادن فدیه که عبارت از طعام یک درویش است. مراد صدقه الفطر است و سنت آن را مقدر کرد به یک صاع خرما یا صاع از طعام، پس آیت، محکم باشد نه منسوخ و شاید که معنای آیت چنین باشد: واجب است بر آنان که می‌توانند قضا کردن یعنی و قضا نکردند تا آنکه رمضان دیگر درآمد، والله اعلم.

۳- فدیه دادن که عبارت از طعام یک مسکین است و آن مقدر است به یک مد و این حکم، منقول است از قاسم و سعید بن جبیر وهمین است مذهب شافعی و درین صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

أُحِلَّ لَكُمۡ لَيۡلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَآئِكُمۡۚ هُنَّ
لِبَاسٞ لَّكُمۡ وَأَنتُمۡ لِبَاسٞ لَّهُنَّۗ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ
كُنتُمۡ تَخۡتَانُونَ أَنفُسَكُمۡ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ وَعَفَا
عَنكُمۡۖ فَٱلۡـَٰٔنَ بَٰشِرُوهُنَّ وَٱبۡتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ
لَكُمۡۚ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ
ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ
ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي
ٱلۡمَسَٰجِدِۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقۡرَبُوهَاۗ كَذَٰلِكَ
يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ وَلَا
تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ وَتُدۡلُواْ بِهَآ إِلَى
ٱلۡحُكَّامِ لِتَأۡكُلُواْ فَرِيقٗا مِّنۡ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ بِٱلۡإِثۡمِ
وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿١٨٨﴾ ۞يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ
مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّۗ وَلَيۡسَ ٱلۡبِرُّ بِأَن تَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ
مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنِ ٱتَّقَىٰۗ وَأۡتُواْ ٱلۡبُيُوتَ
مِنۡ أَبۡوَٰبِهَاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَٰتِلُواْ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

حلال کرده شد برای شما در شبِ روزه، مخالطت کردن با زنان خود، ایشان بمنزلهٔ پوششند شما را و شما به جای پوششید ایشان را، دانست خدا که شما خیانت می‌کردید در حقّ خویشتن، پس به مهربانی بازگشت بر شما و درگذشت از شما. پس الحال مخالطت کنید با زنان خود و طلب کنید آنچه مقدّر کرده است خدا برای شما (یعنی اولاد) و بخورید و بنوشید تا آن‌که روشن شود برای شما رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه؛ مراد از رشتهٔ سفید فجر است، پس از آن تمام کنید روزه را تا شب و مساس مکنید زنان را در حالی که معتکف باشید در مسجدها. اینها منهیّات خدا است، پس نزدیک مشوید به آنها. همچنین بیان می‌کند خدا آیت‌های خود را برای مردمان تا پرهیزگاری کنند. ﴿۱۸۷﴾ و مخورید اموال خویش را به ناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوت) تا بخورید پاره‌ای از اموال مردمان به ستم، دانسته. ﴿۱۸۸﴾ می‌پرسند تو را[1] از ماه‌هایی (یعنی از شهر حج)، بگو اینها میعادند برای مردمان و برای حج[2] و نیست نیکوکاری آن که درآیید در خانه‌ها را، [در حالت احرام] از پَسِ پشتِ آنها و لیکن صاحب نیکوکاری آن است که پرهیزگاری کند، و درآیید در خانه‌ها از راه دروازه‌ها و حذر کنید از خدا تا باشد که رستگار شوید. ﴿۱۸۹﴾ و جنگ کنید در راه خدا با آنان که جنگ می‌کنند با شما و از حد مگذرید، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد از حد گذرندگان را. ﴿۱۹۰﴾

۱- مترجم گوید: ظاهر، نزدیک این بنده آن است که سؤال کردند از اشهر حج که شوال و ذیقعده و نه روز از ذی‌الحجه باشد که آیا حج موقت است به آنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که در حالت احرام از بالای دیوار جسته و یا از سوراخ دیوارگذشته به خانه می‌آمدند و از راه دروازه نمی‌آمدند، پس نازل شد این آیت.

۲- یعنی تا مردمان، احرام حج بندند در آنها [فتح الرحمن].

وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ
أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ
فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٩٢﴾ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ
وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩٣﴾ ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ
قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا
ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ
ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ
إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٩٥﴾
وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ
ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ
مِّن صِيَامٍ أَوۡ صَدَقَةٍ أَوۡ نُسُكٖۚ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَمَن تَمَتَّعَ
بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ
فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٖ فِي ٱلۡحَجِّ وَسَبۡعَةٍ إِذَا رَجَعۡتُمۡۗ تِلۡكَ
عَشَرَةٞ كَامِلَةٞۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمۡ يَكُنۡ أَهۡلُهُۥ حَاضِرِي
ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ
ٱلۡعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

و بکشید مشرکان را، هرجاکه بیابید ایشان را و بیرون کنید
ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را (یعنی از مکه) و
غلبۀ شرک سخت‌تر است از قتل[1] و کارزار مکنید با
ایشان نزدیک مسجد حرام تا آن‌که کارزار کنند با شما در
آنجا، پس اگر بجنگند با شما، پس بکشید ایشان را
همچنین است سزای کافران. ﴿۱۹۱﴾ پس اگر بازماندند،
پس هرآیینه خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿۱۹۲﴾ و بجنگید
با ایشان تا آن که نابود شود شرک و شود دین محض،
برای خدا. پس اگر بازماندند[2]، پس نیست دست‌درازی
مگر بر ستمکاران. ﴿۱۹۳﴾ ماه حرام، عوض ماه حرام است
و بزرگی‌ها با یکدیگر عوض می‌شود؛ پس هر که تعدّی
کند بر شما، پس دست‌درازی کنید بر وی مانند
دست‌درازیِ وی بر شما و حذر کنید از خدا و بدانید که
خدا با پرهیزگاران است[3]. ﴿۱۹۴﴾ و خرج کنید در راه
خدا و مَیَفکنید خویشتن را به سوی هلاک و نیکوکاری
کنید، هرآیینه خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را. ﴿۱۹۵﴾
و تمام کنید حج و عمره را برای خدا؛ پس اگر بازداشته
شوید، لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و متراشید
سرهای خود را تا آن که برسد قربانی به جایش[4]، پس هر
که باشد از شما بیمار یا او را رنجی باشد در سر او[5]، پس
لازم است عوض آن روزه یا صدقه یا قربانی؛ پس چون
ایمن شد، پس هر که بهره‌ور شد به سبب ادای عمره تا
وقت حج، پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانی؛ پس
لازم است روزه داشتنِ سه روز در وقت حج و هفت روز
وقتی که بازگردید از سفر، این یک دهۀ تمام است؛ این
حکم، آن راست که نباشد قبیلۀ وی، باشندۀ مسجد حرام و
حذر کنید از خدا و بدانید که خدا سختْ عقوبت است[6].
﴿۱۹۶﴾

۱- یعنی در مقابله او قتل جائز است.

۲- یعنی از شرک.

۳- حاصل این آیات آن است که در مسجد حرام و در شهر حرام ابتدا به قتل نباید کرد و چون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد، چنانکه ابتدا از کشتن مسلمان درست نیست و اگر خون ناحق رسخته باشد، به قصاص می‌توان کشت و فقها به آن سبب تصریح نکرده‌اند که اقامت حربیان به مکه بعد فتح مکه بودنی نیست، والله اعلم.

۴- یعنی در حج، رمی جمرة العقبه کنند به منی ودر عمره از سعی بین الصفا و المروه فارغ شوند به مکه، والله اعلم.

۵- یعنی شپش بسیار داشته باشد و به این سبب حلق کند پیش از محل، والله اعلم.

۶- درین آیت، چند حکم، مذکور شده است و جواب امام حج و عمره بعد از شروع و حکم احصار و کفارت ارتکاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر متمتع، والله اعلم.

ٱلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَٰتٌۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلْحَجَّ فَلَا
رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلْحَجِّۗ وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ
خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيْرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقْوَىٰۖ
وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
أَن تَبْتَغُواْ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْۚ فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ
عَرَفَٰتٍ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِۖ وَٱذْكُرُوهُ
كَمَا هَدَىٰكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ
﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسْتَغْفِرُواْ
ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَإِذَا قَضَيْتُم
مَّنَٰسِكَكُمْ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَآءَكُمْ أَوْ
أَشَدَّ ذِكْرًاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي
ٱلدُّنْيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلْأٓخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُم مَّن
يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي ٱلْأٓخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا
كَسَبُواْۚ وَٱللَّهُ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

حج، موقّت است به ماهِ دانسته شده[1]، پس هر که لازم کرد بر خود در این ماهها حج را (یعنی احرام بست)، پس مخالطت زنان جایز نیست و نه بدکاری و نه باهم مناقشه کردن در حج. و هرچه می‌کنید از نیکی، می‌داند آن را خدا، و توشه همراه گیرید؛ هرآیینه بهترین فواید توشه، پرهیزگاری است (یعنی از سؤال و دزدی) و از من بترسید ای خداوندان خرد. ﴿۱۹۷﴾ نیست شما را گناهی در آن‌که طلب کنید در موسم حج، روزی از پروردگار خویش. پس آنگاه که بازگردید از عرفات، پس یاد کنید خدا را نزد مشعر حرام و یاد کنید خدا را به شکر آن که راه نموده است شما را، و هرآیینه بودید پیش از این، از گمراهان. ﴿۱۹۸﴾ پس بازگردید از آنجا که باز می‌گردند عامه مردمان[2] و آمرزش طلب کنید از خدا، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹۹﴾ پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را، پس یاد کنید خدای را (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه زیاده‌تر یاد کردن. پس از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست او را در آخرت، هیچ نصیب. ﴿۲۰۰﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا نعمت و در آخرت نعمت و محفوظ دار ما را از عذاب دوزخ. ﴿۲۰۱﴾ این گروه، ایشان راست بهره‌ای از ثواب آنچه به عمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زودکننده حساب است. ﴿۲۰۲﴾

۱- یعنی شوال و ذیقعده و عشره ذالحجه.

۲- مترجم گوید: یعنی از عرفات نه از مزدلفه، چنانکه قریش تحریف کرده بودند، والله اعلم.

۞وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡدُودَٰتٖۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي
يَوۡمَيۡنِ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِۖ لِمَنِ
ٱتَّقَىٰۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٢٠٣﴾
وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾
وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ
ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَإِذَا قِيلَ
لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُۖ
وَلَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ
ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ
خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٢٠٨﴾ فَإِن
زَلَلۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡكُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ
ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأۡتِيَهُمُ
ٱللَّهُ فِي ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُۚ
وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

و یاد کنید خدا را در چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی)، پس کسی که به شتاب کوچ کند در دو روز (یعنی از مِنی) پس گناه نیست بر وی و آن‌که دیر ماند، پس گناه نیست بر وی، مر آن را که پرهیزگاری کند و بترسید از خدا و بدانید که شما به سوی وی برانگیخته خواهید شد[1].
﴿۲۰۳﴾ و از مردمان کسی هست که به شگفت می‌آرد تو را سخن او در باب زندگانی دنیا و گواه می‌آرد خدا را بر آنچه در دل وی است؛ حال آن که او سخت‌ترین ستیزندگان است. ﴿۲۰۴﴾ و چون ریاست پیدا کند، بشتابد در زمین تا تباهی کند در آنجا و نابود سازد زراعت و مواشی را و خدا دوست ندارد تباهکاری را. ﴿۲۰۵﴾ و چون گفته شود او را: حذر کن از خدا، حمل کندش تکبر بر گناه، پس کفایت کننده وی دوزخ است و هرآیینه آن بدجایی است. ﴿۲۰۶﴾ و از مردمان کسی هست که می‌فروشد خویش را برای طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان. ﴿۲۰۷﴾ ای کسانی که ایمان آوردید! در آیید به اسلام، همه یکجا. و پیروی مکنید گام‌های شیطان را، هرآیینه او شما را دشمن آشکار هست.
﴿۲۰۸﴾ پس اگر به لغزیدید، بعد از آن که آمد به شما سخنان روشن، پس بدانید که خدا غالبِ داناست. ﴿۲۰۹﴾
آیا انتظار نمی‌کنند اهل عصیان مگر آن را که بیاید به ایشان خدا (یعنی بیاید عذاب او) در سایبان‌هایی از ابر و بیایند فرشتگان و به انجام رسانیده شود کار. و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند کارها. ﴿۲۱۰﴾

۱- مترجم گوید: بعد ازین خدایْ تعالی تصویر می‌فرماید حال کافران و مؤمنان را، والله اعلم.

سَلۡ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ كَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُم مِّنۡ ءَايَةِۭ بَيِّنَةٖۗ وَمَن
يُبَدِّلۡ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ
ٱلۡعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا
وَيَسۡخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۘ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ فَوۡقَهُمۡ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٢١٢﴾
كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِيَحۡكُمَ
بَيۡنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَمَا ٱخۡتَلَفَ فِيهِ إِلَّا
ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ بَغۡيَۢا
بَيۡنَهُمۡۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ
ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا
يَأۡتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۖ مَّسَّتۡهُمُ
ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلۡزِلُواْ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصۡرُ ٱللَّهِۗ أَلَآ إِنَّ نَصۡرَ ٱللَّهِ قَرِيبٞ
﴿٢١٤﴾ يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ
فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ
ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ﴿٢١٥﴾

بپرس از بنی اسراییل: چقدر دادیم ایشان را از نشانه‌های روشن؟ و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آن که بیاید به وی (یعنی کفر پیش گیرد تا نعمت مفقود گردد)، پس هرآیینه خدا سختْ عقوبت است. ﴿۲۱۱﴾ آراسته کرده شده است کافران را زندگانی این جهان و سخریه می‌کنند با اهل ایمان، و کسانی که تقوی دارند، بالاتر از ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی می‌دهد هر که را می‌خواهد بی‌شمار (یعنی بسیار). ﴿۲۱۲﴾ بودند مردمان، یک گروه[۱]، پس فرستاد خدایِ تعالی پیغامبران را بشارت دهنده و بیم کننده و فرود آورد به ایشان کتاب به راستی؛ تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در آنچه اختلاف کردند در آن[۲] و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شده به ایشان کتاب (یعنی امّتِ [موردِ] دعوت) بعد از آن که آمد به ایشان نشانه‌ها از جهت حسد در میان خویش؛ پس راه نمود خدا مؤمنان را به آن حق که اختلاف کردند در آن به ارادهٔ خود، و خدا راه می‌نماید کسی را که خواهد به سوی راه راست[۳]. ﴿۲۱۳﴾ آیا پنداشتید ای مردمان، که درآیید به بهشت حال آن که هنوز پیش نیامده است شما را حالت آنان‌که گذشته‌اند پیش از شما؟ رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند، تا آن که می‌گفت پیغامبر و کسانی که ایمان آوردند با وی: کی باشد یاری دادن خدا؟ آگاه شوید که هرآیینه یاری دادن خدا نزدیک است. ﴿۲۱۴﴾ سؤال می‌کنند تو را که کدام نوع خرج کردن، خرج کنند، بگو: آنچه خرج کردید از مال، پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را و آنچه کنید از نیکی، پس هرآیینه خدا به آن داناست. ﴿۲۱۵﴾

۱- یعنی پیش از آمدن هر پیغامبر متفق بودند با یک دیگر در دینِ او اختلاف نداشتند.

۲- یعنی در اصول مختلف می‌شوند.

۳- حاصل آن است که سنه الله جاری شده است به آنکه بعد بعثت هر پیغامبر، در امت دعوت اخلاف واقع می‌شود، از آن تنگدل نباید شد؛ والله اعلم.

كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن
تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ
شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ
٢١٦ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ
فِيهِ كَبِيرٞۚ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفۡرُۢ بِهِۦ وَٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِ وَإِخۡرَاجُ أَهۡلِهِۦ مِنۡهُ أَكۡبَرُ عِندَ ٱللَّهِۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ
أَكۡبَرُ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ حَتَّىٰ
يَرُدُّوكُمۡ عَن دِينِكُمۡ إِنِ ٱسۡتَطَٰعُواْۚ وَمَن يَرۡتَدِدۡ
مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتۡ وَهُوَ كَافِرٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ
حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢١٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
أُوْلَٰٓئِكَ يَرۡجُونَ رَحۡمَتَ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٢١٨
۞يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ
كَبِيرٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثۡمُهُمَآ أَكۡبَرُ مِن نَّفۡعِهِمَاۗ
وَيَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلِ ٱلۡعَفۡوَۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ
لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَتَفَكَّرُونَ ٢١٩

لازم کرده شد بر شما جنگ و آن دشوار است شما را و شاید که شما ناخوش دارید چیزی را، حال آن که آن بهتر باشد شما را و شاید که دوست دارید چیزی را، حال آن که آن بد باشد شما را و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۲۱۶﴾ سؤال می کنند تو را از ماه حرام، از جنگ کردن در آن[۱] بگو: جنگ کردن در وی سختْ کاری است و بازداشتن از راه خدا و ناگرویدن به خدا و بازداشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد از وی سخت‌تر است نزد خدا و فتنه‌انگیختن[۲] سخت‌تر است از کشتن[۳] و همیشه باشند که جنگ می کنند با شما تا اینکه بازگردانند شما را از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند و هر که برگردد از شما از دین خود پس کافر بمیرد، آن گروه نابود شد کارهای ایشان در دنیا و آخرت و ایشانند باشندگانِ دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۱۷﴾ هرآیینه آنان که ایمان آوردند و آنان که هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خداوند، آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۱۸﴾ سؤال می کنند تو را از شراب و قمار، بگو: در این هر دو گناهِ سخت است و نفع‌هاست مردمان را (یعنی در دنیا) و گناه این هر دو سخت‌تر است از نفع آنها[۴]. و سؤال می کنند تو را چه چیز خرج می کنند، بگو: خرج کنید زیاده را. همچنین[۵] بیان می کند خدا برای شما آیت‌ها، تا باشد که تأمّل کنید. ﴿۲۱۹﴾

۱- یعنی رجب، ذی‌القعده و ذی‌الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه‌ها حرام بود. پس سؤال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یا نه؟ الله اعلم.

۲- یعنی ترویج شرک.

۳- حاصل جواب آن است که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه می‌شود؛ والله اعلم.

۴- یعنی حرام‌اند و به منافع، التفات نباید کرد؛ والله اعلم.

۵- یعنی از حاجت ضروری.

فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۗ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ
إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡۚ وَٱللَّهُ
يَعۡلَمُ ٱلۡمُفۡسِدَ مِنَ ٱلۡمُصۡلِحِۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعۡنَتَكُمۡۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ
حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّۚ وَلَأَمَةٞ مُّؤۡمِنَةٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكَةٖ وَلَوۡ
أَعۡجَبَتۡكُمۡۗ وَلَا تُنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤۡمِنُواْۚ
وَلَعَبۡدٞ مُّؤۡمِنٌ خَيۡرٞ مِّن مُّشۡرِكٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكُمۡۗ
أُوْلَٰٓئِكَ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ
وَٱلۡمَغۡفِرَةِ بِإِذۡنِهِۦۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ
أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ
حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ
ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾
نِسَآؤُكُمۡ حَرۡثٞ لَّكُمۡ فَأۡتُواْ حَرۡثَكُمۡ أَنَّىٰ شِئۡتُمۡۖ
وَقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم
مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجۡعَلُواْ ٱللَّهَ عُرۡضَةٗ
لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ أَن تَبَرُّواْ وَتَتَّقُواْ وَتُصۡلِحُواْ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ
وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢٤﴾

در مصلحت دنیا و آخرت. و سؤال می‌کنند تو را از یتیمان، بگو: به صلاح آوردن کار ایشان بهتر است[۱] و اگر مشارکت کنید با ایشان، پس ایشان برادران شمایند و خدا می‌داند تباهکار را از صلاحکار و اگر خدا خواستی، سخت گرفتی شما را، هرآیینه خدا غالبِ استوارکار است. ﴿۲۲۰﴾ و به زنی مگیرید زنان شرک آرنده را تا آن‌که ایمان آرند و هرآیینه کنیزکِ مسلمان بهتر است از زن شرک آرنده، اگرچه شگفت‌آورده باشد شما را. و به زنی مدهید به مشرکان تا آن‌که ایمان آرند (یعنی زنان مؤمنه را) و هرآیینه بندۀ مسلمان بهتر است از مشرک و اگرچه به شگفت‌آورده باشد شما را[۲]. گروه مشرکان می‌خوانند به سوی دوزخ و خدا می‌خواند به سوی بهشت و به سوی آمرزش به قدرت خود و بیان می‌کند آیت‌های خود را برای مردمان، تا باشد که پند پذیر شوند. ﴿۲۲۱﴾ و سؤال می‌کنند تو را از حیض، بگو که: وی نجاست است، پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آن‌که پاک شوند[۳]. پس چون نیک پاک شوند، پس نزدیکی کنید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شما را خدا (یعنی از جانبِ قُبُل)، هرآیینه خدا دوست می‌دارد توبه کنندگان را و دوست می‌دارد پاک شوندگان را. ﴿۲۲۲﴾ زنان شما کشتزار شمایند، پس بیایید به کشتزار خویش [به] هر روش که خواهید[۴] و پیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن و بترسید از خدا و بدانید که شما با وی ملاقات خواهید کرد و بشارت ده مسلمانان را. ﴿۲۲۳﴾ و مکنید نام خدا را دستمایه برای سوگندانِ خویش، برای اجتناب از آن که نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمایید و صلاح آرید در میان مردمان. و خدا شنوای داناست[۵]. ﴿۲۲۴﴾

۱- یعنی به غیر شرکت.

۲-یعنی هر بنده از بندگان خدا که مؤمن باشد و هر کنیز از کنیزهای خدا که مؤمنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه، والله اعلم.

۳- یعنی غسل به جا آرند.

۴- یعنی به هرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران خود) یعنی غلطانده و از پس پشت و غیر آن، به شرط آنکه در قُبُل باشد.

۵- یعنی سوگند برای موقوف کردن کار نیک جائز نیست.

لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن
يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتۡ قُلُوبُكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ
حَلِيمٞ ﴿٢٢٥﴾ لِّلَّذِينَ يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ تَرَبُّصُ أَرۡبَعَةِ
أَشۡهُرٖۖ فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنۡ
عَزَمُواْ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٢٧﴾ وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ
يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن
يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ
بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَٰلِكَ
إِنۡ أَرَادُوٓاْ إِصۡلَٰحٗاۚ وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ
تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَأۡخُذُواْ مِمَّآ
ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ شَيۡـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۖ
فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَا
فِيمَا ٱفۡتَدَتۡ بِهِۦۗ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ
وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٢٩﴾
فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا
غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ
إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِۗ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ
يُبَيِّنُهَا لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

مؤاخذه نمی‌کند شما را خدا به بیهوده‌گویی در سوگندهای شما[۱] و لیکن مؤاخذه می‌کند به آنچه قصد کرده است دل‌های شما و خدا آمرزندهٔ بردبار است. ﴿۲۲۵﴾ مرآن کسان راکه ایلا می‌کنند از زنان خویش[۲]، انتظار کردن چهار ماه است، پس اگر بازگشتند (یعنی از این سوگند) پس هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۲۶﴾ و اگر قصد کردند جدایی را، پس هرآیینه خدا شنوای داناست. ﴿۲۲۷﴾ و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یا سه طهر کنانند خویشتن را و جایز نیست ایشان را پوشیدن آنچه خدا آفریده است در رحم‌های ایشان (یعنی ولد و حیض) اگر ایمان می‌آرند به خدا و روز بازپسین و شوهران ایشان سزاوارترند به باز آوردن ایشان در حبالهٔ خود در این مدت اگر خواهند نیکوکاری؛ و زنان را هست مانند آنچه بر زنان است به وجه پسندیده[۳] و مردان را هست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) و خدا غالبِ استوارکار است. ﴿۲۲۸﴾ طلاق رجعی دوبار است، پس از آن یا نگاه داشتن است به خوش خویی یا رهاکردن به نیکویی، و حلال نیست شما را که بگیرید چیزی را از آنچه داده‌اید زنان را[۴]، مگر آنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدا را، پس اگر بترسید ای مسلمانان، از آن که برپا ندارند این هر دو، احکام خدا را[۵]، پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض خود داد زن. این حدّهای مقرر کردهٔ خداست؛ پس بیرون مروید از آنها و هر که بیرون رود از حدودِ خدا پس آن گروه، ایشانند ستمکاران. ﴿۲۲۹﴾ پس اگر طلاق داد (یعنی سوم بار) پس هرگز حلال نمی‌شود این زن آن مرد را تا آن‌که درآید به نکاح شوهری دیگر(یعنی او دخول کند). پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر، پس گناه نیست بر آن هر دو، در آن‌که بازگردند به نکاح باهم، اگر بدانند که برپا می‌توانند داشت احکام خدا را و این حدود خداست، بیان می‌کند آن حدود را برای قومی که می‌دانند. ﴿۲۳۰﴾

۱- یعنی: «لا والله» و «بلی والله» به غیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین؛ والله اعلم.

۲- یعنی قسم می‌خورند که جماع نکنند.

۳- یعنی زنان را بر مردان حق است، چنانچه مردان را بر زنان حق است.

۴- یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.

۵- یعنی در معاشرت.

وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ
بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖۚ وَلَا تُمۡسِكُوهُنَّ
ضِرَارٗا لِّتَعۡتَدُواْۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُۥۚ
وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗاۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ
عَلَيۡكُمۡ وَمَآ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ
يَعِظُكُم بِهِۦۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ
شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٣١﴾ وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ
فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ
بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ
يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ ذَٰلِكُمۡ أَزۡكَىٰ لَكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ
وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٢٣٢﴾ ۞وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ
يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ
ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ وَكِسۡوَتُهُنَّ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَا تُضَآرَّ
وَٰلِدَةُۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوۡلُودٞ لَّهُۥ بِوَلَدِهِۦۚ وَعَلَى ٱلۡوَارِثِ مِثۡلُ
ذَٰلِكَۗ فَإِنۡ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٖ مِّنۡهُمَا وَتَشَاوُرٖ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَاۗ وَإِنۡ أَرَدتُّمۡ أَن تَسۡتَرۡضِعُوٓاْ
أَوۡلَٰدَكُمۡ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِذَا سَلَّمۡتُم مَّآ
ءَاتَيۡتُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ بِمَا
تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿٢٣٣﴾

و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود[۱]، پس نگاه دارید ایشان را به نیکویی، یا رهاکنید ایشان را به نیکویی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید، و هر که این کند، پس هرآیینه ستم کرد بر خود و مگیرید آیت‌های خدا را تمسخر، و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و آنچه فرود آورد بر شما از کتاب و علم که پند می‌دهد شما را به آن و بترسید از خدا و بدانید که خدا به هر چیز داناست. ﴿۲۳۱﴾ و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود[۲]، پس منع مکنید ایشان را از آن که نکاح کنند با شوهران خویش[۳]، وقتی که با یکدیگر راضی شدند در میان خویش به روش پسندیده. این حکم پند داده می‌شود به آن هر کسی را که مؤمن باشد از شما به خدا و روز قیامت این کار، خوشتر است و پاکیزه‌تر و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۲۳۲﴾ و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام؛ این حکم آن راست که خواهد تمام کردن مدّت شیر، و بر پدر نفقه و پوشاک این زنان شیرده است به وجه پسندیده؛ واجب کرده نمی‌شود بر هیچ کس الاّ قدرِ توانایی او، رنج نباید داد مادر را به سبب فرزند وی و نه پدر را به سبب فرزند وی و لازم است بر وصی مانند این. پس اگر خواهند مادر و پدر از شیر باز کردن (یعنی پیش از دو سال) بعدِ رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن با یکدیگر، پس هیچ گناه نیست بر ایشان، و اگر خواهید که دایه گیرید برای فرزندان خویش، پس هیچ گناه نیست بر شما تمام تسلیم نمودید آنچه دادنَش مقرر کردید به خوش خویی، و بترسید از خدا و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست. ﴿۲۳۳﴾

۱- یعنی نزدیک رسیدن به انقضای عدّت.

۲- یعنی عدّت منقطع شد.

۳- یعنی با شوهران سابق خود یا شوهران دیگر که به ایشان رغبت پیدا کردند.

وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ
بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗاۖ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٣٤ وَلَا جُنَاحَ
عَلَيۡكُمۡ فِيمَا عَرَّضۡتُم بِهِۦ مِنۡ خِطۡبَةِ ٱلنِّسَآءِ أَوۡ
أَكۡنَنتُمۡ فِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُمۡ
سَتَذۡكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّآ أَن
تَقُولُواْ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗاۚ وَلَا تَعۡزِمُواْ عُقۡدَةَ ٱلنِّكَاحِ حَتَّىٰ
يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُۥۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِيٓ
أَنفُسِكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ
٢٣٥ لَّا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ مَا لَمۡ
تَمَسُّوهُنَّ أَوۡ تَفۡرِضُواْ لَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى
ٱلۡمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ
حَقًّا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٢٣٦ وَإِن طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ
أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدۡ فَرَضۡتُمۡ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ فَنِصۡفُ مَا
فَرَضۡتُمۡ إِلَّآ أَن يَعۡفُونَ أَوۡ يَعۡفُوَاْ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ
ٱلنِّكَاحِۚ وَأَن تَعۡفُوٓاْ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۚ وَلَا تَنسَوُاْ ٱلۡفَضۡلَ
بَيۡنَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢٣٧

و کسانی که بمیرند از شما و بگذارند زنان را، باید که انتظار کنانند این زنان، خویشتن را چهار ماه و ده روز؛ پس چون رسیدند به میعاد[1] خویش، پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حقّ خویشتن به وجه پسندیده (یعنی نکاح به طور شرعی)، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. ﴿۲۳۴﴾ و نیست گناه بر شما در سخنی که کنایت کردید به آن از خواستگاری زنان (یعنی در میان عدّت) یا پنهان داشتید در دل‌های خود. دانست خدا که شما یاد خواهید کرد این زنان را (یعنی به تصریح بعد عدّت) و لیکن وعده ندهید به ایشان نکاح را مگر آن که گویید سخنی پسندیده را (یعنی به کنایت)، و قصد مکنید عقد نکاح را تا آن‌که رسد میعاد مقرر به نهایت خود و بدانید که خدا می‌داند آنچه در دل‌های شما است؛ پس بترسید از او، بدانید که خدا آمرزندهٔ بردبار است. ﴿۲۳۵﴾ هیچ گناه نیست بر شما اگر طلاق دادید زنان را در آن وقت که هنوز دست نرسانیده‌اید به ایشان یا مُعیَّن نکرده‌اید برای ایشان مقداری[2] و بهره دهید این چنین مطلقات را، لازم است[3] بر توانگر، مقدار حال او بهره و بر تنگدست، مقدار حال او بهره دادن به خوش خویی؛ لازم شده بر نیکوکاران. ﴿۲۳۶﴾ و اگر طلاق داده‌اید زنان را پیش از آن که دست رسانید به ایشان و مُعیَّن کرده باشید برای ایشان مقداری، پس لازم است نیمهٔ آنچه مُعیَّن کردید، مگر آن که بخشند زنان یا در گذارد کسی که به دست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حقّ خود گذاشته تمام دهد) و آن که درگذارید، نزدیکتر است به پرهیزگاری و فراموش مکنید احسان کردن در میان خویش، هرآیینه خدا به آنچه می کنید، بیناست. ﴿۲۳۷﴾

۱- یعنی به انقضای عدّت.

۲- یعنی مهر را.

۳- یعنی پوشاک بدهید.

حَـٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ
قَٰنِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ
فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ
﴿٢٣٩﴾ وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا وَصِيَّةٗ
لِّأَزۡوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلۡحَوۡلِ غَيۡرَ إِخۡرَاجٖۚ فَإِنۡ خَرَجۡنَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِي مَا فَعَلۡنَ فِيٓ أَنفُسِهِنَّ مِن
مَّعۡرُوفٖۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٤٠﴾ وَلِلۡمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ
بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ
لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ ۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى
ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَهُمۡ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلۡمَوۡتِ
فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُواْ ثُمَّ أَحۡيَٰهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ
عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾
وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ
﴿٢٤٤﴾ مَّن ذَا ٱلَّذِي يُقۡرِضُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا
فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضۡعَافٗا كَثِيرَةٗۚ وَٱللَّهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ
وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

تقید کنید بر همهٔ نمازها و بر نماز میانه (یعنی خصوصاً بر نماز عصر) و بایستید برای خدا فرمانبردار شده. ﴿۲۳۸﴾
پس اگر ترسیدید (یعنی از عَدُوّ و مانند آن) پس روان بر پاهای خود نماز گزارید یا سواره. پس چون ایمن شوید، پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شما را آنچه نمی‌دانستید. ﴿۲۳۹﴾ و آنان‌که قبض روح ایشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را، لازم کرده شد بر ایشان وصیّت کردن برای زنان خویش به آن که بهره دهند ایشان را تا یک سال غیر برآوردن (یعنی بی غیر بر آوردن). پس اگر بیرون روند، پس گناه نیست بر شما در آنچه کردند در حق خویشتن از کار پسندیده (یعنی نکاح به طور شرعی) و خدا غالب و استوارکار است[۱]. ﴿۲۴۰﴾ و طلاق داده شدگان را لازم است بهره‌مند ساختن به خوش خویی (یعنی نفقه و سکنی). لازم کرده شد بر پرهیزگاران. ﴿۲۴۱﴾ همچنین بیان می‌کند خدا برای شما احکام خود را تا باشد که شما بفهمید. ﴿۲۴۲﴾ آیا ندیدی ای بیننده! به سوی کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های خویش و ایشان هزاران بودند به بیم مرگ، پس گفت ایشان را خدا: بمیرید. باز زنده گردانید ایشان را. هرآیینه خدا صاحب بخشایش است بر مردمان و لیکن اکثر ایشان سپاس نمی‌کنند. ﴿۲۴۳﴾ و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوای داناست. ﴿۲۴۴﴾ کیست آن‌که وام دهد خدا را، وام دادن نیک، پس دو چند سازد خدا آن مال را برای او به مراتب بسیار و خدا تنگ می‌سازد و گشاده می‌کند روزی را و به سوی او باز گردانیده شوید. ﴿۲۴۵﴾

۱- مترجم گوید: این آیت، نزدیک جمهور منسوخ است به آیت: ﴿أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗا﴾ [البقرة: ۱۳۴]. والله اعلم.

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰٓ إِذۡ
قَالُواْ لِنَبِيّٖ لَّهُمُ ٱبۡعَثۡ لَنَا مَلِكٗا نُّقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ
قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ أَلَّا
تُقَٰتِلُواْۖ قَالُواْ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَقَدۡ
أُخۡرِجۡنَا مِن دِيَٰرِنَا وَأَبۡنَآئِنَاۖ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡقِتَالُ تَوَلَّوۡاْ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ بَعَثَ لَكُمۡ طَالُوتَ
مَلِكٗاۚ قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ عَلَيۡنَا وَنَحۡنُ أَحَقُّ
بِٱلۡمُلۡكِ مِنۡهُ وَلَمۡ يُؤۡتَ سَعَةٗ مِّنَ ٱلۡمَالِۚ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ
ٱصۡطَفَىٰهُ عَلَيۡكُمۡ وَزَادَهُۥ بَسۡطَةٗ فِي ٱلۡعِلۡمِ وَٱلۡجِسۡمِۖ
وَٱللَّهُ يُؤۡتِي مُلۡكَهُۥ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٤٧﴾
وَقَالَ لَهُمۡ نَبِيُّهُمۡ إِنَّ ءَايَةَ مُلۡكِهِۦٓ أَن يَأۡتِيَكُمُ
ٱلتَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَبَقِيَّةٞ مِّمَّا تَرَكَ
ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَٰرُونَ تَحۡمِلُهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

آیا ندیدی به سوی جماعتی از بنی اسراییل بعد از موسی، چون گفتند مر پیغامبر خویش را که: برپا کن برای ما پادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا، گفت پیغامبر: آیا نزدیک هستید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ، این‌که جنگ نکنید؟ گفتند: و چه شده است ما را که جنگ نکنیم در راه خدا و به تحقیق که بیرون کرده شدیم از خانه‌های خویش و جدا کرده شدیم از فرزندان خویش. پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ، روگردانیدند مگر اندکی از ایشان، و خدا داناست به ستمکاران. ﴿۲۴۶﴾ و گفت مر ایشان را پیغامبر ایشان: هرآیینه خدا، پادشاه مقرّر کرده است برای شما طالوت را. گفتند: چگونه باشد او را پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم به پادشاهی از وی! و داده نشده است وی را فراخی از مال. گفت: هرآیینه خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در دانش و افزونی در بدن، و خدا می‌بخشد پادشاهی خود را به هر که خواهد و خدا جوادِ داناست. ﴿۲۴۷﴾ و گفت ایشان را پیغامبر ایشان: هرآیینه نشان پادشاهی او آن است که بیاید به شما صندوقی که در آن، آرام دل است از پروردگار شما و بقیه از تبرکاتی که گذاشتندش آل موسی و آل هارون، بر می‌دارند او را فرشتگان، هرآیینه در این صورت نشانه [ای] است شما را اگر باور دارنده‌اید. ﴿۲۴۸﴾

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِٱلْجُنُودِ قَالَ إِنَّ ٱللَّهَ مُبْتَلِيكُم
بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّى وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ
فَإِنَّهُۥ مِنِّىٓ إِلَّا مَنِ ٱغْتَرَفَ غُرْفَةًۢ بِيَدِهِۦۚ فَشَرِبُواْ مِنْهُ
إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُۥ هُوَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥ قَالُواْ لَا طَاقَةَ لَنَا ٱلْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦۚ قَالَ
ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ ٱللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ
غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةًۢ بِإِذْنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٢٤٩﴾
وَلَمَّا بَرَزُواْ لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِۦ قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا
صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَٱنصُرْنَا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ
﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ ٱللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُۥدُ جَالُوتَ وَءَاتَىٰهُ
ٱللَّهُ ٱلْمُلْكَ وَٱلْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُۗ وَلَوْلَا دَفْعُ
ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ ٱلْأَرْضُ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ
ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

پس چون جدا شد (یعنی از وطن) طالوت با لشکرها، گفت: هرآیینه خدا آزمایش کننده است شما را به جویی، پس هر که بنوشد از آن جوی، پس نیست از آن من و هر که نچشد آن را، پس او از آنِ من است؛ الاّ آن که بردارد یک کف آب به دست خود، پس آشامیدند از آن جوی، مگر اندکی از ایشان، پس آنگاه که گذشتند از جوی طالوت و مؤمنانِ همراه، گفتند نوشندگان: نیست توانایی ما را امروز به مقابلهٔ جالوت و لشکرهای او. گفتند آنان که می‌دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا: بسا گروهِ اندک که غالب شد بر گروه بسیار به ارادهٔ خدا و خدا با شکیبایان است. ﴿۲۴۹﴾ و آنگاه که به میدان آمدند برای جنگ جالوت و لشکرهای وی، این صالحان گفتند: ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و محکم کن قدم‌های ما را و غلبه دِه ما را بر گروه ناگرویدگان. ﴿۲۵۰﴾ پس شکست دادند آن کفّار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را و داد خدای تعالی داود را پادشاهی و علم و بیاموخت او را از آنچه می‌خواست. و اگر نبودی دور کردن خدا مردمان را گروهی را به دست گروهی، هرآیینه تباه شدی زمین و لیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالم‌ها. ﴿۲۵۱﴾ اینها آیات خداست، می‌خوانیم آن را بر تو [ای محمّد]، به راستی و هرآیینه تو از پیغامبرانی. ﴿۲۵۲﴾

۞تِلْكَ ٱلرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن
كَلَّمَ ٱللَّهُ ۖ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَٰتٍ ۚ وَءَاتَيْنَا عِيسَى ٱبْنَ
مَرْيَمَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَيَّدْنَٰهُ بِرُوحِ ٱلْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ
مَا ٱقْتَتَلَ ٱلَّذِينَ مِنۢ بَعْدِهِم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ
ٱلْبَيِّنَٰتُ وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُوا۟ فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم
مَّن كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا ٱقْتَتَلُوا۟ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ
يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَنفِقُوا۟ مِمَّا
رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا
خُلَّةٌ وَلَا شَفَٰعَةٌ ۗ وَٱلْكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ ٱللَّهُ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ
لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِى
يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا
خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ
وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ
حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَآ إِكْرَاهَ فِى ٱلدِّينِ ۖ
قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَىِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ
وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا
ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

این پیغامبران، فضل دادیم بعضی را از ایشان بر بعضی از ایشان کسی هست که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبه‌ها. و دادیم عیسی پسر مریم را معجزه‌ها و قوّت دادیم او را به روح القدس و اگر خواستی خدا، با یکدیگر نمی‌جنگیدند کسانی که بعد از پیغامبران بودند، پس از آن که آمد به ایشان حجّت‌ها، و لیکن اختلاف کردند. پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کافر شده و اگر خواستی خدا با. یکدیگر نمی‌جنگیدند و لیکن خدا می‌کند آنچه می‌خواهد ﴿۲۵۳﴾ ای مسلمانان! خرج کنید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آن که بیاید روزی که خرید و فروخت نیست در آن روز و نه دوستی و نه سفارش، و کافران، ایشانند ظالمان. ﴿۲۵۴﴾ خدا، هیچ معبود نیست بجز وی، زندهٔ تدبیر کننده عالم، نمی‌گیرد او را پینکی و نه خواب، او راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، کیست آن که شفاعت کند نزدیک او اِلاّ به حکم او، می‌داند آنچه پیشِ دست‌های ایشان است و آنچه پسِ پشتِ ایشان است و در برنمی‌گیرند مردمان از معلومات حق، چیزی را مگر به آنچه وی خواسته است، فرا گرفته است پادشاهی او آسمان‌ها و زمین را و گران نمی‌شود بر وی نگهبانی این هر دو، او بلند مرتبهٔ بزرگ قدر است. ﴿۲۵۵﴾ نیست جبر کردن برای دین[1]. هرآیینه ظاهر شده است راهیابی از گمراهی، پس هر که منکر بت شود و ایمان آرد به خدا پس هرآیینه چنگ زده است به دستاویزی محکم که نیست گسستن آن را، و خدا شنوای داناست ﴿۲۵۶﴾

۱- یعنی حجتِ اسلام ظاهر شد. پس گویا جبر کردن نیست، اگرچه فی الجمله به صبر باشد، والله اعلم.

ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى
ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم
مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ
فِيهَا خَٰلِدُونَ ٢٥٧ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي
رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي
يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُۖ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ
ٱللَّهَ يَأۡتِي بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ
ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٥٨ أَوۡ كَٱلَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرۡيَةٖ وَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحۡيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۖ
فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٖ ثُمَّ بَعَثَهُۥۖ قَالَ كَمۡ لَبِثۡتَۖ قَالَ
لَبِثۡتُ يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۖ قَالَ بَل لَّبِثۡتَ مِاْئَةَ عَامٖ
فَٱنظُرۡ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمۡ يَتَسَنَّهۡۖ وَٱنظُرۡ إِلَىٰ
حِمَارِكَ وَلِنَجۡعَلَكَ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِۖ وَٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡعِظَامِ
كَيۡفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكۡسُوهَا لَحۡمٗاۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥ قَالَ
أَعۡلَمُ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٢٥٩

خدا کارسازِ مؤمنان است، بیرون می‌آرد ایشان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و آنان که کافرند، کارسازان ایشان بتانند، بیرون می‌آرند ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها؛ این جماعت باشندگان دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۵۷﴾ آیا ندیدی به سوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم در باب پروردگار او و در مقابلهٔ آن که داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمرود) چون گفت ابراهیم: پروردگار من آن است که زنده می‌کند و می‌میراند[۱]، گفت آن کافر: من زنده می‌کنم و می‌میرانم. گفت ابراهیم: پس هرآیینه خدا می‌آرد آفتاب را از مشرق، پس تو بیار آن را از طرف مغرب؛ پس مغلوب شد کافر و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۲۵۸﴾ یا ندیدی این شخص را که گذشت بر دِهی و وی افتاده بود بر سقف‌های خود[۲]، گفت: چگونه زنده کند این را خدا بعدِ مردن این؟! پس مرده کرد او را خدایْ تعالی صد سال، بعد از آن برانگیختش، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: درنگ کردم یک روز یا پاره‌ای از روز. گفت: بلکه درنگ کردی صد سال، پس ببین به سوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیّر نشده و ببین به سوی درازگوش خود و می‌خواهیم که گردانیم تو را نشانه‌ای برای مردمان. و ببین به سوی استخوان‌ها، چگونه جنبش می‌دهیم آن را، بعد از آن می‌پوشانیم بر آن گوشت را؛ پس چون واضح شدش این حال، گفت: به یقین می‌دانم خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۵۹﴾

۱- یعنی به ستم، مستحق کشتن را می‌گذارم و کسی راکه مستحق کشتن نیست، می‌کشم؛ والله اعلم.

۲- مترجم گوید: آن شخص عزیر بود.

وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ أَرِنِي كَيۡفَ تُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ قَالَ أَوَ
لَمۡ تُؤۡمِنۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِيۖ قَالَ فَخُذۡ
أَرۡبَعَةٗ مِّنَ ٱلطَّيۡرِ فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ ثُمَّ ٱجۡعَلۡ عَلَىٰ كُلِّ
جَبَلٖ مِّنۡهُنَّ جُزۡءٗا ثُمَّ ٱدۡعُهُنَّ يَأۡتِينَكَ سَعۡيٗاۚ وَٱعۡلَمۡ
أَنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٦٠﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ
سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ
وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ
عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾
۞قَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞ وَمَغۡفِرَةٌ خَيۡرٞ مِّن صَدَقَةٖ يَتۡبَعُهَآ أَذٗىۗ
وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٞ ﴿٢٦٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُبۡطِلُواْ
صَدَقَٰتِكُم بِٱلۡمَنِّ وَٱلۡأَذَىٰ كَٱلَّذِي يُنفِقُ مَالَهُۥ رِئَآءَ
ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ
صَفۡوَانٍ عَلَيۡهِ تُرَابٞ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٞ فَتَرَكَهُۥ صَلۡدٗاۖ لَّا
يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ مِّمَّا كَسَبُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي
ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

و آنگاه که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بنما مرا چگونه زنده می‌کنی مردگان را؟ گفت خدا: آیا باور نداشته‌ای؟ گفت: آری باور داشته‌ام، لیکن می‌خواهم که آرام گیرد دل من[1]. گفت خدا: پس بگیر چهار تن از پرندگان، پس به هم آور همه را نزدیک خود. بعد از آن بگذار بر هر کوهی پاره‌ای از ایشان، بعد از آن ندا کن ایشان را، البته بیایند پیش تو شتابان، و بدان که خدا غالب استوارکار است. ﴿۲۶۰﴾ صفت آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، مانند صفت یک دانه است که برویاند هفت خوشه را، در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چند می‌دهد هر که را خواهد و خدا، جوادِ داناست. ﴿۲۶۱﴾ آنان که خرج می‌کنند اموال خود را در راه خدا، باز از پیِ آن انفاق، نمی‌آرند منّت نهادن را و نه ایذا رسانیدن را، ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۶۲﴾ سخن ملایم گفتن و درگذشتن[2] بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد و خدا بی‌نیازست بردبار است. ﴿۲۶۳﴾ ای مؤمنان! تباه مکنید خیرات خود را به منّت نهادن و آزرده کردن، همچون کسی که خرج می‌کند مال خود را برای نمودنِ مردمان و ایمان ندارد به خدا و روز قیامت؛ پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بر وی باشد اندک خاکی، پس رسید به آن بارانی عظیم، پس گذاشت او را سخت و صاف مانده. توانایی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را[3]. ﴿۲۶۴﴾

۱- یعنی عین الیقین می‌خواهم، والله اعلم.

۲- از بی‌ادبی سائل.

۳- مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرائی در دنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت نابود می‌شود و هیچ فائده نمی‌دهد، چنانکه بر سنگی خاک افتاده باشد و به ظاهر چنان می‌نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محو شود؛ والله اعلم.

وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ
وَتَثۡبِيتٗا مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ كَمَثَلِ جَنَّةِۭ بِرَبۡوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٞ
فَـَٔاتَتۡ أُكُلَهَا ضِعۡفَيۡنِ فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞۗ
وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمۡ أَن
تَكُونَ لَهُۥ جَنَّةٞ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَابٖ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ لَهُۥ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ وَأَصَابَهُ
ٱلۡكِبَرُ وَلَهُۥ ذُرِّيَّةٞ ضُعَفَآءُ فَأَصَابَهَآ إِعۡصَارٞ فِيهِ نَارٞ
فَٱحۡتَرَقَتۡۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ
تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن
طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ
وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِـَٔاخِذِيهِ
إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾
ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ
وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ
﴿٢٦٨﴾ يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ
أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٢٦٩﴾

و صفت آنان که خرج می‌کنند مال‌های خویش را از جهت طلبِ رضامندیِ خدا و به سبب اعتقاد ناشی از دل‌های خویش، مانند صفت باغی است به مکان بلند که رسید به وی بارانی عظیم، پس آورد میوه‌های خود را دو چندان و اگر نمی‌رسید او را باران عظیم، پس شبنم کفایت می‌کرد، و خدا به آنچه می‌کنید بیناست[1]. ﴿۲۶۵﴾ آیا دوست می‌دارد یکی از شما که باشد او را باغی از درختان خرما و انگور، می‌رود زیر آن جوی‌ها، مر او را هست در آن باغ، هر جنس از میوه‌ها و رسیده باشد او را کلانسالی و باشد او را اولاد ناتوان، پس در این حالت رسید آن باغ را گردبادی که در آن آتش است، پس پاک بسوخت؛ همچنین واضح می‌سازد خدا برای شما آیت‌ها، تا باشد که تأمُّل کنید[2]. ﴿۲۶۶﴾ ای مؤمنان! خرج کنید از پاکیزه‌ها آنچه شما پیدا کردید و از پاکیزها آنچه بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید رَدِیّ را از آن، خرج می‌کنید آن را و نیستید گیرندهٔ آن، مگر وقتی که چشم‌پوشی کنید در گرفتن آن و بدانید که خدا بی‌نیازِ ستوده است. ﴿۲۶۷﴾ شیطان وعده می‌دهد به شما تنگدستی را و می‌فرماید به بی‌حیایی، و خدا وعده می‌کند به شما آمرزش را از جانب خود و نعمت دادن را، و خدا جوادِ داناست. ﴿۲۶۸﴾ می‌دهد دانش، هر که را خواهد و هر که داده شد او را دانش، پس هرآیینه داده شد نیکوییِ بسیار و پندپذیر نمی‌شوند مگر خداوندانِ خرد. ﴿۲۶۹﴾

۱- مترجم گوید: حاصل این مثل، آن است که عمل اهل اخلاص فائده‌ها می‌دهد، از سابقین باش یا از اصحاب یمین.

۲- حاصل این مثل، آن است که عمل منان و مرائی در وقت شدت احتیاج، نابود شود؛ چنانکه بوستان این شخص در وقت شدت احتیاج بسوخت.

وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوۡ نَذَرۡتُم مِّن نَّذۡرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ
يَعۡلَمُهُۥۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِن تُبۡدُواْ
ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ
فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّـَٔاتِكُمۡۗ
وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ﴿٢٧١﴾ ۞لَّيۡسَ عَلَيۡكَ هُدَىٰهُمۡ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۗ وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ
فَلِأَنفُسِكُمۡۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ ٱللَّهِۚ وَمَا
تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾
لِلۡفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحۡصِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ
ضَرۡبٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ
ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗاۗ
وَمَا تُنفِقُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ ٱلَّذِينَ
يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ
أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

و آنچه خرج کردید از خیرات و یا لازم کردید بر خود از نذری، پس هرآیینه خدا می‌داند آن را، و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۲۷۰﴾ اگر آشکارا کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن، و اگر پنهان کنید آن را و بدهید آن را به فقیران، پس این بهتر است شما را و دور سازد از شما بعض گناهان شما را، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۷۱﴾ لازم نیست بر تو [ای محمد] هدایت ایشان[1]، لیکن خدا هدایت می‌کند هر که را می‌خواهد و آنچه خرج کردید از مال، پس نفع برای ذات شما است و لایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا، و آنچه خرج کردید از مال، به تمام رسانیده شود به سوی شما (یعنی ثواب او) و شما ستم کرده نخواهید شد. ﴿۲۷۲﴾ خیرات برای آن فقیران است که بند کرده شدند در راه خدا[2]، نمی‌توانند سفر کردن در زمین، توانگر می‌پندارد ایشان را نادان، به سبب طمع نکردن. تو می‌شناسی ایشان را به قیافه ایشان، سؤال نمی‌کنند از مردمان به الحاح. و آنچه خرج کنید از مال، پس هرآیینه خدا به آن داناست. ﴿۲۷۳﴾ کسانی که خرج می کنند اموال خویش شب و روز، پنهان و آشکارا، پس ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۴﴾

۱- یعنی: ایصال مطلوب الی الله.

۲- یعنی: به سبب اشغال به جهاد، کسب کردن نمی‌توانند، والله اعلم.

ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ ٱلرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ
ٱلَّذِي يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مِنَ ٱلۡمَسِّۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ
قَالُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡبَيۡعُ مِثۡلُ ٱلرِّبَوٰاْۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ
ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ
مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمۡحَقُ ٱللَّهُ
ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ
أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ
رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ
ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ
بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ
أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ
ذُو عُسۡرَةٖ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيۡسَرَةٖۚ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيۡرٞ
لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ
فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا
يُظۡلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

کسانی که می‌خورند سود را بر نخیزند (یعنی از گور)
مگر چنانکه بر می‌خیزد کسی که دیوانه ساخت او را
شیطان به سبب آسیب رسانیدن، که این به سبب آن است
که سودخوران گفتند: جز این نیست که سوداگری مانند
سود است و حال آن که حلال کرده است خدا سوداگری
را و حرام ساخته سود را. پس کسی که آمد به وی پند از
جانب پروردگار او، پس بازماند از این کار، پس او راست
آنچه گذشت و کار او مفوّض است به خدا[1] و هر که
بازگشت به سودخواری[2]، پس آن گروه باشندگان
دوزخند، ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۲۷۵﴾ نابود می‌سازد
خدا برکت سود را و افزون می‌سازد برکت خیرات را و
خدا دوست ندارد هر ناسپاس گناهکار را. ﴿۲۷۶﴾ هرآیینه
کسانی که ایمان آورده‌اند و کردند کارهای شایسته و برپا
داشتند نماز را و دادند زکات را، مرایشان راست، مزد
ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه
ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۷﴾ ای کسانی که ایمان
آوردید! حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه مانده است
از سود، اگر هستید از اهل ایمان. ﴿۲۷۸﴾ پس اگر نه
کردید، پس خبردار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول
او و اگر توبه کردید، پس شما راست اصل مال‌های شما،
نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود. ﴿۲۷۹﴾ و
اگر باشد مفلسی، پس لازم است مهلت دادن تا توانگری،
و آن‌که خیرات کنید بهتر است شما را، اگر هستید داننده.
﴿۲۸۰﴾ و حذر کنید از آن روز که بازگردانیده شوید در
آن به سوی خدا، پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه
عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۲۸۱﴾

۱- یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست، والله اعلم.

۲- یعنی بعد از تحریم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ
مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ
وَلَا يَأۡبَ كَاتِبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ
فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ
وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ
سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ
وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ
فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن
تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ
إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ
وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ
ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا
تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا
بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ
وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ
وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ
وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٢٨٢﴾

ای مؤمنان! اگر معامله کنید با یکدیگر به وام دادن تا میعاد مقرّر، پس بنویسید آن را و باید که بنویسد میان شما نویسنده‌ای به انصاف و سرباز نزند نویسنده، از آن که نویسد چنانکه آموخته است او را خدا، پس باید که وی بنویسد و انشا کند آن‌که وام به ذمهٔ وی است و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود، و نقصان نکند از آن وام چیزی را. پس اگر باشد کسی که وام بر ذمهٔ وی است، بی‌خرد یا ناتوان یا نمی تواند انشا کردن، پس باید که انشا کند کارگذار او با انصاف و گواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش[۱]، پس اگر نباشند دو مرد، پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان[۲]، تا اگر فراموش کند یک زن، یاد دهاند یکی دیگر را. و باید که سر باز نزنند گواهان، آنگاه که طلبیده شوند و مانده مشوید از آن که نویسید حق را، اندک باشد یا بسیار، تا میعاد وی. این با انصاف‌تر است نزدیک خدا و درست‌تر برای گواهی و قریب‌تر از آن که در شک نشوید مگر وقتی که باشد آن معامله، سوداگری دست به دست که دست گردان می‌کنید آن را میان خویش، پس نیست بر شما گناه در آن‌که نه نویسید آن را و گواه گیرید هرگاه که خرید و فروخت کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه، و اگر بکنید این کار، پس هرآیینه این گناه است شما را، و بترسید از خدا و می‌آموزد شما را و خدا به هر چیز داناست. ﴿۲۸۲﴾

۱- یعنی از مسلمانان.

۲- یعنی از مسلمانان امینِ متّقی.

۞وَإِن كُنتُمۡ عَلَىٰ سَفَرٖ وَلَمۡ تَجِدُواْ كَاتِبٗا فَرِهَٰنٞ
مَّقۡبُوضَةٞۖ فَإِنۡ أَمِنَ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا فَلۡيُؤَدِّ ٱلَّذِي
ٱؤۡتُمِنَ أَمَٰنَتَهُۥ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥۗ وَلَا تَكۡتُمُواْ
ٱلشَّهَٰدَةَۚ وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥۗ وَٱللَّهُ بِمَا
تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ﴿٢٨٣﴾ لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِن تُبۡدُواْ مَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ أَوۡ تُخۡفُوهُ
يُحَاسِبۡكُم بِهِ ٱللَّهُۖ فَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن
يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ
أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ
وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن
رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ
ٱلۡمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا
كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن
نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا
حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا
طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ
مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

و اگر مسافر باشید و نیابید نویسنده را، پس لازم است گِرو به دست آورده شده. پس اگر امین داند گروهی از شما گروهی را، پس باید که ادا کند آن کس که امین دانسته شد، امانت خود را و باید که بترسد از خدا، پروردگار خود. و پنهان مکنید گواهی را و هر که پنهان کند آن را پس هرآیینه گناهکار است دلِ او و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. ﴿۲۸۳﴾ خدا راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و اگر آشکارا کنید آنچه در دل‌های شما است[۱]، یا پنهان دارید آن را، البته حساب آن بگیرد از شما خدا، پس بیامرزد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۸۴﴾ باور داشت پیغامبر آنچه فرود آورده شد به سوی او از پروردگار او و مؤمنان نیز همه ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های او و پیغامبران او[۲]. گفتند: فرق نمی‌کنیم میان هیچ کسی از پیغامبران و گفتند: شنودیم و فرمانبرداری کردیم، می‌خواهیم آمرزش تو ای پروردگار ما، و به سوی است بازگشت. ﴿۲۸۵﴾ خدا واجب نمی‌کند بر هیچ کس الا مقدار طاقت او؛ مر او راست آنچه عمل کرد و بر وی باشد آنچه گناه کرد. و گفتند: ای پروردگار ما! به عقوبت مگیر ما را، اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما بار گران؛ چنانکه نهادی آن را بر کسانی که پیش از ما بودند. ای پروردگار ما! و منه بر سر ما آنچه برداشتِ آن نیست ما را و درگذر از ما و بیامرز ما را و ببخشای بر ما؛ تویی خداوند ما، پس غلبه دِه ما را بر گروه کافران. ﴿۲۸۶﴾

۱- یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن، نه از قسم حدیث نفس، والله اعلم.

۲- یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی‌باشیم.

سُورَةُ آلِ عِمۡرَانَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ ٢ نَزَّلَ
عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ
وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ ٣ مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ
وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ
عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ٤ إِنَّ ٱللَّهَ لَا
يَخۡفَىٰ عَلَيۡهِ شَيۡءٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٥ هُوَ
ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ كَيۡفَ يَشَآءُۚ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٦ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ
وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ
تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي
ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا
يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٧ رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا
بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ
ٱلۡوَهَّابُ ٨ رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ
فِيهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ٩

سوره آل‌عمران

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم. ﴿۱﴾ خدا، نیست هیچ معبود مگر او، زندهٔ تدبیرِ عالمْ
کننده است. ﴿۲﴾ فرود آورد بر تو کتاب را به راستی،
باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است و فرود آورد
تورات و انجیل را. ﴿۳﴾ پیش از این، برای راه نمودن به
مردمان و فرود آورد معجزه را، هرآیینه کسانی که کافر
شدند به آیات خدا، ایشان راستْ عذابِ سخت و خدا
غالب صاحبْ انتقام است. ﴿۴﴾ هرآیینه خدا پوشیده
نمی‌شود بر وی چیزی در زمین و نه در آسمان. ﴿۵﴾ او
آن است که صورت می‌بندد شما را در رحم چنانچه
خواهد؛ نیست هیچ معبود بجز او، غالب استوارکار است.
﴿۶﴾ او آن است که فرود آورد بر تو کتاب؛ بعضی از آن
آیت‌های واضح است، آن جملهٔ اصل کتاب است و بعضی
دیگر، محتمل معانیِ باهم مشتبه. پس امّا کسانی که در
دل‌های ایشان کجی است، پیروی می‌کنند آن را که مانند
یکدیگر شده از آن کتاب، برای طلب فتنه و برای طلب
مراد، آن را و نمی‌داند مراد آن، مگر خدا؛ و ثابت‌قدمان در
علم می‌گویند: ایمان آوردیم به این متشابه، این همه از نزد
پروردگار ماست و پندپذیر نمی‌شوند مگر خداوندان خرد.
﴿۷﴾ می‌گویند: ای پروردگار ما! کج مکن دل‌های ما را
بعد از آن که راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد
خود نعمت، هرآیینه تویی عطا کننده. ﴿۸﴾ ای پروردگار
ما! هرآیینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ
شک نیست در آن، هرآیینه خدا خلاف نمی‌کند وعده را.
﴿۹﴾

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ
أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ وَقُودُ ٱلنَّارِ ١٠
كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١١ قُل
لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ سَتُغۡلَبُونَ وَتُحۡشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَۖ
وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٢ قَدۡ كَانَ لَكُمۡ ءَايَةٞ فِي فِئَتَيۡنِ
ٱلۡتَقَتَاۖ فِئَةٞ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخۡرَىٰ كَافِرَةٞ
يَرَوۡنَهُم مِّثۡلَيۡهِمۡ رَأۡيَ ٱلۡعَيۡنِۚ وَٱللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصۡرِهِۦ مَن
يَشَآءُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ١٣ زُيِّنَ
لِلنَّاسِ حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ مِنَ ٱلنِّسَآءِ وَٱلۡبَنِينَ
وَٱلۡقَنَٰطِيرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَيۡلِ
ٱلۡمُسَوَّمَةِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ وَٱلۡحَرۡثِۗ ذَٰلِكَ مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ
وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلۡمَـَٔابِ ١٤ ۞قُلۡ أَؤُنَبِّئُكُم
بِخَيۡرٖ مِّن ذَٰلِكُمۡۖ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتٞ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزۡوَٰجٞ
مُّطَهَّرَةٞ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ١٥

هرآیینه آنان‌که کافر شدند، دفع نکند از ایشان، اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب، خدایْ تعالی چیزی را و ایشانند آتش انگیز دوزخ. ﴿۱۰﴾ حالِ ایشان، مانند حالِ کسان فرعون است و آنان‌که پیش از ایشان بودند، دروغ داشتند آیات ما را، پس گرفت ایشان را خدا به سبب گناهان ایشان و خدا سختْ عقوبت است. ﴿۱۱﴾ بگو کافران را که: مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد به سوی دوزخ و بد جایگاه است آن. ﴿۱۲﴾ به تحقیق هست شما را نشانه‌ای در آن دو قوم که به هم آمدند[1]، یک گروه جنگ می‌کردند در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند؛ می‌دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش، دیدنِ به چشم. و خدا قوت می‌دهد به نصرت خود هر که را خواهد، هرآیینه در این واقعه پندی هست خداوندان چشم‌ها را. ﴿۱۳﴾ آراسته کرده شده است برای مردمان، دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه‌های جمع ساخته از زروسیم و اسبان نشانمند ساخته و چهارپایان و زراعت؛ این است بهرهٔ زندگانی دنیا. و خدا، نزدیک اوست بازگشت نیک. ﴿۱۴﴾ بگو (ای محمد): آیا خبر دهم شما را به آنچه بهترین است از این، مر متقیان را؟ باشد نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌ها؛ می‌رود از زیر آن جوی‌ها؛ جاوید باشندگان در آن و باشد زنان پاکیزه و باشد خوشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی روز بدر، والله اعلم

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا
عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٦﴾ ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلۡقَٰنِتِينَ
وَٱلۡمُنفِقِينَ وَٱلۡمُسۡتَغۡفِرِينَ بِٱلۡأَسۡحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ ٱللَّهُ
أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا
بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلدِّينَ
عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن
يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنۡ
حَآجُّوكَ فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِۗ وَقُل
لِّلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡأُمِّيِّـۧنَ ءَأَسۡلَمۡتُمۡۚ فَإِنۡ
أَسۡلَمُواْ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُۗ
وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿٢٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ
ٱللَّهِ وَيَقۡتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَيَقۡتُلُونَ ٱلَّذِينَ
يَأۡمُرُونَ بِٱلۡقِسۡطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
﴿٢١﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا
وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٢﴾

آنان‌که می‌گویند: ای پروردگار ما! هرآیینه ما ایمان آوردیم، پس بیامرز ما را گناهانِ ما و نگاه دار ما را از عذاب آتش. ﴿۱۶﴾ شکیب کنندگان و راست گویندگان و فرمانبرندگان و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان در اوقات سحر. ﴿۱۷﴾ گواهی[۱] داد خدا[۲]، آن‌که نیست هیچ معبود، مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندانِ دانش در آن حال، که خدا تدبیر کننده عالم است به عدل، نیست هیچ معبود مگر او، غالبِ استوارکار است. ﴿۱۸﴾ هرآیینه دین معتبر نزدیک خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی در قبول اسلام) اهل کتاب، مگر بعد از آن که آمد به ایشان دانش[۳]، از روی حسد در میان خویش. و هر که کافر باشد به آیت‌های خدا، پس هرآیینه خدا زود کننده حساب است. ﴿۱۹﴾ پس اگر مکابره کنند با تو [یا محمد] پس بگو: منقاد ساختیم روی خود را برای خدا و هر که پیروی من کرد نیز منقاد ساخت. و بگو به اهل کتاب و به ناخوانندگان: آیا اسلام آوردید؟ پس اگر اسلام آوردند، به تحقیق راه یافتند و اگر روی گردانیدند، پس جز این نیست که لازم بر تو پیغام رسانیدن است و خدا بیناست به بندگان. ﴿۲۰﴾ هرآیینه کسانی که کافر شدند به آیت‌های خدا و می‌کُشند پیغامبران را به ناحق و می‌کُشند آنان را که به عدل می‌فرمایند از مردمان، پس خبر دِه ایشان را به عذاب درد دهنده. ﴿۲۱﴾ این گروه، آنند که نابود شد عمل‌های ایشان در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده. ﴿۲۲﴾

۱- مترجم گوید: از این جا خدایْ تعالی شروع می‌فرماید: در مناظرهٔ اهل کتابین و ردّ شبهات ایشان وتعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله واذ غدوت من اهلک.

۲- یعنی آشکار ساخت.

۳- یعنی حقیقت حال دانستند.

أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُدۡعَوۡنَ
إِلَىٰ كِتَٰبِ ٱللَّهِ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ
مِّنۡهُمۡ وَهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٢٣﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَن تَمَسَّنَا
ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامٗا مَّعۡدُودَٰتٖۖ وَغَرَّهُمۡ فِي دِينِهِم مَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيۡفَ إِذَا جَمَعۡنَٰهُمۡ لِيَوۡمٖ لَّا رَيۡبَ فِيهِ
وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٢٥﴾
قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ
وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن
تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ
ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِۖ وَتُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ
مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَتُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّۖ وَتَرۡزُقُ مَن
تَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٢٧﴾ لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ
ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ
تُقَىٰةٗۗ وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٢٨﴾
قُلۡ إِن تُخۡفُواْ مَا فِي صُدُورِكُمۡ أَوۡ تُبۡدُوهُ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ
وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٩﴾

آیا ندیدی به سوی آنان‌که داده شدند یک پاره از علم
کتاب، خوانده می‌شوند به سوی کتاب خدا تا حکم کند
میان ایشان، پس روی می‌گرداند گروهی از ایشان اعراض
کنان؟. ﴿۲۳﴾ این به سبب آن است که ایشان گفتند:
هرگز نرسد به ما آتش دوزخ، مگر روزی چند شمرده
شده. و فریفت ایشان را در دین ایشان، آنچه افترا
می‌کردند. ﴿۲۴﴾ پس چگونه بُوَد حال، وقتی که جمع
کنیم ایشان را در روزی که هیچ شک نیست در آن و تمام
داده شود هر شخصی را جزای آنچه عمل کرد و ایشان
ستم کرده نشوند. ﴿۲۵﴾ بگو: بار خدایا! ای خداوند
پادشاهی! می‌دهی پادشاهی، هر که را خواهی و باز
می‌گیری پادشاهی از هر که خواهی و ارجمند می‌سازی
هر که را خواهی و خوار می‌سازی هر که را خواهی. به
دست توست نیکی، هرآیینه تو بر همه چیز توانایی[1].
﴿۲۶﴾ در می‌آری شب را در روز و در می‌آری روز را در
شب، و بیرون می‌آری زنده را از مرده و بیرون می‌آری
مرده را از زنده و روزی می‌دهی هر که را می‌خواهی
بی‌شمار .﴿۲۷﴾ باید که دوست نگیرند مسلمانان، کافران
را بجز اهل ایمان و هر که این کند، پس نیست در چیزی
از آن خدا[2]، مگر آن‌که دفع شرّ ایشان کنید به نوعی از
حذر کردن و می‌ترساند شما را خدا از خود و به سوی خدا
بازگشت است. ﴿۲۸﴾ بگو: اگر پنهان کنید آنچه در
سینه‌های شما است یا آشکارا کنیدش، می‌داند آن را خدا
و می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و
خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۲۹﴾

۱- مترجم گوید: در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران
۲- یعنی در عهد خدا نیست.

يَوۡمَ تَجِدُ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ مِنۡ خَيۡرٖ مُّحۡضَرٗا وَمَا
عَمِلَتۡ مِن سُوٓءٖ تَوَدُّ لَوۡ أَنَّ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَهُۥٓ أَمَدَۢا بَعِيدٗاۗ
وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُۥۗ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٣٠
قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ
وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١ قُلۡ
أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ٣٢ ۞إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ
إِبۡرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٣ ذُرِّيَّةَۢ بَعۡضُهَا
مِنۢ بَعۡضٖۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٣٤ إِذۡ قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ
عِمۡرَٰنَ رَبِّ إِنِّي نَذَرۡتُ لَكَ مَا فِي بَطۡنِي مُحَرَّرٗا فَتَقَبَّلۡ
مِنِّيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٥ فَلَمَّا وَضَعَتۡهَا
قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي وَضَعۡتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا وَضَعَتۡ
وَلَيۡسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلۡأُنثَىٰۖ وَإِنِّي سَمَّيۡتُهَا مَرۡيَمَ وَإِنِّيٓ
أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ٣٦
فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٖ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنٗا
وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّاۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيۡهَا زَكَرِيَّا ٱلۡمِحۡرَابَ
وَجَدَ عِندَهَا رِزۡقٗاۖ قَالَ يَٰمَرۡيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَاۖ قَالَتۡ
هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ
حِسَابٍ ٣٧

آن روزی که حاضر یابد هر کس آنچه عمل کرده است از نیکی و آنچه کرده است از بدی، دوست دارد که کاش بودی در میان وی و در میان آن بدی مسافتی دور، و می‌ترساند شما را خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان. ﴿۳۰﴾ [ای محمد] بگو: اگر دوست می‌دارید خدا را، پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا و بیامرزد شما را گناهانِ شما، و خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿۳۱﴾ بگو: فرمان برید خدا را و پیغامبر را، پس اگر رو گردانند، پس هرآیینه خدا دوست ندارد کافران را[۱]. ﴿۳۲﴾ هرآیینه خدا برگزید آدم و نوح را و کسانِ ابراهیم را و کسانِ عمران را بر عالم‌ها؛ ﴿۳۳﴾ در حالتی که این جماعت نسلی بودند، بعضیِ آن پیدا شده از بعضی، و خدا شنوای داناست. ﴿۳۴﴾ آنگاه که گفت زن عمران: ای پروردگار من! هرآیینه من نیاز تو کردم آنچه در شکم من است، آزاد کرده[۲]. پس قبول کن از من هرآیینه تویی شنوای دانا. ﴿۳۵﴾ پس چون بزاد دختر را، گفت: ای پروردگار من! هرآیینه زادم این دختر را و خدا داناست به آنچه وی بزاد. [گفت آن زن] و نیست فرزند مانند دختر[۳] و هرآیینه نام کردم آن را مریم، و هرآیینه من در پناه تو می‌کنم او را و نسل او را از شیطان ملعون. ﴿۳۶﴾ پس قبول کرد مریم را پروردگار او به قبولِ نیک و بالیده ساخت او را بالیدن نیک و خبر ساخت بر وی زکریا را. هرگاه داخل شدی زکریا بر مریم در مسجدی، یافتی نزد او روزی را[۴]، گفت: ای مریم! از کجاست تو را این روزی؟ گفت: آن از نزدیک خداست، هرآیینه خدا می‌دهد روزی هر که را می‌خواهد بی‌شمار. ﴿۳۷﴾

۱- مترجم گوید: که نصاری با حضرت پیغامبرﷺ در باب عیسی‌علیه السلام، گفتگو کردند. حقْ سبحانه این آیات نازل ساخت؛ بعد از نزول این آیت‌ها، نصاری را به مباهله دعوت کردند، همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

۲- یعنی از خدمت والدین معاف داشته.

۳- یعنی دختر خدمت بیت‌المقدس را نمی‌شاید.

۴- یعنی میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥۖ قَالَ رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ
ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨ فَنَادَتۡهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
وَهُوَ قَآئِمٞ يُصَلِّي فِي ٱلۡمِحۡرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحۡيَىٰ
مُصَدِّقَۢا بِكَلِمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدٗا وَحَصُورٗا وَنَبِيّٗا مِّنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ٣٩ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ وَقَدۡ
بَلَغَنِيَ ٱلۡكِبَرُ وَٱمۡرَأَتِي عَاقِرٞۖ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفۡعَلُ مَا
يَشَآءُ ٤٠ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا
تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمۡزٗاۗ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ
كَثِيرٗا وَسَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٤١ وَإِذۡ قَالَتِ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ
وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي
لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣ ذَٰلِكَ مِنۡ
أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۚ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ
يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ أَيُّهُمۡ يَكۡفُلُ مَرۡيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ
إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٤٤ إِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ
يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ ٱسۡمُهُ ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ
مَرۡيَمَ وَجِيهٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ٤٥

آن وقت طلب کرد زکریا از پروردگار خود، گفت: ای پروردگار من! عطا کن مرا از نزد خود، نسل پاک، هرآیینه تو شنوا دعایی. ﴿۳۸﴾ پس ندا کردند او را فرشتگان و او ایستاده بود، نماز می‌گزارد در عبادتگاه: که خدا بشارت می‌دهد تو را به یحیی، باشد باور دارندهٔ فیض خدا[۱] و سردار و بی‌رغبت به زنان و پیغامبری از نیکوکاران. ﴿۳۹﴾ گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا می‌شود برای من فرزندی و رسیده است مرا کلانسالی و زن من نازا هست؟ گفت: همچنین، خدا می‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۴۰﴾ گفت: ای پروردگار من! مُعَیَّن کن برای من نشانی[۲]. فرمود که: نشان تو آن است که سخن نتوانی گفت با مردمان سه روز، مگر به اشارت و یاد کن پروردگار خود را بسیار و تسبیح کن به شام و صباح. ﴿۴۱﴾ و آنگاه که گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآیینه خدا برگزید تو را و پاک ساخت تو را و برگزید تو را بر زنان عالم‌ها. ﴿۴۲﴾ ای مریم! فرمانبرداری کن پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان. ﴿۴۳﴾ [ای محمد]، این از خبرهای غیب است، وحی کردیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک آن قوم چون می‌انداختند قلم‌های خویش را[۳] تا کدام کَس از ایشان خبر گیر مریم شود و نبودی نزدیک ایشان آنگاه که باهم گفتگو می‌کردند. ﴿۴۴﴾ آنگاه که گفتند فرشتگان: ای مریم! هرآیینه خدا بشارت می‌دهد تو را به فیضی از جانب خود که نام او مسیح است، عیسی پسر مریم است، با آبرو در دنیا و آخرت، و از نزدیکْ کردگان حضرت عزّت. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی عیسی را باور دارد.

۲- یعنی نشان حمل آن فرزند.

۳- یعنی قرعه می‌انداختند.

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٤٦﴾
قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ ۖ
قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا
يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ
وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِىٓ
إِسْرَٰٓءِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّىٓ
أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ
فَيَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ
وَأُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
تَدَّخِرُونَ فِى بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن
كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ
ٱلتَّوْرَىٰةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ ٱلَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ ۚ
وَجِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُ ۗ هَٰذَا صِرَٰطٌ
مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ ۞ فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ ٱلْكُفْرَ
قَالَ مَنْ أَنصَارِىٓ إِلَى ٱللَّهِ ۖ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ
أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

و سخن گوید به مردمان در گهواره و وقت مُعمّری و باشد از شایستگان. ﴿۴۶﴾ گفت: ای پروردگار من! چگونه شود مرا فرزند و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی. فرمود: همچنین، خدا پیدا می‌کند هرچه می‌خواهد، چون سرانجام می‌کند کاری، پس جز این نیست که می‌گوید او راکه: بشو! پس می‌شود. ﴿۴۷﴾ و بشارت داد که آموزد او را خدا، کتاب و دانش و تورات و انجیل. ﴿۴۸﴾ و گرداند او را پیغامبری به سوی بنی اسراییل به این دعوی که آورده‌ام پیش شما نشانه‌ای از پروردگار شما تا آن‌که من می‌سازم برای شما از گِل، مانندِ شکل پرنده؛ پس دَم می‌زنم در آن، پس باشد پرنده به حکم خدا، و بِهْ می‌کنم کور مادر زاد را و بَرَص دار را و زنده می‌سازم مردگان را به حکم خدا و خبر می‌دهم شما را به آنچه می‌خورید و آنچه ذخیره می‌نهید در خانه‌های خود، هرآیینه در این کار نشانه است شما را اگر باور دارندگانید. ﴿۴۹﴾ و آمده‌ام باور دارندهٔ آنچه پیش دست‌های من است از تورات و آمده‌ام تا حلال گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود بر شما و آوردم نزدیک شما نشانه از پروردگار شما، پس بترسید از خدا و فرمانِ من برید. ﴿۵۰﴾ هرآیینه خدا پروردگار من و پروردگار شما است، پس پرستش کنید او را، این است راه راست[1]. ﴿۵۱﴾ پس آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود کفر را، گفت: کیستند یاری دهندگان من به سوی خدا؟ گفتند حواریان: ماییم یاری دهندگان، خدا را؛ ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که فرمانبرداریم. ﴿۵۲﴾

۱– القصه، این بشارت در حق عیسی، علیه السلام، متحقق شد و یهود را به دین خود دعوت نمود.

رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ
ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ
ٱلۡمَٰكِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ
وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ
ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ
ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ
تَخۡتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَأُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا
شَدِيدٗا فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٥٦﴾
وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ
أُجُورَهُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَٰلِكَ نَتۡلُوهُ
عَلَيۡكَ مِنَ ٱلۡأٓيَٰتِ وَٱلذِّكۡرِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ
عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ
قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا
تَكُن مِّنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ﴿٦٠﴾ فَمَنۡ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعۡدِ
مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ فَقُلۡ تَعَالَوۡاْ نَدۡعُ أَبۡنَآءَنَا
وَأَبۡنَآءَكُمۡ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمۡ وَأَنفُسَنَا
وَأَنفُسَكُمۡ ثُمَّ نَبۡتَهِلۡ فَنَجۡعَل لَّعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَى
ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٦١﴾

ای پروردگار ما! ایمان آوردیم به آنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبر را، پس بنویس ما را با شاهدان[1].
﴿۵۳﴾ و بد سگالیدند کافران و بدسگالید خدا[2] و خدا قوی‌تر است از همهٔ بدسگالان. ﴿۵۴﴾ آنگاه که گفت خدا: ای عیسی! هرآیینه من برگیرندهٔ توام[3] و بردارندهٔ توام به سوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گردانندهٔ تابعان توام بالای کافران[4]، تا روز قیامت. باز به سوی من است بازگشت شما، پس داوری می‌کنم میان شما در آنچه اختلاف می‌کردید اندر آن.
﴿۵۵﴾ امّا کافران، پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده
﴿۵۶﴾ و امّا کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای. شایسته، پس تمام دهد خدا ایشان را مزد ایشان، و خدا دوست نمی‌دارد ظالمان را. ﴿۵۷﴾ این را می‌خوانیم [یا محمد] بر تو که آیات و کتاب محکم است. ﴿۵۸﴾ هرآیینه حال عیسی نزدیک خدا مانند حال آدم است؛ آفرید او را از خاک، باز گفت او را: بشو! پس شد[5].
﴿۵۹﴾ این سخن راست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرندگان. ﴿۶۰﴾ پس هر که مکابره کند با تو در باب عیسی بعد از آنچه آمد به تو از دانش، پس بگو: بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذات‌های خود را و ذات‌های شما را، پس همه به زاری دعا کنیم، پس لعنت خدا گوییم بر دروغگویان. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی در زمرهٔ شهداء که اکمل امت‌اند، والله اعلم.

۲- یعنی به آن کافران.

۳- یعنی ازین جهان.

۴- یعنی غالب بر ایشان.

۵- یعنی انسانشد.

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡقَصَصُ ٱلۡحَقُّۚ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُۚ
وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ
عَلِيمُۢ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٦٣﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ
كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا
نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن
دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ
﴿٦٤﴾ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمَآ
أُنزِلَتِ ٱلتَّوۡرَىٰةُ وَٱلۡإِنجِيلُ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ أَفَلَا
تَعۡقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ حَٰجَجۡتُمۡ فِيمَا لَكُم
بِهِۦ عِلۡمٞ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞۚ
وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبۡرَٰهِيمُ
يَهُودِيّٗا وَلَا نَصۡرَانِيّٗا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفٗا مُّسۡلِمٗا وَمَا
كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٦٧﴾ إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ
لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّت طَّآئِفَةٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ
يُضِلُّونَكُمۡ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ
﴿٦٩﴾ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَأَنتُمۡ
تَشۡهَدُونَ ﴿٧٠﴾

هرآیینه این است خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا و هرآیینه خدا غالبِ استوارکار است. ﴿۶۲﴾ پس اگر روگردانیدند، پس خدا داناست به تباه‌کاران. ﴿۶۳﴾ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی مسلّم میانِ ما و شما که نپرستیم بجز خدا و شریک نسازیم با وی چیزی را و پروردگار نگیرد بعض از ما بعض دیگر را بجز خدا. پس اگر روی گردانیدند، پس بگویید که: گواه باشید ما مسلمانیم. ﴿۶۴﴾ ای اهل کتاب! چرا مکابره می‌کنید در باب ابراهیم[۱] و فرود آورده نشده است تورات و انجیل الا بعدِ ابراهیم، آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۶۵﴾ آگاه شوید شما ای قوم، مکابره کردید در آنچه شما را به وی دانش است، پس چرا مکابره می‌کنید در آنچه شما را به وی دانش نیست و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید[۲]. ﴿۶۶﴾ نبود ابراهیم یهود و نه ترسا و لیکن بود حنیفِ مسلمان، و نبود از شرک آرندگان[۳]. ﴿۶۷﴾ هرآیینه نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، آن کسان بودند که پیرویِ او کردند. (یعنی در زمان او) و این پیغامبر و مؤمنان، و خدا کارساز مؤمنان است ﴿۶۸﴾ آرزو کردند طایفه‌ای از اهل کتاب که گمراه سازند شما را و گمراه نمی‌سازند مگر خویشتن را و آگاه نیستند. ﴿۶۹﴾ ای اهل کتاب! چرا کافر می‌شوید به آیت‌های خدا، دانسته؟. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود.

۲- یعنی در مسائل منصوصه در تورات اختلاف کردید تا چه رسد به غیر منصوصه.

۳- مترجم گوید: حنیف آن را می‌گفتند که استقبال کعبه کند و حج گزارد و ختنه نماید و از جنابت غسل کند، حاصل آنکه نام کسی بُوَد که به شریعت ابراهیمی متدین باشد.

يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَـٰطِلِ
وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَت طَّآئِفَةٞ
مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَـٰبِ ءَامِنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ عَلَى ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَجۡهَ ٱلنَّهَارِ وَٱكۡفُرُوٓاْ ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمۡ
يَرۡجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمۡ قُلۡ إِنَّ
ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤۡتَىٰٓ أَحَدٞ مِّثۡلَ مَآ أُوتِيتُمۡ أَوۡ
يُحَآجُّوكُمۡ عِندَ رَبِّكُمۡۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ
يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٧٣﴾ يَخۡتَصُّ
بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٧٤﴾
۞وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَـٰبِ مَنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِقِنطَارٖ يُؤَدِّهِۦٓ
إِلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّنۡ إِن تَأۡمَنۡهُ بِدِينَارٖ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيۡكَ إِلَّا
مَا دُمۡتَ عَلَيۡهِ قَآئِمٗاۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لَيۡسَ عَلَيۡنَا
فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ سَبِيلٞ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ
يَعۡلَمُونَ ﴿٧٥﴾ بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ
يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشۡتَرُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ
وَأَيۡمَـٰنِهِمۡ ثَمَنٗا قَلِيلًا أُوْلَـٰٓئِكَ لَا خَلَـٰقَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ
وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَـٰمَةِ وَلَا
يُزَكِّيهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٧٧﴾

ای اهل کتاب! چرا خَلط می‌کنید حق را به باطل و چرا می‌پوشید حق را، دانسته؟. ﴿۷۱﴾ و گفتند گروهی از اهل کتاب:[۱] ایمان آرید به آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان، اوّلِ روز و انکار کنید آخر آن روز، تا شاید که مسلمانان برگردند[۲]. ﴿۷۲﴾ و منقاد مشوید مگر کسی را که پیرویِ دین شما کند، بگو [یا محمد]: هرآیینه هدایت، همان است که هدایت خداست. گفتند: باور مکنید آن‌که داده شود هیچ کس مانند آنچه داده شده‌اید شما، یا گروهی الزام دهند شما را نزدیک خدای شما. بگو: نعمت به دست خداست، می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا فراخْ نعمتِ داناست. ﴿۷۳﴾ مخصوص می‌کند به بخشایش خود، هر که را خواهد و خدا صاحبِ فضلِ عظیم است. ﴿۷۴﴾ و از اهل کتاب کسی هست که اگر امین داری او را به خزانه، باز دهد او را به تو؛ و از ایشان کسی هست که اگر امین داری او را به یک دینار، باز ندهد آن را به تو، مگر تا وقتی که باشی بر سر او ایستاده، و این خیانت، به سبب آن است که گفتند: نیست بر ما در باب ناخواندگان هیچ راه[۳] و دروغ می‌گویند بر خدا، دانسته. ﴿۷۵﴾ آری! هر که وفا کند به عهد خود و پرهیزگاری کند، پس هرآیینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را. ﴿۷۶﴾ کسانی که می‌ستانند عوضِ پیمانی که به خدا بستند، و عوضِ سوگندان خویش بهایی اندک را، آن گروه، هیچ نصیب نیست ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و نگاه نکند به سوی ایشان، روز قیامت و پاک نسازد ایشان را و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۷۷﴾

۱- یعنی با یکدیگر.

۲- یعنی در شک افتند.

۳- یعنی ما را بر مال عرب که هم دین ما نیستند، مؤاخذه نخواهد شد.

وَإِنَّ مِنۡهُمۡ لَفَرِيقٗا يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم بِٱلۡكِتَٰبِ
لِتَحۡسَبُوهُ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ
وَيَقُولُونَ هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَمَا هُوَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ
وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ
لِبَشَرٍ أَن يُؤۡتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ ثُمَّ
يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُواْ عِبَادٗا لِّي مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن
كُونُواْ رَبَّٰنِيِّـۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا
كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۗ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ
إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ
لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ
رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ
قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ
أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٨١﴾
فَمَن تَوَلَّىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٨٢﴾
أَفَغَيۡرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبۡغُونَ وَلَهُۥٓ أَسۡلَمَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَإِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ﴿٨٣﴾

و هرآیینه از اهل کتاب، گروهی هستند که می‌پیچند زبان
خویش را به نوشته تا گمان کنید که آن از کتاب است و
نیست آن از کتاب[1]، و می‌گویند که این از نزدیک
خداست و نیست آن از نزدیک خدا و دروغ‌گویند بر خدا،
دانسته. ﴿۷۸﴾ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند او
را خدا کتاب و علم و نبوت، باز گوید به مردمان: بندگان
شوید مرا بدون خدا، و لیکن مِثل این شخص می‌گوید که:
باشید ربّانی[2] به سبب آموختن کتاب و خواندن آن.
﴿۷۹﴾ و سزاوار نیست که فرماید شما را که پروردگار
گیرید فرشتگان و پیغامبران را. آیا به کفر فرماید شما را؟
بعد از آن که مسلمان شده باشید. ﴿۸۰﴾ و آنگاه که
گرفت خدا تعالی پیمان پیغامبران[3] که آنچه دادم شما را
از کتاب و علم، باز بیاید به شما پیغامبری باور کننده آنچه
با شما است، البته ایمان آرید به او و البته یاری دهید او را،
فرمود خدا: آیا اقرار کردید و گرفتید بر این کار، عهد
مرا؟[4] گفتند: اقرار کردیم؛ فرمود: پس گواه باشید[5] و من
با شما از گواهانم. ﴿۸۱﴾ پس هر که برگردد بعد از این،
پس آن گروه، ایشانند بدکاران. ﴿۸۲﴾ آیا این کافران
ورای دین خدا می‌طلبند؟ و خدا را منقاد شده‌اند، آنان که
در آسمان‌ها و زمینند، به خوشی یاناخوشی و به سوی او
گردانیده شوند. ﴿۸۳﴾

۱- یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب غلط ساخته می‌خوانند.
۲- یعنی مرشد خلق شوید.
۳- یعنی از بنی آدم پیمان گرفت برای پیغمبران.
۴- یعنی قبول کردید.
۵- یعنی بر یکدیگر.

قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ
إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ
أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ
بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَن يَبۡتَغِ
غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ
ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ
إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ
وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُمۡ
أَنَّ عَلَيۡهِمۡ لَعۡنَةَ ٱللَّهِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ﴿٨٧﴾
خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَلَا هُمۡ
يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ
فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ
إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ
وَهُمۡ كُفَّارٞ فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡ أَحَدِهِم مِّلۡءُ ٱلۡأَرۡضِ
ذَهَبٗا وَلَوِ ٱفۡتَدَىٰ بِهِۦٓۗ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ وَمَا
لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٩١﴾

بگو: ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده
است بر ما و به آنچه فرود آورده شده بود بر ابراهیم و
اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد
موسی و عیسی و پیغامبران را از پروردگار ایشان، فرق
نمی‌کنیم میان هیچ یک از ایشان و ما خدا را منقادیم.
﴿۸۴﴾ و هر که طلب کند ورای اسلام، دین دیگر را، پس
هرگز قبول کرده نخواهد شد از او، و او در آخرت از
زیانکاران است. ﴿۸۵﴾ چگونه راه نماید خدا گروهی را
که کافر شدند بعدِ اسلام خود، بعد از آن که شناختند که
پیغمبر درست است و بعد از آن که آمد به ایشان حجت و
خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۸۶﴾ این گروه،
سزای ایشان آن است که باشد بر ایشان، نفرین خدا و
فرشتگان و مردمان، همهٔ ایشان. ﴿۸۷﴾ جاویدان در آن
لعنت، سبک کرده نشود از ایشان، عذاب و نه ایشان مهلت
داده شوند. ﴿۸۸﴾ الاّ آنان‌که توبه کردند بعد از این و
نیکوکاری نمودند، پس هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است.
﴿۸۹﴾ هرآیینه کسانی که کافر شدند بعدِ اسلام خویش،
باز زیادتی کردند در کفر، هرگز قبول کرده نشود توبهٔ
ایشان و آن گروه، ایشانند گمراهان. ﴿۹۰﴾ هرآیینه آنان
که کافر شدند و کافر مردند، پس هرگز قبول کرده
نخواهد شد از هیچ یک ایشان، مقدارِ پُریِ زمین از زر و
اگر عوض خود دهد آن را، آن گروه ایشان راست، عذاب
درد دهنده و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۹۱﴾

لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَۚ وَمَا تُنفِقُواْ
مِن شَيۡءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ ﴿٩٢﴾ ۞كُلُّ ٱلطَّعَامِ كَانَ
حِلّٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسۡرَٰٓءِيلُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ
مِن قَبۡلِ أَن تُنَزَّلَ ٱلتَّوۡرَىٰةُۚ قُلۡ فَأۡتُواْ بِٱلتَّوۡرَىٰةِ فَٱتۡلُوهَآ
إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٩٣﴾ فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ
مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلۡ صَدَقَ
ٱللَّهُۗ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ
مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى
ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن
كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٧﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ
ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ
مَا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَأَنتُمۡ شُهَدَآءُۗ
وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
يَرُدُّوكُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ كَٰفِرِينَ ﴿١٠٠﴾

هرگز نیابید نیکوکاری را، تا آنکه خرج کنید از آنچه که دوست می‌دارید و هر چیز که خرج کنید، خدا به آن داناست. ﴿۹۲﴾ همهٔ طعام حلال بود بر بنی اسراییل، مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب بر خویشتن پیش از آن که تورات نازل کرده شود؛ بگو: بیارید تورات را! پس بخوانید آن را اگر هستید راستگوی![1]. ﴿۹۳﴾ پس هر که دروغ بندد بر خدا بعد از این، پس آن گروه، ایشانند ستمکاران. ﴿۹۴﴾ بگو: راست گفت خدا، پس پیروی کنید ملّت ابراهیم را؛ حنفی کیش شده و نبود از مشرکان. ﴿۹۵﴾ هرآیینه اوّل خانه‌ای که مقرر کرده شد برای مردمان، آن است که در مکّه است، برکت داده شده و هدایت است مر مردمان را. ﴿۹۶﴾ در آن خانه، نشانه‌های روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم[2] و هر که درآید آنجا ایمن بود، و حق خداست بر مردمان، حج خانهٔ کعبه، هر که توانایی دارد رفتن به سوی آن از جهت اسباب راه. و هر که کافر شود، پس هرآیینه خدا بی‌نیاز است از عالم‌ها. ﴿۹۷﴾ بگو: ای اهل کتاب! چرا کافر می‌شوید به آیات خدا؟ و خدا حاضر است بر آنچه می‌کنید. ﴿۹۸﴾ بگو: ای اهل کتاب! چرا باز می‌دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورد، می‌طلبید برای آن راه کج[3] و شما با خبرانید؟ و نیست خدا بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۹۹﴾ ای مسلمانان! اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب، کافر گردانند شما را بعد از اسلام شما. ﴿۱۰۰﴾

۱- مترجم گوید: یهود بر حضرت پیغامبرﷺ طعن می‌کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می‌کنید و آنچه در خاندان، نمی‌خوردند مانند گوشت شتر وشیر، آن می‌خورید، حق تعالی جواب داد که همه چیز حلال بود پیش از نزول تورات، الاّ گوشت و شیر شتر و تحریم گوشت وشیر شتر، ملتِ ابراهیم نیست، خاصه بنی اسرائیل بود، به سبب جدایشان، والله اعلم.

۲- یعنی نقشی که در سنگ ظاهر شده.

۳- یعنی شبهات می‌آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

وَكَيۡفَ تَكۡفُرُونَ وَأَنتُمۡ تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ
وَفِيكُمۡ رَسُولُهُۥۗ وَمَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ فَقَدۡ هُدِيَ إِلَىٰ
صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿١٠١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ﴿١٠٢﴾
وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ
قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا
حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَاۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ
لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلۡتَكُن
مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ
وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا
جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١٠٥﴾ يَوۡمَ
تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ وُجُوهٞۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡوَدَّتۡ
وُجُوهُهُمۡ أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ
بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبۡيَضَّتۡ
وُجُوهُهُمۡ فَفِي رَحۡمَةِ ٱللَّهِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلۡكَ
ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ
ظُلۡمٗا لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٨﴾

و چگونه کافر شوید و خوانده می‌شود بر شما آیات خدا و
در میان شما هست پیغامبر خدا؟ و هر که چنگ استوار
کرد به خدا، پس هرآیینه راه نموده شد به سوی راه راست.
﴿۱۰۱﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا، حقِّ ترسیدن از وی و
نمیرید مگر مسلمان شده. ﴿۱۰۲﴾ و چنگ زنید به رَسَنِ
خدا[۱] جمع آمده، و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا
را که بر شما است؛ چون بودید دشمن یکدیگر[۲]، پس
الفت داد میان دل‌های شما، پس شدید به نعمت خدا برادر
یکدیگر و بودید به کنارهٔ مغاکی از آتش، پس رهانید شما
را از آن. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما نشانه‌های
خود را تا باشد که راه یابید[۳]. ﴿۱۰۳﴾ و باید که باشد از
شما گروهی که بخوانند به سوی نیکی و بفرمایند به کار
پسندیده و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه، ایشانند
رستگاران[۴]. ﴿۱۰۴﴾ و مباشید مانند کسانی که پراکنده
شدند و خلاف با یکدیگر کردند بعد از آن که آمد به
ایشان حجّت‌ها و آن گروه، ایشان راست عذاب بزرگ[۵].
﴿۱۰۵﴾ آن روز که سفید شود یک پاره روی‌ها و سیاه
گردد یک پاره روی‌ها؛ امّا آنان که سیاه گشت روی ایشان،
بدیشان گفته شود: آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش؟
پس بچشید عذاب، به سبب کافر شدن خویش. ﴿۱۰۶﴾ و
امّا آنان که سفید شد روی‌های ایشان، پس در رحمت خدا
باشند؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۱۰۷﴾ این آیات
خداست، می‌خوانیم آن را بر تو به راستی، و نمی‌خواهد
خدا ستم کردن بر مردمان. ﴿۱۰۸﴾

۱- به دین خدا.

۲- یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب و عجم با یکدیگر دشمنی داشتند.

۳- یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی... و علی هذا القیاس.

۴- یعنی واجب بالکفایه است که جمعی به امر معروف و نهی از منکر قیام نمایند.

۵- یعنی مانند یهود ونصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند.

وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ
ٱلۡأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ
بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِۗ وَلَوۡ
ءَامَنَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۚ مِّنۡهُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَن يَضُرُّوكُمۡ إِلَّآ أَذٗىۖ وَإِن
يُقَٰتِلُوكُمۡ يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾ ضُرِبَتۡ
عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ أَيۡنَ مَا ثُقِفُوٓاْ إِلَّا بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَحَبۡلٖ
مِّنَ ٱلنَّاسِ وَبَآءُو بِغَضَبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡمَسۡكَنَةُۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ يَكۡفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
وَيَقۡتُلُونَ ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ
يَعۡتَدُونَ ﴿١١٢﴾ ۞لَيۡسُواْ سَوَآءٗۗ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ
قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ
﴿١١٣﴾ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ
وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ
وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ
فَلَن يُكۡفَرُوهُۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین
است، و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود همهٔ کارها.
﴿۱۰۹﴾ هستید شما بهترین امّتی که بیرون آورده شد[1]
برای مردمان؛ می‌فرمایید به کار پسندیده و منع می‌کنید از
ناپسندیده و باور می‌دارید خدا را. و اگر ایمان آوردند اهل
کتاب، هرآیینه بهتر بودی ایشان را؛ بعضی از ایشان
مسلمانند و اکثر ایشان بدکارانند. ﴿۱۱۰﴾ هرگز زیان
نرسانند به شما مگر اندکْ رنجی[2] و اگر کارزار کنند با
شما، پشت به سوی شما کنند[3]، باز نصرت داده نشوند.
﴿۱۱۱﴾ زده شد بر ایشان خواری هر جاکه یافته شوند،
مگر به دستاویزی از خدا و دستاویزی از مردمان[4] و
بازگشتند به خشمی از خدا. و زده شد بر ایشان ناداری. این
به سبب آن است که کافر می‌بودند به آیات خدا و
می‌کشتند پیغامبران را به ناحق، این به سبب گناه کردن
ایشان است و به سبب آن که از حدّ می‌گذشتند. ﴿۱۱۲﴾
نیستند همه برابر از اهل کتاب؛ گروهی هست ایستاده[5]،
می‌خوانند آیات خدا را در اوقات شب و ایشان سجده
می‌کنند[6]. ﴿۱۱۳﴾ باور می‌دارند خدا را و روز قیامت را
و می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از ناپسندیده و
شتاب می‌کنند در نیکی‌ها و ایشان از شایسته کارانند.
﴿۱۱۴﴾ و آنچه کنند از نیکی، پس ناقدرشناسی کرده
نشود به ایشان نسبت آن عمل و خدا داناست به
پرهیزگاران. ﴿۱۱۵﴾

۱- یعنی مقرر کرده شد.
۲- یعنی به سبب زبان دارزی.
۳- یعنی بگریزند.
۴- یعنی مگر به عهد وذمه.
۵- یعنی راست‌کردار.
۶- یعنی آنان که از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام.

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ
أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ
فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١١٦﴾ مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا كَمَثَلِ رِيحٖ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتۡ حَرۡثَ قَوۡمٖ ظَلَمُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡ فَأَهۡلَكَتۡهُۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ وَلَٰكِنۡ أَنفُسَهُمۡ
يَظۡلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ بِطَانَةٗ
مِّن دُونِكُمۡ لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ قَدۡ
بَدَتِ ٱلۡبَغۡضَآءُ مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَمَا تُخۡفِي صُدُورُهُمۡ
أَكۡبَرُۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿١١٨﴾
هَٰٓأَنتُمۡ أُوْلَآءِ تُحِبُّونَهُمۡ وَلَا يُحِبُّونَكُمۡ وَتُؤۡمِنُونَ
بِٱلۡكِتَٰبِ كُلِّهِۦ وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ
عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ
بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن
تَمۡسَسۡكُمۡ حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡ وَإِن تُصِبۡكُمۡ سَيِّئَةٞ
يَفۡرَحُواْ بِهَاۖ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ
شَيۡـًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿١٢٠﴾ وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ
أَهۡلِكَ تُبَوِّئُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

هرآیینه کسانی که کافر شدند، دفع نکند از ایشان مال و اولاد ایشان از عذاب، خدا چیزی را و ایشانند باشندگانِ دوزخ؛ ایشان در آنجا جاویدند. ﴿۱۱۶﴾ صفتِ آنچه خرج می‌کنند در این زندگانی دنیا، مانند صفت بادی است که در آن سرما[ی] سخت است، برسید زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشتن، پس نابود ساخت آن را و ستم نکرد خدا بر ایشان خدا و لیکن بر خویشتن ستم می‌کردند[۱]. ﴿۱۱۷﴾ ای مسلمانان! دوست پنهانی مگیرید از غیر خویش[۲]؛ تقصیر نمی‌کنند به نسبت شما در فتنه‌انگیزی، دوست داشتند رنج شما را. هرآیینه ظاهر شد دشمنی از دهان‌های ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه‌های ایشان، سخت‌تر است. هرآیینه بیان کردیم برای شما نشانه‌هایی اگر دانا هستید. ﴿۱۱۸﴾ آگاه شوید شما ای قوم که دوست می‌دارید ایشان را و ایشان دوست نمی‌دارند شما را و ایمان می‌آرید به همهٔ کتاب الهی، و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند: ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند بر شما انگشتان خود را از خشم. بگو: بمیرید به سبب خشم خویش! هرآیینه خدا داناست به آنچه در سینه‌هاست. ﴿۱۱۹﴾ اگر برسد به شما نعمت، ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به شما سختی‌ای خوش‌دل شوند به آن و اگر شکیب کنید و پرهیزگاری نمایید، هیچ زیان نرساند به شما مکر ایشان. هرآیینه خدا به آنچه می‌کنند در برگیرنده است[۳]. ﴿۱۲۰﴾ و یاد کن آنگاه که پگاه بیرون آمدی از میان اهل خانهٔ خود، می‌نشاندی مسلمانان را در جای‌ها برای جنگ، و خدا شنوای داناست[۴]. ﴿۱۲۱﴾

۱- حاصل آن است که صدقات ایشان حبط می‌شود.

۲- یعنی از غیر مسلمانان.

۳- در غزوهٔ احد، اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند، بعد از آنکه هزیمت واقع شد. منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ، حضرت پیغامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که از این جا نجنبند، چون آثار فتح ظاهر شدن درگرفت، آن جماعت در پی غنیمت افتادند وعصیان پیغمبر کردند، به شومی این عصیان، هزیمت بر مسلمانان افتاد وهمه فرار کردند الاّ ماشاءالله. خبر شهادت حضرت پیغامبر، شائع شد. منافقان قصد ارتداد کردند، پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امر کنندگان و تشنیع بی‌وفایان، حق سبحانه نازل کرد.

۴- ویاد کن زمانی را که بامدادان از میان خانوادهٔ خود بیرون رفتی و پایگاه‌های جنگ را برای مسلمانان مهیا می‌کردی [مصحح].

إِذۡ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمۡ أَن تَفۡشَلَا وَٱللَّهُ وَلِيُّهُمَاۗ
وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ
بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿١٢٣﴾
إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ
رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰٓۚ
إِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ وَيَأۡتُوكُم مِّن فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا
يُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ
مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ لَكُمۡ
وَلِتَطۡمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦۗ وَمَا ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ
ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ
أَوۡ يَكۡبِتَهُمۡ فَيَنقَلِبُواْ خَآئِبِينَ ﴿١٢٧﴾ لَيۡسَ لَكَ مِنَ
ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٌ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ أَوۡ يُعَذِّبَهُمۡ فَإِنَّهُمۡ
ظَٰلِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ
يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ﴿١٢٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُواْ ٱلرِّبَوٰٓاْ
أَضۡعَٰفٗا مُّضَٰعَفَةٗۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٣٠﴾
وَٱتَّقُواْ ٱلنَّارَ ٱلَّتِيٓ أُعِدَّتۡ لِلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُواْ
ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بُزدلی کنند و خدا کارساز ایشان بود، و بر خدا باید که توکّل کنند مسلمانان[1]. ﴿۱۲۲﴾ و هرآیینه خدا فتح داد شما را روز بدر و شما خوار بودید، پس بترسید از خدا تا بُوَد که شکر کنید. ﴿۱۲۳﴾ چون می‌گفتی به مسلمانان: آیا کفایت نخواهد کرد شما راکه امداد کند پروردگار شما به سه هزار کَس از فرشتگان فرود آورده شده؟. ﴿۱۲۴﴾ بلی! اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و بیایند کافران به سوی شما به این جوش خود، امداد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار کَس از فرشتگانِ نشانمند کرده. ﴿۱۲۵﴾ و نساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما و برای آن که آرام گیرد دل‌های شما به آن، و نیست فتح، مگر از نزدیک خدایِ غالبِ استوارکار. ﴿۱۲۶﴾ چنین کرد تا هلاک کند طایفه‌ای را از کافران یا مغلوب سازد ایشان را، پس باز گردند به مراد نارسیده. ﴿۱۲۷﴾ نیست تو را از این کار چیزی، یا به مهربانی بازگردد بر ایشان یا عذاب کند ایشان را؛ زیرا که ستمکارانند. ﴿۱۲۸﴾ و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است؛ می‌آمرزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را خواهد، و خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿۱۲۹﴾ ای مؤمنان! مخورید سود را دو چندان تو بر تو، و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید. ﴿۱۳۰﴾ و پناه گیرید از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران. ﴿۱۳۱﴾ و فرمان برید خدا را و پیغامبر را تا باشد بر شما مهربانی کرده شود. ﴿۱۳۲﴾

۱- یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار به خاطر ایشان گذشته بود.

۞وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ ٱلَّذِينَ
يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ
وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٣٤﴾
وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ
ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ
وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ
جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدۡ
خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُمۡ سُنَنٞ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ
كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَٰذَا بَيَانٞ لِّلنَّاسِ
وَهُدٗى وَمَوۡعِظَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ
وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِن يَمۡسَسۡكُمۡ
قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ
نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٠﴾

و شتاب کنید به سوی آمرزش از پروردگار خویش و به سوی بهشتی که پهنای او مانند آسمان‌ها و زمین است، آماده کرده شده است برای پرهیزگاران. ﴿۱۳۳﴾ آنان‌که خرج می‌کنند در آسایش و سختی و فرو خورندگان خشم و عفو کنندگانِ تقصیر از مردمان و خدا دوست می‌دارد نیکوکاران را. ﴿۱۳۴﴾ و آنان‌که چون کار زشت کنند، یا ستم کنند بر خود، یاد کنند خدا را، پس آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست که بیامرزد گناهان را مگر خدا و پیوسته نباشند بر آنچه کردند و ایشان، دانسته. ﴿۱۳۵﴾ آن گروه پاداش ایشان آمرزش است از پروردگار ایشان و بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و نیک است اجر طاعت کنندگان. ﴿۱۳۶﴾ هرآیینه گذشته است پیش از شما واقعه‌هایی، پس سیر کنید در زمین و ببینید چگونه بود آخر کار دروغ دارندگان. ﴿۱۳۷﴾ این واضح کردن است، برای مردمان و راه نمودن و پند دادن برای پرهیزگاران. ﴿۱۳۸﴾ و سست مشوید و اندوهناک مباشید و شمایید غالب، اگر مسلمان هستید. ﴿۱۳۹﴾ اگر برسد شما را زخمی، پس رسیده است جماعت کافران را زخمی مانند آن[1]، و این حادثه‌هایی [است]، می‌گردانیم آن را در میان مردمان برای فواید بسیار و تا متمیّز سازد خدا مؤمنان را و شهید گرداند بعضی را از شما، و خدا دوست نمی‌دارد ستمکاران را. ﴿۱۴۰﴾

۱- یعنی دربه‌در.

وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَمۡحَقَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٤١﴾
أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تَدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ وَلَمَّا يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَيَعۡلَمَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدۡ كُنتُمۡ
تَمَنَّوۡنَ ٱلۡمَوۡتَ مِن قَبۡلِ أَن تَلۡقَوۡهُ فَقَدۡ رَأَيۡتُمُوهُ وَأَنتُمۡ
تَنظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن
قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ
أَعۡقَٰبِكُمۡۚ وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ
شَيۡـٔٗاۗ وَسَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفۡسٍ
أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِ كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗاۗ وَمَن يُرِدۡ
ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَن يُرِدۡ ثَوَابَ ٱلۡأٓخِرَةِ
نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَاۚ وَسَنَجۡزِي ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ
قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ
ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ
لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا
عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا
وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

و تا کامل عیار کند مسلمانان را[1] و نابود سازد کافران را.
﴿۱۴۱﴾ آیا گمان کردید که درآیید به بهشت و هنوز
متمیّز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و پیش از آن
که جدا کند صابران را؟. ﴿۱۴۲﴾ و هرآیینه شما آرزو
می‌کردید مرگ را[2] پیش از آن که ملاقات آن کنید، پس
معاینه کردید آن را و شما می‌نگریستید. ﴿۱۴۳﴾ و نیست
محمد مگر پیغمبر، هرآیینه گذشته‌اند پیش از وی
پیغامبران؛ آیا اگر بمیرد یا کشته شود برگردید بر پاشنه‌های
خود؟[3] و هر که برگردد بر پاشنه‌های خود، پس هیچ زیان
نرساند خدا را و خدا ثواب خواهد داد شکرگزاران را.
﴿۱۴۴﴾ و نیست هیچ شخصی را که بمیرد الاّ به ارادهٔ خدا.
نوشته شده است مقید به قید وقت، و هر که خواهد جزای
دنیا، بدهیمش از ثواب دنیا و هر که خواهد جزای آخرت،
بدهیمش از ثواب آخرت و نزدیک است که جزای نیک
دهیم شکرگزاران را. ﴿۱۴۵﴾ و بسا پیغامبر که قتال کردند
با کفار، همراه او خداپرستان بسیار، پس سستی نکردند به
سبب مصیبتی که ایشان را رسید در راه خدا و ناتوانی
نکردند و بیچارگی ننمودند و خدا دوست می‌دارد صابران
را. ﴿۱۴۶﴾ و نبود سخن این خدا پرستان بجز آن که
گفتند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را گناهانِ ما را و از حد
گذشتن ما در کار خود و استوار بکن پاهای ما را و نصرت
ده ما را بر قوم کافران. ﴿۱۴۷﴾ پس عطا کرد خدا ایشان را
جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت، و خدا
دوست می‌دارد نیکوکاران را. ﴿۱۴۸﴾

۱- یعنی ذنوب ایشان را محو کند.

۲- یعنی شهادت را.

۳- یعنی مرتد شوید.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تُطِيعُواْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَـٰبِكُمْ فَتَنقَلِبُواْ خَـٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ
ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّـٰصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنُلْقِى فِى
قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمْ
يُنَزِّلْ بِهِۦ سُلْطَـٰنًا ۖ وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ ۚ وَبِئْسَ مَثْوَى
ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ
تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَـٰزَعْتُمْ فِى
ٱلْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَ ۚ
مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلْـَٔاخِرَةَ ۚ
ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ ۗ
وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٢﴾ ۞ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا
تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِىٓ أُخْرَىٰكُمْ
فَأَثَـٰبَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُواْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ
وَلَا مَآ أَصَـٰبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

ای مؤمنان! اگر فرمانبرداریِ کافران کنید، بازگردانند شما را بر پاشنه‌های شما، پس بازگردید زیانکار شده. ﴿۱۴۹﴾ بلکه خدا یاری دهندهٔ شما است و او بهترین یاری دهندگان است. ﴿۱۵۰﴾ خواهیم انداخت در دل‌های کافران بُزدلی؛ به سبب آن که شریک مقرر ساختند با خدا چیزی را که هیچ حجّت فرود نیاورده است خدا برای او. و جای ایشان دوزخ است و آن بد اقامتگاهِ ستمکاران است. ﴿۱۵۱﴾ و هرآیینه راست کرد خدا در حقّ شما وعدهٔ خود را چون می‌کشتید کافران را به حکم خدا، تا وقتی که بُزدلی کردید و نزاع کردید در کار خویش و نافرمانی کردید بعد از آن که نمود به شما آنچه می‌خواستید؛ از شما کسی بود که می‌خواست دنیا را و از شما کسی بود که می‌خواست آخرت را، آنگاه باز گردانید شما را از ایشان[1] تا امتحان کند شما را، و هرآیینه درگذرانید از شما و خدا صاحبْ رحمت است بر مؤمنان. ﴿۱۵۲﴾ آنگاه که دور می‌رفتید در گریختن و متوجه نمی‌شدید بر هیچ کس و پیغامبر می‌خواند شما را در جماعتی که پسِ پشت شما بودند؛ پس جزا داد شما را به اندوهی بالا اندوهی. این پند دادن برای آن است تا اندوهناک نشوید بر آنچه از دست شما رفت و نه بر آنچه رسید به شما و خدا باخبر است به آنچه می کنید. ﴿۱۵۳﴾

۱- یعنی فرار کردید.

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيۡكُم مِّنۢ بَعۡدِ ٱلۡغَمِّ أَمَنَةٗ نُّعَاسٗا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةٗ مِّنكُمۡۖ وَطَآئِفَةٞ قَدۡ أَهَمَّتۡهُمۡ أَنفُسُهُمۡ يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ ظَنَّ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِۖ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ مِن شَيۡءٖۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَمۡرَ كُلَّهُۥ لِلَّهِۗ يُخۡفُونَ فِيٓ أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبۡدُونَ لَكَۖ يَقُولُونَ لَوۡ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلۡأَمۡرِ شَيۡءٞ مَّا قُتِلۡنَا هَٰهُنَاۗ قُل لَّوۡ كُنتُمۡ فِي بُيُوتِكُمۡ لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَتۡلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمۡۖ وَلِيَبۡتَلِيَ ٱللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمۡ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ مِنكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ إِنَّمَا ٱسۡتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِبَعۡضِ مَا كَسَبُواْۖ وَلَقَدۡ عَفَا ٱللَّهُ عَنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٞ ﴿١٥٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ إِذَا ضَرَبُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ كَانُواْ غُزّٗى لَّوۡ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِيَجۡعَلَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ حَسۡرَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡۗ وَٱللَّهُ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِن قُتِلۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوۡ مُتُّمۡ لَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحۡمَةٌ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

باز فرود آورد بر شما پس از اندوه، ایمنی که پینکی بود. می‌پوشیده گروهی را از شما و گروهی دیگر بودند که اندوهناک ساخته بود ایشان را فکر خویشتن، گمان می‌کردند به خدا، ناحق، گمان کفر را، می‌گفتند: آیا هست ما را از این کار از چیزی؟[۱] بگو: کار به تمام، خدا راست. پنهان می‌دارند در دل خویشتن آنچه آشکارا نمی‌کنند برای تو. می‌گویند: اگر بودی ما را از این کار چیزی، کشته نمی‌شدیم در اینجا. بگو: اگر می‌بودید در خانه‌های خویش، هرآیینه بیرون می‌آمدند کسانی که مقدّر شده است بر ایشان کشته شدن به سوی کشتنگاهِ خویش[۲]. و تا بیازماید خدا آنچه در سینه‌های شما است و تا کامل عیار سازد آنچه در دل شما است و خدا دانا است به آنچه در سینه‌هاست. ﴿۱۵۴﴾ هرآیینه کسانی که روگردانیدند از شما روزی که به هم آمدند هر دو جماعت[۳]، جز این نیست که لغزانید ایشان را شیطان به شومیِ بعض آنچه کردند، و هرآیینه عفو کرد خدا از ایشان، هرآیینه خدا آمرزندهٔ بر دبار است. ﴿۱۵۵﴾ ای مؤمنان! مباشید مانند آنان‌که کافر شدند و گفتند در حقِّ برادران خویش، وقتی که سفر کنند در زمین یا باشند به جهاد بیرون آمده:[۴] اگر می‌بودند ایشان نزدیک ما، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند، تا گرداند خدا این سخن را دریغ در دل ایشان و خدا زنده می‌کند و او می‌میراند و خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۱۵۶﴾ و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید، هرآیینه آمرزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می‌کنند. ﴿۱۵۷﴾

۱- یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ما کار نمی‌کنند.

۲- و این کار برای آن کرده شد که در علم الهی مقدر بود.

۳- یعنی کافران و مسلمانان.

۴- یعنی چون بمیرند درین حالت.

وَلَئِن مُّتُّمۡ أَوۡ قُتِلۡتُمۡ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحۡشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا
رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ
ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ
لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِۖ فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ
إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِن يَنصُرۡكُمُ ٱللَّهُ فَلَا
غَالِبَ لَكُمۡۖ وَإِن يَخۡذُلۡكُمۡ فَمَن ذَا ٱلَّذِي
يَنصُرُكُم مِّنۢ بَعۡدِهِۦۗ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّۚ وَمَن يَغۡلُلۡ يَأۡتِ بِمَا غَلَّ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا
يُظۡلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ
بِسَخَطٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾
هُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ﴿١٦٣﴾
لَقَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ بَعَثَ فِيهِمۡ رَسُولٗا
مِّنۡ أَنفُسِهِمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ
ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ
مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا
قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿١٦٥﴾

و اگر مردید یا کشته شدید، البته به سوی خدا برانگیخته
خواهید شد. ﴿۱۵۸﴾ پس به سبب مهربانی از خدا، نرم
شدی برای ایشان و اگر می‌شدی درشت خو[ی] سخت
دل، پراکنده می‌شدند از حوالی تو، پس در گذر از ایشان
و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان در این
کار؛ پس آنگاه که قصد محکم کردی، پس اعتماد کن بر
خدا، هرآیینه خدا دوست می‌دارد توکّل کنندگان را.
﴿۱۵۹﴾ اگر نصرت دهد شما را خدا، هیچ‌کس غالب
نیست بر شما. و اگر به بی‌پروایی بگذارد شما را، پس
کیست که نصرت دهد شما را بعد از وی و بر خدا باید که
توکّل کنند مسلمانان. ﴿۱۶۰﴾ و هرگز خیانت از نبی
نمی‌آید و هر که خیانت کند، خواهد آورد آن چیز را که
خیانت کرده است به روز قیامت[1]، پس تمام داده شود هر
شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده
نشوند[2]. ﴿۱۶۱﴾ آیا کسی که در پی خوشنودی خدا
رفت، می‌باشد مانند کسی که بازگشت به خشم خدا و
جای او دوزخ است؟ و بدجایی است. ﴿۱۶۲﴾ ایشان بر
مراتب‌اند نزدیک خدا و خدا بیناست به آنچه می‌کنند.
﴿۱۶۳﴾ هرآیینه نعمت فراوان داد خدا بر مؤمنان؛ آنگاه
که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان، می‌خواند
بر ایشان آیاتِ خدا را و پاک سازد ایشان را و می‌آموزد
ایشان را کتاب و علم و هرآیینه بودند پیش از این در
گمراهی آشکارا. ﴿۱۶۴﴾ آیا چون رسید به شما مصیبتی
که به دست آورده بودید دو چند از آن را، گفتید: از کجا
آمد این مصیبت؟ بگو که: آن از نزد نفوس شما است،
هرآیینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۶۵﴾

۱- یعنی بر سر برداشته.

۲- مترجم گوید: چون حضرتﷺ متصرف بودند در غنیمت، این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نکند

وَمَآ أَصَٰبَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِ فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ
وَلِيَعۡلَمَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٦٦﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ نَافَقُواْۚ وَقِيلَ لَهُمۡ
تَعَالَوۡاْ قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدۡفَعُواْۖ قَالُواْ لَوۡ نَعۡلَمُ
قِتَالٗا لَّٱتَّبَعۡنَٰكُمۡۗ هُمۡ لِلۡكُفۡرِ يَوۡمَئِذٍ أَقۡرَبُ مِنۡهُمۡ
لِلۡإِيمَٰنِۚ يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ وَٱللَّهُ
أَعۡلَمُ بِمَا يَكۡتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ ٱلَّذِينَ قَالُواْ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ
وَقَعَدُواْ لَوۡ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُواْۗ قُلۡ فَٱدۡرَءُواْ عَنۡ
أَنفُسِكُمُ ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحۡسَبَنَّ
ٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمۡوَٰتَۢاۚ بَلۡ أَحۡيَآءٌ عِندَ
رَبِّهِمۡ يُرۡزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن
فَضۡلِهِۦ وَيَسۡتَبۡشِرُونَ بِٱلَّذِينَ لَمۡ يَلۡحَقُواْ بِهِم مِّنۡ
خَلۡفِهِمۡ أَلَّا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٧٠﴾
۞يَسۡتَبۡشِرُونَ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا
يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٧١﴾ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ
وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ
مِنۡهُمۡ وَٱتَّقَوۡاْ أَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾ ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ
إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا
وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

آنچه رسید به شما روزی که به هم آمدند دو گروه، پس به ارادهٔ خدا بود و تا متمیّز سازد مؤمنان را. ﴿۱۶۶﴾ و متمیّز سازد آنان را که منافق شدند و گفته شد ایشان را: بیایید بجنگید در راه خدا یا دفع کنید کافران را[۱]، گفتند: اگر می‌دانستیم جنگ کردن[۲]، هرآیینه پیروی شما می‌کردیم؛ این گروه به سوی کفر، آن روز نزدیک‌تر بودند به نسبت ایشان به جانب ایمان؛ می‌گویند به دهان خویش آنچه نیست در دل ایشان و خدا داناتر است به آنچه می‌پوشند. ﴿۱۶۷﴾ آنان‌که خود از جنگ، بازنشسته، گفتند در حقّ برادران خویش که: اگر فرمان ما می‌بردند، کشته نمی‌شدند، بگو: دفع کنید از خویشتن مرگ را اگر هستید راستگو. ﴿۱۶۸﴾ و مرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا، بلکه زنده‌اند؛ نزدیک پروردگار خویش، روزی داده می‌شوند. ﴿۱۶۹﴾ شادان به آنچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود و خوشوقت می‌شوند به سبب آنان که به ایشان نپیوسته‌اند از پسِ ایشان؛ به سبب آن که هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند. ﴿۱۷۰﴾ خوشوقت می‌شوند به نعمتِ خدا و فضلِ او و به آن که خدا ضایع نمی‌کند مزد مؤمنان را[۳]. ﴿۱۷۱﴾ کسانی که قبول کردند حکم خدا و رسول را بعد از آن که رسیده بود به ایشان زخم، برای آنان‌که از این جماعت نیکوکاری و تقوا کرده‌اند، مزد بزرگ است. ﴿۱۷۲﴾ آنان‌که گفتند به ایشان مردمان که: کافران لشکر جمع کرده‌اند برای شما، پس بترسید از آن لشکرها، پس زیاده کرد [این سخن] ایمان ایشان را و گفتند: بس است ما را خدا و نیک کارگزار است. ﴿۱۷۳﴾

۱- یعنی از بلاد خویش.

۲- یعنی مصلحت می‌دانستیم.

۳- مترجم گوید: در اُحُد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده، سوق بدر باشد، چون موسم سوق بدر رسید، کفار شخصی را فرستادند، جمعیت ایشان بیان کرده، مسلمانان را در حیز توقف اندازد، با وجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آن حضرت برآمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ یک از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری می‌گوید. خدا در مدح ایشان می‌فرماید.

فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ
وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ ﴿۱۷۴﴾ إِنَّمَا
ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ
وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿۱۷۵﴾ وَلَا يَحۡزُنكَ ٱلَّذِينَ
يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡكُفۡرِۚ إِنَّهُمۡ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۗ
يُرِيدُ ٱللَّهُ أَلَّا يَجۡعَلَ لَهُمۡ حَظّٗا فِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُمۡ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷۶﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلۡكُفۡرَ
بِٱلۡإِيمَٰنِ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿۱۷۷﴾
وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ خَيۡرٞ
لِّأَنفُسِهِمۡۚ إِنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِثۡمٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ﴿۱۷۸﴾ مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمۡ
عَلَيۡهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ ٱلۡخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِۗ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ
لِيُطۡلِعَكُمۡ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجۡتَبِي مِن
رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ
وَتَتَّقُواْ فَلَكُمۡ أَجۡرٌ عَظِيمٞ ﴿۱۷۹﴾ وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ
يَبۡخَلُونَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ هُوَ خَيۡرٗا لَّهُمۖ
بَلۡ هُوَ شَرّٞ لَّهُمۡۖ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِۦ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ
وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ
خَبِيرٞ ﴿۱۸۰﴾

پس بازگشتند [این مسلمانان] به نعمتی از خدا و فضلِ او، نرسید به ایشان هیچ سختی و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحبِ فضل بزرگ است. ﴿۱۷۴﴾ جز این نیست که این خبر دهنده، شیطان است، می‌ترساند دوستان خود را[۱]، پس شما مترسید از کافران و بترسید از من، اگر مؤمن هستید. ﴿۱۷۵﴾ و اندوهگین نکنند تو را یا [محمد] آنان‌که می‌شتابند در نصرت کفر، هرآیینه ایشان هیچ زیان نرسانند خدا را[۲]. می‌خواهد خداکه ندهد ایشان را هیچ بهره در آخرت و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿۱۷۶﴾ هرآیینه آنان‌که خریدند[۳] کفر را عوض ایمان، هیچ زیان نرسانند خدا را و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۱۷۷﴾ و گمان نکنند کافران که مهلت دادنِ ما ایشان را، بهتر است در حق ایشان؛ جز این نیست که مهلت می‌دهیم ایشان را تا زیاده شوند در گناهکاری و ایشان راست، عذاب خوار کننده. ﴿۱۷۸﴾ هرگز نگذارد خدا مسلمانان را بر آنچه حال شما هستید بر آن، تا آن که جدا کند ناپاک را از پاک، و هرگز مطّلع نکند خدا شما را بر غیب و لیکن خدا برمی‌گزیند از پیغامبران خود، هر که را خواهد؛ پس ایمان آرید به خدا و پیغامبران او و اگر ایمان آرید و تقوی کنید، شما را باشد مزد بزرگ. ﴿۱۷۹﴾ و باید گمان نکنند آنان‌که بخل می‌کنند به آنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود، این بخل را بهتر برای خویش؛ بلکه آن بد است برای ایشان؛ نزدیک است که بر شکل طوق، پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده‌اند به آن، روز قیامت[۴] و خدا راست پسْ گذاشتهٔ اهلِ آسمان‌ها و زمین و خدا به آنچه می‌کنید دانا است. ﴿۱۸۰﴾

۱- یعنی ضعیفْ اسلام را.

۲- یعنی دین او را.

۳- یعنی اختیار کردند.

۴- یعنی آن مال را به صورت مار کرده در گردن ایشان اندازند.

لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ
أَغْنِيَآءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُواْ وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ
وَنَقُولُ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ
أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ ٱلَّذِينَ
قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَآ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا
بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ ٱلنَّارُ ۗ قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّن
قَبْلِي بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن
كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن
قَبْلِكَ جَآءُو بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾
كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ
ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ
فَازَ ۗ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ ۞ لَتُبْلَوُنَّ
فِيٓ أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ أَذًى
كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ
ٱلْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

هرآیینه شنید خدا سخن آنان راکه گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم[1]. خواهیم نوشت آنچه گفتند و [بنویسیم] کشتن ایشان، پیغمبران را به ناحق و بگوییم: بچشید عذاب سوزنده. ﴿۱۸۱﴾ این عذاب، به سبب عملی است که پیش فرستاده است دست‌های شما و به سبب آن است که خدا ستم کننده نیست بر بندگان. ﴿۱۸۲﴾ آنان‌که گفتند که: هرآیینه خدا حکم فرستاده است به سوی ما که ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تا آن که بیارد ما را قربانی که بخورد آن را آتش[2]. بگو: آوردند نزد شما پیغامبران پیش از من، معجزه‌ها و آن را نیز که شما گفتید؛ پس چرا کشتید ایشان را، اگر هستید راستگو؟. ﴿۱۸۳﴾ پس اگر به دروغ نسبت کردند تو را، پس به دروغ نسبت کرده شده بود پیغامبران پیش از تو، آوردند حجّت‌ها را و صحیفه‌ها را و کتاب روشن را. ﴿۱۸۴﴾ هر نفسی چشندهٔ موت است و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت؛ پس هر که دور داشته شد از دوزخ و در آورده شد به بهشت، پس هرآیینه به مراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر بهرهٔ فریبنده. ﴿۱۸۵﴾ البته آزمایش کرده خواهد شد شما را در اموال شما و جان‌های شما و خواهید شنید از آنان که کتاب داده شده‌اند پیش از شما و از مشرکان، سرزنش بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، هرآیینه این خصلت از کارهای مقصود است. ﴿۱۸۶﴾

۱- یعنی چون یهود شنیدند، «اقرضو الله» گفتند: ما غنی‌ایم و خدا فقیر است، والله اعلم.

۲- یعنی گوسفندی که از غیب آتش او را بردارد.

وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهُۥ
لِلنَّاسِ وَلَا تَكۡتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمۡ
وَٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًاۖ فَبِئۡسَ مَا يَشۡتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا
تَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أَتَواْ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحۡمَدُواْ
بِمَا لَمۡ يَفۡعَلُواْ فَلَا تَحۡسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٖ مِّنَ ٱلۡعَذَابِۖ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ
وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي
ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ
جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ
ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ
وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ﴿١٩٢﴾ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا
يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَـَٔامَنَّاۚ رَبَّنَا
فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ
ٱلۡأَبۡرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا
تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

و یاد کن، چون گرفت خدا عهد اهل کتاب راکه البته بیان کنید کتاب را برای مردمان و نپوشید آن را، پس بیانداختند آن عهد را پَسِ پُشتِ خویش و گرفتند عوض آن بهایی اندک؛ پس بدچیزی است که می‌ستانند. ﴿۱۸۷﴾ مپندار کسانی را که شادمان می‌شوند به آنچه کردند و دوست می‌دارند که ستوده شوند به آنچه نکرده‌اند، مپندار ایشان را در خلاص از عذاب و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۱۸۸﴾ و خدا راست، پادشاهی آسمان‌ها و زمین و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۸۹﴾ هرآیینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز، نشانه‌هاست خداوندان خرد را. ﴿۱۹۰﴾ آنان‌که یاد می‌کنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی‌ها خویش خفته و تأمّل می‌کنند در آفرینش آسمان‌ها و زمین، [می‌گویند:] ای پروردگار ما! نیافریده‌ای این را باطل(1)، پاکی است تو را، پس نگاه دار ما را از عذاب آتش. ﴿۱۹۱﴾ ای پروردگار ما! هرآیینه تو هر که را در آری به دوزخ، به تحقیق رسوا کردی او را و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۱۹۲﴾ ای پروردگار ما! هرآیینه ما شنیدیم ندا کننده را [به آواز بلند] می‌خواند به سوی ایمان، که ایمان آرید به پروردگار خویش، پس ما ایمان آوردیم. ای پروردگار ما! پس بیامرز گناهان ما را و دور کن از ما بدی‌های ما را و بمیران ما را با نیکوکاران. ﴿۱۹۳﴾ ای پروردگار ما! و بده ما را آنچه وعده کرده‌ای به ما به زبان رسولان خود و رسوا مکن ما را روز قیامت، هرآیینه تو خلاف وعده نمی‌کنی. ﴿۱۹۴﴾

۱- یعنی به غیر تدبیر بلیغ، والله اعلم.

فَٱسۡتَجَابَ لَهُمۡ رَبُّهُمۡ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٖ
مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰۖ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۖ
فَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأُوذُواْ فِي
سَبِيلِي وَقَٰتَلُواْ وَقُتِلُواْ لَأُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ
وَلَأُدۡخِلَنَّهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ ثَوَابٗا
مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥ حُسۡنُ ٱلثَّوَابِ ١٩٥ لَا
يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١٩٦ مَتَٰعٞ
قَلِيلٞ ثُمَّ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ١٩٧ لَٰكِنِ
ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلٗا مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۗ وَمَا عِندَ
ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّلۡأَبۡرَارِ ١٩٨ وَإِنَّ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَمَن
يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِمۡ
خَٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشۡتَرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ
أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ
ٱلۡحِسَابِ ١٩٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱصۡبِرُواْ وَصَابِرُواْ
وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٢٠٠

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان به اینکه من ضایع نمی‌سازم عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما از مرد یا زن، بعضی شما از جنس بعض است. پس آنان‌که هجرت کردند و بیرون کرده شدند از خانه‌های خویش و رنجانیده شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند، البته دور کنم از ایشان، گناهان ایشان را و البته در آرم ایشان را در باغ‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، پاداشی از نزدیک خدا. و خدا، نزدیک اوست پاداش نیک. ﴿۱۹۵﴾ باید که نفریبد تو را آمد و شد کافران در شهرها. ﴿۱۹۶﴾ این بهره‌مندیِ اندک است، بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد و وی بدجایی است. ﴿۱۹۷﴾ لیکن آنان‌که ترسیدند از پروردگار خود، ایشان راست بوستان‌ها؛ می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا. تحفه‌ای از نزدیک خدا و آنچه نزدیک خدا است، بهتر است نیکوکاران را. ﴿۱۹۸﴾ و هرآیینه از اهل کتاب، کسانی که ایمان می‌آرند به خدا و به آنچه فرود آورده شد به سوی شما و به آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان؛ فروتنی کنندگان برای خدا، نمی‌ستانند عوض آیت‌های خدا، بهای اندک؛ آن گروه، ایشان راست، مزد ایشان نزد پروردگار ایشان، هرآیینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۱۹۹﴾ ای مؤمنان! صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و بترسید از خدا، باشد که رستگار شوید. ﴿۲۰۰﴾

سُورَةُ النِّسَاءِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن
نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا
كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ
وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا ١ وَءَاتُواْ
ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا
تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا
٢ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تُقۡسِطُواْ فِي ٱلۡيَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا
طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ
خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۚ
ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ ٣ وَءَاتُواْ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ
نِحۡلَةٗۚ فَإِن طِبۡنَ لَكُمۡ عَن شَيۡءٖ مِّنۡهُ نَفۡسٗا فَكُلُوهُ
هَنِيٓـٔٗا مَّرِيٓـٔٗا ٤ وَلَا تُؤۡتُواْ ٱلسُّفَهَآءَ أَمۡوَٰلَكُمُ ٱلَّتِي
جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمۡ قِيَٰمٗا وَٱرۡزُقُوهُمۡ فِيهَا وَٱكۡسُوهُمۡ
وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٥ وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا
بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ
أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ
وَمَن كَانَ غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡۖ وَمَن كَانَ فَقِيرٗا
فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِذَا دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ
فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٦

سوره نساء

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای مردمان! بترسید از آن پروردگار خویش که بیافرید شما را از یک کَس و آفرید از آن یک کَس، زنِ او را و منتشر ساخت از این دو کَس مردان بسیار و زنان بی‌شمار، و بترسید از خدا که از یکدیگر به نام او سؤال می‌کنید و بترسید از قطع قبیله‌داری، هرآیینه خدا هست نگاهبان بر شما. ﴿۱﴾ و بدهید به یتیمان اموال ایشان، و بدل نکنید ناپاکیزه را به پاکیزه، و مخورید اموال ایشان به هم آورده به اموال خویش، هرآیینه این گناهی بزرگ است[1]. ﴿۲﴾ و اگر دانید که عدل نتوانید کرد در حقِّ دختران یتیمه، پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از سایر زنان، دو دو، و سه سه و چهار چهار؛ پس اگر دانید که در این صورت نیز عدل نتوانید کرد، پس نکاح کنید یک زن را یا سریه گیرید آن را که مالک او شد دست‌های شما، این نزدیک‌ترست به آن که جور نکنید. ﴿۳﴾ و بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی، و اگر زنان در گذرند به خوشدلی برای شما از بعض مهر، پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار. ﴿۴﴾ و مدهید بی‌خردان را اموال خود، که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما و بخورانید ایشان را از آن اموال و بپوشانید ایشان را و بگویید به ایشان سخن نیکو[2]. ﴿۵﴾ و امتحان کنید یتیمان را[3] تا آنگاه که رسند به حدّ نکاح[4]، پس اگر دریافتید از ایشان حسن تدبیر، پس برسانید به ایشان اموال ایشان را و مخورید آن اموال را[5] به اسراف و شتابی از ترس آن که بزرگ شوند و هر که باشد توانگر، پس باید که پرهیزگاری کند[6] و هر که فقیر باشد، پس باید که بخورد به وجه پسندیده؛ پس چون رسانید به ایشان اموال ایشان را، گواه گیرید بر ایشان، و بس است به حقیقت، خدا حساب کننده. [است]. ﴿۶﴾

۱- در جاهلیت اولیای دختدان یتیمان مانند ابنای اعمام ایشان را به نکاح خود درمی‌آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی‌کردند، خدای تعالی آیت فرستاد.

۲- یعنی بر سفه‌ها، حِجر باید کرد و اموال ایشان که به حقیقت همه مسلمانان به آن منتفع‌اند، بی‌واسطه یا با واسطه به دست ایشان داده ضائع نباید ساخت، والله اعلم.

۳- یعنی در ایام کودکی.

۴- یعنی بالغ شوند.

۵- یعنی در خردسالی ایشان.

۶- یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ
وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ مِمَّا
قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ
ٱلۡقِسۡمَةَ أُوْلُواْ ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينُ فَٱرۡزُقُوهُم
مِّنۡهُ وَقُولُواْ لَهُمۡ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ﴿٨﴾ وَلۡيَخۡشَ ٱلَّذِينَ لَوۡ
تَرَكُواْ مِنۡ خَلۡفِهِمۡ ذُرِّيَّةٗ ضِعَٰفًا خَافُواْ عَلَيۡهِمۡ
فَلۡيَتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلۡيَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلۡيَتَٰمَىٰ ظُلۡمًا إِنَّمَا يَأۡكُلُونَ فِي
بُطُونِهِمۡ نَارٗاۖ وَسَيَصۡلَوۡنَ سَعِيرٗا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ
فِيٓ أَوۡلَٰدِكُمۡۖ لِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۚ فَإِن كُنَّ
نِسَآءٗ فَوۡقَ ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَۖ وَإِن كَانَتۡ
وَٰحِدَةٗ فَلَهَا ٱلنِّصۡفُۚ وَلِأَبَوَيۡهِ لِكُلِّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا
ٱلسُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُۥ وَلَدٞۚ فَإِن لَّمۡ يَكُن لَّهُۥ
وَلَدٞ وَوَرِثَهُۥٓ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ ٱلثُّلُثُۚ فَإِن كَانَ لَهُۥٓ إِخۡوَةٞ
فَلِأُمِّهِ ٱلسُّدُسُۚ مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصِي بِهَآ أَوۡ دَيۡنٍۗ
ءَابَآؤُكُمۡ وَأَبۡنَآؤُكُمۡ لَا تَدۡرُونَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ لَكُمۡ
نَفۡعٗاۚ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا
﴿١١﴾

مردمان را حصّه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، و زنان را نیز حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان، از آنچه کم باشد از مال یا بسیار، حصّۀ مقرر کرده شده[۱]. ﴿۷﴾ و چون حاضر شوند نزد قسمتِ میراث، خویشان[۲] و یتیمان و گدایان، پس بدهید ایشان را چیزی از آن[۳] و بگویید به ایشان، سخن نیکو. ﴿۸﴾ و باید که بترسند از خدا آنان‌که اگر [نزدیک شوند از آن که] بگذارند بعدِ خود اولاد ناتوان را، خایف باشند بر ایشان [که ضایع شوند،] پس باید که از خدا بترسند و باید که بگویند سخن استوار[۴]. ﴿۹﴾ هرآیینه آنان‌که می‌خورند اموال یتیمان به ظلم، جز این نیست که می‌خورند در شکم خویش آتش را و در آیند به دوزخ. ﴿۱۰﴾ حکم می کند شما را خدا در حقّ اولاد شما که مرد را هست مانند حصۀ دو زن. اگر [اولاد میّت همه] دختران باشند زیاده از دو، پس ایشان راست دو سوّم حصّه از آنچه میّت گذاشته است[۵] و اگر [ذرّیّتش] یک دختر باشد، پس او راست نیم ترکه و هست پدر و مادر میّت را هر یکی را از ایشان، ششم حصّه از آنچه بگذاشته است، اگر باشد میّت را فرزندی، پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند، پس هست مادرش را سوم حصّه[۶]، پس اگر باشند میّت را برادران، هست مادرش را ششم حصّه[۷] [و این تقسیم] بَعدِ اَدای وصیتی است که میّت به آن فرموده یا بعد ادای دین[۸]. پدران شما و پسران شما، نمی‌دانید که کدام یک از ایشان نزدیک‌تر است در نفع رسانیدن، حصه معین کرده شد از جانب خدا، هرآیینه هست خدا دانای استوارکار. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد، کم بود یا بسیار، درین ردّ است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی‌دادند.

۲- یعنی خویشان غیر وارث.

۳- یعنی به طریق استحباب.

۴- یعنی آنان که اولاد داشته باشند به وجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع یک‌سوم مال یاکمتراز آن است، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: حکم دو دختر نیز ثلثان است، والله اعلم.

۶- یعنی مابقی برای پدر است.

۷- یعنی برادران و خواهران، حصۀ مادر را ناقص می‌سازند، اگرچه خود چیزی نیابند و یک برادر و یک خواهر ناقص سازد، والله اعلم.

۸- یعنی اگر وصیت باشد، نخست ادای وصیت کنند و اگر دَین باشد، نخست ادای دَین کنند.

۞وَلَكُمۡ نِصۡفُ مَا تَرَكَ أَزۡوَٰجُكُمۡ إِن لَّمۡ يَكُن
لَّهُنَّ وَلَدٞۚ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٞ فَلَكُمُ ٱلرُّبُعُ مِمَّا تَرَكۡنَۚ
مِنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ يُوصِينَ بِهَآ أَوۡ دَيۡنٖۚ وَلَهُنَّ ٱلرُّبُعُ مِمَّا
تَرَكۡتُمۡ إِن لَّمۡ يَكُن لَّكُمۡ وَلَدٞۚ فَإِن كَانَ لَكُمۡ وَلَدٞ
فَلَهُنَّ ٱلثُّمُنُ مِمَّا تَرَكۡتُمۚ مِّنۢ بَعۡدِ وَصِيَّةٖ تُوصُونَ بِهَآ
أَوۡ دَيۡنٖۗ وَإِن كَانَ رَجُلٞ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمۡرَأَةٞ وَلَهُۥٓ
أَخٌ أَوۡ أُخۡتٞ فَلِكُلِّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا ٱلسُّدُسُۚ فَإِن كَانُوٓاْ
أَكۡثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمۡ شُرَكَآءُ فِي ٱلثُّلُثِۚ مِنۢ بَعۡدِ
وَصِيَّةٖ يُوصَىٰ بِهَآ أَوۡ دَيۡنٍ غَيۡرَ مُضَآرّٖۚ وَصِيَّةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ
وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٞ ﴿١٢﴾ تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يُطِعِ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَمَن
يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا
خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ﴿١٤﴾

و شما را هست نیمهٔ آنچه بگذاشته‌اند زنان شما، اگر نباشد ایشان را فرزندی، پس اگر ایشان را فرزندی باشد، شما راست، چهارم حصّه از آنچه بگذاشته‌اند، بعدِ ادای وصیّتی که به آن فرموده باشند یا بعدِ ادای دَین، و زنان راست، چهارم حصّه از آنچه شما بگذاشته‌اید، اگر نباشد شما را فرزندی، پس اگر باشد شما را فرزندی، پس زنان راست، هشتم حصّه از آنچه بگذاشته‌اید بعدِ ادایی وصیتی که به آن فرموده باشید یا ادای دَین، و اگر مردِ مرده که از وی میراث می‌خواهند یا زنِ مرده کلاله باشد[1] و او را برادری هست یا خواهری[2]، پس هر یک از ایشان راست، ششم حصّه، پس اگر اخیافیان زیاده از این باشند، پس ایشان باهم شریکند در سوم حصّه بعد ادای وصیتی که به آن فرموده شد یا بعدِ اَدای دَین، به غیر آن که ضرر رساننده باشد[3]، حکم کرده شده است از جانب خدا و خدا دانای بردبار است. ﴿۱۲﴾ این همه حدّها مقرر کردهٔ‌خداست و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را، در آرَدَش به بهشت‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا و این است مطلب یابی بزرگ. ﴿۱۳﴾ و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدهای مقرر کردهٔ او، در آردش به آتش، جاوید آنجا و او راست، عذاب رسوا کننده. ﴿۱۴﴾

۱- ومعنای کلاله آن است که پدر و فرزند و برادر و خواهر تنی ندارد.

۲- یعنی اخیافی.

۳- یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود، اعتبار ندارد، والله اعلم.

وَٱلَّٰتِي يَأۡتِينَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمۡ فَٱسۡتَشۡهِدُواْ
عَلَيۡهِنَّ أَرۡبَعَةٗ مِّنكُمۡۖ فَإِن شَهِدُواْ فَأَمۡسِكُوهُنَّ فِي
ٱلۡبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلۡمَوۡتُ أَوۡ يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ
سَبِيلٗا ﴿١٥﴾ وَٱلَّذَانِ يَأۡتِيَٰنِهَا مِنكُمۡ فَـَٔاذُوهُمَاۖ فَإِن
تَابَا وَأَصۡلَحَا فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابٗا
رَّحِيمًا ﴿١٦﴾ إِنَّمَا ٱلتَّوۡبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسُّوٓءَ
بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٖ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ
عَلَيۡهِمۡۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿١٧﴾ وَلَيۡسَتِ ٱلتَّوۡبَةُ
لِلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ
ٱلۡمَوۡتُ قَالَ إِنِّي تُبۡتُ ٱلۡـَٰٔنَ وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمۡ
كُفَّارٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿١٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗاۖ
وَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ إِلَّآ أَن
يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن
كَرِهۡتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ
فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا ﴿١٩﴾

و از زنان شما، آنان‌که زنا می‌کنند، پس گواه طلبید بر
ایشان چهار مرد از جنس خویش[1]. پس اگر گواهی
دادند، محبوس کنید ایشان را در خانه‌ها تا آن که عمر
ایشان را تمام کند مرگ، یا مقرر کند خدای تعالی برای
ایشان راهی[2]. ﴿۱۵﴾ و آن دو کَس که زنا می‌کنند از
شما، پس آزار دهید ایشان را، پس اگر توبه کردند و
نیکوکاری پیش گرفتند، پس اعراض کنید از تعذیب
ایشان، هرآیینه خدا هست بازگردندهٔ مهربان[3]. ﴿۱۶﴾ جز
این نیست که وعدهٔ قبول توبه، لازم بر خداست برای آن
کسان که می‌کنند معصیت به نادانی، بعد از آن توبه کنند
در نزدیکی[4]، پس آن گروه، به رحمت باز می‌گردد خدا
بر ایشان و هست خدا دانای استوارکار. ﴿۱۷﴾ و نیست
وعدهٔ قبول توبه آن کسان را که می‌کنند معاصی تا آنگاه
که پیش آید کسی را از ایشان مرگ، گفت: هرآیینه من
توبه کردم الحال، و نه آن کسان راست که کافر بمیرند،
این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده.
﴿۱۸﴾ ای مؤمنان! حلال نیست شما را آن که میراث گیرید
زنان را و ایشان ناخوش باشند[5]. و منع مکنید ایشان را[6] تا
به دست آرید بعضِ آنچه داده‌اید ایشان را، لیکن وقتی که
کنند کار بد آشکارا، [می‌توان ایذا داد] و زندگانی کنید
باز زنان به وجه پسندیده، زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان
را، پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند خدایْ
تعالی در آن چیز، خیر بسیار. ﴿۱۹﴾

۱- یعنی از مسلمانان.

۲- بعد این آیت، خدایْ تعالی راهی مقرر کرد و آن رجم ثیّب و جلدِ بکر است، پس الحال حکم حبس نیست، والله اعلم.

۳- این آیت، مجمل است ودر احادیث آمده است که بِکر آزاد را صد تازیانه باید زد و ثیّب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد، والله اعلم.

۴- یعنی پیش از حضور مرگ.

۵- اهل جاهلیت، زنان را نیز از جملهٔ میراث می‌دانستند، ولی میّت اگر می‌خواست به جبر در (نکاح خود) می‌آورد و اگر می‌خواست منع می‌کرد که با اجنبی نکاح کند، تا انکه حق تعالی این آیت فرستاد.

۶- یعنی از نکاح به هر که خواهند.

وَإِنۡ أَرَدتُّمُ ٱسۡتِبۡدَالَ زَوۡجٖ مَّكَانَ زَوۡجٖ وَءَاتَيۡتُمۡ
إِحۡدَىٰهُنَّ قِنطَارٗا فَلَا تَأۡخُذُواْ مِنۡهُ شَيۡـًٔاۚ أَتَأۡخُذُونَهُۥ
بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٢٠ وَكَيۡفَ تَأۡخُذُونَهُۥ وَقَدۡ أَفۡضَىٰ
بَعۡضُكُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ وَأَخَذۡنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا
٢١ وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا
مَا قَدۡ سَلَفَۚ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَمَقۡتٗا وَسَآءَ سَبِيلًا
٢٢ حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ
وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ
وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ
وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ
وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي
دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ
أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ
سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٣

و اگر خواهید بدل کردن زن به جای زنی و داده باشید یکی را از ایشان قنطار[۱]، پس بازمگیرید از آن مال چیزی را، آیا می‌گیرید آن را به ستم و تعدّیِ آشکارا؟. ﴿۲۰﴾ وچگونه گیرید آن را؟ حال آن که رسیده است بعض شما به بعض[۲]، و گرفتند زنان از شما عهد محکم را[۳]. ﴿۲۱﴾ و نکاح مکنید کسی را که نکاح با او کرده باشند پدران شما از زنان، لیکن آنچه گذشت، [عفو است]. هرآیینه این هست کار بد و مبغوض و این بد راهی است. ﴿۲۲﴾ حرام کرده شدند بر شما مادرانِ شما و دخترانِ شما و خواهرانِ شما و خواهرانِ پدرانِ شما و خواهرانِ مادرانِ شما و دخترانِ برادر و دخترانِ خواهر و آن مادرانِ شما که شیر داده‌اند شما را[۴] و خواهرانِ شما از جهت شیرخوارگی و مادرانِ زنانِ شما و دختران زنان شما که در کنار شما پرورش می‌یابند از بطن آن زنانِ شما که وطی کردید با ایشان، پس اگر وطی نکرده باشید با ایشان، پس هیچ گناه نیست بر شما و زنانِ پسرانِ شما که از پشتِ شما باشند[۵] و [حرام کرده شد] آن که جمع کنید میان دو خواهر، لیکن آنچه گذشت، [عفو است]. هرآیینه خدا هست آمرزندۀ مهربان. ﴿۲۳﴾

۱- یعنی مال بسیار در مهر داده باشید.

۲- یعنی مباشرت کردید.

۳- یعنی ایجاب و قبول به حضور شهود در میان آمد.

۴- یعنی دایه‌ها.

۵- یعنی پسر خوانده نباشد.

۞وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ
أَيْمَٰنُكُمْ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا
وَرَآءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا۟ بِأَمْوَٰلِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ
مُسَٰفِحِينَ فَمَا ٱسْتَمْتَعْتُم بِهِۦ مِنْهُنَّ فَـَٔاتُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَٰضَيْتُم
بِهِۦ مِنۢ بَعْدِ ٱلْفَرِيضَةِ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا
﴿٢٤﴾ وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ
ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم
مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِكُم
بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍ فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ
وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ مُحْصَنَٰتٍ غَيْرَ
مُسَٰفِحَٰتٍ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخْدَانٍ فَإِذَآ أُحْصِنَّ فَإِنْ
أَتَيْنَ بِفَٰحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى ٱلْمُحْصَنَٰتِ
مِنَ ٱلْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ ٱلْعَنَتَ مِنكُمْ وَأَن
تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾ يُرِيدُ ٱللَّهُ
لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦﴾

و حرام کرده شدند زنان شوهر دار، مگر آنچه مالك او شده است دست‌های شما[1]. لازم ساخته است خدا بر شما و حلال کرده شد شما را ما سوای این همه محرمات، [حلال کرده شد] که طلب نکاح کنید به اموال خویش، عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان[2]، پس کسی که لذّت گرفتید به او از زنان، بدهید ایشان را مهر ایشان، مقرّر کرده شده[3] و نیست بر شما گناه در آنچه با یکدیگر راضی شدید بعدِ مهر مقرّر[4]، هرآیینه خدا دانای استوارکار. ﴿۲۴﴾ و هر که نتواند از شما از جهت توانگری که نکاح کند زنان آزادِ مسلمانان را، پس باید که نکاح کند از آنچه مالك او شده است، دست جنس‌های شما از کنیزکان شما که مسلمانان باشند. و خدا داناتر است به ایمان شما، بعض شما از جنس بعض است[5]. پس نکاح کنید کنیزکان را به دستور خداوندِ ایشان و بدهید ایشان را مهر ایشان به خوش خویی، در حالتی که عفیفه باشند نه زنا کننده. نه دوست پنهانی گیرنده[6]. پس چون در حبالۀ زوج آمدند، اگر زنا کنند پس بر ایشان است نیم مقدار آنچه بر زنانِ آزاد است از عقوبت[7]. نکاح کنیزکان، کسی راست که بترسد از گناه، از شما. و آن که صبر کنید بهتر است شما را و خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿۲۵﴾ می‌خواهد خدا که بیان کند برای شما و بنماید شما را راه‌های کسانی که پیش از شما بودند و به رحمت بازگردد بر شما و خدا دانای استوارکار است. ﴿۲۶﴾

۱- یعنی اگر زنی را از دارالحرب اسیر کرده‌اند، نکاح و تسرّی او صحیح بُوَد هرچند آنجا زوج داشته باشد، والله اعلم.

۲- یعنی نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤید باشد به حسب ظاهر، زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احصان، بدون عقد مؤبّد حاصل نشود، والله اعلم.

۳- یعنی به جماع، تمام مهر لازم می‌شود، والله اعلم.

۴- یعنی بعد مقرر کردن اگر به تراضی، زیاده یا کم کنید باك نیست، والله اعلم.

۵- یعنی کنیزکان نیز بنات آدم‌اند، والله اعلم.

۶- فارق در نکاح و اتخاذ اخدان، شرط شهود است و در احصان و سفاح مؤبد بودن عقد به حسب ظاهر، والله اعلم.

۷- یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حبالۀ زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است، زیرا که ذکر این قید به جهت نفی احتمال زیاده است و این معنی، در حدیث مبین شده، والله اعلم.

وَٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡكُمۡ وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن
يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا ﴿٢٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ
إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ
أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ﴿٢٩﴾ وَمَن يَفۡعَلۡ
ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنٗا وَظُلۡمٗا فَسَوۡفَ نُصۡلِيهِ نَارٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ
عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِن تَجۡتَنِبُواْ كَبَآئِرَ مَا تُنۡهَوۡنَ عَنۡهُ
نُكَفِّرۡ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَنُدۡخِلۡكُم مُّدۡخَلٗا
كَرِيمٗا ﴿٣١﴾ وَلَا تَتَمَنَّوۡاْ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ بَعۡضَكُمۡ
عَلَىٰ بَعۡضٖۚ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبُواْۖ وَلِلنِّسَآءِ
نَصِيبٞ مِّمَّا ٱكۡتَسَبۡنَۚ وَسۡـَٔلُواْ ٱللَّهَ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ
ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلّٖ جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ
مِمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَۚ وَٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ
أَيۡمَٰنُكُمۡ فَـَٔاتُوهُمۡ نَصِيبَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

و خدا می‌خواهد که به رحمت بازگردد بر شما و می‌خواهند آنان‌که پیروی شهوات کنند که کجروی کنید، کجروی عظیم. ﴿۲۷﴾ می‌خواهد خدا که سبک کند از شما، و انسان، ضعیف آفریده شده است. ﴿۲۸﴾ ای مؤمنان! مخورید اموال خود را در میان خویش به ناحق[1]، لیکن بخورید وقتی که آن داد و ستدِ تجارت باشد، بعدِ رضامندی یکدیگر از شما و مکُشید خویشتن را، هرآیینه خدا هست به شما مهربان. ﴿۲۹﴾ و هر که چنین کند بتعدّی و ستم، درآریمش به دوزخ و این بر خدا آسان است. ﴿۳۰﴾ اگر احتراز کنید از کبایرِ منهیّات، نابود سازیم از شما صغایر شما را و درآریم شما را به محلّ گرامی[2]. ﴿۳۱﴾ و تمنّا مکنید مرتبه‌ای را که خدای تعالی به آن بزرگی داده بعض را از شما بر بعض. مردان راهست بهره از آنچه حاصل کرده‌اند و زنان را هست بهره از آنچه حاصل کرده‌اند و سؤال کنید به جناب خدا از بخشایش او، هرآیینه خدا هست به همه چیز دانا. ﴿۳۲﴾ و مقرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته‌اند پدر و مادر و خویشان و کسانی که ایشان را مربوط ساخته است عهد شما، پس بدهید ایشان را بهرۀ ایشان، هرآیینه خدا هست بر همه چیز حاضر[3]. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی مال یکدیگر به ناحق نباید خورد.

۲- گناه کبیره آن است که بر آن حد، مشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یا به کفر مُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه و هرکه از کبائر اجتناب کند، صغائر او را نماز و روزه و صدقه نا بود می‌سازد، والله اعلم.

۳- یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن می‌تواند و ایشان را در میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است، والله اعلم.

ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ
عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ فَٱلصَّٰلِحَٰتُ
قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُۚ وَٱلَّٰتِي
تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَٱهۡجُرُوهُنَّ فِي ٱلۡمَضَاجِعِ
وَٱضۡرِبُوهُنَّۖ فَإِنۡ أَطَعۡنَكُمۡ فَلَا تَبۡغُواْ عَلَيۡهِنَّ سَبِيلًاۗ
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيّٗا كَبِيرٗا ﴿٣٤﴾ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ شِقَاقَ
بَيۡنِهِمَا فَٱبۡعَثُواْ حَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهِۦ وَحَكَمٗا مِّنۡ أَهۡلِهَآ
إِن يُرِيدَآ إِصۡلَٰحٗا يُوَفِّقِ ٱللَّهُ بَيۡنَهُمَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
عَلِيمًا خَبِيرٗا ﴿٣٥﴾ ۞وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ
شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ
وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ
وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ
أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا
﴿٣٦﴾ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِ
وَيَكۡتُمُونَ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ وَأَعۡتَدۡنَا
لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ﴿٣٧﴾

مردانِ [تدبیر کار کننده] مسلّط شده‌اند بر زنان به سبب آن که فضل نهاده است خدا بعضی آدمیان را بر بعضی[۱] و به سبب آن که خرج کردند از اموال خویش. پس زنان نیکوکار، فرمانبردارند، نگاه دارنده‌اند[۲] در غیبت زوج به نگاه داشت خدا[۳]. و آن زنان که معلوم کنید سرکشی ایشان، پس پند دهید ایشان را و ترک کنید ایشان را در خوابگاه[۴] و بزنید ایشان را. پس اگر فرمانبرداری شما کردند، پس تجسّس مکنید بر ایشان راهی را[۵]، هرآیینه خدا هست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر. ﴿۳۴﴾ و اگر معلوم کردید [ای حاکمان] مخالفت میان زن و شوهر، پس معین کنید صلحکاری از خویشان مرد و صلحکاری از خویشان زن، اگر این صلحکاران بخواهند صلح را، البته موافقت کند خدا در میان ایشان، هرآیینه هست خدا دانای آگاه. ﴿۳۵﴾ و بپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایهٔ خویشاوند و همسایهٔ اجنبی و به همنشین بر پهلو نشسته و بمسافر و به آنچه دست‌های شما مالك او شد[۶]. هرآیینه خدا دوست ندارد کسی را که باشد متکبّر خود ستاینده. ﴿۳۶﴾ [دوست ندارد] آنان را که بخل می‌کنند و مردمان را به بخل می‌فرمایند و می‌پوشند آنچه خدا داده است ایشان را از فضل خود، و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسوا کننده. ﴿۳۷﴾

۱- یعنی به سبب آن که مردان دراصل جبلت بر تراند از زنان.

۲- یعنی مال و آبرو را.

۳- در این آیت بیان فرمود که مرد فرمان‌روا است به سبب فضل جبلی و به سبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال نماید، والله اعلم.

۴- یعنی مباشرت مکنید.

۵- یعنی به حیلهٔ ایذا دادن، تجسس مکنید، والله اعلم.

۶- یعنی غلامان و کنیزکان.

وَٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ رِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۗ وَمَن يَكُنِ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَهُۥ قَرِينٗا فَسَآءَ قَرِينٗا ﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيۡهِمۡ لَوۡ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِهِمۡ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا وَيُؤۡتِ مِن لَّدُنۡهُ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٤٠﴾ فَكَيۡفَ إِذَا جِئۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةِۭ بِشَهِيدٖ وَجِئۡنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدٗا ﴿٤١﴾ يَوۡمَئِذٖ يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَعَصَوُاْ ٱلرَّسُولَ لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ وَلَا يَكۡتُمُونَ ٱللَّهَ حَدِيثٗا ﴿٤٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَعۡلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٤٣﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يَشۡتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ﴿٤٤﴾

و آنان را که خرج می‌کنند اموال خود را برای نمودنِ مردمان و معتقد نیستند به خدا و روز قیامت و هر که شیطان یارِ او باشد، پس وی بد یاری است. ﴿۳۸﴾ و چه زیان بود بر ایشان اگر ایمان می‌آوردند به خدا و روز آخر و خرج می‌کردند از آنچه خدا داده است ایشان را، و هست خدا به ایشان دانا. ﴿۳۹﴾ هرآیینه خدا ستم نمی‌کند وزن ذرّه‌ای و اگر آن عمل نیکی باشد دو چندان کندش، و بدهد از نزدیک خود، مزد بزرگ. ﴿۴۰﴾ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاوریم تو را گواه بر این امت. ﴿۴۱﴾ آن روز آرزو کنند آنان‌که کافر شدند و نافرمانیِ پیغامبر کردند، کاش برایشان زمین هموار کرده شود[1] و نپوشند از خدا هیچ سخنی. ﴿۴۲﴾ ای مؤمنان! به نماز نزدیک مشوید حال آن که شما مست باشید، تا آن که بفهمید آنچه به زبان می‌گویید[2]، و به نماز نزدیک مشوید در حالت جنابت تا آن که غسل کنید مگر اینکه مسافر باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر یا بیاید کسی از شما از جای ضرور یا مباشرت زنان کنید و نیابید آب را، پس قصد کنید به زمین پاک، پس مسح کنید به روی خویش و دست‌های خویش، هرآیینه هست خدا عفو کننده بخشاینده. ﴿۴۳﴾ آیا ندیدی[3] کسانی که داده شده‌اند بهره‌ای از کتاب (یعنی یهود)، می‌ستانند گمراهی را و می‌خواهند که شما گم کنید راه را. ﴿۴۴﴾

۱- یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند.

۲- این حکم قبل از تحریم خمر بود، بعد ازان مستی بالکلیه حرام شد، والله اعلم.

۳- مترجم گوید که: خدای عزوجل در ردّ یهود و تعداد قبائح ایشان آیات فرستاد.

وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيّٗا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ
نَصِيرٗا ﴿٤٥﴾ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن
مَّوَاضِعِهِۦ وَيَقُولُونَ سَمِعۡنَا وَعَصَيۡنَا وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ
مُسۡمَعٖ وَرَٰعِنَا لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ وَطَعۡنٗا فِي ٱلدِّينِۚ وَلَوۡ
أَنَّهُمۡ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا وَٱسۡمَعۡ وَٱنظُرۡنَا لَكَانَ خَيۡرٗا
لَّهُمۡ وَأَقۡوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا
يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٤٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
ءَامِنُواْ بِمَا نَزَّلۡنَا مُصَدِّقٗا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبۡلِ أَن
نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰٓ أَدۡبَارِهَآ أَوۡ نَلۡعَنَهُمۡ كَمَا
لَعَنَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلسَّبۡتِۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ
لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا
﴿٤٨﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمۚ بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّي
مَن يَشَآءُ وَلَا يُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ
يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۖ وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾
أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يُؤۡمِنُونَ
بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ هَٰٓؤُلَآءِ
أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا ﴿٥١﴾

و خدا داناتر است به دشمنان شما. و خدا دوست بس است و خدا یاری دهنده بس است. ﴿۴۵﴾ از یهود قومی هست که تغیّر می‌کنند کلمه‌ها را از جای آنها و می‌گویند[۱]: شنیدیم و عاصی شدیم و می‌گویند: «اسمع غیر مسمع» و «راعنا»، می‌پیچانند سخن را به زبان خویش و طعنه می‌زنند در دین و اگر ایشان گفتندی: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و به جای «اسمع غیر مسمع»، «اسمع» گفتندی و به جای «راعنا»، «أنظرنا» هرآیینه بودی بهتر ایشان را و درست‌تر، و لیکن لعنت کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس ایمان نمی‌آرند مگر اندکی[۲]. ﴿۴۶﴾ ای اهل کتاب! ایمان آرید به آنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه با شما است پیش از آن که محو کنیم صورت روی‌ها را، پس بگردانیمش بر شکل پشت آن روی‌ها یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل «شنبه» را و هست ارادهٔ خدا کرده شده. ﴿۴۷﴾ هرآیینه خدا نمی‌آمرزد او را شریک مقرر کرده شود و می‌آمرزد غیر آن هر که را خواهد و هر که شریکِ خدا مقرر کند، هرآیینه افترا کرده است به گناه بزرگ. ﴿۴۸﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که ستایش می‌کنند خود را؟ بلکه خدا ستایش می‌کند هر که را خواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته‌ای. ﴿۴۹﴾ ببین چگونه می‌بندند بر خدا دروغ را و این گناه آشکارا بس است[۳]. ﴿۵۰﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که بهره‌ای از کتاب داده شدند، معتقد می‌شوند بت را و معبود باطل را و می‌گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده‌ترند از مسلمانان[۴]. ﴿۵۱﴾

۱- یعنی به زبان حال.

۲- مترجم گوید: پیچانیدن سخن آن است که سَبّ را چنان در کلام خلط کنند که کسی نشناسد و «اسمع غیر مسمع» دو معنی دارد: یکی آن که بشنو در حالتی که معظم و محترمی و کسی با تو خلاف رضای تو نتواند گفت، دیگر آنکه بشنو در حالتی که محقری و کسی با تو سخن نمی‌گوید و «راعنا» نیز دو معنی دارد: یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعونت دارنده. غرض ایشان سَبّ بود. کلمهٔ محتمل معنیین می‌گفتند، والله اعلم.

۳- یعنی می‌گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدایند، ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز.

۴- درین آیت، تعریض است به آن که یهود، روز احزاب مددکار مشرکان شدند.

أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَمَن يَلۡعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ
لَهُۥ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾ أَمۡ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّنَ ٱلۡمُلۡكِ فَإِذٗا لَّا
يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ
ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ
ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ﴿٥٤﴾
فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ
بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَوۡفَ
نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ
جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا
حَكِيمٗا ﴿٥٦﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞۖ وَنُدۡخِلُهُمۡ ظِلّٗا
ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ ۞إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ
إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ
بِٱلۡعَدۡلِۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
سَمِيعَۢا بَصِيرٗا ﴿٥٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ
فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ
بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا ﴿٥٩﴾

ایشان، آن گروهند که لعنت کرد ایشان را خدا، و هر که لعنت کندش خدا، پس نخواهی یافت مر او را یاری دهنده. ﴿۵۲﴾ آیا ایشان را هست بهره‌ای از پادشاهی؟ پس آن هنگام ندهند به مردمان مقدار نقیری[1]. ﴿۵۳﴾ آیا حسد می‌کنند بر مردمان، بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود، پس هرآیینه ما دادیم کسان ابراهیم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ. ﴿۵۴﴾ پس از کفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی، و کفایت است دوزخ آتش افروخته. ﴿۵۵﴾ هرآیینه کسانی که کافر شدند به آیات ما، درآریم ایشان را به آتش. هرگاه که پخته گردد پوست‌های ایشان به عوض پیدا کنیم برای ایشان پوست‌های دیگر بجز آن، تا بچشند عذاب را، هرآیینه خدا هست غالبِ استوارکار. ﴿۵۶﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، زود درآریم ایشان را به بوستان‌هایی که می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، ایشان راست آنجا زنان پاک کرده شده و درآریم ایشان را به سایهٔ نیک (یعنی راحت تمام). ﴿۵۷﴾ هرآیینه خدا می‌فرماید شما را که: ادا کنید امانت‌ها را به سوی اهل آن و می‌فرماید که: چون حاکم شوید میان مردمان، حکم به راستی کنید، هرآیینه خدا، نیکو چیزی است که پند می‌دهد شما را به آن، هرآیینه خدا هست شنوایِ بینا[2]. ﴿۵۸﴾ ای مؤمنان! فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و فرمانروایان را از جنس خویش، پس اگر اختلاف کنید در چیزی، پس راجع کنید او را به سوی خدا و پیغامبر، اگر اعتقاد می‌دارید به خدا و روز آخر، این بهتر است و نیکوتر به اعتبار عاقبت[3]. ﴿۵۹﴾

۱- نقیر غلاف نازکی است که بر پشت خستهٔ خرما می‌باشد.

۲- درین آیت اشاره است به قصهٔ عثمان حجبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیغامبرﷺ طلب کردند آن حضرت قبول نموده به عثمان رد فرمود

۳- مردم ضعیف‌الایمان در خلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی‌شدند و گاهی به کاهنان و رئیسان کفر رجوع می‌کردند، چون آن حضرت ایشان را بر این معنی تعزیر یا تهدید فرمود، سوگند خوزدند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ
إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ
إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوٓاْ أَن يَكْفُرُواْ بِهِۦ وَيُرِيدُ
ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيْتَ
ٱلْمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَآ
أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ
يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَٰنًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ
عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِيٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾
وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِۚ وَلَوْ
أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُواْ ٱللَّهَ
وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾
فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ
بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ
وَيُسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

آیا ندیدی به سوی کسانی که گمان می‌کنند که ایمان آوردند به آنچه نازل کرده شده است به سوی تو و به آنچه نازل کرده شد پیش از تو؟ می‌خواهند که قضایای خویش رفع کنند به سویی سرکش و حال آن که فرموده شد ایشان را که نامعتقدِ وی شوند و می‌خواهد شیطان که گمراه سازد ایشان را، گمراهیِ دور. ﴿۶۰﴾ و چون گفته شود به ایشان: بیایید به سوی آنچه نازل کرده است خدا و به سوی پیغامبر، بینی آن منافقان را باز می‌ایستند از تو به اعراض. ﴿۶۱﴾ پس چه حال است آنگاه که برسد به ایشان مصیبتی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست‌های ایشان؟ پس بیایند نزدیک تو قسم می‌خورند به خدا، که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری و موافقت کردن[1]. ﴿۶۲﴾ این گروه، آنانند که می‌داند خدا آنچه در دل ایشان است، پس اعراض کن از ایشان[2] و پند دِه ایشان را و بگو به ایشان سخنی مؤثّر در دل ایشان. ﴿۶۳﴾ و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر برای آن که فرمانبرداری کرده شود به حکم خدا. و اگر این جماعت، وقتی که ستم کردند بر خویشتن، بیامدندی نزدیک تو، پس آمرزش طلب کردندی از خدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان پیغامبر، هرآیینه یافتندی خدا را به رحمت آینده‌ٔ مهربان. ﴿۶۴﴾ پس قَسَم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آن که حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شد میان ایشان، باز نیابند در دل خویش، تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند به انقیاد. ﴿۶۵﴾

۱- یعنی مردمان خصوم.

۲- یعنی از قتل ایشان.

وَلَوۡ أَنَّا كَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَنِ ٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ أَوِ
ٱخۡرُجُواْ مِن دِيَٰرِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٞ مِّنۡهُمۡۖ وَلَوۡ
أَنَّهُمۡ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ بِهِۦ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ وَأَشَدَّ
تَثۡبِيتٗا ﴿٦٦﴾ وَإِذٗا لَّأٓتَيۡنَٰهُم مِّن لَّدُنَّآ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٦٧﴾
وَلَهَدَيۡنَٰهُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ﴿٦٨﴾ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ
وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ
ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ
أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ﴿٦٩﴾ ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ
عَلِيمٗا ﴿٧٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ
فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعٗا ﴿٧١﴾ وَإِنَّ مِنكُمۡ لَمَن
لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنۡ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَالَ قَدۡ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ
عَلَيَّ إِذۡ لَمۡ أَكُن مَّعَهُمۡ شَهِيدٗا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنۡ أَصَٰبَكُمۡ
فَضۡلٞ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمۡ تَكُنۢ بَيۡنَكُمۡ
وَبَيۡنَهُۥ مَوَدَّةٞ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ مَعَهُمۡ فَأَفُوزَ فَوۡزًا عَظِيمٗا
﴿٧٣﴾ ۞فَلۡيُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يَشۡرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ
ٱلدُّنۡيَا بِٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَن يُقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيُقۡتَلۡ أَوۡ
يَغۡلِبۡ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٧٤﴾

و اگر ما می‌نوشتیم[1] بر ایشان که بکشید خویشتن را یا بیرون شوید از خانه‌های خویش، نمی‌کردند این را مگر اندک از ایشان. و اگر می‌کردند آنچه به آن پند داده می‌شوند، هرآیینه بهتر بودی ایشان را و محکم‌تر در استواریِ دین. ﴿۶۶﴾ و آنگاه البته می‌دادیم ایشان را از نزد خویش، مزد بزرگ. ﴿۶۷﴾ و دلالت می‌کردیم ایشان را به راه راست. ﴿۶۸﴾ و هر که فرمان برد خدا و رسول را، پس این جماعت همراه آن کسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیقند ایشان. ﴿۶۹﴾ این بخشایش از خدا است و بس است خدا، دانا[2]. ﴿۷۰﴾ ای مسلمانان! بگیرید سلاح خود را، پس بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید همه جمع آمده. ﴿۷۱﴾ و هرآیینه بعض از شما آن است که درنگ می‌کند، پس اگر برسد به شما مصیبتی گوید: انعام کرد خدا بر من چون نبودم حاضر با ایشان. ﴿۷۲﴾ و اگر برسد به شما نعمتی از خدا، بگوید: گویا هرگز نبود میان شما و میان وی دوستی. کاش بودمی به ایشان، پس یافتمی مطلب بزرگ را!. ﴿۷۳﴾ پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مؤمنان که می‌فروشند زندگانی دنیا را به آخرت. و هر که جنگ کند در راه خدا، پس کشته شود یا غالب آید، بدهیمش مزد بزرگ را. ﴿۷۴﴾

۱- یعنی واجب می‌کردیم.

۲- مترجم گوید: مردم ضعیف‌الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود، دعوت اسلام قبول نمودند وچون جهاد فرض شد، از آن تقاعد کردند و از بعضی، کلمات منافقانه سر بر می‌زد و بعضی با مخالفین همزبان شده خلاف رضای آن حضرت رأی می‌دادند. خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

وَمَا لَكُمۡ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ
مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ
أَخۡرِجۡنَا مِنۡ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهۡلُهَا وَٱجۡعَل لَّنَا
مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓاْ أَوۡلِيَآءَ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ
إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ
قِيلَ لَهُمۡ كُفُّوٓاْ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ
ٱلزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقِتَالُ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُمۡ
يَخۡشَوۡنَ ٱلنَّاسَ كَخَشۡيَةِ ٱللَّهِ أَوۡ أَشَدَّ خَشۡيَةٗۚ وَقَالُواْ
رَبَّنَا لِمَ كَتَبۡتَ عَلَيۡنَا ٱلۡقِتَالَ لَوۡلَآ أَخَّرۡتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ
قَرِيبٖۗ قُلۡ مَتَٰعُ ٱلدُّنۡيَا قَلِيلٞ وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ
وَلَا تُظۡلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ أَيۡنَمَا تَكُونُواْ يُدۡرِككُّمُ
ٱلۡمَوۡتُ وَلَوۡ كُنتُمۡ فِي بُرُوجٖ مُّشَيَّدَةٖۗ وَإِن تُصِبۡهُمۡ
حَسَنَةٞ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ
سَيِّئَةٞ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنۡ عِندِكَۚ قُلۡ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِۖ
فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلۡقَوۡمِ لَا يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ حَدِيثٗا
﴿٧٨﴾ مَّآ أَصَابَكَ مِنۡ حَسَنَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ وَمَآ أَصَابَكَ مِن
سَيِّئَةٖ فَمِن نَّفۡسِكَۚ وَأَرۡسَلۡنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولٗاۚ وَكَفَىٰ
بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ﴿٧٩﴾

و چیست شما را که جنگ نمی‌کنید در راه خدا، و برای بیچارگان از مردان و زنان و کودکان[1]، آنان که می‌گویند: ای پروردگارا! بیرون آر ما را از این دیه که ستمکارند اهل آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهنده. ﴿۷۵﴾ مؤمنان کارزار می‌کنند در راه خدا و کافران می‌جنگند در راه معبود باطل، پس جنگ کنید با دوستان شیطان، هرآیینه حیلهٔ شیطان، سست است. ﴿۷۶﴾ آیا ندیدی به سوی کسانی که گفته شد ایشان را: باز دارید دست‌های خود[2] و برپا کنید نماز را و بدهید زکات را[3]، پس چون نوشته شد بر ایشان جنگ، ناگاه گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان، مانند ترسیدن از خدا یا زیاده‌تر و گفتند: ای پروردگار ما! چرا نوشتی بر ما کارزار، چرا زنده نگذاشتی ما را تا وقتی نزدیک. بگو: بهره‌مندیِ دنیا اندک است و آخرت، بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدارِ رشته‌ای. ﴿۷۷﴾ هرجاکه باشید دریابد شما را مرگ و اگرچه باشید در محل‌های محکم. و اگر برسد به ایشان نعمتی، گویند: این از نزدیک خداست و اگر برسد به ایشان شدتی، گویند: [یا محمد] این از نزدیک تو است. بگو: همه از نزدیک خدا است. پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخنی را؟. ﴿۷۸﴾ آنچه رسید به تو از نعمت، پس از خداست و آنچه رسید به تو از محنت، پس از نزدیک نفس تو است. و فرستادیم تو را برای مردمان، پیغامبری و بس است خدا حاضر. ﴿۷۹﴾

۱- یعنی گرفتاران به دست کفار.

۲- یعنی جنگ مکنید.

۳- یعنی پس قبول کردند.

مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَآ
أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٞ فَإِذَا
بَرَزُواْ مِنۡ عِندِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ غَيۡرَ ٱلَّذِي
تَقُولُۖ وَٱللَّهُ يَكۡتُبُ مَا يُبَيِّتُونَۖ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ
وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ
ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ
ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَآءَهُمۡ أَمۡرٞ مِّنَ ٱلۡأَمۡنِ أَوِ
ٱلۡخَوۡفِ أَذَاعُواْ بِهِۦۖ وَلَوۡ رَدُّوهُ إِلَى ٱلرَّسُولِ وَإِلَىٰٓ أُوْلِي
ٱلۡأَمۡرِ مِنۡهُمۡ لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسۡتَنۢبِطُونَهُۥ مِنۡهُمۡۗ وَلَوۡلَا
فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ لَٱتَّبَعۡتُمُ ٱلشَّيۡطَٰنَ إِلَّا
قَلِيلٗا ﴿٨٣﴾ فَقَٰتِلۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا
نَفۡسَكَۚ وَحَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ
بَأۡسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَٱللَّهُ أَشَدُّ بَأۡسٗا وَأَشَدُّ تَنكِيلٗا ﴿٨٤﴾
مَّن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةً حَسَنَةٗ يَكُن لَّهُۥ نَصِيبٞ مِّنۡهَاۖ
وَمَن يَشۡفَعۡ شَفَٰعَةٗ سَيِّئَةٗ يَكُن لَّهُۥ كِفۡلٞ مِّنۡهَاۗ وَكَانَ
ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ مُّقِيتٗا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٖ
فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

هر که فرمانبرداری کند پیغامبر را، پس هرآیینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد، پس نفرستادیم تو را بر ایشان، نگاهبان[۱]. ﴿۸۰﴾ و می‌گویند: [در دل ما] فرمانبرداری است، پس چون بیرون روند از نزدیک تو گروهی از ایشان به وقت شب، رای زنند غیرِ آنچه تو می‌فرمایی و خدا می‌نویسد (یعنی در نامهٔ اعمال) آنچه شب می‌گویند، پس اعراض کن از ایشان و توکّل نما بر خدا و خدا کارسازنده بس است. ﴿۸۱﴾ آیا تأمّل نمی‌کنند قرآن را؟ و اگر بودی از نزدیک غیر خدا، البته یافتندی در آن اختلاف بسیار. ﴿۸۲﴾ و وقتی که بیاید نزدیک ایشان خبری از ایمنی یا ترس، مشهور سازند آن را، و اگر راجع می‌گرداندند آن را به سوی پیغامبر و به سوی فرمانروایان از اهل اسلام، هرآیینه یافتندی مصلحت آن خبر را، آنان‌که از ایشان می‌توانند بر آوردن مصلحت آن. و اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و رحمت او، البته پیروی می‌کردید شما شیطان را، مگر اندکی. ﴿۸۳﴾ پس جنگ کن یا [محمد] در راهِ خدا. بر تو مؤاخذه نیست، مگر از جان تو و رغبت دِه مسلمانان را[۲]، نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را و خدا سخت‌تر است به اعتبار جنگ و سخت‌تر است به اعتبار عقوبت. ﴿۸۴﴾ هر که شفاعت کند، شفاعتی نیک، باشد او را بهره‌ای از ثواب آن و هر که شفاعت کند، شفاعتی بد، باشد او را حصّه‌ای از عذاب آن، و هست خدا بر همه چیز توانا[۳]. ﴿۸۵﴾ و چون تعظیم کرده شوید به سلامی، پس تعظیم کنید به کلمهٔ بهتر از آن یا به همان کلمه جواب دهید، هرآیینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی این کلمه حق است که خبر از جانب خدا است و شر از جانب بنده، لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن این است که جهاد با جمیع قبائل عرب، معقول نیست، پس اگر فتح باشد، پس نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد، موافق حال این تدبیر است و چون جهاد به امر الهی همه خیر است، عقل را درآنجا دخل دادن صحیح نباشد، والله اعلم.

۲- یعنی بر تو رغبت دادن است و بس. اگر همراهی نکنند، بر تو مؤاخذه نیست، والله اعلم.

۳- یعنی مثلاً سفارش گدای به تَوَانگر تا او را چیزی بدهد، نیک است و سفارش برای سارق تا دست او نَبُرد، درست نیست.

ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا
رَيۡبَ فِيهِۗ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ حَدِيثٗا ﴿٨٧﴾ ۞فَمَا
لَكُمۡ فِي ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيۡنِ وَٱللَّهُ أَرۡكَسَهُم بِمَا
كَسَبُوٓاْۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَهۡدُواْ مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَن
يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ﴿٨٨﴾ وَدُّواْ لَوۡ
تَكۡفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءٗۖ فَلَا
تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ أَوۡلِيَآءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ
فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ وَجَدتُّمُوهُمۡۖ وَلَا
تَتَّخِذُواْ مِنۡهُمۡ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ يَصِلُونَ
إِلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٌ أَوۡ جَآءُوكُمۡ حَصِرَتۡ
صُدُورُهُمۡ أَن يُقَٰتِلُوكُمۡ أَوۡ يُقَٰتِلُواْ قَوۡمَهُمۡۚ وَلَوۡ شَآءَ
ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمۡ عَلَيۡكُمۡ فَلَقَٰتَلُوكُمۡۚ فَإِنِ ٱعۡتَزَلُوكُمۡ
فَلَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ فَمَا جَعَلَ ٱللَّهُ
لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ سَبِيلٗا ﴿٩٠﴾ سَتَجِدُونَ ءَاخَرِينَ
يُرِيدُونَ أَن يَأۡمَنُوكُمۡ وَيَأۡمَنُواْ قَوۡمَهُمۡ كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى
ٱلۡفِتۡنَةِ أُرۡكِسُواْ فِيهَاۚ فَإِن لَّمۡ يَعۡتَزِلُوكُمۡ وَيُلۡقُوٓاْ
إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَمَ وَيَكُفُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فَخُذُوهُمۡ وَٱقۡتُلُوهُمۡ
حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكُمۡ جَعَلۡنَا لَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ
سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ﴿٩١﴾

خدا، نیست هیچ معبودی بجز وی، البته به هم آرد شما را
به روز قیامت که هیچ شک نیست در آن، و کیست
راستگوتر از خدا در سخن؟[1]. ﴿۸۷﴾ پس چیست ای
مسلمانان شما را؟ در باب تملق کنندگان دو گروه
شدید؟[2] و خدا نگونسار ساخت ایشان را به شومی آنچه
کردند. آیا می‌خواهید که راه نمایید (یعنی از جملهٔ راه‌یابان
شمارید) کسی را که گمراه ساخت او را خدا؟ و هر که را
خدا گمراه کند، نیابی برای او هیچ راهی. ﴿۸۸﴾ [این تملق
کنندگان] آرزو کردند که شما نیز کافر شوید، چنانچه
ایشان کافر شدند، پس برابر باشید، پس دوست مگیرید
هیچ کس را از ایشان تا اینکه هجرت کنند در راه خدا[3]،
پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس
اسیر گیرید ایشان را و بکشید ایشان را هر جاکه یابید ایشان
را و دوست و یار مگیرید کسی را از ایشان. ﴿۸۹﴾ [اسیر
گیرید و بکشید] مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که
میان شما و میان ایشان عهد است، یا بیایند نزد شما حال آن
که تنگ آمده است سینه‌های ایشان از آن که بجنگند با
شما یا بجنگند با قوم خویش[4]، و اگر خواستی خدا،
هرآیینه مسلط ساختی ایشان را بر شما، پس قتال می‌کردند
با شما، پس اگر این فریق یکسو شوند از جانب شما و قتال
نکنند با شما و بیفکنند به سوی شما پیغام صلح را، پس
نکرده است خدایْ تعالی شما را بر ایشان راهی[5]. ﴿۹۰﴾
خواهید یافت قومی را که می‌خواهند ایمن شوند از شما و
ایمن شوند از قوم خود، هرگاه بازگردانیده می‌شوند به
سوی فتنه‌انگیزی، نگونسار انداخته شوند در آن[6]. پس
اگر یک‌سو نشوند از جنگ شما و نیفگنند به سوی شما
پیغام صلح را و باز ندارند دست‌های خویش را، پس اسیر
گیرید ایشان را و بکشید ایشان را هرجاکه یابید ایشان را. و
این جماعت، داده‌ایم شما را بر ایشان، حجّت ظاهر. ﴿۹۱﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی بیان می‌فرماید که به تملّقِ کفار، اعتماد نباید کرد.

۲- یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می‌بایست که همه باتفاق فریفته نمی‌شدند، والله اعلم.

۳- یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند.

۴- مترجم گوید: وکسی که ایمان آرد و هجرت نکند، حکم او به طریق اولی فهمیده شد؛ والله اعلم.

۵- یعنی اگر اسلام آرند و هجرت کنند، ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیارند، می‌باید کشت؛ مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابتان را بر عهد و حلفای معاهدان را به هیچ وجه، نتوان ایذا داد؛ والله اعلم.

۶- صلح می‌کنند و باز نقض عهد می‌نمایند؛ والله اعلم.

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ وَمَن قَتَلَ مُؤۡمِنًا خَطَـٔٗا فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖ وَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُواْۚ فَإِن كَانَ مِن قَوۡمٍ عَدُوّٖ لَّكُمۡ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ فَدِيَةٞ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ وَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مُّؤۡمِنَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ تَوۡبَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٩٢﴾ وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُۥ وَأَعَدَّ لَهُۥ عَذَابًا عَظِيمٗا ﴿٩٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا ضَرَبۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَتَبَيَّنُواْ وَلَا تَقُولُواْ لِمَنۡ أَلۡقَىٰٓ إِلَيۡكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسۡتَ مُؤۡمِنٗا تَبۡتَغُونَ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٞۚ كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبۡلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَتَبَيَّنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ﴿٩٤﴾

و نسزد[1] مسلمانی را که بکشد مسلمانی را، لیکن قتل واقع می‌شود به خطا (یعنی به غیر قصد) و هر که بکُشد مسلمانی را به خطا، پس لازم است آزاد کردن بردهٔ مسلمان و خون‌بها رسانیده شده به کسان مقتول مگر آن که ابرا نمایند، پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمان است، پس لازم است آزاد کردن برده‌ای مسلمان[2]. و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است[3]، پس لازم است خون‌بها رسانیده شده به کسان او و آزاد کردن برده‌ای مسلمان. پس هر که نیابد برده را، پس لازم است روزه داشتن دو ماه پی در پی [مشروع در کفّاره] به جهت قبول توبه است از جانب خدا و هست خدا، دانای استوارکار[4]. ﴿۹۲﴾ و هر که بکُشد مسلمانی را به قصد، پس جزای او دوزخ است، جاوید آنجا. و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرده است او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ. ﴿۹۳﴾ ای مسلمانان! چون سفر کنید در راه خدا (یعنی برای جهاد)، پس نیک تفحّص کنید، و مگویید کسی را که به سوی شما سلام انداخته است، نیستی مسلمان. می‌طلبید متاع زندگانی دنیا، پس نزد خدا است غنیمت‌هایی بسیار است. همچنین بودید پیش از این، پس انعام کرد خدا بر شما، پس تفحّص کنید، هرآیینه خدا هست به آنچه می‌کنید آگاه. ﴿۹۴﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی احکام قتل خطأ بیان می‌فرماید و آنکه کف از کسی که به کلمهٔ اسلام متکلم شد، واجب است وفضل مجاهدان و وجوب هجرت از دار کفر به دار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیان می‌کند، والله اعلم.

۲- یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دارالحرب باشد، دیت لازم نیست، والله اعلم.

۳- یعنی و او مؤمن باشد.

۴- جمهور مفسّرین، تصور ﴿وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ﴾ [النساء: ۹۲]. در مقتول کافر کرند به ملاحظهٔ آنکه توارث در میان مؤمن و کافر منقطع است و سبیل دیت، سبیل میراث است وبندهٔ ضعیف می‌گوید: تمهید مسأله به ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗاۚ﴾ وتقید به ﴿وَهُوَ مُؤۡمِنٞ﴾ در نظیر ما نحن فیه ظاهر است در آنکه اینجا قید ایمان، معتبر است و لزوم دیت به جهت وفا به عهد است نه بر سبیل میراث ونظیرش وجوب مهر است در مسأله مؤمنه از قوم متعاهدین در سوره ممتحنه، والله اعلم.

لَّا يَسْتَوِى ٱلْقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ
وَٱلْمُجَٰهِدُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ ۚ فَضَّلَ
ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ
دَرَجَةً ۚ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ وَفَضَّلَ ٱللَّهُ
ٱلْمُجَٰهِدِينَ عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَٰتٍ
مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ أَنفُسِهِمْ قَالُوا۟ فِيمَ
كُنتُمْ ۖ قَالُوا۟ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ قَالُوٓا۟ أَلَمْ
تَكُنْ أَرْضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةً فَتُهَاجِرُوا۟ فِيهَا ۚ فَأُو۟لَٰٓئِكَ
مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا ٱلْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلْوِلْدَٰنِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً
وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُو۟لَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن
يَعْفُوَ عَنْهُمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ ۞ وَمَن
يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدْ فِى ٱلْأَرْضِ مُرَٰغَمًا كَثِيرًا
وَسَعَةً ۚ وَمَن يَخْرُجْ مِنۢ بَيْتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ
وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدْرِكْهُ ٱلْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ
فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا۟ مِنَ ٱلصَّلَوٰةِ إِنْ
خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ
كَانُوا۟ لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

برابر نیستند نشینندگانِ غیر معذور از مسلمانان و جهادکنندگان در راه خدایِ تعالی به مال‌های خویش و جان‌های خویش، فضل داده است خدا مجاهدان را به مال‌ها و جان‌های خویش بر نشینندگان در مرتبه، و هر یکی را وعدهٔ نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان، مزد بزرگ[1]. ﴿۹۵﴾ [افزون داده است] مرتبه‌ها از جانب خویش و آمرزش، و بخشایش و هست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿۹۶﴾ هرآیینه آنان‌که فرشتگان، قبضِ ارواحِ ایشان کردند در حالتی که ستمکار بودند بر خویشتن[2]، فرشتگان به ایشان گفتند: در چه حال بودید شما؟ گفتند: بودیم بیچارگان در زمین. گفتند: آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت می‌کردید در آن؟ پس آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است. ﴿۹۷﴾ مگر آنان‌که به حقیقت بیچاره‌اند از مردمان و زنان و کودکان، هیچ چاره نمی‌توانند و هیچ راه نمی‌یابند. ﴿۹۸﴾ پس آن جماعت، نزدیک است که خدا عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده. ﴿۹۹﴾ و هر که ترک وطن بکند، در راه خدا بیابد در زمین، اقامت‌گاه بسیار و فراخی معیشت، و هر که بیرون رود از خانهٔ خود هجرت‌کنان به سوی خدا و پیغامبر او، پس دریابد او را موت[3]، پس به تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا و هست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۰۰﴾ و چون سفر کنید در زمین، پس نیست بر شما گناهی در آن که کوتاه سازید قدری از نماز اگر بترسید از آن که در بلا افکنند شما را کافران، هرآیینه کافران هستند شما را دشمنِ آشکارا[4]. ﴿۱۰۱﴾

۱- فائده قید ﴿غَيْرُ أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ﴾ آن است که در ﴿أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ﴾ این حکم مطرد نیست، بلکه جمعی باشند از ﴿أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ﴾ که نیّت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند، والله اعلم.

۲- یعنی به ترک هجرت از دارالحرب به دارالسلام و به تکثیر سواد کفار، والله اعلم.

۳- یعنی در راه قبل وصول به مقصد.

۴- مترجم گوید: مشهور آن است که این آیت در صلوهٔ مسافر نازل شده است وخوف، قید اتفاقی است و آنچه نزدیک این بنده رجحان یافته است، آن است که این آیت در صلوهٔ خوف نازل شده است و سفر، قید اتفاقی است و مراد از قصر در کیفیت رکوع و سجود است که به ایما ادا می‌توان کرد، نه در کمیت رکعات، والله اعلم.

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ
مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ
فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ
يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ
وَأَسۡلِحَتَهُمۡۗ وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ تَغۡفُلُونَ عَنۡ
أَسۡلِحَتِكُمۡ وَأَمۡتِعَتِكُمۡ فَيَمِيلُونَ عَلَيۡكُم مَّيۡلَةٗ
وَٰحِدَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ إِن كَانَ بِكُمۡ أَذٗى مِّن
مَّطَرٍ أَوۡ كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَن تَضَعُوٓاْ أَسۡلِحَتَكُمۡۖ وَخُذُواْ
حِذۡرَكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ١٠٢
فَإِذَا قَضَيۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ
جُنُوبِكُمۡۚ فَإِذَا ٱطۡمَأۡنَنتُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ إِنَّ
ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا ١٠٣ وَلَا
تَهِنُواْ فِي ٱبۡتِغَآءِ ٱلۡقَوۡمِۖ إِن تَكُونُواْ تَأۡلَمُونَ فَإِنَّهُمۡ
يَأۡلَمُونَ كَمَا تَأۡلَمُونَۖ وَتَرۡجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرۡجُونَۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٠٤ إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ لِتَحۡكُمَ بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِمَآ أَرَىٰكَ ٱللَّهُۚ
وَلَا تَكُن لِّلۡخَآئِنِينَ خَصِيمٗا ١٠٥

و چون باشی در میان مؤمنان[۱]، پس برپا کردی برای ایشان نماز، پس باید بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش، پس چون به سجده روند، پس آن گروهِ دیگر باید که پیش از ایشان باشند[۲]، و باید که بیاید آن گروهِ دیگر که هنوز نماز نکرده، پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند حِذْر[۳] و سلاح خود را. آرزو کردند کافران، کاش غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش، پس حمله کنند بر شما یکباره و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شما را رنجی از باران یا بیمار باشید، در آن که بنهید سلاح خویش را و البته بگیرید حِذْر خود را، هرآیینه خدا آماده کرده است برای کافران، عذاب رسوا کننده[۴]. ﴿۱۰۲﴾ پس چون نماز تمام کردید، پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش، پس چون آرامیدید برپا کنید نماز را[۵]، هرآیینه هست نماز بر مؤمنان، فرضِ وقتْ معین کرده شده. ﴿۱۰۳﴾ و سستی مکنید در جستجوی کفّار. اگر شما دردمند می‌شوید، پس ایشان نیز دردمند می‌شوند، چنانکه شما می‌شوید، و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدا، دانای استوارکار. ﴿۱۰۴﴾ هرآیینه[۶] ما فرود آوردیم به سوی تو کتاب را به راستی، تا حکم کنی میان مردمان به آنچه شناسا ساخته است تو را خدا، و مباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان. ﴿۱۰۵﴾

۱- یعنی وقت خوف.

۲- یعنی مقابل عدوّ.

۳- وحذر خود و زره و سپر را گویند.

۴- مترجم گوید: این را صورت‌ها است یکی آنکه امام دوبار نماز گزارد، یک بار به این جماعت و دیگر بار به آن جماعت دیگر. آنکه امام با یک جماعت، یک رکعت گذارد و در قیام، توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند، آن جماعت دیگر آمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر به آن جماعت خواند در قعده چندان توقف کند که از رکعت دوم فارغ شوند، انگه به ایشان سلام دهد. این هر دو با صورت‌های دیگر همه صحیح شده و همه محتمل آن است، والله اعلم.

۵- یعنی به طریق نماز امن، والله اعلم.

۶- مترجم گوید: مردم ضعیف‌الاسلام اگر کسی را از ایشان مرتکب گناهی می‌شد، دور وی حیله‌ها بافته پیش آن حضرت به وجهی اظهار میکردند که برائت او به خاطر مبارک می‌رسید وبا یکدیگر خولت کرده رازها به خلاف رضای شریف در میان می‌آورند، خدای تعالی آیات فرستاد.

وَٱسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١٠٦ وَلَا
تُجَٰدِلۡ عَنِ ٱلَّذِينَ يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ
مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمٗا ١٠٧ يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا
يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ إِذۡ يُبَيِّتُونَ مَا لَا
يَرۡضَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطًا ١٠٨
هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ جَٰدَلۡتُمۡ عَنۡهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فَمَن
يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَم مَّن يَكُونُ
عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ١٠٩ وَمَن يَعۡمَلۡ سُوٓءًا أَوۡ يَظۡلِمۡ نَفۡسَهُۥ
ثُمَّ يَسۡتَغۡفِرِ ٱللَّهَ يَجِدِ ٱللَّهَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ١١٠ وَمَن
يَكۡسِبۡ إِثۡمٗا فَإِنَّمَا يَكۡسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۚ وَكَانَ
ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١١١ وَمَن يَكۡسِبۡ خَطِيٓـَٔةً أَوۡ
إِثۡمٗا ثُمَّ يَرۡمِ بِهِۦ بَرِيٓـٔٗا فَقَدِ ٱحۡتَمَلَ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا
مُّبِينٗا ١١٢ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكَ وَرَحۡمَتُهُۥ لَهَمَّت
طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡۖ
وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيۡءٖۚ وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحِكۡمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمۡ تَكُن تَعۡلَمُۚ وَكَانَ فَضۡلُ
ٱللَّهِ عَلَيۡكَ عَظِيمٗا ١١٣

و آمرزش خواه از خدا، هرآیینه هست خدا آمرزندهٔ
مهربان. ﴿۱۰۶﴾ و خصومت مکن از جانب آنان‌که خیانت
می‌کنند با جنس خویش، هرآیینه خدا دوست ندارد آن را
که باشد خیانت کننده گناهکار. ﴿۱۰۷﴾ پنهان می‌کنند از
مردمان و پنهان نمی‌کنند از خدا و او با ایشان است آنگاه
که به شب مشورت می‌کنند آنچه خدا نمی‌پسندد از تدبیر،
و هست خدا به آنچه می‌کنند، در برگیرنده. ﴿۱۰۸﴾ آگاه
باشید شما ای قوم که خصومت کردید از طرف خیانت
کنندگان در زندگانی دنیا، پس کِه خصومت خواهد کرد
با خدا از طرف ایشان روز قیامت؟ یا کیست که باشد بر
ایشان کار سازنده؟. ﴿۱۰۹﴾ و هر که بکند کار بد یا ستم
کند بر خویش، باز آمرزش طلبد از خدا، بیابد خدا را
آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۱۰﴾ و هر که بکند گناهی، پس جز
این نیست که می‌کند آن را بر جان خویش و هست خدا،
دانای استوارکار. ﴿۱۱۱﴾ و هر که بکند خطایی یا گناهی،
باز تهمت کند به آن بی‌گناهی را، پس بر خود برداشت
افترا و گناه ظاهر را. ﴿۱۱۲﴾ و اگر نبودی فضل خدا بر تو
و بخشایش او، قصد کرده بودند گروهی از ایشان که
گمراه کنند تو را و گمراه نمی‌کنند مگر خویشتن را و هیچ
زیانی نرسانند به تو، و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و
دانش، و آموخته است تو را آنچه نمی‌دانستی و هست
فضل خدا بر تو، بزرگ. ﴿۱۱۳﴾

۞لَّا خَيۡرَ فِي كَثِيرٖ مِّن نَّجۡوَىٰهُمۡ إِلَّا مَنۡ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
أَوۡ مَعۡرُوفٍ أَوۡ إِصۡلَٰحِۭ بَيۡنَ ٱلنَّاسِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ
ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِ فَسَوۡفَ نُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿١١٤﴾
وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلۡهُدَىٰ
وَيَتَّبِعۡ غَيۡرَ سَبِيلِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصۡلِهِۦ
جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ
بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ
بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدۡعُونَ مِن
دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثٗا وَإِن يَدۡعُونَ إِلَّا شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا ﴿١١٧﴾
لَّعَنَهُ ٱللَّهُۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنۡ عِبَادِكَ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا
﴿١١٨﴾ وَلَأُضِلَّنَّهُمۡ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمۡ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُبَتِّكُنَّ
ءَاذَانَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلۡقَ ٱللَّهِۚ وَمَن
يَتَّخِذِ ٱلشَّيۡطَٰنَ وَلِيّٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ فَقَدۡ خَسِرَ
خُسۡرَانٗا مُّبِينٗا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمۡ وَيُمَنِّيهِمۡۖ وَمَا يَعِدُهُمُ
ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ وَلَا
يَجِدُونَ عَنۡهَا مَحِيصٗا ﴿١٢١﴾

نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان، لیکن خوبی در مشورت کسی است که فرماید به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاحکاری میان مردمان، و هر که این کند به طلب خوشنودی خدا، بدهیمش مزد بزرگ. ﴿۱۱۴﴾ و هر که مخالفتِ پیغامبر کند بعد از آن که معلوم شد او را هدایت، و پیروی کند سوای راه مسلمانان، متوجه بکنیمش به آنچه می‌گردد[۱] و در آریمش به دوزخ و آن بد جایی است. ﴿۱۱۵﴾ هر[۲] آیینه خدا نمی‌آمرزد آن که شریک باو مقرر کرده شود به او و می‌آمرزد غیر شرک، هر که را خواهد. و هر که شریک خدا مقرر کند، پس گمراه شد، گمراهیِ دور. ﴿۱۱۶﴾ مشرکان نمی‌پرستند بجز خدا، مگر بتانی را که به نام دختران مسمی کرده‌اند و نمی‌پرستند مگر شیطان دور رفته از حد را. ﴿۱۱۷﴾ لعنت کرد او را خدا، و گفت شیطان: البته بگیرم از بندگان تو حصّه‌ای که در علم ازلی معیّن شده. ﴿۱۱۸﴾ و البته گمراه کنم ایشان را و البته در آرزوی باطل افکنم ایشان را و البته بفرمایم ایشان را تا بشگافند گوش چهارپایان را و البته بفرمایم ایشان را تا تغیر دهند آفرینش خدا را[۳] و هر که دوست گیرد شیطان را بجز خدا، پس زیانکار شد، زیان ظاهر. ﴿۱۱۹﴾ وعده میدهد ایشان را و در آرزو می‌اندازد ایشان را و وعده نمی‌کند ایشان را شیطان، الاّ به فریب. ﴿۱۲۰﴾ آن جماعت، جای ایشان دوزخ است و نیابند از آن مَخْلَصی. ﴿۱۲۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی قوت دل بیفزاییم.

۲- مترجم گوید: از اینجا تغلیظ تحریم شرک می‌فرماید.

۳- مترجم گوید: یعنی مانند خصی کردن وسوزن زدن بر بدن تا سرخ یا کبود گردانند، والله اعلم.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ
وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَمَنۡ أَصۡدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلٗا ﴿١٢٢﴾ لَّيۡسَ
بِأَمَانِيِّكُمۡ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِۗ مَن يَعۡمَلۡ سُوٓءٗا
يُجۡزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدۡ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا
﴿١٢٣﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ
وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ
نَقِيرٗا ﴿١٢٤﴾ وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ
وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ
إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي
ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطٗا ﴿١٢٦﴾
وَيَسۡتَفۡتُونَكَ فِي ٱلنِّسَآءِۖ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِيهِنَّ وَمَا
يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ فِي يَتَٰمَى ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا
تُؤۡتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرۡغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ
وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلۡوِلۡدَٰنِ وَأَن تَقُومُواْ لِلۡيَتَٰمَىٰ
بِٱلۡقِسۡطِۚ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِهِۦ
عَلِيمٗا ﴿١٢٧﴾

و آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، درآریم ایشان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. وعده کرده است خدا به راستی و کیست راستگوتر از خدا در سخن؟. ﴿۱۲۲﴾ نیست کار به وفق آرزوی شما و نه به وفق آرزوی اهل کتاب. هر که بکند کار بد، جزا داده خواهد شد به آن و نیابد برای خود بجز خدا، هیچ دوستی و نه یاری دهنده‌ای. ﴿۱۲۳﴾ و هر که بکند از کارهایی شایسته، مرد باشد یا زن و او مسلمان است، پس آن جماعت درآیند به بهشت و ستم کرده نشوند مقدار نقیری. ﴿۱۲۴﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار دین از کسی که منقاد ساخت روی خود را برای خدا و او نیکوکار است و پیروی کرد ملّت ابراهیم را در حالتی که حنیف بود و خدا دوست گرفت ابراهیم را. ﴿۱۲۵﴾ و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و هست خدا به همه چیز، در برگیرنده. ﴿۱۲۶﴾ و طلب فتوی می‌کنند از تو در باب زنان[۱]، بگو: خدا فتوی می‌دهد شما را در باب زنان و آنچه خوانده می‌شود بر شما در کتاب، [نازل شده است] در حق آن زنان یتیمه که نمی‌دهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان و رغبت می‌کنید که نکاح کنید با ایشان[۲]، و [نازل شده است] در باب بیچارگان از کودکان و [حکم است] به آن که تعهد حال یتیمان کنید به انصاف، و آنچه می‌کنید از نیکویی، هست خدا به آن دانا[۳]. ﴿۱۲۷﴾

۱- یعنی چه نوع به ایشان معامله باید کرد، والله اعلم.

۲- در نکاح زنان یتیمه زغبت می‌کردند به سبب براعت جمال وحداثت سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می نودند، والله اعلم.

۳- جواب این استفتاء، تفصیلی داشت، پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمود بر آیات سابقه و آن مسألۀ تحریم ظلم بر «یتامی النساء» است وبعضی را اینجا جواب داد و آن مسألۀ نشوز و تحریم میل کلّی به یک زن و اعراض از زن دیگر و اباحۀ طلاق در صودت ضرورت، والله اعلم.

وَإِنِ ٱمۡرَأَةٌ خَافَتۡ مِنۢ بَعۡلِهَا نُشُوزًا أَوۡ إِعۡرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يُصۡلِحَا بَيۡنَهُمَا صُلۡحًاۚ وَٱلصُّلۡحُ خَيۡرٌۗ وَأُحۡضِرَتِ ٱلۡأَنفُسُ ٱلشُّحَّۚ وَإِن تُحۡسِنُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾ وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ فَلَا تَمِيلُواْ كُلَّ ٱلۡمَيۡلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلۡمُعَلَّقَةِۚ وَإِن تُصۡلِحُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٢٩﴾ وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ وَصَّيۡنَا ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَإِيَّاكُمۡ أَنِ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأۡتِ بِـَٔاخَرِينَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾ مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا فَعِندَ ٱللَّهِ ثَوَابُ ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾

و اگر زنی معلوم کند از شوهرش سرکشی یا روگردانی، پس گناه نیست بر ایشان در آن که صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح، و صلحکاری بهتر است. و حاضر کرده شده‌اند نفوس نزدیک بخل[1] و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید، پس هرآیینه خدا هست به آنچه می‌کنید دانا. ﴿۱۲۸﴾ و نتوانید هرگیز عدل کردن میان زنان، اگرچه نهایت رغبت کنید، پس یاری کجی مکنید تمام کجی تا آن که بگزارید آن زنان را مانند معلقه[2]. و اگر اصلاح کنید و پرهیزگاری نمایید، پس هرآیینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۲۹﴾ و اگر مرد و زن با یکدیگر جدا شوند، کفایت می‌کند خدایْ تعالی هر یکی را از توانگری خود، و هست خدا، جوادِ استوارکار. ﴿۱۳۰﴾ و خدای راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است. و هرآیینه حکم فرمودیم آنان را که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را نیز، که بترسید از خدا. و اگر کافر شوید، پس هرآیینه خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و هست خدا، توانگر ستوده شده. ﴿۱۳۱﴾ و خدا راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و خدا کارساز بس است. ﴿۱۳۲﴾ و اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و به وجود آرد دیگران را، و هست خدا بر این کار توانا. ﴿۱۳۳﴾ هر که باشد طالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست خدا، شنوای بینا[3]. ﴿۱۳۴﴾

۱- یعنی از بخل غائب نمی‌شوند و آن را نمی‌گذارند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: معلقه زنی است که نه بیوه باشد و نه به او شوهر، موافقت کنم.

۳- یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید، والله اعلم.

۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلۡقِسۡطِ
شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَۚ
إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرٗا فَٱللَّهُ أَوۡلَىٰ بِهِمَاۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ
ٱلۡهَوَىٰٓ أَن تَعۡدِلُواْۚ وَإِن تَلۡوُۥٓاْ أَوۡ تُعۡرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ
بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ﴿١٣٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ
بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ
وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ
وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ
ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ
ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ
لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ سَبِيلَۢا ﴿١٣٧﴾ بَشِّرِ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
بِأَنَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ
أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَيَبۡتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلۡعِزَّةَ
فَإِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا ﴿١٣٩﴾ وَقَدۡ نَزَّلَ عَلَيۡكُمۡ فِي
ٱلۡكِتَٰبِ أَنۡ إِذَا سَمِعۡتُمۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ يُكۡفَرُ بِهَا
وَيُسۡتَهۡزَأُ بِهَا فَلَا تَقۡعُدُواْ مَعَهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي
حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦٓ إِنَّكُمۡ إِذٗا مِّثۡلُهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ
ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡكَٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

ای مسلمانان! متعهد انصاف باشید، اظهار حق کنندگان برای خدا، و اگرچه بر ضرر خویشتن یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد. اگر [آن که حق بر وی ثابت می‌شود] توانگر باشد یا فقیر، به هر حال خدا مهربانتر است بر ایشان. پس پیرویِ خواهش نفس مکنید، اعراض کنان از عدل و اگر پیچانید سخن را یا رو گردانید، پس هرآیینه خدا هست به آنچه می‌کنید، آگاه. ﴿۱۳۵﴾ ای مسلمانان! ایمان آرید به خدا و پیغامبر او و آن کتاب که فروفرستاده است بر پیغامبر خود و آن کتاب که فروفرستاده است پیش از این و هر که کافر شود به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های او و پیغامبران او و روز آخر، پس هرآیینه گمراه شد، گمراهیِ دور[۱]. ﴿۱۳۶﴾ آنان‌که ایمان آوردند، باز کافر شدند، باز ایمان آوردند، باز کافر شدند، باز زیادت کردند در کفر[۲]، هرگز نیامرزد خدایِ تعالی ایشان را و هرگز ننماید ایشان را راهی. ﴿۱۳۷﴾ خبر[۳] ده منافقان را به آن که ایشان را باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۳۸﴾ آن منافقان که کافران را دوست می‌گیرند بجز مؤمنان، آیا نزدیک ایشان ارجمندی می‌طلبند؟ پس هرآیینه ارجمندی، خدا راست همه یکجا. ﴿۱۳۹﴾ و هرآیینه فروفرستاده است خدا بر شما در قرآن که چون بشنوید به آیت‌های خدا انکار نموده می‌آید و تمسخر کرده می‌شود به آنها، پس منشینید با ایشان تا آن که شروع کنند در سخنی بجز آن. هرآیینه شما آنگاه که بنشینید، مانند آن کافران باشید، هرآیینه خدا به هم آرنده است منافقان و کافران را، همه یکجا در دوزخ. ﴿۱۴۰﴾

۱- مترجم گوید: مراد آن است که هر که در ملّت اسلامیه داخل شد، او را به تفصیل، تصدیق این چیزها باید کرد.

۲- یعنی اصرار کردند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: از اینجا وعید منافقان بیان می‌فرماید.

ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ فَإِن كَانَ لَكُمۡ فَتۡحٞ مِّنَ ٱللَّهِ
قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡ وَإِن كَانَ لِلۡكَٰفِرِينَ نَصِيبٞ
قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ وَنَمۡنَعۡكُم مِّنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلَن
يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لِلۡكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ
ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمۡ وَإِذَا قَامُوٓاْ
إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا
يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿١٤٢﴾ مُّذَبۡذَبِينَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ لَآ
إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن
تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا ﴿١٤٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ
ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَتُرِيدُونَ أَن
تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا ﴿١٤٥﴾
إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ وَأَصۡلَحُواْ وَٱعۡتَصَمُواْ بِٱللَّهِ وَأَخۡلَصُواْ
دِينَهُمۡ لِلَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَسَوۡفَ يُؤۡتِ ٱللَّهُ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿١٤٦﴾ مَّا يَفۡعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمۡ
إِن شَكَرۡتُمۡ وَءَامَنتُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمٗا ﴿١٤٧﴾

آن منافقان که انتظار شما می‌کشند، پس اگر باشد شما را
فتحی از جانب خدا، گویند: آیا نبودیم با شما؟[۱] و اگر
باشد کافران را نصیبی، گویند (یعنی به کافران): آیا غالب
نشدیم بر شما؟[۲] و آیا باز نداشتیم شما را از ضرر
مسلمانان؟[۳] پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز
قیامت و هرگز گشاده نگرداند خدا کافران را بر مسلمانان،
راهی[۴]. ﴿۱۴۱﴾ هرآیینه منافقان فریب می‌کنند با خدا و
خدا نیز فریب می‌کند به ایشان، و چون منافقان به سوی
نماز برخیزند، کاهلی کنان برخیزند، می‌نمایند به مردمان و
یاد نمی‌کنند خدا را مگر اندکی. ﴿۱۴۲﴾ متردّدند در میان
این و آن، نه به سوی ایناننند و نه به سوی آنان و هرکه را
گمراه کند خدا، پس نیابی او را هیچ راهی. ﴿۱۴۳﴾ ای
مسلمانان! دوست مگیرید کافران را بجز مؤمنان. آیا
می‌خواهید که ثابت کنید برای خدا بر خویشتن، الزام
ظاهر؟. ﴿۱۴۴﴾ هرآیینه منافقان در طبقهٔ زیرترین‌اند از
آتش و نیابی ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۱۴۵﴾ مگر
آنان‌که توبه کردند و صلاح پیش گرفتند و چنگ زدند به
خدا و خالص گردانیدند دین خود را برای خدا، پس آن
جماعت همراه مؤمنانند و زود بدهد خدا مؤمنان را مزد
بزرگ. ﴿۱۴۶﴾ چه کار کند خدا به عذاب شما، اگر
سپاسداری کنید و ایمان آرید و هست خدا قدرشناسِ دانا.
﴿۱۴۷﴾

۱- یعنی از زمرهٔ شماایم، والله اعلم.

۲- یعنی خواه [و] مخواه شما را مصلحت دانستیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که به مصلحت دیگر عمل کنید، والله اعلم.

۳- یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان به شما نرسد، والله اعلم.

۴- یعنی نشود که اسلام را مستأصل گردانند، والله اعلم.

۞لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلۡجَهۡرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ إِلَّا مَن
ظُلِمَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِن تُبۡدُواْ خَيۡرًا أَوۡ
تُخۡفُوهُ أَوۡ تَعۡفُواْ عَن سُوٓءٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوّٗا قَدِيرًا
﴿١٤٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡفُرُونَ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيُرِيدُونَ أَن
يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ ٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤۡمِنُ بِبَعۡضٖ
وَنَكۡفُرُ بِبَعۡضٖ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُواْ بَيۡنَ ذَٰلِكَ
سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ حَقّٗاۚ وَأَعۡتَدۡنَا
لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٗا مُّهِينٗا ﴿١٥١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ
وَرُسُلِهِۦ وَلَمۡ يُفَرِّقُواْ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ أُوْلَٰٓئِكَ سَوۡفَ
يُؤۡتِيهِمۡ أُجُورَهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿١٥٢﴾
يَسۡـَٔلُكَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيۡهِمۡ كِتَٰبٗا مِّنَ
ٱلسَّمَآءِۚ فَقَدۡ سَأَلُواْ مُوسَىٰٓ أَكۡبَرَ مِن ذَٰلِكَ فَقَالُوٓاْ
أَرِنَا ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلۡمِهِمۡۚ ثُمَّ
ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُ فَعَفَوۡنَا
عَن ذَٰلِكَۚ وَءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ سُلۡطَٰنٗا مُّبِينٗا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعۡنَا
فَوۡقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمۡ وَقُلۡنَا لَهُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ
سُجَّدٗا وَقُلۡنَا لَهُمۡ لَا تَعۡدُواْ فِي ٱلسَّبۡتِ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم
مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ﴿١٥٤﴾

دوست نمی‌دارد خدا بلند گفتنِ سخن بد، مگر سخن گفتن مظلوم [که عفو هست] و هست خدا شنوای دانا. ﴿۱۴۸﴾ اگر آشکارا کنید کار نیک را یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی، پس هرآیینه هست خدا عفو کننده توانا. ﴿۱۴۹﴾ هرآیینه کسانی که کافر می‌شوند به خدا و پیغامبران او و کسانی که می‌خواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغامبران او[1] و کسانی که می‌گویند: ایمان می‌آریم به بعض پیغامبران و نامعتقد می‌شویم بعض را و می‌خواهند که راهی گیرند در میان این و آن. ﴿۱۵۰﴾ آن جماعت ایشانند کافران به تحقیق و آماده ساخته‌ایم برای کافران، عذاب رسوا کننده. ﴿۱۵۱﴾ و کسانی که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او و تفرقه نکردند در میان هیچ یک از ایشان، آن جماعت خواهد داد خدا ایشان را مزد ایشان و هست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۵۲﴾ در[2]خواست می‌کنند از تو اهل کتاب، که فرود آری بر ایشان کتاب را از آسمان (یعنی یک دفعه)، پس سؤال کرده بودند از موسی سخت‌تر از این، گفتند: خدا را بنما به ما آشکارا، پس گرفت ایشان را صاعقه به سبب گناه ایشان. باز معبود گرفتند گوساله را، بعد از آن که آمد به ایشان معجزه‌ها، پس درگذشتیم از این جریمه و دادیم موسی را غلبهٔ ظاهر. ﴿۱۵۳﴾ و برداشتیم بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را: درآیید به دروازه، سجده کنان و گفتیم ایشان را: تجاوز مکنید در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم. ﴿۱۵۴﴾

۱- یعنی به خدا ایمان آرند و به پیغامبران ایمان نیارند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: از اینجا خدایْ تعالی ردّ شبههٔ یهود می‌کند که قرآن چرا یک دفعه مثل الواح موسی نازل نشد و این سخن ممتد است تا ﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ﴾

فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ وَكُفۡرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتۡلِهِمُ
ٱلۡأَنۢبِيَآءَ بِغَيۡرِ حَقّٖ وَقَوۡلِهِمۡ قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ بَلۡ طَبَعَ
ٱللَّهُ عَلَيۡهَا بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿١٥٥﴾
وَبِكُفۡرِهِمۡ وَقَوۡلِهِمۡ عَلَىٰ مَرۡيَمَ بُهۡتَٰنًا عَظِيمٗا ﴿١٥٦﴾
وَقَوۡلِهِمۡ إِنَّا قَتَلۡنَا ٱلۡمَسِيحَ عِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ رَسُولَ
ٱللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمۡۚ وَإِنَّ
ٱلَّذِينَ ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُۚ مَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ
عِلۡمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينَۢا ﴿١٥٧﴾ بَل رَّفَعَهُ
ٱللَّهُ إِلَيۡهِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ﴿١٥٨﴾ وَإِن مِّنۡ أَهۡلِ
ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤۡمِنَنَّ بِهِۦ قَبۡلَ مَوۡتِهِۦۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
يَكُونُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلۡمٖ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ
حَرَّمۡنَا عَلَيۡهِمۡ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتۡ لَهُمۡ وَبِصَدِّهِمۡ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرٗا ﴿١٦٠﴾ وَأَخۡذِهِمُ ٱلرِّبَوٰاْ وَقَدۡ نُهُواْ عَنۡهُ
وَأَكۡلِهِمۡ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِۚ وَأَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ
مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿١٦١﴾ لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ
مِنۡهُمۡ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ
مِن قَبۡلِكَۚ وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَٱلۡمُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ
وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤۡتِيهِمۡ أَجۡرًا
عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

پس به سبب شکستن ایشان عهد خود را و به سبب کفر ایشان به آیات خدا و کشتن ایشان انبیا را به ناحق و گفتن ایشان که دل‌های ما در پرده است. نه، بلکه مهر نهاده است خدایِ تعالی بر دل‌های ایشان به سبب کفر ایشان، پس ایمان نیارند مگر اندکی. ﴿۱۵۵﴾ و به سبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم، بهتانی بزرگ[۱]. ﴿۱۵۶﴾ و به سبب گفتن ایشان: هر آیینه ما کشتیم مسیح، عیسی پسر مریم را که فی الواقع پیغامبر خدا بود، و نکشته‌اند او را و بردار نکرده‌اند او را و لیکن مشتبه شد بر ایشان. و هرآیینه کسانی که اختلاف کردند در باب عیسی در شکّ‌اند از حال او و نیست ایشان را به آن یقینی، لیکن پیرویِ ظن می‌کنند و به یقین نکشته‌اند او را. ﴿۱۵۷﴾ بلکه برداشت او را خدای تعالی به سوی خود و هست خدا غالب استوارکار. ﴿۱۵۸﴾ و نباشد هیچ‌کس از اهل کتاب ألّا البته ایمان آورد به عیسی پیش از مردن عیسی[۲]، و روز قیامت باشد عیسی گواه بر ایشان ﴿۱۵۹﴾ پس به سبب ظلمی که به ظهور آمد از یهود، حرام ساختیم بر ایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودند ایشان را و به سبب بازداشتن ایشان، مردمان بسیار از راه خدا. ﴿۱۶۰﴾ و گرفتن ایشان سود را و حال آن که منع کرده شده‌اند از آن و خوردنِ ایشان اموال مردمان را به ناحق و مهیا کردیم برای کافران از ایشان (یعنی مصرّان بر کفر) عذاب درد دهنده[۳]. ﴿۱۶۱﴾ لیکن ثابت‌قدمان در علم از اهل کتاب و مؤمنان که ایمان می‌آرند به آنچه فروفرستاده شده است به سوی تو و آنچه فروفرستاده شده است پیش از تو. و (مدح می‌کنم) برپا دارندگان نماز را، و همچنین دهندگان زکات را و ایمان آرندگان به خدا و روز آخر، این جماعت زود بدهیم ایشان را مزد بزرگ. ﴿۱۶۲﴾

۱- یعنی قذف به زنا.

۲- مترجم گوید: یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسی را البته ایمان آرند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: اگر گویی انکار عیسی بعد نزل تورات کرده بودند و تحریم لحوم ابل و تحریم ذی ظفر در تورات مذکور بود، پس چگونه جزای انکار عیسی باشد؟ گویم نزدیک این بنده، ظاهر آن است: مراد از تحریم طیّبات، موقوف داشتن نعمت‌ها است که سابقاً ایشان را داده بودند از پادشاهی و نبوت و نصرت و غیر آن و این مشابه آن آیتی است: ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾ [البقرة: ۶۱]. الایه. واین آیت: ﴿وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآ﴾ [الأنبياء: ۹۵]. وحینئذٍ جمیع کلام باهم مربوط باشد، والله اعلم.

۞إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ
مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ
وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ
وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلٗا قَدۡ
قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ
عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا ﴿١٦٤﴾ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ
ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ﴿١٦٥﴾ لَّٰكِنِ ٱللَّهُ
يَشۡهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيۡكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلۡمِهِۦۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَشۡهَدُونَۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ قَدۡ ضَلُّواْ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَظَلَمُواْ لَمۡ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغۡفِرَ لَهُمۡ
وَلَا لِيَهۡدِيَهُمۡ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدٗاۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿١٦٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ
فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿١٧٠﴾

هرآیینه ما وحی فرستادیم به سوی تو چنانکه وحی
فرستادیم به سوی نوح و پیغامبران پس از وی و چنانکه
وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و
یعقوب و نبیرگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و
سلیمان و چنانکه دادیم داود را زبور. ﴿۱۶۳﴾ و چنانکه
فرستادیم پیغامبرانی که قصهٔ ایشان گفته‌ایم بر تو پیش از
این و پیغامبرانی که قصّهٔ ایشان نگفته‌ایم بر تو و گفت خدا
با موسی سخن. ﴿۱۶۴﴾ فرستادیم پیغامبران، مژده
دهندگان و بیم کنندگان تا نباشد مردمان را بر خدا الزام،
بعدِ فرستادن پیغامبران[۱] و هست خدا غالبِ استوارکار.
﴿۱۶۵﴾ لیکن خدا اظهار می‌فرماید در حقِّ آنچه
فروفرستاده است به سوی تو که فروفرستاد آن را به علم
خود و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند و بس است خدا گواه.
﴿۱۶۶﴾ هرآیینه کسانی که کافر شدند و بازداشتند (یعنی
مردمان را) از راه خدا، به تحقیق گمراه شدند، گمراهی
دور. ﴿۱۶۷﴾ هرآیینه کسانی که کافر شدند و ستم
کردند، هرگز نیامرزد ایشان را خدا و ننماید ایشان را راهی.
﴿۱۶۸﴾ مگر راه دوزخ، جاویدان آنجا همیشه و هست این
بر خدا آسان. ﴿۱۶۹﴾ ای مردمان! هرآیینه آمد به شما
پیغامبر به راستی از جانب پروردگار شما، پس ایمان آرید
[تا ایمان آوردن] بهتر باشد برای شما. و اگر کافر شوید،
پس هرآیینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است و
هست خدا دانای استوارکار. ﴿۱۷۰﴾

۱- یعنی تا نگویند که تقصیرِ ما نیست، هیچ پیغمبر نزدیک ما نیامد، والله اعلم.

يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى
ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ
ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَـَٔامِنُواْ
بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۖ وَلَا تَقُولُواْ ثَلَٰثَةٌۚ ٱنتَهُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ
إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ﴿١٧١﴾
لَّن يَسۡتَنكِفَ ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ وَلَا
ٱلۡمَلَـٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ
وَيَسۡتَكۡبِرۡ فَسَيَحۡشُرُهُمۡ إِلَيۡهِ جَمِيعٗا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّـٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ
وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡتَنكَفُواْ
وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم
مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ﴿١٧٣﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ
جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا
مُّبِينٗا ﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَٱعۡتَصَمُواْ بِهِۦ
فَسَيُدۡخِلُهُمۡ فِي رَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَفَضۡلٖ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَيۡهِ
صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ﴿١٧٥﴾

ای[1] اهل کتاب! از حد مگذرید در دین خود و مگویید بر خدا مگر سخنِ راست، جز این نیست که عیسی پسر مریم، پیغامبر خداست و فیض اوست، انداخت آن را به سوی مریم و روحی است از جانب خدا، پس ایمان آرید به خدا و پیغامبران او و مگویید: خدایان سه‌اند، بازمانید از (این قسم گفتار) تا این بازماندن، بهتر باشد شما را. جز این نیست که خدا معبود یگانه است، پاکی است خدا را از آن که باشد او را فرزندی. مر او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و بس است خدا کارسازنده. ﴿۱۷۱﴾ ننگ ندارد عیسی از آن که باشد بندهٔ خدا و نه فرشتگان مقرّب، ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند، پس خواهد برانگیخت ایشان را نزدیک خویش همه یکجا. ﴿۱۷۲﴾ پس امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس تمام دهد ایشان را مزد ایشان و زیاده دهد ایشان را از فضل خود. و امّا کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند، پس عذاب کند ایشان را عذابِ درد دهنده، و نیابند برای خویش بجز خدا هیچ دوستی و هیچ یاری دهی. ﴿۱۷۳﴾ ای مردمان! به تحقیق آمد نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما و نازل کردیم به سوی شما روشنیِ آشکارا. ﴿۱۷۴﴾ امّا کسانی که ایمان آوردند به خدا و چنگ زدند به او، پس زود در آرد ایشان را در رحمت و فضل از نزدیک خود و بنماید ایشان را به سوی خود، راهِ راست. ﴿۱۷۵﴾

۱- مترجم گوید: از اینجا شروع می‌فرماید در ردّ شبههٔ نصاری، والله اعلم.

يَسۡتَفۡتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفۡتِيكُمۡ فِي ٱلۡكَلَٰلَةِۚ إِنِ ٱمۡرُؤٌاْ هَلَكَ لَيۡسَ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَهُۥٓ أُخۡتٞ فَلَهَا نِصۡفُ مَا تَرَكَۚ وَهُوَ يَرِثُهَآ إِن لَّمۡ يَكُن لَّهَا وَلَدٞۚ فَإِن كَانَتَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَۚ وَإِن كَانُوٓاْ إِخۡوَةٗ رِّجَالٗا وَنِسَآءٗ فَلِلذَّكَرِ مِثۡلُ حَظِّ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۗ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ أَن تَضِلُّواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿١٧٦﴾

طلب فتوی می‌کنند از تو، بگو: خدا فتوی می‌دهد شما را در باب میراثِ کسی که والد و ولد ندارد، اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست [و نه والد] و او را خواهری باشد[1]، پس خواهرش راست، نیمهٔ آنچه گذاشته است و [اگر این خواهر مُردی] آن برادر، وارثِ او شدی، اگر نباشد آن را فرزندی، پس اگر خواهران دو باشند، پس ایشان راست دو سوّم حصهٔ آنچه بگذاشته است و اگر ایشان جماعتی باشند مردان و زنان، پس مرد راست مانند حصهٔ دو زن. بیان می‌کند خدا برای شما تا گمراه نشوید و خدا به همه چیز داناست.﴿۱۷۶﴾

سُورَةُ المَائِدَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢﴾

سوره مائده

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای مؤمنان! وفا کنید به عهدها (یعنی عهدی که با خدا بسته‌اید در التزام احکام او تعالی) حلال کرده شده است برای شما چهارپایان از قسم انعام، مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما[2]، نه حلال دارندهٔ شکار در حالتی که محرم باشید، هرآیینه خدا حکم می‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۱﴾ ای مسلمانان! هتك حرمت مکنید نشانه‌های خدا را و نه ماه حرام را[3] و نه قربانی را و نه آنچه در گردن او قلاده می‌اندازند و نه قصد کنندگان بیت‌الحرام را که می‌طلبند فضلی از پروردگار خویش و خوشنودی از وی[4]، و چون احرام گشادید، پس شکار بکنید و حمل نکند شما را دشمنی گروهی به سبب آن که بازداشتند شما را از مسجد حرام[5] بر تجاوز کردن از حد و با یکدیگر مدد کنید بر نیکوکاری و پرهیزگاری و با یکدیگر مدد مکنید بر گناه و ستم و بترسید از خدا، هرآیینه خدا سخت است عقوبت او[6]. ﴿۲﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اعیانی و اگر نباشد، علاتی قائم مقام اعیانی بود.

۲- یعنی شتر و گاو و گوسفند و این سه قسم را انعام گویند، حلال است مگر میته، موقوذه و آنچه بیاید، والله اعلم.

۳- یعنی قتال در رجب و ذیقعده و ذی الحجه و محرم نباید کرد، والله اعلم.

۴- یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطهٔ ایشان نباید گرفت، والله اعلم.

۵- یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند، والله اعلم.

۶- مترجم گوید: حکم تغلیظ تحریم قتال در اشهر حرم مخصوص است به مسلمین به دلیل آیت سورهٔ بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به

حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ
ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ
أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن
تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ٱلۡيَوۡمَ يَئِسَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِن دِينِكُمۡ فَلَا تَخۡشَوۡهُمۡ وَٱخۡشَوۡنِۚ ٱلۡيَوۡمَ
أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ فِي مَخۡمَصَةٍ غَيۡرَ
مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣ يَسۡـَٔلُونَكَ مَاذَآ
أُحِلَّ لَهُمۡۖ قُلۡ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ وَمَا عَلَّمۡتُم مِّنَ ٱلۡجَوَارِحِ
مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ ٱللَّهُۖ فَكُلُواْ مِمَّآ أَمۡسَكۡنَ
عَلَيۡكُمۡ وَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ
ٱلۡحِسَابِ ٤ ٱلۡيَوۡمَ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُۖ وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ حِلّٞ لَّكُمۡ وَطَعَامُكُمۡ حِلّٞ لَّهُمۡۖ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ
ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن
قَبۡلِكُمۡ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ
وَلَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلۡإِيمَٰنِ فَقَدۡ حَبِطَ
عَمَلُهُۥ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٥

حرام کرده شد بر شما مردار و خون (یعنی خون مسفوح) و گوشت خوك و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح آن یاد کرده شود و آنچه به خفه کردن مرده باشد و آنچه به سنگ یا عصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد، الاّ [بعدِ آفت‌ها] ذبح کرده باشید و حرام است آنچه ذبح کرده باشد بر نشانه های معبود باطل[1] و حرام کرده شد اینکه طلب کنید معرفت قسمت خود، به تیرهای فال، این همه فسق است. امروز ناامید شدند کافران از دین شما، پس مترسید از ایشان و بترسید از من. امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین، برای شما. پس هر که ناچار شود در گرسنگی، غیر مایل بگناه، پس هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است[2]. ﴿۳﴾ سؤال می‌کنند تو را: چه چیز حلال کرده شد برای ایشان؟ بگو: حلال کرده شد برای شما پاکیزه ها[3] و آنچه آموخته باشید او را از جانوران شکاری در حالتی که شکار تعلیم کنندگانید، می‌آموزید اینها را بعض آنچه اللّه تعالی شما را آموخته است، پس بخورید از آنچه نگاه داشتند برای شما[4] و یاد کنید نام خدا را بر آن[5] و بترسید از خدا، هرآیینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۴﴾ امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزه‌ها، و طعام اهل کتاب حلال است برای شما و طعام شما حلال است برای ایشان[6]، و حلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمانان و محصنات از زنان کسانی که کتاب داده شدند پیش از شما، چون بدهید ایشان را مهر ایشان، عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان گیرندگان. و هر که نامعتقدِ اسلام باشد، پس نابود شد عمل او و او در آخرت از زیانکاران است[7]. ﴿۵﴾

مسلمین آیت سورهٔ براءت و این آیات آخر ما نزل است، منسوخ داشتن آنها چنانکه عامهٔ مفسرین گویند، راست نمی‌آید، والله اعلم.

۱- مترجم گوید: یعنی بر صورت قبر، والله اعلم.

۲- مترجم کویند: یعنی در مخمصهٔ خوردن مردار جائز است و نزدیك ابی حنیفه فائدهٔ لفظ غیر مائل به گناه، آن است که زیاده از ضرورت نخورد و نزدیك مالك و شافعی آن است که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست و این آیت آخر قرآن است، بعد ازین هیچ آیت نازل نشد، والله اعلم.

۳- آنچه عرب پاکیزه دانند، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: یعنی نخورده و ندریده باشند برای خوردن خود، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: یعنی نزدیك ارسال جانوران شکاری، والله اعلم.

۶- مترجم گوید: یعنی آنچه بر اهل کتاب حلال بود، بر شما حلال‌ست، مثل گوسفند و گاو و آنچه بر شما حلال کرده شد، بر کسی که از ایشان مسلمان شود، حلال است، مثل شتر و ذی ظفر و قبیله‌ها یهود و نصاری را درین باب، اعتبار نیست، والله اعلم.

۷- مترجم گوید: محصنات اینجا نزدیك امام ابی حنیفه به معنی پارساست و نزدیك شافعی به معنای آزاد و از ﴿غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ﴾ مفهوم شد

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ
وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ
بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِۚ وَإِن كُنتُمۡ
جُنُبٗا فَٱطَّهَّرُواْۚ وَإِن كُنتُم مَّرۡضَىٰٓ أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوۡ
جَآءَ أَحَدٞ مِّنكُم مِّنَ ٱلۡغَآئِطِ أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ
فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ
بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُم مِّنۡهُۚ مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ
عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ
نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿٦﴾ وَٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِي وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذۡ
قُلۡتُمۡ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ
شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ
أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٞ ﴿٩﴾

ای مسلمانان! چون برخیزید به سوی نماز، پس بشویید روی خود را و دست‌های خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشویید پاهای خود را تا شتالنگ و اگر باشید با جنابت، پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را[۱]، پس نیابید آب، پس قصد کنید خاک پاک را، پس مسح کنید از آن خاک به روی خود دوست خود. نمی‌خواهد خدا که مشروع کند بر شما مشقّتی و لیکن می‌خواهد که پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که شکرگزاری کنید. ﴿۶﴾ و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و پیمان خدا را که عهد بسته است با شما به آن پیمان، آنگاه که گفتید: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم[۲] و بترسید از خدا، هرآیینه خدا داناست به آنچه در سینه‌ها باشد. ﴿۷﴾ ای مسلمانان! متعهدِ حق اللّه باشید، گواهی دهندگان باشید به راستی و حمل نکند شما را دشمنیِ قومی بر ترک عدل، عدل کنید، عدل نزدیک‌تر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا، هرآیینه خدا آگاه است به آنچه می‌کنید. ﴿۸﴾ وعده کرده است خدا به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، [به این مضمون که] ایشان راست، آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۹﴾

که نکاح متعه، درست نیست و از ﴿وَلَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖ﴾ مفهوم شد که نکاح سرّ، درست نیست، والله اعلم.

۱- مترجم گوید: یعنی جماع کرده باشید و نزدیک شافعی دست رسانیدن به زنان، ناقض وضوست، والله اعلم.

۲- یعنی عهدی که وقت بیعت بستید، والله اعلم.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ
عَلَيۡكُمۡ إِذۡ هَمَّ قَوۡمٌ أَن يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ
فَكَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ
فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١١﴾ ۞وَلَقَدۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ بَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ وَبَعَثۡنَا مِنۡهُمُ ٱثۡنَيۡ عَشَرَ نَقِيبٗاۖ وَقَالَ ٱللَّهُ إِنِّي
مَعَكُمۡۖ لَئِنۡ أَقَمۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَيۡتُمُ ٱلزَّكَوٰةَ وَءَامَنتُم
بِرُسُلِي وَعَزَّرۡتُمُوهُمۡ وَأَقۡرَضۡتُمُ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا
لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمۡ سَيِّـَٔاتِكُمۡ وَلَأُدۡخِلَنَّكُمۡ جَنَّٰتٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ فَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ
مِنكُمۡ فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فَبِمَا نَقۡضِهِم
مِّيثَٰقَهُمۡ لَعَنَّٰهُمۡ وَجَعَلۡنَا قُلُوبَهُمۡ قَٰسِيَةٗۖ يُحَرِّفُونَ
ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦۚ
وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۖ
فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٣﴾

و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما
را، ایشانند اهل دوزخ. ﴿۱۰﴾ ای مؤمنان! یاد کنید نعمتِ
خدا را بر خویشتن، آنگاه که قصد کردند قومی که دراز
کنند دست خود را به سوی شما[۱] پس بازداشت
دست‌های ایشان را از شما و بترسید از خدا و بر خدا باید
که توکّل کنند مؤمنان[۲]. ﴿۱۱﴾ و هرآیینه گرفت الله
تعالی پیمان بنی اسراییل را و معیّن ساختیم از ایشان دوازده
سردار و گفت خدا هرآیینه من با شمایم، [مضمون پیمان
آن که] اگر برپا داشتید نماز را و دادید زکات را و معتقد
شدید پیغامبران مرا و تقویت کردید ایشان را و قرض دادید
خدا را قرض نیک[۳]، البته نابود سازم از شما گناهان شما را
و البته درآرم شما را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها.
پس هر که کافر شود از شما بعد از این، پس گم کرده راه
راست را. ﴿۱۲﴾ پس به سبب شکستن ایشان پیمان خویش
را، لعنت کردیم ایشان را و سخت گردانیدیم دل ایشان را.
تغیر می‌کنند کلمات را از مواضع آنها و فراموش کردند
حصّه از آنچه به آن پند داده شدند و همیشه هستی که
آگاه می‌شوی بر خیانتی از ایشان مگر اندکی از ایشان، پس
درگذر کن از ایشان و اعراض کن، هرآیینه خدا دوست
می‌دارد نیکوکاران را. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی قتال کنند، والله اعلم.

۲- معجزه چند نوبت متحقق شد، از آن جمله آن است که آن حضرتﷺ به تقریبی به محلهٔ یهود رفته بودند، شخصی از ایشان خواست که سنگی بالای آن حضرت بیافگند، خدای تعالی دست آن شخص بند کرد و از آن جمله آن است که کفار قریش در حدیبیه از جنگ بازایستادند، بعد از آنکه داعیه جنگ داشتند و از آن جمله آن است که یکی از یاران مسیلمهٔ کذاب دست‌درازی خواست، خدای تعالی دست او را گرفت ساخت.

۳- یعنی در جهاد صرف کردید به توقع ثواب آخرت، والله اعلم.

وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَهُمۡ فَنَسُواْ
حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَأَغۡرَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَاوَةَ
وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَسَوۡفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا
كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١٤ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ
رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ كَثِيرٗا مِّمَّا كُنتُمۡ تُخۡفُونَ مِنَ
ٱلۡكِتَٰبِ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖۚ قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ
نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ١٥ يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ
رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى
ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ١٦ لَّقَدۡ
كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۚ قُلۡ
فَمَن يَمۡلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ أَن يُهۡلِكَ
ٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗاۗ
وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۚ يَخۡلُقُ مَا
يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧

و گرفتیم از کسانی که گفتند ما نصاری‌ایم، پیمان ایشان را، پس فراموش کردند حصّه از آنچه به آن پند داده شدند، پس پیوسته ساختیم در میان فرقه‌های نصاری دشمنی و کینه تا روز قیامت و خبر خواهد داد ایشان را خدا به آنچه می‌کردند. ﴿۱۴﴾ ای اهل کتاب! هرآیینه آمد به شما پیغامبر ما، بیان می‌کند برای شما بسیار از آنچه پنهان می‌داشتید از کتاب (یعنی از کتاب الهی) و او در گذر می‌کند از تقصیرات بسیار. [ای اهل کتاب] هرآیینه آمد به شما از جانب خدا نوری و کتابی روشن (یعنی قرآن). ﴿۱۵﴾ به سبب آن دلالت می‌نماید خدا کسی را که طلب رضای کرد به سوی راه‌های نجات و بیرون می‌آرد ایشان را از تاریکی به سوی روشنی به ارادۀ خود و دلالت می‌کند ایشان را به سوی راه راست. ﴿۱۶﴾ هرآیینه کافر شدند کسانی که گفتند: خدا همان مسیح، پسر مریم است[1]. بگو: کِه می‌تواند از خدا چیزی را [از انتقام] اگر بخواهد که هلاک کند عیسی، پسر مریم را و مادرش را (که مریم است) و آنان را که در زمینند، همه یکجا؟ و خدا راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، می‌آفریند هرچه می‌خواهد و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۷﴾

۱- یعنی حلول کرده است دروی، والله اعلم.

وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحۡنُ أَبۡنَٰٓؤُاْ ٱللَّهِ وَأَحِبَّٰٓؤُهُۥۚ
قُلۡ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمۖ بَلۡ أَنتُم بَشَرٞ مِّمَّنۡ
خَلَقَۚ يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَلِلَّهِ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٨﴾
يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ
عَلَىٰ فَتۡرَةٖ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُواْ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٖ
وَلَا نَذِيرٖۖ فَقَدۡ جَآءَكُم بَشِيرٞ وَنَذِيرٞۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿١٩﴾ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ ٱذۡكُرُواْ
نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَعَلَ فِيكُمۡ أَنۢبِيَآءَ
وَجَعَلَكُم مُّلُوكٗا وَءَاتَىٰكُم مَّا لَمۡ يُؤۡتِ أَحَدٗا مِّنَ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَٰقَوۡمِ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡأَرۡضَ ٱلۡمُقَدَّسَةَ ٱلَّتِي
كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَارِكُمۡ فَتَنقَلِبُواْ
خَٰسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ فِيهَا قَوۡمٗا جَبَّارِينَ
وَإِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَا حَتَّىٰ يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا فَإِن يَخۡرُجُواْ
مِنۡهَا فَإِنَّا دَٰخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ
أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمَا ٱدۡخُلُواْ عَلَيۡهِمُ ٱلۡبَابَ فَإِذَا
دَخَلۡتُمُوهُ فَإِنَّكُمۡ غَٰلِبُونَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن
كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٢٣﴾

و گفتند یهود و ترسایان: ما پسران خداییم و دوستان اوییم[۱]. بگو: پس چرا عذاب می‌کند شما را بر گناهان شما؟ بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است. می‌آمرزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را خواهد و خدا راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این هر دو باشد و به سوی اوست رجوع. ﴿۱۸﴾ ای اهل کتاب! هرآیینه آمده است به شما پیغامبر ما، بیان می‌کند برای شما در حالت انقطاع آمدن پیغمبران[۲]، تا نگویید که نیامد نزدیک ما هیچ مژده دهنده و بیم کننده. آری! هرآیینه آمده است به شما مژده دهنده و بیم کننده، و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۱۹﴾ و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! یاد کنید نعمتِ خدا را بر خویش، چون پیدا کرد در میان شما پیغامبران را و پادشاه و داد به شما آنچه نداد به هیچ کس از عالمیان[۳]. ﴿۲۰﴾ ای قوم من! درآیید به زمین پاک که مقرّر ساخته است آن را خدا برای شما، و روگردان مشوید بر سمت پشت خود (یعنی قرار مکنید)، آنگاه زیانکار گردید. ﴿۲۱﴾ گفتند: ای موسی! هرآیینه آنجا گروهی هستند زور آور و هرگز ما داخل نشویم آنجا تا آن که ایشان بیرون آیند از آنجا. پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند، هرآیینه ما درآییم. ﴿۲۲﴾ گفتند دو مرد از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان[۴]: درآیید ای قوم بر این جماعت از راه دروازه، چون در آمدید به دروازه، پس هرآیینه شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید. ﴿۲۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی خدا را پدر خود می‌گفتند، والله اعلم.

۲- یعنی بعد عیسی بجز پیغمبری ما هیچ پیغمبری مبعوث نشد و مدت میانِ ایشان، پانصد و شصت سال بود، والله اعلم.

۳- یعنی معجزات عظیمه از فلقِ بحر (یعنی شکاف دریا) و رقع طور، والله اعلم.

۴- یعنی یوشع و کالب.

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّا لَن نَّدۡخُلَهَآ أَبَدٗا مَّا دَامُواْ فِيهَا
فَٱذۡهَبۡ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ ٢٤
قَالَ رَبِّ إِنِّي لَآ أَمۡلِكُ إِلَّا نَفۡسِي وَأَخِيۖ فَٱفۡرُقۡ بَيۡنَنَا
وَبَيۡنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٥ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيۡهِمۡۛ
أَرۡبَعِينَ سَنَةٗۛ يَتِيهُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَلَا تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ
ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦ ۞وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱبۡنَيۡ ءَادَمَ بِٱلۡحَقِّ إِذۡ
قَرَّبَا قُرۡبَانٗا فَتُقُبِّلَ مِنۡ أَحَدِهِمَا وَلَمۡ يُتَقَبَّلۡ مِنَ
ٱلۡأٓخَرِ قَالَ لَأَقۡتُلَنَّكَۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلۡمُتَّقِينَ ٢٧ لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠
بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٨ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ
مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ٢٩
فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُۥ قَتۡلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصۡبَحَ مِنَ
ٱلۡخَٰسِرِينَ ٣٠ فَبَعَثَ ٱللَّهُ غُرَابٗا يَبۡحَثُ فِي ٱلۡأَرۡضِ
لِيُرِيَهُۥ كَيۡفَ يُوَٰرِي سَوۡءَةَ أَخِيهِۚ قَالَ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ
أَعَجَزۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِثۡلَ هَٰذَا ٱلۡغُرَابِ فَأُوَٰرِيَ
سَوۡءَةَ أَخِيۖ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلنَّٰدِمِينَ ٣١

گفتند: ای موسی! ما هرگز ندرآییم در زمین، هیچ گاه، مادام که ایشان در آنجایند. پس بروید تو و پروردگار تو بروید و جنگ کنید، هرآیینه ما اینجا نشستگانیم. ﴿۲۴﴾ گفت [موسی]: ای پروردگارا! من قادر نیستم الاّ بر خود و برادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ما و گروه گناهکاران. ﴿۲۵﴾ گفت خدا: پس آن زمین حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال. سرگردان می‌شوند در زمین، پس اندوهناک مباش بر گروه ستمکاران[۱]. ﴿۲۶﴾ و بخوان بر قوم خود خبر دو پسر آدم به راستی چون نیاز حق کردند قربانی را، پس قبول کرده شد از یکی و قبول کرده نشد از دیگر[۲]. گفت [قابیل]: البته بکشم تو را. [هابیل] گفت: جز این نیست که خدا قبول می‌کند از متّقیان. ﴿۲۷﴾ اگر دراز کنی به سوی من دست خود را تا بکشی مرا، من هرگز دراز نکنم به سوی تو دست خود را تا بکشم تو را، هرآیینه من می‌ترسم از خدا، پروردگار عالم‌ها. ﴿۲۸﴾ هرآیینه من می‌خواهم که ببری گناه مرا و گناه خود را، پس باشی از اهل دوزخ و این جزای ستمکاران است. ﴿۲۹﴾ پس نفس او سهل ساخت در نظر او کشتن برادرش را، پس بکشت او را و شد از زیانکاران[۳]. ﴿۳۰﴾ پس فرستاد خدا زاغی را که می‌شکافت در زمین، تا بنمایدش چگونه بپوشد تنِ مُردهٔ برادر خود را. گفت: ای وای بر من! آیا عاجز شدم از آن که باشم مانند این زاغ، پس بپوشیدمی تنِ مُردهٔ برادر

۱- یعنی حکم کردیم که به آن زمین، منتفع نشوند چهل سال.

۲- یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیاز بُرد از غیب آتشی ظاهر شد و بخودر و قابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را قبول نکرد و این سبب حسد شد، الله اعلم.

۳- بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثهٔ او را بر پشت نهاده می‌گشت، والله اعلم.

خود؟! پس شد از پشیمان‌شدگان. ﴿۳۱﴾

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن
قَتَلَ نَفْسًۢا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٖ فِي ٱلْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا
قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا ٱلنَّاسَ
جَمِيعٗاۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرٗا
مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي ٱلْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا جَزَٰٓؤُاْ
ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ
فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓاْ أَوْ يُصَلَّبُوٓاْ أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَٰفٍ أَوْ يُنفَوْاْ مِنَ ٱلْأَرْضِۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ
خِزْيٞ فِي ٱلدُّنْيَاۖ وَلَهُمْ فِي ٱلْأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾
إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُواْ عَلَيْهِمْۖ فَٱعْلَمُوٓاْ
أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٣٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ
ٱللَّهَ وَٱبْتَغُوٓاْ إِلَيْهِ ٱلْوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ أَنَّ لَهُم
مَّا فِي ٱلْأَرْضِ جَمِيعٗا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُواْ بِهِۦ مِنْ
عَذَابِ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٞ
﴿٣٦﴾

به سبب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسراییل که هر که بکشد کسی را به غیر عوض کسی و به غیر فساد در زمین (یعنی قطع طریق و ارتداد) پس چنان است که کشته است مردمان را همه یکجا و هرکه سبب زندگانی کسی شد، پس چنان است که زنده ساخت مردمان را، همه یکجا و هرآیینه آمدند به بنی اسراییل پیغامبرانِ ما به نشانه‌های روشن، باز بسیاری از ایشان، بعد از این در زمین تجاوز کنندگانند[1]. ﴿۳۲﴾ جز این نیست جزای کسانی که جنگ می‌کنند با خدا و رسول او و می‌شتابند در زمین به قصد فساد (یعنی قطع طریق می‌کنند) آن است که کشته شوند یا بردار کرده شوند یا بریده شود دستها و پاهای ایشان از جانب مخالف[2] یا دور کرده شوند از وطن، این رسوایی است ایشان را در دنیا و ایشان راست در آخرت، عذاب عظیم. ﴿۳۳﴾ مگر کسانی که توبه کردند، پیش از آن که دست یابید بر ایشان. پس بدانید که خدا آمرزندهٔ مهربان است[3]. ﴿۳۴﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و بطلبید قرب به سوی او و جهاد کنید در راه او تا رستگار شوید. ﴿۳۵﴾ هرآیینه کافران اگر باشد به دست ایشان آنچه در زمین است همه یکجا، و همراه او مانند او مهیا، برای آن که عوض خود دهند آن را از عذاب روز قیامت، هرگز قبول کرده نشود از ایشان و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی چون از قابیل رسم قتل پیدا شد، هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مؤاخذه کنند، همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو میکند به حکم «من سَنَّ سنة سیئة کان له کفل منها» در قتلی که بعد از وی آمد، شرکتی پیدا می‌نماید. پس اینجا «من أجل ذلك» به جای علی قیاس واقع شده است، والله اعلم.

۲- یعنی دست راست و پای چپ، والله اعلم.

۳- یعنی حدّ، ساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست، والله اعلم.

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُواْ مِنَ ٱلنَّارِ وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنْهَاۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقْطَعُوٓاْ أَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلًا مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَمَن تَابَ مِنۢ بَعْدِ ظُلْمِهِۦ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ ٱلَّذِينَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلْكُفْرِ مِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِأَفْوَٰهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْۛ وَمِنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْۛ سَمَّٰعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّٰعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَۖ يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ مِنۢ بَعْدِ مَوَاضِعِهِۦۖ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَٱحْذَرُواْۚ وَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ فِتْنَتَهُۥ فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَمْ يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْۚ لَهُمْ فِي ٱلدُّنْيَا خِزْيٌۖ وَلَهُمْ فِي ٱلْأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾

بخواهند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از دوزخ و ایشان راست، عذاب دایم. ﴿۳۷﴾ و مردِ دزد و زنِ دزد بُبُرّید دست‌های ایشان را، جزای آنچه به عمل آورده‌اند، عبرتی از طرف خدا و خدا غالبِ داناست. ﴿۳۸﴾ پس هر که توبه کرد بعدِ ستم خود و کار شایسته به عمل آورد، پس هرآیینه خدا به رحمت باز می‌گردد بر وی، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۳۹﴾ آیا ندانسته‌ای که خدا، مر او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین؟ عذاب می‌کند هر که را خواهد و می‌آمرزد هر که را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست[۱]. ﴿۴۰﴾ ای پیغامبر! اندوهگین نکند تو را کسانی که سعی می‌کنند در کفر، از آنان‌که گفتند به دهان خویش: ایمان آوردیم، و ایمان نیاورده است دل ایشان و از قوم یهود نیز، ایشان شنوندگانند دروغ را[۲]، شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تو نیامده‌اند[۳]، تغییر می‌دهند کلمات را (بعد از ثبوت آنها) در مواضع خویش، می‌گویند: اگر داده شوید این حکم محرّف، قبول کنید و اگر آن را داده نشوید، پس احتراز نمایید و هر که خدا ضلالتِ او اراده کرده است، نتوانی برای او و از خدا چیزی از هدایت. ایشان آنانند که نخواسته خدا که پاک کند دل ایشان را، ایشان راست در دنیا، رسوایی و ایشان راست در آخرت، عذاب بزرگ. ﴿۴۱﴾

۱- مترجم گوید: در تورات، رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده، روی زانی را سیاه کردن و چند تازیانه زدن قرار دادند و در زمان آن حضرت در میان ایشان زنا واقع، زانی را پیش آن حضرت به دست منافقان و ذمیان فرستادند به قرار آن که اگر جلد فرمایند، بکنیم و اگر رجم فرمایند، نکنیم. آن حضرت ﷺ حقیقت رجم اظهار فرمودند و رجم کردند. درین آیات اشاره است به آن قصه.

۲- یعنی معتقد آن شده‌اند.

۳- یعنی جاسوسان، حربیان‌اند، والله اعلم.

سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِۚ فَإِن جَآءُوكَ
فَٱحۡكُم بَيۡنَهُمۡ أَوۡ أَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡۖ وَإِن تُعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ
فَلَن يَضُرُّوكَ شَيۡـٔٗاۖ وَإِنۡ حَكَمۡتَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم
بِٱلۡقِسۡطِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ﴿٤٢﴾ وَكَيۡفَ
يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ ٱلتَّوۡرَىٰةُ فِيهَا حُكۡمُ ٱللَّهِ ثُمَّ
يَتَوَلَّوۡنَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٣﴾
إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ فِيهَا هُدٗى وَنُورٞۚ يَحۡكُمُ بِهَا
ٱلنَّبِيُّونَ ٱلَّذِينَ أَسۡلَمُواْ لِلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلرَّبَّٰنِيُّونَ
وَٱلۡأَحۡبَارُ بِمَا ٱسۡتُحۡفِظُواْ مِن كِتَٰبِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ عَلَيۡهِ
شُهَدَآءَۚ فَلَا تَخۡشَوُاْ ٱلنَّاسَ وَٱخۡشَوۡنِ وَلَا تَشۡتَرُواْ
بِـَٔايَٰتِي ثَمَنٗا قَلِيلٗاۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٤﴾ وَكَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيهَآ أَنَّ
ٱلنَّفۡسَ بِٱلنَّفۡسِ وَٱلۡعَيۡنَ بِٱلۡعَيۡنِ وَٱلۡأَنفَ بِٱلۡأَنفِ
وَٱلۡأُذُنَ بِٱلۡأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلۡجُرُوحَ قِصَاصٞۚ
فَمَن تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٞ لَّهُۥۚ وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ
أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٥﴾

ایشان شنوندگانند سخن دروغ را، خورندگانند حرام را (یعنی رشوت را)، پس اگر بیایند پیش تو، حکم کن میان ایشان یا اعراض کن از ایشان، و اگر اعراض کنی از ایشان، هیچ زیان نرسانند به تو و اگر حکم کنی، پس حکم کن میان ایشان به انصاف، هرآیینه خدا دوست می‌دارد عدل کنندگان را[1]. ﴿۴۲﴾ و چگونه حَکَمْ می‌کنند تو را و نزدیک ایشان تورات است که در آن حُکم خداست. باز اعراض می‌کنند بعد از این، و نیستند ایشان معتقدان[2]. ﴿۴۳﴾ هرآیینه ما فرود آوردیم تورات را، در وی هدایت و روشنی است. حُکم می‌کنند به آن پیغامبران که منقاد حُکم الهی‌اند، برای یهود و حُکم می‌کنند خداپرستان و احبار ایشان، (همه حکم می‌کردند) به آنچه حافظ آن گردانیده شده‌اند از کتاب خدا و بر آن گواه بودند[3]. پس گفتیم: مترسید از مردمان و بترسید از من و خرید مکنید به آیت‌های من بهای اندک و هر که حکم نکند به آنچه فروفرستاده است خدا، پس ایشانند نامعتقدان. ﴿۴۴﴾ و لازم ساختیم بر یهود در تورات که شخص، به عوض شخص است (یعنی به عوض او باید کشت) و چشم، عوضِ چشم است و بینی، عوض بینی است و گوش، عوض گوش است و دندان، عوض دندان و حکم زخم‌ها به اعتبار مماثلت است، پس هر که عفو کند از آن زخم، پس این عفو، کفارت است وی را و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرستاده است، پس ایشانند ستمکاران. ﴿۴۵﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اهل ذمه اگر قضیهٔ خویش به امام رفع کنند، اگر خواهد حکم کند و اگر خواهد به زعمای ایشان مفوّض نماید، والله اعلم.

۲- یعنی اگر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی، بر تورات عمل می‌کردند، لیکن غرض فاسد داشتند.

۳- یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است، والله اعلم.

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ ۖ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى
وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَهُدًى
وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ ٱلْإِنجِيلِ بِمَآ
أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِ ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ
فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ
بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمُهَيْمِنًا
عَلَيْهِ ۖ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ
أَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ
شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً
وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ
إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ
تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأَنِ ٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا
تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ وَٱحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنۢ بَعْضِ مَآ
أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن
يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ
لَفَٰسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ
أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

و از پس فرستادیم بر پیِ این پیغمبران، عیسی پسر مریم را،
باور دارندۀ آنچه پیش او بود که تورات است و دادیمش
انجیل، در وی هدایت و روشنی است باوردارندۀ آنچه
پیش آن بود که تورات باشد و هدایت و پند، متّقیان را.
﴿۴۶﴾ و فرمودیم: باید که حُکم کنند اهل انجیل به آنچه
فروفرستاده است خدای تعالی در وی و هر که حُکم نکند
به آنچه فروفرستاده است خدا، پس ایشانند بدکاران.
﴿۴۷﴾ و فروفرستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، باور
دارندۀ آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بر آن[1]،
پس حکم کن در میان ایشان به آنچه فرو آورده است خدا
و پیروی مکن خواهش ایشان را، [اعراض کنان] از آنچه
آمد به تو از حِکم الهی. برای هر گروهی از شما مقرر
ساخته‌ایم شریعتی و راهی و اگر خواستی خدا، گردانیدی
شما را یک امّت و لیکن خواست که بیازماید شما را در
آنچه به شما داده است، پس شتاب کنید به سوی
نیکوکاری[2]. به سوی خدا رجوع شماست همه یکجا، پس
خبر دهد شما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید. ﴿۴۸﴾
و فرمودیم: که حُکم کن میان ایشان به آنچه فرود آورده
است خدا و پیروی مکن خواهش ایشان را و بترس از
ایشان از آن که گمراه کنند تو را از بعض آنچه فروفرستاده
است خدا به سوی تو. پس اگر اعراض کنند، پس بدان‌که
می‌خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به سبب بعضی
گناهانِ ایشان و هرآیینه بسیاری از مردمان، بدکارانند.
﴿۴۹﴾ آیا حکم، جاهلیّت می‌خواهند؟ و کیست خوبتر از
خدا به اعتبار حکم برای قومی که یقین دارند؟[3]. ﴿۵۰﴾

۱- یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا می‌سازد، والله اعلم.

۲- یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیغمبر زمان، والله اعلم.

۳- مترجم گوید حاصل این آیات، الزام است بر اهل کتاب، که با وجود التزام کتاب برحسب آن عمل نمی‌کنند و در این آیات، بیان آن است که هر قرن را شریعتی داده‌اند و بعد نزول قرآن بجز متابعت آن، متابعت دیگر جائز نیست، والله اعلم.

۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمۡ يَقُولُونَ نَخۡشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞۚ فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَ بِٱلۡفَتۡحِ أَوۡ أَمۡرٖ مِّنۡ عِندِهِۦ فَيُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَآ أَسَرُّواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ نَٰدِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ إِنَّهُمۡ لَمَعَكُمۡۚ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَأَصۡبَحُواْ خَٰسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَكُمۡ هُزُوٗا وَلَعِبٗا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَٱلۡكُفَّارَ أَوۡلِيَآءَۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مؤمنان! دوست مگیرید یهود و نصاری را، بعض ایشان دوست بعضی‌اند و هر که از شما دوست دارد ایشان را، پس هرآیینه او از جملهٔ ایشان است، هرآیینه خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۵۱﴾ پس می‌بینی کسانی را که در دل ایشان بیماری است (یعنی نفاق) سعی می‌کنند در دوستی یهود و نصاری، می‌گویند: می‌ترسیم از آن که برسد مایان را مصیبتی[۱]. پس نزدیک است که خدا بیارد فتح را یا چیزی دیگر را از نزد خود، پس پشیمان شوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش. ﴿۵۲﴾ و بگویند مؤمنان (یعنی روز قیامت): آیا ایشانند آنان‌که قسم خوردند به خدا، سخت‌ترین سوگندهای خویش که البته ایشان همراه شمایند؟ امروز نابود شد عمل‌های ایشان، پس گشتند زیانکار. ﴿۵۳﴾ ای مؤمنان! هر که از شما برگردد از دین خود، پس[۲] خواهد آورد خدا گروهی راکه دوست می‌دارد ایشان را و ایشان دوست می‌دارند او را، متواضعند برای مؤمنان، درشت طبع‌اند بر کافران، جهاد می‌کنند در راه خدا و نمی‌ترسند از ملامت ملامت کننده. این بخشایش خداست، می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا جوادِ داناست[۳]. ﴿۵۴﴾ جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانی که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان پیوسته نمازگزارند. ﴿۵۵﴾ و هر که دوستی کند با خدا و با رسول او و با مؤمنان، پس هرآیینه گروه خدا همان است غالب. ﴿۵۶﴾ ای مسلمانان! دوست مگیرید کسانی راکه به تمسخر و بازی گرفته‌اند دین شما را، از کسانی که داده شده ایشان را کتاب، پیش از شما و نه سائر کافران را و بترسید از خدا اگر مسلمان هستید. ﴿۵۷﴾

۱- مترجم گوید: یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام‌افتد، پس موافقت با جربیان، مصلحت است.

۲- پس بزودی خواهد آورد. (مصحح)

۳- مترجم گوید: این وعده در زمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد و مهاجران و انصار و تابعان ایشان با مرتدان جهاد کردند، والله اعلم.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًاۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ هَلْ
تَنقِمُونَ مِنَّآ إِلَّآ أَنْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ
أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَٰسِقُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ
أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ ٱللَّهِۚ مَن لَّعَنَهُ
ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ وَٱلْخَنَازِيرَ
وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَۚ أُوْلَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ
ٱلسَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَقَد دَّخَلُواْ
بِٱلْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُواْ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُواْ
يَكْتُمُونَ ﴿٦١﴾ وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْإِثْمِ
وَٱلْعُدْوَٰنِ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَۚ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ
يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَىٰهُمُ ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ وَٱلْأَحْبَارُ عَن
قَوْلِهِمُ ٱلْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ ٱلسُّحْتَۚ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ
يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغْلُولَةٌۚ غُلَّتْ
أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْۘ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ
كَيْفَ يَشَآءُۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ
مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًاۚ وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ
وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِۚ كُلَّمَآ أَوْقَدُواْ نَارًا لِّلْحَرْبِ
أَطْفَأَهَا ٱللَّهُۚ وَيَسْعَوْنَ فِى ٱلْأَرْضِ فَسَادًاۚ وَٱللَّهُ لَا
يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

و چون نداکنید به سوی نماز، تمسخر و بازی گیرند آن
را[۱]، این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که
هیچ نمی‌فهمند. ﴿۵۸﴾ بگو: ای اهل کتاب! عیب
نمی‌گیرید بر ما مگر آن که ایمان آوردیم به خدا و به
آنچه فروفرستاده شده است بر ما و به آنچه فروفرستاده
شده است پیش از این و مگر آن که بیشتر از شما
بدکارانند. ﴿۵۹﴾ بگو: آیا خبر دهم شما را به بدتر از این[۲]
به اعتبار جزا نزدیک خدا؟ آن بدتر کسی است که لعنت
کرد او را خدا و خشم گرفت بر وی و گردانید از ایشان
بوزینگان و خوکان و کسی که پرستید معبود باطل را، این
گروه بدترند به اعتبار جای و گمراهترند از راه راست.
﴿۶۰﴾ و چون بیایند پیشِ شما، گویند: ایمان آوردیم، حال
آن که باکفر در آمدند و باکفر بیرون رفتند و خدا داناتر
است به آنچه می‌پوشیدند. ﴿۶۱﴾ و می‌بینی که بسیاری از
ایشان سعی می‌کنند در گناه و تعدی و حرام خوردن
خویش، هرآیینه بد چیزی است که به عمل آوردند. ﴿۶۲﴾
چرا منع نمی‌کنند ایشان را خداپرستان و دانشمندان از
دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان؟ هرآیینه بدچیزی
است که می‌کنند. ﴿۶۳﴾ و گفتند یهود: دست خدا به
گردن بسته است![۳] به گردن بسته باد، دست‌های ایشان و
لعنت کرده شد ایشان را به سبب آنچه گفتند: بلکه دو
دست او گشاده است، خرج می‌کند چنانچه می‌خواهد و
البته بیفزاید در حقِّ بسیاری از ایشان آنچه فروفرستاده شده
به سوی تو از پروردگار تو نافرمانی و کفر را. و افگندیم
در میان فرقه‌های یهود دشمنی و ناخوشی تا روز قیامت،
هرگاه که برمی‌افروزند آتشی را برای جنگ،
فرومی‌نشاندش خدا[۴] و می‌شتابند در زمین برای فساد و
خدا دوست نمی‌دارد مفسدان را. ﴿۶۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی به اذان استهزا کنند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: یعنی بدتر از آن عیب دار که شما بیان کردند.

۳- یعنی بخل دارد.

۴- یعنی چون می‌خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند، مقهور و مغلوب می‌شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ
سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَٰهُمْ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ
أَقَامُواْ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ
لَأَكَلُواْ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمۚ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ
مُّقْتَصِدَةٌۖ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ ۞يَٰٓأَيُّهَا
ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَٰٓأَهْلَ
ٱلْكِتَٰبِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُواْ ٱلتَّوْرَىٰةَ
وَٱلْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْۗ وَلَيَزِيدَنَّ
كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًاۖ
فَلَا تَأْسَ عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ
وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ
وَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ رُسُلًاۖ كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا
تَهْوَىٰٓ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُواْ وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند، نابود ساختمی از ایشان گناهان ایشان را و در آوردمی ایشان را به بوستان‌های نعمت. ﴿۶۵﴾ و اگر ایشان برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان از پروردگار ایشان[۱]، خوردندی از بالایی خود و از زیر پاهایی خود، از ایشان گروهی هست میانه رو و بسیاری از ایشان بدچیزی است که می‌کنند[۲]. ﴿۶۶﴾ ای پیغامبر! برسان آنچه فرود آورده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو و اگر نکردی[۳]، نرسانده باشی پیغام خدا را و خدا نگاه دارد تو را از مردمان، هرآیینه خدا راه نمی‌نماید گروه کافران را. ﴿۶۷﴾ بگو: ای اهل کتاب! نیستید بر چیزی تا آن که برپاکنید حکم تورات و انجیل را و آنچه فروفرستاده شده است به سوی شما از پروردگار شما[۴] و البته بیفزاید در حق بسیاری از ایشان، آنچه فروفرستاده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر را، پس اندوهگین مشو بر قوم کافران[۵]. ﴿۶۸﴾ هرآیینه مسلمانان و جهودان و (همچنین است) حال ستاره‌پرستگان و ترسایان، هر که ایمان آورد از ایشان به خدا و روز آخر و کرد کردار شایسته، هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوهگین نشوند[۶]. ﴿۶۹﴾ هرآیینه گرفتیم عهد بنی اسراییل و فرستادیم به سوی ایشان پیغامبر را، هرگاه که آمدی به ایشان پیغامبری به آنچه دوست نمی‌داشت نفس ایشان، گروهی را به دروغ نسبت کردند و گروهی را می‌کشتند. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی سائر کتب سابقه.

۲- مترجم گوید: حاصل آن است که اگر برپا می‌داشتند حکم تورات و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیغامبرﷺ مبعوث شود، برکت فراوان نصیب ایشان می‌شد، لیکن مخالفت کردند، پس به انواع بلا مبتلا گشتند، الله اعلم.

۳- یعنی اگر یک آیت هم نرساندی، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: یعنی قرآن و سائر کتب سابقه.

۵- مترجم گوید: حاصل آن است که بر وفق قول خود ملزم می‌شوند، زیرا که التزام شریعتی میکنند و بر حسب آن نمی‌روند، قطع نظر از انکار قرآن، والله اعلم.

۶- یعنی دراصل از هر فرقه که باشد، چون ایمان آرد، از اهل نجات است و خصوصیت فِرَق را اعتبار نیست، والله اعلم.

وَحَسِبُوٓاْ أَلَّا تَكُونَ فِتۡنَةٞ فَعَمُواْ وَصَمُّواْ ثُمَّ تَابَ
ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ ثُمَّ عَمُواْ وَصَمُّواْ كَثِيرٞ مِّنۡهُمۡۚ وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ
بِمَا يَعۡمَلُونَ ﴿٧١﴾ لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ
ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ
حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ
مِنۡ أَنصَارٖ ﴿٧٢﴾ لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ
ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ وَإِن لَّمۡ يَنتَهُواْ عَمَّا
يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ
﴿٧٣﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ﴿٧٤﴾ مَّا ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ
مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُ وَأُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞۖ كَانَا يَأۡكُلَانِ
ٱلطَّعَامَۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ ثُمَّ ٱنظُرۡ أَنَّىٰ
يُؤۡفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلۡ أَتَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا
يَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗاۚ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡعَلِيمُ ﴿٧٦﴾

و پنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بود، پس کور شدند و
کر گشتند. پس بازگشت به رحمت خدا بر ایشان[1]، پس
باز کور شدند و کر گشتند بسیاری از ایشان و خدا بیناست
به آنچه می‌کنند. ﴿۷۱﴾ هرآیینه کافر شدند کسانی که
گفتند: الله همان است عیسی، پسر مریم و گفته بود، عیسی:
ای بنی اسراییل! بپرستید خدا را پروردگار من و پروردگار
شما، هرآیینه کسی که شریک خدا مقرر می‌کند، حرام
کرده است خدا بهشت را بر وی و جای او دوزخ است و
نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده[2]. ﴿۷۲﴾ هرآیینه
کافر شدند، کسانی که گفتند که: خدا سوّمِ سه کَس
است[3]. و هیچ «اله» نیست مگر «اله» یگانه و اگر باز نمانند
از آنچه می‌گویند، خواهد رسید کافران را از ایشان[4]،
عذاب درد دهنده. ﴿۷۳﴾ آیا رجوع نمی‌کنند به سوی
خدا و آمرزش نمی‌طلبند از او؟ و خدای آمرزندهٔ مهربان
است. ﴿۷۴﴾ نیست عیسی پسر مریم، مگر پیغامبری،
گذشته‌اند پیش از وی پیغامبران و مادر او ولیّه بود، هر دو
می‌خوردند طعام را. ببین چگونه بیان می‌کنیم برای ایشان
نشانه‌ها؟ باز ببین چگونه گردانیده می‌شوند؟![5]. ﴿۷۵﴾
بگو: آیا عبادت می‌کنید بجز خدا چیزی را که نمی‌تواند
برای شما زیانی و نه سودی؟ و خدا همان است شنوای دانا.
﴿۷۶﴾

۱- یعنی محمد،ﷺ را فرستاده، والله اعلم.

۲- اعتقاد حلول، نوعی از شرک است.

۳- یعنی در مرتبهٔ الوهیت، سه کَس هستند، یکی خدا و دیگری عیسی وسوم روح‌القدس، والله اعلم.

۴- یعنی اهل اصرار را از ایشان.

۵- یعنی از معرفت حق.

قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ
وَلَا تَتَّبِعُوٓاْ أَهۡوَآءَ قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ
كَثِيرٗا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿۷۷﴾ لُعِنَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى
ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ يَعۡتَدُونَ ﴿۷۸﴾ كَانُواْ
لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا كَانُواْ
يَفۡعَلُونَ ﴿۷۹﴾ تَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْۚ لَبِئۡسَ مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ
ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي ٱلۡعَذَابِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ﴿۸۰﴾ وَلَوۡ كَانُواْ
يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمۡ
أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿۸۱﴾ ۞لَتَجِدَنَّ
أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلَّذِينَ
أَشۡرَكُواْۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ
قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانٗا
وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿۸۲﴾

بگو: ای اهل کتاب! از حدّ مگذرید در دین خود به ناحق و
پیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش
از این و گمراه کردند مردمان بسیار را و کجروی کردند از
راه راست[۱]. ﴿۷۷﴾ لعنت کرده شد کافران را از بنی
اسراییل بر زبان داود و عیسی، پسر مریم، این به سبب آن
است که نافرمانی می‌کردند و از حدّ می‌گذشتند. ﴿۷۸﴾
یکدیگر را منع نمی‌کردند از آن عمل زشت که مرتکب
آن شدند، هرآیینه بد چیزی است که می‌کردند. ﴿۷۹﴾
بینی که بسیاری از ایشان دوستی می‌کنند با کافران (یعنی
با مشرکان) هرآیینه بد چیزی است که پیش فرستاده است
برای ایشان نفوس ایشان، آن چیز خشم گرفتن خداست بر
ایشان و ایشان در عذاب، جاویدانند. ﴿۸۰﴾ و اگر ایمان
آوردندی به خدا و پیغامبر (یعنی پیغامبر خود) و آنچه
فروفرستاده شده است به سوی وی، البته دوست نگرفتندی
مشرکان را و لیکن بسیاری از ایشان فاسقانند. ﴿۸۱﴾
هرآیینه بیابی سخت‌ترین مردمان در عداوت مسلمانان،
یهود و مشرکان را و هرآیینه بیابی نزدیک‌ترین مردمان در
دوستی مسلمانان، کسانی را که گفتند: ما نصاراییم، این به
سبب آن است که از جنس ایشان هستند دانشمندان و
گوشه نشینان و به سبب آن است که ایشان تکبر نمی‌کنند.
﴿۸۲﴾

۱- یعنی پیشوایان یهودیت و نصرانیت، که برای ایشان مذهب قرار داده‌اند، والله اعلم.

وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ
تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ
ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٨٣﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤۡمِنُ
بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡحَقِّ وَنَطۡمَعُ أَن يُدۡخِلَنَا رَبُّنَا
مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأَثَٰبَهُمُ ٱللَّهُ بِمَا قَالُواْ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ
جَزَآءُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ
أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ
ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ
﴿٨٨﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ وَلَٰكِن
يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلۡأَيۡمَٰنَۖ فَكَفَّٰرَتُهُۥٓ إِطۡعَامُ
عَشَرَةِ مَسَٰكِينَ مِنۡ أَوۡسَطِ مَا تُطۡعِمُونَ أَهۡلِيكُمۡ أَوۡ
كِسۡوَتُهُمۡ أَوۡ تَحۡرِيرُ رَقَبَةٖۖ فَمَن لَّمۡ يَجِدۡ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ
أَيَّامٖۚ ذَٰلِكَ كَفَّٰرَةُ أَيۡمَٰنِكُمۡ إِذَا حَلَفۡتُمۡۚ وَٱحۡفَظُوٓاْ
أَيۡمَٰنَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ ﴿٨٩﴾

و چون بشنوند آنچه فروفرستاده شد بر پیغامبر، به بینی چشم‌های ایشان اشک می‌ریزد، به سبب آنچه شناختند از حق. می‌گویند: ای پروردگار ما! ایمان آوردیم، پس بنویس ما را با شاهدان[1]. ﴿۸۳﴾ و چیست ما را که ایمان نیاریم به خدا و آنچه آمده است به ما از دین راست؟! و چیست ما را که طمع نکنیم که داخل کند ما را پروردگار[2] ما با قوم صالحان. ﴿۸۴﴾ پس جزا داد ایشان را خدا بر آن مقوله که گفتند، بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها. جاویدان آنجا، و این است جزای نیکوکاران[3]. ﴿۸۵﴾ و کسانی که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، ایشانند اهل دوزخ. ﴿۸۶﴾ ای مؤمنان! حرام مکنید لذاید، آنچه خدا حلال ساخته است شما را و از حد مگذرید، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد از حدّ گذرندگان را. ﴿۸۷﴾ و بخورید آنچه روزی داده است شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما به وی ایمان آوردید[4]. ﴿۸۸﴾ بازخواست نمی‌کند از شما خدا به لغو در سوگندهای شما و لیکن بازخواست می‌کند از شما به سبب محکم کردن سوگندها به قصد[5]، پس کفّارت یمین منعقده، طعام دادن ده مسکین راست از جنس میانه از آنچه می‌خورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده، پس هر که نیابد لازم است روزه داشتن سه روز. این است کفارت سوگندهای شما چون سوگند خورید (یعنی و حانث شوید) و نگاه دارید سوگندهای خود را[6]. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیت‌های خود را تا بُوَد که شما شکر کنید. ﴿۸۹﴾

۱- یعنی جماعتی که اکمل امت باشند، والله اعلم.

۲- یعنی به بهشت.

۳- مترجم گوید: در آیات مذکوره، اشارت است به فضیلت قومی از نصاری حبشه که همراه جعفر طیار به خدمت آن حضرت آمده، مسلمان شدند، والله اعلم.

۴- یعنی ترک نکاح یا ترک اکل کم و امثال آن، درست نیست، والله اعلم.

۵- مترجم گوید: یعنی به لغو، کفارت واجب نیست، چنانکه از دور شبحی بیند و به ظن گوید که و الله زید است و زید نباشد و بر یمین منعقده اگر حانث شود، کفارت واجب است، چنانکه گوید: و الله این طعام نخورم یا در این خانه در نه‌آیم و علی هذا القیاس، والله اعلم.

۶- یعنی تا مقدور حانث نشوید، والله اعلم.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ
وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ
لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ
بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ
وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم
مُّنتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَٱحۡذَرُواْۚ
فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ
﴿٩٢﴾ لَيۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
جُنَاحٞ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحۡسَنُواْۚ
وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلصَّيۡدِ تَنَالُهُۥٓ أَيۡدِيكُمۡ
وَرِمَاحُكُمۡ لِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ فَمَنِ
ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٩٤﴾ يَـٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡتُلُواْ ٱلصَّيۡدَ وَأَنتُمۡ حُرُمٞۚ وَمَن
قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا قَتَلَ مِنَ
ٱلنَّعَمِ يَحۡكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ هَدۡيَۢا بَٰلِغَ
ٱلۡكَعۡبَةِ أَوۡ كَفَّٰرَةٞ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوۡ عَدۡلُ ذَٰلِكَ
صِيَامٗا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمۡرِهِۦۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَۚ
وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُۚ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

ای مسلمانان! جز این نیست که خمر و قمار و نشانه‌های معبودان باطل و تیرهای فال پلید است، از کردار شیطان است، پس احتراز کنید از وی تا بُوَد که شما رستگار شوید. ﴿۹۰﴾ جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیاندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب خمر و قمار و بازدارد شما را از یاد خدا و از نماز، پس آیا الحال شما باز ایستادید؟. ﴿۹۱﴾ و فرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و بترسید، پس اگر روگردانیدید، پس بدانید که بر پیغامبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا. ﴿۹۲﴾ نیست بر کسانی که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند، گناهی در آنچه خوردند[۱]، چون پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باز پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند، باز پرهیزگاری کردند و نیکوکاری نمودند. و خدا دوست می‌دار نیکوکاران را[۲]. ﴿۹۳﴾ ای مسلمانان! هرآیینه می‌آزماید شما را پروردگار شما به چیزی از شکار، برسد به آن دست‌های شما و نیزه‌های شما، تا متمیّز کند خدا کسی را که غایبانه از وی ترسد. پس هر که تعدّی کند بعد از این، او راستْ عذاب درد دهنده. ﴿۹۴﴾ ای مسلمانان! مکشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که بکشد او را از شما به قصد، پس واجب است جزا، و آن جزا مانند چیزی است که او را کشته است از جنس چهارپایان، حکم کنند به آن، دو صاحب عدالت از شما. باشد آن چهارپای قربانی رسیده به کعبه، یا آن جزا، کفارت است طعام فقیران یا برابر آن از روزه، تا بچشد جزای کردار خود. عفو کرده است خدا از آنچه گذشت و هر که دیگر بار کند. انتقام گیرد از وی خدا، و خدا غالب صاحبْ انتقام است[۳]. ﴿۹۵﴾

۱- یعنی قبل از تحریم.

۲- مترجم گوید: یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند، عفو است چون در تقوی رسوخ پیدا کردند و این سخن بدان ماند که کسی گوید با تو احسان کنم و باز به تو احسان کنم، به معنای آنکه پیوسته احسان کنم، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: جزای صید یکی از سه چیز تواند بود. مماثل صید را در حرم ذبح کند و مماثلت نزدیک شافعی به خلقت و هیأت است و نزدیک ابی حنیفه به قیمت یا به قیمت صید، طعام خرید نماید و به مسکینان دهد و نزدیک شافعی هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا به شمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد، والله اعلم.

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ
وَلِلسَّيَّارَةِ ۖ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ ٱلْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾ ۞ جَعَلَ ٱللَّهُ
ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ قِيَٰمًا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهْرَ ٱلْحَرَامَ
وَٱلْهَدْىَ وَٱلْقَلَٰٓئِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ
عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ وَأَنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَّا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ وَٱللَّهُ
يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُل لَّا يَسْتَوِى
ٱلْخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ ٱلْخَبِيثِ ۚ فَٱتَّقُوا۟
ٱللَّهَ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَسْـَٔلُوا۟ عَنْ أَشْيَآءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ
تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْـَٔلُوا۟ عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ ٱلْقُرْءَانُ تُبْدَ
لَكُمْ عَفَا ٱللَّهُ عَنْهَا ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾ قَدْ
سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا۟ بِهَا كَٰفِرِينَ
﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ ٱللَّهُ مِنۢ بَحِيرَةٍ وَلَا سَآئِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ
وَلَا حَامٍ ۙ وَلَٰكِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ
ٱلْكَذِبَ ۖ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

حلال کرده شد برای شما شکار دریا و خوردن آن تا منفعت باشد برای شما و برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار بیابان تا وقتی که احرام بسته باشید و بترسید از آن خدا که به سوی وی حشر کرده خواهید شد. ﴿۹۶﴾ گردانید خدایْ تعالی کعبه را که خانهٔ بزرگوار است، سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و آنچه در گردنش قلاده اندازند. این بیان برای آن است که تا بدانید که خدا می‌داند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و تا بدانید که خدا به همه چیز داناست. ﴿۹۷﴾ بدانید که خدا سخت است عقوبت او، و آن که بدانید که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۸﴾ نیست بر پیغامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا می‌داند آنچه آشکارا می‌کنید و آنچه پنهان می‌کنید. ﴿۹۹﴾ بگو [ای محمد] برابر نیست پلید و پاک و اگرچه در عَجَب آرد تو را بسیاری پلید. پس بترسید از خدا، ای خداوندان خِرَد، تا رستگار شوید[۱]. ﴿۱۰۰﴾ ای مسلمانان! سؤال مکنید از آن چیزهاکه اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما، غمگین کند شما را و اگر سؤال کنید از آن وقتی که فرود آورده می‌شود قرآن، البته ظاهر کرده شود پیش شما. عفو کرد الله تعالی از آن سؤالات و خدا آمرزندهٔ بردبار است[۲]. ﴿۱۰۱﴾ هرآیینه سؤال کرده بودند از مثل آن چیزها قومی پیش از شما، باز کافر شدند به آنها. ﴿۱۰۲﴾ مشروع[۳] نکرده است خدای تعالی هیچ «بحیره» و نه «سائبه» و نه «وصیله» و نه «حام» را و لیکن کافران دروغ بر خدا می‌بندند و بسیاری از ایشان در نمی‌یابند. ﴿۱۰۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست، اگرچه حرام بسیار جمع می‌شود، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: بعض مردم از آن حضرت به غیر ضرورت سؤال می‌کردند، یکی گفت پدر من کیست؟ و دیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ؟ در این باب نازل شد.

۳- مترجم گوید: اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها به قول اسلاف خود تمسک می‌نمودند، از آن جمله: بحیره و آن ماده شتری است که او را برای بتان مقرر می‌کردند و شیر او به کسی نمی‌دادند. و سائبه که برای بتان، جانور را می‌گذاشتند و بار بر پشت او نمی‌نهادند. و وصیله و آن ماده شتری است که اول بار در اول عمر شتر ماده، نر آید بعد از آن به غیر فصل دیگربار ماده زاید، پس آن را برای بتان می‌گذاشتند و بعد از آنکه از حملی چند بچه گرفتندی او را معاف داشتندی از رکوب و جز آن او را عام گفتندی، خدای تعالی این همه را فسخ فرموده و آیت فرستاد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ قَالُواْ
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْۖ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْۚ إِلَى
ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَـٰدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ
ٱلْمَوْتُ حِينَ ٱلْوَصِيَّةِ ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخَرَانِ
مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ فَأَصَـٰبَتْكُم مُّصِيبَةُ
ٱلْمَوْتِۚ تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ
ٱرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِى بِهِۦ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ
شَهَـٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلْـَٔاثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰٓ أَنَّهُمَا
ٱسْتَحَقَّآ إِثْمًا فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَحَقَّ
عَلَيْهِمُ ٱلْأَوْلَيَـٰنِ فَيُقْسِمَانِ بِٱللَّهِ لَشَهَـٰدَتُنَآ أَحَقُّ مِن
شَهَـٰدَتِهِمَا وَمَا ٱعْتَدَيْنَآ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰٓ
أَن يَأْتُواْ بِٱلشَّهَـٰدَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَآ أَوْ يَخَافُوٓاْ أَن تُرَدَّ أَيْمَـٰنُۢ بَعْدَ
أَيْمَـٰنِهِمْۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱسْمَعُواْۗ وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ
ٱلْفَـٰسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

و چون گفته شود ایشان را: بیایید به سوی آنچه فروفرستاده است خدا و به سوی پیغامبر، گویند: بس است ما را آنچه بر آن یافتیم پدران خود را، اگرچه پدرانِ ایشان، هیچ نمی‌دانستند و هیچ راه نمی‌یافتند. ﴿۱۰۴﴾ ای مسلمانان! محافظت کنید خویشتن را. ضرر نمی‌رساند شما را کسی که گمراه شد، چون شما راهیاب شدید، به سوی خداست رجوع شما همه یکجا، پس خبر دهد شما را به آنچه عمل می‌کردید[۱]. ﴿۱۰۵﴾ ای مسلمانان! نصاب شهادت در میان شما وقت وصیّت - چون برسد به یکی از شما مرگ- دو کَس‌اند که صاحب عدالت باشند از شما یا دیگران از غیر شما، اگر شما سفر کرده باشید در زمین، پس رسد به شما مصیبت موت. اگر شک داشته باشید، بازدارید ایشان را بعد از نماز (یعنی نماز عصر)، پس قسم خورند به خدا که خرید نمی‌کنیم عوض سوگند خدا، بهای دنیا را و اگر چه کسی که برای نفع او گواهی می‌دهیم صاحب قرابت باشد و پنهان نمی‌کنیم گواهی خدا[۲] را، هرآیینه ما آنگاه از گناهکاران باشیم. ﴿۱۰۶﴾ پس اگر[۳] اطلاع واقع شد بر آن که این دو گواه، حاصل کردند گناهی[۴]، پس دو کَسِ دیگر [که قرابت قریبه داشته باشند] بایستند به جای آنها از جماعتی که مال را حق خود ساخت هر یکی از دو گواه دروغ به زبردستی بر ایشان[۵]، پس سوگند خورند به خدا که گواهیِ ما درست‌تر است از گواهی از آن دو، و از حد تجاوز نکرده‌ایم، هرآیینه ما آنگاه از ستمکاران باشیم. ﴿۱۰۷﴾ این اسلوب نزدیک‌تر است به آن که بیارند گواهی را بر وجه آن (یعنی بر وجه که باید در گواهی دادن) یا بترسند از آن که رد کرده شود سوگندها بعدِ سوگندهای ایشان[۶] و بترسید از خدا و بشنوید حُکم او را، و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را[۷]. ﴿۱۰۸﴾

۱- یعنی اگر شما صلاح کردید و شرط امر معروف به جا آوردید، مخالفتِ مخالفان ضرر نمی‌کند والله اعلم.

۲- ایضا مترجم گوید: اگر مسلمانی را اتفاق سفر افتاد و در جایی که هیچ مسلمان نبود، محتضر شد، نا چار دو ذمی را ترکهٔ خود سپرد و بر وصیت خود گواه ساخت، ایشان از آن ترکه جام نقره‌ای را خیانت کردند وچون اولیای میت از ایشان مطالبه نمودند، قسم خوردند که ما به آن اطلاع نداریم. بعد از آن، آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت: که این دو ذمی به دست من فروختند. درین باره آیت نازل شد و دو کس از اولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

۳- **توضیح:** پس اگر اطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده‌اند، پس دوگواه از اقارب نزدیک میت که نسبت به اقارب دیگر میت، مستحق میراث اویند، جانشین آن دوگواه شوند.

۴- یعنی گواه حق که خدا به آن فرموده، والله اعلم.

۵- یعنی دروغ گواهی دادند و دروغ قسم خوردند.

۶- یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی نخواهد بود، سوگند دروغ خورد و اگر بداند که چون کذب ظاهر شود، مدعیان را سوگند دهند و حق به سوگند ایشان ثابت شود، از سوگند دروغ احتیاط کند.

۷- مترجم گوید: تاویل آیت به مذهب شافعی آنست که مراد از شهادت، وصیت است و از منکم من اقاربکم و ذکر اثنین برای احتیاط وقسم دادن به جهت مدعی علیه بودن در این دعوی که خیانت کرده‌اند و تعیین صلوهٔ عصر به جهت تغلیظ یمین و اختیار اثنین برای احتیاط و اقامت اولیان به جهت مدعی علیه بودن برایشان در دعوای که به جهت حذر خود تقریر می‌کند، چنانچه در صورت مذکوره دعوای اشترا کرده بودند و ﴿إِنِ ٱرْتَبْتُمْ﴾ ﴿فَإِنْ عُثِرَ﴾ اشارت است به توجه دعوای کسی و بمذهب ابی حنیفه مانند آن است، مگر آنکه تعیین صلوهٔ عصر به جهت آن است که قضات در محکمه همین وقت می‌نشستند. پس گویا که گفته شد در محکمه قضا، والله اعلم

۞يَوۡمَ يَجۡمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبۡتُمۡۖ قَالُواْ لَا
عِلۡمَ لَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١٠٩ إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ
يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ٱذۡكُرۡ نِعۡمَتِي عَلَيۡكَ وَعَلَىٰ وَٰلِدَتِكَ
إِذۡ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلۡمَهۡدِ
وَكَهۡلٗاۖ وَإِذۡ عَلَّمۡتُكَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَٱلتَّوۡرَىٰةَ
وَٱلۡإِنجِيلَۖ وَإِذۡ تَخۡلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ بِإِذۡنِي
فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِيۖ وَتُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ
وَٱلۡأَبۡرَصَ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ تُخۡرِجُ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِيۖ وَإِذۡ كَفَفۡتُ
بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَنكَ إِذۡ جِئۡتَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١١٠ وَإِذۡ
أَوۡحَيۡتُ إِلَى ٱلۡحَوَارِيِّـۧنَ أَنۡ ءَامِنُواْ بِي وَبِرَسُولِي قَالُوٓاْ
ءَامَنَّا وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّنَا مُسۡلِمُونَ ١١١ إِذۡ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ
يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ هَلۡ يَسۡتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ
عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِۖ قَالَ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ إِن كُنتُم
مُّؤۡمِنِينَ ١١٢ قَالُواْ نُرِيدُ أَن نَّأۡكُلَ مِنۡهَا وَتَطۡمَئِنَّ
قُلُوبُنَا وَنَعۡلَمَ أَن قَدۡ صَدَقۡتَنَا وَنَكُونَ عَلَيۡهَا مِنَ
ٱلشَّٰهِدِينَ ١١٣

یاد کن آن روز که جمع کند خدا پیغامبران را، پس بگوید: چه جواب داده شد شما را؟ گویند: هیچ دانش نیست ما را، هرآیینه تویی دانندۀ امور پنهانی[1]. ﴿۱۰۹﴾ آن وقت که گوید خدای تعالی: ای عیسی، پسر مریم! یاد کن نعمت مرا بر خویش و بر والدۀ خویش، چون قوّت دادم تو را به روح القدس (یعنی برکات حظیرۀالقدس) سخن می‌گفتی با مردمان در گهواره و در حالت معمّری، و چون آموختم تو را کتاب و دانش و تورات و انجیل، و چون پیدا می‌کردی از گل مانند شکل مرغ به حُکم من، پس دَم می‌زدی در وی، پس می‌شد مُرغی به حُکم من، و به می‌کردی کور مادرزاد را و برص‌دار را به حکم من[2]، و چون بیرون می‌آوردی مردگان را به حُکم من، و چون بازداشتم شرّ بنی اسراییل را از تو آنگاه که آوردی نزدیک ایشان معجزه‌ها، پس گفتند کافران: از ایشان نیست این مگر سحر آشکارا. ﴿۱۱۰﴾ و چون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من و پیغامبران من، گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش [یا عیسی]، بر آن که ما مسلمانیم. ﴿۱۱۱﴾ چون گفتند حواریان: ای عیسی، پسر مریم! آیا می‌تواند پروردگار تو که فروفرستد بر ما خوانی از آسمان؟ گفت عیسی: بترسید از خدا اگر مؤمن هستید[3]. ﴿۱۱۲﴾ گفتند می‌خواهیم که بخوریم از آن خوان و آرام گیرد دل‌های ما و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر نزول آن از گواهان. ﴿۱۱۳﴾

۱- یعنی نخست از سر خضوع و نیایش، ایشان گویند در برابر تو به نسبت دانش ما را هیچ دانش نیست، بعد از آن گواهی دهند براست خویش، والله اعلم.

۲- یعنی از گور زنده برمی آوردی، والله اعلم.

۳- حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان در آن مدت که معجزه طلب کردند و بر حسب مراد دیدند.

قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلۡ عَلَيۡنَا مَآئِدَةٗ
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدٗا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةٗ
مِّنكَۖ وَٱرۡزُقۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ١١٤ قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي
مُنَزِّلُهَا عَلَيۡكُمۡۖ فَمَن يَكۡفُرۡ بَعۡدُ مِنكُمۡ فَإِنِّيٓ
أُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدٗا مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١١٥ وَإِذۡ
قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ
ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا
يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّۚ إِن كُنتُ قُلۡتُهُۥ
فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥۚ تَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِي وَلَآ أَعۡلَمُ مَا فِي
نَفۡسِكَۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ١١٦ مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا
مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۚ وَكُنتُ
عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا مَّا دُمۡتُ فِيهِمۡۖ فَلَمَّا تَوَفَّيۡتَنِي كُنتَ
أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيۡهِمۡۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١١٧
إِن تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ١١٨ قَالَ ٱللَّهُ هَٰذَا يَوۡمُ يَنفَعُ
ٱلصَّٰدِقِينَ صِدۡقُهُمۡۚ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ
عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١١٩ لِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا فِيهِنَّۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرُۢ ١٢٠

گفت عیسی پسر مریم: بار خدایا! ای پروردگار ما! فرود آر بر ما خوانی [پر از طعام] از آسمان تا باشد عیدی برای ما و برای اوایل امّت ما و آخر امّت ما و معجزه‌ای از جانب تو. و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی. ﴿۱۱۴﴾ گفت خدا: من فرود آورنده‌ام آن رابر شما، پس هر که از شما کافر شود بعد از این، پس من تعذیب کنم او را عذابی که تعذیب نکنم به آن هیچ یک را از اهل عالم[۱]. ﴿۱۱۵﴾ و یاد کن آن وقت که گوید خدا: ای عیسی، پسر مریم! آیا تو گفتی به مردمان که خدا گیرید مرا و مادر مرا، بجز اللّه تعالی؟![۲] گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، نسزد مراکه بگویم آنچه لایق من نیست. اگر گفته باشم این قول، پس تو آن را دانسته‌ای، می‌دانی آنچه در ضمیر من است و نمیدانم آنچه در ضمیر تو است، هرآیینه تو دانندهٔ امور پنهانی. ﴿۱۱۶﴾ نگفته‌ام ایشان مگر آنچه فرموده بودی مرا به آن که پرستید خدا را، پروردگار من و پروردگار شما و بودم بر ایشان نگهبان، مادامی که در میان ایشان بودم. پس وقتی که برگرفتی مرا[۳]، تو بودی نگهبان بر ایشان و تو بر همهٔ چیز، نگهبانی. ﴿۱۱۷﴾ اگر عذاب کنی ایشان را، پس ایشان بندگان تواند و اگر بیامرزی ایشان را، پس تویی غالبِ استوارکار. ﴿۱۱۸﴾ گوید خدا: که این روزی است که نفع کند در آن راستگویان را راستی ایشان، ایشان را باشد بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا، این است رستگاری بزرگ. ﴿۱۱۹﴾ خدا راست، پادشاهیِ آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر همه چیز تواناست. ﴿۱۲۰﴾

۱- مترجم گوید: بعد از آن خوانی نازل شد از آسمان بروی گوشت و نان، پس خوردند و سیر شدند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: خدای تعالی روز قیامت نعمت‌های خود را بر عیسی یاد دهد، بعد از آن سؤال کند که خود را اله می‌گفتی یا نه به جهت تأکید و برای قطع شبهۀ نصاری بأبلغ وجوه، والله اعلم. (فتح الرحمن.)

۳- یعنی بر آسمان بردی مرا.

سُورَةُ الأَنعَامِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ
ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَۖ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ
١ هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٖ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلٗاۖ
وَأَجَلٞ مُّسَمًّى عِندَهُۥۖ ثُمَّ أَنتُمۡ تَمۡتَرُونَ ٢ وَهُوَ ٱللَّهُ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ يَعۡلَمُ سِرَّكُمۡ وَجَهۡرَكُمۡ
وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُونَ ٣ وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ
ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ٤ فَقَدۡ كَذَّبُواْ
بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَسَوۡفَ يَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ
بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٥ أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم
مِّن قَرۡنٖ مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَا لَمۡ نُمَكِّن لَّكُمۡ
وَأَرۡسَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡهِم مِّدۡرَارٗا وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَنۡهَٰرَ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَنشَأۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ٦ وَلَوۡ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ كِتَٰبٗا فِي
قِرۡطَاسٖ فَلَمَسُوهُ بِأَيۡدِيهِمۡ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ
هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧ وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ مَلَكٞۖ
وَلَوۡ أَنزَلۡنَا مَلَكٗا لَّقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ٨

سوره أنعام

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

ستایش آن خدایی راست که آفرید آسمان‌ها و زمین را و پیدا کرد تاریکی‌ها و روشنی، باز کافران با پروردگار خویش برابری کنند[۱]. ﴿۱﴾ اوست آن که بیافرید شما را از گِل، باز مقرر کرد وقت مرگ را و مدّتی معیّن هست نزدیک او[۲]، باز شما شک می‌کنید. ﴿۲﴾ و اوست خدا[۳] در آسمان‌ها و در زمین، می‌داند پنهانِ شما و آشکارِ شما و می‌داند آنچه عمل می‌کنید. ﴿۳﴾ و نمی‌آید به کافران هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار ایشان، الاّ از آن روگردان شدند. ﴿۴﴾ پس ثابت شد که ایشان به دروغ نسبت کردند، چون بیامد به ایشان. پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه به وی تمسخر می‌کردند[۴]. ﴿۵﴾ آیا ندیده‌اند که چقدر هلاک کرده‌ایم پیش از ایشان از امّت‌هاکه استقرار داده بودیم ایشان را در زمین، آن قدر که استقرار نداده‌ایم شما را و فرستاده بودیم باران بر ایشان پی در پی ریزنده، و پیدا کردیم جوی‌هاکه می‌رفت از زیر ایشان[۵]. پس هلاک کردیم ایشان را به گناهان ایشان و پیدا کردیم بعد از ایشان امّتی دیگر (یعنی مردمانی دیگر). ﴿۶﴾ و اگر فروفرستادیم بر تو نوشته‌ای در ورقی، پس مساس می‌کردند آن را به دست خود، گفتندی کافران: نیست این مگر سحر ظاهر[۶]. ﴿۷﴾ و گفتند کافران: چرا نَفُرود فرود آورده شده بر پیغامبر، فرشته[۷] و اگر فروفرستادیم فرشته را، البته به انجام رسانیده شدی کار، باز مهلت داده نشوند[۸]. ﴿۸﴾

۱- یعنی معبودان باطل را.

۲- یعنی برای قیام قیامت.

۳- یعنی متصرف و فرمانراوا.

۴- یعنی با صدق آن خبر داد، والله اعلم.

۵- یعنی زیر مساکن ایشان.

۶- یعنی تعصب ایشان به مرتبه‌ای است که اگر نزول کتاب را به حس ظاهر ببینند نیز، انکار کنند.

۷- یعنی به وجهی که ما آن را به حس ظاهر ببینیم، والله اعلم.

۸- یعنی ظهور ملائکه به این وجه، مستلزم هلاک ایشان است در حکمت الهی، والله اعلم.

وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ مَلَكٗا لَّجَعَلۡنَٰهُ رَجُلٗا وَلَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا
يَلۡبِسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدِ ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ
بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿١٠﴾ قُلۡ
سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ قُل لِّمَن مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُل
لِّلَّهِۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَۚ لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ
ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَهُمۡ لَا
يُؤۡمِنُونَ ﴿١٢﴾ ۞وَلَهُۥ مَا سَكَنَ فِي ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ وَهُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيّٗا فَاطِرِ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَهُوَ يُطۡعِمُ وَلَا يُطۡعَمُۗ قُلۡ إِنِّيٓ
أُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَسۡلَمَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي
عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٥﴾ مَّن يُصۡرَفۡ عَنۡهُ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ
رَحِمَهُۥۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ
بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يَمۡسَسۡكَ بِخَيۡرٖ فَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿١٧﴾ وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ
ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ﴿١٨﴾

و اگر می‌کردیم آن فرستاده را فرشته، لازم می‌شد که کنیمش مردی (یعنی شکل مردی) و هرآیینه مشتبه می‌کردیم بر ایشان بر آنچه الحال اشتباه می‌کنند. ﴿۹﴾ و هرآیینه تمسخر کرده شد به پیغامبرانِ پیش از تو. پس فرود آمد به تمسخر کنندگان از ایشان، جزای آنچه به آن تمسخر کردند[1]. ﴿۱۰﴾ بگو: سیر کنید در زمین، باز نظر کنید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان. ﴿۱۱﴾ بگو: کِه راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است؟ بگو: خدای راست، لازم کرد بر خود مهربانی. البته جمع کند شما را در روز قیامت، هیچ شک نیست در آن. آنان‌که زیان کردند در حقِّ خویشتن، پس ایشان ایمان نمی‌آرند. ﴿۱۲﴾ و او راست آنچه ساکن شد در شب و روز و اوست شنوای دانا. ﴿۱۳﴾ بگو: آیا دوستی گیرم بجز خدای پیدا کننده آسمان‌ها و زمین؟ و او رزق می‌دهد و رزق داده نمی‌شود. بگو: هرآیینه امر کرده شده است مراکه باشم نخستین مسلمانان (یعنی از این امت) و فرموده شد که مباش از شریكْ مقرر کنندگان. ﴿۱۴﴾ بگو: هرآیینه من می‌ترسم، اگر نافرمانیِ پروردگار خود کنم از عذابِ روز بزرگ. ﴿۱۵﴾ هر که عذاب باز داشته شود از وی آن روز، پس مهربانی کرد خدای بر وی و این است مطلب یابیِ ظاهر. ﴿۱۶﴾ و اگر سختی رساند خدا به تو، پس هیچ دفع کننده نیست آن را مگر او، و اگر نعمت رساند به تو، پس او بر همه چیز تواناست. ﴿۱۷﴾ و اوست غالب بالای بندگان خود و اوست دانای آگاه. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی جزای کلمه که به طریق سخریه به اینها می‌گفتند.

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَٰدَةً ۖ قُلِ ٱللَّهُ ۖ شَهِيدٌۢ بَيْنِي
وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِۦ
وَمَنۢ بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً
أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّآ أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ وَإِنَّنِي
بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ
يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمُ ۘ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟
أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ
عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ ۗ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ
ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ
أَشْرَكُوٓا۟ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ ٱلَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ
لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ وَٱللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا
مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ ٱنظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ ۚ وَضَلَّ
عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ
وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمْ
وَقْرًا ۚ وَإِن يَرَوْا۟ كُلَّ ءَايَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا۟ بِهَا ۚ حَتَّىٰٓ إِذَا
جَآءُوكَ يُجَٰدِلُونَكَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ
إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْـَٔوْنَ
عَنْهُ ۖ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ
تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ فَقَالُوا۟ يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا
نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

بگو: چه چیز بر تر است در باب شهادت؟[۱] بگو: خداست، وی اظهار حق کننده است میان من و میان شما، و وحی کرده شد به سوی من این قرآن، تا بیم کنم شما را به آن و بیم کنم آن را نیز که قرآن به او برسد. آیا شما اثبات می‌کنید که با خدا هستند خدایان دیگر؟ بگو: من اثبات نمی‌کنم. بگو: جز این نیست که او خدای یگانه است و هرآیینه من بیزارم از آنچه شما شریک مقرر می‌کنید.
﴿۱۹﴾ آنان‌که ایشان را کتاب داده‌ایم، می‌شناسند حقیقت این قول را[۲]، چنانکه می‌شناسند پسران خود را. آنان‌که زیانکار شدند در حقّ خویشتن، ایشان ایمان نمی‌آرند.
﴿۲۰﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیات او را؟ هرآیینه رستگار نمی‌شوند ستمکاران. ﴿۲۱﴾ و یاد کن آن روز که حشر کنیم ایشان را، همه یکجا. باز گوییم مشرکان را: کجایند شریکان شما که ایشان را به ظن اثبات می‌کردید؟.
﴿۲۲﴾ بعد از آن نباشد عذر ایشان مگر آن که گویند: قسم به خدا، پروردگار ما که مشرک نبودیم!. ﴿۲۳﴾ بنگر چگونه دروغ گفتند بر خویشتن و گم گشت از ایشان آنچه افترا می‌کردند. ﴿۲۴﴾ و از ایشان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو و پیدا کرده‌ایم بر دل ایشان پرده‌ها تا نفهمند آن را و در گوش ایشان گرانی را. و اگر ببینند هر معجزه‌ای ایمان نیارند به آن، تا وقتی که بیایند پیش تو مکابره کنان با تو. گویند این کافران: نیست این مگر قصه‌های پیشینیان. ﴿۲۵﴾ و ایشان منع می‌کنند از متابعت او و دور می‌شوند از متابعت او و هلاک نمی‌کنند مگر خویشتن را و نمی‌دانند. ﴿۲۶﴾ و [تعجب کنی] اگر ببینی ایشان را وقتی که بازداشته شوند نزدیک آتش، پس گویند: ای کاش ما بازگردانیده شویم! پس به دروغ نسبت نکنیم آیات پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان.
﴿۲۷﴾

۱- یعنی اظهار حق کردن، والله اعلم.

۲- یعنی کلمهٔ توحید.

بَلۡ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخۡفُونَ مِن قَبۡلُۖ وَلَوۡ رُدُّواْ لَعَادُواْ
لِمَا نُهُواْ عَنۡهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوٓاْ إِنۡ هِيَ إِلَّا
حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ
وُقِفُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ قَالَ أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۚ قَالُواْ بَلَىٰ
وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿٣٠﴾
قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتۡهُمُ
ٱلسَّاعَةُ بَغۡتَةٗ قَالُواْ يَٰحَسۡرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطۡنَا فِيهَا
وَهُمۡ يَحۡمِلُونَ أَوۡزَارَهُمۡ عَلَىٰ ظُهُورِهِمۡۚ أَلَا سَآءَ مَا
يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۖ وَلَلدَّارُ
ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٣٢﴾ قَدۡ
نَعۡلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحۡزُنُكَ ٱلَّذِي يَقُولُونَۖ فَإِنَّهُمۡ لَا
يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ
﴿٣٣﴾ وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا
كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَاۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ
ٱللَّهِۚ وَلَقَدۡ جَآءَكَ مِن نَّبَإِيْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٣٤﴾ وَإِن كَانَ
كَبُرَ عَلَيۡكَ إِعۡرَاضُهُمۡ فَإِنِ ٱسۡتَطَعۡتَ أَن تَبۡتَغِيَ نَفَقٗا
فِي ٱلۡأَرۡضِ أَوۡ سُلَّمٗا فِي ٱلسَّمَآءِ فَتَأۡتِيَهُم بِـَٔايَةٖۚ وَلَوۡ
شَآءَ ٱللَّهُ لَجَمَعَهُمۡ عَلَى ٱلۡهُدَىٰۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٣٥﴾

نه، بلکه ظاهر شد ایشان را جزای آنچه می‌پوشیدند پیش از این (یعنی جزای عقاید باطله را) و اگر بازگردانیده شوند، البته رجوع کنند به سوی آنچه منع کرده می‌شدند و هرآیینه ایشان دروغگویانند. ﴿۲۸﴾ و گفتند: نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانیِ ما و نیستیم ما برانگیختگان[1]. ﴿۲۹﴾ و [تعجب کنی] اگر بینی آنگاه که بازداشته شوند به حضور پروردگار خویش، بگوید خدا: آیا این درست نیست؟ گویند: آری درست است، قسم پروردگار ما. گوید: پس بچشید عذاب را به سبب آن که کافر بودید. ﴿۳۰﴾ به تحقیق زیانکار شدند آنان‌که به دروغ نسبت کردند ملاقات خدا را، تا آنگاه که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان، گویند: ای پشیمانی ما بر تقصیر ما در باب قیامت، و ایشان، بردارند بارهای خویش را[2] بر پشت‌های خویش. آگاه شوید! بدچیزی است آنچه برمی‌دارند![3]. ﴿۳۱﴾ و نیست زندگانی دنیا مگر بازی و لهو و هرآیینه سرای آخرت، بهتر است متّقیّان را، آیا در نمی‌یابید؟. ﴿۳۲﴾ هرآیینه می‌دانیم که اندوهگین می‌کند تو را آنچه ایشان می‌گویند، پس هرآیینه ایشان به دروغ نسبت نمی‌کنند تو را فقط، و لیکن ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند. ﴿۳۳﴾ و هرآیینه به دروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش از تو، پس صبر کردند بر تکذیب خویش و رنجانیده شدنِ خویش تا آن که بیامد به ایشان نصرت ما و نیست هیچ تغییر دهنده وعده‌های خدا را، و هرآیینه آمد به تو بعض خبر پیغامبران. ﴿۳۴﴾ و اگر گران شده باشد بر تو روگردانیِ ایشان، پس اگر می‌توانی که بجویی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان، پس بیاری پیش ایشان معجزه[4] و اگر خواستی خدا، جمع ساختی ایشان را بر هدایت، پس مباش از جاهلان. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی منکر حشرند، والله اعلم.

۲- یعنی گناهان خویش را.

۳- یعنی عمل بد به شکل خیلی نهایت زشتی و نا خوشی شده بر پشت او بنهند.

۴- یعنی از آنجاکه می‌توانی که معجزه بیاری، بیار. حاصل آن است که تفویض کن امر خود را بر خدا، والله اعلم.

﴿إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ ٣٦ وَقَالُواْ لَوۡلَا نُزِّلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةٗ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٧ وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا طَٰٓئِرٖ يَطِيرُ بِجَنَاحَيۡهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمۡثَالُكُمۚ مَّا فَرَّطۡنَا فِي ٱلۡكِتَٰبِ مِن شَيۡءٖۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يُحۡشَرُونَ ٣٨ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا صُمّٞ وَبُكۡمٞ فِي ٱلظُّلُمَٰتِۗ مَن يَشَإِ ٱللَّهُ يُضۡلِلۡهُ وَمَن يَشَأۡ يَجۡعَلۡهُ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٣٩ قُلۡ أَرَءَيۡتَكُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُ ٱللَّهِ أَوۡ أَتَتۡكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَدۡعُونَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٤٠ بَلۡ إِيَّاهُ تَدۡعُونَ فَيَكۡشِفُ مَا تَدۡعُونَ إِلَيۡهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوۡنَ مَا تُشۡرِكُونَ ٤١ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَتَضَرَّعُونَ ٤٢ فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَٰكِن قَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٤٣ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ ٤٤﴾

جز این نیست که قبول می‌کنند آنان‌که می‌شنوند، و مردگان (یعنی کافران) برانگیزد ایشان را خدا، باز به سوی او گردانیده شوند. ﴿۳۶﴾ و گفتند: چرا نفرود آورده شده بر پیغامبر، نشانه‌ای از جانب پروردگار[1] او. بگو: هرآیینه خدا قادر است بر آن که فروفرستد آیتی و لیکن اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۳۷﴾ و نیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده که می‌پرد به دو بال خود مگر ایشان جماعت‌های‌اند مانند شما. فروگذاشت نکرده‌ایم در کتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی را، باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد. ﴿۳۸﴾ و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را، کرانند و گنگانند در تاریکی‌هایند. هرکه را خواهد خدا، گمراه کندش و هر که را خواهد، به راه راست گرداندش. ﴿۳۹﴾ بگو: آیا دیدید اگر بیاید به شما عذاب خدا یا بیاید به شما قیامت، آیا به غیر خدا تضرّع می‌کنید، اگر راستگو هستید؟. ﴿۴۰﴾ نه، بلکه خاص به جناب او دعا می‌کنید، پس دفع می‌کند آنچه دعا می‌کنید برای دفع آن، اگر خواهد، و فراموش می‌کنید آن چیز راکه او را شریک مقرر کردید. ﴿۴۱﴾ و هرآیینه فرستادیم به سوی امّتان پیش از تو[2]، پس در گرفت کردیم ایشان را به تنگیِ معیشت و بیماری، تا زاری کنند. ﴿۴۲﴾ پس چرانه زاری کردند وقتی که آمد به ایشان عذاب ما؟ و لیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می‌کردند. ﴿۴۳﴾ پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را، به آن گشاده ساختیم بر ایشان درهای همه چیز[3]، تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه داده شد ایشان را، در گرفت کردیم ایشان را ناگهان، پس شدند ناامید شونده. ﴿۴۴﴾

۱- یعنی از آن نشانه‌هاکه می‌طلبیدند، والله اعلم.

۲- یعنی پیغامبران.

۳- یعنی به استدراج، نعمت‌های فراوان دادیم، والله اعلم.

فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ۚ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٥﴾ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ ٱللَّهُ سَمْعَكُمْ
وَأَبْصَٰرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ
يَأْتِيكُم بِهِ ۗ ٱنظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ ٱلْءَايَٰتِ ثُمَّ هُمْ
يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَىٰكُمْ عَذَابُ ٱللَّهِ
بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٧﴾
وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۖ فَمَنْ
ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾
وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ بِمَا كَانُوا۟
يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ
وَلَآ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ
إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ۚ
أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنذِرْ بِهِ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَن
يُحْشَرُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا
شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ
رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِىِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ مَا عَلَيْكَ
مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَىْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن
شَىْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس بریده شد بیخ گروه ستمکاران و سپاس خدای راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۴۵﴾ بگو: آیا دیدید اگر بازگیرد خدا شنوایی شما را و چشمهای شما را و مُهر کند بر دل‌های شما، کیست خدا، غیر اللّٰه تعالی که آن را بیارد به شما؟ ببین چگونه گوناگون بیان می‌کنیم آیت‌ها را، باز ایشان روگردان می‌شوند!. ﴿۴۶﴾ بگو: آیا دیدید اگر بیاید به شما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا، آیا هلاک کرده شوند[۱] مگر قوم ستمکاران؟. ﴿۴۷﴾ و نمی‌فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده، پس هر که ایمان آورد و نیکوکاری کرد، پس هیچ ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۴۸﴾ و کسانی که به دروغ نسبت کرده‌اند آیات ما را، برسد به ایشان عذاب به سبب فاسق بودن ایشان. ﴿۴۹﴾ بگو: نمی‌گویم به شما که نزدیک من است خزینه‌های خدا و نمی‌گویم که می‌دانم غیب را و نمی‌گویم به شما که من فرشته‌ام. پیروی نمی‌کنم مگر چیزی را که وحی کرده شد به سوی من، بگو: آیا برابر می‌شود نابینا و بینا؟ آیا تأمّل نمی‌کنید؟. ﴿۵۰﴾ و بترسان به قرآن (یعنی پند ده به قرآن) کسانی را که می‌ترسند از آن که حشر کرده شوند به سوی پروردگار خویش، نباشد ایشان را بجز خدا هیچ دوستی و نه سفارش کننده تا پرهیزگاری کنند. ﴿۵۱﴾ [۲] و دور مکن کسانی را که مناجات می‌کنند به پروردگار خویش بامداد و مساءِ، می‌طلبند روی او را. نیست بر تو از حساب ایشان چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان چیزی، تا برانی ایشان را که آنگاه باشی از ستمکاران. ﴿۵۲﴾

۱- یعنی هلاک کرده نشوند.

۲- رؤسای کفار به آن حضرت گفتند: ما را عار است که با فقرای مسلمین صحبت داریم، ایشان را از مجلس خود یکسو کن تا با تو بنشینیم، خدای تعالی آیت فرستاد.

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لِّيَقُولُوٓاْ أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ
ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنۢ بَيۡنِنَآۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ
۝٥٣ وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلۡ سَلَٰمٌ
عَلَيۡكُمۡۖ كَتَبَ رَبُّكُمۡ عَلَىٰ نَفۡسِهِ ٱلرَّحۡمَةَ أَنَّهُۥ مَنۡ
عَمِلَ مِنكُمۡ سُوٓءَۢا بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعۡدِهِۦ
وَأَصۡلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝٥٤ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ
ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِتَسۡتَبِينَ سَبِيلُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ۝٥٥ قُلۡ إِنِّي
نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۚ قُل لَّآ
أَتَّبِعُ أَهۡوَآءَكُمۡ قَدۡ ضَلَلۡتُ إِذٗا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ
ٱلۡمُهۡتَدِينَ ۝٥٦ قُلۡ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبۡتُم بِهِۦۚ
مَا عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦٓۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ
يَقُصُّ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰصِلِينَ ۝٥٧ قُل لَّوۡ أَنَّ
عِندِي مَا تَسۡتَعۡجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنِي
وَبَيۡنَكُمۡۗ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ ۝٥٨ ۞وَعِندَهُۥ
مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ
وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي
ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ
مُّبِينٖ ۝٥٩

و همچنین امتحان کردیم بعض از مردمان را به بعض تا گویند: آیا این جماعت انعام کرده است خدا بر ایشان از میان ما؟ [خدای تعالی فرمود]: آیا نیست خدا داناتر به شکر کنندگان؟. ﴿۵۳﴾ و چون بیایند پیش تو کسانی که ایمان آورده‌اند به آیت‌های ما، پس بگو: سلامٌ علیکم! لازم کرده است پروردگار شما بر خود مهربانی را، لازم کرده است که هر که بکند از شما کار بد به نادانی، باز توبه کرد بعد از آن و نیکوکاری نمود، پس خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۵۴﴾ و همچنین تفصیل می‌کنیم نشانه‌ها را و تا ظاهر شود راه ستمکاران[1]. ﴿۵۵﴾ بگو: هرآیینه منع کرده شد مراکه عبادت کنم آن کسانی راکه شما می‌پرستید بجز خدا. بگو: پیروی نمی‌کنم آرزوهای شما را، گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان. ﴿۵۶﴾ بگو: هرآیینه من بر حجّتم از پروردگار خود و به دروغ داشتید آن دلیل را. نیست نزدیک من آنچه شما بزودی می‌طلبید آن را[2]، نیست حُکم، مگر خدا را، بیان می‌کند دین درست را و او بهترین فیصله کنندگان است. ﴿۵۷﴾ بگو: اگر بودی نزدیک من آنچه بزودی می‌طلبیدش، هرآیینه به انجام رسانیده شدی کار میان من و شما و خدا داناتر است به ستمکاران. ﴿۵۸﴾ و نزد اوست کلیدهای غیب، نمی‌داندش مگر او و می‌داند آنچه در بیابان و دریاست و نمی‌افتد هیچ برگ، الاّ می‌داندش و نمی‌افتد هیچ دانه در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تری و نه خشکی، إلاّ ثبت است در کتاب روشن. ﴿۵۹﴾

۱- رؤسای کفار به آن حضرت گفتند که: ما را عار است که با فقرای مسلمین صحبت داریم، ایشان را از مجلس خود یکسو کن تا با تو بنشینیم، خدای تعالی آیت فرستاد.

۲- ظاهر نزدیک مترجم آن است که این واو، زائد است، مثل واو و ﴿وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا﴾.

وَهُوَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا جَرَحۡتُم
بِٱلنَّهَارِ ثُمَّ يَبۡعَثُكُمۡ فِيهِ لِيُقۡضَىٰٓ أَجَلٞ مُّسَمّٗىۖ ثُمَّ
إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٦٠
وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً
حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلۡمَوۡتُ تَوَفَّتۡهُ رُسُلُنَا وَهُمۡ لَا
يُفَرِّطُونَ ٦١ ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۚ أَلَا لَهُ
ٱلۡحُكۡمُ وَهُوَ أَسۡرَعُ ٱلۡحَٰسِبِينَ ٦٢ قُلۡ مَن
يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ تَدۡعُونَهُۥ
تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةٗ لَّئِنۡ أَنجَىٰنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ
ٱلشَّٰكِرِينَ ٦٣ قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنۡهَا وَمِن كُلِّ
كَرۡبٖ ثُمَّ أَنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ٦٤ قُلۡ هُوَ ٱلۡقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن
يَبۡعَثَ عَلَيۡكُمۡ عَذَابٗا مِّن فَوۡقِكُمۡ أَوۡ مِن تَحۡتِ
أَرۡجُلِكُمۡ أَوۡ يَلۡبِسَكُمۡ شِيَعٗا وَيُذِيقَ بَعۡضَكُم
بَأۡسَ بَعۡضٍۗ ٱنظُرۡ كَيۡفَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ
يَفۡقَهُونَ ٦٥ وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوۡمُكَ وَهُوَ ٱلۡحَقُّۚ قُل لَّسۡتُ
عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ٦٦ لِّكُلِّ نَبَإٖ مُّسۡتَقَرّٞۚ وَسَوۡفَ
تَعۡلَمُونَ ٦٧ وَإِذَا رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا
فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيۡرِهِۦۚ وَإِمَّا
يُنسِيَنَّكَ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَلَا تَقۡعُدۡ بَعۡدَ ٱلذِّكۡرَىٰ مَعَ
ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٦٨

و اوست آن که قبض روح شما می‌کند به شب[۱] و می‌داند آنچه کسب کردید به روز، باز برمی‌انگیزد شما را در روز تا به انجام رسانیده شود میعاد معیّن، باز به سوی او بازگشت شما است، باز خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۶۰﴾ و اوست غالب بالای بندگان خود و می‌فرستد بر شما ملائکهٔ نگهبان تا وقتی که بیاید به کسی از شما مرگ، قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی‌کنند. ﴿۶۱﴾ باز گردانیده شوند مردگان به سوی الله، خداوند ایشان که حقّ است، مر او را است حکم و او سریع‌ترین حساب کنندگان است. ﴿۶۲﴾ بگو: کیست که می‌رهاند شما را از تاریکی‌های بیابان و دریا[۲]، مناجات می‌کنید به جناب او و به زاری و نیاز پنهانی. می‌گویید: اگر رهایی دهد ما را از این محنت، هرآیینه باشیم از شکر کنندگان. ﴿۶۳﴾ بگو: خدا می‌رهاند شما را از آن محنت و از هر اندوهی، باز شما شریک او مقرر می‌کنید!. ﴿۶۴﴾ بگو: اوست توانا بر آن که فرستد بر شما عذابی از بالایی شما[۳] یا از زیر پاهای شما[۴] و جمع کند شما را گروه گروه و بچشاند بعض شما را جنگ بعض[۵]. بنگر چگونه گوناگون می‌کنیم آیت‌ها را تا بفهمند. ﴿۶۵﴾ و به دروغ نسبت کردند قرآن را قوم تو و آن راست است. بگو: نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۶۶﴾ هر خبر را میعادی است و خواهید دانست. ﴿۶۷﴾ و چون ببینی آنان را که بحث شروع می‌کنند در آیت‌های ما، پس روبگردان از ایشان تا وقتی که بحث شروع کنند در سخنی غیرِ وی و اگر فراموش گرداند تو را شیطان، پس منشین بعدِ یاد آوردن، با گروه ستمکاران. ﴿۶۸﴾

۱- یعنی وقت نوم.
۲- یعنی از مصیبت‌های بیابان و دریا.
۳- یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.
۴- یعنی چنانکه قارون به زمین رفت.
۵- یعنی افواج متعدده پیدا شود و با یکدیگر جنگ کنند.

وَمَا عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنۡ حِسَابِهِم مِّن شَيۡءٖ
وَلَٰكِن ذِكۡرَىٰ لَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾ وَذَرِ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ
دِينَهُمۡ لَعِبٗا وَلَهۡوٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ وَذَكِّرۡ بِهِۦٓ
أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ بِمَا كَسَبَتۡ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ
وَلِيّٞ وَلَا شَفِيعٞ وَإِن تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ لَّا يُؤۡخَذۡ مِنۡهَآۗ
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أُبۡسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْۖ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ
حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلۡ
أَنَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ
عَلَىٰٓ أَعۡقَابِنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ كَٱلَّذِي ٱسۡتَهۡوَتۡهُ
ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ لَهُۥٓ أَصۡحَٰبٞ يَدۡعُونَهُۥٓ
إِلَى ٱلۡهُدَى ٱئۡتِنَاۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۖ
وَأُمِرۡنَا لِنُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنۡ أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَٱتَّقُوهُۚ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ وَيَوۡمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُۚ
قَوۡلُهُ ٱلۡحَقُّۚ وَلَهُ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ عَٰلِمُ
ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

و نیست بر کسانی که پرهیزگاری کردند از حساب کافران چیزی ولیکن بر ایشان لازم است پند دادن، تا شود که پرهیزگاری کنند. ﴿۶۹﴾ و بگذار کسان را که دین خود گرفتند بازی و لهو، و فریفت ایشان را زندگانی دنیا، و پند ده به قرآن برای احتیاط از آن که به مهلکه گذاشته شود نفسی را به سبب آنچه کرده است. نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر عوض خود دهد هر فدیه‌ای که تواند، گرفته نشود از وی. آن جماعت، آنانند که به مهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند. ایشان راست، آشامیدنی از آب جوشانیده و ایشان راست، عذاب درد دهنده به سبب آن که کافر بودند. ﴿۷۰﴾ بگو: آیا مناجات کنیم بجز خدا کسی را که نفع ندهد ما را و زیان نرساند ما را؟ و بازگردانیده شویم برپاشنه‌های خود بعد از آن که راه راست نموده است ما را خدا؟ مانند کسی که گمراه کرده باشند او را پریان، در زمین حیران مانده. مر او را یارانند که می‌خوانندش به سوی راه راست که بیا به سوی ما. بگو: هرآیینه هدایت خدا همان انست هدایت حقیقی و فرموده شده است ما را که منقاد شویم پروردگار عالم‌ها را. ﴿۷۱﴾ و فرموده شد که: برپا دارید نماز را و بترسید از خدا و اوست آن که به سوی او حشر کرده خواهید شد. ﴿۷۲﴾ و اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر محکم و روزی که بفرماید[1] که بشو! پس می‌شود. سخن او درست است و مر او راست پادشاهیِ روزی که دمیده شود در صور، دانندهٔ پنهان و آشکار است و اوست استوارکارِ آگاه. ﴿۷۳﴾

۱- یعنی چیزی را.

۞وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصۡنَامًا ءَالِهَةً
إِنِّيٓ أَرَىٰكَ وَقَوۡمَكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٧٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ
إِبۡرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلِيَكُونَ مِنَ
ٱلۡمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيۡهِ ٱلَّيۡلُ رَءَا كَوۡكَبٗاۖ قَالَ
هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلۡأٓفِلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا
رَءَا ٱلۡقَمَرَ بَازِغٗا قَالَ هَٰذَا رَبِّيۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمۡ
يَهۡدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا
رَءَا ٱلشَّمۡسَ بَازِغَةٗ قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَآ أَكۡبَرُۖ فَلَمَّآ
أَفَلَتۡ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّي
وَجَّهۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ حَنِيفٗاۖ
وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَآجَّهُۥ قَوۡمُهُۥۚ قَالَ
أَتُحَٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنِۚ وَلَآ أَخَافُ مَا
تُشۡرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيۡـٔٗاۚ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ
شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيۡفَ أَخَافُ مَآ
أَشۡرَكۡتُمۡ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمۡ أَشۡرَكۡتُم بِٱللَّهِ مَا لَمۡ
يُنَزِّلۡ بِهِۦ عَلَيۡكُمۡ سُلۡطَٰنٗاۚ فَأَيُّ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ أَحَقُّ
بِٱلۡأَمۡنِۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٨١﴾

و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود، آزر را: آیا خدا می‌گیری بتان را؟ هرآیینه من می‌بینم تو را و قوم تو را در گمراهیِ ظاهر. ﴿۷۴﴾ و همچنین می‌نمودیم ابراهیم را ملک آسمان‌ها و زمین تا او از یقین کنندگان باشد[۱]. ﴿۷۵﴾ پس چون تاریک شد بر وی شب، دید ستاره، گفت: این است پروردگار من! پس وقتی که فرو رفت، گفت: دوست ندارم فروروندگان را. ﴿۷۶﴾ پس چون دید ماه را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! پس وقتی که فرورفت، گفت: اگر هدایت نکند مرا پروردگار من، شَوَم از گروه گمراهان. ﴿۷۷﴾ پس وقتی که دید آفتاب را طلوع کرده، گفت: این است پروردگار من! این بزرگ‌تر است! پس چون فرورفت، گفت؟ ای قوم من! هرآیینه من بیزارم آنچه شریک مقرر می‌کنید. ﴿۷۸﴾ هرآیینه متوجه ساختم روی خود را به سوی کسی که بیافرید آسمان‌ها و زمین در حالتی که حنیفم و نیستم از مشرکان. ﴿۷۹﴾ و جدال کردند با او قوم او، گفت: آیا جدال می‌کنید با من در باب خدا و به تحقیق هدایت کرده است مرا؟ و نمی‌ترسم از آنچه شما شریک مقرر می‌کنید با خدا و لیکن می‌ترسم از آن که خدا اراده کند چیزی[۲] را و احاطه کرده است پروردگار من به همه چیز از جهت دانش، آیا پند نمی‌گیرید. ﴿۸۰﴾ و چگونه ترسم از کسی که او را شریک مقرر می‌کنید و شما نمی‌ترسید از آن که شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرونفرستاده است بر شما دلیلی برای آن، پس کدام یک از این دو گروه سزاوارتر است به من؟ بگویید اگر می‌دانید؟. ﴿۸۱﴾

۱- یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لائق عبادت نیستند، نیز ظاهر ساختیم که ستاره و هرچه در آسمان‌ها است و زمین، لائق عبادت نیست و واو در ﴿وَلِيَكُونَ﴾ زائده است، والله اعلم.

۲- یعنی از انواع محنت.

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ إِيمَٰنَهُم بِظُلۡمٍ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ
ٱلۡأَمۡنُ وَهُم مُّهۡتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلۡكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيۡنَٰهَآ
إِبۡرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ إِنَّ رَبَّكَ
حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿٨٣﴾ وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ كُلًّا
هَدَيۡنَاۚ وَنُوحًا هَدَيۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ
وَسُلَيۡمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ وَكَذَٰلِكَ
نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٨٤﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحۡيَىٰ وَعِيسَىٰ
وَإِلۡيَاسَۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٥﴾ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ
وَيُونُسَ وَلُوطٗاۚ وَكُلّٗا فَضَّلۡنَا عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنۡ
ءَابَآئِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡ وَإِخۡوَٰنِهِمۡۖ وَٱجۡتَبَيۡنَٰهُمۡ وَهَدَيۡنَٰهُمۡ
إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٨٧﴾ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ
مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا
كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَۚ فَإِن يَكۡفُرۡ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدۡ وَكَّلۡنَا
بِهَا قَوۡمٗا لَّيۡسُواْ بِهَا بِكَٰفِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡۗ قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ
أَجۡرًاۖ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٠﴾

(خدای تعالی فرمود): کسانی که ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را به شرک، آن جماعت ایشان راست، ایمنی و ایشانند راه یافتگان. ﴿۸۲﴾ و این است حجّت ما، دادیمش ابراهیم را بر قوم. بلندی می‌کنیم در مراتب هر که را می‌خواهیم، هرآینه پروردگار تو استوارکارِ داناست. ﴿۸۳﴾ و عطا کردیم ابراهیم را اسحق و یعقوب، هر یکی را از ایشان هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم پیش از این و از اولاد ابراهیم راه نمودیم داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۸۴﴾ و هدایت کردیم زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را، هر یک از صالحان بود. ﴿۸۵﴾ و هدایت کردیم اسمعیل و یسع و یونس و لوط را و هر یک را فضل دادیم بر اهل زمان. ﴿۸۶﴾ و هدایت کردیم بعض را از پدران ایشان و اولاد ایشان و برادران ایشان و برگزیدیم ایشان را و دلالت کردیم ایشان را به سوی راه راست. ﴿۸۷﴾ این است هدایت خدا، دلالت می‌کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شریک مقرر می‌کردند، نابود شدی از ایشان آنچه کرده بودند. ﴿۸۸﴾ این جماعت، آنانند که دادیم ایشان راکتاب و حکمت و پیغامبری، پس اگر کافر شوند به آیات قرآن [این کافران] پس ما مقرر ساختیم [برای ایمان به آنها] گروهی را که هرگز کافر نشوند[۱]. ﴿۸۹﴾ این جماعتِ انبیاء کسانی‌اند که هدایت کرد ایشان را خدا، پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو: سؤال نمی‌کنم از شما هیچ مزد بر تبلیغ قرآن، نیست این مگر پند، عالم‌ها را[۲]. ﴿۹۰﴾

۱- یعنی مهاجرین و انصار و سائر اخیار، والله اعلم.

۲- یعنی چنانکه انبیا صبر کردند بر ایذای کفار، تو نیز صبر کن، والله اعلم.

وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦٓ إِذۡ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ
بَشَرٖ مِّن شَيۡءٖۗ قُلۡ مَنۡ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِي جَآءَ بِهِۦ
مُوسَىٰ نُورٗا وَهُدٗى لِّلنَّاسِۖ تَجۡعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبۡدُونَهَا
وَتُخۡفُونَ كَثِيرٗاۖ وَعُلِّمۡتُم مَّا لَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنتُمۡ وَلَآ
ءَابَآؤُكُمۡۖ قُلِ ٱللَّهُۖ ثُمَّ ذَرۡهُمۡ فِي خَوۡضِهِمۡ يَلۡعَبُونَ ﴿٩١﴾
وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ
وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَاۚ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ
يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَهُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ
مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ
إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ
إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ
أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ
بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ
ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدۡ جِئۡتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا
خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَتَرَكۡتُم مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ وَرَآءَ
ظُهُورِكُمۡۖ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمۡ شُفَعَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ
أَنَّهُمۡ فِيكُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْۚ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيۡنَكُمۡ وَضَلَّ
عَنكُم مَّا كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ﴿٩٤﴾

و صفت نکردند یهود، خدا را حقِّ صفت او، چون گفتند فرونفرستاده است خدا بر هیچ آدمی چیزی. بگو که: فروفرستاد کتابی که آورده است او را موسی روشنی و هدایتْ مردمان را، می‌گردانید او را دو قسم ورق‌ها، آشکارا می‌کنید آن را و پنهان می‌کنید بسیاری را و آموخته شدید (یعنی در قرآن) آنچه نمی‌دانستید شما و نه پدرانِ شما می‌دانستند[1]. بگو: خدا فرود آورد باز بگذار ایشان را در بحث ایشان در حالتی که بازی می‌کنند[2]. ﴿۹۱﴾ و این قرآن کتابی است که فرستادیم او را با برکت، باور دارندهٔ آنچه پیش از وی بود، و تا بیم کنی اهل مکه را و کسانی راکه گرد مکه ساکنند و معتقدان آخرت، البته ایمان می‌آورند به قرآن و ایشان بر نماز خود، محافظت می‌کنند[3]. ﴿۹۲﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغی[4] یا گفت: وحی فرستاده شده است به من و به حقیقت نفرستاده شده است به سوی او چیزی، و از کسی که گفت: فرود خواهم آورد مانند آنچه فرود آورده خدا[5]. [تعجب کنی] چون بنگری وقتی که ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان، دست خود را دراز می‌کنند[6]، می‌گویند: بیرون آرید روح‌های خود را، امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده به سبب آن که می‌گفتید بر خدا ناحق و به سبب آن که از تصدیق آیات او سرکشی می‌کردید. ﴿۹۳﴾ و گوییم: هرآیینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اوّل بار و بگذاشتید آنچه عطا کرده بودیم شما را پسِ پشت خویش، و نمی‌بینیم با شما شفاعت کنندگان شما را، آن که گمان می‌کردید که ایشان در تربیت شما شریکانِ خدایند، هرآیینه بریده شد پیوندِ میان شما و گم شد از شما آنچه گمان می‌بردید. ﴿۹۴﴾

۱- یعنی کتمانِ آیات تورات را قرآن اظهار کرد و الاّ سابق به یقین نمی‌دانستند.

۲- حاصل آن است که اگر یهود گویند که خدای تعالی به هیچ بشر وحی نمی‌فرستد، نقض کرده می‌شود به تورات و اگر گویند می‌فرستد، استبعاد فرستادن قرآن مجرّد تعصب است پس ﴿إِذۡ قَالُواْ﴾ به جای اِن قالوا گفته شود.

۳- مترجم گوید: انذار اوّلاً عرب را کرده شد که زبان عربی می‌فهمند ثانیاً جمیع اهل ارض را به واسطهٔ ترجمه، پس این جا انذار اول مراد است، مانند آیت: ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ﴾ [الجمعة: ۲]. الآیه. و در آیت: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٧﴾﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]. از اولی و ثانوی، والله اعلم.

۴- یعنی اعتقاد کرد مثلاً که به حائر و سوائب از امرالهی است و اتفاق سلف، دلیل بر آن است، والله اعلم.

۵- یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کرد و انشا را به طریق مشاکلت انزال گفته شد.

۶- یعنی می‌زنند، والله اعلم.

۞إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلۡحَبِّ وَٱلنَّوَىٰۖ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ
ٱلۡمَيِّتِ وَمُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتِ مِنَ ٱلۡحَيِّۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ
تُؤۡفَكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ ٱلۡإِصۡبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيۡلَ سَكَنٗا
وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ حُسۡبَانٗاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ
ٱلۡعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلنُّجُومَ لِتَهۡتَدُواْ
بِهَا فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَعۡلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ
فَمُسۡتَقَرّٞ وَمُسۡتَوۡدَعٞۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَفۡقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ
فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٖ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرٗا
نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا
قِنۡوَانٞ دَانِيَةٞ وَجَنَّٰتٖ مِّنۡ أَعۡنَابٖ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ
مُشۡتَبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٍۗ ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ
وَيَنۡعِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٩٩﴾
وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ ٱلۡجِنَّ وَخَلَقَهُمۡۖ وَخَرَقُواْ لَهُۥ بَنِينَ
وَبَنَٰتِۭ بِغَيۡرِ عِلۡمٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٠٠﴾
بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُۥ وَلَدٞ وَلَمۡ
تَكُن لَّهُۥ صَٰحِبَةٞۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ
عَلِيمٞ ﴿١٠١﴾

هرآیینه خدا شکافندهٔ دانه‌ها و خسته‌ها است، بیرون می‌آورد زنده را از مرده و بیرون آرندهٔ مرده است از زنده، این است خدا، پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟. ﴿۹۵﴾ شکافندهٔ صبح است و گردانید شب را آرامگاه و گردانید آفتاب و ماه را معیارِ حساب. این است تقدیر خدای غالبِ دانا. ﴿۹۶﴾ و اوست آن که بیافرید برای شما ستاره‌ها تا راه یابید به سبب آنها در تاریکی‌های بیابان و دریا، هرآیینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند. ﴿۹۷﴾ و اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص، پس شما را قرارگاهی است و ودیعت جایی، هرآیینه به تفصیل بیان کردیم نشانه‌ها برای گروهی که می‌فهمند. ﴿۹۸﴾ و اوست آن که فرود آورد از آسمان، آبی، پس بیرون آوردیم به سبب آن آب روییدنی را از هر قسم، پس بیرون آوردیم از آن سبزه را، بیرون می‌آریم از آن سبزه، دانه‌ها، یکی بر دیگری پیوسته و از درختان خرما از شاخه‌های او یک طایفه شاخه‌ها به زمین نزدیک شده است، و بیرون آوردیم بوستان‌ها از درختان انگور و بیرون آوردیم زیتون و انار مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر[1]. بنگرید به سوی میوهٔ درخت چون میوه آرد و به سوی پختگی او، هرآیینه در این، نشانه‌هاست گروهی راکه ایمان دارند. ﴿۹۹﴾ و مقرر کردند کافران برای خدا شریکان را که از قسم جن‌اند، حال آن که خدا آفریده است ایشان را و به افترا ثابت کردند او را فرزندان و دختران، به غیر دانش. پاکی است او را و بلند است از آنچه بیان می‌کنند. ﴿۱۰۰﴾ او آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است، چگونه باشد او را فرزندی، حال آن‌که نبود او را زنی؟ و بیافرید هر چیز را و او به هر چیز داناست. ﴿۱۰۱﴾

۱- یعنی در صورت درخت و ثمر مانند یکدیگر است و در طعم مخالف، یک پاره شیرین و یک پاره ترش یا تلخ، والله اعلم.

ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ
فَٱعۡبُدُوهُۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ﴿١٠٢﴾ لَّا تُدۡرِكُهُ
ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَهُوَ يُدۡرِكُ ٱلۡأَبۡصَٰرَۖ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ
﴿١٠٣﴾ قَدۡ جَآءَكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنۡ أَبۡصَرَ
فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ عَمِيَ فَعَلَيۡهَاۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم
بِحَفِيظٖ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسۡتَ
وَلِنُبَيِّنَهُۥ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ ٱتَّبِعۡ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن
رَّبِّكَۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١٠٦﴾ وَلَوۡ
شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكُواْۗ وَمَا جَعَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظٗاۖ
وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّواْ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ فَيَسُبُّواْ ٱللَّهَ عَدۡوَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖۗ كَذَٰلِكَ
زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرۡجِعُهُمۡ
فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٠٨﴾ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ
أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ لَّيُؤۡمِنُنَّ بِهَاۚ قُلۡ إِنَّمَا
ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَا يُشۡعِرُكُمۡ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَتۡ لَا
يُؤۡمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَنُقَلِّبُ أَفۡـِٔدَتَهُمۡ وَأَبۡصَٰرَهُمۡ كَمَا لَمۡ
يُؤۡمِنُواْ بِهِۦٓ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ
﴿١١٠﴾

این است خدا، پروردگار شما. نیست هیچ معبود، مگر او، آفرینندهٔ هر چیز است، پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز کارساز است. ﴿۱۰۲﴾ در نمی‌یابند او را چشم‌ها (یعنی در دنیا) و او درمی‌یابد چشم‌ها را و اوست مهربانِ آگاه. ﴿۱۰۳﴾ هرآیینه آمدند به شما دلیل‌ها از جانب پروردگار شما. پس هر که بینا باشد، پس نفع او راست و هر که نابینا ماند، پس زیان بر وی است [بگو یا محمد]: و نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۱۰۴﴾ و همچنین گوناگون بیان می‌کنیم نشانه‌ها را، برای احتراز آن که گویند که: خوانده‌ای، و تا بیان کنیم این دین را برای گروهی که می‌دانند(۱). ﴿۱۰۵﴾ [یا محمّد] پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو. هیچ معبود نیست مگر او و اعراض کن از مشرکان. ﴿۱۰۶﴾ و اگر خواستی خدا، شریک مقرر نمی‌کردند و نگردانیدیم تو را بر ایشان نگاهبان و نیستی تو بر ایشان، متعهّد. ﴿۱۰۷﴾ وای مسلمانان! دشنام مدهید کسانی راکه مشرکان می‌پرستند بجز خدا، زیراکه ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم، به غیر دانش، همچنین آراسته کردیم در نظر هرگروهی، کردار آن گروه. باز به سوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان، پس خبر دهد ایشان را به عاقبت حالِ آنچه می‌کردند. ﴿۱۰۸﴾ و سوگند خوردند کافران به سخت‌ترین سوگندانِ خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه، البته ایمان آرند به آن. بگو: جز این نیست که معجزه‌ها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است شما را ای مسلمانان؟ [آیا نمی‌دانید که آن معجزه‌ها] چون بیاید، ایشان ایمان نیارند؟. ﴿۱۰۹﴾ و صرف کنیم دل ایشان را و چشم ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند به قرآن، اوّل بار و بگذاریم ایشان را در گمراهی خود، سرگردان گشته. ﴿۱۱۰﴾

۱- مترجم گوید: احتمال بود که کفار گویند کتابهای سابقه را خوانده‌ای و آنچه می‌گویی ما خوذ از کتب سابقه است نه وحی الهی است، پس خدای تعالی قرآن را به وجهی نازل ساخت و به وجهی گوناگون بیان کرد که مجال این شبهه نماند، زیراکه این قسم بیان از خواندن کتب سابقه نمی‌آید بدون وحی الهی، والله اعلم.

۞وَلَوۡ أَنَّنَا نَزَّلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلۡمَوۡتَىٰ
وَحَشَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ كُلَّ شَيۡءٖ قُبُلٗا مَّا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُوٓاْ إِلَّآ
أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ يَجۡهَلُونَ ﴿١١١﴾ وَكَذَٰلِكَ
جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا شَيَٰطِينَ ٱلۡإِنسِ وَٱلۡجِنِّ يُوحِي
بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ غُرُورٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ
رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُۖ فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصۡغَىٰٓ إِلَيۡهِ
أَفۡـِٔدَةُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَلِيَرۡضَوۡهُ وَلِيَقۡتَرِفُواْ
مَا هُم مُّقۡتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡتَغِي حَكَمٗا وَهُوَ
ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مُفَصَّلٗاۚ وَٱلَّذِينَ
ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٞ مِّن رَّبِّكَ
بِٱلۡحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ
رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡعَلِيمُ ﴿١١٥﴾ وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا
يَخۡرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ مَن يَضِلُّ عَن
سَبِيلِهِۦۖ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿١١٧﴾ فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ
ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن كُنتُم بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤۡمِنِينَ ﴿١١٨﴾

و اگر ما می‌فرستادیم به سوی ایشان فرشتگان را و سخن می‌گفتند به ایشان، مردگان و جمع می‌کردیم بر ایشان همه چیز گروه گروه، هرگز ایمان نمی‌آوردند، مگر وقتی که خواستی خدا و لیکن بسیاری از ایشان نادانی می‌کنند. ﴿۱۱۱﴾ و همچنین پیدا کردیم برای هر پیغامبری، دشمنان راکه شیاطینند از آدمیان و از جن. به طریق وسوسه القا می‌کنند بعض ایشان به سوی بعض، سخنِ به ظاهر آراسته تا فریب دهند و اگر خواستی پروردگار تو، نمی‌کردند این کار، پس بگذار ایشان را به افترای ایشان. ﴿۱۱۲﴾ [و القا می‌کنند سخن به ظاهر آراسته] تا میل کنند به سوی او دل کسانی که ایمان ندارند به آخرت و تا پسند کنند او را و تا عمل کنند آنچه ایشان کنندهٔ آنند (یعنی آنچه لایق ایشان است). ﴿۱۱۳﴾ بگو: آیا طلب کنم فیصله کننده‌ای بجز خدا و اوست آن که فروفرستاده به سوی شما قرآن واضح کرده شده؟ و کسانی که داده‌ایم ایشان را کتاب (یعنی تورات) می‌دانند که قرآن فروفرستاده شده است از جانب پروردگار تو به راستی، پس مباش از شک کنندگان (یعنی از یهود)[۱]. ﴿۱۱۴﴾ و تمام است سخن پروردگار تو در راستی و انصاف، هیچ‌کس تغییر دهنده نیست سخن‌های او را و اوست شنوای دانا. ﴿۱۱۵﴾ و اگر فرمانبرداری کنی بسیاری را از اهل زمین، گمراه کنند تو را از راه خدا، پیروی نمی‌کنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر دروغ‌گویان[۲]. ﴿۱۱۶﴾ هرآیینه پروردگار تو داناتر است به کسی که دور می‌شود از راه وی و او داناتر است به راه یافتگان. ﴿۱۱۷﴾ پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بر وی (یعنی نزدیک ذبح وی) اگر مؤمن هستید به آیات خدا. ﴿۱۱۸﴾

۱- یعنی یهود دانند که نزول وحی می‌شود و آدمی را خدای تعالی پیغمبر می‌سازد و در حضرت پیغمبر ﷺ و در قرآن دلائل صدق موجود هست. مترجم گوید: در صورت‌های مکّیه مذکور شده است که یهود تصدیق می‌کنند قرآن را و در صورت‌های مدنیه مذکور است که یهود تکذیب می‌کنند آن را و وجه تطبیق آن است که چون آن حضرت ﷺ در مکه بود، هنوز دعوت یهود نکرده بود، همه به صدق قرآن معترف بودند که حکم آن بر عرب لازم است و هیچ کس از ایشان انکار نکرده و چون هجرت فرمود ایشان را دعوت کرد، به عناد درآمدند. در سیرت ابن اسحاق چند قصه به این مضمون مذکور است، والله اعلم.

۲- یعنی آنچه کافران در باب تحریم و تحلیل اشیا شبهات می‌کردند، باطل است، والله اعلم.

وَمَا لَكُمۡ أَلَّا تَأۡكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَقَدۡ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيۡكُمۡ إِلَّا مَا ٱضۡطُرِرۡتُمۡ إِلَيۡهِۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا لَّيُضِلُّونَ بِأَهۡوَآئِهِم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿١١٩﴾ وَذَرُواْ ظَٰهِرَ ٱلۡإِثۡمِ وَبَاطِنَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكۡسِبُونَ ٱلۡإِثۡمَ سَيُجۡزَوۡنَ بِمَا كَانُواْ يَقۡتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأۡكُلُواْ مِمَّا لَمۡ يُذۡكَرِ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسۡقٞۗ وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِهِمۡ لِيُجَٰدِلُوكُمۡۖ وَإِنۡ أَطَعۡتُمُوهُمۡ إِنَّكُمۡ لَمُشۡرِكُونَ ﴿١٢١﴾ أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ وَجَعَلۡنَا لَهُۥ نُورٗا يَمۡشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيۡسَ بِخَارِجٖ مِّنۡهَاۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡكَٰفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجۡرِمِيهَا لِيَمۡكُرُواْ فِيهَاۖ وَمَا يَمۡكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ قَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ حَتَّىٰ نُؤۡتَىٰ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ ٱللَّهِۘ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ حَيۡثُ يَجۡعَلُ رِسَالَتَهُۥۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا كَانُواْ يَمۡكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

و چیست شما را که نمی‌خورید از آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بر وی و حال آنکه به تفصیل بیان کرده است برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است؟ إلاّ آنچه مضطرّ باشید به سوی او[۱] و هرآیینه بسیاری گمراه می‌کنند به خواهش نفس خویش به غیر دانش، هرآیینه پروردگار تو داناتر است به ستمکاران. ﴿۱۱۹﴾ و ترک کنید آشکارا گناه را و پنهانِ او را، هرآیینه کسانی که گناه می‌کنند، جزا داده خواهند شد بحسب آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۰﴾ و مخورید از آنچه یاد کرده نشد نام خدا بر وی و هرآیینه (خوردن) آن گناه است و هرآیینه شیاطین وسوسه القا می‌کنند به سوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید، هرآیینه شما مشرک باشید[۲]. ﴿۱۲۱﴾ آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش[۳] و پیدا کردیم برای او نوری که می‌رود با وی میان مردمان، مانند کسی باشد که صفتش این است که او در تاریکی‌ها، نیست بیرون آینده از آن؟ همچنین آراسته کرده شده است برای کافران آنچه می‌کردند[۴]. ﴿۱۲۲﴾ و همچنین پیدا کردیم در هر دیِهی رئیسان فُسّاق آن دیه، تا فساد کنند در آن دِه و به حقیقت ضرر نمی‌کنند مگر در حقّ خویشتن و نمی‌دانند. ﴿۱۲۳﴾ و چون بیاید به ایشان نشانه‌ای، گویند: ایمان نیاریم تا وقتی که داده شود ما را مانند آنچه داده شده است پیغامبران خدا را[۵]، خدا داناتر است به محل نهادن پیغامبریِ خود. خواهد رسید این گناهکاران را رسوایی نزد خدا و عذابِ سخت، به سبب آن که بد می‌اندیشیدند. ﴿۱۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی میته حرام است، الا وقت ضرورت، تناول آن رخصت است، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: مراد از این وسوسه آن است که اهل جاهلیت می‌گفتند: چرا کِشتهٔ خود را بخوریم وکشتهٔ خدا را نخوریم، والله اعلم.

۳- یعنی کافر بود، هدایت کردیمش.

۴- چنانکه رؤسای کفّار مکه در نصرت کفر سعی می‌کردند، والله اعلم.

۵- یعنی بر هر کسی از ما جبرئیل فرود آید و وحی نازل بشود، والله اعلم.

فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن
يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا
يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجۡعَلُ ٱللَّهُ ٱلرِّجۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ
لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسۡتَقِيمٗاۗ قَدۡ فَصَّلۡنَا
ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ ۞لَهُمۡ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمۡۖ
وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا
يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ قَدِ ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِۖ وَقَالَ أَوۡلِيَآؤُهُم
مِّنَ ٱلۡإِنسِ رَبَّنَا ٱسۡتَمۡتَعَ بَعۡضُنَا بِبَعۡضٖ وَبَلَغۡنَآ أَجَلَنَا
ٱلَّذِيٓ أَجَّلۡتَ لَنَاۚ قَالَ ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا
مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي
بَعۡضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعۡضَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَٰمَعۡشَرَ
ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ
عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِي وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ
شَهِدۡنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَاۖ وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ
أَنفُسِهِمۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَٰلِكَ أَن لَّمۡ يَكُن
رَبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا غَٰفِلُونَ ﴿١٣١﴾

پس هر که را خدا خواهد که هدایت کندش، گشاده کند سینهٔ او را برای اسلام[1] و هر که را خواهد که گمراه کندش، تنگ کند سینهٔ او را در نهایت تنگی، گویا بالا می‌رود در آسمان، و همچنین می‌اندازد خدا ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آرند[2]. ﴿۱۲۵﴾ و این [اسلام] راهِ پروردگار تو است، راست آمده، هرآیینه تفصیل کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که پندپذیر می‌شوند. ﴿۱۲۶﴾ ایشان راست سرای سلامتی (یعنی بهشت) نزد پروردگار ایشان و او کارساز ایشان است به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۷﴾ و روزی که حشر کند خدا ایشان را همه یکجا، گوید: ای گروه جنّ![3] تابع خود بسیار گرفتید از مردمان. و گفتند دوستان ایشان از آدمیان:[4] ای پروردگار ما! بهره‌مند شد بعض ما از بعض[5] و رسیدیم به میعاد خویش که معیّن کرده بودی برای ما[6]. [گوید خدا:] آتش جای شماست، جاویدان آنجا. لیکن آنچه خدا خواسته است، بودنی است[7]، هرآیینه پروردگار تو استوارکارِ داناست. ﴿۱۲۸﴾ و همچنین مسلّط می‌کنیم بعض ستمکاران را بر بعض به شومی آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۹﴾ ای گروه جنّ و انس! آیا نیامدند به شما پیغامبران از جنس شما؟ می‌خواندند بر شما آیات مرا و بیم می‌کردند شما را از ملاقات این روز شما؟! گویند: اعتراف کردیم بر خویشتن، و فریب داده بود ایشان را زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خویشتن که ایشان کافر بودند[8]. ﴿۱۳۰﴾ این ارسال رُسُل به سبب آن است که هرگز پروردگار تو هلاک کنندهٔ شهرها نباشد به جزای ظلم، در حالی که اهل آنها غافل باشند[9]. ﴿۱۳۱﴾

۱- یعنی بفهماندش حقیقت اسلام و محاسن آن، والله اعلم.

۲- یعنی هرچند می‌خواهند حقیقت اسلام و محاسن آن بفهمند، نمی‌توانند، والله اعلم.

۳- یعنی ای شیاطین.

۴- یعنی تابعان ایشان را از کفار.

۵- یعنی متبوعان خوشوقت شدند به تابعان و تابعان محفوظ شدند از متبوعان، والله اعلم.

۶- یعنی برای حسابِ ما پس در حق ما چه حکم است.

۷- یعنی در حق اهلِ هجات، والله اعلم.

۸- مترجم گوید: مراد آن است که آیا نیامده‌اند از مجموعه جن و انس؟ و آن صادق است به بودن رسل از انس مبعوث به انس و جن، والله اعلم.

۹- قبل بعثت، عقوبت نمی‌آید، والله اعلم.

وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا عَمِلُواْۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا
يَعۡمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ ٱلۡغَنِيُّ ذُو ٱلرَّحۡمَةِۚ إِن يَشَأۡ
يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفۡ مِنۢ بَعۡدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ
أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوۡمٍ ءَاخَرِينَ ﴿١٣٣﴾ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ
لَأٓتٖۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلۡ يَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ
مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَامِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن تَكُونُ
لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿١٣٥﴾ وَجَعَلُواْ
لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلۡحَرۡثِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ نَصِيبٗا فَقَالُواْ هَٰذَا
لِلَّهِ بِزَعۡمِهِمۡ وَهَٰذَا لِشُرَكَآئِنَاۖ فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمۡ فَلَا
يَصِلُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَآئِهِمۡۗ
سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٖ مِّنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ قَتۡلَ أَوۡلَٰدِهِمۡ شُرَكَآؤُهُمۡ لِيُرۡدُوهُمۡ
وَلِيَلۡبِسُواْ عَلَيۡهِمۡ دِينَهُمۡۖ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُۖ
فَذَرۡهُمۡ وَمَا يَفۡتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

و هر شخص را مرتبه‌هاست از اجر آنچه کردند و نیست
پروردگار تو بی‌خبر از آنچه به عمل می‌آرند. ﴿۱۳۲﴾ و
پروردگار تو غنیِ صاحب رحمت است. اگر خواهد، دور
کند شما را و جانشین سازد پس از شما هر که را خواهد،
چنانکه پیدا کرد شما را از نسل قومی دیگر. ﴿۱۳۳﴾
هرآیینه آنچه وعده کرده میشود شما را، البته آمدنی است
و نیستید شما عاجز کنندگان. ﴿۱۳۴﴾ بگو: ای قوم من!
عمل کنید شما بر حالت خویش، هرآیینه من نیز عمل
کننده‌ام. زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت
پسندیده در آخرت، هرآیینه رستگار نشوند ظالمان.
﴿۱۳۵﴾ [1] و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده
است از جنس زراعت و چهارپایان، حصّه‌ای، گفتند: این
حصّه برای خدا است به گمان خویش و این حصّه برای
شرکایی که ما مقرر کرده‌ایم، پس آنچه بود برای شرکای
ایشان، نمی‌رسد به خدا و آنچه باشد برای خدا می‌رسد به
شرکای ایشان، بدچیزی است که مقرر می‌کنند. ﴿۱۳۶﴾
همچنین آراسته کرده است در نظر بسیاری از مشرکان،
قتل اولاد ایشان را شرکای ایشان[2] تا هلاک کنند ایشان را
و تا مختلط کنند بر ایشان دین ایشان را و اگر خواستی
خدا، نکردندی این کار، پس بگذار ایشان را با مفتریات
ایشان. ﴿۱۳۷﴾

۱- مترجم گوید: اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند، از آن جمله آن است که از زراعت و مواشی، پاره‌ای برای خدا مقرر می‌کردند، پاره‌ای برای بتان و حصهٔ خدا بر مساکین و ضعیفان صرف می‌کردند و حصهٔ بتان به آستانه بتان می‌رسانیدند، پس اگر جیزی از حصه بتان مخلوط می‌شد، ترک می‌کردند که خدا حاجت ندارد و اگر از حصهٔ بتان در حصهٔ خدا مخلوط می‌شد، آن را جدا می‌کردند که بتان محتاج‌اند و آن جمله آن است که قتل دختران تجویز می‌کردند و پیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند و از آن جمله آن است که بعض زراعت و مواشی را حجر می‌ساختند که غیر سدنهٔ بتان کسی دیگر نخورد و آنچه برای بتان ذبح می‌کردند، نام خدا بر آن نمی‌گرفتند. از آن جمله آن است که جون به حائر و سوائب بچه می‌دادند، اگر زنده بودی، مردان را حلال می‌دانستند نه زنان را و اگر مرده بودی، همه را حلال می‌دانستند. خدا تعالی درّ این مذاهب باطله فرموده و آنچه حکم حق است بیان فرمود و محرماتی که همه اهل باطل بر آن متفق‌اند، ذکر کرد، والله اعلم.

۲- یعنی شیاطین که وسوسه کرده‌اند با پیشوایان که مذهب قرار داده‌اند، والله اعلم.

وَقَالُواْ هَٰذِهِۦٓ أَنۡعَٰمٞ وَحَرۡثٌ حِجۡرٞ لَّا يَطۡعَمُهَآ إِلَّا مَن
نَّشَآءُ بِزَعۡمِهِمۡ وَأَنۡعَٰمٌ حُرِّمَتۡ ظُهُورُهَا وَأَنۡعَٰمٞ لَّا
يَذۡكُرُونَ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا ٱفۡتِرَآءً عَلَيۡهِۚ سَيَجۡزِيهِم
بِمَا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُواْ مَا فِي بُطُونِ هَٰذِهِ
ٱلۡأَنۡعَٰمِ خَالِصَةٞ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِنَاۖ وَإِن
يَكُن مَّيۡتَةٗ فَهُمۡ فِيهِ شُرَكَآءُۚ سَيَجۡزِيهِمۡ وَصۡفَهُمۡۚ إِنَّهُۥ
حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿١٣٩﴾ قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓاْ أَوۡلَٰدَهُمۡ
سَفَهَۢا بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ ٱللَّهُ ٱفۡتِرَآءً عَلَى
ٱللَّهِۚ قَدۡ ضَلُّواْ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ ۞وَهُوَ ٱلَّذِيٓ
أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ
وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا
وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ
يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٤١﴾
وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ حَمُولَةٗ وَفَرۡشٗاۚ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ
وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ
﴿١٤٢﴾

و گفتند: این چهارپایان و زراعت «حجر» است، نخورد آن را مگر آنکه ما خواهیم بگمانِ خویش و چهارپایان دیگرند که حرام کرده شده است سواری بر پشت آنها و چهارپایان دیگرند که نام خدا نمی‌گیرند نزدیک ذبح آنها به سبب آنکه دروغ بسته‌اند بر خدا. جزا خواهد داد ایشان را به مقابلهٔ آنچه افترا می‌کردند. ﴿۱۳۸﴾ و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان باشد[۱]، حلال است برای مردمان ما و حرام است بر زنانِ ما و اگر مرده باشد همه در آن شریکند. جزا خواهد داد به مقابلهٔ این بیانِ ایشان، هرآیینه او استوارکارِ داناست. ﴿۱۳۹﴾ هرآیینه زیانکار شدند آنان‌که کشتند فرزندانِ خود را از جهت بی‌خردی به غیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن بر خدا، به تحقیق گمراه شدند ایشان و نشدند راه یافتگان. ﴿۱۴۰﴾ و خدا آن است که پیدا کرد بوستان‌ها برداشته شده بر پایه‌ها[۲] و بوستان‌های برداشته نشده برپایه‌ها[۳] و پیدا کرد درختان خرما و زراعت را، گوناگون میوه‌های هر یکی و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر[۴]. بخورید از میوه‌های آن، چون میوه بیرون آورد و بدهید زکات او را روز درودنِ وی و اسراف مکنید، هرآیینه خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را. ﴿۱۴۱﴾ و پیدا کرد از چهارپایان بار بردارنده را و جانورانی را که بر زمین غلطانند به جهت ذبح. بخورید از آنچه روزی داده است خدا شما را و پیروی مکنید گام‌های شیطان را، هرآیینه او شما را دشمن ظاهر است. ﴿۱۴۲﴾

۱- یعنی در شکم بعائر و سوائب باشد.

۲- یعنی درختان انگور و مانند آن، والله اعلم.

۳- یعنی درختان بر ساق ایستاده، والله اعلم.

۴- یعنی افراد هر نوعی به اعتبار صورت، مانند یکدیگرند و به اعتبار مزه، نه، والله اعلم.

ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ
ءَآلذَّكَرَيۡنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ
أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ نَبِّـُٔونِي بِعِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾
وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ ءَآلذَّكَرَيۡنِ
حَرَّمَ أَمِ ٱلۡأُنثَيَيۡنِ أَمَّا ٱشۡتَمَلَتۡ عَلَيۡهِ أَرۡحَامُ ٱلۡأُنثَيَيۡنِۖ
أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَاۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ
مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُل لَّآ أَجِدُ فِي
مَآ أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ إِلَّآ أَن
يَكُونَ مَيۡتَةً أَوۡ دَمٗا مَّسۡفُوحًا أَوۡ لَحۡمَ خِنزِيرٖ فَإِنَّهُۥ
رِجۡسٌ أَوۡ فِسۡقًا أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۚ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ
بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى ٱلَّذِينَ
هَادُواْ حَرَّمۡنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٖۖ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ وَٱلۡغَنَمِ حَرَّمۡنَا
عَلَيۡهِمۡ شُحُومَهُمَآ إِلَّا مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ أَوِ ٱلۡحَوَايَآ
أَوۡ مَا ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖۚ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِبَغۡيِهِمۡۖ وَإِنَّا
لَصَٰدِقُونَ ﴿١٤٦﴾

آفرید هشت قسم را، از گوسپند دو قسم[۱] و از بز دو قسم (یعنی نر و ماده) از هر یک، بگو: آیا این دو نر را حرام کرده است خدای تعالی یا این دو ماه را یا آن را که مشتمل شده است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ خبر دهید مرا به دانش[۲] اگر هستید راستگو. ﴿۱۴۳﴾ و پیدا کرده از شتر، دو قسم و از گاو، دو قسم، بگو: آیا این دو نر را حرام کرده است خدا یا این دو ماده را یا آن را که مشتمل شده است بر وی رحم‌های این دو ماده؟ آیا حاضر بودید وقتی که حکم کرد شما را خدا به آن؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بندد بر خدا دروغ، تا گمراه کند مردمان را به غیر دانش، هرآیینه خدا راه نمی‌نماید قوم ستمکاران را. ﴿۱۴۴﴾ بگو: نمی‌یابم در آنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیز حرام، بر خورنده‌ای که بخورد آن را، مگر آنکه باشد مردار یا خونِ ریخته شده یا گوشتِ خوک، پس هرآیینه آن حرام است. یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده شده وقت ذبح او. پس هر که درمانده شود نه بغی کننده و نه از حد گذرنده، پس هرآیینه پروردگار تو آمرزندۀ مهربان است[۳]. ﴿۱۴۵﴾ و بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن‌دار[۴] و از گاو و گوسفند حرام ساختیم بر ایشان پیۀ این دو قسم، مگر پیهی که برداشته است آن را پشت این دو قسم یا برداشته است آن را روده‌ها یا آنچه متعلق شد به استخوان. این طور جزا دادیم ایشان را بمقابلۀ ستم ایشان، و هرآیینه ما راستگوییم. ﴿۱۴۶﴾

۱- یعنی نر و ماده از هریک، والله اعلم.

۲- یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل، علیهما السلام، و از کتب الهیه، والله اعلم.

۳- مراد، حصر اضافی است به نسبت بهیمه الانعام و آن اصناف ثمانیۀ مذکور است. سگ و شیر و باز و غیر آن اگرچه حرام است، از بهیمۀ الانعام نیست و در آن بحث نداشتند، والله اعلم.

۴- یعنی مثل شتر و شترمرغ، والله اعلم.

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمۡ ذُو رَحۡمَةٖ وَٰسِعَةٖ وَلَا يُرَدُّ
بَأۡسُهُۥ عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٤٧﴾ سَيَقُولُ ٱلَّذِينَ
أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَآ أَشۡرَكۡنَا وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا
حَرَّمۡنَا مِن شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ
حَتَّىٰ ذَاقُواْ بَأۡسَنَاۗ قُلۡ هَلۡ عِندَكُم مِّنۡ عِلۡمٖ
فَتُخۡرِجُوهُ لَنَآۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَإِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا
تَخۡرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلۡ فَلِلَّهِ ٱلۡحُجَّةُ ٱلۡبَٰلِغَةُۖ فَلَوۡ شَآءَ
لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلۡ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ
يَشۡهَدُونَ أَنَّ ٱللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَاۖ فَإِن شَهِدُواْ فَلَا تَشۡهَدۡ
مَعَهُمۡۚ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱلَّذِينَ لَا
يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ ۞قُلۡ
تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ
شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ
إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ
ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ
تَعۡقِلُونَ ﴿١٥١﴾

پس اگر به دروغ نسبت کنند تو را، بگو که: پروردگار شما خداوندِ مهربانی بسیار است و رد کرده نمی‌شود عقوبت او از قوم ستمکاران. ﴿۱۴۷﴾ زود باشد که بگویند مشرکان: اگر خواستی خدا (یعنی رضای او بودی) شریک مقرر نمی‌کردیم و نه پدران ما می‌کردندی و نه حرام می‌کردیم چیزی را. همچنین به دروغ نسبت کردند کسانی که پیش از ایشان بودند، تا آنکه چشیدند عقوبت ما. بگو: آیا هست نزد شما دانش؟[۱] پس بیرون آرید آن را برای ما. پیروی نمی‌کنید مگر شبهه را و نیستید شما مگر دروغگو. ﴿۱۴۸﴾ بگو: خدای راست، دلیل محکم، پس اگر خواستی خدا، هدایت کردی شما را همه یکجا. ﴿۱۴۹﴾ بگو: بیارید علمای خود را، آنان‌که گواهی می‌دهند که خدا حرام ساخته است این را. پس [یا محمد] اگر به فرض گواهی دهند، تو معترف مشو با ایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و کسانی که اعتقاد ندارند به آخرت و ایشان با پروردگار خود برابر می‌کنند[۲]. ﴿۱۵۰﴾ بگو: بیایید تا بخوانم آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما، [فرموده است] که: شریک او مقرر مکنید چیزی را و به والدین نیکوکاری کنید و مکشید اولاد خود را از ترسِ فقر، ما روزی می‌دهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید به بی‌حیایی‌ها[۳]، آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد. و مکشید هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتنش، الاّ به حق[۴]. به این حکم فرموده است شما را تا بُوَد که شما بفهمید. ﴿۱۵۱﴾

۱- یعنی نقلی از کتب الهی، والله اعلم.

۲- یعنی معبود باطل را، والله اعلم.

۳- یعنی به زنا و لواطت.

۴- یعنی به قصاص و مثل آن.

وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ
يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا
نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ
كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ
لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١٥٢ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا
فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن
سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٥٣
ثُمَّ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ تَمَامًا عَلَى ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ
وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُم بِلِقَآءِ
رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ١٥٤ وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ
فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٥٥ أَن تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ
أُنزِلَ ٱلۡكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيۡنِ مِن قَبۡلِنَا وَإِن كُنَّا عَن
دِرَاسَتِهِمۡ لَغَٰفِلِينَ ١٥٦ أَوۡ تَقُولُواْ لَوۡ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا
ٱلۡكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهۡدَىٰ مِنۡهُمۡۚ فَقَدۡ جَآءَكُم بَيِّنَةٞ مِّن
رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞۚ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَّبَ
بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَصَدَفَ عَنۡهَاۗ سَنَجۡزِي ٱلَّذِينَ يَصۡدِفُونَ
عَنۡ ءَايَٰتِنَا سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصۡدِفُونَ ١٥٧

و نزدیک مشوید به مال یتیم، الاّ به خصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد به جوانی خود و تمام کنید پیمانه و ترازو را به انصاف. تکلیف نمی‌دهیم هیچ‌کس را مگر قدر طاقت او و چون سخن گویید[۱]، پس رعایت انصاف بنمایید و اگرچه [آن محکوم علیه] صاحب قرابت باشد و به عهد خدا[۲] وفا کنید. این حکم فرموده است شما را تا پندپذیر شوید. ﴿۱۵۲﴾ و خبر داده است که آنچه مذکور شد راه من است، راست و درست آمده، پس پیروی او کنید و پیروی مکنید راه‌های دیگر را که [این راه‌ها] جدا کنند شما را از راه خدا. این حکم فرموده است شما را تا پرهیزگاری کنید. ﴿۱۵۳﴾ باز می‌گوییم که داده بودیم موسی را کتاب، تا نعمت تمام کنیم بر هر که نیکوکار بود و بیان کنیم هر چیزی را و به جهت هدایت و مهربانی، تا ایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آرند[۳]. ﴿۱۵۴﴾ و این قرآن، کتابی است که فرو فرستادیمش با برکت، پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما. ﴿۱۵۵﴾ فرستادیمش تا نگویید: بجز این نیست که فرود آورده شد کتاب (یعنی تورات و انجیل) بر دو گروهِ پیش از ما و به تحقیق بودیم ما از تلاوت ایشان بی‌خبر. ﴿۱۵۶﴾ یا گویید: اگر فرود آورده شدی بر ما کتاب، هرآیینه بودیمی راه یافته‌تر از ایشان. پس آمده است به شما حجّتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش. پس کیست ستمکارتر از کسی که به دروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن، جزا خواهیم داد اعراض کنندگان را از آیاتِ خویش، بدترین عذاب، به سبب آنکه اعراض می‌کردند. ﴿۱۵۷﴾

۱- یعنی گواهی دهید یا حکم کنید، والله اعلم.

۲- یعنی به نذر او.

۳- مترجم گوید: ظاهر نزدیک این بنده آن است که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره را در ازل بر قوم نوح و هلمّ جرّا بازدادیم موسی را کتاب، والله اعلم.

هَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ رَبُّكَ أَوۡ يَأۡتِيَ بَعۡضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَۗ يَوۡمَ يَأۡتِي بَعۡضُ ءَايَٰتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفۡسًا إِيمَٰنُهَا لَمۡ تَكُنۡ ءَامَنَتۡ مِن قَبۡلُ أَوۡ كَسَبَتۡ فِيٓ إِيمَٰنِهَا خَيۡرٗاۗ قُلِ ٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗا لَّسۡتَ مِنۡهُمۡ فِي شَيۡءٍۚ إِنَّمَآ أَمۡرُهُمۡ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشۡرُ أَمۡثَالِهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَا وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ دِينٗا قِيَمٗا مِّلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلۡ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحۡيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُۥۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرۡتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖۚ وَلَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٍ إِلَّا عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ ٱلۡأَرۡضِ وَرَفَعَ بَعۡضَكُمۡ فَوۡقَ بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمُۢ ﴿١٦٥﴾

آیا منتظر نیستند مگر آن را که بیایند بدیشان فرشتگان؟[1] یا بیاید حُکم پروردگار؟ تو یا بیاید بعض نشانه‌های پروردگار تو؟[2] روزی که بیاید بعض نشانه‌های پروردگار تو، نفع ندهد نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش از این ایمان او، یا نفع ندهد نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود، عمل خیر[3]. تو به او بگو: انتظار کنید، هرآیینه ما نیز منتظریم. ﴿۱۵۸﴾ به تحقیق کسانی که پراکنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند، نیستی از ایشان در هیچ حساب[4]. جز این نیست که کار ایشان گذاشته شده به سوی خداست، باز خبر دهد ایشان را به عاقبت آنچه می‌کردند. ﴿۱۵۹﴾ هر که آورد نیکی، پس او راست ده چند آن، و هر که آورد بدی، جزا داده نخواهد شد الاّ مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد. ﴿۱۶۰﴾ بگو: هرآیینه دلالت کرده است مرا پروردگار من به سوی راهِ راست، مراد می‌دارم دین درست، کیش ابراهیم را حنیف شده و نه بود از مشرکان. ﴿۱۶۱﴾ بگو: هرآیینه نماز من و حج من و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶۲﴾ هیچ شریک نیست او را و به این توحید فرموده شد مرا و من نخستین مسلمانانم. ﴿۱۶۳﴾ بگو: آیا طلب کنم پروردگاری غیر خدا، و اوست پروردگار همه چیز؟ و عمل نمی‌کند هیچ کسی مگر بر ذات خود و برندارد هیچ بردارنده، بار دیگر را. باز به سوی پروردگارِ شما رجوع شما باشد، پس خبردار کند شما را به آنچه که در آن اختلاف می‌کردید. ﴿۱۶۴﴾ و او آن است که ساخت شما را پادشاهان زمین و بلند کرد بعضی را بالای بعضی درجه‌ها تا بیازماید شما را در آنچه داده است به شما، هرآیینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است و هرآیینه او آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۶۵﴾

۱- یعنی برای قبض ارواح.

۲- یعنی طلوع شمس از مغرب یا دابۀالارض، والله اعلم.

۳- یعنی آن روز، توبه گنهکار و ایمان کافر، قبول نشود، الله اعلم.

۴- یعنی از تو مؤاخذه نخواهند کرد، والله اعلم.

سُورَةُ الأَعۡرَافِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓصٓ (١) كِتَٰبٌ أُنزِلَ إِلَيۡكَ فَلَا يَكُن فِي صَدۡرِكَ
حَرَجٞ مِّنۡهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ (٢) ٱتَّبِعُواْ
مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ
أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ (٣) وَكَم مِّن قَرۡيَةٍ
أَهۡلَكۡنَٰهَا فَجَآءَهَا بَأۡسُنَا بَيَٰتًا أَوۡ هُمۡ قَآئِلُونَ (٤) فَمَا
كَانَ دَعۡوَىٰهُمۡ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا
ظَٰلِمِينَ (٥) فَلَنَسۡـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرۡسِلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَنَسۡـَٔلَنَّ
ٱلۡمُرۡسَلِينَ (٦) فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيۡهِم بِعِلۡمٖۖ وَمَا كُنَّا
غَآئِبِينَ (٧) وَٱلۡوَزۡنُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّۚ فَمَن ثَقُلَتۡ
مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ (٨) وَمَنۡ خَفَّتۡ
مَوَٰزِينُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ
بِـَٔايَٰتِنَا يَظۡلِمُونَ (٩) وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَۗ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ (١٠)
وَلَقَدۡ خَلَقۡنَٰكُمۡ ثُمَّ صَوَّرۡنَٰكُمۡ ثُمَّ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ
ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ لَمۡ يَكُن مِّنَ
ٱلسَّٰجِدِينَ (١١)

سوره أعراف

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

المّص. ﴿۱﴾ این کتابی است که فروآورده شد به سوی
تو، پس باید که نباشد در سینۀ تو هیچ تنگی از تبلیغ او؛
[فرود آورده شده] تا بیم کنی به آن و برای پند، مسلمانان.
را ﴿۲﴾ پیروی کنید آن را که فرود آورده شد به سوی
شما از جانب پروردگار شما و پیروی مکنید بجز وی
دوستان را[۱]، اندکی پند می‌پذیرید. ﴿۳﴾ و بسا دیه که
هلاک کردیمش، پس آمد به آن عقوبت ما و ایشان
شبانگاه آرمیده بودند یا وقتی که ایشان در خواب نیمروز
بودند. ﴿۴﴾ پس نبود قول ایشان، چون بیاید به ایشان
عقوبتِ ما اِلاّ آنکه گفتند: هرآیینه ما ستمکار بودیم. ﴿۵﴾
پس البته سؤال خواهیم کرد آن کسانی را که پیغامبر
فرستاده شد به سوی ایشان و البته سؤال خواهیم کرد
پیغامبران را. ﴿۶﴾ پس البته بیان خواهیم کرد به حضور
ایشان[۲] به دانش و نبودیم غایب. ﴿۷﴾ و سنجیدن اعمال
به انصاف آن روز بودنی است؛ پس هر که گران شد پلۀ
نیکی‌های او، پس ایشانند رستگار. ﴿۸﴾ و هر که سبک
شد پلۀ نیکی‌های او، پس آن جماعت، آنانند که زیان
کردند در حقِّ خویشتن به سبب آنکه به آیات ما انکار
می‌کردند. ﴿۹﴾ و هرآیینه استقرار دادیم شما را در زمین و
پیداکردیم برای شما در آنجا اسباب معیشت. اندکی شکر
می‌کنید. ﴿۱۰﴾ و هرآیینه آفریدیم شما را (یعنی پدر شما
را) باز صورت بستیم شما را (یعنی پدر شما را) باز گفتیم به
فرشتگان که: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر
ابلیس، نبود از سجده کنندگان. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی معبودان باطل که دوست می‌گرفتید، والله اعلم.

۲- یعنی همۀ اعمال ایشان را.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ
مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ﴿١٢﴾ قَالَ
فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا
فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ
يُبۡعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَبِمَآ
أَغۡوَيۡتَنِي لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ صِرَٰطَكَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ
لَأٓتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ وَعَنۡ أَيۡمَٰنِهِمۡ
وَعَن شَمَآئِلِهِمۡۖ وَلَا تَجِدُ أَكۡثَرَهُمۡ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ
ٱخۡرُجۡ مِنۡهَا مَذۡءُومٗا مَّدۡحُورٗاۖ لَّمَن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ
لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ
أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ فَكُلَا مِنۡ حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا
تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾
فَوَسۡوَسَ لَهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ لِيُبۡدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا
مِن سَوۡءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنۡ هَٰذِهِ
ٱلشَّجَرَةِ إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيۡنِ أَوۡ تَكُونَا مِنَ
ٱلۡخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ
﴿٢١﴾ فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ بَدَتۡ لَهُمَا
سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۖ
وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمۡ أَنۡهَكُمَا عَن تِلۡكُمَا ٱلشَّجَرَةِ
وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٢٢﴾

گفت خدا: چه چیز منع کرد تو را از آنکه سجده کنی، وقتی که امر کردم تو را؟ گفت: من بهترم از او؛ آفریده‌ای مرا از آتش و آفریده‌ای او را از گِل. ﴿۱۲﴾ گفت: پس فرود رو از آسمان؛ زیراکه لایق نیست تو را که سرکشی کنی درآن، پس بیرون شو، هرآیینه تو از خوار شوندگانی ﴿۱۳﴾ گفت: بار خدایا! مهلت ده مرا تا روزی که آدمیان برانگیخته شوند. ﴿۱۴﴾ گفت: خدا هرآیینه تو از مهلت داده شدگانی. ﴿۱۵﴾ پس گفت: به سبب آنکه گمراه کردی مرا، البته بنشینم برای آدمیان به راه راست تو (یعنی تا از آن منع کنم). ﴿۱۶﴾ پس البته بیایم به سوی ایشان، از پیشِ ایشان و از پسِ پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان و نیابی اکثر ایشان را شکرگزار. ﴿۱۷﴾ گفت: بیرون رو از آسمان، نکوهیدهٔ رانده شده. به خدا، هر که پیروی کند تو را از آدمیان، البته پر کنم دوزخ را از شما، همه یکجا. ﴿۱۸﴾ و گفتیم: ای آدم! ساکن شو تو و زنِ تو در بهشت. پس بخورید از هر جاکه خواهید و نزدیکْ مشوید به این درخت که خواهید شد از ستمکاران. ﴿۱۹﴾ پس وسوسه داد ایشان را شیطان تا آشکاراگرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرمگاه‌های ایشان؛ و گفت: منع نکرده است شما را پروردگار شما از این درخت، مگر برای احتیاط از آنکه شوید دو فرشته یا شوید از جاویدْ باشندگان. ﴿۲۰﴾ و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شما را. ﴿۲۱﴾ پس به سوی پستی انداخت ایشان را به فریب دادن. پس چون چشیدند آن درخت را، ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می‌چسبانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان: آیا منع نکرده بودم شما را از این درخت و نگفته بودم به شماکه هرآیینه شیطان شما را دشمن آشکارا است؟!. ﴿۲۲﴾

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا
لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ ٱهْبِطُواْ بَعْضُكُمْ
لِبَعْضٍ عَدُوٌّۖ وَلَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ
حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا
تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا
يُوَٰرِي سَوْءَٰتِكُمْ وَرِيشًاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌۚ
ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ
لَا يَفْتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ كَمَآ أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ
ٱلْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَآۚ إِنَّهُۥ
يَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْۗ إِنَّا
جَعَلْنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾ وَإِذَا
فَعَلُواْ فَٰحِشَةً قَالُواْ وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا
بِهَاۗ قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِٱلْقِسْطِۖ وَأَقِيمُواْ
وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَٱدْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ
ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا
حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُۚ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ ٱلشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گفتند: ای پروردگار ما! ستم کردیم بر خویش و اگر نیامرزی ما را و مهربانی نکنی بر ما، البته از زیانکاران باشیم. ﴿۲۳﴾ گفت خدا: فرو روید؛ بعضِ شما بعضی را دشمن خواهد بود، و شما را در زمین استقرار و بهره‌مندی باشد تا وقتی معیّن (یعنی تا مرگ). ﴿۲۴﴾ گفت خدا: در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید. ﴿۲۵﴾ ای فرزندان آدم! هرآیینه ما فرود آوردیم بر شما لباسی که بپوشد شرمگاه شما را و فرود آوردیم جامه‌های زینت را و لباس پرهیزگاری، وی از همه بهتر است. این از نشانه‌های خداست تا ایشان پندپذیر شوند. ﴿۲۶﴾ ای فرزندان آدم! گمراه نکند شما را شیطان چنانکه بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت. برمی‌کشید از ایشان جامهٔ ایشان را تا بنماید ایشان را شرمگاه ایشان، هرآیینه شیطان و قوم او می‌بینند شما را از آنجا که شما نمی‌بینید ایشان را، هرآیینه ما ساختیم شیاطین را کارگزار کسانی که ایمان ندارند. ﴿۲۷﴾ و (کارگزار آنان‌که) چون بکنند کار زشت، گویند: یافتیم بر این کار، پدران خود را و خدا فرموده است ما را به آن. بگو: هرآیینه خدا نمی‌فرماید به کار زشت، آیا می‌گویید بر خدا آنچه نمی‌دانید؟. ﴿۲۸﴾ بگو: هرآیینه فرموده است پروردگار من به انصاف، و فرموده است که: راست کنید روی خود را[1] وقت هر نماز و بپرستید او را برای او خالص کرده عبادت را، چنانکه آفرید شما را، همچنان دیگر بار خواهید شد[2]. ﴿۲۹﴾ گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان گمراهی، هرآیینه ایشان شیاطین را دوست گرفتند بجز خدا و می‌پنداشتند که ایشان راه یافتگانند. ﴿۳۰﴾

۱- یعنی به سوی کعبه.

۲- یعنی سر و پا برهنه ختنه ناکرده محشور شوید، والله اعلم.

۞يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ
وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلۡ
مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ
مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَعۡلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ
بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا
لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٞۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ لَا
يَسۡتَأۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ﴿٣٤﴾ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ
إِمَّا يَأۡتِيَنَّكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَقُصُّونَ عَلَيۡكُمۡ
ءَايَٰتِي فَمَنِ ٱتَّقَىٰ وَأَصۡلَحَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَآ
أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنۡ
أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓۚ
أُوْلَٰٓئِكَ يَنَالُهُمۡ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا
جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوۡنَهُمۡ قَالُوٓاْ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَدۡعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ
أَنَّهُمۡ كَانُواْ كَٰفِرِينَ ﴿٣٧﴾

ای فرزندان آدم! بگیرید زینت خود را[۱] نزدیک هر نماز و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد از حدگذرندگان را. ﴿۳۱﴾ بگو: کِه حرام کرد زینت خدا راکه پیدا کرده است برای بندگان خود، و کِه حرام کرده است پاکیزه‌ها را از رزق؟ بگو: آن پاکیزه‌ها (از ملابس و مآکل) برای مسلمانان است در زندگیِ دنیا[۲]، خالص شده برای ایشان روز قیامت، همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها برای گروهی که می‌دانند[۳]. ﴿۳۲﴾ بگو: جز این نیست که حرام کرده است پروردگار من بی‌حیایی‌ها را؛ آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد، و حرام کرده است گناه را و تعدّیِ ناحق را و آنکه شریکِ خدا مقرر کنید چیزی راکه خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است و آنکه بگویید بر خدا آنچه نمی‌دانید. ﴿۳۳﴾ هر گروهی را میعادی است[۴]؛ پس چون بیاید[۵] میعاد ایشان، تأخیر نکنند یک ساعت و نه سبقت کنند[۶]. ﴿۳۴﴾ ای فرزندان آدم، اگر بیایند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خوانند بر شما آیات مرا. پس هر که پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید، پس هیچ ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۳۵﴾ و کسانی که به دروغ نسبت کردند آیاتِ ما را و سرکشی کردند از قبول آنها، ایشان باشندگان دوزخند؛ ایشان آنجا جاویدانند. ﴿۳۶﴾ پس کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغ را یا به دروغ نسبت کرد آیات او را؟ آن جماعت، برسد به ایشان بهرۀ ایشان از آنچه نوشته شده در لوح محفوظ[۷] تا وقتی که بیایند نزدیک ایشان فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند، گویند: کجاست آنچه شما می‌پرستیدید بجز خدا؟ گویند: گم شدند ایشان از ما و معترف شدند بر نفس‌های خویش به این که ایشان کافر بودند. ﴿۳۷﴾

۱- یعنی لباس خود را.

۲- یعنی لائق ایشان است، اگرچه دیگران نیز استعمال کنند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: درین آیت اشارت است بر مذهب رهبان یهود و نصاری و مختشین عرب که توسع را در مآکل و ملابس، مکروه می‌داشتند، والله اعلم.

۴- یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان، والله اعلم.

۵- یعنی نزدیک شود.

۶- یعنی بر زبان حضرت آدم، چنانکه در سورۀ بقرۀ اشارت رفت، والله اعلم.

۷- یعنی نعمت و نعمت که مقدر شده در دنیا به ایشان برسد، والله اعلم.

قَالَ ٱدۡخُلُواْ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِكُم مِّنَ
ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ فِي ٱلنَّارِۖ كُلَّمَا دَخَلَتۡ أُمَّةٞ لَّعَنَتۡ
أُخۡتَهَاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا ٱدَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعٗا قَالَتۡ أُخۡرَىٰهُمۡ
لِأُولَىٰهُمۡ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا فَـَٔاتِهِمۡ عَذَابٗا ضِعۡفٗا
مِّنَ ٱلنَّارِۖ قَالَ لِكُلّٖ ضِعۡفٞ وَلَٰكِن لَّا تَعۡلَمُونَ ﴿٣٨﴾
وَقَالَتۡ أُولَىٰهُمۡ لِأُخۡرَىٰهُمۡ فَمَا كَانَ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن
فَضۡلٖ فَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ
أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ
فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُم
مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٞ وَمِن فَوۡقِهِمۡ غَوَاشٖۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَا
نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ
هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ
غِلّٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي
هَدَىٰنَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهۡتَدِيَ لَوۡلَآ أَنۡ هَدَىٰنَا ٱللَّهُۖ
لَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلۡحَقِّۖ وَنُودُوٓاْ أَن تِلۡكُمُ
ٱلۡجَنَّةُ أُورِثۡتُمُوهَا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٤٣﴾

حکم کند خداکه داخل شوید همراه امّتانی که گذاشته‌اند پیش از شما از جن و انس در آتش. هرگاه که درآید قومی، لعنت کند قومی دیگر مانند خود را تا وقتی که به یکدیگر برسند در دوزخ، همه یکجا. گوید جماعت متأخّر از ایشان در حقّ جماعت متقدّم از ایشان: ای پروردگار ما! ایشان گمراه کردند ما را، پس بده ایشان را عذابِ دو چند از دوزخ. فرماید خدا: هر یکی را دو چند است و لیکن نمی‌دانند[۱]. ﴿۳۸﴾ و گویند جماعت متقدم از ایشان جماعت متأخّر را از ایشان: پس نیست شما را هیچ بزرگی بر ما، پس بچشید عذاب را به سبب آنچه می‌کردید. ﴿۳۹﴾ هرآیینه کسانی که به دروغ نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آن، هرگز گشاده نشود بر ایشان دروازه‌های آسمان و در نیایند به بهشت تا وقتی که داخل شود شتر در سوراخ سوزن[۲]، و همچنین جزا می‌دهیم گناهکاران را. ﴿۴۰﴾ ایشان را از دوزخ فرش بود و از بالای ایشان [از دوزخ] پوشش‌ها باشد و همچنین جزا می‌دهیم ستمکاران را. ﴿۴۱﴾ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، تکلیف نمی‌دهیم هیچ‌کس را مگر قدر طاقت او. آن جماعت باشندگان بهشتند، ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۴۲﴾ و بیرون آریم آنچه در سینه‌های ایشان بود از کینه[۳]. می‌رود زیر ایشان نهرها و گویند: سپاس آن خدای راست که دلالت کرد ما را به سوی این بهشت و هرگز مستعدِّ راه یافتن نبودیم، اگر راه ننمودی ما را خدا. هرآیینه آمدند فرستادگان پروردگار ما به راستی و نداکرده شوند که این بهشت، داده شدید آن را به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۴۳﴾

۱- یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال، والله اعلم.

۲- یعنی محال است، والله اعلم.

۳- یعنی آن کینه‌ها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم، مثل آنچه میان عثمان و علی و طلحه و زبیر و عائشه‌ رضی الله عنهم واقع شد، والله اعلم.

وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ أَن قَدۡ وَجَدۡنَا
مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقّٗا فَهَلۡ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمۡ
حَقّٗاۖ قَالُواْ نَعَمۡۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنُۢ بَيۡنَهُمۡ أَن لَّعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ
وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ كَٰفِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيۡنَهُمَا
حِجَابٞۚ وَعَلَى ٱلۡأَعۡرَافِ رِجَالٞ يَعۡرِفُونَ كُلَّۢا
بِسِيمَىٰهُمۡۚ وَنَادَوۡاْ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَن سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡۚ
لَمۡ يَدۡخُلُوهَا وَهُمۡ يَطۡمَعُونَ ﴿٤٦﴾ ۞وَإِذَا صُرِفَتۡ
أَبۡصَٰرُهُمۡ تِلۡقَآءَ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا
مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَىٰٓ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَعۡرَافِ
رِجَالٗا يَعۡرِفُونَهُم بِسِيمَىٰهُمۡ قَالُواْ مَآ أَغۡنَىٰ عَنكُمۡ
جَمۡعُكُمۡ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٨﴾ أَهَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ
أَقۡسَمۡتُمۡ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحۡمَةٍۚ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ لَا
خَوۡفٌ عَلَيۡكُمۡ وَلَآ أَنتُمۡ تَحۡزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَىٰٓ
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ أَنۡ أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا
مِنَ ٱلۡمَآءِ أَوۡ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُۚ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ
حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا
وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ فَٱلۡيَوۡمَ نَنسَىٰهُمۡ كَمَا
نَسُواْ لِقَآءَ يَوۡمِهِمۡ هَٰذَا وَمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ
﴿٥١﴾

و ندا کنند اهل بهشت، اهل دوزخ را که: ما راست یافتیم آنچه وعده کرده به ما پروردگار ما، پس آیا شما هم راست یافتید آنچه به شما وعده کرده بود پروردگار شما؟! گفتند: آری! پس آواز کند، آواز کننده در میان ایشان که لعنت خدا بر آن ستمکاران است. ﴿۴۴﴾ که باز می‌داشتند مردمان را از راه خدا و می‌خواستند برای آن، راه کجی[1] و ایشان به آخرت اعتقاد نداشتند. ﴿۴۵﴾ در میان بهشت و دوزخ حجابی است[2] و بر اعراف مردمانی باشند که می‌شناسند هر یکی را [از اهل موضعین] به قیافۀ ایشان و ندا کنند اهل اعراف، اهل بهشت را که: سلام علیکم! هنوز به بهشت نه در آمدند و ایشان طمع آن دارند. ﴿۴۶﴾ و چون گردانیده شود چشم اهل اعراف به طرف اهل دوزخ، گویند: ای پروردگار ما! مکن ما را همراه گروه ستمکاران. ﴿۴۷﴾ و ندا کنند اهل اعراف مردمانی را که می‌شناسند ایشان را به قیافۀ ایشان، گویند: کفایت نکرد از شما جمعیّت شما و آنکه سرکشی می‌کردید. ﴿۴۸﴾ آیا این جماعتند از آنان‌که شما قسم می‌خوردید که هرگز خدا نرساند به ایشان هیچ رحمت؟[3] [گفته شد ایشان را که:] درآیید به بهشت، هیچ ترس نیست بر شما و نه شما اندوهگین شوید. ﴿۴۹﴾ و نداکنند اهل دوزخ اهل بهشت را که: بریزید بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شما را خدا. گویند: خدا حرام ساخته است این هر دو را بر کافران. ﴿۵۰﴾ آنان‌که دین خود گرفته‌اند بازی و لهو را، و فریب داد ایشان را زندگانی دنیا، پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانچه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکار می‌کردند به آیاتِ ما[4]. ﴿۵۱﴾

۱- یعنی می‌خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

۲- و آن مسمی به اعراف است، والله اعلم.

۳- یعنی فقرای مسلمین که کافران از ایشان حسابی نمی‌گرفتند، والله اعلم.

۴- وفراموش کردن خدا، ترک ایشان است در دوزخ، والله اعلم.

وَلَقَدْ جِئْنَٰهُم بِكِتَٰبٍ فَصَّلْنَٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى
وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥۚ
يَوْمَ يَأْتِى تَأْوِيلُهُۥ يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ
جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ
فَيَشْفَعُوا۟ لَنَآ أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ ٱلَّذِى كُنَّا نَعْمَلُۚ قَدْ
خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾
إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى
سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِۖ يُغْشِى ٱلَّيْلَ ٱلنَّهَارَ
يَطْلُبُهُۥ حَثِيثًا وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتٍۭ
بِأَمْرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ
ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٥٤﴾ ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا
يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ
إِصْلَٰحِهَا وَٱدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًاۚ إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ
مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا
بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا
سُقْنَٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ ٱلْمَآءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ مِن
كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
﴿٥٧﴾

هرآیینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصّل کردیم آن را به دانش برای رهنمایی و بخشایش، مؤمنان را. ﴿۵۲﴾ انتظار نمی‌کنند کفار مگر مصداق این وعده را، روزی که بیاید مصداق آن، گویند کسانی که فراموش کرده بودند آن را پیش از این: هرآیینه آمده بودند پیغامبرانِ پروردگار ما به راستی، پس آیا هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم به سوی دنیا، پس عمل کنیم غیر آنچه می‌کردیم؟[۱] هرآیینه زیان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان آنچه افترا می‌کردند. ﴿۵۳﴾ هرآیینه پروردگار شما آن خدا است که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز؛ باز مستقر شد بر عرش؛ می‌پوشاند شب را به روز[۲]، می‌طلبد شب، روز را به شتاب[۳] و آفرید آفتاب و ماه و ستارگان را رام شده به فرمان خدا. آگاه شو او راست، آفریدن و فرمانروایی. به غایت بزرگ است، خدا پروردگار عالم‌ها. ﴿۵۴﴾ بپرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان[۴]، هرآیینه او دوست ندارد از حد گذرندگان را. ﴿۵۵﴾ فساد مکنید در زمین بعدِ اصلاح آن[۵] و بپرستید او را به ترس و امید، هرآیینه بخشایش خدا نزدیک است از نیکوکاران. ﴿۵۶﴾ و اوست آنکه می‌فرستد بادها، مژده دهنده پیش از رحمت خود[۶] تا وقتی که بردارد ابر گران را. روان کنیم آن را به سوی شهری مرده؛ پس فروآریم به واسطهٔ آن ابر آب را، پس بیرون آریم به آن آب، از جنس هر میوه. همچنین بیرون آریم مردگان را[۷] تا شما پندپذیر شوید. ﴿۵۷﴾

۱- یعنی مسلمان شویم و بت را نپرستیم.

۲- یعنی گاهی اجزای شب را به لباس نهار پوشانیده، در حساب نهار می‌گرداند، والله اعلم.

۳- یعنی از پی درآمدن شب بعد روز، مشابه آن است که گویا کسی کسی را دوان و شتابان می طلبد.

۴- در اصل متن، مردان آمده است.

۵- یعنی به سبب بعثت رسول ﷺ.

۶- یعنی پیش از باران.

۷- یعنی از قبور بیرون کنیم.

وَٱلۡبَلَدُ ٱلطَّيِّبُ يَخۡرُجُ نَبَاتُهُۥ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَٱلَّذِي
خَبُثَ لَا يَخۡرُجُ إِلَّا نَكِدٗاۚ كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ
لِقَوۡمٖ يَشۡكُرُونَ ﴿٥٨﴾ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ
فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ إِنِّيٓ
أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٥٩﴾ قَالَ ٱلۡمَلَأُ
مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ
لَيۡسَ بِي ضَلَٰلَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦١﴾
أُبَلِّغُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمۡ وَأَعۡلَمُ مِنَ
ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوَعَجِبۡتُمۡ أَن جَآءَكُمۡ ذِكۡرٞ
مِّن رَّبِّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنكُمۡ لِيُنذِرَكُمۡ وَلِتَتَّقُواْ
وَلَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَٱلَّذِينَ
مَعَهُۥ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ
كَانُواْ قَوۡمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ ۞وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ
يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا
تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا
لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٦٦﴾
قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي سَفَاهَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٧﴾

و شهر پاکیزه، بر می‌آید رستنیِ او به فرمان پروردگار او و زمین ناپاکیزه، بر نمی‌آید رستنیِ او، مگر ناهموار به دیر رونده. همچنین گوناگون بیان می‌کنیم نشانه‌ها را برای قومی که شکرگزاری می‌کنند[1]. ﴿۵۸﴾ هرآیینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبود بجز وی، هرآیینه من می‌ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ[2]. ﴿۵۹﴾ گفتند اشراف از قوم او: هرآیینه ما می‌بینیم تو را در گمراهیِ ظاهر. ﴿۶۰﴾ گفت: ای قوم من! نیست با من هیچ گمراهی و لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها. ﴿۶۱﴾ می‌رسانم به شما پیغام‌های پروردگار خود و نیک‌خواهی می‌کنم برای شما و می‌دانم از حُکم خدا آنچه نمی‌دانید. ﴿۶۲﴾ آیا تعجّب کردید از آنکه آمد به شما پندی از جانب پروردگار شما (فرود آمده) بر زبان مردی از شما، تا بیم کند شما را و تا پرهیزگاری کنید و تا مهربانی کرده شود بر شما؟. ﴿۶۳﴾ پس دروغی داشتند او را، پس نجات دادیم او را و کسانی را که با وی بودند در کشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ داشته بودند آیات ما را، هرآیینه ایشان بودند گروهی نابینا. ﴿۶۴﴾ و فرستادیم به سوی قوم عاد برادر ایشان هود را، گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود غیر او. آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟. ﴿۶۵﴾ گفتند اشراف کفار از قوم او: هرآیینه ما بینیم تو را در بی‌خردی و هرآیینه ما می‌پنداریم تو را از دروغگویان. ﴿۶۶﴾ گفت ای قوم من! نیست با من هیچ بی‌خردی و لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها. ﴿۶۷﴾

۱- مترجم گوید: این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تأثیر آن در غیر سلیم، والله اعلم.

۲- یعنی روز قیامت.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنَا۠ لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾
أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ
مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْۚ وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ
بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي ٱلْخَلْقِ بَصْۜطَةًۖ فَٱذْكُرُوٓاْ
ءَالَآءَ ٱللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ قَالُوٓاْ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ
ٱللَّهَ وَحْدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ
إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن
رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌۖ أَتُجَٰدِلُونَنِي فِيٓ أَسْمَآءٖ
سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّا نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن
سُلْطَٰنٖۚ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾
فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٖ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ
كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۖ وَمَا كَانُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ
صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ
غَيْرُهُۥۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمْۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ
ٱللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِيٓ أَرْضِ ٱللَّهِۖ وَلَا
تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٧٣﴾

می‌رسانم به شما پیغام‌های پروردگار خود [و] من برای شما
نیک‌خواه با امانتم. ﴿۶۸﴾ آیا تعجّب کردید از آنکه آمد
به شما پندی از جانب پروردگار شما، [فرود آورده] بر
مردی از شما تا بیم کند شما را و یاد کنید نعمتِ الهی، آن
وقت که گردانید شما را جانشین بعد از قوم نوح و افزود
برای شما در خلقت، قوّت را، پس یاد کنید نعمت‌های خدا
را تا شما رستگار شوید. ﴿۶۹﴾ گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما
تا عبادت کنیم خدا را تنها و بگذاریم آنچه می‌پرستیدند
پدرانِ ما؟! پس بیار پیش ما آنچه وعید می‌کنی[1]، اگر
هستی از راستگویان. ﴿۷۰﴾ گفت: ثابت شد بر شما از
جانب پروردگار شما عقوبت و خشم. آیا مکابره می‌کنید با
من در باب نام‌هایی چند که شما مقرر کرده‌اید[2] آن را و
پدران شما مقرر کرده‌اند [و] فرود نیاورده است خدا بر آن
هیچ دلیل؟ پس انتظار کنید، هرآیینه من نیز همراه شما از
منتظرانم. ﴿۷۱﴾ پس نجات دادیم او را و کسانی راکه با
او بودند به مهربانی از جانب خویش و بریدیم[3] بیخ
آنان‌که دروغ می‌داشتند آیات ما را و نبودند از مؤمنان.
﴿۷۲﴾ و فرستادیم به سوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را،
گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را؛ نیست شما را هیچ
معبود غیر او، هرآیینه آمد به شما دلیلی از جانب پروردگار
شما؛ این ماده شتری است، پیدا کرده خدا نشانه برای شما؛
پس بگذاریدش که چَرَد در زمین خدا و مرسانید او را هیچ
سختی، که آنگاه بگیرد شما را عقوبت درد دهنده. ﴿۷۳﴾

۱- یعنی بیار عقوبت را.

۲- یعنی بی‌اصل است.

۳- در متن اصلی، بریدم آمده است.

وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ جَعَلَكُمۡ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعۡدِ عَادٖ وَبَوَّأَكُمۡ
فِي ٱلۡأَرۡضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورٗا وَتَنۡحِتُونَ
ٱلۡجِبَالَ بُيُوتٗاۖ فَٱذۡكُرُوٓاْ ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن
قَوۡمِهِۦ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِمَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُمۡ أَتَعۡلَمُونَ
أَنَّ صَٰلِحٗا مُّرۡسَلٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلَ بِهِۦ
مُؤۡمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا بِٱلَّذِيٓ ءَامَنتُم
بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُواْ ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوۡاْ عَنۡ أَمۡرِ
رَبِّهِمۡ وَقَالُواْ يَٰصَٰلِحُ ٱئۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ
ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ
جَٰثِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ
رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ
ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٧٩﴾ وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ
ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾
إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ
أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ﴿٨١﴾

و یاد کنید [نعمت الهی را] آن وقت که گردانید شما را
جانشین بعد از قوم عاد و استقرار داد شما را در زمین،
می‌سازید از نرم آن کوشک‌ها و می‌تراشید کوه‌ها را
خانه‌ها، پس یاد کنید نعمت‌های خدا را و تباهی مکنید در
زمین، فسادافگنان. ﴿۷۴﴾ گفتند آن اشراف که سرکشی
کرده بودند از قوم او، آنان را که هر کسی ضعیف دانست
ایشان را، مر کسانی را که ایمان آورده بودند از ایشان: آیا
می‌دانید که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار
خود؟ گفتند اهل ایمان: هرآیینه ما به شریعتی که وی
فرستاده شده است [به آن شریعت] معتقدانیم. ﴿۷۵﴾
گفتند سرکشان: هرآیینه ما به آنچه معتقد آن شدید،
کافرانیم. ﴿۷۶﴾ پس کُشتند آن ماده شتر را و تجاوز
کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند: ای صالح! بیار
به ما آنچه وعید می‌کنی، اگر هستی از پیغامبران. ﴿۷۷﴾
پس در گرفت ایشان را زلزله، پس گشتند مردهٔ به زانو
افتاده در سرایی خویش. ﴿۷۸﴾ پس صالح اعراض کرد از
ایشان و گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام پروردگار
خود و نیک‌خواهی کردم برای شما و لیکن دوست
نمی‌دارید نیک‌خواهی کنندگان را. ﴿۷۹﴾ و فرستادیم
لوط را، آن وقت که گفت به قوم خود: آیا می‌کنید آن
بی‌حیایی‌ای که پیش از شما نکرده است آن را هیچ‌کَس از
عالم‌ها؟. ﴿۸۰﴾ هرآیینه شما می‌روید به شهوت به سوی
مردان، بجز زنان! بلکه شما گروه مسرفانید. ﴿۸۱﴾

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوهُم مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۗ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا تَقۡعُدُواْ بِكُلِّ صِرَٰطٖ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبۡغُونَهَا عِوَجٗاۚ وَٱذۡكُرُوٓاْ إِذۡ كُنتُمۡ قَلِيلٗا فَكَثَّرَكُمۡۖ وَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِن كَانَ طَآئِفَةٞ مِّنكُمۡ ءَامَنُواْ بِٱلَّذِيٓ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٞ لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ فَٱصۡبِرُواْ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُ بَيۡنَنَاۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ﴿٨٧﴾

و نبود جواب قوم او الاّ آنکه گفتند: بیرون کنید ایشان را از دیه خود که هرآیینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده‌اند. ﴿۸۲﴾ پس نجات دادیم او را و اهل خانهٔ او را مگر زنش را که بود از باقی ماندگان در آنجا. ﴿۸۳﴾ و بارانیدیم بر ایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کار گناهکاران. ﴿۸۴﴾ و فرستادیم به سوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را، گفت: ای قوم من! بپرستید خدا را؛ نیست شما را هیچ معبود بجز او، هرآیینه آمده است به شما دلیلی از پروردگار شما، پس تمام کنید پیمانه و ترازو را و ناقص مدهید به مردمان، اشیای ایشان را و فساد مکنید در زمین بعدِ اصلاح آن؛ این کار [که گفتم]، بهتر است شما را، اگر باور دارندگانید. ﴿۸۵﴾ و منشینید به هر راه که بترسانید و بازدارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است به او و می‌جویید برای آن راه کجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید، پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان. ﴿۸۶﴾ و اگر هست گروهی از شما مؤمن به آنچه فرستاده شدم به همراه او و گروهی نا مؤمن، پس صبر کنید تا آنکه فیصله کند خدا در میان ما، و او بهتر حکم کنندگان است(۱). ﴿۸۷﴾

۱- یعنی واجب آن بود که همه متفق می‌شدند برایمان و چون متفق نشدند، منتظر فیصله کردن باشند، والله اعلم.

۞قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَنُخۡرِجَنَّكَ يَٰشُعَيۡبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرۡيَتِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۚ قَالَ أَوَلَوۡ كُنَّا كَٰرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدِ ٱفۡتَرَيۡنَا عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا إِنۡ عُدۡنَا فِي مِلَّتِكُم بَعۡدَ إِذۡ نَجَّىٰنَا ٱللَّهُ مِنۡهَاۚ وَمَا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّعُودَ فِيهَآ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ رَبُّنَاۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيۡءٍ عِلۡمًاۚ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَاۚ رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَ قَوۡمِنَا بِٱلۡحَقِّ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡفَٰتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ لَئِنِ ٱتَّبَعۡتُمۡ شُعَيۡبًا إِنَّكُمۡ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٩٠﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ﴿٩١﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبًا كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَاۚ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيۡبًا كَانُواْ هُمُ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ يَٰقَوۡمِ لَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُمۡ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَنَصَحۡتُ لَكُمۡۖ فَكَيۡفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّآ أَخَذۡنَآ أَهۡلَهَا بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمۡ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلۡنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلۡحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدۡ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ فَأَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٩٥﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او: البته بیرون کنیم تو را ای شعیب و کسانی را که همراه تو ایمان آوردند از دیه خود، یا این است که بازگردید در دین ما. گفت: آیا عود کنیم اگرچه ما ناخواهان باشیم؟!. ﴿۸۸﴾ هرآیینه بسته باشیم بر خدا دروغی، اگر بازگردیم در دین شما بعد از آنکه برهانید خدا ما را از آن؛ و هرگز لایق نیست ما راکه عود کنیم در آن، مگر آنکه خواهد خدا، پروردگار ما، احاطه کرده است پروردگار ما به همه چیز از روی دانش. بر خدا توکّل کردیم. ای پروردگار ما! فیصله کن در میانِ ما و در میان قوم ما به راستی. و تو بهترین فیصله کنندگانی. ﴿۸۹﴾ و گفتند: آن اشراف که کافر بودند از قوم او به یاران خود: اگر متابعت کنید شعیب را، هرآیینه شما آن هنگام زیانکار باشید. ﴿۹۰﴾ پس درگرفت ایشان را زلزله، پس صبح کردند در سرای خویش مردهٔ به زانو افتاده. ﴿۹۱﴾ آنان‌که دروغی داشتند شعیب را گویا نبودند آنجا. آنان‌که دروغی داشتند شعیب را ایشان بودند زیان‌کار. ﴿۹۲﴾ پس بازگشت از ایشان و گفت: ای قوم من! رسانیدم به شما پیغام‌های پروردگار خود و نیک‌خواهی کردم برای شما؛ پس چگونه اندوه خورم بر قوم کافران؟. ﴿۹۳﴾ و نفرستادیم در هیچ دیهی پیغامبری را مگر گرفتار کردیم اهل آن را به سختی و رنج، تا بود که ایشان زاری کنند. ﴿۹۴﴾ باز دادیم به ایشان به جای محنت راحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند: هرآیینه رسیده بود پدران ما را سختی و راحت[1]، پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشتند. ﴿۹۵﴾

۱- یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می‌باشد، از باب مؤاخذه بر اعمال نَبُوَد، والله اعلم.

وَلَوۡ أَنَّ أَهۡلَ ٱلۡقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوۡاْ لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم
بَرَكَٰتٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِن كَذَّبُواْ
فَأَخَذۡنَٰهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهۡلُ
ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا بَيَٰتٗا وَهُمۡ نَآئِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوَ
أَمِنَ أَهۡلُ ٱلۡقُرَىٰٓ أَن يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا ضُحٗى وَهُمۡ
يَلۡعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُواْ مَكۡرَ ٱللَّهِۚ فَلَا يَأۡمَنُ مَكۡرَ ٱللَّهِ
إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ
ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ أَهۡلِهَآ أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم
بِذُنُوبِهِمۡۚ وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ﴿١٠٠﴾
تِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآئِهَاۚ وَلَقَدۡ
جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا
كَذَّبُواْ مِن قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدۡنَا لِأَكۡثَرِهِم مِّنۡ عَهۡدٖۖ وَإِن
وَجَدۡنَآ أَكۡثَرَهُمۡ لَفَٰسِقِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِم
مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَظَلَمُواْ بِهَاۖ
فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ
يَٰفِرۡعَوۡنُ إِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

و اگر اهل دیه‌ها ایمان آوردندی و پرهیزگاری کردندی، می‌گشادیم بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین، و لیکن به دروغ نسبت کردند، پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه می‌کردند. ﴿۹۶﴾ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید عذاب ما به ایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند. ﴿۹۷﴾ آیا ایمن شدند اهل دیه‌ها از آنکه بیاید به ایشان عذاب ما وقتِ چاشت و ایشان بازی می‌کنند؟. ﴿۹۸﴾ آیا ایمن شدند از مکر خدا؟[1] پس ایمن نمی‌شوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران. ﴿۹۹﴾ آیا واضح نشد بر آنان‌که وارث زمین می‌شوند بعد از هلاکِ ساکنانِ آن زمین، که اگر خواستمی، عقوبت رسانیدمی ایشان را به عوض گناهانِ ایشان؟ و مُهر می‌نهیم بر دل‌هایی ایشان، پس ایشان نمی‌شنوند؟. ﴿۱۰۰﴾ این دیه‌ها ذکر می‌کنیم پیش تو بعضِ اخبار آن، و هرآیینه آمده بودند به اهل آنها پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه تکذیب کرده بودند پیش از آن. همچنین مُهر می‌نهد خدا بر دل‌های کافران. ﴿۱۰۱﴾ و نیافتیم در اکثر ایشان وفا به عهد و هرآیینه یافتیم اکثر ایشان را بدکار. ﴿۱۰۲﴾ باز فرستادیم بعدِ ایشان موسی را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون و قوم او، پس کافر شدند به آن نشانه‌ها، پس بنگر چگونه بود آخر کار مفسدان. ﴿۱۰۳﴾ و گفت موسی: ای فرعون! هرآیینه من پیغامبرم از جانب پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۰۴﴾

۱- یعنی از تدبیر اهلاک، والله اعلم.

حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن لَّآ أَقُولَ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ قَدۡ
جِئۡتُكُم بِبَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ فَأَرۡسِلۡ مَعِيَ بَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٠٥ قَالَ إِن كُنتَ جِئۡتَ بِـَٔايَةٖ فَأۡتِ بِهَآ إِن
كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ١٠٦ فَأَلۡقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ
ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ١٠٧ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ بَيۡضَآءُ
لِلنَّٰظِرِينَ ١٠٨ قَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ إِنَّ هَٰذَا
لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ١٠٩ يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُمۡۖ
فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ١١٠ قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَأَرۡسِلۡ فِي
ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ١١١ يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ١١٢
وَجَآءَ ٱلسَّحَرَةُ فِرۡعَوۡنَ قَالُوٓاْ إِنَّ لَنَا لَأَجۡرًا إِن كُنَّا
نَحۡنُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ١١٣ قَالَ نَعَمۡ وَإِنَّكُمۡ لَمِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ
١١٤ قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحۡنُ
ٱلۡمُلۡقِينَ ١١٥ قَالَ أَلۡقُواْۖ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ
ٱلنَّاسِ وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ وَجَآءُو بِسِحۡرٍ عَظِيمٖ ١١٦
۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ
مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ
١١٨ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩ وَأُلۡقِيَ
ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠

سزاوارم به آنکه نگویم بر خدا مگر سخنِ راست؛ آورده‌ام
به شما نشانه‌ای از جانب پروردگار شما، پس بفرست با من
بنی اسراییل را. ﴿۱۰۵﴾ گفت: اگر آورده‌ای معجزه پس
حاضر کن آن را، اگر هستی از راستگویان. ﴿۱۰۶﴾ پس
انداخت عصای خود را، پس ناگهان آن عصا اژدهایی
ظاهر شده. ﴿۱۰۷﴾ و و بیرون آورد دستِ خود را، پس
ناگهان آن دست نورانی شد برای بینندگان ﴿۱۰۸ گفتند
اشراف از قوم فرعون با یکدیگر: هرآیینه این شخص
ساحری داناست!. ﴿۱۰۹﴾ می‌خواهد که بیرون کند شما را
از زمین شما، پس چه می‌فرمایید؟. ﴿۱۱۰﴾ گفتند: ای
فرعون! موقوف‌دار او را و برادر او را و بفرست در شهرها
نقیبان را. ﴿۱۱۱﴾ تا بیارند پیش تو هر ساحرِ دانا را.
﴿۱۱۲﴾ و آمدند ساحران پیش فرعون، گفتند: هرآیینه ما
را مزدی می‌باید، اگر ما غالب شویم؟. ﴿۱۱۳﴾ گفت:
آری! و هرآیینه شما از مقربان باشید. ﴿۱۱۴﴾ گفتند: ای
موسی! یا این است که نخست تو افکنی یا ما باشیم
اندازنده. ﴿۱۱۵﴾ گفت موسی: شما افکنید؛ پس آن
هنگام که افکندند به جادو، بستند چشم‌های مردمان را و
بترسانیدند ایشان را و آوردند جادوی بزرگ را. ﴿۱۱۶﴾ و
وحی فرستادیم به سوی موسی که بیفکن عصای خود را؛
پس ناگهان آن عصا فرو می‌برد آنچه به دروغ اظهار
می‌کردند. ﴿۱۱۷﴾ پس ثابت شد حق، و باطل شد آنچه
ایشان می‌کردند. ﴿۱۱۸﴾ پس قوم فرعون مغلوب شدند
آنجا و خوار گشتند. ﴿۱۱۹﴾ و انداخته شدند ساحران،
سجده کنان. ﴿۱۲۰﴾

قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ
﴿١٢٢﴾ قَالَ فِرۡعَوۡنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّ
هَٰذَا لَمَكۡرٞ مَّكَرۡتُمُوهُ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لِتُخۡرِجُواْ مِنۡهَآ
أَهۡلَهَاۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿١٢٣﴾ لَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿١٢٤﴾
قَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا تَنقِمُ مِنَّآ إِلَّآ أَنۡ
ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتۡنَاۚ رَبَّنَآ أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا
صَبۡرٗا وَتَوَفَّنَا مُسۡلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ
فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ
نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ
ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن
يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾ قَالُوٓاْ أُوذِينَا
مِن قَبۡلِ أَن تَأۡتِيَنَا وَمِنۢ بَعۡدِ مَا جِئۡتَنَاۚ قَالَ عَسَىٰ
رَبُّكُمۡ أَن يُهۡلِكَ عَدُوَّكُمۡ وَيَسۡتَخۡلِفَكُمۡ فِي
ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَآ ءَالَ
فِرۡعَوۡنَ بِٱلسِّنِينَ وَنَقۡصٖ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ
يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۲۱﴾
پروردگار موسی و هارون. ﴿۱۲۲﴾ گفت فرعون: آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آنکه دستوری دهم شما را؟! هرآیینه این تدبیری است که اندیشیده‌اید آن را در این شهر تا بیرون کنید از این شهر ساکنان آن را، پس خواهید دانست!. ﴿۱۲۳﴾ البته بِبُرّم دست‌های شما را و پاهای شما را به خلاف یکدیگر[۱]، باز بر دار کنم شما را همه یکجا.
﴿۱۲۴﴾ گفتند: هرآیینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم. ﴿۱۲۵﴾ و انکار نمی‌کنی بر ما مگر آنکه ایمان آوردیم به نشانه‌های پروردگار خویش، چون بیامد به ما. ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ماکن در حالی که مسلمان باشیم. ﴿۱۲۶﴾ و گفتند اشراف از قوم فرعون: آیا می‌گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در زمین و تا بگذارد عبادت تو را و معبودان تو را؟! گفت: خواهیم کشت پسران بنی اسراییل را و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشان را و ما بر ایشان غالبانیم. ﴿۱۲۷﴾
گفت موسی به قوم خود: مدد طلبید از خدا و صبر کنید؛ هرآیینه زمین خدا راست. وارث او می‌کند هر که را خواهد از بندگان خویش و آخر کار برای پرهیزگاران است. ﴿۱۲۸﴾ گفتند: ایذاداده شدیم پیش از آنکه بیایی نزدیک ما و بعد از آنکه آمدی نزدیک ما. گفت: امید است که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفه گرداند شما را در زمین، پس بنگرد چگونه عمل می‌کنید.
﴿۱۲۹﴾ و هرآیینه گرفتار کردیم کسانِ فرعون را به قحط‌ها و به نقصان میوه‌ها تا شود که ایشان پند پذیرند.
﴿۱۳۰﴾

۱- یعنی دست راست و پای چپ، والله اعلم.

فَإِذَا جَآءَتۡهُمُ ٱلۡحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَٰذِهِۦۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ
سَيِّئَةٞ يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓۗ أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمۡ
عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُواْ
مَهۡمَا تَأۡتِنَا بِهِۦ مِنۡ ءَايَةٖ لِّتَسۡحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحۡنُ لَكَ
بِمُؤۡمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلطُّوفَانَ وَٱلۡجَرَادَ
وَٱلۡقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ وَٱلدَّمَ ءَايَٰتٖ مُّفَصَّلَٰتٖ
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيۡهِمُ
ٱلرِّجۡزُ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَۖ
لَئِن كَشَفۡتَ عَنَّا ٱلرِّجۡزَ لَنُؤۡمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرۡسِلَنَّ مَعَكَ
بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلرِّجۡزَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ
هُم بَٰلِغُوهُ إِذَا هُمۡ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ
فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُواْ عَنۡهَا
غَٰفِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوۡرَثۡنَا ٱلۡقَوۡمَ ٱلَّذِينَ كَانُواْ يُسۡتَضۡعَفُونَ
مَشَٰرِقَ ٱلۡأَرۡضِ وَمَغَٰرِبَهَا ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۖ وَتَمَّتۡ
كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلۡحُسۡنَىٰ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُواْۖ
وَدَمَّرۡنَا مَا كَانَ يَصۡنَعُ فِرۡعَوۡنُ وَقَوۡمُهُۥ وَمَا كَانُواْ
يَعۡرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

پس چون آمدی به ایشان فراخی، گفتندی: این لایق ماست و اگر برسیدی به ایشان سختی، شگون بد گرفتندی به موسی و کسانی که با وی بودند. آگاه باش جز این نیست که شگون بد ایشان نزدیک خدا است و لیکن بیشتر از ایشان نمی‌دانند[1]. ﴿۱۳۱﴾ گفتند کسانِ فرعون: ای موسی! هرچه بیاری آن را از نشانه‌ها تا سحر کنی ما را بدان، پس نیستیم تو را باور دارنده. ﴿۱۳۲﴾ پس فرستادیم بر ایشان طوفان و ملخ و کَنَه و غوک‌ها و خون نشانه‌های واضح کرده شده، پس سرکشی کردند و بودند قوم گناهکاران. ﴿۱۳۳﴾ و وقتی که فرود آمد بر ایشان عقوبت، گفتند: ای موسی! دعا کن به جناب پروردگار خود به آن (اسماءِ و ادعیه) که وحی کرده است نزد تو؛ اگر زایل کنی از ما عقوبت را، البته معتقد شویم تو را و بفرستیم با تو بنی اسراییل را. ﴿۱۳۴﴾ پس چون زایل کردیم از ایشان عقوبت را تا مدتی که ایشان رسندگانند به آن، ناگهان عهد می‌شکستند. ﴿۱۳۵﴾ پس انتقام کشیدیم از ایشان؛ پس غرق کردیم ایشان را در دریا به سبب آنکه ایشان دروغ می‌داشتند آیات ما را و بودند از آن بی‌خبر. ﴿۱۳۶﴾ و میراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می‌شدند مشارق و مغاربِ زمینی که برکت نهادیم در آن[2]. و راست شده وعدهٔ نیکِ پروردگار تو بر بنی اسراییل به سبب آنکه صبر کردند، و خراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون و کسانِ او و آنچه بر می‌افراشتند. ﴿۱۳۷﴾

۱- یعنی مؤاخذه اعمال بر ایشان است، والله اعلم.

۲- یعنی زمین شام به ایشان دادیم، چه بقعه‌های شرقیه و چه بقعه‌های غربیه، والله اعلم.

وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتَوۡاْ عَلَىٰ قَوۡمٖ
يَعۡكُفُونَ عَلَىٰٓ أَصۡنَامٖ لَّهُمۡۚ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱجۡعَل لَّنَآ
إِلَٰهٗا كَمَا لَهُمۡ ءَالِهَةٞۚ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ١٣٨ إِنَّ
هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٣٩
قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا وَهُوَ فَضَّلَكُمۡ عَلَى
ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٤٠ وَإِذۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ
يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ
وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ
عَظِيمٞ ١٤١ ۞وَوَٰعَدۡنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيۡلَةٗ وَأَتۡمَمۡنَٰهَا
بِعَشۡرٖ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرۡبَعِينَ لَيۡلَةٗۚ وَقَالَ مُوسَىٰ
لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخۡلُفۡنِي فِي قَوۡمِي وَأَصۡلِحۡ وَلَا تَتَّبِعۡ
سَبِيلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ١٤٢ وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا
وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرۡ إِلَيۡكَۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِي
وَلَٰكِنِ ٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡجَبَلِ فَإِنِ ٱسۡتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوۡفَ
تَرَىٰنِيۚ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكّٗا وَخَرَّ
مُوسَىٰ صَعِقٗاۚ فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ تُبۡتُ إِلَيۡكَ
وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٤٣

و گذرانیدیم بنی اسراییل را از دریا. پس آمدند بر گروهی
که مجاورت می‌کردند بر بتانِ خویش. گفتند بنی اسراییل:
ای موسی! بساز برای ما معبودی؛ چنانکه ایشان را هستند
معبودان. گفت: هرآیینه شما گروهی هستید که نادانی
می‌کنید. ﴿۱۳۸﴾ هرآیینه این جماعت، باطل کرده شده
است مذهبی که ایشان در آنند و باطل است آنچه
می‌کردند. ﴿۱۳۹﴾ گفت موسی: آیا غیر خدا طلب کنم
برای شما معبودی؟! و او فضل داده است شما را بر عالم‌ها.
﴿۱۴۰﴾ و [یاد کنید نعمتِ ما]، چون نجات دادیم شما را
از کسان فرعون. می‌رسانیدند به شما عقوبت سخت؛
می‌کشتند پسران شما را و زنده می‌گذاشتند دخترانِ شما را
و در این امر، آزمایش بزرگ بود از جانب پروردگار شما.
﴿۱۴۱﴾ و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم
آن میعاد را به ده شب، پس کامل شد میعادِ پروردگار او
چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را: جانشین من
باش در قوم من و صلاحکاری کن و پیروی منما راه
تباه‌کاران را. ﴿۱۴۲﴾ و چون آمد موسی به وعده‌گاه ما و
سخن گفت با او پروردگار او، گفت: ای پروردگار من!
بینا کن مرا به خویش تا نظر کنم به سوی تو. گفت خدا:
نخواهی دید مرا و لیکن نظر کن به سوی کوه، پس اگر
قرار گیرد به جای خود، خواهی دید مرا. پس وقتی که
ظهور کرد پروردگار او بر آن کوه، گردانید آن کوه را به
زمینِ هموار ساخته و افتاد موسی بی‌هوش شده؛ پس چون
به هوش آمد، گفت: به پاکی یاد می‌کنم تو را، بازگشتم به
سوی تو و من اوّل مسلمانانم. ﴿۱۴۳﴾

قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي
وَبِكَلَٰمِي فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾
وَكَتَبۡنَا لَهُۥ فِي ٱلۡأَلۡوَاحِ مِن كُلِّ شَيۡءٖ مَّوۡعِظَةٗ
وَتَفۡصِيلٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ فَخُذۡهَا بِقُوَّةٖ وَأۡمُرۡ قَوۡمَكَ
يَأۡخُذُواْ بِأَحۡسَنِهَاۚ سَأُوْرِيكُمۡ دَارَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿١٤٥﴾
سَأَصۡرِفُ عَنۡ ءَايَٰتِيَ ٱلَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ
بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَإِن يَرَوۡاْ كُلَّ ءَايَةٖ لَّا يُؤۡمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوۡاْ
سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗا وَإِن يَرَوۡاْ سَبِيلَ
ٱلۡغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلٗاۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
وَكَانُواْ عَنۡهَا غَٰفِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآءِ
ٱلۡأٓخِرَةِ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡۚ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَٱتَّخَذَ قَوۡمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِنۡ حُلِيِّهِمۡ
عِجۡلٗا جَسَدٗا لَّهُۥ خُوَارٌۚ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمۡ
وَلَا يَهۡدِيهِمۡ سَبِيلًاۘ ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَٰلِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا
سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ
يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

گفت ای موسی! هرآیینه من برگزیدم تو را بر مردمان به پیغام‌های خود و به شنوانیدن سخن خود، پس بگیر آنچه عطا کردم تو را و باش از شکر کنندگان. ﴿۱۴۴﴾ و نوشتیم برای موسی در لوح‌ها از هر جنس، برای پند و برای بیان هر چیز پس گفتیم: بگیر آن را به قوّت و بفرما قوم خود را تا عمل کنند به بهترینِ آنچه در اوست[۱]. خواهم نمود شما را سرای گناهکاران[۲]. ﴿۱۴۵﴾ باز خواهم داشت از تأمل در آیاتِ خود کسانی را که تکبر می‌کنند در زمین به ناحق و اگر ببینند هر نشانی که هست، ایمان نیارند و اگر ببینند راهِ راستی را، راه نگیرند آن را و اگر ببینند راه گمراهی را، راه گیرند آن را. این به سبب آن است که ایشان دروغ داشتند آیات ما را و از آن غافل ماندند. ﴿۱۴۶﴾ و کسانی که دروغ داشتند آیاتِ ما را و دروغ داشتند ملاقات آخرت را نابود شود عمل‌های ایشان. جزا داده نشوند الاّ به آنچه می‌کردند. ﴿۱۴۷﴾ و ساختند قوم موسی بعدِ رفتنش از زیور قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود، آیا ندیدند که آن گوساله به ایشان هیچ سخن نمی‌گفت و دلالت نمی‌کرد ایشان را به هیچ راه؟ معبود گرفتند او را و ایشان ستمکار بودند. ﴿۱۴۸﴾ و چون نادم شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند، گفتند: اگر مهربانی نکند بر ما پروردگار ما و نیامرزد ما را، البته باشیم از زیانکاران. ﴿۱۴۹﴾

۱- یعنی به عزیمت دادن رخصت، والله اعلم.

۲- یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَٰنَ أَسِفًا قَالَ
بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِى مِنۢ بَعْدِىٓ ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ
وَأَلْقَى ٱلْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُۥٓ إِلَيْهِ ۚ قَالَ
ٱبْنَ أُمَّ إِنَّ ٱلْقَوْمَ ٱسْتَضْعَفُونِى وَكَادُوا۟ يَقْتُلُونَنِى فَلَا
تُشْمِتْ بِىَ ٱلْأَعْدَآءَ وَلَا تَجْعَلْنِى مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِأَخِى وَأَدْخِلْنَا فِى رَحْمَتِكَ ۖ
وَأَنتَ أَرْحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ ٱلْعِجْلَ
سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟
ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُوا۟ مِنۢ بَعْدِهَا وَءَامَنُوٓا۟ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ
بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٣﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى
ٱلْغَضَبُ أَخَذَ ٱلْأَلْوَاحَ ۖ وَفِى نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ
لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾ وَٱخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُۥ
سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَٰتِنَا ۖ فَلَمَّآ أَخَذَتْهُمُ ٱلرَّجْفَةُ قَالَ
رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّٰىَ ۖ أَتُهْلِكُنَا بِمَا
فَعَلَ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَّآ ۖ إِنْ هِىَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن
تَشَآءُ وَتَهْدِى مَن تَشَآءُ ۖ أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا
وَٱرْحَمْنَا ۖ وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْغَٰفِرِينَ ﴿١٥٥﴾

و چون باز آمد موسی به سوی قوم خود خشمناک شده اندوهگین گشته، گفت: بد جانشینی است، جانشینی‌ای که کردید پس از من، آیا شتابی کردید از حکم پروردگار خویش؟ و انداخت الواح را و گرفت موسی سر برادر خود را، می‌کشیدش به سوی خود. گفت هارون: ای پسر مادر من! هرآیینه این قوم ضعیف شمردند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا، پس شاد مکن به سبب اهانت من، دشمنان را و شمار مکن مرا با گروه ستمکاران. «۱۵۰» گفت موسی: ای پروردگار من! بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن ما را در بخشایش خود و تو بخشاینده‌ترین بخشایندگانی. «۱۵۱» هرآیینه کسانی که معبود گرفتند گوساله ر،ا خواهد رسید به این جماعت، خشمی از پروردگار ایشان و رسوایی‌ای در حیات دنیا و همچنین جزا می‌دهم افترا کنندگان را. «۱۵۲» و هرآیینه کسانی که گناه کردند، باز توبه نمودند بعد از آن گناهان و ایمان آوردند، البته پروردگار تو بعد از توبه، آمرزندۀ مهربان است. «۱۵۳» و چون ساکن شد خشم از خاطر موسی، گرفت الواح را و در مکتوب وی هدایت بود و بخشایش، آنان را که ایشان از پروردگار خود می‌ترسند. «۱۵۴» و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما[1]. پس وقتی که گرفت ایشان را زلزله، گفت موسی: ای پروردگار من! اگر می‌خواستی، پیش از این ایشان را و مرا هلاک می‌کردی[2]، آیا هلاک می‌کنی ما را به جزای آنچه کردند بی‌خردان از قوم ما؟ نیست این حادثه مگر امتحانِ تو؛ گمراه می‌کنی به آن هر که را خواهی و راه‌نمایی به آن هر که را خواهی. تو کار سازمایی، پس بیامرز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگانی. «۱۵۵»

۱- یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگرچه عبادت نکرده بودند، بر عبادت‌کنندگان انکار هم نکردند، پس خدای تعالی هلاک ساخت، والله اعلم.

۲- یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاک می‌شدند، تهمت قتل بر موسی ننهادندی، والله اعلم.

۞وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِنَّا هُدۡنَآ إِلَيۡكَۚ قَالَ عَذَابِيٓ أُصِيبُ بِهِۦ مَنۡ أَشَآءُۖ وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِـَٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِن قَوۡمِ مُوسَىٰٓ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و بنویس (یعنی مقدر کن) برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی، هرآیینه ما رجوع کردیم به سوی تو. گفت الله: عذابِ من، می‌رسانمش به هر که خواهم و مهربانی من، احاطه کرده است هر چیز را؛ پس خواهم نوشت رحمت کاملهٔ خود را[۱] برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و کسانی که ایشان به آیات ما معتقد می‌شوند[۲]. ﴿۱۵۶﴾ [خواهم نوشت رحمت اخرویّه برای] آنان‌که پیروی می‌کنند آن پیغامبر را که نبیّ أمّی است؛ آنکه می‌یابند نعت او نوشته نزدیک خویش در تورات و انجیل؛ می‌فرماید ایشان را به کار پسندیده و منع می‌کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می‌سازد برای ایشان پاکیزه‌ها و حرام می‌کند بر ایشان ناپاکیزه‌ها و ساقط می‌کند از ایشان بارگران ایشان را و آن مشقّت‌ها را که بود بر ایشان. پس آنان‌که ایمان آوردند به او و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری راکه همراه وی نازل کرده شده است، ایشانند رستگاران[۳]. ﴿۱۵۷﴾ بگو: ای مردمان! هرآیینه من پیغامبر خدایم به سوی شما همه یکجا؛ آن خدایی که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین؛ نیست هیچ معبود مگر او؛ زنده می‌کند و می‌میراند. پس ایمان آرید به خدا و به پیغامبر او که نبی امّی است؛ آنکه تصدیق می‌نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بُوَد که شما راهیاب شوید. ﴿۱۵۸﴾ و از قوم موسی گروهی هست که دلالت می‌کند مردمان را به راه راست و به راستی حکم می‌کنند. ﴿۱۵۹﴾

۱- یعنی در آخرت.

۲- یعنی: ﴿فَسَأَكۡتُبُهَا﴾ آن است که در آخر زمان، رحمت خاص باشد به متابعان نبیّ امّی، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را و به امت مرحومه، اول دلیل است بر نبوت آن حضرت و لهذا می‌فرماید، والله اعلم.

وَقَطَّعۡنَٰهُمُ ٱثۡنَتَيۡ عَشۡرَةَ أَسۡبَاطًا أُمَمٗاۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ
مُوسَىٰٓ إِذِ ٱسۡتَسۡقَىٰهُ قَوۡمُهُۥٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ
ٱلۡحَجَرَۖ فَٱنۢبَجَسَتۡ مِنۡهُ ٱثۡنَتَا عَشۡرَةَ عَيۡنٗاۖ قَدۡ عَلِمَ
كُلُّ أُنَاسٖ مَّشۡرَبَهُمۡۚ وَظَلَّلۡنَا عَلَيۡهِمُ ٱلۡغَمَٰمَ وَأَنزَلۡنَا
عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰۖ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا
رَزَقۡنَٰكُمۡۚ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ
يَظۡلِمُونَ ﴿١٦٠﴾ وَإِذۡ قِيلَ لَهُمُ ٱسۡكُنُواْ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةَ وَكُلُواْ
مِنۡهَا حَيۡثُ شِئۡتُمۡ وَقُولُواْ حِطَّةٞ وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ
سُجَّدٗا نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطِيٓـَٰٔتِكُمۡۚ سَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ
﴿١٦١﴾ فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ قَوۡلًا غَيۡرَ ٱلَّذِي قِيلَ
لَهُمۡ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ
يَظۡلِمُونَ ﴿١٦٢﴾ وَسۡـَٔلۡهُمۡ عَنِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَتۡ
حَاضِرَةَ ٱلۡبَحۡرِ إِذۡ يَعۡدُونَ فِي ٱلسَّبۡتِ إِذۡ تَأۡتِيهِمۡ
حِيتَانُهُمۡ يَوۡمَ سَبۡتِهِمۡ شُرَّعٗا وَيَوۡمَ لَا يَسۡبِتُونَ لَا
تَأۡتِيهِمۡۚ كَذَٰلِكَ نَبۡلُوهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

و متفرق ساختیم بنی اسراییل را بر دوازده قسم قبیله قبیله، گروه گروه و وحی فرستادیم به سوی موسی، وقتی که آب خواستند از وی قوم وی، که بزن به عصای خود سنگ را، پس روان شد از آن سنگ دوازده چشمه. بدانست هر گروهی آبخور خود را و سایبان ساختیم بر ایشان ابر را و نازل کردیم بر ایشان «منّ» و «سلوی» را. گفتیم: بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزی داده‌ایم شما را و ایشان بر ما ستم نکردند و لیکن بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۱۶۰﴾ یاد کن چون گفته شد ایشان راکه: ساکن شوید در این دیه و بخورید از این دیه، هرجاکه خواسته باشید و بگویید: «حطّه». و داخل شوید به دروازه، سجده‌کنان تا بیامرزیم برای شما گناهانِ شما را، زیاده خواهیم داد نیکوکاران را. ﴿۱۶۱﴾ پس بدل کردند ستمکاران از بنی اسراییل، سخنی غیر آنچه فرموده شده ایشان را، پس فرستادیم بر ایشان عقوبتی از آسمان به مقابلهٔ آنکه ستم می‌کردند. ﴿۱۶۲﴾ سؤال کن [یا محمد]، یهود را از حال دیهی که بود ساکن بر لب دریا. چون از حد می‌گذشتند. در روز شنبه، وقتی که می‌آمد ماهیان ایشان ظاهر شده، روزی که ایشان بتعظیم شنبه مشغول می‌شدند و روزی که تعظیم شنبه نمی‌کردند، نمی‌آمدند ایشان. همچنین آزمودیم ایشان را به سبب آنکه فسق می‌کردند[1]. ﴿۱۶۳﴾

۱- مترجم گوید: اهل دیه سه قسم بودند: قسم شکار می‌کردند و قسمی از آن نهی می‌کردند و قسمی نه شکار می‌کردند و نه از آن منع می‌کرند، والله اعلم.

وَإِذۡ قَالَتۡ أُمَّةٞ مِّنۡهُمۡ لِمَ تَعِظُونَ قَوۡمًا ٱللَّهُ مُهۡلِكُهُمۡ
أَوۡ مُعَذِّبُهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدٗاۖ قَالُواْ مَعۡذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمۡ
وَلَعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ١٦٤ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا
ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ
بِعَذَابِۭ بَـِٔيسِۭ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ١٦٥ فَلَمَّا عَتَوۡاْ
عَن مَّا نُهُواْ عَنۡهُ قُلۡنَا لَهُمۡ كُونُواْ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ ١٦٦
وَإِذۡ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبۡعَثَنَّ عَلَيۡهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَن
يَسُومُهُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ ٱلۡعِقَابِ
وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ١٦٧ وَقَطَّعۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُمَمٗاۖ
مِّنۡهُمُ ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنۡهُمۡ دُونَ ذَٰلِكَۖ وَبَلَوۡنَٰهُم
بِٱلۡحَسَنَٰتِ وَٱلسَّيِّـَٔاتِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ١٦٨ فَخَلَفَ
مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٞ وَرِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ يَأۡخُذُونَ عَرَضَ
هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغۡفَرُ لَنَا وَإِن يَأۡتِهِمۡ عَرَضٞ
مِّثۡلُهُۥ يَأۡخُذُوهُۚ أَلَمۡ يُؤۡخَذۡ عَلَيۡهِم مِّيثَٰقُ ٱلۡكِتَٰبِ أَن
لَّا يَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِۗ وَٱلدَّارُ
ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٦٩ وَٱلَّذِينَ
يُمَسِّكُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ
أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠

و یاد کن، چون گفت گروهی از اهل آن دیه[۱]: چرا پند می‌دهید گروهی راکه خدای تعالی هلاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را عذاب سخت؟ گفتند: تا ما را عذری باشد نزدیک پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۱۶۴﴾ پس وقتی که فراموش کردند آنچه به آن پند داده شده ایشان را، نجات دادیم کسانی را که منع می‌کردند از کار بد و گرفتار کردیم ستمکاران را به عذاب سخت، به سبب آنکه فاسق بودند. ﴿۱۶۵﴾ پس چون تکبّر کردند از ترک آنچه منع کرده شد ایشان را از آن، گفتیم ایشان را: شوید بوزینگان خوار شده. ﴿۱۶۶﴾ و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو[۲] که البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی راکه برساند به ایشان عقوبت سخت، هرآیینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است او آمرزندهٔ مهربان است[۳]. ﴿۱۶۷﴾ و پراکنده کردیم بنی اسراییل را در زمین گروه گروه؛ بعض از ایشان شایسته کارانند و بعض از ایشان سوایِ ایند و امتحان کردیم ایشان را به نعمت‌ها و مشقت‌ها تا بازگردند (یعنی به سوی راه راست). ﴿۱۶۸﴾ پس از پی در آمدند بعد از ایشان جانشینانِ بد که وارث تورات شدند[۴]، اختیار می‌کنند متاعِ این عالم خسیس را و می‌گویند: آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید به ایشان متاعی مانند آن، البته بگیرند آن را[۵]. آیا گرفته نشده است بر ایشان آن عهد که در تورات است که نگویند بر خدا مگر سخن راست و خوانده‌اند آنچه در تورات است و سرای آخرت بهتر است پرهیزگاران را، آیا فهم نمی‌کنید. ﴿۱۶۹﴾ و آنان‌که تمسّک می‌کنند به کتاب و برپا داشتند نماز را، هرآیینه ما ضایع نمی‌سازم مزد این نیکوکاران را. ﴿۱۷۰﴾

۱- یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را، والله اعلم.

۲- یعنی بنی اسرائیل را.

۳- بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیدا نشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می‌بودند، والله اعلم.

۴- یعنی اخبار بنی اسرائیل.

۵- یعنی مصرند بر اخذ آن و غیر نادمند ازان و توبهٔ مصرّ غیر نادم، صحیح نیست، والله اعلم.

۞وَإِذۡ نَتَقۡنَا ٱلۡجَبَلَ فَوۡقَهُمۡ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٞ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُۥ
وَاقِعُۢ بِهِمۡ خُذُواْ مَآ ءَاتَيۡنَٰكُم بِقُوَّةٖ وَٱذۡكُرُواْ مَا فِيهِ
لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾ وَإِذۡ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِيٓ ءَادَمَ مِن
ظُهُورِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَأَشۡهَدَهُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ أَلَسۡتُ
بِرَبِّكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ شَهِدۡنَآۚ أَن تَقُولُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ إِنَّا
كُنَّا عَنۡ هَٰذَا غَٰفِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوۡ تَقُولُوٓاْ إِنَّمَآ أَشۡرَكَ
ءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةٗ مِّنۢ بَعۡدِهِمۡۖ أَفَتُهۡلِكُنَا
بِمَا فَعَلَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ
وَلَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱلَّذِيٓ ءَاتَيۡنَٰهُ
ءَايَٰتِنَا فَٱنسَلَخَ مِنۡهَا فَأَتۡبَعَهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَكَانَ مِنَ
ٱلۡغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوۡ شِئۡنَا لَرَفَعۡنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخۡلَدَ إِلَى
ٱلۡأَرۡضِ وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُۚ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلۡكَلۡبِ إِن تَحۡمِلۡ
عَلَيۡهِ يَلۡهَثۡ أَوۡ تَتۡرُكۡهُ يَلۡهَثۚ ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ
كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَاۚ فَٱقۡصُصِ ٱلۡقَصَصَ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ
﴿١٧٦﴾ سَآءَ مَثَلًا ٱلۡقَوۡمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمۡ
كَانُواْ يَظۡلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِيۖ وَمَن
يُضۡلِلۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

و یاد کن چون برداشتیم کوه را بالای ایشان، گویا وی سایبانی است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بر ایشان. گفتیم بگیرید آنچه دادیم شما را به جدِّ تمام و یاد کنید آنچه در اوست تا بُوَد که شما در پناه باشید از عذاب. ﴿۱۷۱﴾ و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان را[۱] و گواه گردانید ایشان را بر ذات ایشان. گفت: آیا نیستم پروردگار شما؟ گفتند: آری هستی! گواه شدیم. [این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است] که نگویید روز قیامت هرآیینه ما بی‌خبر بودیم از این توحید. ﴿۱۷۲﴾ یا بگویید که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدرانِ ما پیش از ما و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان[۲]؛ آیا هلاک می‌کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند؟. ﴿۱۷۳﴾ و همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها و تا بازگردند. ﴿۱۷۴﴾ و بخوان بر ایشان خبر کسی که داده بودیم او را علم آیات خود، پس بیرون رفت از علم آن آیات[۳]، پس در پی او شد شیطان، پس گشت از گمراهان[۴]. ﴿۱۷۵﴾ و اگر می‌خواستیم برداشتمی او را[۵] به سبب آن آیات و لیکن میل کرد به سوی پستی و پیرویِ خواهش خود کرد؛ پس صفت او مانند صفت سگ است، اگر مشقت اندازی بر وی[۶]، زبان از دهان بیرون افکند و اگر معطّل بگذاری او را نیز بیرون افکند. این صفت گروهی است که دروغ شمردند آیات ما را؛ پس بخوان بر ایشان این پند تا ایشان تأمل کنند. ﴿۱۷۶﴾ به اعتبار صفت، بَدْاَند این قوم که دروغ داشتند آیات ما را و بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۱۷۷﴾ هر که راه نمایدش خدا همان است راه یابنده و هر که گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۱۷۸﴾

۱- یعنی روز میثاق از آدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشان را به ترتیبی که در خارج متحقق شد، والله اعلم.

۲- یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

۳- یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

۴- یعنی بلعم باعور که کتب الهی خوانده بود، بعد از آن به اغوای زن خود ایذای حضرت موسی، علیه‌السلام، قصد کرد و معلون شد، والله اعلم.

۵- یعنی منزلت او را.

۶- یعنی به زدن و دوانیدن.

وَلَقَدۡ ذَرَأۡنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ لَهُمۡ
قُلُوبٞ لَّا يَفۡقَهُونَ بِهَا وَلَهُمۡ أَعۡيُنٞ لَّا يُبۡصِرُونَ بِهَا
وَلَهُمۡ ءَاذَانٞ لَّا يَسۡمَعُونَ بِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ
هُمۡ أَضَلُّۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ
ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ
أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنۡ
خَلَقۡنَآ أُمَّةٞ يَهۡدُونَ بِٱلۡحَقِّ وَبِهِۦ يَعۡدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَٱلَّذِينَ
كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ
﴿١٨٢﴾ وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْۗ مَا
بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾ أَوَلَمۡ
يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ
ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ
أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَن يُضۡلِلِ
ٱللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُۥۚ وَيَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ
﴿١٨٦﴾ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا
عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّيۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقۡتِهَآ إِلَّا هُوَۚ ثَقُلَتۡ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَا تَأۡتِيكُمۡ إِلَّا بَغۡتَةٗۗ يَسۡـَٔلُونَكَ
كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنۡهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

و هرآینه بیافردیم برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان؛
ایشان را دل‌هاست که نمی‌فهمند به آنها و ایشان را
چشم‌هاست که نمی‌بینند به آن و ایشان را گوش‌هاست که
نمی‌شنوند به آنها؛ ایشان مانند چهارپایانند، بلکه ایشان
گمراه‌ترند، ایشانند بی‌خبران. ﴿۱۷۹﴾ و خدای راست
نام‌های نیک؛ پس بخوانید او را به آن نام‌ها و بگذارید آنان
را که کجروی می‌کنند در نام‌های خدا[۱]، داده خواهد شد
مر ایشان را جزای آنچه می‌کردند. ﴿۱۸۰﴾ و از آن
جماعت که پیدا کرده‌ایم، گروهی است که دلالت
می‌کنند بدین حق و به آن دین حق، عدل می‌کنند.
﴿۱۸۱﴾ و کسانی که دروغ داشتند آیات ما را، پایه پایه
بکِشیم ایشان را (تا محل هلاک،) از آن راه که ندانند.
﴿۱۸۲﴾ و مهلت دهم ایشان را، هرآینه تدبیر من محکم
است﴿۱۸۳﴾ آیا تأمّل نکردند که نیست این همنشینِ ایشان
را هیچ دیوانگی؟ نیست او مگر بیم کننده‌ای آشکار.
﴿۱۸۴﴾ آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا در آسمان‌ها و
زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز؟ و آیا نظر
نکردند درآنکه شاید نزدیک شده باشد اجل ایشان؟ پس
به کدام سخن بعدِ قرآن ایمان خواهند آورد؟. ﴿۱۸۵﴾ هر
که گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست او را، و
می‌گذارد ایشان را خدا در گمراهیِ خویش سرگردان
شده. ﴿۱۸۶﴾ سؤال می‌کنند تو را از قیامت که کی باشد
استقرار او؟ بگو: جز این نیست که علم قیامت نزدیک
پروردگارِ من است؛ پدید نیاوَرَد آن را در وقت او مگر
خدا، گران شده است[۲] در آسمان‌ها و زمین، نیاید به شما
مگر ناگهان. سؤال می‌کنند تو را از قیامت، گویا تو کاوش
کننده‌ای از آن[۳]. بگو جز این نیست که دانش او نزد
خداست و لیکن بسیاری از مردمان نمی‌دانند. ﴿۱۸۷﴾

۱- یعنی ابو المسیح و ابو الملائکه می‌گفتند.

۲- یعنی مشکل شده دانستن قیامت.

۳- یعنی عالمی به آن.

قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ
وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا
مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ
﴿١٨٨﴾ ۞هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَجَعَلَ
مِنۡهَا زَوۡجَهَا لِيَسۡكُنَ إِلَيۡهَاۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتۡ
حَمۡلًا خَفِيفٗا فَمَرَّتۡ بِهِۦۖ فَلَمَّآ أَثۡقَلَت دَّعَوَا ٱللَّهَ
رَبَّهُمَا لَئِنۡ ءَاتَيۡتَنَا صَٰلِحٗا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ
﴿١٨٩﴾ فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَٰلِحٗا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ فِيمَآ
ءَاتَىٰهُمَاۚ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيُشۡرِكُونَ مَا
لَا يَخۡلُقُ شَيۡـٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسۡتَطِيعُونَ لَهُمۡ
نَصۡرٗا وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ﴿١٩٢﴾ وَإِن تَدۡعُوهُمۡ إِلَى
ٱلۡهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمۡۚ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡ أَدَعَوۡتُمُوهُمۡ أَمۡ
أَنتُمۡ صَٰمِتُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمۡ أَرۡجُلٞ يَمۡشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ
أَيۡدٖ يَبۡطِشُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ أَعۡيُنٞ يُبۡصِرُونَ بِهَآۖ أَمۡ لَهُمۡ
ءَاذَانٞ يَسۡمَعُونَ بِهَاۗ قُلِ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ
كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

بگو: نمی‌توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن، مگر آنچه خدا خواسته است. و اگر من دانستمی علم غیب را، هرآیینه بسیار جمع کردمی از جنس منفعت و نرسیدی به من هیچ سختی؛ نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند. ﴿۱۸۸﴾ اوست آن که پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام گیرد با وی[۱]. پس چون جماع کرد مردی با زن خود، بار گرفت، بار سبک؛ پس آمد و رفت کرد به آن بار سبک؛ بعد از آن چون زن گرانبار شد، هر دو دعاکردند به جناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شایسته بدهی ما را، باشیم از شکر کنندگان. ﴿۱۸۹﴾ پس چون داد خدای تعالی ایشان را فرزند شایسته، مقرر کردند برای او شریکان در آنچه داده بود به ایشان. پس بلند قدر است خدا از آنچه شریک مقرر می‌کنند[۲]. ﴿۱۹۰﴾ آیا این مشرکان شریک مقرر می‌کنند چیزی را که هیچ نمی‌آفریند و خود این شریکان آفریده می‌شوند؟. ﴿۱۹۱﴾ و نمی‌توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می‌دهند. ﴿۱۹۲﴾ و اگر بخوانید بتان را به سوی راه هدایت، پیروی نکنند شما را[۳]. برابر است بر شما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشید [ای مشرکان]. ﴿۱۹۳﴾ هرآیینه کسانی که عبادت می‌کنید ایشان را بجز خدا، بندگانند مانند شما؛ پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعای شما را، اگر راستگو هستید. ﴿۱۹۴﴾ آیا بتان را پاهاست که راه می‌روند به آن؟ آیا ایشان را دست‌هاست که تناول می‌کنند به آن؟ آیا ایشان را چشم‌هاست که می‌بینند به آن؟ آیا ایشان را گوش‌هاست که می‌شنوند به آن؟ بگو: ای مشرکان! بخوانید شریکان خود را، بعد از آن بدسگالی کنید در حقِّ من و مهلت مدهید مرا. ﴿۱۹۵﴾

۱- ﴿فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا﴾ کلام علیحده است، یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد. بعد از آن تفصیل انتشار نسل می‌فرماید.

۲- مترجم گوید: این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل، نیت اخلاص درست کند و چون فرزند به وجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند، منطبق بر حال حوا، چنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد. شیطان به دلش وسواس انداخت و چون فرزند متولد شد، نام او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود جمیع قیود در امثال این مواضع ضرور نیست آدم از لوث شرک مبرا باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت. و ازینجا دانسته شد که شرک در تسمیه نوعی است از شرک، چنانکه اهل زبان ما غلامِ فلان و عبد فلان نام می‌نهند.

۳- یعنی اگر بگویید بخورید یا بیاشامید، هیچ کار نکنند.

إِنَّ وَلِـِّۧيَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡكِتَٰبَۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٩٦﴾ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا
يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَكُمۡ وَلَآ أَنفُسَهُمۡ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِن
تَدۡعُوهُمۡ إِلَى ٱلۡهُدَىٰ لَا يَسۡمَعُواْۖ وَتَرَىٰهُمۡ يَنظُرُونَ
إِلَيۡكَ وَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ
وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ
ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ
تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخۡوَٰنُهُمۡ يَمُدُّونَهُمۡ
فِي ٱلۡغَيِّ ثُمَّ لَا يُقۡصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمۡ تَأۡتِهِم بِـَٔايَةٖ قَالُواْ
لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَاۚ قُلۡ إِنَّمَآ أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ مِن رَّبِّيۚ
هَٰذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمۡ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ
يُؤۡمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ
وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ فِي
نَفۡسِكَ تَضَرُّعٗا وَخِيفَةٗ وَدُونَ ٱلۡجَهۡرِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ
بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ
وَيُسَبِّحُونَهُۥ وَلَهُۥ يَسۡجُدُونَ۩ ﴿٢٠٦﴾

هرآیینه کارساز من خداست، آن که فرود آورد کتاب را و او کارسازی می‌کند نیکوکاران را. ﴿۱۹۶﴾ و آنان‌که می‌خوانید ایشان را بجز خدا، نمی‌توانند یاری دادن شما را و نه خود را یاری می‌دهند. ﴿۱۹۷﴾ و اگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت، نشنوند سخن شما را. [وای بیننده] می‌بینی بتان را که می‌نگرند به سوی تو و حال آنکه ایشان هیچ نمی‌بینند. ﴿۱۹۸﴾ لازم گیر درگذر را و بفرما به کار پسندیده و اعراض کن از نادانان. ﴿۱۹۹﴾ و اگر باز دارد تو را وسوسهٔ بازدارنده از جانب شیطان آمده، پس پناه طلب کن از خدا، هرآیینه او شنوای داناست. ﴿۲۰۰﴾ هرآیینه متقیان چون برسد ایشان را وسوسه‌ای از شیطان، یاد می‌کنند خدا را، پس ناگهان ایشان بینا می‌شوند. ﴿۲۰۱﴾ و برادران کافران[۱]، می‌کِشَند ایشان را در گمراهی و هرگز باز نمی‌ایستند. ﴿۲۰۲﴾ و چون نمی‌آری نزدیک ایشان آیتی، می‌گویند: چرا از طرف خود اختیار نمی‌کنی آن را؟ بگو: جز این نیست که پیروی می‌کنم آنچه فرود آورده شده است به سوی من از پروردگار من. این قرآن نشانه‌هاست، آمده از پروردگار شما و هدایت و بخشایش است، مرقوم مؤمنان را. ﴿۲۰۳﴾ و چون خوانده شود قرآن، پس گوش نهید به سوی آن و خاموش باشید تا مهربانی کرده شود بر شما. ﴿۲۰۴﴾ و یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود به زاری و ترسکاری و یاد کن پروردگار خود را به کلام پست‌تر از بلند آوازی، در بامداد و شبانگاه و مباش از غافلان. ﴿۲۰۵﴾ هرآیینه کسانی که نزدیک پروردگار تواند[۲]، گردنکشی نمی‌کنند از عبادت او و به پاکی یاد می‌کنند او را و به تخصیص او را سجده می‌کنند. ﴿۲۰۶﴾

۱- یعنی قرینان ایشان از شیاطین، والله اعلم.

۲- یعنی ملاء اعلی.

سُورَةُ الأَنفَالِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَنفَالِۖ قُلِ ٱلۡأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِۖ
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَصۡلِحُواْ ذَاتَ بَيۡنِكُمۡۖ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥٓ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ١ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ
إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٢ ٱلَّذِينَ
يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ أُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٞ
وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ٤ كَمَآ أَخۡرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيۡتِكَ
بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ ٥
يُجَٰدِلُونَكَ فِي ٱلۡحَقِّ بَعۡدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى
ٱلۡمَوۡتِ وَهُمۡ يَنظُرُونَ ٦ وَإِذۡ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحۡدَى
ٱلطَّآئِفَتَيۡنِ أَنَّهَا لَكُمۡ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيۡرَ ذَاتِ
ٱلشَّوۡكَةِ تَكُونُ لَكُمۡ وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلۡحَقَّ
بِكَلِمَٰتِهِۦ وَيَقۡطَعَ دَابِرَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧ لِيُحِقَّ ٱلۡحَقَّ
وَيُبۡطِلَ ٱلۡبَٰطِلَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨

سوره أنفال

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

می‌پرسند تو را از غنیمت‌ها[1]. بگو: غنیمت‌ها، خدا و رسول راست[2]، پس بترسید از خدا و به صلاح آرید صحبتی را که میان شماست و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را، اگر مسلمان هستید. ﴿۱﴾ جز این نیست که مؤمنان، آنانند که چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا، زیاده سازند آن آیات، ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل می‌کنند. ﴿۲﴾ آنان‌که برپا می‌دارند نماز را و از آنچه روزی داده‌ایم ایشان را خرج می‌کنند. ﴿۳﴾ این جماعت، ایشانند مؤمنان، به تحقیق، ایشان راست مرتبه‌ها نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک. ﴿۴﴾ چنانکه بیرون آورد تو را پروردگار تو از خانۀ تو به تدبیر درست و هرآیینه گروهی از مسلمانان ناخوشنود بودند[3]. ﴿۵﴾ خصومت می‌کردند با تو در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد، گویا رانده می‌شوند به سوی مرگ و ایشان در آن می‌نگرند. ﴿۶﴾ و [یاد کن نعمت الهی را] آنگاه که خدا به شما یکی از دو گروه وعده می‌داد که آن شما را باشد و دوست می‌داشتید که غیر فوج جنگی شما را بود و می‌خواست خدا که ثابت کند دین حق را به فرمان‌های خویش و بِبُرّد بنیاد کافران را. ﴿۷﴾ می‌خواست تا ثابت کند دین حق را و بر طرف کند دین باطل را، اگرچه ناخوشنود باشند گناهکاران[4]. ﴿۸﴾

۱- سورۀ انفال در قصۀ بدر فرود آمده است. در آیاتِ این سوره اشارت به وقائع این غزوه واقع شده، از آن جمله آن است که مسلمانان در غنیمت مباحثه می‌کردند. آنان که غارت کرده بودند، خواستند که تنها بر آن متصرف شوند. دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود، خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم، خدا و رسول اوست و دیگری را درین باب، دخل نیست. آنچه اهل جاهلیت می‌کردند از استئثار (در متن اصلی، استپار امده است) غارت کننده به غنیمت، باطل است. بعد از آن حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد: چهار قسم در میان غانمان قسمت کنند و یکی در بیت‌المال نگاه داشته، به تصرف آن رسانند و این تصرف، حق است و عطای اوست به غیر دخل غارت کنندگان، پس آیه: ﴿قُلِ ٱلۡأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِۖ﴾ محکم است غیر منسوخ.

۲- یعنی متصرف در غنائم، ایشانند و کسی دیگر را اختیار نیست، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: یعنی کار در قسمت بر وفق حکم خداست نه موافق آرزوی نفوس، چنانکه بیرون آوردن توبه تدبیر درست بود نزدیک خدا بر خلاف ارادۀ قوم، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: درین آیات تعریض است به آن قصه که آن حضرتﷺ در غزوۀ بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر به کاروان رسید، راه ساحل اختیار نمودند و خلاص شدند. ابو جهل که به مدد ایشان با لشکر گران از مکه برآمده بود، مقابل آن حضرت شد، بعضی اصحاب میل به غارت کرد کاروان کردند و جمعی قصد کارزار لشکر نمودند و مرضیٍّ آن حضرت، جنگ با لشکر بود.

إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ أَنِّي
مُمِدُّكُم بِأَلۡفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُرۡدِفِينَ ٩ وَمَا
جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشۡرَىٰ وَلِتَطۡمَئِنَّ بِهِۦ قُلُوبُكُمۡۚ وَمَا
ٱلنَّصۡرُ إِلَّا مِنۡ عِندِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ١٠ إِذۡ
يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةٗ مِّنۡهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيۡكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذۡهِبَ عَنكُمۡ رِجۡزَ
ٱلشَّيۡطَٰنِ وَلِيَرۡبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمۡ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلۡأَقۡدَامَ
١١ إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ
بَنَانٖ ١٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن
يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ١٣
ذَٰلِكُمۡ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٤
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحۡفٗا
فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ ١٥ وَمَن يُوَلِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا
مُتَحَرِّفٗا لِّقِتَالٍ أَوۡ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٖ فَقَدۡ بَآءَ بِغَضَبٖ
مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأۡوَىٰهُ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٦

آنگاه که فریاد می‌کردید به جناب پروردگار خویش، پس قبول کرد دعای شما را که من مدد کنندۀ شُمایم به هزار کس از فرشتگان از پس خود جماعت دیگر را آورده[۱]. ﴿۹﴾ و نساخت خداوند این مدد را مگر برای مژده و تا آرام گیرد به آن دل شما و نیست فتح، مگر از نزدیک خدا، هرآیینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۱۰﴾ آنگاه که می‌پوشید شما را به پیُنکی به جهت ایمنی از نزدیک خود و فرود می‌آورد بر شما از آسمان آب باران تا پاک کند شما را به آن و ببرد از شما آلودگی شیطان و تا ببندد بر دل شما (یعنی ثابت دارد دل‌ها را) و محکم کند به آن پای‌ها را[۲]. ﴿۱۱﴾ آنگاه که وحی می‌فرستاد پروردگار تو به سوی فرشتگان که من با شمایم، پس استوار سازید مسلمانان را، رعب خواهم افکند در دل کافران. پس بزنید ای مسلمانان بالای گردن‌ها و بزنید از ایشان هر طرف دست و پای را. ﴿۱۲﴾ این به سبب آن است که ایشان خلاف کردند با خدا و رسول او و هر که خلاف کند با خدا و رسول او، پس خدا سخت عقوبت است. ﴿۱۳﴾ این را بچشید و بدانید که کافران راست، عذابِ آتش. ﴿۱۴﴾ ای مؤمنان! چون به هم آیید با کافران انبوه کرده، پس مگردانید به سوی ایشان پشت را. ﴿۱۵﴾ و هر که بگرداند به سوی ایشان آن روز پُشت خود را، مگر رجوع کنان برای جنگی یا پناه جویان به سوی گروهی، پس هرآیینه بازگشت به خشمی از خدا و جای او جهنّم است و بدجایی است. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی یک‌هزار بودند بعد از آن سه هزار گشتند و بعد از آن پنج‌هزار شدند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: درین آیات، تعریض است به آن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و محدث بودند، آب نداشتند و از این جهت وسوسۀ شیطان به خاطر ایشان راه می‌یافت. خدای تعالی باران فرستاد وخواب سبک را بر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دلِ ایشان برطرف شد.

فَلَمۡ تَقۡتُلُوهُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمۡۚ وَمَا رَمَيۡتَ إِذۡ
رَمَيۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبۡلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡهُ بَلَآءً
حَسَنًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ
مُوهِنُ كَيۡدِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٨﴾ إِن تَسۡتَفۡتِحُواْ فَقَدۡ
جَآءَكُمُ ٱلۡفَتۡحُۖ وَإِن تَنتَهُواْ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن
تَعُودُواْ نَعُدۡ وَلَن تُغۡنِيَ عَنكُمۡ فِئَتُكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَوۡ
كَثُرَتۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَأَنتُمۡ
تَسۡمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ قَالُواْ سَمِعۡنَا وَهُمۡ
لَا يَسۡمَعُونَ ﴿٢١﴾ ۞إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ
ٱلۡبُكۡمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوۡ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمۡ
خَيۡرٗا لَّأَسۡمَعَهُمۡۖ وَلَوۡ أَسۡمَعَهُمۡ لَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ
﴿٢٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسۡتَجِيبُواْ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا
دَعَاكُمۡ لِمَا يُحۡيِيكُمۡۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَحُولُ بَيۡنَ
ٱلۡمَرۡءِ وَقَلۡبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَٱتَّقُواْ فِتۡنَةٗ لَّا
تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنكُمۡ خَآصَّةٗۖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ
ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢٥﴾

پس شما نکشته‌اید این جماعت و لیکن خداکشت ایشان را و تو [یا محمد] نیفکندی[۱] وقتی که افکندی و لیکن خدا افکند و تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش عطای نیکو، هرآیینه خدا شنوای داناست[۲]. ﴿۱۷﴾ حال این است و بدانید که خدا سست کننده است حیلۀ کافران را. ﴿۱۸﴾ [ای کافران!] اگر طلب فتح می‌کردید، پس آمد به شما فتح. و اگر باز ایستید، پس آن بهتر است شما را و اگر بازگردید (یعنی به نافرمانی) بازگردیم[۳]. و دفع نکند از شما جماعتِ شما هیچ چیز، اگرچه بسیار باشد و بدانید که خدا با مسلمانان است[۴]. ﴿۱۹﴾ ای مسلمانان! فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و روی مگردانید از وی و حال آنکه شما می‌شنوید. ﴿۲۰﴾ و مشوید مانند کسانی که گفتند: شنیدیم و ایشان نمی‌شنوند[۵]. ﴿۲۱﴾ هرآیینه بدترین جنبندگان نزدیک خدا کرانند، گنگانند، آنان‌که در نمی‌یابند. ﴿۲۲﴾ و اگر دانستی خدا در ایشان نیکوییِ، البته شنواندی ایشان را[۶]. و اگر شنوانیدی ایشان را، رومی‌گردانیدند اعراض کنان. ﴿۲۳﴾ ای مسلمانان! قبول کنید خواندن خدا و رسول را چون بخواند شما را برای آنکه زنده دل سازد شما را و بدانید که خدا حایل می‌شود میان مرد و دلِ او[۷] و بدانید که به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۲۴﴾ و بپرهیزید از فتنه که نرسد به آنان‌که ستم کردند از شما به تخصیص[۸] و بدانید که هرآیینه خدا سخت عقوبت کننده است[۹]. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی مشتِ خاک را.

۲- مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که آن حضرتﷺ روز بدر یک مشت سنگ‌ریزه به سوی کفار انداخت، پس هیچ کس از ایشان نبود که چیزی از آن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تائید غیبی بود.

۳- یعنی به جزا دادن.

۴- مترجم گوید: تعریض است به آن قصه که ابوجهل روز غزوۀ بدر دعا کرد که بار خدایا! هرکه از میان این هر دو گروه، قاطع رحم است و دین باطل پیش گرفته است، او را هلاک کن و به حقیقت، متصف باین صفات ابوجهل و قوم او بودند.

۵- یعنی مانندِ اهل کتاب که تورات خواندند وبه زبان، معترف شدند و بر آن عمل نکردند.

۶- یعنی لیکن ندانست.

۷- یعنی عزیمت او نسخ می‌کند.

۸- یعنی بلکه عام بود شامت او، والله اعلم.

۹- و آن فتنه، ظهور عقوبت بدعت است تا ترک نهی منکر، والله اعلم.

وَٱذْكُرُوٓاْ إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي ٱلْأَرْضِ
تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمْ وَأَيَّدَكُم
بِنَصْرِهِۦ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
٢٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ
وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ٢٧ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّمَآ
أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ٢٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجْعَل
لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَيَغْفِرْ
لَكُمْۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ٢٩ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَۚ
وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ ٣٠ وَإِذَا
تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا قَالُواْ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا
مِثْلَ هَٰذَآ إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ٣١ وَإِذْ قَالُواْ
ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ
عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣٢
وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ
مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ٣٣

و یاد کنید [ای مهاجران، نعمت الهی را] آن وقت که شما اندک بودید، ناتوان شمرده در زمین (یعنی در مکه) می‌ترسید از آنکه بربایند شما را مردمان، پس جای داد شما را (یعنی در مدینه) و قوّت داد شما را به نصرت خود و روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه تا شود که سپاسداری کنید. ﴿۲۶﴾ ای مسلمانان! خیانت مکنید با خدا و رسول و خیانت مکنید امانت‌های یکدیگر را دانسته. ﴿۲۷﴾ و بدانید که مال‌های شما و فرزندان شما آزمایش است و آنکه خدا، نزدیک اوست، مزدِ بزرگ. ﴿۲۸﴾ ای مسلمانان! اگر بترسید از خدا، پیدا کند برای شما فتحی را و درگذراد از شما گناهانِ شما را و بیامرزد شما را و خدا صاحبِ فضل بزرگ است. ﴿۲۹﴾ و [یاد کن نعمت الهی یا محمد] آنگاه که بدسگالی می‌کردند در حقِّ تو کافران، تا حبس کنند تو را یا بکشند تو را یا جلاوطن کنند تو را و ایشان بدسگالی می‌کردند و خدا تدبیر می‌کرد (یعنی به ایشان) و خدا بهترین تدبیرکنندگان است[۱]. ﴿۳۰﴾ و چون خوانده شود بر این جماعت آیات ما، گویند: شنیدیم، اگر خواهیم بگوییم مانند این، نیست این مگر افسانهٔ پیشینیان. ﴿۳۱﴾ و آنگاه که گفتند: بار خدایا! اگر هست این قرآن راست از نزدیک تو، پس بباران بر ما سنگ را از آسمان یا بیار بر ما عذاب دردناک. ﴿۳۲﴾ و نیست خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و هرگز نیست خدا عذاب کنندهٔ ایشان و ایشان استغفار می‌کنند[۲]. ﴿۳۳﴾

۱- تعریض است به آن قصه که کفار در مکه جمع شده است این رأی می‌زدند.

۲- یعنی سنت خدا آن است که تا پیغامبر در میان قوم باشد، عذاب عام نمی‌کند و همچنین تا آنکه ایشان استغفار کنند، عذاب نمی‌آید.

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ ٱللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ
ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَمَا كَانُوٓاْ أَوْلِيَآءَهُۥٓۚ إِنْ أَوْلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا
ٱلْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ
صَلَاتُهُمْ عِندَ ٱلْبَيْتِ إِلَّا مُكَآءً وَتَصْدِيَةًۚ فَذُوقُواْ
ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُمْ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ
فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَۗ
وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ ٱللَّهُ
ٱلْخَبِيثَ مِنَ ٱلطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ ٱلْخَبِيثَ بَعْضَهُۥ عَلَىٰ
بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُۥ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُۥ فِي جَهَنَّمَۚ أُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٣٧﴾ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ
يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُواْ فَقَدْ مَضَتْ
سُنَّتُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ
وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ فَإِنِ ٱنتَهَوْاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا
يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِن تَوَلَّوْاْ فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ
مَوْلَىٰكُمْۚ نِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

و چیست مر ایشان را که عذاب نکند ایشان را خدا، حال آنکه ایشان باز می‌دارند (یعنی مردمان را) از مسجد حرام و نیستند سزاوار آنجا، نیستند سزاوار آنجا مگر متقیان و لیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند. ﴿۳۴﴾ و نیست[۱] نماز ایشان نزدیک خانهٔ کعبه بجز صفیر کردن و دستک زدن، پس بچشید ای کافران! عذاب را به سبب کافر شدنِ خود. ﴿۳۵﴾ هرآیینه کافران خرج می‌کنند اموالِ خود را تا بازدارند مردمان را از راه خدا، پس زود باشد که خرج کنند آن را، باز باشد آن خرج کردن، پشیمانی بر ایشان، باز مغلوب شوند و کافران به سوی دوزخ رانده شوند. ﴿۳۶﴾ تا جدا سازد خدای تعالی ناپاک را از پاک و بنهد ناپاک را بعض آن را بر بعض، پس توده سازد آن همه را یکجا، پس درآردش در دوزخ. این جماعت، ایشانند زیانکاران[۲]. ﴿۳۷﴾ بگو کافران را: اگر باز ایستند، آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند، پس هرآیینه گذشته است روش پیشینیان[۳]. ﴿۳۸﴾ و کارزار کنید ای مسلمان! با ایشان تا آنکه نباشد هیچ فتنه (یعنی غلبهٔ کفر) و باشد دین، همه برای خدا. پس اگر بازایستند از شرک (یعنی مسلمان شوند) هرآیینه خدا به آنچه می‌کنند بیناست. ﴿۳۹﴾ و اگر روی بگردانند[۴]، پس بدانید که خدا مددکار شماست، نیک مددکار است وی و نیک یاری دهنده است. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر از میان ایشان.

۲- یعنی دراصل، استحقاق عذاب دارند، لیکن بودن پیغامبر در میان ایشان مانع بود والحال مانع برخاست.

۳- مترجم گوید: و این تصویر است حال کسی راکه می‌خواهد جزو کل چیزی را باطل سازد ودفع کند.

۴- یعنی از اسلام.

۞وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذۡ أَنتُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُم بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلۡقُصۡوَىٰ وَٱلرَّكۡبُ أَسۡفَلَ مِنكُمۡۚ وَلَوۡ تَوَاعَدتُّمۡ لَٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡمِيعَٰدِ وَلَٰكِن لِّيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗا لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذۡ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلٗاۖ وَلَوۡ أَرَىٰكَهُمۡ كَثِيرٗا لَّفَشِلۡتُمۡ وَلَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذۡ يُرِيكُمُوهُمۡ إِذِ ٱلۡتَقَيۡتُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِكُمۡ قَلِيلٗا وَيُقَلِّلُكُمۡ فِيٓ أَعۡيُنِهِمۡ لِيَقۡضِيَ ٱللَّهُ أَمۡرٗا كَانَ مَفۡعُولٗاۗ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ فِئَةٗ فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿٤٥﴾

و بدانید که آنچه غنیمت یافتید از کافران از هر جنس، پس پنجم حصّه‌اش خدای راست و پیغامبر را و خویشاوندان را[۱] و یتیمان و درویشان و مسافران را، اگر ایمان آورده‌اید به خدا و به آنچه فروفرستادیم بر بندهٔ خویش. روزی که جدا شد حق از باطل، روزی که به هم آمدند دو گروه[۲]، و خدا بر همه چیز تواناست[۳]. ﴿۴۱﴾ [اگر ایمان آوردید به آنچه فروفرستادیم بر بندهٔ خود،] آنگاه که شما به کناره‌ای نزدیک بودید و ایشان به کناره‌ای دورتر و کاروان پایین‌تر از شما (یعنی به جانب دریا) و اگر با یکدیگر وعدهٔ جنگ مقرر می‌کردید، البته خلاف می‌نمودید در وعده و لیکن جمع کرد تا به انجام رساند خدا کاری را که کردنی بود، تا هلاک شود کسی که هلاک شده است بعدِ قیام حجّت و زنده ماند کسی که زنده شده بعدِ قیام حجّت، و هرآیینه خدا شنوای داناست[۴]. ﴿۴۲﴾ آنگاه که بنمود خدا ایشان را به تو در خواب تو اندکی و اگر بنمودی به تو ایشان را بسیار، البته بزدلی می‌کردید و با یکدیگر نزاع می‌نمودید در کار، و لیکن خدا سلامت داشت (یعنی از بزدلی)، هرآیینه وی داناست به آنچه در سینه‌هاست. ﴿۴۳﴾ و آنگاه که بنمود به شما ایشان را، چون روبه‌رو شدید در چشم شما، اندکی و کم نمود شما را در چشم آنان، تا به انجام رساند خداکاری را که کردنی بود و به سوی خدا باز گردانیده شوند کارها. ﴿۴۴﴾ ای مسلمانان! چون روبه‌رو شوید با گروهی، پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیار، بود که شما رستگار شوید. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی خویشاوندان پیغامبر را که بنی‌هاشم و بنی‌مطلب‌اند.

۲- یعنی ایمان آوردند به آنکه به روز بدر، نصرت نازل فرمود.

۳- مترجم گوید: چهار خمس غانمان را باید داد، یک خمس در بیت‌المال نهاده بر پنج حصه یا سه حصه قسمت با یکدیگر، علی اختلاف المذاهب، والله اعلم.

۴- مراد از هلاک، اصرار بر کفر است و از حیات، مسلمان شدن و این که ایمان آورده‌اید به آنچه فرو فرستادیم بر بندهٔ خود.

وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ
وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ
﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ خَرَجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بَطَرٗا
وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ بِمَا
يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿٤٧﴾ وَإِذۡ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ
وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّي جَارٞ
لَّكُمۡۖ فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلۡفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ
وَقَالَ إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكُمۡ إِنِّيٓ أَرَىٰ مَا لَا تَرَوۡنَ إِنِّيٓ
أَخَافُ ٱللَّهَۚ وَٱللَّهُ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذۡ يَقُولُ
ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ
دِينُهُمۡۗ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ
﴿٤٩﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ وَأَدۡبَٰرَهُمۡ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ
﴿٥٠﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيۡسَ بِظَلَّٰمٖ
لِّلۡعَبِيدِ ﴿٥١﴾ كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ
كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ
قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٥٢﴾

و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و با یکدیگر نزاع
مکنید که در این صورت بزدل شوید و برود دولت (قوّت)
شما و شکیبایی ورزید، هرآیینه خدا با شکیبایان است.
﴿۴۶﴾ و مباشید مانند کسانی که بیرون آمدند از خانه‌های
خود از روی سرکشی و خودنمایی به مردمان و باز
می‌دارند از راه خدا و خدا به آنچه می‌کنند، درگیرنده
است[1]. ﴿۴۷﴾ و آنگاه که شیطان بیاراست برای این
کافران، کردارهای ایشان را و گفت: هیچ‌کس از مردمان
غلبه کننده نیست بر شما امروز و هرآیینه من مدد کننده‌ام
شما را. پس چون روبه‌رو شدند هر دو گروه، بازگشت
شیطان بر پاشنهٔ خود و گفت: هرآیینه من بی‌تعلّقم از شما،
هرآیینه من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید، هرآیینه من
می‌ترسم از خدا و خدا سخت عقوبت است. ﴿۴۸﴾ آنگاه
که می‌گفتند منافقان و آنان‌که در دل ایشان بیماری است:
فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان و هر که
توکّل کند بر خدا، هرآیینه خدا غالبِ درستکار است.
﴿۴۹﴾ و [تعجب می‌کردی] اگر می‌دیدی [ای بیننده،]
چون فرشتگان قبض ارواح کافران می‌کنند، می‌زنند بر
روی ایشان و بر پشت ایشان و [می‌گویند:] بچشید عذابِ
سوزان. ﴿۵۰﴾ این به سبب آن کردار است که پیش
فرستاده است دست شما و به سبب آن است که خدا ظلم
کننده نیست بر بندگان. ﴿۵۱﴾ مانند عادت قوم فرعون و
آنان‌که پیش از ایشان بودند، کافر شدند به آیات خدا، پس
گرفتار کرد خدا ایشان را به گناهانِ ایشان، هرآیینه خدا
توانا سخت عقوبت است. ﴿۵۲﴾

۱- درین حالِ ابوجهل و تابعانِ اوست.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا عَلَىٰ قَوۡمٍ
حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٥٣﴾
كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ
رَبِّهِمۡ فَأَهۡلَكۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡ وَأَغۡرَقۡنَآ ءَالَ فِرۡعَوۡنَۚ وَكُلّٞ
كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٥﴾ ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ
يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾
فَإِمَّا تَثۡقَفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡحَرۡبِ فَشَرِّدۡ بِهِم مَّنۡ خَلۡفَهُمۡ
لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةٗ
فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ﴿٥٨﴾
وَلَا يَحۡسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَبَقُوٓاْۚ إِنَّهُمۡ لَا يُعۡجِزُونَ
﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ
ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ
مِن دُونِهِمۡ لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ
مِن شَيۡءٖ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا
تُظۡلَمُونَ ﴿٦٠﴾ ۞وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ
عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٦١﴾

این به سبب آن است که خدا هرگز نیست تغییر دهندهٔ هیچ نعمتی که انعام کرده باشد آن را بر قومی، تا آنکه ایشان بدل کنند حالی را که در ذاتِ ایشان است[۱] و به سبب آن است که خدا شنوای داناست. ﴿۵۳﴾ مانند حال کسانِ فرعون و آنان‌که پیش از ایشان بودند، دروغ شمردند آیاتِ پروردگار خویش را، پس هلاک ساختیم ایشان را به گناهانِ ایشان و غرق ساختیم کسانِ فرعون را و هر یک ستمکار بودند. ﴿۵۴﴾ هرآیینه بدترین جنبندگان نزدیک خدا آنانند که کافر شدند، پس ایمان نمی‌آرند. ﴿۵۵﴾ آنان‌که عهد بسته با ایشان، باز می‌شکنند عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پرهیز نمی‌کنند[۲]. ﴿۵۶﴾ پس اگر بیابی ایشان را در جنگ، پس متفرق ساز به سبب کشتنِ ایشان، آنان را که پسِ پشت ایشان باشند، بُوَد که پندپذیر شوند. ﴿۵۷﴾ و اگر بترسی از گروهی خیانت را، پس بازگردان به سوی ایشان عهدِ ایشان را به نوعی که همه برابر شوند[۳]، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد خیانت کنندگان را. ﴿۵۸﴾ و باید که نپندارند کافران که ایشان پیشدستی کرده‌اند، هرآیینه ایشان، عاجز نتوانند ساخت. ﴿۵۹﴾ و مهیّا سازید ای مسلمانان! برای ایشان آنچه توانید از توانایی[۴] و از آماده داشتن اسپان، بترسانید به آن دشمن خدا را و دشمن خویش را و قومی دیگر را نیز بجز ایشان. شما نمی‌دانند ایشان را[۵]، خدا می‌داند ایشان را و آنچه خرج کنید از هرچه باشد در راه خدا، تمام داده شود به شما[۶] و شما ستم کرده نشوید. ﴿۶۰﴾ و اگر میل کنند به صلح، تو هم میل کن به سوی آن[۷] و توکّل کن بر خدا، هرآیینه وی شنوای داناست. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی کفران نعمت را به شکر و معصیت را به طاعت.

۲- مترجم گوید: تعریض است به قبائل یهود که آن حضرتﷺ به ایشان صلح کرده بودند و ایشان وقت بعد وقت، عذر می‌نمودند، والله اعلم.

۳- یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید، والله اعلم.

۴- یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن.

۵- یعنی اهل نفاق را، والله اعلم.

۶- یعنی ثواب او، والله اعلم.

۷- مترجم گوید: این امر برای اباحت است، والله اعلم.

وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ
أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ
أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٦٣﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَسۡبُكَ ٱللَّهُ وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ عَلَى
ٱلۡقِتَالِۚ إِن يَكُن مِّنكُمۡ عِشۡرُونَ صَٰبِرُونَ يَغۡلِبُواْ
مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفٗا مِّنَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ﴿٦٥﴾ ٱلۡـَٰٔنَ
خَفَّفَ ٱللَّهُ عَنكُمۡ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمۡ ضَعۡفٗاۚ فَإِن
يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٞ صَابِرَةٞ يَغۡلِبُواْ مِاْئَتَيۡنِۚ وَإِن
يَكُن مِّنكُمۡ أَلۡفٞ يَغۡلِبُوٓاْ أَلۡفَيۡنِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ
مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسۡرَىٰ
حَتَّىٰ يُثۡخِنَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنۡيَا وَٱللَّهُ
يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٦٧﴾ لَّوۡلَا كِتَٰبٞ مِّنَ
ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمۡ فِيمَآ أَخَذۡتُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٦٨﴾
فَكُلُواْ مِمَّا غَنِمۡتُمۡ حَلَٰلٗا طَيِّبٗاۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٦٩﴾

و اگر خواهند که فریب دهند تو را، پس کفایت کننده است تو را، خدا همونست آنکه قوّت داد تو را به یاری دادن و به مسلمانان. ﴿۶۲﴾ و همونست آنکه الفت داد میان دل‌های ایشان، اگر خرج می‌کردی آنچه در زمین است همه یکجا، الفت نمی‌دادی میانِ دل‌های ایشان و لیکن خدا الفت افکند در میانِ ایشان، هرآیینه وی غالبِ با حکمت است. ﴿۶۳﴾ ای پیغامبر! کفایت کننده است تو را خدا و کفایت کننده آنان راکه پیروی تو کردند از مسلمانان. ﴿۶۴﴾ ای پیغامبر! رغبت ده مسلمانان را بر جنگ. اگر باشند از شما بیست کس صبر کننده، غالب شوند بر دو صد کس و اگر باشند از شما صد کس، غالب شوند بر هزار کس از کافران، به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی‌فهمند(۱). ﴿۶۵﴾ اکنون سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعفی هست، پس اگر باشند از شما صد کس شکیبا، غالب آیند بر دو صد کس و اگر باشند از شما هزار کس، غالب آیند بر دو هزار کس به فرمانِ خدا و خدا با صابران است. ﴿۶۶﴾ سزاوار نبود پیغامبر را که به دستِ وی اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آرد در زمین. می‌خواهید مالِ دنیا را و خدا می‌خواهد مصلحتِ آخرت را و خدا غالبِ باحکمت است(۲). ﴿۶۷﴾ اگر نبودی حکم خدا پیشی گرفته(۳)، می‌رسید به شما در آنچه گرفتید، عذابِ بزرگ. ﴿۶۸﴾ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه، و بترسید از خدا، هرآیینه خدا آمرزندۀ مهربان است [شما را](۴). ﴿۶۹﴾

۱- مترجم گوید: چون این آیت نازل شد، واجب گشت ثبات با ده چندان از کفار، بعد ازان منسوخ شد به وجوب ثبات در مقابلۀ دو چند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند به اجتهاد خویش و مرضیّ نزدیک خدای تعالی، قتل این جماعت بود، لیکن چون به نص صریح ممنوع نشده بود، عفو فرمود این آیت نازل شد.

۳- یعنی حکم غیر منصوص و مُقَدَّر در لوح محفوظ، والله اعلم.

۴- تعریض است به عباس بن عبدالمطلب.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّمَن فِيٓ أَيۡدِيكُم مِّنَ ٱلۡأَسۡرَىٰٓ إِن يَعۡلَمِ ٱللَّهُ فِي قُلُوبِكُمۡ خَيۡرٗا يُؤۡتِكُمۡ خَيۡرٗا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٧٠﴾ وَإِن يُرِيدُواْ خِيَانَتَكَ فَقَدۡ خَانُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ فَأَمۡكَنَ مِنۡهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَـٰٓئِكَ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمۡ يُهَاجِرُواْ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَيۡءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُواْۚ وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿٧٢﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ ﴿٧٣﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ﴿٧٤﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ مَعَكُمۡ فَأُوْلَـٰٓئِكَ مِنكُمۡۚ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿٧٥﴾

ای پیغامبر! بگو: آنان راکه در دست شمایند از اسیران: اگر داند خدا در دل شما نیکی، البته بدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما و بیامرزد شما را و خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿۷۰﴾ و اگر خواهند خیانت با تو، پس هرآیینه خیانت کرده بودند با خدا پیش از این، پس قدرت داد بر ایشان و خدا دانای با حکمت است. ﴿۷۱﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند به مال خود و جان خود در راه خدا و آنان‌که جای دادند و نصرت کردند، این جماعت، بعض ایشان کارسازان بعض‌اند[۱]، و آنان‌که ایمان آوردند و هجرت نکردند، نیست شما را از کارسازیِ ایشان هیچ چیز، تا آنکه هجرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دین، پس لازم است بر شما یاری کردن، مگر بر جماعتی که میان شما و میان ایشان عهد باشد و خدا به آنچه می‌کنید بیناست. ﴿۷۲﴾ و آنان‌که کافر شدند، بعض ایشان کارسازانِ بعض‌اند، اگر نکنید ای مسلمانان! این کار را[۲]، باشد فتنه در زمین و فسادِ بزرگ. ﴿۷۳﴾ و آنان‌که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راهِ خدا و آنان‌که جای دادند و نصرت کردند، این جماعت، ایشانند مؤمنان به حقیقت، ایشان راست آمرزش و روزیِ نیک. ﴿۷۴﴾ و آنان‌که ایمان آوردند پس از این و هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما، این گروه نیز از شماست و خداوندانِ قرابت، بعضِ ایشان را نزدیک‌تراند به بعضی در حکم خدا[۳]، هرآیینه خدا به همه چیز داناست. ﴿۷۵﴾

۱- یعنی مهاجر و انصار با یکدیگر باید که نصرت دهند و مواخات کنند.

۲- یعنی دوستی را با یکدیگر.

۳- یعنی صله و توارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض و عصباتند، لازم است، والله اعلم.

سُورَةُ التَّوْبَةِ

بَرَآءَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ
ٱلْمُشْرِكِينَ ١ فَسِيحُواْ فِى ٱلْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ
وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخْزِى
ٱلْكَٰفِرِينَ ٢ وَأَذَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ
يَوْمَ ٱلْحَجِّ ٱلْأَكْبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِىٓءٌ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ
وَرَسُولُهُۥ ۚ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ
فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِى ٱللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ
ٱلْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْـًٔا وَلَمْ يُظَٰهِرُواْ
عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ ۚ إِنَّ
ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ ٤ فَإِذَا ٱنسَلَخَ ٱلْأَشْهُرُ ٱلْحُرُمُ
فَٱقْتُلُواْ ٱلْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ
وَٱحْصُرُوهُمْ وَٱقْعُدُواْ لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَإِن تَابُواْ
وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٥ وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ٱسْتَجَارَكَ
فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُۥ ۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ ٦

سوره توبه

[قطع معامله است از جانب خدا و رسول او و به سوی آنان‌که عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان[1]. ﴿۱﴾ پس سیر کنید ای مشرکان! در زمین چهار ماه و بدانید که شما نه عاجز کنندهٔ خدایید و بدانید آنکه خدا رسوا کنندهٔ کافران است. ﴿۲﴾ و خبر رسانیدن است از جانب خدا و رسول او و به سوی مردمان، روز حج بزرگ، که خدا بیزار است از مشرکان و رسول او نیز بیزار است. پس اگر توبه کنید، پس آن بهتر است شما را و اگر روی بگردانید، پس بدانید که شما نه عاجز کنندهٔ خدایید و خبر ده کافران را به عذاب درد دهنده. ﴿۳﴾ مگر آنان‌که با ایشان عهد بسته بودید از مشرکان، باز کمی نکردند با شما در چیزی و مدد ندادند بر شما کسی را، پس به وفا رسانید به سوی ایشان عهد ایشان را تا مدّت ایشان، هرآیینه خدا دوست می‌دارد پرهیزگاران را. ﴿۴﴾ پس چون آخر شوند ماه‌های حرام[2]، پس بکُشید مشرکان را هر جاکه یابید ایشان را و بگیرید ایشان را و بند کنید ایشان را و بنشینید برای ایشان به هر کمینگاه. پس اگر توبه کنند و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را، پس بگزارید راه ایشان را، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۵﴾ و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند از تو، پس امان بده او را تا بشنود قرآن، باز برسان او را به جای ایمنیِ وی، این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی‌دانند[3]. ﴿۶﴾

۱- مترجم گوید: سال نهم، حضرت پیغامبرﷺ علی مرتضی را در موسم حج فرستاد تا عهود مشرکان را براندازد، الاّ چهار ماه ایشان را فرصت داد تا در امر خود تأمل کنند، مگر دو فرقهٔ بنی ضمره و بنوکنانه که خیانت در عهد نکرده بودند، پس خدای تعالی عهد ایشان را تا میعاد آن مقرر داشت و تا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک به حج نیاید و هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوائل سورهٔ برائت بر ایشان برخواند، والله اعلم.

۲- یعنی آن چهار ماه که ایشان را فرصت داده بودند.

۳- مترجم گوید: آن حضرتﷺ با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان در مقام عذر آمده، بر کشتن خلفای آن حضرت اعانت نمودند و این صورت، سبب فتح مکه شد. خدای تعالی برای ترغیب بر غزوهٔ فتح، آیات فرستاد.

كَيۡفَ يَكُونُ لِلۡمُشۡرِكِينَ عَهۡدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ
رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ فَمَا
ٱسۡتَقَٰمُواْ لَكُمۡ فَٱسۡتَقِيمُواْ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ
ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٧﴾ كَيۡفَ وَإِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ لَا يَرۡقُبُواْ
فِيكُمۡ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ يُرۡضُونَكُم بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَتَأۡبَىٰ
قُلُوبُهُمۡ وَأَكۡثَرُهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿٨﴾ ٱشۡتَرَوۡاْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
ثَمَنٗا قَلِيلٗا فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرۡقُبُونَ فِي مُؤۡمِنٍ إِلّٗا وَلَا ذِمَّةٗۚ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُعۡتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِۗ وَنُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ
لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم مِّنۢ بَعۡدِ
عَهۡدِهِمۡ وَطَعَنُواْ فِي دِينِكُمۡ فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلۡكُفۡرِ
إِنَّهُمۡ لَآ أَيۡمَٰنَ لَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَنتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تُقَٰتِلُونَ
قَوۡمٗا نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ وَهَمُّواْ بِإِخۡرَاجِ ٱلرَّسُولِ وَهُم
بَدَءُوكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٍۚ أَتَخۡشَوۡنَهُمۡۚ فَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَوۡهُ
إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣﴾

چگونه بود مشرکان را عهد نزدیک خدا و نزدیک رسول
او؟ الاّ آنان‌که عهد بسته بودید با ایشان نزدیک مسجد
حرام[1]، پس مادام که بر عهد ثابت باشند برای شما، شما
نیز ثابت باشید برای ایشان. هرآیینه خدا دوست می‌دارد
پرهیزگاران را. ﴿۷﴾ چگونه بُوَد مشرکان را عهد؟ و اگر
غالب آیند بر شما، نگاه ندارند در باب شما حقّ خویشی را
و نه عهد را، رضامند می‌سازند شما را به دهان خویش و
قبول نمی‌کند دل ایشان و بیشترین ایشان فاسقانند. ﴿۸﴾
خرید کردند به آیت‌های خدا بهای اندک[2] را، پس
بازداشتند مردمان را از راه خدا، هرآیینه ایشان بدکاری
است که می‌کردند. ﴿۹﴾ نگاه نمی‌دارند در باب هیچ
مسلمانی حقِّ خویشی را و نه عهد را و آن جماعت، ایشانند
از حد درگذشتگان. ﴿۱۰﴾ پس اگر توبه کنند و برپا دارند
نماز را و بدهند زکات را، پس ایشان برادران شمایند در
دین و واضح می‌سازیم آیات را برای گروهی که می‌دانند.
﴿۱۱﴾ و اگر بشکنند سوگندان خویش را پس از عهد
بستن خویش و طعنه زنند در دینِ شما، پس کارزار کنید با
پیشوایانِ کفر. هرآیینه سوگند نیست ایشان را، بُوَد که
ایشان بازمانند. ﴿۱۲﴾ آیا جنگ نمی‌کنید با گروهی که
شکستند سوگندانِ خویش را و قصد کردند جلا وطن
ساختن پیغامبر را و ایشان ابتدا کردند در نقض تعهّد با شما
اوّل مرتبه؟ آیا می‌ترسید از ایشان؟ پس خدا سزاوارتر است
به آنکه بترسید از وی، اگر مسلمانید. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی قریش که در حدیبیه به ایشان، صلح واقع شده بود.
۲- یعنی تابع شهوات نفس شدند، ایمان را ترک کردند.

قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ
وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٤﴾
وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ
وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾ أَمۡ حَسِبۡتُمۡ أَن تُتۡرَكُواْ وَلَمَّا
يَعۡلَمِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ مِنكُمۡ وَلَمۡ يَتَّخِذُواْ مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَلَا رَسُولِهِۦ وَلَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَلِيجَةٗۚ وَٱللَّهُ
خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلۡمُشۡرِكِينَ أَن يَعۡمُرُواْ
مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ شَٰهِدِينَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِم بِٱلۡكُفۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ
حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ وَفِي ٱلنَّارِ هُمۡ خَٰلِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا
يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ
وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمۡ يَخۡشَ إِلَّا ٱللَّهَۖ
فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿١٨﴾
۞أَجَعَلۡتُمۡ سِقَايَةَ ٱلۡحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ
كَمَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَجَٰهَدَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ
لَا يَسۡتَوُۥنَ عِندَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾

جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را خدا به دست شما و رسوا سازد ایشان را و فتح دهد شما را بر ایشان و شفا بخشد سینه‌های گروه مسلمانان را. ﴿۱۴﴾ و دور کند اندوه دل ایشان را و به رحمت باز گردد خدا بر هر که خواهد و خدا دانا استوارکار است. ﴿۱۵﴾ آیا گمان کردید که گذاشته شوید[1] و هنوز متمیّز نساخته است خدا آنان را که جهاد کرده‌اند از شما و نه گرفته‌اند بجز خدا و بجز پیغامبر او و بجز مؤمنان، هیچ دوست پنهانی؟ و خدا داناست به آنچه می‌کنید. ﴿۱۶﴾ روا نباشد مشرکان راکه آباد سازند مسجدهای خدا را، اعتراف کرده بر خود به کفر. آن جماعت، باطل شد عمل‌های ایشان و در آتش، همه همیشه باشندگانند[2]. ﴿۱۷﴾ جز این نیست که عمارت می‌کند مسجدهای خدا را کسی که ایمان آورد به خدا و به روز آخر و برپا داشته نماز را و داده است زکات را و نترسیده است مگر از خدا، پس توقع است که این جماعت از راه یافتگان باشند. ﴿۱۸﴾ آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است به خدا و روز آخر و جهاد کرده است در راه خدا؟ برابر نیستند نزدیک خدا و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۱۹﴾ آنان‌که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا به اموال خویش و جان خویش، بزرگترند در مرتبه نزدیک خدا و این جماعت، ایشانند مطلب یابان. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی تکلیف جهاد نشود.

۲- مترجم گوید: تعریض است به جواب مفاخرت قریش به عمارت مسجد حرام.

يُبَشِّرُهُمۡ رَبُّهُم بِرَحۡمَةٖ مِّنۡهُ وَرِضۡوَٰنٖ وَجَنَّٰتٖ لَّهُمۡ فِيهَا
نَعِيمٞ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ
أَجۡرٌ عَظِيمٞ ﴿٢٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُوٓاْ
ءَابَآءَكُمۡ وَإِخۡوَٰنَكُمۡ أَوۡلِيَآءَ إِنِ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡكُفۡرَ
عَلَى ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ إِلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَجِهَادٖ فِي
سَبِيلِهِۦ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا
يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٢٤﴾ قُلۡ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمۡ
وَأَبۡنَآؤُكُمۡ وَإِخۡوَٰنُكُمۡ وَأَزۡوَٰجُكُمۡ وَعَشِيرَتُكُمۡ
وَأَمۡوَٰلٌ ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا وَتِجَٰرَةٞ تَخۡشَوۡنَ كَسَادَهَا
وَمَسَٰكِنُ تَرۡضَوۡنَهَآ أَحَبَّ لَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ فِي
مَوَاطِنَ كَثِيرَةٖ وَيَوۡمَ حُنَيۡنٍ إِذۡ أَعۡجَبَتۡكُمۡ كَثۡرَتُكُمۡ
فَلَمۡ تُغۡنِ عَنكُمۡ شَيۡـٔٗا وَضَاقَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَرۡضُ
بِمَا رَحُبَتۡ ثُمَّ وَلَّيۡتُم مُّدۡبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ
سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودٗا
لَّمۡ تَرَوۡهَا وَعَذَّبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٦﴾

مژده می‌دهد ایشان را پروردگار ایشان به رحمت از نزدیک خود و به خوشنودی و به بوستان‌ها که ایشان را در آنجانعمتِ دایم بُوَد. ﴿۲۱﴾ باشندگان آنجا همیشه، هرآیینه خدا نزدیک او است مزد بزرگ. ﴿۲۲﴾ ای[۱] مسلمانان! مگیرید پدران خود را و برادران خود را، اگر اختیار کنند کفر را بر ایمان، و هر که از شما دوستی دارد با ایشان، پس آن جماعت، ایشانند ستمکاران. ﴿۲۳﴾ بگو: اگر هستند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما و خویشاوندان شما و آن مال‌هایی که کسب کرده‌اید آن را و تجارتی که می‌ترسید از بی‌رواجی آن و منزل‌هاکه پسند می‌کنید آن را، دوست‌تر نزدیک شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او، پس منتظر باشید تا آنکه بیارد خدا عقوبت خود را و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را. ﴿۲۴﴾ هرآیینه[۲] فتح داد شما را خدا در جاهای بسیار و روز حُنین نیز، چون به شگفت آورد شما را بسیاریِ شما، پس دفع نکرد آن بسیاری، از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین، با وجود فراخیِ آن، پس برگشتید پشت داده. ﴿۲۵﴾ باز فروفرستاد خدای تعالی تسکینِ خود را بر پیغامبر خود و بر مؤمنان، و فروفرستاد لشکرهایی که شما ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است جزایِ کافران. ﴿۲۶﴾

۱- مترجم گوید: بعد غزوۀ فتح در ترغیب بر جهاد مشرکین و اهل کتاب نازل شد.

۲- مترجم گوید: در غزوۀ حنین شکست گونه به مسلمین رو داده بود. بعد از آن خدای تعالی نصرت داد و به جهت تذکیر نعمت، این آیات فرستاد.

ثُمَّ يَتُوبُ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ
غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا
ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ
عَامِهِمۡ هَٰذَاۚ وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ
مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٢٨﴾ قَٰتِلُواْ
ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَلَا
يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ
ٱلۡحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ
عَن يَدٖ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ عُزَيۡرٌ ٱبۡنُ
ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ ٱللَّهِۖ ذَٰلِكَ قَوۡلُهُم
بِأَفۡوَٰهِهِمۡۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوۡلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُۚ
قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ﴿٣٠﴾ ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ
وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ
وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ
سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٣١﴾

باز به رحمت باز گردد خدا بعد از این بر هر که خواهد،(۱) و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان! جز این نیست که مشرکان پلیدند، پس باید که نزدیک نشوند به مسجد حرام بعد از این سال و اگر می‌ترسید از درویشی(۲)، پس توانگر خواهد ساخت شما را خدا از فضل خود اگر خواهد، هرآیینه خدا دانای درستکار است(۳). ﴿۲۸﴾ جنگ کنید با آنان که ایمان نمی‌آرند به خدا و نه به روز آخر و حرام نمی‌شمردند آنچه حرام کرده است خدا و پیغامبر او و اختیار نمی‌کنند دینِ درست را از اهلِ کتاب تا آنکه بدهند جزیه را از دست خود، خوار شدگان. ﴿۲۹﴾ و گفتند یهود که: عُزَیر پسر خدا است و گفتند نصاری که مسیح پسر خداست. این قول ایشان است به دهان خود(۴)، مشابهت کرده‌اند با سخن قومی که کافر شدند پیش از این(۵). لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده می‌شوند؟!(۶). ﴿۳۰﴾ اِله دانشمندان خود را و زاهدان خود را خدایانی بجز «الله»، و اِله گرفتند مسیح پسر مریم را و نفرموده شده‌اند مگر آنکه عبادت کنند یک خدا را. نیست معبودی بجز وی، پاک است وی از آنکه شریک او مقرر می‌کنند. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی توفیق اسلام دهد هرکه را خواهد از کافران، والله اعلم.

۲- یعنی به سبب انقطاع سوداگران، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: خدای تعالی در باب جهاد اهل کتاب و گرفتن جزیه از ایشان می‌فرماید.

۴- یعنی اصلی ندارد.

۵- یعنی مشرکان، که ملائکه را دختران خدا می‌گویند.

۶- یعنی از راه صواب.

يُرِيدُونَ أَن يُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَيَأۡبَى ٱللَّهُ إِلَّآ
أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ
رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ
كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ﴿٣٣﴾ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ
إِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ
ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۗ وَٱلَّذِينَ
يَكۡنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلۡفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٣٤﴾ يَوۡمَ يُحۡمَىٰ عَلَيۡهَا فِي
نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكۡوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمۡ وَجُنُوبُهُمۡ وَظُهُورُهُمۡۖ
هَٰذَا مَا كَنَزۡتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ
تَكۡنِزُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثۡنَا عَشَرَ
شَهۡرٗا فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ يَوۡمَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
مِنۡهَآ أَرۡبَعَةٌ حُرُمٞۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُۚ فَلَا تَظۡلِمُواْ
فِيهِنَّ أَنفُسَكُمۡۚ وَقَٰتِلُواْ ٱلۡمُشۡرِكِينَ كَآفَّةٗ كَمَا
يُقَٰتِلُونَكُمۡ كَآفَّةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

می‌خواهند که فرونشانند نور خدا را به دهان خود![1] و قبول نکند خدا الاّ آنکه تمام سازد نور خود را و اگرچه ناخوش شوند کافران. ﴿۳۲﴾ همونست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست، تا غالب کندش بر ادیان همهٔ آن، اگرچه ناخوش شوند مشرکان. ﴿۳۳﴾ ای مسلمانان! هرآیینه بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و زاهدان اهل کتاب می‌خورند اموالِ مردمان را به باطل و باز می‌دارند از راه خدا و آنان‌که ذخیره می‌کنند زر و نقره را و خرج نمی‌نمایند آن را در راه خدا،[2] پس بشارت ده این جماعت را به عذابِ دردناک. ﴿۳۴﴾ روزی که گرم کرده شود[3] بر آن مال در آتش دوزخ، پس داغ کرده شود به آن پیشانی ایشان را و پهلوی ایشان را و پشت ایشان را و گفته شود: این است آنچه ذخیره نهادید برای خود، پس بچشید آنچه ذخیره می‌کردید. ﴿۳۵﴾ هرآیینه شمار ماه‌ها نزدیک خدا دوازده ماه است در کتاب خدا، روزی که آفرید آسمان‌ها و زمین را، از آن جمله چهار ماه حرام است. این است دینِ درست، پس ستم مکنید در آن چهارماه بر خویشتن[4] (یعنی به قتال ناحق) و جنگ کنید با مشرکان. همهٔ ایشان، چنانکه ایشان جنگ می‌کنند با شما، همهٔ شما و بدانید که خدا با متّقیان است. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی به شبهات تقریر می‌کنند در ابطال دین، والله اعلم.

۲- یعنی زکات نمی‌دهند.

۳- یعنی دمیده شود.

۴- مترجم گوید: در دین حضرت ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب وذیقعده و ذی‌الحجه با یکدیگر جنگ نکنند. اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفر را محرم می‌ساختند ومحرم را صفر و علی هذالقیاس و این را نسئ می‌گفتند. خدایتعالی اصل این حکم را باقی داشت، به این وجه که جنگ ناحق هیچ‌گاه درست نیست و درین ماه‌ها حرمت آن مغلظ می‌شود و جنگ با کافران همه وقت درست است. و نفی تحریف ایشان فرمود.

إِنَّمَا ٱلنَّسِيٓءُ زِيَادَةٞ فِي ٱلۡكُفۡرِۖ يُضَلُّ بِهِ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ يُحِلُّونَهُۥ عَامٗا وَيُحَرِّمُونَهُۥ عَامٗا لِّيُوَاطِـُٔواْ
عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ فَيُحِلُّواْ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُۚ زُيِّنَ لَهُمۡ
سُوٓءُ أَعۡمَٰلِهِمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٣٧﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَا لَكُمۡ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُواْ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱثَّاقَلۡتُمۡ إِلَى ٱلۡأَرۡضِۚ أَرَضِيتُم
بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِۚ فَمَا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا فِي
ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا تَنفِرُواْ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا
أَلِيمٗا وَيَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيۡـٔٗاۗ وَٱللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ
إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ
إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَاۖ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ
سَكِينَتَهُۥ عَلَيۡهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٖ لَّمۡ تَرَوۡهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفۡلَىٰۗ وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِيَ ٱلۡعُلۡيَاۗ وَٱللَّهُ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

جز این نیست که «نَسِئ» زیادتی است در کفر، گمراه گردانیده می‌شوند به آن کافران. حلال می‌شمرند آن ماه را یک سال و حرام می‌شمرند آن را سالِ دیگر، تا موافقت کنند با شمارِ آنچه حرام ساخته است خدا، پس حلال سازند چیزی راکه حرام ساخته است خدا. آراسته کرده شده است برای ایشان کردارهای بدِ ایشان و خدا راه نمی‌نماید قوم کافران را[۱]. ﴿۳۷﴾ ای مسلمانان! چیست شما را که چون به شماگفته می‌شود بیرون آیید در راه خدا، گران شده میل می‌کنید به سوی زمین؟ آیا رضامند شدید به زندگانی دنیا عوضِ آخرت؟ پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی[۲]. ﴿۳۸﴾ اگر بیرون نیایید، عذاب کند شما را عذابی درد دهنده و بدل شما گیرد قومی را بجز شما و زیان نرسانید خدا را هیچ و خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۳۹﴾ اگر نصرت ندهید پیغامبر را چه باک، هرآیینه نصرت داده است او را خدا آنگاه که بیرون کردندش کافران، دوّم دو کس، آنگاه که این دو کس در غار بودند، آنگاه که می‌گفت یار خود را:[۳] اندوه مخور! هرآیینه خدا با ماست. پس فروفرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوّت دادش به لشکرهای که ندیدید آن را و ساخت سخنِ کافران را فروتر و سخن خدا همان است بلند و خدا غالبِ درست‌کار است. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی به قتال ناحق.

۲- مترجم گوید: آن حضرتﷺ در وقت عسرت و گرمی هوا متوجه غزوۀ تبوک شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس به غیر عذر، تخلف کردند و توبۀ ایشان بعد پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان، کلمات نفاق سر برزد. خدای تعالی در مدح اینان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیات فرستاد.

۳- یعنی ابوبکر صدیق را.

ٱنفِرُواْ خِفَافٗا وَثِقَالٗا وَجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ
وَأَنفُسِكُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن
كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ لَوۡ كَانَ عَرَضٗا قَرِيبٗا وَسَفَرٗا
قَاصِدٗا لَّٱتَّبَعُوكَ وَلَٰكِنۢ بَعُدَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلشُّقَّةُۚ
وَسَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَوِ ٱسۡتَطَعۡنَا لَخَرَجۡنَا مَعَكُمۡ
يُهۡلِكُونَ أَنفُسَهُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿٤٢﴾
عَفَا ٱللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ
صَدَقُواْ وَتَعۡلَمَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٤٣﴾ لَا يَسۡتَـٔۡذِنُكَ ٱلَّذِينَ
يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ
وَأَنفُسِهِمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا يَسۡتَـٔۡذِنُكَ
ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱرۡتَابَتۡ
قُلُوبُهُمۡ فَهُمۡ فِي رَيۡبِهِمۡ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ ۞وَلَوۡ أَرَادُواْ
ٱلۡخُرُوجَ لَأَعَدُّواْ لَهُۥ عُدَّةٗ وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ
ٱنۢبِعَاثَهُمۡ فَثَبَّطَهُمۡ وَقِيلَ ٱقۡعُدُواْ مَعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوۡ
خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمۡ إِلَّا خَبَالٗا وَلَأَوۡضَعُواْ
خِلَٰلَكُمۡ يَبۡغُونَكُمُ ٱلۡفِتۡنَةَ وَفِيكُمۡ سَمَّٰعُونَ لَهُمۡۗ
وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾

بیرون آیید سبکبار و گرانبار[۱] و جهاد کنید به مال خود و جان خود در راه خدا، این بهتر است شما را اگر می‌دانید. ﴿۴۱﴾ اگر بودی [آنچه به آن دعوت می کنی] نفع قریب الحصول و سفری آسان، پیروی می‌کردند تو را و لیکن دور نمود ایشان را مسافتِ راه و سوگند خواهند خورد به خدا که اگر می‌توانستیم، بیرون می‌آمدیم با شما. هلاک می‌کنند خویش را[۲] و خدا می‌داند که ایشان دروغ گویند. ﴿۴۲﴾ عفو کناد خدا از تو! چرا دستوری دادی ایشان را منع اذن تا آن وقت بود که هویدا شوند برای تو راستگویان و بدانی دروغ گویان را. ﴿۴۳﴾ دستوری نمی‌طلبند از تو آنان‌که ایمان آوردند به خدا و روز آخر در تخلّف از آنکه جهاد کنند به اموالِ خویش و جان خویش و خدا داناست به متقیان. ﴿۴۴﴾ جز این نیست که دستوری می‌طلبند از تو آنان‌که ایمان نمی‌آرند به خدا و روز آخر و شک آورده است دل ایشان، پس ایشان در شکِّ خود سرگردان می‌شوند. ﴿۴۵﴾ و اگر خواستندی بیرون آمدن، مهیا می‌کردندی برای سفر، سامان را و لیکن ناپسند داشت خدا برانگیختن ایشان، پس از حرکت بازداشت ایشان را و گفته شد: بنشینید با نشینندگان[۳]. ﴿۴۶﴾ اگر بر می‌آمدند میانِ شما، نمی‌افزودند در حقِّ شما[۴] مگر فساد را و البته مَرکَب می‌تاختند میانِ شما فتنه جویان در حقّ شما و میان شما سخن شنوانند از ایشان[۵] و خدا داناست به ستمکاران. ﴿۴۷﴾

۱- یعنی در حالی که اسباب و حشم بسیار دارید یا بجز قدر ضروری به دست شما نباشد و به این توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ، والله اعلم.
۲- یعنی به سوگند دروغ.
۳- و این تصویر است القای عزم مختلف را در خاطر ایشان.
۴- یعنی سعی در فتنه می‌کردند.
۵- یعنی سخن ایشان قبول می‌کنند.

لَقَدِ ٱبۡتَغَوُاْ ٱلۡفِتۡنَةَ مِن قَبۡلُ وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ حَتَّىٰ
جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَظَهَرَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنۡهُم
مَّن يَقُولُ ٱئۡذَن لِّي وَلَا تَفۡتِنِّيٓۚ أَلَا فِي ٱلۡفِتۡنَةِ سَقَطُواْۗ
وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِن تُصِبۡكَ
حَسَنَةٞ تَسُؤۡهُمۡۖ وَإِن تُصِبۡكَ مُصِيبَةٞ يَقُولُواْ قَدۡ أَخَذۡنَآ
أَمۡرَنَا مِن قَبۡلُ وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمۡ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُل لَّن
يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ
فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ هَلۡ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ
إِحۡدَى ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِۖ وَنَحۡنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمۡ أَن
يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٖ مِّنۡ عِندِهِۦٓ أَوۡ بِأَيۡدِينَاۖ
فَتَرَبَّصُوٓاْ إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلۡ أَنفِقُواْ طَوۡعًا
أَوۡ كَرۡهٗا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمۡ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا
فَٰسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا مَنَعَهُمۡ أَن تُقۡبَلَ مِنۡهُمۡ نَفَقَٰتُهُمۡ إِلَّآ
أَنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَبِرَسُولِهِۦ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا
وَهُمۡ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمۡ كَٰرِهُونَ ﴿٥٤﴾

هرآیینه طلب کرده بودند فتنه را پیش از این و بگردانیدند
برای تو مصلحت‌ها، تا آنکه بیامد نصرت حق و غالب شد
کار خدا و ایشان ناخواهان بودند. ﴿۴۸﴾ و از ایشان کسی
هست که می‌گوید: دستوری ده مرا و در فتنه مینداز مرا[۱].
آگاه شو که در فتنه افتاده‌اند و هرآیینه دوزخ درگیرنده
است کافران را. ﴿۴۹﴾ و اگر برسد به تو نعمتی، ناخوش
کند ایشان را و اگر برسد به تو مصیبتی، گویند: به دست
آوردیم مصلحتِ خود پیش از این[۲] و برگردند شادمان
شده. ﴿۵۰﴾ بگو: هرگز نرسد به ما مگر آنچه نوشته است
خدا برای ما. اوست کارساز ما و بر خدا باید که توکّل
کنند مسلمانان. ﴿۵۱﴾ بگو: انتظار نمی‌برید در حقِّ ما مگر
یکی از دو خصلت نیک را[۳] و ما انتظار می‌کشیم در حقِّ
شما که برساند خدا به شما عذاب را از نزدیک خود یا به
دستِ ما. پس انتظار کشید، هرآیینه ما با شما منتظرانیم.
﴿۵۲﴾ بگو: ای منافقان! خرج کنید به خوشی یا ناخوشی،
هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما، هرآیینه شما هستید
قوم فاسقان. ﴿۵۳﴾ و باز نداشت ایشان را از آنکه قبول
کرده شود از ایشان خرج ایشان، الاّ آنکه ایشان کافر شدند
به خدا و رسولِ او و نمی‌آیند به نماز، مگر کاهلی کنان و
خرج نمی‌کنند، مگر ناخواهان. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی مرا در بلاد روم می‌برید که جمال رومیان دیده، مفتون خواهم شد، والله اعلم.

۲- یعنی پنهان با اعدا موافقت کرده‌ایم یا از سفر تخلف نموده‌ایم، ما را هیچ باک نیست، والله اعلم.

۳- یعنی فتح یا شهادت.

فَلَا تُعۡجِبۡكَ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُمۡۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ
لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَتَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ وَهُمۡ
كَٰفِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمۡ لَمِنكُمۡ وَمَا هُم
مِّنكُمۡ وَلَٰكِنَّهُمۡ قَوۡمٞ يَفۡرَقُونَ ﴿٥٦﴾ لَوۡ يَجِدُونَ مَلۡجَـًٔا
أَوۡ مَغَٰرَٰتٍ أَوۡ مُدَّخَلٗا لَّوَلَّوۡاْ إِلَيۡهِ وَهُمۡ يَجۡمَحُونَ ﴿٥٧﴾
وَمِنۡهُم مَّن يَلۡمِزُكَ فِي ٱلصَّدَقَٰتِ فَإِنۡ أُعۡطُواْ مِنۡهَا
رَضُواْ وَإِن لَّمۡ يُعۡطَوۡاْ مِنۡهَآ إِذَا هُمۡ يَسۡخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوۡ
أَنَّهُمۡ رَضُواْ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَقَالُواْ حَسۡبُنَا
ٱللَّهُ سَيُؤۡتِينَا ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦ وَرَسُولُهُۥٓ إِنَّآ إِلَى ٱللَّهِ
رَٰغِبُونَ ﴿٥٩﴾ ۞إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ
وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ
وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ
ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٦٠﴾ وَمِنۡهُمُ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ
ٱلنَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٞۚ قُلۡ أُذُنُ خَيۡرٖ لَّكُمۡ يُؤۡمِنُ
بِٱللَّهِ وَيُؤۡمِنُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ وَرَحۡمَةٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡۚ
وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ رَسُولَ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٦١﴾

پس به شگفت نیارد تو را مال ایشان و نه فرزندان ایشان. جز این نیست که می‌خواهد خدا که عذاب کند ایشان را به آنها در زندگانی دنیا[1] و برآید جان ایشان و ایشان کافر باشند. ﴿۵۵﴾ و سوگند می‌خورند به خداکه ایشان از جرگۀ شمایند و نیستند ایشان از شما و لیکن ایشان جماعتی هستند که می‌ترسند. ﴿۵۶﴾ اگر بیابند پناهی را یا غارها را یا جای در آمدن را، متوجه شوند به آن شتاب کنان. ﴿۵۷﴾ و از ایشان کسی هست که عیب می‌کند تو را در قسمت صدقات، پس اگر داده شود ایشان را از آن، خوشنود شوند و اگر داده نه نشوند از آن، ناگهان ایشان خشم می‌گیرند. ﴿۵۸﴾ و اگر ایشان رضامند می‌شدند به آنچه داده است ایشان را خدا و رسول او و می‌گفتند: بس است ما را خدا، خواهد داد ما را خدا از فضل خود و رسول او، هرآیینه ما به سوی خدا توقع دارندگانیم، [بهتر بودی]. ﴿۵۹﴾ جز این نیست که صدقه‌ها برای فقیران است و بی‌نوایان و کارکنان بر جمع صدقات و آنان‌که الفت داده می‌شود دل ایشان را[2] و برای خرج کردن در آزادی برده‌ها و برای وام داران و برای خرج کردن در راه خدا[3] و برای مسافران است. حکم ثابت شده از نزدیک خدا و خدا دانای درست‌کار است. ﴿۶۰﴾ و از ایشان آنانند که می‌دهند آزار پیغامبر را و می‌گویند: وی سبک گوش است![4] بگو: وی سبک گوش نیکو است برای شما، باور می‌کند گفتۀ خدا را و قبول می‌کند مشورتِ مسلمانان را و رحمت است برای اهل ایمان از شما، و آنان‌که ایذا می‌دهند پیغامبر خدا را، ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف بر آنچه فوت شود، والله اعلم.

۲- یعنی ضعیف الاسلام.

۳- یعنی جهاد.

۴- یعنی هرچه کسی گوید قبول می‌کند.

يَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ لِيُرۡضُوكُمۡ وَٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَحَقُّ
أَن يُرۡضُوهُ إِن كَانُواْ مُؤۡمِنِينَ ٦٢ أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّهُۥ مَن
يُحَادِدِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَأَنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدٗا فِيهَاۚ
ذَٰلِكَ ٱلۡخِزۡيُ ٱلۡعَظِيمُ ٦٣ يَحۡذَرُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ أَن تُنَزَّلَ
عَلَيۡهِمۡ سُورَةٞ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ
إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ ٦٤ وَلَئِن سَأَلۡتَهُمۡ لَيَقُولُنَّ
إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلۡعَبُۚ قُلۡ أَبِٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ
وَرَسُولِهِۦ كُنتُمۡ تَسۡتَهۡزِءُونَ ٦٥ لَا تَعۡتَذِرُواْ قَدۡ
كَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡۚ إِن نَّعۡفُ عَن طَآئِفَةٖ
مِّنكُمۡ نُعَذِّبۡ طَآئِفَةَۢ بِأَنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ٦٦
ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ
بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡۚ
نَسُواْ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمۡۚ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٦٧
وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ هِيَ حَسۡبُهُمۡۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ
مُّقِيمٞ ٦٨

سوگند می‌خورند به خدا برای شما تا رضامند کنند شما را
و خدا و رسول او سزاوارترند به آنکه رضامند سازند آن
را، اگر مسلمانند. ﴿۶۲﴾ آیا نمی‌دانند که هر که خلاف
کند با خدا و رسول او، پس هرآیینه او راست آتش دوزخ،
جاویدان آنجا؟ این است رسوایی بزرگ. ﴿۶۳﴾ می‌ترسند
منافقان از آنکه فروآورده شود بر مسلمانان سوره‌ای که
خبر دهد ایشان را به آنچه در دل منافقان است. بگو:
مسخره کنید! هرآیینه خدا پدید آرنده است چیزی را که
می‌ترسید. ﴿۶۴﴾ و اگر سؤال کنی ایشان را، گویند: جز
این نیست که ما در هزل شروع می‌نمودیم و بازی
می‌کردیم. بگو: آیا به خدا و آیت‌های او و پیغامبر او
تمسخر می‌کردید؟!. ﴿۶۵﴾ عذر مگویید، هرآیینه شما
کافر شدید بعد از ایمان خود[1]. اگر درگذریم از سر
گروهی از شما، البته عذاب کنیم گروهی را به سبب آنکه
ایشان گناهکار بودند. ﴿۶۶﴾ مردان منافق و زنان منافق،
بعض ایشان از جنس بعض‌اند، می‌فرمایند به کار ناپسندیده
و منع می‌کنند از کار پسندیده و می‌بندند دست‌های خود
را. فراموش کردند خدا را پس خدا فراموش ساخت ایشان
را، هرآیینه منافقان ایشانند فاسقان. ﴿۶۷﴾ وعده داده است
خدا مردان منافق را و زنان منافق را و کافران را آتش
دوزخ، همیشه باشندگان در آنجا. دوزخ بس است ایشان را
و لعنت کرد ایشان را خدا و ایشان راست، عذاب دایم.
﴿۶۸﴾

۱- یعنی ایمان به زبان خود.

كَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنكُمۡ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرَ
أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ فَٱسۡتَمۡتَعۡتُم
بِخَلَٰقِكُمۡ كَمَا ٱسۡتَمۡتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُم بِخَلَٰقِهِمۡ
وَخُضۡتُمۡ كَٱلَّذِي خَاضُوٓاْۚ أُوْلَٰٓئِكَ حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ
فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٩ أَلَمۡ
يَأۡتِهِمۡ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ
وَقَوۡمِ إِبۡرَٰهِيمَ وَأَصۡحَٰبِ مَدۡيَنَ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتِۚ أَتَتۡهُمۡ
رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن
كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٧٠ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ
بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ
عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ
وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ
ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٧١ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ
ٱللَّهِ أَكۡبَرُۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٧٢

مانند آنان‌که پیش از شما بودند زیادتر از شما در قوّت و بیشتر در اموال و اولاد. پس بهره‌مند شدند به نصیبهٔ خویش. پس شما نیز بهره‌مند شدید بنصیبهٔ خویش[1]، چنانکه بهره‌مند شدند آنان‌که پیش از شما بودند به نصیبه خویش و شروع در هزل کردید، چنانکه ایشان شروع در هزل کردند. آن جماعت، نابود شده عمل‌های ایشان در دنیا و آخرت و آن جماعت، ایشانند زیانکاران. ﴿۶۹﴾ آیا نیامده است به ایشان خبر آنان‌که پیش از ایشان بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدیَن و اهل مؤتفکات؟ آمدند به ایشان پیغامبرانِ ایشان به نشانه‌های روشن، پس هرگز نشد که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشتن ظلم می‌کردند. ﴿۷۰﴾ و مردان مسلمان و زنانِ مسلمانان بعضِ ایشان کارسازِ بعض‌اند، می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از کار ناپسندیده و برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمانبرداری می‌کنند خدا و رسولِ او را. این جماعت رحمت خواهد کرد بر ایشان خدا، هرآیینه خدا غالب درستکار است. ﴿۷۱﴾ وعده کرده است خدا مردانِ مسلمانان را و زنانِ مسلمانان را به بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها، همیشه باشندگانِ آنجا و جای‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن. و خوشنودی خدا بزرگتر است از همه، این است فیروزی بزرگ. ﴿۷۲﴾

۱- یعنی از دنیا.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ
عَلَيۡهِمۡۚ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ٧٣ يَحۡلِفُونَ
بِٱللَّهِ مَا قَالُواْ وَلَقَدۡ قَالُواْ كَلِمَةَ ٱلۡكُفۡرِ وَكَفَرُواْ بَعۡدَ
إِسۡلَٰمِهِمۡ وَهَمُّواْ بِمَا لَمۡ يَنَالُواْۚ وَمَا نَقَمُوٓاْ إِلَّآ أَنۡ
أَغۡنَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضۡلِهِۦۚ فَإِن يَتُوبُواْ يَكُ
خَيۡرٗا لَّهُمۡۖ وَإِن يَتَوَلَّوۡاْ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ عَذَابًا أَلِيمٗا فِي
ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَمَا لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن وَلِيّٖ وَلَا
نَصِيرٖ ٧٤ ۞وَمِنۡهُم مَّنۡ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنۡ ءَاتَىٰنَا مِن
فَضۡلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ٧٥ فَلَمَّآ
ءَاتَىٰهُم مِّن فَضۡلِهِۦ بَخِلُواْ بِهِۦ وَتَوَلَّواْ وَّهُم مُّعۡرِضُونَ
٧٦ فَأَعۡقَبَهُمۡ نِفَاقٗا فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ يَلۡقَوۡنَهُۥ بِمَآ
أَخۡلَفُواْ ٱللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ٧٧ أَلَمۡ
يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ سِرَّهُمۡ وَنَجۡوَىٰهُمۡ وَأَنَّ ٱللَّهَ عَلَّٰمُ
ٱلۡغُيُوبِ ٧٨ ٱلَّذِينَ يَلۡمِزُونَ ٱلۡمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
فِي ٱلصَّدَقَٰتِ وَٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهۡدَهُمۡ
فَيَسۡخَرُونَ مِنۡهُمۡ سَخِرَ ٱللَّهُ مِنۡهُمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ
٧٩

ای پیغامبر! جهاد کن با کافران[۱] و جهاد کن با منافقان[۲] و درشتی کن بر ایشان و جایِ ایشان دوزخ است و وی بدجایی است. ﴿۷۳﴾ سوگند می‌خورند به خدا که نگفته‌اند، و هرآیینه گفته‌اند سخنِ کفر و کافر شده‌اند بعدِ اسلام خویش و قصد کردند آنچه نیافتند[۳] و انکار نکردند مگر بر آنکه توانگر ساخت ایشان را خدا و رسول او از فضل خود[۴]. پس اگر توبه کنند بهتر باشد ایشان را و اگر برگردند از توبه، عذاب کند ایشان را خدا به عذاب درد دهنده در دنیا و آخرت و نیست ایشان را در زمین هیچ کارساز و هیچ یاری دهنده. ﴿۷۴﴾ و از ایشان کسی هست که عهد بسته است با خدا: البته اگر بدهد ما را از فضل خود، صدقه دهیم و باشیم از نیکوکاران. ﴿۷۵﴾ پس وقتی که بداد ایشان را از فضل خود، بخیلی کردند به آن و برگشتند، اعراض کنان. ﴿۷۶﴾ پس خدای تعالی عاقبت حالِ ایشان، ساخت نفاق را در دل ایشان تا روزی که ملاقات کنند با وی. به شامت آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با وی و به شامت آنکه دروغ می‌گفتند. ﴿۷۷﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا می‌داند سخنِ پنهان ایشان را و راز گفتن ایشان را و آنکه خدا دانندۀ غیب‌هاست؟!. ﴿۷۸﴾ آنان‌که عیب می‌کنند رغبت کنندگان را از مسلمانان در صدقات و عیب می‌کنند آنان را که نمی‌یابند مگر مشقت خود را[۵] پس تمسخر می‌کنند به ایشان، تمسخر کرد خدا به آن تمسخر کنندگان و ایشان راست، عذاب درد دهنده. ﴿۷۹﴾

۱- یعنی به سیف.

۲- یعنی به زبان.

۳- یعنی ایذای پیغمبر.

۴- و این نوعی از تحکم است، والله اعلم.

۵- یعنی به مزدوری چیزی پیدا می‌کنند و صدقه می‌دهند.

ٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ أَوۡ لَا تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ إِن تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ
سَبۡعِينَ مَرَّةٗ فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَفَرُواْ
بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٨٠﴾
فَرِحَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ بِمَقۡعَدِهِمۡ خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ
وَكَرِهُوٓاْ أَن يُجَٰهِدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَقَالُواْ لَا تَنفِرُواْ فِي ٱلۡحَرِّۗ قُلۡ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ
حَرّٗاۚ لَّوۡ كَانُواْ يَفۡقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلۡيَضۡحَكُواْ قَلِيلٗا
وَلۡيَبۡكُواْ كَثِيرٗا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِن
رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٖ مِّنۡهُمۡ فَٱسۡتَـٔۡذَنُوكَ لِلۡخُرُوجِ
فَقُل لَّن تَخۡرُجُواْ مَعِيَ أَبَدٗا وَلَن تُقَٰتِلُواْ مَعِيَ عَدُوًّاۖ
إِنَّكُمۡ رَضِيتُم بِٱلۡقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٖ فَٱقۡعُدُواْ مَعَ
ٱلۡخَٰلِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٖ مِّنۡهُم مَّاتَ أَبَدٗا
وَلَا تَقُمۡ عَلَىٰ قَبۡرِهِۦٓۖ إِنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ
وَمَاتُواْ وَهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تُعۡجِبۡكَ أَمۡوَٰلُهُمۡ
وَأَوۡلَٰدُهُمۡۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلدُّنۡيَا
وَتَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٌ
أَنۡ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَجَٰهِدُواْ مَعَ رَسُولِهِ ٱسۡتَـٔۡذَنَكَ أُوْلُواْ
ٱلطَّوۡلِ مِنۡهُمۡ وَقَالُواْ ذَرۡنَا نَكُن مَّعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ ﴿٨٦﴾

آمرزش طلب کن برای ایشان یا آمرزش طلب مکن برای ایشان[۱]، اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار، هرگز نیامرزد ایشان را خدا. این به سبب آن است که ایشان کافر شدند به خدا و رسول او و خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را. ﴿۸۰﴾ شادمان شدند واپس ماندگان به نشستن خویش بر خلاف پیغمبر خدا و ناپسند کردند که جهاد کنند به اموال خویش و به جان خویش در راه خدا و گفتند با یکدیگر: بیرون مروید در گرمی. بگو: آتش دوزخ سخت‌تر است در گرمی اگر درمی‌یافتندی [چنین نکردی]. ﴿۸۱﴾ پس باید که بخندند اندکی و بگریند بسیار، سزای آنچه می‌کردند[۲]. ﴿۸۲﴾ پس اگر بازآرد تو را خدای تعالی به سوی گروهی از ایشان، پس دستوری طلبند از تو برای بیرون آمدن[۳]. بگو: بیرون نخواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من با هیچ دشمنی، هرآیینه شما رضامند شدید به نشستن اوّل بار، پس بنشینید با پس ماندگان. ﴿۸۳﴾ و [یا محمدا!] نماز مگزار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرد، هرگزا! و مَایست بر گور وی، هرآیینه ایشان کافر شدند به خدا و رسولِ او و مُردند و ایشان فاسق بودند ﴿۸۴﴾ و به شگفت نیارد تو را اموالِ ایشان و نه فرزندانِ ایشان. جز این نیست که می‌خواهد خداکه عقوبت کند ایشان را به آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند. ﴿۸۵﴾ و چون فرود آورده شود سورتی [به این مضمون] که ایمان آرید به خدا و جهاد کنید همراه رسولِ او، دستوری می‌طلبند از تو خداوندانِ وسعت از ایشان و گویند: بگذار ما را تا باشیم با نشستگان. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی هر دو صورت یکسان است.

۲- مترجم گویند: مراد خبر است با آنکه در دنیا خواهند خندید و در آخرت خواهند گریست.

۳- یعنی برای احراز غنائم.

رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ
ٱلْخَيْرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ
جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ
ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَآءَ ٱلْمُعَذِّرُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ
لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ
سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَّيْسَ
عَلَى ٱلضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى ٱلْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ لَا
يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُواْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ
مَا عَلَى ٱلْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾
وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَآ أَجِدُ
مَآ أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّواْ وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمْعِ
حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنفِقُونَ ﴿٩٢﴾ ۞إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى
ٱلَّذِينَ يَسْتَـْٔذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَآءُۚ رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ
مَعَ ٱلْخَوَالِفِ وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

راضی شدند به آنکه باشند با زنانِ پس مانده و مهر نهاده
شد بر دل ایشان، پس ایشان فهم نمی‌کنند. ﴿۸۷﴾ لیکن
پیغامبر و آنان‌که ایمان آوردند به او، جهاد کردند به اموالِ
خود و جان‌های خود و این جماعت، ایشان راست نیکی‌ها
و این جماعت، ایشانند رستگاران. ﴿۸۸﴾ آماده ساخته
است خدا برای ایشان بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها،
جاودان آنجا. این است فیروزی بزرگ. ﴿۸۹﴾ و آمدند
اهلِ عذر از صحرانشینان تا دستوری داده شود ایشان را و
نشستند آنان‌که دروغ گفتند با خدا و رسولِ او (یعنی در
اظهار اسلام) خواهد رسید به کافران از ایشان عذاب درد
دهنده. ﴿۹۰﴾ نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر
آنان‌که نمی‌یابند چیزی که خرج کنند، هیچ گناهی، چون
نیکخواهی کنند با خدا و رسول او. نیست بر نیکوکاران
هیچ راه عتاب و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۱﴾ و نه بر
آنان‌که چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را،
گویی: نمی‌یابم آنچه سوار کنم شما را بر آن. بازگردند و
چشم ایشان روان باشد به اشک به جهت اندوه که نمی‌یابند
چیزی که خرج کنند. ﴿۹۲﴾ جز این نیست که راه عتاب
بر آنان است که دستوری می‌طلبند از تو و ایشان
توانگرانند، راضی شدند به آنکه باشند با زنان پس مانده و
مهر نهاد خدا بر دل ایشان، پس ایشان نمی‌فهمند. ﴿۹۳﴾

يَعۡتَذِرُونَ إِلَيۡكُمۡ إِذَا رَجَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡۚ قُل لَّا تَعۡتَذِرُواْ
لَن نُّؤۡمِنَ لَكُمۡ قَدۡ نَبَّأَنَا ٱللَّهُ مِنۡ أَخۡبَارِكُمۡۚ وَسَيَرَى
ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ
ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٩٤﴾
سَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ لَكُمۡ إِذَا ٱنقَلَبۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ لِتُعۡرِضُواْ
عَنۡهُمۡۖ فَأَعۡرِضُواْ عَنۡهُمۡۖ إِنَّهُمۡ رِجۡسٞۖ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُ
جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿٩٥﴾ يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ
لِتَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡۖ فَإِن تَرۡضَوۡاْ عَنۡهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرۡضَىٰ
عَنِ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٩٦﴾ ٱلۡأَعۡرَابُ أَشَدُّ كُفۡرٗا
وَنِفَاقٗا وَأَجۡدَرُ أَلَّا يَعۡلَمُواْ حُدُودَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ
رَسُولِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٩٧﴾ وَمِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مَن
يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغۡرَمٗا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَۚ
عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٩٨﴾ وَمِنَ
ٱلۡأَعۡرَابِ مَن يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا
يُنفِقُ قُرُبَٰتٍ عِندَ ٱللَّهِ وَصَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِۚ أَلَآ إِنَّهَا
قُرۡبَةٞ لَّهُمۡۚ سَيُدۡخِلُهُمُ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ﴿٩٩﴾

عذرخواهی کنند پیشِ شما چون باز آیید به سوی ایشان. بگو: عذرخواهی مکنید! باور نکنیم [سخنِ] شما را. هرآیینه آگاه ساخته است ما را خدا به بعضِ خبرهای شما و خواهد دید خدا و رسولِ او عمل شما را (یعنی در دنیا) باز گردانیده شوید به سوی دانندهٔ نهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۹۴﴾ سوگند خواهند خورد به خدا پیش شما چون باز آیید به سوی ایشان، تا روی بگردانید از ایشان. پس شما روی بگردانید از ایشان، هرآیینه ایشان پلیدند و جای ایشان دوزخ است، سزایی آنچه می‌کردند. ﴿۹۵﴾ سوگند می‌خورند برای شما تا رضامند شوید از ایشان، پس اگر رضامند شوید از ایشان، هرآیینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان. ﴿۹۶﴾ صحرانشینان سخت‌ترند در کفر و نفاق[1] و سزاوارترند به آنکه ندانند احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیغامبر خود و خدا دانای درستکار است. ﴿۹۷﴾ و از اعراب کسی هست که تاوان می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند و انتظار می‌کشد در حقّ شما مصایب را. بر ایشان باد مصیبت بد و خدا شنوای داناست. ﴿۹۸﴾ و از اعراب کسی هست که ایمان می‌آرد به خدا و روز آخر و می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند، سبب قربتْ نزدیک خدا و وسیلهٔ دعای نیک پیغامبر. آگاه باش! هرآیینه وی قربت است ایشان را. داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۹﴾

۱- یعنی به نسبت اهل شهر.

وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ
وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ
عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنۡ حَوۡلَكُم
مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ مُنَٰفِقُونَۖ وَمِنۡ أَهۡلِ ٱلۡمَدِينَةِ مَرَدُواْ عَلَى
ٱلنِّفَاقِ لَا تَعۡلَمُهُمۡۖ نَحۡنُ نَعۡلَمُهُمۡۚ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيۡنِ
ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٖ ﴿١٠١﴾ وَءَاخَرُونَ ٱعۡتَرَفُواْ
بِذُنُوبِهِمۡ خَلَطُواْ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى
ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذۡ
مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ
عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
﴿١٠٣﴾ أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ
وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾
وَقُلِ ٱعۡمَلُواْ فَسَيَرَى ٱللَّهُ عَمَلَكُمۡ وَرَسُولُهُۥ
وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَءَاخَرُونَ مُرۡجَوۡنَ
لِأَمۡرِ ٱللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمۡ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيۡهِمۡۗ وَٱللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿١٠٦﴾

و سبقت کنندگان نخستینان از مهاجران و انصار و آنان‌که پیرویِ ایشان کردند به نیکوکاری، خوشنود شد خدا از این جماعت و ایشان خوشنود شدند از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستان‌ها که می‌رود زیرِ آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۰۰﴾ و از آنان‌که حوالیِ شمایند از اعراب، منافقانند و بعضِ اهل مدینه خوگر شده‌اند بر نفاق. تو نمی‌دانی ایشان را ما می‌دانیم ایشان را، عذاب خواهیم کرد ایشان را دوبار(۱)، باز گردانیده شوند به سوی عذاب بزرگ. ﴿۱۰۱﴾ و دیگران هستند که اقرار کردند به گناهان خود، آمیخته‌اند عمل نیک را با عمل دیگر که بد است. نزدیک است که خدا به رحمت متوجه شود بر ایشان، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۰۲﴾ بگیر از اموال ایشان زکات تا پاک سازی ایشان را و با برکت کنی ایشان را به آن و دعای خیر کن بر ایشان، هرآیینه دعای تو سبب آرام است ایشان را و خدا شنوای داناست. ﴿۱۰۳﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا همون توبه قبول می‌کند از بندگان خود و می‌گیرد صدقات را و آنکه خدا همونست توبه پذیرندهٔ مهربان؟. ﴿۱۰۴﴾ و بگو: عمل کنید پس خواهد دید خدا عمل شما را و رسول او و مؤمنان و گردانیده خواهید شد به سوی دانندهٔ پنهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۱۰۵﴾ و دیگرانند موقوف داشته شده بر فرمانِ خدا. یا این است که عذاب کند ایشان را یا به رحمت متوجه شود بر ایشان و خدا دانای درستکار است. ﴿۱۰۶﴾

۱- یعنی در میان مسلمانان، ذلیل شوند و در اموال و اولاد، آفات بینند.

وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا وَكُفۡرٗا وَتَفۡرِيقَۢا بَيۡنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَإِرۡصَادٗا لِّمَنۡ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن
قَبۡلُۚ وَلَيَحۡلِفُنَّ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّا ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ
إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٠٧ لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ
عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ
رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨
أَفَمَنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ تَقۡوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٍ
خَيۡرٌ أَم مَّنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٖ
فَٱنۡهَارَ بِهِۦ فِي نَارِ جَهَنَّمَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٩ لَا يَزَالُ بُنۡيَٰنُهُمُ ٱلَّذِي بَنَوۡاْ رِيبَةٗ فِي
قُلُوبِهِمۡ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١٠
۞إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم
بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ
وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ
وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ
بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ
١١١

و از ایشان آنانند که ساخته‌اند مسجدی برای زیان رسانیدن
و به جهت کفر و برای تفرقه افکندن میانِ مسلمانان و
کمینگاه ساختن برای آنان که جنگ کرده‌اند با خدا و
رسول او پیش از این، و البته سوگند خورند که نخواسته‌ایم
مگر خصلت نیک را و خدا گواهی می‌دهد که ایشان
دروغگویانند[۱]. ﴿۱۰۷﴾ مَایست آنجا هرگز! هرآیینه
مسجدی که بنیاد نهاده شده است بر نیّت تقوی از اوّل روز،
بهتر است که ایستاده شوی آنجا، آنجا مردانند که دوست
می‌دارند که پاک شوند و خدا دوست می‌دارد پاک
باشندگان را. ﴿۱۰۸﴾ آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خود
را بر ترسکاری از خدا و خوشنودی او بهتر است، یا کسی
که بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کنارهٔ زمین رود
خوردهٔ مستعد افتادن پس افتد با صاحب خود در آتش
دوزخ؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را[۲].
﴿۱۰۹﴾ همیشه باشد عمارت ایشان که بنا کرده‌اند[۳] سبب
شک در دل ایشان، مگر آنکه پاره پاره کرده شود دل
ایشان را و خدا دانای درست‌کار است. ﴿۱۱۰﴾ هرآیینه
خدا خرید کرده است از مسلمانان جان ایشان را و مال
ایشان را به عوض آنکه ایشان را باشد بهشت. جنگ
می‌کنند در راه خدا، پس می‌کشند و کشته می‌شوند.
وعده‌ای که لازم است بر خدا به تحقیق در تورات و انجیل
و قرآن و کیست وفا کننده‌تر به عهدِ خویش از خدا؟ پس
شادمان باشید به این فروختن خود که معامله کردید به آن
و این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۱۱﴾

۱- مترجم گوید: جماعتی از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تا تفریق مسلمین باشد و کمینگاه کافران. خدای تعالی به هدم آن امر فرمود، والله اعلم.

۲- عمارت ساختن براساس تقوی کنایت است از اخلاص در اعمال و عمارت ساختن بر کنارهٔ رود خورده، کنایت از ریا و عُجب در اعمال، والله اعلم.

۳- یعنی مسجد ضرار.

ٱلتَّٰٓئِبُونَ ٱلۡعَٰبِدُونَ ٱلۡحَٰمِدُونَ ٱلسَّٰٓئِحُونَ ٱلرَّٰكِعُونَ ٱلسَّٰجِدُونَ ٱلۡأٓمِرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡحَٰفِظُونَ لِحُدُودِ ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسۡتَغۡفِرُواْ لِلۡمُشۡرِكِينَ وَلَوۡ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرۡبَىٰ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ ٱسۡتِغۡفَارُ إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوۡعِدَةٖ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوّٞ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنۡهُۚ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٞ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوۡمَۢا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰهُمۡ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿١١٦﴾ لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٧﴾

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، سفر در راه خدا کنندگانند، رکوع و سجده کنندگانند، فرمایندگانند به کار پسندیده و منع کنندگانند از ناپسندیده و نگاه دارندگانند احکام خدا را. و مژده ده، مسلمانان را. ﴿۱۱۲﴾ روا نبود پیغامبر را و نه مسلمانان را که طلب آمرزش کنند برای مشرکان و اگرچه دارای خویشاوندی باشند، بعد از آنکه ظاهر شد ایشان را که آن گروه، باشندگان دوزخند. ﴿۱۱۳﴾ و نبود آمرزش خواستن ابراهیم برای پدر خود، مگر از جهت وعده‌ای که کرده بودش با وی، پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خدا است، بیزار شد از وی، هرآیینه ابراهیم دردمندِ بردبار بود. ﴿۱۱۴﴾ و هرگز نیست خدا که گمراه کند قومی را[1] بعد از آنکه راه نموده باشد ایشان را، تا آنکه واضح سازد بر ایشان آنچه از آن پرهیز کنند، هرآیینه خدا به هر چیز داناست[2]. ﴿۱۱۵﴾ هرآیینه خدا وی راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین، زنده می‌کند و می‌میراند و نیست شما را بجز وی هیچ کارسازی و یاری‌دهنده‌ای. ﴿۱۱۶﴾ هرآیینه به رحمت متوجه شد خدا بر پیغامبر و آن مهاجران و انصار که پیرویِ وی کردند در وقت تنگدستی، بعد از آنکه نزدیک بود که از جای برود دل گروهی از ایشان، باز به رحمت متوجه شد بر ایشان، هرآیینه وی بر ایشان بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۱۱۷﴾

۱- یعنی در حساب گمراهان نمی‌شمارد قومی را.

۲- یعنی تا پیغامبر نیاید تبلیغ نکند، معذوراند. (فتح).

وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ
أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ
إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهۡلِ
ٱلۡمَدِينَةِ وَمَنۡ حَوۡلَهُم مِّنَ ٱلۡأَعۡرَابِ أَن يَتَخَلَّفُواْ عَن
رَّسُولِ ٱللَّهِ وَلَا يَرۡغَبُواْ بِأَنفُسِهِمۡ عَن نَّفۡسِهِۦۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمۡ لَا يُصِيبُهُمۡ ظَمَأٞ وَلَا نَصَبٞ وَلَا مَخۡمَصَةٞ فِي
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَطَـُٔونَ مَوۡطِئٗا يَغِيظُ ٱلۡكُفَّارَ وَلَا
يَنَالُونَ مِنۡ عَدُوّٖ نَّيۡلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِۦ عَمَلٞ
صَٰلِحٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا
يُنفِقُونَ نَفَقَةٗ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةٗ وَلَا يَقۡطَعُونَ وَادِيًا
إِلَّا كُتِبَ لَهُمۡ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٢١﴾ ۞وَمَا كَانَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗۚ
فَلَوۡلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرۡقَةٖ مِّنۡهُمۡ طَآئِفَةٞ لِّيَتَفَقَّهُواْ فِي
ٱلدِّينِ وَلِيُنذِرُواْ قَوۡمَهُمۡ إِذَا رَجَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ لَعَلَّهُمۡ
يَحۡذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

و بر آن سه کس که موقوف داشته شدند تا آنکه تنگ شد بر ایشان زمین با وجود فراخی آن و تنگ شد بر ایشان جان‌های ایشان و دانستند که پناه‌گاهی نیست از خدا مگر به سوی او، باز خدا به رحمت متوجه شد بر ایشان، تا ایشان رجوع کنند[1]. هرآیینه خدا توبه پذیرندهٔ مهربان است. ﴿۱۱۸﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و باشید با راستگویان.
﴿۱۱۹﴾ لایق نبود اهل مدینه را و آنان را که حوالی ایشانند از اعراب، که بازپس مانند از همراهی رسول خدا و نه آنکه رغبت کنند در حفظ خویش [اعراض کرده] از ذات رسول خدا. این به سبب آن است که نمی‌رسد به ایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در راه خدا و نسپرند جایی که به خشم آرد کافران را و به دست نمی‌آرند از دشمن هیچ دستبُردی، مگر نوشته شود برای ایشان به سبب آن عمل صالح، هرآیینه خدا ضایع نمی‌کند مزد نیکوکاران را. ﴿۱۲۰﴾ و خرج نمی‌کنند هیچ خرج را اندکی و نه بسیاری و طیّ نمی‌کنند هیچ میدانی را مگر که نوشته شد برای ایشان [عمل صالح] تا جزا دهد ایشان را خدا در مقابلهٔ نیکوترینِ آنچه می‌کردند. ﴿۱۲۱﴾ و ممکن نیست مؤمنان را که برآیند[2] همه یکجا، پس چرا بیرون نیامدند از هر جمعی از ایشان چند کس تا دانشمند شوند در دین و تا بیم کنند قوم خود را چون بازآیند به سوی ایشان، بُوَد که ایشان بترسند[3]. ﴿۱۲۲﴾

۱- یعنی به مقام قریب.

۲- یعنی به طلب علم.

۳- یعنی طلب علم دین، فرض کفایه است.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَـٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ
ٱلۡكُفَّارِ وَلۡيَجِدُواْ فِيكُمۡ غِلۡظَةٗۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ
ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ فَمِنۡهُم مَّن يَقُولُ
أَيُّكُمۡ زَادَتۡهُ هَٰذِهِۦٓ إِيمَٰنٗاۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
فَزَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَهُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿١٢٤﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَتۡهُمۡ رِجۡسًا إِلَىٰ رِجۡسِهِمۡ وَمَاتُواْ
وَهُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿١٢٥﴾ أَوَلَا يَرَوۡنَ أَنَّهُمۡ يُفۡتَنُونَ فِي كُلِّ
عَامٖ مَّرَّةً أَوۡ مَرَّتَيۡنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمۡ يَذَّكَّرُونَ
﴿١٢٦﴾ وَإِذَا مَآ أُنزِلَتۡ سُورَةٞ نَّظَرَ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ هَلۡ
يَرَىٰكُم مِّنۡ أَحَدٖ ثُمَّ ٱنصَرَفُواْۚ صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم
بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ﴿١٢٧﴾ لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ
أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم
بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١٢٨﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ
ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

ای مسلمانان! جنگ کنید با آنان‌که نزدیک شمایند از کافران و باید که کافران بیابند در شما درشتی را و بدانید که خدا با متّقیان است. ﴿۱۲۳﴾ و چون فروآورده شود سورتی، پس از منافقان کسی هست که می‌گوید: در حقّ کدام یک از شما افزون کرده است این سوره ایمان را؟ پس امّا اهل ایمان، پس به تحقیق زیاده کرده است در حقّ ایشان ایمان را و ایشان شادمان می‌شوند. ﴿۱۲۴﴾ و امّا آنان که در دل ایشان بیماری است، پس زیاده کرده است در حقّ ایشان پلیدی را همراه پلیدیِ ایشان و مردند و ایشان کافر بودند. ﴿۱۲۵﴾ آیا نمی‌بینند که ایشان عقوبت کرده می‌شوند در هر سال یک بار یا دو بار[۱]، باز توبه نمی‌کنند و نه ایشان پند می‌گیرند. ﴿۱۲۶﴾ و چون فروآورده شود سورتی[۲]، نظر کند بعض ایشان به بعضی [از جهت شرمندگی ومی‌گوید:] آیا می‌بیند هیچ‌کس شما را؟ پس بازگردند[۳]. بازگردانیده است خدا دل ایشان را به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی‌دانند. ﴿۱۲۷﴾ ای مسلمانان! آمده است به شما پیغامبری از قبیلهٔ شما، دشوار است بر وی رنج شما، حریص است بر هدایت شما، به مسلمانان بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۱۲۸﴾ پس اگر بازگردند، بگو: بس است مرا خدا، هیچ معبود نیست بجز وی، بر وی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ است[۴]. ﴿۱۲۹﴾

۱- یعنی با امراض و مصائب.

۲- یعنی سوره‌ای که در وی بیان نفاق ایشان باشد.

۳- یعنی به خانه‌های خود.

۴- یعنی چنانکه قادر است عرش را نگاه می‌دارد و تو را نیز نگاه می‌دارد از شرِّ کافران و منافقان.

سُورَةُ يُونُسَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ١ أَكَانَ لِلنَّاسِ
عَجَبًا أَنۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ رَجُلٖ مِّنۡهُمۡ أَنۡ أَنذِرِ ٱلنَّاسَ
وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنَّ لَهُمۡ قَدَمَ صِدۡقٍ عِندَ رَبِّهِمۡۗ
قَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَٰحِرٞ مُّبِينٌ ٢ إِنَّ رَبَّكُمُ
ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ
ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۖ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا
مِنۢ بَعۡدِ إِذۡنِهِۦۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ٣ إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّاۚ
إِنَّهُۥ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ
شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ
٤ هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلشَّمۡسَ ضِيَآءٗ وَٱلۡقَمَرَ نُورٗا
وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ لِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَٱلۡحِسَابَۚ مَا
خَلَقَ ٱللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَعۡلَمُونَ ٥ إِنَّ فِي ٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ
ٱللَّهُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَّقُونَ ٦

سوره یونس

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

الر، این آیت‌های کتاب با حکمت است. ﴿۱﴾ آیا عجبی شد مردمان را که وحی فرستادیم به سوی مردی از ایشان که بیم کن مردمان را و بشارت ده مسلمانان را به آنکه ایشان را هست پایۀ درست نزد پروردگار ایشان؟ گفتند کافران: هرآیینه این شخص، جادوگر آشکار است. ﴿۲﴾ هرآیینه پروردگار شما خدایی است که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش، تدبیر می‌کند کار را. نیست هیچ شفاعت کننده‌ای مگر بعدِ دستوری وی. این است خدا، پروردگار شما، پس بپرستید او را، آیا پند نمی‌گیرید؟. ﴿۳﴾ به سوی اوست رجوع شما همه یکجا، وعده کرده است خدا وعدۀ درست، هرآیینه وی اوّل بار کند آفرینش را، باز دیگر بار کندش، تا جزا دهد آنان راکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به انصاف و آنان‌که کافر شدند ایشان راست آشامیدنی از آب گرم و عقوبت درد دهنده به سبب آنکه کافر بودند. ﴿۴﴾ او آن است که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و معین کرد برای ماه منزل‌ها را تا بدانید شمار سال‌ها و تا بدانید حساب را. نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست. بیان می‌کند نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند. ﴿۵﴾ هرآیینه در آمدورفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمان‌ها و زمین، نشانه‌هاست گروهی راکه پرهیزگاری می‌کنند. ﴿۶﴾

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا وَرَضُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَٱطۡمَأَنُّواْ بِهَا وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ ۝٧
أُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ۝٨ إِنَّ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهۡدِيهِمۡ رَبُّهُم
بِإِيمَٰنِهِمۡۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ
۝٩ دَعۡوَىٰهُمۡ فِيهَا سُبۡحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا
سَلَٰمٞۚ وَءَاخِرُ دَعۡوَىٰهُمۡ أَنِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
۝١٠ ۞وَلَوۡ يُعَجِّلُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ ٱلشَّرَّ ٱسۡتِعۡجَالَهُم
بِٱلۡخَيۡرِ لَقُضِيَ إِلَيۡهِمۡ أَجَلُهُمۡۖ فَنَذَرُ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ
لِقَآءَنَا فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ۝١١ وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ
ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوۡ قَاعِدًا أَوۡ قَآئِمٗا فَلَمَّا كَشَفۡنَا
عَنۡهُ ضُرَّهُۥ مَرَّ كَأَن لَّمۡ يَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥۚ كَذَٰلِكَ
زُيِّنَ لِلۡمُسۡرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ۝١٢ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا
ٱلۡقُرُونَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلۡمُجۡرِمِينَ ۝١٣ ثُمَّ جَعَلۡنَٰكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لِنَنظُرَ كَيۡفَ تَعۡمَلُونَ ۝١٤

هرآیینه آنان‌که امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شده‌اند
به زندگانی دنیا و آرام گرفته‌اند به آن و آنان‌که ایشان از
نشانه‌های ما بی‌خبرند. ﴿۷﴾ این جماعت، جای ایشان
آتش است به سبب آنچه عمل می‌کردند. ﴿۸﴾ هرآیینه
آنان‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، راه
نماید ایشان را پروردگار ایشان به سبب ایمان ایشان (یعنی
به مقامات نجات) می‌رود زیر ایشان جوی‌ها در بوستان‌های
نعمت. ﴿۹﴾ دعای ایشان در آنجا «سبحانك اللّهُمَّ»، باشد
(یعنی پاکی تو راست بار خدایا) و دعای خیر ایشان با
یکدیگر، سلام بود و نهایت دعای ایشان این است که
حمد، خدای راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۰﴾ و اگر زود
رسانیدی خدای تعالی به مردمان سختی را مانند آنکه زود
می‌طلبند نعمت را به انجام رسانیده شدی در حقّ ایشان
اجل ایشان، پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما
ندارند، سرگردان شده در بیراهی خویش. ﴿۱۱﴾ و چون
رنج برسد به آدمی، دعا کند به جناب ما خفته بر پهلوی
خود یا نشسته یا ایستاده، پس آنگاه که برداشتیم از وی
رنج وی را، برود گویا که نخوانده بود ما را به دفع کردن
رنجی که رسیدش. همچنین آراسته کرده شد از حد
گذرندگان را آنچه می‌کردند. ﴿۱۲﴾ و هرآیینه هلاك
کرده‌ایم قرن‌ها را پیش از شما چون ستم کردند و آمدند به
ایشان پیغامبرانِ ایشان با نشانه‌های روشن و هرگز مستعد آن
نبودند که ایمان آرند. همچنین جزا می‌دهیم گروه
گناهکاران را. ﴿۱۳﴾ باز جانشین ساختیم شما را در زمین
پس از ایشان تا ببینیم چگونه کار می‌کنید. ﴿۱۴﴾

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا ٱئْتِ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ ۚ قُلْ مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآىِٕ نَفْسِىٓ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَىَّ ۖ إِنِّىٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّى عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُل لَّوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا تَلَوْتُهُۥ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرَىٰكُم بِهِۦ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَٰتِهِۦٓ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِ ۚ قُلْ أَتُنَبِّـُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَٱخْتَلَفُوا۟ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِىَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا ٱلْغَيْبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند آنان‌که امید ملاقات ما ندارند: بیار قرآنی بجز این یا تغیّر کن او را[۱]. بگو: روا نبود مرا که تغیّر کنمش از جانب خود، پیروی نمی‌کنم الاّ به آنچه وحی فرستاده شد به سوی من، هرآیینه من می‌ترسم اگر نافرمانیِ پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ. ﴿۱۵﴾ بگو: اگر خواستی خدا، نخواندمی آن را بر شما و خبردار نکردی خدا شما را به آن، هرآیینه مانده‌ام میانِ شما عمری پیش از این، آیا در نمی‌یابید؟. ﴿۱۶﴾ پس کیست ستمکارتر از کسی که بربندد بر خدا دروغ را یا دروغ شمارد آیات وی را؟ هرآیینه سخن این است که رستگار نمی‌شوند گناهکاران. ﴿۱۷﴾ و می‌پرستند بجز خدا چیزی که ضرر نکند ایشان را و سود نرساند به ایشان و می‌گویند: ایشان شفاعت کنندگان مااند نزدیک خدا. بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به آنچه نمی‌داند در آسمان‌ها و نه زمین؟ پاکی وی راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می‌کنند. ﴿۱۸﴾ و نبودند مردمان مگر یک امت[۲]، پس اختلاف کردند[۳] و اگر نبودی کلمه‌ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو، فیصله کرده شدی میان ایشان در آنچه اندر آن اختلاف دارند. ﴿۱۹﴾ و می‌گویند: چرا فرونفرستاده نشده است بر این پیغامبر، نشانه‌ای از پروردگار وی؟ پس بگو: جز این نیست که علم غیب، خدای راست، پس انتظار بکنید، هرآیینه من با شما از منتظرانم. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی تا موافق عقاید باطلهٔ ایشان باشد.

۲- یعنی بر توحید وملت ابراهیمی.

۳- یعنی به سبب عمروبن لحی.

وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُسَيِّرُكُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ وَجَرَيۡنَ بِهِم بِرِيحٖ طَيِّبَةٖ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتۡهَا رِيحٌ عَاصِفٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡمَوۡجُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ أُحِيطَ بِهِمۡ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ لَئِنۡ أَنجَيۡتَنَا مِنۡ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّآ أَنجَىٰهُمۡ إِذَا هُمۡ يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۗ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَا بَغۡيُكُمۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۖ مَّتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُكُمۡ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّمَا مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ مِمَّا يَأۡكُلُ ٱلنَّاسُ وَٱلۡأَنۡعَٰمُ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذَتِ ٱلۡأَرۡضُ زُخۡرُفَهَا وَٱزَّيَّنَتۡ وَظَنَّ أَهۡلُهَآ أَنَّهُمۡ قَٰدِرُونَ عَلَيۡهَآ أَتَىٰهَآ أَمۡرُنَا لَيۡلًا أَوۡ نَهَارٗا فَجَعَلۡنَٰهَا حَصِيدٗا كَأَن لَّمۡ تَغۡنَ بِٱلۡأَمۡسِۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَٱللَّهُ يَدۡعُوٓاْ إِلَىٰ دَارِ ٱلسَّلَٰمِ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٢٥﴾

و چون بچشانیم مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود به ایشان، ناگهان ایشان را بداندیشی باشد در نشانه‌های ما[1]. بگو: خدا زودتر است در تدبیر کردن، هرآیینه فرستادگان ما می‌نویسند آنچه بداندیشی می‌کنید[2]. ﴿۲۱﴾ اوست آنکه روان می‌کند شما را در خشکی و در دریا تا وقتی که باشید در کشتی‌ها و روان شدند [کشتی‌ها] با سواران خود به باد خوش و شادمان شدند ایشان به آن بادِ موافق، ناگها برسد به آن کشتی‌ها باد تند و بیاید به ایشان موج از هر جا و بدانند ایشان که از هر جهت گرفتار گشتند، دعا کنند به جناب خدا، خالص کرده برای او عبادت را، که اگر خلاص کنی ما را از این بلا، باشیم از شکر کنندگان. ﴿۲۲﴾ پس چون خلاص ساخت ایشان را، ناگهان ایشان بیراهی می‌کنند در زمین به ناحق. ای مردمان جز این نیست که بیراهی شما زیان بر جان شماست. یافتید بهرهٔ زندگانی دنیا، باز به سوی ما رجوع شماست، پس خبردار کنیم شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۲۳﴾ جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که فرود آوردیمش از آسمان، پس در هم آمیخت به سبب وی رویید‌گی زمین از آنچه می‌خورند مردمان و چهارپایان تا وقتی که به دست آورد زمین پیرایهٔ خود را و آراسته شد و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانایند بر انتفاع از آن. ناگهان بیامد به زمین فرمان ما در شب یا در روز، پس گردانیدیم آن را مثل زراعت از بیخ بریده، گویا نبود دیروز، همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها را برای گروهی که تأمّل می‌کنند. ﴿۲۴﴾ و خدا می‌خواند به سوی سرای سلامتی و دلالت می‌کند هر که را خواهد به سوی راه راست. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی به کفران نعمت.

۲- مترجم گوید: بعد از آن خدای تعالی بیان می‌فرماید کیفیت مکر و کفرانِ نعمت را، والله اعلم.

۞لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ ٱلۡحُسۡنَىٰ وَزِيَادَةٞۖ وَلَا يَرۡهَقُ
وُجُوهَهُمۡ قَتَرٞ وَلَا ذِلَّةٌۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ
فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَٱلَّذِينَ كَسَبُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ جَزَآءُ
سَيِّئَةِۭ بِمِثۡلِهَا وَتَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ مَّا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ
عَاصِمٖۖ كَأَنَّمَآ أُغۡشِيَتۡ وُجُوهُهُمۡ قِطَعٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ
مُظۡلِمًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧﴾
وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ
مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡۚ فَزَيَّلۡنَا بَيۡنَهُمۡۖ وَقَالَ
شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمۡ إِيَّانَا تَعۡبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ
شَهِيدَۢا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ إِن كُنَّا عَنۡ عِبَادَتِكُمۡ
لَغَٰفِلِينَ ﴿٢٩﴾ هُنَالِكَ تَبۡلُواْ كُلُّ نَفۡسٖ مَّآ أَسۡلَفَتۡۚ
وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوۡلَىٰهُمُ ٱلۡحَقِّۖ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ﴿٣٠﴾ قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ
أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ
ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ
فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ
رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ فَأَنَّىٰ
تُصۡرَفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ
فَسَقُوٓاْ أَنَّهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٣﴾

آنان را که نیکوکاری کردند، حالت نیک باشد و زیادتی بر آن[1] و نپوشد روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خواری. این جماعت، اهل بهشت‌اند، ایشان آنجا جاوید باشندگانند. ﴿۲۶﴾ و آنان را که به عمل آوردند کردارهای بد، جزای بدی مثل آن است و بپوشد ایشان را خواری. نباشد ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا پوشانیده شده است روهای ایشان را به پاره‌های شب تاریکْ آمده. این جماعت اهل آتش‌اند، ایشان آنجا جاوید باشندگانند. ﴿۲۷﴾ و بترسید از روزی که برانگیزیم ایشان را همه یکجا، باز گوییم مشرکان را بایستید به جایی خود شما و آنان‌که شما ایشان را شریک خدا ساخته‌اید، پس تفرقه اندازیم میانِ ایشان و گویند شریکانِ ایشان که: شما ما را نمی‌پرستید. ﴿۲۸﴾ پس بس است خدا گواه، میانِ ما و میان شما، هرآیینه ما بودیم از پرستش شما بی‌خبر. ﴿۲۹﴾ آنجا دریابد هر شخصی آنچه پیش فرستاده بود و گردانیده شوند به سوی خدا، مالک حقیقیِ ایشان و گم شد از ایشان آنچه افترا می‌کرد. ﴿۳۰﴾ بگو: کِه روزی می‌دهد شما را از جانب آسمان و زمین؟ آیا کیست که خداوند باشد گوش را و چشم را[2] و کیست که بیرون آرد زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده[3] و کیست که تدبیر کند کار را؟ خواهند گفت: آن «اللّه» است، پس بگو: آیا حذر نمی‌کنید؟. ﴿۳۱﴾ پس این است خدا، پروردگار شما به تحقیق. پس چیست بعد راستی بجز گمراهی؟ پس کجا برگردانیده می‌شوید؟!. ﴿۳۲﴾ هم چنین ثابت شد قضای پروردگار تو بر این فاسقان، که ایشان ایمان نیارند. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی رؤیت خدای تعالی.

۲- یعنی خالق گوش و چشم باشد.

۳- یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان.

قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۚ
قُلِ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ﴿٣٤﴾
قُلۡ هَلۡ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّۚ قُلِ ٱللَّهُ
يَهۡدِي لِلۡحَقِّۗ أَفَمَن يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلۡحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ
أَمَّن لَّا يَهِدِّيٓ إِلَّآ أَن يُهۡدَىٰۖ فَمَا لَكُمۡ كَيۡفَ
تَحۡكُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكۡثَرُهُمۡ إِلَّا ظَنًّاۚ إِنَّ ٱلظَّنَّ لَا
يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ﴿٣٦﴾
وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ
وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ
لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمۡ يَقُولُونَ
ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم
مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ بَلۡ كَذَّبُواْ بِمَا
لَمۡ يُحِيطُواْ بِعِلۡمِهِۦ وَلَمَّا يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٣٩﴾ وَمِنۡهُم مَّن يُؤۡمِنُ بِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن لَّا يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ
وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي
عَمَلِي وَلَكُمۡ عَمَلُكُمۡۖ أَنتُم بَرِيٓـُٔونَ مِمَّآ أَعۡمَلُ
وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُونَ
إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوۡ كَانُواْ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٢﴾

بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که نو کند آفرینش را، باز دوباره کندش؟ بگو: خدا نو می‌کند آفرینش را باز دوباره کندش، پس از کجا برگردانیده می‌شوید؟!. ﴿۳۴﴾
بگو: آیا هست از شریکان شما کسی که راه نماید به سوی دین حق؟ بگو: الله، همونست که راه می‌نماید به سوی دین حق، پس کسی که راه نماید به سوی حق، لایق‌تر است به آنکه پیروی کرده شود، یا کسی که خود راه نمی‌یابد مگر آن وقت که راه نموده شود وی را؟ پس چیست شما را، چگونه حکم می‌کنید؟. ﴿۳۵﴾ و پیروی نمی‌کنند بیشتر از ایشان مگر وهم را، هرآیینه وهم کفایت نمی‌کند از معرفت حق، چیزی را. هرآیینه خدا داناست به آنچه می‌کنند. ﴿۳۶﴾ و نیست این قرآن، افترا به غیر حکم خدا و لیکن هست باور دارنۀ آنچه پیش از وی است و بیان شریعتی است که نوشته شد بر مردمان، هیچ شبهه نیست در آن، از پروردگار عالم‌هاست. ﴿۳۷﴾ آیا می‌گویند: بر بسته است آن را؟ بگو: پس بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هر که را توانید بجز خدا، اگر هستید راستگویان. ﴿۳۸﴾ بلکه دروغ شمرده‌اند چیزی را که فرا نرسیده‌اند به دانش وی و هنوز نیامده است به ایشان مصداق وعدۀ وی. همچنین دروغ داشتند آنان‌که پیش از ایشان بودند. پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران. ﴿۳۹﴾ و از ایشان کسی هست که ایمان می‌آرد به وی و از ایشان کسی هست که ایمان نمی‌آرد به وی و پروردگار تو داناتر است به مفسدان. ﴿۴۰﴾ و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، بس بگو: مراست عمل من و شما راست عمل شما، شما بی‌تعلّقید از آنچه من می‌کنم و من بی‌تعلّقم از آنچه شما می‌کنید. ﴿۴۱﴾ و از ایشان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو. آیا پس تو می‌شنوانی کران را و اگرچه در نمی‌یافتند! . ﴿۴۲﴾

وَمِنۡهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيۡكَۚ أَفَأَنتَ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَلَوۡ
كَانُواْ لَا يُبۡصِرُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ ٱلنَّاسَ شَيۡـٔٗا
وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ
كَأَن لَّمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّنَ ٱلنَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيۡنَهُمۡۚ
قَدۡ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ
﴿٤٥﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ
فَإِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ ﴿٤٦﴾
وَلِكُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولٞۖ فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمۡ قُضِيَ بَيۡنَهُم
بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا
ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي
ضَرّٗا وَلَا نَفۡعًا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌۚ إِذَا
جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَلَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ
﴿٤٩﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَتَىٰكُمۡ عَذَابُهُۥ بَيَٰتًا أَوۡ نَهَارٗا
مَّاذَا يَسۡتَعۡجِلُ مِنۡهُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ
ءَامَنتُم بِهِۦٓۚ ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ﴿٥١﴾
ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ هَلۡ
تُجۡزَوۡنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمۡ تَكۡسِبُونَ ﴿٥٢﴾ ۞وَيَسۡتَنۢبِـُٔونَكَ
أَحَقٌّ هُوَۖ قُلۡ إِي وَرَبِّيٓ إِنَّهُۥ لَحَقّٞۖ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ
﴿٥٣﴾

و از ایشان کسی هست که می‌نگرد به سوی تو. آیا تو راه‌می‌نمایی کوران را، اگرچه نمی‌دیدند؟[۱]. ﴿۴۳﴾ هرآیینه خدا ستم نمی‌کند بر مردمان و لیکن مردمان بر خویشتن ستم می‌کنند. ﴿۴۴﴾ و روزی که برانگیزد خدا ایشان را گویا که درنگ نکرده بودند اِلاّ ساعتی از روز، شناسا باشند با یکدیگر. زیانکار شدند آنان‌که دروغ داشتند ملاقاتِ خدا را و نبودند راه یافتگان. ﴿۴۵﴾ و اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌کنیم به ایشان یا بمیرانیم تو را، به هر حال به سوی ما رجوع ایشان است، باز خدا مطلع است بر آنچه می‌کنند. ﴿۴۶﴾ و هر امتی را پیغامبری هست، پس چون آمد پیغامبر ایشان، فیصله کرده شود میان ایشان به انصاف و بر ایشان ستم کرده نشود[۲]. ﴿۴۷﴾ و می‌گویند: کی باشد این وعده اگر هستید راستگویان؟. ﴿۴۸﴾ بگو: نمی‌توانم برای خود زیانی و نه سودی مگر آنچه خواسته است خدا. هر گروهی را میعادی هست، چون می‌آید میعاد ایشان، پس توقف نکنند ساعتی و نه سبقت کنند. ﴿۴۹﴾ بگو: خبر دهید مرا اگر بیاید به شما عذاب او شبانگاه یا به روز، به هر حال چه چیزی را به شتاب می‌طلبند از آن عذاب، این گناهکاران. ﴿۵۰﴾ باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید به آن [آنگاه گفته شود] آیا اکنون ایمان آوردید و پیش از این به شتاب می‌طلبیدید آن را[۳]. ﴿۵۱﴾ باز گفته شود ستمکاران را: بچشید عذاب جاوید، جزا داده نمی‌شوید الاّ به آنچه می‌کردید. ﴿۵۲﴾ و می‌پرسند تو را: آیا درست است این وعده؟ بگو: آری! قسم به پروردگار من، هرآیینه وی درست است و شما عاجز کننده نیستید. ﴿۵۳﴾

۱- یعنی ایشان مانند کران و کورانند.

۲- یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند.

۳- یعنی به استهزا و تکذیب.

وَلَوۡ أَنَّ لِكُلِّ نَفۡسٖ ظَلَمَتۡ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ لَٱفۡتَدَتۡ
بِهِۦۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم
بِٱلۡقِسۡطِ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ وَإِلَيۡهِ
تُرۡجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ
مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ
لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ
فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّآ
أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزۡقٖ فَجَعَلۡتُم مِّنۡهُ حَرَامٗا
وَحَلَٰلٗا قُلۡ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمۡۖ أَمۡ عَلَى ٱللَّهِ تَفۡتَرُونَ ﴿٥٩﴾
وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ يَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ وَمَا
تَتۡلُواْ مِنۡهُ مِن قُرۡءَانٖ وَلَا تَعۡمَلُونَ مِنۡ عَمَلٍ إِلَّا
كُنَّا عَلَيۡكُمۡ شُهُودًا إِذۡ تُفِيضُونَ فِيهِۚ وَمَا يَعۡزُبُ
عَن رَّبِّكَ مِن مِّثۡقَالِ ذَرَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ
وَلَآ أَصۡغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ
﴿٦١﴾

و اگر باشد هر نفسِ ستم کننده را آنچه در زمین است، البته فدیهٔ خود دهد آن را و در ضمیر خود دارند پشیمانی، چون بینند عذاب را، و فیصل کرده شود میان ایشان به عدل و بر ایشان ستم کرده نشود. ﴿۵۴﴾ آگاه باش هرآیینه خدای راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، آگاه باش هرآیینه وعدهٔ خدا راست است و لیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند. ﴿۵۵﴾ او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی وی گردانیده شوید. ﴿۵۶﴾ ای مردمان! آمده است به شما پندی از پروردگار شما و شفای آن علّت را که در سینه‌هاست و راه نمودنی و بخشایشی، مسلمانان را. ﴿۵۷﴾ بگو: به فضل خدا و به رحمت او، پس به این چیزها باید که شادمان شوند. آن بهتر است از آنچه جمع می‌کنند. ﴿۵۸﴾ بگو: آیا دیدید چیزی را که فروآورده است خدا برای شما از جنس روزی، پس ساختید بعض آن را حرام و بعض آن را حلال، بگو: آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا دروغ می‌بندید؟. ﴿۵۹﴾ و چیست گمان آنان‌که افترا می‌کنند بر خدا دروغ را به روز قیامت[1]، هرآیینه خدا، خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتری از ایشان سپاسداری نمی‌کنند. ﴿۶۰﴾ و نمی‌باشی در هیچ شغلی و نمی‌خوانی هیچ آیتی را از طرف خدا آمده و نمی‌کنید هیچ کاری مگر هستیم بر شما مطّلع، چون در می‌آیید در آن کار، و پوشیده نمی‌شود از پروردگار تو همسنگ ذره‌ای در زمین و نه در آسمان و نه خُوردتر از آن و نه بزرگتر، الاّ نوشته شده است در کتاب روشن. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی خدا به ایشان چه خواهد کرد در روز قیامت؟

أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ
﴿٦٢﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي
ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِۚ
ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّ
ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًاۚ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ
مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَمَا يَتَّبِعُ ٱلَّذِينَ
يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُرَكَآءَۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ
وَإِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ
لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ
لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ
ٱلۡغَنِيُّۖ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنۡ
عِندَكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭ بِهَٰذَآۚ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا
تَعۡلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلۡ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ
لَا يُفۡلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَٰعٞ فِي ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ ثُمَّ
نُذِيقُهُمُ ٱلۡعَذَابَ ٱلشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ﴿٧٠﴾

آگاه باش هرآیینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و
نه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۶۲﴾ آنان‌که ایمان آوردند و
تقوی می‌کردند. ﴿۶۳﴾ ایشان راست بشارت در زندگانی
دنیا[1] و در آخرت. نیست هیچ تبدیل مر سخنانِ خدا را.
این بشارت، همونست پیروزی بزرگ. ﴿۶۴﴾ و غمگین
نکند تو را سخن ایشان، هرآیینه غلبه خدا راست همه
یکجا. اوست شنوای دانا. ﴿۶۵﴾ آگاه باش هرآیینه خدا
راست هر که در آسمان‌هاست و هر که در زمین است و
پیروی نمی‌کنند آنان‌که پرستش می‌کنند بجز خدا شریکان
را، به حقیقت پیروی نمی‌کنند مگر وهم را و نیستند مگر
دروغگو. ﴿۶۶﴾ اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا
آرام گیرید در آن و ساخت روز را روشن، هرآیینه در این
نشانه‌هاست گروهی را که می‌شنوند. ﴿۶۷﴾ گفتند
[کافران]: فرزند گرفته است خدا! پاکی او راست. اوست
بی‌نیاز. او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین
است. نیست نزدیک شما هیچ حجتی بر این. آیا می‌گویید
بر خدا آنچه نمی‌دانید؟!. ﴿۶۸﴾ بگو: هرآیینه آنان‌که بر
می‌بندند بر خدا دروغ را، رستگار نمی‌شوند. ﴿۶۹﴾
[ایشان را باشد] بهره‌مندی در دنیا، باز به سوی ماست
بازگشت ایشان، پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت به
سبب آنکه کفر می‌کردند. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی به رویای صالحه و بشارت.

۞وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ نُوحٍ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِن
كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكُم مَّقَامِي وَتَذۡكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡتُ فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ وَشُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ لَا
يَكُنۡ أَمۡرُكُمۡ عَلَيۡكُمۡ غُمَّةٗ ثُمَّ ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا
تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَمَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ
أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٧٢﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي
ٱلۡفُلۡكِ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ خَلَٰٓئِفَ وَأَغۡرَقۡنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ
بِـَٔايَٰتِنَاۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ
بَعَثۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۚ
كَذَٰلِكَ نَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ بِـَٔايَٰتِنَا
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ
ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰذَا لَسِحۡرٞ مُّبِينٞ ﴿٧٦﴾ قَالَ
مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمۡۖ أَسِحۡرٌ هَٰذَا وَلَا
يُفۡلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَلۡفِتَنَا عَمَّا
وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلۡكِبۡرِيَآءُ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَمَا نَحۡنُ لَكُمَا بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٨﴾

و بخوان بر ایشان خبر نوح را چون گفت به قوم خود: ای قوم! من اگر دشوار شده باشد بر شما قیام من و پند دادن من به آیت‌های خدا، پس بر خدا توکل کردم، پس عزیمت درست کنید در کار خود همراه شریکان خویش، پس نباشد کار شما پوشیده بر شما، باز برسانید به سوی من و مهلت مدهید مرا. ﴿۷۱﴾ پس اگر اعراض کردید[1]، پس نخواسته بودم از شما هیچ مزد را، نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان. ﴿۷۲﴾ پس دروغ داشتندش، پس خلاص ساختیم او را و آنان را که با وی بودند در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشین و غرق کردیم کسانی را که دروغ داشتند آیات ما را، پس بنگر چگونه شد آخر کار بیم کرده شدگان؟. ﴿۷۳﴾ باز فرستادیم بعدِ نوح، پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس آوردند پیش ایشان نشانه‌های روشن را، پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند به آنچه دروغ داشته بودند آن را پیش از این، همچنین مهر می‌نهیم بر دل از حد گذرندگان. ﴿۷۴﴾ باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و قوم وی با نشانه‌های خویش، پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران. ﴿۷۵﴾ پس چون آمد به ایشان سخن درست از نزدیک ما، گفتند: هرآیینه این سحر ظاهر است. ﴿۷۶﴾ گفت موسی: آیا چنین می‌گویید سخن درست را چون بیامد به شما؟ آیا سحر است این؟ و رستگار نمی‌شوند ساحران. ﴿۷۷﴾ گفتند آیا آمده‌ای پیش ما تا بازداری ما را از دینی که یافتیم بر آن پدرانِ خود را و تا باشد شما را ریاست در زمین؟ و نیستیم ما شما را باور دارنده. ﴿۷۸﴾

۱- یعنی از گفتهٔ من چه زیان.

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا
جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ
﴿٨٠﴾ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ
ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ
﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ
ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٞ مِّن
قَوۡمِهِۦ عَلَىٰ خَوۡفٖ مِّن فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِمۡ أَن يَفۡتِنَهُمۡۚ
وَإِنَّ فِرۡعَوۡنَ لَعَالٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ
﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰقَوۡمِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيۡهِ
تَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّسۡلِمِينَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُواْ عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡنَا
رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا
بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰ
وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوۡمِكُمَا بِمِصۡرَ بُيُوتٗا وَٱجۡعَلُواْ
بُيُوتَكُمۡ قِبۡلَةٗ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٧﴾
وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيۡتَ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةٗ
وَأَمۡوَٰلٗا فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَۖ
رَبَّنَا ٱطۡمِسۡ عَلَىٰٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ وَٱشۡدُدۡ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَلَا
يُؤۡمِنُواْ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و گفت فرعون: بیارید پیش من هر ساحر دانا را. ﴿۷۹﴾ پس وقتی که آمدند ساحران، گفت ایشان را موسی: بیفکنید آنچه شما افگننده‌اید. ﴿۸۰﴾ پس چون افکندند، گفت موسی: آنچه آورده‌اید سحر است، هرآیینه خدا باطل خواهد ساخت آن را، هرآیینه خدا راست نمی‌آرد کار مفسدان را. ﴿۸۱﴾ و ثابت خواهد کرد خدا سخن درست را به فرمان خود، و اگرچه ناخوش دارند گناهکاران. ﴿۸۲﴾ پس ایمان نیاوردند به موسی مگر جماعتی از قوم وی، با وجود خوف از فرعون و اشراف قِبط، که عقوبت کند ایشان را. و هرآیینه فرعون سرکشی بود در آن زمین و هرآیینه وی از حد گذرندگان بود. ﴿۸۳﴾ و گفت موسی: ای قوم من! اگر ایمان آورده‌اید به خدا، پس به روی توکل کنید اگر هستید مسلمان. ﴿۸۴﴾ پس گفتند: بر خدا توکّل کردیم، ای پروردگار ما! مکن ما را لگدکوبِ قوم ستمکاران. ﴿۸۵﴾ و خلاص کن ما را به رحمتِ خود از گروه کافران. ﴿۸۶﴾ و وحی فرستادیم به سوی موسی و برادر وی که ساکن کنید قوم خود به شهر مصر در خانه‌ها و بسازید خانه‌های خود را قبله‌رو[1] و برپا دارید نماز را و بشارت ده مؤمنان را. ﴿۸۷﴾ و گفت موسی: ای پروردگار ما! هرآیینه تو داده‌ای فرعون و قبیلهٔ او را زینت و مال‌های بسیار در زندگانی دنیا. ای پروردگار ما! تا گمراه کنند (عالم را) از راه تو. ای پروردگار ما! مسخ کن مال ایشان را و مهر کن بر دل ایشان که ایمان نیارند تا بینند عذاب درد دهنده. ﴿۸۸﴾

۱- یعنی مساجد البیت بنا کنید.

قَالَ قَدۡ أُجِيبَت دَّعۡوَتُكُمَا فَٱسۡتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ
سَبِيلَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٨٩﴾ ۞وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا
وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ
إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ
ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَٱلۡيَوۡمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنۡ
خَلۡفَكَ ءَايَةٗۚ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنۡ ءَايَٰتِنَا
لَغَٰفِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدۡ بَوَّأۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدۡقٖ
وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ فَمَا ٱخۡتَلَفُواْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ
ٱلۡعِلۡمُۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ
فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِن كُنتَ فِي شَكّٖ مِّمَّآ أَنزَلۡنَآ
إِلَيۡكَ فَسۡـَٔلِ ٱلَّذِينَ يَقۡرَءُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكَۚ لَقَدۡ
جَآءَكَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ
﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٩٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتۡ عَلَيۡهِمۡ
كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَوۡ جَآءَتۡهُمۡ كُلُّ ءَايَةٍ
حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

گفت خدا: هرآیینه قبول کرده شد دعای شما، پس ثابت
باشید و پیروی مکنید راه جاهلان را. ﴿۸۹﴾ و گذرانیدیم
اولاد یعقوب را از دریا، پس در عقبِ ایشان شدند فرعون
و لشکر او از راه ستم و تعدّی، تا وقتی که رسیدش مشقتِ
غرق، گفت: باور داشتم که نیست هیچ معبود، مگر آنکه
ایمان آورده‌اند به وی بنی اسراییل و من از مسلمانانم.
﴿۹۰﴾ گفته شده آیا اکنون ایمان آری؟ و نافرمانی کرده
بودی پیش از این و بودی از مفسدان. ﴿۹۱﴾ پس امروز
بر مکانِ بلند افکنیم تو را به همان جسد تو[۱] (یعنی به غیر
تغیّر) تا باشی نشانه آنان را که از پس تو آیند و هرآیینه
بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما بی‌خبرانند. ﴿۹۲﴾ و
هرآیینه جا دادیم بنی اسراییل را به مقام نیک و روزی
دادیم ایشان را از پاکیزها. پس اختلاف نکردند تا آنکه
آمد به ایشان دانش (یعنی قرآن)، هرآیینه پروردگار تو
حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف
می‌داشتند. ﴿۹۳﴾ پس اگر در شکی از آنچه فروفرستادیم
به سوی تو، پس بپرس آنان را که می‌خوانند کتاب را پیش
از تو[۲]، هرآیینه آمده است پیش تو وحی درست از
پروردگار تو، پس مشو از شک آرندگان. ﴿۹۴﴾ و مباش
از آنان‌که دروغ داشتند آیاتِ خدا را، آنگاه شوی از
زیانکاران. ﴿۹۵﴾ هرآیینه آنان‌که ثابت شد بر ایشان حکم
پروردگار تو، ایمان نیارند. ﴿۹۶﴾ و اگرچه بیامد بدیشان
هر نشانه‌ای تا آنکه ببینند عذاب درد دهنده. ﴿۹۷﴾

۱- یعنی به روی آب آریم ترا.

۲- یعنی تا ظاهر شود که بر انبیای سابق نیز وحی نازل می‌شد، والله اعلم.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ إِلَّا قَوْمَ
يُونُسَ لَمَّآ ءَامَنُواْ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ ٱلْخِزْيِ فِي
ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ
لَءَامَنَ مَن فِي ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۚ أَفَأَنتَ تُكْرِهُ
ٱلنَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ
أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَيَجْعَلُ ٱلرِّجْسَ عَلَى ٱلَّذِينَ
لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ قُلِ ٱنظُرُواْ مَاذَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي ٱلْءَايَٰتُ وَٱلنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا
يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوْاْ
مِن قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ
﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ۚ كَذَٰلِكَ حَقًّا
عَلَيْنَا نُنجِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمْ
فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُمْ ۖ
وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمْ
وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ
﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ
فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠٦﴾

پس چرا نشد دیهی که ایمان آرد[1]، پس سود کندش ایمان وی، مگر قوم یونس، چون ایمان آوردند، برداشتیم از ایشان عقوبت رسوایی در زندگانیِ دنیا و بهره‌مند ساختیم ایشان را تا مدتی. ﴿۹۸﴾ و اگر خواستی پروردگار تو، ایمان آوردندی آنان‌که در زمینند همهٔ ایشان یکجا. آیا تو جبر توانی کرد مردمان را تا مسلمان شوند؟. ﴿۹۹﴾ و روا نبود هیچ شخصی را که ایمان آرد مگر به خواست خدا و می‌اندازد پلیدی را بر آنان‌که در نمی‌یابند. ﴿۱۰۰﴾ بگو: ببینید چه چیز است در آسمان‌ها و زمین و فایده نمی‌کند نشانه‌ها و ترسانندگان، گروهی را که باور نمی‌کنند. ﴿۱۰۱﴾ پس انتظار نمی‌کشند مگر مانند مصیبت‌های آنان‌که گذشتند پیش از ایشان؟ بگو: پس انتظار بکشید، هرآیینه من نیز با شما از منتظرانم. ﴿۱۰۲﴾ باز خلاص می‌کنیم پیغامبران خود را و آنان را که ایمان آوردند همچنین. وعده داده‌ایم، وعدهٔ درستِ لازم بر خود که خلاص میکنیم مسلمانان را. ﴿۱۰۳﴾ بگو: ای مردمان! اگر هستید در شبهه از دین من، پس (بشنوید) که عبادت نمی‌کنم آنان را که شما می‌پرستید بجز خدا و لیکن عبادت می‌کنم آن خدا را که قبض ارواح شما می‌کند و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان. ﴿۱۰۴﴾ و فرموده شد آنکه راست کن روی خود را برای دینِ حنیف شده و مباش از مشرکان. ﴿۱۰۵﴾ و مخوان بجز خدا چیزی را که سود نکند تو را و زیان نرساند به تو، پس اگر بکنی، باشی آنگاه از ستمکاران. ﴿۱۰۶﴾

۱- یعنی نزدیک نزول عذاب.

وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن
يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ
مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ
فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ
وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِوَكِيلٖ ﴿١٠٨﴾ وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ
وَٱصۡبِرۡ حَتَّىٰ يَحۡكُمَ ٱللَّهُۚ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

و اگر برساند خدا به تو رنجی، پس نیست بردارنده آن را مگر او و اگر خواهد در حقِ تو نعمتی، پس نیست هیچ دفع کننده، فضل او را، می‌رساندش به هر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزندهٔ مهربان. ﴿۱۰۷﴾ بگو: ای مردمان! آمده است به شما وحی راست از پروردگار شما، پس هر که راه یافت، پس جز این نیست که راه یافت برای خود و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود به زیانِ خود و نیستم من بر شما نگاهبان. ﴿۱۰۸﴾ و [یا محمد]، پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم به تو و شکیبایی ورز. تا آنکه فیصل کند خدا و او بهترین فیصل کنندگان است. ﴿۱۰۹﴾

سُورَةُ هُودٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ
حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۚ إِنَّنِي لَكُم مِّنۡهُ
نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ ﴿٢﴾ وَأَنِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ
يُمَتِّعۡكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَيُؤۡتِ كُلَّ
ذِي فَضۡلٖ فَضۡلَهُۥۖ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ
عَذَابَ يَوۡمٖ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡۖ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَآ إِنَّهُمۡ يَثۡنُونَ صُدُورَهُمۡ
لِيَسۡتَخۡفُواْ مِنۡهُۚ أَلَا حِينَ يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ يَعۡلَمُ مَا
يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٥﴾

سوره هود

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الر، این کتابی است که استوار کرده شد آیاتِ او را، باز واضح کرده شد، آمده از نزدی خدای درستکارِ خبردار. ﴿۱﴾ [به این مضمون که پیغامبر گوید] که عبادت مکنید مگر خدای را، هرآیینه من شما را از جانب او بیم کننده و بشارت دهنده‌ام. ﴿۲﴾ و آنکه آمرزش طلب کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی وی تا بهره‌مند سازد شما را به بهرهٔ نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزای بزرگیِ او. و اگر روی‌گردان شوید، پس هرآیینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ. ﴿۳﴾ به سوی خدا است بازگشت شما و او بر همه چیز توانا است. ﴿۴﴾ آگاه باش این کافران می‌پیچند سینه‌های خود را[1] می‌خواهند که تا پنهان شوند از خدا. آگاه باش چون بر سر می‌کنند جامه‌های خود را، می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند، هرآیینه او داناست به سرّی که مالکِ سینه‌ها است[2]. ﴿۵﴾

۱- یعنی اعراض می‌کنند.

۲- مترجم گوید: می‌توان گفت: پیچیدن سینه عبارت از آن است که فکرهای ناصواب کند و به شبهات واهیه دل خود را اطمینان دهد و عقائد حقه را فراموش سازد، زیرا که صدر اینجا به معنای علومِ صدر آمده است.

۞وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا وَيَعۡلَمُ
مُسۡتَقَرَّهَا وَمُسۡتَوۡدَعَهَاۚ كُلّٞ فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٦ وَهُوَ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَكَانَ
عَرۡشُهُۥ عَلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۗ
وَلَئِن قُلۡتَ إِنَّكُم مَّبۡعُوثُونَ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡمَوۡتِ لَيَقُولَنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٧ وَلَئِنۡ
أَخَّرۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٖ مَّعۡدُودَةٖ لَّيَقُولُنَّ مَا
يَحۡبِسُهُۥٓۗ أَلَا يَوۡمَ يَأۡتِيهِمۡ لَيۡسَ مَصۡرُوفًا عَنۡهُمۡ وَحَاقَ
بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ
مِنَّا رَحۡمَةٗ ثُمَّ نَزَعۡنَٰهَا مِنۡهُ إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٞ كَفُورٞ ٩
وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ نَعۡمَآءَ بَعۡدَ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّيٓۚ إِنَّهُۥ لَفَرِحٞ فَخُورٌ ١٠ إِلَّا ٱلَّذِينَ
صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ
وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ ١١ فَلَعَلَّكَ تَارِكُۢ بَعۡضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ
وَضَآئِقُۢ بِهِۦ صَدۡرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ كَنزٌ
أَوۡ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌۚ إِنَّمَآ أَنتَ نَذِيرٞۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ وَكِيلٌ ١٢

و نیست هیچ جنبنده در زمین، مگر بر خداست روزی او و می‌داند جای ماندن او را و جای نگاه داشتن او را، هر یک در کتاب روشن است[1]. ﴿۶﴾ و اوست آنکه آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز و بود عرش او بر آب [آخر کار آفریدن شما آنکه] تا بیازماید شما را که کدام کس از شما نیکوتر است از جهت عمل و اگر گویی که هرآیینه شما برانگیخته شوید بعدِ موت، گویند کافران: نیست این سخن مگر جادوی ظاهر. ﴿۷﴾ و اگر باز داریم از ایشان عقوبت را تا مدتی شمرده شده، گویند: چه چیز باز می‌دارد آن را؟ آگاه باش! روزی که بیاید به ایشان، نباشد بازداشته شده از ایشان و فراگیرد ایشان را آنچه استهزا می‌کردند به آن. ﴿۸﴾ و اگر بچشانیم آدمی را نعمتی از نزد خود باز برگیریم آن را از وی، هرآیینه وی ناامید و ناسپاس است. ﴿۹﴾ و اگر بچشانیم آدمی را رفاهتی بعدِ سختی‌ای که رسیده باشد به وی، گوید: برفتند سختی‌ها از من، هرآیینه وی شادمانِ خود ستاینده است. ﴿۱۰﴾ مگر آنان‌که شکیبایی نمودند و کارهای شایسته کردند، آن جماعت، ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۱۱﴾ پس شاید تو ترک کنی بعضِ آنچه وحی فرستاده می‌شود به سوی تو و تنگ می‌شود به آن سینهٔ تو[2] از جهت آنکه می‌گویند: چرا نفرود آورده شد بر وی گنجی؟ یا چرا نیامد همراه او فرشته‌ای؟ جز این نیست که تو بیم کننده‌ای و خدا بر هر چیز نگاهبان است. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی در لوح محفوظ نوشته شده. مترجم گوید: مستودع جایی است که به غیر اختیار او آنجا نگاهداشته بودند، مانند صُلب و رَحِم و مستقر جایی است که به اختیار خود می‌ماند، مثل خانه.

۲- یعنی ترک مکن، دلتنگ مشو.

أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ
مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن
كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٣﴾ فَإِلَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ
أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَهَلۡ أَنتُم
مُّسۡلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا
نُوَفِّ إِلَيۡهِمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فِيهَا وَهُمۡ فِيهَا لَا يُبۡخَسُونَ ﴿١٥﴾
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ
مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَن
كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ وَيَتۡلُوهُ شَاهِدٞ مِّنۡهُ وَمِن
قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةًۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ
بِهِۦۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ مِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ فَٱلنَّارُ مَوۡعِدُهُۥۚ
فَلَا تَكُ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُۚ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ
ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُعۡرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمۡ
وَيَقُولُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡۚ أَلَا
لَعۡنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٨﴾ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ
كَٰفِرُونَ ﴿١٩﴾

آیا می‌گویند: بر بسته است قرآن را؟ بگو: پس بیارید ده سوره را مانند این بر بافته و بخوانید هر که را توانید بجز خدا، اگر راستگو هستید[۱]. ﴿۱۳﴾ پس اگر قبول نکنند آن کافران سخنِ شما را، پس بدانید که قرآن نازل کرده شده است به علم خدا و بدانید که هیچ معبود نیست مگر وی. پس آیا شما مسلمان هستید؟[۲]. ﴿۱۴﴾ هر که خواسته باشد زندگانی دنیا و تجمل آن، به تمام رسانیم به سوی این جماعت جزای اعمالِ ایشان را در دنیا و ایشان در اینجا نقصان داده نشوند[۳]. ﴿۱۵﴾ این جماعت، آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش، و باطل شد [در آخرت] آنچه کرده بودند در دنیا. و نابود است آنچه به عمل می‌آوردند. ﴿۱۶﴾ آیا کسی که باشد بر حجّتی از جانب پروردگار خود[۴] و متصل وی، می‌آید گواهی از جانب پروردگار او[۵]، و پیش از قرآن [گواهِ وی بود] کتاب موسی و بخشایشی، [مثل دیگران باشد]؟ این جماعت ایمان می‌آرند به قرآن و هرکه کافر شد به آن از گروه‌ها، پس آتش وعده‌گاه وی است. پس مباش در شبهه از نزول قرآن، هرآیینه آن درست است، آمده از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی‌آرند. ﴿۱۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغی را. این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان:[۶] ایشانند آنان‌که دروغ بستند بر پروردگار خویش، آگاه باش! لعنت خدا است بر ستمکاران. ﴿۱۸﴾ بر آنان‌که باز می‌دارند مردمان را از راه خدا و می‌خواهند برای آن راه کجی را و ایشان به آخرت، کافرانند. ﴿۱۹﴾

۱- مترجم گوید: نخست به دَه سوره تحدّی واقع شد و چون از آن عاجز شدند، به یکه سوره تحدّی فرمود.

۲- یعنی بر اسلام ثابت باشید.

۳- یعنی ثواب صدقه و صلهٔ رحم که از کفار به وجود می‌آید در دنیا می‌دهند به توسیع رزق و صحت بدن.

۴- یعنی دلیل عقلی.

۵- یعنی قرآن.

۶- یعنی کراماً کاتبین.

أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يَكُونُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانَ
لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنۡ أَوۡلِيَآءَۘ يُضَٰعَفُ لَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ
مَا كَانُواْ يَسۡتَطِيعُونَ ٱلسَّمۡعَ وَمَا كَانُواْ يُبۡصِرُونَ ﴿٢٠﴾
أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ﴿٢١﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ
﴿٢٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَخۡبَتُوٓاْ إِلَىٰ
رَبِّهِمۡ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٣﴾
۞مَثَلُ ٱلۡفَرِيقَيۡنِ كَٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡأَصَمِّ وَٱلۡبَصِيرِ
وَٱلسَّمِيعِۚ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدۡ
أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَن
لَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ
أَلِيمٖ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦ مَا
نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرٗا مِّثۡلَنَا وَمَا نَرَىٰكَ ٱتَّبَعَكَ إِلَّا ٱلَّذِينَ
هُمۡ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ ٱلرَّأۡيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمۡ عَلَيۡنَا مِن
فَضۡلِۭ بَلۡ نَظُنُّكُمۡ كَٰذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ
إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِهِۦ
فَعُمِّيَتۡ عَلَيۡكُمۡ أَنُلۡزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمۡ لَهَا كَٰرِهُونَ
﴿٢٨﴾

این جماعت نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را
بجز خدا از دوستان، دو چند کرده شود ایشان را عذاب.
نمی‌توانستند شنودن (یعنی به سبب شدّت ناخوشی) و
نمی‌دیدند[1]. ﴿۲۰﴾ این جماعت آنانند که زیان کردند
در حقّ خویش و گم شد از ایشان آنچه برمی‌بافتند. ﴿۲۱﴾
بی‌شک این جماعت، در آخرت ایشانند زیانکاران. ﴿۲۲﴾
هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و
فروتنی کردند متوجه شده به سوی پروردگار خویش،
ایشان اهل بهشتند، ایشان آنجا جاویدانند. ﴿۲۳﴾ صفت
این دو فریق، مانند کور و کر و بینا و شنوا است، آیا هر دو
برابرند در صفت؟ آیا پند نمی‌گیرید؟. ﴿۲۴﴾ و هرآیینه
فرستادیم نوح را به سوی قوم او، گفت: هرآیینه من برای
شما بیم کنندهٔ آشکارام. ﴿۲۵﴾ [به این مضمون] که
مپرستید مگر خدا را، هرآیینه من می‌ترسم بر شما از عذاب
روز درد دهنده. ﴿۲۶﴾ پس گفتند جماعتی که کافر بودند
از قوم او: نمی‌بینیم تو را مگر آدمی مانند خویش و
نمی‌بینیم تو راکه پیروی تو کرده باشند [به تأمّل سرسری]
مگر آنان‌که ایشان کمینه‌های مایند، و نمی‌بینیم شما را هیچ
بزرگی‌ای بر خود، بلکه می‌پنداریم شما را دروغگویان.
﴿۲۷﴾ گفت: ای قوم من! آیا خبر دهید بدانکه اگر باشم
بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد به من بخشایشی از
نزدیک خود، پس پوشانیده شد حقیقت آن بر شما، آیا
جبر کنیم شما را بر آن و شما ناخواهان باشید؟. ﴿۲۸﴾

۱- مترجم گوید: ومی‌توان گفت که همزهٔ استفهام انکاری محذوف است،
یعنی، آیا نمی‌توانستند شنیدن و آیا نمی‌دیدند؟

وَيَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مَالًاۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى
ٱللَّهِۚ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۚ إِنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ
وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَٰقَوۡمِ مَن
يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمۡۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَآ
أَقُولُ لَكُمۡ عِندِي خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ
وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٞ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزۡدَرِيٓ
أَعۡيُنُكُمۡ لَن يُؤۡتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيۡرًاۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا فِيٓ
أَنفُسِهِمۡ إِنِّيٓ إِذٗا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُواْ يَٰنُوحُ قَدۡ
جَٰدَلۡتَنَا فَأَكۡثَرۡتَ جِدَٰلَنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ
مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأۡتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ
وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنفَعُكُمۡ نُصۡحِيٓ إِنۡ
أَرَدتُّ أَنۡ أَنصَحَ لَكُمۡ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن
يُغۡوِيَكُمۡۚ هُوَ رَبُّكُمۡ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمۡ يَقُولُونَ
ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي وَأَنَا۠ بَرِيٓءٞ
مِّمَّا تُجۡرِمُونَ ﴿٣٥﴾ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤۡمِنَ مِن
قَوۡمِكَ إِلَّا مَن قَدۡ ءَامَنَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ
يَفۡعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا وَلَا
تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ﴿٣٧﴾

و ای قوم من! طلب نمی‌کنم از شما بر این پیغام، رسانیدن
مال را، نیست مزد من مگر بر خدا و نیستم من یکسو کنندهٔ
مسلمانان (یعنی از صحبت خود)، هرآیینه ایشان ملاقات
کنندگانند با پروردگار خویش و لیکن می‌بینم شما را
قومی که جهالت می‌کنید. ﴿۲۹﴾ و ای قوم من! که
نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را؟ آیا پند
نمی‌گیرید. ﴿۳۰﴾ و نمی‌گویم به شما که نزدیک من
خزینه‌های خدا است و نه آنکه می‌دانم غیب را و
نمی‌گویم که فرشته‌ام و نمی‌گویم آنان را که به خواری
می‌نگرد بدیشان چشم شما، که نخواهد داد خدا به ایشان
هیچ نعمتی و خدا داناتر است به آنچه در ضمیر ایشان
است، هرآیینه من آنگاه از ستمکاران باشم. ﴿۳۱﴾ گفتند:
ای نوح! مکابره کردی با ما، پس بسیاری کردی مکابرهٔ ما
را، پس بیار آنچه وعده می‌کنی، اگر هستی از راستگویان.
﴿۳۲﴾ گفت: جز این نیست که بیارد آن را به شما خدا
اگر خواهد و شما عاجز کننده نیستید. ﴿۳۳﴾ و سود
نمی‌کند شما را نصیحت من، اگر خواهم که نصیحت کنم
شما را، اگر خدا خواسته باشد که گمراه کند شما را.
اوست پروردگار شما و به سوی او بازگردانیده شوید.
﴿۳۴﴾ [یا محمد] آیا می‌گویند بر بسته است قرآن را؟
بگو: اگر بربسته‌ام، پس بر من است گناه من و من بی‌تعلّق
هستم از گناه کردن شما[1]. ﴿۳۵﴾ و وحی فرستاده شد به
سوی نوح که ایمان نخواهد آورد از قوم تو، الاّ آن که
مؤمن شده است، پس اندوه مخور به سبب آنچه می‌کردند.
﴿۳۶﴾ و بساز کشتی را به حضور ما و به فرمان ما و سخن
مگو با من در باب آنان‌که ستم کردند. هرآیینه ایشان غرق
کردگانند. ﴿۳۷﴾

۱- مترجم گوید: این جمله زیاده کرده شد در وسط قصهٔ قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه با حال قوم حضرت نوح، والله اعلم.

وَيَصۡنَعُ ٱلۡفُلۡكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيۡهِ مَلَأٞ مِّن قَوۡمِهِۦ
سَخِرُواْ مِنۡهُۚ قَالَ إِن تَسۡخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسۡخَرُ مِنكُمۡ
كَمَا تَسۡخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ
عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ مُّقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّىٰٓ
إِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلۡنَا ٱحۡمِلۡ فِيهَا مِن كُلّٖ
زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ
وَمَنۡ ءَامَنَۚ وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٞ ﴿٤٠﴾ ۞وَقَالَ
ٱرۡكَبُواْ فِيهَا بِسۡمِ ٱللَّهِ مَجۡرٜىٰهَا وَمُرۡسَىٰهَآۚ إِنَّ رَبِّي
لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجۡرِي بِهِمۡ فِي مَوۡجٖ كَٱلۡجِبَالِ
وَنَادَىٰ نُوحٌ ٱبۡنَهُۥ وَكَانَ فِي مَعۡزِلٖ يَٰبُنَيَّ ٱرۡكَب مَّعَنَا
وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَـَٔاوِيٓ إِلَىٰ جَبَلٖ
يَعۡصِمُنِي مِنَ ٱلۡمَآءِۚ قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلۡيَوۡمَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ
إِلَّا مَن رَّحِمَۚ وَحَالَ بَيۡنَهُمَا ٱلۡمَوۡجُ فَكَانَ مِنَ
ٱلۡمُغۡرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَٰٓأَرۡضُ ٱبۡلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ
أَقۡلِعِي وَغِيضَ ٱلۡمَآءُ وَقُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى
ٱلۡجُودِيِّۖ وَقِيلَ بُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَىٰ نُوحٞ
رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبۡنِي مِنۡ أَهۡلِي وَإِنَّ وَعۡدَكَ ٱلۡحَقُّ
وَأَنتَ أَحۡكَمُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ﴿٤٥﴾

و می‌ساخت نوح کشتی را و هرگاه که گذشتی بر وی جماعت از قوم او، تمسخر می‌کردند با وی. گفت: اگر تمسخر می‌کنید با ما پس هرآیینه ما تمسخر خواهیم کرد با شما چنانچه شما تمسخر می‌کنید. ﴿۳۸﴾ پس خواهید دانست آن راکه بیایدش عذابی که رسوا کندش و فرود آید بر وی عقوبتی دایم. ﴿۳۹﴾ [در همین معامله بود] تا وقتی که آمد فرمان ما و بجوشید تنور، گفتیم: بردار در کشتی از هر جنسی دو تن نر و ماده را و [بردار] کسانِ خود را مگر آنکه سبقت کرده است بر وی قضا[1] و [بردار] مسلمانان را و ایمان نیاوردند با وی مگر اندکی. ﴿۴۰﴾ و گفت [نوح]: سوار شوید در کشتی، به نام خدا است روان شدن آن و ایستاده کردن آن، هرآیینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۴۱﴾ و آن کشتی می‌برد ایشان را در موجی مانند کوه‌ها و آواز داد نوح پسر خود را و او بود در کرانه‌ای: ای پسر! سوار شو با ما و مباش با کافران. ﴿۴۲﴾ گفت: پناه خواهم گرفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا از آب. گفت نوح: هیچ نگاهدارنده نیست امروز از عذاب خدا، لیکن معصوم کسی باشد که خدا رحم کرده است بر وی و حائل شد موج میان ایشان، پس شد از غرق کردگان. ﴿۴۳﴾ و گفته شد: ای زمین! فرو بر آب خود را و ای آسمان! با زمان[2]، و کم کرده شد آب و سر انجام نموده شد کار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودیّ و گفته شد: هلاک باد قوم ستمکاران را. ﴿۴۴﴾ و آواز داد نوح پروردگار خود را، پس گفت: ای پروردگار من! هرآیینه پسر من از اهل من است و هرآیینه وعدهٔ تو راست است و تو بهترین حکم کنندگانی. ﴿۴۵﴾

۱- یعنی زن نوح و کنعان، پسر نوح.

۲- یعنی از باران.

قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيۡسَ مِنۡ أَهۡلِكَۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيۡرُ
صَٰلِحٖۖ فَلَا تَسۡـَٔلۡنِ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۖ إِنِّيٓ أَعِظُكَ
أَن تَكُونَ مِنَ ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ
أَنۡ أَسۡـَٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي
وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَٰنُوحُ
ٱهۡبِطۡ بِسَلَٰمٖ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن
مَّعَكَۚ وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ
﴿٤٨﴾ تِلۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهَآ إِلَيۡكَۖ مَا كُنتَ
تَعۡلَمُهَآ أَنتَ وَلَا قَوۡمُكَ مِن قَبۡلِ هَٰذَاۖ فَٱصۡبِرۡۖ إِنَّ
ٱلۡعَٰقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ
ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۖ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا
مُفۡتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَٰقَوۡمِ لَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ
أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِي فَطَرَنِيٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٥١﴾
وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ
ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ
وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ مُجۡرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ
وَمَا نَحۡنُ بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ
بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٣﴾

گفت: ای نوح! هرآیینه وی نیست از کسانِ تو، هرآیینه وی
[خداوندِ] کار ناشایسته است. پس سؤال مکن تو مرا از
چیزی که نیست تو را دانش آن، هرآیینه من پند می‌دهم
تو را [برای احتراز] از آنکه باشی از جاهلان. ﴿۴۶﴾ گفت:
ای پروردگار من! هرآیینه من پناه خواهم به تو از آنکه
بپرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامرزی مرا و
رحمت نکنی بر من، باشم از زیانکاران. ﴿۴۷﴾ گفته شد:
ای نوح! فرودآی همراه سلامتی از جانب ما و همراه
برکت‌های فرود آمده بر تو و بر امت‌هایی که پیدا شوند از
همراهان تو، و امت‌های دیگرند که بهره‌مند می‌کنیم ایشان
را در دنیا، باز برسد به ایشان از جانب ما عذاب درد دهنده.
﴿۴۸﴾ این قصه از اخبار غیب است، وحی می‌فرستیم آن
را به سوی تو، نمی‌دانستی آن را تو و نه قوم تو پیش از
این. پس صبر کن، هرآیینه عاقبت، متّقیان راست. ﴿۴۹﴾ و
فرستادیم به سوی عاد برادر ایشان، هود را. گفت: ای قوم
من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبودی بجز
وی، نیستید شما مگر افترا کننده. ﴿۵۰﴾ ای قوم من!
نمی‌طلبم از شما بر این پیغام، مزدی را، نیست مزد من مگر
بر کسی که آفریده است مرا، آیا در نمی‌یابید؟!. ﴿۵۱﴾ و
ای قوم من! آمرزش طلبید از پروردگار خود، باز رجوع
کنید به سوی او تا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و
بیفزاید شما را قوّتی همراه قوّت شما و روگردان مشوید
گناهکار شده. ﴿۵۲﴾ گفتند: ای هود! نیاوردی به ما دلیلی
و نیستیم ما ترک کننده، معبودان خود را بگفتهٔ تو و نیستیم
ما تو را باور دارنده. ﴿۵۳﴾

إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ
أُشۡهِدُ ٱللَّهَ وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٥٤ مِن
دُونِهِۦۖ فَكِيدُونِي جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ٥٥ إِنِّي
تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ
ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٦
فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡۚ
وَيَسۡتَخۡلِفُ رَبِّي قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ وَلَا تَضُرُّونَهُۥ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ
رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ٥٧ وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا
هُودٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَنَجَّيۡنَٰهُم مِّنۡ
عَذَابٍ غَلِيظٖ ٥٨ وَتِلۡكَ عَادٞۖ جَحَدُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ
وَعَصَوۡاْ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ٥٩
وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ
عَادٗا كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّعَادٖ قَوۡمِ هُودٖ ٦٠
۞وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي
قَرِيبٞ مُّجِيبٞ ٦١ قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدۡ كُنتَ فِينَا مَرۡجُوّٗا
قَبۡلَ هَٰذَآۖ أَتَنۡهَىٰنَآ أَن نَّعۡبُدَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا
لَفِي شَكّٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ٦٢

نمی گوییم الاّ آنکه رسانیده‌اند به تو بعض معبودان ما ضرری. گفت: هرآیینه من گواه می‌سازم خدا را و شما گواه باشید که من بی‌تعلّقم از آنچه شما شریک می‌گیرید. ﴿۵۴﴾ بجز وی. پس بدسگالی کنید در حق من همه یکجا، باز مهلت مدهید مرا. ﴿۵۵﴾ هرآیینه من توکّل کردم بر خدا، پروردگار من و پروردگار شما، نیست هیچ جنبنده‌ای مگر خدا گیرنده است موی پیشانی او را[1]، هرآیینه پروردگار من بر راه راست است[2]. ﴿۵۶﴾ پس اگر روگردان شوید، ضرری به من عاید نیست هرآیینه رسانیدم به شما پیغامی را که فرستاده شدم همراه آن به سوی شما و جانشین سازد پروردگار من قومی را بجز شما و هیچ زیان نتوانید رسانیدن خدای را. هرآیینه پروردگار من بر همه چیز نگاهبان است. ﴿۵۷﴾ و چون آمد عذاب ما، خلاص ساختیم هود را و آنان را که که ایمان آوردند با وی به رحمتی از جانب خود و برهانیدیم ایشان را از عقوبت سخت. ﴿۵۸﴾ و این است سرگذشت عاد، انکار کردند آیات پروردگار خود را و نافرمانی نمودند پیغامبرانِ او را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را. ﴿۵۹﴾ و از پی ایشان فرستاده شد در این دنیا لعنتی و روز قیامت نیز، آگاه باش! هرآیینه عاد کافر شدند به پروردگار خود، آگاه باش! نفرین باد عاد را که قوم هود بودند! . ﴿۶۰﴾ و فرستادیم به سوی ثمود برادر ایشان، صالح را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را، نیست شما را هیچ معبودی بجز وی، او پیدا کرد شما را از زمین[3] و گردانید شما را باشنده در زمین، پس طلب آمرزش کنید از او، باز رجوع کنید به سوی او، هرآیینه پروردگار من نزدیک است، پذیرندهٔ دعاست. ﴿۶۱﴾ گفتند: ای صالح! بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این. آیا منع می کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت می‌کردند پدران ما؟ و هرآیینه ما در شُبهه[ای] قوی‌ایم از آنچه می‌خوانی ما را به سوی آن. ﴿۶۲﴾

۱- یعنی مالک اوست.

۲- یعنی حکیم است.

۳- یعنی آفریده پدر و مادر شما، آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهایید.

قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي
وَءَاتَىٰنِي مِنۡهُ رَحۡمَةٗ فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنۡ
عَصَيۡتُهُۥۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيۡرَ تَخۡسِيرٖ ﴿٦٣﴾ وَيَٰقَوۡمِ
هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ
ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٞ قَرِيبٞ
﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمۡ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٖۖ ذَٰلِكَ
وَعۡدٌ غَيۡرُ مَكۡذُوبٖ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا
صَٰلِحٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَمِنۡ خِزۡيِ
يَوۡمِئِذٍۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ
ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ ﴿٦٧﴾
كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمۡۗ أَلَا
بُعۡدٗا لِّثَمُودَ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ
بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞۖ فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ
بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَءَآ أَيۡدِيَهُمۡ لَا تَصِلُ إِلَيۡهِ
نَكِرَهُمۡ وَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ خِيفَةٗۚ قَالُواْ لَا تَخَفۡ إِنَّآ
أُرۡسِلۡنَآ إِلَىٰ قَوۡمِ لُوطٖ ﴿٧٠﴾ وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ
فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ ﴿٧١﴾

گفت: ای قوم من! آیا ندیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و عطا کرده باشد به من از جانب خود بخشایشی، پس که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانیِ او کنم؟ پس زیاده نمی‌کنید در حق من، مگر زیانکاری را. ﴿۶۳﴾ و ای قوم من! این است ماده شتری که خدا فرستاده است برای شما نشانه، پس بگذاریدش تا بخورد در زمینِ خدا و مرسانید به وی هیچ ضرری را که آنگاه بگیرد شما را عقوبتی نزدیک. ﴿۶۴﴾ پس پی زدند آن را، پس گفت صالح: بهره‌مند باشید در سرای خود سه روز، این وعده است غیر دروغ. ﴿۶۵﴾ پس وقتی که آمد فرمانِ ما، خلاص ساختیم صالح را و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی از جانب خود و رهانیدیم از رسوایی آن روز، هرآیینه پروردگار تو همونست توانای غالب. ﴿۶۶﴾ و در گرفت ستمکاران را آواز سخت، پس صبح کردند در سرای خود مرده شده. ﴿۶۷﴾ گویا هرگز نبودند آنجا. آگاه باش! هرآیینه ثمود انکار کردند پروردگار خود را، هرآیینه دوری باد ثمود را! . ﴿۶۸﴾ و هرآیینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت، سلام گفتند. ابراهیم جواب سلام داد، پس توقف نکرد در آنکه آورد گوساله‌ای بریان. ﴿۶۹﴾ پس چون دید که دست‌های ایشان نمی‌رسد به‌آن، بد بُرد از ایشان و به خاطر آورد از ایشان ترسی. گفتند: مترس! هرآیینه ما فرستاده شده‌ایم به سوی قوم لوط. ﴿۷۰﴾ و زن ابراهیم ایستاده بود، پس بخندید[1]، پس مژده دادیمش به تولد اسحق و بعدِ اسحق به وجود یعقوب. ﴿۷۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی به سبب خوش وقتی از هلاک قوم لوط.

قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٞ وَهَٰذَا بَعْلِي شَيْخًاۖ
إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٞ ﴿٧٢﴾ قَالُوٓاْ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ
ٱللَّهِۖ رَحْمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِۚ
إِنَّهُۥ حَمِيدٞ مَّجِيدٞ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ
وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ
إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٞ مُّنِيبٞ ﴿٧٥﴾ يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ
هَٰذَآۖ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَۖ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ
غَيْرُ مَرْدُودٖ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمْ
وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعٗا وَقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٞ ﴿٧٧﴾ وَجَآءَهُۥ
قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُواْ يَعْمَلُونَ
ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْۖ
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِيٓۖ أَلَيْسَ مِنكُمْ
رَجُلٞ رَّشِيدٞ ﴿٧٨﴾ قَالُواْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ
مِنْ حَقّٖ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي
بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِيٓ إِلَىٰ رُكْنٖ شَدِيدٖ ﴿٨٠﴾ قَالُواْ يَٰلُوطُ
إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓاْ إِلَيْكَۖ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٖ
مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَۖ إِنَّهُۥ
مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمْۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُۚ أَلَيْسَ
ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٖ ﴿٨١﴾

گفت: ای وای من! آیا خواهم زاد و من پیرم و این شوهر
من است کلانسال شده! هرآیینه این چیزی عجیب است! .
﴿۷۲﴾ [فرشتگان] گفتند: آیا تعجب می‌کنی از قدرت
خدا؟ بخشایش خدا و برکات او بر شما است ای اهل این
خانه! هرآیینه خدا ستوده کار بزرگوار است. ﴿۷۳﴾ پس
چون رفت از ابراهیم خوف و آمدش بشارت، شروع نمود
جدال کردن با ما در باب قوم لوط. ﴿۷۴﴾ هرآیینه ابراهیم،
بردبارِ ترسکارِ رجوع کننده به خدا بود. ﴿۷۵﴾ [گفتیم] ای
ابراهیم! بگذر از این جدال. هرآیینه حال این است، آمد
عقوبت پروردگار تو و هرآیینه این جماعت، آینده است
به ایشان عقوبتی که با گردانیده نشود. ﴿۷۶﴾ و چون
آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین شد به سبب
ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفت: این روزی است
سخت[1]. ﴿۷۷﴾ و آمدند پیش لوط قوم او شتابان به سوی
او و پیش از این می‌کردند کارهایی زشت. لوط گفت: ای
قوم من! این دختران منند (یعنی نکاح کنید)، اینها
پاکیزه‌ترند برای شما، پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا
در باب مهمانان من، آیا نیست از شما هیچ مرد
شایسته‌ای؟!. ﴿۷۸﴾ گفتند: هرآیینه تو دانسته‌ای که نیست
ما را در دخترانِ تو حاجتی و هرآیینه تو می‌دانی آنچه
می‌خواهیم. ﴿۷۹﴾ گفت: اگر مرا به مقابلهٔ شما قوتی
بودی، یا من پناه گرفتمی به قوم زور آور [می‌کردم آنچه
می‌کردم] . ﴿۸۰﴾ [فرشتگان] گفتند: ای لوط! هرآیینه ما
فرستادگان پروردگار توییم، نخواهند رسید به تو، پس ببَر
کسانِ خود را به پاره‌ای از شب و باید که واپس نه نگرد
هیچ کَس از شما، الاّ زن تو که رسیدنی است او را آنچه
رسد به این قوم. هرآیینه میعاد ایشان وقت صبح است، آیا
صبح نزدیک نیست؟. ﴿۸۱﴾

۱- مترجم گوید: یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند و عادت قوم معلوم
بود، پس خوف فتنه پیدا شد، والله اعلم.

فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا
عَلَيۡهَا حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٖ مَّنضُودٖ ﴿٨٢﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ
رَبِّكَۖ وَمَا هِيَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٖ ﴿٨٣﴾ ۞وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ
أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ
إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ وَلَا تَنقُصُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَۖ إِنِّيٓ
أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ وَإِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٖ
مُّحِيطٖ ﴿٨٤﴾ وَيَٰقَوۡمِ أَوۡفُواْ ٱلۡمِكۡيَالَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ
وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مُفۡسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم
مُّؤۡمِنِينَۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيۡكُم بِحَفِيظٖ ﴿٨٦﴾ قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ
أَصَلَوٰتُكَ تَأۡمُرُكَ أَن نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَآ أَوۡ أَن
نَّفۡعَلَ فِيٓ أَمۡوَٰلِنَا مَا نَشَٰٓؤُاْۖ إِنَّكَ لَأَنتَ ٱلۡحَلِيمُ ٱلرَّشِيدُ
﴿٨٧﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي
وَرَزَقَنِي مِنۡهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَمَآ أُرِيدُ أَنۡ أُخَالِفَكُمۡ إِلَىٰ
مَآ أَنۡهَىٰكُمۡ عَنۡهُۚ إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ
وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

پس چون آمد فرمانِ ما ساختیم زَبَر آن [دیه‌ها] را زیر آن و بارانیدیم بر آنجا سنگ‌ها از قسم سنگ گل تَه به تَه. ﴿۸۲﴾ نشانمند ساخته شده نزد پروردگار تو و این سنگ‌ها نیستند دور از ستمکاران. ﴿۸۳﴾ و فرستادیم به سوی قوم مدیَن برادر ایشان، شعیب را. گفت: ای قوم من! عبادت کنید خدا را. نیست شما را هیچ معبودی مگر وی و کم مکنید پیمانه و ترازو را. هرآیینه من می‌بینم شما را به آسودگی و هرآیینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز درگیرنده[۱]. ﴿۸۴﴾ و ای قوم من! تمام کنید پیمانه و ترازو را به انصاف و کم مرسانید به مردان چیزهای ایشان را و تباهکاری مکنید در زمین، فسادکنان. ﴿۸۵﴾ نفعی که خدای تعالی حلال ساخته است، بهتر است شما را اگر هستید باوردارندگان و نیستم بر شما نگاهبان. ﴿۸۶﴾ گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو می‌فرماید تو را که بگذاریم آنچه می‌پرستیدند پدرانِ ما یا بگذاریم آنکه کنیم در مال خود هرچه خواهیم؟! هرآیینه تو مرد بردبار شایسته‌ای هستی (معامله و مقصود ایشان استهزا بود) . ﴿۸۷﴾ گفت: ای قوم من! آیا دیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد به من از جانب خود روزی نیک[۲] و نمی‌خواهم که خلاف کنم با شما مایل شده به سوی آنچه منع می‌کنم شما را از آن[۳]، نمی‌خواهم مگر صلاحکاری تا بتوانم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا، بر وی توکل کردم و به سوی او رجوع می‌کنم. ﴿۸۸﴾

۱- یعنی هلاک کننده.

۲- یعنی حلال چگونه سخن شما را شنوم.

۳- مترجم گوید: یعنی نمی‌خواهم که به کار نیک بفرمایم و خود نکنم، والله اعلم.

وَيَٰقَوۡمِ لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم مِّثۡلُ مَآ
أَصَابَ قَوۡمَ نُوحٍ أَوۡ قَوۡمَ هُودٍ أَوۡ قَوۡمَ صَٰلِحٖۚ وَمَا قَوۡمُ
لُوطٖ مِّنكُم بِبَعِيدٖ ﴿٨٩﴾ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ
إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٞ وَدُودٞ ﴿٩٠﴾ قَالُواْ يَٰشُعَيۡبُ مَا نَفۡقَهُ
كَثِيرٗا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفٗاۖ وَلَوۡلَا
رَهۡطُكَ لَرَجَمۡنَٰكَۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡنَا بِعَزِيزٖ ﴿٩١﴾ قَالَ
يَٰقَوۡمِ أَرَهۡطِيٓ أَعَزُّ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذۡتُمُوهُ
وَرَآءَكُمۡ ظِهۡرِيًّاۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ ﴿٩٢﴾
وَيَٰقَوۡمِ ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ سَوۡفَ
تَعۡلَمُونَ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَمَنۡ هُوَ كَٰذِبٞۖ
وَٱرۡتَقِبُوٓاْ إِنِّي مَعَكُمۡ رَقِيبٞ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا
نَجَّيۡنَا شُعَيۡبٗا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ بِرَحۡمَةٖ مِّنَّا وَأَخَذَتِ
ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلصَّيۡحَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دِيَٰرِهِمۡ جَٰثِمِينَ
﴿٩٤﴾ كَأَن لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآۗ أَلَا بُعۡدٗا لِّمَدۡيَنَ كَمَا بَعِدَتۡ
ثَمُودُ ﴿٩٥﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ
﴿٩٦﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ فِرۡعَوۡنَۖ وَمَآ أَمۡرُ
فِرۡعَوۡنَ بِرَشِيدٖ ﴿٩٧﴾

و ای قوم من! پیدا نکند در حقِّ شما دشمنی من این خصلت که برسد به شما مانند آنچه رسید به قوم نوح یا به قوم هود یا به قوم صالح و نیست قوم لوط دور از شما. ﴿۸۹﴾ و طلب آمرزش کنید از پروردگار خود، باز رجوع کنید به سوی او، هرآیینه پروردگار من، مهربانِ دوستدار است. ﴿۹۰﴾ گفتند: ای شعیب! نمی‌فهمیم بسیاری از آنچه می‌گویی و هرآیینه ما می‌بینیم تو را در میان خود ناتوان و اگر نبودی قبیلهٔ تو، سنگسار می‌کردیم تو را و نیستی تو پیش ما گرامی قدر. ﴿۹۱﴾ گفت: ای قوم من! آیا قبیلهٔ من گرامی‌تر است پیش شما از خدا؟ و گرفتید خدا را انداخته پسِ پشت خویش، هرآیینه پروردگار من به آنچه می‌کنید در برگیرنده است. ﴿۹۲﴾ و ای قوم من! عمل کنید بر طور خود، هرآیینه من نیز عمل کننده‌ام. زود خواهید دانست آن راکه بیایدش عذابی که رسوا کندش و آن راکه وی دروغگوی است و انتظار برید، هرآیینه من با شما منتظرم. ﴿۹۳﴾ و وقتی که آمد عذاب ما، خلاص ساختیم شعیب را و آنان راکه ایمان آوردند با وی به بخشایشی از خود و در گرفت ظالمان را آواز سخت، پس گشتند در سراهای خویش مرده افتاده. ﴿۹۴﴾ گویا هرگز نبودند آنجا! آگاه باش! دوری باد مدیَن را! چنانکه دور افتادند ثمود. ﴿۹۵﴾ و هرآیینه فرستادیم موسی را به نشانه‌های خود و به دلیل روشن. ﴿۹۶﴾ به سوی فرعون و جماعت او، پس پیروی کردند فرمان فرعون را و نبود فرمان فرعون به راه راست. ﴿۹۷﴾

يَقۡدُمُ قَوۡمَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَأَوۡرَدَهُمُ ٱلنَّارَۖ وَبِئۡسَ
ٱلۡوِرۡدُ ٱلۡمَوۡرُودُ ﴿٩٨﴾ وَأُتۡبِعُواْ فِي هَٰذِهِۦ لَعۡنَةٗ وَيَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِۚ بِئۡسَ ٱلرِّفۡدُ ٱلۡمَرۡفُودُ ﴿٩٩﴾ ذَٰلِكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ
ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّهُۥ عَلَيۡكَۖ مِنۡهَا قَآئِمٞ وَحَصِيدٞ ﴿١٠٠﴾ وَمَا
ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡۖ فَمَآ أَغۡنَتۡ عَنۡهُمۡ
ءَالِهَتُهُمُ ٱلَّتِي يَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ لَّمَّا
جَآءَ أَمۡرُ رَبِّكَۖ وَمَا زَادُوهُمۡ غَيۡرَ تَتۡبِيبٖ ﴿١٠١﴾ وَكَذَٰلِكَ
أَخۡذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلۡقُرَىٰ وَهِيَ ظَٰلِمَةٌۚ إِنَّ أَخۡذَهُۥٓ
أَلِيمٞ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّمَنۡ خَافَ عَذَابَ
ٱلۡأٓخِرَةِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمٞ مَّجۡمُوعٞ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوۡمٞ
مَّشۡهُودٞ ﴿١٠٣﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٖ مَّعۡدُودٖ ﴿١٠٤﴾ يَوۡمَ
يَأۡتِ لَا تَكَلَّمُ نَفۡسٌ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ فَمِنۡهُمۡ شَقِيّٞ
وَسَعِيدٞ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ شَقُواْ فَفِي ٱلنَّارِ لَهُمۡ فِيهَا
زَفِيرٞ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ
وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ
﴿١٠٧﴾ ۞وَأَمَّا ٱلَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي ٱلۡجَنَّةِ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا
دَامَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَۖ عَطَآءً
غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ ﴿١٠٨﴾

پیشوا شود [فرعون] قوم خود را روز قیامت، پس بیارد ایشان را به آتش و بد جایی است که وارد آن شدند. [دوزخ]. ﴿۹۸﴾ و از پی ایشان آورده شد لعنت در این دنیا و روز قیامت نیز، بد عطایی است که داده شد [آن لعنت]. ﴿۹۹﴾ این از اخبار دیه‌هاست که می‌خوانیم آن را بر تو، بعضی از آن باقی است و بعضی از بیخ بریده. ﴿۱۰۰﴾ و ستم نکردیم ایشان را و لیکن ایشان ستم کردند بر خویشتن، پس هیچ دفع نکردند از ایشان و معبودانِ ایشان که می‌خواندند بجز خدا، وقتی که آمد فرمانِ پروردگار تو و نیفزودند ایشان را بجز هلاکی. ﴿۱۰۱﴾ و همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو، چون درگرفت کند دیه‌ها را و آنها ستمکار باشند، هرآیینه در گرفت وی، درد دهندهٔ سخت است. ﴿۱۰۲﴾ هرآیینه در این سخن نشانه‌ای است کسی راکه ترسیده است از عذاب آخرت، آن روز روزی است که جمع کرده شوند در آن مردمان و آن روز روزی است که همه حاضر شوند در وی. ﴿۱۰۳﴾ و موقوف نمی‌داریم آن را مگر تا مدّت معیّن. ﴿۱۰۴﴾ روزی که بیاید، سخن نگوید هیچ کس مگر به دستوری حق. پس بعض ایشان بدبخت باشند و بعض نیک‌بخت. ﴿۱۰۵﴾ امّا آنان‌که بدبخت شدند، پس در آتش باشند، ایشان را آنجا مانند زیر و بم خر باشد. ﴿۱۰۶﴾ جاویدان آنجا، مدّت بقای آسمان‌ها و زمین، غیر وقتی که خواسته است پروردگار تو، هرآیینه پروردگار تو می‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۱۰۷﴾ و اما آنان‌که نیک‌بخت کرده شدند، پس در بهشت باشند جاویدان آنجا تا مدت بقای آسمان‌ها و زمین، غیر وقتی که خواسته است پروردگار تو، بخششی غیر منقطع[1]. ﴿۱۰۸﴾

۱- مترجم گوید: یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام آسمان‌ها وزمین است در دنیا، اگر زیادتی را که در مشیت خداست و در فهم کسی نمی‌گنجد اعتبار نکند، حاصل بیان دوام است بِاَبلغ وجوه، والله اعلم.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٖ مِّمَّا يَعْبُدُ هَٰٓؤُلَآءِۚ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا
كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُۚ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ
غَيْرَ مَنقُوصٖ ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ
فَٱخْتُلِفَ فِيهِۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ
بَيْنَهُمْۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكّٖ مِّنْهُ مُرِيبٖ ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كُلّٗا لَّمَّا
لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَٰلَهُمْۚ إِنَّهُۥ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٞ ﴿١١١﴾
فَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْاْۚ إِنَّهُۥ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٞ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوٓاْ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ
فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ
ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفٗا
مِّنَ ٱلَّيْلِۚ إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ ذَٰلِكَ
ذِكْرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَٱصْبِرْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ ٱلْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ
أُوْلُواْ بَقِيَّةٖ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْفَسَادِ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلٗا
مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْۗ وَٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَآ أُتْرِفُواْ فِيهِ
وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ
بِظُلْمٖ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

پس مباش در شبهه از آنچه می‌پرستند این گروه.
نمی‌پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش از
این و ما البته تمام رسانیده‌ایم به ایشان، حصهٔ ایشان را
ناکاهیده[1]. ﴿۱۰۹﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتاب، پس
اختلاف افتاد در آن و اگر نبودی سخنی که سابقاً صادر
شده از پروردگار تو، هرآیینه فیصل کرده می‌شد میان
ایشان و هرآیینه ایشان در شبهه قوی‌اند از آن. ﴿۱۱۰﴾ و
هرآیینه هر کسی وقتی که برانگیخته شوند، البته تمام
خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان،
هرآیینه وی به آنچه می کنند داناست. ﴿۱۱۱﴾ پس استوار
باش چنانچه فرموده شده‌ای تو و آنان‌که توبه کرده‌اند
همراه تو، و از حدّ مگذرید، هرآیینه وی به آنچه می کنید
بیناست. ﴿۱۱۲﴾ و میل مکنید به سوی آنان‌که ستم کردند
که آنگاه برسد به شما آتش و نیست شما را بجز خدا
دوستان، باز نصرت داده نشوید. ﴿۱۱۳﴾ و برپا کن نماز را
دو طرف روز و ساعتی چند از شب، هرآیینه طاعات دور
می‌کنند گناهان را، این پندی هست پند پذیران را.
﴿۱۱۴﴾ و شکیبایی کن، هرآیینه خدا ضایع نمی‌سازد مزد
نیکوکاران را. ﴿۱۱۵﴾ پس چرا نشدند از آن قرن‌هاکه
پیش از شما بودند اهل خرد، که منع کنند از فساد در
زمین، الاّ اندکی از آن جماعت که خلاص ساختیم از میان
ایشان و پیروی کردند ستمکاران چیزی راکه آسودگی
داده شدند به آن[2] و بودند گناهکاران. ﴿۱۱۶﴾ و هرگز
نیست پروردگار تو که هلاک کند دیه را به ستم و اهل آن
نیکوکار باشند. ﴿۱۱۷﴾

۱- یعنی حصه ایشان از عذاب.

۲- یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗۖ وَلَا يَزَالُونَ
مُخۡتَلِفِينَ ١١٨ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَۚ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمۡۗ
وَتَمَّتۡ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ
أَجۡمَعِينَ ١١٩ وَكُلّٗا نَّقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ ٱلرُّسُلِ مَا
نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَۚ وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ ٱلۡحَقُّ وَمَوۡعِظَةٞ
وَذِكۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ١٢٠ وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنَّا عَٰمِلُونَ ١٢١ وَٱنتَظِرُوٓاْ إِنَّا
مُنتَظِرُونَ ١٢٢ وَلِلَّهِ غَيۡبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ
يُرۡجَعُ ٱلۡأَمۡرُ كُلُّهُۥ فَٱعۡبُدۡهُ وَتَوَكَّلۡ عَلَيۡهِۚ وَمَا رَبُّكَ
بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ١٢٣

و اگر خواستی پروردگار تو، البته گردانیدی مردمان را یک ملّت و همیشه باشند مختلف. ﴿۱۱۸﴾ الاّ آنکه بر وی رحم کرده است پروردگار تو و برای این اختلاف آفریده است ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردمان همه یکجا[1]. ﴿۱۱۹﴾ و هر چیزی را می‌خوانیم بر تو از اخبار پیغامبران آن چیزی را که ثابت می‌گردانیم به آن دل تو را و آمده است به تو در این سوره سخن درست و پندی و یادکردنی برای مسلمانان. ﴿۱۲۰﴾ و بگو آنان را که ایمان نمی‌آرند: کار کنید بر طور خود، هرآیینه ما نیز کار می‌کنم. ﴿۱۲۱﴾ و انتظار کشید، هرآیینه ما نیز منتظرانیم. ﴿۱۲۲﴾ و خدای راست علم غیب آسمان‌ها و زمین و به سوی او بازگردانیده می‌شود کار همهٔ آن، پس عبادت کن او را و توکّل کن بر او، و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۱۲۳﴾

سُورَةُ يُوسُفَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ١ إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ
قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ٢ نَحۡنُ نَقُصُّ
عَلَيۡكَ أَحۡسَنَ ٱلۡقَصَصِ بِمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانَ وَإِن كُنتَ مِن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلۡغَٰفِلِينَ ٣ إِذۡ
قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيۡتُ أَحَدَ عَشَرَ
كَوۡكَبٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ رَأَيۡتُهُمۡ لِي سَٰجِدِينَ ٤

سوره یوسف

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الر، این آیت‌ها آیات کتاب روشن است. ﴿۱﴾ هرآیینه ما فروفرستادیم آن را قرآن عربی ساخته، باشد که شما دریابید. ﴿۲﴾ ما قصه می‌خوانیم بر تو بهترین قصّه خواندن، به وحی فرستادن خود به سوی تو این قرآن را و هرآیینه حال این است که تو بودی پیش از آن از بی‌خبران. ﴿۳﴾ یاد کن چون گفت یوسف پدر خود را: ای پدر من! هرآیینه من به خواب دیدم یازده ستاره را و آفتاب و ماه را، دیدم اینها را برای خود، سجده کننده. ﴿۴﴾

۱- مترجم گوید: در عرف، اختلاف را نسبت می‌کنند به اهل باطل نه به اهل حق. ویقال: قال اهل الحق کذا وخالَفَهُم فِرَقٌ. پس استثنای ﴿مَن رَّحِمَ﴾ بی‌تکلف صحیح شد، والله اعلم.

قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ
لَكَ كَيۡدًاۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿٥﴾
وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ
ٱلۡأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ
كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ
رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٦﴾ ۞لَّقَدۡ كَانَ فِي يُوسُفَ
وَإِخۡوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٞ لِّلسَّآئِلِينَ ﴿٧﴾ إِذۡ قَالُواْ لَيُوسُفُ
وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي
ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٨﴾ ٱقۡتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا يَخۡلُ
لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ وَتَكُونُواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ قَوۡمٗا
صَٰلِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ
وَأَلۡقُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ يَلۡتَقِطۡهُ بَعۡضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن
كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأۡمَ۫نَّا عَلَىٰ
يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرۡسِلۡهُ مَعَنَا غَدٗا
يَرۡتَعۡ وَيَلۡعَبۡ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي
لَيَحۡزُنُنِيٓ أَن تَذۡهَبُواْ بِهِۦ وَأَخَافُ أَن يَأۡكُلَهُ ٱلذِّئۡبُ
وَأَنتُمۡ عَنۡهُ غَٰفِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ لَئِنۡ أَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُ
وَنَحۡنُ عُصۡبَةٌ إِنَّآ إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ﴿١٤﴾

گفت: ای پسرک من! بیان مکن خواب خود را پیش برادران خود که آنگاه اندیشه کنند در حق تو حیله. هرآیینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است. ﴿۵﴾ و [چنانکه این خواب به تو نمود،] همچنین برگزیند تو را پروردگار تو و بیاموزد تو را از علم تاویلِ الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) و تمام کند نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب، چنانکه تمام کرد آن را بر دو جد تو پیش از این، ابراهیم و اسحاق. هرآیینه پروردگار تو دانای استوارکار است. ﴿۶﴾ هرآیینه هست در قصّهٔ یوسف و برادران او نشانه‌ها، سؤال کنندگان را. ﴿۷﴾ چون گفتند که: یوسف و برادر حقیقی او دوست‌ترند نزدیک پدر ما از ما، و ما جماعتیم، هرآیینه پدر ما در خطای ظاهر است. ﴿۸﴾ بکشید یوسف را یا بیفکندیش به زمین غیر معلوم تا خالی شود برای شما توجه پدر شما و تا باشید بعد از این گروهی شایسته (یعنی توبه کنید) . ﴿۹﴾ گفت گوینده از ایشان: مکشید یوسف را و بیفکنیدش در چاه تاریک تا برگیرد او را بعض مسافران اگر کنندگانید. ﴿۱۰﴾ گفتند: ای پدرِ ما! چیست حال تو که امین نمی‌پنداری ما را بر یوسف؟ و هرآیینه ما او را نیکخواهانیم. ﴿۱۱﴾ بفرست او را با ما فردا تا میوهٔ بسیار خورد و بازی کند و هرآیینه ما او را نگاهبانیم. ﴿۱۲﴾ گفت: هرآیینه اندوهگین می‌کند مرا آنکه ببریدش و می‌ترسم از آنکه بخورد او را گرگ و شما از وی بی‌خبر باشید. ﴿۱۳﴾ گفتند: اگر بخورد او را گرگ و ما جماعتیم، هرآیینه ما آنگاه زیانکار باشیم. ﴿۱۴﴾

فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِۦ وَأَجۡمَعُوٓاْ أَن يَجۡعَلُوهُ فِي غَيَٰبَتِ
ٱلۡجُبِّۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمۡرِهِمۡ هَٰذَا وَهُمۡ لَا
يَشۡعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَآءُوٓ أَبَاهُمۡ عِشَآءٗ يَبۡكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُواْ
يَٰٓأَبَانَآ إِنَّا ذَهَبۡنَا نَسۡتَبِقُ وَتَرَكۡنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا
فَأَكَلَهُ ٱلذِّئۡبُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُؤۡمِنٖ لَّنَا وَلَوۡ كُنَّا
صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٖ كَذِبٖۚ قَالَ
بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٞۖ وَٱللَّهُ
ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتۡ سَيَّارَةٞ
فَأَرۡسَلُواْ وَارِدَهُمۡ فَأَدۡلَىٰ دَلۡوَهُۥۖ قَالَ يَٰبُشۡرَىٰ هَٰذَا
غُلَٰمٞۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَٰعَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِمَا يَعۡمَلُونَ ﴿١٩﴾
وَشَرَوۡهُ بِثَمَنِۭ بَخۡسٖ دَرَٰهِمَ مَعۡدُودَةٖ وَكَانُواْ فِيهِ مِنَ
ٱلزَّٰهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِي ٱشۡتَرَىٰهُ مِن مِّصۡرَ لِٱمۡرَأَتِهِۦٓ
أَكۡرِمِي مَثۡوَىٰهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗاۚ
وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلِنُعَلِّمَهُۥ مِن
تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ وَٱللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِۦ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ
ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٢٢﴾

پس چون ببردندش و عزیمت کردند که بیفکنندش در چاه تاریک و وحی فرستادیم به سوی او که البته خبردار خواهی ساخت ایشان را به این ماجرای ایشان و ایشان نشناسند. ﴿۱۵﴾ و آمدند پیش پدر خود شبانگاه، گریان. ﴿۱۶﴾ گفتند: ای پدر ما! هرآیینه ما شروع کردیم در مسابقت و گذاشتیم یوسف را نزدیک رخت خویش، پس بخورد او را گرگ و نیستی تو باور دارنده ما را و اگرچه هستیم راستگوی. ﴿۱۷﴾ و آوردند بالای قمیص او خون دروغ را. یعقوب گفت: نی! بلکه آراسته است پیش شما نفس شما تدبیری را. پس کار من صبر نیک است و خدا، مدد طلبیده می‌شود از وی بر آنچه شما بیان می‌کنید. ﴿۱۸﴾ و آمد کاروانی پس فرستادند سقّای خود را پس انداخت دلوِ خود. گفت: ای مژده! این نوجوانی است. و اهل قافله پنهان ساختند او را سرمایهٔ دانسته و خدا داناست به آنچه می‌کردند. ﴿۱۹﴾ و [برادران] فروختندش به بهای ناقص، درهمی چند شمرده شده و بودند در باب یوسف از بی‌رغبتان. ﴿۲۰﴾ و گفت شخصی که خرید کرد یوسف را از اهل مصر به زن خود: گرامی دار جای او را شاید که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و همچنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین و تا بیاموزیم او را از علم تأویلِ احادیث و خدا تواناست بر مراد خود و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۱﴾ و چون رسید یوسف به نهایت قوّت، دادیم او را دانایی و علم و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۲۲﴾

وَرَٰوَدَتۡهُ ٱلَّتِي هُوَ فِي بَيۡتِهَا عَن نَّفۡسِهِۦ وَغَلَّقَتِ
ٱلۡأَبۡوَٰبَ وَقَالَتۡ هَيۡتَ لَكَۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ رَبِّيٓ
أَحۡسَنَ مَثۡوَايَۖ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدۡ
هَمَّتۡ بِهِۦۖ وَهَمَّ بِهَا لَوۡلَآ أَن رَّءَا بُرۡهَٰنَ رَبِّهِۦۚ كَذَٰلِكَ
لِنَصۡرِفَ عَنۡهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلۡفَحۡشَآءَۚ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا
ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ وَقَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ مِن
دُبُرٖ وَأَلۡفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلۡبَابِۚ قَالَتۡ مَا جَزَآءُ مَنۡ
أَرَادَ بِأَهۡلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسۡجَنَ أَوۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٥﴾
قَالَ هِيَ رَٰوَدَتۡنِي عَن نَّفۡسِيۚ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۡ أَهۡلِهَآ
إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٖ فَصَدَقَتۡ وَهُوَ مِنَ
ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٖ
فَكَذَبَتۡ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ
قُدَّ مِن دُبُرٖ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيۡدِكُنَّۖ إِنَّ كَيۡدَكُنَّ
عَظِيمٞ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعۡرِضۡ عَنۡ هَٰذَاۚ وَٱسۡتَغۡفِرِي
لِذَنۢبِكِۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ ٱلۡخَاطِـِٔينَ ﴿٢٩﴾ ۞وَقَالَ نِسۡوَةٞ
فِي ٱلۡمَدِينَةِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفۡسِهِۦۖ
قَدۡ شَغَفَهَا حُبًّاۖ إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٣٠﴾

و گفت و شنید کرد با یوسف زنی که او در خانه‌اش بود تا بگذرد از حفظ خود [و این کنایت از طلب جماع است] و ببست درها را و گفت: پیش آی! گفت: من می‌پناهم به خدا! این شخص صاحب من است، نیکو ساخت جای مرا[1]، هرآیینه رستگار نمی‌شوند ظالمان. ﴿۲۳﴾ و هرآیینه قصد کرد آن زن به سوی یوسف و قصد کرد یوسف به سوی او، اگر نه آن بودی که دیدی یوسف دلیل پروردگار خود را [می‌شد آنچه می‌شد]، چنین کردیم تا بازگردانیم از وی بدی و بی‌حیایی را، هرآیینه وی از بندگان خالص کردهٔ ماست. ﴿۲۴﴾ و با یکدیگر سبقت کردند به سوی دروازه و بدرید آن زن پیراهن یوسف را از پسِ پشت و یافتند شوهر زن را نزدیک دروازه. گفت [زن]: چیست جزای کسی که خواسته باشد به اهل تو کار بد مگر آنکه به زندان کرده شود یا عقوبتی درددهنده؟!. ﴿۲۵﴾ یوسف گفت: این زن گفت و شنید کرد با من تا غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد گواهی دهنده از قبیلهٔ زن که اگر هست پیراهن یوسف دریده از پیش، پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغ گویان است. ﴿۲۶﴾ و اگر هست پیراهن او دریده از پشت، پس این زن دروغ گفته است و یوسف از راستگویان است. ﴿۲۷﴾ پس شوهرش چون دید پیراهن را دریده از پشت، گفت: این قضیه از مکر شماست ای زنان! هرآیینه مکر شما ای زنان، بزرگ است. ﴿۲۸﴾ ای یوسف! درگذر از این ماجرا و ای زن! طلب آمرزش کن برای گناه خود، هرآیینه تو بوده‌ای از خطا کنندگان. ﴿۲۹﴾ و گفتند زنانی چند در شهر که: زن عزیز گفت و شنید می‌کند با نوجوان خود تا غافل کند او را از حفظ نفس خود، هرآیینه در دلش جای کرده است از روی دوستی، هرآیینه ما می‌بینیم او را در گمراهی ظاهر. ﴿۳۰﴾

۱- یعنی خیانت او نتوانم کرد.

فَلَمَّا سَمِعَتۡ بِمَكۡرِهِنَّ أَرۡسَلَتۡ إِلَيۡهِنَّ وَأَعۡتَدَتۡ لَهُنَّ
مُتَّكَـٔٗا وَءَاتَتۡ كُلَّ وَٰحِدَةٖ مِّنۡهُنَّ سِكِّينٗا وَقَالَتِ
ٱخۡرُجۡ عَلَيۡهِنَّۖ فَلَمَّا رَأَيۡنَهُۥٓ أَكۡبَرۡنَهُۥ وَقَطَّعۡنَ
أَيۡدِيَهُنَّ وَقُلۡنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا
مَلَكٞ كَرِيمٞ ﴿٣١﴾ قَالَتۡ فَذَٰلِكُنَّ ٱلَّذِي لُمۡتُنَّنِي فِيهِۖ
وَلَقَدۡ رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ فَٱسۡتَعۡصَمَۖ وَلَئِن لَّمۡ يَفۡعَلۡ
مَآ ءَامُرُهُۥ لَيُسۡجَنَنَّ وَلَيَكُونٗا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ
رَبِّ ٱلسِّجۡنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِۖ وَإِلَّا
تَصۡرِفۡ عَنِّي كَيۡدَهُنَّ أَصۡبُ إِلَيۡهِنَّ وَأَكُن مِّنَ
ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَٱسۡتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنۡهُ
كَيۡدَهُنَّۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّنۢ
بَعۡدِ مَا رَأَوُاْ ٱلۡأٓيَٰتِ لَيَسۡجُنُنَّهُۥ حَتَّىٰ حِينٖ ﴿٣٥﴾
وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجۡنَ فَتَيَانِۖ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ
أَعۡصِرُ خَمۡرٗاۖ وَقَالَ ٱلۡأٓخَرُ إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحۡمِلُ فَوۡقَ رَأۡسِي
خُبۡزٗا تَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِنۡهُۖ نَبِّئۡنَا بِتَأۡوِيلِهِۦٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ
مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأۡتِيكُمَا طَعَامٞ تُرۡزَقَانِهِۦٓ
إِلَّا نَبَّأۡتُكُمَا بِتَأۡوِيلِهِۦ قَبۡلَ أَن يَأۡتِيَكُمَاۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا
عَلَّمَنِي رَبِّيٓۚ إِنِّي تَرَكۡتُ مِلَّةَ قَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ
وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿٣٧﴾

پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را، آدم فرستاد به سوی ایشان و مهیّا کرد برای ایشان مجلسی و داد هر یکی را از ایشان کاردی و گفت: ای یوسف! بیرون آی بر این زنان. پس چون دیدندش، بزرگ یافتندش و ببریدند دست خویش و گفتند: پاک است خدا! نیست این جوان آدمی! نیست این شخص مگر فرشته‌ای گرامی! . ﴿۳۱﴾ زن عزیز گفت: این است آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی. و هرآیینه گفت و شنید کردم با وی تا غافل کنم او را از حفظ نفس وی، پس نگه داشت خود را و اگر نکند آنچه می‌فرمایم او را، البته به زندان کرده شود و البته باشد از خوارشدگان. ﴿۳۲﴾ یوسف گفت: ای پروردگار من! زندان دوست‌تر است نزدیک من از آنچه می‌خوانند مرا به سوی آن و اگر تو بازنداری از من فریب این زنان را، لا بد میل کنم به ایشان و باشم از نادانان. ﴿۳۳﴾ پس قبول کرد دعای او را پروردگار او، پس بازداشت از یوسف فریب ایشان، هرآیینه وی شنوای داناست. ﴿۳۴﴾ باز ظاهر شد آن جماعت را بعد از آنکه دیده بودند نشانه‌هاکه البته به زندان درآرند او را تا مدتی[1]. ﴿۳۵﴾ و داخل شدند به زندان همراهِ یوسف دو جوان. یکی از ایشان گفت: هرآیینه به خواب بینم خود را که می‌افشارم آب انگور و دیگر گفت که: هرآیینه به خواب می‌بینم خود را، برداشته‌ام بر سر خود نانی که مرغان از آن می‌خورند. خبردارکن ما را به تأویل این خواب، هرآیینه ما می‌بینم تو را از نیکوکاران. ﴿۳۶﴾ گفت: نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده می‌شوید آن را (یعنی در خواب) مگر خبردار کنم شما را به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید به شما مصداق تعبیر. این تعبیر از آن قبیل است که آموخته است مرا پروردگار من، هرآیینه من ترک کردم کیش قومی که ایمان نمی‌آرند به خدا و ایشان به آخرت نامعتقداند. ﴿۳۷﴾

۱- یعنی مشورت کردند که یوسف را به زندان باید کرد تا نزد مردمان برائت زلیخا ظاهر شود.

وَٱتَّبَعۡتُ مِلَّةَ ءَابَآءِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ مَا
كَانَ لَنَآ أَن نُّشۡرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ ذَٰلِكَ مِن فَضۡلِ
ٱللَّهِ عَلَيۡنَا وَعَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا
يَشۡكُرُونَ ٣٨ يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ ءَأَرۡبَابٞ مُّتَفَرِّقُونَ
خَيۡرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٣٩ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا
تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٤٠ مَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ
أَسۡمَآءٗ سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا
مِن سُلۡطَٰنٍۚ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ يَٰصَٰحِبَيِ ٱلسِّجۡنِ أَمَّآ
أَحَدُكُمَا فَيَسۡقِي رَبَّهُۥ خَمۡرٗاۖ وَأَمَّا ٱلۡأٓخَرُ فَيُصۡلَبُ
فَتَأۡكُلُ ٱلطَّيۡرُ مِن رَّأۡسِهِۦۚ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ ٱلَّذِي فِيهِ
تَسۡتَفۡتِيَانِ ٤١ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٖ مِّنۡهُمَا
ٱذۡكُرۡنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَىٰهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ ذِكۡرَ رَبِّهِۦ
فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجۡنِ بِضۡعَ سِنِينَ ٤٢ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ إِنِّيٓ
أَرَىٰ سَبۡعَ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ عِجَافٞ
وَسَبۡعَ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖۖ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ
أَفۡتُونِي فِي رُءۡيَٰيَ إِن كُنتُمۡ لِلرُّءۡيَا تَعۡبُرُونَ ٤٣

و پیروی کردم کیش پدران خود را، ابراهیم و اسحق و یعقوب. نشاید ما را که شریک خدا مقرر کنیم چیزی را. این از فضل خدا است بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی‌کنند. ﴿۳۸﴾ ای دو باشندهٔ زندان! آیا معبودان پراکنده بهترند یا خدای یکتای غالب؟. ﴿۳۹﴾ عبادت نمی‌کنید بجز خدا مگر نام‌هایی چند را که شما مقرر کرده‌اید آن را و پدران شما مقرر کرده‌اند، نفرستاده است خدا بر آنها هیچ دلیل. نیست فرمانروایی مگر خدا را، فرمود که عبادت مکنید مگر خودش را. این است کیش درست و لیکن بیشتر مردمان نمی‌دانند. ﴿۴۰﴾ ای دو باشندهٔ زندان! امّا یکی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب، امّا آن دیگر، پس بردار کرده شود، پس بخورند مرغان از سرِ او. فیصل کرده شد کاری که در وی سؤال می‌کنید. ﴿۴۱﴾ و گفت یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاصی یابنده است از آن دو کس: یاد کن مرا نزد مولای خود. پس شیطان فراموش گردانید از خاطر وی که یاد کند پیش مولای خود. پس ماند یوسف در زندان چند سال. ﴿۴۲﴾ و گفت پادشاه: هرآیینه من به خواب می‌بینم که هفت گاو فربه می‌خورند آنها را هفت گاو لاغر و می‌بینم هفت خوشهٔ سبز را و هفت خوشهٔ دیگر خشک را. ای جماعت! جواب من دهید در باب خواب من، اگر خواب را تعبیر می گویید. ﴿۴۳﴾

قَالُوٓاْ أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖۖ وَمَا نَحۡنُ بِتَأۡوِيلِ ٱلۡأَحۡلَٰمِ
بِعَٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَقَالَ ٱلَّذِي نَجَا مِنۡهُمَا وَٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ
أَنَا۠ أُنَبِّئُكُم بِتَأۡوِيلِهِۦ فَأَرۡسِلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا
ٱلصِّدِّيقُ أَفۡتِنَا فِي سَبۡعِ بَقَرَٰتٖ سِمَانٖ يَأۡكُلُهُنَّ سَبۡعٌ
عِجَافٞ وَسَبۡعِ سُنۢبُلَٰتٍ خُضۡرٖ وَأُخَرَ يَابِسَٰتٖ لَّعَلِّيٓ
أَرۡجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَعۡلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ تَزۡرَعُونَ
سَبۡعَ سِنِينَ دَأَبٗا فَمَا حَصَدتُّمۡ فَذَرُوهُ فِي سُنۢبُلِهِۦٓ إِلَّا
قَلِيلٗا مِّمَّا تَأۡكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ سَبۡعٞ
شِدَادٞ يَأۡكُلۡنَ مَا قَدَّمۡتُمۡ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلٗا مِّمَّا
تُحۡصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ عَامٞ فِيهِ يُغَاثُ
ٱلنَّاسُ وَفِيهِ يَعۡصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ ٱئۡتُونِي بِهِۦۖ
فَلَمَّا جَآءَهُ ٱلرَّسُولُ قَالَ ٱرۡجِعۡ إِلَىٰ رَبِّكَ فَسۡـَٔلۡهُ مَا
بَالُ ٱلنِّسۡوَةِ ٱلَّٰتِي قَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيۡدِهِنَّ
عَلِيمٞ ﴿٥٠﴾ قَالَ مَا خَطۡبُكُنَّ إِذۡ رَٰوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن
نَّفۡسِهِۦۚ قُلۡنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمۡنَا عَلَيۡهِ مِن سُوٓءٖۚ
قَالَتِ ٱمۡرَأَتُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡـَٰٔنَ حَصۡحَصَ ٱلۡحَقُّ أَنَا۠
رَٰوَدتُّهُۥ عَن نَّفۡسِهِۦ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٥١﴾ ذَٰلِكَ
لِيَعۡلَمَ أَنِّي لَمۡ أَخُنۡهُ بِٱلۡغَيۡبِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي كَيۡدَ
ٱلۡخَآئِنِينَ ﴿٥٢﴾

گفتند: این خواب‌های شوریده است و ما نیستیم به تعبیر خواب‌های شوریده، دانا. ﴿۴۴﴾ و گفت آن که نجات یافته بود از آن دو کس و به یاد آورد بعد مدّتی: من خبر دهم شما را به تعبیر این خواب، پس بفرستید مرا[۱]. ﴿۴۵﴾ گفت: ای یوسف! ای راستگو! جواب ده ما را در این خواب که هفت گاو فربه می‌خورند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشهٔ سبز و هفت خوشهٔ دیگر خشک، بُوَد که من بازگردم به سوی مردمان تا ایشان بدانند. ﴿۴۶﴾ گفت: زراعت کنید هفت سال پی در پی بر عادت خود، پس آنچه بدروید پس بگذاریدش در خوشهٔ آن، مگر اندکی از آنچه می‌خورید. ﴿۴۷﴾ باز بیاید بعد از آن، هفت سال سخت. بخورند آنچه در سابق ذخیره نهاده بودید برای آنها مگر اندکی از آنچه به احتیاط نگه دارید. ﴿۴۸﴾ باز بیاید بعد از آن سالی که در آن باران فرستاده شود بر مردمان و در او بیفشارند انگور و غیر آن[۲]. ﴿۴۹﴾ و گفت پادشاه: بیارید پیش من یوسف را، پس چون آمد نزدیک یوسف فرستادهٔ پادشاه، گفت: بازگرد به سوی مولای خود. پس سؤال کن او را: چیست حال آن زنان‌که بریدند دست خویش را؟ هرآیینه پروردگار من به حیله‌بازی ایشان داناست[۳]. ﴿۵۰﴾ گفت پادشاه: چه بود حال شما وقتی که گفت و شنید کردید با یوسف تا بلغزانیدش از احتیاط نفس خود؟ گفتند: پاکی خدای راست! ندانستیم بر یوسف هیچ گناهی. گفت زن عزیز: اکنون ظاهر شد سخن راست من گفت و شنید کردم با وی تا بلغزانمش از احتیاط نفس او و هرآیینه او از راستگویان است. ﴿۵۱﴾ [گفت یوسف]: این همه برای آن است تا بداند عزیز که من خیانتِ او نکرده‌ام، غایبانه و بداند که خدا راه نمی‌نماید حیلهٔ خیانت کنندگان را. ﴿۵۲﴾

۱- مترجم گوید: پس به سوی یوسف فرستادند و ملاقات کرد، والله اعلم.
۲- پادشاه این تعبیر شنیده، مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف عليه السلام مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد، والله اعلم.
۳- یعنی شهادت بر اقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده‌اند، والله اعلم.

وَمَآ أُبَرِّئُ نَفۡسِيٓۚ إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا
رَحِمَ رَبِّيٓۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٥٣﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلِكُ
ٱئۡتُونِي بِهِۦٓ أَسۡتَخۡلِصۡهُ لِنَفۡسِيۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ
ٱلۡيَوۡمَ لَدَيۡنَا مَكِينٌ أَمِينٞ ﴿٥٤﴾ قَالَ ٱجۡعَلۡنِي عَلَىٰ خَزَآئِنِ
ٱلۡأَرۡضِۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٞ ﴿٥٥﴾ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ
فِي ٱلۡأَرۡضِ يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا حَيۡثُ يَشَآءُۚ نُصِيبُ بِرَحۡمَتِنَا
مَن نَّشَآءُۖ وَلَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَأَجۡرُ
ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَجَآءَ
إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ
مُنكِرُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ قَالَ ٱئۡتُونِي بِأَخٖ
لَّكُم مِّنۡ أَبِيكُمۡۚ أَلَا تَرَوۡنَ أَنِّيٓ أُوفِي ٱلۡكَيۡلَ وَأَنَا۠
خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِن لَّمۡ تَأۡتُونِي بِهِۦ فَلَا كَيۡلَ
لَكُمۡ عِندِي وَلَا تَقۡرَبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُواْ سَنُرَٰوِدُ عَنۡهُ أَبَاهُ
وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ لِفِتۡيَٰنِهِ ٱجۡعَلُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ فِي
رِحَالِهِمۡ لَعَلَّهُمۡ يَعۡرِفُونَهَآ إِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ
لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٦٢﴾ فَلَمَّا رَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَبِيهِمۡ قَالُواْ
يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلۡكَيۡلُ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَآ أَخَانَا نَكۡتَلۡ
وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ﴿٦٣﴾

و به پاکی صفت نمی‌کنم نفس خود را، هرآیینه نفس، بسیار فرماینده است به بدی، مگر آن وقت که مهربانی کند پروردگار من، هرآیینه پروردگار من آمرزندۀ مهربان است. ﴿۵۳﴾ و گفت پادشاه: بیاریدش پیش من تا مقرر کنمش خالص برایی خدمت خویش. پس چون سخن گفت با یوسف[۱]، گفت: ای یوسف! هرآیینه تو امروز نزدیک ما صاحب قدر امانتداری. ﴿۵۴﴾ گفت: مقرر کن مرا بر خزانه‌های این سرزمین، هرآیینه من محافظت کنندۀ دانایم. ﴿۵۵﴾ و همچنین (یعنی به این تقریب) منزلت دادیم یوسف را در آن زمین، قرار می‌گرفت از آن زمین هرجاکه می‌خواست. می‌رسانیم رحمت خود را به هر که خواهیم و ضایع نمی‌کنیم مزد نیکوکاران را. ﴿۵۶﴾ و هرآیینه مزد آخرت بهتر است آنان راکه ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند. ﴿۵۷﴾ و آمدند[۲] برادرانِ یوسف، پس داخل شدند بر وی، پس بشناخت ایشان را و ایشان او را ناشناسا بودند. ﴿۵۸﴾ و چون مهیّا کرد برای ایشان سامان ایشان را، گفت: بیارید پیش من برادر [علاتی] خود راکه از پدر شماست. آیا نمی‌بینید که من تمام می‌دهم پیمانه را و من بهترین مهمانداری کنندگانم؟. ﴿۵۹﴾ پس اگر نیاوردید او را پیش من، پس هرگز پیمودن نباشد برای شما نزدیک من و هرگز نزدیک نشوید به من. ﴿۶۰﴾ گفتند: گفت و شنید کنیم با پدر او تا از او دست بازدارد و ما البته این کار، کنندگانیم. ﴿۶۱﴾ و گفت یوسف غلامان خود را: بنهید سرمایۀ ایشان را در خُرجین‌های ایشان، شاید ایشان بشناسند آن را چون باز روند به اهل خانۀ خویش. بُوَد که ایشان باز آیند[۳]. ﴿۶۲﴾ پس چون بازگشتند به سوی پدر خویش، گفتند: ای پدر ما! منع کرده شد از ما پیمانه، پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمانه گیریم و هرآیینه ما نگهبان وی ایم. ﴿۶۳﴾

۱- یعنی قابلیت او شناخت.

۲- بعد از آن قحط افتاد در جمیع نواحی مصر و شام. اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید، به سوی یوسف متوجه شدند، والله اعلم.

۳- یعنی به سبب دادن طعام و بگرفتن سرمایه، دیگر بار طمع کنند، والله اعلم.

قَالَ هَلۡ ءَامَنُكُمۡ عَلَيۡهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمۡ عَلَىٰٓ
أَخِيهِ مِن قَبۡلُ فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ
﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَٰعَهُمۡ وَجَدُواْ بِضَٰعَتَهُمۡ رُدَّتۡ إِلَيۡهِمۡۖ
قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مَا نَبۡغِيۖ هَٰذِهِۦ بِضَٰعَتُنَا رُدَّتۡ إِلَيۡنَاۖ
وَنَمِيرُ أَهۡلَنَا وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٖۖ ذَٰلِكَ
كَيۡلٞ يَسِيرٞ ﴿٦٥﴾ قَالَ لَنۡ أُرۡسِلَهُۥ مَعَكُمۡ حَتَّىٰ تُؤۡتُونِ
مَوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأۡتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمۡۖ فَلَمَّآ
ءَاتَوۡهُ مَوۡثِقَهُمۡ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ
يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٖ وَٰحِدٖ وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٖ
مُّتَفَرِّقَةٖۖ وَمَآ أُغۡنِي عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ
ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ
ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَهُمۡ أَبُوهُم
مَّا كَانَ يُغۡنِي عَنۡهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ إِلَّا حَاجَةٗ فِي
نَفۡسِ يَعۡقُوبَ قَضَىٰهَاۚ وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلۡمٖ لِّمَا عَلَّمۡنَٰهُ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ
عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُۖ قَالَ إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا
تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٦٩﴾

گفت یعقوب: امین نگیرم شما را بر وی مگر چنانکه امین گرفته بودم شما را بر برادر وی پیش از این، پس خدا بهتر است نگاه دارنده و او مهربان‌ترین مهربانان است. ﴿۶۴﴾ و چون گشادند رخت خود را یافتند سرمایهٔ خود را باز گردانیده به ایشان. گفتند: ای پدر ما! چه می‌خواهیم پیش از این! این است سرمایهٔ ما بازگردانیده به سوی ما، پس باز رویم به ملک و غله آوریم برای کسان خود و نگهبانی کنیم برادر خود را و زیاده آریم پیمانهٔ یک شتر و آنچه آورده‌ایم پیمانه‌ای اندک است. ﴿۶۵﴾ گفت: نفرستم او را با شما تا آنکه دهید مرا عهدی از خدا که البته باز آرید او را به من، مگر آنکه گرفتار کرده شوید. پس چون دادندش عهد خویش، یعقوب گفت: خدا بر آنچه می‌گوییم نگهبان است. ﴿۶۶﴾ و گفت: ای پسران من! درمیایید از یک باب و درآیید از دروازه‌های پراکنده[1] و دفع نمی‌کنم از سر شما چیزی را از قضای خدا. نیست فرمانروایی مگر خدا را، بر وی توکل کردم و بر وی باید که توکّل کنند متوکّلان. ﴿۶۷﴾ و چون داخل شدند از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان، دفع نمی‌توانست کرد از سر ایشان چیزی را از قضای خدا، لیکن سرانجام داد یعقوب خطره راکه در ضمیر وی بود و هرآیینه او بود خداوند دانش به آنچه آموخته بودیم او را و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۶۸﴾ و چون داخل شدند بر یوسف، جای داد به سوی خود برادر عینی خود را، گفت: هرآیینه من برادر توام، پس اندوهگین مباش به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۶۹﴾

۱- یعنی تا چشم زخم نرسد.

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ
ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا۟
وَأَقْبَلُوا۟ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا۟ نَفْقِدُ صُوَاعَ
ٱلْمَلِكِ وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا۠ بِهِۦ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾
قَالُوا۟ تَٱللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى ٱلْأَرْضِ
وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا۟ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ
كَٰذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا۟ جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِى رَحْلِهِۦ فَهُوَ
جَزَٰٓؤُهُۥ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ
قَبْلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَآءِ أَخِيهِ ۚ
كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِى دِينِ
ٱلْمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ ۗ
وَفَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ ۞ قَالُوٓا۟ إِن يَسْرِقْ فَقَدْ
سَرَقَ أَخٌ لَّهُۥ مِن قَبْلُ ۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِى نَفْسِهِۦ
وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۖ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا
كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ ۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ
﴿٧٨﴾

پس وقتی که مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان، نهاد آوند آب خوردن را در خُرجین برادر خود. بعد از آن آواز داد آواز کننده که: ای کاروان! هرآیینه شما دزدید! . ﴿۷۰﴾ گفتند روی به سوی ایشان آورده: چیست آنچه نمی‌یابید؟!. ﴿۷۱﴾ گفتند: نمی‌یابیم پیمانهٔ پادشاه را و کسی راکه بیاَوَرَدش، یک بار شتر باشد و من به این وعده ضامنم. ﴿۷۲﴾ گفتند: قسم به خدا هرآیینه دانسته‌اید که نیامده‌ایم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده‌ایم! . ﴿۷۳﴾ گفتند: پس چیست جزای این فعل اگر دروغگو باشید؟ ﴿۷۴﴾ گفتند: جزای این فعل کسی هست که یافته شود متاع در خرجین او، پس همون شخص باشد جزای او[(۱)]. هم چنین جزا می‌دهیم ستمکاران را. ﴿۷۵﴾ بعد از آن برآورد پیمانه را از خرجین برادر خود. همچنین تدبیر کردیم برای یوسف. مستعد نبود که اسیر گیرد برادر خود را در دینِ پادشاه، لیکن اسیر گرفتنش به مشیت خدا. بلند می‌گردانیم در درجه‌هاکسی راکه خواهیم و بالای هر خداوندِ دانش، دانایی هست. ﴿۷۶﴾ گفتند: اگر دزدی کند این شخص، پس دور نیست، که دزدی کرده بود برادر او پیش از این. پس پنهان داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود و آشکارا نکرد آن را در پیش ایشان. گفت در دل خود: شما بد هستید در منزلت خود و خدا داناست به آنچه بیان می‌کنید[(۲)]. ﴿۷۷﴾ گفتند: ای عزیز! هرآیینه او را پدری است پیر کلانسال، پس بگیر یکی را از ما به جای او، هرآیینه ما می‌بینیم تو را از نیکوکاران. ﴿۷۸﴾

۱- یعنی او را غلام گیرند، والله اعلم.

۲- حضرت یوسف بتی از طلا از آن جد مادریِ خود بدزدید تا از عبادت صنم بازماند. یا مشابه این قصه چیزی که سبب تهمت او باشد به دزدی، به وقوع آمده بود، والله اعلم.

قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأۡخُذَ إِلَّا مَن وَجَدۡنَا مَتَٰعَنَا
عِندَهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا لَّظَٰلِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا ٱسۡتَيۡـَٔسُواْ مِنۡهُ
خَلَصُواْ نَجِيّٗاۖ قَالَ كَبِيرُهُمۡ أَلَمۡ تَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ أَبَاكُمۡ قَدۡ
أَخَذَ عَلَيۡكُم مَّوۡثِقٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَمِن قَبۡلُ مَا فَرَّطتُمۡ
فِي يُوسُفَۖ فَلَنۡ أَبۡرَحَ ٱلۡأَرۡضَ حَتَّىٰ يَأۡذَنَ لِيٓ أَبِيٓ أَوۡ
يَحۡكُمَ ٱللَّهُ لِيۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلۡحَٰكِمِينَ ﴿٨٠﴾ ٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰٓ
أَبِيكُمۡ فَقُولُواْ يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبۡنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدۡنَآ
إِلَّا بِمَا عَلِمۡنَا وَمَا كُنَّا لِلۡغَيۡبِ حَٰفِظِينَ ﴿٨١﴾ وَسۡـَٔلِ
ٱلۡقَرۡيَةَ ٱلَّتِي كُنَّا فِيهَا وَٱلۡعِيرَ ٱلَّتِيٓ أَقۡبَلۡنَا فِيهَاۖ
وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلۡ سَوَّلَتۡ لَكُمۡ أَنفُسُكُمۡ
أَمۡرٗاۖ فَصَبۡرٞ جَمِيلٌۖ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأۡتِيَنِي بِهِمۡ جَمِيعًاۚ
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّىٰ عَنۡهُمۡ وَقَالَ
يَٰٓأَسَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَٱبۡيَضَّتۡ عَيۡنَاهُ مِنَ ٱلۡحُزۡنِ فَهُوَ
كَظِيمٞ ﴿٨٤﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ تَفۡتَؤُاْ تَذۡكُرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ
تَكُونَ حَرَضًا أَوۡ تَكُونَ مِنَ ٱلۡهَٰلِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ
إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا
لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٨٦﴾

گفت: می‌پناهم از خدا از آنکه بگیریم مگر کسی راکه یافته‌ایم رخت خویش را نزدیک او، هرآیینه ما آنگاه ستمکار باشیم. ﴿۷۹﴾ پس چون نااميد شدند از وی، تنها رفتند به خلوت، مشورت کنان. گفت بزرگترین ایشان: آیا ندانسته‌اید که پدر شما گرفته است بر شما عهدِ خدا و پیش از این تقصیر کرده بودید در حق یوسف؟ پس جدا نخواهم شد از این سرزمین تا وقتی که اذن دهد مرا پدر من، یا حکم کند خدا مرا و او بهترین حکم کنندگان است. ﴿۸۰﴾ [ای برادران] باز روید به سوی پدر خویش، پس بگویید: ای پدر ما! هرآیینه پسر تو دزدی کرد و گواهی ندادیم الاّ به آنچه می‌دانستیم[1] و نبودیم علم غیب را یاد دارنده. ﴿۸۱﴾ و بپرس از دیهی که بودیم در آن و از کاروانی که آمده‌ایم در آن و البته ما راست گوییم. ﴿۸۲﴾ گفت یعقوب: بلکه آراسته کرده است برای شما نفوس شما کاری را، پس حال من صبر نیک است. امید آن است که خدا بیارد پیش من ایشان را همه یکجا، هرآیینه او دانای با حکمت است. ﴿۸۳﴾ و روی بگردانید از ایشان و گفت: وای اندوه من! بر یوسف! و سفید شدند دو چشم او به سبب اندوه، پس او پر شده بود از غم. ﴿۸۴﴾ گفتند: قسم به خدا! همیشه هستی که یاد می‌کنی یوسف را تا آنکه شوی بیمار یا شوی از هلاک شدگان. ﴿۸۵﴾ گفت: جز این نیست که بیان می‌کنم غم سخت خود را و اندوه خود را به جناب خدا و می‌دانم از جانب خدا آنچه نمی‌دانید. ﴿۸۶﴾

۱- یعنی گفتند: ﴿جَزَٰٓؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ﴾ والله اعلم.

يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا
تَاْيۡـَٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ
ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيۡهِ قَالُواْ
يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهۡلَنَا ٱلضُّرُّ وَجِئۡنَا بِبِضَٰعَةٖ
مُّزۡجَىٰةٖ فَأَوۡفِ لَنَا ٱلۡكَيۡلَ وَتَصَدَّقۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّ ٱللَّهَ
يَجۡزِي ٱلۡمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم
بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ
لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَا۠ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ
عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن
كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ
يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٩٢﴾ ٱذۡهَبُواْ
بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ أَبِي يَأۡتِ بَصِيرٗا
وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ قَالَ
أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ أَن تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾
قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

ای پسران من! بروید پس تفحّص کنید از یوسف و برادر او و ناامید نباشید از رحمت خدا، هرآیینه سخن این است که نومید نمی‌شوند از رحمت خدا مگر گروه کافران. ﴿۸۷﴾ پس چون داخل شدند بر یوسف، گفتند: ای عزیز! رسیده است به ما و به کسان ما. سختی و آورده‌ایم سرمایه‌ای نامقبول (یعنی اندک یا ناسره) پس تمام ده ما را پیمانه و صدقه دِه بر ما، هرآیینه خدا جزا می‌دهد صدقه دهندگان را. ﴿۸۸﴾ گفت: آیا دانستید [قبح] آنچه کردید به یوسف و برادرش وقتی که شما نادان بودید؟. ﴿۸۹﴾ گفتند: آیا به تحقیق تو یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است. هرآیینه انعام کرد خدا بر ما، هرآیینه سخن این است که هر که پرهیزگاری کند و صبر نماید، پس خدا ضایع نمی‌سازد مزد نیکوکاران را. ﴿۹۰﴾ گفتند: قسم به خدا! هرآیینه فضل داده است تو را خدا بر ما و هرآیینه ما خطا کننده بودیم. ﴿۹۱﴾ گفت: هیچ سرزنش نیست بر شما امروز. بیامرزد خدا شما را و او مهربانترین مهربانان است. ﴿۹۲﴾ ببرید این پیراهن مرا، پس بیفکنیدش بر روی پدرمان تا شود بینا و بیارید پیش من اهل خویش را همه یکجا. ﴿۹۳﴾ و چون جدا شد کاروان (یعنی از شهر) گفت پدر ایشان: هرآیینه من می‌یابم بوی یوسف را، اگر به نقصان عقل نسبت نکنید مرا! . ﴿۹۴﴾ گفتند: قسم به خدا! هرآیینه تو در خطای قدیم خودی. ﴿۹۵﴾

فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلۡبَشِيرُ أَلۡقَىٰهُ عَلَىٰ وَجۡهِهِۦ فَٱرۡتَدَّ
بَصِيرٗاۖ قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ إِنِّيٓ أَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا
تَعۡلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا ٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَآ إِنَّا
كُنَّا خَٰطِـِٔينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوۡفَ أَسۡتَغۡفِرُ لَكُمۡ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ
هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ
ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَبَوَيۡهِ وَقَالَ ٱدۡخُلُواْ مِصۡرَ إِن شَآءَ ٱللَّهُ
ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيۡهِ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ وَخَرُّواْ لَهُۥ
سُجَّدٗاۖ وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأۡوِيلُ رُءۡيَٰيَ مِن قَبۡلُ قَدۡ
جَعَلَهَا رَبِّي حَقّٗاۖ وَقَدۡ أَحۡسَنَ بِيٓ إِذۡ أَخۡرَجَنِي مِنَ
ٱلسِّجۡنِ وَجَآءَ بِكُم مِّنَ ٱلۡبَدۡوِ مِنۢ بَعۡدِ أَن نَّزَغَ
ٱلشَّيۡطَٰنُ بَيۡنِي وَبَيۡنَ إِخۡوَتِيٓۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٞ لِّمَا يَشَآءُۚ
إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ ۞رَبِّ قَدۡ ءَاتَيۡتَنِي مِنَ
ٱلۡمُلۡكِ وَعَلَّمۡتَنِي مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِۚ فَاطِرَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۖ
تَوَفَّنِي مُسۡلِمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَٰلِكَ مِنۡ
أَنۢبَآءِ ٱلۡغَيۡبِ نُوحِيهِ إِلَيۡكَۖ وَمَا كُنتَ لَدَيۡهِمۡ إِذۡ
أَجۡمَعُوٓاْ أَمۡرَهُمۡ وَهُمۡ يَمۡكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَآ أَكۡثَرُ ٱلنَّاسِ
وَلَوۡ حَرَصۡتَ بِمُؤۡمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

پس چون بیامد پیش وی مژده دهنده، انداخت قمیص را بر روی وی، پس بینا گشت. گفت: آیا نگفته بودم به شما که هرآیینه من می‌دانم از جانب خدا آنچه نمی‌دانید؟!. ﴿۹۶﴾ گفتند: ای پدر ما! آمرزش طلب کن برای ما در حق گناهان ما. هرآیینه ما گناهکار بودیم. ﴿۹۷﴾ گفت: طلب آمرزش خواهم کرد برای شما از پروردگار خود، هرآیینه او آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۸﴾ پس چون درآمدند بر یوسف [یعنی در خیمه‌اش و او برای استقبال برآمده بود] جای داد به سوی خود، پدر و مادر خود را و گفت: درآیید به مصر، ایمن شده اگر خدا خواسته است. ﴿۹۹﴾ و برداشت پدر و مادر خود را بر تخت خود و ایشان افتادند به سوی او سجده کنان و گفت: ای پدر من! این است تعبیر خواب من که پیش از این دیده بودم، هرآیینه راست ساخت آن را خدای تعالی و نعمت فراوان داد به من، چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از صحرا، بعد از آنکه خلاف افکند شیطان میان من و میان برادران من. هرآیینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است چیزی راکه می‌خواهد، هرآیینه اوست دانای با حکمت. ﴿۱۰۰﴾ ای پروردگار من! دادی مرا پادشاهی و آموختی مرا تأویل احادیث. ای پیدا کنندهٔ آسمان‌ها و زمین، تویی کارساز من در دنیا و آخرت، مسلمان بمیران مرا و لاحق کن مرا با صالحان. ﴿۱۰۱﴾ [یا محمد] این قصّه از اخبار غیب است. وحی می‌کنیم آن را به سوی تو و تو نبودی نزدیک ایشان چون عزم کردند بر مشورت خود، بدسگالی کنان. ﴿۱۰۲﴾ و مسلمان نیستند اکثر مردمان و اگرچه حرص کنی. ﴿۱۰۳﴾

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ
يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ
أَكْثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوٓاْ أَن
تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ ٱللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ
بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَٰذِهِۦ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓاْ
إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِىۖ وَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ
وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا
رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓۗ أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِى
ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْۗ
وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾
حَتَّىٰٓ إِذَا ٱسْتَيْـَٔسَ ٱلرُّسُلُ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ
جَآءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَن نَّشَآءُۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ
ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ
لِّأُوْلِى ٱلْأَلْبَٰبِۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن
تَصْدِيقَ ٱلَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَىْءٍ وَهُدًى
وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

و سؤال نمی‌کنی از ایشان بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی. نیست این مگر پند، عالم‌ها را. ﴿۱۰۴﴾ و بسا نشانه‌هااند در آسمان‌ها و زمین، می‌گذرند بر آن و اعراض کنان از تأمّل در آن. ﴿۱۰۵﴾ و ایمان نمی‌آرند اکثر ایشان به خدا مگر شریک او مقرر کرده. ﴿۱۰۶﴾ آیا ایمن شده‌اند از آنکه بیاید به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یا بیاید به ایشان قیامت ناگهان و ایشان آگاه نباشند؟. ﴿۱۰۷﴾ بگو: این راه من است، می‌خوانم به سوی خدا با حجتی ظاهر، من و پیروان من نیز می‌خوانند، و پاکی خدا راست و نیستم من از شریک مقرر کنندگان. ﴿۱۰۸﴾ و نفرستاده‌ایم پیش از تو مگر مردانی را که وحی می‌فرستادیم به ایشان از اهل دیه‌ها. آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بینند چگونه شد آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند؟ و هرآیینه سرای آخرت بهتر است متقیان را، آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۱۰۹﴾ مهلت دادیم تا وقتی که ناامید شدند پیغامبران و گمان کردند قوم ایشان که به دروغ وعده کرده شده به ایشان. آمد به ایشان نصرت ما، پس خلاص کرده شد هر که را خواستیم و دور کرده نمی‌شود عذاب ما از گروه ستمکاران. ﴿۱۱۰﴾ به دروغ بر بافته شود و لیکن هست باور دارندهٔ آنچه پیش از آن است و بیان کنندهٔ هر چیز و هدایت و بخشایش، گروه مسلمانان را. ﴿۱۱۱﴾

سُورَةُ الرَّعۡدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِۗ وَٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن
رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ١
ٱللَّهُ ٱلَّذِي رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ ثُمَّ
ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ
يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ يُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ
لَعَلَّكُم بِلِقَآءِ رَبِّكُمۡ تُوقِنُونَ ٢ وَهُوَ ٱلَّذِي مَدَّ
ٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۡهَٰرٗاۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ
جَعَلَ فِيهَا زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٣ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ قِطَعٞ
مُّتَجَٰوِرَٰتٞ وَجَنَّٰتٞ مِّنۡ أَعۡنَٰبٖ وَزَرۡعٞ وَنَخِيلٞ
صِنۡوَانٞ وَغَيۡرُ صِنۡوَانٖ يُسۡقَىٰ بِمَآءٖ وَٰحِدٖ وَنُفَضِّلُ
بَعۡضَهَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فِي ٱلۡأُكُلِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ
لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٤ ۞وَإِن تَعۡجَبۡ فَعَجَبٞ قَوۡلُهُمۡ أَءِذَا
كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَاقِهِمۡۖ
وَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٥

سوره رعد

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

المر، اینها آیات قرآنند و آنچه فرستاده شده به سوی تو از پروردگار تو، راست است و لیکن اکثر مردمان ایمان نمی‌آرند. ﴿۱﴾ خدا آن است که برداشت آسمان‌ها را به غیر ستون‌هاکه بینید آن را، بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب و ماه را، هر یکی سیر می‌کند به میعادی معین، تدبیرِ کار می‌نماید، بیان می‌کند نشانه‌ها را تا شما به ملاقات پروردگار خود یقین آرید. ﴿۲﴾ و او آن است که گسترد زمین را و آفرین در آنجا کوه‌ها و نهرها و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قِسم [ترش و شیرین، نفیس و خسیس] می‌پوشاند شب را به روز، هرآیینه در این نشانه‌ها است قومی راکه تفکّر می‌کنند. ﴿۳﴾ و در زمین قطع‌ها مختلف است پیوسته با یکدیگر و بوستان‌ها است از درختان انگور و کشتزار است و خرماها، بعض بسیار شاخ و بعض غیر آن، آب داده می‌شود از یک آب و فضل می‌دهیم بعض را بر بعض در طعم میوه‌ها، هرآیینه در این نشانه‌ها است قومی راکه می‌فهمند. ﴿۴﴾ و اگر تعجب کنی، پس عجب است سخن ایشان که: آیا وقتی که خاک شویم، آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ ایشانند آنان‌که نامعتقد شدند به پروردگار خویش و ایشانند به این صفت که طوق در گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش، ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۵﴾

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِ وَقَدۡ خَلَتۡ
مِن قَبۡلِهِمُ ٱلۡمَثُلَٰتُۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ لِّلنَّاسِ
عَلَىٰ ظُلۡمِهِمۡۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦٓۗ إِنَّمَآ
أَنتَ مُنذِرٞۖ وَلِكُلِّ قَوۡمٍ هَادٍ ﴿٧﴾ ٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَحۡمِلُ
كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ وَمَا تَزۡدَادُۚ وَكُلُّ شَيۡءٍ
عِندَهُۥ بِمِقۡدَارٍ ﴿٨﴾ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡكَبِيرُ
ٱلۡمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَآءٞ مِّنكُم مَّنۡ أَسَرَّ ٱلۡقَوۡلَ وَمَن جَهَرَ
بِهِۦ وَمَنۡ هُوَ مُسۡتَخۡفِۭ بِٱلَّيۡلِ وَسَارِبُۢ بِٱلنَّهَارِ ﴿١٠﴾
لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ يَحۡفَظُونَهُۥ
مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ
مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥۚ
وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمُ
ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ﴿١٢﴾
وَيُسَبِّحُ ٱلرَّعۡدُ بِحَمۡدِهِۦ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مِنۡ خِيفَتِهِۦ
وَيُرۡسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ وَهُمۡ
يُجَٰدِلُونَ فِي ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ ٱلۡمِحَالِ ﴿١٣﴾

و به شتاب می‌طلبند از تو عقوبت پیش از راحت و هرآیینه گذشته است پیش از ایشان عقوبت‌ها و هرآیینه پروردگار تو خداوند آمرزش است مردمان را با وجود ستمکار بودن ایشان. و هرآیینه پروردگار تو سخت عقوبت است. ﴿۶﴾ و می‌گویند کافران: چرا فرستاده نشد بر این پیغامبر نشانه از پروردگار او؟ [یا محمد] جز این نیست که تو بیم کننده‌ای، و هر قومی را راه نماینده‌ای می‌باشد. ﴿۷﴾ خدا می‌داند آنچه در شکم بر می‌دارد هر زنی و آنچه ناقص می‌کنند رحِم‌ها و آنچه زیاده می‌گردانند و هر چیزی نزدیک او به اندازه هست. ﴿۸﴾ داناست به پنهان و آشکارا، بزرگ است، بلندمرتبه است. ﴿۹﴾ یکسان است از شما کسی که بپوشد سخن را و کسی که به آواز بلند گوید: آن را و کسی که وی پنهان است در شب و کسی که او راه می‌رود به روز. ﴿۱۰﴾ برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر آینده، میان دو دست او و پسِ پشت او، نگاه می‌دارند او را به حکم خدا، هرآیینه خدا بدل نمی‌کند حالتی راکه به قومی باشد تا وقتی که ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر ایشان است و چون اراده کند خدا به قومی عقوبت، پس بازگردانیدن نیست آن را و نیست ایشان را بجز وی هیچ کار سازنده. ﴿۱۱﴾ اوست آن که می‌نماید شما را برق برای [پیدا کردن] ترس و امید، و برمی‌دارد ابرهای گران را. ﴿۱۲﴾ و به پاکی یاد می‌کند رعد با ستایش او و فرشتگان از ترس او و می‌فرستد صاعقه‌ها، پس می‌رساند آن را به هر که خواهد و کافران مکابره می‌کنند در باب خدا و او بسیار قوت است. ﴿۱۳﴾

لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّۚ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسۡتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيۡءٍ إِلَّا كَبَٰسِطِ كَفَّيۡهِ إِلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦۚ وَمَا دُعَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ﴿١٤﴾ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ طَوۡعٗا وَكَرۡهٗا وَظِلَٰلُهُم بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ۩ ﴿١٥﴾ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ ﴿١٦﴾ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَسَالَتۡ أَوۡدِيَةُۢ بِقَدَرِهَا فَٱحۡتَمَلَ ٱلسَّيۡلُ زَبَدٗا رَّابِيٗاۖ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيۡهِ فِي ٱلنَّارِ ٱبۡتِغَآءَ حِلۡيَةٍ أَوۡ مَتَٰعٖ زَبَدٞ مِّثۡلُهُۥۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ وَٱلۡبَٰطِلَۚ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذۡهَبُ جُفَآءٗۖ وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمۡكُثُ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَالَ ﴿١٧﴾ لِلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِرَبِّهِمُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُۥ لَوۡ أَنَّ لَهُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡحِسَابِ وَمَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿١٨﴾

مر او راست دعای حق[1] و آنان‌که کافران ایشان را می‌خوانند بجز خدا، قبول نمی‌کنند دعای ایشان را به هیچ وجه، مگر مانند کسی که بگشاید دو دست خود را به سوی آب تا برسد بدهنش و آن آب هرگز رسنده نیست به دهان او و نیست دعای کافران مگر در بی‌فایدگی. ﴿۱۴﴾ و خدا را سجده می‌کنند هر که در آسمان‌ها و زمین است خواهان و ناخواهان و سجده می‌کنند سایه‌های ایشان به وقت صبح و شام[2]. ﴿۱۵﴾ بگو: کیست پروردگار آسمان‌ها و زمین؟ بگو [از طرف ایشان]: خدا است. بگو: آیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی‌توانند برای خویشتن سودی و نه زیانی؟ بگو: آیا برابر است نابینا و بینا؟ [نی! نی!] آیا برابر است تاریکی‌ها و روشنی؟ آیا مقرر کرده‌اند خدا را شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا؟ پس مشتبه شده است آفرینش بر ایشان. بگو: خدا آفرینندهٔ هر چیز است و اوست یگانه غالب. ﴿۱۶﴾ فروفرستاد از آسمان آب را، پس روان شدند رودها به اندازهٔ خویش، پس برداشت آب روان کفی بر روی آبْ آینده و از آنچه می‌گدازندش در آتش به طلب پیرایه یا به طلب رخت خانه، کفی هست مانند کف آب. همچنین بیان می‌کند خدا مثل حق و باطل، امّا آن کف پس می‌رود ناچیز شده و امّا آنچه سود می‌رساند به مردمان، می‌ماند در زمین. همچنین بیان می‌کند خدا مثل‌ها را[3]. ﴿۱۷﴾ مر آنان راکه قبول کردند سخن پروردگار خویش، حالت نیک است و آنان که قبول نکردند سخن او را اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن همراهِ آن، البته عوض خود دهند آن را. آن جماعت ایشان راست، سختیِ حساب و جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی او را سزد که به جناب او نیاز کنند و مدّعا طلبند و او اجابت فرماید، والله اعلم.

۲- کافران و منافقان ناخواهان سجده می‌کنند نزدیک شدت یا ترس شمشیر فرشتگان و مسلمانان، خواهان، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: لابُد است که در هر جنس، خیر و شر باشد. همچنین لابُد است که در آدمیان، نیکوکاران و بدکاران باشند، لیکن نیکوکاران را مستقر می‌سازد و کار ایشان را پیش می‌برد و بدکاران را هلاک می‌کند، والله اعلم.

۞أَفَمَن يَعۡلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ ٱلۡحَقُّ كَمَنۡ
هُوَ أَعۡمَىٰٓۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٩﴾ ٱلَّذِينَ
يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ
يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ
وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبۡتِغَآءَ
وَجۡهِ رَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا
وَعَلَانِيَةٗ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ
عُقۡبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ
مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
يَدۡخُلُونَ عَلَيۡهِم مِّن كُلِّ بَابٖ ﴿٢٣﴾ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُم بِمَا
صَبَرۡتُمۡۚ فَنِعۡمَ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾ وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ
ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن
يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ
وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٢٥﴾ ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقۡدِرُۚ وَفَرِحُواْ بِٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا فِي
ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا مَتَٰعٞ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ
عَلَيۡهِ ءَايَةٞ مِّن رَّبِّهِۦۗ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ
وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَنۡ أَنَابَ ﴿٢٧﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ
قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

آیا کسی که می‌داند که آنچه فروفرستاده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است، مانند کسی باشد که وی نابینا است؟! جز این نیست که پندپذیر می‌شوند خداوندانِ خرد. ﴿۱۹﴾ آنان‌که وفا می‌کنند به عهد خدا و نمی‌شکنند عهد را. ﴿۲۰﴾ و آنان‌که می‌پیوندند آنچه فرموده است خدا پیوند کردن آن و می‌ترسند از پروردگار خویش و می‌ترسند از سختی حساب. ﴿۲۱﴾ و آنان‌که شکیبایی کردند به طلب رضای پروردگار خویش[1] و برپا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی دادیم به ایشان، پنهان و آشکارا و دفع می‌کنند به نیکویی بدی را، این جماعت راست جزای آن سرای ﴿۲۲﴾ بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا ایشان و هر که نیکوکار باشند از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان و فرشتگان، داخل شوند بر ایشان از هر دروازه. ﴿۲۳﴾ گویند سلامتی بر شماست به سبب صبر کردن شما، پس نیک است جزای آن سرای. ﴿۲۴﴾ و آنان‌که می‌شکنند عهدِ خدا را بعدِ استوار کردن آن و قطع می‌کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فساد می‌کنند در زمین، آن جماعت ایشان راست لعنت و ایشان راست سختیِ آن سرای. ﴿۲۵﴾ خدا گشاده می‌سازد روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند. و کافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا به نسبت آخرت، مگر متاع اندک. ﴿۲۶﴾ و می‌گویند کافران که: چرا نَفرود آورده شد بر پیغامبر نشانه‌ای از جانب پروردگار[2] او؟ بگو: هرآیینه خدا گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه نماید به سوی خویش هر که را رجوع کرد (یعنی راه می‌نماید به سوی خود) . ﴿۲۷﴾ آنان را که ایمان آوردند و آنان راکه آرام می‌گیرد دل‌های ایشان به یاد خدا. آگاه شو! به یاد خدا آرام می‌گیرد دل‌ها. ﴿۲۸﴾

۱- یعنی به طلب رضای او.

۲- مترجم گوید: یعنی از قسمی که درخواست می‌کردند.

ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ
مَـَٔابٍ ﴿٢٩﴾ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَٰكَ فِىٓ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن
قَبْلِهَآ أُمَمٌ لِّتَتْلُوَاْ عَلَيْهِمُ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ وَهُمْ
يَكْفُرُونَ بِٱلرَّحْمَٰنِ ۚ قُلْ هُوَ رَبِّى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سُيِّرَتْ بِهِ
ٱلْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ ٱلْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ ٱلْمَوْتَىٰ ۗ بَل
لِّلَّهِ ٱلْأَمْرُ جَمِيعًا ۗ أَفَلَمْ يَاْيْـَٔسِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن لَّوْ
يَشَآءُ ٱللَّهُ لَهَدَى ٱلنَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَا يَزَالُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا
مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِىَ وَعْدُ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ
ٱلْمِيعَادَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ ٱسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ
فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ
عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ
وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ قُلْ سَمُّوهُمْ ۚ أَمْ تُنَبِّـُٔونَهُۥ بِمَا لَا
يَعْلَمُ فِى ٱلْأَرْضِ أَم بِظَٰهِرٍ مِّنَ ٱلْقَوْلِ ۗ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ
كَفَرُواْ مَكْرُهُمْ وَصُدُّواْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ
ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ لَّهُمْ عَذَابٌ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ
وَلَعَذَابُ ٱلْـَٔاخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٍ ﴿٣٤﴾

آنان‌که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، حالت خوش باشد ایشان را و خوبی جایگاه باشد. ﴿۲۹﴾ همچنین فرستادیم تو را در امتی که گذشتند پیش از وی امت‌های بسیار تا بخوانی بر ایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و ایشان کافرند به خدا. بگو: او پروردگار من است، نیست هیچ معبود مگر او. بر وی توکل کردم و به سوی اوست رجوع من. ﴿۳۰﴾ و اگر بودی قرآنی که روان کرده می‌شد به سبب آن کوه‌ها یا شکافته می‌شد به سبب آن زمین یا سخن آورده می‌شد به سبب آن مردگان را، [نیز ایمان نمی‌آوردند] بلکه خدای راست، کار همه یکجا. آیا ندانسته‌اند مسلمانان که اگر خواستی خدای، راه نمودی مردمان را همه یکجا؟ و همیشه کافران به این صفت باشند که می‌رسد به ایشان به سبب آنچه کردند عقوبتی سخت یا فرود می‌آید آن عقوبت نزدیک به خانهٔ ایشان[۱]. تا وقتی که بیاید وعدهٔ خدا، هرآیینه خدا خلاف نمی‌کند وعده را. ﴿۳۱﴾ و هرآیینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش از تو. پس مهلت دادم کافران را باز گرفتار کردم ایشان را، پس چگونه بود عقوبت من. ﴿۳۲﴾ آیا کسی که خبر گیرنده است بر هر کس به جزای آنچه عمل کرده است [مثل این بتان باشد؟] و مقرر کردند کافران خدای را شریکان. بگو: بیان کنید نام‌های ایشان را[۲]. آیا خبر می‌دهید خدا را به آنچه نمی‌داند در زمین یا فریفته می‌شوید به سخن سرسری؟![۳] بلکه آراسته کرده شده است کافران را اندیشهٔ فاسد ایشان و بازداشته شده‌اند از راه و هر که گمراه کندش خدا، نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۳﴾ ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا و هرآیینه عذاب آخرت سخت‌تر است و نیست ایشان را از خدا هیچ نگاهدارنده. ﴿۳۴﴾

۱- مترجم گوید: و آن کنایت است از شدتی که از وی خوفِ هلاک برایشان مستولی شود به آخرت نجات یابند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تا به اوصافِ خدا مقابله کرده ش مماثلت ظاهر گردد، والله اعلم.

۳- یعنی تقلید پدران می‌کنید در سخن بی‌اساس، والله اعلم.

۞مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ أُكُلُهَا دَآئِمٞ وَظِلُّهَاۚ تِلۡكَ عُقۡبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْۚ
وَّعُقۡبَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٱلنَّارُ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ
ٱلۡكِتَٰبَ يَفۡرَحُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَۖ وَمِنَ ٱلۡأَحۡزَابِ مَن
يُنكِرُ بَعۡضَهُۥۚ قُلۡ إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَلَآ
أُشۡرِكَ بِهِۦٓۚ إِلَيۡهِ أَدۡعُواْ وَإِلَيۡهِ مَـَٔابِ ﴿٣٦﴾ وَكَذَٰلِكَ
أَنزَلۡنَٰهُ حُكۡمًا عَرَبِيّٗاۚ وَلَئِنِ ٱتَّبَعۡتَ أَهۡوَآءَهُم بَعۡدَ مَا
جَآءَكَ مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا وَاقٖ
﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ
أَزۡوَٰجٗا وَذُرِّيَّةٗۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ
ٱللَّهِۗ لِكُلِّ أَجَلٖ كِتَابٞ ﴿٣٨﴾ يَمۡحُواْ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ
وَيُثۡبِتُۖ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ ﴿٣٩﴾ وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ
بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ
وَعَلَيۡنَا ٱلۡحِسَابُ ﴿٤٠﴾ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ
نَنقُصُهَا مِنۡ أَطۡرَافِهَاۚ وَٱللَّهُ يَحۡكُمُ لَا مُعَقِّبَ
لِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿٤١﴾ وَقَدۡ مَكَرَ ٱلَّذِينَ
مِن قَبۡلِهِمۡ فَلِلَّهِ ٱلۡمَكۡرُ جَمِيعٗاۖ يَعۡلَمُ مَا تَكۡسِبُ كُلُّ
نَفۡسٖۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلۡكُفَّٰرُ لِمَنۡ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ﴿٤٢﴾

صفت بهشتی که وعده کرده است متّقیان را این است که: می‌رود زیر آن جوی‌ها، میوه‌های او جاوید است و سایه‌اش هم چنین. این است جزای متّقیان و جزای کافران آتش است. ﴿۳۵﴾ و آنان‌که دادیم ایشان را کتاب، شاد می‌شوند به آنچه فروفستاده شد به سوی تو و از این جماعت‌ها کسی است که انکار می‌کند بعض او را. بگو: جز این نیست که فرموده شده مراکه عبادت کنم خدا را و شریک او مقرر نکنم. به سوی او می‌خوانم و به سوی اوست مرجع من. ﴿۳۶﴾ و همچنین فروفرستادیم قرآن را کتابی عربی و اگر پیروی کنی خواهش‌های نفس ایشان را بعد از آنچه آمده است به تو از علم، نیست تو را از عقوبت خدا هیچ کار سازنده و نه نگاه‌دارنده. ﴿۳۷﴾ و هرآیینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو و دادیم ایشان را زنان و فرزندان و نشاید هیچ پیغامبر راکه بیارد نشانه‌ای مگر به حکم خدا. هر قضای موقت را نامه هست. ﴿۳۸﴾ نابود می‌سازد خدا هرچه می‌خواهد و ثابت کند هرچه خواهد و نزد اوست ام‌الکتاب (یعنی لوح محفوظ)[1]. ﴿۳۹﴾ و اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌کنیم به ایشان یا قبض روح تو کنیم، به هر حال جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن است و بر ما است حساب. ﴿۴۰﴾ آیا نمی‌بینند که ما قصد می‌کنیم به این سرزمین که ناقص می‌سازیم آن را از جوانب آن؟ و خدا حکم می‌کند. نیست هیچ رد کننده‌ای حکم او را و او زود حساب کننده است[2]. ﴿۴۱﴾ و هرآیینه بدسگالیدند آنان‌که پیش از ایشان بودند. پس خدای راست تدبیر، همه یکجا. می‌داند آنچه به عمل می‌آرد هر نفسی و خواهند دانست این کافران که کِه را باشد جزای آن سرای. ﴿۴۲﴾

۱- مترجم گوید: صورت حادثه در عالم ملکوت خلق می‌فرماید. بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می‌کند خدای تعالی آنچه می‌خواهد و ثابت می‌گذارد آنچه را خواهد، نزد اوست لوح محفوظ، والله اعلم.

۲- یعنی روزبه‌زور شوکت اسلام به زمین عرب منتشر می‌شود و دارالحرب ناقص می‌گردد از اطراف آن، عامۀمفسرین این آیت را مدنیّه دانند و نزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دار الحرب، اسلامِ ابن سَلام و غفار و جهینه و مزنه وقبائل این است پیش از هجرت.

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَسۡتَ مُرۡسَلٗاۚ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ وَمَنۡ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡكِتَٰبِ ٤٣

و می‌گویند کافران: نیستی پیغامبر. بگو: بس است خدا گواه در میان من و شما و بس است کسی که نزد اوست علم کتاب[1]. ﴿۴۳﴾

سُورَةُ إِبۡرَاهِيمَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ١ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٖ شَدِيدٍ ٢ ٱلَّذِينَ يَسۡتَحِبُّونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ٣ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوۡمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمۡۖ فَيُضِلُّ ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٤ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنۡ أَخۡرِجۡ قَوۡمَكَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ وَذَكِّرۡهُم بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٥

سوره ابراهیم

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

الر، این کتابی است که فروفرستادیم آن را به سوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی‌ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان به سوی راه خدای غالبِ ستوده. ﴿۱﴾ [به سوی راه] خدا که او راست آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و وای کافران را! از عذاب سخت. ﴿۲﴾ آنان‌که اختیار می‌کنند زندگانی دنیا را بر آخرت و باز می‌دارند مردمان را از راه خدا و می‌طلبند در وی کجی[2]، ایشانند در گمراهی دور. ﴿۳﴾ و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر به زبان قوم او تا بیان کند برای ایشان. پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد و اوست غالب با حکمت. ﴿۴﴾ هرآیینه فرستادیم موسی را با نشانه‌های خود، گفتیم که بیرون آر قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و پند ده ایشان را به روزهای خدا[3]، هرآیینه در این نشانه‌هاست هر شکیبای شکرگزار را. ﴿۵﴾

۱- یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرتﷺ صحیح است، والله اعلم.

۲- یعنی به شبهات ثابت می‌کنند که کج است.

۳- یعنی به وقائعی که از جانب او بودند.

وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ
أَنجَىٰكُم مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَسُومُونَكُمۡ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ
وَيُذَبِّحُونَ أَبۡنَآءَكُمۡ وَيَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡۚ وَفِي
ذَٰلِكُم بَلَآءٞ مِّن رَّبِّكُمۡ عَظِيمٞ ﴿٦﴾ وَإِذۡ تَأَذَّنَ
رَبُّكُمۡ لَئِن شَكَرۡتُمۡ لَأَزِيدَنَّكُمۡۖ وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ
عَذَابِي لَشَدِيدٞ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكۡفُرُوٓاْ أَنتُمۡ
وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمۡ
يَأۡتِكُمۡ نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ
وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ لَا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا ٱللَّهُۚ
جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ
وَقَالُوٓاْ إِنَّا كَفَرۡنَا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ وَإِنَّا لَفِي شَكّٖ مِّمَّا
تَدۡعُونَنَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ﴿٩﴾ ۞قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ أَفِي ٱللَّهِ
شَكّٞ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَدۡعُوكُمۡ لِيَغۡفِرَ لَكُم
مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ قَالُوٓاْ إِنۡ
أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ
يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتُونَا بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ﴿١٠﴾

و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را: یاد کنید نعمت خدا را بر خویش، چون خلاص کرد شما را از کسان فرعون، می‌رسانیدند به شما سختی عذاب و می‌کشتند پسرانِ شما را و زنده می‌گذاشتند دختران شما را و در این حال آزمایش بزرگ بود از پروردگار شما. ﴿۶﴾ و آن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که اگر شکر کنید، زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید، هرآیینه عذاب من سخت است. ﴿۷﴾ و گفت موسی: اگر کافر شوید شما و هر که در زمین همه یکجا، پس هرآیینه خدا توانگر ستوده شده است. ﴿۸﴾ آیا نیامده است به شما خبر آنان‌که پیش از شما بودند، قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از ایشان آمدند؟ نمی‌داند ایشان را[۱] مگر خدا. آمدند به ایشان پیغامبران ایشان با معجزه‌ها. پس باز آوردند دست خود را در دهان خود[۲] و گفتند: هرآیینه ما منکریم به آنچه فرستاده شدید همراه آن و هرآیینه ما در شبهه قوی‌ایم از آنچه می‌خوانید ما را به آن. ﴿۹﴾ گفتند پیغامبران ایشان: آیا در خدا شبهۀ است، آفرینندۀ آسمان‌ها و زمین؟! می‌خواند شما را تا بیامرزد برای شما گناهانِ شما و موقوف دارد شما را تا مدّتی معین. گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما، می‌خواهید که بازدارید ما را از آنچه عبادت می‌کردند پدران ما، پس بیارید پیش ما حجّتی ظاهر. ﴿۱۰﴾

۱- یعنی عدد و صفات ایشان را.

۲- یعنی از نهایت تعجب و انکار، انگشت به دندان گزیدند، والله اعلم.

قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ إِن نَّحۡنُ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ وَلَٰكِنَّ
ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن
نَّأۡتِيَكُم بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ
ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١١﴾ وَمَا لَنَآ أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى ٱللَّهِ وَقَدۡ هَدَىٰنَا
سُبُلَنَاۚ وَلَنَصۡبِرَنَّ عَلَىٰ مَآ ءَاذَيۡتُمُونَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ
فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمۡ
لَنُخۡرِجَنَّكُم مِّنۡ أَرۡضِنَآ أَوۡ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَاۖ فَأَوۡحَىٰٓ
إِلَيۡهِمۡ رَبُّهُمۡ لَنُهۡلِكَنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسۡكِنَنَّكُمُ
ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ
وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَٱسۡتَفۡتَحُواْ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ ﴿١٥﴾ مِّن
وَرَآئِهِۦ جَهَنَّمُ وَيُسۡقَىٰ مِن مَّآءٖ صَدِيدٖ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُۥ
وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُۥ وَيَأۡتِيهِ ٱلۡمَوۡتُ مِن كُلِّ مَكَانٖ وَمَا
هُوَ بِمَيِّتٖۖ وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٞ ﴿١٧﴾ مَّثَلُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَرَمَادٍ ٱشۡتَدَّتۡ بِهِ ٱلرِّيحُ فِي
يَوۡمٍ عَاصِفٖۖ لَّا يَقۡدِرُونَ مِمَّا كَسَبُواْ عَلَىٰ شَيۡءٖۚ
ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلۡبَعِيدُ ﴿١٨﴾

گفتند به ایشان پیغامبران ایشان: نیستیم مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا نعمت فراوان می‌دهد به هر که خواهد از بندگان خود و نیست ممکن ما را که بیاریم به شما حجتی مگر به حکم خدا و بر خدا باید که توکّل کنند مسلمانان.
﴿۱۱﴾ و چیست ما را که توکّل نکنیم بر خدا و هرآیینه نموده است ما را راه‌های ما؟ و البته صبر خواهیم کرد بر ایذای شما و بر خدا باید که توکّل کنند توکّل کنندگان.
﴿۱۲﴾ و گفتند کافران، پیغامبران خویش را: البته اخراج کنیم شما را از زمین خود یا بازآیید در دین ما. پس وحی فرستاد به سوی ایشان پروردگار ایشان که: هلاک خواهیم کرد ستمکاران را. ﴿۱۳﴾ و ساکن خواهیم ساخت شما را در زمین بعد از ایشان. این وعده برای کسی است که بترسد از ایستادن به حضور من و بترسد از بیم من. ﴿۱۴﴾
و طلب فتح کردند [پیغامبران] و زیانکار شد هر گردن‌کش ستیزنده. ﴿۱۵﴾ پیش وی دوزخ است و نوشانیده شود آب [جنس] زرد آب. ﴿۱۶﴾ جرعه جرعه فروکشد آن را و نزدیک نبود از آنکه به سهولت درکشد آن را و بیایدش موت[۱] از هر جایی و او مرده نبود و پیش وی است عذابی سخت. ﴿۱۷﴾ صفت آنان‌که نامعتقد شدند به پروردگار خویش این است، اعمال ایشان مانند خاکستری بود که سخت وزید بر آن باد در روزی که باد تند دارد. قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند. این است گمراهی دور[۲]. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی اسباب موت بیایدش.

۲- یعنی اعمال ایشان همه بر باد شوند و بدان منتفع نگردند، والله اعلم.

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِن
يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ﴿١٩﴾ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى
ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ﴿٢٠﴾ وَبَرَزُواْ لِلَّهِ جَمِيعٗا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ
لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم
مُّغۡنُونَ عَنَّا مِنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۚ قَالُواْ لَوۡ هَدَىٰنَا
ٱللَّهُ لَهَدَيۡنَٰكُمۡۖ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ أَجَزِعۡنَآ أَمۡ صَبَرۡنَا مَا
لَنَا مِن مَّحِيصٖ ﴿٢١﴾ وَقَالَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لَمَّا قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ إِنَّ
ٱللَّهَ وَعَدَكُمۡ وَعۡدَ ٱلۡحَقِّ وَوَعَدتُّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُكُمۡۖ
وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّآ أَن دَعَوۡتُكُمۡ
فَٱسۡتَجَبۡتُمۡ لِيۖ فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓاْ أَنفُسَكُمۖ مَّآ أَنَا۠
بِمُصۡرِخِكُمۡ وَمَآ أَنتُم بِمُصۡرِخِيَّ إِنِّي كَفَرۡتُ بِمَآ
أَشۡرَكۡتُمُونِ مِن قَبۡلُۗ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ
﴿٢٢﴾ وَأُدۡخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡۖ
تَحِيَّتُهُمۡ فِيهَا سَلَٰمٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا
كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ كَشَجَرَةٖ طَيِّبَةٍ أَصۡلُهَا ثَابِتٞ وَفَرۡعُهَا فِي
ٱلسَّمَآءِ ﴿٢٤﴾

آیا ندیدی که خدا آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر محکم. اگر خواهد، دور کند شما را و بیارد آفرینش نو. ﴿۱۹﴾ و نیست این بر خدا دشوار. ﴿۲۰﴾ و حاضر شوند پیش خدا همه یکجا، پس گویند ضعیفان گردنکشان، را: (یعنی تابعان، پیشروان را:) هرآیینه ما بودیم تابع شما، پس آیا شما دفع کننده هستید از ما پاره‌ای از عذاب خدا؟ گویند: اگر راه نمودی ما را خدا، راهنمایی می‌کردیم شما را. برابر است بر ماکه اضطراب کنیم یا شکیبایی ورزیم، نیست ما را هیچ مَخْلَصی. ﴿۲۱﴾ و گفت شیطان وقتی که فیصله کرده شد کار:[۱] هرآیینه خدا وعده داد شما را وعدهٔ راست و وعده دادم شما را، پس خلاف وعده کردم من با شما و نبود مرا بر شما هیچ تسلّط، لیکن بود آنکه بخواندم شما را. پس قبول کردید سخن مرا، پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید خویش را. نیستم فریادرس شما و شما نیستید فریادرس من. هرآیینه من بیزار شدم از آنکه مرا شریک مقرر کردید پیش از این. هرآیینه ستمکاران، ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۲﴾ و درآورده شدند آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند به بهشت‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان در آنجا به حکم پروردگار خویش. دعای خیر ایشان با یکدیگر آنجا سلام است. ﴿۲۳﴾ آیا ندیدی چگونه پدید کرد خدا داستانی را: ساخت سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که بیخش استوار باشد و شاخش در آسمان. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت درآیند و دوزخیان ره دوزخ گیرند، والله اعلم.

تُؤۡتِيٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينِۭ بِإِذۡنِ رَبِّهَاۗ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ
ٱلۡأَمۡثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ
خَبِيثَةٖ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجۡتُثَّتۡ مِن فَوۡقِ ٱلۡأَرۡضِ مَا
لَهَا مِن قَرَارٖ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ
ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ
ٱلظَّٰلِمِينَۚ وَيَفۡعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ﴿٢٧﴾ ۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى
ٱلَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ كُفۡرٗا وَأَحَلُّواْ قَوۡمَهُمۡ دَارَ
ٱلۡبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُواْ
لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِۦۗ قُلۡ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ
مَصِيرَكُمۡ إِلَى ٱلنَّارِ ﴿٣٠﴾ قُل لِّعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
يُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ
مِّن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خِلَٰلٌ ﴿٣١﴾ ٱللَّهُ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ
مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ وَسَخَّرَ
لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ لِتَجۡرِيَ فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦۖ وَسَخَّرَ
لَكُمُ ٱلۡأَنۡهَٰرَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ
دَآئِبَيۡنِۖ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

می‌دهد میوه‌های خود را هر فصلی به حکم پروردگار خویش و پدید می‌آرد خدا مثل‌ها را برای مردمان، تا بود که پندپذیر شوند. ﴿۲۵﴾ و حال سخن ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است که برکنده شده از بالای زمین، نیست او را هیچ استقراری[۱]. ﴿۲۶﴾ استوار می‌سازد خدا مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت و گمراه می‌سازد خدا ستمکاران را و می‌کند خدا آنچه می‌خواهد[۲]. ﴿۲۷﴾ آیا ندیدی به سوی آنان‌که بدل کردند نعمت خدا را به ناسپاسی[۳] و فرود آوردند قوم خود خود را به سرای هلاکی؟. ﴿۲۸﴾ که دوزخ است، درآیند آنجا و آن بدقرارگاهی است. ﴿۲۹﴾ و مقرّر کردند خدا را همتایان تا گمراه کنند عالم را از راه او. بگو: بهره‌مند شوید. هرآیینه بازگشت شما به سوی آتش است. ﴿۳۰﴾ بگو آن بندگان مرا که ایمان آورده‌اند: برپا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه ما روزی دادیم ایشان را، پنهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که خریدوفروخت نیست در آن و نه با یکدیگر دوستی بود. ﴿۳۱﴾ خدا آن است که آفرید آسمان‌ها و زمین را و فروفرستاد از آسمان آب را، پس بیرون آورد به آن آب، روزی برای شما از قسم میوه‌ها و رام ساخت برای شما کشتی را تا برود در دریا به حکم او و رام ساخت برای شما جوی‌ها را. ﴿۳۲﴾ و رام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز را. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی شریعت حق در ملکوت، ثابت است و در دنیا هر روز رواجی تازه می‌یابد و مردمان منتفع می‌شوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد، هرچند در میان مردم شائع شود. درنهایت درهم و برهم کرده‌اید، والله اعلم.

۲- یعنی وقت مرگ، توفیق شهادت می‌دهد و وقت سؤال منکر و نکیر، به قول حق گویا می‌سازد، والله اعلم.

۳- یعنی ناسپاسی کردند. به شومی آن، نعمت مفقود شد، پس گویا نعمت دادند و کفر خریدند، والله اعلم.

وَءَاتَىٰكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلۡتُمُوهُۚ وَإِن تَعُدُّواْ نِعۡمَتَ
ٱللَّهِ لَا تُحۡصُوهَآۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَظَلُومٞ كَفَّارٞ ٣٤ وَإِذۡ
قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي
وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ ٣٥ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضۡلَلۡنَ كَثِيرٗا
مِّنَ ٱلنَّاسِۖ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُۥ مِنِّيۖ وَمَنۡ عَصَانِي
فَإِنَّكَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣٦ رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي
بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ
ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡـِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ
وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ ٣٧ رَبَّنَآ إِنَّكَ
تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِي وَمَا نُعۡلِنُۗ وَمَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن
شَيۡءٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٣٨ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي
وَهَبَ لِي عَلَى ٱلۡكِبَرِ إِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبِّي
لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٩ رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن
ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ
وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١ وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ
غَٰفِلًا عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ
تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٤٢

و داد شما را از هرچه خواستید و اگر بشمارید نعمت خدا
را، احاطه نتوانید کرد آن را. هرآیینه انسان ستمکار ناسپاس
است. ﴿۳۴﴾ و یاد کن چون گفت ابراهیم: ای پروردگار
من! بکُن این شهر را جای امن و دور دار مرا و فرزندان مرا
از آنکه عبادت بتان کنیم. ﴿۳۵﴾ ای پروردگار من! این
بتان گمراه کرده‌اند بسیاری را از مردمان. پس هر که
پیروی من کرد پس هرآیینه از آنِ من است و هر که
نافرمانی کرد مرا، پس هرآیینه تو آمرزندهٔ مهربانی. ﴿۳۶﴾
ای پروردگار ما! هرآیینه من ساکن ساختم بعض اولاد
خود را[1] به وادی بی‌زراعت نزدیک خانهٔ محترم تو، ای
پروردگار ما! تا برپا دارند نماز را، پس بکن دلی چند را از
مردمان، رغبت کننده به سوی ایشان و روزی ده ایشان را
از میوه‌ها تا بُوَد که ایشان سپاسداری کنند. ﴿۳۷﴾ ای
پروردگار ما! هرآیینه تو می‌دانی آنچه پنهان می‌داریم و
آنچه آشکارا می‌کنیم و پوشیده نمی‌شود بر خدا هیچ چیز
در زمین و نه در آسمان. ﴿۳۸﴾ سپاس آن خدا راست که
عطا کرد مرا با وجود کلانسالی، اسمعیل و اسحق هرآیینه
پروردگار من شنوندهٔ دعاست. ﴿۳۹﴾ ای پروردگار من!
بکن مرا برپادارندهٔ نماز و از اولاد من نیز. ای پروردگار ما!
و قبول کن دعای مرا. ﴿۴۰﴾ ی پروردگار ما! بیامرز مرا و
مادر و پدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب.
﴿۴۱﴾ و مپندار خدا را بی‌خبر از آنچه می‌کنند ستمکاران.
جز این نیست که موقوف می‌دارد ایشان را برای روزی که
خیره شوند در آن چشم‌ها. ﴿۴۲﴾

۱- مترجم گوید: یعنی پسران بی‌واسطه، والله اعلم.

مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ
وَأَفۡـِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ﴿٤٣﴾ وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوۡمَ يَأۡتِيهِمُ
ٱلۡعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَآ أَخِّرۡنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ
قَرِيبٖ نُّجِبۡ دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَۗ أَوَلَمۡ تَكُونُوٓاْ
أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ﴿٤٤﴾ وَسَكَنتُمۡ
فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَتَبَيَّنَ لَكُمۡ
كَيۡفَ فَعَلۡنَا بِهِمۡ وَضَرَبۡنَا لَكُمُ ٱلۡأَمۡثَالَ ﴿٤٥﴾ وَقَدۡ
مَكَرُواْ مَكۡرَهُمۡ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكۡرُهُمۡ وَإِن كَانَ مَكۡرُهُمۡ
لِتَزُولَ مِنۡهُ ٱلۡجِبَالُ ﴿٤٦﴾ فَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخۡلِفَ
وَعۡدِهِۦ رُسُلَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٖ ﴿٤٧﴾ يَوۡمَ
تُبَدَّلُ ٱلۡأَرۡضُ غَيۡرَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُۖ وَبَرَزُواْ لِلَّهِ
ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ وَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ مُّقَرَّنِينَ
فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ﴿٤٩﴾ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٖ وَتَغۡشَىٰ
وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ﴿٥٠﴾ لِيَجۡزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡۚ
إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿٥١﴾ هَٰذَا بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ
وَلِيُنذَرُواْ بِهِۦ وَلِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَلِيَذَّكَّرَ
أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٥٢﴾

شتاب کنندگان، سرِ خود بردارندگان، باز نمی‌گردد به سوی ایشان چشم ایشان و دلهای ایشان خالی است. ﴿۴۳﴾ و بترسان مردمان را از روزی که بیاید به ایشان عذاب. پس گویند ظالمان: ای پروردگار ما! موقوف دار ما را تا میعادی نزدیک تا قبول کنیم خواندن تو را و پیروی کنیم رسولان را. [گفته شود به ایشان:] آیا قسم نمی‌خوردید پیش از این، که نباشد شما را هیچ زوال؟!. ﴿۴۴﴾ و ساکن شدید در منازل آنان‌که ستم کردند بر خویش و واضح شد شما راکه چگونه کردیم به ایشان و پدید ساختیم برای شما داستان‌ها. ﴿۴۵﴾ و هرآیینه بدسگالیدند، بدسگالی خویش را و نزدیک خدا است علم بدسگالی ایشان و نیست بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند به سبب آن کوه‌ها[1]. ﴿۴۵﴾ و هرآیینه بدسگالیدند، بدسگالی خویش را و نزدیک خدا است علم بدسگالی ایشان و نیست بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند به سبب آن کوه‌ها. ﴿۴۶﴾ پس مپندار خدا را خلاف کنندهٔ وعدهٔ خود را با رسولان خود. هرآیینه خدا غالب صاحب انتقام است. ﴿۴۷﴾ روزی که بدل کرده شود این زمین به غیر این زمین و بدل کرده شوند آسمان‌ها و ظاهر شوند به حضوری خدای یگانهٔ غالب. ﴿۴۸﴾ و بینی آن روز گناه کاران را دست و پاها به هم بسته در زنجیرها. ﴿۴۹﴾ لباس ایشان از قطران باشد و بپوشد روی ایشان را آتش[2]. ﴿۵۰﴾ جزا دهد خدا هر کسی را به آنچه کرده است. هرآیینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۵۱﴾ این قرآن خبر رسانیدن است مردمان را[3] تا بیم کرده شوند به آن و بدانند که جز این نیست که وی خدای یگانه است و تا پندپذیر شوند خداوندان عقل. ﴿۵۲﴾

۱- یعنی مکر ایشان ضعیف است، والله اعلم.
۲- قطران چیزی سیاهِ بدبودار است که آتش دران زود می‌گیرد، والله اعلم.
۳- یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سُورَةُ الحِجْرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓرۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ وَقُرۡءَانٖ مُّبِينٖ ١ رُّبَمَا يَوَدُّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ كَانُواْ مُسۡلِمِينَ ٢ ذَرۡهُمۡ يَأۡكُلُواْ
وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلۡهِهِمُ ٱلۡأَمَلُۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٣ وَمَآ
أَهۡلَكۡنَا مِن قَرۡيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٞ مَّعۡلُومٞ ٤ مَّا
تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ٥ وَقَالُواْ
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِي نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ إِنَّكَ لَمَجۡنُونٞ ٦ لَّوۡ
مَا تَأۡتِينَا بِٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ٧ مَا
نُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذٗا مُّنظَرِينَ ٨
إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩ وَلَقَدۡ
أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٠ وَمَا يَأۡتِيهِم
مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ١١ كَذَٰلِكَ
نَسۡلُكُهُۥ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ١٢ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ
وَقَدۡ خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٣ وَلَوۡ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِم بَابٗا
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّواْ فِيهِ يَعۡرُجُونَ ١٤ لَقَالُوٓاْ إِنَّمَا
سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا بَلۡ نَحۡنُ قَوۡمٞ مَّسۡحُورُونَ ١٥

سوره حجر

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

الر، این آیت‌های کتاب الهی و قرآنِ روشن است. ﴿۱﴾
بسا بُوَد که دوست دارند کافران، کاش مسلمان بودندی.
﴿۲﴾ بگذار ایشان را تا بخورند و بهره‌مند شوند و مشغول
کند ایشان را امید دراز. پس خواهند دانست. ﴿۳﴾ و
هلاک نکردیم هیچ دیه را مگر که وی را نوشته بود معلوم.
﴿۴﴾ و سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از مدّت خود و باز
پس نمی‌مانند. ﴿۵﴾ و گفتند کافران: ای کسی که
فرودآورده شده است بر وی قرآن، هرآیینه تو دیوانه‌ای! .
﴿۶﴾ چرا نمی‌آری پیش ما فرشتگان را اگر هستی از
راستگویان؟. ﴿۷﴾ فرونمی‌فرستیم فرشتگان را مگر به
تدبیر محکم و نباشند آنگاه مهلت داده شده. ﴿۸﴾ هرآیینه
ما فروفرستادیم قرآن را و هرآیینه ما او را نگهبانیم. ﴿۹﴾ و
هرآیینه پیغامبران را فرستادیم پیش از تو در فرقه‌های
پیشینیان. ﴿۱۰﴾ و نمی‌آید به ایشان هیچ فرستاده‌ای، مگر
بودند به او تمسخرکنان. ﴿۱۱﴾ همچنین درمی‌آریم استهزا
را در دل گناهکاران (یعنی کفار مکه) . ﴿۱۲﴾ ایمان
نیارند به قرآن و هرآیینه گذشت آیین پیشینیان. ﴿۱۳﴾ و
اگر بگشاییم بر ایشان دری از آسمان، پس شوند به این
صفت که در وی بالا می‌روند. ﴿۱۴﴾ البته گویند: جز این
نیست که بند کرده شد چشم‌های ما را، بلکه ما قومی
هستیم جادو زده. ﴿۱۵﴾

وَلَقَدۡ جَعَلۡنَا فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ
﴿١٦﴾ وَحَفِظۡنَٰهَا مِن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنِ
ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ مُّبِينٞ ﴿١٨﴾ وَٱلۡأَرۡضَ
مَدَدۡنَٰهَا وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ
شَيۡءٖ مَّوۡزُونٖ ﴿١٩﴾ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن
لَّسۡتُمۡ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِن مِّن شَيۡءٍ إِلَّا عِندَنَا
خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ﴿٢١﴾ وَأَرۡسَلۡنَا
ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَسۡقَيۡنَٰكُمُوهُ
وَمَآ أَنتُمۡ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ
وَنَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَقۡدِمِينَ
مِنكُمۡ وَلَقَدۡ عَلِمۡنَا ٱلۡمُسۡتَـٔۡخِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
هُوَ يَحۡشُرُهُمۡۚ إِنَّهُۥ حَكِيمٌ عَلِيمٞ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ﴿٢٦﴾ وَٱلۡجَآنَّ
خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ
لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن صَلۡصَٰلٖ مِّنۡ حَمَإٖ
مَّسۡنُونٖ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي
فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ
أَجۡمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰٓ أَن يَكُونَ مَعَ
ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣١﴾

و هرآینه پیدا کردیم در آسمان، برج‌ها و بیاراستیمش
برای بینندگان. ﴿۱۶﴾ و نگاه داشتیمش از هر شیطان رانده
شده. ﴿۱۷﴾ مگر آن که به دزدی شنود، پس در پی وی
افتد آتش آشکارا. ﴿۱۸﴾ و زمین راگسترانیدیمش و
انداختیم در آنجا کوه‌ها و رویانیدیم در آنجا از جنس هر
چیز، سنجیده[1]. ﴿۱۹﴾ و ساختیم برای شما در آنجا
اسباب معیشت و [ساختیم برای شما] آنکه نیستید او را
روزی دهنده[2]. ﴿۲۰﴾ و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ما
خزانه‌های اوست و فرونمی‌آریم آن را مگر به آندازهٔ مقرر.
﴿۲۱﴾ و فرستادیم بادها را باردار کنندهٔ ابر. پس
فروآوردیم از آسمان، آبی، پس نوشانیدیم شما را آن آب
و نیستید شما آن را جمع کننده. ﴿۲۲﴾ و هرآیینه ما زنده
می‌سازیم و می‌میرانیم و ماییم وارث. ﴿۲۳﴾ و هرآیینه
دانسته‌ایم پیشینیان را از شما و هرآیینه دانسته‌ایم پسینیان را.
﴿۲۴﴾ و هرآیینه پروردگار تو همون برانگیزد ایشان را،
هرآیینه او استوارکار داناست. ﴿۲۵﴾ و هرآیینه آفریدیم
آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاهِ بوی گرفته.
﴿۲۶﴾ و جان پیدا کردیمش پیش از این از آتش سوزان.
﴿۲۷﴾ و یاد کن چون گفت پروردگار تو فرشتگان را:
هرآیینه من آفریننده‌ام آدمی را از گلِ خشک از قسم لای
سیاهِ بوی گرفته. ﴿۲۸﴾ پس چون راست کنمش و بدمم
در وی روح خود را، پس افتید پیشِ او سجده‌کنان. ﴿۲۹﴾
پس سجده کردند فرشتگان، تمام ایشان همه یکجا. ﴿۳۰﴾
مگر ابلیس، سر باز زد از آنکه باشد با سجده کنندگان.
﴿۳۱﴾

۱- یعنی هر نوع را صورتی و صفتی است که از آنجا تجاوز نمی‌کند.
۲- یعنی غلامان و جانوران، والله اعلم.

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٣٢﴾
قَالَ لَمۡ أَكُن لِّأَسۡجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقۡتَهُۥ مِن صَلۡصَٰلٖ
مِّنۡ حَمَإٖ مَّسۡنُونٖ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ
﴿٣٤﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكَ ٱللَّعۡنَةَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ
فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
ٱلۡمُنظَرِينَ ﴿٣٧﴾ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
بِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَأُغۡوِيَنَّهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ
هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَيَّ مُسۡتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ
عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ
جَهَنَّمَ لَمَوۡعِدُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبۡعَةُ أَبۡوَٰبٖ لِّكُلِّ
بَابٖ مِّنۡهُمۡ جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ ﴿٤٤﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ
وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ ٱدۡخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعۡنَا مَا فِي
صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا
يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ﴿٤٨﴾
۞نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّ
عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئۡهُمۡ عَن ضَيۡفِ
إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٥١﴾

گفت خدا: ای ابلیس! چیست تو را در این که نمی‌باشی با سجده کنندگان؟. ﴿۳۲﴾ گفت: هرگز نیستم که سجده کنم آدمی راکه پیداکرده‌ای او را از گلِ خشك از قسم لای سیاه بوی گرفته. ﴿۳۳﴾ گفت: پس بیرون شو از بهشت. هرآیینه تو رانده شده‌ای. ﴿۳۴﴾ هرآیینه بر تو است لعنت تا روز قیامت. ﴿۳۵﴾ گفت: ای پروردگار من! مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند مردگان. ﴿۳۶﴾ گفت: هرآیینه تو از مهلت داده شدگانی. ﴿۳۷﴾ تا روز آن وقت مقرّر. ﴿۳۸﴾ گفت: ای پروردگار من! به سبب آنکه گمراه کردی مرا، البته بیارایم معصیت را برای ایشان در زمین و البته گمراه سازم ایشان را همه یکجا. ﴿۳۹﴾ مگر بندگان خالص کردهٔ تو از ایشان. ﴿۴۰﴾ گفت خدا: این اخلاص، راهی است راست که بر من می‌رسد. ﴿۴۱﴾ هرآیینه بندگان من نیست تو را بر ایشان غلبه، لیکن غلبهٔ تو بر کسی باشد که پیروی تو کرد از گمراهان. ﴿۴۲﴾ و هرآیینه دوزخ وعده‌گاه ایشان است همه یکجا. ﴿۴۳﴾ او را هفت در است، هر دری را از گمراهان حصّه است جدا کرده شده. ﴿۴۴﴾ هرآیینه پرهیزگاران در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند ﴿۴۵﴾ ایشان را گفته شود: درآیید اینجا به سلامتی ایمن شده. ﴿۴۶﴾ و بیرون کشیم آنچه در سینه‌های ایشان بود از کینه، برادر یکدیگر شده بر تخت‌های روبه‌روی یکدیگر کرده. ﴿۴۷﴾ نرسد به ایشان آنجا هیچ رنجی و نیستند ایشان از آنجا بیرون کرده شده. ﴿۴۸﴾ خبر ده بندگان مراکه من آمرزندهٔ مهربانم. ﴿۴۹﴾ و به آنکه عذاب من، همان عذاب درد دهنده است. ﴿۵۰﴾ و خبر ده ایشان را از مهمانان ابراهیم. ﴿۵۱﴾

إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗا قَالَ إِنَّا مِنكُمۡ وَجِلُونَ
﴿٥٢﴾ قَالُواْ لَا تَوۡجَلۡ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ﴿٥٣﴾ قَالَ
أَبَشَّرۡتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلۡكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾
قَالُواْ بَشَّرۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلۡقَٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾
قَالَ وَمَن يَقۡنَطُ مِن رَّحۡمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ
فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ
إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٦٠﴾
فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ
مُّنكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُواْ بَلۡ جِئۡنَٰكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ
يَمۡتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٦٤﴾
فَأَسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ وَٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ وَلَا
يَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٞ وَٱمۡضُواْ حَيۡثُ تُؤۡمَرُونَ ﴿٦٥﴾
وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ ذَٰلِكَ ٱلۡأَمۡرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقۡطُوعٞ
مُّصۡبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَآءَ أَهۡلُ ٱلۡمَدِينَةِ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٦٧﴾
قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيۡفِي فَلَا تَفۡضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَٱتَّقُواْ
ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ نَنۡهَكَ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٧٠﴾

چون داخل شدند بر وی، پس سلام گفتند: ابراهیم گفت: هرآیینه ما از شما ترسانیم! . ﴿۵۲﴾ گفتند: مترس! هرآیینه ما مژده می‌دهیم تو را به فرزندی دانا. ﴿۵۳﴾ گفت: آیا بشارت دادید مرا با وجود آنکه رسید به من پیری؟ پس به چه قِسم بشارت می‌دهید؟!. ﴿۵۴﴾ گفتند: مژده دادیم تو را به راستی، پس مباش از ناامیدان. ﴿۵۵﴾ گفت: و کیست که ناامید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان؟. ﴿۵۶﴾ گفت: پس چیست خبر شما را ای فرستادگان؟. ﴿۵۷﴾ گفتند: هرآیینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکاران. ﴿۵۸﴾ بجز کسانِ لوط. هرآیینه ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یکجا. ﴿۵۹﴾ غیر زنش که مقرر کرده‌ایم که هرآیینه وی از بازماندگان است. ﴿۶۰﴾ پس وقتی که آمد به کسان لوط فرستادگان. ﴿۶۱﴾ گفت: هرآیینه شماگروهی ناآشنایید. ﴿۶۲﴾ گفتند: بلکه آورده‌ایم پیش تو آنچه در آن شبهه می‌کردند (یعنی عقوبت) . ﴿۶۳﴾ و آورده‌ایم پیش تو وعدهٔ راست را و هرآیینه ما البته راستگوییم. ﴿۶۴﴾ پس ببر کسان خود را به پاره‌ای از شب و تو از پیِ ایشان رو و باید که ننگرد از شما هیچ‌کس و بروید آنجاکه فرموده شد [و آن زمین شام بود] . ﴿۶۵﴾ و وحی فرستادیم به سوی لوط این سخن که: بیخ ایشان بریده شود چون به وقت صبح درآیند. ﴿۶۶﴾ و آمدند اهل شهر، خوشوقتی کنان. ﴿۶۷﴾ گفت لوط: هرآیینه ایشان مهمان منند، پس رسوا مکنید مرا. ﴿۶۸﴾ و بترسید از خدا و خوار مکنید مرا. ﴿۶۹﴾ گفتند: آیا منع نکرده بودیم تو را از میزبانی غریبانگفتند: آیا منع نکرده بودیم تو را از میزبانی غریبان. ﴿۷۰﴾

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيٓ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمۡرُكَ إِنَّهُمۡ

لَفِي سَكۡرَتِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ
مُشۡرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلۡنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ
حِجَارَةٗ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ
لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٖ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِن كَانَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ
لَظَٰلِمِينَ ﴿٧٨﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ ﴿٧٩﴾
وَلَقَدۡ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡحِجۡرِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٨٠﴾
وَءَاتَيۡنَٰهُمۡ ءَايَٰتِنَا فَكَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُواْ
يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ
ٱلصَّيۡحَةُ مُصۡبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ
يَكۡسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا
بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَإِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞۖ فَٱصۡفَحِ
ٱلصَّفۡحَ ٱلۡجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٨٦﴾
وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَٰكَ سَبۡعٗا مِّنَ ٱلۡمَثَانِي وَٱلۡقُرۡءَانَ ٱلۡعَظِيمَ
﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ
وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٨﴾
وَقُلۡ إِنِّيٓ أَنَا ٱلنَّذِيرُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَى
ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

گفت: اینها دختران منند، اگر هستید کنندهٔ کاری[۱]. ﴿۷۱﴾ قسم به زندگانی تو! که این کافران در گمراهیِ خویش سرگردان می‌شوند[۲]. ﴿۷۲﴾ پس دریافت ایشان را آواز هولناک چون به وقت شروق در آمدند. ﴿۷۳﴾ پس ساختیم بالای آن شهرها را زیر آن و بارانیدیم بر ایشان سنگ از قِسم سنگ گل[۳]. ﴿۷۴﴾ هرآیینه در این قصه، نشانه‌هاست. عبرت گیرندگان را. ﴿۷۵﴾ و هرآیینه شهرها به راهی هستند که دایم آمدورفت دارد. ﴿۷۶﴾ و هرآیینه در این نشانه است مؤمنان را. ﴿۷۷﴾ و هرآیینه بودند اهل ایکه ستمکاران. ﴿۷۸﴾ پس انتقام کشیدیم از ایشان و شهرهای قوم لوط و شهرهای ایکه هر دو، به راه آشکار هستند. ﴿۷۹﴾ و هرآیینه دروغ شمردند ساکنان حِجر، پیغامبران را. ﴿۸۰﴾ و رسانیدیم به ایشان آیت‌های خود، پس شدند از آن روگردان. ﴿۸۱﴾ و بودند، تراشیده می‌ساختند از کوه‌ها خانه‌های ایمن شده. ﴿۸۲﴾ پس گرفت ایشان را آواز سخت، صباح کنان ﴿۸۳﴾ پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب می‌کردند. ﴿۸۴﴾ و نیافریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه مابین آنهاست، مگر به تدبیر درست و هرآیینه قیامت، آمدنی است. پس درگذر (یعنی از بی‌ادبی‌های ایشان) درگذشتن نیکو. ﴿۸۵﴾ هرآیینه پروردگار تو همان است آفرینندهٔ دانا. ﴿۸۶﴾ و هرآیینه دادیم تو را هفت آیت از آنچه در نماز مکرر خوانده می‌شود[۴] و دادیم تو را قرآن بزرگ. ﴿۸۷﴾ باز مکن دو چشم خود را به سوی آنچه بهره‌مند ساخته‌ایم به آن جماعت‌ها را از کافران. و اندوهناک مشو بر ایشان و پست بکن بازوی خود را[۵] برای مسلمانان. ﴿۸۸﴾ و بگو: هرآیینه من بیم کنندهٔ آشکارم. ﴿۸۹﴾ [فرود خواهیم آورد عذاب را] مانند آنچه فروآورده بودیم بر تقسیم کنندگان. ﴿۹۰﴾

۱- یعنی اگر قضای شهوت خواهید، نکاح بنات من کنید، والله اعلم.
۲- این کلمه در وسط قصهٔ حضرت لوط إضافه کرده شد تا تنبیه باشد بر تطبیقِ حالِ مشرکین مکه بر حالِ قوم لوط و امثال ایشان، والله اعلم.
۳- مترجم گوید: یعنی گل پخته مثل سنگ شده.
۴- یعنی سورهٔ فاتحه.
۵- یعنی تواضع کن.

ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسۡـَٔلَنَّهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَٱصۡدَعۡ بِمَا
تُؤۡمَرُ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيۡنَٰكَ
ٱلۡمُسۡتَهۡزِءِينَ ﴿٩٥﴾ ٱلَّذِينَ يَجۡعَلُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۚ
فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ
بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ
ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ ﴿٩٩﴾

آنان‌که ساختند کتاب الهی را پاره پاره[1]. ﴿۹۱﴾ پس قَسَم به پروردگار تو! البته سؤال کنیم ایشان را همه یکجا. ﴿۹۲﴾ از آنچه می‌کردند. ﴿۹۳﴾ پس آشکار کن به آنچه فرموده می‌شوی و اعراض کن از مشرکان. ﴿۹۴﴾ هرآیینه ما بسنده‌ایم تو را از شرّ تمسخر کنندگان. ﴿۹۵﴾ آنان‌که مقرر می‌کنند با خدا معبود دیگر را، پس زود بدانند. ﴿۹۶﴾ و هرآیینه ما می‌دانیم از حال تو که تنگ می‌شود سینهٔ تو به سبب آنچه می‌گویند. ﴿۹۷﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار خود را با ستایش او و باش از سجده کنندگان. ﴿۹۸﴾ و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد به تو مرگ. ﴿۹۹﴾

سُورَةُ النَّحۡلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَتَىٰٓ أَمۡرُ ٱللَّهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوهُۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا
يُشۡرِكُونَ ﴿١﴾ يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ
مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠
فَٱتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ تَعَٰلَىٰ
عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ
خَصِيمٞ مُّبِينٞ ﴿٤﴾ وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۗ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ
وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمۡ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ
تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسۡرَحُونَ ﴿٦﴾

سوره نحل

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آمد حکم خدا، پس به شتاب طلب مکنید آن را[2]. پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه شریک او مقرر می‌کنند. ﴿۱﴾ فرود می‌آورد فرشتگان را به وحی به ارادهٔ خود بر هر که خواهد از بندگان خود که بترسانید [به این مضمون که خدا می‌فرماید] که نیست هیچ معبود مگر من، پس بترسید از من. ﴿۲﴾ آفرید آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست. بلند قدر است از آنکه شریک او مقرر می‌کنند. ﴿۳﴾ آفرید آدمی را از منی، پس ناگهان وی ستیزندهٔ آشکارا شد. ﴿۴﴾ و چارپایان را آفرید، برای شما از انها پوششی است و منفعت‌های دیگر است و بعض آنها را می‌خورید. ﴿۵﴾ و شما را در آنها آبرو است، چون وقت شام از صحرا باز می‌آرید و چون به سوی صحرا سر می‌دهید. ﴿۶﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اهل کتاب که بر بعض آیات عمل می‌کردند و بر بعضی نه، والله اعلم.

۲- یعنی غلبهٔ دین اسلام و تعذیب کفار، به یقین شدنی است. چرا شتاب می‌کنند؟ والله اعلم.

وَتَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ إِلَىٰ بَلَدٖ لَّمۡ تَكُونُواْ بَٰلِغِيهِ إِلَّا
بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِۚ إِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ ٧ وَٱلۡخَيۡلَ
وَٱلۡبِغَالَ وَٱلۡحَمِيرَ لِتَرۡكَبُوهَا وَزِينَةٗۚ وَيَخۡلُقُ مَا لَا
تَعۡلَمُونَ ٨ وَعَلَى ٱللَّهِ قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٞۚ وَلَوۡ
شَآءَ لَهَدَىٰكُمۡ أَجۡمَعِينَ ٩ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءٗۖ لَّكُم مِّنۡهُ شَرَابٞ وَمِنۡهُ شَجَرٞ فِيهِ
تُسِيمُونَ ١٠ يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرۡعَ وَٱلزَّيۡتُونَ
وَٱلنَّخِيلَ وَٱلۡأَعۡنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١١ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ
وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتُۢ بِأَمۡرِهِۦٓۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ١٢ وَمَا ذَرَأَ لَكُمۡ فِي
ٱلۡأَرۡضِ مُخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ
يَذَّكَّرُونَ ١٣ وَهُوَ ٱلَّذِي سَخَّرَ ٱلۡبَحۡرَ لِتَأۡكُلُواْ مِنۡهُ
لَحۡمٗا طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى
ٱلۡفُلۡكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ ١٤

و برمی‌دارند بار شما را به سوی شهری که هرگز نمی‌رسیدید به آن مگر به مشقت جان‌ها. هرآیینه پروردگار شما بخشایندۀ مهربان است. ﴿۷﴾ و آفرید اسبان را و استران را و خران را تا سوار شوید بر آنها و برای آرایش و می‌آفریند آنچه نمی‌دانید. ﴿۸﴾ و بر خدا می‌رسد راه میانه و بعض راه‌هاکج است و اگر خواستی وی، راه نمودی شما را همه یکجا. ﴿۹﴾ اوست آن که فرود آورد از آسمان آب را برای شما، از آن آب، آشامیدنی است و از آن آب، بیشۀ درختان است که در آن می‌چرانید. ﴿۱۰﴾ می‌رویاند برای شما به سبب آب، زراعت را و زیتون را و درختان خرما را و انگور و از هر جنسِ میوه‌ها، هرآیینه در این نشانه‌ای است گروهی راکه تفکّر می‌کنند. ﴿۱۱﴾ و مسخّر کرد برای شما شب و روز و آفتاب و ماه را و ستارگان، مسخّرند به فرمان وی، هرآیینه در این نشانه‌هاست گروهی راکه در می‌یابند. ﴿۱۲﴾ و مسخّر کرد آنچه آفرید برای شما در زمین، گوناگون رنگ‌های او[1]، هرآیینه در این نشانه‌ای است گروهی راکه پند می‌پذیرند. ﴿۱۳﴾ و اوست آن که مسخّر ساخت دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه و تا بیرون آرید از آن پیرایه که بپوشید آن را و می‌بینی کشتی‌ها را رونده در دریا و مسخّر کرد دریا را تا طلب معیشت کنید از فضل او و تا بُوَد که شکر کنید. ﴿۱۴﴾

۱- یعنی از انواع حیوان و نبات.

وَأَلْقَىٰ فِي ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَٰرًا
وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَٰمَٰتٍۚ وَبِٱلنَّجْمِ هُمْ
يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾ أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُۚ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ لَا تُحْصُوهَآۗ إِنَّ
ٱللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
تُعْلِنُونَ ﴿١٩﴾ وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا
يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍۖ
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌۚ
فَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم
مُّسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
وَمَا يُعْلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا
قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾
لِيَحْمِلُوٓاْ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ
ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾
قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ
ٱلْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَىٰهُمُ
ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

و افکند در زمین کوه‌های محکم برای احتراز از آنکه بجنباند شما را و آفرید جوی‌ها و راه‌ها، تا بُوَد که راهیاب شوید. ﴿۱۵﴾ و و آفرید نشانه‌ها و به ستارگان، ایشان راه می‌یابند. ﴿۱۶﴾ آیا کسی که آفریند مانند کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟. ﴿۱۷﴾ و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نکنید آن را، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۸﴾ و خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آنچه آشکارا می‌کنید. ﴿۱۹﴾ و آنان‌که می‌پرستند کافران ایشان را بجز خدا، نمی‌آفرینند چیزی را و خودشان آفریده می‌شوند! . ﴿۲۰﴾ مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد. ﴿۲۱﴾ معبود شما خدای یگانه است. پس آنان‌که معتقد نمی‌شوند به آخرت، دل ایشان ناشناس است و ایشان سرکشند. ﴿۲۲﴾ بی‌شبهه است خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند، هرآیینه او دوست ندارد سرکشان رابی‌شبهه است خدا می‌داند آنچه پنهان می‌دارند و آنچه آشکارا می‌کنند، هرآیینه او دوست ندارد سرکشان را. ﴿۲۳﴾ و چون گفته شود ایشان را: چیست آنچه فروفرستاده است پروردگار شما؟ گویند: افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۲۴﴾ [مآل این گفتار] آنکه بردارند بار گناه خویش به تمام روز قیامت و بردارند نیز بعض بارهای آنان‌که گمراه می‌سازند ایشان را به غیر دانش. آگاه شوید بد است آنچه برمی‌دارند. ﴿۲۵﴾ هرآیینه بداندیشی کردند آنان‌که پیش از ایشان بودند، پس بیامد خدا به سوی عمارت ایشان از جانب بنیادها، پس افتاد بر ایشان سقف از بالای ایشان و آمد بدیشان عذاب از آن جهت که نمی‌دانستند[1]. ﴿۲۶﴾

۱- و این تمثیل است افساد مکر ایشان را بِأَبلغِ وجوه.

ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يُخۡزِيهِمۡ وَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ
كُنتُمۡ تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡۚ قَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ إِنَّ
ٱلۡخِزۡيَ ٱلۡيَوۡمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٢٧﴾ ٱلَّذِينَ
تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡۖ فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ مَا
كُنَّا نَعۡمَلُ مِن سُوٓءِۭۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ
فَلَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ ۞وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ
مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمۡۚ قَالُواْ خَيۡرٗاۗ لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ
ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۚ وَلَدَارُ ٱلۡأٓخِرَةِ خَيۡرٞۚ وَلَنِعۡمَ دَارُ ٱلۡمُتَّقِينَ
﴿٣٠﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ
لَهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَۚ كَذَٰلِكَ يَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾
ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَٰمٌ
عَلَيۡكُمُ ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلۡ
يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ يَأۡتِيَ أَمۡرُ رَبِّكَۚ
كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَمَا ظَلَمَهُمُ ٱللَّهُ
وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٣٣﴾ فَأَصَابَهُمۡ
سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٤﴾

باز روز قیامت رسواکند ایشان را و گوید: کجایند آن شریکان من که مخالفت می‌کردید در حقّ ایشان؟ گویند اهل علم: هرآیینه رسوایی و سختی امروز بر کافران است. ﴿۲۷﴾ آنان‌که قبض ارواح ایشان می‌کردند فرشتگان، حال آنکه ستمکار بودند بر خویش، پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد راکه ما هرگز نمی‌کردیم هیچ عمل بد [گفته شود]: آری! هرآیینه خدا داناست به آنچه می‌کردید. ﴿۲۸﴾ پس درآیید به دروازه‌های دوزخ، جاویدان آنجا، پس بد است جای سرکشان [دوزخ]. ﴿۲۹﴾ و گفته شد متّقیان را: چیست آنچه فروفرستاد پروردگار شما؟ گفتند: فرود آورده است بهترین سخن، آنان راکه نیکوکاری کردند در این سرای، حالت نیک است و هرآیینه سرای آخرت بهتر است و هرآیینه نیکو سرای متّقیان است [آخرت]. ﴿۳۰﴾ بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا، می‌رود زیر آن جوی‌ها و ایشان راست آنجا هرچه خواهند. همچنین جزا می‌دهد خدا متّقیان را. ﴿۳۱﴾ آنان‌که فرشتگان قبضِ ارواح ایشان می‌کنند، حال آنکه شادمان باشند، گویند فرشتگان: سلام بر شما باد! درآیید به بهشت جز آنچه می‌کردید[1]. ﴿۳۲﴾ انتظار نمی‌کشند کافران، الاّ آنکه بیایند به ایشان فرشتگان،[2] یا بیاید فرمان پروردگار تو[3]. همچنین کردند آنان‌که پیش از ایشان بودند وستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویش ستم می‌کردند. ﴿۳۳﴾ پس رسید به ایشان جزای گناهان از اعمال ایشان و فرود آمد به ایشان آنچه به آن استهزا می‌کردند. ﴿۳۴﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی این دو صورت را برای بیان قال و حال و مآل اهل سعادت و اهل شقاوت نازل فرموده، والله اعلم.

۲- یعنی برای قبض ارواح.

۳- یعنی عذاب او.

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ لَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ مَا عَبَدۡنَا مِن دُونِهِۦ
مِن شَيۡءٖ نَّحۡنُ وَلَآ ءَابَآؤُنَا وَلَا حَرَّمۡنَا مِن دُونِهِۦ مِن
شَيۡءٖۚ كَذَٰلِكَ فَعَلَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ فَهَلۡ عَلَى ٱلرُّسُلِ
إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا
أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى
ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾ إِن
تَحۡرِصۡ عَلَىٰ هُدَىٰهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَن يُضِلُّۖ وَمَا
لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٣٧﴾ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَا
يَبۡعَثُ ٱللَّهُ مَن يَمُوتُۚ بَلَىٰ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٨﴾ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِي
يَخۡتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ كَانُواْ
كَٰذِبِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ
لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي ٱللَّهِ مِنۢ
بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْ لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗۖ وَلَأَجۡرُ
ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ
وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

وگفتند مشرکان: اگر خواستی خدا، نمی‌پرستیدیم بجز وی هیچ چیزی را نه ما و نه پدران ما و حرام نمی‌دانستیم به غیر فرمان وی هیچ چیز را[1]. همچنین کردند آنان‌که پیش از ایشان بودند، پس نیست بر پیغامبران بجز خبر رسانیدن آشکارا. ﴿۳۵﴾ و هرآیینه فرستادیم در هر گروهی پیغامبری راکه عبادتِ خدا کنید و احتراز کنید از بتان. پس از ایشان کسی بود که راه نمودش خدا و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی. پس سیر کنید در زمین، پس بنگرید چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان. ﴿۳۶﴾ اگر کوشش کنی بر هدایت ایشان [چه سود]، هرآیینه خدا راه نمی‌نماید آن راکه گمراه می‌سازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۳۷﴾ و قسم خوردند به خدا به محکم‌ترین سوگندهای خود که بر نیانگیزد خدا مرده را. آری! برانگیزد، وعدهٔ درست لازم شده بر وی و لیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند. ﴿۳۸﴾ [آری برانگیزد] تا بیان کند برای ایشان آنچه اختلاف می‌کنند در آن و تا بدانند کافران که ایشان دروغی بودند. ﴿۳۹﴾ نیست فرمان ما برای چیزی چون خواهیم آفریدنش، مگر گوییم او را: بشو! پس بشود. ﴿۴۰﴾ و آنان‌که ترکِ دیار خود کردند برای خدا بعد از آنکه ستم کرده شد بر ایشان، البته جای دهیم ایشان را در دنیا به سرای نیک و هرآیینه مزد آخرت بزرگتر است، اگر می‌دانستند. ﴿۴۱﴾ آنان‌که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکّل می‌نمایند[2]. ﴿۴۲﴾

۱- یعنی سلف ما اجماع کرده‌اند و آن بدون رضای خدا منعقد نمی‌شود. والله اعلم.

۲- و این وعده متحقق شده ومهاجران را به مدینه جای داد.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ إِلَّا رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ
أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ
وَٱلزُّبُرِۗ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ
إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾ أَفَأَمِنَ ٱلَّذِينَ مَكَرُواْ
ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَخۡسِفَ ٱللَّهُ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ
ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ فِي
تَقَلُّبِهِمۡ فَمَا هُم بِمُعۡجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوۡ يَأۡخُذَهُمۡ عَلَىٰ
تَخَوُّفٖ فَإِنَّ رَبَّكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴿٤٧﴾ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ
مَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلۡيَمِينِ
وَٱلشَّمَآئِلِ سُجَّدٗا لِّلَّهِ وَهُمۡ دَٰخِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَلِلَّهِ يَسۡجُدُ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن دَآبَّةٖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ
وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ۩ ﴿٥٠﴾ ۞وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ
إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ ﴿٥١﴾
وَلَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًاۚ
أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ
ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ إِذَا
كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنكُم بِرَبِّهِمۡ
يُشۡرِكُونَ ﴿٥٤﴾

و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی راکه وحی می‌فرستادیم به سوی ایشان. پس سؤال کنید از اهل کتاب اگر نمی‌دانید[1]. ﴿۴۳﴾ فرستادیم ایشان را با دلایل و کتاب‌ها و فرود آوردیم به سوی تو کتاب تا بیان کنی برای مردمان شریعتی را که فرود آورده شد به سوی ایشان و تا بُوَد که ایشان تفکر کنند. ﴿۴۴﴾ آیا ایمن شده‌اند آنان‌که اندیشیدند تدبیرهای بد[2] از آنکه فرو برد خدا ایشان را به زمین یا بیاید به ایشان عذاب از آنجا که ندانند؟. ﴿۴۵﴾ یا بگیرد ایشان را در آمدوشدِ ایشان، پس نیستند ایشان عاجز کننده. ﴿۴۶﴾ یا بگیرد ایشان را بعدِ ترس[3]، پس هرآیینه پروردگار شما لطف کنندهٔ بخشاینده است. ﴿۴۷﴾ آیا ندیده‌اند به سوی آنچه پیدا کرده است خدا از هر چیزی، می‌گردد سایه‌های او از جانب راست و از جانب چپ، سجده کنان برای خدا خوارشده. ﴿۴۸﴾ و خدای را سجده می‌کنند آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است از قسم جنبنده و فرشتگان نیز سجده می‌کنند و ایشان سرکشی نمی‌کنند. ﴿۴۹﴾ می‌ترسند از پروردگار خود [غالب شده] از بالای ایشان و می‌کنند آنچه فرموده می‌شوند. ﴿۵۰﴾ و گفت خدا: فرا مگیرید دو معبود. جز این نیست که وی معبود یگانه است، پس از من بترسید. ﴿۵۱﴾ و مر او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است و مر او راست عبادت لازم شده، آیا از غیر خدا می‌ترسید؟. ﴿۵۲﴾ و آنچه با شما است از نعمت، از جانب خدا است. باز چون برسد به شما سختی، پس به سوی او می‌نالید. ﴿۵۳﴾ باز چون بردارد سختی را از سر شما، ناگهان فریقی از شما به پروردگار خود، شریک مقرّر می‌کنند. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند، فرشته نبودند، والله اعلم.

۲- یعنی در حق پیغامبران و مؤمنان.

۳- یعنی بعد اقامت قرائن هلاک.

لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ
﴿٥٥﴾ وَيَجۡعَلُونَ لِمَا لَا يَعۡلَمُونَ نَصِيبٗا مِّمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡۗ
تَٱللَّهِ لَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَفۡتَرُونَ ﴿٥٦﴾ وَيَجۡعَلُونَ لِلَّهِ
ٱلۡبَنَٰتِ سُبۡحَٰنَهُۥ وَلَهُم مَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا بُشِّرَ
أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ﴿٥٨﴾
يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ
عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ
﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ مَثَلُ ٱلسَّوۡءِۖ وَلِلَّهِ
ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَوۡ يُؤَاخِذُ
ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِظُلۡمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيۡهَا مِن دَآبَّةٖ
وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ
لَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ سَاعَةٗ وَلَا يَسۡتَقۡدِمُونَ ﴿٦١﴾ وَيَجۡعَلُونَ
لِلَّهِ مَا يَكۡرَهُونَۚ وَتَصِفُ أَلۡسِنَتُهُمُ ٱلۡكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ
ٱلۡحُسۡنَىٰۚ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ ٱلنَّارَ وَأَنَّهُم مُّفۡرَطُونَ ﴿٦٢﴾
تَٱللَّهِ لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٖ مِّن قَبۡلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ
ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلۡيَوۡمَ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
أَلِيمٞ ﴿٦٣﴾ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
ٱلَّذِي ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٦٤﴾

تا ناسپاسی کنند آنچه دادیم ایشان را. پس بهره‌مند شوید، پس خواهید دانست. ﴿۵۵﴾ و مقرر کردند برای چیزی که نمی‌دانند تحقیق آن (یعنی برای بتان)، حصه‌ای از آنچه روزی دادیم ایشان را. به خدا قسم! البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا می‌کردید. ﴿۵۶﴾ و مقرر می‌کنند برای خدا دختران را. پاک است او و مقرر می‌کنند برای خویش آنچه رغبت می‌نمایند[1]. ﴿۵۷﴾ و اگر مژده داده شود یکی از ایشان به تولد دختر، روی او سیاه گردد و او پر از اندوه باشد. ﴿۵۸﴾ پنهان شود از قوم به سبب ناخوشی آنچه مژده داده شد به وی. [در تأمّل افتد که] آیا باقی گذاردش به خواری یا در آردش به خاک؟ آگاه شو! بد حکم ایشان است این حکم!. ﴿۵۹﴾ آنان راکه معتقد نمی‌شوند به آخرت، صفت بد است و خدای راست صفت بلند و او غالب با حکمت است. ﴿۶۰﴾ و اگر گرفتار کند خدا مردمان را به سبب ستم ایشان، نگذارد بر زمین هیچ جنبنده‌ای و لیکن موقوف می‌دارد ایشان را تا وقتی مقرر، پس چون برسد آن وقت مقرر ایشان، باز نمانند ساعتی و نه پیش‌روند. ﴿۶۱﴾ و مقرر می‌کنند برای خدا آنچه ناپسند می‌دارند[2] و بیان می‌کند زبان‌های ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد نیکویی[3]. شبهه نیست در آنکه ایشان را باشد آتش و آنکه ایشان، پیش فرستادگانند به دوزخ. ﴿۶۲﴾ قسم به خدا! هرآیینه پیغامبران فرستادیم به سوی امّتانی که پیش از تو بودند. پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان، پس همو یار این کافران است امروز و ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۶۳﴾ و فرود نیاوردیم بر تو کتاب را مگر به سبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه در آن اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی که می‌گرویدند. ﴿۶۴﴾

۱- یعنی پسران را.

۲- یعنی دختران.

۳- یعنی نجات در آخرت.

وَٱللَّهُ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَآ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ
لَكُمْ فِى ٱلْأَنْعَٰمِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِى بُطُونِهِۦ
مِنۢ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشَّٰرِبِينَ ﴿٦٦﴾
وَمِن ثَمَرَٰتِ ٱلنَّخِيلِ وَٱلْأَعْنَٰبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا
وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾
وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحْلِ أَنِ ٱتَّخِذِى مِنَ ٱلْجِبَالِ
بُيُوتًا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِى مِن كُلِّ
ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسْلُكِى سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا
شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِى
ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ
يَتَوَفَّىٰكُمْ ۚ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ لِكَىْ لَا
يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَٱللَّهُ
فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِى ٱلرِّزْقِ ۚ فَمَا ٱلَّذِينَ
فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّى رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَهُمْ
فِيهِ سَوَآءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ ٱللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ
لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ
أَزْوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ ۚ
أَفَبِٱلْبَٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ ٱللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾

و خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به آن زمین را بعد از مرگ آن. هرآیینه در این نشانه‌ای است گروهی راکه می‌شنوند. ﴿۶۵﴾ و هرآیینه شما را در چهارپایان، پندی است، می‌نوشانیم شما را از جملهٔ آنچه در شکم وی است از میان سرگین و خون، شیری خالص گوارا، آشامندگان را. ﴿۶۶﴾ و از میوه‌های درختان خرما و درختان انگور [قسمی هست که] می‌سازید از آن شراب مست کننده و می‌سازید از آن روزی حلال، هرآیینه در این نشانه‌ای است گروهی راکه در می‌یابند. ﴿۶۷﴾ و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبورِ شهد که بساز خانه‌ها از کوه‌ها و از درختان و از آنچه مردمان بنا می‌کنند. ﴿۶۸﴾ باز بخور از هر جنس میوه‌ها و برو در راه‌های پروردگار خویش رام شدهٔ [آن راه‌ها] که برمی‌آید از شکم این زنبورها آشامیدنی گوناگون رنگهای آن. در آن آشامیدنی شفا است مردمان را، هرآیینه در این امور نشانه است گروهی راکه تفکّر می‌کنند. ﴿۶۹﴾ و خدا آفرید شما را، باز بمیراند شما را و از شما کسی هست که عائد کرده می‌شود به خوارترین عمر، مَآلش آنکه نداند بعدِ دانستن، چیزی را. هرآیینه خدا دانای تواناست. ﴿۷۰﴾ و خدا فضل داد بعض شما را بر بعض در روزی، پس نیستند آنان که افزودنی داده شدند، عاید کنندگان روزی خود را بر مملوکان خود تا همهٔ ایشان در روزی برابر باشند. آیا نعمت خدا را انکار می‌نمایند؟[1]. ﴿۷۱﴾ و خدا آفرید برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان شما پسران و نبیرگان را و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها، آیا به باطل معتقد می‌شوند و به نعمت خدا ایشان ناسپاسی می‌نمایند؟. ﴿۷۲﴾

۱- یعنی هیچ کس نمی‌خواهد که مملوکان خود را برابر خود سازد، والله اعلم.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا
تَضْرِبُواْ لِلَّهِ ٱلْأَمْثَالَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
﴿٧٤﴾ ۞ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ
شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ
سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُۥنَ ۚ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَآ
أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَىٰهُ أَيْنَمَا
يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِى هُوَ وَمَن يَأْمُرُ
بِٱلْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَآ أَمْرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ ٱلْبَصَرِ
أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾ وَٱللَّهُ
أَخْرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا
وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرَوْاْ إِلَى ٱلطَّيْرِ مُسَخَّرَٰتٍ فِى جَوِّ
ٱلسَّمَآءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

و می‌پرستند بجز خدا کسی راکه نمی‌تواند برای ایشان چیزی روزی دادن از آسمان‌ها و زمین چیزی [از توانایی] و قادر نمی‌شوند. ﴿۷۳﴾ پس بیان مکنید برای خدا داستان‌ها، هرآیینه خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۷۴﴾ بیان کرد خدا داستان بندهٔ مملوکی که توانایی ندارد بر هیچ چیز و کسی که دادیمش از نزدیک خود، روزی نیک، پس وی خرج می‌کند از آن روزی، پنهان و آشکارا، آیا برابر می‌شوند؟ همهٔ ستایش، خدای را است، بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۷۵﴾ و بیان کرد خدا داستانی دیگر، دو مرد، یکی از ایشان گنگ است، قدرت ندارند بر چیزی و او گران است بر خواجهٔ خود، هر کجا فرستدش نیارد از آنجا هیچ نیکی. آیا برابر است این شخص و کسی که می‌فرماید مردمان را به عدل و خودش بر راه راست است؟[1]. ﴿۷۶﴾ و خدای راست علم پنهان آسمان‌ها و زمین و نیست کار قیامت (یعنی نزدیک قدرت او)، مگر مانند چشم بهم زدن، بلکه نزدیک‌تر است، هرآیینه خدا بر همه چیز تواناست. ﴿۷۷﴾ و خدا بیرون آورد شما را از شکم‌های مادران شما، نمی‌دانستید چیزی را و پیدا ساخت برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها تا بُوَد که شکر کنید. ﴿۷۸﴾ آیا ندیدند به سوی مرغان رام شده در هوای آسمان؟ نگاه نمی‌دارد ایشان را مگر خدا، هرآیینه در این نشانه‌هاست گروهی راکه ایمان می‌آرند. ﴿۷۹﴾

۱- مترجم گوید: حاصل این دو مثل، آن است که آنچه در عالم تصرف ندارد، با خدا برابر نیست، چنانکه مملوکِ نا توان با مالکِ توانا برابر نست و چنانکه کنگ بی‌تمیز با صاحب هدایت و اهتدا برابر نیست.

وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمۡ سَكَنٗا وَجَعَلَ لَكُم
مِّن جُلُودِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ بُيُوتٗا تَسۡتَخِفُّونَهَا يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ
وَيَوۡمَ إِقَامَتِكُمۡ وَمِنۡ أَصۡوَافِهَا وَأَوۡبَارِهَا وَأَشۡعَارِهَآ
أَثَٰثٗا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ﴿٨٠﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا
خَلَقَ ظِلَٰلٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡجِبَالِ أَكۡنَٰنٗا
وَجَعَلَ لَكُمۡ سَرَٰبِيلَ تَقِيكُمُ ٱلۡحَرَّ وَسَرَٰبِيلَ
تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ
لَعَلَّكُمۡ تُسۡلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا عَلَيۡكَ ٱلۡبَلَٰغُ
ٱلۡمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا
وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٣﴾ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٖ
شَهِيدٗا ثُمَّ لَا يُؤۡذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ وَلَا هُمۡ
يُسۡتَعۡتَبُونَ ﴿٨٤﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ ٱلۡعَذَابَ فَلَا
يُخَفَّفُ عَنۡهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا رَءَا ٱلَّذِينَ
أَشۡرَكُواْ شُرَكَآءَهُمۡ قَالُواْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا ٱلَّذِينَ
كُنَّا نَدۡعُواْ مِن دُونِكَۖ فَأَلۡقَوۡاْ إِلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلَ إِنَّكُمۡ
لَكَٰذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَأَلۡقَوۡاْ إِلَى ٱللَّهِ يَوۡمَئِذٍ ٱلسَّلَمَۖ وَضَلَّ
عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٨٧﴾

خدا ساخت برای شما از خانه‌های شما جای سکونت و ساخت برای شما از پوست چهارپایان، خانه‌هایی. سبک می‌یابید آن را روز سفر خود و روز اقامت خود و ساخت از پشم‌های وی و کُرک‌های وی و موهای وی اسباب خانه و بهره‌مندی تا وقت مقرر. ﴿۸۰﴾ و خدا پیدا ساخت برای شما از مخلوقات خود سایه‌ها و پیدا کرد برای شما از کوه‌ها، غارها و ساخت برای شما جامه‌ها که نگاه دارد شما را از گرمی[۱] و جامه‌هایی که نگاه دارد شما را از ضرر جنگ شما. همچنین تمام می‌دهد نعمت خود را بر شما، تا بُوَد که منقاد شوید. ﴿۸۱﴾ پس اگر اعراض کنند، جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است. ﴿۸۲﴾ می‌شناسند نعمت خدا را باز انکار آن می‌کنند و بیشتر ایشان، کافرانند. ﴿۸۳﴾ و آن روز که برانگیزیم از هر گروهی را گواهی را[۲] باز دستوری داده نشود کافران را[۳] و نه از ایشان رجوع به مرضیات الهی طلب کرده شود. ﴿۸۴﴾ و چون ببینند ستمکاران عذاب را [اضطراب کنند]، پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۸۵﴾ و چون ببینند مشرکان شریکان خود را، گویند: ای پروردگار ما! این جماعت شریکان مااند که می‌پرستیدیم بجز تو. پس شریکان پیغام اندازند به سوی ایشان [این سخن را] که: هرآیینه شما دروغگویانید. ﴿۸۶﴾ و این همه افگنند به سوی خدا آن روز پیغام انقیاد را و گم گردد از ایشان آنچه افترا می‌کردند. ﴿۸۷﴾

۱- یعنی و از سردی نیز.
۲- و آن نبی آن قوم باشد، والله اعلم.
۳- یعنی تا عذر خود کنند.

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدۡنَٰهُمۡ عَذَابٗا
فَوۡقَ ٱلۡعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يُفۡسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي
كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ
شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا
لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٨٩﴾
۞إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي
ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ
يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوۡفُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ إِذَا
عَٰهَدتُّمۡ وَلَا تَنقُضُواْ ٱلۡأَيۡمَٰنَ بَعۡدَ تَوۡكِيدِهَا وَقَدۡ
جَعَلۡتُمُ ٱللَّهَ عَلَيۡكُمۡ كَفِيلًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا
تَفۡعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّتِي نَقَضَتۡ غَزۡلَهَا مِنۢ
بَعۡدِ قُوَّةٍ أَنكَٰثٗا تَتَّخِذُونَ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ
أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ
بِهِۦۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَا كُنتُمۡ فِيهِ
تَخۡتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ
وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَلَتُسۡـَٔلُنَّ
عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٩٣﴾

آنان‌که کافر شدند و بازداشتند[۱] از راه خدا، افزون دهیم ایشان را عذابی بالای عذابی به سبب آنکه فساد می‌کردند[۲]. ﴿۸۸﴾ و آن روز که بر انگیزیم در هر امّتی گواهی بر ایشان از قبیلهٔ ایشان[۳]، و بیاریم تو را گواه بر این کافران، و فرود آوردیم بر تو کتاب برای بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و بخشایش و مژده دادن، مسلمانان را. ﴿۸۹﴾ هرآیینه خدا می‌فرماید به انصاف و نیکوکاری و عطا کردن به خویشاوندان و منع می‌کند از بی‌حیایی و کار ناپسندیده و تعدّی. پند می‌دهد شما را تا بُوَد که شما پندپذیر شوید. ﴿۹۰﴾ و وفا کنید به عهد خدا چون عهد ببندید و مَشکنید سوگندها را بعدِ محکم ساختن آنها و هرآیینه ساخته‌اید خدا را بر خویش، نگهبان[۴]. هرآیینه خدا می‌داند آنچه می‌کنید. ﴿۹۱﴾ و مباشید مانند زنی که گسست رشتهٔ خود را بعد از استواری، پاره پاره ساخته. می‌سازید سوگندهای خویش را مکر در میان خود تا افزونتر شود گروهی از گروهی[۵]. جز این نیست که می‌آزماید خدا شما را به آن افزونی و البته بیان کند برای شما روز قیامت آنچه در آن اختلاف می‌نمودید[۶]. ﴿۹۲﴾ و اگر خواستی خدا، ساختی شما را یک گروه و لیکن گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه می‌نماید هر که را خواهد و البته پرسیده خواهید شد از آنچه می‌کردید. ﴿۹۳﴾

۱- یعنی مردمان را.
۲- یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن.
۳- مترجم گوید: و آن نبی آن قوم باشد.
۴- یعنی نام او را در قسم، مذکور کرده‌ای.
۵- یعنی برای منفعت دنیا تا مال و منال زیاده به دست آرد.
۶- مترجم گوید: مراد، تحریم یمین غموس است و حاصل مَثَل، آن است که اعمال خود را بر باد مکنید، چنانکه این زن عمل خود را تباه کرد، والله اعلم. و گویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس بر بادکنندهٔ اعمال است، والله اعلم.

وَلَا تَتَّخِذُوٓاْ أَيۡمَٰنَكُمۡ دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ فَتَزِلَّ قَدَمُۢ
بَعۡدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُواْ ٱلسُّوٓءَ بِمَا صَدَدتُّمۡ عَن سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَلَكُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشۡتَرُواْ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ
ثَمَنٗا قَلِيلًاۚ إِنَّمَا عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ
تَعۡلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِندَكُمۡ يَنفَدُ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ بَاقٖۗ
وَلَنَجۡزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓاْ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ
مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم
بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٩٧﴾ فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ
فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾ إِنَّهُۥ لَيۡسَ
لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾
إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ هُم بِهِۦ
مُشۡرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَّلۡنَآ ءَايَةٗ مَّكَانَ ءَايَةٖ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ
بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مُفۡتَرِۭۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا
يَعۡلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلۡ نَزَّلَهُۥ رُوحُ ٱلۡقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّ
لِيُثَبِّتَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

و مسازید سوگندهای خود را دغا در میان خویش که
آنگاه بلغزد قدم بعدِ استواری آن و بچشید عقوبت به سبب
بازداشتن از راه خدا، و شما را باشد عذاب بزرگ[1].
﴿۹۴﴾ و مستانید عوض عهد خدا بهای اندک، هرآیینه
آنچه نزدیک خدا است، آن بهتر است شما را اگر
دانسته‌اید. ﴿۹۵﴾ آنچه نزدیک شما است فانی شود و
آنچه نزدیک خداست، پاینده است و بدهیم صابران را مزد
ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند. ﴿۹۶﴾ هر که
عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است، هرآیینه
زنده کنیمش به زندگانی پاک[2] و بدهیم آن جماعت را
مزد ایشان به حسب نیکوترین آنچه می‌کردند. ﴿۹۷﴾ پس
وقتی که خواهی قرآن خواندن، پناه طلب کن به خدا از
شیطان رانده شده. ﴿۹۸﴾ هرآیینه نیست شیطان را غلبه بر
آنان‌که ایمان آوردند و به پروردگار خود توکّل می‌کنند.
﴿۹۹﴾ جز این نیست که غلبهٔ او بر آنان است که
دوستداری او می‌کنند و آنان‌که ایشان به خدا شریک مقرر
می‌کنند. ﴿۱۰۰﴾ و چون بدل کنیم آیتی به جای آیتی[3] و
خدا داننده‌تر است به آنچه فرود می‌آرد، گویند: جز این
نیست که تو افترا کننده‌ای. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند.
﴿۱۰۱﴾ بگو: فرود آورده است آن را روح القدس از
جانب پروردگار تو به راستی، تا مستقیم سازد مؤمنان را و
برای راه نمودن و مژده دادن، مسلمانان را. ﴿۱۰۲﴾

۱- مترجم گوید: یعنی در جهاد عهد کرده و قسم خورده دغا (عهد شکنی) کردن به سبب آن است که کافران من بعد قول ایشان را معتبر ندانند و به ایشان صحبت ندارند، بلکه مسلمانان در شبه افتند، والله اعلم.

۲- یعنی در دنیا نعمت دهیم.

۳- یعنی یک آیت به آیت دیگر، نسخ کنیم.

وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ
ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ
مُّبِينٌ ﴿١٠٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَا
يَهۡدِيهِمُ ٱللَّهُ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفۡتَرِي
ٱلۡكَذِبَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡكَٰذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا
مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَٰكِن مَّن
شَرَحَ بِٱلۡكُفۡرِ صَدۡرٗا فَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ مِّنَ ٱللَّهِ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١٠٦﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡحَيَوٰةَ
ٱلدُّنۡيَا عَلَى ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٠٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ
وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَا
جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ
رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا فُتِنُواْ ثُمَّ جَٰهَدُواْ
وَصَبَرُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١١٠﴾

و هرآیینه ما می‌دانیم که کافران می‌گویند: جز این نیست
که می‌آموزد این پیغامبر را آدمی. زبان کسی که نسبت
می‌کنند به سوی او، عجمی است و این قرآن، به زبان
عربی واضح است. ﴿۱۰۳﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان
نمی‌آرند به آیات خدا، راه ننماید ایشان را خدا و ایشان را
باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۰۴﴾ جز این نیست که افتراء
می‌کنند دروغ را آنان‌که ایمان ندارند به آیت‌های خدا و
ایشانند دروغگویان. ﴿۱۰۵﴾ هر که کافر شود به خدا بعد
از ایمان خود- مگر آنکه جبر کرده شود بر وی و دلش
آرمیده باشد به ایمان- و لیکن کسی که سینه گشاده کند
به کفر (یعنی راضی شود)، بر ایشان است خشمی از خدای
و ایشان راست، عذاب بزرگ. ﴿۱۰۶﴾ این خشم به سبب
آن است که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را بر
آخرت و به سبب آن است که خدا راه نمی‌نماید گروه
کافران را. ﴿۱۰۷﴾ ایشانند آن جماعت که مهر نهاده است
خدا بر دل‌های ایشان و بر گوش ایشان و دیدهای ایشان و
ایشانند بی‌خبران. ﴿۱۰۸﴾ شک نیست در آن که ایشانند
در آخرت، زیانکاران. ﴿۱۰۹﴾ باز پروردگار تو آنان را
که هجرت کردند بعد از آنکه عقوبت کرده شد ایشان را
[تا کلمهٔ کفر بگویند]، باز جهاد کردند و صبر نمودند،
هرآیینه پروردگار تو بعد از این مقدمه، آمرزگار مهربان
است. ﴿۱۱۰﴾

۞يَوۡمَ تَأۡتِي كُلُّ نَفۡسٖ تُجَٰدِلُ عَن نَّفۡسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ
نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ١١١ وَضَرَبَ ٱللَّهُ
مَثَلٗا قَرۡيَةٗ كَانَتۡ ءَامِنَةٗ مُّطۡمَئِنَّةٗ يَأۡتِيهَا رِزۡقُهَا رَغَدٗا
مِّن كُلِّ مَكَانٖ فَكَفَرَتۡ بِأَنۡعُمِ ٱللَّهِ فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ
لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ بِمَا كَانُواْ يَصۡنَعُونَ ١١٢ وَلَقَدۡ
جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مِّنۡهُمۡ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُ وَهُمۡ
ظَٰلِمُونَ ١١٣ فَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا
وَٱشۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ ١١٤ إِنَّمَا
حَرَّمَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ
لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦۖ فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١٥ وَلَا تَقُولُواْ لِمَا تَصِفُ
أَلۡسِنَتُكُمُ ٱلۡكَذِبَ هَٰذَا حَلَٰلٞ وَهَٰذَا حَرَامٞ لِّتَفۡتَرُواْ
عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ
ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ ١١٦ مَتَٰعٞ قَلِيلٞ وَلَهُمۡ عَذَابٌ
أَلِيمٞ ١١٧ وَعَلَى ٱلَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمۡنَا مَا قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ
مِن قَبۡلُۖ وَمَا ظَلَمۡنَٰهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ
يَظۡلِمُونَ ١١٨

آن روز که بیاید هر شخصی جدال کنان از طرف ذات خود و به تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۱۱۱﴾ و بیان کرد خدا داستان دیهی که بود ایمن آرمیده، می‌آمد به او روزی او به گشادگی از هر جای. پس ناسپاسی کرد به نعمت‌های خدا، پس چشانید خدا آن را پوشش گرسنگی و ترس به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۱۲﴾ و هرآیینه آمد پیش ایشان پیغامبری از جنس ایشان، پس دروغی داشتندش، پس گرفت ایشان را عقوبت و ایشان ستمکار بودند[1]. ﴿۱۱۳﴾ پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شما را حلال پاکیزه و شکر کنید بر نعمت خدا اگر او را می‌پرستید ﴿۱۱۴﴾ جز جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما مردار را و خون و گوشت خوك را و آنچه ذکر کرده شد نام غیر خدا بر ذبح وی، پس هر که بیچاره شد، نه ستم کرده و نه از حد گذشته، پس خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۱۵﴾ و مگویید چیزی را که بیان می‌کند [حکم او را] زبان شما به دروغ، آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید بر خدا دروغ را، هرآیینه آنان‌که افترا می‌کنند بر خدا دروغ را، رستگار نمی‌شوند. ﴿۱۱۶﴾ [ایشان را بُوَد] بهرهٔ اندك و ایشان را باشد عذاب درد دهنده. ﴿۱۱۷﴾ و بر یهود حرام کرده بودیم آنچه قصّه خواندیم بر تو پیش از این (یعنی در سورهٔ انعام) و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن ایشان بر جان خویش ستم می‌کردند. ﴿۱۱۸﴾

۱- مترجم گوید: این قصهٔ اجمالی، انتزاع کرده شده است از قصه‌های بسیار و منطبق است بر واقعه‌های بی‌شمار و لهذا مثل نامیده شد و در عبارت: ﴿أَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلۡجُوعِ وَٱلۡخَوۡفِ﴾ جمع کرده شده است و تشبیه در یک سیاق، والله اعلم.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٖ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ
بَعۡدِ ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُوٓاْ إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ
رَّحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ
يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١٢٠﴾ شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِۚ ٱجۡتَبَىٰهُ
وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿١٢١﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَا
حَسَنَةٗۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ
أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ
مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ ٱلسَّبۡتُ عَلَى ٱلَّذِينَ
ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِۚ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ
بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ
أَحۡسَنُۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ
وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿١٢٥﴾ وَإِنۡ عَاقَبۡتُمۡ فَعَاقِبُواْ بِمِثۡلِ
مَا عُوقِبۡتُم بِهِۦۖ وَلَئِن صَبَرۡتُمۡ لَهُوَ خَيۡرٞ لِّلصَّٰبِرِينَ ﴿١٢٦﴾
وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا
تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ
ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

باز هرآیینه پروردگار تو آنان راکه کار بد کردند به نادانی،
باز توبه کردند بعد از آن و شایسته کار شدند، هرآیینه
پروردگار تو بعد از این توبه، آمرزگار مهربان است.
﴿۱۱۹﴾ هرآیینه ابراهیم بود بزرگواری عبادت کننده برای
خدا، حنیفی کیش و نبود از مشرکان[1]. ﴿۱۲۰﴾ سپاس
دارنده نعمتهای خدا را. برگزیدش خدا و دلالت نمودش به
سوی راه راست. ﴿۱۲۱﴾ و عطا کردیمش در این سرا،
نعمت و هرآیینه او در آخرت از شایسته حالان است.
﴿۱۲۲﴾ بعد از آن وحی فرستادیم به سوی تو که پیروی
کن کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان ﴿۱۲۳﴾
جز این نیست که لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنان‌که
اختلاف کردند در آن و هرآیینه پروردگار تو حکم کند
در میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف
می‌کردند[2]. ﴿۱۲۴﴾ دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی
راه پروردگار خویش به دانش و پند نیک و مناظره کن با
ایشان به طریقی که وی نیک است، هرآیینه پروردگار تو
داناتر است به کسی که گمراه باشد از راه او و او داناتر
است به راه‌یابان. ﴿۱۲۵﴾ و اگر مکافات کنید، پس
مکافات کنید به مثل آنچه با شما معامله کرده شد و اگر
صبر کنید، هرآیینه آن صبر بهتر است صابران را. ﴿۱۲۶﴾ و
شکیبایی کن و نیست شکیبایی تو مگر به توفیق خدا و
اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه بداندیشی
می‌کنند. ﴿۱۲۷﴾ هرآیینه خدا با پرهیزگاران است و با
آنان‌که ایشان نکوکارانند. ﴿۱۲۸﴾

۱- مترجم گوید: حنیف آن را گویند که حج و ختنه و غسل جنابت می‌کرده باشد، والله اعلم.

توضیح: حنیف آن را گویند که شرک و باطل را ترک کرده، بدین حق مائل باشد. (صحیح).

۲- مترجم گوید: یعنی یهود بحث می‌کردند در شنبه. طائفه‌ای گفتند که خدای تعالی روز شنبه از خلق فارغ شد، پس در شنبه عبادت باید کرد و طائفه‌ای سکوت کردند. خدای تعالی تعظیم روز شنبه به این سبب بر ایشان واجب گردانید، والله اعلم.

سُورَةُ الإِسْرَاءِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ
ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ
لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿١﴾
وَءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلٗا ﴿٢﴾ ذُرِّيَّةَ مَنۡ
حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٍۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَبۡدٗا شَكُورٗا ﴿٣﴾ وَقَضَيۡنَآ
إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ لَتُفۡسِدُنَّ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مَرَّتَيۡنِ وَلَتَعۡلُنَّ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ
أُولَىٰهُمَا بَعَثۡنَا عَلَيۡكُمۡ عِبَادٗا لَّنَآ أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ
فَجَاسُواْ خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِۚ وَكَانَ وَعۡدٗا مَّفۡعُولٗا ﴿٥﴾ ثُمَّ
رَدَدۡنَا لَكُمُ ٱلۡكَرَّةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَمۡدَدۡنَٰكُم بِأَمۡوَٰلٖ
وَبَنِينَ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ أَكۡثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ
أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ
ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُـُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ كَمَا
دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا ﴿٧﴾

سوره إسراء

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

پاک است آن که بِبُرد بندهٔ خود را شبی از مسجد حرام به
سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن، تا
بنماییمش بعض نشانه‌های خود، هرآیینه اوست شنوای
بینا[1]. ﴿۱﴾ و دادیم موسی را کتاب و ساختیمش هدایت،
بنی اسراییل را، [گفتیم]، که مگیرید بجز من کارسازی.
﴿۲﴾ ای فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را با نوح!
(یعنی بر کشتی) هرآیینه وی بود بندهٔ سپاسدار. ﴿۳﴾ و
وحی فرستادیم به سوی بنی اسراییل در تورات که البته
فساد خواهید کرد در زمین دوبار و البته طغیان خواهید کرد
بسرکشی بزرگ. ﴿۴﴾ پس چون بیاید وعدهٔ نخستین بار از
آن دو، بفریسیم بر شما بندگان خود را خداوندانِ کارزار
سخت، پس درآیند میان خانه‌ها و هست وعدهٔ خدا
کردنی[2]. ﴿۵﴾ باز دهیم شما را غلبه بر ایشان و پی درپی
دهیم شما را اموال و فرزندان و سازیم شما را بیشتر به
اعتبار لشکر[3]. ﴿۶﴾ [و گوییم]: اگر نیکوکاری کنید،
نیکوکاری کرده باشید برای جان خویش و اگر بدکاری
کنید، پس آن بدی، جان شما راست. پس چون بیاید وعدهٔ
دیگر [باز بفرستیم بندگان خود را] تا ناخوش سازند روی
شما را و تا درآیند به مسجد، چنانکه در آمده بودند اوّل
بار. و تا از پا بیفکنند بر هر چه غالب شوند، افکندنی[4].
﴿۷﴾

۱- یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از صعود بر آسمان‌ها آن حضرتﷺ را به مسجد بیت‌المقدس رسانید.

۲- مترجم گوید: و این وعده متحقق شد به تسلیط جالوت، پادشاه عمالقه.

۳- مترجم گوید: و این معنی در خلافت حضرت داود ظاهر شد.

۴- مترجم گوید: و این وعده متحقق شد وقتی که حضرت یحیی را کشتند. پس بخت نصر را مسلط ساخت.

عَسَىٰ رَبُّكُمۡ أَن يَرۡحَمَكُمۡۚ وَإِنۡ عُدتُّمۡ عُدۡنَاۚ
وَجَعَلۡنَا جَهَنَّمَ لِلۡكَٰفِرِينَ حَصِيرًا ٨ إِنَّ هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩
وَأَنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابًا
أَلِيمٗا ١٠ وَيَدۡعُ ٱلۡإِنسَٰنُ بِٱلشَّرِّ دُعَآءَهُۥ بِٱلۡخَيۡرِۖ وَكَانَ
ٱلۡإِنسَٰنُ عَجُولٗا ١١ وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ ءَايَتَيۡنِۖ
فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ وَجَعَلۡنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ
لِّتَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ وَلِتَعۡلَمُواْ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ
وَٱلۡحِسَابَۚ وَكُلَّ شَيۡءٖ فَصَّلۡنَٰهُ تَفۡصِيلٗا ١٢ وَكُلَّ
إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا ١٣ ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ
بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا ١٤ مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا
يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ وَلَا
تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ
رَسُولٗا ١٥ وَإِذَآ أَرَدۡنَآ أَن نُّهۡلِكَ قَرۡيَةً أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا
فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيۡهَا ٱلۡقَوۡلُ فَدَمَّرۡنَٰهَا تَدۡمِيرٗا
١٦ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِنَ ٱلۡقُرُونِ مِنۢ بَعۡدِ نُوحٖۗ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ١٧

[گوییم]: نزدیک است پروردگار شما آنکه رحم کند بر شما و اگر رجوع کنید به نافرمانی، ما رجوع کنیم به عقوبت، و ساختیم دوزخ را برای کافران، زندانی[1]. ﴿۸﴾ هرآیینه این قرآن راه می‌نماید به خصلتی که آن درست‌تر است و بشارت می‌دهد آن مسلمانان راکه کارهای شایسته می‌کنند، به آنکه ایشان را باشد مزد بزرگ. ﴿۹﴾ و [خبر می‌دهد که] آنان‌که ایمان نیاورده‌اند به آخرت، آماده کرده‌ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده. ﴿۱۰﴾ و دعا می‌کند آدمی به بدی[2]، مانند دعای وی به نیکویی و هست آدمی شتابکار. ﴿۱۱﴾ و ساختیم شب و روز را دو نشانه، پس بی‌نور ساختیم نشانهٔ شب را و ساختیم نشانهٔ روز را سبب دیدن اشیا، تا طلب کنید فضل را از پروردگار خود و تا بدانید شمار سال‌ها را و بدانید حساب را و هر چیزی را بیان کردیم به تفصیل. ﴿۱۲﴾ و به هر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را بسته در گردن او و بیرون آریم برای او روز قیامت، نامه‌ای که ببیند آن را باز گشاده. ﴿۱۳﴾ گوئیم بخوان نامهٔ خود را. بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده. ﴿۱۴﴾ هر که راهیاب شد، پس جز این نیست که راهیاب می‌شود برای نفع خود و هر که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود بر ضرر خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری را. ﴿۱۵﴾ و چون خواهیم که هلاک کنیم دیهی را می‌فرماییم به سرکشانِ آنجا (یعنی آنچه خواهیم از) پس نافرمانی کردند آنجا پس ثابت شد بر آن دیه وعدهٔ عذاب، پس برهم زدیم ایشان را برهم زدنی. ﴿۱۶﴾ و بساکَس را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعدِ نوح و بس است پروردگار تو به گناهِ بندگان خود، دانای بینا. ﴿۱۷﴾

۱- مترجم گوید: ایشان عود کردند به فساد و تکذیب حضرت عیسی حضرت پیغامبر، جنگ کردند با او، پس خدای تعالی عود فرمود به تعذیب ایشان به قتل و اسرو جزیه.

۲- مترجم گوید: یعنی در حالت تنگدلی بر خود و بر اولاد خود دعای بد می‌کند.

مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ
لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا
مَّدۡحُورٗا ﴿١٨﴾ وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ
مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا ﴿١٩﴾ كُلّٗا نُّمِدُّ
هَٰٓؤُلَآءِ وَهَٰٓؤُلَآءِ مِنۡ عَطَآءِ رَبِّكَۚ وَمَا كَانَ عَطَآءُ
رَبِّكَ مَحۡظُورًا ﴿٢٠﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ فَضَّلۡنَا بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ
بَعۡضٖۚ وَلَلۡأٓخِرَةُ أَكۡبَرُ دَرَجَٰتٖ وَأَكۡبَرُ تَفۡضِيلٗا ﴿٢١﴾
لَّا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقۡعُدَ مَذۡمُومٗا مَّخۡذُولٗا
﴿٢٢﴾ ۞وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ
إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا
فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا
كَرِيمٗا ﴿٢٣﴾ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ
وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمۡ
أَعۡلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمۡۚ إِن تَكُونُواْ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ
كَانَ لِلۡأَوَّٰبِينَ غَفُورٗا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ
وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرۡ تَبۡذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ
ٱلۡمُبَذِّرِينَ كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ
لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا ﴿٢٧﴾

هر که خواسته باشد [آسودگیِ] دنیا، به شتاب دهیم وی را
در آنجا هرچه خواهیم هر که را خواهیم، باز مقرر کنیم
برای او دوزخ، درآید به آن نکوهیدهٔ رانده شده. ﴿۱۸﴾ و
هر که بخواهد [ثواب] آخرت و سعی کند برای آن سعیِ
که لایق وی است و او مسلمان باشد، پس این جماعت
هست سعی ایشان مقبول. ﴿۱۹﴾ هر فرقه را پی‌درپی
می‌دهیم، این فرقه را و آن فرقه را از بخشش پروردگار تو
و نیست بخشش پروردگار تو باز داشته شده. ﴿۲۰﴾ ببین
چگونه افزونی داده‌ایم بعضی مردمان را بر بعض[1]،
هرآیینه آخرت زیاده‌تر بود در تمییز درجات و بیشتر باشد
در افزونی دادن. ﴿۲۱﴾ مقرر مکن با خدا معبود دیگر را
آنگاه بنشینی نکوهیدهٔ بی‌یار مانده. ﴿۲۲﴾ و حکم کرد
پروردگار تو که: عبادت مکنید مگر خودش را و بکنید با
پدر و مادر نیکوکاری. اگر برسد نزدیک تو به کلال سالی
یکی از ایشان یا هر دو، پس مگو ایشان را اُفّ! و بانگ
مزن بر ایشان و بگو به ایشان سخن نیکو. ﴿۲۳﴾ و پست
کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو:
ای پروردگار من! ببخشا بر ایشان، چنانکه پرورش کردند
مرا در خردسالی. ﴿۲۴﴾ پروردگار شما داناتر است به
آنچه در ضمیر شماست. اگر باشید شایسته، پس هرآیینه
وی هست رجوع کنندگان را، آمرزنده. ﴿۲۵﴾ و بده به
خداوندان قرابت، حق وی را و به درویش و به راهگذری،
و اسراف مکن اسراف کردنی. ﴿۲۶﴾ هرآیینه اسراف
کنندگان هستند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت
پروردگار خود، ناسپاس. ﴿۲۷﴾

۱- یعنی در دنیا به حد رزق و جاه.

وَإِمَّا تُعۡرِضَنَّ عَنۡهُمُ ٱبۡتِغَآءَ رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ تَرۡجُوهَا
فَقُل لَّهُمۡ قَوۡلٗا مَّيۡسُورٗا ٢٨ وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً
إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا
مَّحۡسُورًا ٢٩ إِنَّ رَبَّكَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقۡدِرُۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرَۢا بَصِيرٗا ٣٠ وَلَا
تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُمۡ خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُهُمۡ
وَإِيَّاكُمۡۚ إِنَّ قَتۡلَهُمۡ كَانَ خِطۡـٔٗا كَبِيرٗا ٣١ وَلَا تَقۡرَبُواْ
ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا ٣٢ وَلَا تَقۡتُلُواْ
ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا
فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي ٱلۡقَتۡلِۖ
إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا ٣٣ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا
بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ
إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡـُٔولٗا ٣٤ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ إِذَا كِلۡتُمۡ
وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ
تَأۡوِيلٗا ٣٥ وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ
ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ
مَسۡـُٔولٗا ٣٦ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّكَ لَن
تَخۡرِقَ ٱلۡأَرۡضَ وَلَن تَبۡلُغَ ٱلۡجِبَالَ طُولٗا ٣٧ كُلُّ ذَٰلِكَ
كَانَ سَيِّئُهُۥ عِندَ رَبِّكَ مَكۡرُوهٗا ٣٨

و اگر روبگردانی از این جماعت به انتظار رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی، پس بگو ایشان را سخن ملایم. ﴿۲۸﴾ و مکن دست خود را بسته با گردن خود و مگشای آن را تمام گشادن، که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده[۱]، درمانده گشته[۲]. ﴿۲۹﴾ هرآیینه پروردگار تو می‌گشاید و تنگ می‌کند روزی برای هر که خواهد، هرآیینه او به بندگان خود دانای بیناست. ﴿۳۰﴾ و مکُشید اولاد خود را از ترس تنگدستی. ما روزی می‌دهیم ایشان را و شما را، هرآیینه کشتن ایشان هست گناهی عظیم. ﴿۳۱﴾ و نزدیک مشوید به زنا، هرآیینه وی بی‌حیایی است و بد راهی است وی. ﴿۳۲﴾ و مکُشید نفسی راکه محترم ساخته است خدا، مگر به حق و هر که کشته شود به ستم، پس داده‌ایم وارث او را قوّتی[۳]، پس باید که زیادتی نکند در کشتن، هرآیینه وی هست یاری داده شده. ﴿۳۳﴾ و نزدیک مشوید به مال یتیم، مگر به طریقی که او نیک است. تا آنکه رسد به نهایت قوّت خود و وفاکنید به عهد، هرآیینه عهد، پرسیده خواهد شد از او. ﴿۳۴﴾ و تمام کنید پیمانه را چون به بپیمائید و بسنجید به ترازوی راست، این بهتر است و نیکوتر است از جهت عاقبت. ﴿۳۵﴾ و مَرو پیِ چیزی که تو را دانش آن نیست، هرآیینه گوش و چشم و دل هر یکی از اینها پرسیده خواهد شد ازو. ﴿۳۶﴾ و مَرو در زمین، خرامان[۴]، هرآیینه تو نخواهی شکافت زمین را و نرسی به کوه‌ها در درازی. ﴿۳۷﴾ همهٔ این خصلت‌هاست، بد فعلی، آن نزدیک پروردگار تو ناپسندیده. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی در صورت بخل.

۲- یعنی در صورت اسراف.

۳- یعنی حق قصاص.

۴- یعنی متکبرانه و مغرورانه.

ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ
مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدۡحُورًا
﴿٣٩﴾ أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم بِٱلۡبَنِينَ وَٱتَّخَذَ مِنَ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنَٰثًاۚ إِنَّكُمۡ لَتَقُولُونَ قَوۡلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾
وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمۡ
إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُل لَّوۡ كَانَ مَعَهُۥٓ ءَالِهَةٞ كَمَا يَقُولُونَ
إِذٗا لَّٱبۡتَغَوۡاْ إِلَىٰ ذِي ٱلۡعَرۡشِ سَبِيلٗا ﴿٤٢﴾ سُبۡحَٰنَهُۥ
وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٤٣﴾ تُسَبِّحُ لَهُ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبۡعُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ وَإِن مِّن شَيۡءٍ
إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمۡدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفۡقَهُونَ تَسۡبِيحَهُمۡۚ
إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ
جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ
حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ أَكِنَّةً أَن
يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۚ وَإِذَا ذَكَرۡتَ رَبَّكَ فِي
ٱلۡقُرۡءَانِ وَحۡدَهُۥ وَلَّوۡاْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِمۡ نُفُورٗا ﴿٤٦﴾ نَّحۡنُ
أَعۡلَمُ بِمَا يَسۡتَمِعُونَ بِهِۦٓ إِذۡ يَسۡتَمِعُونَ إِلَيۡكَ وَإِذۡ هُمۡ
نَجۡوَىٰٓ إِذۡ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلٗا
مَّسۡحُورًا ﴿٤٧﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ لَكَ ٱلۡأَمۡثَالَ فَضَلُّواْ
فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلٗا ﴿٤٨﴾ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا
وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدٗا ﴿٤٩﴾

این از آن جمله است که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگار تو از علم و مقرّر مکن با خدا معبودی دیگر را، آنگاه انداخته شوی در دوزخ، ملامت کرده شدۀ رانده گشته. ﴿۳۹﴾ آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران و خود فرا گرفت از فرشتگان دختران را؟ هرآیینه شما می‌گویید سخن گران. ﴿۴۰﴾ و هرآیینه به هر نوع سخن گفتیم در این قرآن تا پندپذیر شوند و نمی‌افزاید در حق ایشان مگر رمیدن را. ﴿۴۱﴾ بگو: اگر بودندی با خدای معبودان دیگر، چنانکه می‌گویند، آنگاه طلب کردندی به سوی خداوند عرش، راه منازعت را. ﴿۴۲﴾ پاک است وی و بلند است از آنچه می‌گویند، بلندی عظیم. ﴿۴۳﴾ به پاکی یاد می‌کنند او را آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر که در میان اینهاست و نیست هیچ چیز مگر به پاکی یاد می‌کند با ستایش او و لیکن شما فهم نمی‌کنید یاد کردن ایشان را، هرآیینه وی هست بردبار آمرزگار. ﴿۴۴﴾ و چون می‌خوانی قرآن را، می‌سازیم در میان تو و در میان آنان‌که باور نمی‌دارند آخرت را، پردۀ پوشیده. ﴿۴۵﴾ و می‌نهیم بر دل ایشان پوشش‌ها تا نفهمندش و در گوش ایشان گرانی را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها، روگردان شوند بر جانب پشت‌های خود رمیده شده[۱]. ﴿۴۶﴾ ما داناتریم به چیزی که می‌شنوند به سبب آن[۲]، وقتی که گوش می‌نهند به سوی تو و وقتی که ایشان رازگویان باشند. وقتی که می‌گویند این ستمکاران: پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو کرده را. ﴿۴۷﴾ بنگر چگونه زدند داستان‌ها برای تو، پس گمراه شدند، پس نمی‌توانند راه یافتن. ﴿۴۸﴾ و گفتند: آیا چون شویم استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده، آیا ما برانگیخته شویم به آفرینش نو؟!. ﴿۴۹﴾

۱- مترجم گوید: درین هر دو آیت، کنایت است از عدم انتفاع ایشان به قرآن و مواعظ.

۲- یعنی به قصد استهزا وعیب‌جویی.

۞قُلۡ كُونُواْ حِجَارَةً أَوۡ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوۡ خَلۡقٗا مِّمَّا
يَكۡبُرُ فِي صُدُورِكُمۡۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَاۖ قُلِ
ٱلَّذِي فَطَرَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖۚ فَسَيُنۡغِضُونَ إِلَيۡكَ رُءُوسَهُمۡ
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَۖ قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبٗا ﴿٥١﴾
يَوۡمَ يَدۡعُوكُمۡ فَتَسۡتَجِيبُونَ بِحَمۡدِهِۦ وَتَظُنُّونَ إِن
لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُواْ ٱلَّتِي هِيَ
أَحۡسَنُۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ يَنزَغُ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ
لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٗا مُّبِينٗا ﴿٥٣﴾ رَّبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِكُمۡۖ إِن
يَشَأۡ يَرۡحَمۡكُمۡ أَوۡ إِن يَشَأۡ يُعَذِّبۡكُمۡۚ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ
عَلَيۡهِمۡ وَكِيلٗا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعۡلَمُ بِمَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۗ وَلَقَدۡ فَضَّلۡنَا بَعۡضَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ عَلَىٰ بَعۡضٖۖ
وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا ﴿٥٥﴾ قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن
دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا
تَحۡوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ
ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ
عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن
قَرۡيَةٍ إِلَّا نَحۡنُ مُهۡلِكُوهَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَوۡ
مُعَذِّبُوهَا عَذَابٗا شَدِيدٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
مَسۡطُورٗا ﴿٥٨﴾

بگو: سنگ شوید یا آهن شوید. ﴿۵۰﴾ یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما. پس خواهند گفت: کِه باز پیدا کند ما را؟! بگو: کسی که آفرید شما را اوّل بار. باز پس خواهند جنبانید به سوی تو سر خود را[1] و خواهند گفت: کی باشد آن؟ بگو شاید که نزدیک باشد. ﴿۵۱﴾ روزی که خدا بخواند شما را، پس قبول کنید خواندن او را حمدگویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی. ﴿۵۲﴾ و بگو بندگان مراکه بگویند کلمه که آن بهتر است (یعنی با کفار)، هرآیینه شیطان نزاع می‌افکند میان مردمان، هرآیینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا. ﴿۵۳﴾ [و مراد از این کلمه این است که] پروردگار شما داناتر است به حال شما. اگر خواهد رحم کند بر شما و اگر خواهد عقوبت کند شما را و نفرستادیم تو را [یا محمد] بر ایشان، نگاهبان[2]. ﴿۵۴﴾ و پروردگار تو داناتر است به هر که در آسمان‌ها و زمین است و هرآیینه فضل دادیم بعض پیغامبران را بر بعض و دادیم داود را زبور. ﴿۵۵﴾ بگو: بخوانید آنان را که گمان دارید [الوهیّت در حقّ ایشان] بجز خدا، پس نتوانند برداشتن سختی را از شما و نه تغییر دادن. ﴿۵۶﴾ آنان‌که ایشان را می‌پرستند کافران، طلب می‌کنند به سوی پروردگار خویش قرب راکه کدام یک از ایشان نزدیکتر باشد و توقع دارند کمال رحمت او را و می‌ترسند از عذاب او، هرآیینه هست عذاب پروردگار تو برحذر داشته شده. ﴿۵۷﴾ و نیست هیچ دیهی الاّ ما هلاک کنندهٔ وی‌ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کنندهٔ وی‌ایم به عقوبت سخت هست این وعده در لوح نوشته شده. ﴿۵۸﴾

۱- یعنی ملزم خواهند شد.

۲- مترجم گوید: واین کلمه پیش از امر جهاد بود.

وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرۡسِلَ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا
ٱلۡأَوَّلُونَۚ وَءَاتَيۡنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبۡصِرَةٗ فَظَلَمُواْ بِهَاۚ وَمَا
نُرۡسِلُ بِٱلۡأٓيَٰتِ إِلَّا تَخۡوِيفٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ
أَحَاطَ بِٱلنَّاسِۚ وَمَا جَعَلۡنَا ٱلرُّءۡيَا ٱلَّتِيٓ أَرَيۡنَٰكَ إِلَّا
فِتۡنَةٗ لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ فِي ٱلۡقُرۡءَانِۚ
وَنُخَوِّفُهُمۡ فَمَا يَزِيدُهُمۡ إِلَّا طُغۡيَٰنٗا كَبِيرٗا ﴿٦٠﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا
لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ إِلَّآ إِبۡلِيسَ قَالَ
ءَأَسۡجُدُ لِمَنۡ خَلَقۡتَ طِينٗا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَءَيۡتَكَ هَٰذَا
ٱلَّذِي كَرَّمۡتَ عَلَيَّ لَئِنۡ أَخَّرۡتَنِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ
لَأَحۡتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱذۡهَبۡ فَمَن
تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمۡ جَزَآءٗ مَّوۡفُورٗا ﴿٦٣﴾
وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ
عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ
وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا
﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيۡسَ لَكَ عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰنٞۚ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ وَكِيلٗا ﴿٦٥﴾ رَّبُّكُمُ ٱلَّذِي يُزۡجِي لَكُمُ ٱلۡفُلۡكَ
فِي ٱلۡبَحۡرِ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا
﴿٦٦﴾

و باز نداشت ما راکه بفرستیم نشانه‌ها مگر آنکه دروغ
شمرده بودند آن را پیشینیان. و دادیم ثمود را شتر ماده تا
نشانه باشد، پس کافر شدند به وی و نمی‌فرستیم نشانه‌ها را
مگر برای ترسانیدن. ﴿۵۹﴾ و یاد کن چون گفتیم تو راکه:
پروردگار تو در گرفته است همهٔ مردمان را. (یعنی در
قدرت خود)، و نساختیم نمایشی راکه نمودیم به تو، مگر
امتحانی مردمان را و نساختیم درختی راکه نفرین کرده شد
در قرآن [مگر امتحانی]، و می‌ترسانیم ایشان را، پس
نمی‌افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ
را[1]. ﴿۶۰﴾ و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را: سجده کنید
به سوی آدم، پس سجده کردند مگر ابلیس. گفت: آیا
سجده کنم کسی راکه آفریده‌ای از گِل؟. ﴿۶۱﴾ باز
گفت: آیا دیدی این شخص راکه فضل داده‌ای بر من، اگر
موقوف گذاری مرا تا روز قیامت، البته از بیخ برکنم اولاد
او را مگر اندکی. ﴿۶۲﴾ خدا فرمود: برو! پس هر کسی
که پیروی تو کند از ایشان، پس دوزخ سزای همهٔ
شماست، سزای کامل. ﴿۶۳﴾ و از جا بجنبان هر که را
توانی از ایشان به آواز خود و آواز بکن بر [هلاکت] ایشان
سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در
اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را، و وعده نمی‌دهد
ایشان را شیطان مگر به فریب[2]. ﴿۶۴﴾ هرآیینه بندگان من،
نیست تو را بر ایشان هیچ قدرتی و بس است پروردگار تو
کارساز. ﴿۶۵﴾ پروردگار شما آن است که روان می‌کند
برای شماکشتی‌ها را در دریا تا طلب معیشت کنید از فضل
او، هرآیینه او هست بر شما مهربان. ﴿۶۶﴾

۱- یعنی چون کافران قصهٔ معراج شنیدند و آیت: ﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ ﴿٤٤﴾﴾ [الدخان: ۴۳-۴۴]. به ایشان رسید، استبعاد کردند و محل طعن ساختند.

۲- مترجم گوید: و این تصویر است سعی شیطان را در گمراه کردن ایشان، مأخوذ از فعل رئیس دزدان، چون دهی را غارت کند برایشان نعره می‌زند و سواران و پیادگان خود را آواز می‌دهد که ازین سو بگیر و از آن سو بگیر.

وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلۡبَحۡرِ ضَلَّ مَن تَدۡعُونَ إِلَّآ
إِيَّاهُۖ فَلَمَّا نَجَّىٰكُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ أَعۡرَضۡتُمۡۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ
كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنتُمۡ أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ جَانِبَ ٱلۡبَرِّ أَوۡ
يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗا ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ وَكِيلًا
﴿٦٨﴾ أَمۡ أَمِنتُمۡ أَن يُعِيدَكُمۡ فِيهِ تَارَةً أُخۡرَىٰ فَيُرۡسِلَ
عَلَيۡكُمۡ قَاصِفٗا مِّنَ ٱلرِّيحِ فَيُغۡرِقَكُم بِمَا كَفَرۡتُمۡ
ثُمَّ لَا تَجِدُواْ لَكُمۡ عَلَيۡنَا بِهِۦ تَبِيعٗا ﴿٦٩﴾ ۞وَلَقَدۡ
كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم
مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا
تَفۡضِيلٗا ﴿٧٠﴾ يَوۡمَ نَدۡعُواْ كُلَّ أُنَاسِۭ بِإِمَٰمِهِمۡۖ فَمَنۡ أُوتِيَ
كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَقۡرَءُونَ كِتَٰبَهُمۡ وَلَا
يُظۡلَمُونَ فَتِيلٗا ﴿٧١﴾ وَمَن كَانَ فِي هَٰذِهِۦٓ أَعۡمَىٰ فَهُوَ
فِي ٱلۡأٓخِرَةِ أَعۡمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ﴿٧٢﴾ وَإِن كَادُواْ
لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا
غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا ﴿٧٣﴾ وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ
لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذٗا
لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ
لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا ﴿٧٥﴾

و چون برسد به شما سختی در دریا، گم شود هرکه او را
می‌خوانید، مگر خدا، پس چون خلاص ساخت شما را به
سوی خشکی، روگردان شوید و هست آدمی، ناسپاس.
﴿۶۷﴾ آیا ایمن شده‌اید از آنکه فرو برد شما را به جانبی
از خشکی یا بفرستد بر شما باد تندی که سنگریزه افکند،
باز نیابید برای خود هیچ نگاهبانی؟. ﴿۶۸﴾ آیا ایمن
شده‌اید از آنکه باز در آرد شما را به دریا بار دیگر، پس
بفرستد بر شما از جنس باد، باد تندی را پس غرق گرداند
شما را به سبب آنکه کافر شدید، باز نیابید برای خود هیچ
مؤاخذه کننده بر ما به سبب آن غرق. ﴿۶۹﴾ و هرآیینه
بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و برداشتیم ایشان را در
بیابان و در دریا[1] و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها و
فضل دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم، فضل
دادنی. ﴿۷۰﴾ روزی که بخوانیم هر فرقه را با پیشوای
ایشان، پس هرکه داده شده نامهٔ اعمال او به دست راستش،
پس آن جماعت بخوانند نامهٔ خود را و ستم کرده نشوند
مقدار یک رشته. ﴿۷۱﴾ و هر که باشد در دنیا کور[2]، وی
در آخرت نیز کور است و خطا کننده‌تر است راه را.
﴿۷۲﴾ و هرآیینه نزدیک بودند که به فریب بازدارند تو را
از آنچه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو، تا بر بندی بر ما غیر
آن را و آنگاه دوست گرفتندی تو را. ﴿۷۳﴾ و اگر نه آن
بودی که ثابت داشتیم تو را، نزدیک بودی که میل کنی به
سوی ایشان، اندک میلی. ﴿۷۴﴾ آنگاه می‌چشانیدیم تو را
دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ، باز
نمی‌یافتی برای خود مدد کننده‌ای بر ما. ﴿۷۵﴾

۱- یعنی بر دواب و کشتی.

۲- یعنی حقیقت را نبیند.

وَإِن كَادُواْ لَيَسۡتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ لِيُخۡرِجُوكَ مِنۡهَاۖ
وَإِذٗا لَّا يَلۡبَثُونَ خِلَٰفَكَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَن قَدۡ
أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِن رُّسُلِنَاۖ وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحۡوِيلًا ﴿٧٧﴾
أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ
ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا ﴿٧٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ
فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا
مَّحۡمُودٗا ﴿٧٩﴾ وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ
وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ
سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ﴿٨٠﴾ وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَٰطِلُۚ إِنَّ
ٱلۡبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقٗا ﴿٨١﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ
شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا
خَسَارٗا ﴿٨٢﴾ وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا
بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ يَـُٔوسٗا ﴿٨٣﴾ قُلۡ كُلّٞ يَعۡمَلُ
عَلَىٰ شَاكِلَتِهِۦ فَرَبُّكُمۡ أَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ أَهۡدَىٰ سَبِيلٗا
﴿٨٤﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلرُّوحِۖ قُلِ ٱلرُّوحُ مِنۡ أَمۡرِ رَبِّي
وَمَآ أُوتِيتُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٨٥﴾ وَلَئِن شِئۡنَا
لَنَذۡهَبَنَّ بِٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ
عَلَيۡنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

و هرآیینه نزدیک بود که بلغزانند تو را از زمین تا جلا وطن کنند تو را از آنجا و آنگاه نمانند پس از تو مگر اندکی. ﴿۷۶﴾ مانند روش آنان‌که فرستاده‌ایم ایشان را پیش از تو از پیغامبرانِ خویش و نخواهی یافت روش ما را تبدیلی[۱]. ﴿۷۷﴾ برپادار نماز را وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن خواندن فجر را، هرآیینه قرآن خواندن فجر را حاضر می‌شوند فرشتگان. ﴿۷۸﴾ و بعضی شب بیدار باش به قرآن. شب خیزی زیاده شد برای تو. نزدیک است که ایستاده کند تو را پروردگار تو به مقامی پسندیده[۲]. ﴿۷۹﴾ و بگو: ای پروردگار من! درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آر مرا بیرون آوردن پسندیده و ساز برای من از نزد خود، قوّتی یاری دهنده[۳]. ﴿۸۰﴾ و بگو: آمد دین حق و نابود شد دین باطل، هرآیینه باطل است نابود شونده. ﴿۸۱﴾ و فرود می‌آریم از قرآن آنچه وی شفا است و رحمت است مسلمانان را و نمی افزاید در حق ستمکاران، مگر زیان را. ﴿۸۲﴾ و چون انعام کنیم بر آدمی، روبگرداند و پیچاند بازوی خود را و چون رسد به وی سختی، ناامید باشد. ﴿۸۳﴾ بگو: هر کسی کار می‌کند بر طریقهٔ خود، پس پروردگار شما داناتر است به آنکه وی یابنده‌تر بود راه را. ﴿۸۴﴾ و سؤال می‌کنند تو را از روح. بگو: روح از فرمان پروردگار من است و شما نداده شده‌اید از علم، مگر اندکی. ﴿۸۵﴾ و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو، باز نیابی برای خود به سبب آن بر ما کارسازی. ﴿۸۶﴾

۱- مترجم گوید: و این معنی روز بدر متحقق شد و جمعی که در پی ایذای آن حضرت بودند مقتول شد و ﴿وَإِن كَادُواْ﴾ به جهت این گفته شد که وقت نزول آیت، قصد لغزانیدن داشتند وهنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند، والله اعلم.

۲- یعنی مقام شفاعت.

۳- یعنی در هر حال اعانت کن مرا، چه وقت دخول در آنجا چه وقت خروج از آنجا.

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّ فَضْلَهُۥ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ٨٧
قُل لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ
هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ
لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ٨٨ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا
ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا
٨٩ وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ ٱلْأَرْضِ
يَنۢبُوعًا ٩٠ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ
فَتُفَجِّرَ ٱلْأَنْهَٰرَ خِلَٰلَهَا تَفْجِيرًا ٩١ أَوْ تُسْقِطَ ٱلسَّمَآءَ
كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِىَ بِٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ
قَبِيلًا ٩٢ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ
فِى ٱلسَّمَآءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا
كِتَٰبًا نَّقْرَؤُهُۥۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّى هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا
رَّسُولًا ٩٣ وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ
ٱلْهُدَىٰٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَبَعَثَ ٱللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا ٩٤ قُل
لَّوْ كَانَ فِى ٱلْأَرْضِ مَلَٰٓئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا
عَلَيْهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا ٩٥ قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ
شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا
بَصِيرًا ٩٦

لیکن [باقی گذاشتمش] به سبب رحم از جانب پروردگار تو، هرآیینه فضل وی بر تو بزرگ است. ﴿۸۷﴾ بگو: اگر جمع شوند آدمیان و جنّ بر آنکه بیارند مانند این قرآن، هرگز نیارند مانند آن و اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مدد دهنده. ﴿۸۸﴾ وهرآینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر داستانی. پس قبول نکردند بیشتر مردمان، مگر ناسپاسی را. ﴿۸۹﴾ وگفتند: هرگز باور نداریم تو را، تا آنکه جاری کنی برای ما از زمین، چشمه‌ای. ﴿۹۰﴾ یا باشد تو را بوستانی از خرما و انگور، پس روان کنی جوی‌ها در میان آنها روان کردنی. ﴿۹۱﴾ یا فرو آری آسمان را چنانچه گمان می‌کنی بر ما پاره پاره، یا بیاری خدا را و فرشتگان را روبه‌روی. ﴿۹۲﴾ یا باشد تو را خانه‌ای از زر یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن تو را تا آنکه فرود آری بر ما نوشته‌ای که بخوانیم آن را، بگو: پاک است پروردگار من، نیستم من مگر آدمی‌ای فرستاده شده. ﴿۹۳﴾ و بازنداشت مردمان را از آنکه ایمان آرند وقتی که آمد به ایشان هدایت، مگر آنکه گفتند: آیا خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است؟!. ﴿۹۴﴾ بگو: اگر می‌بودند در زمین فرشتگان که می‌رفتند آرمیده، هرآیینه پیغامبر می‌فرستادیم بر ایشان از آسمان، فرشته را. ﴿۹۵﴾ بگو: بس است خدا گواه میان من و میان شما، هرآیینه وی به بندگان خود دانای بیناست. ﴿۹۶﴾

وَمَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُمۡ
أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِهِۦۖ وَنَحۡشُرُهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَلَىٰ
وُجُوهِهِمۡ عُمۡيٗا وَبُكۡمٗا وَصُمّٗاۖ مَّأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ كُلَّمَا
خَبَتۡ زِدۡنَٰهُمۡ سَعِيرٗا ﴿٩٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمۡ
كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمٗا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا
لَمَبۡعُوثُونَ خَلۡقٗا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ ۞أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخۡلُقَ
مِثۡلَهُمۡ وَجَعَلَ لَهُمۡ أَجَلٗا لَّا رَيۡبَ فِيهِ فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ
إِلَّا كُفُورٗا ﴿٩٩﴾ قُل لَّوۡ أَنتُمۡ تَمۡلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحۡمَةِ رَبِّيٓ
إِذٗا لَّأَمۡسَكۡتُمۡ خَشۡيَةَ ٱلۡإِنفَاقِۚ وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ قَتُورٗا
﴿١٠٠﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ تِسۡعَ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۖ فَسۡـَٔلۡ
بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِذۡ جَآءَهُمۡ فَقَالَ لَهُۥ فِرۡعَوۡنُ إِنِّي
لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسۡحُورٗا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ
أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي
لَأَظُنُّكَ يَٰفِرۡعَوۡنُ مَثۡبُورٗا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَن يَسۡتَفِزَّهُم مِّنَ
ٱلۡأَرۡضِ فَأَغۡرَقۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعٗا ﴿١٠٣﴾ وَقُلۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِۦ لِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱسۡكُنُواْ ٱلۡأَرۡضَ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ
ٱلۡأٓخِرَةِ جِئۡنَا بِكُمۡ لَفِيفٗا ﴿١٠٤﴾

وهرکه راه نمودش خدا، همونست راهیاب و هرکه گمراه
سازدش نیابی برای ایشان دوستانی بجز خدا و برانگیزیم
ایشان را روز قیامت [روان شده] بر خویش نابینا و گنگ و
کر ساخته. جای ایشان دوزخ است، هرگاه فرونشیند،
بیفزاییم بر ایشان آتش را. ﴿۹۷﴾ این است جزای ایشان
به سبب آنکه کافر شدند به نشانه‌های ما و گفتند: آیا چون
شویم استخوانی چند و اعضای از هم پاشیده، آیا برانگیخته
شویم به آفرینش نو؟. ﴿۹۸﴾ آیا ندیده‌اند که آن خدایی
که آفریده آسمان‌ها و زمین را، تواناست که بیافریند مانند
ایشان؟ و ساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه
نیست در آن. پس قبول نکردند ستمکاران مگر انکار را.
﴿۹۹﴾ بگو: اگر می‌بودید شما مالک خزانه‌های بخشش
پروردگار مرا، آنگاه نیز بخیلی می‌کردید به ترس آنکه
همه را خرج کنید و هست آدمی بخل کننده. ﴿۱۰۰﴾ و
هرآیینه دادیم موسی را نُه نشانهٔ روشن. پس بپرس از بنی
اسراییل چون آمد به ایشان، پس گفت او را فرعون:
هرآیینه می‌پندارم تو را ای موسی! جادو کرده شده.
﴿۱۰۱﴾ گفت: هرآیینه تو دانسته‌ای نفرستاده است این
نشانه‌ها را مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین. دلیل‌ها فرستاده
است آنها را و هرآیینه من می‌پندارم تو را ای فرعون!
هلاک شده. ﴿۱۰۲﴾ پس خواست که بجنباند بنی اسراییل
را از زمین، پس غرق ساختیم او را و آنان راکه همراه او
بودند، همه یکجا. ﴿۱۰۳﴾ و گفتیم پس از وی بنی
اسراییل را: ساکن شوید در زمین، پس چون بیاید وعدهٔ
آخرت، بیاریم شما را درهم آمیخته. ﴿۱۰۴﴾

وَبِٱلۡحَقِّ أَنزَلۡنَٰهُ وَبِٱلۡحَقِّ نَزَلَۗ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا
مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ١٠٥ وَقُرۡءَانٗا فَرَقۡنَٰهُ لِتَقۡرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ
عَلَىٰ مُكۡثٖ وَنَزَّلۡنَٰهُ تَنزِيلٗا ١٠٦ قُلۡ ءَامِنُواْ بِهِۦٓ أَوۡ لَا
تُؤۡمِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهِۦٓ إِذَا يُتۡلَىٰ
عَلَيۡهِمۡ يَخِرُّونَۤ لِلۡأَذۡقَانِ سُجَّدٗا ١٠٧ وَيَقُولُونَ سُبۡحَٰنَ
رَبِّنَآ إِن كَانَ وَعۡدُ رَبِّنَا لَمَفۡعُولٗا ١٠٨ وَيَخِرُّونَ
لِلۡأَذۡقَانِ يَبۡكُونَ وَيَزِيدُهُمۡ خُشُوعٗا۩ ١٠٩ قُلِ ٱدۡعُواْ
ٱللَّهَ أَوِ ٱدۡعُواْ ٱلرَّحۡمَٰنَۖ أَيّٗا مَّا تَدۡعُواْ فَلَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ
ٱلۡحُسۡنَىٰۚ وَلَا تَجۡهَرۡ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتۡ بِهَا وَٱبۡتَغِ
بَيۡنَ ذَٰلِكَ سَبِيلٗا ١١٠ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ
وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ
وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا ١١١

و به راستی فروفرستاده‌ایم قرآن را و به راستی فرود آمده است. و نفرستادیم تو را مگر مژده دهنده و ترساننده. ﴿۱۰۵﴾ و قرآن را به تفریق فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان به درنگ و به دفعات و فروفرستادیم آن را فروفرستادنی. ﴿۱۰۶﴾ بگو: ایمان آرید به آن یا ایمان نیارید، هرآیینه آنان‌که داده شد ایشان را علم پیش از این، چون خوانده می‌شود بر ایشان، می‌افتند بر روهای خود، سجده‌کنان. ﴿۱۰۷﴾ و گویند: پاکی پروردگار ما راست، هرآیینه هست وعدهٔ پروردگار ما کردنی. ﴿۱۰۸﴾ و می‌افتند بر خویش، خویش گریه کنان و می‌افزاید قرآن در ایشان فروتنی را. ﴿۱۰۹﴾ بگو: بخوانید خدای را یا بخوانید رحمن را. هر کدام که بخوانید [خوب باشد]، پس خدای راست نام‌های نیکو و این همه بلند مخوان نماز خود را و این همه پست مخوان آن را و بجوی میان این و آن، راهی. ﴿۱۱۰﴾ و بگو ستایش خدای راست که هیچ فرزند نگرفته است و نیست او را هیچ شریکی در پادشاهی و نیست او را کارسازی به سبب ناتوانی و به تعظیم یاد کن او را، تعظیم کردنی. ﴿۱۱۱﴾

سُورَةُ الكَهۡفِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَىٰ عَبۡدِهِ ٱلۡكِتَٰبَ وَلَمۡ يَجۡعَل
لَّهُۥ عِوَجَاۜ ١ قَيِّمٗا لِّيُنذِرَ بَأۡسٗا شَدِيدٗا مِّن لَّدُنۡهُ
وَيُبَشِّرَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ
أَجۡرًا حَسَنٗا ٢ مَّٰكِثِينَ فِيهِ أَبَدٗا ٣ وَيُنذِرَ ٱلَّذِينَ
قَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗا ٤

سوره کهف

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

همهٔ ستایش، آن خدای راست که فروفرستاد بر بندهٔ خود کتاب و پیدا نه کرد در وی هیچ کجی. ﴿۱﴾ ساخت او را راست تا بترساند از عقوبت سخت، از نزدیک خدا و تا مژده دهد آن مسلمانان را که می‌کنند کارهای شایسته به آنکه ایشان راست مزد نیک. ﴿۲﴾ باشندگان در وی همیشه. ﴿۳﴾ و تا ترساند آنان را که گفتند: خدا فرزند گرفته است. ﴿۴﴾

مَّا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٖ وَلَا لِأٓبَآئِهِمۡۚ كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ تَخۡرُجُ
مِنۡ أَفۡوَٰهِهِمۡۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبٗا ٥ فَلَعَلَّكَ بَٰخِعٞ
نَّفۡسَكَ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ إِن لَّمۡ يُؤۡمِنُواْ بِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ
أَسَفًا ٦ إِنَّا جَعَلۡنَا مَا عَلَى ٱلۡأَرۡضِ زِينَةٗ لَّهَا لِنَبۡلُوَهُمۡ
أَيُّهُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا ٧ وَإِنَّا لَجَٰعِلُونَ مَا عَلَيۡهَا
صَعِيدٗا جُرُزًا ٨ أَمۡ حَسِبۡتَ أَنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡكَهۡفِ
وَٱلرَّقِيمِ كَانُواْ مِنۡ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا ٩ إِذۡ أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ
إِلَى ٱلۡكَهۡفِ فَقَالُواْ رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ
لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠ فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ فِي
ٱلۡكَهۡفِ سِنِينَ عَدَدٗا ١١ ثُمَّ بَعَثۡنَٰهُمۡ لِنَعۡلَمَ أَيُّ
ٱلۡحِزۡبَيۡنِ أَحۡصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدٗا ١٢ نَّحۡنُ نَقُصُّ
عَلَيۡكَ نَبَأَهُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّهُمۡ فِتۡيَةٌ ءَامَنُواْ بِرَبِّهِمۡ
وَزِدۡنَٰهُمۡ هُدٗى ١٣ وَرَبَطۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ إِذۡ قَامُواْ
فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَن نَّدۡعُوَاْ مِن
دُونِهِۦٓ إِلَٰهٗاۖ لَّقَدۡ قُلۡنَآ إِذٗا شَطَطًا ١٤ هَٰٓؤُلَآءِ قَوۡمُنَا
ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ لَّوۡلَا يَأۡتُونَ عَلَيۡهِم بِسُلۡطَٰنِۢ
بَيِّنٖۖ فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ١٥

نیست ایشان را هیچ دانش به آن و نه پدرانِ ایشان را بود. سخت است این سخن که بر می‌آید از دهان ایشان، نمی‌گویند مگر دروغ. ﴿۵﴾ پس مگر تو کشنده‌ای نفس خود را بر پی ایشان اگر ایمان نیارند به این سخن، از جهت اندوه. ﴿۶﴾ هرآیینه ما ساخته‌ایم هر چیزی راکه بر زمین است، آرایش آن را. تا امتحان کنیم ایشان را کدام کس از ایشان نیکوتر است در عمل. ﴿۷﴾ و هرآیینه ما البته معدوم خواهیم ساخت هر چیزی راکه بر وی است میدان هموار بی‌گیاه مانده. ﴿۸﴾ آیا پنداشتی که اصحاب غار و نوشته[1] از جملهٔ نشانه‌های ما، عجب بودند؟!. ﴿۹﴾ چون آرام گرفتند جوانان چند به سوی غار، پس گفتند: ای پروردگار ما! بده ما را از نزد خود بخششی و آماده ساز برای ما راهیابی را در کار ما. ﴿۱۰﴾ پس پرده گذاشتیم بر گوش ایشان در غار (یعنی خوابانیدیم) سال‌های شمرده شده. ﴿۱۱﴾ باز برانگیختیم ایشان را تا بدانیم کدام یک از دوگروه، یاد داشته است مقداری که درنگ کردند مدت از زمان ﴿۱۲﴾ ما می‌خوانیم بر تو خبر ایشان به راستی، هرآیینه ایشان جوانان چند بودند که ایمان آوردند به پروردگار خویش و زیاده دادیم ایشان را هدایت. ﴿۱۳﴾ و رشته بستیم بر دل ایشان[2] چون ایستادند. پس گفتند: پروردگارِ ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، هرآیینه نخواهیم پرستیدن بجز وی معبودی را، هرآیینه گفته باشیم آنگاه سخن دروغ. ﴿۱۴﴾ این قوم ما خدایان گرفتند بجز خدا. چرا نمی‌آرند بر ثبوت آن خدایان دلیلی واضح؟ پس کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغ را؟. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی نوشته که بر دیوار غار.

۲- یعنی دل‌های ایشان را استوار ساختیم.

وَإِذِ ٱعۡتَزَلۡتُمُوهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ فَأۡوُۥٓاْ إِلَى
ٱلۡكَهۡفِ يَنشُرۡ لَكُمۡ رَبُّكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَيُهَيِّئۡ
لَكُم مِّنۡ أَمۡرِكُم مِّرۡفَقٗا ﴿١٦﴾ ۞وَتَرَى ٱلشَّمۡسَ إِذَا
طَلَعَت تَّزَٰوَرُ عَن كَهۡفِهِمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت
تَّقۡرِضُهُمۡ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ وَهُمۡ فِي فَجۡوَةٖ مِّنۡهُۚ ذَٰلِكَ مِنۡ
ءَايَٰتِ ٱللَّهِۗ مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ
فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا ﴿١٧﴾ وَتَحۡسَبُهُمۡ أَيۡقَاظٗا وَهُمۡ
رُقُودٞۚ وَنُقَلِّبُهُمۡ ذَاتَ ٱلۡيَمِينِ وَذَاتَ ٱلشِّمَالِۖ وَكَلۡبُهُم
بَٰسِطٞ ذِرَاعَيۡهِ بِٱلۡوَصِيدِۚ لَوِ ٱطَّلَعۡتَ عَلَيۡهِمۡ لَوَلَّيۡتَ
مِنۡهُمۡ فِرَارٗا وَلَمُلِئۡتَ مِنۡهُمۡ رُعۡبٗا ﴿١٨﴾ وَكَذَٰلِكَ
بَعَثۡنَٰهُمۡ لِيَتَسَآءَلُواْ بَيۡنَهُمۡۚ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ
لَبِثۡتُمۡۖ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖۚ قَالُواْ رَبُّكُمۡ
أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثۡتُمۡ فَٱبۡعَثُوٓاْ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمۡ هَٰذِهِۦٓ
إِلَى ٱلۡمَدِينَةِ فَلۡيَنظُرۡ أَيُّهَآ أَزۡكَىٰ طَعَامٗا فَلۡيَأۡتِكُم
بِرِزۡقٖ مِّنۡهُ وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا ﴿١٩﴾
إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي
مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ﴿٢٠﴾

و چون یک سو شوید ای یاران از این کافران و یک سو شوید از آنچه می‌پرستند ایشان بجز خدا، پس آرام گیرید به سوی غار تا فراخ کند بر شما پروردگار شما بخشایش خود را و مهیا سازد برای شما منفعت را در کار شما. ﴿۱۶﴾ و ببینی ای بیننده! آفتاب را وقتی که طالع شود، میل کند از غار ایشان به جانب راست و چون غروب شود، تجاوز می‌کند از ایشان به جانب چپ و ایشان در گشادگی‌اند از غار. این از نشانه‌های خداست. هر که راه نمایدش خدا، هم اوست راه یابنده و هر که گمراه می‌کندش، پس نیابی او را هیچ دوستِ راه نماینده[1]. ﴿۱۷﴾ و بپنداری ای بیننده، ایشان را بیدار و ایشان خفته‌اند و می‌گردانیم ایشان را به جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان گشاده کرده است دو دست خود را بر عتبهٔ دروازه. اگر اطلاع یابی بر ایشان، البته رو بگردانی از ایشان به طریق گریختن و پر شوی از ایشان به ترس[2]. ﴿۱۸﴾ و هم چنین برانگیختیم ایشان را تا عاقبت با یکدیگر سؤال کنند در میان خود. گفت گوینده‌ای از ایشان: چقدر درنگ کردید؟ گفتند: درنگ کردیم یک روز یا بعض روز. باز گفتند: پروردگار شما داناتر است به مقدار درنگ کردن شما. پس بفرستید یکی را از میان خود به این نقرهٔ خود به سوی شهر، پس باید که تأمّل کند کدام یک از اطعمهٔ این شهر، طعام پاکیزه‌تر است، پس بیارد به شما قوتی از آن و باید که به سبکی آمد و رفت کند و خبردار نکند به حال شما هیچ کس را. ﴿۱۹﴾ هرآیینه این کافران اگر قدرت یابند بر شما، سنگسار کنند شما را یا باز آرند شما را در دین خود و رستگار نخواهید شد آنگاه هرگز. ﴿۲۰﴾

۱- مترجم گوید:به خاطر فاتر می‌رسد که دیوار جنوبی کهف آن قدر بلند است که سایهٔ اصلی او در تمام سال محل خفتن ایشان را می‌پوشاند و دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار جنوبی بلندترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سر به جانب شمال پا به جانب جنوب کرده خفته‌اند. پس وقتی که طلوع کند نور افتاب بر دیوار غربی و بعضی صحن غار افتد و هرچند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید و نور جانب راست ایشان منتقل شود به جانب سر که جهت شمال‌ست و در وقت استوا بجز سایهٔ اصلی دیوار جنوبی نمی‌ماند وچون آفتاب مائل به غروب شود، نور آفتاب بر دیوار شرقی افتد و آهسته بر سر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان است.

۲- مترجم گوید: وچنانکه خفتن ایشان را نشانه ساختیم.

وَكَذَٰلِكَ أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ لِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ
وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ لَا رَيۡبَ فِيهَآ إِذۡ يَتَنَٰزَعُونَ بَيۡنَهُمۡ
أَمۡرَهُمۡۖ فَقَالُواْ ٱبۡنُواْ عَلَيۡهِم بُنۡيَٰنٗاۖ رَّبُّهُمۡ أَعۡلَمُ بِهِمۡۚ
قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُواْ عَلَىٰٓ أَمۡرِهِمۡ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيۡهِم
مَّسۡجِدٗا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَٰثَةٞ رَّابِعُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ وَيَقُولُونَ
خَمۡسَةٞ سَادِسُهُمۡ كَلۡبُهُمۡ رَجۡمَۢا بِٱلۡغَيۡبِۖ وَيَقُولُونَ سَبۡعَةٞ
وَثَامِنُهُمۡ كَلۡبُهُمۡۚ قُل رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعۡلَمُهُمۡ إِلَّا
قَلِيلٞۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا وَلَا تَسۡتَفۡتِ
فِيهِم مِّنۡهُمۡ أَحَدٗا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْيۡءٍ إِنِّي فَاعِلٞ
ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ إِذَا
نَسِيتَ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا
رَشَدٗا ﴿٢٤﴾ وَلَبِثُواْ فِي كَهۡفِهِمۡ ثَلَٰثَ مِاْئَةٖ سِنِينَ
وَٱزۡدَادُواْ تِسۡعٗا ﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا لَبِثُواْۖ لَهُۥ غَيۡبُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ أَبۡصِرۡ بِهِۦ وَأَسۡمِعۡۚ مَا لَهُم مِّن
دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا يُشۡرِكُ فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا ﴿٢٦﴾ وَٱتۡلُ
مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ
وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدٗا ﴿٢٧﴾

و همچنین خبردار گردانیدیم مردمان را به حال ایشان تا
بدانند که وعدهٔ خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شبهه
نیست در آن. وقتی که نزاع می‌کردند آن مردمان در میان
خود در مقدمهٔ ایشان، پس گفتند: عمارت کنید بر غار
ایشان خانه‌ای. پروردگار ایشان داناتر است به حال ایشان.
پس گفتند آنان‌که قدرت یافتند بر مقدمهٔ ایشان: البته
بسازیم بر غار ایشان مسجدی. ﴿۲۱﴾ جمعی خواهند
گفت: اصحاب کهف سه کس‌اند و چهارم ایشان سگ
ایشان است و جمعی خواهند گفت که: پنج کس‌اند، ششم
ایشان، سگ ایشان است. تهمتی افکنند غایبانه و نیز
می‌گویند: هفت کس‌اند و هشتم ایشان، سگ ایشان است.
بگو: پروردگار من داناتر است به شمار ایشان، نمی‌داند
ایشان را مگر اندک کسی، پس گفتگو مکن در بارهٔ ایشان
مگر گفتگوی سرسری و سؤال مکن در باب ایشان هیچ
کس را از کافران. ﴿۲۲﴾ و مگو هیچ چیزی راکه من
البته خواهم کرد آن را فردا. ﴿۲۳﴾ مگر مقرون به ذکر
مشیّت خدا[1] و یاد کن پروردگار خود را وقتی که
فراموش کنی[2] و بگو: توقع است که دلالت کند مرا
پروردگار من به راهی نزدیکتر به اعتبار راستی [از آنچه
کافران می‌گویند] . ﴿۲۴﴾ و درنگ کرده بودند در غار
خود سه صد سال و افزودند نُه سال دیگر. ﴿۲۵﴾ بگو:
خدا داناتر است به مقداری که درنگ کردند. او راست
علم غیب آسمان‌ها و زمین. چقدر بینا است و چقدر شنوا
است. نیست ایشان را بجز وی هیچ کارسازی و شریک
نمی‌گیرد در حکم خود هیچ‌کس را. ﴿۲۶﴾ و بخوان آنچه
وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب پروردگار تو. و
هیچ‌کس تبدیل کننده نیست حکم‌های وی را و نیابی بجز
وی هیچ پناهی. ﴿۲۷﴾

۱- یعنی بگو: خواهم کرد إن شاءالله تعالی.
۲- یعنی باز متنبه شوی.

وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ
وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ
تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ
عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ٢٨ وَقُلِ
ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡۖ فَمَن شَآءَ فَلۡيُؤۡمِن وَمَن شَآءَ
فَلۡيَكۡفُرۡۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمۡ
سُرَادِقُهَاۚ وَإِن يَسۡتَغِيثُواْ يُغَاثُواْ بِمَآءٖ كَٱلۡمُهۡلِ يَشۡوِي
ٱلۡوُجُوهَۚ بِئۡسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا ٢٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ مَنۡ
أَحۡسَنَ عَمَلًا ٣٠ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهِمُ ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ
وَيَلۡبَسُونَ ثِيَابًا خُضۡرٗا مِّن سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ
مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۚ نِعۡمَ ٱلثَّوَابُ وَحَسُنَتۡ
مُرۡتَفَقٗا ٣١ ۞وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلٗا رَّجُلَيۡنِ جَعَلۡنَا
لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيۡنِ مِنۡ أَعۡنَٰبٖ وَحَفَفۡنَٰهُمَا بِنَخۡلٖ
وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمَا زَرۡعٗا ٣٢ كِلۡتَا ٱلۡجَنَّتَيۡنِ ءَاتَتۡ أُكُلَهَا
وَلَمۡ تَظۡلِم مِّنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ وَفَجَّرۡنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرٗا ٣٣ وَكَانَ
لَهُۥ ثَمَرٞ فَقَالَ لِصَٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَنَا۠ أَكۡثَرُ
مِنكَ مَالٗا وَأَعَزُّ نَفَرٗا ٣٤

و بند کن خود را با آنان‌که یاد می‌کنند پروردگار خود را به صبح و شام، می‌خواهند روی او را، و باید که نگذرد چشم‌های تو از ایشان، طلب کنان آرایش زندگانی دنیا را و فرمان مبر آن راکه غافل ساخته‌ایم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است خواهش خود را و هست کار او از حد گذشته. ﴿۲۸﴾ و بگو: این سخن راست است آمده از پروردگار شما، پس هر که خواهد ایمان آرد و هر که خواهد کافر شود، هرآیینه ما مهیا کرده‌ایم برای ستمکاران آتشی را، در برگیرد ایشان را سراپرده‌های او و اگر فریاد کنند، به داد ایشان رسیده شود به نوشاندن آبی مانند مس گداخته، بریان کند روی‌ها را، آن بد آشامیدنی است و دوزخ بد آرامگاهی است. ﴿۲۹﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته، هرآیینه ما ضایع نکنیم مزد کسی که نیکو کرده است کار را. ﴿۳۰﴾ این جماعت، ایشان راست بوستان‌های همیشه ماندن، می‌رود زیر ایشان نهرها، زیور داده شوند آنجا دستوانه‌ها از زر و می‌پوشند جامه‌های سبز از دیبای نازک و دیبای لُک، تکیه‌کنان آنجا بر تخت‌ها. این نیک جزاست و بهشت نیکو آرامگاهی است. ﴿۳۱﴾ و بیان کن برای ایشان داستانی قصّهٔ دو شخص که دادیم به یکی از ایشان دو بوستان از درخت انگور و گرداگرد آن پیدا کردیم درختان خرما و پیدا کردیم در میان این دو بوستان، زراعت را. ﴿۳۲﴾ هر دو بوستان آوردند میوه‌های خود و هیچ کم نکرده از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب. ﴿۳۳﴾ و بود او را میوه‌های بسیار، پس گفت همنشین خود را و او گفتگو می‌کرد به آن همنشین: من بیشترم از تو در مال و غالبترم به اعتبار حشَم. ﴿۳۴﴾

وَدَخَلَ جَنَّتَهُۥ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفۡسِهِۦ قَالَ مَآ أَظُنُّ أَن
تَبِيدَ هَٰذِهِۦٓ أَبَدٗا ﴿٣٥﴾ وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن
رُّدِدتُّ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهَا مُنقَلَبٗا ﴿٣٦﴾ قَالَ
لَهُۥ صَاحِبُهُۥ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ أَكَفَرۡتَ بِٱلَّذِي خَلَقَكَ
مِن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ سَوَّىٰكَ رَجُلٗا ﴿٣٧﴾ لَّٰكِنَّا۠
هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٣٨﴾ وَلَوۡلَآ إِذۡ
دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن
تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن
يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرۡسِلَ عَلَيۡهَا حُسۡبَانٗا مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوۡ يُصۡبِحَ مَآؤُهَا
غَوۡرٗا فَلَن تَسۡتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبٗا ﴿٤١﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ
فَأَصۡبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ
عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُشۡرِكۡ بِرَبِّيٓ أَحَدٗا ﴿٤٢﴾
وَلَمۡ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٞ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ
مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلۡحَقِّۚ هُوَ خَيۡرٞ ثَوَابٗا
وَخَيۡرٌ عُقۡبٗا ﴿٤٤﴾ وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا كَمَآءٍ
أَنزَلۡنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخۡتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلۡأَرۡضِ
فَأَصۡبَحَ هَشِيمٗا تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
مُّقۡتَدِرًا ﴿٤٥﴾

و درآمد به بوستان خود ستم کرده بر خویش. گفت:
نمی‌پندارم که هلاک شود این بوستان، هیچ‌گاه. ﴿۳۵﴾ و
گمان ندارم که قیامت متحقّق شود و بالفرض اگر باز
گردانیده شَوَم به سوی پروردگار خود، هرآیینه خواهم
یافت بازگشتی بهتر از این بوستان‌ها. ﴿۳۶﴾ گفت او را
همنشین او و او گفتگو می‌کرد با وی: آیا کافر شدی به آن
خدایی که پیدا کرد تو را از خاک، باز از نطفه، باز تو را
مرد ساخت؟. ﴿۳۷﴾ لیکن من اعتقاد دارم که الله
پروردگار من است و شریک مقرر نمی‌کنم با پروردگار
خود، هیچ‌کس را. ﴿۳۸﴾ و چون در آمدی به بوستان خود
چرا نگفتی: آنچه خدا خواسته است، شدنی است، نیست
هیچ توانایی مگر به مشیّت خدا. اگر می‌بینی مرا کمتر از
خود در مال و فرزند. ﴿۳۹﴾ پس شاید که پروردگار من
بدهد مرا بهتر از بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو
عذابی از آسمان، پس گردد زمین بی‌گیاه لغزانندهٔ پای.
﴿۴۰﴾ یا شود آب او فرو رفته پس نتوانی آن را جستن.
﴿۴۱﴾ و به عقوبت احاطه کرده شده میوه‌های او. پس
بامداد کرد، می‌مالید دو دست خود را به حسرت بر آنچه
خرج کرد در عمارت آن و آن افتاده بود بر سقف‌های
خود و می‌گفت: ای کاش! شریک مقرر نکردمی با
پروردگار خود هیچ‌کس را! . ﴿۴۲﴾ و نبود او را هیچ
جماعتی که یاری دهندش بجز خدا و نبود خود انتقام
گیرنده. ﴿۴۳﴾ اینجا ثابت که کارسازی، خدای همیشه
باشنده راست، وی بهتر است از روی ثواب دادن و وی
بهتر است از روی جزا دادن. ﴿۴۴﴾ و بیان کن برای ایشان
داستانِ زندگانی دنیاکه وی مانند آبی است که
فروفرستادیمش از آسمان، پس درهم پیچید به سبب وی
رستنیِ زمین، پس شد آخر کار در هم شکسته،
می‌پرانیدش بادها و هست خدا بر همه چیز توانا. ﴿۴۵﴾

ٱلۡمَالُ وَٱلۡبَنُونَ زِينَةُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ
ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٌ أَمَلٗا ﴿٤٦﴾ وَيَوۡمَ
نُسَيِّرُ ٱلۡجِبَالَ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ بَارِزَةٗ وَحَشَرۡنَٰهُمۡ فَلَمۡ
نُغَادِرۡ مِنۡهُمۡ أَحَدٗا ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفّٗا لَّقَدۡ
جِئۡتُمُونَا كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةِۭۚ بَلۡ زَعَمۡتُمۡ أَلَّن
نَّجۡعَلَ لَكُم مَّوۡعِدٗا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ فَتَرَى
ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُشۡفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَٰوَيۡلَتَنَا مَالِ
هَٰذَا ٱلۡكِتَٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةٗ وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ
أَحۡصَىٰهَاۚ وَوَجَدُواْ مَا عَمِلُواْ حَاضِرٗاۗ وَلَا يَظۡلِمُ رَبُّكَ
أَحَدٗا ﴿٤٩﴾ وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ
إِلَّآ إِبۡلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلۡجِنِّ فَفَسَقَ عَنۡ أَمۡرِ رَبِّهِۦٓۗ
أَفَتَتَّخِذُونَهُۥ وَذُرِّيَّتَهُۥٓ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِي وَهُمۡ لَكُمۡ
عَدُوُّۢۚ بِئۡسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلٗا ﴿٥٠﴾ ۞مَّآ أَشۡهَدتُّهُمۡ خَلۡقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَا خَلۡقَ أَنفُسِهِمۡ وَمَا كُنتُ
مُتَّخِذَ ٱلۡمُضِلِّينَ عَضُدٗا ﴿٥١﴾ وَيَوۡمَ يَقُولُ نَادُواْ
شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ
وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُم مَّوۡبِقٗا ﴿٥٢﴾ وَرَءَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٱلنَّارَ
فَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمۡ يَجِدُواْ عَنۡهَا مَصۡرِفٗا ﴿٥٣﴾

مال و فرزندان، آرایش زندگانی دنیا است و حسنات پایندۀ شایسته، بهتراند نزدیک خدای تو از روی ثواب و خوبترند از جهت امید داشتن. ﴿۴۶﴾ و آن روز روان کنیم کوه‌ها را و بینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را، پس نگذاریم از ایشان هیچ‌کس را. ﴿۴۷﴾ و روبه‌رو آورده شوند بر پروردگار تو صف کشیده، گویم: هرآیینه آمدید پیش ما چنانکه آفریده بودیم شما را اوّل بار. بلکه. می‌پنداشتید که نخواهیم ساخت برای شما وعده گاهی. ﴿۴۸﴾ و در میان نهاده شود نامۀ اعمال، پس ببینی گناهکاران را ترسان از آنچه در آن است و می گویند: ای وای بر ما! چه حال است این نامه را! نمی‌گذارد هیچ معصیت خرد را و نه بزرگ را، مگر احاطه کرده است آن را، و بیابند هرچه کرده بودند حاضر و ستم نکند پروردگار تو بر هیچ‌کس. ﴿۴۹﴾ و یاد کن چون گفتیم به فرشتگان: سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگر ابلیس، بود از جن. پس بیرون شد از فرمان پروردگار خود. ای مردمان! آیا دوست می گیرید او را و فرزندان او را بجز من، و ایشان شما را دشمنند. شیطان بد عوض است ستمکاران را. ﴿۵۰﴾ حاضر نکرده بودم ایشان را نزدیک آفریدن آسمان‌ها و زمین و نه هنگام آفریدن خودشان و نیستم مددگار گیرنده، گمراهان راه. ﴿۵۱﴾ و روزی که گوید خدای تعالی: ای مشرکان! ندا کنید شریکان مرا که گمان می‌نمودید، پس نداکنند آن جماعت را و آن جماعت قبول نکنند ندای ایشان را و ساختیم در میان ایشان مهلکه. ﴿۵۲﴾ [1]و ببینند گناهکاران آتش را و بفهمند که ایشان افتادگانند در وی و نیابند از آن، جای بازگشت. ﴿۵۳﴾

۱- یعنی وادی از وادی‌هایی دوزخ تا یکی به دیگری نتواند رسید.

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ
وَكَانَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَكۡثَرَ شَيۡءٖ جَدَلٗا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ
ٱلنَّاسَ أَن يُؤۡمِنُوٓاْ إِذۡ جَآءَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَسۡتَغۡفِرُواْ
رَبَّهُمۡ إِلَّآ أَن تَأۡتِيَهُمۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ أَوۡ يَأۡتِيَهُمُ ٱلۡعَذَابُ
قُبُلٗا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرۡسِلُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ
وَمُنذِرِينَۚ وَيُجَٰدِلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ
لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّۖ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَمَآ أُنذِرُواْ هُزُوٗا
﴿٥٦﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعۡرَضَ
عَنۡهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتۡ يَدَاهُۚ إِنَّا جَعَلۡنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ
أَكِنَّةً أَن يَفۡقَهُوهُ وَفِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٗاۖ وَإِن تَدۡعُهُمۡ إِلَى
ٱلۡهُدَىٰ فَلَن يَهۡتَدُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ ٱلۡغَفُورُ ذُو
ٱلرَّحۡمَةِۖ لَوۡ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُواْ لَعَجَّلَ لَهُمُ ٱلۡعَذَابَۚ
بَل لَّهُم مَّوۡعِدٞ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ مَوۡئِلٗا ﴿٥٨﴾ وَتِلۡكَ
ٱلۡقُرَىٰٓ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَعَلۡنَا لِمَهۡلِكِهِم
مَّوۡعِدٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبۡرَحُ حَتَّىٰٓ أَبۡلُغَ
مَجۡمَعَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ أَوۡ أَمۡضِيَ حُقُبٗا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجۡمَعَ
بَيۡنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ سَرَبٗا
﴿٦١﴾

و هرآيينه گوناگون بيان كرديم در اين قرآن براى مردمان هر نوع داستان و هست آدمى بيشتر از همه چيز در خصومت. ﴿۵۴﴾ و باز نداشت مردمان را از آنكه ايمان آرند، چون بيامد به ايشان هدايت و از آنكه طلب آمرزش كنند از پروردگار خود، مگر انتظار به آنكه بيايد بديشان روش پيشينيان يا بيايد به ايشان عقوبت گوناگون شده. ﴿۵۵﴾ و نمى‌فرستيم پيغامبران را مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت مى‌كنند كافران به شبهۀ بيهوده تا بلغزانند به سبب آن سخن حق را و تمسخر گرفتند آيات مرا و چيزى را كه به آن ترسانيده شوند. ﴿۵۶﴾ و كيست ستمكارتر از كسى كه پند داده شد به آيات پروردگار خويش، پس روگردان گشت از آن و فراموش كرد آنچه پيش فرستاده است دو دست وى، هرآيينه ما ساخته‌ايم بر دل ايشان پرده‌ها تا نفهمند قرآن را و ساختيم در گوش‌هاى ايشان گرانى و اگر بخوانى ايشان را به سوى هدايت، راه نيابند آنگاه هرگز. ﴿۵۷﴾ و پروردگار تو آمرزندۀ خداوندِ رحمت است. اگر مؤاخذه كردى ايشان را به آنچه كرده‌اند، شتاب فرستادى بديشان عقوبت را، بلكه ايشان را ميعادى هست كه نيابند اين طرف از آن پناهى. ﴿۵۸﴾ و اين ديه‌ها را هلاك كرديم، چون ستم كردند و مُعَيَّن كرديم براى هلاك ايشان ميعادى. ﴿۵۹﴾ و ياد كن چون گفت موسى نوجوان خود را: هميشه راه ميروم تا آنكه برسم به محل جمع شدن دو دريا يا بروم مدت‌هاى دراز. ﴿۶۰﴾ پس چون رسيدند به محل جمع شدن دو دريا، فراموش كردند ماهى خود را، پس راه خود گرفت در دريا مانند نقبى. ﴿۶۱﴾

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدۡ لَقِينَا مِن
سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبٗا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَءَيۡتَ إِذۡ أَوَيۡنَآ إِلَى
ٱلصَّخۡرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ ٱلۡحُوتَ وَمَآ أَنسَىٰنِيهُ إِلَّا
ٱلشَّيۡطَٰنُ أَنۡ أَذۡكُرَهُۥۚ وَٱتَّخَذَ سَبِيلَهُۥ فِي ٱلۡبَحۡرِ عَجَبٗا
﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبۡغِۚ فَٱرۡتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا
قَصَصٗا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبۡدٗا مِّنۡ عِبَادِنَآ ءَاتَيۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ
مِّنۡ عِندِنَا وَعَلَّمۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلۡمٗا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُۥ
مُوسَىٰ هَلۡ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمۡتَ رُشۡدٗا
﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ﴿٦٧﴾ وَكَيۡفَ
تَصۡبِرُ عَلَىٰ مَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ خُبۡرٗا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن
شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرٗا وَلَآ أَعۡصِي لَكَ أَمۡرٗا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ
ٱتَّبَعۡتَنِي فَلَا تَسۡـَٔلۡنِي عَن شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ أُحۡدِثَ لَكَ
مِنۡهُ ذِكۡرٗا ﴿٧٠﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ
خَرَقَهَاۖ قَالَ أَخَرَقۡتَهَا لِتُغۡرِقَ أَهۡلَهَا لَقَدۡ جِئۡتَ شَيۡـًٔا
إِمۡرٗا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمۡ أَقُلۡ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا
﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذۡنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرۡهِقۡنِي مِنۡ
أَمۡرِي عُسۡرٗا ﴿٧٣﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمٗا
فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا زَكِيَّةَۢ بِغَيۡرِ نَفۡسٖ لَّقَدۡ
جِئۡتَ شَيۡـٔٗا نُّكۡرٗا ﴿٧٤﴾

پس چون گذشتند، گفت موسی نوجوان خود را: بیار برای ما طعام چاشت ما را، هرآیینه رنج یافتیم از این سفر خود. ﴿۶۲﴾ گفت: آیا دیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده به سنگی، پس من فراموش کردم ماهی را؟ [یعنی آنجا] و فراموش نساخت مرا از آنکه یاد کنم قصّهٔ آن، مگر شیطان و راه خود گرفت در دریا به نهج عجیب. ﴿۶۳﴾ گفت موسی: این بود آنچه می‌جستیم، پس بازگشتند بر نشان اقدام خود تفحّص کنان. ﴿۶۴﴾ پس یافتند بنده‌ای را از بندگان ما که دادیم او را حمتی از نزدیک خود و آموختیم او را از نزدیک خود علمی[1]. ﴿۶۵﴾ گفت او را موسی: آیا پیرویِ تو کنم به شرط آنکه بیاموزانی مرا از آنچه آموخته شدی از راهیابی؟. ﴿۶۶﴾ گفت: هرآیینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن. ﴿۶۷﴾ و و چگونه شکیبایی کنی بر چیزی که در نگرفته‌ای آن را از روی دانش؟!. ﴿۶۸﴾ گفت: خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است شکیبا و خلاف نکنم با تو در هیچ فرمانی ﴿۶۹﴾ گفت: اگر پیرویِ من می‌کنی، پس سؤال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه خود آغازم برای تو از حال آن بیانی. ﴿۷۰﴾ پس راه رفتند تا وقتی که سوار شدند در کشتی، خضر شکاف کرد آن را. گفت موسی: آیا شکافتی کشتی را تا غرق کنی اهل آن را؟! هرآیینه آوردی چیزی عظیم را. ﴿۷۱﴾ گفت: آیا نگفته بودم که تو نتوانی با من شکیبایی کردن؟. ﴿۷۲﴾ گفت موسی: مؤاخذه مکن با من به آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمهٔ من سختی را. ﴿۷۳﴾ پس راه رفتند تا وقتی که برخوردند با نوجوانی، پس خضر بکُشت او را، گفت موسی: آیا کشتی نفس پاک را به غیر قصاص نفسی؟! هرآیینه آوردی شیء ناپسندیده. ﴿۷۴﴾

۱- یعنی خضر را یافتند.

۞قَالَ أَلَمۡ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسۡتَطِيعَ مَعِيَ صَبۡرٗا ﴿٧٥﴾
قَالَ إِن سَأَلۡتُكَ عَن شَيۡءِۭ بَعۡدَهَا فَلَا تُصَٰحِبۡنِيۖ قَدۡ
بَلَغۡتَ مِن لَّدُنِّي عُذۡرٗا ﴿٧٦﴾ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهۡلَ
قَرۡيَةٍ ٱسۡتَطۡعَمَآ أَهۡلَهَا فَأَبَوۡاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا
فِيهَا جِدَارٗا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥۖ قَالَ لَوۡ شِئۡتَ
لَتَّخَذۡتَ عَلَيۡهِ أَجۡرٗا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيۡنِي وَبَيۡنِكَۚ
سَأُنَبِّئُكَ بِتَأۡوِيلِ مَا لَمۡ تَسۡتَطِع عَّلَيۡهِ صَبۡرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا
ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتۡ لِمَسَٰكِينَ يَعۡمَلُونَ فِي ٱلۡبَحۡرِ
فَأَرَدتُّ أَنۡ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٞ يَأۡخُذُ كُلَّ
سَفِينَةٍ غَصۡبٗا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا ٱلۡغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤۡمِنَيۡنِ
فَخَشِينَآ أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدۡنَآ أَن
يُبۡدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيۡرٗا مِّنۡهُ زَكَوٰةٗ وَأَقۡرَبَ رُحۡمٗا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا
ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ فِي ٱلۡمَدِينَةِ وَكَانَ
تَحۡتَهُۥ كَنزٞ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَٰلِحٗا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن
يَبۡلُغَآ أَشُدَّهُمَا وَيَسۡتَخۡرِجَا كَنزَهُمَا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ
وَمَا فَعَلۡتُهُۥ عَنۡ أَمۡرِيۚ ذَٰلِكَ تَأۡوِيلُ مَا لَمۡ تَسۡطِع
عَّلَيۡهِ صَبۡرٗا ﴿٨٢﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ عَن ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِۖ قُلۡ
سَأَتۡلُواْ عَلَيۡكُم مِّنۡهُ ذِكۡرًا ﴿٨٣﴾

گفت: آیا نگفته بودم با تو که هرآیینه تو نتوانی با من شکیبایی کردن؟. ﴿۷۵﴾ گفت موسی: اگر بپرسم تو را از چیزی بعد از این بار، پس صحبت مکن با من، هرآیینه رسیدی از جانب من به حدِّ عذر. ﴿۷۶﴾ پس راه رفتند. تا وقتی که آمدند به اهل دیهی، طعام طلب کردند از اهل آن دیه. پس قبول ننمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را، پس یافتند در آنجا دیواری که می‌خواست آنکه بیفتد، پس راست ساخت آن را. گفت موسی: اگر می‌خواستی، هرآیینه می‌گرفتی بر تعمیر این دیوار مزدی. ﴿۷۷﴾ گفت: این است جدایی در میان من و تو. خبر خواهم داد تو را به سِرّ آنچه نتوانی بر آن شکیبایی کردن. ﴿۷۸﴾ امَّا کشتی، پس بود از آنِ درویشانی چند که کار می‌کردند در دریا، پس خواستم که معیوب کنم آن را و بود پیش روی ایشان پادشاهی که می‌گرفت هر کشتی درست را به زبردستی. ﴿۷۹﴾ و امّا آن نوجوان، پس بودند پدر و مادر وی مسلمان، پس ترسیدم از آنکه غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر. ﴿۸۰﴾ پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگار ایشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیکتر از جهت شفقت. ﴿۸۱﴾ و امَّا آن دیوار، پس بود از آن دو نوجوان یتیم در شهر و بود زیر آن گنجی از آنِ ایشان و بود پدر ایشان نیکوکار. پس خواست پروردگار تو که این نوجوانان برسند به نهایت قوّت خویش و برآرند گنج خود را از روی مهربانی پروردگار تو و نکردم آن را از رأی خود. این است سرّ آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی کردن. ﴿۸۲﴾ و سؤال می‌کنند تو را از ذو القرنین. بگو خواهم خواند بر شما از حال وی خبری. ﴿۸۳﴾

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِن كُلِّ شَيۡءٖ سَبَبٗا ﴿٨٤﴾
فَأَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغۡرِبَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا
تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ حَمِئَةٖ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوۡمٗاۗ قُلۡنَا يَٰذَا
ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِمَّآ أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّآ أَن تَتَّخِذَ فِيهِمۡ حُسۡنٗا ﴿٨٦﴾
قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوۡفَ نُعَذِّبُهُۥ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ
فَيُعَذِّبُهُۥ عَذَابٗا نُّكۡرٗا ﴿٨٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا
فَلَهُۥ جَزَآءً ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَسَنَقُولُ لَهُۥ مِنۡ أَمۡرِنَا يُسۡرٗا ﴿٨٨﴾ ثُمَّ
أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَطۡلِعَ ٱلشَّمۡسِ وَجَدَهَا
تَطۡلُعُ عَلَىٰ قَوۡمٖ لَّمۡ نَجۡعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتۡرٗا ﴿٩٠﴾ كَذَٰلِكَۖ
وَقَدۡ أَحَطۡنَا بِمَا لَدَيۡهِ خُبۡرٗا ﴿٩١﴾ ثُمَّ أَتۡبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾ حَتَّىٰٓ
إِذَا بَلَغَ بَيۡنَ ٱلسَّدَّيۡنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوۡمٗا لَّا
يَكَادُونَ يَفۡقَهُونَ قَوۡلٗا ﴿٩٣﴾ قَالُواْ يَٰذَا ٱلۡقَرۡنَيۡنِ إِنَّ
يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ مُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَهَلۡ نَجۡعَلُ لَكَ
خَرۡجًا عَلَىٰٓ أَن تَجۡعَلَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَهُمۡ سَدّٗا ﴿٩٤﴾ قَالَ مَا
مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيۡرٞ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجۡعَلۡ بَيۡنَكُمۡ
وَبَيۡنَهُمۡ رَدۡمًا ﴿٩٥﴾ ءَاتُونِي زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ
بَيۡنَ ٱلصَّدَفَيۡنِ قَالَ ٱنفُخُواْۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارٗا قَالَ
ءَاتُونِيٓ أُفۡرِغۡ عَلَيۡهِ قِطۡرٗا ﴿٩٦﴾ فَمَا ٱسۡطَٰعُوٓاْ أَن يَظۡهَرُوهُ
وَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ لَهُۥ نَقۡبٗا ﴿٩٧﴾

هرآینه ما دسترس دادیم او را در زمین و دادیم او را از هر چیز سامانی. ﴿۸۴﴾ پس در پی سامان افتاد[1]. ﴿۸۵﴾ تا آنکه رسید به محل فرورفتن آفتاب و یافت آن راکه فرو می‌رود در چشمهٔ گل و لایی و یافت نزدیک آن چشمه گروهی را. گفتیم ای ذو القرنین! اختیار به دست تو است یا این است که عقوبت کنی یا بگیری در میان ایشان معاملهٔ نیکو[2]. ﴿۸۶﴾ گفت: امّا[3] کسی که ستم کرد، پس عذاب خواهیم کرد او را، بازگردانیده شود به سوی پروردگار خویش، پس عذاب کند او را عذابِ سخت. ﴿۸۷﴾ و امّا آن که ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس او را حالتِ خوش است از روی پاداش و خواهیم گفت در باب او و از مقدمهٔ خویش، سخن آسانی. ﴿۸۸﴾ باز در پی سامانی افتاد. ﴿۸۹﴾ تا وقتی که رسید به محل بر آمدن آفتاب، یافت که آن برمی‌آید بر گروهی که نساخته‌ایم برای ایشان این طرف از آفتاب، هیچ پرده. ﴿۹۰﴾ چنین بود قصّه و هرآینه در گرفته‌ایم به آنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری. ﴿۹۱﴾ باز در پی سامانی افتاد. ﴿۹۲﴾ تا وقتی که رسید در میان سدّین، یافت جانبِ سدّین گروهی را که نزدیک نیستند از آنکه بفهمند سخنی. ﴿۹۳﴾ گفتند: ای ذو القرنین! هرآینه یأجوج و مأجوج فساد کنندگانند در زمین، پس آیا مقرّر کنیم برای تو باجی به شرط آنکه بسازی در میان ما و ایشان سدّی؟. ﴿۹۴﴾ گفت: آنچه دسترس داده است مرا در آن پروردگار من، بهتر است، پس مدد کنید مرا به زور بازو تا بسازیم میان شما و ایشان حجابی محکم. ﴿۹۵﴾ بیارید پیش من پاره‌های آهن. تا وقتی که برابر ساخت ما بین آن دو کوه، گفت: آتش بدمید، تا آنکه آتش ساخت آن آهن را. گفت: بیارید پیش من تا بریزم بالای این رویین گداخته را. ﴿۹۶﴾ پس نتوانستند یأجوج و مأجوج که بالا روند بر آن و نتوانستند او را سوراخ کردن. ﴿۹۷﴾

۱- یعنی به حسب نظر مردمان.

۲- مترجم گوید: و این کنایت است از قدرتِ او بر این دو کار.

۳- در متن اصلی، آیا آمده است که با توجه به ادامهٔ آیه و آیات بعد، صحیح به نظر نمی‌رسد.

قَالَ هَٰذَا رَحۡمَةٞ مِّن رَّبِّيۖ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ رَبِّي جَعَلَهُۥ
دَكَّآءَۖ وَكَانَ وَعۡدُ رَبِّي حَقّٗا ﴿٩٨﴾ ۞وَتَرَكۡنَا بَعۡضَهُمۡ
يَوۡمَئِذٖ يَمُوجُ فِي بَعۡضٖۖ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعۡنَٰهُمۡ
جَمۡعٗا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضۡنَا جَهَنَّمَ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡكَٰفِرِينَ عَرۡضًا ﴿١٠٠﴾
ٱلَّذِينَ كَانَتۡ أَعۡيُنُهُمۡ فِي غِطَآءٍ عَن ذِكۡرِي وَكَانُواْ لَا
يَسۡتَطِيعُونَ سَمۡعًا ﴿١٠١﴾ أَفَحَسِبَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَن
يَتَّخِذُواْ عِبَادِي مِن دُونِيٓ أَوۡلِيَآءَۚ إِنَّآ أَعۡتَدۡنَا جَهَنَّمَ
لِلۡكَٰفِرِينَ نُزُلٗا ﴿١٠٢﴾ قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ
أَعۡمَٰلًا ﴿١٠٣﴾ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعۡيُهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ
يَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ يُحۡسِنُونَ صُنۡعًا ﴿١٠٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ
فَلَا نُقِيمُ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَزۡنٗا ﴿١٠٥﴾ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ
جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَانَتۡ لَهُمۡ
جَنَّٰتُ ٱلۡفِرۡدَوۡسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبۡغُونَ
عَنۡهَا حِوَلٗا ﴿١٠٨﴾ قُل لَّوۡ كَانَ ٱلۡبَحۡرُ مِدَادٗا لِّكَلِمَٰتِ
رَبِّي لَنَفِدَ ٱلۡبَحۡرُ قَبۡلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّي وَلَوۡ جِئۡنَا
بِمِثۡلِهِۦ مَدَدٗا ﴿١٠٩﴾ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ
أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ
فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا
﴿١١٠﴾

گفت: این صنعت نعمتی است از پروردگار من، پس چون بیاید وعدهٔ پروردگار من[1]، کند آن را هموار و هست وعدهٔ پروردگار من راست. ﴿۹۸﴾ و بگذاریم بعض ایشان را آن روز که درهم آمیزند در بعض دیگر و دمیده شود در صور، پس به هم آریم ایشان را به هم آوردن. ﴿۹۹﴾ و روبه‌رو آریم دوزخ را آن روز پیش کافران روبه‌رو آوردن. ﴿۱۰۰﴾ آنان‌که بود چشم ایشان در پرده از یاد من و نمی‌توانستند سخن شنیدن (یعنی از شدّت بغض) . ﴿۱۰۱﴾ آیا پنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگانِ مرا بجز من، موجب عقوبت نباشد؟ هرآیینه ما آماده ساختیم دوزخ را برای کافران جای فرود آمدن. ﴿۱۰۲﴾ بگو: آیا خبر دهیم شما را به آنان‌که زیانکارترین مردمند از روی عمل؟. ﴿۱۰۳﴾ این جماعت، آنانند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان گمان می‌کنند که نیکوکاری می‌کنند در عمل. ﴿۱۰۴﴾ این جماعت، آنانند که کافر شدند به آیات پروردگار خویش و به ملاقات او، پس نابود شد عمل ایشان. پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی[2]. ﴿۱۰۵﴾ حال این است جزای ایشان دوزخ باشد به سبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و پیغامبرانِ مرا به تمسخر. ﴿۱۰۶﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، باشد ایشان را بوستان‌های بهشت جای مهمانی ﴿۱۰۷﴾ جاویدان آنجا باشند، نطلبند از آنجا بازگشتن. ﴿۱۰۸﴾ بگو: اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتنِ سخنانِ پروردگار من، البته خرج شود دریا پیش از آنکه آخر شوند سخنان پروردگار من، اگرچه بیاریم مانند آن دریا به طریق مدد. ﴿۱۰۹﴾ بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند شما، وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما همان معبود یکتا است، پس هر که توقع دارد ملاقات پروردگار خود را، باید که بکند کار پسندیده و شریک نیارد در عبادت پروردگار خویش هیچ‌کس را. ﴿۱۱۰﴾

۱- یعنی نزدیک شود قیامت.

۲- مترجم گوید: و این کنایت است از خواری و بی‌قدری.

سُورَةُ مَرۡيَمَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

كٓهيعٓصٓ ﴿١﴾ ذِكۡرُ رَحۡمَتِ رَبِّكَ عَبۡدَهُۥ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾ إِذۡ
نَادَىٰ رَبَّهُۥ نِدَآءً خَفِيّٗا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ
مِنِّي وَٱشۡتَعَلَ ٱلرَّأۡسُ شَيۡبٗا وَلَمۡ أَكُنۢ بِدُعَآئِكَ رَبِّ
شَقِيّٗا ﴿٤﴾ وَإِنِّي خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِي وَكَانَتِ
ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا فَهَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا ﴿٥﴾ يَرِثُنِي
وَيَرِثُ مِنۡ ءَالِ يَعۡقُوبَۖ وَٱجۡعَلۡهُ رَبِّ رَضِيّٗا ﴿٦﴾
يَٰزَكَرِيَّآ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسۡمُهُۥ يَحۡيَىٰ لَمۡ نَجۡعَل لَّهُۥ
مِن قَبۡلُ سَمِيّٗا ﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ
وَكَانَتِ ٱمۡرَأَتِي عَاقِرٗا وَقَدۡ بَلَغۡتُ مِنَ ٱلۡكِبَرِ عِتِيّٗا ﴿٨﴾
قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞ وَقَدۡ خَلَقۡتُكَ مِن
قَبۡلُ وَلَمۡ تَكُ شَيۡـٔٗا ﴿٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱجۡعَل لِّيٓ ءَايَةٗۖ قَالَ
ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٖ سَوِيّٗا ﴿١٠﴾
فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنَ ٱلۡمِحۡرَابِ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَيۡهِمۡ أَن
سَبِّحُواْ بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿١١﴾

سوره مریم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

کهیعص. ﴿۱﴾ این است بیان بخشایش پروردگار تو بر بندهٔ خود، زکریَّا. ﴿۲﴾ چون ندا کرد پروردگار خود را به دعای پنهان. ﴿۳﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآیینه سست شده است استخوان از بدن من و به رنگ آتش شعله زد سر من [از جهت سفیدی مویی] و نبودم در دعای تو ای پروردگار من! بی‌بهره. ﴿۴﴾ و هرآیینه من می‌ترسم از اقارب خود بعد از خود و هست زن من نازای، پس عطا کن مرا از نزدیک خود وارثی. ﴿۵﴾ که میراث گیرد از من و میراث گیرد از اولاد یعقوب و بکن او را، ای پروردگار من! مرد پسندیده. ﴿۶﴾ گفتیم: ای زکریا! هرآیینه ما بشارت می‌دهیم تو را به طفلی که نام او یحیی است، پیدا نکردیم پیش از این هیچ همنام او را. ﴿۷﴾ گفت: ای پروردگار من! چگونه پیدا شود برای من طفلی و هست زن من نازای و هرآیینه رسیده‌ام از سبب کلانسالی به نهایت ضعف. ﴿۸﴾ گفت: همچنین است وعده. گفت پروردگار تو: این کار بر من آسان است و هرآیینه آفریدم تو را پیش از این و نبودی چیزی. ﴿۹﴾ گفت: ای پروردگار من! معیّن کن برای من نشانه‌ای. فرمود: نشانهٔ تو آن است که سخن نتوانی گفتن با مردمان سه شبانه‌روز، در حالتی که صحیح المزاج باشی. ﴿۱۰﴾ پس بیرون آمد بر قوم خود از محراب عبادت، پس اشارت کرد به سوی ایشان که تسبیح گویید صبح و شام[1]. ﴿۱۱﴾

۱- مترجم گوید: القصه چون یحیی متولد شد و دو ساله گشت.

يَٰيَحۡيَىٰ خُذِ ٱلۡكِتَٰبَ بِقُوَّةٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحُكۡمَ صَبِيّٗا
﴿١٢﴾ وَحَنَانٗا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةٗۖ وَكَانَ تَقِيّٗا ﴿١٣﴾ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ
وَلَمۡ يَكُن جَبَّارًا عَصِيّٗا ﴿١٤﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَيۡهِ يَوۡمَ وُلِدَ
وَيَوۡمَ يَمُوتُ وَيَوۡمَ يُبۡعَثُ حَيّٗا ﴿١٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
مَرۡيَمَ إِذِ ٱنتَبَذَتۡ مِنۡ أَهۡلِهَا مَكَانٗا شَرۡقِيّٗا ﴿١٦﴾
فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا فَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهَا رُوحَنَا
فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرٗا سَوِيّٗا ﴿١٧﴾ قَالَتۡ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِٱلرَّحۡمَٰنِ
مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيّٗا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَآ أَنَا۠ رَسُولُ رَبِّكِ
لِأَهَبَ لَكِ غُلَٰمٗا زَكِيّٗا ﴿١٩﴾ قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ
وَلَمۡ يَمۡسَسۡنِي بَشَرٞ وَلَمۡ أَكُ بَغِيّٗا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ
رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٞۖ وَلِنَجۡعَلَهُۥٓ ءَايَةٗ لِّلنَّاسِ وَرَحۡمَةٗ
مِّنَّاۚ وَكَانَ أَمۡرٗا مَّقۡضِيّٗا ﴿٢١﴾ ۞فَحَمَلَتۡهُ فَٱنتَبَذَتۡ بِهِۦ
مَكَانٗا قَصِيّٗا ﴿٢٢﴾ فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ إِلَىٰ جِذۡعِ
ٱلنَّخۡلَةِ قَالَتۡ يَٰلَيۡتَنِي مِتُّ قَبۡلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسۡيٗا
مَّنسِيّٗا ﴿٢٣﴾ فَنَادَىٰهَا مِن تَحۡتِهَآ أَلَّا تَحۡزَنِي قَدۡ جَعَلَ
رَبُّكِ تَحۡتَكِ سَرِيّٗا ﴿٢٤﴾ وَهُزِّيٓ إِلَيۡكِ بِجِذۡعِ ٱلنَّخۡلَةِ
تُسَٰقِطۡ عَلَيۡكِ رُطَبٗا جَنِيّٗا ﴿٢٥﴾

[گفتیم] ای یحیی! بگیر احکام کتاب را به استواری و دادیمش دانایی در حال کودکی. ﴿۱۲﴾ و دادیمش شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس و بود پرهیزگار ﴿۱۳﴾. و نیکوکردار به پدر و مادر خود و نبود گردنکش گناهکار. ﴿۱۴﴾ و سلام باد بر وی روزی که متولد شود و روزی که بمیرد و روزی که بر انگیخته شود زنده گشته. ﴿۱۵﴾ و یاد کن در کتاب، مریم را، چون یکسو شد از کسان خود جایی به سمت بر آمدن آفتاب. ﴿۱۶﴾ پس گرفت این جانب از ایشان پرده، پس فرستادیم به سوی او روح خود را[1]، پس صورت گرفت برای مریم آدمی درست اندام شده. ﴿۱۷﴾ گفت: هرآیینه من می‌پناهم به خدا از تو اگر تو پرهیزگار باشی. ﴿۱۸﴾ گفت: جز این نیست که من فرستادهٔ پروردگار توام، تا عطاکنم تو را طفلی پاکیزه. ﴿۱۹﴾ گفت: چگونه پیدا شود برای من طفلی و دست نرسانیده است به من هیچ آدمی و هرگز نبودم زناکار؟!. ﴿۲۰﴾ گفت: وعده همچنین است. فرمود پروردگار تو که: این بر من آسان است و می‌خواهیم که کنیم این طفل را نشانه‌ای برای مردمان و بخشایشی از جانب خود و هست این مقدّمهٔ کاری مقرر کرده شده. ﴿۲۱﴾ پس به شکم بار گرفت آن طفل را، پس یک سو شد مریم به سبب آن حمل به جایی دور از مردم. ﴿۲۲﴾ پس آوردش دردِ زه به سوی تنهٔ خرما. مریم گفت: ای کاش! مرده بودمی پیش از این و شدمی فراموشِ از خاطر رفته!. ﴿۲۳﴾ پس آواز داد او را[طفل یا جبریل، والله اعلم] از جانب پایین او که: اندوه مخور! هرآیینه پیدا کرده است پروردگار تو پایین تو جویی. ﴿۲۴﴾ و بجنبان به سوی خویش تنهٔ خرما را تا بیفکند بر سر تو خرمای تازهٔ بالفعل از درخت چیده. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی جبرئیل ﷺ را.

فَكُلِي وَٱشۡرَبِي وَقَرِّي عَيۡنٗاۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلۡبَشَرِ أَحَدٗا
فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرۡتُ لِلرَّحۡمَٰنِ صَوۡمٗا فَلَنۡ أُكَلِّمَ ٱلۡيَوۡمَ
إِنسِيّٗا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتۡ بِهِۦ قَوۡمَهَا تَحۡمِلُهُۥۖ قَالُواْ يَٰمَرۡيَمُ لَقَدۡ
جِئۡتِ شَيۡـٔٗا فَرِيّٗا ﴿٢٧﴾ يَٰٓأُخۡتَ هَٰرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ
ٱمۡرَأَ سَوۡءٖ وَمَا كَانَتۡ أُمُّكِ بَغِيّٗا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتۡ إِلَيۡهِۖ
قَالُواْ كَيۡفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا ﴿٢٩﴾ قَالَ
إِنِّي عَبۡدُ ٱللَّهِ ءَاتَىٰنِيَ ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلَنِي نَبِيّٗا ﴿٣٠﴾
وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ
وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ﴿٣١﴾ وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي وَلَمۡ يَجۡعَلۡنِي
جَبَّارٗا شَقِيّٗا ﴿٣٢﴾ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَيَّ يَوۡمَ وُلِدتُّ وَيَوۡمَ أَمُوتُ
وَيَوۡمَ أُبۡعَثُ حَيّٗا ﴿٣٣﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ قَوۡلَ
ٱلۡحَقِّ ٱلَّذِي فِيهِ يَمۡتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ
مِن وَلَدٖۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ
كُن فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ
هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ﴿٣٦﴾ فَٱخۡتَلَفَ ٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ
بَيۡنِهِمۡۖ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن مَّشۡهَدِ يَوۡمٍ عَظِيمٍ
﴿٣٧﴾ أَسۡمِعۡ بِهِمۡ وَأَبۡصِرۡ يَوۡمَ يَأۡتُونَنَاۖ لَٰكِنِ ٱلظَّٰلِمُونَ
ٱلۡيَوۡمَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٣٨﴾

پس بخور و بیاشام و آسوده چشم شو. پس اگر ببینی از آدمیان کسی را، پس بگو: هرآیینه من نذر کرده‌ام برای خدا روزه را، پس سخن نخواهم گرفت امروز با هیچ آدمی. ﴿۲۶﴾ پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته. گفتند: ای مریم! هرآیینه آوردی چیزی زشت را. ﴿۲۷﴾ ای خواهر هارون، نبود پدر تو مرد بد و نبود مادر تو زنا کننده! ﴿۲۸﴾ پس مریم اشارت کرد به طفل خود. گفتند: چگونه سخن گوییم با کسی که هست در گهواره در حال کودکی؟. ﴿۲۹﴾ گفت عیسی: من بندهٔ خدایم، داده است مرا کتاب و ساخته است مرا پیغامبر. ﴿۳۰﴾ و ساخت مرا خداوند برکت هرجاکه باشم و حکم فرموده است مرا به نماز و زکات مادام که زنده باشم. ﴿۳۱﴾ و ساخت ما را نیکوکار به مادر خود و نکرده است مرا گردنکش بدبخت. ﴿۳۲﴾ و سلام بر من است روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم و روزی که برانگیخته شوم زنده شده. ﴿۳۳﴾ این است قصّهٔ عیسی، پسر مریم. مراد می‌دارم سخن راست راکه در وی مردمان اختلاف می‌کنند. ﴿۳۴﴾ نیست لایق خدا آنکه بگیرد هیچ فرزندی، پاکی او راست. چون سر انجام کند کاری را، جز این نیست که می‌گویدش: بشو! پس می‌شود. ﴿۳۵﴾ و گفت عیسی: هرآیینه خدا پروردگار من و پروردگار شما است، پس عبادت او کنید، این است راه راست. ﴿۳۶﴾ پس اختلاف کردند جماعت‌ها در میان خویش، پس وای کافران را! از حاضر شدن روز بزرگ. ﴿۳۷﴾ چقدر شنوا باشند و چقدر بینا باشند روزی که بیایند پیش ما، لیکن این ستمکاران امروز در گمراهی ظاهرند. ﴿۳۸﴾

وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ إِذۡ قُضِيَ ٱلۡأَمۡرُ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ
وَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّا نَحۡنُ نَرِثُ ٱلۡأَرۡضَ وَمَنۡ
عَلَيۡهَا وَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ﴿٤٠﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
إِبۡرَٰهِيمَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ
يَٰٓأَبَتِ لِمَ تَعۡبُدُ مَا لَا يَسۡمَعُ وَلَا يُبۡصِرُ وَلَا يُغۡنِي
عَنكَ شَيۡـٔٗا ﴿٤٢﴾ يَٰٓأَبَتِ إِنِّي قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا
لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ أَهۡدِكَ صِرَٰطٗا سَوِيّٗا ﴿٤٣﴾ يَٰٓأَبَتِ لَا
تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ﴿٤٤﴾
يَٰٓأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ
فَتَكُونَ لِلشَّيۡطَٰنِ وَلِيّٗا ﴿٤٥﴾ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنۡ
ءَالِهَتِي يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ لَأَرۡجُمَنَّكَۖ وَٱهۡجُرۡنِي
مَلِيّٗا ﴿٤٦﴾ قَالَ سَلَٰمٌ عَلَيۡكَۖ سَأَسۡتَغۡفِرُ لَكَ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ
كَانَ بِي حَفِيّٗا ﴿٤٧﴾ وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ
ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا
﴿٤٨﴾ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا
لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۖ وَكُلّٗا جَعَلۡنَا نَبِيّٗا ﴿٤٩﴾ وَوَهَبۡنَا
لَهُم مِّن رَّحۡمَتِنَا وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ لِسَانَ صِدۡقٍ عَلِيّٗا ﴿٥٠﴾
وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مُوسَىٰٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ مُخۡلَصٗا وَكَانَ
رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥١﴾

و بترسان ایشان را از روز پشیمانی، چون به انجام رسانیده شود کار و ایشان در غفلتند و ایشان ایمان نمی‌آرند.
﴿۳۹﴾ هرآیینه ما وارث شویم زمین را و هر کسی راکه بر زمین است و به سوی ما باز گردانیده شوند. ﴿۴۰﴾ و یاد کن در کتاب، ابراهیم را، هرآیینه وی بود راست کردار پیغامبری. ﴿۴۱﴾ یاد کن چون گفت پدر خود را: ای پدر من! چرا عبادت می‌کنی چیزی راکه نمی‌شنود و نمی‌بیند و دفع نمی‌کند از تو چیزی؟. ﴿۴۲﴾ ای پدر من! هرآیینه آمده است پیش من از علم آنچه نیامده است پیش تو، پس پیرویِ من کن تا دلالت کنم تو را به راه راست. ﴿۴۳﴾ ای پدر من! عبادت مکن شیطان را، هرآیینه هست شیطان مر خدای را نافرمان. ﴿۴۴﴾ ای پدر من، می‌ترسم از آنکه برسد به تو عقوبتی از خدا، پس باشی قرین شیطان. ﴿۴۵﴾ گفت: آیا روگردانی تو از معبودان من ای ابراهیم؟! اگر باز نایستی، البته سنگسار کنم تو را و ترک صحبت من کن مدت درازی. ﴿۴۶﴾ گفت: سلام علیك! آمرزش خواهم طلبید برای تو از پروردگار خویش، هرآیینه وی هست بر من مهربان. ﴿۴۷﴾ و کناره گیرم از شما و از آنچه می‌پرستید بجز خدا و خواهم عبادت کرد پروردگار خود را، امید آن است که نباشم به سبب پرستش پروردگار خود، بدبخت. ﴿۴۸﴾ پس چون کناره گرفت از ایشان و از آنچه می‌پرستیدند، بجز خدا، عطاکردیم وی را اسحاق و یعقوب و هر یکی را پیغامبر ساختیم. ﴿۴۹﴾ و عطا کردیم به ایشان چیزها از بخشش خود و ساختیم برای ایشان ذکر جمیل به نهایت بزرگی. ﴿۵۰﴾ و یاد کن در کتاب، موسی را. هرآیینه وی بود خالص کرده شده و بود فرستاده، پیغامبری. ﴿۵۱﴾

وَنَٰدَيۡنَٰهُ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنِ وَقَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا ﴿٥٢﴾
وَوَهَبۡنَا لَهُۥ مِن رَّحۡمَتِنَآ أَخَاهُ هَٰرُونَ نَبِيّٗا ﴿٥٣﴾ وَٱذۡكُرۡ
فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ
رَسُولٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ
وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ﴿٥٥﴾ وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ
إِدۡرِيسَۚ إِنَّهُۥ كَانَ صِدِّيقٗا نَّبِيّٗا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعۡنَٰهُ مَكَانًا
عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ
ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن
ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآۚ إِذَا
تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗا وَبُكِيّٗا۩
﴿٥٨﴾ ۞فَخَلَفَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ خَلۡفٌ أَضَاعُواْ ٱلصَّلَوٰةَ
وَٱتَّبَعُواْ ٱلشَّهَوَٰتِۖ فَسَوۡفَ يَلۡقَوۡنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾ إِلَّا مَن
تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ
وَلَا يُظۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا ﴿٦٠﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ
ٱلرَّحۡمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّهُۥ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَأۡتِيّٗا ﴿٦١﴾
لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوًا إِلَّا سَلَٰمٗاۖ وَلَهُمۡ رِزۡقُهُمۡ فِيهَا
بُكۡرَةٗ وَعَشِيّٗا ﴿٦٢﴾ تِلۡكَ ٱلۡجَنَّةُ ٱلَّتِي نُورِثُ مِنۡ
عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيّٗا ﴿٦٣﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمۡرِ رَبِّكَۖ
لَهُۥ مَا بَيۡنَ أَيۡدِينَا وَمَا خَلۡفَنَا وَمَا بَيۡنَ ذَٰلِكَۚ وَمَا كَانَ
رَبُّكَ نَسِيّٗا ﴿٦٤﴾

و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را رازگویان. ﴿۵۲﴾ و عطا کردیم او را از بخشش خود برادر او هارون، نبی ساخته. ﴿۵۳﴾ و یاد کن در کتاب، اسماعیل را، هرآیینه وی بود راست وعده و بود فرستاده پیغامبری. ﴿۵۴﴾ و می‌فرمود اهل خود را به نماز و زکات و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده. ﴿۵۵﴾ و یاد کن در کتاب، ادریس را. هرآیینه وی بود راست کردار پیغامبری. ﴿۵۶﴾ و برداشتیم او را به مکانی بلند (یعنی بر آسمان) . ﴿۵۷﴾ این جماعت، آنانند که انعام کرد خدا بر ایشان از زمرهٔ پیغامبران از فرزندان آدم و از نسل آنان‌که برداشتیم با نوح و از ذریّت ابراهیم و یعقوب و از جملهٔ آنان‌که راه راست نمودیم ایشان را و برگزیدیم. چون خوانده می‌شد بر ایشان آیات خدا، می‌افتادند سجده‌کنان و گریان. ﴿۵۸﴾ پس جانشین شد بعد از ایشان خلفی چند که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهش‌ها را، پس خواهند یافت جزای گمراهی. ﴿۵۹﴾ لیکن هر که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته به عمل آورد، پس این جماعت در آیند به بهشت و هیچ ستم کرده نشود بر ایشان. ﴿۶۰﴾ بوستان‌های همیشه ماندن که وعده داده است خدا بندگان خود را نادیده، هرآیینه هست وعدهٔ او البته آینده. ﴿۶۱﴾ نشنوند آنجا هیچ سخن بیهوده، لیکن سلام شنوند و ایشان را بود روزی ایشان آنجا صبح و شام. ﴿۶۲﴾ این است آن بهشت که عطا کنیم از بندگان خویش آن راکه پرهیزگار بود. ﴿۶۳﴾ و فرشتگان گفتند که: ما فرود نمی‌آییم، الاّ به حکم پروردگار تو. او راست علم آنچه در پیش ما است[1] و آنچه عقب ما است[2] و آنچه در میان این است و نیست پروردگار تو فراموش کار. ﴿۶۴﴾

۱- یعنی قیامت.

۲- یعنی از ابتدای خلق آسمان و زمین.

رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ
لِعِبَٰدَتِهِۦۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا ٦٥ وَيَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ
أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوۡفَ أُخۡرَجُ حَيًّا ٦٦ أَوَ لَا يَذۡكُرُ
ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقۡنَٰهُ مِن قَبۡلُ وَلَمۡ يَكُ شَيۡـٔٗا ٦٧
فَوَرَبِّكَ لَنَحۡشُرَنَّهُمۡ وَٱلشَّيَٰطِينَ ثُمَّ لَنُحۡضِرَنَّهُمۡ
حَوۡلَ جَهَنَّمَ جِثِيّٗا ٦٨ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمۡ
أَشَدُّ عَلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ عِتِيّٗا ٦٩ ثُمَّ لَنَحۡنُ أَعۡلَمُ بِٱلَّذِينَ
هُمۡ أَوۡلَىٰ بِهَا صِلِيّٗا ٧٠ وَإِن مِّنكُمۡ إِلَّا وَارِدُهَاۚ كَانَ
عَلَىٰ رَبِّكَ حَتۡمٗا مَّقۡضِيّٗا ٧١ ثُمَّ نُنَجِّي ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ
وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيّٗا ٧٢ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَيُّ
ٱلۡفَرِيقَيۡنِ خَيۡرٞ مَّقَامٗا وَأَحۡسَنُ نَدِيّٗا ٧٣ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا
قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا وَرِءۡيٗا ٧٤ قُلۡ مَن
كَانَ فِي ٱلضَّلَٰلَةِ فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَدًّاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا
رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ إِمَّا ٱلۡعَذَابَ وَإِمَّا ٱلسَّاعَةَ
فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضۡعَفُ جُندٗا ٧٥
وَيَزِيدُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ هُدٗىۗ وَٱلۡبَٰقِيَٰتُ
ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيۡرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابٗا وَخَيۡرٞ مَّرَدًّا ٧٦

اوست پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست، پس عبادتِ او کن. و شکیبا باش بر عبادت وی. آیا می‌دانی او را همنامی (یعنی مانندی)؟. ﴿۶۵﴾ و می‌گوید آدمی (یعنی آدمی کافر): آیا چون بمیرم، بیرون آورده خواهم شد زنده شده؟!. ﴿۶۶﴾ آیا یاد نمی‌کند آدمی که ما آفریدیم او را پیش از این و نبود هیچ چیزی؟!. ﴿۶۷﴾ پس قسم پروردگار تو! که البته برانگیزیم این منکرانِ بعثت را با شیاطین، باز حاضر کنیم ایشان را حوالی دوزخ به زانو در افتاده. ﴿۶۸﴾ باز برکشیم از هر امّتی آن راکه از ایشان ُجرأت کننده‌تر است بر خدا از روی نافرمانی. ﴿۶۹﴾ باز ما داناتریم به آنان‌که سزاوارترند به در آمدن دوزخ ﴿۷۰﴾ و نیست از شما هیچ‌کس مگر گذرنده بر آن. هست این وعده لازم بر پروردگار تو، مقرّر کرده شده. ﴿۷۱﴾ باز برهانیم متّقیان را و بگذاریم ظالمان را آنجا به زانو درافتاده. ﴿۷۲﴾ و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند کافران مسلمانان را: کدام یک از این دو گروه بهتر است در مرتبه و نیکوتر است از روی مجلس؟[1]. ﴿۷۳﴾ و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقهٔ مردمان را که بهتر بودند به اعتبار رختِ خانه و از روی نموداری. ﴿۷۴﴾ بگو: هر که باشد در گمراهی، افزون می‌دهد او را خدا افزون دادنی. تا وقتی که ببینند آنچه ترسانیده شدند یا عقوبت را و یا قیامت را، پس خواهند دانست کدام یک بدترست در مرتبه و ناتوانتر است به اعتبار لشکر. ﴿۷۵﴾ و زیاده می‌دهد خدا راهیابان را هدایت و حسنات پایندهٔ شایسته، بهترند نزدیک پروردگار تو از روی جزا و نیکوترند از جهت بازگشت. ﴿۷۶﴾

۱- یعنی به عزت دنیا مغرور شدند.

أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي كَفَرَ بِـَٔايَٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالٗا
وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾ أَطَّلَعَ ٱلۡغَيۡبَ أَمِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا
﴿٧٨﴾ كَلَّاۚ سَنَكۡتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُۥ مِنَ ٱلۡعَذَابِ
مَدّٗا ﴿٧٩﴾ وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأۡتِينَا فَرۡدٗا ﴿٨٠﴾ وَٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لِّيَكُونُواْ لَهُمۡ عِزّٗا ﴿٨١﴾ كَلَّاۚ
سَيَكۡفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمۡ وَيَكُونُونَ عَلَيۡهِمۡ ضِدًّا ﴿٨٢﴾
أَلَمۡ تَرَ أَنَّآ أَرۡسَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ تَؤُزُّهُمۡ
أَزّٗا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعۡجَلۡ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمۡ عَدّٗا ﴿٨٤﴾ يَوۡمَ
نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ
ٱلۡمُجۡرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا ﴿٨٦﴾ لَّا يَمۡلِكُونَ ٱلشَّفَٰعَةَ
إِلَّا مَنِ ٱتَّخَذَ عِندَ ٱلرَّحۡمَٰنِ عَهۡدٗا ﴿٨٧﴾ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ
ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا ﴿٨٨﴾ لَّقَدۡ جِئۡتُمۡ شَيۡـًٔا إِدّٗا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ
ٱلۡجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنۢبَغِي
لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾ إِن كُلُّ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا ﴿٩٣﴾ لَّقَدۡ أَحۡصَىٰهُمۡ
وَعَدَّهُمۡ عَدّٗا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا ﴿٩٥﴾

آیا دیدی آن راکه کافر شد به آیاتِ ما و گفت: البته داده شود مرا[1] مال و فرزند؟!. ﴿۷۷﴾ آیا مطلع شده است بر غیب یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی. ﴿۷۸﴾ نه چنان بود. خواهیم نوشت آنچه می‌گوید و افزون دهیمش عقوبت افزون دادنی. ﴿۷۹﴾ و بازستانیم پس از وی آنچه می‌گوید و بیاید پیش ما تنها شده. ﴿۸۰﴾ و خدایان گرفتند بجز«الله» تا باشند ایشان را سبب عزّت. ﴿۸۱﴾ نه چنان بود. که منکر خواهند شد پرستش معبودان خود را و خواهند شد بر ایشان ستیزنده. ﴿۸۲﴾ آیا ندیدی که می‌فرستیم شیاطین را بر کافران، می‌جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی؟. ﴿۸۳﴾ پس شتاب مکن بر ایشان. جز این نیست که مدت می‌شماریم برای ایشان شمار کردنی. ﴿۸۴﴾ روزی که برانگیزیم متّقیان را به سوی رحمان، مهمان آمده. ﴿۸۵﴾ و روان کنیم گناهکاران را به سوی دوزخ، تشنه گشته. ﴿۸۶﴾ نتوانند شفاعت کردن، الاّ کسی که گرفته است از نزدیک خدا عهدی[2]. ﴿۸۷﴾ و گفتند: فرزند گرفته است خدا!. ﴿۸۸﴾ [فرمود ایشان را] هرآیینه آوردید چیزی زشتی. ﴿۸۹﴾ نزدیکند آسمان‌ها که بشکافند از این سخن و بشگافد زمین و بیفتند کوه‌ها پاره پاره شده. ﴿۹۰﴾ به سبب آنکه اثبات کردند خدای را فرزندی. ﴿۹۱﴾ و نسزد خدای راکه فرزند گیرد. ﴿۹۲﴾ نیست هیچ کسی از آنان‌که در آسمان‌ها و زمینند، مگر آیند پیش رحمن، بنده شده. ﴿۹۳﴾ هرآیینه به علم در گرفته است ایشان را و شمار کرده است ایشان را شمار کردنی. ﴿۹۴﴾ و هر یک از ایشان آینده است پیش وی روز قیامت، تنها شده. ﴿۹۵﴾

۱- یعنی در قیامت.

۲- یعنی مسلمان شده و وعدهٔ ثواب را مستحق گشته.

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَيَجۡعَلُ لَهُمُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وُدّٗا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ﴿٩٧﴾ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هَلۡ تُحِسُّ مِنۡهُم مِّنۡ أَحَدٍ أَوۡ تَسۡمَعُ لَهُمۡ رِكۡزَۢا ﴿٩٨﴾

هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پیدا خواهد کرد برای ایشان خدا، دوستی[1]. ﴿۹۶﴾ جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را به زبان تو تا مژده دهی به آن متّقیان را و بترسانی به آن گروه ستیزندگان را. ﴿۹۷﴾ و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات مردم. آیا می‌بینی هیچ‌کس را از ایشان، یا می‌شنوی از ایشان آوازی تنگی؟. ﴿۹۸﴾

سُورَةُ طه

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ ﴿٢﴾ إِلَّا تَذۡكِرَةٗ لِّمَن يَخۡشَىٰ ﴿٣﴾ تَنزِيلٗا مِّمَّنۡ خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ وَٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلۡعُلَى ﴿٤﴾ ٱلرَّحۡمَٰنُ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ ﴿٥﴾ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَمَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ ﴿٦﴾ وَإِن تَجۡهَرۡ بِٱلۡقَوۡلِ فَإِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ وَأَخۡفَى ﴿٧﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ ﴿٨﴾ وَهَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿٩﴾ إِذۡ رَءَا نَارٗا فَقَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِقَبَسٍ أَوۡ أَجِدُ عَلَى ٱلنَّارِ هُدٗى ﴿١٠﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ يَٰمُوسَىٰٓ ﴿١١﴾ إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ﴿١٢﴾

سوره طه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طه. ﴿۱﴾ فرونفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی. ﴿۲﴾ لیکن [فروفرستادیم برای] پند دادن، کسی راکه بترسد. ﴿۳﴾ فروفرستادن از جانب کسی که آفریده است زمین را و آسمان‌های بلند را. ﴿۴﴾ وی بسیار بخشاینده است، بر عرش قرار گرفت. ﴿۵﴾ او راست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک نمناک است. ﴿۶﴾ و اگر آشکاراکنی سخن را، پس وی می‌داند سخن پنهان را و پنهان‌تر را[2]. ﴿۷﴾ خدا، هیچ معبود نیست مگر وی. مراو راست نام‌های نیکو. ﴿۸﴾ و آیا آمده است به تو خبر موسی؟. ﴿۹﴾ چون دید آتشی، پس گفت اهل خود را درنگ کنید، هرآیینه من دیده‌ام آتشی، امید دارم که بیارم پیش شما از آن آتش شعله یا بیابم بر آن آتش راهنمای. ﴿۱۰﴾ پس چون بیامد نزدیک آتش، آواز داده شد که: ای موسی! . ﴿۱۱﴾ هرآیینه من پروردگار توام، پس از پا بیرون کن نعلین خود را، هرآیینه تو به میدان پاکی طوی نام. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی با یکدیگر دوست باشند.

۲- یعنی جهر را به طریق اولی می‌داند.

وَأَنَا ٱخْتَرْتُكَ فَٱسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰٓ ﴿١٣﴾ إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ
إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعْبُدْنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكْرِيٓ ﴿١٤﴾ إِنَّ
ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا
تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَٱتَّبَعَ
هَوَىٰهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ
هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ
فِيهَا مَـَٔارِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَٰمُوسَىٰ ﴿١٩﴾
فَأَلْقَىٰهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا
تَخَفْۖ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا ٱلْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَٱضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ
جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ ءَايَةً أُخْرَىٰ
﴿٢٢﴾ لِنُرِيَكَ مِنْ ءَايَٰتِنَا ٱلْكُبْرَى ﴿٢٣﴾ ٱذْهَبْ إِلَىٰ
فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾
وَيَسِّرْ لِيٓ أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿٢٧﴾
يَفْقَهُواْ قَوْلِي ﴿٢٨﴾ وَٱجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾
هَٰرُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ ٱشْدُدْ بِهِۦٓ أَزْرِي ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكْهُ فِيٓ
أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾
إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ
يَٰمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰٓ ﴿٣٧﴾

و من برگزیدم تو را، پس گوش بنه به سوی آنچه وحی فرستاده می‌شود. ﴿۱۳﴾ هرآیینه من خدایم، نیست هیچ معبود غیر من، پس عبادت من بکن و برپا کن نماز را برای یاد کردن من. ﴿۱۴﴾ هرآیینه قیامت آمدنی است. می‌خواهم که پنهان دارم وقت آن را تا جزا داده شود هر شخصی به مقابلهٔ آنچه می‌کند. ﴿۱۵﴾ پس باید که باز ندارد تو را از باور داشتن، آن کسی که ایمان ندارد بر آن و پیروی کرده است خواهش نفس خود را، آنگاه هلاک شوی. ﴿۱۶﴾ و چیست این به دست راست تو ای موسی؟!. ﴿۱۷﴾ گفت: این عصای من است. تکیه می‌کنم بر آن و برگ می‌ریزم به آن بر گوسفندان خود و مرا در این عصا کارهای دیگر نیز هست. ﴿۱۸﴾ گفت: بیفکن آن را ای موسی!. ﴿۱۹﴾ پس بیفکندش، پس ناگهان وی ماری شد دوان. ﴿۲۰﴾ گفت: بگیر این را و مترس. باز خواهیم گردانید او را بشکل نخستین او. ﴿۲۱﴾ و به هم آر دست خود را به سوی بغل خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیبی، نشانه‌ای دیگر آمده. ﴿۲۲﴾ می‌خواهیم که بنماییم تو را بعض نشانه‌های بزرگ خویش. ﴿۲۳﴾ برو به سوی فرعون، هرآیینه وی از حد گذشته است. ﴿۲۴﴾ گفت: ای پروردگار من! گشاده کن برای من سینهٔ مرا. ﴿۲۵﴾ و آسان کن برای من کار مرا ﴿۲۶﴾ و بگشای گره از زبان من. ﴿۲۷﴾ تا فهم کنند سخن من. ﴿۲۸﴾ و مقرر کن برای من وزیری از کسان من. ﴿۲۹﴾ هارون برادر مرا. ﴿۳۰﴾ محکم کن به سبب او توانایی مرا. ﴿۳۱﴾ و شریک کن او را در کار من. ﴿۳۲﴾ تا تسبیح تو گوییم بسیاری ﴿۳۳﴾ و یاد تو کنیم بسیاری. ﴿۳۴﴾ هرآیینه تو هستی به احوال ما بینا. ﴿۳۵﴾ گفت: هرآیینه داده شدی درخواست خودت ای موسی! . ﴿۳۶﴾ هرآیینه نعمت فراوان دادیم بر تو یک بار دیگر. ﴿۳۷﴾

إِذۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ﴿٣٨﴾ أَنِ ٱقۡذِفِيهِ فِي
ٱلتَّابُوتِ فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ فَلۡيُلۡقِهِ ٱلۡيَمُّ بِٱلسَّاحِلِ
يَأۡخُذۡهُ عَدُوّٞ لِّي وَعَدُوّٞ لَّهُۥۚ وَأَلۡقَيۡتُ عَلَيۡكَ مَحَبَّةٗ مِّنِّي
وَلِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ ﴿٣٩﴾ إِذۡ تَمۡشِيٓ أُخۡتُكَ فَتَقُولُ هَلۡ
أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ مَن يَكۡفُلُهُۥۖ فَرَجَعۡنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيۡ
تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَۚ وَقَتَلۡتَ نَفۡسٗا فَنَجَّيۡنَٰكَ مِنَ
ٱلۡغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونٗاۚ فَلَبِثۡتَ سِنِينَ فِيٓ أَهۡلِ مَدۡيَنَ ثُمَّ
جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ يَٰمُوسَىٰ ﴿٤٠﴾ وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ﴿٤١﴾
ٱذۡهَبۡ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي ﴿٤٢﴾
ٱذۡهَبَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا
لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن
يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي
مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾ فَأۡتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا
رَبِّكَ فَأَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَا تُعَذِّبۡهُمۡۖ قَدۡ
جِئۡنَٰكَ بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّكَۖ وَٱلسَّلَٰمُ عَلَىٰ مَنِ ٱتَّبَعَ
ٱلۡهُدَىٰٓ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡنَآ أَنَّ ٱلۡعَذَابَ عَلَىٰ مَن
كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَٰمُوسَىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ
رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾
قَالَ فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿٥١﴾

چون الهام فرستادیم به سوی مادر تو، آنچه الهام کردنی بود. ﴿۳۸﴾ که بیفکن این طفل را در صندوق، پس افکن صندوق را در دریا تا افکند او را دریا به کناره، بگیردش دشمن من و دشمن وی و بیفکندم بر روی تو قبول از جانب خویش و خواستم که پرورده شوی به حضور من. ﴿۳۹﴾ چون می‌رفت خواهر تو، پس می‌گفت: آیا دلالت کنم شما را بر کسی که نگاهبانی این طفل کند؟ پس باز آوردیم تو را به سوی مادرِ تو تا خنک شود چشم وی و اندوهگین نباشد و بکشتی شخصی را، پس خلاص ساختیم تو را از اندوه و در محنت افکندیم تو را به آزمودن، پس درنگ کردی سال‌هایی چند در اهل مدین، باز بر آمدی موافق تقدیر الهی ای موسی. ﴿۴۰﴾ و ساختم تو را برای خویش. ﴿۴۱﴾ برو تو و برادر تو با نشانه‌های من و سستی مکنید در یاد من. ﴿۴۲﴾ بروید به سوی فرعون، هرآیینه وی از حد گذشته است. ﴿۴۳﴾ پس بگویید با وی سخن نرم، بُوَد که پندپذیر شود یا بترسد. ﴿۴۴﴾ گفتند: ای پروردگار ما! هرآیینه ما می‌ترسیم از آنکه تعدّی کند بر ما یا از حد گذرد. ﴿۴۵﴾ گفت: مترسید هرآیینه من با شمایم، می‌شنوم و می‌بینم. ﴿۴۶﴾ پس بروید پیش وی، پس بگویید هرآیینه ما فرستاده‌های پروردگار توییم، پس بفرست با ما بنی اسراییل را و عذاب مکن ایشان را، هرآیینه آوردیم پیش تو نشانه‌ای از جانب پروردگار تو و سلامتی کسی را باشد که پیروی هدایت کند. ﴿۴۷﴾ هرآیینه وحی فرستاده شد به سوی ما که عذاب، کسی را باشد که دروغ شمرد و روگردان شود[1]. ﴿۴۸﴾ فرعون گفت: پس کیست پروردگار شما ای موسی؟!. ﴿۴۹﴾ گفت که: پروردگار ما آن است که داد هرچیزی را صورت خالص او، باز راه نمودش به طلب معاش خودش. ﴿۵۰﴾ گفت: پس چیست حال قرن‌های نخستین؟. ﴿۵۱﴾

۱- القصه این پیغام رسانیدند.

قَالَ عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَٰبٖۖ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا
يَنسَى ٥٢ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَسَلَكَ
لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا
بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّن نَّبَاتٖ شَتَّىٰ ٥٣ كُلُواْ وَٱرۡعَوۡاْ
أَنۡعَٰمَكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ٥٤
۞مِنۡهَا خَلَقۡنَٰكُمۡ وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ وَمِنۡهَا
نُخۡرِجُكُمۡ تَارَةً أُخۡرَىٰ ٥٥ وَلَقَدۡ أَرَيۡنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا
فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ٥٦ قَالَ أَجِئۡتَنَا لِتُخۡرِجَنَا مِنۡ أَرۡضِنَا
بِسِحۡرِكَ يَٰمُوسَىٰ ٥٧ فَلَنَأۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٖ مِّثۡلِهِۦ
فَٱجۡعَلۡ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدٗا لَّا نُخۡلِفُهُۥ نَحۡنُ وَلَآ
أَنتَ مَكَانٗا سُوٗى ٥٨ قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن
يُحۡشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحٗى ٥٩ فَتَوَلَّىٰ فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهُۥ
ثُمَّ أَتَىٰ ٦٠ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُواْ عَلَى
ٱللَّهِ كَذِبٗا فَيُسۡحِتَكُم بِعَذَابٖۖ وَقَدۡ خَابَ مَنِ
ٱفۡتَرَىٰ ٦١ فَتَنَٰزَعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَىٰ
٦٢ قَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ يُرِيدَانِ أَن يُخۡرِجَاكُم
مِّنۡ أَرۡضِكُم بِسِحۡرِهِمَا وَيَذۡهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلۡمُثۡلَىٰ
٦٣ فَأَجۡمِعُواْ كَيۡدَكُمۡ ثُمَّ ٱئۡتُواْ صَفّٗاۚ وَقَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡيَوۡمَ
مَنِ ٱسۡتَعۡلَىٰ ٦٤

گفت: علم آن نزدیک پروردگار من است در کتابی که
غلط نکند پروردگار من و نه فراموش سازد. ﴿۵۲﴾ او آن
است که ساخت برای شما زمین را فرشی و روان کرد برای
شما در آنجا راهها و فروفرستاد از آسمان آب را. پس
بیرون آوردیم به آن آب انواع مختلف از نبات. ﴿۵۳﴾
گفتیم: بخورید و بچرانید چهارپایان خود را. هرآیینه در
این مقدّمه نشانه‌هاست خداوندانِ خردها را. ﴿۵۴﴾ از زمین
آفریدیم شما را و در زمین بازدرآریم شما را و از زمین
بیرون کشیم شما را بار دیگر. ﴿۵۵﴾ و هرآیینه بنمودیم
فرعون را نشانه‌های خویش تمام آن، پس دروغ بشمرد و
قبول نکرد. ﴿۵۶﴾ گفت: آیا آمده‌ای تا بیرون کنی ما را
از زمین ما بجادوی خود ای موسی؟!. ﴿۵۷﴾ پس هرآیینه
بیاریم پیش تو جادویی مانند آن، پس معیّن کن میان ما و
میان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آن را ما و نه تو، به
جایی میانهٔ شهر. ﴿۵۸﴾ گفت: وعده‌گاه شما روز آرایش
است و آنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاش. ﴿۵۹﴾
پس به خانه بازگشت فرعون. پس جمع کرد مکر خود را،
باز بیامد. ﴿۶۰﴾ گفت موسی ساحران را: وای بر شما! افترا
مکنید بر خدا دروغ را، آنگاه هلاک سازد شما را به عذاب
و هرآیینه به مطلب نرسید هر که افترا کرد. ﴿۶۱﴾ پس
گفتگو کردند ساحران به مشورت خود در میان خویش و
پنهان گفتند راز را. ﴿۶۲﴾ گفتند: البته این دو شخص
ساحرانند. می‌خواهند که بیرون کنند شما را از زمین شما
به سحر خود و می‌خواهند که دور کنند دین شایستهٔ شما
را. ﴿۶۳﴾ پس به هم آرید اسباب سحر خود را، باز بیایید
صف کشیده و هرآیینه رستگار شد امروز هر که غالب
آمد. ﴿۶۴﴾

قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ
أَلۡقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ
إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ
خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٦٨﴾
وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ
كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأُلۡقِيَ
ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدٗا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾
قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ
ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ
وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ
ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُواْ لَن
نُّؤۡثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَآءَنَا مِنَ ٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَاۖ
فَٱقۡضِ مَآ أَنتَ قَاضٍۖ إِنَّمَا تَقۡضِي هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَآ
﴿٧٢﴾ إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغۡفِرَ لَنَا خَطَٰيَٰنَا وَمَآ أَكۡرَهۡتَنَا
عَلَيۡهِ مِنَ ٱلسِّحۡرِۗ وَٱللَّهُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُۥ مَن يَأۡتِ
رَبَّهُۥ مُجۡرِمٗا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ
﴿٧٤﴾ وَمَن يَأۡتِهِۦ مُؤۡمِنٗا قَدۡ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَأُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمُ ٱلدَّرَجَٰتُ ٱلۡعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّىٰ
﴿٧٦﴾

گفتند: ای موسی! یا این است که تو افکنی (یعنی عصا را) یا باشیم ما اوّل کسی که افکند. ﴿۶۵﴾ گفت: بلکه شما افکنید، پس ناگهان رسن‌های ایشان و عصاهای ایشان نمودار شد پیش موسی به سبب سحر ایشان که می‌دود. ﴿۶۶﴾ پس یافت در ضمیر خود موسی ترسی را. ﴿۶۷﴾ گفتیم: مترس! هرآیینه تویی غالب. ﴿۶۸﴾ و بیفکن آنچه در دست راست تو است تا فرد برو چیزی را که ساخته‌اند، هرآیینه آنچه ساخته‌اند جادوی جادو کننده است و رستگار نمی‌شود ساحر هرجاکه رود. [القصّه همچنین شد] . ﴿۶۹﴾ پس انداخته شدند ساحران سجده‌کنان، گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی. ﴿۷۰﴾ گفت فرعون: آیا باور داشتید او را پیش از آنکه دستوری دهم شما را؟! هرآیینه وی بزرگوار شماست که آموخته است شما را سحر، هرآیینه بِبُرم دست‌های شما و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب چپ و بر دار کِشَم شما را بر تنه‌های خرما و البته خواهید دانست که کدام یک از ما سخت‌تر است عذاب او و پاینده‌تر است. ﴿۷۱﴾ گفتند: ترجیح ندهیم تو را بر آنچه آمده است پیش ما از دلائل واضح و ترجیح ندهیم تو را بر خدایی که آفرید ما را، پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی. جز این نیست که حکم کنی در این زندگانی دنیا. ﴿۷۲﴾ هرآیینه ما ایمان آوردیم به پروردگار خویش، تا بیامرزد برای ما گناهان ما را و آنچه جبر کردی ما را بر آن که سحر کنیم و خدا بهتر است و پاینده‌تر است. ﴿۷۳﴾ هرآیینه هر که بیاید پیش پروردگار خویش گناهکار شده، پس او راست دوزخ، نه میرد آنجا و نه زنده ماند. ﴿۷۴﴾ و آنکه بیاید پیش او مسلمان شده و عمل‌های شایسته کرده، پس این جماعت ایشان راست درجه‌های بلند. ﴿۷۵﴾ بوستان‌های همیشه ماندن، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. و این است جزای هر که پاک شده است. ﴿۷۶﴾

وَلَقَدۡ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَسۡرِ بِعِبَادِي فَٱضۡرِبۡ
لَهُمۡ طَرِيقٗا فِي ٱلۡبَحۡرِ يَبَسٗا لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا وَلَا
تَخۡشَىٰ ﴿٧٧﴾ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ بِجُنُودِهِۦ فَغَشِيَهُم مِّنَ
ٱلۡيَمِّ مَا غَشِيَهُمۡ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرۡعَوۡنُ قَوۡمَهُۥ وَمَا هَدَىٰ
﴿٧٩﴾ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ قَدۡ أَنجَيۡنَٰكُم مِّنۡ عَدُوِّكُمۡ
وَوَٰعَدۡنَٰكُمۡ جَانِبَ ٱلطُّورِ ٱلۡأَيۡمَنَ وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكُمُ
ٱلۡمَنَّ وَٱلسَّلۡوَىٰ ﴿٨٠﴾ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ
وَلَا تَطۡغَوۡاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبِيۖ وَمَن يَحۡلِلۡ
عَلَيۡهِ غَضَبِي فَقَدۡ هَوَىٰ ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٞ لِّمَن تَابَ
وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا ثُمَّ ٱهۡتَدَىٰ ﴿٨٢﴾ ۞وَمَآ أَعۡجَلَكَ
عَن قَوۡمِكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمۡ أُوْلَآءِ عَلَىٰٓ أَثَرِي
وَعَجِلۡتُ إِلَيۡكَ رَبِّ لِتَرۡضَىٰ ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدۡ فَتَنَّا
قَوۡمَكَ مِنۢ بَعۡدِكَ وَأَضَلَّهُمُ ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ
مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَلَمۡ
يَعِدۡكُمۡ رَبُّكُمۡ وَعۡدًا حَسَنًاۚ أَفَطَالَ عَلَيۡكُمُ
ٱلۡعَهۡدُ أَمۡ أَرَدتُّمۡ أَن يَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ غَضَبٞ مِّن
رَّبِّكُمۡ فَأَخۡلَفۡتُم مَّوۡعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُواْ مَآ أَخۡلَفۡنَا
مَوۡعِدَكَ بِمَلۡكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلۡنَآ أَوۡزَارٗا مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ
فَقَذَفۡنَٰهَا فَكَذَٰلِكَ أَلۡقَى ٱلسَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

و هرآینه وحی فرستادیم به سوی موسی که وقت شب ببر بندگان مرا، پس بساز برای ایشان راهی خشک در دریا، مترس از دریافتن دشمنی و وسواس نکنی از غرق. ﴿۷۷﴾ پس تعاقب ایشان کرد فرعون با لشکرهای خویش، پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه پوشانید ایشان را. ﴿۷۸﴾ و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود. ﴿۷۹﴾ گفتیم: ای بنی اسراییل! هرآینه نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را[1] به جانب راست طور و فروفرستادیم بر شما «منّ» و «سلوی». ﴿۸۰﴾ گفتیم بخورید از لذایذ آنچه روزی دادیم شما را و از حدّ مگذرید در باب آن روزی، آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شود بر وی خشم من، البته هلاک شد. ﴿۸۱﴾ و هرآینه من آمرزنده‌ام کسی راکه توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته کرد، باز راه راست یافت. ﴿۸۲﴾ و چه[2] چیز به شتاب آورد تو را غافل مانده از قوم خود، ای موسی؟!. ﴿۸۳﴾ گفت: قوم من، ایشانند بر پیِ من و شتافتم به سوی تو، ای پروردگار من! تا خوشنود شوی. ﴿۸۴﴾ گفت خدا: هرآیینه ما در بلا افکندیم قوم تو را پس از تو و گمراه ساخت ایشان را سامری. ﴿۸۵﴾ پس بازگشت موسی به سوی قوم خود خشم گرفته، اندوه خورده، گفت: ای قوم من! آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعدۀ نیک؟ آیا دراز شد بر شما مدّت[3] یا خواستید که واجب شود بر شما خشمی از پروردگار شما؟ پس خلاف کردید وعدۀ مرا. ﴿۸۶﴾ گفتند: خلاف نکردیم وعدۀ تو را به اختیار خویش و لیکن ما را تکلیف کردند تا برداشتیم بارها از پیرایۀ قوم [قبط]، پس افکندیم آن را[4] و همچنین افکند سامری. ﴿۸۷﴾

۱- یعنی به دادن تورات.

۲- مترجم گوید: چون موسی با هفتاد کس از قوم خود به جانب طور متوجه شد، حضرت موسی از همه سبقت کرد خطاب رسید، والله اعلم.

۳- یعنی مدت مفارقت من.

۴- یعنی در آتش.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُۥ خُوَارٌ فَقَالُواْ هَٰذَآ
إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ
إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ
قَالَ لَهُمْ هَٰرُونُ مِن قَبْلُ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِۦۖ وَإِنَّ
رَبَّكُمُ ٱلرَّحْمَٰنُ فَٱتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوٓاْ أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُواْ
لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَٰكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾
قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓاْ ﴿٩٢﴾ أَلَّا
تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ
بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ
بَيْنَ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا
خَطْبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُواْ
بِهِۦ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا
وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ فَٱذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ
فِي ٱلْحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَۖ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن
تُخْلَفَهُۥۖ وَٱنظُرْ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًاۖ
لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَآ
إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ
عِلْمًا ﴿٩٨﴾

از بیرون آورد برای ایشان گوساله را، برآورد کالبدی که او را آواز گاو بود. پس گفتند اتباع سامری: این است پروردگار شما و پروردگار موسی، پس فراموش کرده است موسی. ﴿۸۸﴾ آیا نمی‌دیدند این گمراهان که باز نمی‌گرداند به سوی ایشان سخنی را و نمی‌تواند برای ایشان هیچ زیانی و نه سودی؟. ﴿۸۹﴾ و هرآیینه گفت ایشان را هارون پیش از این: ای قوم من! جز این نیست که مبتلا شده‌اید به این گوساله و هرآیینه پروردگار شما خدا است، پس پیرویِ من کنید و انقیاد حکم من نمایید. ﴿۹۰﴾ گفتند: همیشه مجاور خواهیم بود برین گوساله تا وقتی که باز آید به ما موسی. ﴿۹۱﴾ [موسی آمده] گفت: ای هارون، چه چیز بازداشت تو را چون دیدی ایشان را که گمراه شدند. ﴿۹۲﴾ از آنکه پیرویِ من کنی[1]، آیا خلاف حکم من کردی؟. ﴿۹۳﴾ گفت: ای پسر مادر من! مگیر ریش مرا و نه موی سر مرا. هرآیینه من ترسیدم از آنکه گویی جدایی افکندی در میانِ فرزندان یعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا. ﴿۹۴﴾ گفت موسی: پس چیست حالِ تو ای سامری؟. ﴿۹۵﴾ گفت: بینا شدم به آنچه سایر مردم بینا نشدند به آن، پس گرفتم مشتی خاک از نقش پایِ فرستاده (یعنی جبرییل) پس افکندم آن را[2] و به همین صفت بیاراست پیش من. ﴿۹۶﴾ گفت: پس برو، هرآیینه تو را در زندگانی سزا این است که گویی دست رسانیدن ممکن نیست[3] و هرآیینه تو را وعدهٔ دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و ببین سوی معبود خود که مجاور شده بودی بر آن، البته بسوزانیم آن را، پس پراکنده سازیم آن را در دریا، پراکنده ساختنگفت: پس برو، هرآیینه تو را در زندگانی سزا این است که گویی دست رسانیدن ممکن نیست و هرآیینه تو را وعدهٔ دیگر است که خلاف کرده نشود در حق تو و ببین سوی معبود خود که مجاور شده بودی بر آن، البته بسوزانیم آن را، پس پراکنده سازیم آن را در دریا، پراکنده ساختن. ﴿۹۷﴾ جز این نیست که معبود شما «الله» است. آنکه نیست هیچ معبودی به حق بجز او، فرار رسیده است هر چیز را از روی دانش. ﴿۹۸﴾

۱- یعنی به قتال اهلِ ضلال.

۲- یعنی در کالبدی که از زر ساخته بود به شکل گوساله.

۳- یعی اگر باکسی همنشین شدی، هر دو را تب می‌گرفت.

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآءِ مَا قَدۡ سَبَقَۚ وَقَدۡ
ءَاتَيۡنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكۡرٗا ﴿٩٩﴾ مَّنۡ أَعۡرَضَ عَنۡهُ فَإِنَّهُۥ
يَحۡمِلُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وِزۡرًا ﴿١٠٠﴾ خَٰلِدِينَ فِيهِۖ وَسَآءَ لَهُمۡ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ حِمۡلٗا ﴿١٠١﴾ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِۚ وَنَحۡشُرُ
ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ زُرۡقٗا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَٰفَتُونَ بَيۡنَهُمۡ إِن
لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا عَشۡرٗا ﴿١٠٣﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذۡ يَقُولُ
أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا يَوۡمٗا ﴿١٠٤﴾ وَيَسۡـَٔلُونَكَ
عَنِ ٱلۡجِبَالِ فَقُلۡ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسۡفٗا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعٗا
صَفۡصَفٗا ﴿١٠٦﴾ لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجٗا وَلَآ أَمۡتٗا ﴿١٠٧﴾ يَوۡمَئِذٖ
يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُۥۖ وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ
لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا ﴿١٠٨﴾ يَوۡمَئِذٖ لَّا تَنفَعُ
ٱلشَّفَٰعَةُ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُۥ قَوۡلٗا ﴿١٠٩﴾
يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ
عِلۡمٗا ﴿١١٠﴾ ۞وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ
مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا ﴿١١١﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ
مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ﴿١١٢﴾ وَكَذَٰلِكَ
أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا وَصَرَّفۡنَا فِيهِ مِنَ ٱلۡوَعِيدِ لَعَلَّهُمۡ
يَتَّقُونَ أَوۡ يُحۡدِثُ لَهُمۡ ذِكۡرٗا ﴿١١٣﴾

[یا محمد] اینچنین قصه می‌خوانیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هرآیینه داده‌ایم تو را از نزدیک خویش پندی. ﴿۹۹﴾ هر که روی بگرداند از آن، پس وی بردارد روز قیامت باری را[1]. ﴿۱۰۰﴾ جاویدان در آن بار کشیدن. و وی بد باری است ایشان را روز قیامت بار کشیدن. ﴿۱۰۱﴾ روزی که دمیده شود در صور و برانگیزیم گناهکاران را آن روز کبود چشم گشته. ﴿۱۰۲﴾ پنهان حرفْ زنند. در میان خویش که درنگ نکردند (یعنی در دنیا) مگر ده شبانه‌روز. ﴿۱۰۳﴾ ما داناتریم به حقیقت آنچه می‌گویند چون بگوید بهترین ایشان در روش: درنگ نکرده‌اید مگر یک روز. ﴿۱۰۴﴾ و می‌پرسند تو را از کوه‌ها، بگو: پراکنده کند آن را پروردگار من، پراکنده کردن. ﴿۱۰۵﴾ پس بگذارد زمین را میدانی هموار. ﴿۱۰۶﴾ نبینی در آنجا هیچ کجی و نه هیچ بلندی. ﴿۱۰۷﴾ آن روز از پی آواز کننده روند،[2] هیچ کجی نباشد آن اتباع را و پست شوند آوازها برای خدا، پس نشنوی مگر آواز نرم. ﴿۱۰۸﴾ آن روز نفع ندهد شفاعت مگر برای کسی که دستوری داده است خدا او را و پسند کرده است او را از روی گفتار[3]. ﴿۱۰۹﴾ می‌داند آنچه پیش روی آدمیان است و آنچه پسِ پشت ایشان است و آدمیان در نگیرند خدا را از روی دانش. ﴿۱۱۰﴾ و نیایش کنند روی‌های مردمان برای زندهٔ خبر گیرنده و هرآیینه به مطلب نرسید هر که برداشت ستم را. ﴿۱۱۱﴾ و هر که بجا آرد کارهای شایسته را و او مؤمن باشد، پس وی نترسد از ستمی و نه از نقصانی. ﴿۱۱۲﴾ و و همچنین فروفرستادیم کتاب را قرآن عربی و گوناگون بیان کردیم اندر آن ترسانیدن را تا بُوَد که پرهیزگار شوند یا پیدا کند در حق ایشان پند را. ﴿۱۱۳﴾

۱- یعنی گناهی‌را.

۲- یعنی انقیاد اسرافیل کنند.

۳- یعنی مسلمان باشد.

فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۗ وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن
قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا ١١٤
وَلَقَدۡ عَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ مِن قَبۡلُ فَنَسِيَ وَلَمۡ نَجِدۡ لَهُۥ
عَزۡمٗا ١١٥ وَإِذۡ قُلۡنَا لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ فَسَجَدُوٓاْ
إِلَّآ إِبۡلِيسَ أَبَىٰ ١١٦ فَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوّٞ لَّكَ
وَلِزَوۡجِكَ فَلَا يُخۡرِجَنَّكُمَا مِنَ ٱلۡجَنَّةِ فَتَشۡقَىٰٓ ١١٧ إِنَّ
لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعۡرَىٰ ١١٨ وَأَنَّكَ لَا تَظۡمَؤُاْ
فِيهَا وَلَا تَضۡحَىٰ ١١٩ فَوَسۡوَسَ إِلَيۡهِ ٱلشَّيۡطَٰنُ قَالَ
يَٰٓـَٔادَمُ هَلۡ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ ٱلۡخُلۡدِ وَمُلۡكٖ لَّا يَبۡلَىٰ
١٢٠ فَأَكَلَا مِنۡهَا فَبَدَتۡ لَهُمَا سَوۡءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِۚ وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ
فَغَوَىٰ ١٢١ ثُمَّ ٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَتَابَ عَلَيۡهِ وَهَدَىٰ ١٢٢
قَالَ ٱهۡبِطَا مِنۡهَا جَمِيعَۢاۖ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ فَإِمَّا
يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ
وَلَا يَشۡقَىٰ ١٢٣ وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ
مَعِيشَةٗ ضَنكٗا وَنَحۡشُرُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ أَعۡمَىٰ ١٢٤ قَالَ
رَبِّ لِمَ حَشَرۡتَنِيٓ أَعۡمَىٰ وَقَدۡ كُنتُ بَصِيرٗا ١٢٥

قرآن پیش از آنکه انجام رسانیده شود به سوی تو وحی او را و بگو: ای پروردگار من! بیفزا مرا دانشی. ﴿۱۱۴﴾ و هرآیینه حکم فرستادیم به سوی آدم پیش از این، پس فراموش کرد و نیافتیم او را قصد محکم. ﴿۱۱۵﴾ و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید به سوی آدم،، پس سجده کردند، مگر ابلیس، قبول نکرد. ﴿۱۱۶﴾ پس گفتیم: ای آدم! هرآیینه این دشمن است تو را و زنِ تو را پس باید که بیرون نکند شما را از بهشت که آنگاه رنج کشی. ﴿۱۱۷﴾ هرآیینه تو راهست در بهشت اینکه گرسنه نشوی و برهنه نباشی. ﴿۱۱۸﴾ و آنکه تو تشنه نشوی آنجا و گرمی آفتاب نیابی. ﴿۱۱۹﴾ پس وسوسه انداخت به سوی آدم شیطان، گفت: ای آدم! آیا دلالت کنم تو را بر درخت همیشه بودن و برپادشاهی‌ای که کهنه نگردد؟. ﴿۱۲۰﴾ پس خوردند از آن درخت، پس ظاهر شد ایشان را شرمگاه ایشان و درایستادند که می‌چسپانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خود را، پس گم کرد راه را. ﴿۱۲۱﴾ باز برگزیدش پروردگار او، پس به رحمت‌بازگشت بر وی و راه نمود. ﴿۱۲۲﴾ گفت: فرورويد شما هر دو از این بهشت، بعضِ اولاد شما بعض دیگر را دشمن باشند، پس اگر بیاید به شما از جانب من هدایتی، پس هر که پیرویِ هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد. ﴿۱۲۳﴾ هر که روگردان شود از یاد کردن من، پس او را بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزیم او را روز قیامت. ﴿۱۲۴﴾ گوید: ای پروردگار من! چرا نابینا برانگیختی مرا؟ و هرآیینه پیش از این بینا بودم. ﴿۱۲۵﴾

پس بلند قدرست خدا پادشاه ثابت و شتابی مکن بخواندن

قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتۡكَ ءَايَٰتُنَا فَنَسِيتَهَاۖ وَكَذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمَ
تُنسَىٰ ﴿١٢٦﴾ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَنۡ أَسۡرَفَ وَلَمۡ يُؤۡمِنۢ
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦۚ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبۡقَىٰٓ ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمۡ
يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ
فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ ﴿١٢٨﴾
وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامٗا وَأَجَلٞ
مُّسَمّٗى ﴿١٢٩﴾ فَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ
فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ
عَيۡنَيۡكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعۡنَا بِهِۦٓ أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَرِزۡقُ رَبِّكَ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰ ﴿١٣١﴾ وَأۡمُرۡ
أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ
نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ﴿١٣٢﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَا يَأۡتِينَا
بِـَٔايَةٖ مِّن رَّبِّهِۦٓۚ أَوَلَمۡ تَأۡتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي ٱلصُّحُفِ
ٱلۡأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوۡ أَنَّآ أَهۡلَكۡنَٰهُم بِعَذَابٖ مِّن قَبۡلِهِۦ
لَقَالُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ
مِن قَبۡلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخۡزَىٰ ﴿١٣٤﴾ قُلۡ كُلّٞ مُّتَرَبِّصٞ
فَتَرَبَّصُواْۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ أَصۡحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ
وَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

گفت: همچنین آمد به تو نشانه‌های ما، پس تغافل کردی از آن و همچنین امروز تغافل کرده شود در حقّ تو. ﴿۱۲۶﴾ و همچنین سزا می‌دهیم آن راکه از حد گذشت و ایمان نیاورد به آیات پروردگار خویش و هرآیینه عذابِ آخرت، سخت‌تر و پاینده‌تر است. ﴿۱۲۷﴾ آیا راه ننمود ایشان را آنکه بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از طبقات مردمان را که می‌روند در منازل آن هلاک شدگان؟ هرآیینه در این مقدمه نشانه‌ها است خداوندانِ خرد را. ﴿۱۲۸﴾ و اگر نبودی سخنی که سابقاً صادر شد از پروردگار تو و نبودی وقتی معین، هرآیینه عذاب لازم شدی. ﴿۱۲۹﴾ پس صبر کن بر آنچه می‌گویند و تسبیح‌گو با حمد پروردگار خویش پیش از برآمدنِ آفتاب و پیش از فروشدن آن و بعض از ساعت‌های شب و اطراف روز تسبیح گو، بُوَد که خوشنود شوی. ﴿۱۳۰﴾ و باز مگشای دو چشم خود را به سوی آنچه بهره‌مند ساخته‌ایم به آن جماعت‌ها را از ایشان از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده‌تر است. ﴿۱۳۱﴾ و بفرما کسانِ خود را به نماز و شکیبایی کن بر ادای آن. نمی‌طلبیم از تو روزی دادن. ما روزی دهیم تو را و عاقبت خیر، اهل تقوی راست. ﴿۱۳۲﴾ و گفتند کافران: چرا نمی‌آرد پیش ما نشانه‌ای از جانب پروردگار خویش؟ آیا نیامده است به ایشان نشانه‌ای واضح از جنس آنچه در کتابهای پیشین است؟[1]. ﴿۱۳۳﴾ و اگر ما هلاک می‌کردیم ایشان را به عقوبتی پیش از فرستادنِ پیغمبری، گفتندی: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما پیغامبری تا پیرویِ آیات تو می‌کردیم، پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم. ﴿۱۳۴﴾ بگو: هر یک منتظر است، پس شما نیز منتظر باشید، خواهید دانست کیانند اهل راهِ راست و که راه یافت. ﴿۱۳۵﴾

۱- یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه.

سُورَةُ الأَنبيَاءِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقۡتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمۡ وَهُمۡ فِي غَفۡلَةٖ مُّعۡرِضُونَ ١
مَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّن رَّبِّهِم مُّحۡدَثٍ إِلَّا ٱسۡتَمَعُوهُ
وَهُمۡ يَلۡعَبُونَ ٢ لَاهِيَةٗ قُلُوبُهُمۡۗ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَى
ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلۡ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡۖ أَفَتَأۡتُونَ
ٱلسِّحۡرَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ٣ قَالَ رَبِّي يَعۡلَمُ ٱلۡقَوۡلَ فِي
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٤ بَلۡ قَالُوٓاْ
أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمِۭ بَلِ ٱفۡتَرَىٰهُ بَلۡ هُوَ شَاعِرٞ فَلۡيَأۡتِنَا بِـَٔايَةٖ
كَمَآ أُرۡسِلَ ٱلۡأَوَّلُونَ ٥ مَآ ءَامَنَتۡ قَبۡلَهُم مِّن قَرۡيَةٍ
أَهۡلَكۡنَٰهَآۖ أَفَهُمۡ يُؤۡمِنُونَ ٦ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ إِلَّا
رِجَالٗا نُّوحِيٓ إِلَيۡهِمۡۖ فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا
تَعۡلَمُونَ ٧ وَمَا جَعَلۡنَٰهُمۡ جَسَدٗا لَّا يَأۡكُلُونَ
ٱلطَّعَامَ وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ ٨ ثُمَّ صَدَقۡنَٰهُمُ ٱلۡوَعۡدَ
فَأَنجَيۡنَٰهُمۡ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهۡلَكۡنَا ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٩ لَقَدۡ
أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ كِتَٰبٗا فِيهِ ذِكۡرُكُمۡۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ١٠

سوره أنبياء

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

نزدیک شد به مردمان حساب ایشان و ایشان در غفلت رو گردانند. ﴿۱﴾ نمی‌آید به ایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نوپدید آورده، مگر بشنوند آن را بازی‌کنان. ﴿۲﴾ غافل شده دل‌های ایشان و پنهان راز گفتند ایشان، این ظالمان که: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما؟ آیا اقبال می‌کنید به سحر و شما می‌بینید؟. ﴿۳﴾ گفت پیغمبر: پروردگار من می‌داند هر سخن راکه در آسمان و زمین باشد و او شنوای داناست. ﴿۴﴾ بلکه گفتند: این قرآن خواب‌های پریشان است، بلکه [می‌گویند]: بربسته است آن را بلکه[می‌گویند]: او شاعر است، پس باید که بیارد پیش ما نشانه، چنانکه فرستاده شدند به آن نخستینیان[1]. ﴿۵﴾ ایمان نیاورده بود پیش از این هیچ دیهی که هلاک کردیم آن را. آیا ایشان ایمان خواهند آورد. ﴿۶﴾ و نفرستادیم پیش از تو مگر مردمان راکه وحی می‌فرستادیم به ایشان، پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما نمی‌دانید. ﴿۷﴾ و نساختیم پیغمبران را کالبدی که نخورند طعام و نبودند جاوید باشندگان. ﴿۸﴾ باز راست کردیم در حقِّ ایشان وعده را، پس برهانیدیم ایشان را و هر که را خواستیم و هلاک کردیم از حدگذرندگان را. ﴿۹﴾ هرآیینه فروفرستادیم به سوی شما کتابی که در او هست پند شما، آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: مراد از نشانۀ عقوبت عام می‌داشتند مثل قوم نوح و صرصر قوم هود، والله اعلم.

وَكَمۡ قَصَمۡنَا مِن قَرۡيَةٖ كَانَتۡ ظَالِمَةٗ وَأَنشَأۡنَا بَعۡدَهَا
قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأۡسَنَآ إِذَا هُم مِّنۡهَا
يَرۡكُضُونَ ﴿١٢﴾ لَا تَرۡكُضُواْ وَٱرۡجِعُوٓاْ إِلَىٰ مَآ أُتۡرِفۡتُمۡ
فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُسۡـَٔلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ
إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَت تِّلۡكَ دَعۡوَىٰهُمۡ حَتَّىٰ
جَعَلۡنَٰهُمۡ حَصِيدًا خَٰمِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ
وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿١٦﴾ لَوۡ أَرَدۡنَآ أَن نَّتَّخِذَ
لَهۡوٗا لَّٱتَّخَذۡنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾ بَلۡ نَقۡذِفُ
بِٱلۡحَقِّ عَلَى ٱلۡبَٰطِلِ فَيَدۡمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٞۚ وَلَكُمُ
ٱلۡوَيۡلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ
وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا
يَفۡتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمِ ٱتَّخَذُوٓاْ ءَالِهَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ هُمۡ يُنشِرُونَ
﴿٢١﴾ لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ فَسُبۡحَٰنَ
ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَرۡشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسۡـَٔلُ عَمَّا
يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡـَٔلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗۖ
قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡۖ هَٰذَا ذِكۡرُ مَن مَّعِيَ وَذِكۡرُ مَن
قَبۡلِيۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ
﴿٢٤﴾

و بسیار شکستیم از قِسمِ دیهی که ستمکار بودند و نوپیدا ساختیم بعدِ آن گروهِ دیگر را. ﴿۱۱﴾ پس چون دیدند عذاب ما، ناگهان ایشان از آنجا می‌دویدند. ﴿۱۲﴾ گفتیم مگر یزید و باز روید به سوی مکانی که آسودگی داده شد شما را در آن و سوی به خانه‌های خویش تا بود که پرسیده شوید[1]. ﴿۱۳﴾ گفتند: ای وای ما را! هرآیینه ما بودیم ستمکار. ﴿۱۴﴾ پس همیشه این بود گفتار ایشان تا وقتی که گردانیدیم ایشان را مثل زراعتِ درووده شده، مانند آتش فرومرده. ﴿۱۵﴾ و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان آنها است، بازی‌کنان. ﴿۱۶﴾ اگر می‌خواستیم که بسازیم بازی[2] هرآیینه می‌ساختیم آن را از نزدیک خویش اگر کننده می‌بودیم[3]. ﴿۱۷﴾ بلکه می‌افکنیم حق را بر باطل پس سرش می‌شکند، پس ناگهان باطل نابود شود. و وای شما راست از آنچه بیان می‌کنید. ﴿۱۸﴾ و او راست آنکه در آسمان‌ها و زمین است و آنان‌که نزد اویند[4]، سرکشی نمی‌کنند از عبادت او و مانده نمی‌شوند. ﴿۱۹﴾ تسبیح می‌گویند شب و روز، سستی نمی‌نمایند. ﴿۲۰﴾ آیا اینچنین خدایان گرفته‌اند خدایان از امتعهٔ زمین[5] که ایشان را (بعدِ موت) بازبرانگیزانند؟[6]. ﴿۲۱﴾ اگر بودی در آسمان و زمین خدایانِ چند غیر خدا، هر دو تباه گشتندی. پاکی خدای راست خداوندِ عرش از آنچه صفت می‌کنند. ﴿۲۲﴾ پرسیده نمی‌شود از آنچه می‌کند و ایشان پرسیده می‌شوند. ﴿۲۳﴾ آیا معبودان گرفته‌اند بجز خدا؟ بگو بیارید دلیل خود را. این است کتاب آنان‌که با منند و این است کتاب آنان‌که پیش از من بودند. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند حق را پس ایشان روگردانند. ﴿۲۴﴾

۱- یعنی به غمخوارگی قوم احوال شما پرسند.

۲- یعنی زن و فرزند.

۳- یعنی مجرد می‌بودند و این مناقصه لطیفه است. حاصل آنکه در رسل، این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن و فرزند می‌توان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می‌بودند، مجرد و واجب‌الوجود، جامع اوصاف کمال می‌بودند، والله اعلم.

۴- یعنی ملأ اعلی.

۵- یعنی از ذهب و فضه.

۶- مراد ازین کلام، ردست بر عبادت اصنام.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ
وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ
بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ
أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ
وَهُم مِّنۡ خَشۡيَتِهِۦ مُشۡفِقُونَ ﴿٢٨﴾ ۞وَمَن يَقُلۡ مِنۡهُمۡ
إِنِّيٓ إِلَٰهٞ مِّن دُونِهِۦ فَذَٰلِكَ نَجۡزِيهِ جَهَنَّمَۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ
شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ وَجَعَلۡنَا فِيهَا فِجَاجٗا سُبُلٗا
لَّعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلۡنَا ٱلسَّمَآءَ سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗاۖ
وَهُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهَا مُعۡرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلَّيۡلَ
وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٣٣﴾
وَمَا جَعَلۡنَا لِبَشَرٖ مِّن قَبۡلِكَ ٱلۡخُلۡدَۖ أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ
ٱلۡخَٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَنَبۡلُوكُم
بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ﴿٣٥﴾

و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری الاّ وحی می‌فرستادیم به سوی او که نیست هیچ معبود بر حقّ، غیر من، پس پرستشِ من کنید. ﴿۲۵﴾ و گفتند فرزند گرفته است خدا، پاکی او راست. بلکه [آنان‌که در حق ایشان این زعم دارند] بندگان گرامی‌اند. ﴿۲۶﴾ پیشدستی نمی‌کنند بر خدا به هیچ سخن و ایشان به فرمان وی کار می‌کنند. ﴿۲۷﴾ می‌داند آنچه در پیش روی ایشان است و آنچه پسِ پشت ایشان است و شفاعت نمی‌کنند، الاّ برای کسی که خدا خوشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطربانند. ﴿۲۸﴾ و هر که بگوید از ایشان که: من خدایم بجز اللّه، پس سزا دهیم او را دوزخ. همچنین سزا می‌دهیم ستمکاران را. ﴿۲۹﴾ آیا ندیدند کافران که آسمان‌ها و زمین بسته بودند پس وا کردیم اینها را[۱] و پیدا کردیم از آب هر چیز زنده را. آیا ایمان نمی‌آرند؟. ﴿۳۰﴾ و پیدا کردیم در زمین کوه‌ها از برای احتراز از آنکه بجنباند ایشان را و پیداکردیم در آنجا گشاده راه‌ها تا بُوَد که ایشان راه یابند. ﴿۳۱﴾ و ساختیم آسمان را سقفی نگاه داشته شده و ایشان از نشانه‌های آسمان روگردانند. ﴿۳۲﴾ و اوست آن که آفرید شب و روز را و آفتاب و ماه را. هر یکی از ستارها در آسمانی شنا می‌کنند. ﴿۳۳﴾ و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه بودن. آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشندگانند؟. ﴿۳۴﴾ هر شخصی چشندهٔ مرگ است. و مبتلا می‌کنیم شما را به سختی و آسودگی به طریق امتحان و به سوی ما بازگردانیده شوید. ﴿۳۵﴾

۱- مترجم گوید: واکردن آسمان‌ها، نازل کردن مَطَر است و واکردن زمین، رویانیدن گیاه از وی.

وَإِذَا رَءَاكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا
أَهَٰذَا ٱلَّذِي يَذۡكُرُ ءَالِهَتَكُمۡ وَهُم بِذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ هُمۡ
كَٰفِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ مِنۡ عَجَلٖۚ سَأُوْرِيكُمۡ
ءَايَٰتِي فَلَا تَسۡتَعۡجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ
إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوۡ يَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ
لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ ٱلنَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمۡ
وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلۡ تَأۡتِيهِم بَغۡتَةٗ فَتَبۡهَتُهُمۡ فَلَا
يَسۡتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدِ
ٱسۡتُهۡزِئَ بِرُسُلٖ مِّن قَبۡلِكَ فَحَاقَ بِٱلَّذِينَ سَخِرُواْ
مِنۡهُم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلۡ مَن
يَكۡلَؤُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحۡمَٰنِۚ بَلۡ هُمۡ عَن
ذِكۡرِ رَبِّهِم مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٢﴾ أَمۡ لَهُمۡ ءَالِهَةٞ تَمۡنَعُهُم مِّن
دُونِنَاۚ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَ أَنفُسِهِمۡ وَلَا هُم مِّنَّا
يُصۡحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلۡ مَتَّعۡنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ طَالَ
عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۗ أَفَلَا يَرَوۡنَ أَنَّا نَأۡتِي ٱلۡأَرۡضَ نَنقُصُهَا
مِنۡ أَطۡرَافِهَآۚ أَفَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾

و چون ببینند تو را کافران نمی‌گیرند تو را مگر به تمسخر. [می‌گویند]: آیا این شخص یاد می‌کند (یعنی به اهانت) معبودانِ شما را؟ و ایشان یاد خدا را منکرند. ﴿۳۶﴾ آفریده شد انسان از شتابی[۱]. خواهیم نمود شما را نشانه‌های خویش، پس شتاب طلب مکنید از من. ﴿۳۷﴾ و می‌گویند: کی خواهد بود این وعده اگر راستگو هستید؟. ﴿۳۸﴾ اگر بدانند کافران صورت حال، آن وقت که باز نتوانند داشت از روی خویش آتش را و نه از پشت خویش و نه ایشان نصرت داده شوند، چنین نگفتندی. ﴿۳۹﴾ بلکه بیاید به ایشان قیامت، ناگهان، پس حیران گرداند ایشان را، پس نتوانند دفع کردنِ آن و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۴۰﴾ و هرآیینه تمسخر کرده شده به پیغامبران پیش از تو، پس در گرفت به آنان‌که تمسخر کردند از ایشان، آنچه به آن استهزا می‌کردند. ﴿۴۱﴾ بگو: که نگاهبانی می‌کند شما را به شب و روز از عقوبت خدا؟ بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردانند. ﴿۴۲﴾ آیا ایشان را معبودانند [غیر ما] که نگاه می‌دارند ایشان را از مصایب؟ نمی‌توانند نصرت دادن خویش را و نه ایشان از عقوبت ما به جمعیّت خود محفوظ مانند. ﴿۴۳﴾ بلکه بهره‌مند ساخته‌ایم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتکه دراز شد بر ایشان مدّت عمر. آیا نمی‌بینند که ما در گرفت می‌کنیم زمین [دار الحرب] را، می‌کاهیم آن را از جوانب آن. آیا ایشان غلبه کنندگانند؟[۲]. ﴿۴۴﴾

۱- این کنایت است از غلبۀ استعجال بر آدمی، والله اعلم.

۲- یعنی به اسلام اسلم و غفار پیش از هجرت.

قُلۡ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِٱلۡوَحۡيِۚ وَلَا يَسۡمَعُ ٱلصُّمُّ ٱلدُّعَآءَ
إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِن مَّسَّتۡهُمۡ نَفۡحَةٞ مِّنۡ عَذَابِ
رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ
ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ
شَيۡـٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ
وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ
ٱلۡفُرۡقَانَ وَضِيَآءٗ وَذِكۡرٗا لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ
رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشۡفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَٰذَا
ذِكۡرٞ مُّبَارَكٌ أَنزَلۡنَٰهُۚ أَفَأَنتُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾ ۞وَلَقَدۡ
ءَاتَيۡنَآ إِبۡرَٰهِيمَ رُشۡدَهُۥ مِن قَبۡلُ وَكُنَّا بِهِۦ عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾
إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ أَنتُمۡ لَهَا
عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُواْ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ
لَقَدۡ كُنتُمۡ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٥٤﴾ قَالُوٓاْ
أَجِئۡتَنَا بِٱلۡحَقِّ أَمۡ أَنتَ مِنَ ٱللَّٰعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَل
رَّبُّكُمۡ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا۠
عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٥٦﴾ وَتَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ
أَصۡنَٰمَكُم بَعۡدَ أَن تُوَلُّواْ مُدۡبِرِينَ ﴿٥٧﴾

بگو: جز این نیست که می‌ترسانم شما را [به مضمون] به وحی. و نمی‌شنوند کران آواز خواندن را، چون ترسانیده می‌شوند. ﴿۴۵﴾ و اگر رسد به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار ت، هرآیینه گویند: ای وای ما را! هرآیینه ما بودیم ستمکار .﴿۴۶﴾ و در میان نهیم ترازوی عدل را روز قیامت، پس ستم کرده نشود بر هیچ کس هیچ شیء. و اگر باشد عمل، هم سنگ دانهٔ سپندان، حاضر کنیم آن را و حساب کننده بس‌ایم. ﴿۴۷﴾ و هرآیینه دادیم موسی و هارون را کتاب فیصله کننده و روشنی و پندی پرهیزکاران را. ﴿۴۸﴾ آنان‌که می‌ترسند از پروردگار خویش غایبانه و ایشان از قیامت ترسندگانند. ﴿۴۹﴾ و این قرآن پندی هست با برکت، فروفرستادیم آن را. آیا شما به آن منکرید؟. ﴿۵۰﴾ و هرآیینه دادیم ابراهیم را راه‌یابیِ او پیش از این و بودیم به احوالِ او دانا. ﴿۵۱﴾ چون گفت پدر خود را و قوم خود را: چیست این صورت‌ها که شما بر آن مجاورت دارید؟. ﴿۵۲﴾ گفتند: یافتیم پدرانِ خود را آنها را پرستنده! . ﴿۵۳﴾ گفت: هرآیینه بودید شما و پدرانِ شما در گمراهی‌ای ظاهر. ﴿۵۴﴾ گفتند: آیا آوردی به ما سخن راست را یا تو از بازی کنندگانی؟. ﴿۵۵﴾ گفت: بلکه پروردگار شما، خداوند آسمان‌ها و زمین است، آنکه آفرید اینها را و من بر این سخن از گواهانم. ﴿۵۶﴾ و قسم به خدا! که البته بدسگالی کنم بتانِ شما را بعد از آنکه روبگردانید پشت داده. ﴿۵۷﴾

فَجَعَلَهُمْ جُذَٰذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
﴿٥٨﴾ قَالُواْ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ
﴿٥٩﴾ قَالُواْ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُۥٓ إِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٠﴾
قَالُواْ فَأْتُواْ بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾
قَالُوٓاْ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ
بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُواْ يَنطِقُونَ
﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوٓاْ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓاْ إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ
﴿٦٤﴾ ثُمَّ نُكِسُواْ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ
يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا
يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا
تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُواْ حَرِّقُوهُ
وَٱنصُرُوٓاْ ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَٰنَارُ
كُونِي بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيْدًا
فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ
ٱلَّتِي بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ
وَيَعْقُوبَ نَافِلَةًۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ﴿٧٢﴾

پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بت بزرگ را از ایشان.
تا بود که به سوی او ایشان بازگردند. ﴿۵۸﴾ گفتند: که
کرده است این کار به خدایانِ ما؟ هرآیینه وی از
ستمکاران است [به جماعت] . ﴿۵۹﴾ گفتند: شنیدیم از
جوانی که ذکر بتان می‌کرد (یعنی عیب می‌کرد)، گفته
می‌شود او را ابراهیم. ﴿۶۰﴾ گفتند: بیارید او را به حضور
چشم مردمان تا بود که ایشان گواهی دهند. ﴿۶۱﴾ گفتند:
آیا تو کردی این کار به خدایان ما ای ابراهیم؟!. ﴿۶۲﴾
گفت: بلکه کرده است آن را این بت بزرگ ایشان! پس
سؤال کنید از بتان اگر سخن می‌گویند. ﴿۶۳﴾ پس رجوع
کردند به خویشتن، پس گفتند با یکدیگر هرآیینه شمایید
ستمکار. ﴿۶۴﴾ پس نگونسار شدند بر سر خویش [و این
کنایت است از ملزم شدن]، هرآیینه تو می‌دانی که ایشان
سخن نمی‌گویند. ﴿۶۵﴾ گفت: آیا عبادت می‌کنید بجز
خدا چیزی راکه هیچ نفع نمی‌رساند به شما و زیان نکند
شما را؟. ﴿۶۶﴾ ناخوشی است به شما و به آنچه می‌پرستید
بجز خدا. آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۶۷﴾ با یکدیگر گفتند: که
بسوزانید او را و نصرت دهید خدایان خود را اگر
کننده‌اید[1]. ﴿۶۸﴾ گفتیم: ای آتش! سرد شو و سلامتی
باش بر ابراهیم. ﴿۶۹﴾ و خواستند به او فریب کردن، پس
ساختیم ایشان را زیانکارتر. ﴿۷۰﴾ و برهانیدیم ابراهیم را و
لوط را به سوی زمینی که برکت نهادیم در آن عالَم‌ها
را[2]. ﴿۷۱﴾ و عطا کردیم او را اسحق و عطا کردیم
یعقوب که نبیرهٔ ابراهیم بود و هر یکی را ساختیم نیکوکار.
﴿۷۲﴾

۱- القصه در آتش انداختند.

۲- یعنی سرزمین شام.

وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِمۡ فِعۡلَ
ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا
عَٰبِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَلُوطًا ءَاتَيۡنَٰهُ حُكۡمٗا وَعِلۡمٗا وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ
ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِي كَانَت تَّعۡمَلُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمَ
سَوۡءٖ فَٰسِقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدۡخَلۡنَٰهُ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُۥ مِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذۡ نَادَىٰ مِن قَبۡلُ فَٱسۡتَجَبۡنَا
لَهُۥ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٧٦﴾
وَنَصَرۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ
قَوۡمَ سَوۡءٖ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ إِذۡ
يَحۡكُمَانِ فِي ٱلۡحَرۡثِ إِذۡ نَفَشَتۡ فِيهِ غَنَمُ ٱلۡقَوۡمِ وَكُنَّا
لِحُكۡمِهِمۡ شَٰهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمۡنَٰهَا سُلَيۡمَٰنَۚ وَكُلًّا ءَاتَيۡنَا
حُكۡمٗا وَعِلۡمٗاۚ وَسَخَّرۡنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلۡجِبَالَ يُسَبِّحۡنَ
وَٱلطَّيۡرَۚ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمۡنَٰهُ صَنۡعَةَ لَبُوسٖ
لَّكُمۡ لِتُحۡصِنَكُم مِّنۢ بَأۡسِكُمۡۖ فَهَلۡ أَنتُمۡ
شَٰكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ عَاصِفَةٗ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦٓ
إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَاۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيۡءٍ
عَٰلِمِينَ ﴿٨١﴾

و پیشوا گردانیدیم ایشان را، راه می‌نمودند به فرمان ما و وحی فرستادیم به سوی ایشان کردنِ نیکویی‌ها و برپا داشتن نماز و دادن زکات و بودند ما را عبادت کنندگان. ﴿۷۳﴾ و لوط را دادیم حکمت و علم و برهانیدیم او را از دیهی که می‌کرد کارهایی ناپاک. هرآیینه ایشان بودند قوم بد گنهکار. ﴿۷۴﴾ و درآوردیم او را به رحمت خویش. هرآیینه وی بود از شایسته کاران. ﴿۷۵﴾ و یاد کن نوح را چون نداکرد پیش از این، پس قبول کردیم دعای او را. پس خلاص کردیم او را و کسانِ او را از اندوه بزرگ. ﴿۷۶﴾ و نصرت دادیم او را بر قومی که دروغ شمردند آیاتِ ما را. هرآیینه ایشان بودند گروهی بد، پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا. ﴿۷۷﴾ و یاد کن داود و سلیمان را چون حکم کردند در باب زراعت، چون به وقت شب چرا کرد در آن گوسفندان گروهی و بودیم بر حکم ایشان حاضر[1]. ﴿۷۸﴾ پس فهمانیدیم طریق فیصل کردن خصومت، سلیمان را و هر یکی را داده بودیم حکمت و دانش و مُسَخَّر گردانیدیم با داود کوه‌ها راکه با او تسبیح می‌کردند و مرغان را نیز مُسَخَّر ساختیم و ما بودیم کننده. ﴿۷۹﴾ و بیاموختیم او را ساختن لباسی برای شماکه نگاه دارد شما را از ضرر کارزار شما[2] پس آیا هستید شکر کننده؟. ﴿۸۰﴾ و مُسَخَّر ساختیم برای سلیمان بادِ تند و زنده، می‌رفت به فرمان وی به سوی زمین که برکت نهادیم

۱- یعنی گوسفندانِ قومی در زراعت قومی دیگر به وقب شب درآمدند و چرا کردن. علیه السلام، حکم کرد به دادن گوسفندان، عوض زراعت. سلیمان حکم کرد این قوم را به اصلاح زراعت و آن قوم را به انتفاع از شیر غنم تا وقتی که زراعت به حال خود رسد. حکم سلیمان اصوب بود، الله اعلم.

۲- یعنی ساختن زره.

در آن (یعنی شام) و بودیم به هر چیز دانا. ﴿۸۱﴾

وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعۡمَلُونَ عَمَلٗا
دُونَ ذَٰلِكَۖ وَكُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ ﴿٨٢﴾ ۞وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٨٣﴾
فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ
أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ
لِلۡعَٰبِدِينَ ﴿٨٤﴾ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِدۡرِيسَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ كُلّٞ مِّنَ
ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿٨٥﴾ وَأَدۡخَلۡنَٰهُمۡ فِي رَحۡمَتِنَآۖ إِنَّهُم مِّنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبٗا فَظَنَّ أَن
لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ
أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٧﴾
فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُـۨجِي
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّآ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥ رَبِّ لَا تَذَرۡنِي
فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ﴿٨٩﴾ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَوَهَبۡنَا
لَهُۥ يَحۡيَىٰ وَأَصۡلَحۡنَا لَهُۥ زَوۡجَهُۥٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ
فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا
خَٰشِعِينَ ﴿٩٠﴾

و مُسَخَّر ساختیم از دیوان جماعتی راکه غواصی می‌کردند
برای وی و می‌کردند کاری غیر آن. نیز بودیم ایشان را
نگاه دارنده. ﴿۸۲﴾ و یاد کن ایوب را چون نداکرد به
جناب پروردگار خویش به آنکه مرا رسیده است رنج و تو
مهربان‌ترین مهربانی. ﴿۸۳﴾ پس قبول کردیم دعای او را،
پس دور ساختیم آنچه با وی بود از رنج و عطا کردیم او را
فرزندان او. و مانند ایشان همراه ایشان به سبب مهربانی از
نزدیک خویش و تا پندی بود عبادت کنندگان را. ﴿۸۴﴾
و یاد کن اسمعیل و ادریس را و ذوالکفل را. هر یکی از
صبر کنندگان بود. ﴿۸۵﴾ و درآوردیم ایشان را در
رحمت خود. هرآیینه ایشان از نیکوکاران بودند. ﴿۸۶﴾ و
یاد کن ذو النون را چون رفت خشم خورده[1]، پس گمان
کرد که تنگ نگیریم بر وی[2]، پس ندا کرد در تاریکی‌ها
به آنکه: هیچ معبود به حق نیست غیر تو، پاکی توراست.
هرآیینه من بودم از ستمکاران. ﴿۸۷﴾ پس قبول کردیم
دعای او را و نجات دادیمش از غم و همچنین نجات
می‌دهیم مسلمانان را. ﴿۸۸﴾ و یادکن زکریا را چون ندا
کرد به جناب پروردگار خود: ای پروردگار من! مگذار مرا
تنها و تو بهترین وارثانی. ﴿۸۹﴾ پس قبول کردیم دعای او
را و بخشیدم او را یحیی و نیکو ساختیم برای او زن او را.
هرآیینه این پیغامبران شتابی می‌کردند در در نیکی‌ها و
می‌خواندند ما را به توقع و خوف و بودند برای ما نیازمند.
﴿۹۰﴾

۱- یعنی بر قوم خود به غیر اذن الهی، الله اعلم.

۲- القصه حوت او را به حلق درکشید.

وَٱلَّتِيٓ أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا
وَجَعَلۡنَٰهَا وَٱبۡنَهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦٓ
أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ﴿٩٢﴾
وَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡۖ كُلٌّ إِلَيۡنَا رَٰجِعُونَ ﴿٩٣﴾ فَمَن
يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا كُفۡرَانَ
لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ
أَهۡلَكۡنَٰهَآ أَنَّهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتۡ
يَأۡجُوجُ وَمَأۡجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٖ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾
وَٱقۡتَرَبَ ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَٰخِصَةٌ أَبۡصَٰرُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ يَٰوَيۡلَنَا قَدۡ كُنَّا فِي غَفۡلَةٖ مِّنۡ هَٰذَا بَلۡ كُنَّا
ظَٰلِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ
حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمۡ لَهَا وَٰرِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوۡ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ
ءَالِهَةٗ مَّا وَرَدُوهَاۖ وَكُلّٞ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٩٩﴾ لَهُمۡ فِيهَا
زَفِيرٞ وَهُمۡ فِيهَا لَا يَسۡمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ سَبَقَتۡ لَهُم
مِّنَّا ٱلۡحُسۡنَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ عَنۡهَا مُبۡعَدُونَ ﴿١٠١﴾

و یاد کن زنی راکه به عفت نگه داشت شرمگاه خود را، پس دمیدیم در آن روح خود را و ساختیم او را و پسرِ او را نشانه‌ای برای عالمها. ﴿۹۱﴾ گفتیم: هرآیینه این است ملّت شما ملّت یکتا، و من پروردگار شمایم. پس عبادتِ من کنید[۱]. ﴿۹۲﴾ و متفرق شدند امّت‌ها در کار خود[۲] در میان خویش. هر یک به سوی ما رجوع کنندگانند. ﴿۹۳﴾ پس هر که بکند از جنس کارهای شایسته و او مؤمن باشد، پس ناقبولی نبود سعی او را. و هرآیینه برای او می‌نویسیم. ﴿۹۴﴾ و محال است بر هر دیهی که هلاک کردیم او را آنکه بازگردند (یعنی به دنیا) . ﴿۹۵﴾ تا وقتی که گشاده شود قید یأجوج و مأجوج و ایشان از هر بلندی بشتابند. ﴿۹۶﴾ و نزدیک برسد وعدهٔ راست. پس ناگهان حال این است، بالا دوخته شود چشم کافران. گویند: وای بر ما! هرآیینه در غفلت بودیم از این حال، بلکه بودیم ستمکار. ﴿۹۷﴾ هرآیینه شما و آنچه می‌پرستید بجز خدا (یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید. شما بر وی حاضر شوید. ﴿۹۸﴾ اگر می‌بودند اینها خدایان، حاضر نمی‌گشتند بر دوزخ. و همهٔ ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۹۹﴾ ایشان را آنجا ناله باشد و ایشان آنجا هیچ نشنوند. ﴿۱۰۰﴾ هرآیینه آنان‌که سابقاً مقرر شد برای ایشان از جانب ما نیکویی، این جماعت از دوزخ دور کرده شوند. ﴿۱۰۱﴾

۱- یعنی اصل دین، واحد است و اختلاف، در فروع می‌باشد.

۲- یعنی در اصل دین.

لَا يَسۡمَعُونَ حَسِيسَهَاۖ وَهُمۡ فِي مَا ٱشۡتَهَتۡ أَنفُسُهُمۡ
خَٰلِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحۡزُنُهُمُ ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ وَتَتَلَقَّىٰهُمُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ هَٰذَا يَوۡمُكُمُ ٱلَّذِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا
بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ
﴿١٠٤﴾ وَلَقَدۡ كَتَبۡنَا فِي ٱلزَّبُورِ مِنۢ بَعۡدِ ٱلذِّكۡرِ أَنَّ ٱلۡأَرۡضَ
يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّٰلِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَٰغٗا لِّقَوۡمٍ
عَٰبِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٧﴾ قُلۡ
إِنَّمَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَهَلۡ أَنتُم
مُّسۡلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ ءَاذَنتُكُمۡ عَلَىٰ سَوَآءٖۖ
وَإِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٞ مَّا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُۥ
يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَيَعۡلَمُ مَا تَكۡتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنۡ
أَدۡرِي لَعَلَّهُۥ فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ ﴿١١١﴾ قَٰلَ رَبِّ
ٱحۡكُم بِٱلۡحَقِّۗ وَرَبُّنَا ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلۡمُسۡتَعَانُ عَلَىٰ مَا
تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

نشنوند آواز دوزخ را و ایشان در آنچه خواهد نفس ایشان،
جاویدانند. ﴿۱۰۲﴾ اندوهگین نسازد ایشان را آن ترس
بزرگ و پیش آیند ایشان را فرشتگان. گویند: این است آن
روز که شما را وعده داده می‌شد. ﴿۱۰۳﴾ روزی که
پیچیم آسمان را مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن، نامه‌ها
را. چنانکه آغازیدیم اوّل آفرینش را، دیگر باره کنیم
آفرینش. وعدهٔ لازم بر ما. هرآیینه ما کننده‌ایم. ﴿۱۰۴﴾ و
هرآیینه نوشتیم در زبور بعد از تورات که زمین، وارث آن
شوند بندگانِ شایستهٔ ما[1]. ﴿۱۰۵﴾ هرآیینه در آنچه گفته
شد، کفایت است گروه عابدان را. ﴿۱۰۶﴾ و نفرستادیم تو
را مگر از روی مهربانی بر عالم‌ها. ﴿۱۰۷﴾ بگو جز این
نیست که وحی فرستاده می‌شود به سوی من که معبود شما
خدای یکتا است. پس آیا گردن نهنده هستید؟. ﴿۱۰۸﴾
پس اگر اعراض کنند، پس بگو: خبردار ساختم شما را بر
وجهی که همه برابر باشید. و نمی‌دانم که نزدیک است یا
دور است، آنچه وعده داده می‌شوید. ﴿۱۰۹﴾ هرآیینه خدا
می‌داند آشکار را از سخن و می‌داند آنچه پنهان می‌کنید.
﴿۱۱۰﴾ و نمی‌دانم شاید تأخیر موعود، ابتلا باشد شما را و
بهره‌مندی باشد تا مدتی. ﴿۱۱۱﴾ پیغامبر گفت: ای
پروردگار من! حکم کن به راستی. و پروردگار ما
بخشاینده است، از وی مدد طلب کرده می‌شود بر آنچه
بیان می‌کنید. ﴿۱۱۲﴾

۱- یعنی در آخر زمان پیغامبری مبعوث شود و امت او بر هر زمین غالب شود، والله اعلم.

سُورَةُ الحَجّ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ إِنَّ زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ شَيۡءٌ
عَظِيمٞ ١ يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ
أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ
سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ
شَدِيدٞ ٢ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ
عِلۡمٖ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيۡطَٰنٖ مَّرِيدٖ ٣ كُتِبَ عَلَيۡهِ أَنَّهُۥ
مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُۥ يُضِلُّهُۥ وَيَهۡدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ
٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا
خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ
ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ لَكُمۡۚ
وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ
نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن
يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ
مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡـٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ
أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ
زَوۡجِۢ بَهِيجٖ ٥

سوره حج

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای مردمان! بترسید از پروردگار خویش. هرآیینه زلزله که نزدیک قیامت باشد، چیزی بزرگ است. ﴿۱﴾ روزی که ببینید آن را، غافل شود هر شیر دهنده از طفلی که شیر می‌دهدش و بنهد هر زن باردار، بار شکم خود را! و ببینی مردمان را مست شده و نیستند مست و لیکن عذاب خدا سخت است. ﴿۲﴾ و از مردمان کسی هست که گفتگو می‌کند در شأنِ خدا به غیرِ دانش و پیروی می‌نماید هر شیطان متمرّد را. ﴿۳﴾ [که در قضای الهی] نوشته شده است بر وی که هر که دوست داریِ او کند، پس وی گمراه کندش و راه نمایدش به سوی عذاب آتش. ﴿۴﴾ ای مردمان! اگر در شکّید از رستخیز، پس هرآیینه ما آفریدیم شما را از خاک، باز از نطفه، باز از خون بسته، باز از گوشت پارهٔ صورت داده و غیر صورت داده. می‌گوییم تا واضح سازیم برای شما. و قرار می‌دهیم در رحم‌ها چیزی راکه خواهیم تا میعاد معیّن، باز بیرون می‌آریم شما را کودکی شده، باز تربیت می‌کنیم تا برسید به نهایت جوانیِ خود. و از شماکسی بود که قبض ارواح او کرده آید و از شماکسی بود که بازگردانیده شود به بدترینِ عمر، تا نداند چیزی را بعد از آنکه می‌دانست. و می‌بینی زمین را خشک شده، پس وقتی که فروفرستادیم بر آن آب را، جنبش کند و بیفزاید و برویاند از هر قسم رونق‌دار. ﴿۵﴾

ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٖ قَدِيرٞ ﴿٦﴾ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيْبَ فِيهَا
وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي ٱلْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن
يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ
مُّنِيرٖ ﴿٨﴾ ثَانِيَ عِطْفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي
ٱلدُّنْيَا خِزْيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلْحَرِيقِ
﴿٩﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٖ
لِّلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَعْبُدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٖۖ
فَإِنْ أَصَابَهُۥ خَيْرٌ ٱطْمَأَنَّ بِهِۦۖ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ
ٱنقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِۦ خَسِرَ ٱلدُّنْيَا وَٱلْأٓخِرَةَۚ ذَٰلِكَ هُوَ
ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا
يَضُرُّهُۥ وَمَا لَا يَنفَعُهُۥۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ ﴿١٢﴾
يَدْعُواْ لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِۦۚ لَبِئْسَ ٱلْمَوْلَىٰ
وَلَبِئْسَ ٱلْعَشِيرُ ﴿١٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُۚ
إِنَّ ٱللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن
يَنصُرَهُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْأٓخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى
ٱلسَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُۥ مَا
يَغِيظُ ﴿١٥﴾

این همه به سبب آن است که الله همونست ثابت و آنکه وی
زنده می‌کند مردگان را و آنکه وی بر همه چیز تواناست.
﴿۶﴾ و آنکه قیامت آمدنی است، نیست هیچ شبهه در آن و
آنکه خدا برانگیزد آنان را که در گور باشند. ﴿۷﴾ و از
مردمان کسی هست که گفتگو می‌کند در شأن خدا به غیر
دانش و به غیر هدایت و به غیر کتاب روشن. ﴿۸﴾ پیچنده
صفحهٔ گردن خود را[۱] تا گمراه کند از راه خدا. او راست
در دنیا رسوایی و بچشانیم او را روز قیامت، عذاب سوختن.
﴿۹﴾ این به سبب آن اعمال است که فرستادش دو دست تو
و به سبب آن است که خدا نیست ستم کننده بر بندگان.
﴿۱۰﴾ و از مردمان کسی هست که عبادت می‌کند خدای را
بر کناره، پس اگر برسد او را نعمتی، آرام گیرد به آن. و اگر
برسد او را بلایی، برگردد بر روی خود. زیانکار شده در دنیا
و آخرت، این است زیانِ ظاهر. ﴿۱۱﴾ به نیایش می‌خواند
بجز خدا چیزی راکه زیان نرساندش و سود ندهدش. این
است گمراهی دور. ﴿۱۲﴾ می‌خواند کسی راکه زیان او
نزدیکتر است از سود او. هرآیینه بدخداوندی و بدیاری
است. ﴿۱۳﴾ هرآیینه خدا درآرد آنان راکه ایمان آورده‌اند
و کارهای شایسته کرده‌اند در بوستان‌ها که می‌رود زیر آن
جوی‌ها. هرآیینه خدا می‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۱۴﴾ هرکه
پنداشته باشد که نصرت نخواهد داد خدا پیغمبر را در دنیا
و آخرت، پس باید بیاویزد ریسمانی به جانب بالا، باز باید که
قطع نماید پس ببیند آیا دور می‌کند این تدبیرِ او چیزی را که
به خشم آورد[۲]. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی تکبرکنان.

۲- یعنی اگر از این غصّه بمیرد، هیچ ضرر نکند. [مؤلف]
هر کس گمان می‌کرد که خدا او [= پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد، [و حال که می‌بیند یاری کرده، و بدین خاطر به خشم آمده است]، پس ریسمانی به سقف (خانه‌اش) بیاویزد، [و خود را حلق آویز کند]، و [نفس خود را] قطع کند [و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود]، و آن‌گاه بنگرد که آیا (این) تدبیرش خشم او را از میان می‌برد؟!. [مُصحح]

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَٰهُ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ وَأَنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن
يُرِيدُ ١٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ
وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلۡمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡصِلُ
بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ١٧
أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ
وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ
ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ
يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩ ١٨ ۞هَٰذَانِ خَصۡمَانِ ٱخۡتَصَمُواْ فِي
رَبِّهِمۡۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتۡ لَهُمۡ ثِيَابٞ مِّن نَّارٖ
يُصَبُّ مِن فَوۡقِ رُءُوسِهِمُ ٱلۡحَمِيمُ ١٩ يُصۡهَرُ بِهِۦ مَا
فِي بُطُونِهِمۡ وَٱلۡجُلُودُ ٢٠ وَلَهُم مَّقَٰمِعُ مِنۡ حَدِيدٖ ٢١
كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَا مِنۡ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا
وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ ٢٢ إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ
وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٢٣

و همچنین فروفرستادیم قرآن را آیات روشن و بدانید که
خدا راه می‌نماید هر که را خواهد. ﴿۱۶﴾ هرآیینه آنان‌که
ایمان آوردند و آنان‌که یهود شدند و ستاره‌پرستان و
ترسایان و گبران و مشرکان، خدای تعالی فیصل خواهد
کرد میانِ ایشان روز قیامت. هرآیینه خدا بر هر چیز مطلع
است. ﴿۱۷﴾ آیا ندیدی که سجده می‌کنند خدای تعالی را
آنان‌که در آسمان‌هایند و آنان‌که در زمینند و آفتاب و ماه
و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از
مردمان؟ و بسیارکس هستند که ثابت شده است بر ایشان
عذاب. و هر که را خوار کند خدا، پس نیست او را هیچ
گرامی دارنده، هرآیینه خدا می‌کند آنچه می‌خواهد.
﴿۱۸﴾ این دو فریق دشمنان یکدیگرند. خصومت کردند
در شأن پروردگار خویش، پس آنان‌که کافر شدند، قطع
کرده شد برای ایشان جامه‌ها از آتش، ریخته شود بالای
سر ایشان آب گرم. ﴿۱۹﴾ گداخته گردد به آن هرچه در
شکم‌های ایشان باشد و پوست‌ها نیز. ﴿۲۰﴾ و برای کوفتن
ایشان مهیّا باشند گرزها از آهن. ﴿۲۱﴾ هرگاهی خواهند
که برآیند از دوزخ خلاص شوند، از اندوه بازگردانیده
شوند آنجا و گفته شود: بچشید عذاب سوختن. ﴿۲۲﴾
هرآیینه خدا درمی‌آرد آنان راکه ایمان آوردند و کارهای
شایسته کردند در بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، پیرایه
پوشانیده شوند آنجا از دستوانه‌ها از زر و مروارید و لباس
ایشان آنجا ابریشم بُوَد. ﴿۲۳﴾

وَهُدُوٓاْ إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ وَهُدُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطِ
ٱلۡحَمِيدِ ﴿٢٤﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ
ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً
ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ
نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ
ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ
وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ
بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ
فَجٍّ عَمِيقٖ ﴿٢٧﴾ لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ
ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ
ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ
لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ
ٱلۡعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ
لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ
عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ
قَوۡلَ ٱلزُّورِ ﴿٣٠﴾

و راه نموده شد[1] ایشان را به پاکیزه از سخن. و دلالت کرده شد ایشان را به راه خدای ستوده. ﴿۲۴﴾ هرآیینه آنان‌که کافر شدند و بازمی‌دارند از راه خدا و از مسجد حرام که پیدا کرده‌ایم آن را برای مردمان، یکسان آنجا متوطن و صحرانشین. و هرکه خواهد آنجا کجروی کردن به ستمکاری، بچشانیم او را عذاب درد دهنده. ﴿۲۵﴾ و یاد کن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانهٔ کعبه را، این سخن گفته که: شریک مقرر مکن با من هیچ چیزی را و پاک کن خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان وسجودکنندگان[2]. ﴿۲۶﴾ و آواز ده در میان مردمان به حج، تا بیایند پیش تو پیاده و سوار بر هر شتر لاغر، بیایند این شترانِ لاغر از هر راه دور. ﴿۲۷﴾ تا حاضر شوند نزدیک فایده‌ها برای خویشِ و یاد کنند نام خدا را در روزی چند دانسته شده[3] و بعد از وی بر ذبح آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان را از قسم چهارپایان مواشی. پس بخورید از آن و بخورانید درماندهٔ درویش را. ﴿۲۸﴾ باز باید که دور کنند چرک تن خود را و به وفا رسانند نذرهای خود را و طواف نمایند به این خانهٔ قدیم[4]. ﴿۲۹﴾ این است حکم و هر که تعظیم کند شعایر خدا را پس این تعظیم کردن بهتر است او را نزدیک پروردگار او. و حلال کرده شد برای شما مواشی[5] مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما[6]، پس احتراز کنید از پلیدی بتان و احتراز کنید از سخن دروغ[7]. ﴿۳۰﴾

۱- یعنی در دنیا.

۲- یعنی برای نمازگزاران.

۳- یعنی یوم نحر و ایّام تشریق.

۴- یعنی کعبه: زیراکه اوّل بنا شد بعد از آن بیت‌المقدس.

۵- یعنی شتر و گاو و بز و گوسفند.

۶- یعنی میته و خونِ مسفوح.

۷- یعنی گواهی دروغ.

حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيۡرَ مُشۡرِكِينَ بِهِۦۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ
فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَتَخۡطَفُهُ ٱلطَّيۡرُ أَوۡ تَهۡوِي
بِهِ ٱلرِّيحُ فِي مَكَانٖ سَحِيقٖ ٣١ ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ
شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ ٣٢ لَكُمۡ فِيهَا
مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ
٣٣ وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ
مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ
فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ ٣٤ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ
وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمۡ
وَٱلۡمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٥ وَٱلۡبُدۡنَ
جَعَلۡنَٰهَا لَكُم مِّن شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ لَكُمۡ فِيهَا خَيۡرٞۖ
فَٱذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَا صَوَآفَّۖ فَإِذَا وَجَبَتۡ
جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ وَٱلۡمُعۡتَرَّۚ كَذَٰلِكَ
سَخَّرۡنَٰهَا لَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٣٦ لَن يَنَالَ ٱللَّهَ
لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ ٱلتَّقۡوَىٰ مِنكُمۡۚ
كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمۡ لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡۗ
وَبَشِّرِ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٣٧ ۞إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوٓاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ٣٨

حنیفی دین شده برای خدا غیرِ شریک مقرر کننده با وی. و هر که شریک مقرر کند با خدا، پس گویا که فروافتاد از آسمان، پس بربایند او را مرغانِ مردارخوار یا فروافکند او را باد به مکانی دور[1]. ﴿۳۱﴾ این است حکم و هر که تعظیم کند شعایر خدا را، پس این تعظیم از تقوای دل‌ها است. ﴿۳۲﴾ شما را در آن مواشی فایده‌هاست تا میعادی معیّن، باز جای فرود آمدن آن به خانهٔ قدیم است. ﴿۳۳﴾ و هر امّتی را معیّن ساخته‌ایم طریق قربانی تا یاد کنند نام خدا را بر آنچه داده است ایشان را از چهار پایان مواشی. پس خدای شما خدای یکتا است، پس او را منقاد شوید و [یا محمّد] بشارت ده نیایش کنندگان را. ﴿۳۴﴾ آنان راکه چون یاد کرده شود خدا، بترسد دل ایشان و صبر کنندگان را بر آنچه برسد به ایشان و برپادارندگان نماز را و آنان راکه از آنچه روزی دادیم به ایشان خرج می‌کنند. ﴿۳۵﴾ و شترانِ قربانی را ساخته‌ایم برای شما از شعایر خدا، شما را در آن نیکی است. پس یاد کنید نام خدا را بر نحر آن بر چهارپایی ایستاده، پس چون به زمین افتد پهلوی آن، بخورید از آن و بخورانید درویش بی‌سؤال را و سؤال کننده را. همچنین رام گردانیدیم چهارپایان را برای شما، بُوَد که شکر کنید. ﴿۳۶﴾ نمی‌رسد به خدا گوشت قربانی‌ها و نه خون اینها و لیکن می‌رسد به وی پرهیزگاری از شما. همچنین رام گردانیدیم قربانی‌ها برای شما تا به بزرگی یادکنید خدا را به شکر آنکه راه نمود شما را. و بشارت ده نیکوکاران را. ﴿۳۷﴾ هرآیینه خدا دفع می‌کند از مسلمانان[2]. هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد هر خیانت کنندهٔ ناسپاس را. ﴿۳۸﴾

۱- حاصل آن است که هلاک شد به وجهی که امید نجات نماند.

۲- یعنی ضرر اعدای ایشان را.

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمۡ ظُلِمُواْۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ
نَصۡرِهِمۡ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِم بِغَيۡرِ
حَقٍّ إِلَّآ أَن يَقُولُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُۗ وَلَوۡلَا دَفۡعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ
بَعۡضَهُم بِبَعۡضٖ لَّهُدِّمَتۡ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٞ وَصَلَوَٰتٞ
وَمَسَٰجِدُ يُذۡكَرُ فِيهَا ٱسۡمُ ٱللَّهِ كَثِيرٗاۗ وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ
مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ ٱلَّذِينَ إِن
مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ
وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ
ٱلۡأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ
نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾ وَقَوۡمُ إِبۡرَٰهِيمَ وَقَوۡمُ لُوطٖ ﴿٤٣﴾
وَأَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰۖ فَأَمۡلَيۡتُ لِلۡكَٰفِرِينَ
ثُمَّ أَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّن مِّن
قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ
عُرُوشِهَا وَبِئۡرٖ مُّعَطَّلَةٖ وَقَصۡرٖ مَّشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ فَتَكُونَ لَهُمۡ قُلُوبٞ يَعۡقِلُونَ بِهَآ أَوۡ ءَاذَانٞ
يَسۡمَعُونَ بِهَاۖ فَإِنَّهَا لَا تَعۡمَى ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَلَٰكِن تَعۡمَى
ٱلۡقُلُوبُ ٱلَّتِي فِي ٱلصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

دستوری جهاد داده شد آنان راکه کفّار با ایشان جنگ می‌کنند و هرآیینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست. ﴿۳۹﴾ دستوری جهاد داده شد آنان راکه بیرون آورده شد ایشان را از خانه‌های ایشان به غیر حق، لیکن به سبب آنکه می‌گفتند پروردگار ما خدا است. و اگر نبودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را به دست بعضی، ویران کرده می‌شد خلوت‌های رهبانان و عبادتخانه‌های نصاری و عبادتخانه‌های یهود و عبادتخانه‌های مسلمانان. یادکرده می‌شود در آن مواضع نام خدا بسیار. و البته نصرت خواهد داد خداکسی راکه قصد نصرت دین وی کند. هرآیینه خدا توانای غالب است. ﴿۴۰﴾ [نصرت خواهد داد] آنان راکه اگر دسترس دهیم ایشان را در زمین، برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و بفرمایند به کار پسندیده و منع کنند از کار ناپسندیده. و خدا راست، نهایت همهٔ کارها[1]. ﴿۴۱﴾ و اگر دروغی شمردند تو را، پس هرآیینه دروغی شمرده بودند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود. ﴿۴۲﴾ و قوم ابراهیم و قوم لوط. ﴿۴۳﴾ و اهل مدین و دروغی شمرده شد موسی را. پس مهلت دادم این کافران را، باز گرفتار کردم ایشان را، پس چگونه بود عقوبت من. ﴿۴۴﴾ پس بسا دیهی که هلاک ساختیم آن را و وی ستمکار بود، پس وی افتاده است بر سقف‌های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسا محل بلند خراب شده. ﴿۴۵﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بود ایشان را دل‌هاکه فهم کنند به آن یا گوش‌هاکه بشنوند به آن. هرآیینه حال این است که نابینا نمی‌شوند چشم‌ها و لیکن نابینا می‌شوند آن دل‌هاکه در سینه‌اند. ﴿۴۶﴾

۱- درین آیت دلالت است بر صحتِ خلافتِ خلفای اربعه، زیراکه ایشان مهاجرین اولین بودند و متمکن شدند در زمین. پس لازم آید که اقامت صلوة و ایتاء زکوة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان به ظهور رسد و تمکین فی الارض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوت.

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَن يُخۡلِفَ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥۚ
وَإِنَّ يَوۡمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلۡفِ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾
وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ أَمۡلَيۡتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٞ ثُمَّ أَخَذۡتُهَا
وَإِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٨﴾ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّمَآ أَنَا۠ لَكُمۡ
نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿٤٩﴾ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ﴿٥٠﴾ وَٱلَّذِينَ سَعَوۡاْ فِيٓ ءَايَٰتِنَا
مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا
مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى
ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ
ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٥٢﴾
لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ
بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعۡلَمَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن
رَّبِّكَ فَيُؤۡمِنُواْ بِهِۦ فَتُخۡبِتَ لَهُۥ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ
لَهَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلسَّاعَةُ
بَغۡتَةً أَوۡ يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

و زود می‌طلبند از تو عذاب را و هرگز خلاف نخواهد کرد خدا وعده خود را. و هرآیینه یک روز نزدیک پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرید[۱]. ﴿۴۷﴾ و بسا دیه که مهلت دادم آن را و آن ستمکار بود، باز گرفتار کردم آن را. و به سوی من است بازگشت. ﴿۴۸﴾ بگو: ای مردمان! جز این نیست که من برای شما ترسانندهٔ آشکارم. ﴿۴۹﴾ پس آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان راست آمرزش و روزی نیک. ﴿۵۰﴾ و آنان‌که سعی کردند در آیات ما عاجزکنان، [به زعم خود] ایشانند اهل دوزخ. ﴿۵۱﴾ و نفرستادیم پیش از تو هیچ فرستاده و نه هیچ صاحب وحی، الاّ چون آرزویی به خاطر بست، افکند شیطان چیزی در آرزوی وی. پس دور می‌کند خدا آنچه شیطان انداخته است. باز محکم می‌کند خدا آیات خود را و خدا دانای با حکمت است[۲]. ﴿۵۲﴾ تا بگرداند خدا آنچه شیطان افکَنَد، بلایی در حق آنان‌که در دل ایشان بیماری است و آنان‌که سخت است دل ایشان. و هرآیینه ستمکاران در مخالفت دور و درازند. ﴿۵۳﴾ و تا بدانند آنان‌که داده شده است ایشان را علم که آن وحی، راست است از جانب پروردگار تو، پس ایمان آرند به آن، پس نیایش کنند برای خدا دل ایشان. و هرآیینه خدا راه نماینده است مسلمانان را به سوی راه راست. ﴿۵۴﴾ و همیشه باشند کافران در شبهه از آن وحی تا وقتی که بیاید به ایشان قیامت، ناگهان یا بیاید به ایشان عقوبت، روزی بی‌نهایت نحس. ﴿۵۵﴾

۱- یعنی اگر خواهد، کار هزار سال در یک روز تمام کند. پس این به سبب عجز نیست، بلکه بنابر مصالحی که جز او کس نمی‌داند.

۲- مترجم گوید: مثلاً آن حضرتﷺ به خواب دیدند که هجرت کرده‌اند به زمینی که نخل بسیار دارد. پس وهم به جانب یمامه و هجر رفت و در نفس الامر مدینه بود. مثلاً آن حضرتﷺ به خواب دیدند که به مکه درآمده‌اند، حلق و قصر می‌کنند. پس وهم آمد که در همان سال این معنی واقع شود و در نفس الامر بعد از سال‌های چند متحقق شد و در امثال این صورت، امتحان مخلصان و منافقان در میان می‌آید، والله اعلم.

ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ
﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوٓاْ أَوۡ مَاتُواْ
لَيَرۡزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزۡقًا حَسَنٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ خَيۡرُ
ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٥٨﴾ لَيُدۡخِلَنَّهُم مُّدۡخَلٗا يَرۡضَوۡنَهُۥۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ
لَعَلِيمٌ حَلِيمٞ ﴿٥٩﴾ ۞ذَٰلِكَۖ وَمَنۡ عَاقَبَ بِمِثۡلِ مَا عُوقِبَ
بِهِۦ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ لَيَنصُرَنَّهُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٞ
﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ
فِي ٱلَّيۡلِ وَأَنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ
ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ مُخۡضَرَّةًۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ
خَبِيرٞ ﴿٦٣﴾ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَإِنَّ
ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

پادشاهی آن روز خدا راست، حکم کند میان ایشان. پس آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، در بوستان‌های نعمت باشند. ﴿۵۶﴾ و آنان‌که کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را، پس آن جماعت ایشان را باشد عذاب خوار کننده. ﴿۵۷﴾ و آنان‌که هجرت کردند در راه خدا، پس کشته شدند یا بمردند، هرآیینه روزی دهد ایشان را خدا روزیِ نیک[1]. و هرآیینه خدا، وی بهترینِ روزی دهندگان است. ﴿۵۸﴾ البته درآرد ایشان را به موضعی که خوشنود شوند از آن و هرآیینه خدا دانای بردبار است. ﴿۵۹﴾ حکم این است. و هر که در پی ایذای کسی افتاد به مانند آنکه ایذا داده شد او را، بعد از آن تعدّی کرده شد بر وی، هرآیینه نصرت خواهد داد او را خدا. هرآیینه خدا بخشایندهٔ آمرزگار است. ﴿۶۰﴾ این نصرت به سبب آن است که خدا در می‌آرد شب را در روز و درمی‌آرد روز را در شب و به سبب آن است که خدا شنوای بیناست. ﴿۶۱﴾ این نصرت به سبب آن است که خدا، همونست ثابت و آنچه می‌خوانند کافران بجز وی، همونست باطل. و به سبب آن است که خدا همونست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر. ﴿۶۲﴾ آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس زمین سرسبز شود. هرآیینه خدا لطف کنندهٔ داناست. ﴿۶۳﴾ او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است. و هرآیینه خدا همونست بی‌نیاز ستوده‌کار. ﴿۶۴﴾

۱- یعنی در بهشت.

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡفُلۡكَ
تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِأَمۡرِهِۦ وَيُمۡسِكُ ٱلسَّمَآءَ أَن تَقَعَ
عَلَى ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِٱلنَّاسِ لَرَءُوفٞ
رَّحِيمٞ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ
يُحۡيِيكُمۡۗ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا
مَنسَكًا هُمۡ نَاسِكُوهُۖ فَلَا يُنَٰزِعُنَّكَ فِي ٱلۡأَمۡرِۚ وَٱدۡعُ
إِلَىٰ رَبِّكَۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدٗى مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٦٧﴾ وَإِن جَٰدَلُوكَ
فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٦٨﴾ ٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ
أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي
كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿٧٠﴾ وَيَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ
عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
ٱلۡمُنكَرَۖ يَكَادُونَ يَسۡطُونَ بِٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتِنَاۗ قُلۡ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرّٖ مِّن ذَٰلِكُمُۚ ٱلنَّارُ وَعَدَهَا
ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

آیا ندیدی که خدا مسخّر کرد برای شما آنچه در زمین
است و مسخّر ساخت کشتی‌ها، می‌رود در دریا به فرمان
او. و نگاه می‌دارد آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین، مگر به
دستوری وی. هرآیینه خدا در حق مردمان، بخشایندهٔ
مهربان است. ﴿۶۵﴾ و اوست آنکه زنده کرد شما را، باز
بمیراند شما را، باز زنده کند شما را. هرآیینه آدمی ناسپاس
است. ﴿۶۶﴾ برای هر گروهی معین کرده‌ایم شریعتی راکه
ایشان عمل کننده‌اند بر آن، پس باید که نزاع نکنند با تو
در این کار و بخوان به سوی پروردگار خویش. هرآیینه تو
بر راه راستی. ﴿۶۷﴾ و اگر مکابره نمایند با تو، بگو خدا
داناتر است به آنچه می‌کنید. ﴿۶۸﴾ خدا حکم خواهد
کرد میان شما روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف
می‌کنید[1]. ﴿۶۹﴾ آیا ندانستی که خدا می‌داند هرچه در
آسمان و زمین است؟ هرآیینه این همه ثبت است در
کتابی. این همه بر خدا آسان است. ﴿۷۰﴾ و عبادت
می‌کنند بجز خدا چیزی راکه فرونفرستاده است خدا
حجتی بر آن و چیزی که نیست ایشان را بر ثبوت آن
دانش. و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده. ﴿۷۱﴾ و
چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما واضح آمده،
می‌شناسی در روی این کافران ناخوشی. نزدیک می‌شوند
از آنکه حمله کنند بر آنان‌که می‌خوانند بر ایشان آیاتِ ما.
بگو آیا خبر دهم شما را به نا خوشتر از این؟ آن دوزخ
است. وعده داده است خدا آن را به کافران و وی بد جایی
است. ﴿۷۲﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت اشاره است به آنکه اختلاف شرائع به سبب اختلاف عصور است و همه شرائع، حق است و در زمان خود معمول به است، پس نزاع در حقیقت به آنها نباید کرد.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَٱسْتَمِعُواْ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ
تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَن يَخْلُقُواْ ذُبَابًا وَلَوِ ٱجْتَمَعُواْ
لَهُۥۖ وَإِن يَسْلُبْهُمُ ٱلذُّبَابُ شَيْـًٔا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُۚ
ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ
قَدْرِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ ٱللَّهُ يَصْطَفِى مِنَ
ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ
﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ
ٱلْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرْكَعُواْ وَٱسْجُدُواْ
وَٱعْبُدُواْ رَبَّكُمْ وَٱفْعَلُواْ ٱلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۩
﴿٧٧﴾ وَجَـٰهِدُواْ فِى ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجْتَبَىٰكُمْ
وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلدِّينِ مِنْ حَرَجٍۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ
إِبْرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِى هَـٰذَا
لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ
عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعْتَصِمُواْ
بِٱللَّهِ هُوَ مَوْلَىٰكُمْۖ فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

ای مردمان! پدید آورده شد داستانی پس بشنوید آن را. هرآیینه آنان‌که می‌خوانید بجز خدا، آفریدن نتوانند مگسی را، اگرچه جمع شوند برای آن .و اگر برباید از ایشان مگس، چیزی، خلاص نتوانند کرد آن را از مگس. ناتوان شد طالب و مطلوب[1]. ﴿۷۳﴾ تعظیم نکردند خدا را حق تعظیم او. هرآیینه خدا توانای غالب است. ﴿۷۴﴾ خدا برمی‌گزیند فرستاده‌ها از فرشتگان و از مردمان. هرآیینه خدا شنوای بینا است. ﴿۷۵﴾ می‌داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پسِ پشت ایشان است و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند کارها. ﴿۷۶﴾ ای مسلمانان! رکوع کنید و سجده بجا آرید و عبادت نمایید پروردگار خود را و بکنید کار نیکو، امید است که رستگار شوید. ﴿۷۷﴾ و جهاد کنید در راه خدا حق جهادی که برای خدا باشد. وی برگزید شما را و نساخت بر شما در دین، هیچ تنگی. مشروع کرد دین پدر شما ابراهیم. خدا نام نهاد شما را مسلمانان پیش از این[2] و در قرآن نیز. تا باشد پیغامبر گواه بر شما و باشید شما گواه بر مردمان، پس برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ زنید به خدا، اوست خداوند شما، پس نیکو خداوند است و نیکو مددگار است. ﴿۷۸﴾

۱- یعنی عابد و معبود.
۲- یعنی در کتب سابقه.

سُورَةُ المُؤۡمِنُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ
خَٰشِعُونَ ﴿٢﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ﴿٣﴾
وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ﴿٤﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ
حَٰفِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ
فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ
فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ﴿٧﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ
وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ
يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡوَٰرِثُونَ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ
ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ
فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا
ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا
ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ
أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ
﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تُبۡعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا
فَوۡقَكُمۡ سَبۡعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلۡخَلۡقِ غَٰفِلِينَ
﴿١٧﴾

سوره مؤمنون

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرآیینه رستگار شدند مسلمانان. ﴿۱﴾ آنان‌که ایشان در نماز خویش نیایش کنندگانند. ﴿۲﴾ و آنان‌که ایشان از بیهوده روگردانند. ﴿۳﴾ و آنان‌که ایشان زکات را ادا کنندگانند. ﴿۴﴾ و آنان‌که ایشان شرمگاه خود را نگاهدارندگانند. ﴿۵﴾ مگر بر زنان خویش یا بر کنیزکانی که ملك دست ایشان است، هرآیینه اینان نکوهیده نیستند. ﴿۶﴾ پس هر که طلب کند سوای این، آن جماعت از حد گذرندگانند. ﴿۷﴾ و آنان‌که ایشان امانت‌های خود را و عهد خود را رعایت کنندگانند. ﴿۸﴾ و آنان‌که ایشان بر نمازهای خود محافظت کنندگانند. ﴿۹﴾ این جماعت، ایشانند آن وارثان. ﴿۱۰﴾ که عاقبت کار به دست آرند بهشت را. ایشان آنجا جاوید باشندگانند. ﴿۱۱﴾ و هرآیینه آفریدم آدمی را از خلاصهٔ گل. ﴿۱۲﴾ باز ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاه استوار. ﴿۱۳﴾ باز ساختیم آن نطفه را خون بسته، باز ساختیم آن خون بسته را گوشت پاره، پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوان‌هایی چند، پس پوشانیدیم بر آن استخوان‌ها گوشت را، باز آفریدیم او را آفرینشی دیگر[۱]. پس بزرگ است خدا نیکوترین نگارندگان. ﴿۱۴﴾ باز هرآیینه شما بعد از این مرده شوید .﴿۱۵﴾ باز هرآیینه شما روز قیامت برانگیخته گردید. ﴿۱۶﴾ و هرآیینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان و نبودیم ما از آفرینش، بی‌خبر. ﴿۱۷﴾

۱- یعنی نفخ روح و روییدن ناخن و موی.

وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَسۡكَنَّٰهُ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ
وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابِۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ ١٨ فَأَنشَأۡنَا لَكُم بِهِۦ
جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ لَّكُمۡ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٞ
وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ١٩ وَشَجَرَةٗ تَخۡرُجُ مِن طُورِ سَيۡنَآءَ
تَنۢبُتُ بِٱلدُّهۡنِ وَصِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ ٢٠ وَإِنَّ لَكُمۡ فِي
ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ
فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٢١ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى
ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٢٢ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ
فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ
أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٣ فَقَالَ ٱلۡمَلَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن
قَوۡمِهِۦ مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ
عَلَيۡكُمۡ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ مَّا سَمِعۡنَا
بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ٢٤ إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلُۢ بِهِۦ
جِنَّةٞ فَتَرَبَّصُواْ بِهِۦ حَتَّىٰ حِينٖ ٢٥ قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي
بِمَا كَذَّبُونِ ٢٦ فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ أَنِ ٱصۡنَعِ ٱلۡفُلۡكَ
بِأَعۡيُنِنَا وَوَحۡيِنَا فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ فَٱسۡلُكۡ
فِيهَا مِن كُلّٖ زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَأَهۡلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ
عَلَيۡهِ ٱلۡقَوۡلُ مِنۡهُمۡۖ وَلَا تُخَٰطِبۡنِي فِي ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ
إِنَّهُم مُّغۡرَقُونَ ٢٧

و فروفرستادیم از آسمان آب را به آندازه، پس جا دادیم او را در زمین و هرآیینه ما بر دور کردن آن تواناییم. ﴿۱۸﴾ پس بیافریدیم برای شما به آن آب، بوستان‌ها از درختانِ خرما و انگور. شما را در آن بوستان‌ها میوه‌های بسیار پیدا شود و بعض آن را می‌خورید[1]. ﴿۱۹﴾ و آفریدیم درختی که بیرون می‌آید از طور سینا (یعنی درخت زیتون) می‌روید به وجهی که حاصل شود روغن و نان خورش، طعام خورندگان را. ﴿۲۰﴾ و هر آیینه شما را در چهارپایان، پندی هست، می‌نوشانیم شما را از آنچه در شکم ایشان است و شما را در آن چهارپایان منفعت‌های بسیار است و بعض اینها را می‌خورید. ﴿۲۱﴾ و بر چهارپایان و بر کشتی‌ها سوار کرده می‌شوید ﴿۲۲﴾ و هرآیینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس گفت: ای قوم من! عبادتِ خدا کنید، نیست شما را هیچ معبودی غیر وی. آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۲۳﴾ پس گفتند کسانی که کافر بودند از قوم او: نیست این شخص مگر آدمی مانند شما، می‌خواهد که ریاست پیدا کند بر شما. و اگر خواستی خدا، هرآیینه فرستادی فرشتگان را. نشنیدیم این ماجرا را در پدرانِ نخستین خویش. ﴿۲۴﴾ نیست این شخص مگر مردی که به وی عارضهٔ دیوانگی است، پس انتظار وی کنید تا مدتی. ﴿۲۵﴾ گفت: ای پروردگار من! نصرت ده مرا به سبب آنکه دروغی شمردند مرا. ﴿۲۶﴾ پس وحی فرستادیم به سوی وی که بساز کشتی به حضور ما و به فرمان ما، پس چون آید فرمان ما و جوش زند تنور [غضب]، پس درآر در کشتی از هر جنسی دو عدد نر و ماده را و در آر کسان خود را مگر آنکه از ایشان سبقت کرده است بر وی گفتهٔ حق. و سخن مگو با من در باب آنان‌که ستم کردند، هرآیینه ایشان غرق کردگانند. ﴿۲۷﴾

۱- یعنی به طریق قُوت.

فَإِذَا ٱسۡتَوَيۡتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى ٱلۡفُلۡكِ فَقُلِ
ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُل
رَّبِّ أَنزِلۡنِي مُنزَلٗا مُّبَارَكٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ وَإِن كُنَّا لَمُبۡتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِمۡ قَرۡنًا ءَاخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرۡسَلۡنَا فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ
أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ
﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ
بِلِقَآءِ ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَتۡرَفۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا مَا هَٰذَآ إِلَّا
بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يَأۡكُلُ مِمَّا تَأۡكُلُونَ مِنۡهُ وَيَشۡرَبُ
مِمَّا تَشۡرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنۡ أَطَعۡتُم بَشَرٗا مِّثۡلَكُمۡ إِنَّكُمۡ
إِذٗا لَّخَٰسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيَعِدُكُمۡ أَنَّكُمۡ إِذَا مِتُّمۡ وَكُنتُمۡ
تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخۡرَجُونَ ﴿٣٥﴾ ۞هَيۡهَاتَ هَيۡهَاتَ
لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنۡ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ
وَنَحۡيَا وَمَا نَحۡنُ بِمَبۡعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنۡ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ ٱفۡتَرَىٰ
عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا وَمَا نَحۡنُ لَهُۥ بِمُؤۡمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
ٱنصُرۡنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٖ لَّيُصۡبِحُنَّ
نَٰدِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ بِٱلۡحَقِّ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ
غُثَآءٗۚ فَبُعۡدٗا لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنشَأۡنَا مِنۢ
بَعۡدِهِمۡ قُرُونًا ءَاخَرِينَ ﴿٤٢﴾

پس چون راست بنشینی تو و هر که با تو باشد بر کشتی بگو: همه ستائش خدای راست آنکه نجات داد ما را از گروه ستمکاران. ﴿۲۸﴾ و بگو: ای پروردگار من! فرود آر مرا در منزل مبارک و تو بهترین فرود آرندگانی. ﴿۲۹﴾ هرآیینه در این ماجرا نشانه‌هاست، و هرآیینه ما بودیم امتحان کننده. ﴿۳۰﴾ باز بیافریدیم بعد از ایشان قرنی دیگر را. ﴿۳۱﴾ پس فرستادیم میان ایشان پیغامبری از [قبیلهٔ] ایشان که عبادت خدا کنید، نیست شما را هیچ معبود بجز وی. آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۳۲﴾ و گفتند رئیسان از قوم وی، آنان‌که کافر شدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را و آسودگی داده بودیم ایشان را در زندگانی دنیا، نیست این شخص مگر آدمی مانند شما، می‌خورد از آنچه شما از آن می‌خورید و می‌آشامد از آنچه شما می‌آشامید. ﴿۳۳﴾ و اگر فرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را، هرآیینه شما آنگاه زیانکار باشید. ﴿۳۴﴾ آیا وعده می‌دهد شما را که شما چون بمیرید و شوید خاکی و استخوانی چند، بیرون آورده خواهید شد؟!. ﴿۳۵﴾ بعید است! بعید است! آنچه وعده داده می‌شود شما را. ﴿۳۶﴾ نیست زندگانی، الاّ زندگانی این جهان، ما می‌میریم و زنده می‌شویم و نیستیم برانگیخته شده[1]. ﴿۳۷﴾ نیست این شخص، مگر مردی که افترا کرده بر خدا دروغ را و ما نیستیم او را تصدیق کننده. ﴿۳۸﴾ گفت: ای پروردگار من! نصرت ده مرا به مقابلهٔ آنکه دروغ شمردند مرا. ﴿۳۹﴾ گفت بعدِ اندک زمانی پشیمان خواهند شد. ﴿۴۰﴾ پس گرفت ایشان را آواز سخت به حسب وعدهٔ راست، پس گردانیدیم ایشان را مثل خاشاک در هم شکسته، پس دوری باد گروه ستمکاران را. ﴿۴۱﴾ باز پیدا کردیم بعد از ایشان قرن‌های دیگر را. ﴿۴۲﴾

۱- یعنی بعض می‌میرد و بعض زنده می‌شود.

مَا تَسۡبِقُ مِنۡ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسۡتَـٔۡخِرُونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ
أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا تَتۡرَاۖ كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةٗ رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُۖ
فَأَتۡبَعۡنَا بَعۡضَهُم بَعۡضٗا وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَۚ فَبُعۡدٗا
لِّقَوۡمٖ لَّا يُؤۡمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَٰرُونَ
بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ وَكَانُواْ قَوۡمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ
لِبَشَرَيۡنِ مِثۡلِنَا وَقَوۡمُهُمَا لَنَا عَٰبِدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا
فَكَانُواْ مِنَ ٱلۡمُهۡلَكِينَ ﴿٤٨﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى
ٱلۡكِتَٰبَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلۡنَا ٱبۡنَ مَرۡيَمَ
وَأُمَّهُۥٓ ءَايَةٗ وَءَاوَيۡنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبۡوَةٖ ذَاتِ قَرَارٖ وَمَعِينٖ
﴿٥٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ
صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ
أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ ﴿٥٢﴾
فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ
فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرۡهُمۡ فِي غَمۡرَتِهِمۡ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾
أَيَحۡسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ مِن مَّالٖ وَبَنِينَ ﴿٥٥﴾
نُسَارِعُ لَهُمۡ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ بَل لَّا يَشۡعُرُونَ ﴿٥٦﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ هُم
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا
يُشۡرِكُونَ ﴿٥٩﴾

سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از میعاد خود و نه باز پس
می‌مانند. ﴿۴۳﴾ باز فرستادیم پیغامبران خود را پی درپی.
هرگاه آمد به امتی پیغامبر او، به دروغ نسبت کردند او را،
پس از پی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی در
هلاک) و ساختیم امت‌ها را افسانه، پس دوری باد گروهی
را که ایمان نمی‌آرند. ﴿۴۴﴾ باز فرستادیم موسی و برادر
او، هارون را با نشانه‌های خویش و با دلیل ظاهر. ﴿۴۵﴾ به
سوی فرعون و جماعت او، پس سرکشی کردند و بودند
گروه تکبّر کننده. ﴿۴۶﴾ پس گفتند: آیا ایمان آریم به دو
آدمی مانند خویش و قوم ایشان ما را خدمت کنندگانند؟!.
﴿۴۷﴾ پس دروغ گفتند ایشان را، پس شدند از هلاک
کردگان. ﴿۴۸﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتابی، بُوَد که
ایشان راه یابند. ﴿۴۹﴾ و ساختیم پسر مریم را و مادرش را
نشانه‌ای و جا دادیم ایشان را به زمینی بلند، خداوند استقرار
و خداوند آب روان. ﴿۵۰﴾ [گفتیم]: ای پیغامبران!
بخورید از أطعمهٔ پاکیزه و بکنید کار نیکو. هرآیینه من به
آنچه می‌کنید دانایم. ﴿۵۱﴾ و هرآیینه این است ملت شما،
ملت یکتا و من پروردگار شمایم، پس بترسید از من.
﴿۵۲﴾ پس متفرق ساختند امّتان کار خود را در میان
خویش، پاره پاره. هر گروهی به آنچه نزدیک اوست،
شادمان است. ﴿۵۳﴾ پس بگذاریم ایشان را در غفلت
ایشان تا مدّتی ﴿۵۴﴾ آیا می‌پندارند که آنچه امداد
می‌کنیم ایشان را به آن از مال و فرزندان. ﴿۵۵﴾ سعی در
نیکویی‌ها می‌کنیم برای ایشان؟ بلکه نمی‌دانند[۱]. ﴿۵۶﴾
هرآیینه آنان‌که ایشان از ترس پروردگار خویش
مضطربانند. ﴿۵۷﴾ و آنان‌که ایشان به آیات پروردگار
خویش ایمان می‌آرند. ﴿۵۸﴾ و آنان‌که ایشان به
پروردگار خویش شریک مقرر نمی‌کنند. ﴿۵۹﴾

۱- یعنی نعمت نیست، بلکه استدراج است.

وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ
رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ ﴿٦٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ
وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ
وَلَدَيۡنَا كِتَٰبٞ يَنطِقُ بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٦٢﴾ بَلۡ
قُلُوبُهُمۡ فِي غَمۡرَةٖ مِّنۡ هَٰذَا وَلَهُمۡ أَعۡمَٰلٞ مِّن دُونِ
ذَٰلِكَ هُمۡ لَهَا عَٰمِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذۡنَا مُتۡرَفِيهِم
بِٱلۡعَذَابِ إِذَا هُمۡ يَجۡـَٔرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجۡـَٔرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ
إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾ قَدۡ كَانَتۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ
عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾
مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرٗا تَهۡجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمۡ يَدَّبَّرُواْ
ٱلۡقَوۡلَ أَمۡ جَآءَهُم مَّا لَمۡ يَأۡتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمۡ
لَمۡ يَعۡرِفُواْ رَسُولَهُمۡ فَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمۡ يَقُولُونَ
بِهِۦ جِنَّةُۢۚ بَلۡ جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ وَأَكۡثَرُهُمۡ لِلۡحَقِّ
كَٰرِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلۡحَقُّ أَهۡوَآءَهُمۡ لَفَسَدَتِ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهِنَّۚ بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِذِكۡرِهِمۡ
فَهُمۡ عَن ذِكۡرِهِم مُّعۡرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ خَرۡجٗا
فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيۡرٞۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ
لَتَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا
يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ﴿٧٤﴾

و آنان‌که می‌دهند آنچه می‌دهند و دل ایشان ترسان است به سبب آنکه ایشان به سوی پروردگار خویش باز خواهند گشت. ﴿۶۰﴾ این جماعت سعی می‌کنند در نیکی‌ها و ایشان به سوی آن سبقت کنندگانند. ﴿۶۱﴾ و تکلیف نمی‌دهیم هیچ کس را مگر به قدر طاقت او و نزدیک ما کتابی است که سخن می‌گوید به راستی[1] و بر ایشان ستم کرده نمی‌شود. ﴿۶۲﴾ بلکه دل ایشان در غفلت است از این سخن و ایشان را عمل‌هاست غیر[2] این که ایشان آن را کننده‌اند. [در غفلت خویش ماندند]. ﴿۶۳﴾ تا وقتی که گرفتار ساختیم آسودگان ایشان را به عذاب، ناگهان ایشان فریاد می‌کردند. ﴿۶۴﴾ گفتیم: فریاد مکنید امروز! هرآیینه شما از ما نصرت داده نخواهید شد. ﴿۶۵﴾ هرآیینه خوانده می‌شد آیات ما بر شما، پس شما بر پاشنه‌های خود بازمی‌گشتید. ﴿۶۶﴾ تکبّرکنان بر آن قرآن به افسانه مشغول شده، ترک می‌کردید. ﴿۶۷﴾ آیا تأمّل نکردند در این سخن آیا آمده است به ایشان آنچه نیامده بود به پدران نخستین ایشان؟. ﴿۶۸﴾ آیا نشناختند پیغامبر خود را؟ پس ایشان به او نا آشنایند. ﴿۶۹﴾ آیا می‌گویند به وی دیوانگی است؟ بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را و بیشتر ایشان سخن راست را ناخواهانند. ﴿۷۰﴾ و اگر پیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را، هرآیینه بی‌انتظام شدندی آسمان‌ها و زمین و هر که میان ایشان است. بلکه آوردیم بدیشان پند ایشان را، پس ایشان از پند خویش روی گردانندگانند. ﴿۷۱﴾ آیا می‌خواهی از ایشان مزدی؟ پس مزد پروردگار تو بهتر است و او بهترین روزی دهندگان است. ﴿۷۲﴾ و هرآیینه تو می‌خوانی ایشان را به سوی راه راست. ﴿۷۳﴾ و هرآیینه آنان‌که ایمان نمی‌آرند به آخرت، از آن راه یکسو شوندگانند. ﴿۷۴﴾

۱- یعنی نامه اعمال.

۲- یعنی غیر انکار قرآن.

۞وَلَوۡ رَحِمۡنَٰهُمۡ وَكَشَفۡنَا مَا بِهِم مِّن ضُرّٖ لَّلَجُّواْ فِي
طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدۡ أَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ فَمَا
ٱسۡتَكَانُواْ لِرَبِّهِمۡ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحۡنَا
عَلَيۡهِم بَابٗا ذَا عَذَابٖ شَدِيدٍ إِذَا هُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ
﴿٧٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ
قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي ذَرَأَكُمۡ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَإِلَيۡهِ تُحۡشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ
وَلَهُ ٱخۡتِلَٰفُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلۡ قَالُواْ
مِثۡلَ مَا قَالَ ٱلۡأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا
وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا
هَٰذَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُل
لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٨٤﴾
سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلۡ مَن رَّبُّ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ
لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ
شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ
﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ ﴿٨٩﴾

و اگر رحم می‌کردیم بر ایشان و برمی‌داشتیم آنچه به
ایشان است از سختی، هرآیینه پیوسته می‌شدند در بی‌راهی
خود سرگشته شده. ﴿۷۵﴾ و هرآیینه گرفتار کردیم ایشان
را به عذاب، پس نیایش نکردند پروردگار خود را و زاری
ننمودند. ﴿۷۶﴾ [در غفلت خویش ماندند] تا وقتی که
بگشادیم بر ایشان دری خداوندِ عذاب سخت، ناگهان
ایشان در آنجا امید برندگانند. ﴿۷۷﴾ و اوست آن که
بیافرید برای شما شنوایی و دیده‌ها و دل‌ها. اندکی
شکرگزاری می‌کنید. ﴿۷۸﴾ و اوست آنکه پیدا کرد شما
را در زمین و به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۷۹﴾ و
اوست آنکه زنده می‌کند و می‌میراند و او راست آمد و شد
شب و روز. آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۸۰﴾ بلکه گفتند: مانند
آنچه گفته بودند نخستینیان. ﴿۸۱﴾ گفتند آیا چون بمیریم
و شویم خاکی و استخوانی چند، آیا ما برانگیخته خواهیم
شد؟. ﴿۸۲﴾ هرآیینه وعده داده شد به این سخن ما را و
پدران ما را پیش از این. نیست این مگر افسانه‌های پیشینیان.
﴿۸۳﴾ بگو کِه راست زمین و آنچه در آن است، اگر
می‌دانید؟. ﴿۸۴﴾ خواهند گفت: این همه خدای راست.
بگو آیا پندپذیر نمی‌شوید؟. ﴿۸۵﴾ بگو: کیست پروردگار
آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ؟. ﴿۸۶﴾
خواهند گفت: این همه خدای راست. بگو آیا نمی‌ترسید؟.
﴿۸۷﴾ بگو کیست آن که به دست اوست پادشاهی هر
چیز و او زنهار می‌دهد و زنهار داده نمی‌شود بر خلاف او؟
بگویید اگر می‌دانید. ﴿۸۸﴾ خواهند گفت: این همه خدای
راست. بگو پس از کجا فریب داده می‌شوید؟. ﴿۸۹﴾

بَلۡ أَتَيۡنَٰهُم بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ
مِن وَلَدٖ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنۡ إِلَٰهٍۚ إِذٗا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهِۭ
بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ
عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٩١﴾ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَتَعَٰلَىٰ عَمَّا
يُشۡرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ
فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن
نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقَٰدِرُونَ ﴿٩٥﴾ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ
أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُل رَّبِّ
أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ
أَن يَحۡضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ
رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُۚ
كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَاۖ وَمِن وَرَآئِهِم بَرۡزَخٌ إِلَىٰ يَوۡمِ
يُبۡعَثُونَ ﴿١٠٠﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيۡنَهُمۡ
يَوۡمَئِذٖ وَلَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿١٠١﴾ فَمَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ
فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ
فَأُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فِي جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ
﴿١٠٣﴾ تَلۡفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ وَهُمۡ فِيهَا كَٰلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

بلکه آورده‌ایم به ایشان سخن راست را و هرآیینه ایشان دروغگویند. ﴿۹۰﴾ هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه او هیچ خدای دیگر، آنگاه ببردی هر خدائی چیزی که آفریده بود و هرآیینه غالب آمدی بعض ایشان بر بعض. به پاکی صفت می‌کنم خدای را از آنچه تقریر می‌کنند. ﴿۹۱﴾ دانندهٔ نهان و آشکار است، برتر است از آنچه شریک می‌آرند. ﴿۹۲﴾ بگو: ای پروردگار من! اگر بنمایی مرا آنچه ترسانیده می‌شوند. ﴿۹۳﴾ ای پروردگار من! داخل مکن مرا در گروه ستمکاران. ﴿۹۴﴾ و هرآیینه ما بر آنکه بنماییم تو را آنچه وعده می‌دهیم به ایشان، توانابیم. ﴿۹۵﴾ و مقابله کن بدی را به خصلتی که آن نیک است. ما داناتریم به آنچه بیان می‌کنند. ﴿۹۶﴾ و بگو [یا محمد]: ای پروردگار من! می‌پناهم به تو از دغدغه‌های شیاطین. ﴿۹۷﴾ و می‌پناهم به تو ای پروردگار من! از آنکه حاضر شوند پیش من. ﴿۹۸﴾ در غفلت خویش باشند تا وقتی که بیاید کسی را از ایشان موت. گوید: ای پروردگار من! بازگردان مرا. ﴿۹۹﴾ بُوَد که کار نیکو کنم در سرایی که بگذاشتمش، نه چنین باشد! هرآیینه این سخنی است که وی گویندهٔ آن است و پیش ایشان حجابی باشد تا روزی که برانگیخته شوند. ﴿۱۰۰﴾ پس چون دمیده شود در صور، پس قرابت‌ها نباشد میان ایشان آن روز و نه با یکدیگر جواب سؤال کنند. ﴿۱۰۱﴾ پس هر که گران آید پل‌های ترازوی او، پس آن جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۱۰۲﴾ و هر که سبک شد پل‌های ترازوی او، پس آن جماعت آنانند که زیان کردند در حق خویش، در دوزخ جاوید باشندگانند. ﴿۱۰۳﴾ می‌سوزد روی ایشان را آتش و ایشان آنجا رو ترش هستند. ﴿۱۰۴﴾

أَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَكُنتُم بِهَا
تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُواْ رَبَّنَا غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا شِقۡوَتُنَا وَكُنَّا
قَوۡمٗا ضَآلِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡهَا فَإِنۡ عُدۡنَا فَإِنَّا
ظَٰلِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ ٱخۡسَـُٔواْ فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾
إِنَّهُۥ كَانَ فَرِيقٞ مِّنۡ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا
فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١٠٩﴾
فَٱتَّخَذۡتُمُوهُمۡ سِخۡرِيًّا حَتَّىٰٓ أَنسَوۡكُمۡ ذِكۡرِي وَكُنتُم
مِّنۡهُمۡ تَضۡحَكُونَ ﴿١١٠﴾ إِنِّي جَزَيۡتُهُمُ ٱلۡيَوۡمَ بِمَا صَبَرُوٓاْ
أَنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قَٰلَ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ
عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُواْ لَبِثۡنَا يَوۡمًا أَوۡ بَعۡضَ يَوۡمٖ فَسۡـَٔلِ
ٱلۡعَآدِّينَ ﴿١١٣﴾ قَٰلَ إِن لَّبِثۡتُمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ لَّوۡ أَنَّكُمۡ كُنتُمۡ
تَعۡلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا
وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ
ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَن
يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا
حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿١١٧﴾
وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿١١٨﴾

[گوییم] آیا خوانده نمی‌شد آیات من بر شما، پس آن را دروغ می‌داشتید؟. ﴿۱۰۵﴾ گفتند: ای پروردگار ما! غالب آمد بر ما بدبختی ما و بودیم گروهی گمرا. ﴿۱۰۶﴾ ای پروردگار ما! بیرون آر ما را از اینجا. پس اگر عود کنیم به کفر، پس هرآیینه ما ستمکار باشیم. ﴿۱۰۷﴾ [خدا] فرماید: به رسوایی در شوید در اینجا و سخن مگویید با من. ﴿۱۰۸﴾ هرآیینه گروهی از بندگان من می‌گفتند: ای پروردگار ما! ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و ببخشای بر ما و تو بهترین بخشایندگانی. ﴿۱۰۹﴾ پس مسخره گرفتید ایشان را تا حدی که فراموش گردانیدند یاد مرا از دلِ شما و شما بر ایشان می‌خندید. ﴿۱۱۰﴾ هرآیینه من جزا دادم ایشان را امروز به مقابلهٔ صبر ایشان به آنکه ایشانند به مراد رسندگان. ﴿۱۱۱﴾ گوید خدا: چند مدّت درنگ کردید در زمین به حساب شمار سال‌ها؟. ﴿۱۱۲﴾ گفتند: درنگ کردیم یک روز یا بعض روز، پس بپرس از شمار کنندگان. ﴿۱۱۳﴾ گفت خدا: توقف نکردید مگر اندکی. کاش شما می‌دانستید. ﴿۱۱۴﴾ آیا پنداشتید که آفریدیم شما را بیهوده و آنکه شما به سوی ما گردانیده نشوید؟. ﴿۱۱۵﴾ پس برتر است خدا پادشاه ثابت. نیست هیچ معبود غیر او، پروردگار عرش گرامی قدر. ﴿۱۱۶﴾ و هر که بخواند با خدا معبود دیگر را، هیچ حجتی نیست پرستنده را بر ثبوت آن معبود. پس جز این نیست که حساب او نزدیک پروردگار اوست، هرآیینه رستگار نمی‌شوند کافران. ﴿۱۱۷﴾ و بگو: ای پروردگار من! بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشایندگانی. ﴿۱۱۸﴾

سُورَةُ النُّورِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنزَلۡنَٰهَا وَفَرَضۡنَٰهَا وَأَنزَلۡنَا فِيهَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ
لَّعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾ ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ
وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ
فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ
وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢﴾ ٱلزَّانِي لَا
يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوۡ مُشۡرِكَةٗ وَٱلزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَآ إِلَّا
زَانٍ أَوۡ مُشۡرِكٞۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِينَ
يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ
فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِ
ذَٰلِكَ وَأَصۡلَحُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ
يَرۡمُونَ أَزۡوَٰجَهُمۡ وَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ شُهَدَآءُ إِلَّآ أَنفُسُهُمۡ
فَشَهَٰدَةُ أَحَدِهِمۡ أَرۡبَعُ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٦﴾ وَٱلۡخَٰمِسَةُ أَنَّ لَعۡنَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ إِن
كَانَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٧﴾ وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ أَن
تَشۡهَدَ أَرۡبَعَ شَهَٰدَٰتِۭ بِٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٨﴾
وَٱلۡخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيۡهَآ إِن كَانَ مِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٩﴾ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ
وَأَنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

سوره نور

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

این سورتی است که فروفرستادیم آن را و فرض ساختیم آن را
و فرود آوردیم در آن آیات روشن، بود که شما پند گیرید.
﴿۱﴾ زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنید هر یکی را از ایشان
صد دُرَّه و باید که درنگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری
کردن شرع خدا، اگر ایمان آورده‌اید به خدا و روز آخر و باید
که حاضر شوند به عقوبت ایشان جماعت از مسلمانان. ﴿۲﴾
مرد زنا کننده نکاح نمی‌کند مگر با زن زنا کننده یا شرک
آرنده و زن زنا کننده بزنی نمی‌گیرد آن را مگر مرد زنا کننده
یا شرک آرنده. و حرام ساخته شد [نکاح زانیه] بر مسلمانان[1].
﴿۳﴾ مرد زنا کننده نکاح نمی‌کند مگر با زن زنا کننده یا
شرک آرنده و زن زنا کننده بزنی نمی‌گیرد آن را مگر مرد زنا
کننده یا شرک آرنده. و حرام ساخته شد [نکاح زانیه] بر
مسلمانان. ﴿۴﴾ مگر آنان که توبه کردند بعد از این و به صلاح
آوردند کار خود را، پس هر آیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است
﴿۵﴾ و آنان‌که دشنام می‌دهند زنان خود را و نباشد ایشان را
گواهان مگر نفس خویشتن پس مخلص، گواهی یکی از ایشان
است چهار بار که به خدا، هرآیینه وی از راستگویان است.
﴿۶﴾ و گواهی پنجم به این صفت که لعنت خدا بر او باد، اگر
از دروغگویان باشد. ﴿۷﴾ و بازمی‌گرداند از آن زن عقوبت را
آنکه گواهی دهد چهار بار به خدا، هرآیینه این شوهر از
دروغگویان است. ﴿۸﴾ و گواهی دهد پنجم بار به این صفت
که خشم خدا باد بر این زن اگر شوهر از راستگویان باشد.
﴿۹﴾ و اگر نمی‌بود فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا
توبه‌پذیرندهٔ با حکمت است [چه چیزها‌که نمی‌شد][2]. ﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: ازین آیت معلوم شد که زانیه مقرهٔ به زنا را نکاح توان کرد و همین است مذهب أحمد و تاویل آیت نزد أبی حنیفه و شافعی آن است که حرام کرده شد شرک و زنا بر مسلمانان. یا گویند خاص است به قومی یا گویند منسوخ است.

۲- مترجم گوید: در غزوهٔ بنی مصطلق حضرت عائشه متّهم شده و منافقان در اشاعت بدنامی سعی کردند، جماعتی اظهار برائت نمودند و جماعتی توقف نمودند. خدای تعالی برائت صدیقه نازل ساخت و ذم منافقان و مدح برائت کنندگان و تهدید توقف کنندگان فرمود.

إِنَّ ٱلَّذِينَ جَآءُو بِٱلۡإِفۡكِ عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡۚ لَا تَحۡسَبُوهُ
شَرّٗا لَّكُمۖ بَلۡ هُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُم مَّا
ٱكۡتَسَبَ مِنَ ٱلۡإِثۡمِۚ وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ مِنۡهُمۡ لَهُۥ
عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿١١﴾ لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ
وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ
﴿١٢﴾ لَّوۡلَا جَآءُو عَلَيۡهِ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَۚ فَإِذۡ لَمۡ يَأۡتُواْ
بِٱلشُّهَدَآءِ فَأُوْلَٰٓئِكَ عِندَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ ﴿١٣﴾
وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا
وَٱلۡأٓخِرَةِ لَمَسَّكُمۡ فِي مَآ أَفَضۡتُمۡ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
﴿١٤﴾ لَيۡسَ لَكُم بِهِۦ عِلۡمٞ وَتَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا وَهُوَ عِندَ
ٱللَّهِ عَظِيمٞ ﴿١٥﴾ إِذۡ تَلَقَّوۡنَهُۥ بِأَلۡسِنَتِكُمۡ وَتَقُولُونَ
بِأَفۡوَاهِكُم مَّا وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ
لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ ﴿١٦﴾
يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُواْ لِمِثۡلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم
مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ
وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ
عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ وَأَنَّ ٱللَّهَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿٢٠﴾

هرآیینه آنان‌که آوردند تهمت را جماعتی‌اند از شما. مپندارید این تهمت را بد در حق خویش، بلکه آن بهتر است برای شما. هر کسی را از ایشان چیزی است که حاصل کرد از معصیت و آنکه سرانجام داد عمدهٔ آن تهمت را از ایشان، او راست عذاب بزرگ[۱]. ﴿۱۱﴾ چرا نشد که چون شنیدید آن را گمان می‌کردند مردان مسلمان و زنان مسلمان در حق خویش نیکی را و می‌گفتند: این افترای ظاهر است. ﴿۱۲﴾ چرا نیاوردند بر این سخن چهارگواه، پس چون نیاوردند گواهان را، پس آن جماعت نزدیک خدا ایشانند دروغ‌گو. ﴿۱۳﴾ و اگر نمی‌بود فضل خدا بر شما و رحمت او در دنیا و آخرت، هرآیینه می‌رسید به شما در این مقدمه که گفت و شنید می‌کردید در آن، عذاب بزرگ. ﴿۱۴﴾ چون فرا می‌گرفتید آن را به زبان‌های خویش و می‌گفتید به دهان خویش سخنی که نبود شما را به حقیقت آن دانش و می‌پنداشتید آن را آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود[۲]. ﴿۱۵﴾ و چرا نشد که چون شنیدید آن را می‌گفتید: نمی‌رسد ما راکه به زبان آریم این سخن را. به پاکی یاد می‌کنیم تو را خدایا، این سخن افترایی بزرگ است. ﴿۱۶﴾ پند می‌دهد شما را خدا تا باز به عمل نیارید مانند این هرگز، اگر مسلمانان هستید. ﴿۱۷﴾ و بیان می‌کند خدا برای شما آیات را. و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۸﴾ هرآیینه آنان‌که دوست می‌دارند آنکه فاش شود تهمت بدکاری در مسلمانان، ایشان راست عقوبت درد دهنده در دنیا و آخرت. و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ﴿۱۹﴾ و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا بخشایندهٔ مهربان است [چه چیزهاکه نمی‌شد]. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی عبدالله بن اُبیّ منافق.

۲- یعنی جمعی که می‌گفتند فلان و فلان چنین می‌گویند و ما ندیده‌ایم و تحقیق نمی‌دانیم.

۞يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ
وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ
وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ
مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ
وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأۡتَلِ أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ
مِنكُمۡ وَٱلسَّعَةِ أَن يُؤۡتُوٓاْ أُوْلِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ
وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا
تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡغَٰفِلَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ
لُعِنُواْ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ ﴿٢٣﴾ يَوۡمَ
تَشۡهَدُ عَلَيۡهِمۡ أَلۡسِنَتُهُمۡ وَأَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوۡمَئِذٖ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ
وَيَعۡلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ ٱلۡمُبِينُ ﴿٢٥﴾ ٱلۡخَبِيثَٰتُ
لِلۡخَبِيثِينَ وَٱلۡخَبِيثُونَ لِلۡخَبِيثَٰتِۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ
لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا
يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ ﴿٢٦﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ بُيُوتِكُمۡ حَتَّىٰ
تَسۡتَأۡنِسُواْ وَتُسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَهۡلِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ
لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان! از پی مروید گامهای شیطان را. و هر که پیرویِ گام‌های شیطان کند، پس هرآیینه وی می‌فرماید به بی‌حیایی و کار ناپسندیده. و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او، پاک نشدی از شما هیچ کس هرگز و لیکن خدا پاک می‌سازد هر که را خواهد و خدا شنوای داناست.
﴿۲۱﴾ و باید که سوگند نخورند خداوندانِ بزرگی و وسعت از شما بر آنکه چیزی ندهند خویشاوندان را و بینوایان را و خانمان ترک کنندگان را در راه «خدا». و باید که عفو کنند و درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که بیامرزد خدا شما را؟ و خدا آمرزندهٔ مهربان است[1]. ﴿۲۲﴾ هرآیینه آنان‌که دشنام می‌دهند از بد کاری، زنان پاک دامنان را، بی‌خبران را، ایمان آرندگان را، لعنت کرده شدند در دنیا و آخرت و ایشان راست عذاب بزرگ.
﴿۲۳﴾ روزی که گواهی دهند بر ایشان زبان‌های ایشان و دست‌های ایشان و پای‌های ایشان به آنچه می‌کردند.
﴿۲۴﴾ آن روز به تمام رساند به ایشان خدای تعالی جزایی به انصاف ایشان را و بدانند که خدا همون است ثابتِ ظاهر. ﴿۲۵﴾ زنان ناپاک لایق‌اند به مردان ناپاک و مردان ناپاک لایق‌اند به زنان ناپاک. و زنان پاک لایق‌اند به مردان پاک و مردانِ پاک لایق‌اند به زنان پاک. این جماعت بری‌اند از آنچه مردم می‌گویند. ایشان راست آمرزش و روزی نیکو. ﴿۲۶﴾ ای مسلمانان! درمیایید به خانه‌ها غیر خانه‌های خویش تا آنکه دستوری طلبید و سلام کنید بر اهل آن، این بهتر است شما را، بُوَد که پندپذیر شوید.
﴿۲۷﴾

۱- درین تعریض است به ابوبکر صدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را هیچ ندهد و وی یکی از دشنام دهندگان بود.

فَإِن لَّمۡ تَجِدُواْ فِيهَآ أَحَدٗا فَلَا تَدۡخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤۡذَنَ
لَكُمۡۖ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرۡجِعُواْ فَٱرۡجِعُواْۖ هُوَ أَزۡكَىٰ
لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ﴿٢٨﴾ لَّيۡسَ عَلَيۡكُمۡ
جُنَاحٌ أَن تَدۡخُلُواْ بُيُوتًا غَيۡرَ مَسۡكُونَةٖ فِيهَا مَتَٰعٞ
لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تُبۡدُونَ وَمَا تَكۡتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُل
لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ
ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُل
لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ
وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ
إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ
أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ
إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ
أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ
ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا
يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ
وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ
تُفۡلِحُونَ ﴿٣١﴾

پس اگر نیابید در آنجا هیچ‌کس را، در میایید آنجا تا آنکه
دستوری داده شود شما را و اگر به شما گفته شود که
بازگردید، پس باید که بازگردید، آن پاکتر است شما
را[1]. و خدا به آنچه می‌کنید دانا است. ﴿۲۸﴾ نیست بر
شما گناهی در آنکه درآیید به خانه‌هایی که مسکن کسی
نیست، در آنجا منفعتی باشد شما را. و خدا می‌داند آنچه
آشکارا می‌کنید و پوشیده می‌دارید. ﴿۲۹﴾ بگو به مردان
مسلمانان که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند
شرمگاه‌های خود را، این پاکیزه‌تر است ایشان را. هرآیینه
خدا خبردار است به آنچه می‌کنند. ﴿۳۰﴾ و بگو زنان
مسلمانان را که: بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه
خود را و آشکارا نکنند آرائش خود را[2]، الاّ آنچه ظاهر
است از آن موضع و باید که فروگذارند دامن‌های خود را
بر گریبان‌های خود و ننمایند آرایش خود را الاّ به شوهران
خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران
خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا
پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان
خویش یا آنچه مالك او شده است دستِ ایشان (یعنی
غلامان) یا طفیلیانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا
طفلان که هنوز مطلع نشده‌اند بر شرمگاه زنان. و نزنند
زمین را به پای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان می‌کردند
از زیور خویش. و رجوع کنید به سوی خدا همه یکجا ای
مسلمانان بود! که رستگار شوید[3]. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی رباط وقف.

۲- یعنی مواضع زیور.

۳- حاصل این آیت آن است که از مواضع زینت، دو قسم است: آن چه در ستر آن حرج است و آن وجه و کفین بود و آن چه در ستر آن حرج نیست، مانند: سر و گردن و عضد و زراع و ساق. پس ستر وجه و کفین از اجنبیان فرض نیست، بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان فرض است، نه از محارم، والله اعلم.

وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ وَٱلصَّٰلِحِينَ مِنۡ
عِبَادِكُمۡ وَإِمَآئِكُمۡۚ إِن يَكُونُواْ فُقَرَآءَ يُغۡنِهِمُ ٱللَّهُ
مِن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٣٢﴾ وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ
لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۗ
وَٱلَّذِينَ يَبۡتَغُونَ ٱلۡكِتَٰبَ مِمَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ
فَكَاتِبُوهُمۡ إِنۡ عَلِمۡتُمۡ فِيهِمۡ خَيۡرٗاۖ وَءَاتُوهُم مِّن مَّالِ
ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ ءَاتَىٰكُمۡۚ وَلَا تُكۡرِهُواْ فَتَيَٰتِكُمۡ عَلَى
ٱلۡبِغَآءِ إِنۡ أَرَدۡنَ تَحَصُّنٗا لِّتَبۡتَغُواْ عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ
وَمَن يُكۡرِههُّنَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ مِنۢ بَعۡدِ إِكۡرَٰهِهِنَّ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدۡ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ ءَايَٰتٖ مُّبَيِّنَٰتٖ وَمَثَلٗا
مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمَوۡعِظَةٗ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾
۞ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشۡكَوٰةٖ
فِيهَا مِصۡبَاحٌۖ ٱلۡمِصۡبَاحُ فِي زُجَاجَةٍۖ ٱلزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا
كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ لَّا
شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ وَلَوۡ لَمۡ
تَمۡسَسۡهُ نَارٞۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٖۚ يَهۡدِي ٱللَّهُ لِنُورِهِۦ مَن
يَشَآءُۚ وَيَضۡرِبُ ٱللَّهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَ لِلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ
شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٣٥﴾ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ
فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ ﴿٣٦﴾

و به نکاح دهید زنان بی‌شوهر را از قوم خویش و شایستگان را از بندگان خویش و کنیزکان خویش، اگر درویش باشند توانگر کند ایشان را خدا از فضل خود و خدا بسیار دهندهٔ داناست. ﴿۳۲﴾ و باید که بر پاکدامنی مقیّد باشند آنان‌که نمی‌یابند اسباب نکاح، تا آنکه توانگر کند ایشان را خدا از فضل خویش. و آنان‌که می‌طلبند مکاتبت را از بندگانی که مالك آن شده است دستِ شما، پس مکاتب کنید آنها را اگر بدانید در ایشان شایستگی. و بدهید مکاتبان را از مال خدا که به شما ارزانی داشته است و جبر مکنید کنیزکان خود را بر زنا اگر ایشان پرهیزگاری خواهند، تا به دست آرید متاع زندگانی دنیا و هر که جبر کند ایشان را، پس هرآیینه خدا آن کنیزکان را بعد جبر کردن بر ایشان، آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۳۳﴾ و هرآیینه فُرود آوردیم به سوی شما آیت‌های روشن و فرود آوردیم داستان از حال آنان‌که گذشتند پیش از شما و پندی برای پرهیزگاران. ﴿۳۴﴾ خدا نور آسمان‌ها است و زمین. داستان نور وی در قلب مسلمانان این است مانند طاقی که در آن چراغ است[1]. آن چراغ در شیشه است[2] (یعنی در قندیل است) آن شیشه گویا ستاره‌ای درخشنده است، افروخته می‌شود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتون است، نه به سمت مشرق رسید و نه جانب مغرب رویید، نزدیک است که زیت وی روشنی بدهد، اگرچه نه رسیده باشدش آتشی. روشنی بر روشنی است. راه می‌نماید خدا به نور خدا هر که را خواهد و بیان می‌فرماید خدا داستان‌ها برای مردمان. و خدا بر هر چیز دانا است[3]. ﴿۳۵﴾ در خانه‌هایی که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن را و یاد کرده شود آنجا نام او، به پاکی یاد می‌کنند خدا را آنجا صبح و شام. ﴿۳۶﴾

۱- یعنی فتیله روشن است.

۲- یعنی در قندیل است.

۳- حاصل این مثل، تشبیه نوری است که به سبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان حاصل می‌شود به نور چراغ که در غایت درخشندگی باشد و به جهت اشعار به آن مواظبت می‌فرماید.

رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ
ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ
ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ ﴿٣٧﴾ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا
عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ
بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَسَرَابِۭ
بِقِيعَةٖ يَحۡسَبُهُ ٱلظَّمۡـَٔانُ مَآءً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَهُۥ لَمۡ يَجِدۡهُ
شَيۡـٔٗا وَوَجَدَ ٱللَّهَ عِندَهُۥ فَوَفَّىٰهُ حِسَابَهُۥۗ وَٱللَّهُ سَرِيعُ
ٱلۡحِسَابِ ﴿٣٩﴾ أَوۡ كَظُلُمَٰتٖ فِي بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ يَغۡشَىٰهُ مَوۡجٞ
مِّن فَوۡقِهِۦ مَوۡجٞ مِّن فَوۡقِهِۦ سَحَابٞۚ ظُلُمَٰتُۢ بَعۡضُهَا
فَوۡقَ بَعۡضٍ إِذَآ أَخۡرَجَ يَدَهُۥ لَمۡ يَكَدۡ يَرَىٰهَاۗ وَمَن لَّمۡ
يَجۡعَلِ ٱللَّهُ لَهُۥ نُورٗا فَمَا لَهُۥ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ
ٱللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلطَّيۡرُ
صَٰٓفَّٰتٖۖ كُلّٞ قَدۡ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسۡبِيحَهُۥۗ وَٱللَّهُ
عَلِيمُۢ بِمَا يَفۡعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ
وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُزۡجِي سَحَابٗا ثُمَّ
يُؤَلِّفُ بَيۡنَهُۥ ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ
مِنۡ خِلَٰلِهِۦ وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن جِبَالٖ فِيهَا مِنۢ
بَرَدٖ فَيُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ وَيَصۡرِفُهُۥ عَن مَّن يَشَآءُۖ
يَكَادُ سَنَا بَرۡقِهِۦ يَذۡهَبُ بِٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٣﴾

مردانی که باز ندارد ایشان را سوداگری و نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات، می‌ترسند از آن روزی که مضطرب شوند در آن دل‌ها و دیده‌ها. ﴿۳۷﴾ تا جزا دهد ایشان را خدا به عوض بهترین آنچه کردند و زیاده دهد ایشان را از فضل خویش. و خدا روزی می‌دهد هر که را خواهد به غیر شمار (یعنی بسیار) . ﴿۳۸﴾ و آنان‌که کافر شدند، اعمال ایشان مانند سرابی است به میدان‌های هموار، می‌پندارش تشنه، آبی، تا وقتی که بیاید نزدیک آن نیابدش چیزی و یافت خدا را نزدیک آن، پس تمام رسانید به وی حساب وی را. و خدا زود کنندۀ حساب است[۱]. ﴿۳۹﴾ یا مانند تاریکی‌ها در دریایی عمیق. می‌پوشد این کافر را موجی از بالای آن موجی دیگر، از بالای آن ابر بود، تاریکی‌هاست بعضِ آن بالای بعضِ دیگر. چون بیرون آرد دست خود، نزدیک نیست که ببیندش و هر که نداد او را خدا روشنی، پس نیست او را هیچ روشنی‌ای[۲]. ﴿۴۰﴾ آیا ندیدی که خدا به پاکی یاد می‌کندش هر که در آسمان‌ها و زمین است و مرغان بال‌گشاده؟ هر یکی دانسته است خدا دعای او را و تسبیح او را و خدا دانا است به آنچه می‌کنند. ﴿۴۱﴾ و خدای راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و به سوی خدا است بازگشت. ﴿۴۲﴾ آیا ندیدی که خدا روان می‌کند ابر را، باز جمع می‌نماید میان آن، باز می‌سازدش تو بر تو، پس می‌بینی قطره را که بیرون می‌آید از میان آن و فرود می‌آرد از جانب بالا از کوه‌ها که آنجاست ژاله، پس می‌رساندش به هر که خواهد و باز می‌داردش از هر که می‌خواهد. نزدیک است درخشندگی برقی که در آن ابر بوده است، دور کند چشم‌ها را. ﴿۴۳﴾

۱- حاصل این مَثَل آن است که اعمالِ کافر نابود شود و در آخرت آن را هیچ ثواب نباشد.

۲- حاصل این مَثَل آن است که بر کافر، ظلمات بهیمیت متراکم شده است و انوار ملکیت از وی به کلی معدوم شده است.

يُقَلِّبُ ٱللَّهُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّأُوْلِي
ٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٤﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٖ مِّن مَّآءٖۖ فَمِنۡهُم مَّن
يَمۡشِي عَلَىٰ بَطۡنِهِۦ وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰ رِجۡلَيۡنِ
وَمِنۡهُم مَّن يَمۡشِي عَلَىٰٓ أَرۡبَعٖۚ يَخۡلُقُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ
ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٤٥﴾ لَّقَدۡ أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتٖ
مُّبَيِّنَٰتٖۚ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ
﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ
فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ
﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا
فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ
إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ
يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥۚ بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ
إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا
وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ
﴿٥٢﴾ ۞وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِنۡ أَمَرۡتَهُمۡ
لَيَخۡرُجُنَّۖ قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌۚ إِنَّ ٱللَّهَ
خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿٥٣﴾

می‌گرداند خدا شب و روز را، هرآیینه در این مقدمه پندی هست خداوندانِ چشم را. ﴿۴۴﴾ و خدا آفرید هر جانوری را از آب، پس از اینهاست آن که می‌رود بر شکم خود و از اینهاست که می‌رود بر دو پای و از اینهاست آن که می‌رود بر چهارپای. می‌آفریند خدا هرچه خواهد، هرآیینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۴۵﴾ هرآیینه فرود آوردیم آیات روشن را و خدا دلالت می‌کند هر که را خواهد به سوی راه راست. ﴿۴۶﴾ و می‌گویند منافقان: ایمان آوردیم به خدا و به رسول و فرمانبرداری نمودیم، باز روی می‌گرداند گروهی از ایشان بعد از این و نیستند ایشان، مؤمنان. ﴿۴۷﴾ و چون خوانده می‌شوند به سوی خدا و رسول او تا حکم فرماید میان ایشان، ناگهان جماعتی از ایشان روگردانندگانند. ﴿۴۸﴾ و اگر باشد ایشان را حق، بیایند به سوی او گردن نهاده. ﴿۴۹﴾ آیا در دل ایشان بیماری‌ای است؟ یا در شک افتادند؟ یا می‌ترسند از آنکه ستم کند بر ایشان خدا و رسول او؟ بلکه این جماعت، ایشانند ستمکاران. ﴿۵۰﴾ جز این نیست که می‌باشد قول مسلمانان، چون خوانده می‌شود ایشان را به سوی خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان، آنکه گویند: شنیدیم و فرمانبرداری کردیم، و این جماعت، ایشانند رستگاران. ﴿۵۱﴾ و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را و ترسد از خدا و حذر کند از عذاب او، پس این جماعت، ایشانند به مراد رسندگان. ﴿۵۲﴾ و قسم خوردند به خدا به مؤکدترین قسم‌های خود که اگر بفرمایی ایشان را، البته بیرون روند از وطن خود. بگو: قسم مخورید! فرمانبرداری پسندیدهٔ مطلوب است. هرآیینه خدا خبردار است به آنچه می‌کنید. ﴿۵۳﴾

قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا
عَلَيۡهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيۡكُم مَّا حُمِّلۡتُمۡۖ وَإِن تُطِيعُوهُ
تَهۡتَدُواْۚ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَ
ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا
يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡـٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ
وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحۡسَبَنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ
وَلَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لِيَسۡتَـٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ
يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ
ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ
بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ
عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ
عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ
لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٥٨﴾

بگو: فرمانبرداریِ خدا کنید و فرمانبرداریِ پیغامبر کنید. پس اگر روی بگردانند، پس جز این نباشد که بر پیغامبر است آنچه بر وی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید، راه یابید و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا. ﴿۵۴﴾ وعده داده است خدا آنان راکه ایمان آوردند از شما و عمل‌های شایسته کردند، البته خلیفه سازد ایشان را در زمین، چنانکه خلیفه ساخته بود آنان راکه پیش از ایشان بودند[۱] و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان راکه پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند در بارهٔ ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را. پرستش کنند مرا، شریک مقرر نکنند با من چیزی را و هر که ناسپاسی کند بعد از این، پس آن جماعت، ایشانند فاسقان[۲]. ﴿۵۵﴾ و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را، بود که بر شما رحم کرده شود. ﴿۵۶﴾ مپندار کافران را عاجز کننده در زمین و جای ایشان آتش است و آن بدبازگشت است. ﴿۵۷﴾ ای مسلمانان! باید که دستوری طلبند از شما آنان‌که مالک ایشان شده است دست‌های شما[۳] و آنان‌که نرسیده‌اند به حد احتلام از شما، سه نوبت، پیش از نماز فجر و وقتی که فرو می‌نهید جامه‌های خود را از نیمروز و پس از نماز عشا، این سه ساعت خلوت برای شمااند. نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزه بعدِ اینها. درآیندگانند بر شما بعض از شما بر بعض دیگر. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات را و خدا دانندهٔ با حکمت است[۴]. ﴿۵۸﴾

۱- یعنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد عمالقه پادشاه ساخت.

۲- یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند. مترجم گوید: تفسیر این آیت در حدیث آمده «ان الخلافة بعدی ثلاثون سنَة»، والله اعلم.

۳- یعنی غلامان و کنیزان.

۴- حاصل آن است که محارم و اطفال نیز درین ساعات، استیذان کنند، زیراکه مردمان جامه درین ساعات از تن می‌کشند وعریان می‌شوند. محصول سخن آن است که محارم را و اطفال را عریان دیدن، درست نیست، والله اعلم.

وَإِذَا بَلَغَ ٱلۡأَطۡفَٰلُ مِنكُمُ ٱلۡحُلُمَ فَلۡيَسۡتَـٔۡذِنُواْ كَمَا
ٱسۡتَـٔۡذَنَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمۡ
ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٥٩﴾ وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ
ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن
يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۭ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ
خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿٦٠﴾ لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ
حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ
حَرَجٞ وَلَا عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَن تَأۡكُلُواْ مِنۢ بُيُوتِكُمۡ
أَوۡ بُيُوتِ ءَابَآئِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أُمَّهَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
إِخۡوَٰنِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخَوَٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَعۡمَٰمِكُمۡ
أَوۡ بُيُوتِ عَمَّٰتِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ أَخۡوَٰلِكُمۡ أَوۡ بُيُوتِ
خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوۡ صَدِيقِكُمۡۚ
لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَأۡكُلُواْ جَمِيعًا أَوۡ أَشۡتَاتٗاۚ
فَإِذَا دَخَلۡتُم بُيُوتٗا فَسَلِّمُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ تَحِيَّةٗ مِّنۡ
عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةٗ طَيِّبَةٗۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ
ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٦١﴾

و چون رسند طفلان از شما به حد احتلام، باید که دستوری طلبند، چنانکه می‌طلبیدند آنان‌که پیش از ایشان بودند. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات خود را و خدا دانای باحکمت است. ﴿۵۹﴾ و کلانسال از زنان، که توقع نکاح ندارند، نیست بر ایشان بزه در آنکه فرو نهند جامه‌های خود را و نه ظاهرکنان آرایش را و اگر پرهیزگاری کنند، بهتر است ایشان را و خدا شنوای داناست. ﴿۶۰﴾ نیست بر نابیناگناهی و نه بر لنگ گناهی و نیست بر بیمار گناهی و نه بر ذات شماگناهی، در آنکه بخورید از خانه‌های خویش و یا خانه‌های پدران خویش یا خانه‌های مادران خویش یا خانه‌های برادران خویش یا خانه‌های خواهران خویش یا خانه‌های عموهای خویش یا خانه‌های عمه‌های خویش یا خانه‌های تغان‌های خویش یا خانه‌های خاله‌های خویش یا خانه‌ای که به تصرف شماست کلیدهای او[1] یا خانه‌های دوست خویش. نیست بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه یکجا یا متفرق[2]. پس چون درآیید به خانه‌ها، پس سلام گویید بر قوم خویش دعای خیر با برکتِ پاکیزهٔ فرود آمده از نزدیک خدا. همچنین بیان می‌کند خدا برای شما آیات را بود که بفهمید. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی نگاهبان و وکیل حفظ او باشید.

۲- یعنی اذنی که از رسم و عادت مفهوم است کفایت می‌کند و حاجت اذن صریح نیست، والله اعلم.

إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا
كَانُواْ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ لَّمۡ يَذۡهَبُواْ حَتَّىٰ
يَسۡتَـٔۡذِنُوهُۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَـٔۡذِنُونَكَ أُوْلَـٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ
يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ فَإِذَا ٱسۡتَـٔۡذَنُوكَ لِبَعۡضِ
شَأۡنِهِمۡ فَأۡذَن لِّمَن شِئۡتَ مِنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمُ ٱللَّهَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٦٢﴾ لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ
بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗاۚ قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ
ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمۡ لِوَاذٗاۚ فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ
يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ
قَدۡ يَعۡلَمُ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ وَيَوۡمَ يُرۡجَعُونَ إِلَيۡهِ فَيُنَبِّئُهُم
بِمَا عَمِلُواْۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمُۢ ﴿٦٤﴾

جز این نیست که مسلمانان آنانند که ایمان آوردند به خدا و به رسول او و چون باشند با وی بر کاری که جمع کردن ایشان می‌طلبند، نروند تا آنکه دستوری طلبند از پیغامبر، هرآیینه آنان‌که دستوری می‌طلبند از تو، ایشان آنانند که ایمان آوردند به خدا و به رسول او. پس اگر دستوری طلبند از تو برای بعض کار خود، پس دستوری ده هرکه را خواهی از ایشان و آمرزش طلب کن برای ایشان از خدا، هرآیینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۶۲﴾ مشمارید طلبیدن پیغامبر را در میان خویش، مانند طلبیدن بعض از شما بعض دیگر را. هرآیینه می‌داند خدا آنان راکه به سبکی بیرون می‌روند از شما پناه‌جویان. پس باید که بترسند آنان‌که خلاف حکم پیغمبر می‌کنند از آنکه برسد بدیشان بلایی یا برسد بر ایشان عذابی درد دهنده. ﴿۶۳﴾ آگاه شو! هرآیینه خدا راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند روشی را که شما برآنید و روزی که بگردانیده شوند به سوی او، خبر دهند ایشان را به آنچه کرده‌اند و خدا به هر چیز داناست. ﴿۶۴﴾

سُورَةُ الفُرۡقَانِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَارَكَ ٱلَّذِي نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦ لِيَكُونَ
لِلۡعَٰلَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾ ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي
ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ﴿٢﴾

سوره فرقان

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

بسیار با برکت است آن که فرود آورد قرآن را بر بندهٔ خویش تا باشد ترساننده عالمها را. ﴿۱﴾ آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و هیچ فرزند نگرفت و هیچ شریک نیست او را در پادشاهی و بیافرید هر چیزی را، پس اندازه کرد او را به اندازه کردن. ﴿۲﴾

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡـًٔا وَهُمۡ
يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرًّا وَلَا نَفۡعًا وَلَا
يَمۡلِكُونَ مَوۡتًا وَلَا حَيَوٰةً وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيۡهِ قَوۡمٌ
ءَاخَرُونَۖ فَقَدۡ جَآءُو ظُلۡمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوٓاْ أَسَٰطِيرُ
ٱلۡأَوَّلِينَ ٱكۡتَتَبَهَا فَهِيَ تُمۡلَىٰ عَلَيۡهِ بُكۡرَةً وَأَصِيلًا
﴿٥﴾ قُلۡ أَنزَلَهُ ٱلَّذِي يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ
إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٦﴾ وَقَالُواْ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ
يَأۡكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشِي فِي ٱلۡأَسۡوَاقِ لَوۡلَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ
مَلَكٞ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ﴿٧﴾ أَوۡ يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡهِ كَنزٌ أَوۡ
تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَاۚ وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن
تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسۡحُورًا ﴿٨﴾ ٱنظُرۡ كَيۡفَ ضَرَبُواْ
لَكَ ٱلۡأَمۡثَٰلَ فَضَلُّواْ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٩﴾
تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرًا مِّن ذَٰلِكَ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا
﴿١٠﴾ بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ
بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

و گرفتند کافران بجز الله آن معبودان را که نمی‌آفرینند چیزی و خودشان آفریده می‌شوند و نمی‌توانند برای خویش زیانی و نه سودی و نمی‌توانند مرگ را و نه زندگانی را و نه برانگیختن را. ﴿۳﴾ و گفتند کافران: نیست این قرآن، مگر دروغی که بربافته است آن را و یاری داده‌اند او را بر افترای وی گروه دیگر، پس به عمل آوردند ستم و دروغ را. ﴿۴﴾ و گفتند: قرآن افسانه‌های پیشینیان است که برای خود نوشته است آن را، پس آن خوانده می‌شود بر وی صبح و شام[1]. ﴿۵﴾ بگو: فرود آورده است آن را کسی که می‌داند آن پنهان که در آسمان و زمین است. هرآیینه وی هست آمرزندهٔ مهربان. ﴿۶﴾ و گفتند: چیست این پیغامبر را؟ که می‌خورد طعام و می‌رود در بازارها. چرا فرستاده نشد به سوی وی فرشته تا باشد همراه وی ترساننده. ﴿۷﴾ یا چرا نه از آسمان برتافته شد به سوی وی گنجی یا چرا نیست او را باغی که بخورد از آن و گفتند ستمکاران: پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو زده را. ﴿۸﴾ ببین چگونه داستان‌ها زدند در حق تو. پس گمراه شدند، پس نمی‌یابند هیچ راهی را. ﴿۹﴾ بزرگوار است آن که اگر خواهد بدهد تو را بهتر از این بوستان‌ها که می‌رود زیر آن جوی‌ها و بدهد تو را محل‌های بلند (یعنی در دنیا) . ﴿۱۰﴾ بلکه دروغ شمرده‌اند قیامت را و آماده ساختیم برای کسی که تکذیب قیامت کند، دوزخ را. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی تا یاد گیرد.

إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا
﴿١٢﴾ وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ
هُنَالِكَ ثُبُورٗا ﴿١٣﴾ لَّا تَدۡعُواْ ٱلۡيَوۡمَ ثُبُورٗا وَٰحِدٗا
وَٱدۡعُواْ ثُبُورٗا كَثِيرٗا ﴿١٤﴾ قُلۡ أَذَٰلِكَ خَيۡرٌ أَمۡ جَنَّةُ
ٱلۡخُلۡدِ ٱلَّتِي وُعِدَ ٱلۡمُتَّقُونَۚ كَانَتۡ لَهُمۡ جَزَآءٗ وَمَصِيرٗا
﴿١٥﴾ لَّهُمۡ فِيهَا مَا يَشَآءُونَ خَٰلِدِينَۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
وَعۡدٗا مَّسۡـُٔولٗا ﴿١٦﴾ وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمۡ أَضۡلَلۡتُمۡ عِبَادِي هَٰٓؤُلَآءِ أَمۡ
هُمۡ ضَلُّواْ ٱلسَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِي
لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعۡتَهُمۡ
وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ وَكَانُواْ قَوۡمَۢا بُورٗا ﴿١٨﴾ فَقَدۡ
كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسۡتَطِيعُونَ صَرۡفٗا وَلَا
نَصۡرٗاۚ وَمَن يَظۡلِم مِّنكُمۡ نُذِقۡهُ عَذَابٗا كَبِيرٗا ﴿١٩﴾ وَمَآ
أَرۡسَلۡنَا قَبۡلَكَ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ إِلَّآ إِنَّهُمۡ لَيَأۡكُلُونَ
ٱلطَّعَامَ وَيَمۡشُونَ فِي ٱلۡأَسۡوَاقِۗ وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ
لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا ۞﴿٢٠﴾

چون بیند دوزخ ایشان را از مسافت دور، بشوند از وی آواز خشم خوردن و غریدن. ﴿۱۲﴾ و چون انداخته شوند از آن دوزخ به مکانی تنگ دست و پا بسته، بد دعا کنند بر خویش به هلاک. ﴿۱۳﴾ و گوئیم: بد دعا نکنید امروز به یک هلاک و بد دعا کنید به هلاک بسیار. ﴿۱۴﴾ بگو: آیا این بهتر است یا بهشت جاوید، آنکه وعده داده شده است متقیان را؟ باشد ایشان را پاداش و جای بازگشت. ﴿۱۵﴾ ایشان راست آنجا آنچه می‌خواهند جاویدان. هست بر پروردگار تو وعدهٔ طلبیده شده. ﴿۱۶﴾ و آن روزی که جمع کند خدا ایشان را با آن که می‌پرستند بجز خدا، پس گوید: آیا شما گمراه کردید این بندگان مرا یا ایشان خود غلط کرده‌اند راه را؟. ﴿۱۷﴾ گویند: به پاکی یاد می‌کنیم تو را، سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست گیریم بجز تو و لیکن بهره‌مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند پند و شدند گروه هلاک شده. ﴿۱۸﴾ گوییم: ای گروه کافران! هرآیینه دروغ داشتند شما را این معبودان در آنچه می‌گفتید، پس نمی‌توانید دفع کردن عذاب و نه یاری دادن و هر که ستم کرده باشد از شما، بچشانیمش عذاب بزرگ. ﴿۱۹﴾ و نفرستادیم پیش از تو پیغامبران، مگر به این صفت که ایشان می‌خوردند طعام و می‌رفتند در بازارها و ساخته‌ایم بعض شما را در حق بعضی ابتلایی، آیا صبر می‌کنید؟ و هست پروردگار تو بینا. ﴿۲۰﴾

وَقَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَوۡ نَرَىٰ رَبَّنَاۗ لَقَدِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ
وَعَتَوۡ عُتُوّٗا كَبِيرٗا ﴿٢١﴾ يَوۡمَ يَرَوۡنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشۡرَىٰ
يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُجۡرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا ﴿٢٢﴾
وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ
مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ يَوۡمَئِذٍ خَيۡرٞ مُّسۡتَقَرّٗا
وَأَحۡسَنُ مَقِيلٗا ﴿٢٤﴾ وَيَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلۡغَمَٰمِ
وَنُزِّلَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾ ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ
لِلرَّحۡمَٰنِۚ وَكَانَ يَوۡمًا عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ عَسِيرٗا ﴿٢٦﴾ وَيَوۡمَ
يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ
ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا ﴿٢٧﴾ يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا
خَلِيلٗا ﴿٢٨﴾ لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ
وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا ﴿٢٩﴾ وَقَالَ ٱلرَّسُولُ
يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا ﴿٣٠﴾
وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا مِّنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَۗ وَكَفَىٰ
بِرَبِّكَ هَادِيٗا وَنَصِيرٗا ﴿٣١﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡلَا
نُزِّلَ عَلَيۡهِ ٱلۡقُرۡءَانُ جُمۡلَةٗ وَٰحِدَةٗۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ
فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا ﴿٣٢﴾

و گفتند آنان‌که توقع ندارند ملاقات ما را: چرا فروستاده نشد بر ما فرشتگان را یا چرا نمی‌بینیم پروردگار خود را، هرآیینه بزرگ شدند در زعم خویش و سرکشی کردند سرکشی بزرگ. ﴿۲۱﴾ روزی که بینند فرشتگان را، هیچ مژده نیست آن روز گناهکاران را و گویند: باز داشته شوند باز داشتن مؤکّد. ﴿۲۲﴾ و متوجه شدیم به سوی آنچه کردند از کردار، پس ساختیم آن را مانند ذرّه‌های پراکنده[1]. ﴿۲۳﴾ اهل بهشت آن روز بهترند از جهت قرارگاه و نیکوترند به اعتبار جای استراحت. ﴿۲۴﴾ و روزی که بشکافد آسمان به سبب ابر و فرود آورده شوند فرشتگان فرود آوردنی[2]. ﴿۲۵﴾ پادشاهی حقیقی آن روز خدا راست و باشد آن روز بر کافران روز دشوار. ﴿۲۶﴾ و روزی که بگزد ستمکار دو دست خود را، گوید: ای کاش! من گرفتمی همراه پیغامبر راهی[3]. ﴿۲۷﴾ ای وای بر من کاش که دوست نگرفتمی فلان را[4]. ﴿۲۸﴾ هرآیینه وی گمراه کرد مرا از پند، بعد از آنکه آمده بود به من و هست شیطان آدمی را در محنت، تنها گذارنده. ﴿۲۹﴾ و گفت پیغامبر: ای پروردگار من! هرآیینه قوم من این قرآن را متروک ساختند. ﴿۳۰﴾ و همچنین ساخته‌ایم برای هر پیغامبر، دشمنان از گناهکاران و بس است پروردگار تو راهنما و نصرت دهنده. ﴿۳۱﴾ و گفتند کافران: چرا نَه فرود آورده شد بر پیغمبر قرآن به یک دفعه؟ همچنین به دفعات آوردیم تا استوار سازیم به آن دل تو را و خواندیم آن را به آهستگی. ﴿۳۲﴾

۱- یعنی حبط کردیم.
۲- یعنی آسمان بر هیأتِ معتاد خود باشد، اما ابر ناگاه منشق شود، والله اعلم.
۳- تمناکننده عقبه بن ابی معیط بود که اطاعت أبیّ بن خلف کرد. چنانچه در سبب نزول آیه بیان کرده‌اند.(مصحح)
۴- یعنی أبیّ بن خلف و مانند أو. (مصحح)

وَلَا يَأۡتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئۡنَٰكَ بِٱلۡحَقِّ وَأَحۡسَنَ
تَفۡسِيرًا ﴿٣٣﴾ ٱلَّذِينَ يُحۡشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
أُوْلَٰٓئِكَ شَرّٞ مَّكَانٗا وَأَضَلُّ سَبِيلٗا ﴿٣٤﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا
مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ وَجَعَلۡنَا مَعَهُۥٓ أَخَاهُ هَٰرُونَ وَزِيرٗا ﴿٣٥﴾
فَقُلۡنَا ٱذۡهَبَآ إِلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا
فَدَمَّرۡنَٰهُمۡ تَدۡمِيرٗا ﴿٣٦﴾ وَقَوۡمَ نُوحٖ لَّمَّا كَذَّبُواْ ٱلرُّسُلَ
أَغۡرَقۡنَٰهُمۡ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ لِلنَّاسِ ءَايَةٗۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِلظَّٰلِمِينَ
عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿٣٧﴾ وَعَادٗا وَثَمُودَاْ وَأَصۡحَٰبَ ٱلرَّسِّ
وَقُرُونَۢا بَيۡنَ ذَٰلِكَ كَثِيرٗا ﴿٣٨﴾ وَكُلّٗا ضَرَبۡنَا لَهُ ٱلۡأَمۡثَٰلَۖ
وَكُلّٗا تَبَّرۡنَا تَتۡبِيرٗا ﴿٣٩﴾ وَلَقَدۡ أَتَوۡاْ عَلَى ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلَّتِيٓ
أُمۡطِرَتۡ مَطَرَ ٱلسَّوۡءِۚ أَفَلَمۡ يَكُونُواْ يَرَوۡنَهَاۚ بَلۡ كَانُواْ
لَا يَرۡجُونَ نُشُورٗا ﴿٤٠﴾ وَإِذَا رَأَوۡكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا
هُزُوًا أَهَٰذَا ٱلَّذِي بَعَثَ ٱللَّهُ رَسُولًا ﴿٤١﴾ إِن كَادَ
لَيُضِلُّنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا لَوۡلَآ أَن صَبَرۡنَا عَلَيۡهَاۚ وَسَوۡفَ
يَعۡلَمُونَ حِينَ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ مَنۡ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾
أَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيۡهِ
وَكِيلًا ﴿٤٣﴾

و نیارند کافران پیش تو هیچ داستانی، مگر بیاریم پیش تو جوابی راست و نیکوتر در بیان. ﴿۳۳﴾ آنان‌که برانگیخته شوند افتان بر روی خویش به سوی دوزخ، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و غلط کننده‌ترند راه را. ﴿۳۴﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتاب و ساختیم همراه او برادر او، هارون، را وزیر. ﴿۳۵﴾ پس گفتیم: بروید به آن قوم که دروغ شمردند آیات ما ر.ا پس هلاک ساختیم آن قوم را هلاک کردنی. ﴿۳۶﴾ و قوم نوح چون دروغی شمردند پیغامبران را، غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم ایشان را برای مردمان، نشانه‌ای و مهیّا کردیم برای ستمکاران عذاب درد دهنده. ﴿۳۷﴾ و هلاک ساختیم عاد و ثمود و اهل رسّ را و طبقات بسیار را در میان ایشان. ﴿۳۸﴾ و برای هر یکی بیان کردیم داستان‌ها و هر یکی را هلاک ساختیم هلاک کردنی. ﴿۳۹﴾ و هرآیینه رسیده‌اند کافران به دیهی که بارانیده شد بر وی باران بد (یعنی باران سنگ) آیا نمی‌دیدند آن را؟ بلکه توقع نمی‌داشتند برانگیختن را. ﴿۴۰﴾ و چون ببینند تو را نگیرند تو را الاّ مسخره، آیا این شخص است آن که خدای تعالی پیغامبر فرستادش؟!. ﴿۴۱﴾ هرآیینه نزدیک بود که گمراه کند ما را از پرستش خدایانِ ما، اگر نه آن بودی که شکیبایی کردیم بر آن، و خواهند دانست چون ببینند عذاب را، کیست غلط کننده‌تر راه را. ﴿۴۲﴾ آیا دیدی آن راکه خدای خود گرفته است خواهش نفس خود را؟ آیا تو می‌شوی بر وی نگهبان؟. ﴿۴۳﴾

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ
إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ
رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ
جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا
قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا
وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ الَّذِي
أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا
وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ
صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا
كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾
فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾
۞ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ
وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا
مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ
رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

آیا می‌پنداری که بیشترین ایشان می‌شنوند یا می‌فهمند؟ نیستند ایشان الاّ مانند چهارپایان، بلکه ایشان غلط کننده‌ترند راه را! . ﴿۴۴﴾ آیا ندیدی به سوی پروردگار خود چگونه دراز کرد سایه را؟[1] و اگر خواستی گردانیدی آن را آرمیده، بازبرگماشتیم آفتاب را بر وی رهنمای[2]. ﴿۴۵﴾ باز فرا گرفتیم سایه را به سوی خویش فراگرفتن آسان. ﴿۴۶﴾ و اوست آن که ساخت برای شما شب را پوششی و خواب را راحتی و ساخت روز را وقت برخاستن. ﴿۴۷﴾ و اوست آن که فرستاد بادها را مژده دهنده پیش رحمت خویش و فرود آوردیم از آسمان آب پاک را. ﴿۴۸﴾ تا زنده سازیم به آن آب، شهر مرده را و تا بنوشانیمش از آنچه آفریده‌ایم چهارپایان را و مردم بسیار را. ﴿۴۹﴾ و هرآیینه گوناگون بیان کردیم پند در میان ایشان تا پندپذیر شوند، پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگر ناسپاسی را. ﴿۵۰﴾ و اگر می‌خواستیم می‌فرستادیم در هر دیهی ترساننده. ﴿۵۱﴾ پس فرمان مبر کافران را و جهاد کن با ایشان به حکم خدا جهاد بزرگ. ﴿۵۲﴾ و اوست آن که در آمیخت دو دریا را: این یک آب شیرین دافع تشنگی است و آن دیگر شور بد مزه و ساخت میان هر دو حجابی و سدّی مضبوط. ﴿۵۳﴾ و اوست آن که آفرید از آب، آدمی را، پس ساخت آن را خداوندِ نسب و خداوند قرابت دامادی و هست پروردگار تو توانا. ﴿۵۴﴾ و می‌پرستند بجز خدا چیزی را که نفع ندهد به ایشان و ضرر نرساند بدیشان، و هست کافر بر مخالفت پروردگار خود، پشتی دهنده. ﴿۵۵﴾

۱- یعنی بعد اسفار قبل از غزوب آفتاب یا در اوّل روز.

۲- یعنی به هر صفت که آفتاب تقاضا می‌کند می‌رود.

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا مُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ﴿٥٦﴾ قُلۡ مَآ
أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍ إِلَّا مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ
رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ
وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِهِۦۚ وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ
أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ ٱلرَّحۡمَٰنُ فَسۡـَٔلۡ بِهِۦ
خَبِيرٗا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسۡجُدُواْۤ لِلرَّحۡمَٰنِ قَالُواْ وَمَا
ٱلرَّحۡمَٰنُ أَنَسۡجُدُ لِمَا تَأۡمُرُنَا وَزَادَهُمۡ نُفُورٗا۩ ﴿٦٠﴾
تَبَارَكَ ٱلَّذِي جَعَلَ فِي ٱلسَّمَآءِ بُرُوجٗا وَجَعَلَ فِيهَا
سِرَٰجٗا وَقَمَرٗا مُّنِيرٗا ﴿٦١﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ
وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةٗ لِّمَنۡ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوۡ أَرَادَ شُكُورٗا ﴿٦٢﴾
وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا
خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ﴿٦٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ
لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ﴿٦٤﴾ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ
عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا
سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ﴿٦٦﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ
يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ﴿٦٧﴾

و نفرستادیم تو را مگر بشارت دهنده و بیم کننده. ﴿۵۶﴾ بگو: نمی‌طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی، لیکن هر که خواهد که راه گیرد به سوی پروردگار خویش، گو بگیرد راهی. ﴿۵۷﴾ و توکّل کن بر آن زنده که هرگز نمیرد و به پاکی یاد کن همراه ستایش او و بس است وی به گناهان بندگان خویش آگاه. ﴿۵۸﴾ آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز، باز مستقر شد بر عرش. اوست بخشاینده، پس بپرس از حال وی دانایی را. ﴿۵۹﴾ و چون گفته می‌شود به کافران که سجده کنید رحمن را، گویند: و چیست رحمن؟ آیا سجده کنیم چیزی را که تو می‌فرمایی به ما؟ و زیاده کرد این سخن در حقِّ ایشان رمیدن را. ﴿۶۰﴾ بزرگوار است آن که بساخت در آسمان برج‌ها و ساخت در آن چراغ را (یعنی آفتاب را) و ساخت ماه روشن را. ﴿۶۱﴾ و اوست آن که ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر برای کسی که خواهد پند گرفتن یا خواهد شکرگزاری کردن. ﴿۶۲﴾ و بندگان خدا آنانند که می‌روند بر زمین به آهستگی[1] و چون سخن گویند به ایشان نادان، گویند: سلام بر شما باد!. ﴿۶۳﴾ و آنان‌که شب می‌گذراند برای پروردگار خویش سجده‌کنان و قیام‌کنان. ﴿۶۴﴾ و آنان‌که می‌گویند: ای پروردگار ما! بازدار از ما عذاب دوزخ را، هرآیینه عذاب دوزخ، لازم شونده است. ﴿۶۵﴾ هرآیینه دوزخ بد آرامگاهی است و بد مقامی است. ﴿۶۶﴾ و آنان‌که چون خرج کنند، اسراف ننمایند و تنگی نگیرند و باشد عطای ایشان میان جانبین، معتدل. ﴿۶۷﴾

۱- یعنی تواضع بر ایشان غالب است.

وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ
ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن
يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ
وَعَمِلَ عَمَلًا صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِهِمۡ
حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَن تَابَ
وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَٱلَّذِينَ
لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامًا ﴿٧٢﴾
وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا
وَعُمۡيَانٗا ﴿٧٣﴾ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ
أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا
﴿٧٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ يُجۡزَوۡنَ ٱلۡغُرۡفَةَ بِمَا صَبَرُواْ وَيُلَقَّوۡنَ فِيهَا
تَحِيَّةٗ وَسَلَٰمًا ﴿٧٥﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ حَسُنَتۡ مُسۡتَقَرّٗا
وَمُقَامٗا ﴿٧٦﴾ قُلۡ مَا يَعۡبَؤُاْ بِكُمۡ رَبِّي لَوۡلَا دُعَآؤُكُمۡۖ
فَقَدۡ كَذَّبۡتُمۡ فَسَوۡفَ يَكُونُ لِزَامَۢا ﴿٧٧﴾

و آنان‌که نمی‌پرستند با خدا معبود دیگر را و نمی‌کشند
هیچ نفسی راکه حرام کرده است خدا، مگر به حق و زنا
نکنند و هر که بکند این کار، برخُورَد به عقوبت دشوار.
﴿۶۸﴾ دو چند کرده شود او را عذاب روز قیامت و جاوید
ماند آنجا خوار کرده شده. ﴿۶۹﴾ مگر آن که توبه کرد و
ایمان آورد و عمل شایسته نموده، پس آن جماعت بدل
سازد خدا بدی‌های ایشان را به نیکی‌ها و هست خدا
آمرزندهٔ مهربان. ﴿۷۰﴾ و هر که توبه کند و کار شایسته
به عمل آرد، پس هرآیینه وی رجوع می‌کند به خدا رجوع
کردن. ﴿۷۱﴾ و آنان‌که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون
بگذرند بر بیهوده، بگذرند به روش بزرگان. ﴿۷۲﴾ و
آنان‌که چون پند داده شود ایشان را به آیات پروردگار
ایشان، کر و کور نیفتند به شنیدن آن[1]. ﴿۷۳﴾ و آنان‌که
می‌گویند: ای پروردگار ما! ببخش ما را از زنان ما و از
فرزندان ما روشنیِ چشم و بکن ما را پیشوای متقیان ﴿۷۴﴾
آن جماعت، جزا داده شود ایشان را محل بلند، به مقابلهٔ
آنکه صبر کردند و بر خورانیده شود ایشان را آنجا به
دعای خیر و سلام. ﴿۷۵﴾ جاویدان آنجا، بهشت نیک
آرامگاه است و نیک مقام است. ﴿۷۶﴾ بگو: با قدر
نمی‌شمارد شما را پروردگار من، اگر نباشد عبادت شما.
پس هرآیینه دروغ داشتید، پس البته باشد جزای آن لازم.
﴿۷۷﴾

۱- یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ ١ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢ لَعَلَّكَ
بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ أَلَّا يَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ٣ إِن نَّشَأۡ نُنَزِّلۡ
عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ءَايَةٗ فَظَلَّتۡ أَعۡنَٰقُهُمۡ لَهَا
خَٰضِعِينَ ٤ وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن ذِكۡرٖ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ
مُحۡدَثٍ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهُ مُعۡرِضِينَ ٥ فَقَدۡ كَذَّبُواْ
فَسَيَأۡتِيهِمۡ أَنۢبَٰٓؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٦ أَوَ لَمۡ
يَرَوۡاْ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ كَمۡ أَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ
كَرِيمٍ ٧ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم
مُّؤۡمِنِينَ ٨ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ٩ وَإِذۡ
نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱئۡتِ ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠ قَوۡمَ
فِرۡعَوۡنَۚ أَلَا يَتَّقُونَ ١١ قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن
يُكَذِّبُونِ ١٢ وَيَضِيقُ صَدۡرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي
فَأَرۡسِلۡ إِلَىٰ هَٰرُونَ ١٣ وَلَهُمۡ عَلَيَّ ذَنۢبٞ فَأَخَافُ أَن
يَقۡتُلُونِ ١٤ قَالَ كَلَّاۖ فَٱذۡهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآۖ إِنَّا مَعَكُم
مُّسۡتَمِعُونَ ١٥ فَأۡتِيَا فِرۡعَوۡنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٦ أَنۡ أَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ١٧ قَالَ أَلَمۡ
نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدٗا وَلَبِثۡتَ فِينَا مِنۡ عُمُرِكَ سِنِينَ ١٨
وَفَعَلۡتَ فَعۡلَتَكَ ٱلَّتِي فَعَلۡتَ وَأَنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ
١٩

سوره شعراء

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طسم. ﴿۱﴾ این آیات کتاب روشن است. ﴿۲﴾ شاید تو هلاک کننده‌ای خویشتن را به سبب آن که مسلمان نمی‌شوند. ﴿۳﴾ اگر خواهیم فرود آریم بر ایشان از آسمان نشانه‌ای، پس شود گردن‌های ایشان پیش آن نیایش کننده. ﴿۴﴾ و نمی‌آید بدیشان هیچ پندی از جانب پروردگار ایشان نو پدید آورد، مگر می‌باشند از آن روی گرداننده. ﴿۵﴾ پس ثابت شد که ایشان دروغ شمردند، پس خواهد آمد به ایشان با صدق وعده که به آن تمسخر می‌کردند. ﴿۶﴾ آیا ندیده‌اند به سوی زمین، چقدر رویانیدیم در آنجا از هر جنس نیک؟. ﴿۷﴾ هرآیینه در این ماجرا نشانه است و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۸﴾ و هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۹﴾ و آنگاه که آواز داد پروردگار تو موسی راکه بیا بپیش گروه ستمکاران. ﴿۱۰﴾ بیا پیش قوم فرعون. آیا پرهیزگاری نمی‌کنند؟. ﴿۱۱﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآیینه من می‌ترسم از آنکه دروغی شمردند مرا. ﴿۱۲﴾ و تنگ شود سینهٔ من و جاری نگردد زبان من، پس پیغامبری فرست به سوی هارون. ﴿۱۳﴾ و قوم فرعون را بر من گناهی هست، پس می‌ترسم که بکشند مرا. ﴿۱۴﴾ گفت: نه چنین باشد. پس هر دو بروید با نشانه‌های ما، هرآیینه ما با شما شنونده‌ایم. ﴿۱۵﴾ پس بیایید به فرعون، پس بگویید هرآیینه ما فرستادهٔ پروردگار عالم‌هاییم. ﴿۱۶﴾ [به این پیغام] که بفرست همراه ما بنی اسرائیل را. ﴿۱۷﴾ گفت ای موسی! آیا پرورش نکردیم تو را در میان اهل خویش در حالِ طفلی و درنگ کردی در میان ما از عمر خود سال‌ها. ﴿۱۸﴾ و کردی آن کردار خود راکه از تو به عمل آمد و تو از ناسپاس دارندگانی. ﴿۱۹﴾

قَالَ فَعَلۡتُهَآ إِذٗا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرۡتُ
مِنكُمۡ لَمَّا خِفۡتُكُمۡ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكۡمٗا وَجَعَلَنِي
مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلۡكَ نِعۡمَةٞ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنۡ عَبَّدتَّ
بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرۡعَوۡنُ وَمَا رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢٣﴾
قَالَ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم
مُّوقِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنۡ حَوۡلَهُۥٓ أَلَا تَسۡتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ
رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ
رَسُولَكُمُ ٱلَّذِيٓ أُرۡسِلَ إِلَيۡكُمۡ لَمَجۡنُونٞ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ
ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٢٨﴾
قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذۡتَ إِلَٰهًا غَيۡرِي لَأَجۡعَلَنَّكَ مِنَ
ٱلۡمَسۡجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكَ بِشَيۡءٖ مُّبِينٖ ﴿٣٠﴾
قَالَ فَأۡتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلۡقَىٰ
عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعۡبَانٞ مُّبِينٞ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُۥ فَإِذَا هِيَ
بَيۡضَآءُ لِلنَّٰظِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلۡمَلَإِ حَوۡلَهُۥٓ إِنَّ هَٰذَا
لَسَٰحِرٌ عَلِيمٞ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَن يُخۡرِجَكُم مِّنۡ أَرۡضِكُم
بِسِحۡرِهِۦ فَمَاذَا تَأۡمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوٓاْ أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ وَٱبۡعَثۡ
فِي ٱلۡمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٖ
﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ
لِلنَّاسِ هَلۡ أَنتُم مُّجۡتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

گفت: کردم آن کردار را آنگاه و من از گمراهان بودم. ﴿۲۰﴾ پس گریختم از پیش شما، چون بترسیدم از عقوبت شما، پس عطا کرد مرا پروردگار من دانش و ساخت مرا از پیغامبران. ﴿۲۱﴾ و آیا این نعمتی است که منّت می‌نهی بر من که بنده گرفتی بنی اسراییل را[1]. ﴿۲۲﴾ گفت فرعون: و چیست پروردگار عالمها؟. ﴿۲۳﴾ گفت [موسی]: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست، اگر یقین آرنده‌اید. ﴿۲۴﴾ گفت [فرعون] آنان راکه حوالی او بودند: آیا نمی‌شنوید؟. ﴿۲۵﴾ گفت [موسی]: پروردگار شماست و پروردگار پدران پیشین شماست. ﴿۲۶﴾ گفت [فرعون]: هرآیینه پیغامبری که فرستاده شده به سوی شما دیوانه است. ﴿۲۷﴾ گفت [موسی]: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان اینهاست، اگر درمی‌یابید. ﴿۲۸﴾ گفت: اگر خدا گرفتی غیر مرا، البته بکنم تو را از زندانیان. ﴿۲۹﴾ گفت: آیا به زندان کنی، اگرچه بیارم پیش تو چیزی روشن را. ﴿۳۰﴾ گفت: بیار آن را اگر از راستگویانی. ﴿۳۱﴾ پس بیانداخت عصای خود را، پس ناگهان وی اژدهای آشکار بود. ﴿۳۲﴾ و برآورد دست خود را، پس ناگهان وی سفید بود برای بینندگان. ﴿۳۳﴾ گفت [فرعون] به جماعتی که حوالی او بودند: هرآیینه این شخص، جادوگری است دانا. ﴿۳۴﴾ می‌خواهد که بیرون کند شما را از زمین شما به سحر خود. پس چه می‌فرمایید مرا؟. ﴿۳۵﴾ گفتند: موقوف دار او را و برادرش را و بفرست در شهرها نقیبان را. ﴿۳۶﴾ تا بیارند پیش تو هر جادوگر دانا را. ﴿۳۷﴾ پس جمع کرده شد ساحران را به میعاد روزی معین. ﴿۳۸﴾ و گفته شد به مردمان: آیا شما جمع شونده‌اید؟. ﴿۳۹﴾

۱- یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود، پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود، نعمت نباشد.

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُواْ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا
جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالُواْ لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا
نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ ﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ
ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ
﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْاْ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُواْ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا
لَنَحْنُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِىَ
تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأُلْقِىَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ﴿٤٦﴾
قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ
﴿٤٨﴾ قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُۥ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُۥ
لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ فَلَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُواْ لَا ضَيْرَ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا
مُنقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَٰيَٰنَآ أَن
كُنَّآ أَوَّلَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ ۞وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَسْرِ
بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِى
ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ
﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ ﴿٥٦﴾
فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ
كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾
فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

بُوَد که پیروی ساحران کنیم اگر ایشان غالب شوند. ﴿۴۰﴾
پس چون حاضر شدند ساحران، گفتند فرعون را: آیا ما را
مزدی بُوَد اگر ما غالب شویم؟. ﴿۴۱﴾ گفت: آری! و
هرآیینه شما آنگاه از مقربان باشید. ﴿۴۲﴾ گفت به ایشان
موسی: بیفکنید آنچه شما افگننده‌اید. ﴿۴۳﴾ پس انداختند
رسنهای خود را و عصاهای خود را و گفتند: قسم به
بزرگی فرعون! هرآیینه ما البته غالبیم. ﴿۴۴﴾ پس انداخت
موسی عصای خود را، پس ناگهان وی فرو می‌برد آنچه
دغا بازی می‌کردند. ﴿۴۵﴾ پس انداخته شدند ساحران،
سجده‌کنان. ﴿۴۶﴾ گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار
عالم‌ها. ﴿۴۷﴾ پروردگار موسی و هارون. ﴿۴۸﴾ گفت
فرعون: آیا ایمان آوردید به موسی پیش از آن که دستوری
دهم شما را؟ هرآیینه وی مهتر شماست، آنکه بیاموخت
شما را جادو. پس خواهید دانست، البته بُبرّم دست‌های شما
را و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب
چپ و البته بردار کنم شما را، همه یکجا. ﴿۴۹﴾ گفتند:
هیچ زیان نیست، هرآیینه ما به سوی پروردگار خویش
رجوع کنیم ﴿۵۰﴾ هرآیینه ما توقع داریم که بیامرزد برای
ما پروردگار ما گناهان ما را به سبب آنکه شدیم اوّل
مسلمانان. ﴿۵۱﴾ و وحی فرستادیم به سوی موسی که به
وقت شب روان کن بندگان مرا، هرآیینه شما تعاقب کرده
شوید. ﴿۵۲﴾ پس فرستاد فرعون در شهرها نقیبان. ﴿۵۳﴾
که هرآیینه بنی اسراییل گروهی اندکند. ﴿۵۴﴾ و هرآیینه
ایشان ما را به خشم آورده‌اند. ﴿۵۵﴾ و هرآیینه ما
جماعتی‌ایم سلاح پوشیده. ﴿۵۶﴾ [خدا می‌فرماید]: پس
بیرون کردیم قوم فرعون را از بوستان‌ها و چشمه‌ها. ﴿۵۷﴾
و گنج‌ها و منزل نیک. ﴿۵۸﴾ چنین کردیم، و میراث
دادیم این اشیا بنی اسراییل را. ﴿۵۹﴾ پس تعاقب ایشان
کردند به وقت اشراق درآمده. ﴿۶۰﴾

فَلَمَّا تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ قَالَ أَصۡحَٰبُ مُوسَىٰٓ إِنَّا
لَمُدۡرَكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّآۖ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ﴿٦٢﴾
فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ
فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزۡلَفۡنَا
ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ
﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا
كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ
وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا
عَٰكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوۡ
يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا
كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ
﴿٧٥﴾ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا
رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٧﴾ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ ﴿٧٨﴾
وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ
يَشۡفِينِ ﴿٨٠﴾ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ
أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓـَٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبۡ لِي
حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾

و پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه، گفتند یاران
موسی: هرآیینه به ما رسیدند. ﴿۶۱﴾ گفت [موسی]: نه
چنین است! هرآیینه با من پروردگار من است، راه خواهد
فرمود مرا. ﴿۶۲﴾ پس وحی فرستادیم به سوی موسی که
بزن عصای خود را در دریا. پس دریا بشگافت، پس شد هر
پاره مانند کوه بزرگ. ﴿۶۳﴾ و نزدیک آوردیم آنجا آن
دیگران را. ﴿۶۴﴾ و خلاص ساختیم موسی را و آنان راکه
همراه وی بودند، همه یکجا. ﴿۶۵﴾ باز غرق ساختیم آن
دیگران را. ﴿۶۶﴾ هرآیینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و
نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۶۷﴾ و هرآیینه
پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۶۸﴾ و بخوان بر
ایشان خبر ابراهیم. ﴿۶۹﴾ چون گفت به پدر خود و قوم
خود: چه چیز را می‌پرستید؟ ﴿۷۰﴾ گفتند: می‌پرستیم بتان
را، پس می‌باشیم بر ایشان مجاورت کننده. ﴿۷۱﴾ گفت:
آیا می‌شنوند آواز شما چون می‌خوانید؟. ﴿۷۲﴾ یا سود
می‌رسانند به شما یا زیان می‌دهند؟. ﴿۷۳﴾ گفتند: نه. بلکه
یافتیم پدران خود راکه چنین می‌کردند. ﴿۷۴﴾ گفت: آیا
دیدید آنچه می‌پرستیدید؟. ﴿۷۵﴾ شما و پدران پیشین
شما؟.. ﴿۷۶﴾ پس هرآیینه آنها دشمنان منند، لیکن
دوست می‌دارم پروردگار عالم‌ها را. ﴿۷۷﴾ آن که بیافرید
مرا، پس همون راه نماید مرا. ﴿۷۸﴾ و آنکه او طعام
می‌خوراند مرا و می‌آشاماند مرا. ﴿۷۹﴾ و چون بیمار
می‌شوم، پس همون شفا می‌دهد مرا. ﴿۸۰﴾ و آن که
بمیراند مرا، باز زنده گرداند مرا. ﴿۸۱﴾ و آن که توقع
دارم که بیامرزد برای من گناه من روز جزا. ﴿۸۲﴾
پروردگارا! عطا کن مرا حکمت و لاحق کن مرا به
شایستگان. ﴿۸۳﴾

وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجۡعَلۡنِي
مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ
ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ
مَالٞ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ﴿٨٩﴾
وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ
لِلۡغَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ ﴿٩٢﴾
مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾
فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبۡلِيسَ
أَجۡمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُواْ وَهُمۡ فِيهَا يَخۡتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَٱللَّهِ إِن
كُنَّا لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذۡ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا
مِن شَٰفِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٖ ﴿١٠١﴾ فَلَوۡ أَنَّ لَنَا
كَرَّةٗ فَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا
كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذۡ قَالَ
لَهُمۡ أَخُوهُمۡ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ
أَمِينٞ ﴿١٠٧﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ
عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٠٩﴾
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾ ۞قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ لَكَ وَٱتَّبَعَكَ
ٱلۡأَرۡذَلُونَ ﴿١١١﴾

و پدید آر برای من ذکر نیک در پسینیان. ﴿۸۴﴾ و بکن
مرا از وارثان بهشت با نعمت. ﴿۸۵﴾ و بیامرز پدر مرا،
هرآیینه وی بود از گمراهان. ﴿۸۶﴾ و رسوا مکن مرا روزی
که برانگیخته شوند مردما.ن ﴿۸۷﴾ روزی که فایده ندهد
مال و نه فرزندان. ﴿۸۸﴾ لیکن صاحب فایده آن بُوَد که
بیارد پیش خدا دل بی‌عیب را. ﴿۸۹﴾ و نزدیک کرده شود
بهشت برای متقیان. ﴿۹۰﴾ و ظاهر نموده آید دوزخ برای
گمراهان. ﴿۹۱﴾ و گفته شود به ایشان: کجاست آنچه
می‌پرستیدید؟. ﴿۹۲﴾ بجز خدا. آیا نصرت می‌دهند شما را
یا خود انتقام می‌کشند؟. ﴿۹۳﴾ پس بر رو انداخته شوند در
آنجا بتان و گمراهان. ﴿۹۴﴾ و لشکرهای شیطان، همه
یکجا. ﴿۹۵﴾ گویند و ایشان آنجا با یکدیگر مکابره
می‌کنند. ﴿۹۶﴾ به خدا، هرآیینه ما بودیم در گمراهی
ظاهر. ﴿۹۷﴾ چون برابر می‌ساختیم شما را با پروردگار
عالم‌ها. ﴿۹۸﴾ و گمراه نکردند ما را مگر این بدکاران.
﴿۹۹﴾ پس نیست ما را هیچ شفاعت کننده. ﴿۱۰۰﴾ و نه
دوست مهربانی کننده. ﴿۱۰۱﴾ پس کاش ما را یک بار
رجوع باشد، پس شویم از مسلمانان. ﴿۱۰۲﴾ هرآیینه در
این ماجرا نشانه‌ای هست و نیستند بیشترین ایشان مسلمانان.
﴿۱۰۳﴾ و هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
﴿۱۰۴﴾ دروغی شمردند قوم نوح، پیغامبران را. ﴿۱۰۵﴾
چون گفت به ایشان برادر ایشان، نوح: آیا نمی‌ترسید؟.
﴿۱۰۶﴾ هرآیینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۰۷﴾ پس
بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۰۸﴾ و سؤال
نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من
مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۰۹﴾ پس بترسید از خدای و
فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۱۰﴾ گفتند: آیا ایمان آوریم بر
تو حال آنکه پیروی تو کرده‌اند سفلگان؟. ﴿۱۱۱﴾

قَالَ وَمَا عِلۡمِي بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٢ إِنۡ حِسَابُهُمۡ
إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيۖ لَوۡ تَشۡعُرُونَ ١١٣ وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
١١٤ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ مُّبِينٞ ١١٥ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ
يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمَرۡجُومِينَ ١١٦ قَالَ رَبِّ إِنَّ
قَوۡمِي كَذَّبُونِ ١١٧ فَٱفۡتَحۡ بَيۡنِي وَبَيۡنَهُمۡ فَتۡحٗا وَنَجِّنِي
وَمَن مَّعِيَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١١٨ فَأَنجَيۡنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي
ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ١١٩ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا بَعۡدُ ٱلۡبَاقِينَ ١٢٠ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ١٢١ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٢ كَذَّبَتۡ عَادٌ ٱلۡمُرۡسَلِينَ
١٢٣ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ١٢٤ إِنِّي لَكُمۡ
رَسُولٌ أَمِينٞ ١٢٥ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٢٦ وَمَآ
أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢٧ أَتَبۡنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةٗ تَعۡبَثُونَ ١٢٨
وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمۡ تَخۡلُدُونَ ١٢٩ وَإِذَا
بَطَشۡتُم بَطَشۡتُمۡ جَبَّارِينَ ١٣٠ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ
١٣١ وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِيٓ أَمَدَّكُم بِمَا تَعۡلَمُونَ ١٣٢ أَمَدَّكُم
بِأَنۡعَٰمٖ وَبَنِينَ ١٣٣ وَجَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٣٤ إِنِّيٓ أَخَافُ
عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣٥ قَالُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡنَآ
أَوَعَظۡتَ أَمۡ لَمۡ تَكُن مِّنَ ٱلۡوَٰعِظِينَ ١٣٦

گفت نوح: و به چه کار است دانش من به آنچه می‌کردند.
﴿۱۱۲﴾ نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من؟ اگر
بدانید. ﴿۱۱۳﴾ و نیستم من دور کنندهٔ مسلمانان. ﴿۱۱۴﴾
نیَم من مگر ترسانندهٔ آشکار. ﴿۱۱۵﴾ گفتند: اگر باز نمانی
تو ای نوح! البته شوی از سنگسار شدگان. ﴿۱۱۶﴾ گفت:
ای پروردگار من! هرآیینه قوم من دروغی شمردند مرا.
﴿۱۱۷﴾ پس فیصل کن میان من و میان ایشان، فیصل
کردنی عظیم و خلاص کن مرا و آنان راکه همراه منند از
مسلمانان. ﴿۱۱۸﴾ پس نجات دادیم او را و آنان راکه
همراه او بودند در کشتی پر کرده شده. ﴿۱۱۹﴾ باز غرق
ساختیم بعد از این باقی ماندگان را. ﴿۱۲۰﴾ هرآیینه در
این ماجرا نشانه‌ای هست و نیستند اکثر ایشان مسلمانان.
﴿۱۲۱﴾ و هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان.
﴿۱۲۲﴾ دروغی داشتند قبیلهٔ عاد، پیغامبران را. ﴿۱۲۳﴾
چون گفت به ایشان برادر ایشان، هود: آیا نمی‌ترسید؟.
﴿۱۲۴﴾ هرآیینه من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۲۵﴾
پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید. ﴿۱۲۶﴾ و
سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست
مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۲۷﴾ آیا عمارت
می‌کنید به هر بلندی، علامتی به بی‌فایده مشغول شده.
﴿۱۲۸﴾ و می‌سازید محل‌های استوار، گویا جاوید خواهید
ماند ﴿۱۲۹﴾ و چون دست می‌گشایید، دست می‌گشایید
ستمکار شده. ﴿۱۳۰﴾ پس بترسید از خدا و فرمانبرداریِ
من کنید. ﴿۱۳۱﴾ و بترسید از کسی که امداد کرد شما را
به آنچه می‌دانید. ﴿۱۳۲﴾ امداد کرده است شما را به
چهارپایان و فرزندان ﴿۱۳۳﴾ و بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۱۳۴﴾ هرآیینه می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ.
﴿۱۳۵﴾ گفتند: یکسان است بر ما که پند دهی یا نباشی از
پند دهندگان. ﴿۱۳۶﴾

إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾
فَكَذَّبُوهُ فَأَهۡلَكۡنَٰهُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ
أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ
﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ
صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٤٣﴾
فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ
أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُتۡرَكُونَ
فِي مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ﴿١٤٧﴾
وَزُرُوعٖ وَنَخۡلٖ طَلۡعُهَا هَضِيمٞ ﴿١٤٨﴾ وَتَنۡحِتُونَ مِنَ
ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا فَٰرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٥٠﴾
وَلَا تُطِيعُوٓاْ أَمۡرَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿١٥١﴾ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوٓاْ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ
ٱلۡمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا فَأۡتِ بِـَٔايَةٍ إِن
كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ هَٰذِهِۦ نَاقَةٞ لَّهَا شِرۡبٞ
وَلَكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ
فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا
فَأَصۡبَحُواْ نَٰدِمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

نیست این مگر عادت پیشینیان. ﴿۱۳۷﴾ و نیستیم ما عذاب
کرده شدگان. ﴿۱۳۸﴾ پس دروغی داشتندش، پس
هلاک ساختیم ایشان را، هرآیینه در این ماجرا نشانه‌ای
هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۳۹﴾ و هرآیینه
پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۴۰﴾ دروغی
شمردند قبیلهٔ ثمود، پیغامبران را. ﴿۱۴۱﴾ چون گفت به
ایشان برادر ایشان، صالح: آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۴۲﴾ هرآیینه
من برای شما پیغامبر با امانتم. ﴿۱۴۳﴾ پس بترسید از خدا
و فرمانبرداریِ من کنید. ﴿۱۴۴﴾ و سؤال نمی‌کنم از شما
بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر
پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۴۵﴾ آیا ایمن گذاشته خواهید شد
در آنچه اینجا است. ﴿۱۴۶﴾ در بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۱۴۷﴾ و کِشته‌ها و خرماستانی که شکوفهٔ آن نازک
است. ﴿۱۴۸﴾ و می‌تراشید از کوه‌ها خانهٔ آشکار شده.
﴿۱۴۹﴾ پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید.
﴿۱۵۰﴾ و انقیاد منمایید فرمان از حد گذرندگان را.
﴿۱۵۱﴾ آنان‌که فساد می‌کنند در زمین و اصلاح
نمی‌نمایند. ﴿۱۵۲﴾ گفتند: جز این نیست که تو از
جادوزدگانی. ﴿۱۵۳﴾ نیستی تو مگر آدمی مانند ما، پس
بیار نشانه‌ای اگر از راستگویانی. ﴿۱۵۴﴾ گفت: این ماده
شتری است. وی را یک نوبت آب خوردن است و شما را
نوبت روزی معین. ﴿۱۵۵﴾ و دست مرسانید او را به
عقوبت، که آنگاه درگیرد شما را عذاب روز بزرگ.
﴿۱۵۶﴾ پس پی زدند آن را، پس گشتند پشیمان. ﴿۱۵۷﴾
پس در گرفت ایشان را عذاب، هرآیینه در این ماجرا
نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۵۸﴾ و
هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۵۹﴾

كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٦٠﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ أَخُوهُمۡ

لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٦١﴾ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٦٢﴾ فَٱتَّقُواْ
ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٦٣﴾ وَمَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ
أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦٤﴾ أَتَأۡتُونَ ٱلذُّكۡرَانَ
مِنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦٥﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمۡ رَبُّكُم
مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٌ عَادُونَ ﴿١٦٦﴾ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ
تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُخۡرَجِينَ ﴿١٦٧﴾ قَالَ إِنِّي
لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلۡقَالِينَ ﴿١٦٨﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهۡلِي مِمَّا
يَعۡمَلُونَ ﴿١٦٩﴾ فَنَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ﴿١٧٠﴾ إِلَّا عَجُوزٗا
فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿١٧١﴾ ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿١٧٢﴾ وَأَمۡطَرۡنَا
عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٧٥﴾ كَذَّبَ أَصۡحَٰبُ لۡـَٔيۡكَةِ ٱلۡمُرۡسَلِينَ
﴿١٧٦﴾ إِذۡ قَالَ لَهُمۡ شُعَيۡبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ إِنِّي لَكُمۡ
رَسُولٌ أَمِينٞ ﴿١٧٨﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٧٩﴾ وَمَآ
أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٨٠﴾ ۞أَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ
ٱلۡمُخۡسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُواْ بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾ وَلَا
تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مُفۡسِدِينَ ﴿١٨٣﴾

دروغی شمردند قوم لوط، پیغامبران را. ﴿۱۶۰﴾ چون

گفت به ایشان برادر ایشان، لوط: آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۶۱﴾ هرآیینه من برای شما پیغامبر باامانتم. ﴿۱۶۲﴾ پس بترسید از خدا و فرمان من برید. ﴿۱۶۳﴾ و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶۴﴾ آیا به قصد قضای شهوت می‌روید به سوی مردان از اهل عالم؟. ﴿۱۶۵﴾ و می‌گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگار شما از زنان شما. بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید. ﴿۱۶۶﴾ گفتند: اگر بازنمانی تو ای لوط! هرآیینه باشی از بیرون کردگان. ﴿۱۶۷﴾ گفت: هرآیینه من عمل شما را از دشمنانم. ﴿۱۶۸﴾ ای پروردگار! نجات ده مرا و کسان مرا از وبال آنچه می‌کنند. ﴿۱۶۹﴾ پس نجات دادیم او را و کسان او را، همه یکجا. ﴿۱۷۰﴾ مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان. ﴿۱۷۱﴾ باز هلاک ساختیم آن دیگران را. ﴿۱۷۲﴾ و بارانیدیم بر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانیدگان. ﴿۱۷۳﴾ هرآیینه در این ماجرا نشانه‌ای است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۷۴﴾ و هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۷۵﴾ دروغی شمردند باشندگان «أیکه» پیغامبران را. ﴿۱۷۶﴾ چون گفت به ایشان شعیب: آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۷۷﴾ هرآیینه من برای شما پیغامبر باامانتم. ﴿۱۷۸﴾ پس بترسید از خدا و فرمان من برید. ﴿۱۷۹﴾ و سؤال نمی‌کنم از شما بر تبلیغ رسالت، هیچ مزدی، نیست مزد من مگر بر پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۸۰﴾ تمام پیمایید پیمانه را و مباشید از زیان دهندگان. ﴿۱۸۱﴾ و بسنجید به ترازوی راست. ﴿۱۸۲﴾ و ناسره ندهید به مردمان، اشیای ایشان را و بی‌باک مگردید در زمین، فساد کنان. ﴿۱۸۳﴾

وَٱتَّقُواْ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلۡجِبِلَّةَ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوٓاْ

إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٞ
مِّثۡلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَأَسۡقِطۡ عَلَيۡنَا
كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ
رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمۡ عَذَابُ
يَوۡمِ ٱلظُّلَّةِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ
ٱلۡمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُۥ لَفِي زُبُرِ
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَلَمۡ يَكُن لَّهُمۡ ءَايَةً أَن يَعۡلَمَهُۥ
عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوۡ نَزَّلۡنَٰهُ عَلَىٰ بَعۡضِ
ٱلۡأَعۡجَمِينَ ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُۥ عَلَيۡهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤۡمِنِينَ
﴿١٩٩﴾ كَذَٰلِكَ سَلَكۡنَٰهُ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا
يُؤۡمِنُونَ بِهِۦ حَتَّىٰ يَرَوُاْ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأۡتِيَهُم
بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُواْ هَلۡ نَحۡنُ
مُنظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَءَيۡتَ إِن
مَّتَّعۡنَٰهُمۡ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَآءَهُم مَّا كَانُواْ يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلایق نخستینیان را. ﴿۱۸۴﴾ گفتند: جز این نیست که تو از جادوزدگانی. ﴿۱۸۵﴾ و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و هرآیینه می‌پنداریم تو را از دروغگویان. ﴿۱۸۶﴾ پس بیفکن بر ما پاره‌ای از آسمان اگر از راستگویانی. ﴿۱۸۷﴾ گفت: پروردگار من داناتر است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۸۸﴾ پس دروغی داشتند او را، پس گرفتار کرد ایشان را عذاب روز سایبان[1]، هرآیینه وی بود عذاب روز بزرگ. ﴿۱۸۹﴾ هرآیینه در این ماجرا نشانه‌ای هست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان. ﴿۱۹۰﴾ و هرآیینه پروردگار تو همان است غالب مهربان. ﴿۱۹۱﴾ و هرآیینه قرآن فرود آوردهٔ پروردگار عالم‌ها است. ﴿۱۹۲﴾ فرود آوردش روح الامین (یعنی جبرئیل) . ﴿۱۹۳﴾ بر دل تو تا شوی از ترسانندگان. ﴿۱۹۴﴾ به زبان عربی روشن. ﴿۱۹۵﴾ و هرآیینه خبر وی در صحیفه‌های پیشینیان است. ﴿۱۹۶﴾ آیا نیست برای ایشان نشانه آنکه می‌دانند حقانیت قرآن را عالمان بنی اسراییل؟!. ﴿۱۹۷﴾ و اگر فرود می‌آوردیم قرآن را بر بعض عجمیان. ﴿۱۹۸﴾ پس می‌خواندش بر ایشان، هرگز نمی‌شدند آن را باورداراندگان. ﴿۱۹۹﴾ همچنین در آوردیم انکار را در دل‌های گناهکاران. ﴿۲۰۰﴾ ایمان نمی‌آرند به قرآن تا آنکه بینند عذاب درد دهنده. ﴿۲۰۱﴾ پس بیاید به ایشان ناگهان و ایشان بی‌خبر باشند. ﴿۲۰۲﴾ پس گویند: آیا ما مهلت داده شویم؟. ﴿۲۰۳﴾ آیا عذاب ما را شتاب می‌طلبند؟. ﴿۲۰۴﴾ آیا دیدی که اگر بهره‌مند سازیم ایشان را سال‌ها. ﴿۲۰۵﴾ آ باز بیاید بدیشان آنچه ترسانیده می‌شدند. ﴿۲۰۶﴾

۱- یعنی آتش به شکل سایبان ظاهر شد و هلاک ساخت.

مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَآ أَهۡلَكۡنَا مِن
قَرۡيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكۡرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ
﴿٢٠٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتۡ بِهِ ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُمۡ وَمَا
يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ إِنَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّمۡعِ لَمَعۡزُولُونَ ﴿٢١٢﴾ فَلَا
تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾
وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ
لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢١٥﴾ فَإِنۡ عَصَوۡكَ فَقُلۡ إِنِّي
بَرِيٓءٞ مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ
﴿٢١٧﴾ ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي
ٱلسَّٰجِدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلۡ
أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ﴿٢٢١﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ
أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ﴿٢٢٢﴾ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ
﴿٢٢٣﴾ وَٱلشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ ٱلۡغَاوُۥنَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّهُمۡ فِي كُلِّ
وَادٖ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمۡ يَقُولُونَ مَا لَا يَفۡعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ إِلَّا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَذَكَرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا
وَٱنتَصَرُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا ظُلِمُواْۗ وَسَيَعۡلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ
أَيَّ مُنقَلَبٖ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾

چه چیز را دفع کند از سر ایشان بهره‌مند بودن ایشان؟. ﴿۲۰۷﴾ و هلاک نکردیم هیچ دیه را الاّ او را بیم‌کنندگان بودند. ﴿۲۰۸﴾ به جهت پند دادن و نبودیم ستمکار. ﴿۲۰۹﴾ و فرود نیاوردند قرآن را شیطانان. ﴿۲۱۰﴾ و سزاوار نیست ایشان را و نمی‌توانند. ﴿۲۱۱﴾ هرآیینه شیطانان از شنیدن دور کردگانند[۱]. ﴿۲۱۲﴾ پس مخوان با خدا معبود دیگر را، آنگاه باشی از عذاب کردگان. ﴿۲۱۳﴾ و بیم کن قبیلهٔ نزدیک خود را. ﴿۲۱۴﴾ و پست کن بازوی خود را[۲] برای آنان‌که پیروی تو کردند از مسلمانان. ﴿۲۱۵﴾ پس اگر نافرمانی کنند تو را، پس بگو: هرآیینه من بی‌تعلّقم از آنچه شما می‌کنید. ﴿۲۱۶﴾ و توکّل کن بر غالب مهربان. ﴿۲۱۷﴾ آن که می‌بیند تو را چون برمی‌خیزی (یعنی وقت تهجّد). ﴿۲۱۸﴾ و می‌بیند گشتن تو[۳] در میان سجده کنندگان[۴]. ﴿۲۱۹﴾ هرآیینه وی همان است شنوای دانا. ﴿۲۲۰﴾ آیا خبر دهم شما را بر چه کس فرود می‌آیند شیطانان؟. ﴿۲۲۱﴾ فرود می‌آیند بر هر دروغگوی گنهکار. ﴿۲۲۲﴾ می‌نهند گوش و بیشترین ایشان دروغگویانند. ﴿۲۲۳﴾ و شاعران، پیروی ایشان می‌کنند گمراهان. ﴿۲۲۴﴾ آیا ندیدی که ایشان در هر میدانی سرگردان شوند. ﴿۲۲۵﴾ و آنکه ایشان می‌گویند آنچه نمی‌کنند[۵]. ﴿۲۲۶﴾ مگر آنان‌که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و ذکر خدا کردند بسیاری و انتقام کشیدند بعد از آنکه مظلوم شدند و خواهند دانست ظالمان که به کدام جا باز خواهند گشت. ﴿۲۲۷﴾

۱- یعنی از شنیدنِ کلام ملائکه.

۲- یعنی تواضع کن.

۳- یعنی از قیام به رکوع و از رکوع به سجود.

۴- یعنی نمازگزاران.

۵- یعنی به هر مضمون مبالغه می‌کنند.

سُورَةُ النَّمۡلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ١ هُدٗى وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُؤۡمِنِينَ ٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٥ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ٦ إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَـَٔاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ٧ فَلَمَّا جَآءَهَا نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩ وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٠ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١١ وَأَدۡخِلۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖۖ فِي تِسۡعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَقَوۡمِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ١٢ فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَٰتُنَا مُبۡصِرَةٗ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ١٣

سوره نمل

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طس، این آیات قرآن و کتاب روشن است. ﴿۱﴾ هدایت و مژده است برای مسلمانان. ﴿۲﴾ آنان‌که برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت یقین می‌آرند. ﴿۳﴾ آنان‌که ایمان نمی‌آرند به آخرت، آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را، پس ایشان سرگردان می‌شوند. ﴿۴﴾ این جماعت، آنانند که برای ایشان است سختی عذاب و این جماعت در آخرت ایشانند زیانکارتر. ﴿۵﴾ و هرآیینه تو داده می‌شوی قرآن از نزدیک خدای استوارکار دانا. ﴿۶﴾ یاد کن آنگاه که گفت موسی به اهل خود: هرآیینه من دیده‌ام آتشی، خواهم آورد از آنجا خبری یا خواهم آورد شعله‌ای که در هیمه فراگرفته باشد، بُوَد که شما گرمی حاصل کنید. ﴿۷﴾ پس چون رسید به آتش، آواز کرده آمد که: برکت داده شد کسی راکه در آتش است و کسی راکه حوالی وی است و پاکی خدای راست، پروردگار عالم‌ها[1]. ﴿۸﴾ ای موسی! هرآیینه سخن این است که من خدای غالب با حکمتم. ﴿۹﴾ و بیفکن عصای خود را. پس چون دید که عصا می‌جنبد گویا وی ماری است، رو بگردانید پشت داده و بازنگشت. گفتیم: ای موسی! مترس! هرآیینه نمی‌ترسند نزدیک من پیغامبران. ﴿۱۰﴾ لیکن آن که ستم کرد، باز عوض آن کرد نیکی بعد از بدی، پس هرآیینه من آمرزندهٔ مهربانم. ﴿۱۱﴾ و درآر دست خود را به گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیب [به این دو نشانه که داخل‌اند] در نه معجزه، برو به سوی فرعون و قوم او، هرآیینه ایشان بودند گروه فاسق. ﴿۱۲﴾ پس آنگاه که آمد بدیشان نشانه‌های ما روشن شده، گفتند: این سحر ظاهر است. ﴿۱۳﴾

۱- مترجم گوید: کسی که در آتش است ملائکه که در آن نور مصور به صورت آتش بودند ملائکهٔ دیگر که فرودتر از ایشان بودند والله اعلم.

وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗاۚ
فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا
دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ عِلۡمٗاۖ وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا
عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيۡمَٰنُ
دَاوُۥدَۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمۡنَا مَنطِقَ ٱلطَّيۡرِ
وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيۡءٍۖ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٦﴾
وَحُشِرَ لِسُلَيۡمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ وَٱلطَّيۡرِ
فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوۡاْ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمۡلِ قَالَتۡ
نَمۡلَةٞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمۡلُ ٱدۡخُلُواْ مَسَٰكِنَكُمۡ لَا
يَحۡطِمَنَّكُمۡ سُلَيۡمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿١٨﴾
فَتَبَسَّمَ ضَاحِكٗا مِّن قَوۡلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ
أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ
أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى
ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ ﴿٢٠﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا
شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ ﴿٢١﴾
فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ
وَجِئۡتُكَ مِن سَبَإِۭ بِنَبَإٖ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

و انکار آن کردند از روی ستمکاری و تکبر و باور داشته
بود آن را دل ایشان، پس بنگر چگونه بود آخر کار
مفسدان؟. ﴿۱۴﴾ و هرآیینه دادیم داود و سلیمان را علم و
گفتند: ستایش آن خدای راست که فضل داد ما را بر
بسیاری از بندگان مؤمن خویش. ﴿۱۵﴾ و وارث شد
سلیمان، داود را و گفت: ای مردمان! آموخته شد ما را
گفتار مرغان و داده شد ما را از هر نعمتی، هرآیینه این
است فضل ظاهر. ﴿۱۶﴾ و به هم آورده شد برای سلیمان
لشکرهای او از جن و از آدمیان و مرغان. پس این جماعت،
بعض را تا رسیدن بعض، ایستاده کرده می‌شدند. ﴿۱۷﴾ تا
وقتی که رسیدند به میدان موران، گفت مورچه‌ای: ای
مورچگان! درآیید به خانه‌های خود تا در هم نشکنند شما را
سلیمان و لشکرهای او نادانسته. ﴿۱۸﴾ پس خندان، تبسّم
کرد از گفتار مورچه و گفت: ای پروردگار من! الهام کن
مراکه شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده‌ای بر من و بر
پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آرم کردار شایسته
که تو خشنود شوی به آن و درآر مرا به رحمت خود در
زمرهٔ بندگان شایستهٔ خویش. ﴿۱۹﴾ و باز جست احوال
مرغان، پس گفت: چیست به من که نمی‌بینم هدهد را؟ یا
هست از غایب شدگان؟. ﴿۲۰﴾ هرآیینه عقوبت کنم او را
عقوبت سخت، یا ذبح کنم او را، یا این است که بیارد پیش
من حجّت ظاهر. ﴿۲۱﴾ پس توقف کرد، نَه مدّت دور.
پس گفت: در گرفتم به چیزی که در نگرفته‌ای به آن و
آوردم پیش تو از قبیلهٔ سبا خبری تحقیق را. ﴿۲۲﴾

إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ
وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ ٢٣ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ
لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ
فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ ٢٤ أَلَّا
يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ٢٥ ٱللَّهُ لَآ
إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩ ٢٦ ۞قَالَ سَنَنظُرُ
أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٧ ٱذۡهَب
بِّكِتَٰبِي هَٰذَا فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ
مَاذَا يَرۡجِعُونَ ٢٨ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ
كِتَٰبٞ كَرِيمٌ ٢٩ إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ
ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣٠ أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ
٣١ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ
قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ تَشۡهَدُونِ ٣٢ قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ
وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ إِلَيۡكِ فَٱنظُرِي مَاذَا
تَأۡمُرِينَ ٣٣ قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرۡيَةً
أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ
٣٤ وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ
ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣٥

هرآیینه من یافتم زنی که پادشاهی می‌کند بر ایشان و داده شده است او را از جنس هر نعمتی و او را تختی است بزرگ. ﴿۲۳﴾ و یافتم که او و قوم او سجده می‌کنند آفتاب را بجز خدا و آراسته است شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را، پس بازداشت ایشان را از راه، پس ایشان راه نمی‌یابند. ﴿۲۴﴾ به سوی آنکه سجده کنند آن خدا راکه بیرون می‌آرد پوشیده در آسمان‌ها و زمین و می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آشکار می‌کنید. ﴿۲۵﴾ خدای نیست هیچ معبود به حق غیر او، پروردگار عرش بزرگ است. ﴿۲۶﴾ گفت سلیمان: خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی از دروغگویان. ﴿۲۷﴾ بر این نامهٔ مرا، پس بینداز آن را به سوی ایشان، باز روی بگردان از ایشان، پس بنگر چه جواب باز می‌دهند. ﴿۲۸﴾ [بلقیس] گفت: ای جماعت رییسان! هرآیینه انداخته شد به سوی من نامه‌ای گرامی. ﴿۲۹﴾ هرآیینه این نامه از جانب سلیمان است و هرآیینه این نامه به نام خدای بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۳۰﴾ [به این مضمون] که تکبّر مکنید بر من و بیایید پیش من، مسلمان شده. ﴿۳۱﴾ گفت [بلقیس]: ای جماعت رییسان! جواب دهید مرا در تدبیر من، نیستم من فیصل کننده هیچ کار را تا وقتی که شما حاضر شوید پیش من. ﴿۳۲﴾ گفتند: ما خداوندِ توانایی ایم و خداوندِ کارزار سختیم و تدبیر مفوّض به سوی تو است، پس بنگر چه چیز می‌فرمایی. ﴿۳۳﴾ گفت: هرآیینه پادشاهان چون درآیند به دیهی، خراب کنند آن را و سازند عزیزترین اهل آن را رسواتر و هم چنین می‌کنند. ﴿۳۴﴾ و هرآیینه من فرستنده‌ام به سوی ایشان تحفه‌ای، پس ببینم به چه چیز باز آیند فرستادگان. ﴿۳۵﴾

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ
ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ
٣٦ ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا
وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ٣٧ قَالَ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي
مُسۡلِمِينَ ٣٨ قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ
قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ٣٩
قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ
قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ
قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ
وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ
رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ ٤٠ قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا عَرۡشَهَا نَنظُرۡ
أَتَهۡتَدِيٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ٤١ فَلَمَّا
جَآءَتۡ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ
وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ ٤٢ وَصَدَّهَا
مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن قَوۡمٖ
كَٰفِرِينَ ٤٣ قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ
حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ وَكَشَفَتۡ عَن سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ
مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي
وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٤

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان، گفت [سلیمان]: آیا امداد می‌کنید مرا به مالی، پس آنچه عطا کرده است مرا خدای تعالی بهتراست از آنچه عطا کرده است شما را، بلکه شما بر تحفهٔ خویش شادمان می‌شوید. ﴿۳۶﴾ باز رو به سوی ایشان. پس هرآیینه بیایم بر ایشان لشکرهایی که طاقت نباشد ایشان را به مقابلهٔ آن، و هرآیینه بیرون کنیم ایشان را از آن دیه رسوا کرده و ایشان خوار باشند. ﴿۳۷﴾ گفت[1] [سلیمان]: ای عزیزان! کدام یک از شما می‌آرد پیش من تخت او را پیش از آنکه بیایند نزدیک من، مسلمان شده. ﴿۳۸﴾ گفت تهمتنی از جن: من بیارمش نزدیک تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود و هرآیینه من بر آن عرش، توانای با امانتم. ﴿۳۹﴾ گفت شخصی که نزدیک او علم بود از کتاب الهی: من بیارمش نزدیک تو پیش از آنکه بازگردد به سوی تو چشم تو. پس چون [سلیمان] دید آن را قرار گرفته نزدیک خویش، گفت: این خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا آیا شکرگزاری می‌کنیم یا ناسپاسی می‌نمایم و هرکه شکرگزاری کند، پس جز این نیست که شکرگزاری می‌کند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد، پروردگار من بی‌نیازِ کرم کننده است. ﴿۴۰﴾ گفت [سلیمان]: متغیر سازید برای امتحان این زن، تخت او را. بنگریم آیا راه شناخت می‌یابد یا می‌شود از آنان‌که راه نمی‌یابند. ﴿۴۱﴾ پس چون بیامد، [بلقیس] گفته شد: آیا همچنین است تخت تو؟ گفت: گویا وی همان است و داده شد ما را دانش [به حقانیت سلیمان] پیش از این مقدّمه و هستیم مسلمان. ﴿۴۲﴾ وباز داشت [سلیمان] آن[2] زن را از آنچه عبادت می‌کرد بجز خدا، هرآینه وی بود از گروه کافران. ﴿۴۳﴾ گفته شد به وی که: درآی به این کوشک. پس چون بدید آن را، پنداشتش حوض آب و جامه برداشت از دو ساق خود. گفت [سلیمان]: این کوشکی است بی‌نقش درخشان ساخته شده از آبگینه‌ها. گفت [بلقیس]: ای پروردگار من! هرآیینه من ستم کرده‌ام بر خویش و اسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا، پروردگار عالم‌ها. ﴿۴۴﴾

۱- مترجم گوید: سلیمان‌علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و جمال او را ادراک فرماید، تا اگر مناسب دانست به نکاح آرد، پس تدبیری ساخت.

۲- مترجم سلیمان‌علیه السلام را فاعل صدّها قرار داده است و اکثر مفسرین می‌گویند که فاعل صدّها «ما» «المصدریه یا الموصوله» است و معنای آیت این طورمی‌شود که بازداشت آن زن را از عبادت خدا آنچه عبادت می‌کردند غیر از خدا، والله اعلم. (مصحح)

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ
ٱللَّهَ فَإِذَا هُمۡ فَرِيقَانِ يَخۡتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ
تَسۡتَعۡجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ
ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن
مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ
﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ تِسۡعَةُ رَهۡطٖ يُفۡسِدُونَ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ
لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ
أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا
مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلۡكَ
بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ
يَعۡلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾
وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ
تُبۡصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ
ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ﴿٥٥﴾

و هرآيينه فرستاديم به سوی ثمود برادر ايشان، صالح را كه
عبادت كنيد خدای را، پس ناگهان آن قوم دو گروه
شدند، با يكديگر خصومت می‌نمودند. ﴿۴۵﴾ گفت
صالح: ای قوم من! چرا شتاب طلب می‌كنيد سختی را پيش
از راحت، چرا نه طلب آمرزش می‌كنيد از خدا؟ بود كه
رحم كرده شود بر شما. ﴿۴۶﴾ گفتند: شگون بد گرفتيم از
تو و از آنان‌كه همراه تواند. گفت: شگون بد شما نزديک
خدا است[۱]، بلكه شما قومی هستيد كه امتحان كرده
می‌شويد. ﴿۴۷﴾ و بودند در آن شهر نُه كس كه فساد
می‌كردند در زمين و اصلاح نمی‌نمودند. ﴿۴۸﴾ گفتند با
يكديگر قسم خدا بخوريد كه: البته شبيخون كنيم بر صالح
و اهل خانهٔ او، باز البته خواهيم گفت وارث او را حاضر
نبوديم وقت هلاک شدن اهل او و هرآيينه ما راستگوييم.
﴿۴۹﴾ و بدسگالی كردند به نوعی از حيله و بدسگالی
كرديم ما نوعی از حيله و ايشان نمی‌دانستند. ﴿۵۰﴾ پس
بنگر چگونه بود سرانجام بدسگالی ايشان كه ما هلاک
كرديم ايشان را و قوم ايشان را، همه يكجا. ﴿۵۱﴾ پس
اين است خانه‌های ايشان خالی مانده به سبب آنكه ستم
كردند، هرآيينه در اين ماجرا نشانه هست گروهی راكه
می‌دانند. ﴿۵۲﴾ و نجات داديم آنان راكه ايمان آوردند و
پرهيزگاری می‌كردند. ﴿۵۳﴾ و فرستاديم لوط را چون
گفت به قوم خود: آيا به عمل می‌آريد كار بی‌حيايی را و
شما می‌بينيد؟!. ﴿۵۴﴾ آيا شما می‌آييد به مردان به ارادهٔ
شهوت بجز زنان؟! بلكه شما قوم نادانيد. ﴿۵۵﴾

۱- يعنی مصائب بر وفق تقدير الهی جاری می‌شود.

۞فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوۡمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخۡرِجُوٓاْ ءَالَ
لُوطٖ مِّن قَرۡيَتِكُمۡۖ إِنَّهُمۡ أُنَاسٞ يَتَطَهَّرُونَ ٥٦
فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ قَدَّرۡنَٰهَا مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ
٥٧ وَأَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهِم مَّطَرٗاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلۡمُنذَرِينَ ٥٨
قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ
خَيۡرٌ أَمَّا يُشۡرِكُونَ ٥٩ أَمَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ
ذَاتَ بَهۡجَةٖ مَّا كَانَ لَكُمۡ أَن تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٞ
مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ ٦٠ أَمَّن جَعَلَ ٱلۡأَرۡضَ
قَرَارٗا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنۡهَٰرٗا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِيَ وَجَعَلَ
بَيۡنَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا
يَعۡلَمُونَ ٦١ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ
ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا
مَّا تَذَكَّرُونَ ٦٢ أَمَّن يَهۡدِيكُمۡ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡبَرِّ
وَٱلۡبَحۡرِ وَمَن يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا بَيۡنَ يَدَيۡ رَحۡمَتِهِۦٓۗ
أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٣

پس نبود جواب قوم او، مگر آنکه گفتند: بیرون کنید اهل خانهٔ لوط را از دیهٔ خویش، هرآیینه ایشان مردم پاکی طلبند. ﴿۵۶﴾ پس نجات دادیم او را و اهل او را، مگر زنش که معین کردیم او را از باقی ماندگان. ﴿۵۷﴾ و بارانیدیم بر سر ایشان بارانی، پس بد است باران ترسانندگان. ﴿۵۸﴾ بگو: سپاس خدای راست و سلام بر آن بندگان او که برگزیده است ایشان را. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می‌آرند. ﴿۵۹﴾ [نه بلکه می‌پرسیم]: که بیافرید آسمان‌ها و زمین و فرود آورد برای شما از آسمان، آبی؟ پس رویانیدیم به سبب آن بوستان‌ها با تازگی؟ ممکن نبود شما راکه برویانید درخت‌های آن. آیا معبودی هست با خدا؟ بلکه ایشان گروهی‌اند که کج می‌روند. ﴿۶۰﴾ [نه بلکه می‌پرسیم]: که ساخت زمین را قرارگاه و پیدا کرد در میان زمین جوی‌ها و بیافرید برین زمین کوه‌ها و بیافرید میان دو دریا حجاب را؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ بلکه بیشترین ایشان نمی‌دانند. ﴿۶۱﴾ [نه بلکه می‌پرسیم]: که قبول می‌کند از درمانده، چون بخواندش و بردارد سختی و بسازد شما را جانشین نخستینیان در زمین؟ آیا معبودی دیگر هست با خدا؟ اندکی پند می‌پذیرید. ﴿۶۲﴾ [نه بلکه می‌پرسیم]: که راه می‌نماید شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا؟ و که می‌فرستد بادها را مژده دهنده پیش رحمت خود؟ آیا معبودی هست با خدا؟ برتر است خدا از آن که شریک می گیرند. ﴿۶۳﴾

أَمَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ
إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ
﴿٦٥﴾ بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّنۡهَاۖ
بَلۡ هُم مِّنۡهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا
كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدۡ وُعِدۡنَا
هَٰذَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا
تَكُن فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ
هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلۡ عَسَىٰٓ أَن
يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي تَسۡتَعۡجِلُونَ ﴿٧٢﴾
وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ
لَا يَشۡكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ
صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنۡ غَآئِبَةٖ فِي ٱلسَّمَآءِ
وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ
يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ
يَخۡتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

[نه بلکه می‌پرسیم]: که نو پیدا می‌کند آفرینش، باز دیگر بار کندش؟ و که روزی می‌دهد شما را از آسمان و زمین؟ آیا معبودی هست با خدا؟ بگو: بیارید حجت خود را اگر راست گویید. ﴿۶۴﴾ بگو: نمی‌داند هر که در آسمان‌ها و زمین است غیب را مگر خدا؟ و نمی‌دانند که کی برانگیخته شوند. ﴿۶۵﴾ بلکه پی در پی متوجه شد علم ایشان در باب آخرت[۱]، بلکه ایشان در شبهه‌اند از آخرت، بلکه ایشان از آخرت نابینایند. ﴿۶۶﴾ و گفتند کافران: آیا چون شویم خاکی و پدران ما نیز، آیا ما بیرون آوردگانیم (یعنی از قبور)؟ . ﴿۶۷﴾ هرآیینه وعده داده شد به این مقدمه، ما را و پدران ما را پیش از این، نیست این مگر افسانه‌های پیشینیان. ﴿۶۸﴾ بگو: سیر کنید در زمین، پس بنگرید چگونه بود انجام گناهکاران. ﴿۶۹﴾ و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از بدسگالیدن ایشان. ﴿۷۰﴾ و می‌گویند: کی باشد این وعده اگر راستگویید. ﴿۷۱﴾ بگو: شاید نزدیک شده باشد به شما بعض آنچه شتاب می‌طلبید[۲]. ﴿۷۲﴾ و هرآیینه پروردگار تو خداوندِ فضل است بر مردمان و لیکن بیشترین ایشان شکر نمی‌کنند. ﴿۷۳﴾ و هرآیینه پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان می‌کند سینه‌های ایشان و آنچه ظاهر می‌نمایند. ﴿۷۴﴾ و نیست هیچ مقدّمه پوشیده در آسمان و زمین مگر نوشته است در کتاب روشن. ﴿۷۵﴾ هرآیینه این قرآن بیان می‌کند پیش بنی اسراییل بیشترین آنچه ایشان در آن اختلاف می‌کردند. ﴿۷۶﴾

۱- یعنی تا آنکه منقطع گشت.

۲- یعنی عقوبتِ دنیا.

وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي
بَيۡنَهُم بِحُكۡمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلۡ عَلَى
ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلۡحَقِّ ٱلۡمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ
وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَآ
أَنتَ بِهَٰدِي ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن
يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ﴿٨١﴾ ۞وَإِذَا وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ
عَلَيۡهِمۡ أَخۡرَجۡنَا لَهُمۡ دَآبَّةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ تُكَلِّمُهُمۡ أَنَّ
ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوۡمَ نَحۡشُرُ مِن
كُلِّ أُمَّةٖ فَوۡجٗا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾
حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبۡتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمۡ تُحِيطُواْ بِهَا
عِلۡمًا أَمَّاذَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ عَلَيۡهِم
بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمۡ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا
ٱلَّيۡلَ لِيَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ
فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ
ٱللَّهُۚ وَكُلٌّ أَتَوۡهُ دَٰخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى ٱلۡجِبَالَ تَحۡسَبُهَا
جَامِدَةٗ وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِۚ صُنۡعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ
أَتۡقَنَ كُلَّ شَيۡءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرُۢ بِمَا تَفۡعَلُونَ ﴿٨٨﴾

و هرآیینه وی هدایت و رحمت است مسلمانان را. ﴿۷۷﴾
هرآیینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان به حکم خود و
اوست غالبِ دانا. ﴿۷۸﴾ پس توکّل کن بر خدا هرآیینه تو
بر دین راستِ روشن هستی. ﴿۷۹﴾ هرآیینه تو نمی‌توانی
شنوانید مردگان را و نمی‌توانی شنوانید کران را آواز
خواندن، وقتی که روبگردانند پشت داده. ﴿۸۰﴾ و نیستی
تو راه نمایندهٔ کوران تا باز آیند از گمراهی خویش.
نمی‌شنوانی مگر کسی راکه ایمان آورده است به آیت‌های
ما، پس این جماعت گردن نهندگانند. ﴿۸۱﴾ و چون
متحقق شود وعدهٔ عذاب بر ایشان، بیرون آریم برای ایشان
جانوری از زمین که سخن گوید به ایشان به سبب آنکه
مردمان به آیات ما یقین نمی‌آوردند. ﴿۸۲﴾ و آن روزکه
برانگیزیم از هر امتی طایفه‌ای را از آنان‌که دروغ
می‌شمردند آیات ما را، پس ایشان بعض را تا رسیدن بعض
ایستاده کرده می‌شود. ﴿۸۳﴾ تا وقتی که حاضر آیند،
گوید خدا: آیا دروغ شمردید آیات مرا و در نگرفته بودید
به آن از روی دانش یا چکار می‌کردید؟. ﴿۸۴﴾ و ثابت
شد وعدهٔ عذاب بر ایشان به سبب ستم کردن ایشان، پس
آن جماعت سخن نگویند. ﴿۸۵﴾ آیا ندیده‌اند که ما پیدا
کرده‌ایم شب را تا آرام گیرند در آن و پیدا کرده‌ایم روز
را روشن شده، هرآیینه در این مقدمه نشانه‌ها است قومی
راکه باور می‌دارند. ﴿۸۶﴾ یاد کن آن روزکه دمیده شود
در صور، پس مضطرب شوند آنان‌که در آسمان‌هایند و
آنان‌که در زمینند، مگر کسی که خدا خواسته است و هر
یکی بیایند پیش خدا خوار شده. ﴿۸۷﴾ و ببینی کوه‌ها را،
پنداری آن را بر جای ایستاده و آن می‌رود مانند رفتن ابر.
دستکاری آن خداکه استوار ساخت هر چیز را، هرآیینه
وی خبردار است به آنچه می‌کنید. ﴿۸۸﴾

مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَا وَهُم مِّن فَزَعٖ
يَوۡمَئِذٍ ءَامِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتۡ
وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ هَلۡ تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ
﴿٩٠﴾ إِنَّمَآ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلۡبَلۡدَةِ ٱلَّذِي
حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَيۡءٖۖ وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٩١﴾ وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا
يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ
ٱلۡمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ
فَتَعۡرِفُونَهَاۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٣﴾

هر که بیارد نیکی، پس او را بهتر باشد از آن و ایشان از
اضطراب آن روز ایمن باشند. ﴿۸۹﴾ و هر که بیارد بدی،
پس نگونسار کرده شود روی ایشان در آتش. جزا داده
نمی‌شوید مگر به وفق آنچه می‌کردید. ﴿۹۰﴾ [بگو یا
محمد]: جز این نیست که فرموده شدم که عبادت کنم
خداوند این شهر را (یعنی مکه)، آن‌که محترم ساخت آن
را و به تصرف اوست هر چیز و فرموده شد مراکه باشم از
مسلمانان. ﴿۹۱﴾ و [فرموده شد] آنکه بخوانم قرآن را.
پس هرکه راه یافت، پس جز این نیست که راه می‌یابد
برای نفع خویش و هر که گمراه شود، بگو: جز این نیست
که من از بیم کنندگانم. ﴿۹۲﴾ و بگو: ستایش خدای
راست، خواهد نمود شما را آیات خود، پس بشناسید آن را
و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید. ﴿۹۳﴾

سُورَةُ القَصَصِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتۡلُواْ
عَلَيۡكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرۡعَوۡنَ بِٱلۡحَقِّ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ
﴿٣﴾ إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا
يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَيَسۡتَحۡيِۦ
نِسَآءَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ
عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنَجۡعَلَهُمۡ أَئِمَّةٗ
وَنَجۡعَلَهُمُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ﴿٥﴾

سوره قصص

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طسم. ﴿۱﴾ این آیت‌های کتاب روشن است. ﴿۲﴾
بخوانیم بر تو بعض خبر موسی و فرعون به راستی برای
گروهی که باور می‌دارند. ﴿۳﴾ هرآیینه فرعون تکبّر کرد
در زمین و ساخت اهل آن را گروه گروه، زبون می‌گرفت
جماعت را از ایشان، می‌کشت پسران ایشان را و زنده
می‌گذاشت دختران ایشان را. هرآیینه وی بود از مفسدان.
﴿۴﴾ و می‌خواستیم که نعمت فراوان دهیم بر آنان‌که
زبون گرفته شدند در زمین و پیشوا سازیم ایشان را و وارث
کنیم ایشان را. ﴿۵﴾

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ
وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُواْ يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ
أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنْ أَرْضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي
ٱلْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ
مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾ فَٱلْتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ
عَدُوًّا وَحَزَنًاۗ إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ
خَٰطِـِٔينَ ﴿٨﴾ وَقَالَتِ ٱمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٖ لِّي
وَلَكَۖ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا
وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن
كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِۦ لَوْلَآ أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ
مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِۦ قُصِّيهِۖ فَبَصُرَتْ
بِهِۦ عَن جُنُبٖ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١١﴾ ۞وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ
ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰٓ أَهْلِ
بَيْتٖ يَكْفُلُونَهُۥ لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ ﴿١٢﴾
فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ
أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

و دسترس دهیم ایشان را در زمین و بنماییم فرعون و هامان را و لشکرهای ایشان را از آن زبون گرفتگان آنچه می‌ترسیدند. ﴿۶﴾ و الهام فرستادیم به سوی مادر موسی که شیر بده او را پس چون بترسی بر وی بیانداز او را در دریا و مترس و اندوه مخور، هرآیینه ما باز رسانندهٔ اوییم به سوی تو و گردانندهٔ اوییم از پیغامبران. ﴿۷﴾ پس برگرفتند آن را اهل خانهٔ فرعون تا آخر کار شود برای ایشان دشمن و سبب اندوه، هرآیینه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان خطا کننده بودند. ﴿۸﴾ و گفت زن فرعون: این طفل، خنکی چشم است مرا و تو را، مکشیدش، بود که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و ایشان حقیقت حال نمی‌دانستند. ﴿۹﴾ و گشت دل مادر موسی خالی از صبر، هرآیینه نزدیک بود که آشکار کند آن قصّه را اگر ما نمی‌بستیم بر دل او رشته[1] تا باشد از باوردارندگان. ﴿۱۰﴾ و گفت خواهرش را: بر پی او برو، پس بدید او را از دور و قوم فرعون نمی‌دانستند. ﴿۱۱﴾ و حرام ساختیم بر موسی شیردایگان پیش از وصول خواهر، پس خواهرش گفت: آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه‌ای که خبرداری این طفل کنند برای شما و ایشان برای او نیک خواهانند؟. ﴿۱۲﴾ پس باز رسانیدیم او را به سوی مادر او تا خنک شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند که وعدهٔ خدا راست است و لیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی صبر نمی‌دادیم.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًاۚ
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ
حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ
هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦۖ فَٱسْتَغَٰثَهُ ٱلَّذِى
مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ
فَقَضَىٰ عَلَيْهِۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِۖ إِنَّهُۥ
عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى
فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ
رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ
﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِى ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِى
ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُۥۚ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ
لَغَوِىٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِٱلَّذِى هُوَ
عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِى كَمَا قَتَلْتَ
نَفْسًۢا بِٱلْأَمْسِۖ إِن تُرِيدُ إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِى
ٱلْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾
وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ
ٱلْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَٱخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ
ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُۖ قَالَ رَبِّ
نَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢١﴾

و چون رسید به نهایت جوانی خود و درست اندام شد، دادیم او را حکمت و دانش و همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۴﴾ و درآمد به شهر در وقت بی‌خبری اهل آن، پس یافت آنجا دو شخص با یکدیگر جنگ می‌کردند: آن یک از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان وی، پس مدد طلب کرد شخصی که از قوم او بود بر آن دیگر که از دشمنانش بود، پس مشت زد او را موسی، پس بکشتش. گفت: این کار شیطان است، هرآیینه شیطان گمراه کنندهٔ آشکار است. ﴿۱۵﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآیینه ستم کردم بر خویش، پس بیامرز مرا، پس بیامرزیدش، هرآیینه وی آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۶﴾ گفت: ای پروردگار من! به حق انعام کردن تو بر من هرگز نخواهم بود مددگار گناهکاران. ﴿۱۷﴾ پس بامداد کرد در شهر ترسان، انتظارکنان، پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز به فریادرسی می‌خواندش. گفت به وی موسی: هرآیینه تو گمراه آشکاری. ﴿۱۸﴾ پس چون خواست که دست به شخصی که وی دشمن موسی و دشمن فریاد کنندهٔ بود، گفت فریاد کننده: ای موسی! آیا می‌خواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی شخصی را دیروز؟ نمی‌خواهی مگر آن که باشی ستمکاری در زمین و نمی‌خواهی که باشی از نیکوکاران[1]. ﴿۱۹﴾ و آمد شخصی از آخر شهر شتابان، گفت: ای موسی! هرآیینه رئیسان مشورت می‌کنند در حق تو بکشند تو را، پس بیرون رو. هرآیینه من برای تو از نیک خواهانم. ﴿۲۰﴾ پس بیرون آمد از آن شهر ترسان، انتظار کنان، گفت: ای پروردگار من! خلاص کن مرا از گروه ستمکاران. ﴿۲۱﴾

۱- یعنی چون موسی او را گفت: تو گمراهِ آشکاری. دانست که غضب کرده بر سر من می‌آید.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلۡقَآءَ مَدۡيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي
سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدۡيَنَ وَجَدَ عَلَيۡهِ
أُمَّةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ يَسۡقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمۡرَأَتَيۡنِ
تَذُودَانِۖ قَالَ مَا خَطۡبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسۡقِي حَتَّىٰ يُصۡدِرَ
ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيۡخٞ كَبِيرٞ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى
ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ﴿٢٤﴾
فَجَآءَتۡهُ إِحۡدَىٰهُمَا تَمۡشِي عَلَى ٱسۡتِحۡيَآءٖ قَالَتۡ إِنَّ أَبِي
يَدۡعُوكَ لِيَجۡزِيَكَ أَجۡرَ مَا سَقَيۡتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ
وَقَصَّ عَلَيۡهِ ٱلۡقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفۡۖ نَجَوۡتَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا يَٰٓأَبَتِ ٱسۡتَـٔۡجِرۡهُۖ إِنَّ
خَيۡرَ مَنِ ٱسۡتَـٔۡجَرۡتَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ
أَنۡ أُنكِحَكَ إِحۡدَى ٱبۡنَتَيَّ هَٰتَيۡنِ عَلَىٰٓ أَن تَأۡجُرَنِي
ثَمَٰنِيَ حِجَجٖۖ فَإِنۡ أَتۡمَمۡتَ عَشۡرٗا فَمِنۡ عِندِكَۖ وَمَآ
أُرِيدُ أَنۡ أَشُقَّ عَلَيۡكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَٰلِكَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَۖ أَيَّمَا ٱلۡأَجَلَيۡنِ
قَضَيۡتُ فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٞ
﴿٢٨﴾

و وقتی که متوجه شد به سوی شهر مدین، گفت: امیدوارم از پروردگار خویش که دلالت کند مرا به راه راست. ﴿۲۲﴾ و وقتی که رسید به آب مدین یافت بر آن آب طایفه را از مردمان، آب می‌نوشانیدید مواشی را و یافت آن طرف از ایشان دو زن که باز می‌دارند مواشیِ خود را، گفت موسی به آن دو زن: چیست حال شما؟ گفتند: ما آب نمی‌نوشانیم تا آنکه بازگردانند شبانان مواشی را و پدر ما پیر کلانسال است. ﴿۲۳﴾ پس موسی آب نوشانید برای این هردو، باز روی آورد به سوی سایه، پس گفت: ای پروردگار من! هرآیینه من به آنچه فرود آوردی به سوی من از نعمت، محتاجم. ﴿۲۴﴾ پس آمد به موسی یکی از این دو زن راه می‌رفت به شرم، گفت: هرآیینه پدر من می‌خواند تو را تا به تو دهد مزد آنکه آب دادی برای ما. پس چون موسی بیامد نزد شعیب و تقریر کرد پیش او قصّه را، گفت: مترس! خلاص شدی از قوم ستمکاران. ﴿۲۵﴾ گفت یکی از این دو دختر: ای پدر من! مزدور بگیر او را. هرآیینه بهترین کسی که مزدورگیری شخصی توانای با امانت باشد. ﴿۲۶﴾ گفت شعیب: هرآیینه من می‌خواهم که به زنی دهم تو را یکی از این دو دختر خود به شرط آن که مزدوری من کنی هشت سال، پس اگر تمام کنی ده سال را، پس آن تبرّع است از نزدیک تو و نمی‌خواهم که مشقت افکنم بر تو. خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است از شایستگان. ﴿۲۷﴾ گفت موسی: این است عهد میان من و میان تو. هر کدام از این دو مدّت که اداکنم، پس تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه می‌گوییم گواه است. ﴿۲۸﴾

۞فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن
جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارٗاۖ قَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ
نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ
لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ
ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن
يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنۡ أَلۡقِ
عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ
يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ ﴿٣١﴾
ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ
وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِۖ فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ
مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا
فَٰسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ
أَن يَقۡتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا
فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ
﴿٣٤﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا
سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ
ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾

پس چون ادا کرد موسی میعاد را و روان شد به اهل خود، دید به جانب کوه طور آتش. گفت به اهل خود: توقف کنید. هرآیینه دیده‌ام آتشی. امید دارم که بیارم از آنجا خبری را یا بیارم شعله‌ای از آتش، بود که شما تحصیل گرمی کنید. ﴿۲۹﴾ پس چون آمد نزدیک آتش، آواز داده شد از کرانهٔ راست میدان در جایگاه بابرکت از میان درخت که: ای موسی! هرآیینه من خدایم، پروردگار عالمها. ﴿۳۰﴾ و آنکه بیفکن عصای خود را، پس چون دید که عصا حرکت می‌کند گویا وی ماری است، روی بگردانید پشت داده و بازنگشت. [گفتیم]: ای موسی! پیش آی و مترس، هرآیینه تو از ایمنانی. ﴿۳۱﴾ و درآر دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر علتی. و به هم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس[1]، پس این هر دو نشانه‌اند، فرود آمده از جانب پروردگار تو به سوی فرعون و جماعت او. هرآیینه ایشان بودند گروه بدکار. ﴿۳۲﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآیینه من کشته‌ام از ایشان شخصی را، پس می‌ترسم که بکشند مرا ﴿۳۳﴾ و برادر من، هارون، فصیح‌تر است از من از جهت زبان، پس بفرست او را همراه من مدد کننده‌ای که باور دارد مرا، هرآیینه من می‌ترسم از آنکه دروغی شمرند مرا. ﴿۳۴﴾ گفت: [خدا]: محکم خواهیم کرد بازوی تو را به برادر تو و خواهیم داد شما را غلبه، پس نتوانند رسید به قصد ایذا به سوی شما به سبب نشانه‌های ما. شما و آنان‌که پیروی شما کرده‌اند، غالب خواهید شد. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی برای دافع ترسی که به سبب ظهورِ خوارق پیدا شده.

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا
سِحۡرٌ مُّفۡتَرًى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ
٣٦ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ
عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ
ٱلظَّٰلِمُونَ ٣٧ وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ
لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ
فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي
لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣٨ وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي
ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ٣٩
فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠ وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى
ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ ٤١ وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي
هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ
٤٢ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا
ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ
يَتَذَكَّرُونَ ٤٣

پس چون آورد موسی نشانه‌های ما را واضح آمده، گفتند: نیست این مگر جادوی بربسته و نشنیدیم این را در پدران نخستین خویش. ﴿۳۶﴾ و گفت موسی: پروردگار من داناتر است به هر که آورده است هدایت از نزدیک او و به هر که او را است عاقبت پسندیده در آخرت، هرآیینه رستگار نمی‌شوند ستمکاران. ﴿۳۷﴾ و گفت فرعون: ای جماعت! ندانسته‌ام برای شما هیچ خدا غیرِ من. پس آتش برافروز برای من ای هامان بر گل (یعنی خشت بساز) پس بناکن برای من کوشکی، بود که من دیده‌ور شوم به سوی معبود موسی و هرآیینه من می‌پندارم او را از دروغگویان. ﴿۳۸﴾ و تکبر کرد فرعون و لشکرهای او در زمین به غیر حق و گمان کردند که ایشان به سوی ما بازگردانیده نشوند. ﴿۳۹﴾ پس گرفتیم او را و لشکرهای او را، پس افکندیم ایشان را در دریا، پس درنگر چگونه بود انجام ستمکاران. ﴿۴۰﴾ و گردانیدیم ایشان را پیشوایانی که می‌خواندند به سوی آتش و روز قیامت نصرت داده نشوند. ﴿۴۱﴾ و از پیِ ایشان فرستادیم در این دنیا لعنت را و به روز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند. ﴿۴۲﴾ و و هرآیینه دادیم موسی را کتاب بعد از آنکه هلاک ساختیم قرن‌های نخستین را دلیل شده برای مردمان و هدایت و بخشایش، تا بود که ایشان پندپذیر شوند. ﴿۴۳﴾

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلۡغَرۡبِيِّ إِذۡ قَضَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلۡأَمۡرَ
وَمَا كُنتَ مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَٰكِنَّآ أَنشَأۡنَا قُرُونٗا
فَتَطَاوَلَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡعُمُرُۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيٗا فِيٓ أَهۡلِ
مَدۡيَنَ تَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ﴿٤٥﴾
وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلطُّورِ إِذۡ نَادَيۡنَا وَلَٰكِن رَّحۡمَةٗ مِّن
رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ
لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُۢ بِمَا
قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوۡلَآ أَرۡسَلۡتَ إِلَيۡنَا
رَسُولٗا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٧﴾
فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ لَوۡلَآ أُوتِيَ مِثۡلَ
مَآ أُوتِيَ مُوسَىٰٓۚ أَوَ لَمۡ يَكۡفُرُواْ بِمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن
قَبۡلُۖ قَالُواْ سِحۡرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓاْ إِنَّا بِكُلّٖ كَٰفِرُونَ
﴿٤٨﴾ قُلۡ فَأۡتُواْ بِكِتَٰبٖ مِّنۡ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهۡدَىٰ
مِنۡهُمَآ أَتَّبِعۡهُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمۡ
يَسۡتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ
أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٠﴾

و تو نبودی به طرف غربی چون به انجام رسانیدیم به سوی موسی وحی را و نبودی از حاضران. ﴿۴۴﴾ و لیکن ما آفریدیم قرن‌ها را (یعنی بعد موسی)، پس دراز شد بر ایشان عمر و تو نبودی باشنده در اهل مدین که می‌خواندی بر ایشان آیات ما را و لیکن ما بودیم فرستنده. ﴿۴۵﴾ و نبودی به طرف طور، چون آواز دادیم و لیکن وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا ترسانی گروهی راکه نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده‌ای پیش از تو، بود که ایشان پند پذیر شوند. ﴿۴۶﴾ و اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی به سبب آنکه پیش فرستاده است دست ایشان، پس گویند: ای پروردگار ما! چرا نفرستادی به سوی ما پیغامبری را تا پیرویِ آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان؟. ﴿۴۷﴾ پیغمبران را می‌فرستادیم، پس چون آمد بدیشان وحی راست از نزدیک ما، گفتند: چرا داده نشد این پیغمبر را مانند آنچه داده شد به موسی؟ آیا کافر نشده‌اند به آنچه داده شد موسی را پیش از این؟ گفتند: دو سحرند موافق یکدیگر شده[۱] و گفتند: هرآیینه ما به هر یک کافرانیم. ﴿۴۸﴾ بگو: پس بیارید کتابی فرود آمده از نزدیک خداکه وی راه نماینده‌تر باشد از این دو، تا پیرویِ او کنیم اگر راستگویید. ﴿۴۹﴾ پس اگر قبول نکنند سخن را، پس بدان که جز این نیست که پیروی می‌کنند خواهش نفس خود را و کیست گمراهتر از کسی که پیرویِ خواهش نفس خود کند بدون راهنماییِ خدا، هرآیینه خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۵۰﴾

۱- یعنی تورات و قرآن.

۞وَلَقَدۡ وَصَّلۡنَا لَهُمُ ٱلۡقَوۡلَ لَعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾
ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤۡمِنُونَ
﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن
رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلِهِۦ مُسۡلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡتَوۡنَ
أَجۡرَهُم مَّرَّتَيۡنِ بِمَا صَبَرُواْ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ
ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ
أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ
سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ لَا نَبۡتَغِي ٱلۡجَٰهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا
تَهۡدِي مَنۡ أَحۡبَبۡتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ
وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوٓاْ إِن نَّتَّبِعِ ٱلۡهُدَىٰ
مَعَكَ نُتَخَطَّفۡ مِنۡ أَرۡضِنَآۚ أَوَلَمۡ نُمَكِّن لَّهُمۡ حَرَمًا
ءَامِنٗا يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَيۡءٖ رِّزۡقٗا مِّن لَّدُنَّا
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن
قَرۡيَةِۭ بَطِرَتۡ مَعِيشَتَهَاۖ فَتِلۡكَ مَسَٰكِنُهُمۡ لَمۡ تُسۡكَن
مِّنۢ بَعۡدِهِمۡ إِلَّا قَلِيلٗاۖ وَكُنَّا نَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا
كَانَ رَبُّكَ مُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبۡعَثَ فِيٓ أُمِّهَا رَسُولٗا
يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِنَاۚ وَمَا كُنَّا مُهۡلِكِي ٱلۡقُرَىٰٓ إِلَّا
وَأَهۡلُهَا ظَٰلِمُونَ ﴿٥٩﴾

و هرآیینه ما پی در پی آوردیم برای ایشان [این قرآن را] تا بود که ایشان پند پذیرند. ﴿۵۱﴾ آنان‌که داده‌ایم ایشان را کتاب پیش از قرآن، ایشان به قرآن ایمان می‌آرند. ﴿۵۲﴾ و چون قرآن خوانده می‌شود برایشان، گویند: ایمان آوردیم به آن، هرآیینه وی راست است از جانب پروردگار ما، هرآیینه پیش از نزول قرآن منقاد بودیم. ﴿۵۳﴾ این جماعت داده شود ایشان را مزد ایشان دوبار به سبب آنکه صبر کردند و دفع می‌کنند به خصلت نیک، بدی را و از آنچه روزی داده‌ایم ایشان را خرج می‌کنند. ﴿۵۴﴾ و چون بشنوند سخن بیهوده را، روی بگردانند از آن و گویند: ما راست، کردارهای ما و شما راست، کردارهای شما. سلام بر شما باد! نمی‌خواهیم صحبت جاهلان[1]. ﴿۵۵﴾ [یا محمد] هرآیینه تو راه نمی‌نمایی هر که را دوست می‌داری و لیکن خدا راه می‌نماید هر که را خواهد و او داناتر است به راه یافتگان. ﴿۵۶﴾ و گفتند بعض اهل مکه: اگر پیرویِ هدایت کنیم با تو ربوده شویم از زمین خود[2]. آیا جا ندادیم ایشان را در حرمی با امن، رسانیده می‌شود به سوی وی میوه‌ها از هر جنس روزی از نزدیک ما و لیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند. ﴿۵۷﴾ و بسا هلاک کردیم از دیه‌ها را که از حد در گذشتند در گذران خود، پس اینها است جای ماندن ایشان، مانده نشد آنجا بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم ما به دست آرندهٔ میراث ایشان. ﴿۵۸﴾ و هرگز نیست پروردگار تو هلاک کنندهٔ دیه‌ها مگر تا آنکه بفرستد در قصبهٔ آن پیغامبری که بخواند بر ایشان آیات ما، و هرگز نیستیم هلاک کنندهٔ دیه‌ها مگر در آن حال که اهل آنها ستمکار باشند. ﴿۵۹﴾

۱- مترجم گوید: یهود پیش از آنکه آن حضرتﷺ به مدینه هجرت کند و نسخ یهودیت تصریح فرماید، معتقد قرآن بودند و می‌گفتند عرب را قرآن لازم است.

۲- یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ
وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَن
وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ
ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ﴿٦١﴾
وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ
تَزۡعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا
هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ
إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ٱدۡعُواْ
شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ
ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ يَهۡتَدُونَ ﴿٦٤﴾ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ
فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَن تَابَ
وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ
ٱلۡمُفۡلِحِينَ ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ
لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٦٨﴾
وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٦٩﴾
وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ
وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٧٠﴾

و هرچه داده شد شما را از هر نوعی، پس بهره‌مندی زندگانی دنیا و آرایش وی است و آنچه نزدیک خداست بهتر و پاینده‌تر است. آیا نمی‌فهمید؟. ﴿۶۰﴾ آیا کسی که وعده دادیمش وعدهٔ نیک پس او دریابندهٔ آن است، مانند کسی که به بهره‌مند ساختیمش به منفعت زندگانی دنیا، باز وی روز قیامت از حاضر کردگان است؟![1]. ﴿۶۱﴾ و روزی که آواز دهد خدا ایشان را، پس گوید: کجایند آن شریکان من که شما گمان می‌کردید؟!. ﴿۶۲﴾ گفتند آنان‌که ثابت شد بر ایشان حکم عذاب:[2] ای پروردگار ما! این جماعتند که گمراه کردیم، گمراه کردیم ایشان را چنانکه خود گمراه شدیم[3]. بی‌تعلّق می‌شویم از همه به سوی تو، ایشان ما را نمی‌پرستیدند. ﴿۶۳﴾ و گفته شود: بخوانید شریکان خود را. پس بخوانند ایشان را، پس ایشان قبول نکنند دعای آن جماعت و بینند عذاب و تمنّا کنند کاش! ایشان راه یاب می‌بودند. ﴿۶۴﴾ و روزی که آواز دهد خدا ایشان را، پس گوید: چه جواب دادید پیغامبران را؟. ﴿۶۵﴾ پس مشتبه شود بر ایشان خبرهای آن روز، پس ایشان با یکدیگر سؤال نکنند[4]. ﴿۶۶﴾ پس اما آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کار شایسته کرد، پس امید است که باشد از رستگاران ﴿۶۷﴾ و پروردگار تو می‌آفریند هرچه خواهد و برمی‌گزیند هر که را خواهد، نیست ایشان را اختیار. پاکی خدای راست و بلندتر است از آنکه شریک می‌آرند. ﴿۶۸﴾ و پروردگار تو می‌داند آنچه پنهان می‌دارند سینه‌های ایشان و آنچه آشکارا می‌کنند. ﴿۶۹﴾ و اوست خدا، نیست هیچ معبودی به حق غیر او، او راست ستایش در دنیا و آخرت و او راست فرمانروایی و به سوی او بازگردانیده شوید. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی در عذاب.
۲- یعنی رئیسان کفر.
۳- یعنی بغیرِ اکراه.
۴- یعنی جواب با صواب نیابند.

قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلَّيۡلَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ
يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا
تَسۡمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ
ٱلنَّهَارَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ
يَأۡتِيكُم بِلَيۡلٖ تَسۡكُنُونَ فِيهِۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِن
رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ
وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوۡمَ
يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ
﴿٧٤﴾ وَنَزَعۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا فَقُلۡنَا هَاتُواْ
بُرۡهَٰنَكُمۡ فَعَلِمُوٓاْ أَنَّ ٱلۡحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ﴿٧٥﴾ ۞إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوۡمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ
عَلَيۡهِمۡۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ
بِٱلۡعُصۡبَةِ أُوْلِي ٱلۡقُوَّةِ إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ
ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن
كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ وَلَا تَبۡغِ ٱلۡفَسَادَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ﴿٧٧﴾

بگو: آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما شب را
پاینده تا روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد
پیش شما روشنی را؟ آیا نمی‌شنوید؟. ﴿۷۱﴾ بگو: آیا
دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما روز را پاینده تا
روز قیامت، کیست معبودی غیر حق که بیارد به شما شبی
که آرام گیرید در آن؟ آیا نمی‌بینید؟. ﴿۷۲﴾ و از رحمت
خود ساخت برای شما شب و روز تا آرام گیرید در شب و
تا روزی طلب کنید از فضل او[۱] و تا شکرگزاری کنید.
﴿۷۳﴾ و روزی که آواز دهد ایشان را، پس گوید:
کجایند آن شریکان من که گمان می‌کردید؟. ﴿۷۴﴾ و
بیرون کشیم از هر امّتی گواهی را[۲]، پس گوییم قوم را
بیارید دلیل خود، پس بدانند که حق به جانب خداست و
گم کرده شود از ایشان آنچه افترا می‌کردند. ﴿۷۵﴾
هرآیینه قارون بود از قوم موسی، پس تعدی کرد بر ایشان
و عطا کرده بودیم او را از گنج‌ها آن قدر که کلیدهای او
گرانی می‌کرد جماعتِ صاحب توانایی را، چون گفت به
او قوم او: شاد مشو! هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد شاد
شوندگان را. ﴿۷۶﴾ و بجوی در آنچه خدا عطا کرده
است تو را صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصّهٔ
خود را از دنیا[۳] و نیکوکاری کن، چنانکه احسان کرده
است خدا بر تو و مجوی فساد در زمین، هرآیینه خدا
دوست نمی‌دارد فسادکنندگان را. ﴿۷۷﴾

۱- یعنی در روز.

۲- یعنی هر پیغامبری بر قوم خودگواهی دهد.

۳- یعنی در دنیا عمل صالح به جا آر.

قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَ لَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ
ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ
مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗاۚ وَلَا يُسۡـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ
ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ
ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ
قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ
صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفۡنَا بِهِۦ
وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٖ يَنصُرُونَهُۥ مِن
دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصۡبَحَ ٱلَّذِينَ
تَمَنَّوۡاْ مَكَانَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَقُولُونَ وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ
ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُۖ لَوۡلَآ أَن مَّنَّ
ٱللَّهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَاۖ وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ
ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا
يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ
لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾ مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن
جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا
مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٨٤﴾

گفت: جز این نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنابر دانشی که نزدیک من است. آیا ندانست که خدا هلاک کرد پیش از وی از قرن‌ها آن قوم را که تواناتر بود از وی از روی قوّت و بیشتر بود در جمعیّت؟ و پرسیده نمی‌شوند گناهکاران از گناهان خویش[1]. ﴿۷۸﴾ پس بیرون آمد بر قوم خود در آرایش خویش. گفتند آنان‌که طلب می‌کردند زندگانی دنیا را: ای کاش! ما را باشد مانند آنچه داده شده است قارون را، هرآیینه وی خداوندِ نصیب بزرگ است. ﴿۷۹﴾ و گفتند آنان‌که داده شده ایشان را علم: وای بر شما! ثواب خدا بهتر است مرآن‌کس راکه ایمان آورد و کار شایسته کرد و قرین کرده نمی‌شود به این سخن مگر صابران را. ﴿۸۰﴾ پس فرو بردیم قارون را و سرای او را به زمین، پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود خودش از انتقام کشندگان. ﴿۸۱﴾ و بامداد کردند آنان‌که آرزو می‌کردند منزلت او را دیروز، می‌گفتند: ای عجب! که خدا گشاده می‌کند رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می‌سازد و اگر نه آن بودی که انعام کرد خدا بر ما، هرآیینه فرو بردی ما را. ای عجب! که رستگار نمی‌شوند کافران. ﴿۸۲﴾ این سرای بازپسین، مقرر می‌کنیم آن را برای آنان‌که نمی‌طلبند تکبّر در زمین و نه فساد و حسن عاقبت، پرهیزگاران راست. ﴿۸۳﴾ هر که بیارد نیکی، پس او راست بهتر از آن و هر که بیارد بدی، پس جزا داده نمی‌شوند آنان‌که به عمل آوردند خطاها، الاّ به حسب آنچه می‌کردند. ﴿۸۴﴾

۱- یعنی در صورت لزوم پاداش مجال عذر نیست، والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِى فَرَضَ عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖۚ قُل
رَّبِّيٓ أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ
٨٥ وَمَا كُنتَ تَرۡجُوٓاْ أَن يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا
رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۖ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ ٨٦
وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَۖ
وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٨٧ وَلَا
تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ كُلُّ شَيۡءٍ
هَالِكٌ إِلَّا وَجۡهَهُۥۚ لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٨٨

هرآيينه خدايى که نازل کرد بر تو قرآن را، البته بازگرداننده است تو را به سوى جاى بازگشت[1]. بگو: پروردگار من داناتر است به آنکه آورد هدايت را و به هر که وى در گمراهى ظاهر است. ﴿۸۵﴾ و توقع نمى‌داشتى که فرود آورده شود به سوى تو کتاب، ليکن فروفرستاده شد به سبب رحمتى از پروردگار تو، پس هرگز مشو مددگار کافران. ﴿۸۶﴾ و باز ندارند کافران تو را از تبليغ آيات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد به سوى تو و دعوت کن به سوى پروردگار خويش و هرگز مباش از مشرکان. ﴿۸۷﴾ و مخوان با خدا معبود ديگر را، نيست هيچ معبود به حق غير او. هر چيز هلاک شونده است، مگر روى او. مر او راست فرمانروايى و به سوى او باز گردانيده شويد. ﴿۸۸﴾

سُورَةُ العَنكَبُوتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا
وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ ٢ وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ
فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٣
أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَاۚ
سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٤ مَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ
أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٖۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٥ وَمَن جَٰهَدَ
فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦

سوره عنکبوت

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

الم. ﴿۱﴾ آيا پنداشتند مردمان که بگذاشته شوند به مجرد آنکه گوين: ايمان آورديم و ايشان امتحان کرده نشوند؟!. ﴿۲﴾ و هرآيينه امتحان کرديم آنان را که پيش از ايشان بودند، پس البته متميز بکند خدا آنان را که راست گفتند و البته متميز کند دروغگويان را. ﴿۳﴾ آيا گمان کردند آنان‌که به عمل آوردند خطاها که پيش دستى کنند بر ما. بدچيزى است که بدان حکم مى‌کنند!. ﴿۴﴾ هر که اميد داشته باشد ملاقات خدا را، پس هرآيينه ميعاد خدا البته آينده است و اوست شنواى دانا. ﴿۵﴾ و هر که جهاد کند، جز اين نيست که جهاد مى‌کند براى نفع خويش، هرآيينه خدا بى‌نياز است از عالم‌ها. ﴿۶﴾

۱- يعنى آخرت.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ
سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ
٧ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ
لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ
مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ
٩ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي
ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ
مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ أَوَلَيۡسَ ٱللَّهُ
بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٠ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ ١١ وَقَالَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ
خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن
شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٢ وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا
مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ
يَفۡتَرُونَ ١٣ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ
فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ
وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١٤

و آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته محو کنیم از سر ایشان خطاهای ایشان را و البته جزا دهیم ایشان را به نیکوترینِ آنچه می‌کردند. ﴿۷﴾ و امر کردیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی نیک معامله کردن. و اگر کوشش کنند با تو ای انسان! تا شریک آری با من آنچه نیست تو را به حقیقت آن دانشی، پس فرمانبرداری ایشان مکن. به سوی من است بازگشت شما، پس خبر دهم شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۸﴾ و آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته در آریم ایشان را در زمرهٔ شایستگان. ﴿۹﴾ و از مردمان کسی هست که می‌گوید: ایمان آوردیم به خدا، پس چون تصدیع داده شد او را در راه خدا، شمرد رنج دادن مردمان را مانند عذاب خدا و اگر بیاید فتحی از پروردگار تو، گویند: هرآیینه ما با شما بودیم. آیا نیست خدا داناتر به آنچه در سینه‌های عالم‌ها است؟. ﴿۱۰﴾ و البته ممتاز کند خدا آنان را که ایمان آوردند و البته ممتاز کند منافقان را. ﴿۱۱﴾ و گفتند کافران به مسلمانان: پیرویِ راه ما کنید و باید که ما برداریم گناهان شما را و نیستند ایشان بردارندهٔ چیزی از گناهان آن جماعت، هرآیینه ایشان دروغ‌گویانند. ﴿۱۲﴾ و البته بردارند بارهای خویش را و بارها را همراه بارهای خویش و البته سؤال کرده شوند روز قیامت از آنچه افترا می‌کردند[1]. ﴿۱۳﴾ و هرآیینه فرستادیم نوح را به سوی قوم او، پس توقف کرد در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال. پس درگرفت به ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند. ﴿۱۴﴾

۱- یعنی بارِ گمراه شدن و گمراه کردن بردارند و بار تابعان از سر ایشان دفع نکند.

فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ
لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٥﴾ وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿١٦﴾
إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ
ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ
رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ
إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِن تُكَذِّبُواْ فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن
قَبۡلِكُمۡۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَ لَمۡ
يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓۚ إِنَّ ذَٰلِكَ
عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿١٩﴾ قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ
كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ
مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن
وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿٢٢﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ
وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ
عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٣﴾

پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و ساختیم کشتی را نشانه‌ای برای عالم‌ها. ﴿۱۵﴾ و فرستادیم ابراهیم را وقتی که گفت به قوم خود: پرستش خدا کنید و بترسید از وی، این بهتر است شما را اگر می‌دانید. ﴿۱۶﴾ جز این نیست که می‌پرستید به جز خدا بتان را و برمی‌بندید دروغ را، هرآیینه آنان‌که پرستش می‌کنید به جز خدا نمی‌توانند برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزدیک خدا روزی را و پرستش او کنید و شکر او بجا آرید. به سوی او بازگردانیده خواهید شد. ﴿۱۷﴾ و اگر دروغ می‌شمردید، پس هرآیینه دروغ شمرده بودند امت‌ها پیش از شما. و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا. ﴿۱۸﴾ آیا ندیدند چگونه نو می‌کند خدا آفرینش را، باز دیگر بار کند آفرینش؟ هرآیینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۱۹﴾ بگو: سیر کنید در زمین، پس درنگرید چگونه نو کرد آفرینش را، باز خدا پیدا کند آن پیدایش را بازپسین. هرآیینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۲۰﴾ عذاب کند هر که را خواهد و رحم کند بر هر که خواهد و به سوی او باز گردانیده خواهید شد. ﴿۲۱﴾ و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان و نیست شما را بجز خدا هیچ دوست و نه یاری دهنده. ﴿۲۲﴾ و آنان‌که کافر شدند به آیات خدا و به ملاقات او، آن جماعت نومید شدند از رحمت من و آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۳﴾

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوْمٖ
يُؤْمِنُونَ ﴿٢٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنٗا
مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ
يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٖ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضٗا
وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٥﴾
۞فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٞۘ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ
ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ
وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ وَءَاتَيْنَٰهُ أَجْرَهُۥ
فِي ٱلدُّنْيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلْأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا
إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم
بِهَا مِنْ أَحَدٖ مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ
ٱلرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ
ٱلْمُنكَرَۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئْتِنَا
بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ
ٱنصُرْنِي عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آن که گفتند: بکشید او
را یا بسوزانید او را. پس برهانید خدا او را از آتش، هرآیینه
در این ماجرا نشانه‌هاست برای گروهی که باور می‌دارند.
﴿۲۴﴾ و گفت ابراهیم: جز این نیست که بت گرفته‌اید
بجز خدا به جهت دوستی در میان خویش در زندگانی دنیا.
باز روز قیامت نامعتقد شود بعض شما به بعض و لعنت کند
بعض شما بعض را و جای شما دوزخ است و نیست شما را
هیچ یاری‌دهنده. ﴿۲۵﴾ پس باور داشت ابراهیم را لوط و
گفت ابراهیم: هرآیینه هجرت کننده‌ام به سوی پروردگار
خویش. هرآیینه وی غالب با حکمت است. ﴿۲۶﴾ و عطا
کردیم او را اسحق و یعقوب و مقرر داشتیم در اولاد وی
پیغامبری و کتاب را و دادیم او را مزد او در دنیا و هرآیینه
وی در آخرت از شایستگان است. ﴿۲۷﴾ و فرستادیم لوط
را وقتی که گفت به قوم خود: هرآیینه شما به عمل
می‌آرید کار بی‌حیایی را که پیش دستی نکرده است بر
شما به سوی آن هیچ‌کس از عالم‌ها. ﴿۲۸﴾ آیا شما به
قصد شهوت می‌آیید به مردان و قطع طریق می‌کنید و به
عمل می‌آرید در مجلس خویش کار ناپسندیده؟ پس نبود
جواب قوم او مگر آنکه گفتند: بیار پیش ما عذاب خدا را
اگر هستی از راست‌گویان. ﴿۲۹﴾ گفت: ای پروردگار
من! نصرت ده مرا بر قوم مفسدان. ﴿۳۰﴾

وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا
مُهۡلِكُوٓاْ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِۖ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ
٣١ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗاۚ قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَاۖ
لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ
٣٢ وَلَمَّآ أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ
بِهِمۡ ذَرۡعٗاۖ وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ
وَأَهۡلَكَ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ٣٣ إِنَّا
مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا
كَانُواْ يَفۡسُقُونَ ٣٤ وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ٣٥ وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗا فَقَالَ يَٰقَوۡمِ
ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱرۡجُواْ ٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ ٣٦ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ
فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ جَٰثِمِينَ ٣٧ وَعَادٗا وَثَمُودَاْ وَقَد
تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَٰكِنِهِمۡۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ
أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ
٣٨

و وقتی آوردند فرستادگان ما پیش ابراهیم مژده را، گفتند: هرآیینه ما هلاک کنندهٔ اهل این دیه‌ایم، هرآیینه اهل این دیه ستمکار بودند. ﴿۳۱﴾ گفت ابراهیم: هرآیینه در آنجا لوط است. گفتند: ما داناتریم به هر که آنجاست، البته خلاص کنیم او را و اهل او را الاّ زن وی، باشد از باقی ماندگان. ﴿۳۲﴾ و وقتی که آمدند فرستادگان ما پیش لوط، اندوهگین کرده شد به سبب ایشان و تنگدل شد به سبب ایشان و گفتند آن فرستادگان: مترس و اندوه مخور! هرآیینه نجات دهندهٔ تو و اهل توییم مگر زن تو، باشد از باقی ماندگان. ﴿۳۳﴾ هرآیینه ما فرود آرنده‌ایم بر اهل این دیه عقوبتی را از آسمان به سبب آنکه بدکاری می‌کردند. ﴿۳۴﴾ و هرآیینه گذاشتیم از آن دیه نشانه‌ای واضح برای گروهی که درمی‌یابند. ﴿۳۵﴾ و فرستادیم به سوی مدین برادر ایشان، شعیب را، پس گفت: ای قوم من! عبادتِ خدا کنید و توقع دارید روز بازپسین را و هر سو مگردید در زمین، فسادکنان. ﴿۳۶﴾ پس دروغی داشتند او را، پس در گرفت ایشان را زلزله، پس بامداد کردند در خانه‌های خویش مرده افتاده. ﴿۳۷﴾ و هلاک کردیم عاد و ثمود را و هرآیینه واضح شده است شما را بعض مساکن ایشان و آراسته ساخته بود برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را، پس بازداشت ایشان را از راه و ایشان بینا بودند. ﴿۳۸﴾

وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ
﴿٣٩﴾ فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ
حَاصِبٗا وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ
خَسَفۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ
لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ
ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ
ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ
كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن
دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلۡكَ
ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ
﴿٤٣﴾ خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٤﴾ ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ
وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ
وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ
﴿٤٥﴾

و هلاک کردیم قارون و فرعون و هامان را و هرآیینه آمده بود به ایشان موسی با نشانه‌های واضح، پس تکبّر کردند در زمین و نبودند سبقت کنندگان. ﴿۳۹﴾ پس هر یکی را گرفتار ساختیم به وبال گناهش. پس از ایشان کسی بود که فرستادیم بر وی بادی سنگبار و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز سخت و از ایشان کسی بود که فرو بردیمش به زمین و از ایشان کسی بود که غرق ساختیم و هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویش ستم می‌کردند. ﴿۴۰﴾ داستان آنان‌که دوستان گرفته‌اند به غیر خدا، همچون داستان عنکبوت است که فراگرفت خانه‌ای و هرآیینه سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند[۱]. ﴿۴۱﴾ هرآیینه خدا می‌داند حال چیزی که می‌پرستند بجز وی از هرچه باشد و اوست غالب باحکمت. ﴿۴۲﴾ این داستان‌ها، بیان می‌کنیم آن را برای مردمان و نمی‌فهمند آن را مگر دانایان. ﴿۴۳﴾ آفرید خدا آسمان‌ها و زمین را به تدبیر درست، هرآیینه در این کار نشانه‌ای است برای مسلمانان. ﴿۴۴﴾ بخوان [یا محمد]، آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب و برپادار نماز را، هرآیینه نماز منع می‌کند از کار بی حیایی و فعل ناپسندیده و هرآیینه یاد کردن خدا بزرگتر است از همه و خدا می‌داند آنچه می‌کنید. ﴿۴۵﴾

۱- مترجم گوید: حاصل مثل آن است که ایشان به بتان پناه برده‌اند و بتان هیچ نفع ندهند، چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی‌دهد.

۞وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ
إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا
وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ
مُسۡلِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ
ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن
يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا
كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ
بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ
بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ
بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ
ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۖ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠
نَذِيرٞ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ
لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ
شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٥٢﴾

و مکابره مکنید با اهل کتاب، الاّ به خصلتی که وی نیک
است، مگر با آنان‌که ستم کردند از ایشان و بگویید: ایمان
آوردیم به آنچه فرود آورده شد به سوی ما و آنچه فرود
آورده شد به سوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است
و ما او را منقادیم. ﴿۴۶﴾ چنانکه کتاب‌های سابق فرود
آورده بودیم، همچنان فرود آوردیم به سوی تو کتاب.
پس آنان‌که دادیم ایشان را کتاب ایمان می‌آرند به آن و از
عرب کسی هست که ایمان می‌آرد بدان و انکار نمی‌کنند
آیات ما را مگر کافران. ﴿۴۷﴾ و نمی‌خواندی پیش از
نزول قرآن هیچ کتاب را و نمی‌نوشتی هیچ کتاب را به
دست راست خود، آنگاه در شک می‌افتادند این بدکیشان.
﴿۴۸﴾ بلکه [قرآن] آیات روشن است، محفوظ در
سینه‌های آنان‌که داده شده ایشان را علم و انکار نمی‌کنند
آیات ما را مگر ستمکاران[۱]. ﴿۴۹﴾ و گفتند: چرا
نفرستاده شد برین پیغامبر نشانه‌ها از جانب پروردگار وی؟
بگو: جز این نیست که نشانه‌ها نزدیک پروردگار من است
و جز این نیست که من ترسانندهٔ آشکارم. ﴿۵۰﴾ آیا
کفایت نکرده است ایشان را آنکه فرستادیم بر تو کتاب
که خوانده می‌شود بر ایشان، هرآیینه در این مقدمه رحمت
و پند است برای قوم که باور می‌دارند. ﴿۵۱﴾ بگو: بس
است خدا گواه میان من و میان شما. می‌داند آنچه در
آسمان‌ها و زمین است و آنان‌که ایمان آوردند به ناحق و
کافر شدند به خدا، آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۵۲﴾

۱- مترجم گوید: بعض مفسران گفته‌اند که مراد از ﴿ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ﴾ به تنها ذات حضرت پیغامبرست ﷺ والله اعلم.

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَوۡلَآ أَجَلٞ مُّسَمّٗى لَّجَآءَهُمُ
ٱلۡعَذَابُۚ وَلَيَأۡتِيَنَّهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٥٣﴾
يَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ
بِٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوۡمَ يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِن فَوۡقِهِمۡ
وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۡ وَيَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ
﴿٥٥﴾ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ
فَٱعۡبُدُونِ ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا
تُرۡجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ غُرَفٗا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ
خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ نِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ﴿٥٨﴾ ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ
وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ
رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٦٠﴾
وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَسَخَّرَ
ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ
يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥٓۚ إِنَّ
ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿٦٢﴾ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّن نَّزَّلَ
مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ مَوۡتِهَا
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ
﴿٦٣﴾

و شتاب می‌طلبند از تو عذاب را و اگر نبودی میعادی معیّن، البته آمدی بدیشان عذاب و هرآیینه بیاید بدیشان ناگهان و ایشان ندانند. ﴿۵۳﴾ شتاب طلب می‌کنند از تو عذاب را و هرآیینه دوزخ درگیرنده است کافران را. ﴿۵۴﴾ روزی که بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیر پای ایشان و بگوید خدای: بچشید جزای آنچه می‌کردید. ﴿۵۵﴾ ای[1] بندگان مسلمانان من! هرآیینه زمین من گشاده است، پس مرا بخصوص عبادت کنید. ﴿۵۶﴾ هر شخصی چشندهٔ مرگ است. باز به سوی ما گردانیده شوید. ﴿۵۷﴾ و آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته فرود آریم ایشان را از بهشت به محل‌های بلند، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا. نیک است مزد این عمل کنندگان. ﴿۵۸﴾ آنان‌که صبر کردند و بر پروردگار خویش توکّل می‌کنند. ﴿۵۹﴾ و بسا جانور که برنمی‌دارد روزی خود را، خدا روزی می‌دهد او را و شما را نیز و اوست شنوای دانا. ﴿۶۰﴾ و اگر سؤال کنی ایشان را که کیست آن که آفرید آسمان‌ها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را؟ البته گویند: آن خدای است. پس از چه جهت گردانیده می‌شوند از راه توحید؟. ﴿۶۱﴾ خدا فراخ می‌کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ می‌سازد برای هر که خواهد. هرآیینه خدا به هر چیز داناست. ﴿۶۲﴾ و اگر بپرسی ایشان را کیست آن که فرود آورد از آسمان آب را، پس زنده ساخت به سبب آن زمین را بعد از مردن آن؟ البته بگویند: آن خداست. بگو: ستایش خدای راست، بلکه بیشترین ایشان نمی‌فهمند. ﴿۶۳﴾

۱- مترجم گوید: خدای تعالی ترغیب می‌فرماید بر هجرت حبشه و مدینه به این آیات.

وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ ﴿٦٥﴾ لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ وَلِيَتَمَتَّعُواْۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٦٦﴾ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ ﴿٦٧﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٦٩﴾

و نیست این زندگانی دنیا مگر بازی و بیهوده و هرآیینه سرای آخرت همون است زندگانی، اگر می‌دانستند. ﴿۶۴﴾ پس ایشان چون سوار شدند در کشتی‌ها، دعا کنند به جناب خدا، خالص کنان برای وی عبادت را. پس وقتی که نجات دادیم ایشان را به سوی زمین خشک، ناگهان ایشان شریک می‌آرند. ﴿۶۵﴾ تا ناسپاسی کنند به آنچه عطا کردیم ایشان را و تا بهره‌مند شوند[۱]. پس حقیقت حال را خواهند دانست. ﴿۶۶﴾ آیا ندیدند که ما پیدا کردیم حرم با امن را و ربوده می‌شوند مردمان از حوالی ایشان؟ آیا بی‌اصل را باور می‌دارند و به نعمت خدا ناسپاسی می‌کنند؟!. ﴿۶۷﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که افتری کرد بر خدا دروغی را یا دروغ داشت سخن راست را چون بیاید پیش او؟ آیا نیست در دوزخ جایی کافران را؟. ﴿۶۸﴾ و آنان‌که جهاد کردند در راه ما، البته دلالت کنیم ایشان را به راه‌های خود. و هرآیینه خدا با نیکوکاران است. ﴿۶۹﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ﴿٢﴾ فِيٓ أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ سَيَغۡلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿٤﴾ بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾

سوره روم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الم[۲]. ﴿۱﴾ مغلوب شدند قوم روم. ﴿۲﴾ در نزدیک‌ترین زمین[۳] و ایشان بعد از مغلوب شدن خود غالب خواهند آمد. ﴿۳﴾ در چند سال. خدای راست فرمان پیش از این و پس از این و آن روز شادمان شوند مسلمانان. ﴿۴﴾ به نصرت خدا، نصرت می‌دهد هر که را خواهد و اوست غالب مهربان. ﴿۵﴾

۱- یعنی به درستی یکدیگر به سببِ اجتماع بر شرک بهره‌مند شوند.

۲- مترجم گوید: فارس بر روم غالب شدند و بعضِ بلاد و سرحد را در تصرف خود آوردند. چون این خبر به مکه رسید، اهل اسلام اندوهگین شدند، زیرا که ایشان اهل کتاب بودند و کفار شادمان گشتند، زیراکه ایشان و اهل فارس امیان بودند. خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چند سال بعد هجرت متحقق شد و این قصه یکی از دالائل نبوت است.

۳- یعنی در سرحدِ خود.

وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٦ يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ ٧ أَوَ لَمۡ
يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ
كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ ٨ أَوَ لَمۡ
يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ
مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ
وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ
أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٩ ثُمَّ كَانَ عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ
ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ
١٠ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ
١١ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٢ وَلَمۡ
يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ
كَٰفِرِينَ ١٣ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤
فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي
رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥

وعده کرده است خدا خلاف نمی‌کند خدا وعدهٔ خود را و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۶﴾ می‌دانند ظاهر را از تدبیر زندگانی دنیا و ایشان از آخرت بی‌خبرانند. ﴿۷﴾ آیا تأمّل نکردند در ضمیر خود که نیافریده است خدا آسمان‌ها و زمین را و آنچه در میان آن هر دو است، مگر به تدبیر درست و بتعیین میعادی مقرر؟ و هرآیینه بسیاری از مردمان به ملاقات پروردگار خویش نامعتقدند. ﴿۸﴾ آیا سیر نکردند در زمین، پس بنگرند چگونه شد عاقبت آنان‌که پیش از ایشان بودند؟ بودند تواناتر از ایشان و شورانیدند زمین را و آباد کردند آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را و آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به معجزه‌ها. پس ممکن نبود که خدا ستم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشتن ستم می‌کردند. ﴿۹﴾ باز حال بد، عاقبت آن کسان شد که بدی کردند به سبب آن که دروغ داشتند آیات خدا را و به آن استهزاء می‌کردند. ﴿۱۰﴾ خدا نو پیدا می‌کند آفرینش، باز دوباره کندش، باز به سوی او گردانیده شوید. ﴿۱۱﴾ و روزی که قایم شود قیامت ملزم شده، خاموش مانند گناهکاران. ﴿۱۲﴾ و نباشد برای ایشان از شریکان ایشان هیچ شفاعت کننده و باشند به شریکان خویش، نامعتقد. ﴿۱۳﴾ و روزی که قایم شود قیامت، آن روز پراکنده شوند مردمان. ﴿۱۴﴾ اما آنان‌که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند. ﴿۱۵﴾

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلۡأٓخِرَةِ
فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ
حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخۡرِجُ
ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ
ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ﴿١٩﴾ وَمِنۡ
ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ
تَنتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ
أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم
مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ
أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ
﴿٢٢﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ
وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ
يَسۡمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا
وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ
بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ﴿٢٤﴾

و اما آنان‌که کافر شدند و دروغ داشتند آیات ما را و
ملاقات آخرت را، پس ایشان در عذاب، حاضر
کرده‌گانند. ﴿۱۶﴾ پس پاکی است خدا را وقتی که شام
می‌کنید و وقتی که به صباح در می‌آیید. ﴿۱۷﴾ و مر او
راست ستایش در آسمان‌ها و زمین و آخر روز و آنگاه که
در وقت زوال در می‌آیید[۱]. ﴿۱۸﴾ بر می‌آرد زنده را از
مرده و بر می‌آرد مرده را از زنده و زنده می‌سازد زمین را
بعدِ مردنِ آن و همچنین بر آورده خواهید شد (یعنی از
قبور) . ﴿۱۹﴾ و از نشانه‌های خدا آن است که آفرید شما
را از خاک، باز ناگهان شما مردم شدید جابه‌جا پراکنده
شده. ﴿۲۰﴾ و از نشانه‌های خدا آن است که بیافرید برای
شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید به سوی ایشان
متوجّه شده و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی،
هرآیینه در این کار نشانه‌هاست برای گروهی که تأمّل
می‌کنند. ﴿۲۱﴾ و از نشانه‌های اوست آفریدن آسمان‌ها و
زمین و گوناگون بودن زبان‌های شما و رنگ‌های شما،
هرآیینه در این کار نشانه‌هاست دانشمندان را. ﴿۲۲﴾ و از
نشانه‌های اوست خفتن شما در شب و روز و رزق طلب
کردن شما از فضل او، هرآیینه در این کار نشانه‌هاست
برای قومی که می‌شنوند. ﴿۲۳﴾ و از نشانه‌های اوست که
می‌نماید به شما برق را از برای ترسانیدن و رغبت دادن و
فرود می‌آرد از آسمان آب، پس زنده می‌کند به سبب آن
زمین را بعد از مردن آن. هرآیینه در این کار نشانه‌هاست
برای قومی که می‌فهمند. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: مراد آن است که در هر وقتی ازین اوقات، دلائلِ تنزیه او از رذائل و انصافِ او به حمائد، متجدد می‌گردد، پس مأمور شدند به صلوة، والله اعلم.

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا
دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ﴿٢٥﴾
وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿٢٦﴾
وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ
وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلٗا مِّنۡ أَنفُسِكُمۡۖ هَل
لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِي مَا
رَزَقۡنَٰكُمۡ فَأَنتُمۡ فِيهِ سَوَآءٞ تَخَافُونَهُمۡ كَخِيفَتِكُمۡ
أَنفُسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ﴿٢٨﴾
بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ فَمَن
يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمۡ
وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ
عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٠﴾ ۞مُنِيبِينَ
إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ
كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

و از نشانه‌های خدا است که می‌ایستد آسمان و زمین به حکم او، باز چون بخواند شما را یک بار خواندن، ناگهان شما از زمین برآیید. ﴿۲۵﴾ و مر او راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هر یکی برای او فرمانبردارند. ﴿۲۶﴾ و اوست آن که نو می‌کند آفرینش را، باز دوباره کندش و این دوباره کردن آسانتر است بر وی و مر او راست صفت بلندتر در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب با حکمت. ﴿۲۷﴾ بیان کرد برای شما داستانی از حال شما. آیا هست برای شما از بندگانی که مالک ایشان است دست شما، هیچ شریکی در آنچه عطا کردیم شما را، تا شما در آن یکسان باشید. بترسید از ایشان مانند ترسیدن از قوم خویش. همچنین بیان می‌کنیم نشانه‌ها برای قومی که می‌فهمند[1]. ﴿۲۸﴾ بلکه پیروی کردند ستمکاران خواهش نفس خود را به غیر علم. پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا؟ و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده. ﴿۲۹﴾ پس راست کن روی خود را برای عبادت حنیف شده. پیروی کن دین خدا را که پیدا کرد مردمان را بر وی. بدل کردن نبود دین خدا را. این است دین درست و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۳۰﴾ عبادت کنید رجوع کرده به سوی وی و بترسید از وی و برپا دارید نماز را و مباشید از مشرکان. ﴿۳۱﴾ مباشید از آنان‌که پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروه گروه هر گروهی به آنچه نزدیک اوست خورسند است. ﴿۳۲﴾

۱- حاصل مَثَل آن است که مملوک با مالک برابر نمی‌شود، پس مملوکِ خدا را شریک او نتوان گفت.

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَآ
أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾
لِيَكْفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيْنَٰهُمْۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾
أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ
يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن
تُصِبْهُمْ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ
﴿٣٦﴾ أَوَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقْدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَـَٔاتِ
ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ
لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ
﴿٣٨﴾ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَاْ فِيٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا
يَرْبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ
ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي
خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْۖ
هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍۚ
سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي
ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم
بَعْضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

و چون برسد به مردمان، سختی، بخوانند پروردگار خود را رجوع کرده به سوی وی، باز چون بچشاند ایشان را از جانب خود آسایشی، ناگهان طایفه‌ای از ایشان به پروردگار خود شریک می‌آرند. ﴿۳۳﴾ عاقبت حال ایشان آنکه ناسپاسی کنند به آنچه عطا کردیم به ایشان. پس بهره‌مند شوید، پس زود حقیقت حال خواهید دانست. ﴿۳۴﴾ آیا فرود آوردیم بر ایشان دلیلی، پس آن دلیل بیان می‌کند برای ایشان به آنچه با خدا شریک می‌آرند؟. ﴿۳۵﴾ و چون بچشانیم مردمان را بخشایشی، شادمان شوند به آن و اگر برسد بدیشان سختی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان، ناگهان ایشان ناامید می‌شوند. ﴿۳۶﴾ آیا ندیدند که خدا گشاده می‌کند روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند برای هر که می‌خواهد؟ هرآیینه در این مقدمه نشانه‌هاست برای قومی که ایمان می‌آرند. ﴿۳۷﴾ پس بده صاحب خویشی را حق وی و مسکین را و راهگذاری را، این دادن بهتر است برای کسانی که می‌طلبند روی خدا را و این جماعت، ایشانند رستگار. ﴿۳۸﴾ و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در اموال مردمان، پس وی نمی‌افزاید نزدیک خدا و آنچه داده باشید از صدقه طلب‌کنان روی خدا را، پس این جماعت ایشانند دو چند کننده[۱]. ﴿۳۹﴾ خدا آن است که بیافرید شما را، باز روزی داد شما را، باز بمیراند شما را، باز زنده گرداند شما را. آیا از شریکان شما کسی هست که بکند از این کار چیزی؟ پاکی او راست و بلندتر است از آنچه شریک می‌آرند. ﴿۴۰﴾ پیدا شد فساد در بیابان و در دریا به سبب آنچه به عمل آورد دست مردمان تا بچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند، بود که ایشان بازگردند[۲]. ﴿۴۱﴾

۱- مترجم گوید: مالی راکه به شرط زیادت بدهند، ربا نام نهاده شد.
۲- یعنی قحط غرق و سائرِ مصائب، جزای قتلِ بنی آدم می‌باشد.

قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقِمۡ
وَجۡهَكَ لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ
مِنَ ٱللَّهِۖ يَوۡمَئِذٖ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ
كُفۡرُهُۥۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِأَنفُسِهِمۡ يَمۡهَدُونَ ﴿٤٤﴾
لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن
فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن
يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ
وَلِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ
وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ
رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمۡنَا مِنَ
ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٧﴾
ٱللَّهُ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَيَبۡسُطُهُۥ فِي
ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ يَشَآءُ وَيَجۡعَلُهُۥ كِسَفٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ
يَخۡرُجُ مِنۡ خِلَٰلِهِۦۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ
عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلِ
أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡهِم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمُبۡلِسِينَ ﴿٤٩﴾ فَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ
ءَاثَٰرِ رَحۡمَتِ ٱللَّهِ كَيۡفَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ
ذَٰلِكَ لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٥٠﴾

بگو: سیر کنید در زمین. پس در نگرید چگونه بود انجام آنان‌که پیش از ایشان بودند. بودند بیشترین ایشان مشرکان. ﴿۴۲﴾ پس راست کن روی خود را برای دین درست، پیش از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آن را از جانب خدا، آن روز متفرّق شوند. ﴿۴۳﴾ هر که کافر شد، پس بر وی است کفر او و هر که کرده باشد کار شایسته، پس این جماعت برای خویشتن، آرامگاه راست می‌کنند. ﴿۴۴﴾ تا جزا دهد خدا آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود، هرآیینه وی دوست نمی‌دارد کافران را. ﴿۴۵﴾ و از نشانه‌های خدا آن است که می‌فرستد بادهای مژده دهنده و برای آنکه بچشاند شما را از رحمت خود (یعنی باران دهد) و برای آنکه جاری شوند کشتی‌ها به فرمان او و برای اینکه روزی طلب کنید از فضل او و برای آنکه شما شکر کنید. ﴿۴۶﴾ و هرآیینه پیش از تو فرستادیم پیغامبران را به سوی قوم ایشان، پس آوردند پیش قوم خود نشانه‌ها، پس انتقام کشیدیم از آنان‌که نافرمانی کردند و بود نصرت مسلمانان لازم بر ما. ﴿۴۷﴾ خدا آن است که می‌فرستد بادها را. پس برانگیزاند ابر را، پس خدا بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد و بگرداندش پاره پاره، پس می‌بینی که قطرات بیرون می‌آیند از میان آن، پس چون رساندش به هر که خواهد از بندگان خود ناگاهان ایشان شادمان شوند. ﴿۴۸﴾ و اگرچه بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان [باران] ناامید شونده. ﴿۴۹﴾ پس در نگر به سوی آثار رحمت خدا، چگونه زنده می‌کند زمین را بعدِ مرده بودن آن، هرآیینه وی البته زنده کنندهٔ مردگان است و او بر همه چیز تواناست. ﴿۵۰﴾

وَلَئِنۡ أَرۡسَلۡنَا رِيحٗا فَرَأَوۡهُ مُصۡفَرّٗا لَّظَلُّواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ
يَكۡفُرُونَ ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ
ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ
ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا
فَهُم مُّسۡلِمُونَ ﴿٥٣﴾ ۞ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن
ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ
بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ
ٱلۡقَدِيرُ ﴿٥٤﴾ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقۡسِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ مَا
لَبِثُواْ غَيۡرَ سَاعَةٖۚ كَذَٰلِكَ كَانُواْ يُؤۡفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ
ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ
إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا
تَعۡلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَعۡذِرَتُهُمۡ
وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ ﴿٥٧﴾ وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ وَلَئِن جِئۡتَهُم بِـَٔايَةٖ لَّيَقُولَنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا مُبۡطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَٰلِكَ
يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٩﴾ فَٱصۡبِرۡ
إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ
﴿٦٠﴾

و اگر فرستیم بادی، پس ببینند آن کشت را زرد شده، البته
شوند بعد از آن ناسپاسی کننده. ﴿۵۱﴾ پس هرآیینه تو
نمی‌شنوانی مردگان را و نمی‌شنوانی کران را آواز خواندن،
چون روی بگردانند پشت داده. ﴿۵۲﴾ و نیستی تو راه
نماینده کوران از گمراهی ایشان. نمی‌شنوانی مگر کسی را
که باور می‌دارد آیات ما را، پس آن جماعت انقیاد
کننده‌اند. ﴿۵۳﴾ خدا آن است که آفرید شما را از ابتدای
ناتوانی، باز داد مر شما را بعد از ناتوانی، توانایی، باز داد
بعد از توانایی، ناتوانی و سپیدی موی، می‌آفریند هرچه
می‌خواهد و اوست دانای توانا. ﴿۵۴﴾ و روزی که قایم
شود قیامت، سوگند خورند گناهکاران که توقف نکردند
(یعنی در دنیا) بجز ساعتی، همچنین از راه برگردانیده
می‌شوند[1]. ﴿۵۵﴾ و گویند آنان‌که علم و ایمان داده شده
است ایشان را: هرآیینه توقف کرده‌اید بر وفق کتاب خدا
تا روز رستخیز، پس این است روز رستخیز و لیکن شما
نمی‌دانستید. ﴿۵۶﴾ پس آن روز سود ندهد ظالمان را
عذرخواهی ایشان و نه ایشان طلب توبه کرده شوند.
﴿۵۷﴾ هرآیینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن هر
داستانی و اگر بیاری پیش ایشان نشانه‌ای، گویند کافران:
نیستید شما مگر بیهوده‌گو. ﴿۵۸﴾ همچنین مُهری می‌نهد
خدا بر دل آنان‌که نمی‌دانند. ﴿۵۹﴾ پس صبر کن، هرآیینه
وعدهٔ خدا راست است و سبکسار نکنند تو را آنان‌که یقین
نمی‌آرند. ﴿۶۰﴾

۱- یعنی چون عقوباتِ مخلّده معاینه کردند دنیا را به مشابهٔ ساعتی خیال نمودند، بر عکس آنکه در حیات دنیا را به مشابهٔ خلود خیال می‌کردند، والله اعلم.

سُورَةُ لُقۡمَانَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ١ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ٢ هُدٗى
وَرَحۡمَةٗ لِّلۡمُحۡسِنِينَ ٣ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ
وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤
أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ
لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ
أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ٦ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا
وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ
فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٧ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ٨ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ
وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ
رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖۚ
وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ
كَرِيمٍ ١٠ هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ
مِن دُونِهِۦۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ١١

سوره لقمان

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الم. ﴿۱﴾ این آیت‌های کتاب با حکمت است. ﴿۲﴾
هدایت و بخشایش شده برای نیکوکاران. ﴿۳﴾ آنان‌که
برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و ایشان به آخرت
یقین می‌دارند. ﴿۴﴾ این جماعت بر هدایت‌اند، آمده از
پروردگار ایشان و این جماعت، ایشانند رستگار. ﴿۵﴾ و
از مردمان کسی هست که می‌ستاند سخنی را که برای
بازی است[1] تا گمراه کند مردم را از راه خدا به غیر علم و
تمسخر گیرد راه خدا را. این جماعت، ایشان راست عذاب
خوارکننده. ﴿۶﴾ و چون خوانده شود برین شخص آیات
ما، روی بگرداند تکبرکنان. گویا نشنیده است آن را، گویا
در دو گوش وی گرانی است. پس خبر ده او را به عذاب
درد دهنده. ﴿۷﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و
کردارهای شایسته کردند، ایشان راست بهشت‌های نعمت.
﴿۸﴾ جاویدان آنجا. وعده داده است خدا، وعدهٔ راست و
اوست غالب با حکمت. ﴿۹﴾ آفرید آسمان‌ها به غیر
ستون‌ها که ببینید آن را و افکند در زمین کوه‌ها برای
احتراز از آنکه بجنباند شما را و پراکنده کرد در زمین از
هر نوع جانور، و فرود آوردیم از آسمان، آبی. پس
رویانیدیم در زمین از هر جنس نیک. ﴿۱۰﴾ این است
آفرینش خدا، پس بنمایید مرا چه چیز آفریدند آنان‌که بجز
وی‌اند؟ بلکه ستمکاران در گمراهیِ ظاهرند. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی مثل قصهٔ رستم و اسفندیار.

وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن
يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ
غَنِيٌّ حَمِيدٞ ﴿١٢﴾ وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ
يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴿١٣﴾
وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ
وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ
ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ
لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا
مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ
فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ
مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ
خَبِيرٞ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ
عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ
عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ
فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ
﴿١٨﴾ وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ
أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ ﴿١٩﴾

و هرآیینه عطا کردیم لقمان را حکمت. گفتیم که شکر کن خدا را، و هر که شکر کند، پس جز این نیست که شکر می‌کند برای نفع خود و هر که ناسپاسی کند، پس هرآیینه خدا بی‌نیاز ستوده کار است. ﴿۱۲﴾ و یاد کن چون گفت لقمان به پسر خود و او پند می‌داد آن پسر را: ای پسرک من! شریک مقرر مکن با خدا، هرآیینه شرک ستمی بزرگ است. ﴿۱۳﴾ و حکم فرمودیم آدمی را به نسبت پدر و مادر وی. در شکم برداشته است وی را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر[1] و از شیر باز کردن او را در دو سال است، [به این مضمون] که شکرگزاری کن مرا و پدر و مادر خود را. به سوی من است بازگشت. ﴿۱۴﴾ و اگر کوشش کنند با تو بر آنکه شریک مقرر کنی با من چیزی که نیست تو را به حقیقت آن دانش، پس فرمانبرداری ایشان مکن و صحبت دار با ایشان در معیشت دنیا به وجه پسندیده و پیروی کن راه کسی که رجوع دارد به سوی من، باز به سوی من است رجوع شما، پس بیاگاهانم شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۱۵﴾ [گفت لقمان]: ای پسرک من! هرآیینه خطیه اگر باشد هم سنگ دانه‌ای از سپندان، پس باشد در میان سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین، به هر حال حاضر کند آن را خدا، هرآیینه خدا باریک بینِ خبردار است. ﴿۱۶﴾ ای پسرک من! برپادار نماز را و بفرما به کار پسندیده و منع کن از ناپسندیده و صبر کن بر هرچه برسد به تو، هرآیینه این مقدمه از کارهای مقصود است. ﴿۱۷﴾ و متاب رخسارۀ خود را از طرف مردمان (یعنی به تکبّر) و راه مرو در زمین، خرامان، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد هر نازندۀ خودستاینده را. ﴿۱۸﴾ و میانه‌روی کن در رفتار خود و فرود آر آواز خود را، هرآیینه بدترین آوازها آواز خران است. ﴿۱۹﴾

۱- یعنی هر وقت سست‌تر می‌شود، والله اعلم.

أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا
فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ
وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا
هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ
أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ
كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿٢١﴾
۞وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ
ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ
﴿٢٢﴾ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ
فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ
﴿٢٣﴾ نُمَتِّعُهُمۡ قَلِيلٗا ثُمَّ نَضۡطَرُّهُمۡ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٖ
﴿٢٤﴾ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ
﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ
ٱلۡحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ
وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ
كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٢٧﴾ مَّا خَلۡقُكُمۡ
وَلَا بَعۡثُكُمۡ إِلَّا كَنَفۡسٖ وَٰحِدَةٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ
﴿٢٨﴾

آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و تمام فرود آورد بر شما نعمت‌های خود را آشکارا و پنهان؟ و از مردمان کسی هست که مکابره می‌کند در باب خدا به غیر دانش و به غیر هدایت و به غیر کتاب روشن. ﴿۲۰﴾ و چون گفته شود به ایشان که پیروی کنید چیزی را که فرود آورد خدا، گویند: بلکه پیروی کنیم چیزی را که یافتیم بر آن پدران خود را. آیا پیروی می‌کنند اگرچه شیطان می‌خواند ایشان را به سوی عذاب دوزخ؟. ﴿۲۱﴾ و هر که متوجه ساخت روی خود را به سوی خدا و وی نیکوکار است، پس هرآیینه دست زده است به دست آویزی محکم و به سوی خدا است بازگشت کارها. ﴿۲۲﴾ و هر که کافر شود، پس اندوهگین نکند تو را کفر وی. به سوی ماست رجوع ایشان، پس خبردار کنیم ایشان را به آنچه می‌کردند، هرآیینه خدا دانا است به خصلتی که در سینه‌ها باشد. ﴿۲۳﴾ بهره‌مند می‌سازیم ایشان را اندکی، باز به بیچارگی برانیم ایشان را به سوی عذاب سخت. ﴿۲۴﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان: کیست که بیافرید آسمان‌ها و زمین را؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: ستایش خدا راست. بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۲۵﴾ خدای راست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هرآیینه خدا همان است بی‌نیاز ستوده. ﴿۲۶﴾ و اگر آنچه در زمین است از درختان، قلم‌ها شوند و دریا سیاهی بود، زیاده می‌کند آن را بعد از این دریا هفت دریای دیگر، به پایان نرسند سخنان خدا. هرآیینه خدا غالب با حکمت است. ﴿۲۷﴾ نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما، الاّ مانند آفریدن و برانگیختن یک تن. هرآیینه خدا شنوای بیناست. ﴿۲۸﴾

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي
ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ
مُّسَمّٗى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٩ ذَٰلِكَ بِأَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٣٠ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي
فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٣١ وَإِذَا غَشِيَهُم
مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا
نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا
كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ ٣٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡ
وَٱخۡشَوۡاْ يَوۡمٗا لَّا يَجۡزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوۡلُودٌ
هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا
تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ
٣٣ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ
وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا
تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ ٣٤

آیا ندیدی که خدا در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد
روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را، هر یکی
می‌رود تا مدتی معین؟ و آیا ندیدی که خدا به آنچه
می‌کنید خبردار است؟. ﴿۲۹﴾ این کارها به سبب آن است
که خدا همونست ثابت و به سبب آن است که آنچه
می‌پرستند بجز وی، بی‌اصل است و به سبب آن است که
خدا همونست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدی
که کشتی‌ها می‌رود در دریا به فضل خدا تا بنماید بعض
نشانه‌های خویش. هرآیینه در این مقدمه نشانه‌هاست هر
صبر کنندهٔ سپاس دارنده را. ﴿۳۱﴾ و چون در گیرد ایشان
را موج مانند سایبان‌ها، بخوانند خدای را خالص کرده برای
او عبادت. پس آنگاه که نجات داد ایشان را به سوی بیابان،
پس بعضِ ایشان میانه‌رو باشد. و انکار نمی‌کند آیات ما را
مگر هر عهد شکنندهٔ ناسپاس دارنده. ﴿۳۲﴾ ای مردمان!
بترسید از پروردگار خویش و حذر کنید از روزی که
کفایت نکند هیچ پدر به جای پسر خویش و نه فرزندی
کفایت کننده باشد به جای پدر خود چیزی را. هرآیینه
وعدهٔ خدا راست است، پس فریب ندهد شما را زندگانی
دنیا و فریب ندهد شما را در مقدمهٔ خدا شیطان فریبنده.
﴿۳۳﴾ هرآیینه خدا نزدیک اوست علم قیامت و فرو
می‌فرستد باران را و می‌داند آنچه در شکم حامله‌ها باشد، و
نمی‌داند هیچ شخصی که چکار خواهد کرد فردا و
نمی‌داند هیچ شخصی که به کدام زمین خواهد مرد.
هرآیینه خدا دانای خبردار است. ﴿۳۴﴾

سُورَةُ السَّجۡدَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٢﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۚ بَلۡ هُوَ ٱلۡحَقُّ مِن
رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ
لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى
ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا
تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ
ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا
تَعُدُّونَ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلرَّحِيمُ ﴿٦﴾ ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ
خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسۡلَهُۥ مِن
سُلَٰلَةٖ مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن
رُّوحِهِۦۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ
قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ ﴿٩﴾ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
أَءِنَّا لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدِۭۚ بَلۡ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ كَٰفِرُونَ
﴿١٠﴾ ۞قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ
ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ﴿١١﴾

سوره سجده

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

الم. ﴿۱﴾ فرود آوردن کتاب، هیچ شبهه نیست در آن، از جانب پروردگار عالم‌هاست. ﴿۲﴾ آیا می‌گویند بر بافته است آن را؟ بلکه وی راست است آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانی قومی راکه نیامده است به ایشان هیچ ترساننده پیش از تو، تا بود که ایشان راه یابند. ﴿۳﴾ خدا آن است که آفرید آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین آنهاست در شش روز، باز قرار گرفت بر عرش. نیست شما را بجز وی هیچ دوستی و نه شفاعت کننده. آیا پندپذیر نمی‌شوید؟. ﴿۴﴾ تدبیر می‌کند کار را فرود آورده از آسمان به سوی زمین، باز بالا می‌رود آن کار به سوی خدا در روزی که هست مقدار آن هزار سال از آن حساب که می‌شمارید[1]. ﴿۵﴾ این است صفت دانندهٔ نهان و آشکارا، غالب مهربان. ﴿۶﴾ آن که به نیک‌ترین وجه ساخت هر چیزی را که آفریدش و نو کرد آفرینش آدمی را از گل. ﴿۷﴾ باز پیدا کرد نسل او را از خلاصه‌ای از آب خوار. ﴿۸﴾ باز درست اندام کردش و دمید در وی روح خود را و پیدا کرد برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها. اندکی شکر می‌کنید. ﴿۹﴾ و گفتند: چون گم شویم در زمین آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود؟ بلکه ایشان به ملاقات پروردگار خویش کافرانند. ﴿۱۰﴾ بگو: قبض روح شما می‌کند ملک الموت که گماشته شده است بر شما، باز به سوی پروردگار خویش گردانیده شوید. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی اگر مردمان نزولِ تدبیر و عروجِ او تصور کنند، در کم از هزار سال خیال ننمایند و آن همه پیش خدای تعالی در یک روز تمام می‌شود. غرض آن است که اوهامِ ایشان به قدرتِ او نمی‌رسند، والله اعلم.

وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ
رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا
مُوقِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا
وَلَٰكِنۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ مِنِّي لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ
وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ ﴿١٣﴾ فَذُوقُواْ بِمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ
هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمۡۖ وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ بِمَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا
خَرُّواْ سُجَّدٗا وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا
يَسۡتَكۡبِرُونَ۩ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ
يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ
﴿١٦﴾ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ
جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن
كَانَ فَاسِقٗاۚ لَّا يَسۡتَوُۥنَ ﴿١٨﴾ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ
يَعۡمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ كُلَّمَآ
أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا وَقِيلَ لَهُمۡ ذُوقُواْ
عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

و تعجب کنی اگر در نگری وقتی که گناهکاران، نگونسار کنندۀ سر خویش باشند نزد پروردگار خویش. گویند: ای پروردگار ما! دیدیم و شنیدیم. پس باز گردان ما را تا بکنیم کار شایسته، هرآیینه ما یقین کننده‌ایم. ﴿۱۲﴾ و اگر می‌خواستیم، البته می‌دادیم هر شخصی را هدایت او و لیکن ثابت شد وعده‌ای از جانب من که هرآیینه پر کنم دوزخ را از جنّیان و آدمیان، همه یکجا. ﴿۱۳﴾ پس بچشید این عذاب به سبب آنکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را. هرآیینه ما نیز فراموش کردیم شما را و بچشید عذاب دایم به سبب آنچه می‌کردید. ﴿۱۴﴾ جز این نیست که ایمان می‌آرند به آیات ما آنان‌که چون پند داده می‌شوند به آن، نگونسار افتند سجده‌کنان و به پاکی یاد کنند با ستایش پروردگار خویش و ایشان تکبر نمی‌کنند. ﴿۱۵﴾ دور می‌ماند پهلوی ایشان از خوابگاه، می‌خوانند پروردگار خود را به ترس و امیدواری و از آنچه روزی دادیم ایشان را، خرج می‌کنند. ﴿۱۶﴾ پس نمی‌داند هیچ نفس چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم، پاداش داده شد به آنچه می‌کردند. ﴿۱۷﴾ آیا کسی که مؤمن باشد، مانند کسی هست که فاسق باشد؟! برابر نمی‌شوند. ﴿۱۸﴾ اما آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان راست بهشت‌های جای ماندن به طریق مهمانی به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۹﴾ و اما آنان‌که فاسق بودند، پس جای ایشان دوزخ است. هرگاهی که خواهند که بیرون آیند از آنجا، باز گردانیده شوند در آن و گفته شود به ایشان: بچشید عذاب آتش که آن را دروغ می‌داشتید. ﴿۲۰﴾

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ
ٱلۡأَكۡبَرِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٢١ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ
مُنتَقِمُونَ ٢٢ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَلَا
تَكُن فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآئِهِۦۖ وَجَعَلۡنَٰهُ هُدٗى لِّبَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ ٢٣ وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا
صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ٢٤ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفۡصِلُ
بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٢٥ أَوَ لَمۡ
يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا
يَسۡمَعُونَ ٢٦ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَسُوقُ ٱلۡمَآءَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ
ٱلۡجُرُزِ فَنُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا تَأۡكُلُ مِنۡهُ أَنۡعَٰمُهُمۡ
وَأَنفُسُهُمۡۚ أَفَلَا يُبۡصِرُونَ ٢٧ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا
ٱلۡفَتۡحُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٨ قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ
ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ ٢٩
فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ٣٠

و البته بچشانیم ایشان را عذاب نزدیک (یعنی در دنیا) این طرف از عذاب بزرگ. بود که ایشان بازگردند. ﴿۲۱﴾ و و کیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد به آیات پروردگار خویش، باز روی بگرداند از آن؟ هرآیینه ما از گناهکاران انتقام کشنده‌ایم. ﴿۲۲﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتاب، پس مباش در شبهه از ملاقات قرآن و ساختیم موسی را هدایت برای بنی اسراییل. ﴿۲۳﴾ و پیدا کردیم از ایشان پیشوایان که راه نمودند به فرمان ما، وقتی که صبر کردند و به آیات ما یقین می‌آوردند. ﴿۲۴﴾ هرآیینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف می‌کردند. ﴿۲۵﴾ آیا واضح نشد ایشان را که چقدر هلاک کردیم پیش از ایشان از قرن‌ها، می‌روند ایشان در خانه‌های آن جماعت. هرآیینه در این کار نشانه‌ها است. آیا نمی‌شنوند؟. ﴿۲۶﴾ آیا ندیدند که ما روان می‌کنیم آب را به سوی زمین بی‌گیاه تا بیرون آریم به سبب آن زراعت را، می‌خورند از آن زراعت، چهارپایان ایشان و خود ایشان نیز؟ آیا نمی‌بینند؟. ﴿۲۷﴾ و می گویند: کی خواهد بود این فتح اگر راستگویید؟!. ﴿۲۸﴾ بگو: روز فتح سود ندهد کافران را ایمان آوردن ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۲۹﴾ پس روی بگردان از ایشان و انتظار بکن، هرآیینه ایشان نیز منتظرانند. ﴿۳۰﴾

سُورَةُ الأَحْزَابِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ
وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١ وَٱتَّبِعۡ مَا
يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ
خَبِيرًا ٢ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ٣ مَّا
جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ
أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ وَمَا
جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم
بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤
ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ
ءَابَآءَهُمۡ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ
عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا
تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمًا ٥
ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ
وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ
مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ
أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا
٦

سوره أحزاب

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

ای پیغامبر! بترس از خدا و فرمانبرداری مکن کافران را و منافقان را، هرآیینه خدا هست دانای با حکمت. ﴿۱﴾ و پیروی کن چیزی را که وحی فرستاده می‌شود به سوی تو از جانب پروردگار تو، هرآیینه خدا هست به آنچه می‌کنید خبردار. ﴿۲﴾ و توکل کن بر خدا و خدا و کیل بس است. ﴿۳﴾ نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردمی دو دل در داخل بدن او[۱]، و نگردانیده است آن زنان شما را که ظهار می‌کنید با ایشان مادران شما و نساخته است پسر خواندگان شما را پسران شما، این سخن شما است که می‌گویید به دهان خویش و خدا می‌گوید سخن راست و او دلالت می‌کند بر راه. ﴿۴﴾ نسبت کنید پسران خواندگان را به پدران ایشان، این راست‌تر است نزدیک خدا. پس اگر ندانید پدران ایشان را، پس برادران شمایند در دین و آزاد کردگان شمایند[۲] و نیست بر شما گناهی در لفظی که خطا کرده باشید به تکلّم آن و لیکن گناه آن است که قصد کرد دل‌های شما و هست خدا آمرزندۀ مهربان. ﴿۵﴾ پیغامبر سزاوارتر است به تصرف در امور مسلمین از ذات‌های ایشان و زنان پیغامبر، مادران ایشانند[۳]، و خداوندان قرابت، بعض ایشان نزدیکترند به بعض در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان، لیکن آنکه بکنید سوی دوستان خود رعایتی، جایز بود، این حکم هست در لوح محفوظ نوشته شده[۴]. ﴿۶﴾

۱- مترجم گوید که: درین آیات ردّ است بر قول کافری که مرا دو دل داده‌اند و بر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر، حرام مؤبدی شود و تعریض است به جواب طعن کافران و منافقان به نسبت حضرتﷺ چون زینب را تزوج فرمود که زن پسر خوانده را به زنی گرفت.

۲- یعنی پس به این لقب بخوانید.

۳- یعنی در حرمت نکاح.

۴- یعنی صله ارحام، واجب است و توارث هجرت و اسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام.

وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ
وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم
مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ﴿٧﴾ لِّيَسۡـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡۚ
وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ
جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ
ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ
وَمِنۡ أَسۡفَلَ مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ
ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ
ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ﴿١١﴾ وَإِذۡ يَقُولُ
ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ
وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا ﴿١٢﴾ وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ
يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَـٔۡذِنُ
فَرِيقٞ مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ
بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارٗا ﴿١٣﴾ وَلَوۡ دُخِلَتۡ عَلَيۡهِم
مِّنۡ أَقۡطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُواْ ٱلۡفِتۡنَةَ لَأٓتَوۡهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ
إِلَّا يَسِيرٗا ﴿١٤﴾ وَلَقَدۡ كَانُواْ عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ لَا
يُوَلُّونَ ٱلۡأَدۡبَٰرَۚ وَكَانَ عَهۡدُ ٱللَّهِ مَسۡـُٔولٗا ﴿١٥﴾

و یاد کن چون گرفتیم از پیغامبران عهد ایشان را و از تو
بگرفتیم و از نوح و از ابراهیم و موسی و عیسی، پسر مریم و
گرفتیم از ایشان عهد محکم. ﴿۷﴾ تا خدای تعالی بپرسد
آن راستگویان را از راستی ایشان و مهیّا کرده است برای
کافران عذاب درد دهنده[۱]. ﴿۸﴾ ای مسلمانان! یاد کنید
نعمت خدا را بر خویش وقتی که آمد بر شما لشکرها، پس
فرستادیم بر ایشان باد را و لشکرهاکه ندیدید آن را و
هست خدا به آنچه می‌کنید بینا. ﴿۹﴾ چون آمدند بر شما
از جانب بالای شما و از جانب پایین شما و چون خیره
ماندند دیده‌ها و برسید دل‌ها به چنبر گردن و گمان
می‌کردید به نسبت خدا گمان‌های مختلف. ﴿۱۰﴾ آنجا
امتحان کرده شد مسلمانان را و جنبانیده شد ایشان را
جنبانیدن سخت. ﴿۱۱﴾ و چون می‌گفتند منافقان و آنان‌که
در دل ایشان بیماری است: وعده نداد ما را خدا و رسول او
مگر به طریق فریب دادن. ﴿۱۲﴾ و چون گفتند طایفه از
ایشان: ای اهل مدینه! سرای ماندن نیست شما را پس
بازگردید. و دستوری می‌طلبد گروهی از ایشان از جانب
پیغمبر، می‌گویند: هرآیینه خانه‌های ما نامضبوط است و
نیستند آن خانه‌های نامضبوط، نمی‌خواهند مگر گریختن.
﴿۱۳﴾ و اگر درآمده می‌شد بر سر ایشان از نواحی آن،
پس طلب کرده می‌شد از ایشان خانه جنگی، البته می‌دادند
آن را و توقف نمی‌کردند در دادن فتنه مگر اندکی[۲].
﴿۱۴﴾ و هرآیینه عهد بسته بودند با خدا پیش از این که
برنگردانند پشت را و هست عهد خدا پرسیده شده. ﴿۱۵﴾

۱- مترجم گوید: کفار در غزوهٔ احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن حضرتﷺ به خندق متحصن شدند و از منافقان سخنانِ نفاق سر زده شد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی در ذَمِّ آنان ومدحِ آنان و منت نهادن برایشان نازل ساخت.

۲- مترجم گوید: حاصل کلام آن است که در جهاد توقف می‌کنند و اگر جنگ در مقدمه نفسانی می‌شد، توقف نمی‌کردند.

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ
ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿١٦﴾ قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي
يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ
بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا
نَصِيرٗا ﴿١٧﴾ ۞قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ
وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ
يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ
مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم بِأَلۡسِنَةٍ
حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ
ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿١٩﴾ يَحۡسَبُونَ
ٱلۡأَحۡزَابَ لَمۡ يَذۡهَبُواْۖ وَإِن يَأۡتِ ٱلۡأَحۡزَابُ يَوَدُّواْ لَوۡ
أَنَّهُم بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ يَسۡـَٔلُونَ عَنۡ أَنۢبَآئِكُمۡۖ وَلَوۡ
كَانُواْ فِيكُم مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٢٠﴾ لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ
فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ
وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ﴿٢١﴾ وَلَمَّا رَءَا
ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ
وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا
وَتَسۡلِيمٗا ﴿٢٢﴾

بگو: سود ندهد شما را گریختن، اگر بگریزید از مرگ یا
از کشته شدن و آن هنگام بهره‌مند ساخته نشوید مگر
اندکی. ﴿۱۶﴾ بگو: کیست آن که نگاه دارد شما را از
تصرف خدا اگر بخواهد در حق شما سختی یا بخواهد در
حق شما نعمتی؟ و نیابند برای خویش بجز خدا دوستی و نه
یاری دهنده. ﴿۱۷﴾ هرآیینه خدا می‌داند بازدارندگان را از
شما و گویندگان را به برادران خویش که بیایید به سوی ما
و حاضر نمی‌شوند به کارزار، مگر اندکی. ﴿۱۸﴾ بخل
کنان به نسبت شما[۱]. پس چون بیاید ترس، ببینی که ایشان
در می‌نگرند به سوی تو، می‌گردد چشمهای ایشان مانند
کسی که بیهوش کرده شود از سختی موت. پس چون
برود ترس، زبان درازی کنند بر شما به زبان‌های تیز بخل
کنان بر مال. این جماعت ایمان نیاوردند، پس خدا نابود
ساخت کردارهای ایشان را و هست این کار بر خدا آسان.
﴿۱۹﴾ می‌پندارند که لشکرهای کفّار نرفته‌اند و اگر بیایند
لشکرها، تمنا کنند: کاش ایشان صحرانشین بودندی در
میان اعراب، سؤال می‌کردند از اخبار شما[۲] و اگر باشند
در میان شما، کارزار نکنند مگر اندکی. ﴿۲۰﴾ هرآیینه
هست شما را به پیغامبر خدا پیروی نیک، کسی را که توقع
می‌داشت ثواب خدا و توقع می‌داشت روز آخر و یاد کرد
خدا را بسیاری. ﴿۲۱﴾ و چون دیدند مسلمانان لشکرها را،
گفتند این است آنچه وعده داده بود ما را خدا و پیغامبر او
و راست گفت خدا و رسول او و این ماجرا نیفزود در حق
ایشان، مگر باور داشتن و گردن نهادن. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی در سوار شما.

۲- یعنی از هر آینده و رونده.

مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ
فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ
تَبۡدِيلٗا ٢٣ لِّيَجۡزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ
وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ
كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٢٤ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ٢٥ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ
ٱلرُّعۡبَ فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ٢٦
وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ
تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢٧ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا
وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا
جَمِيلٗا ٢٨ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ
ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا
عَظِيمٗا ٢٩ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ
مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى
ٱللَّهِ يَسِيرٗا ٣٠

از مسلمانان مردانند که راست کردند آنچه عهد بسته بودند با خدا بر آن، پس از ایشان کسی هست که به انجام رسانید قرارداد خود را[1] و از ایشان کسی هست که انتظار می‌کند و بدل نکردند هیچ وجه بدل کردنی. ﴿۲۳﴾ تا جزا دهد خدا راستگویان را در مقابلهٔ راستی ایشان و عذاب کند منافقان را اگر خواهد یا به رحمت بازگردد بر ایشان، هرآیینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان. ﴿۲۴﴾ و بازگردانید خدا کافران را با خشم ایشان، نیافتند هیچ منفعتی و کفایت کرد خدا از طرف مسلمانان در مقدمهٔ جنگ و هست خدا توانای غالب. ﴿۲۵﴾ و فرود آورد آنان را که مددگاری این لشکرها کرده بودند از اهل کتاب[2] از قلعه‌های ایشان و افکند در دل ایشان خوف. طایفه را می‌کشتید و اسیری می‌گرفتید طایفه را. ﴿۲۶﴾ و عاقبت کار به شما داد زمین ایشان را و خانه‌های ایشان را و مال‌های ایشان را و نیز عاقبت کار به شما داد زمینی را که نفرسوده‌اید آن را[3] و هست خدا بر همه چیز توانا. ﴿۲۷﴾ ای[4] پیغامبر! بگو: به زنان خود: اگر خواسته باشید زندگانی دنیا و آرایش آن، پس بیایید تا جامه دهم شما را و رها کنم شما را رهاکردن نیک. ﴿۲۸﴾ و اگر می‌خواهید خدا و پیغامبر او را و سرای آخرت را، پس هرآیینه خدا آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده از شما مزد بزرگ. ﴿۲۹﴾ ای زنان پیغامبر! هر که به عمل می‌آرد از شما بدکاری ظاهر[5]، دو چند کرده شود وی را عذاب دو چندان و هست این مقدمه بر خدا آسان. ﴿۳۰﴾

۱- یعنی شهید شد.

۲- یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

۳- یعنی خیبر.

۴- مترجم گوید: ازواج آن حضرت چیزی که نزد آن حضرت نبود از زینتِ دنیا، طلب می‌کردند، خدای تعالی ایشان را پند داد و زجر فرمود و احکام معاشرت با ایشان نازل ساخت و زینب، رضی الله تعالی عنها، در عقدِ زید بود. در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته به طلاق منجر شد و بعد انقضای عدت، خدای تعالی او را داخل ازواج طاهرات گردانید. منافقان زبان طعن گشادند که زنِ پسر خود را به زنی گرفت. خدای تعالی در میان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد نازل ساخت.

۵- مترجم گوید: مراد این جا ایذای پیغامبر است به زبان درازی.

۞وَمَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا
نُّؤۡتِهَآ أَجۡرَهَا مَرَّتَيۡنِ وَأَعۡتَدۡنَا لَهَا رِزۡقٗا كَرِيمٗا ٣١
يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّۚ
فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ
وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ٣٢ وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا
تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ
وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ
لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ
تَطۡهِيرٗا ٣٣ وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ٣٤ إِنَّ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ وَٱلۡمُسۡلِمَٰتِ وَٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ
وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ
وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلۡخَٰشِعِينَ وَٱلۡخَٰشِعَٰتِ
وَٱلۡمُتَصَدِّقِينَ وَٱلۡمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ
وَٱلۡحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمۡ وَٱلۡحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ
كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا
٣٥

و هر که فرمانبرداری کند از شما خدا را و پیغامبر او را و بکند کار نیک، بدهیم او را مزد او دوبار و مهیّا کردیم برای او روزی نیک. ﴿۳۱﴾ ای زنان پیغامبر! نیستید شما مانند هر کدام از سایر زنان. اگر پرهیزگاری دارید، پس ملایمت مکنید در سخن گفتن که آنگاه طمع کند کسی که در دل او بیماری است و بگویید سخن نیکو. ﴿۳۲﴾ و و بمانید در خانه‌های خویش و اظهار تجمل مکنید مانند اظهار تجمّل که در جاهلیت پیشین بود و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری خدا و رسول او کنید. جز این نیست که می‌خواهد خدا تا دور کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و تا پاک کند شما را پاک کردنی. ﴿۳۳﴾ و یاد کنید آنچه خوانده می‌شود در خانه‌های شما از آیت‌های خدا و از حکمت، هرآیینه خدا هست لطف کنندهٔ خبردار. ﴿۳۴﴾ هرآیینه مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده و مردان شکیبایی کننده و زنان شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان حفاظت کننده شرمگاهِ خود را و زنان محافظت کننده و مردان یاد کننده خدا را بسیاری و زنان یاد کننده، مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۳۵﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ
أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ﴿٣٦﴾ وَإِذۡ تَقُولُ
لِلَّذِيٓ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَأَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِ أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ
زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبۡدِيهِ
وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُۖ فَلَمَّا قَضَىٰ
زَيۡدٞ مِّنۡهَا وَطَرٗا زَوَّجۡنَٰكَهَا لِكَيۡ لَا يَكُونَ عَلَى
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ حَرَجٞ فِيٓ أَزۡوَٰجِ أَدۡعِيَآئِهِمۡ إِذَا قَضَوۡاْ مِنۡهُنَّ
وَطَرٗاۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولٗا ﴿٣٧﴾ مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ
مِنۡ حَرَجٖ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ
خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ﴿٣٨﴾ ٱلَّذِينَ
يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا
إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ﴿٣٩﴾ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ
أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ
ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٤٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ
بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ
وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ
وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ﴿٤٣﴾

و نیست هیچ مؤمن و هیچ مؤمنه را چون مقرر کند خدا و
رسول او کاری، آنکه باشد ایشان را اختیار در آن کار خویش
و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را، پس هرآیینه گمراه
شد گمراهی ظاهر[1]. ﴿۳۶﴾ و یاد کن چون می‌گفتی با
شخصی که انعام کرده است خدا بر وی و نیز انعام کرده‌ای تو
بر وی که: نگاه دار بر خود زن خود را و بترس از خدا، و پنهان
می‌کردی در ضمیر خویش آنچه خدا پدید آرندهٔ اوست و
می‌ترسیدی از مردمان و خدا سزاوارتر است به آنکه بترسی از
وی. پس وقتی که به انجام رسانید زید [از زینب] حاجت را
(یعنی طلاق داد)، به زنی دادیم تو را [زینب] تا نباشد بر
مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردن زنان پسر خواندگان
خویش، چون به آخر رسانند از ایشان حاجت را و هست امر
خدا البته کردنی[2]. ﴿۳۷﴾ نیست بر پیغامبر هیچ تنگی در آنچه
حلال ساخته است خدا برای او. مانند آیین خدا در حق آنان‌که
گذشتند پیش از این و هست کار خدا را اندازهٔ مقرر کرده شده
پیش از وجود. ﴿۳۸﴾ [مانند آیین خدا در حق] آنان‌که
می‌رسانند پیغام‌های خدا را و می‌ترسند از وی و نمی‌ترسند از
هیچ‌کس مگر خدا و بس است خدا حساب کننده. ﴿۳۹﴾
نیست محمد پدر هیچ‌کس از مردان شما و لیکن پیغامبر
خداست[3] و مهر پیغامبران است و هست خدا به هر چیز دانا.
﴿۴۰﴾ ای مسلمانان! یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار. ﴿۴۱﴾ و
به پاکی بخوانید او را صبح و شام. ﴿۴۲﴾ اوست آن که
رحمت می‌فرستد بر شما و دعای رحمت می‌کنند بر شما
فرشتگان او و تا برآرد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و
هست خدا به مسلمانان، مهربان. ﴿۴۳﴾

۱- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به آن قصه که آن حضرتﷺ نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آن را زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: درین آیت تعریض است به آن قصه که در خاطر مبارک آن حضرتﷺ می‌گذشت که اگر در میان زید و زینب مفارقت واقع شود، آن را در سلکِ ازواج صاهرات داخل نمایند، لیکن برای رعایت مراسم نیکو خواهی به حسن معاشرت دلالت می‌فرمود.

۳- یعنی بعد از وی هیچ پیغمبر نباشد.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُۥ سَلَٰمٌۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ شَٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾
وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذْنِهِۦ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ
ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا
تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَدَعْ أَذَىٰهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى
ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا
نَكَحْتُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن
تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَاۖ
فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيْتَ أُجُورَهُنَّ
وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ
عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ
خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَٱمْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن
وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا
خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِيٓ أَزْوَٰجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

دعای خیر ایشان[۱] روزی که ملاقات کنند با خدا اسلام است و آماده کرده است برای ایشان مزد نیک. ﴿۴۴﴾ ای پیغامبر! هرآیینه ما فرستادیم تو را گواهی دهنده و مژده رساننده و ترساننده. ﴿۴۵﴾ و خواننده به سوی خدا به حکم او و چراغ روشن. ﴿۴۶﴾ و بشارت ده مسلمانان را به آنکه ایشان را باشد از جانب خدا بخشایش بزرگ. ﴿۴۷﴾ و فرمان مبر کافران را و منافقان را و از نظر اعتبار، بگذار رنجانیدن ایشانرا و توکّل کن بر خدا و بس است خدا کارساز. ﴿۴۸﴾ ای مسلمانان! چون نکاح کنید زنان مؤمنه[۲] را، باز طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست رسانید به ایشان، پس نیست شما را بر این زنان هیچ عدّتی که بشمارید آن را، پس متعه دهید این مطلّقات را و بگذارید اینها را گذاشتن نیک. ﴿۴۹﴾ ای پیغامبر! هرآیینه ما حلال کردیم برای تو زنان تو که دادهای مهر ایشان و کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تو از آنچه خدا عاید ساخته است بر تو[۳] و حلال کردیم دختران عم تو را و دختران عمّههایی تو را و دختران تغای تو را و دختران خالهٔ تو را، آنانکه هجرت کردهاند با تو و حلال کردیم زن مسلمان، اگر ببخشد خود را برای پیغامبر[۴]، اگر خواهد پیغامبر که به زنی گیرد آن را، خاص برای تو بجز مسلمانان. هرآیینه دانستیم آنچه فرض ساختهایم بر ایشان در حقّ زنان ایشان و در حق کنیزکانی که مالك آن است دست ایشان. سهل کردیم تا نباشد بر تو هیچ تنگی و هست خدا آمرزندهٔ مهربان[۱]. ﴿۵۰﴾

۱- یعنی از جانب خدا وفرشتگان.

۲- در متن اصلی، مؤمنان آمده است.

۳- یعنی از کفار به تو رسانیده است.

۴- یعنی به غیر مهر در نکاح آید.

۱- یعنی در باب نکاح، چیزهاست که بر امت فرض شد و نه بر آن حضرت.

۞تُرۡجِي مَن تَشَآءُ مِنۡهُنَّ وَتُـٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ مَن تَشَآءُۖ
وَمَنِ ٱبۡتَغَيۡتَ مِمَّنۡ عَزَلۡتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكَۚ ذَٰلِكَ
أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ وَلَا يَحۡزَنَّ وَيَرۡضَيۡنَ بِمَآ
ءَاتَيۡتَهُنَّ كُلُّهُنَّۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
عَلِيمًا حَلِيمٗا ﴿٥١﴾ لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعۡدُ وَلَآ
أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ حُسۡنُهُنَّ إِلَّا
مَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ رَّقِيبٗا ﴿٥٢﴾
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن
يُؤۡذَنَ لَكُمۡ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَٰكِنۡ إِذَا
دُعِيتُمۡ فَٱدۡخُلُواْ فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا
مُسۡتَـٔۡنِسِينَ لِحَدِيثٍۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ
فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ وَإِذَا
سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ
ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّۚ وَمَا كَانَ لَكُمۡ
أَن تُؤۡذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزۡوَٰجَهُۥ مِنۢ
بَعۡدِهِۦٓ أَبَدًاۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾ إِن
تُبۡدُواْ شَيۡـًٔا أَوۡ تُخۡفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ
عَلِيمٗا ﴿٥٤﴾

موقوف داری هر که را خواهی از ایشان و جای دهی نزدیک خویش هر که را خواهی و اگر خواهش کنی زنی را از آن جمله که یکسو کرده‌ای آنها را، پس نیست هیچ گناهی بر تو. این رخصت دادن قریب‌تر است از آنکه خنک شود چشم ایشان و اندوه نخورند و خشنود شوند به آنچه بدهی ایشان را، همهٔ ایشان و خدا می‌داند آنچه در دل‌های شماست و هست خدا دانای بردبار. ﴿۵۱﴾ حلال نیستند تو را زنان بعد از این[1] و نه حلال است آنکه بدل کنی به جای ایشان زنان دیگر را، اگرچه به شگفت آرد تو را حسن ایشان، مگر آنچه مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز نگهبان[2]. ﴿۵۲﴾ ای مسلمانان! در نیایید به خانه‌های پیغامبر مگر وقتی که دستوری داده شود شما را برای طعامی، نه انتظارکنان پخته شدن طعام را و لیکن چون خوانده شود شما را درآیید، پس چون طعام خوردید، پراکنده شوید و نه آرام گیران برای سخنی. هرآیینه این کار می‌رنجاند پیغامبر را، پس شرم می‌داشت از شما و خدا شرم نمی‌دارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان پیغامبر رختی، پس طلب کنید آن را از ایشان از پس پرده، این خصلت پاکتر است برای دل شما و دل ایشان و سزاوار نیست شما را که برنجانید پیغامبر خدا را و نه آنکه نکاح کنید زنان او را پس از وی هرگز، هرآیینه این کار هست نزدیک خدا گناه بزرگ. ﴿۵۳﴾ اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آن را، پس هرآیینه خدا هست به هر چیز دانا. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی بعد از این دو صنف قرشیه مهاجره مهیره یا واهبه نفس غیر مهیره.
۲- مترجم گوید: که این آیت، ناسخ آیت سابقه است.

لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ
إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا
نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ
يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ
وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا مُّهِينٗا
﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا
ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ﴿٥٨﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ
فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿٥٩﴾ ۞لَّئِن لَّمۡ
يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ
وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا
يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٦٠﴾ مَّلۡعُونِينَۖ أَيۡنَمَا ثُقِفُوٓاْ
أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقۡتِيلٗا ﴿٦١﴾ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ
مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ﴿٦٢﴾

نیست هیچ بزه بر زنان در پرده نپوشیدن پیش پدرانِ خویش و نه پیش پسرانِ خویش و نه برادران خویش و نه پسرانِ برادرانِ خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان همجنس خویش[1] و نه آنچه مالك آن شد دست ایشان و بترسید ای زنان! از خدا. هرآیینه خدا هست بر همه چیز گواه. ﴿۵۵﴾ هرآیینه خدا و فرشتگان او درود می‌فرستند بر پیغامبر. ای مسلمانان! درود فرستید بر وی و سلام گویید سلام گفتنی. ﴿۵۶﴾ هرآیینه آنان‌که می‌رنجانند خدا و پیغامبر او را، لعنت کرد خدا ایشان را در دنیا و آخرت و مهیّا ساخت برای ایشان عذاب خوار کننده. ﴿۵۷﴾ و آنان‌که می‌رنجانند مردان مسلمان و زنانِ مسلمان را به غیر گناهی که به عمل آورده باشند، هرآیینه برداشتند بار بهتان را و گناه ظاهر را. ﴿۵۸﴾ ای پیغامبر! بگو به زنان خود و دختران خود و به زنان مسلمانان که فروگذارند بر خود چادرهای خود را. این نزدیك‌تر است به آنکه شناخته شوند، پس ایشان را ایذا داده نشود و هست خدا آمرزندهٔ مهربان[2]. ﴿۵۹﴾ و اگر باز نمانند منافقان و آنان‌که در دل ایشان بیماری است و خبر بد فاش کنندگان در مدینه، البته برگماریم تو را بر ایشان، باز همسایه نباشند با تو در مدینه[3]، مگر بزمانی اندك[4]. ﴿۶۰﴾ لعنت کرده شدگان، هرجاکه یافته شوند، اسیر گرفته شود ایشان را و کشته شود ایشان را کشتن بسیار. ﴿۶۱﴾ مانند روش خدا در آنان‌که بگذشتند پیش از این و هرگز نیابی روش خدا را تغیّر. ﴿۶۲﴾

۱- یعنی غیر قواده.

۲- یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند، والله اعلم.

۳- یعنی از کردارهای خود.

۴- یعنی جلا وطن کرده شوند.

يَسۡـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ
ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ٦٣ إِنَّ
ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤ خَٰلِدِينَ
فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٦٥ يَوۡمَ تُقَلَّبُ
وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا
ٱلرَّسُولَا۠ ٦٦ وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا
فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ٦٧ رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ
ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا ٦٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ
وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا ٦٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ
ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ
وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ
فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا
وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا
جَهُولٗا ٧٢ لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ
وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا ٧٣

سؤال می‌کنند تو را مردمان از قیامت. بگو: جز این نیست که معرفت آن نزدیک خدا است و چه چیز خبر داد تو را شاید که قیامت موجود شود در زمان نزدیک. ﴿۶۳﴾ هرآیینه خدا لعنت کرده است کافران را و آماده ساخته است برای ایشان آتش. ﴿۶۴﴾ جاودان آنجا همیشه نیابند هیچ دوستی و نه یاری دهنده. ﴿۶۵﴾ روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش گویند: ای کاش ما فرمان می‌بردیم خدا را و فرمان می‌بردیم پیغامبر را. ﴿۶۶﴾ و گویند: ای پروردگار ما! هرآیینه ما فرمان می‌بردیم مهتران خود را و بزرگان خود را، پس گمراه ساختند ما را از راه. ﴿۶۷﴾ ای پروردگار ما! بده ایشان را دو چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت. ﴿۶۸﴾ ای مسلمانان! مباشید مانند آنان‌که رنجانیدند موسی را، پس پاک ساخت خدای تعالی او را از آنچه گفته بودند و بود [موسی] نزدیک خدا با آبرو[۱]. ﴿۶۹﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و بگویید سخن استوار. ﴿۷۰﴾ تا به صلاح آرد کردارهای شما را و بیامرزد برای شما گناهان شما را و هر که فرمان برد خدای و رسول او را، پس هرآیینه مطلب‌یاب شد به فیروزی بزرگ. ﴿۷۱﴾ هرآیینه ما پیش آوردیم امانت را[۲] بر آسمان‌ها و بر زمین و بر کوه‌ها، پس قبول نکردند که بردارند آن را و بترسیدند از آن و برداشت آن را آدمی، هرآیینه وی هست ستمکار نادان[۱]. ﴿۷۲﴾ تا شود آخر کار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و به رحمت رجوع کند بر مردان مسلمان و زنان مسلمان و هست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿۷۳﴾

۱- مترجم گوید: یعنی موسی وقت غسل، ستر می‌کرد جهال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست. روزی به حسب اتفاق بر کنارهٔ آب غسل می‌کرد و جامه‌های خود بر سنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد. موسی عقب سنگ دوید تا آنکه جماعتی از بنی اسرائیل عریان دیدند و گفتند: ادرت ندارد و ادرت، انتفاخِ خصیه را گویند، والله اعلم.

۲- یعنی استعداد و تکلیف به اوامر و نواهی، والله اعلم.

۱- یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها دارد، والله اعلم.

سُورَةُ سَبَإٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١ يَعۡلَمُ
مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۚ وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلۡغَفُورُ ٢
وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي
لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ
أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣ لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ
٤ وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ
عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ ٥ وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ
ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ
صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٦ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ
نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ
إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ ٧

سوره سبأ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

همهٔ ستایش خدایی راست که به دست اوست آنچه در
آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش
در آخرت و اوست با حکمت آگاه. ﴿۱﴾ می‌داند آنچه
در می‌آید به زمین و آنچه بر می‌آید از وی و آنچه فرود
می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود در وی و اوست
مهربان آمرزنده. ﴿۲﴾ و گفتند کافران: نخواهد آمد پیش
ما قیامت. بگو: آری! قسم پروردگار من! البته خواهد آمد
به شما پروردگاری که دانندهٔ پوشیده است، غایب نمی‌شود
از وی هموزن ذره‌ای در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست
خردتر از آن و نه بزرگتر، مگر ثبت است در کتاب ظاهر.
﴿۳﴾ تا جزا دهد آنان راکه ایمان آوردند و عمل‌های
شایسته کردند. آن جماعت ایشان راست آمرزش و روزیِ
گرامی. ﴿۴﴾ و آنان‌که سعی کردند در ردّ آیات ما مقابله
کنان، آن جماعت ایشان راست عذاب از عقوبت درد
دهنده. ﴿۵﴾ و می‌بینند آنان‌که داده شده است ایشان را
علم، چیزی راکه فرود آورده شد از جانب پروردگار تو
راست است و دلالت کننده به سوی راه خدای غالب
ستوده‌کار. ﴿۶﴾ و گفتند کافران با یکدیگر: آیا دلالت
کنیم شما را بر مردی که خبر می‌دهد شما را که چون پاره
پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن، هرآیینه شما در
آفرینش نو باشید؟. ﴿۷﴾

أَفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا
يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ فِي ٱلۡعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلۡبَعِيدِ ٨
أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ
نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ
لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٩ ۞وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ
يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ ١٠ أَنِ
ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي
بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١ وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهۡرٞ
وَرَوَاحُهَا شَهۡرٞۖ وَأَسَلۡنَا لَهُۥ عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِۖ وَمِنَ ٱلۡجِنِّ
مَن يَعۡمَلُ بَيۡنَ يَدَيۡهِ بِإِذۡنِ رَبِّهِۦۖ وَمَن يَزِغۡ مِنۡهُمۡ
عَنۡ أَمۡرِنَا نُذِقۡهُ مِنۡ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ١٢ يَعۡمَلُونَ لَهُۥ
مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ
وَقُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍۚ ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ
عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ ١٣ فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا
دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ
فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ
مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ١٤

آیا بربسته است بر خدا دروغ را؟ یا به او جنونی است؟ بلکه آنان‌که ایمان نمی‌آرند به آخرت، در عقوبت باشند و در گمراهی دورند. «۸» آیا ندیدند به سوی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است از آسمان و زمین. اگر خواهیم فروبریم ایشان را به زمین یا بیفکنیم بر ایشان پاره‌ها از آسمان، هرآیینه در این کار نشانه‌ای است هر بندهٔ رجوع کننده را. «۹» و هرآیینه دادیم داود را از نزدیک خود بزرگی. گفتیم: ای کوه‌ها! به زیروبم تسبیح گویید همراه او و مسخرش ساختیم مرغان را و نرم گردانیدیم برای او آهن. «۱۰» [فرمودیم] که: بساز زره‌های گشاده و اندازه نگاهدار در بافتن حلقه‌ها و [ای اهل بیت داود]! به عمل آرید کردارهای شایسته، هرآیینه من به آنچه می‌کنید بینااام. «۱۱» و مسخر ساختیم برای سلیمان، باد را. سیر اول روز و یک ماهه راه بود و سیر آخر روز او نیز یک ماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمهٔ مس و مسخّر ساختیم از دیوان، کسی را که کار می‌کرد پیش او به حکم پروردگار خویش و هر که کجی کند از دیوان از حکم ما، بچشانیم او را پاره‌ای از عقوبت دوزخ. «۱۲» می‌ساختند برای او آنچه می‌خواست از قلعه‌ها و صورت‌ها و کاسه‌ها بقدر حوض‌ها و دیگ‌های ثابت در جاهای خود. گفتیم: به عمل آرید ای کسان داود سپاسداری را و اندک کسی هست از بندگان من شکرگزارنده. «۱۳» پس چون مقرر کردیم به روی مرگ، دلالت نکرد دیوان را بر موت او، مگر کرم چوبخواره که می‌خورد عصای سلیمان را. پس چون بیفتاد، واضح شد پیش دیوان که اگر می‌دانستند غیب را، درنگ نمی‌کردند در عذاب خوار کننده. «۱۴»

لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ
وَشِمَالٖۖ كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ
طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ ﴿١٥﴾ فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ
سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ
خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ ﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم
بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلۡنَا
بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ
وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ
﴿١٨﴾ فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ
فَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ﴿١٩﴾ وَلَقَدۡ صَدَّقَ
عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقٗا مِّنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيۡهِم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّا
لِنَعۡلَمَ مَن يُؤۡمِنُ بِٱلۡأٓخِرَةِ مِمَّنۡ هُوَ مِنۡهَا فِي شَكّٖۗ
وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ﴿٢١﴾ قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ
زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ
وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ﴿٢٢﴾

هرآیینه بود قوم سبا را در جای ماندن نشانه‌ای. مر ایشان را بود و بوستان از جانب راست و از جانب چپ. گفتیم: بخورید رزق پروردگار خویش و شکر گویید او را. [شما را] شهری هست پاکیزه و پروردگاری آمرزنده. ﴿۱۵﴾ پس روی گردانیدند[1]. پس فرستادیم بر ایشان سیلی تند[2] و عوض دادیم ایشان را به جای دو بوستان ایشان دو بوستانی دیگر، خداوندِ میوه‌های بدمزه و خداوند درخت گز و چیزی اندک از درخت کنار. ﴿۱۶﴾ این سزا دادیم ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان و سزایِ بد نمی‌دهیم مگر ناسپاس را. ﴿۱۷﴾ و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن دیه‌هاکه برکت نهادیم در آن[3]، دیه‌ها متصل با یکدیگر و مقرر کردیم در آن دیه‌ها آمد و رفت را. گفتیم: سیر کنید در این دیه‌ها شب‌ها و روزها ایمن شده. ﴿۱۸﴾ پس گفتند:[4] ای پروردگار ما! دوری پیدا کن در میان سفرهای ما. و ستم کردند بر خویش، پس گردانیدیم ایشان را افسانه‌ها و پاره پاره ساختیم ایشان را تمام پاره پاره ساختن. هرآیینه در این ماجرا نشانه‌ها است هر صبر کنندهٔ شکر گوینده را. ﴿۱۹﴾ و هرآیینه راست یافت شیطان در حق ایشان اندیشهٔ خود را، پس پیروی او کردند مگر گروهی اندک از مسلمانان. ﴿۲۰﴾ و نبود شیطان را بر ایشان هیچ غلبه، لیکن مبتلا گردانیم تا بدانیم کسی را که ایمان می‌آرد به آخرت از آنکه وی در شبهه است از وی پروردگار تو بر هر چیز نگاهبان است. ﴿۲۱﴾ بگو: بخوانید آنان را که گمان می‌کنید به جز خدا، مالک نیستند هم وزن یک ذرّه در آسمان‌ها و نه در زمین و نیست ایشان را در آسمان و زمین، هیچ شرکتی و نیست خدا را از ایشان هیچ یاری دهنده. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی از شکر.

۲- یعنی سیلی که به پشت‌ها بند کرده بودند.

۳- یعنی شام.

۴- یعنی به زبانِ حال.

وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا
فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ
وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٢٣﴾ ۞قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُۖ وَإِنَّآ أَوۡ إِيَّاكُمۡ لَعَلَىٰ
هُدًى أَوۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٢٤﴾ قُل لَّا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّآ
أَجۡرَمۡنَا وَلَا نُسۡـَٔلُ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلۡ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا
رَبُّنَا ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٢٦﴾
قُلۡ أَرُونِيَ ٱلَّذِينَ أَلۡحَقۡتُم بِهِۦ شُرَكَآءَۖ كَلَّاۚ بَلۡ هُوَ ٱللَّهُ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ
بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢٨﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُل
لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَـٔۡخِرُونَ عَنۡهُ سَاعَةٗ وَلَا
تَسۡتَقۡدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ بِهَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ
مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ
يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ
لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ ﴿٣١﴾

و سود نکند درخواست، نزدیک خدای تعالی، مگر برای کسی که دستوری داده باشد برای[1] او. [اهل محشر مضطرب شوند] تا آنگاه که اضطراب دور کرده آید از دل ایشان، گویند: چه چیز فرموده است پروردگار شما؟ ملاء اعلی گویند: فرموده است سخن راست. و اوست بلند مرتبهٔ بزرگ قدیر. ﴿۲۳﴾ بگو: که روزی می‌دهد شما را از جانب آسمان‌ها و زمین؟ باز بگو: خدا می‌دهد و هرآیینه ما یا شما بر هدایتیم یا در گمراهی ظاهر. ﴿۲۴﴾ بگو: سؤال کرده نخواهید شد شما از گناه ما و سؤال کرده نخواهیم شد ما از آنچه شما می‌کنید. ﴿۲۵﴾ بگو: جمع خواهد کرد پروردگار ما میان ما. باز حکم کند میان ما (یعنی میان ما و شما) به راستی و اوست حکم کنندهٔ دانا. ﴿۲۶﴾ بگو: بنمایید مرا آنان‌که ایشان را لاحق کرده‌اید به خدا شریک ساخته. نه چنین است! بلکه خدا همونست غالب با حکمت. ﴿۲۷﴾ و نفرستادیم تو را الاّ برای مردمان همهٔ ایشان، مژده دهنده و ترساننده و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۸﴾ و می‌گویند: کی بوجود آید این وعده، اگر شما راستگویید؟. ﴿۲۹﴾ بگو: شما را است وعدهٔ روزی که باز پس ننمایید از آن ساعتی و نه پیش دستی کنید. ﴿۳۰﴾ و گفتند کافران (یعنی مشرکان): هرگز باور نداریم این قرآن را و نه آن کتاب راکه پیش از وی بود. و تعجب کنی ای بیننده! اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزدیک پروردگار خویش، باز می‌گرداند بعض ایشان به سوی بعض سخن را[2]. می‌گویند آنان‌که ناتوان گرفته شد ایشان را به آنان‌که سرکشی کردند: اگر نمی‌بودید شما، هرآیینه ما مسلمان می‌شدیم. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی اذن شفاعت داد.

۲- یعنی سؤال و جواب کنند.

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ
صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم
مُّجۡرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ
بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ
وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ
وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ
يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ
مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ
كَٰفِرُونَ ﴿٣٤﴾ وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا
نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾ قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن
يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾
وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ عِندَنَا
زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ
جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ
﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي
ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ﴿٣٨﴾ قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن
يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ
فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿٣٩﴾

گفتند سرکشان با ناتوانان: آیا ما بازداشتیم شما را از هدایت بعد از آنکه آمد به شما؟! بلکه شما بودید گناهکار. ﴿۳۲﴾ و گفتند: نا توانان سرکشان را: نه بلکه بازداشت ما را مکر شب و روز[1] چون می‌فرمودید ما را که کافر شویم به خدا و مقرر کنیم برای او همتایان را. و در دل دارند همهٔ ایشان پشیمانی، چون بینند عذاب را و بیاندازیم طوق‌ها در گردنِ کافران. سزا داده نمی‌شوند مگر به وفق آنچه می‌کردند. ﴿۳۳﴾ و نفرستادیم در هیچ دهی بیم کننده‌ای را، مگر گفتند منعمان آن ده: هرآیینه ما به آنچه فرستاده شده است شما را همراه آن نامعتقدیم. ﴿۳۴﴾ و گفتند: ما زیاده‌تریم به اعتبار اموال و اولاد و نیستیم ما عذاب کرده شده. ﴿۳۵﴾ بگو: هرآیینه پروردگار من گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد، لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۳۶﴾ و نیست اموال شما و نه اولاد شما آنچیز که مقرّب گرداند شما را نزدیک ما به مرتبهٔ قربت، لیکن مقرب آن است که ایمان آورد و کرد کردار شایسته. پس آن جماعت، ایشان راست جزای دو چند به مقابله آن که عمل کردند و ایشان در کوشک‌های بلند ایمن باشند. ﴿۳۷﴾ و آنان‌که سعی می‌کنند در ردّ آیات ما مقابله کنان، آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند. ﴿۳۸﴾ بگو: هرآیینه پروردگار من گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می‌سازد برای هر که خواهد و هرچه خرج کنید از هر جنس که باشد، پس خدای عوض آن دهد و او بهترین روزی دهندگان است. ﴿۳۹﴾

۱- یعنی مکر شما که پیوسته در سعی آن بودید.

وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ يَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ
إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا
مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم
مُّؤۡمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَٱلۡيَوۡمَ لَا يَمۡلِكُ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٖ نَّفۡعٗا
وَلَا ضَرّٗا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ
ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ
ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٞ يُرِيدُ أَن
يَصُدَّكُمۡ عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُكُمۡ وَقَالُواْ مَا هَٰذَآ
إِلَّآ إِفۡكٞ مُّفۡتَرٗىۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا
جَآءَهُمۡ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ﴿٤٣﴾ وَمَآ ءَاتَيۡنَٰهُم
مِّن كُتُبٖ يَدۡرُسُونَهَاۖ وَمَآ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ قَبۡلَكَ مِن
نَّذِيرٖ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَمَا بَلَغُواْ مِعۡشَارَ
مَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ فَكَذَّبُواْ رُسُلِيۖ فَكَيۡفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾
۞قُلۡ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثۡنَىٰ
وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ
هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ لَّكُم بَيۡنَ يَدَيۡ عَذَابٖ شَدِيدٖ ﴿٤٦﴾ قُلۡ
مَا سَأَلۡتُكُم مِّنۡ أَجۡرٖ فَهُوَ لَكُمۡۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَى
ٱللَّهِۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٞ ﴿٤٧﴾ قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَقۡذِفُ
بِٱلۡحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

و روزی که برانگیزد خدا ایشان را همه یکجا، باز بگوید به فرشتگان: آیا ایشان شما را عبادت می‌کردند؟!. ﴿۴۰﴾ فرشتگان گویند: پاکی تو راست، تو کار ساز مایی سوای ایشان، بلکه ایشان عبادت می‌کردند دیوان را[۱]. اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند. ﴿۴۱﴾ پس امروز نمی‌تواند بعض شما برای بعض سود رسانیدن و نه زیان کردن و فرماییم ستمکاران را: بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می‌داشتید آن را. ﴿۴۲﴾ و چون خوانده می‌شود بر ایشان آیات ما روشن آمده، گویند با یکدیگر: نیست این پیغامبر مگر مردی که می‌خواهد که بازدارد شما را از آنچه می‌پرستیدند پدران شما، و گویند: نیست این [قرآن] مگر دروغی بر بافته، و گویند کافران سخن راست را چون بیاید بدیشان: نیست این مگر سحر ظاهر. ﴿۴۳﴾ و ندادیم مشرکان عرب را کتاب‌ها که بخوانند آن را و نفرستادیم به سوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده. ﴿۴۴﴾ و دروغی داشتند آنان‌که پیش از ایشان بودند، و این مشرکان نرسیده‌اند به ده یک آنچه داده بودیم به پیشینیان، پس به دروغ نسبت کردند پیغامبرانِ مرا، پس چگونه بود عقوبت من. ﴿۴۵﴾ بگو: جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یک کلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان و یک یک، باز تأمّل کنید که نیست به این یار شما هیچ جنونی، نیست او مگر بیم کننده برای شما پیش از آمدن عذاب سخت. ﴿۴۶﴾ بگو: آنچه سؤال کرده باشم از شما از جنس مزد، پس آن شماراست، نیست مزد من مگر بر خدا و او بر همه چیز خبردار است. ﴿۴۷﴾ بگو: هرآیینه پروردگار من برمی تابد از علم غیب وحی راست را، آن پروردگار دانای پوشیده‌ها است. ﴿۴۸﴾

۱- یعنی عبادت ملائکه به جهت وسوسه شیاطین بود، پس گویا عبات شیاطین کردند.

قُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَمَا يُبۡدِئُ ٱلۡبَٰطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلۡ
إِن ضَلَلۡتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفۡسِيۖ وَإِنِ ٱهۡتَدَيۡتُ
فَبِمَا يُوحِيٓ إِلَيَّ رَبِّيٓۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٞ قَرِيبٞ ﴿٥٠﴾ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذۡ
فَزِعُواْ فَلَا فَوۡتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٖ قَرِيبٖ ﴿٥١﴾ وَقَالُوٓاْ
ءَامَنَّا بِهِۦ وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ مِن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ﴿٥٢﴾
وَقَدۡ كَفَرُواْ بِهِۦ مِن قَبۡلُۖ وَيَقۡذِفُونَ بِٱلۡغَيۡبِ مِن
مَّكَانِۢ بَعِيدٖ ﴿٥٣﴾ وَحِيلَ بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ مَا يَشۡتَهُونَ
كَمَا فُعِلَ بِأَشۡيَاعِهِم مِّن قَبۡلُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ فِي شَكّٖ
مُّرِيبِۭ ﴿٥٤﴾

بگو: آمد سخن راست. و آفرینش نو نمی‌کند معبود باطل و نه دیگر بار آفریند. ﴿۴۹﴾ بگو: اگر گمراه شدم، پس جز این نیست که گمراه می‌شوم بر نفس خویش و اگر راه یابم، پس به سبب آن است که وحی فرستد به سوی من پروردگار من. هرآیینه وی شنوا نزدیک است. ﴿۵۰﴾ و تعجب کنی اگر ببینی چون مضطرب شوند، پس نباشد از عذاب خلاص شدن و گرفته شوند از هر جانب نزدیک[1]. ﴿۵۱﴾ و گویند آنگاه: ایمان آوردیم به قرآن و از کجا بُوَد ایشان را به دست آوردن ایمان از جای دور (یعنی محال شد) . ﴿۵۲﴾ و حال آنکه کافر بودند به قرآن پیش از این و می‌انداززند[2] نادیده از مکان دور. ﴿۵۳﴾ و جدایی افکنده شده میان ایشان و میان آنچه می‌خواستند، چنانچه کرده شد به امثال ایشان پیش از این. هرآیینه ایشان بودند در شک قوی. ﴿۵۴﴾

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ جَاعِلِ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِيٓ أَجۡنِحَةٖ مَّثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۚ
يَزِيدُ فِي ٱلۡخَلۡقِ مَا يَشَآءُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ
﴿١﴾ مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحۡمَةٖ فَلَا مُمۡسِكَ لَهَاۖ
وَمَا يُمۡسِكۡ فَلَا مُرۡسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ
عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ﴿٣﴾

سوره فاطر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

همه ستایش خدای را است، آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین، سازنده فرشتگان را پیغامبر، سازنده ایشان را خداوندِ بازوها دوگان دوگان و سه‌گان سه‌گان و چهارگان چهارگان. زیاده می‌کند در آفرینش هرچه خواهد، هرآیینه خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۱﴾ آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان از رحمت، پس هیچ بند کننده‌ای نیست آن را و آنچه بند کند، پس هیچ گشاده سازنده نیست آن را بعد از وی یعنی غیر وی. و اوست غالب با حکمت. ﴿۲﴾ ای مردمان! یاد کنید نعمت خدا بر خویش. آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا، روزی می‌دهد خدا شما را از جانب آسمان و زمین، نیست هیچ معبود مگر وی، پس از کجا گردانیده می‌شوید؟. ﴿۳﴾

۱- یعنی گرفته شوند به آسانی.

۲- یعنی حدس می‌زنند.

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَۚ وَإِلَى
ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٤﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ
حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ
ٱلۡغَرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ
إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ
﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن
زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ
مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۖ فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ
عَلَيۡهِمۡ حَسَرَٰتٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ﴿٨﴾
وَٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَسُقۡنَٰهُ إِلَىٰ
بَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَحۡيَيۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ كَذَٰلِكَ
ٱلنُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًاۚ
إِلَيۡهِ يَصۡعَدُ ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥۚ
وَٱلَّذِينَ يَمۡكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ
وَمَكۡرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن
تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ جَعَلَكُمۡ أَزۡوَٰجٗاۚ وَمَا تَحۡمِلُ
مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٖ
وَلَا يُنقَصُ مِنۡ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى
ٱللَّهِ يَسِيرٞ ﴿١١﴾

و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هرآیینه به دروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش از تو و به سوی خدا باز گردانیده می‌شود کارها. ﴿۴﴾ ای مردمان! هرآیینه وعدهٔ خدا راست است. پس فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و نفریبد شما را به نسبت خدا شیطان فریب دهنده. ﴿۵﴾ هرآیینه شیطان شما را راست دشمن، پس دشمن گیرید او را. جز این نیست که می‌خواند تابعان خود را تا باشند از اهل دوزخ. ﴿۶﴾ آنان‌که کافر شدند ایشان راست عذاب سخت و آنان‌که ایمان آوردند و کردند عمل‌های شایسته، ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۷﴾ آیا کسی که آراسته کرده شد برای او عمل زشت او، پس نیک دید آن را مثل مؤمن صالح باشد؟ پس هرآیینه خدا گمراه می‌کند هر که را خواهد و راه می‌نماید هر که را خواه.د پس باید که هلاک نشود نفس تو بر ایشان از روی دریغ. هرآیینه خدا داناست به آنچه می‌کنند. ﴿۸﴾ و خدا آن است که فرستاد بادها را، پس برانگیخت آن بادها ابر را، پس روان کردیم ابر را به سوی شهر مرده، پس زنده ساختیم به آن ابر زمین را بعدِ مرده بودنِ آن، همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان. ﴿۹﴾ هر که خواهد ارجمندی، پس خدای راست ارجمندی، همه یکجا. به سوی او بالا می‌رود سخن پاکیزه، و عمل صالح بلندی گرداندش خدا و آنان که می‌اندیشند فتنه‌ها، ایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همان نابود شود. ﴿۱۰﴾ خدا آفرید شما را از خاک، باز از نطفه، باز گردانید شما را جفت مرد و زن و در شکم بر نمی‌دارد هیچ زنی و نمی‌زاید مگر به علم خدا و زندگانی داده نمی‌شود هیچ دراز عمری و کم کرده نمی‌شود از عمر وی، الاّ ثبت است در کتاب، هرآیینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۱۱﴾

وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡبَحۡرَانِ هَٰذَا عَذۡبٞ فُرَاتٞ سَآئِغٞ
شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا مِلۡحٌ أُجَاجٞۖ وَمِن كُلّٖ تَأۡكُلُونَ لَحۡمٗا
طَرِيّٗا وَتَسۡتَخۡرِجُونَ حِلۡيَةٗ تَلۡبَسُونَهَاۖ وَتَرَى ٱلۡفُلۡكَ
فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ
١٢ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ
وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمّٗىۚ
ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن
دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ ١٣ إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا
يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ
وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ
مِثۡلُ خَبِيرٖ ١٤ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ
وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ١٥ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ
بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ١٦ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٖ ١٧ وَلَا
تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ وَإِن تَدۡعُ مُثۡقَلَةٌ إِلَىٰ حِمۡلِهَا لَا
يُحۡمَلۡ مِنۡهُ شَيۡءٞ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰٓۗ إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ
يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَمَن تَزَكَّىٰ
فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفۡسِهِۦۚ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨

برابر نیستند[۱] دو دریا، این یک شیرین، در نهایت شیرینی است، خوشگوار است آبِ او و آن دیگر به تلخی مایل است و از هر یکی می‌خورید گوشت تازه و بر می‌آرید زیوری که می‌پوشید آن را و می‌بینی کشتی‌ها را در دریا شکافندۀ آب، تا روزی طلب بکنید از فضل او و تا بود که شما شکر گویید. ﴿۱۲﴾ در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد روز را در شب و رام ساخت آفتاب و ماه را، هر یکی می‌رود به میعادی معین. این است خدا پروردگار شما، مر او راست پادشاهی و آنان‌که می‌پرستید بجز وی، مالك نمی‌شوند مقدار پوست خسته. ﴿۱۳﴾ اگر بخوانید ایشان را نشوند خواندن شما را و اگر به فرض بشنوند، قبول نکنند گفتۀ شما و روز قیامت منکر شوند، شریک مقرّر کردن شما را و خبر ندهد تو را هیچ‌کس مانند دانا[۲]. ﴿۱۴﴾ ای مردمان! شمایید محتاج به سوی خدا و خدا همونست بی‌احتیاج ستوده‌کار. ﴿۱۵﴾ اگر خواهد، نابود سازد شما را و بیارد آفرینش نو. ﴿۱۶﴾ و نیست این کار بر خدا دشوار. ﴿۱۷﴾ و برنمی‌دارد هیچ بردارنده بار دیگری را و اگر بخواند گرانبار کسی را به سوی بار خویش، برداشته نشود از آن بار چیزی، اگرچه آن کس خداوند خویشی باشد. جز این نیست که بیم می‌کنی آنان را که می‌ترسند از پروردگار خویش غایبانه و برپا داشته‌اند نماز را و هر که پاك شد، پس جز این نیست که پاك می‌شود برای نفع خویش و به سوی خداست بازگشت. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی یکسان نمی‌شوند به اختلاط.

۲- مترجم گوید: ﴿وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٖ﴾ به منزلۀ مثل است، چون سخن بلیغ گویند و تحقیق به نهایت رسانند، این کلمه گویند.

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا
ٱلنُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي
ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ
أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي ٱلْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾
إِنَّآ أَرْسَلْنَٰكَ بِٱلْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًاۚ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا
خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ
وَبِٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَاۚ
وَمِنَ ٱلْجِبَالِ جُدَدُۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا
وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ
مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَۗ إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ
ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتْلُونَ
كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ
سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُوَفِّيَهُمْ
أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٌ شَكُورٌ
﴿٣٠﴾

و برابر نیستند نابینا و بینا. ﴿۱۹﴾ و نه تاریکی‌ها و نه روشنی. ﴿۲۰﴾ و نه سایه و نه باد گرم. ﴿۲۱﴾ و برابر نمی‌شوند زندگان و مردگان. هرآیینه خدا می‌شنواند. هر که را خواهد و نیستی تو شنواننده کسی که راکی در گور باشد. ﴿۲۲﴾ نیستی تو مگر ترساننده. ﴿۲۳﴾ هرآیینه ما فرستاده‌ایم تو را به دین راست، بشارت دهنده و بیم کننده. و نیست هیچ امتی مگر گذشته است در آن بیم کننده‌ای ﴿۲۴﴾ و اگر به دروغ نسبت کنند تو را، پس هرآیینه دروغی داشته بودند آنان‌که پیش از ایشان بودند. آمدند بدیشان پیغامبران ایشان به نشانه‌های واضح و به نامهای الهی و به کتاب روشن. ﴿۲۵﴾ باز گرفتار کردم کافران را، پس چگونه بود عقوبت من. ﴿۲۶﴾ آیا ندیدی که خدا فرود آورد از آسمان آب را، پس برآوردیم به سبب آن میوه‌هایی گوناگون رنگ آن؟ و از کوه‌ها راه‌ها است گوناگون رنگ، طایفه‌ای سفید و طایفه‌ای سرخ و طایفه‌ای سیاه در نهایت سیاهی. ﴿۲۷﴾ و از مردمان و جانوران و چهارپایان گوناگون است رنگ او همچنان. جز این نیست که می‌ترسند از خدا عالمان از بندگان او. هرآیینه خدا غالب آمرزنده است. ﴿۲۸﴾ هرآیینه آنان‌که تلاوت می‌کنند کتاب خدا را و برپا داشته‌اند نماز را و خرج کرده‌اند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا، امیدوارند سوداگری‌ای راکه هرگز هلاک نشود. ﴿۲۹﴾ تا به تمام رساند به سوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد ایشان را از فضل خود. هرآیینه او آمرزندهٔ قدردان است. ﴿۳۰﴾

وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا
لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ﴿٣١﴾ ثُمَّ
أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ
ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ
بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٣٢﴾
جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن
ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ﴿٣٣﴾ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ
لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ
﴿٣٤﴾ ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ ﴿٣٥﴾ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَهُمۡ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ
وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي كُلَّ
كَفُورٖ ﴿٣٦﴾ وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ
صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا
يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ فَذُوقُواْ فَمَا
لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ غَيۡبِ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو از قرآن، همونست
راست باوردارندهٔ آنچه پیش از وی است، هرآیینه خدا به
بندگان خود خبردار بیناست. ﴿۳۱﴾ باز میراث دادیم قرآن
را به آنان‌که برگزیدیم ایشان را از بندگان خود[1]، پس
بعض ایشان ستمکار است بر نفس خود و بعض ایشان
میانه‌رو است و بعض ایشان سبقت کننده است به سوی
نیکی‌ها به حکم خدا. این است فضل بزرگ. ﴿۳۲﴾
بوستان‌های همیشه ماندن، درآیند آنجا، زیور داده شود
ایشان را آنجا از قسم و ستوانه‌های طلا و مروارید و لباس
ایشان آنجا جامهٔ ابریشمی باشد. ﴿۳۳﴾ و گفتند: همهٔ
ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را، هرآیینه
پروردگار ما آمرزندهٔ قدرشناس است. ﴿۳۴﴾ آن که فرود
آورد ما را به سرای همیشه ماندن از فضل خود. نرسد به ما
آنجا هیچ رنجی و نرسد به ما آنجا هیچ ماندگی. ﴿۳۵﴾ و
آنان که کافر شدند، ایشان راست آتش دوزخ، نه حکم
کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از
ایشان چیزی از عذاب دوزخ، همچنین سزا می‌دهیم هر
ناسپاس را. ﴿۳۶﴾ و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجاکه: ای
پروردگار ما! بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته بجز آنکه
می‌کردیم. [گوییم]: آیا زندگانی ندادیم شما را آن‌قدر که
پندپذیر شود در آن هر که پندپذیرفتن خواهد؟ و آمد به
شما ترساننده. پس بچشید، پس نیست ستمکاران را هیچ
یاری دهنده. ﴿۳۷﴾ هرآیینه خدا دانندهٔ پنهان آسمان‌ها و
زمین است. هرآیینه وی داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی از پیغامبرﷺ امت محمدیه رسید، والله اعلم.

هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَمَن كَفَرَ
فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ عِندَ
رَبِّهِمۡ إِلَّا مَقۡتٗاۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ إِلَّا
خَسَارٗا ٣٩ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ
شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا فَهُمۡ عَلَىٰ
بَيِّنَتٖ مِّنۡهُۚ بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا
غُرُورًا ٤٠ ۞إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن
تَزُولَاۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنۡ أَمۡسَكَهُمَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ
إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤١ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ
أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ لَّيَكُونُنَّ أَهۡدَىٰ مِنۡ
إِحۡدَى ٱلۡأُمَمِۖ فَلَمَّا جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ مَّا زَادَهُمۡ إِلَّا نُفُورًا
٤٢ ٱسۡتِكۡبَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕۚ وَلَا يَحِيقُ
ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦۚ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
ٱلۡأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗاۖ وَلَن تَجِدَ
لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحۡوِيلًا ٤٣ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَكَانُوٓاْ
أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا ٤٤

وی آن است که گردانید شما را جانشین در زمین. پس هر
که کافر شود، ضرر کفر او بر وی است و نمی‌افزاید در
حق کافران، کفر ایشان نزدیک پروردگار ایشان، مگر
غضب را و نمی‌افزاید در حق کافران، کفر ایشان، مگر
زیان را. ﴿۳۹﴾ بگو: آیا دیدید شریکان مقرر کردهٔ خود
را؟ آنان‌که می‌پرستید به جز خدا، بنمایید مرا چه چیز
آفریده‌اند از زمین! آیا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها،
نه! بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان بر حجّتند از
آن؟! بلکه وعده نمی‌دهند ستمکاران بعض ایشان بعض را،
مگر به طریق فریفتن. ﴿۴۰﴾ هرآیینه خدا نگاه می‌دارد
آسمان‌ها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند و اگر
بلغزند، نگاه ندارد این هر دو را هیچ‌کس بعد از خدا[1]،
هرآیینه وی است بردبار آمرزگار. ﴿۴۱﴾ و قسم خوردند
به خدا سخت‌ترین قسم‌های خود که اگر بیاید به ایشان
ترساننده‌ای، البته خواهند بود راه یافته‌تر از هر یک امت،
پس چون آمد بدیشان ترساننده‌ای، زیاده نکرد در حق
ایشان مگر رمیدن را. ﴿۴۲﴾ به سبب سرکشی در زمین و
زیاده نکرد مگر بداندیشی قبیح را و فرود نمی‌آید وبال
بداندیشی قبیح، مگر به اهل او. پس منتظر نیستند مگر آیین
عقوبت پیشینیان را، پس نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی
و نخواهی یافت آیین خدا را تغیّری. ﴿۴۳﴾ آیا سیر
نکرده‌اند در زمین تا ببینند چگونه شد انجام کار آنان‌که
پیش از ایشان بودند و آن جماعت بودند زیاده‌تر از ایشان
در قوّت. و هرگز نیست که عاجز کند خدا را چیزی در
آسمان‌ها و نه در زمین، هرآیینه او هست دانای توانا.
﴿۴۴﴾

۱- یعنی غیر از خدا.

وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ
ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ
فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا ﴿٤٥﴾

و اگر گرفتاری کردی خدا مردمان را به سزای آنچه می‌کردند، نگذاشتی بر پشت زمین هیچ جانوری را و لیکن موقوف می‌دارد ایشان را تا میعادی معین، پس چون آمد میعاد ایشان پس هرآیینه خدا هست به بندگان خود بینا. ﴿۴۵﴾

سُورَةُ يسٓ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يسٓ ﴿١﴾ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ
﴿٣﴾ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٤﴾ تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ
﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غَٰفِلُونَ ﴿٦﴾
لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٧﴾
إِنَّا جَعَلۡنَا فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا فَهِيَ إِلَى ٱلۡأَذۡقَانِ فَهُم
مُّقۡمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا وَمِنۡ
خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ﴿٩﴾
وَسَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ
﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ
بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحۡنُ
نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ
أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ ﴿١٢﴾

سوره یس

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

یس. ﴿۱﴾ قسم به قرآن با حکمت. ﴿۲﴾ هرآیینه تو از پیغامبرانی. ﴿۳﴾ بر راه راستی. ﴿۴﴾ مراد دارم فروفرستادنِ غالب مهربان. ﴿۵﴾ تا بترسانی قومی را که ترسانیده نشده‌اند پدران ایشان، پس ایشان غافلانند[۱]. ﴿۶﴾ هرآیینه ثابت شد وعدهٔ عذاب بر اکثر ایشان، پس اکثر ایشان ایمان نمی‌آرند. ﴿۷﴾ هرآیینه ما ساختیم در گردن ایشان طوقها، پس آن طوقها تا زنخ باشند، پس ایشان سر بالا کردگانند. ﴿۸﴾ و ساختیم پیش روی ایشان دیواری و پسِ پشت ایشان دیواری، باز پوشیدیم ایشان را، پس ایشان هیچ نبینند[۲]. ﴿۹﴾ و برابرست بر ایشان که بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را، ایمان نیاورند. ﴿۱۰﴾ جز این نیست که می‌ترسانی کسی را که پیروی پند کند و ترسد از خدا غایبانه، پس بشارت ده او را به آمرزش و مزدگرامی. ﴿۱۱﴾ هرآیینه ما زنده می‌گردانیم مردگان را و می‌نویسیم آنچه پیش فرستادند[۳] و می‌نویسیم نقش اقدام ایشان را و هر چیزی را احاطه کردیم در کتاب ظاهر[۴]. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی در بنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود.

۲- مترجم گوید: این هر دو آیت تمثیل و تصویر است یأس ایشان را از شناختن حق.

۳- یعنی اعمال خیر و شر.

۴- یعنی لوحِ محفوظ.

وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا
ٱلۡمُرۡسَلُونَ ١٣ إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا
فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ ١٤ قَالُواْ
مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ
إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ١٥ قَالُواْ رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ
إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ١٦ وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ ٱلۡمُبِينُ
١٧ قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ
وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ١٨ قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم
مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ١٩ وَجَآءَ
مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ
ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٢٠ ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم
مُّهۡتَدُونَ ٢١ وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ
تُرۡجَعُونَ ٢٢ ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ
ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا
يُنقِذُونِ ٢٣ إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ٢٤ إِنِّيٓ ءَامَنتُ
بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ٢٥ قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ
قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ٢٦ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ
ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٧

و بیان کن برای ایشان، داستانی قصّه اهل دیه، چون آمد به آن دیه پیغامبران. ﴿۱۳﴾ آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دو کَس را، پس به دروغ نسبت کردند ایشان را، پس قوّت دادیم به سوّمی. پس به هر سه کس گفتند: هرآیینه به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۴﴾ اهل ده گفتند: نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه فروفرستاده است خدا هیچ چیز، نیستید شما مگر دروغگو. ﴿۱۵﴾ گفتند: پروردگار ما می‌داند که هرآیینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۶﴾ و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن ظاهر. ﴿۱۷﴾ گفتند: هرآیینه ما شگون بد گرفتیم به شما، اگر باز نمایند سنگسار کنیم شما را و البته برسد به شما از جانب ما عقوبت درد دهنده. ﴿۱۸﴾ گفتند: شگون بد شما همراه شما است. آیا اگر پند داده شود شما را بر شگون بد حمل کنید؟ بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید. ﴿۱۹﴾ و آمد از دورترین محل‌های آن شهر مردی شتابان. گفت: ای قوم من! پیروی کنید پیغامبران را. ﴿۲۰﴾ پیروی کنید کسی را که نمی‌طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند. ﴿۲۱﴾ و چیست مرا که عبادت نکنم معبودی را که بیافرید مرا و به سوی وی بازگردانیده خواهید شد؟. ﴿۲۲﴾ آیا بجز وی خدایان گیرم که اگر بخواهد خدای تعالی در حقّ من زیانی، دفع نکند از من شفاعت ایشان، چیزی را و ایشان خلاص نکنند مرا؟. ﴿۲۳﴾ هرآیینه من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم. ﴿۲۴﴾ هرآیینه من ایمان آوردم به پروردگار شما، پس بشنوید از من[۱]. ﴿۲۵﴾ گفته شد او را: درآی به بهشت. گفت: ای کاش! قوم من بدانند. ﴿۲۶﴾ که به چه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا از نواختگان. ﴿۲۷﴾

۱- مترجم گوید: اهل دیه آن را شهید ساختند، والله اعلم.

وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ
وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ﴿٢٩﴾ يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا
يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمۡ
يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا
يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ﴿٣٢﴾
وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا
حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن
نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ﴿٣٤﴾
لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا
يَشۡكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا
تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾
وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ
﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ
ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ
كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن
تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ
يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾

و فرود نیاوردیم بر قوم او بعد ازو هیچ لشکری از آسمان و
نیستیم ما فرود آرندهٔ لشکر. ﴿۲۸﴾ نبود عقوبت ایشان
مگر یک فریاد تند، پس ناگهان ایشان چون آتش فرو مرده
شدند. ﴿۲۹﴾ ای وای بر بندگان! نمی‌آید بدیشان هیچ
فرستاده‌ای مگر به او تمسخر می‌کردند. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدند
چقدر هلاک ساختیم پیش از ایشان طبقات مردمان را؟ آیا
ندیدند که آن جماعت به سوی ایشان باز نمی‌آیند؟.
﴿۳۱﴾ و نیست هر طبقه مگر جمع آوردهٔ نزدیک ما
حاضر کرده شده. ﴿۳۲﴾ و نشانه‌ای هست برای ایشان
زمین مرده، زنده گردانیدیم آن را و برآوردیم از آن دانه،
پس از آن دانه می‌خورند. ﴿۳۳﴾ و آفریدیم در زمین
بوستان‌ها از درختان خرما و درختان انگور و روان ساختیم
در آن بوستان چشمه‌ها. ﴿۳۴﴾ تا بخورند از میوهٔ آنچه
مذکوره شد و نساخته است میوه را دست ایشان. آیا پس
شکر نمی‌کنند؟. ﴿۳۵﴾ پاک است آن که آفرید اجناس
را تمام آن، از آنچه می‌رویاندش زمین و از جنس آدمیان و
از آنچه ایشان نمی‌دانند. ﴿۳۶﴾ و نشانه‌ای هست ایشان را
شب. مانند پوست می‌کشیم از وی روز را، پس ناگهان
ایشان در تاریکی آیندگان باشند. ﴿۳۷﴾ و آفتاب می‌رود
به راهی که قرارگاه وی است. این است اندازهٔ خدای
غالب دانا. ﴿۳۸﴾ و ماه، مقرر کردیم برای او منزل‌ها تا
آنکه باز گردد به شکل شاخ کهنه. ﴿۳۹﴾ نه آفتاب
می‌سزدش که دریابد ماه را و نه شب سبقت کننده است به
روز[۱] و هر یکی از آفتاب و ماه و ستاره‌ها در آسمانی سیر
می‌کنند. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی پیش از انقضای روز نمی‌آید.

وَءَايَةٞ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ
﴿٤١﴾ وَخَلَقۡنَا لَهُم مِّن مِّثۡلِهِۦ مَا يَرۡكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِن نَّشَأۡ
نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنقَذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا
رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُواْ مَا
بَيۡنَ أَيۡدِيكُمۡ وَمَا خَلۡفَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿٤٥﴾
وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا
مُعۡرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ
قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ
يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٤٧﴾
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا
يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ
﴿٤٩﴾ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ تَوۡصِيَةٗ وَلَآ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ يَرۡجِعُونَ
﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ
يَنسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا
مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا
صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ﴿٥٣﴾
فَٱلۡيَوۡمَ لَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗا وَلَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا
كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٥٤﴾

و نشانه‌ای هست ایشان را که ما برداشتیم قومی بنی آدم را در کشتی پر کرده شده. ﴿۴۱﴾ و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه سوار می‌شوند بر آن[1]. ﴿۴۲﴾ و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را، پس هیچ فریادرس نباشد برای ایشان و نه ایشان رها کرده شوند. ﴿۴۳﴾ لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره‌مند ساختیم تا مدّتی. ﴿۴۴﴾ و چون گفته شود به ایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دو دست شما باشد و عقوبتی که پس پشت شما باشد، بود که بر شما رحم کرده شود. ﴿۴۵﴾ و نمی‌آید بدیشان هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگار ایشان، الاّ از آن روگردان باشند. ﴿۴۶﴾ و چون گفته شود به ایشان که: خرج کنید از آنچه رزق داده است شما را خدای تعالی، گویند این کافران به مسلمانان: آیا طعام دهیم کسی را که اگر خدای تعالی می‌خواست طعام دادی او را؟ نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر. ﴿۴۷﴾ و می‌گویند کافران: کی باشد این وعده اگر راستگویید؟. ﴿۴۸﴾ انتظار نمی‌کشند مگر یک نعرهٔ تند راکه بگیرد ایشان را و ایشان خصومت کنان باشند. ﴿۴۹﴾ پس نتوانند وصیّت کردن و نه به اهل خود بازگردند. ﴿۵۰﴾ و دمیده شود در صور. پس ناگهان ایشان از قبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند. ﴿۵۱﴾ گویند: ای وای بر ما! کِه برخیزانید ما را از خوابگاه ما؟ آری! این همان است که وعده داده بود خدای تعالی و راست گفتند پیغامبران. ﴿۵۲﴾ نباشد این واقعه مگر نعرهٔ تندی، پس ناگهان ایشان جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده باشند. ﴿۵۳﴾ پس امروز ستم کرده نخواهد شد بر هیچ‌کس، هیچ ستمی و جزا داده نخواهید شد الاّ به حسب آنچه می‌کردید. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی شتر و کرگدن.

إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ٥٥ هُمۡ
وَأَزۡوَٰجُهُمۡ فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ٥٦ لَهُمۡ
فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ٥٧ سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ
رَّحِيمٖ ٥٨ وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٥٩ ۞أَلَمۡ
أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ
إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٠ وَأَنِ ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا
صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١ وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ جِبِلّٗا كَثِيرًاۖ
أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ ٦٢ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي كُنتُمۡ
تُوعَدُونَ ٦٣ ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٦٤
ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ
أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٦٥ وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا
عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ ٦٦
وَلَوۡ نَشَآءُ لَمَسَخۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ
مُضِيّٗا وَلَا يَرۡجِعُونَ ٦٧ وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي
ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ ٦٨ وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا
يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ ٦٩ لِّيُنذِرَ
مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٠

هرآیینه اهل بهشت امروز در کاری هستند شادانند. ﴿۵۵﴾
ایشان و زنان ایشان در سایه‌ها بر تخت‌ها نشینند. ﴿۵۶﴾
ایشان راست در بهشت میوه و ایشان راست، آنچه طلب
کنند. ﴿۵۷﴾ گفته شود: سلام باد از جانب پروردگار
مهربان. ﴿۵۸﴾ و بگوییم جدا شوید امروز ای گناهکاران!.
﴿۵۹﴾ آیا حکم نفرستاده بودم به سوی شما ای اولاد آدم،
که مپرستید شیطان را، هرآیینه وی شما را دشمن آشکارا
است؟!. ﴿۶۰﴾ و آن که بپرستید مرا این است راه راست.
﴿۶۱﴾ و هرآیینه گمراه ساخت شیطان از قوم شما خلق
بسیار را. آیا نمی‌دانستید؟. ﴿۶۲﴾ این آن دوزخ است که
وعده داده می‌شد شما را. ﴿۶۳﴾ درآیید به آن امروز به
سبب کافر بودن خود. ﴿۶۴﴾ امروز مُهر نهیم بر دهان
ایشان و سخن گوید ما با دست‌های ایشان و گواهی دهد
پاهای ایشان به آنچه می‌کردند. ﴿۶۵﴾ و اگر خواهیم نابود
کنیم چشم ایشان، پس سبقت کنند به سوی راه، پس از
کجا ببینند. ﴿۶۶﴾ و اگر خواهیم مسخ کنیم ایشان را بر
جای ایشان، پس نتواند گذشتن از آنجا و باز نگردند.
﴿۶۷﴾ و هر که را عمر دراز می‌دهیم، نگونسار می‌کنیمش
در آفرینش. آیا در نمی‌یابند؟. ﴿۶۸﴾ و نیاموختیم این
پیغامبر را شعر و لایق نیست او را، نیست این مگر پند و
قرآن آشکار. ﴿۶۹﴾ تا بترساند هر که زنده باشد[1] و ثابت
شود حجت بر کافران. ﴿۷۰﴾

۱- یعنی صاحب فهم باشد.

أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا خَلَقۡنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتۡ أَيۡدِينَآ أَنۡعَٰمٗا
فَهُمۡ لَهَا مَٰلِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلۡنَٰهَا لَهُمۡ فَمِنۡهَا رَكُوبُهُمۡ
وَمِنۡهَا يَأۡكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُۚ
أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ
لَّعَلَّهُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسۡتَطِيعُونَ نَصۡرَهُمۡ وَهُمۡ لَهُمۡ
جُندٞ مُّحۡضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحۡزُنكَ قَوۡلُهُمۡۘ إِنَّا نَعۡلَمُ مَا
يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَ لَمۡ يَرَ ٱلۡإِنسَٰنُ أَنَّا
خَلَقۡنَٰهُ مِن نُّطۡفَةٖ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٞ مُّبِينٞ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ
لَنَا مَثَلٗا وَنَسِيَ خَلۡقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحۡيِ ٱلۡعِظَٰمَ وَهِيَ
رَمِيمٞ ﴿٧٨﴾ قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ
بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ
ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَ
لَيۡسَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن
يَخۡلُقَ مِثۡلَهُمۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَآ أَمۡرُهُۥٓ
إِذَآ أَرَادَ شَيۡـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
فَسُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَإِلَيۡهِ
تُرۡجَعُونَ ﴿٨٣﴾

آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخته است دست ما چهارپایان را، پس ایشان آن را مالکانند؟. ﴿۷۱﴾ و رام ساختیم چهارپایان را برای ایشان، پس بعض از آن سواری ایشان است و بعض از آن می‌خورند. ﴿۷۲﴾ و ایشان راست در چهارپایان منفعت‌ها و آشامیدن‌ها. آیا شکر نمی‌گذارند؟. ﴿۷۳﴾ و گرفتند سوای خدا معبودان را تا بود که ایشان یاری داده شوند. ﴿۷۴﴾ نتوانند یاری کردن ایشان و این بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده‌اند. ﴿۷۵﴾ پس اندوهگین نکند تو را سخن ایشان، هرآیینه ما می‌دانیم آنچه پنهان می‌کنند و آنچه آشکار می‌نمایند. ﴿۷۶﴾ آیا ندیده است آدمی که ما آفریدیم او را از نطفه پس ناگهان او خصومت کنندهٔ آشکارا شد؟. ﴿۷۷﴾ و پدید آورد برای ما داستانی و فراموش کرد آفرینش خود را. گفت: که زنده کند استخوان‌ها در حالتی که آن کهنه شده باشند؟. ﴿۷۸﴾ بگو: زنده کندش آن که آفرید او را اول بار و او به هر قسم آفرینش داناست. ﴿۷۹﴾ آن که پیداکرد برای شما از درخت سبز آتش را، پس ناگهان شما از آن درخت آتش می‌افروزید. ﴿۸۰﴾ آیا نیست آن که آفرید آسمان‌ها و زمین را، توانا بر آنکه آفریند مانند ایشان؟ بلی! و هم اوست آفرینندهٔ دانا. ﴿۸۱﴾ جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد آفریدن چیزی، این است که گویدش شو! پس می‌شود. ﴿۸۲﴾ پس پاک است آن که به دست اوست پادشاهی هر چیز و به سوی او بازگردانیده شوید. ﴿۸۳﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ١ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ٢ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ
ذِكۡرًا ٣ إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ٤ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ ٥ إِنَّا زَيَّنَّا
ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ٦ وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ
شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ٧ جَانِبٖ ٨ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ
وَاصِبٌ ٩ إِلَّا مَنۡ خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ
ثَاقِبٞ ١٠ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ
إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۭ ١١ بَلۡ عَجِبۡتَ
وَيَسۡخَرُونَ ١٢ وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ ١٣ وَإِذَا رَأَوۡاْ
ءَايَةٗ يَسۡتَسۡخِرُونَ ١٤ وَقَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٌ
١٥ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ١٦ أَوَ
ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ١٧ قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ ١٨ فَإِنَّمَا
هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ فَإِذَا هُمۡ يَنظُرُونَ ١٩ وَقَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا
هَٰذَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ٢٠ هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ
تُكَذِّبُونَ ٢١ ۞ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ
وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٢٢ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ
صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ ٢٣ وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡـُٔولُونَ ٢٤

سوره صافات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به جماعتی از ملائکه که صف می‌کشند صف کشیدنی![1].
﴿۱﴾ پس قسم به جماعتی که می‌رانند راندنی![2]. ﴿۲﴾ پس قسم به
جماعتی که تلاوت می‌کنند تلاوت کردنی! . ﴿۳﴾ هرآیینه معبود
شما یکی است. ﴿۴﴾ او پروردگار آسمان‌ها و زمین است و آنچه در
میان اینهاست و او پروردگار مشرق‌ها است[3]. ﴿۵﴾ هرآیینه ما
آرایش دادیم آسمان دنیا را به زینت [یعنی به] ستاره‌ها. ﴿۶﴾ و نگاه
داشتیم از هر شیطان سرکش. ﴿۷﴾ [مقصد آن که] گوش ننهند
شیاطین به سوی ملاءاعلی و انداخته می‌شود به سوی ایشان شهاب از
هر جانب. ﴿۸﴾ به جهت راندن ایشان و ایشان راست عذاب دایم.
﴿۹﴾ مگر کسی که برباید[4] یک بار ربودن، پس از پی او افتد شعلهٔ
سوزنده. ﴿۱۰﴾ پس استفسار کن از ایشان: آیا ایشان سخت‌ترند در
آفرینش یا کسی که ما آفریده‌ایم؟ هرآیینه ما آفریدیم[5] ایشان را از
گل چسپنده. ﴿۱۱﴾ بلکه تعجب کردی[6] و ایشان تمسخر می‌کنند.
﴿۱۲﴾ و چون پند داده شود ایشان را پند نمی‌گیرند. ﴿۱۳﴾ و چون
ببینند نشانه‌ای را، تمسخر کنند. ﴿۱۴﴾ و گفتند: نیست این قرآن مگر
سحر ظاهر. ﴿۱۵﴾ آیا چون بمیریم و باشیم خاکی و استخوانی چند،
آیا ما برانگیخته شویم؟!. ﴿۱۶﴾ آیا پدران نخستین ما برانگیخته
شوند؟. ﴿۱۷﴾ بگو: آری! و شما خوار باشید. ﴿۱۸﴾ پس جز این
نیست که آن برانگیختن یک نعرهٔ تند باشد، پس ناگهان ایشان
بنگرند. ﴿۱۹﴾ و گویند: ای وای بر ما! این است روز جزا. ﴿۲۰﴾
[گفته شود]: این است روز فیصل کردن قضایا که آن را به دروغ
نسبت می‌کردید. ﴿۲۱﴾ [گفته شود]: برانگیزید ای ملایکه!
ستمکاران را با همراهان[7] ایشان و آنچه می‌پرستیدند. ﴿۲۲﴾ بجز
خدا. پس دلالت کنید ایشان را به سوی راه دوزخ. ﴿۲۳﴾ و بازدارید
ایشان را، هرآیینه ایشان سؤال کرده خواهند شد. ﴿۲۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی نزدیک پروردگار خود.
۲- مترجم گوید: یعنی شیاطین را، والله اعلم.
۳- یعنی و مغرب‌ها نیز.
۴- یعنی کلمه‌ای را از کلمات ملاء اعلی یک بار ربودن.
۵- یعنی ملائکه و جن و سماوات و غیر آن.
۶- یعنی از حال کافران.
۷- یعنی با شیاطین، والله اعلم.

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ مَا
لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ
﴿٢٦﴾ وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوٓاْ
إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَأۡتُونَنَا عَنِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٢٨﴾ قَالُواْ بَل لَّمۡ
تَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُم مِّن
سُلۡطَٰنِۭۖ بَلۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ
رَبِّنَآۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ﴿٣١﴾ فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾
فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ
نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ
إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا
لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۭ ﴿٣٦﴾ بَلۡ جَآءَ بِٱلۡحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ
﴿٣٧﴾ إِنَّكُمۡ لَذَآئِقُواْ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا
مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾
أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٤١﴾ فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ
﴿٤٢﴾ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٤﴾
يُطَافُ عَلَيۡهِم بِكَأۡسٖ مِّن مَّعِينِۭ ﴿٤٥﴾ بَيۡضَآءَ لَذَّةٖ
لِّلشَّٰرِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾
وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ
مَّكۡنُونٞ ﴿٤٩﴾ فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٥٠﴾
قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ ﴿٥١﴾

چیست شما را که با یکدیگر یاری نمی‌کنید. ﴿۲۵﴾ بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند. ﴿۲۶﴾ و رو آورند بعض ایشان بر بعض با یکدیگر سؤال کنان. ﴿۲۷﴾ گویند: هرآیینه شما می‌آمدید پیش ما از جانب راست[1]. ﴿۲۸﴾ گویند: بلکه شما نبودید مسلمانان. ﴿۲۹﴾ و نبود ما را هیچ تسلطی بر شما، بلکه شما بودید گروهی از حد گذشته. ﴿۳۰﴾ پس لازم شد بر ما سخن پروردگار ما که البته ما چشندهٔ عذاب باشیم. ﴿۳۱﴾ پس گمراه کردیم شما را، هرآیینه ما گمراه بودیم. ﴿۳۲﴾ پس به تحقیق همهٔ ایشان آن روز در عذاب باهم شریک باشند. ﴿۳۳﴾ هرآیینه ما همچنین می‌کنیم با گناهکاران. ﴿۳۴﴾ هرآیینه ایشان چون گفته می‌شد بدیشان که نیست هیچ معبود مگر خدا، سرکشی می‌کردند. ﴿۳۵﴾ و می‌گفتند آیا ما ترک کنندهٔ معبودان خود باشیم برای گفتهٔ شاعری دیوانه؟. ﴿۳۶﴾ بلکه آورد پیغامبر سخنِ درست را و باور داشت سایر پیغامبران را. ﴿۳۷﴾ هرآیینه شما چشندهٔ عذاب درد دهنده باشید. ﴿۳۸﴾ و جزا داده نخواهید شد مگر به حسب آنچه می‌کردید ﴿۳۹﴾ لیکن بندگان خالص ساخته خدا[2]. ﴿۴۰﴾ [این جماعت، ایشان راست روزی مقرر. ﴿۴۱﴾ انواع میوه‌ها و ایشان نواختگانند. ﴿۴۲﴾ در بهشت‌های نعمت. ﴿۴۳﴾ بر تخت‌ها روی یکدیگر. ﴿۴۴﴾ گردانیده می‌شود بر ایشان جامی از شراب جاری ﴿۴۵﴾ سفید رنگ، لذّت دهنده، نوشندگان را. ﴿۴۶﴾ نه در آن شراب، تباه‌کاری باشد و نه ایشان از آن شراب، مست شوند. ﴿۴۷﴾ و نزدیک ایشان زنان فرود آرنده چشم باشند، فراخ چشمان. ﴿۴۸﴾ گویا ایشان بیضه‌های شترمرغ در پرده پوشیده‌اند. ﴿۴۹﴾ پس روی آرند بعض اهل بهشت بر بعض با یکدیگر استفسارکنان. ﴿۵۰﴾ گفت گوینده از ایشان: هرآیینه بود مرا همنشینی. ﴿۵۱﴾

۱- یعنی و از جانب چپ نیز به جهت گمراه کردن، والله اعلم.

۲- یعنی آنانکه پاک ساخته شدند از شرک وغیره.

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا
وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾
فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَٱللَّهِ إِن
كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ
ٱلْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا
ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ
ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ ﴿٦١﴾ أَذَٰلِكَ
خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَٰهَا فِتْنَةً
لِّلظَّٰلِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِيٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾
طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَأَكِلُونَ
مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا
لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ
﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْاْ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ
يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾
وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ
وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

که به آنکار می‌گفت: آیا تو از باوردارندگان شدی؟[1]. ﴿۵۲﴾ آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوانی چند، آیا ما جزا داده خواهیم شد؟. ﴿۵۳﴾ باز گفت: آیا شما در می‌نگرید؟[2]. ﴿۵۴﴾ پس در نگریست، پس دید آن همنشین خود را در وسط دوزخ. ﴿۵۵﴾ گفت: قسم به خدا! هرآیینه نزدیک بودی به آنکه هلاک کنی مرا. ﴿۵۶﴾ و اگر نبودی بخشایش پروردگار من، هرآیینه شدمی از حاضر کردگان در عذاب. ﴿۵۷﴾ البته نیستیم ما مرده شونده. ﴿۵۸﴾ مگر به موت نخستین خود و نیستیم ما عذاب کرده شده. ﴿۵۹﴾ هرآیینه این است فیروزی بزرگ. ﴿۶۰﴾ برای این چنین نعمت باید که عمل کنند عمل کنندگان. ﴿۶۱﴾ آیا آنچه مذکور شد نیکوتر است مهمانی یا درخت زقوم. ﴿۶۲﴾ هرآیینه ما ساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمکاران. ﴿۶۳﴾ هرآیینه وی درختی است که برمی‌آید در قعر دوزخ. ﴿۶۴﴾ خوشه آن مانند سرهای شیاطین است. ﴿۶۵﴾ پس هرآیینه دوزخیان بخورند از آن درخت، پس پر کنند از آن شکم‌ها را. ﴿۶۶﴾ پس هرآیینه ایشان را بر آن طعام، آمیختنی باشد از آب گرم. ﴿۶۷﴾ باز هرآیینه بازگشت ایشان به سوی دوزخ بود[3]. ﴿۶۸﴾ هرآیینه ایشان گمراه یافتند پدران خود را. ﴿۶۹﴾ پس ایشان بر پی پدران خود به سرعت رانده می‌شوند. ﴿۷۰﴾ و هرآیینه گمراه شده بودند پیش از ایشان اکثر پیشینیان. ﴿۷۱﴾ و هرآیینه فرستاده‌ایم در میان ایشان ترسانندگان. ﴿۷۲﴾ پس ببین چگونه شد انجام بیم کردگان. ﴿۷۳﴾ مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا. ﴿۷۴﴾ و هرآیینه آواز داد ما را نوح، پس نیک قبول کنندهٔ دعاییم ما. ﴿۷۵﴾ و رهانیدیم او را و کسان او را از اندوه بزرگ. ﴿۷۶﴾

۱- یعنی حشر را.

۲- یعنی دوزخیان را.

۳- یعنی بعد خوردن و نوشیدن، ایشان را به دوزخ بازبرند.

وَجَعَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلۡبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي
ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٖ فِي ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا
كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿٨٢﴾ ۞وَإِنَّ مِن
شِيعَتِهِۦ لَإِبۡرَٰهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾
إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَئِفۡكًا ءَالِهَةً
دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظۡرَةٗ فِي ٱلنُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٞ ﴿٨٩﴾
فَتَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ مُدۡبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا
تَأۡكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ
ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقۡبَلُوٓاْ إِلَيۡهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ
أَتَعۡبُدُونَ مَا تَنۡحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا
تَعۡمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُواْ ٱبۡنُواْ لَهُۥ بُنۡيَٰنٗا فَأَلۡقُوهُ فِي ٱلۡجَحِيمِ
﴿٩٧﴾ فَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ﴿٩٨﴾ وَقَالَ
إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ
مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ
فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ
سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٠٢﴾

و ساختیم اولاد او را ایشان را فقط باقی مانده. ﴿۷۷﴾ و
گذاشتیم بر وی ثنای نیک در پسینیان. ﴿۷۸﴾ سلام باد بر
نوح در عالم‌ها. ﴿۷۹﴾ هرآیینه ما همچنین جزا می‌دهیم
نیکوکاران را. ﴿۸۰﴾ هرآیینه او از بندگان گزیدهٔ ما
است. ﴿۸۱﴾ باز غرق ساختیم دیگران را. ﴿۸۲﴾ و هرآیینه
از اتباع نوح بود ابراهیم. ﴿۸۳﴾ چون آمد پیش پروردگار
خود بدل مبرا از عیب. ﴿۸۴﴾ چون گفت به پدر خود و به
قوم خود: چه چیز را عبادت می‌کنید؟! ﴿۸۵﴾ آیا به رأی
فاسد خود معبودان را بجز خدا می‌جویید؟! ﴿۸۶﴾ پس
چیست گمان شما به پروردگار عالم‌ها؟. ﴿۸۷﴾ پس در
نگریست ابراهیم یک باز نگریستن در ستارها. ﴿۸۸﴾ پس
گفت: هرآیینه من بیمار خواهم شد. ﴿۸۹﴾ پس بازگشتند
از وی پشت گرداننده. ﴿۹۰﴾ پس پنهان متوجه شد به
سوی معبودان ایشان، پس گفت: آیا چیزی نمی‌خورید؟.
﴿۹۱﴾ پس چیست شما را که سخن نمی‌گویید. ﴿۹۲﴾ پس
متوجه شد بر ایشان می‌زد زدنی به قوت. ﴿۹۳﴾ پس روی
آوردند به سوی ابراهیم شتاب کنان. ﴿۹۴﴾ ابراهیم گفت:
آیا می‌پرستید چیزی را که خود می‌تراشید؟. ﴿۹۵﴾ و خدا
پیدا کرد شما را و آنچه می‌کنید. ﴿۹۶﴾ گفتند [با
یکدیگر]: بنا کنید برای ابراهیم عمارتی، پس بیفکنید او را
در آتش بسیار. ﴿۹۷﴾ پس قصد کردند با وی بدسگالی را،
پس ساختیم ایشان را زیرتر. ﴿۹۸﴾ و گفت ابراهیم که:
هرآیینه من رونده‌ام به سوی پروردگار خود، راه خواهد
نمود مرا. ﴿۹۹﴾ ای پروردگار من! عطا کن مرا از شایسته
کاران. ﴿۱۰۰﴾ پس بشارت دادیم او را به نوجوانی
بردباری. ﴿۱۰۱﴾ پس چون رسید آن طفل به آن سن که
سعی تواند کرد همراه والد خود، ابراهیم گفت: ای پسرک
من! هرآیینه من می‌بینم در خواب که من ذبح می‌کنم تو را
پس درنگر تا چه چیز به خاطر تو می‌رسد؟ گفت: ای پدر
من! بکن آنچه فرموده می‌شود تو را. خواهی یافت مرا، اگر
خدا خواسته است، از شکیبایی کنندگان. ﴿۱۰۲﴾

فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن
يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٠٦﴾
وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ
﴿١٠٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ
﴿١١٠﴾ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرۡنَٰهُ بِإِسۡحَٰقَ
نَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ
وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدۡ
مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيۡنَٰهُمَا وَقَوۡمَهُمَا مِنَ
ٱلۡكَرۡبِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرۡنَٰهُمۡ فَكَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ
﴿١١٦﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُمَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلۡمُسۡتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيۡنَٰهُمَا
ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِمَا فِي ٱلۡأٓخِرِينَ
﴿١١٩﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ
إِلۡيَاسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ
﴿١٢٤﴾ أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا وَتَذَرُونَ أَحۡسَنَ ٱلۡخَٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾
ٱللَّهَ رَبَّكُمۡ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

پس چون منقاد شدند هر دو، پدر بیفکند فرزند خود را بر
جانب پیشانی. ﴿۱۰۳﴾ و آواز دادیم ابراهیم را که ای
ابراهیم! . ﴿۱۰۴﴾ هرآیینه راست کردی خواب را، هرآیینه
ما همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۰۵﴾ هرآیینه
این ماجرا امتحان ظاهر است. ﴿۱۰۶﴾ و عوض او دادیم
گوسپندی مهیّا برای ذبح بزرگ جثّه. ﴿۱۰۷﴾ و گذاشتیم
بر وی ثنای نیک در پسینیان. ﴿۱۰۸﴾ سلام باد بر ابراهیم! .
﴿۱۰۹﴾ همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۱۰﴾
هرآیینه وی از بندگان گرویدهٔ است. ﴿۱۱۱﴾ و بشارت
دادیم او را به اسحاق، پیغامبری از شایستگان. ﴿۱۱۲﴾ و
برکت دادیم بر ابراهیم و بر اسحق و از اولاد ایشان، بعض
نیکوکار است و بعض ستم کنندهٔ آشکار است بر خویشتن.
﴿۱۱۳﴾ و هرآیینه ما احسان کردیم بر موسی و هارون.
﴿۱۱۴﴾ و نجات دادیم ایشان را و قوم ایشان را از اندوه
بزرگ. ﴿۱۱۵﴾ و نصرت دادیم ایشان را، پس ایشان بودند
غالبان. ﴿۱۱۶﴾ و دادیم ایشان را کتابی واضح. ﴿۱۱۷﴾ و
دلالت کردیم ایشان را راه راست. ﴿۱۱۸﴾ و باقی
گذاشتیم بر ایشان ثنای نیک در پسینیان. ﴿۱۱۹﴾ سلام باد
بر موسی و هارون! . ﴿۱۲۰﴾ هرآیینه ما چنین جزا می‌دهیم
نیکوکاران را ﴿۱۲۱﴾ هرآیینه ایشان از بندگان گرویدهٔ
ماالند. ﴿۱۲۲﴾ و هرآیینه الیاس از فرستادگان بود. ﴿۱۲۳﴾
چون گفت به قوم خود: آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟﴿۱۲۴﴾
آیا پرستش می‌کنید بعل را (بُعل نام بتی است) و ترک
می‌کنید نیکوترین آفرینندگان را؟!. ﴿۱۲۵﴾ ترک
می‌کنید خدا را، پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین
شما. ﴿۱۲۶﴾

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ
ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَٰمٌ
عَلَىٰٓ إِلۡ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٣١﴾
إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ
ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذۡ نَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ ﴿١٣٤﴾ إِلَّا
عَجُوزًا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿١٣٦﴾
وَإِنَّكُمۡ لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا
تَعۡقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذۡ أَبَقَ
إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ
ٱلۡمُدۡحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوۡلَآ
أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ
يُبۡعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ ۞فَنَبَذۡنَٰهُ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾
وَأَنۢبَتۡنَا عَلَيۡهِ شَجَرَةً مِّن يَقۡطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ
مِاْئَةِ أَلۡفٍ أَوۡ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ
حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ ﴿١٤٩﴾
أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثًا وَهُمۡ شَٰهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَآ إِنَّهُم
مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٥٢﴾
أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

پس دروغی پنداشتند او را، پس هرآیینه آن جماعت حاضر کردگانند[1]. ﴿۱۲۷﴾ مگر بندگان خالص کردهٔ خدا. ﴿۱۲۸﴾ و گذاشتیم بر الیاس ثنای نیک در پسینیان ﴿۱۲۹﴾ سلام باد بر الیاس!. ﴿۱۳۰﴾ هرآیینه همچنین جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۱۳۱﴾ هرآیینه وی بود از بندگان گرویدهٔ ما. ﴿۱۳۲﴾ و هرآیینه لوط بود از فرستادگان. ﴿۱۳۳﴾ یاد کن چون نجات دادیم او را و اهل خانهٔ او را، همه یکجا. ﴿۱۳۴﴾ مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان. ﴿۱۳۵﴾ باز هلاک ساختیم آن دیگران را. ﴿۱۳۶﴾ و هرآیینه شما گذر می‌کنید بر مساکن آن قوم، صبح‌کنان. ﴿۱۳۷﴾ و به وقت شب نیز، آیا در نمی‌یابید؟. ﴿۱۳۸﴾ و هرآیینه یونس بود از فرستادگان. ﴿۱۳۹﴾ چون گریخت به سوی کشتی پر کرده شده. ﴿۱۴۰﴾ پس قرعه انداخت با اهل کشتی، پس شد از مغلوبان. ﴿۱۴۱﴾ پس فرو برد او را ماهی و او کننده بود کاری راکه موجب ملامت باشد. ﴿۱۴۲﴾ پس اگر نه آن است که وی از تسبیح کنندگان می‌بود. ﴿۱۴۳﴾ البتّه باقی می‌ماند در شکم ماهی تا روزی که مردمان برانگیخته شوند. ﴿۱۴۴﴾ پس برتافتیم او را به زمین بی‌گیاه و او بیمار بود. ﴿۱۴۵﴾ و رویانیدیم بر سر او درختی از قسم کدو. ﴿۱۴۶﴾ و فرستادیم او را به سوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند. ﴿۱۴۷﴾ پس ایمان آوردند. پس بهره‌مند ساختیم ایشان را تا مدّتی. ﴿۱۴۸﴾ پس استفسار کن از مشرکان: آیا پروردگار ایشان را دختران است و ایشان را پسران؟. ﴿۱۴۹﴾ آیا دختر آفریدیم فرشتگان را و ایشان حاضر بودند؟. ﴿۱۵۰﴾ آگاه باش! هرآیینه ایشان از دروغگویی خود می‌گویند. ﴿۱۵۱﴾ که بزاد خدای تعالی و هرآیینه ایشان دروغگویانند. ﴿۱۵۲﴾ آیا اختیار کرد دختران را بر پسران. ﴿۱۵۳﴾

۱- یعنی در دوزخ.

مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمۡ
لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ ﴿١٥٦﴾ فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ
عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمۡ
وَمَا تَعۡبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنۡ
هُوَ صَالِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٞ مَّعۡلُومٞ
﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡمُسَبِّحُونَ
﴿١٦٦﴾ وَإِن كَانُواْ لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوۡ أَنَّ عِندَنَا ذِكۡرٗا مِّنَ
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿١٦٩﴾
فَكَفَرُواْ بِهِۦۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ
كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ
﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ
حِينٖ ﴿١٧٤﴾ وَأَبۡصِرۡهُمۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا
يَسۡتَعۡجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ فَسَآءَ صَبَاحُ
ٱلۡمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ ﴿١٧٨﴾ وَأَبۡصِرۡ
فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا
يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ
رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٨٢﴾

چیست شما را چگونه حکم می‌کنید؟. ﴿۱۵۴﴾ آیا اندیشه
نمی‌نمایید؟. ﴿۱۵۵﴾ آیا شما را حجتی واضح است؟.
﴿۱۵۶﴾ پس بیارید کتاب خود را، اگر هستید راستگو.
﴿۱۵۷﴾ و مقرر کردند کافران میان خدای تعالی و میان
جنیان، خویشی را و هرآیینه دانسته‌اند جنیان که ایشان البته
حاضر کردگانند. ﴿۱۵۸﴾ پاکی است خدا را از آنچه بیان
می‌کنند. ﴿۱۵۹﴾ مگر بندگان خالص کردهٔ خدا. ﴿۱۶۰﴾
پس هرآیینه شما ای کافران و آنچه می‌پرستید. ﴿۱۶۱﴾
نیستند همه گمراه کننده برای عبادت آن معبود باطل.
﴿۱۶۲﴾ مگر کسی که او در آیندهٔ دوزخ است در علم
الهی. ﴿۱۶۳﴾ فرشتگان گفتند: و نیست هیچ‌کس از ما
مگر او را جای است مقرّر. ﴿۱۶۴﴾ و هرآیینه ما صف
کشندگانیم. ﴿۱۶۵﴾ و هرآیینه ما تسبیح گویندگانیم.
﴿۱۶۶﴾ و هرآیینه [کافران عرب] می‌گفتند: ﴿۱۶۷﴾ اگر
بودی پیش ما خبری از پیشینیان. ﴿۱۶۸﴾ البته شدیم
بندگان خالص ساختهٔ خدا. ﴿۱۶۹﴾ باز کافر شدند به آن
[قرآن]، پس خواهند دانست عاقبت کار را. ﴿۱۷۰﴾
هرآیینه سابقاً صادر شد وعدهٔ ما برای بندگان فرستادهٔ
خویش. ﴿۱۷۱﴾ هرآیینه پیغامبران ما، ایشانند نصرت
دادگان ﴿۱۷۲﴾ و هرآیینه لشکر ما همونست غالب.
﴿۱۷۳﴾ پس روبگردان از ایشان تا مدتی. ﴿۱۷۴﴾ و بنگر
ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید ﴿۱۷۵﴾ آیا این کافران
عذاب ما را شتاب می‌طلبند؟!. ﴿۱۷۶﴾ پس چون فرود آید
عذاب به میدان ایشان، بد باشد روز آن بیم کردگان.
﴿۱۷۷﴾ و رو بگردان از ایشان تا مدتی. ﴿۱۷۸﴾ و بنگر،
پس ایشان نیز خواهند دید. ﴿۱۷۹﴾ پاکی است پروردگار
تو را، خداوندِ علیه از آنچه این جماعت بیان می‌کنند.
﴿۱۸۰﴾ و سلام بر فرستادگان خدا!. ﴿۱۸۱﴾ و سپاس خدا
راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۸۲﴾

سُورَةُ صٓ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ ﴿١﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ ﴿٢﴾ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ﴿٥﴾ وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ﴿٧﴾ أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ ﴿٨﴾ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ ﴿٩﴾ أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ ﴿١٠﴾ جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ ﴿١١﴾ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ ﴿١٢﴾ وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ لۡـَٔيۡكَةِۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ ﴿١٣﴾ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ مَّا لَهَا مِن فَوَاقٖ ﴿١٥﴾ وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٦﴾

سوره ص

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ص، قسم به قرآن، خداوند پند، [که آنچه به آن دعوت می‌کنی راست است]. ﴿۱﴾ بلکه کافران در سرکشی و مخالفت‌اند. ﴿۲﴾ بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان قرن‌ها را، پس فریاد برآوردند و نبود آن وقت خلاص. ﴿۳﴾ و تعجب کردند از آنکه بیامد به ایشان بیم کننده‌ای از قوم ایشان و گفتند این کافران: این شخص جادوگر دروغگویی است. ﴿۴﴾ آیا گردانید خدایان متعدد را یک خدا؟ هرآیینه این چیزی است عجیب. ﴿۵﴾ و برفتند اشراف از ایشان [با یکدیگر گویان] که: بروید و شکیبایی کنید بر عبادت خدایان خود، هرآیینه این دین تو فتنه است که اراده کرده شده است. ﴿۶﴾ نشنیدیم این قول را در دین پسین[۱]، نیست این مگر افترا. ﴿۷﴾ آیا فروآورده شد بر این شخص قرآن از میان ما؟ بلکه این کافران در شک‌اند از پند من، بلکه هنوز نچشیده‌اند عذاب مرا. ﴿۸﴾ آیا نزدیک ایشان است از خزانه‌های رحمت پروردگار تو غالب بخشاینده؟. ﴿۹﴾ آیا ایشان راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان اینهاست؟ پس باید که بالا روند آویخته به ریسمان‌ها[۲]. ﴿۱۰﴾ لشکری هست اینجا، به هم آمده شکست داده شده از جمله گروه‌ها[۳]. ﴿۱۱﴾ دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون، خداوندِ میخ‌ها[۴]. ﴿۱۲﴾ و ثمود و قوم لوط و ساکنان «ایکه» [تکذیب کردند] این جماعت‌ها. ﴿۱۳﴾ نیست هیچ‌کس از ایشان مگر دروغی داشت پیغامبران را، پس به وجود آمد عقوبت من. ﴿۱۴﴾ و انتظار نمی‌برند کفّار این عصر مگر یک نعرهٔ تند را (یعنی نفخهٔ قیامت) که نباشد آن را هیچ توقف. ﴿۱۵﴾ و گفتند [به طریق استهزاء]: ای پروردگار ما! شتاب ده ما را سرنوشت ما از عقوبت پیش از روز حساب. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی قرآن آخر که ما آن را دریافتیم، والله اعلم.

۲- یعنی به ریسمان آویخته هم نمی‌توانند که به آسمان روند، فیکف پادشاهی، والله اعلم.

۳- یعنی از جنس گروه‌ها که با انبیا مخالفت کردند.

۴- یعنی بچه‌ها را به میخ تعذیب می‌کرد.

ٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلۡأَيۡدِۖ
إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا سَخَّرۡنَا ٱلۡجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحۡنَ
بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ ﴿١٨﴾ وَٱلطَّيۡرَ مَحۡشُورَةٗۖ كُلّٞ لَّهُۥٓ أَوَّابٞ
﴿١٩﴾ وَشَدَدۡنَا مُلۡكَهُۥ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ وَفَصۡلَ
ٱلۡخِطَابِ ﴿٢٠﴾ ۞وَهَلۡ أَتَىٰكَ نَبَؤُاْ ٱلۡخَصۡمِ إِذۡ تَسَوَّرُواْ
ٱلۡمِحۡرَابَ ﴿٢١﴾ إِذۡ دَخَلُواْ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنۡهُمۡۖ قَالُواْ
لَا تَخَفۡۖ خَصۡمَانِ بَغَىٰ بَعۡضُنَا عَلَىٰ بَعۡضٖ فَٱحۡكُم
بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَلَا تُشۡطِطۡ وَٱهۡدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ
﴿٢٢﴾ إِنَّ هَٰذَآ أَخِي لَهُۥ تِسۡعٞ وَتِسۡعُونَ نَعۡجَةٗ وَلِيَ نَعۡجَةٞ
وَٰحِدَةٞ فَقَالَ أَكۡفِلۡنِيهَا وَعَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ
لَقَدۡ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعۡجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦۖ وَإِنَّ كَثِيرٗا
مِّنَ ٱلۡخُلَطَآءِ لَيَبۡغِي بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٞ مَّا هُمۡۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ
أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسۡتَغۡفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّۤ رَاكِعٗاۤ وَأَنَابَ۩ ﴿٢٤﴾
فَغَفَرۡنَا لَهُۥ ذَٰلِكَۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ
مَـَٔابٖ ﴿٢٥﴾ يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلۡنَٰكَ خَلِيفَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ
فَٱحۡكُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلۡهَوَىٰ
فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا نَسُواْ يَوۡمَ ٱلۡحِسَابِ
﴿٢٦﴾

صبر کن بر آنچه می‌گویند و یاد کن بندهٔ ما، داود خداوندِ قوّت را. هرآیینه او رجوع کننده بود[1]. ﴿۱۷﴾ هرآیینه رام ساختیم همراه او کوه‌ها را، تسبیح می‌گفتند به وقت شام و صباح. ﴿۱۸﴾ و رام ساختیم مرغان را به هم آورده، هر یکی برای او فرمانبردار بود. ﴿۱۹﴾ و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیمش حکمت و سخن واضح. ﴿۲۰﴾ آیا آمده است پیش تو خبر گروه خصومت کننده با یکدیگر، چون از دیوار جسته داخل شدند به مسجد؟. ﴿۲۱﴾ [2]چون درآمدند بر داود، پس بترسید از ایشان. گفتند: مترس! ما دو خصومت کننده‌ایم، ستم کرده است بعض ما بر بعض، پس حکم کن میان ما به راستی و جور مکن و دلالت کن ما را بر راه راست. ﴿۲۲﴾ این برادر من است. به دست اوست نودونه میش و پیش من یک میش است. پس گفت این شخص: به من بسپار این یک میش را و درشتی کرد با من در سخن گفتن. ﴿۲۳﴾ گفت داود: هرآیینه ستم کرد بر تو به خواستن میش تو تا بهم آرد به میش‌های خود و هرآیینه بسیاری از شریکان ستم می‌کنند بعض ایشان بر بعضی، مگر آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک‌اند ایشان. و شناخت داود که ما آزمودیم او را پس طلب آمرزش کرد از پروردگار خود و بیفتاد سجده‌کنان و بازگشت به خدا. ﴿۲۴﴾ پس بیامرزیدیم او را آن ذلّت او و هرآیینه او را نزدیک ما قربت است و نیکو بازگشت است. ﴿۲۵﴾ [گفتیم]: ای داود! هرآیینه ساختیم تو را پادشاه در زمین، پس حکم کن میانِ مردمان به راستی و پیروی مکن خواهش نفس را که آن گمراه کند تو را از راه خدا. هرآیینه آنان‌که گمراه می‌شوند از راه خدا، ایشان راست عذاب سخت به سبب آنکه فراموش کردند روز حساب را. ﴿۲۶﴾

۱- یعنی به سوی خدا.

۲- مترجم گوید که: داود، علیه السلام، نودونه زن داشت، مع هذا زن دیگر که که در خطبهٔ شخصی یا در نکاح او بود، در خواست کرد. خدای تعالی فرشتگان را به جهت تنبیه داود به شکل خصوم متمثل ساخت. اشارت به این قصه است درین آیات، والله اعلم.

وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا بَٰطِلٗاۚ ذَٰلِكَ
ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنَ ٱلنَّارِ
﴿٢٧﴾ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
كَٱلۡمُفۡسِدِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلۡمُتَّقِينَ كَٱلۡفُجَّارِ
﴿٢٨﴾ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ
وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبۡنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيۡمَٰنَۚ
نِعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذۡ عُرِضَ عَلَيۡهِ بِٱلۡعَشِيِّ
ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلۡجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ
عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّۖ
فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدۡ فَتَنَّا
سُلَيۡمَٰنَ وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾
قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ
بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ﴿٣٥﴾ فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ
تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَٱلشَّيَٰطِينَ
كُلَّ بَنَّآءٖ وَغَوَّاصٖ ﴿٣٧﴾ وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ
﴿٣٨﴾ هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمۡنُنۡ أَوۡ أَمۡسِكۡ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٣٩﴾
وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ﴿٤٠﴾ وَٱذۡكُرۡ
عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ
بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ٱرۡكُضۡ بِرِجۡلِكَۖ هَٰذَا مُغۡتَسَلُۢ
بَارِدٞ وَشَرَابٞ ﴿٤٢﴾

و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان اینهاست بیهوده. این گمان کافران است. پس وای کافران را از عقوبت آتش!. ﴿۲۷﴾ آیا می‌سازیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فسادکنندگان در زمین؟ آیا می‌سازیم پرهیزگاران را مانند بدکاران؟. ﴿۲۸﴾ [این قرآن] کتابی است با برکت که فرود آوردیم او را به سوی تو تا مردمان تأمّل کنند در آیات او و تا پند گیرند خداوندان خرد. ﴿۲۹﴾ و عطا کردیم داود را فرزندی سلیمان نام. نیکوبنده بود سلیمان، هرآیینه او رجوع کننده بود به خدا. ﴿۳۰﴾ [یاد کن] چون نموده شد او را وقت پگاه، اسپان تیزرو. ﴿۳۱﴾ پس گفت: هرآیینه دوست داشتم این اسپان را [از قبیل رغبت به مال اعراض کنان از ذکر پروردگار خود] تا آنکه پنهان شد آفتاب در پرده[۱]. ﴿۳۲﴾ بازگردانید این اسپان را بر من. پس شروع کرد دست رسانیدن به ساق‌ها و گردن‌ها[۲]. ﴿۳۳﴾ و هرآیینه آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی، باز رجوع کرد به خدا[۳]. ﴿۳۴﴾ گفت: ای پروردگار من! بیامرز مرا و عطا کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچ‌کس را غیر از من. هرآیینه تویی بخشاینده. ﴿۳۵﴾ پس مسخر گردانیدیم باد را می‌رفت به فرمان او به آهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد. ﴿۳۶﴾ و مسخر گردانیدیم دیوان را، هر عمارت بنا کننده را و هر فرود رونده را به دریا. ﴿۳۷﴾ و مسخر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا به هم بسته در زنجیرها. ﴿۳۸﴾ [گفتیم]: این است بخشش ما، پس عطا کن یا نگاهدار به غیر آنکه با تو حساب کرده شود. ﴿۳۹﴾ و هرآیینه او را نزدیک ما قربت است و نیکو بازگشت است. ﴿۴۰﴾ و یاد کن بنده ما ایوب را، چون ندا کرد به پروردگار خود که دست رسانیده است مرا شیطان به رنجوری و درد. ﴿۴۱﴾ [گفتیم]: بزن زمین را به پای خود، ناگهان آن چشمه باشد که مهیّا برای غسل سرد بود و آشامیدنی باشد. ﴿۴۲﴾

۱- یعنی نماز عصر فوت شد.

۲- یعنی ذبح کرده ساق آنها را بریده از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: سلیمان عليه السلام از امرای خود منغص شد و به خاطر آورد که امشب با صد زن صحبت دارم و هر زنی پسری زاید و هریکی شهسواری باشد، جهاد کننده، مرا احتیاج متعلق امرا نیفتد. فرشته گفت: انشاءالله بگو. سلیمان سهو کرد، پس هیچ زن حامله نشد. الاّ یکی طفل ناقص الخلقت[ی] زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند. سلیمان عليه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد، والله اعلم.

وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ
لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٤٣﴾ وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثٗا فَٱضۡرِب بِّهِۦ
وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ نِّعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ
﴿٤٤﴾ وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي
ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٤٥﴾ إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى
ٱلدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ﴿٤٧﴾
وَٱذۡكُرۡ إِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ
ٱلۡأَخۡيَارِ ﴿٤٨﴾ هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ
﴿٤٩﴾ جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِـِٔينَ
فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ﴿٥١﴾
۞وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَٰذَا مَا
تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ
مِن نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَٰذَاۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٖ ﴿٥٥﴾
جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَٰذَا فَلۡيَذُوقُوهُ
حَمِيمٞ وَغَسَّاقٞ ﴿٥٧﴾ وَءَاخَرُ مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ ﴿٥٨﴾ هَٰذَا
فَوۡجٞ مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ
ٱلنَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ
قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا
هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ﴿٦١﴾

و عطا کردیم او را اهل خانهٔ او و مانند ایشان همراه ایشان بخشایشی از نزدیک خود و پندی خداوندانِ خرد را. ﴿۴۳﴾ و [گفتیم]: بگیر به دست خود دستهٔ شاخ‌ها، پس بزن به آن[1] و خلاف سوگند مکن، هرآیینه ما او را یافتیم شکیبا. نیک بنده بود ایوب، هرآیینه او رجوع کننده به خدا بود[2]. ﴿۴۴﴾ و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را، خداوند دست‌ها و چشم‌ها[3]. ﴿۴۵﴾ هرآیینه ما یک رو ساختیم ایشان را برای خصلتی پاک که یاد کردن آخرت است. ﴿۴۶﴾ و هرآیینه ایشان نزدیک ما از برگزیدگان نیکان بودند. ﴿۴۷﴾ و یاد کن اسمعیل و الیسع و ذا الکفل را و هر یکی از نیکان بود. ﴿۴۸﴾ این [قرآن] پندی هست و هرآیینه پرهیزگاران را نیکی بازگشت است. ﴿۴۹﴾ بوستان‌های دایم است، گشاده کرده برای ایشان دروازه‌ها. ﴿۵۰﴾ تکیه‌کنان در آنجا، می‌طلبند آنجا میوهٔ بسیار را و شراب را. ﴿۵۱﴾ و نزدیک ایشان باشند زنان فرود آرندهٔ چشم، هم عمر با یکدیگر. ﴿۵۲﴾ این است آنچه وعده داده می‌شود شما را برای روز حساب. ﴿۵۳﴾ هرآیینه این رزق ما است، نباشد آن را هیچ زوال ﴿۵۴﴾ این [است جزا] و هرآیینه از حد گذشتگان را بد بازگشتنی باشد. ﴿۵۵﴾ که دوزخ است، درآیند آنجا پس بد آرامگاه است این. ﴿۵۶﴾ این عذاب آب گرم است و زرداب است، پس باید که بچشید آن را. ﴿۵۷﴾ و عذابی دیگرست مانند این انواع مختلف. ﴿۵۸﴾ این[4] قومی است درآینده به آتش همراه شم. [متبوعان گویند]: زمین گشاده مباد بر ایشان! هرآیینه ایشان در آیندگان آتش‌اند. ﴿۵۹﴾ [تابعان] گویند: بلکه شما! زمین گشاده مباد بر شما! رسم قدیم ساختید کفر را برای ما. پس بد قرارگاهی است [دوزخ]. ﴿۶۰﴾ گویند: ای پروردگار ما! هر که آیین قدیم ساخته باشد برای ما کفر را، پس زیاده کن در حق او عقوبت دوباره در آتش. ﴿۶۱﴾

۱- یعنی زن خود را.

۲- یعنی ایوب، علیه السلام، سوگند خورده بود که زن خود را صد ضربه بزند، خدای تعالی بر وی سهل ساخت.

۳- یعنی علم وعمل هر دو به کمال داشتند، والله اعلم.

۴- چون تابعان خواهند که بدزخ درآیند، متبوعان را گفته شود.

وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ
٦٢ أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٦٣
إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ ٱلنَّارِ ٦٤ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠
مُنذِرٞۖ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٦٥ رَبُّ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٦٦ قُلۡ
هُوَ نَبَؤٌاْ عَظِيمٌ ٦٧ أَنتُمۡ عَنۡهُ مُعۡرِضُونَ ٦٨ مَا كَانَ
لِيَ مِنۡ عِلۡمِۭ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٦٩ إِن
يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٧٠ إِذۡ قَالَ رَبُّكَ
لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ ٧١ فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ
وَنَفَخۡتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٧٢
فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ أَجۡمَعُونَ ٧٣ إِلَّآ إِبۡلِيسَ
ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤ قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا
مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ
كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن
نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ٧٦ قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ
رَجِيمٞ ٧٧ وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٧٨ قَالَ
رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٨١ قَالَ
فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ
ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٨٣

و گفتند اهل دوزخ: چیست ما را که نمی‌بینیم مردانی را که می‌شمردیم ایشان را از بدان؟[1]. ﴿۶۲﴾ آیا مسخره می‌گرفتیم ایشان را یا برگشته است از ایشان دیده‌ها؟. ﴿۶۳﴾ هرآیینه این راست است [مراد از آن] خصومت کردن اهل دوزخ است با یکدیگر. ﴿۶۴﴾ بگو: جز این نیست که من ترساننده‌ام و نیست هیچ معبود، مگر خدا یگانهٔ با قوّت. ﴿۶۵﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان اینها است. غالب آمرزگار. ﴿۶۶﴾ بگو: این خبری بزرگ است. ﴿۶۷﴾ شما از وی روی گرداننده‌اید. ﴿۶۸﴾ نیست مرا هیچ دانش به حال این جماعت بلند قدر از فرشتگان، چون با یکدیگر جواب سؤال می‌کنند. ﴿۶۹﴾ وحی فرستاده نمی‌شود به سوی من، مگر آنکه من ترسانندهٔ آشکارم. ﴿۷۰﴾ [و یاد کن] چون گفت پروردگار تو به فرشتگان: هرآیینه من آفریننده‌ام آدمی را از گِل. ﴿۷۱﴾ پس چون راست کنم او را و بدمم در وی روح خود را، پس درافتید او را سجده‌کنان. ﴿۷۲﴾ پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان، همه یکجا. ﴿۷۳﴾ مگر شیطان، سرکشی کرد و شد از کافران. ﴿۷۴﴾ گفت [خدا]: ای شیطان! چه چیز بازداشت تو را آنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش به دست خود؟ آیا تکبّر کردی یا به حقیقت هستی از بلندقدران؟. ﴿۷۵﴾ گفت: من بهترم از وی. آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گِل. ﴿۷۶﴾ گفت: بیرون شو از بهشت، هرآیینه تو رانده شده‌ای. ﴿۷۷﴾ و هرآیینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا. ﴿۷۸﴾ گفت: ای پروردگار من! پس مهلت ده مرا تا آن روز که برانگیخته شوند مردمان. ﴿۷۹﴾ گفت: هرآیینه تو از مهلت دادگانی. ﴿۸۰﴾ تا روز آن وقت معین. ﴿۸۱﴾ گفت [شیطان]: پس قسم به عزّت تو! که البته گمراه کنم ایشان را، همه یکجا. ﴿۸۲﴾ مگر بندگان خالص کرده تو از ایشان. ﴿۸۳﴾

۱- یعنی فقرای مسلمین.

قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ
وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا
ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

فرمود: پس سخن راست است این و سخن راست می‌گویم. ﴿۸۴﴾ البته پر کنم دوزخ را از تو و از آنان‌که پیرویِ تو کنند از ایشان، همه یکجا. ﴿۸۵﴾ بگو: سؤال نمی‌کنم بر تبلیغ قرآن هیچ مزد را و نیستم از تکلّف کنندگان[1]. ﴿۸۶﴾ نیست قرآن مگر پندی عالم‌ها را. ﴿۸۷﴾ و البته خواهید دانست صدق آن را بعدِ زمانی. ﴿۸۸﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّآ
أَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ فَٱعْبُدِ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ
ٱلدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلْخَالِصُ ۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ مِن
دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلْفَىٰٓ
إِنَّ ٱللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَّوْ أَرَادَ ٱللَّهُ
أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّٱصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ
سُبْحَٰنَهُۥ ۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿٤﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضَ بِٱلْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيْلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ
ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِى
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ ﴿٥﴾

سوره زمر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۱﴾ هرآیینه ما فروفرستادیم به سوی تو کتاب را به راستی، پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او پرستش. ﴿۲﴾ آگاه باش! مر خدای راست[2] پرستش کردن خالص[3] و آنان‌که دوستان گرفتند بجز خدا [و گفتند]: عبادت نمی‌کنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را به خدا در مرتبهٔ قرب، هرآیینه خدا حکم می‌کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف دارند. هرآیینه خدا راه نمی‌نماید کسی را که دروغگوی ناسپاس است. ﴿۳﴾ اگر خواستی خدا که فرزند گیرد، البته برگزیدی از آن جمله که خلق کرده است چیزی را که می‌خواست. پاکی او راست. همونست خدای یگانهٔ باقوّت. ﴿۴﴾ آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست. می‌پیچاند شب را به روز و می‌پیچاند روز را بر شب و رام ساخت آفتاب و ماه را، هر یکی می‌رود در زمان معین. آگاه باش! همونست غالب آمرزنده. ﴿۵﴾

۱- یعنی دعوی وحی نکنم به غیر تحقیق.

۲- یعین مقبول نزد اوست.

۳- یعنی به غیر شرک.

خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۚ يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٦ إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَۖ وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ لَكُمۡۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٧ ۞وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِۦۚ قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ ٨ أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩ قُلۡ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۗ وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ ١٠

آفرید شما را از یک شخص، باز بیافرید از آن شخص زنش را و فروفرستاد برای شما از چهارپایان، هشت قسم[1]. می‌آفریند شما را در شکم مادران یک نوع آفریدن بعد از آفریدن دیگر در تاریکی‌های سه‌گانه[2]، این است خدا، پروردگار شما، مر او راست پادشاهی، نیست هیچ معبود مگر او. پس از کجاگردانیده می‌شوید؟. ﴿۶﴾ اگر ناسپاسی کنید، پس هرآیینه خدا بی‌نیازست از شما و نمی‌پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را و اگر سپاسداری کنید، پسند کند برای شما و بر نداد هیچ بردارنده بار دیگری را. باز به سوی پروردگار شما بازگشت شما است. پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید، هرآیینه او داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۷﴾ و چون برسد آدمی را رنجی، دعا کند به جناب پروردگار خود رجوع کرده به سوی او. باز چون عطا کندش نعمتی از نزدیک خود، فراموش سازد آنچه دعا می‌کرد به جهت او پیش از این و مقرر کند برای خدا همسران را تاگمراه کند از راه خدا. بگو: بهره‌مند باش به کفر خود اندک زمانی. هرآیینه تو از اهل دوزخی. ﴿۸﴾ آیا آن ناسپاس مشرک بهتر است یا کسی که او عبادت کننده است در ساعت‌هایی از شب، سجده‌کنان و ایستاده شده می‌ترسد از آخرت و امید می‌دارد رحمت پروردگار خود را؟ بگو: آیا برابر می‌شوند آنان‌که می‌دانند و آنان‌که نمی‌دانند؟ جز این نیست که پندپذیر می‌شوند خداوندانِ خِرد. ﴿۹﴾ بگو [یا محمّد از طرف من]: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! بترسید از پروردگار خود، مر آنان راکه نیکوکاری می‌کردند در این دنیا، حالت نیک باشد و زمین خدا گشاده است. جز این نیست که تمام داده می‌شود صابران را مزد ایشان بی‌شمار[3]. ﴿۱۰﴾

۱- یعنی نر و ماده از شتر و گاو و گوسفند وبز، والله اعلم.

۲- یعنی مشیمه و رحم وبطن، والله اعلم.

۳- درین آیت، تعریض است به هجرتِ حبشه.

قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾
وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلۡ إِنِّيٓ
أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿١٣﴾ قُلِ
ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٤﴾ فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم
مِّن دُونِهِۦۗ قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ
وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ
﴿١٥﴾ لَهُم مِّن فَوۡقِهِمۡ ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحۡتِهِمۡ ظُلَلٞۚ
ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ﴿١٦﴾
وَٱلَّذِينَ ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعۡبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى
ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰۚ فَبَشِّرۡ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ
ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ
وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿١٨﴾ أَفَمَنۡ حَقَّ عَلَيۡهِ
كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ﴿١٩﴾ لَٰكِنِ
ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ لَهُمۡ غُرَفٞ مِّن فَوۡقِهَا غُرَفٞ مَّبۡنِيَّةٞ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ
ٱلۡمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ
فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يُخۡرِجُ بِهِۦ زَرۡعٗا
مُّخۡتَلِفًا أَلۡوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَجۡعَلُهُۥ
حُطَٰمًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٢١﴾

بگو: هرآیینه فرموده شد مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای او پرستش. ﴿۱۱﴾ و فرموده شد مرا به آنکه باشم نخستینِ مسلمانان. ﴿۱۲﴾ بگو: هرآیینه من می‌ترسم اگر نافرمانیِ پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ. ﴿۱۳﴾ بگو: خدا را عبادت می‌کنم خالص ساخته برای او پرستش خود را[1]. ﴿۱۴﴾ پس عبادت کنید هر که را خواهید بجز خدا. بگو: هرآیینه زیانکاران آنانند که در زیان دادند خویشتن را و اهل خود را روز قیامت[2]. آگاه باش! این مقدمه همان است زیان ظاهر. ﴿۱۵﴾ ایشان را از بالای ایشان سایه‌بان‌ها باشند از آتش و از زیر ایشان نیز مثل سایه‌بان‌ها. [این عذاب] می‌ترساند خدا از آن بندگان خود را. ای بندگان من! بترسید از من. ﴿۱۶﴾ و آنان‌که احتراز کردند از بت، از آنکه عبادت کنند او را و رجوع کردند به سوی خدا، ایشان راست مژده، پس مژده ده آن بندگان مرا. ﴿۱۷﴾ که می‌شنوند سخن، پس پیروی می‌نمایند نیکوترین آن را. ایشانند آنان‌که هدایت کرده است ایشان را خدا و ایشانند خداوندان خرد. ﴿۱۸﴾ پس کسی که ثابت شد بر وی وعدهٔ عذاب، آیا تو خلاص توانی کرد آن دوزخی را؟. ﴿۱۹﴾ لیکن آنان‌که ترسیدند از پروردگار خود، ایشان راست محل‌های بلند، بالای آن محل‌هایی دیگر عمارت کرده شده، می‌رود زیر آن جوی‌ها. وعده کرده است خدا. خلاف نمی‌کند خدا وعده را. ﴿۲۰﴾ آیا ندیدی که خدا فروفرستاد از آسمان، آبی، پس درآورد آن را به چشمه‌سارها در زمین، باز برمی‌آرد به سبب آن کشت را گوناگون اقسام و باز خشک می‌شود، پس می‌بینی آن را زرد شده، باز می‌کند آن را ریزه ریزه. هرآیینه در این مقدمه پندی هست خداوندانِ خرد را. ﴿۲۱﴾

۱- یعنی از شرک.

۲- یعنی هلاک کردند خود را و اهلِ خانهٔ خود را به ضلال و اضلال.

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن
رَّبِّهِۦۚ فَوَيۡلٞ لِّلۡقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ
فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾ ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا
مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ
رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ
هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ
فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجۡهِهِۦ سُوٓءَ
ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ
تَكۡسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ فَأَتَىٰهُمُ
ٱلۡعَذَابُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ
ٱلۡخِزۡيَ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ
كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا
ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرۡءَانًا
عَرَبِيًّا غَيۡرَ ذِي عِوَجٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ ٱللَّهُ
مَثَلٗا رَّجُلٗا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلٗا سَلَمٗا
لِّرَجُلٍ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ
لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ
إِنَّكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمۡ تَخۡتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

آیا کسی که گشاده کرده است خدا سینهٔ او را برای دین اسلام پس او بر روشنی باشد از جانب پروردگار خود، مانند سخت دلان است؟ پس وای آنان را که سخت است دل ایشان از یاد خدا، ایشانند در گمراهی ظاهر. ﴿۲۲﴾ خدا نازل ساخت بهترینِ سخن، کتابی که بعض او مانند دیگر است آیات دو تو[۱]، موی خیز می‌شود از شنیدن آن پوست آنان‌که می‌ترسند از پروردگار خود، بعد از آن نرم می‌شود پوست ایشان و دلِ ایشان نزدیک ذکر خدا. این است هدایت خدا، راه می‌نماید به آن هر که را خواهد و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۲۳﴾ آیا کسی که احتراز می‌کند به روی خود از سختی عذاب روز قیامت[۲]، و گفته شود ستمکاران را: بچشید وبال آنچه می‌کردید. ﴿۲۴﴾ به دروغ نسبت کردند آنان‌که پیش از ایشان بودند، پس بیامد بدیشان عذاب آنجا که نمی‌دانستند. ﴿۲۵﴾ پس چشانید ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هرآیینه عقوبت آخرت سخت‌تر است اگر می‌دانستند. ﴿۲۶﴾ و هرآیینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر نوع داستان، بُوَد که ایشان پند گیرند. ﴿۲۷﴾ [فرود آوردیم] قرآن عربی بی‌عیب، بُوَد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۲۸﴾ بیان کرد خدا داستانی بنده‌ای که در وی شریکانِ مختلف‌اند و بنده‌ای مسلَّم برای مردی، آیا برابرند در صفت؟ ستایش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی‌دانند[۳]. ﴿۲۹﴾ [یا محمد] هرآیینه تو خواهی مرد و هرآیینه ایشان خواهند مرد. ﴿۳۰﴾ باز البته شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش با یکدیگر خصومت خواهید کرد. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی وعده یا وعید و اندرز یا بشارت.

۲- یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را به آن نگه دارد و مانند اهل نجات باشد.

۳- یعنی یک بنده که چند کس مالک او باشند، ضائع شود. هم چنین کسی که معبودان بسیار را پرستش می‌کند، ضائع است و بنده‌ای که خالص برای یک کس است، آن یک کس متولی جمیع امور او باشد. همچنین کسی که موحد باشد و مخلص، خدا کارساز اوست، والله اعلم.

۞فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدۡقِ
إِذۡ جَآءَهُۥٓۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾
وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدۡقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ
ٱلۡمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٣٤﴾ لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ
وَيَجۡزِيَهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٣٥﴾
أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُۥۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن
دُونِهِۦۚ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ﴿٣٦﴾ وَمَن
يَهۡدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّۗ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٖ ذِي
ٱنتِقَامٖ ﴿٣٧﴾ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ
ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ
قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلۡ يَٰقَوۡمِ
ٱعۡمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمۡ إِنِّي عَٰمِلٞۖ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ
﴿٣٩﴾ مَن يَأۡتِيهِ عَذَابٞ يُخۡزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيۡهِ عَذَابٞ
مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

پس کیست ستمکارتر از کسی که دوروغ بر بست بر خدا و دروغ داشت دین راست را چون بیامد به او؟ آیا نیست در دوزخ جای کافران؟. ﴿۳۲﴾ و آن که آورد دین راست را و آن که باور داشت آن را، آن جماعت ایشانند متقیان. ﴿۳۳﴾ ایشان را است آنچه خواهند نزدیک پروردگار ایشان، این است جزای نیکوکاران. ﴿۳۴﴾ تا زایل کند خدا از ایشان بدترین آنچه کردند و بدهد ایشان را مزد ایشان به حسب نیکوترینِ آنچه می‌کردند. ﴿۳۵﴾ آیا نیست خدا کارساز، بندهٔ خود را؟ و می‌ترسانند تو را به آنان‌که عیر خدایند و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۶﴾ و هر که را راه نماید خدا، پس نیست او را هیچ گمراه کننده. آیا نیست خدا غالبِ خداوندِ انتقام کشیدن؟. ﴿۳۷﴾ و اگر بپرسی ایشان را: کِه آفرید آسمان‌ها و زمین؟ البته بگویند: خدا آفرید. بگو: دیدید آن را که می‌پرستید بجز خدا، اگر خواهد در حق من خدای تعالی سختی را، آیا این بتان دفع کنندهٔ سختیِ او هستند؟ یا اگر خواهد در حق بخشایشی، آیا این بتان بازدارندهٔ بخشایش او هستند؟ بگو: بس است مرا خدا، بر وی توکل می‌کنند توکل کنندگان. ﴿۳۸﴾ بگو: ای قوم من! عمل کنید بر وضع خود، هرآیینه من نیز عمل کننده‌ام بر وضع خود، پس خواهید دانست. ﴿۳۹﴾ کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و کسی را که فرود آید بر وی عذاب دایم. ﴿۴۰﴾

إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ
ٱهۡتَدَىٰ فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ
أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ
مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ
عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّىۚ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوۡمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن
دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا
وَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ
ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ
بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ
يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ فِي
مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا
فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ
ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ
يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

هرآیینه ما فرود آوردیم بر تو کتاب را برای مردمان به
راستی. پس هر که راه‌یاب شد، پس نفع او را است و هر
که گمراه شد، پس جز این نیست که گمراه می‌شود به
ضرر خود و نیستی بر ایشان نگاهبان. ﴿۴۱﴾ خدای تعالی
قبض ارواح می‌کند نزدیک موت آن و آن روح که نمرده
است، قبض آن می‌کند نزدیک خواب آن، پس نگاه
می‌دارد آن را که حکم موت کرده است بر وی و
می‌گذارد آن دیگر را تا وقتی معین. هرآیینه در این مقدمه،
نشانه‌هاست برای قومی که تأمّل می‌کنند. ﴿۴۲﴾ آیا
شفاعت کنندگان گرفته‌اند بجز خدا؟ بگو: ایشان را که
گرفتید اگرچه نمی‌توانستند هیچ کاری و نمی‌دانستند؟.
﴿۴۳﴾ بگو: در اختیار خدا است شفاعت، همه یکجا. مر او
را است پادشاهی آسمان‌ها و زمین، باز به سوی او گردانیده
خواهید شد. ﴿۴۴﴾ و چون یاد کرده شود نام خدا، تنها،
متنفّر شود دل آنان‌که ایمان نمی‌آرند به آخرت و چون یاد
کرده شوند آنان‌که بجز او هستند، ناگاه ایشان شادمان
می‌شوند. ﴿۴۵﴾ بگو: بار خدایا! ای پیدا کنندهٔ آسمان‌ها و
زمین! دانندهٔ نهان و آشکارا! تو حکم کنی میان بندگان
خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف می‌کردند. ﴿۴۶﴾
و اگر باشد آنان را که ستم کردند، آنچه در زمین است،
همه یکجا و مانند آن همراه آن، البته عوض خود دهند آن
را به سبب سختی عذاب در روز قیامت و ظاهر شود ایشان
را از جانب خدا آنچه گمان نمی‌داشتند. ﴿۴۷﴾

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَـٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا
خَوَّلْنَـٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ ۚ بَلْ هِىَ
فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ
يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ ۚ وَٱلَّذِينَ
ظَلَمُواْ مِنْ هَـٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُواْ
وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ
ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ ۞ قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُواْ عَلَىٰٓ
أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُواْ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ
ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓاْ
إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُواْ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ
ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓاْ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ
إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ
بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ
يَـٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ
لَمِنَ ٱلسَّـٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

و ظاهر شود ایشان را جزای بد آنچه کرده بودند و درگیرد ایشان را آنچه بدان استهزاء می‌کردند. ﴿۴۸﴾ پس چون برسد آدمی را سختی، بخواند ما را. باز چون بدهیم او را نعمتی از طرف خود، گوید: جز این نیست که داده شده است این نعمت مرا بنا بر دانشی که در من است، بلکه این نعمت آزمایشی است و لیکن اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۴۹﴾ هرآیینه گفتند این کلمه، آنان‌که پیش از ایشان بودند، پس دفع نکرد از سر ایشان بلا را آنچه می‌کردند. ﴿۵۰﴾ پس رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه کردند و آنان‌که ستم کردند از این جماعت، خواهد رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه کردند و نیستند ایشان عاجز کننده. ﴿۵۱﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا گشاده می‌سازد رزق را برای هر که می‌خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد؟ هرآیینه در این کار نشانه‌ها است قومی راکه ایمان می‌آرند. ﴿۵۲﴾ بگو [از طرف من]: ای آن بندگان من! که تجاوز از حد کردند بر خود، ناامید مشوید از رحمت خدا. هرآیینه خدا می‌آمرزد گناهان را همه یکجا، هرآیینه خدا همون است آمرزگار مهربان. ﴿۵۳﴾ و رجوع کنید به سوی پروردگار خویش و منقاد شوید او را پیش از آنکه بیاید به شما عقوبت، باز مدد کرده نشوید. ﴿۵۴﴾ و پیروی کنید نیکوترین آنچه فروفرستاده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما، پیش از آنکه بیاید به شما عذاب، ناگهان و شما خبردار نباشید. ﴿۵۵﴾ [رجوع به خدا کنید و اتباع قرآن نمایید] به جهت ترس از آنکه گوید شخصی: وای پشیمانی من! بر تقصیر کردن من در حق خدا و هرآیینه من بودم از تمسخر کنندگان. ﴿۵۶﴾

أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾
أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ
مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ
بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوۡمَ
ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ
أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ
ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ ﴿٦١﴾ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
وَكِيلٞ ﴿٦٢﴾ لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلۡ
أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدۡ
أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ
لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ
ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ
حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا
يُشۡرِكُونَ ﴿٦٧﴾

یا گوید: اگر خدا هدایت کردی مرا، البته می‌شدم از متقیان. ﴿۵۷﴾ یا گوید وقتی که معاینه کند عذاب را: کاش! مرا رجوع باشد[1] تا باشم از نیکوکاران. ﴿۵۸﴾ [آنگاه خدا فرماید]: آری! آمد پیش تو آیات من، پس دروغ داشتی آن را و تکبّر کردی و شدی از کافران. ﴿۵۹﴾ و روز قیامت ببینی آنان را که دروغ بستند بر خدا، روی ایشان سیاه شده است. آیا نیست در دوزخ جایی متکبران؟. ﴿۶۰﴾ و نجات دهد خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده، نرسد بدیشان سختی و نه اندوهگین شوند. ﴿۶۱﴾ خدا آفرینندهٔ هر چیز است و او بر هر چیز خبر گیرنده است. ﴿۶۲﴾ مر او راست کلیدهای آسمان‌ها و زمین[2] و آنان‌که کافر شدند به نشانه‌های خدا، این جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۶۳﴾ بگو: آیا می‌فرمایید به من که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان؟!. ﴿۶۴﴾ و هرآیینه وحی فرستاده شد [یا محمد] به سوی تو و به سوی آنان‌که پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی، البته نابود گردد عمل تو و البته شوی از زیانکاران. ﴿۶۵﴾ بلکه خدا را فقط عبادت کن و بشو از سپاسداران. ﴿۶۶﴾ و نشناختند خدا را حق شناختن او، و زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمان‌ها پیچیده شوند در دست راست او. پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرّر می کنند. ﴿۶۷﴾

۱- یعنی به دنیا.

۲- یعنی مختار و متصرف اوست.

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي
ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ
قِيَامٞ يَنظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا
وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ
بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ
مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ
أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ
يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ
يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ
ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ
جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾
وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا
جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ
عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ
لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ
ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ﴿٧٤﴾

و دمیده شود در صور، پس بمیرد هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، مگر آن که خدا خواسته است. باز دمیده شود در صور بار دیگر، پس ناگهان ایشان ایستادگانند، می‌نگرند. ﴿۶۸﴾ و روشن شود زمین به نور پروردگار خود و نهاده شود نامهٔ اعمال و آورده شود پیغامبران را و گواهان را و حکم کرده شود میان آدمیان به راستی و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۶۹﴾ تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است به آنچه می‌کنند. ﴿۷۰﴾ و روان کرده شود کافران را به سوی دوزخ، گروه گروه، تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، وا کرده شوند دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان دوزخ: آیا نیامده بودند به شما پیغامبران از جنس شما، می‌خواندند بر شما آیات پروردگار شما و می‌ترسانیدند شما را از ملاقات این روز شما؟ گفتند: آری! و لیکن متحقق شد حکم عذاب بر کافران. ﴿۷۱﴾ گفته شود: درآیید به دروازهای دوزخ جاودان در آنجا، پس بد جایی متکبران است دوزخ. ﴿۷۲﴾ و روان کرده شوند آنان‌که ترسیدند از پروردگار خویش به سوی بهشت، گروه گروه، تا وقتی که بیایند نزدیک بهشت و واکرده شود دروازه‌های آن و گویند ایشان را نگاهبانان بهشت: سلام بر شما باد! خوشحال شدید، پس درآیید به بهشت جاودان. ﴿۷۳﴾ و گویند: سپاس خدا را که راست کرد با ما وعدهٔ خود و عطا کرد ما را زمین. جای می‌گیریم از بهشت هرجاکه خواهیم. پس نیک مزدِ کار کنندگان است به بهشت. ﴿۷۴﴾

وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ
بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ
رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٢﴾
غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي
ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ
ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ
فِي ٱلۡبِلَٰدِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَٱلۡأَحۡزَابُ مِنۢ
بَعۡدِهِمۡۖ وَهَمَّتۡ كُلُّ أُمَّةِۭ بِرَسُولِهِمۡ لِيَأۡخُذُوهُۖ وَجَٰدَلُواْ
بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ فَأَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ كَانَ
عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ
ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ
بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ
رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ
وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٧﴾

و بینی فرشتگان را گرداگرد شده حوالی عرش، تسبیح می‌گویند همراه ستایش پروردگار خویش و حکم کرده شود میان ایشان به راستی[1] و گفته شود: ستایش خدای راست، پروردگار عالم‌ها. ﴿۷۵﴾

سوره غافر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم. ﴿۱﴾ فروفرستادن کتاب از جانب خدا غالب داناست. ﴿۲﴾ آمرزندهٔ گناه و پذیرندهٔ توبه، سخت کنندهٔ عقوبت، خداوند توانگری. نیست هیچ معبود مگر او. به سوی اوست بازگشت. ﴿۳﴾ مکابره نمی‌کنند در آی‌های خدا مگر کافران، پس غرّه نکند تو را آمد و رفت ایشان در شهرها. ﴿۴﴾ دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح و جماعت‌های دیگر بعد از قوم نوح و قصد کرد هر جماعتی به پیغامبر خود تا بگیرند آن را و مکابره کردند به شبهات بیهوده تا ناچیز سازند به آن سخن درست را، پس گرفتیم ایشان را. پس چگونه بود عقوبت من؟. ﴿۵﴾ و همچنین ثابت شد حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان اهل دوزخند. ﴿۶﴾ آنان‌که بر می‌دارند عرش را و آنان‌که گرداگرد عرشند، تسبیح می‌گویند همراه ستایش پروردگار خویش و ایمان می‌آرند به او و آمرزش می‌خواهند برای مؤمنان. می‌گویند: ای پروردگار ما! فرا گرفتی همه چیز را به بخشایش و دانش، پس بیامرز آنان راکه توبه کردند و پیروی راه تو نمودند و نگاه‌دار ایشان را از عذاب دوزخ. ﴿۷﴾

۱- یعنی در اختصام ملاء اعلی.

رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن
صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ وَمَن تَقِ
ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ
ٱلۡعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ
أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى
ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ
وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ
مِّن سَبِيلٖ ﴿١١﴾ ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُۥ
كَفَرۡتُمۡ وَإِن يُشۡرَكۡ بِهِۦ تُؤۡمِنُواْۚ فَٱلۡحُكۡمُ لِلَّهِ ٱلۡعَلِيِّ
ٱلۡكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم
مِّنَ ٱلسَّمَآءِ رِزۡقٗاۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾
فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ
﴿١٤﴾ رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلۡعَرۡشِ يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ
أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ
﴿١٥﴾ يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ
لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ﴿١٦﴾

ای پروردگار ما! درآر ایشان را به بوستان‌های همیشه ماندن که وعده کرده‌ای به ایشان و درآر نیز هر که شایسته کار باشد از پدرانِ ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان، هرآیینه تویی غالب با حکمت. ﴿۸﴾ و نگاه دار ایشان را از عقوبت‌ها و هرکه را نگاه داری از عقوبت‌ها در آن روز، پس هرآیینه رحم کرده‌ای بر وی و این مقدمهٔ نگاه داشتن، همان است مطلب یابی بزرگ. ﴿۹﴾ هرآیینه آنان‌که کافر شدند، آواز داده شود ایشان را که به تحقیق دشمن داشتن خدای شما را، وقتی که خوانده می‌شدید در دنیا به سوی ایمان پس کافر می‌ماندید، زیاده‌تر است از دشمن داشتن شما خود را. ﴿۱۰﴾ گویند: ای پروردگار ما! مرده ساختی ما را دوبار و زنده گردانیدی ما را دوبار، پس اعتراف کردیم به گناهان خود، پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست؟! (یعنی حیله‌ای هست)[۱]. ﴿۱۱﴾ این عذاب به سبب آن است که چون یاد کرده می‌شد خدا تنها، انکار می‌کردید و اگر شریک او مقرر کرده می‌شد، باور می‌داشتید، پس فرمان خدای راست بلند قدر بزرگوار. ﴿۱۲﴾ اوست آن‌که می‌نماید شما را نشانه‌های خود وفرومی‌فرسدتد برآی شما از آسمان رزق را و پندپذیر نمی‌شود، مگر کسی که رجوع می‌کند به خدا. ﴿۱۳﴾ پس یاد کنید خدا را یک جهت ساخته برای او عبادت را اگرچه ناخوش دارند کافران. ﴿۱۴﴾ اوست بلنده کنندهٔ مرتبه‌ها، خداوند عرش می‌اندازد وحی را از فرمان خود بر هر که خواهد از بندگان خود تا بترساند آن بنده از روز ملاقات. ﴿۱۵﴾ روزی که ایشان بیرون آیند[۲]، پوشیده نباشد بر خدا از ایشان چیزی خدا فرماید که راست پادشاهی امروز؟ باز خود جواب دهد: مر خدای یگانه غالب را. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی گویند با خدا وفرشتگان.

۲- یعنی از قبور.

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ
ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ
حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا
تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ
يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ
ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ ۞أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ
كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ
ٱللَّهُ بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ﴿٢١﴾
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ
فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ
﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٢٣﴾
إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ﴿٢٤﴾
فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ
ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ﴿٢٥﴾

امروز پاداش داده شود هر شخصی بحسب آنچه کرده است هیچ ستم نیست امروز هرآیینه خدا زود حساب کننده است. ﴿۱۷﴾ و بترسان ایشان را از روز قیامت آنگاه که دل‌ها نزدیک چنبر گردن باشند پر شده از غم نیست ستمکاران را هیچ دوستی و نه شفاعت کننده‌ای که سخن او قبول کرده شود. ﴿۱۸﴾ می‌داند خیانت چشم‌ها را و آنچه پنهان می‌دارند سینه‌ها. ﴿۱۹﴾ و خدا حکم می‌کند به راستی و آنان‌که کافران می‌پرستند ایشان را بجز خدا. حکم نمی‌کنند به چیزی. هرآیینه خدا همونست شنوای بینا. ﴿۲۰﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان‌که پیش از ایشان بودند. زیاده‌تر از ایشان به قوت و به نشانه‌ها در زمین[۱]، پس گرفتار کرد ایشان را خدا به گناهان ایشان و نبود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده. ﴿۲۱﴾ این عقوبت به سبب آن بود که می‌آمدند به ایشان پیغامبران ایشان به نشانه‌ها، پس کافر شدند پس گرفتار کرد ایشان را خدا هرآیینه خدا توانای سخت عقوبت است. ﴿۲۲﴾ و هرآیینه فرستادیم موسی را به نشانه‌های خویش و به حجت ظاهر. ﴿۲۳﴾ به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند: جادوگر است دروغگوی. ﴿۲۴﴾ پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از نزدیک ما گفتند: بکشید فرزندان آنان‌که ایمان آوردند همراه او و زنده گزارید دختران ایشان را و نیست حیله‌سازی کافران مگر در تباهی. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی محل‌ها وقلعه‌ها بسیار کردند.

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ
أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ
ٱلۡفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم
مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَقَالَ
رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ
أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ
وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡۖ إِنَّ
ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ﴿٢٨﴾ يَٰقَوۡمِ
لَكُمُ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا
مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا
مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ
ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ
ٱلۡأَحۡزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ وَثَمُودَ
وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ﴿٣١﴾
وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوۡمَ
تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن
يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ﴿٣٣﴾

و گفت فرعون: ای یاران! بگذارید مرا تا بکشم موسی را و باید که دعا کند به جناب پروردگار خویش، هرآیینه من می‌ترسم از آن که بدل کند دین شما را یا پدید آرد در زمین فساد را. ﴿۲۶﴾ و گفت موسی: هرآیینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر متکبری که باور نمی‌دارد روز حساب را. ﴿۲۷﴾ و گفت مردی مسلمان از خویشان فرعون که پنهان می‌داشت ایمان خود را آیا می‌کشید مردی را به سبب آن که می‌گوید پروردگار من خدا است؟ و هرآیینه آورده است پیش شما نشانه‌ها از جانب پروردگار شما و اگر به فرض دروغگویی باشد، پس وبال بر ا و است دروغگویی او و اگر راستگویی باشد، البته برسد به شما بعض آنچه وعده می‌دهد شما را. هرآیینه خدا راه نمی‌نماید کسی را که باشد از حد گذرندهٔ دروغگوی. ﴿۲۸﴾ ای قوم من! شما را است پادشاهی امروز غالب شده در زمین، پس که نصرت دهد ما را از عذاب خدا اگر بیاید به ما؟ گفت فرعون: مصلحت نمی‌دهم شما را مگر آنچه ادراک می‌کنم و دلالت نمی‌کنم شما را مگر به راه راستی. ﴿۲۹﴾ و گفت شخصی که ایمان آورده بود: ای قوم من! هرآیینه من می‌ترسم بر شما از مانند روز جماعت‌های پیشین. ﴿۳۰﴾ مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنان‌که بعد از ایشان بودند و خدا اراده ستم نمی‌کند بر بندگان. ﴿۳۱﴾ و ای قوم من! هرآیینه من می‌ترسم بر شما از روز آواز دادن با یکدیگر. ﴿۳۲﴾ روزی که روی بگردانید پشت داده نبود شما را از خدا هیچ نگاهدارنده و هرکه را گمراه سازد خدا، پس نیست او را هیچ راه نماینده. ﴿۳۳﴾

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلْتُمْ
فِى شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن
يَبْعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِهِۦ رَسُولًا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنْ
هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ أَتَىٰهُمْ ۖ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ
جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ
أَبْلُغُ ٱلْأَسْبَٰبَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ
مُوسَىٰ وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبًا ۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ
سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۚ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا
فِى تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ ٱلَّذِىٓ ءَامَنَ يَٰقَوْمِ ٱتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ
سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَٰقَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ
وَإِنَّ ٱلْءَاخِرَةَ هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا
يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا
بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

و هرآیینه آمده بود پیش از این به شما یوسف به نشانه‌ها پس همیشه در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما را. تا وقتی که بِمُرد گفتید: نخواهد فرستاد خدا بعد از وی پیغامبری را همچنین گمراه می‌کند خدا هر که را که هست او از حد در گذرندهٔ شک آرنده گمراه می‌کند. ﴿۳۴﴾
آنان را که مکابره می‌کنند در آیات خدا به غیر حجتی که آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شد این مکابرهٔ ایشان نزدیک خدا و نزدیک آنان‌که ایمان آوردند همچنین مهری نهد خدا بر هر دل متکبّر سرکش. ﴿۳۵﴾ و گفت فرعون: ای هامان! عمارت کن برای من کوشکی تا باشد که برسم به این راه‌ها. ﴿۳۶﴾ راه‌های آسمان‌ها تا در نگرم به سوی پروردگار موسی و هرآیینه من دروغگوی می‌پندارمش و همچنین آراسته شد در نظر فرعون عمل بد او و بازداشته شد از راه صواب و نبود حیله‌سازی فرعون مگر در تباهی. ﴿۳۷﴾ و گفت آن که ایمان آورده بود: ای قوم من! پیروی من کنید تا دلالت کنم شما را به راه راستی. ﴿۳۸﴾ ای قوم من! جز این نیست که این زندگانی دنیا اندک بهتر است و هرآیینه آخرت همونست سرای همیشه ماندن. ﴿۳۹﴾ هر که به عمل آرد کار بد، پس جزا داده نخواهد شد الا مانند آن و هر که بجا آرد کار شایسته خواه از جنس مرد خواه از جنس زن و او مؤمن بود، پس آن جماعت در آیند در بهشت رزق داده شود ایشان را آنجا به غیر شمار. ﴿۴۰﴾

۞وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى
ٱلنَّارِ ﴿٤١﴾ تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا
لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞ وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ﴿٤٢﴾
لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا
وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ﴿٤٣﴾ فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ
وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ﴿٤٤﴾
فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ
سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٥﴾ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا
وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ
ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ
ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ
أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ ٱلَّذِينَ
ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ
ٱلۡعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ
رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ﴿٤٩﴾

و ای قوم من! چیست مرا که می‌خوانم شما را به سوی
نجات و شما می‌خوانید مرا به سوی دوزخ. ﴿۴۱﴾
می‌خوانید مرا به سوی آن که کافر شوم به خدا و شریک
او مقرر کنم چیزی که نیست مرا به حقیقت آن علم و من
می‌خوانم شما را به سوی خدای غالب آمرزگار. ﴿۴۲﴾ بی
شبهه چیزی که شما می‌خوانید مرا به سوی آن نیست آن
چیز را قبول کردن دعا در دنیا و نه در آخرت و بی‌شبهه
بازگشت ما به سوی خدا است و بی‌شبهه از حد گذشتگان،
ایشانند اهل دوزخ. ﴿۴۳﴾ پس یاد خواهید کرد آنچه من
می‌گویم به شما و می‌سپارم مقدمهٔ خود را به خدا، هرآیینه
خدا بینا است به احوال بندگان. ﴿۴۴﴾ پس نگهداشت او
را خدا از سختی‌های بدسگالی ایشان و فروگرفت به
خویشان فرعون عذاب سخت. ﴿۴۵﴾ در گرفت ایشان را
آتش حاضر کرده می‌شوند بر آتش پگاه و شام، و روزی
که قایم شود قیامت [گوییم]: در آرید خویشان فرعون را
در سخت‌ترین عذاب. ﴿۴۶﴾ و [یاد کن] چون باهم
مکابره می‌کنند در دوزخ پس گویند ناتوانان سرکشان را:
هرآیینه ما تابع بودیم شما را، پس آیا دفع کننده هستید از
سر ما یک حصّه از عقوبت آتش. ﴿۴۷﴾ گویند سرکشان:
هرآیینه همه در آتشیم هرآیینه خدا مقدمهٔ فیصل کرده
است در میان بندگان. ﴿۴۸﴾ و گویند آنان‌که در آتش‌اند
نگاهبانان دوزخ را: دعا کنید به جناب پروردگار خویش
تا سبک گرداند از ما حصّهٔ یک روزه از عذاب. ﴿۴۹﴾

قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ
بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ
﴿٥٠﴾ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ﴿٥١﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ
مَعۡذِرَتُهُمۡۖ وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدۡ
ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ
﴿٥٣﴾ هُدٗى وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ﴿٥٤﴾ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ
وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا
هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ
﴿٥٦﴾ لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ
ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا
يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

گویند [نگاهبانان]: آیا نمی‌آمدند به شما پیغامبران شما با معجزه‌ها؟ گفتند :آری! [نگاهبانان] گویند: پس دعا کنید و نیست دعا کافران مگر در تباهی. ﴿۵۰﴾ هرآیینه ما نصرت دهیم پیغامبران خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزی که قایم شوند گواهان[1]. ﴿۵۱﴾ روزی که سود ندهد ستمکاران را عذر آوردن ایشان و ایشان راست لعنت و ایشان راست عقوبت آن سرای. ﴿۵۲﴾ و هرآیینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب ساختیم بنی اسراییل را. ﴿۵۳﴾ برای راه نمودن و پند دادن خداوندان خرد را. ﴿۵۴﴾ پس صبر کن هرآیینه وعده خدا راست است و آمرزش طلب کن برای گناه خود و تسبیح گوی با ستایش پروردگار خود به شام و پگاه. ﴿۵۵﴾ هرآیینه آنان‌که مکابره می‌کنند در آیت‌های خدا به غیر حجتی که آمده باشد به ایشان نیست در سینه ایشان مگر ارادهٔ غلبه که نیستند ایشان رسنده به آن. پس پناه طلب کن از خدا هرآیینه خدا همون است شنوای بینا. ﴿۵۶﴾ هرآیینه آفریدن آسمان‌ها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان[2] و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۵۷﴾ و برابر نیستند نابینا و بینا و برابر نیستند آنان‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند با بدکار. اندکی پندپذیر می‌شوید. ﴿۵۸﴾

۱- یعنی فرشتگان گواهی دهند.

۲- یعنی اعادهٔ انشان.

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأَاتِيَةٌ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ
أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي
سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ
لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ
لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا
يَشۡكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ
لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ﴿٦٢﴾ كَذَٰلِكَ يُؤۡفَكُ ٱلَّذِينَ
كَانُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ﴿٦٣﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ
لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ
صُوَرَكُمۡ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ
رَبُّكُمۡۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ
إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٥﴾ ۞قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ
تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي
وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦٦﴾

هرآيينه قيامت آمدنى است نيست شک در آن و ليکن
اکثر مردمان باور نمى‌دارند. ﴿۵۹﴾ و گفت پروردگار
شما: دعا کنيد به جناب من تا قبول کنم دعاى شما را.
هرآيينه آنان‌که تکبر مى‌کنند از عبادت من داخل خواهند
شد به دوزخ خوار شده. ﴿۶۰﴾ خدا آن است که آفريد
براى شما شب را تا آرام گيريد در آن و آفريد روز را به
وجهى که در آن ديدن يکديگر باشد هرآيينه خدا
خداوند فضل است بر مردمان و ليکن اکثر مردمان شکر
نمى‌کنند. ﴿۶۱﴾ اين است خدا پروردگار شما آفرينندهٔ هر
چيز. نيست هيچ معبود بجز وى، پس از کجا برگردانيده
مى‌شويد؟. ﴿۶۲﴾ همچنين برگردانيده مى‌شوند آنان‌که به
آيات خدا انکار مى‌کردند. ﴿۶۳﴾ خداى آن است که
ساخت براى شما زمين را قرارگاه و آسمان را سقفى و
صورت بست شما را، پس نيکو ساخت صورت‌هاى شما و
روزى داد شما را از پاکيزه‌ها. اين است خدا پروردگار
شما، پس بسيار با برکت است خدا پروردگار عالم‌ها.
﴿۶۴﴾ اوست زنده نيست هيچ معبود مگر او، پس عبادت
کنيد او را يک جهت ساخته براى او عبادت ستايش خداى
راست پروردگار عالم‌ها. ﴿۶۵﴾ بگو: هرآيينه منع کرده
شد مرا از آنکه عبادت کنم آنان را که شما مى‌پرستيد بجز
خدا. وقتى که آمد به من نشانه‌ها از جانب پروردگار من و
فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالم‌ها را. ﴿۶۶﴾

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٍ ثُمَّ مِنۡ
عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلًا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ
لِتَكُونُواْ شُيُوخًاۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ
وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ
ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ
كُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ
ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ ﴿٦٩﴾ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ
وَبِمَآ أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ
ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي
ٱلۡحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسۡجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ
مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا
بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡـٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ
ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾ ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي
ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ ﴿٧٥﴾ ٱدۡخُلُوٓاْ
أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ
﴿٧٦﴾ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ
ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ﴿٧٧﴾

اوست آنکه آفرید شما را از خاک باز از نطفه منی باز از خون بسته، باز بیرون می‌آرد شما را کودک شده باز باقی می‌گذارد تا برسید به نهایت قوت خود باز باقی می‌گذارد تا شوید پیر کلانسال و بعض از شما کسی هست قبض روح او کرده شود پیش از این و باقی می‌گذارد تا برسید به مدتی معین و تا بِوَد که بفهمید. ﴿۶۷﴾ اوست آنکه زنده می‌کند و می‌میراند. چون پیدا کند چیزی را، پس جز این نیست که می‌گویدش بشو! پس می‌شود. ﴿۶۸﴾ آیا ندیدی به سوی آنان‌که مکابره می‌کنند در آیات خدا از کجا گردانیده می‌شوند؟. ﴿۶۹﴾ آنان‌که دروغ شمردند کتاب را و آنچه فرستادیم به آن پیغامبران خود را، خواهند دانست حقیقت حال خود. ﴿۷۰﴾ وقتی که طوق‌ها در گردن ایشان باشند و زنجیرها نیز کشیده شوند. ﴿۷۱﴾ در آب گرم، باز در آتش برتافته شوند. ﴿۷۲﴾ باز گفته شود ایشان را: کجا است آنچه شریک مقرر می‌کردید؟ ﴿۷۳﴾ بجز خدا. گویند: گم شدند از نظر ما بلکه هرگز نمی‌پرستیدیم پیش از این چیزی را همچنین گمراه می‌کند خدا کافران را. ﴿۷۴﴾ این عقوبت به سبب آن است که شادمان می‌شدید در زمین ناحق و به سبب آن است که می‌نازیدید. ﴿۷۵﴾ درآیید به دروازه‌های دوزخ جاویدان آنجا، پس بد جای متکبران است دوزخ. ﴿۷۶﴾ پس صبر کن [یا محمد]، هرآیینه وعدهٔ خدا راست است پس اگر بنماییم تو را بعض آنچه وعده می‌دهیم ایشان را فبها و اگر قبض روح تو کنیم، پس به سوی ما باز گردانیده شوند کافران. ﴿۷۷﴾

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا
عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ۗ وَمَا كَانَ
لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ فَإِذَا جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ
قُضِيَ بِٱلْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِى
جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَنْعَٰمَ لِتَرْكَبُواْ مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَلِتَبْلُغُواْ عَلَيْهَا حَاجَةً فِى
صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾
وَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَأَىَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُنكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ
يَسِيرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَانُوٓاْ أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِى
ٱلْأَرْضِ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾
فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم
مِّنَ ٱلْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾
فَلَمَّا رَأَوْاْ بَأْسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥ وَكَفَرْنَا بِمَا
كُنَّا بِهِۦ مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَٰنُهُمْ لَمَّا
رَأَوْاْ بَأْسَنَا ۖ سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِى قَدْ خَلَتْ فِى عِبَادِهِۦ ۖ
وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿٨٥﴾

و هرآیینه فرستادیم پیغامبران را پیش از تو از ایشان کسی هست که قصّه‌اش خوانده‌ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه‌اش نخوانده‌ایم بر تو و نبود هیچ پیغامبر را که بیارد هیچ نشانه مگر به فرمان خدا، پس وقتی که آمد فرمان خدا، فیصل کرده شود به راستی و زیانکار شدند آنجا بیهوده‌گویان. ﴿۷۸﴾ خدا آن است که آفریده برای شما مواشی را تا سوار شوید بر بعض آنها و بعض آنها را می‌خورید. ﴿۷۹﴾ و شما را در چهارپایان منفعت‌ها است و تا برسید سوار شده بر آنها به مقصدی که در سینهٔ شما مستقر شده است و بر چهارپایان و نیز بر کشتی‌ها برداشته می‌شوید. ﴿۸۰﴾ و خدا می‌نماید شما را نشانه‌های خود، پس کدام یک را از نشانه‌های خدا انکار می‌کنید. ﴿۸۱﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان‌که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و زیاده‌تر به قوّت و به نشانه‌ها در زمین، پس دفع نکرد از ایشان آنچه می‌کردند. ﴿۸۲﴾ پس وقتی که آمدند پیغامبران ایشان با معجزه‌ها، شادمان شدند به آنچه نزدیک ایشان بود از دانش[1] و در گرفت ایشان را آنچه بدان استهزا می‌کردند. ﴿۸۳﴾ پس وقتی که دیدند عقوبت ما گفتند: باور داشتیم خدای را تنها و منکر شدیم به آنچه آن را شریک مقرر می‌کردیم. ﴿۸۴﴾ پس هرگز نفع نمی‌داد ایشان را ایمان ایشان وقتی که دیدند عقوبت ما. آیین خدا که گذشته است در بندگان او و زیانکار شدند آنجا کافران. ﴿۸۵﴾

۱- یعنی علم معاش.

سُورَةُ فُصِّلَتۡ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٢﴾ كِتَٰبٞ فُصِّلَتۡ
ءَايَٰتُهُۥ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٣﴾ بَشِيرٗا
وَنَذِيرٗا فَأَعۡرَضَ أَكۡثَرُهُمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ ﴿٤﴾
وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا
وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ فَٱعۡمَلۡ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ
﴿٥﴾ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ
إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُۗ وَوَيۡلٞ
لِّلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٦﴾ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ
هُمۡ كَٰفِرُونَ ﴿٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ﴿٨﴾ ۞قُلۡ أَئِنَّكُمۡ
لَتَكۡفُرُونَ بِٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَرۡضَ فِي يَوۡمَيۡنِ وَتَجۡعَلُونَ
لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ ذَٰلِكَ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا
رَوَٰسِيَ مِن فَوۡقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقۡوَٰتَهَا فِيٓ
أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ سَوَآءٗ لِّلسَّآئِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى
ٱلسَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٞ فَقَالَ لَهَا وَلِلۡأَرۡضِ ٱئۡتِيَا طَوۡعًا
أَوۡ كَرۡهٗا قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ ﴿١١﴾

سوره فصلت

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم. ﴿۱﴾ این فروفرستادن است از جانب خدای
بخشایندهٔ مهربان. ﴿۲﴾ این کتابی است واضح ساخته شد
آیات او را در حالتی که قرآن عربی است، برای قومی که
می‌دانند. ﴿۳﴾ در حالی که مژده دهنده و ترساننده است،
پس روگردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی‌شنوند.
﴿۴﴾ و گفتند: دل‌های ما در پرده‌هاست از آنچه می‌خوانی
ما را به سوی آن و در گوش ما گرانی هست و میان ما و
میان تو حجابی است، پس کار کن هرآیینه ما کار
کننده‌ایم[1]. ﴿۵﴾ بگو: جز این نیست که من آدمی‌ام مانند
شما، وحی کرده می‌شود به سوی من که پروردگار شما
معبود یگانه است، پس راست متوجه شوید به سوی او و
طلب آمرزش کنید ازو و وای مشرکان را! . ﴿۶﴾ آنان که
نمی‌دهند زکات و ایشان به آخرت نامعتقداند. ﴿۷﴾
هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
ایشان راست مزد غیر مقطوع. ﴿۸﴾ بگو: آیا شما نامعتقد
می‌شوید به کسی که آفرید زمین را در دو روز و مقرر
می‌کنید همسران را برای او؟ این است پروردگار عالم‌ها.
﴿۹﴾ و پیدا کرد در زمین کوه‌ها بالای آن و برکت نهاد
در آن و اندازه کرد اندر آن قوّت اهل آن را در تتمهٔ چهار
روز بیان واضح کرده شده برای سؤال کنندگان. ﴿۱۰﴾ باز
متوجه شد به سوی آسمان و او مانند دود بود پس گفت او
را و زمین را نیز: بیایید به خوشی یا ناخوشی[2]. گفتند هر
دو آمدیم به خوشی. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی هریکی از ما بر طورِ خود.

۲- یعنی منقاد حکم من شوید، والله اعلم.

فَقَضَىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَاتٖ فِي يَوۡمَيۡنِ وَأَوۡحَىٰ فِي كُلِّ
سَمَآءٍ أَمۡرَهَاۚ وَزَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ وَحِفۡظٗاۚ
ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَقُلۡ
أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ مِّثۡلَ صَٰعِقَةِ عَادٖ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذۡ
جَآءَتۡهُمُ ٱلرُّسُلُ مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ أَلَّا
تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا ٱللَّهَۖ قَالُواْ لَوۡ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَٰٓئِكَةٗ فَإِنَّا
بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٞ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ
فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَقَالُواْ مَنۡ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةًۖ أَوَلَمۡ
يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي خَلَقَهُمۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۖ وَكَانُواْ
بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا
فِيٓ أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ لِّنُذِيقَهُمۡ عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَخۡزَىٰۖ وَهُمۡ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾
وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيۡنَٰهُمۡ فَٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡعَمَىٰ عَلَى ٱلۡهُدَىٰ
فَأَخَذَتۡهُمۡ صَٰعِقَةُ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ بِمَا كَانُواْ
يَكۡسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَنَجَّيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾
وَيَوۡمَ يُحۡشَرُ أَعۡدَآءُ ٱللَّهِ إِلَى ٱلنَّارِ فَهُمۡ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾
حَتَّىٰٓ إِذَا مَا جَآءُوهَا شَهِدَ عَلَيۡهِمۡ سَمۡعُهُمۡ وَأَبۡصَٰرُهُمۡ
وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٠﴾

پس ساخت هفت آسمان در دو روز دیگر و وحی فرستاد در هر آسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمان دنیا را بچراغ‌ها[۱] و نگاه داشتیم[۲]. این است تدبیر خدای غالب دانا. ﴿۱۲﴾ پس اگر روی گردان شوند بگو: ترسانیدم شما را از عقوبتی مانند عقوبت عاد و ثمود. ﴿۱۳﴾ وقتی که آمدند بدیشان پیغامبران از پیش روی ایشان و از پس پشت ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را، گفتند: اگر خواستی پروردگار ما فروفرستادی فرشتگان را، پس هرآیینه ما به آنچه فرستاده شدید همراه آن نامعتقدیم. ﴿۱۴﴾ امّا قوم عاد، پس تکبّر کردند در زمین ناحق و گفتند: کیست زیاده‌تر از ما به قوّت؟ آیا ندیدند که آن خدای که بیافرید ایشان را او زیاده‌تر است از ایشان به قوت و ایشان به آیات ما انکار می‌کردند. ﴿۱۵﴾ پس فرستادیم بر ایشان بادی تند در روزهای شوم تا بچشانیم ایشان را عذاب رسوایی در زندگانی دنیا و هرآیینه عذاب آخرت رسوا کننده‌تر است و ایشان نصرت داده نشوند. ﴿۱۶﴾ و اما ثمود پس راه نمودیم ایشان را، پس اختیار کردند نابینایی را بر راه‌یابی، پس درگرفت ایشان را عقوبت سخت عذاب خواری به سبب آنچه می‌کردند. ﴿۱۷﴾ و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می‌کردند. ﴿۱۸﴾ و آن روزی که برانگیخته شوند دشمنان خدا روان ساخته به سوی آتش پس ایشان به این صفت باشند[۳]. ﴿۱۹﴾ تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ، گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشم ایشان و پوست ایشان به آنچه می‌کردند. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی ستاره‌ها.

۲- یعنی از شیاطین.

۳- که بعض را تا به رسیدن بعض اشاره کرده می‌شود.

وَقَالُواْ لِجُلُودِهِمۡ لِمَ شَهِدتُّمۡ عَلَيۡنَاۖ قَالُوٓاْ أَنطَقَنَا ٱللَّهُ
ٱلَّذِيٓ أَنطَقَ كُلَّ شَيۡءٖۚ وَهُوَ خَلَقَكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَإِلَيۡهِ
تُرۡجَعُونَ ٢١ وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَتِرُونَ أَن يَشۡهَدَ عَلَيۡكُمۡ
سَمۡعُكُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُكُمۡ وَلَا جُلُودُكُمۡ وَلَٰكِن
ظَنَنتُمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَا يَعۡلَمُ كَثِيرٗا مِّمَّا تَعۡمَلُونَ ٢٢
وَذَٰلِكُمۡ ظَنُّكُمُ ٱلَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمۡ أَرۡدَىٰكُمۡ
فَأَصۡبَحۡتُم مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣ فَإِن يَصۡبِرُواْ فَٱلنَّارُ
مَثۡوٗى لَّهُمۡۖ وَإِن يَسۡتَعۡتِبُواْ فَمَا هُم مِّنَ ٱلۡمُعۡتَبِينَ ٢٤
۞وَقَيَّضۡنَا لَهُمۡ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُواْ لَهُم مَّا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا
خَلۡفَهُمۡ وَحَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن
قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ٢٥
وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ
فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ ٢٦ فَلَنُذِيقَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
عَذَابٗا شَدِيدٗا وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَسۡوَأَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ
٢٧ ذَٰلِكَ جَزَآءُ أَعۡدَآءِ ٱللَّهِ ٱلنَّارُۖ لَهُمۡ فِيهَا دَارُ ٱلۡخُلۡدِ
جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يَجۡحَدُونَ ٢٨ وَقَالَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ رَبَّنَآ أَرِنَا ٱلَّذَيۡنِ أَضَلَّانَا مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ
نَجۡعَلۡهُمَا تَحۡتَ أَقۡدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٢٩

و گفتند پوست‌های خود را: چرا گواهی دادید بر ما؟
گویند: گویا کرد ما را آن خدایی که گویا کرده است هر
چیزی را و او بیافرید شما را اوّل بار و به سوی او
بازگردانیده شوید. ﴿۲۱﴾ و در پرده پنهان نمی‌شدید[1] که
گواهی دهد بر شما گوش شما و چشم‌های شما و پوست
شما و لیکن پنداشتید که خدا نمی‌داند بسیار از آنچه
می‌کنید. ﴿۲۲﴾ و این گمان شما که به غلط اندیشه کردید
در حق پروردگار خویش هلاک کرد شما را، پس زیانکار
گشتید. ﴿۲۳﴾ پس اگر صبر کنند پس چه امکان؟ آتش
خوابگاه ایشان است و اگر عفو طلبند، پس نیستند ایشان
عفو کرده شده. ﴿۲۴﴾ و برگماشتیم برای ایشان
همنشینان[2]، پس آراسته کردند آن هم نشینان برای ایشان
آنچه پیش روی ایشان است و آنچه، پس پشت ایشان
است[3] و ثابت شد بر ایشان وعدهٔ عذاب داخل شده در
امتانی که پیش از ایشان گذشته‌اند از جن و آدمیان،
هرآیینه ایشان زیانکار بودند. ﴿۲۵﴾ و گفتند کافران:
مشنوید این قرآن را و سخن بیهوده گویید در اثنای
خواندن آن بود که شما غالب شوید. ﴿۲۶﴾ پس البته
بچشانیم کافران را عذاب سخت و البته جزا دهیم ایشان را
به حسب بدترین آنچه می‌کردند. ﴿۲۷﴾ این است جزای
دشمنان خدا که آتش است، ایشان را در آنجا منزل علی
الدوام باشند. پاداش دادیم بر حسب آنچه به آیات ما انکار
می‌کردند. ﴿۲۸﴾ و گویند کافران: ای پروردگار ما! بنما
ما را آن دو کس[4] که گمراه ساختند ما را از جنس جن و
از جنس انس تا درآریم آن هر دو را زیر قدم‌های خود تا
شوند از فروترماندگان. ﴿۲۹﴾

۱- یعنی در این دار خوف آنکه.

۲- یعنی از شیاطین، والله اعلم.

۳- یعنی وسوسه انداختند که دنیا قابل رغبت است و آخرت قابل رغبت نیست، والله اعلم.

۴- یعنی آن دو فریق.

إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي
كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَشۡتَهِيٓ أَنفُسُكُمۡ
وَلَكُمۡ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلٗا مِّنۡ غَفُورٖ رَّحِيمٖ
﴿٣٢﴾ وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ
صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسۡتَوِي
ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا
ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ ﴿٣٤﴾ وَمَا
يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ
عَظِيمٖ ﴿٣٥﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ
بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ
وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا
لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ
تَعۡبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ ٱسۡتَكۡبَرُواْ فَٱلَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ
يُسَبِّحُونَ لَهُۥ بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَهُمۡ لَا يَسۡـَٔمُونَ۩ ﴿٣٨﴾

هرآیینه آنان‌که گفتند: پروردگار ما خداست باز قایم ماندند، فرو می‌آیند بر ایشان فرشتگان[1] که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال شوید به بهشتی که شما را وعده داده می‌شد. ﴿۳۰﴾ ما دوستان شما بودیم در زندگانی دنیا و در آخرت نیز و شما را است در اینجا آنچه بطلبد نفس شما و شما را است آنجا آنچه درخواست کنید. ﴿۳۱﴾ به طریق مهمانی از جانب خدای آمرزگار مهربان. ﴿۳۲﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار سخن از شخصی که دعوت کرد مردمان را به سوی خدا و کار شایسته کرد و گفت: هرآیینه من از مسلمانانم؟. ﴿۳۳﴾ و برابر نیست نیکی و بدی جواب بازده به خصلتی که آن بهتر است، پس ناگاه آن کس که میان تو و میان وی دشمنی است گویا که وی کارسازی خویشاوند شده است. ﴿۳۴﴾ و قرین کرده نمی‌شود به این خصلت مگر آنان‌که صبر کردند و قرین کرده نمی‌شود به این خصلت مگر صاحب نصیب بزرگ. ﴿۳۵﴾ و اگر بازگرداند تو را وسوسهٔ بازگرداننده از جانب شیطان، پس پناه طلب کن به خدا، هرآیینه خدا همون است شنوای دانا. ﴿۳۶﴾ و از نشانه‌های او است شب و روز و آفتاب و ماه سجده نکنید آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید خدای را که آفرید این چیزها را اگر او را فقط عبادت می‌کنید. ﴿۳۷﴾ پس اگر تکبّر کنند کافران چه باک، پس آنان‌که نزدیک پروردگار تواند به پاکی یاد می‌کنند او را شب و روز و ایشان مانده نمی‌شوند. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی نزدیک موت.

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا
عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡۚ إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاهَا لَمُحۡيِ
ٱلۡمَوۡتَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يُلۡحِدُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخۡفَوۡنَ عَلَيۡنَآۗ أَفَمَن يُلۡقَىٰ فِي
ٱلنَّارِ خَيۡرٌ أَم مَّن يَأۡتِيٓ ءَامِنٗا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ٱعۡمَلُواْ مَا
شِئۡتُمۡ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
بِٱلذِّكۡرِ لَمَّا جَآءَهُمۡۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٞ ﴿٤١﴾ لَّا يَأۡتِيهِ
ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ
حَكِيمٍ حَمِيدٖ ﴿٤٢﴾ مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدۡ قِيلَ لِلرُّسُلِ
مِن قَبۡلِكَۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٖ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٖ ﴿٤٣﴾
وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ
ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى
وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ
عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ ﴿٤٤﴾
وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَٱخۡتُلِفَ فِيهِۗ وَلَوۡلَا
كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ لَفِي شَكّٖ
مِّنۡهُ مُرِيبٖ ﴿٤٥﴾ مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ
أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

و از نشانه‌های او آن است که می‌بینی زمین را فرسوده،
پس وقتی که فرود آوردیم بر سر آن آب را به جنبش آمد
و بلند شد. هرآیینه آن که زنده کرده است زمین را البته
زنده کنندهٔ مردگان است هرآیینه او بر همه چیز توانا است.
﴿۳۹﴾ هرآیینه آنان‌که کج‌روی می‌کنند در آیات ما،
پوشیده نیستند از ما آیا کسی که انداخته شود در آتش بهتر
است یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت؟ بکنید هرچه
خواهید هرآیینه خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۴۰﴾
هرآیینه آنان‌که کافر شدند به قرآن وقتی که آمد بدیشان،
پوشیده نیستند از ما و به تحقیق آن کتابی است گرامی قدر.
﴿۴۱﴾ راه نمی‌یابد بدو باطل از پیش روی او و نه از پس
پشت او. فرستاده شده است از خدا دانای ستوده. ﴿۴۲﴾
[یا محمد] گفته نمی‌شود تو را مگر آنچه گفته شده بود
پیغامبران را پیش از تو هرآیینه پروردگار تو خداوند
آمرزش است و خداوندِ عقوبتِ درد دهنده است. ﴿۴۳﴾
و اگر می‌ساختیم این کتاب را قرآنی به زبان عجم، هرآیینه
می‌گفتند کافران عرب: چرا واضح کرده نشد آیات او را
آیا [قرآن] عجمی است و [مخاطب] عربی؟ بگو: قرآن
مسلمانان را هدایت و شفا است و آنان‌که ایمان ندارند در
گوش ایشان گرانی است و آن قرآن بر ایشان کوری است.
آن جماعت به مثل چنانند که آواز داده می‌شوند از جای
دور. ﴿۴۴﴾ و هرآیینه دادیم موسی را کتاب، پس اختلاف
کرده شد در آن و اگر نبودی کلمه‌ای که سابق صادر شد
از پروردگار تو، البته فیصل کرده شدی در میان ایشان و
هرآیینه ایشان در شک قوی‌اند از طرفِ قرآن. ﴿۴۵﴾ هر
که بکند کار نیک، پس نفع او راست و هر که بدکاری
کند پس وبال بر ویست و نیست پروردگار تو ستم کننده
بر بندگان. ﴿۴۶﴾

۞إِلَيۡهِ يُرَدُّ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِۚ وَمَا تَخۡرُجُ مِن ثَمَرَٰتٖ مِّنۡ أَكۡمَامِهَا وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ أَيۡنَ شُرَكَآءِي قَالُوٓاْ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٖ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَدۡعُونَ مِن قَبۡلُۖ وَظَنُّواْ مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٖ ﴿٤٨﴾ لَّا يَسۡـَٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ مِن دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٞ قَنُوطٞ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنۡ أَذَقۡنَٰهُ رَحۡمَةٗ مِّنَّا مِنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةٗ وَلَئِن رُّجِعۡتُ إِلَىٰ رَبِّيٓ إِنَّ لِي عِندَهُۥ لَلۡحُسۡنَىٰۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِمَا عَمِلُواْ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنۡ عَذَابٍ غَلِيظٖ ﴿٥٠﴾ وَإِذَآ أَنۡعَمۡنَا عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ أَعۡرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٖ ﴿٥١﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ مَنۡ أَضَلُّ مِمَّنۡ هُوَ فِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ﴿٥٢﴾ سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَ لَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَآ إِنَّهُمۡ فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآءِ رَبِّهِمۡۗ أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٖ مُّحِيطُۢ ﴿٥٤﴾

به سوی خدا حواله کرده می‌شود معرفت قیامت و بیرون نمی‌آید اجناس میوه‌ها از غلاف خود و در شکم بار نمی‌گیرد هیچ زنی و نمی‌نهد بار شکم را مگر بدآن است خدا و روزی که خدا آواز دهد ایشان را که کجااند آنان‌که شریک من مقرر می‌کردند؟ گویند: خبر دادیم تو را که نیست از ما هیچ کس اثبات کننده [شریکان]. ﴿۴۷﴾ و گم شدند از نظر ایشان آنچه می‌پرستیدند پیش از این و دانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی. ﴿۴۸﴾ مانده نمی‌شود آدمی از طلب خیر و اگر برسدش سختی پس ناامید طمع برنده است. ﴿۴۹﴾ و اگر بچشانیم او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی که رسیده باشد به وی، گوید که این برای من است(۱) و نمی‌پندارم که قیامت قایم شود و اگر به فرض بازگردانیده شود مرا به سوی پروردگار من، هرآیینه مرا نزدیک او حالت خوش باشد پس البته خبردار کنیم کافران را به آنچه می‌کردند و البته بچشانیم ایشان را از عقوبت سخت. ﴿۵۰﴾ و چون انعام کنیم بر آدمی روی بگرداند و دور شود به طرف خود رفته و چون برسدش بلایی، پس خداوندِ دعایِ بسیار است. ﴿۵۱﴾ بگو: آیا دیدید که اگر باشد قرآن از جانب خدا باز کافر شوید به آن کیست گمراه‌تر از شخصی که باشد در مخالفت دور از صواب. ﴿۵۲﴾ خواهیم نمود ایشان را نشانه‌های خود در اطراف عام و در نفس ایشان نیز تا آنکه واضح شود بر ایشان که این سخن راست است. آیا بس نیست پروردگار تو آنکه او بر هر چیز مطلع است؟. ﴿۵۳﴾ آگاه شو! هرآیینه ایشان در شبهه‌اند از طرف ملاقات پروردگار خویش. آگاه شو! هرآیینه خدا به هر چیز درگیرنده است. ﴿۵۴﴾

۱- یعنی خاطر جمع کند و خوف از دلِ او زائل شود، والله اعلم.

سُورَةُ الشُّورَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ عٓسٓقٓ ﴿٢﴾ كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِكَ ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٣﴾ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٤﴾ تَكَادُ
ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِن فَوۡقِهِنَّۚ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ
بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ
هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ
أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم بِوَكِيلٖ
﴿٦﴾ وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ قُرۡءَانًا عَرَبِيّٗا لِّتُنذِرَ أُمَّ
ٱلۡقُرَىٰ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَتُنذِرَ يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ لَا رَيۡبَ فِيهِۚ
فَرِيقٞ فِي ٱلۡجَنَّةِ وَفَرِيقٞ فِي ٱلسَّعِيرِ ﴿٧﴾ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ
لَجَعَلَهُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن يُدۡخِلُ مَن يَشَآءُ فِي
رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٨﴾ أَمِ
ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ وَهُوَ يُحۡيِ
ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٩﴾ وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ
مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ
تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ﴿١٠﴾

سوره شوری

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم. ﴿۱﴾ عسق. ﴿۲﴾ همچنین وحی می‌فرستد به سوی تو و به سوی آنان‌که پیش از تو بودند خدای غالب با حکمت. ﴿۳﴾ او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است و اوست بلند مرتبه بزرگ‌تر. ﴿۴﴾ نزدیک است که آسمان‌ها بشگافند از جانب بالای خود[1] و فرشتگان تسبیح می‌گویند همراه حمد پروردگار خویش و آمرزش طلب می‌کنند برای آنان‌که در زمینند آگاه شو! هرآیینه خدا اوست آمرزگار مهربان. ﴿۵﴾ و آنان‌که دوستان گرفتند بجز خدا، خدا نگهبان است بر ایشان و نیستی تو بر ایشان متعهد. ﴿۶﴾ و همچنین وحی فرستادیم به سوی تو قرآنی عربی تا بترسانی اهل مکّه را و آنان‌که گرداگرد آن هستند و بترسانی از روز قیامت هیچ شبهه نیست در آن گروهی در بهشت باشند و گروهی در دوزخ. ﴿۷﴾ و اگر خواستی خدا، گردانیدی ایشان را یک امت و لیکن درمی‌آرد هرکه را خواهد به رحمت خود و ستمکاران نیست ایشان را هیچ کارسازی و نه یاری دهنده. ﴿۸﴾ آیا دوستان گرفتند بجز خدا؟ پس خدا همونست کارساز و همون زنده می‌کند مردگان را و او بر هر چیز توانا است. ﴿۹﴾ و آنچه اختلاف کردید در آن، هرچه باشد پس فیصل کردن به او حواله به خدا است. این است خدا پروردگار من برو توکّل کردم و به سوی او رجوع می‌کنم. ﴿۱۰﴾

۱- یعنی از هیبت الهی، والله اعلم.

فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ
أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ
كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُۥ مَقَالِيدُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ
إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿١٢﴾ ۞شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ
مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا
بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا
تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ
ٱللَّهُ يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ ﴿١٣﴾
وَمَا تَفَرَّقُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا
بَيۡنَهُمۡۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةٞ سَبَقَتۡ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى
لَّقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡ
لَفِي شَكّٖ مِّنۡهُ مُرِيبٖ ﴿١٤﴾ فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ
كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ
ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا
وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ
بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٥﴾

آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین است پیدا کرد برای شما از جنس شما زنان را و پیدا کرد از جنس چهارپایان اقسام چند پراکنده می‌کند شما را به این تدبیر نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا. ﴿۱۱﴾ او راست کلیدهای آسمان‌ها و زمین. گشاده می‌کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌کند برای هر که خواهد هرآیینه او به هر چیز دانا است. ﴿۱۲﴾ مقرر کرد برای شما از آیین، آنچه امر کرده بود به اقامهٔ آن نوح را و آنچه وحی فرستادیم به سوی تو و آنچه امر کردیم به اقامهٔ آن ابراهیم و موسی و عیسی را [به این مضمون] که قائم کنید دین را و متفرق مشوید در آن. دشوار آمد بر مشرکان آنچه می‌خوانی ایشان را به آن. خدا برمی‌گزیند به سوی خود هرکه را خواهد و راه می‌نماید به سوی خود هر که را رجوع می‌کند[۱]. ﴿۱۳﴾ و پراکنده نشدند امت‌ها مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش پراکنده شدند از روی حسد در میان خود و اگر نبودی سخنی که سابقا صادر شد از پروردگار تو مهلت داده شود تا از زمانی معین فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هرآیینه آنان‌که داده شد ایشان را کتاب بعد از انبیا، در شبههٔ قوی‌اند از دین. ﴿۱۴﴾ پس به سوی این دین دعوت کن و قائم باش به حسب آنکه فرموده شد تو را و پیروی مکن خواهش کافران را و بگو: ایمان آوردم به آنچه فرود آورد خدا هر کتاب که هست و فرموده شد مرا که انصاف کنم میان شما. خدا پروردگار ماست و پروردگار شما است ما را عمل‌های ما است و شما را عمل‌های شما است. گفتگو نیست میان ما و میان شما[۲]. خدا جمع کند میان ما و میان شما و به سوی اوست بازگشت. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی به سوی حق. حاصل آن است که انبیاعلیهم السلام در اصولِ دین، متفق‌اند و اختلافِ شرائع در فروع است و بس، والله اعلم.

۲- یعنی روز قیامت.

وَٱلَّذِينَ يُحَآجُّونَ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مَا ٱسۡتُجِيبَ لَهُۥ
حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَعَلَيۡهِمۡ غَضَبٞ وَلَهُمۡ
عَذَابٞ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ
وَٱلۡمِيزَانَۗ وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٞ ﴿١٧﴾
يَسۡتَعۡجِلُ بِهَا ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِهَاۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا وَيَعۡلَمُونَ أَنَّهَا ٱلۡحَقُّۗ أَلَآ إِنَّ ٱلَّذِينَ
يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ لَفِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾ ٱللَّهُ لَطِيفُۢ
بِعِبَادِهِۦ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡقَوِيُّ ٱلۡعَزِيزُ ﴿١٩﴾ مَن
كَانَ يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ نَزِدۡ لَهُۥ فِي حَرۡثِهِۦۖ وَمَن كَانَ
يُرِيدُ حَرۡثَ ٱلدُّنۡيَا نُؤۡتِهِۦ مِنۡهَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِن
نَّصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا
لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ
وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢١﴾ تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ
مُشۡفِقِينَ مِمَّا كَسَبُواْ وَهُوَ وَاقِعُۢ بِهِمۡۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم مَّا
يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

و آنان‌که گفتگو می‌کنند در دین خدا بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او[1]، مکابرهٔ ایشان باطل است نزدیک پروردگار ایشان و بر ایشان است خشم و ایشان راست عذاب سخت. ﴿۱۶﴾ خدا آن است که فرود آورد کتاب را به راستی و ترازو را نیز و چه چیز مطلع ساخت تو را بر حقیقت امر شاید که آمدن قیامت قریب باشد. ﴿۱۷﴾ زود طلب می‌کنند قیامت را آنان‌که ایمان ندارند به آن و آنان‌که باور داشته‌اند ترسانند از آن و می‌دانند که آن راست است آگاه شو! هرآیینه آنان‌که مکابره می‌کنند در آمدن قیامت هرآیینه در گمراهی دوراند. ﴿۱۸﴾ خدا مهربان است بر بندگان خود روزی می‌دهد هر که را خواهد و اوست توانای غالب. ﴿۱۹﴾ هر که خواسته باشد کشت آخرت، بیفزاییم برای او در کشت او و هر که خواسته باشد کشت دنیا، بدهیم او را بعض دنیا و نیست او را در آخرت هیچ نصیب. ﴿۲۰﴾ آیا کافران را شریکان هستند که مقرر کردند برای ایشان از دین آنچه نفرموده است آن را خدا؟ و اگر نبودی وعدهٔ فیصل کردن البته فیصل کرده می‌شد میان ایشان و هرآیینه ستمکاران ایشان راست عذاب درد دهنده. ﴿۲۱﴾ بینی ستمکاران را ترسان از جزای آنچه به عمل آورده‌اند و آن البته رسنده است به ایشان و آنان‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در سبزه‌زار بوستان‌ها باشند، ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیک پروردگار خویش این است فضل بزرگ. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی جمعی در اسلام داخل شدند، والله اعلم.

ذَٰلِكَ ٱلَّذِى يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِۗ قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ
فِى ٱلۡقُرۡبَىٰۗ وَمَن يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةً نَّزِدۡ لَهُۥ فِيهَا حُسۡنًاۚ
إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ
كَذِبًاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ
ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ
وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ ﴿٢٥﴾
وَيَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۚ وَٱلۡكَٰفِرُونَ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞ
﴿٢٦﴾ ۞وَلَوۡ بَسَطَ ٱللَّهُ ٱلرِّزۡقَ لِعِبَادِهِۦ لَبَغَوۡاْ فِى ٱلۡأَرۡضِ
وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ مَّا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرُۢ
بَصِيرٞ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ مِنۢ بَعۡدِ مَا قَنَطُواْ
وَيَنشُرُ رَحۡمَتَهُۥۚ وَهُوَ ٱلۡوَلِىُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ
خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَآبَّةٖۚ وَهُوَ
عَلَىٰ جَمۡعِهِمۡ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٞ ﴿٢٩﴾ وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن
مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ﴿٣٠﴾
وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِى ٱلۡأَرۡضِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ
ٱللَّهِ مِن وَلِىّٖ وَلَا نَصِيرٖ ﴿٣١﴾

این آن ثواب است که مژده می‌دهد خدا آن بندگان خود را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند. بگو: نمی‌طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی در میان خویشاوندان[1] و هر که بکند نیکی بیفزاییم برای او در آن نیکی حسن را. هرآیینه خدا آمرزگار قدرشناس است. ﴿۲۳﴾ آیا می‌گویند: پیغامبر افترا کرده است بر خدا دروغ را؟ پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دل تو و نابود می‌سازد خدا بیهوده را و اثبات می‌کند دین درست را به سخن‌های خود، هرآیینه خدا داناست به آنچه در سینه‌هاست. ﴿۲۴﴾ و اوست آنکه قبول می‌کند توبه را از بندگان خود و در می‌گذرد از جرم‌ها و می‌داند آنچه می‌کنید. ﴿۲۵﴾ و قبول می‌کند دعای آنان‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و زیاده می‌دهد ایشان را از فضل خود و کافران ایشان راست عذاب سخت. ﴿۲۶﴾ و اگر فراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود البته فساد می‌کردند در زمین و لیکن فرود می‌آرد به آندازه آنچه خواهد هرآیینه خدا بر بندگان خود دانای بیناست. ﴿۲۷﴾ و اوست آنکه فرود می‌آرد باران بعد از آنکه ناامید شدند و پراکنده می‌سازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده کار. ﴿۲۸﴾ و از نشانه‌های او آفریدن آسمان‌ها و زمین است و آفریدن آنچه پراکنده کرده است در میان این هر دو از جانوران و او بر به هم آوردن ایشان وقتی که خواهد تواناست. ﴿۲۹﴾ و هرچه برسد به شما از مصیبت‌ها، پس به سبب گناهی است که به عمل آورد دست‌های شما و در می‌گذرد از بسیاری. ﴿۳۰﴾ و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نیست شما را بجز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده. ﴿۳۱﴾

۱- یعنی با من صله رحم کنید و ایذا نراسانید.

مِنْ ءَايَٰتِهِ ٱلْجَوَارِ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ ﴿٣٢﴾ إِن يَشَأْ
يُسْكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى
ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا
كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ
فِىٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن
شَىْءٍ فَمَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱلَّذِينَ
يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟
هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟
ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ
يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ
﴿٣٩﴾ وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ
فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ
ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ
﴿٤١﴾ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ
فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾
وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿٤٣﴾
وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَتَرَى
ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن
سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

و از نشانه‌های او کشتی‌ها است در دریا مانند کوه‌ها. ﴿۳۲﴾ اگر خواهد بازدارد باد را، پس ایستاده شود کشتی‌ها بر پشت دریا. هرآیینه در این مقدمه نشانه‌ها است هر صبر کنندهٔ شکرگذارنده را. ﴿۳۳﴾ یا اگر خواهد هلاک کند اهل کشتی‌ها را به سبب آنچه کردند و در می‌گذراند از تقصیرات بسیار تا انتقام کشد. ﴿۳۴﴾ تا بداند آنان‌که خصومت می‌کنند در آیات ما که نیست ایشان را هیچ مخلصی. ﴿۳۵﴾ پس آنچه داده شد شما را از هر جنس که باشد، پس اندک بهره‌ای است از زندگانی دنیا و آنچه نزدیک خدا است، بهتر است و پاینده‌تر است برای آنان‌که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. ﴿۳۶﴾ و برای آنان‌که پرهیز می‌کنند از گناهان کبیره و از بی‌حیایی‌ها و چون بخشم می‌آیند ایشان می‌آمرزند. ﴿۳۷﴾ و آنان‌که قبول کردند فرمان پروردگار خود را و برپا داشتند نماز را و کار ایشان از سر مشورت باشد با یکدیگر و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج می‌کنند. ﴿۳۸﴾ و آنان‌که چون برسد بدیشان تعدی ایشان انتقام می‌کشند[1]. ﴿۳۹﴾ و سزای بدی، بدی است مانند آن. پس هر که درگذرد و قضیه راه باصلاح آرد، پس مزد او بر خدا است، هرآیینه خدا دوست نمی‌دارد ظالمان را. ﴿۴۰﴾ و هرآیینه کسی که انتقام کشد بعدِ مظلوم شدن خود، پس آن جماعت نیست بر ایشان هیچ راه ملامت. ﴿۴۱﴾ جز این نیست که راه ملامت بر آن جماعت است که ظلم می‌کنند بر مردمان و فساد می‌طلبند در زمین، ناحق آن جماعت ایشان را است عذاب درد دهنده. ﴿۴۲﴾ و هر که صبر کند و بیامرزد هرآیینه این صفت[2] از کارهای مقصود است. ﴿۴۳﴾ و هر که را گمراه کند خدا، پس نیست او را هیچ کارسازی بعد از وی و ببینی که ستمکاران چون معاینه کنند عذاب را، گویند: آیا هست به سوی بازگشتن هیچ راهی؟. ﴿۴۴﴾

۱- مترجم گوید: یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی کند، بزرگانِ قبیله متفق شوند و انتقام کشند، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: مغفرت در حق خود عزیمت است و انتقام رخصت و در حقِ ضعفای قوم، انتقام لازم است، مگر آن که ضعفا درگذارند، والله اعلم.

وَتَرَىٰهُمۡ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ
مِن طَرۡفٍ خَفِيٍّۗ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ
ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَآ إِنَّ
ٱلظَّٰلِمِينَ فِي عَذَابٖ مُّقِيمٖ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنۡ
أَوۡلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ
فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ ٱسۡتَجِيبُواْ لِرَبِّكُم مِّن قَبۡلِ
أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۚ مَا لَكُم مِّن مَّلۡجَإٖ
يَوۡمَئِذٖ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٖ ﴿٤٧﴾ فَإِنۡ أَعۡرَضُواْ فَمَآ
أَرۡسَلۡنَٰكَ عَلَيۡهِمۡ حَفِيظًاۖ إِنۡ عَلَيۡكَ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُۗ وَإِنَّآ
إِذَآ أَذَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِنَّا رَحۡمَةٗ فَرِحَ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ
سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ فَإِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ كَفُورٞ ﴿٤٨﴾
لِّلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ
لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوۡ
يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ
عَلِيمٞ قَدِيرٞ ﴿٥٠﴾ ۞وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا
وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ أَوۡ يُرۡسِلَ رَسُولٗا فَيُوحِيَ
بِإِذۡنِهِۦ مَا يَشَآءُۚ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٞ ﴿٥١﴾

و ببینی که ایشان را پیش آورده شود نزدیک دوزخ متواضع شده از خواری می‌نگرند به گوشهٔ چشم و نیم گشاده و گفتند اهل ایمان: هرآیینه زیانکاران آنانند که در زیان دادند خویشتن را و خویشاوندان خود را روز قیامت. آگاه شو! هرآیینه ستمکاران در عذاب دایم باشند. ﴿۴۵﴾ و نباشد ایشان را کار سازان که نصرت دهند ایشان را بجز خدا و هر که را گمراه کند خدا نیست او را هیچ راهی. ﴿۴۶﴾ فرمان قبول کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که بازگشت نیست آن را از جانب خدا، نیست شما را هیچ پناهی آن روز و نیست برای شما هیچ بازخواست کننده. ﴿۴۷﴾ پس اگر روی بگردانند، پس نفرستادیم تو را بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر پیغام رسانیدن و هرآیینه ما چون بچشانیم آدمی را از جانب خود رحمتی شادمان شود به آن و اگر برسد به آدمیان مصیبتی به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان، پس آدمی ناسپاس دارنده است. ﴿۴۸﴾ خدا را است پادشاهی آسمان‌ها و زمین. می‌آفریند هرچه خواهد عطا می‌کند دختران هر که را خواهد و عطا می‌کند پسران هر که را خواهد. ﴿۴۹﴾ یا جمع کند برای ایشان پسران و دختران و می‌سازد هر که را خواهد نازاینده. هرآیینه او دانای تواناست. ﴿۵۰﴾ و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با او خدا، مگر به اشارت یا از پس پرده یا بفرستد فرشته را، پس نازل کند به حکم خدا آنچه خدا خواسته است. هرآیینه خدا بلند مرتبهٔ با حکمت است[1]. ﴿۵۱﴾

۱- مترجم گوید: اشارت، عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در خاطر به طریق الهام و از پسِ پرده عبارت از آن است که آواز شنود و کسی را نبیند قسم ثالث آن است که فرشته به صورت آدمی متمثل شود و سخن گوید، والله اعلم.

وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٥٢﴾ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ ﴿٥٣﴾

و همچنین وحی فرستادیم به سوی تو قرآن را از کلام خود نمی‌دانستی که چیست کتاب و نمی‌دانستی که چیست ایمان و لیکن ساخته‌ایم وحی را روشنی، راه می‌نماییم به آن هر که را خواهیم از بندگان خویش و هرآیینه تو هدایت می‌کنی به سوی راه راست. ﴿۵۲﴾ راه خدا که او راست آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است آگاه شو! به سوی خدا باز می‌روند کارها. ﴿۵۳﴾

سُورَةُ الزُّخۡرُفِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُۥ فِيٓ أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ لَدَيۡنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ صَفۡحًا أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمۡ أَرۡسَلۡنَا مِن نَّبِيّٖ فِي ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأۡتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٧﴾ فَأَهۡلَكۡنَآ أَشَدَّ مِنۡهُم بَطۡشٗا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٩﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا وَجَعَلَ لَكُمۡ فِيهَا سُبُلٗا لَّعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ﴿١٠﴾

سوره زخرف

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم. ﴿۱﴾ قسم به کتاب واضح! . ﴿۲﴾ که هرآیینه ما ساختیم این کتاب را کلام عربی، بود که شما بفهمید. ﴿۳﴾ و هرآیینه این کتاب ثبت است در لوح محفوظ نزدیک ما، هرآیینه این کتاب بلند قدر با حکمت است[۱]. ﴿۴﴾ آیا باز داریم از شما پند را اعراض کرده، برای آنکه هستید گروهی از حد رفته. ﴿۵﴾ و بسیار فرستادیم پیغامبران را در پیشینان. ﴿۶﴾ و نمی‌آید به ایشان هیچ پیغامبری الاّ به او استهزاء می‌کردند. ﴿۷﴾ پس هلاک کردیم سخت‌تر از قریش را[۲] به اعتبار دست‌درازی و مذکور شد داستان نخستیان. ﴿۸﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان که چه کس بیافرید آسمان‌ها و زمین را؟ البته گویند: بیافرید آنها را خدای غالب دانا. ﴿۹﴾ وی آن است که ساخت برای شما زمین را بساطی و ساخت برای شما در زمین راه‌ها بود که شما راه یابید. ﴿۱۰﴾

۱- مترجم گوید: قسم خوردن به چیزی برای اثبات همان چیز، یا لازم آن چیز کنایت است به آنکه آن چیز خود دلیل خود است، چنانکه گویند: «قسم به لب میگون تو و زلفِ شبگونِ تو که تو معشوقِ دلربایی»، والله اعلم.

۲- یعنی عاد وثمود که از قریش قوی‌تر بودند.

وَٱلَّذِي نَزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءَۢ بِقَدَرٖ فَأَنشَرۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ
مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ ﴿١١﴾ وَٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا
وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡفُلۡكِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مَا تَرۡكَبُونَ ﴿١٢﴾
لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا
ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا
وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ﴿١٤﴾
وَجَعَلُواْ لَهُۥ مِنۡ عِبَادِهِۦ جُزۡءًاۚ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَكَفُورٞ
مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمِ ٱتَّخَذَ مِمَّا يَخۡلُقُ بَنَاتٖ وَأَصۡفَىٰكُم
بِٱلۡبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحۡمَٰنِ
مَثَلٗا ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوَمَن
يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ﴿١٨﴾
وَجَعَلُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ ٱلَّذِينَ هُمۡ عِبَٰدُ ٱلرَّحۡمَٰنِ إِنَٰثًاۚ
أَشَهِدُواْ خَلۡقَهُمۡۚ سَتُكۡتَبُ شَهَٰدَتُهُمۡ وَيُسۡـَٔلُونَ ﴿١٩﴾
وَقَالُواْ لَوۡ شَآءَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مَا عَبَدۡنَٰهُمۗ مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ
مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ إِلَّا يَخۡرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ
كِتَٰبٗا مِّن قَبۡلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسۡتَمۡسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلۡ قَالُوٓاْ
إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهۡتَدُونَ
﴿٢٢﴾

و وی آن است که فرود آورد از آسمان آبی به آندازه پس زنده کردیم به آن شهر مرده را. همچنین برآورده خواهید شد[1]. ﴿۱۱﴾ و وی آن است که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن و ساخت برای شما کشتی‌ها و از چهارپایان چیزی را که بر آن سوار شوید. ﴿۱۲﴾ تا راست بنشینید بر پشت مرکوب. باز یاد کنید نعمت پروردگار خود را وقتی که راست نشستید بر آن و بگویید: پاکی خدای را که مسخر ساخت برای ما این مرکوب و هرگز نبودیم بر آن توانا. ﴿۱۳﴾ و هرآیینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع خواهیم کرد. ﴿۱۴﴾ و مقرر کردند برای خدا از بندگان او اولاد را، هرآیینه آدمی ناسپاس ظاهر است. ﴿۱۵﴾ آیا فرا گرفت خدا از مخلوقات خود دختران را و برگزیده است شما را بر پسران؟. ﴿۱۶﴾ و چون خبر داده شود یکی از ایشان به تولد آنچه مثل ساخته برای خدا[2]، روی او سیاه گردد و او پر از غم باشد. ﴿۱۷﴾ آیا آن را که پرورده می‌شود در زیور و او در صفت خصومت ظاهر نمی‌گردد، برای خدا ثابت کرده‌اند؟. ﴿۱۸﴾ و دختر مقرر کردند فرشتگان را که بندگان خدایند. آیا حاضر بودند نزدیک آفرینش ایشان؟ نوشته خواهد شد این گواهی ایشان و پرسیده خواهند شد. ﴿۱۹﴾ و گفتند [کافران]: اگر خواستی خدای، پرستش نمی‌کردیم این فرشتگان را. نیست ایشان را به این مقدمه دانش. نیستند ایشان مگر دروغگوی. ﴿۲۰﴾ آیا داده‌ایم ایشان را کتابی پیش از قرآن، پس ایشان به آن کتاب چنگ زده‌اند. ﴿۲۱﴾ [نی! نی!] بلکه گفتند: هرآیینه ما یافتیم پدران خود را بر دینی و هرآیینه ما بر پی ایشان راه یافتگانیم. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی از قبور.

۲- یعنی به تولد دختری، والله اعلم.

وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا
قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ
ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ﴿٢٣﴾ ۞قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ
مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم
بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ
إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ ﴿٢٦﴾ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ
سَيَهۡدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ فِي عَقِبِهِۦ لَعَلَّهُمۡ
يَرۡجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلۡ مَتَّعۡتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمۡ حَتَّىٰ
جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ وَرَسُولٞ مُّبِينٞ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلۡحَقُّ
قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ وَإِنَّا بِهِۦ كَٰفِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُواْ لَوۡلَا
نُزِّلَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ عَلَىٰ رَجُلٖ مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ عَظِيمٍ
﴿٣١﴾ أَهُمۡ يَقۡسِمُونَ رَحۡمَتَ رَبِّكَۚ نَحۡنُ قَسَمۡنَا بَيۡنَهُم
مَّعِيشَتَهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَرَفَعۡنَا بَعۡضَهُمۡ فَوۡقَ
بَعۡضٖ دَرَجَٰتٖ لِّيَتَّخِذَ بَعۡضُهُم بَعۡضٗا سُخۡرِيّٗاۗ
وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوۡلَآ أَن
يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ لَّجَعَلۡنَا لِمَن يَكۡفُرُ
بِٱلرَّحۡمَٰنِ لِبُيُوتِهِمۡ سُقُفٗا مِّن فِضَّةٖ وَمَعَارِجَ عَلَيۡهَا
يَظۡهَرُونَ ﴿٣٣﴾

و همچنین نفرستادیم پیش از تو در هیچ دیهی ترساننده را مگر گفتند منعمان آن ده: هرآیینه ما یافتیم پدران خود را بر دینی و هرآیینه ما بر پی ایشان متابعت کنندگانیم. ﴿۲۳﴾ گفت [پیغامبر]: آیا بر متابعت پدران مقرر می‌نمایید اگرچه آورده‌ام به شما دینی که زیاده‌تر راه نماینده است از آنچه که بر آن یافتید پدران خود را، گفتند: هرآیینه ما به آنچه فرستاده شد شما را همراه آن، نامعتقدیم. ﴿۲۴﴾ پس انتقام کشیدیم از ایشان، پس در نگر چگونه بود عاقبت دروغ‌دارندگان. ﴿۲۵﴾ و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود را و قوم خود را: هرآیینه من بی‌تعلقم از آنچه شما پرستش می‌کنید. ﴿۲۶﴾ الاّ آن کسی که بیافرید مرا، پس هرآیینه او هدایت خواهد کرد مرا. ﴿۲۷﴾ و ساخت خدای تعالی کلمهٔ توحید را سخنی باقی مانده در فرزندان او تا بود که کافران رجوع کنند[1]. ﴿۲۸﴾ بلکه بهره‌مند ساختیم ایشان را و پدران ایشان را تا وقتی که آمد بدیشان دین راست و پیغامبر ظاهر. ﴿۲۹﴾ و آنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند: این جادو است و هرآیینه ما بدان نامعتقدانیم. ﴿۳۰﴾ و گفتند: چرا نه فروفرستاده شد این قرآن بر مردی بزرگ از اهل این دو ده؟![2]. ﴿۳۱﴾ آیا ایشان قسمت می‌کنند رحمت پروردگار تو را. ما قسمت کرده‌ایم در میان ایشان گذران ایشان را در زندگانی دنیا و بلند مرتبه ساختیم بعض ایشان را بر بعض تا سخره گیرد بعض ایشان بعضی را[3] و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع می‌کنند. ﴿۳۲﴾ و اگر نه احتمال آن بود که می‌شدند مردمان همه یک گروه، البته می‌ساختیم برای کسی که نامعتقد است به خدا، برای خانه‌های ایشان سقف‌ها از نقره و نردبان‌ها نیز که بر آن بالا برآیند. ﴿۳۳﴾

۱- یعنی انبیا و اولیا در اولاد حضرت ابراهیم، علیه السلام، پیدا شدند.

۲- یعنی یکی از متموّلانِ مکه و طائف، والله اعلم.

۳- یعنی به چشم حقارت نگرد، والله اعلم.

وَلِبُيُوتِهِمۡ أَبۡوَٰبٗا وَسُرُرًا عَلَيۡهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخۡرُفٗاۚ
وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۚ وَٱلۡأٓخِرَةُ عِندَ
رَبِّكَ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾ وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ
نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمۡ
لَيَصُدُّونَهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ
﴿٣٧﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَنَا قَالَ يَٰلَيۡتَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ بُعۡدَ
ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلۡيَوۡمَ
إِذ ظَّلَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾ أَفَأَنتَ
تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ أَوۡ تَهۡدِي ٱلۡعُمۡيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٖ
مُّبِينٖ ﴿٤٠﴾ فَإِمَّا نَذۡهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنۡهُم مُّنتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوۡ
نُرِيَنَّكَ ٱلَّذِي وَعَدۡنَٰهُمۡ فَإِنَّا عَلَيۡهِم مُّقۡتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾
فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ
مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ وَسَوۡفَ
تُسۡـَٔلُونَ ﴿٤٤﴾ وَسۡـَٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ
أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدۡ
أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَقَالَ إِنِّي
رَسُولُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٦﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِـَٔايَٰتِنَآ إِذَا هُم
مِّنۡهَا يَضۡحَكُونَ ﴿٤٧﴾

و برای خانه‌های ایشان دروازه‌ها نیز از نقره و تخت‌ها که بر آن تکیه زده بنشینند. ﴿۳۴﴾ و می‌ساختیم تجمل بسیار و نیست همهٔ این مگر اندک بهره‌مندی زندگانی دنیا و آخرت نزدیک پروردگار تو متقیان راست. ﴿۳۵﴾ و هر که غافل شود از یاد خدا، بر گماریم برای او شیطانی پس آن شیطان او را همنشین بُوَد. ﴿۳۶﴾ و هرآیینه شیاطین بازمی‌دارند آدمیان را از راه و آدمیان می‌پندارند که ایشان راه یافتگانند. ﴿۳۷﴾ تا آن وقت که آدمی بیاید پیش ما، گوید [با شیطان خود]: ای کاش در میان من و در میان تو مسافت مشرق و مغرب بودی پس بد همنشینی تو. ﴿۳۸﴾ و [گوییم]: سود ندهد شما را امروز از بس که ستم کرده‌اید آنکه شما در عذاب باهم شریک باشید. ﴿۳۹﴾ [یا محمد] آیا تو می‌توانی شنوانید کرآن را یا راه می‌توانی نمود کوران را و آن کس را که در گمراهی ظاهر است؟. ﴿۴۰﴾ پس اگر از این عالم ببریم تو را، پس البته ما از این جماعت انتقام کشندگانیم. ﴿۴۱﴾ یا این است که بنماییم تو را آنچه وعده دادیم به ایشان، پس هرآیینه ما بر ایشان تواناییم. ﴿۴۲﴾ پس چنگ زن به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو هرآیینه تو بر راه راستی. ﴿۴۳﴾ و هرآیینه قرآن پند است تو را و قوم تو را و شما سؤال کرده خواهید شد. ﴿۴۴﴾ و بپرس احوال آنان که فرستاده بودیم پیش از تو از پیغامبران خود. آیا ساخته بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنها را؟. ﴿۴۵﴾ و هرآیینه فرستادیم موسی را با نشانه‌های خود به سوی فرعون و اشراف قوم او، پس گفت: هرآیینه من پیغامبر پروردگار عالم‌هایم. ﴿۴۶﴾ پس آن هنگام که آمد بدیشان با نشانه‌های ما، ناگهان ایشان از آن نشانه‌ها می‌خندیدند. ﴿۴۷﴾

وَمَا نُرِيهِم مِّنۡ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكۡبَرُ مِنۡ أُخۡتِهَاۖ
وَأَخَذۡنَٰهُم بِٱلۡعَذَابِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُواْ يَٰٓأَيُّهَ
ٱلسَّاحِرُ ٱدۡعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا
لَمُهۡتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابَ إِذَا هُمۡ
يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَىٰ فِرۡعَوۡنُ فِي قَوۡمِهِۦ قَالَ يَٰقَوۡمِ
أَلَيۡسَ لِي مُلۡكُ مِصۡرَ وَهَٰذِهِ ٱلۡأَنۡهَٰرُ تَجۡرِي مِن تَحۡتِيٓۚ
أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ﴿٥١﴾ أَمۡ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡ هَٰذَا ٱلَّذِي هُوَ
مَهِينٞ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾ فَلَوۡلَآ أُلۡقِيَ عَلَيۡهِ أَسۡوِرَةٞ
مِّن ذَهَبٍ أَوۡ جَآءَ مَعَهُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ مُقۡتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾
فَٱسۡتَخَفَّ قَوۡمَهُۥ فَأَطَاعُوهُۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ
﴿٥٤﴾ فَلَمَّآ ءَاسَفُونَا ٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡ فَأَغۡرَقۡنَٰهُمۡ أَجۡمَعِينَ
﴿٥٥﴾ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ سَلَفٗا وَمَثَلٗا لِّلۡأٓخِرِينَ ﴿٥٦﴾ ۞وَلَمَّا
ضُرِبَ ٱبۡنُ مَرۡيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوۡمُكَ مِنۡهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾
وَقَالُوٓاْ ءَأَٰلِهَتُنَا خَيۡرٌ أَمۡ هُوَۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلَۢاۚ
بَلۡ هُمۡ قَوۡمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنۡ هُوَ إِلَّا عَبۡدٌ أَنۡعَمۡنَا
عَلَيۡهِ وَجَعَلۡنَٰهُ مَثَلٗا لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ وَلَوۡ نَشَآءُ
لَجَعَلۡنَا مِنكُم مَّلَٰٓئِكَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَخۡلُفُونَ ﴿٦٠﴾

و نمی‌نمودیم به ایشان هیچ نشانه‌ای مگر وی بزرگتر بود از قرین خود و گرفتار کردیم ایشان را به عقوبت بود که ایشان رجوع کنند. ﴿۴۸﴾ و گفتند: ای جادوگر دعا کن برای ما به جناب پروردگار خود به آن اسماء که وحی کرده است نزدیک تو هرآیینه ما راه یافتگانیم[1]. ﴿۴۹﴾ پس آن هنگام که دور کردیم از ایشان عقوبت را ناگهان ایشان عهد می‌شکنند. ﴿۵۰﴾ و آواز داد فرعون در میان قوم خود گفت: ای قوم من! آیا نیست به دست من پادشاهی مصر و این جوی‌ها می‌رود زیر کوشک من آیا نمی‌بینید؟. ﴿۵۱﴾ نی! بلکه من بهترم از این شخص که وی خوار است و نزدیک نیست که سخن واضح گوید[2]. ﴿۵۲﴾ پس چرا نَفرود آورده شد بر این شخص دستوان‌ها از زر یا چرا نیامد همراه او فرشتگان مجتمع شده؟. ﴿۵۳﴾ پس بی‌عقل کرد قوم خود را، پس قبول کردند فرمان او را، هرآیینه ایشان بودند گروه فاسق. ﴿۵۴﴾ پس آن هنگام که به خشم آوردند ما را انتقام کشیدیم از ایشان، پس غرق ساختیم همه ایشان را یکجا. ﴿۵۵﴾ پس ساختیم ایشان را پیش رو و داستانی پسینیان را. ﴿۵۶﴾ و آنگاه[3] که داستانی زده شد به پسر مریم، ناگاه قوم تو از این داستانی به خوش وقتی آواز بلند می‌کنند. ﴿۵۷﴾ و گفتند: آیا معبودان ما بهتراند یا عیسی؟ این حرف نزدند با تو مگر به مکابره، بلکه ایشان قومی خصومت کننده‌اند. ﴿۵۸﴾ نیست عیسی مگر بنده‌ای که انعام کرده‌ایم بر وی و ساختیم او را نشانه‌ای برای بنی اسراییل. ﴿۵۹﴾ و اگر می‌خواستیم، البته کردمی که بدل شما فرشتگان در زمین خلیفه شوند. ﴿۶۰﴾

۱- یعنی مسلمان شویم.

۲- یعنی در زبان حضرت موسی ﷺ لکنت بود، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: بر این مسأله که هیچ کس غیر خدای تعالی معبود نیست، مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسی را می‌پرستند و اگر وی نیز معبود نبود ما را ضی شدیم که اله ما با عیسی باشند گمان کردند که به حجتِ غالب آمدند. خدای تعالی کشف شبهه فرمود، والله اعلم.

وَإِنَّهُۥ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَٱتَّبِعُونِۚ هَٰذَا
صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُۖ إِنَّهُۥ
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَآءَ عِيسَىٰ بِٱلْبَيِّنَٰتِ
قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِٱلْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ
ٱلَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِۖ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ
هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَٱعْبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾
فَٱخْتَلَفَ ٱلْأَحْزَابُ مِنۢ بَيْنِهِمْۖ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا۟
مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ
أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ ٱلْأَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۭ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يَٰعِبَادِ لَا
خَوْفٌ عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُوا۟ مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ أَنتُمْ
وَأَزْوَٰجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ
مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍۖ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ ٱلْأَنفُسُ وَتَلَذُّ
ٱلْأَعْيُنُۖ وَأَنتُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ ٱلْجَنَّةُ ٱلَّتِىٓ
أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ
كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

و هرآیینه عیسی نشانه‌ای است قیامت را، پس شبهه مکنید
در قیامت و [بگو: یا محمد] پیروی من کنید این است راه
راست. ﴿۶۱﴾ و باز ندارد شما را شیطان، هرآیینه او در
حق شما دشمن ظاهر است. ﴿۶۲﴾ و آنگاه که آمد عیسی
با معجزه‌ها گفت: آورده‌ام به شما حکمت را و آمده‌ام تا
بیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف می‌کنید در آن.
پس بترسید از خدا و فرمان من برید. ﴿۶۳﴾ هرآیینه خدا
پروردگار من و پروردگار شما است پس پرستید او را این
است راه راست. ﴿۶۴﴾ پس اختلاف کردند جماعت‌ها در
میان خویش، پس وای آنان را که ستم کردند از عقوبت
روز درد دهنده. ﴿۶۵﴾ آیا انتظار نمی‌کنند مگر قیامت را
که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان خبردار نباشند. ﴿۶۶﴾
دوستان آن روز بعض ایشان با بعض دشمن باشند مگر
پرهیزگاران گفته شود. ﴿۶۷﴾ گفته شود: ای بندگان من!
نیست هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اندوهگین شوید.
﴿۶۸﴾ آن بندگان من که ایمان آوردند به آیت‌های ما و
مسلمان بودند. ﴿۶۹﴾ گفته شود: درآیید به بهشت شما و
زنان شما خوشحال ساخته. ﴿۷۰﴾ گردانیده شود بر ایشان
کاسه‌های پهن‌دار از زر و کوزه‌ها نیز و در بهشت باشد
آنچه خواهش کند نفس و لذّت گیرد از دیدن او چشم‌ها و
شما اینجا جاویدان باشید. ﴿۷۱﴾ و این، آن بهشت است
که عطا کرده شد شما را به سبب آنچه عمل می‌کردید.
﴿۷۲﴾ شما راست اینجا میوهٔ بسیار که از آن می‌خورید.
﴿۷۳﴾

إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى عَذَابِ جَهَنَّمَ خَٰلِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفَتَّرُ
عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن
كَانُوا۟ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا۟ يَٰمَٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا
رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْنَٰكُم بِٱلْحَقِّ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوٓا۟
أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ
سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ
إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْعَٰبِدِينَ ﴿٨١﴾ سُبْحَٰنَ
رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ
﴿٨٢﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا۟ وَيَلْعَبُوا۟ حَتَّىٰ يُلَٰقُوا۟ يَوْمَهُمُ ٱلَّذِى
يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ ٱلَّذِى فِى ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى ٱلْأَرْضِ
إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ ٱلَّذِى لَهُۥ مُلْكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن
دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾
وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ
يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا
يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَٱصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَٰمٌ ۚ فَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

هرآیینه گناهکاران در عذاب دوزخ جاویدانند. ﴿۷۴﴾ سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان در آن عذاب نامید شده خاموش باشند. ﴿۷۵﴾ و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن ایشان بودند ستمکاران. ﴿۷۶﴾ و آواز دهند که ای مالک! باید که به مرگ حکم کند بر ما پروردگار تو. مالک گوید: هرآیینه شما همیشه باشندگانید. ﴿۷۷﴾ هرآیینه آوردیم به شما سخن راست را و لیکن اکثر شما سخن راست را ناخواهانید. ﴿۷۸﴾ آیا عزم مصمم کرده‌اند بر کاری؟ پس هرآیینه ما نیز عزم مصمم کنندگانیم. ﴿۷۹﴾ آیا می‌پندارند که ما نمی‌شنویم سخن پنهان ایشان را و سر گوشی ایشان را؟ آری! می‌شنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می‌نویسند. ﴿۸۰﴾ بگو: اگر به فرض باشد خدا را فرزندی پس من نخستین عبادت کنندگان باشم. ﴿۸۱﴾ پاک است پروردگار آسمان‌ها و زمین. خداوند عرش از آنچه بیان می‌کنند. ﴿۸۲﴾ پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی پیش گیرند تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که وعده داده می‌شود ایشان را. ﴿۸۳﴾ و اوست آن که در آسمان فرمان رواست و در زمین فرمانروا و اوست با حکمت دانا. ﴿۸۴﴾ و بسیار با برکت است آن که او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان هر دو است و نزدیک اوست علم قیامت و به سوی او رجوع کرده شوید. ﴿۸۵﴾ و نمی‌توانند آنان‌که کفار پرستش می‌کنند بجز خدا، شفاعت کردن لیکن کسی که گواهی راست داده باشند و ایشان می‌دانند[1]. ﴿۸۶﴾ و اگر سؤال کنی از ایشان که کدام کس بیافرید ایشان را، البته گویند: خدا آفریده است. پس از کجا برگردانیده می‌شوند؟. ﴿۸۷﴾ و بسا دعا پیغامبر که: ای پروردگار من! هرآیینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی‌آرند. ﴿۸۸﴾ فرمودیم اعراض کن از ایشان و بگو: سلام وداع! پس خواهند دانست. ﴿۸۹﴾

۱- یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سُورَةُ الدُّخَانِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُبِينِ ٢ إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ
مُّبَٰرَكَةٍۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ٣ فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ
حَكِيمٍ ٤ أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآۚ إِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ ٥ رَحۡمَةٗ
مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦ رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآۖ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ٧ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا
هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ رَبُّكُمۡ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ
٨ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ يَلۡعَبُونَ ٩ فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي
ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٖ مُّبِينٖ ١٠ يَغۡشَى ٱلنَّاسَۖ هَٰذَا عَذَابٌ
أَلِيمٞ ١١ رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ١٢
أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ ١٣ ثُمَّ
تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ ١٤ إِنَّا كَاشِفُواْ
ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًاۚ إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ ١٥ يَوۡمَ نَبۡطِشُ
ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ١٦ ۞وَلَقَدۡ فَتَنَّا
قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٞ كَرِيمٌ ١٧ أَنۡ أَدُّوٓاْ
إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ ١٨

سوره دخان

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

حم. ﴿۱﴾ قسم به کتاب واضح. ﴿۲﴾ که هرآیینه ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک[۱]، هرآیینه ما بودیم ترساننده. ﴿۳﴾ در آن شب مبارک فیصل کرده می‌شود هر کار استوار را. ﴿۴﴾ فرود آوردیم آن را به وحی کردن از نزدیک خویش، هرآیینه ما بودیم فرستنده[۲]. ﴿۵﴾ فرود آوردیم آن را به سبب بخشایش از نزدیک پروردگار تو هرآیینه اوست شنوای دانا. ﴿۶﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است، اگر یقین کننده‌اید. ﴿۷﴾ نیست هیچ معبود مگر او زنده می‌کند و می‌میراند. پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شما. ﴿۸﴾ بلکه کافران در شبهه‌اند، بازی می‌کنند. ﴿۹﴾ پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر. ﴿۱۰﴾ که فروگیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است. ﴿۱۱﴾ گویند: ای پروردگار ما! دور کن از ما عذاب هرآیینه ما مسلمان می‌شویم. ﴿۱۲﴾ چگونه بُوَد ایشان را پند گرفتن؟ و به تحقیق آمده بود بدیشان پیغامبر ظاهر. ﴿۱۳﴾ باز روی گردانیدند از دو گفتند: این شخص آموخته شده است دیوانه است. ﴿۱۴﴾ هرآیینه ما دور کنندۀ عذابیم اندکی، هرآیینه شما عود کننده‌اید در کفر. ﴿۱۵﴾ روزی که درگرفت کنیم آن را درگرفت کردن بزرگ هرآیینه ما انتقام کشنده‌ایم. ﴿۱۶﴾ و هرآیینه ما امتحان کردیم پیش ایشان قوم فرعون را و آمد بدیشان پیغامبری گرامی قدر. ﴿۱۷﴾ به این سخن که تسلیم کنید به من بندگان خدا را[۳]، هرآیینه من برای شما پیغامبر باامانتم. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی لیلة القدر.

۲- یعنی بر پیغامبر فرود آوردیم آن را.

۳- مترجم گوید: این وعده متحقق شود. خدای تعالی در قریش قحط انداخت تا آنکه از شدتِ جوع یا از کثرت بخار جَوّ چون دودی مصسوس می‌شد و ایشان به خدای تعالی رجوع کردند. خدای تعالی قحط را دور فرمود. باز بر کُفر اصرار کردند. خدای تعالی روز بدر از ایشان انتقام کشید که هفتاد کس را از رؤسای ایشان کُشت و هفتاد کس را اسیر ساخت، والله اعلم.

وَأَن لَّا تَعۡلُواْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنِّيٓ ءَاتِيكُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ
﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمۡ أَن تَرۡجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِن
لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ لِي فَٱعۡتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ
قَوۡمٞ مُّجۡرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسۡرِ بِعِبَادِي لَيۡلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ
﴿٢٣﴾ وَٱتۡرُكِ ٱلۡبَحۡرَ رَهۡوًاۖ إِنَّهُمۡ جُندٞ مُّغۡرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمۡ
تَرَكُواْ مِن جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٖ وَمَقَامٖ كَرِيمٖ
﴿٢٦﴾ وَنَعۡمَةٖ كَانُواْ فِيهَا فَٰكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَٰلِكَۖ وَأَوۡرَثۡنَٰهَا
قَوۡمًا ءَاخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلسَّمَآءُ
وَٱلۡأَرۡضُ وَمَا كَانُواْ مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدۡ نَجَّيۡنَا بَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِن فِرۡعَوۡنَۚ إِنَّهُۥ
كَانَ عَالِيٗا مِّنَ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ ٱخۡتَرۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ
عِلۡمٍ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُم مِّنَ ٱلۡأٓيَٰتِ مَا فِيهِ
بَلَٰٓؤٞاْ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنۡ هِيَ إِلَّا
مَوۡتَتُنَا ٱلۡأُولَىٰ وَمَا نَحۡنُ بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ
إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهُمۡ خَيۡرٌ أَمۡ قَوۡمُ تُبَّعٖ وَٱلَّذِينَ
مِن قَبۡلِهِمۡۚ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ مُجۡرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا
خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا لَٰعِبِينَ ﴿٣٨﴾ مَا
خَلَقۡنَٰهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ
﴿٣٩﴾

و سرکشی مکنید بر خدا. هرآیینه من بیارم پیش شما
حجت ظاهر را. ﴿۱۹﴾ و هرآیینه من پناه گرفتم به
پروردگار خود و پروردگار شما از آنکه سنگسار کنید مرا.
﴿۲۰﴾ و اگر باور ندارید مرا، پس یکسو شوید از من.
﴿۲۱﴾ پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که این
جماعت قوم گناهکاراند. ﴿۲۲﴾ پس گفتیم: ببر بندگان
مرا وقت شب، هرآیینه شما را تعاقب کرده شود. ﴿۲۳﴾ و
بگذار دریا را آرمیده، هرآیینه آن جماعت لشکری هست
غرق شده. ﴿۲۴﴾ بسیار گذاشتند از بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۲۵﴾ و کِشت‌ها و محل گرامی. ﴿۲۶﴾ و گذران با
رفاهیّت که در آن محظوظ بودند. ﴿۲۷﴾ همچنین شد و
عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را. ﴿۲۸﴾ پس
نَگریست بر قوم فرعون آسمان و زمین و نشدند مهلت داده
شده. ﴿۲۹﴾ و هرآیینه ما خلاص کردیم بنی اسراییل را از
عذاب خوارکننده. ﴿۳۰﴾ که از جانب فرعون بود،
هرآیینه فرعون بود سرکشی از تعدی کنندگان. ﴿۳۱﴾ و
هرآیینه برگزیدیم بنی اسراییل را دانسته بر عالم‌ها. ﴿۳۲﴾
و دادیم ایشان را از قسم معجزات آنچه در آن امتحان ظاهر
بود. ﴿۳۳﴾ هرآیینه آن جماعت می‌گویند: ﴿۳۴﴾ که
نیست عاقبت کار مگر همین موت نخستین و نیستیم
برانگیخته شده. ﴿۳۵﴾ پس بیارید پدران ما را اگر هستید
راستگو. ﴿۳۶﴾ آیا این جماعت بهتراند یا قوم «تُبّع» و
آنان‌که پیش از ایشان بودند؟ هلاك ساختیم آنها را،
هرآیینه آنها گناهکاران بودند. ﴿۳۷﴾ و نیافریدیم
آسمان‌ها و زمین را و آنچه میان هر دو است بازی‌کنان.
﴿۳۸﴾ نیافریدم این هر دو را مگر به تدبیر درست و لیکن
اکثر ایشان نمی‌دانند. ﴿۳۹﴾

إِنَّ يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ مِيقَٰتُهُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوۡمَ لَا يُغۡنِي
مَوۡلًى عَن مَّوۡلًى شَيۡـٔٗا وَلَا هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ إِلَّا مَن
رَّحِمَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ إِنَّ شَجَرَتَ
ٱلزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَٱلۡمُهۡلِ يَغۡلِي فِي
ٱلۡبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلۡيِ ٱلۡحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُذُوهُ فَٱعۡتِلُوهُ إِلَىٰ
سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّواْ فَوۡقَ رَأۡسِهِۦ مِنۡ عَذَابِ
ٱلۡحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ
هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمۡتَرُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ
أَمِينٖ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٖ ﴿٥٢﴾ يَلۡبَسُونَ مِن
سُندُسٖ وَإِسۡتَبۡرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَٰلِكَ وَزَوَّجۡنَٰهُم
بِحُورٍ عِينٖ ﴿٥٤﴾ يَدۡعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَٰكِهَةٍ ءَامِنِينَ
﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلۡمَوۡتَ إِلَّا ٱلۡمَوۡتَةَ ٱلۡأُولَىٰۖ
وَوَقَىٰهُمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكَۚ ذَٰلِكَ
هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمۡ
يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَٱرۡتَقِبۡ إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

هرآیینه روز قیامت میعاد ایشان است، همه یکجا. ﴿۴۰﴾
روزی که دفع نکند هیچ دوستی از دوست دیگر چیز و نه
ایشان را نصرت داده شود. ﴿۴۱﴾ مگر آنکه رحم کرد بر
او خدا هرآیینه خدا غالب مهربان است. ﴿۴۲﴾ هرآیینه
درخت زقوم. ﴿۴۳﴾ طعام گناهکار است. ﴿۴۴﴾ مثل
مس گداخته شده بجوشد در شکم‌ها. ﴿۴۵﴾ مانند
جوشیدن آب گرم گوییم‌ای. ﴿۴۶﴾ [گوییم ای
فرشتگان]: بگیرید این گناهکار را، پس به سختی بکشیدش
به سوی میان دوزخ. ﴿۴۷﴾ بار بریزید بالایی سر او از آب
گرم که عقوبت است. ﴿۴۸﴾ گوییم: بچش هرآیینه تویی
به زعم خود بزرگوار گرامی قدر. ﴿۴۹﴾ هرآیینه این است
آنچه در آن شبهه می‌کردید. ﴿۵۰﴾ هرآیینه متقیان در
جایگاه با امن باشند. ﴿۵۱﴾ در بوستان‌ها و چشمه‌ها.
﴿۵۲﴾ بپوشند از حریر نازک و حریر لک رو به روی
یکدیگر شده. ﴿۵۳﴾ اینچنین باشد حال و کدخدا کنیم
ایشان را با حور گشاده چشم. ﴿۵۴﴾ بطلبند آنجا هر میوه
ایمن شده. ﴿۵۵﴾ نچشند آنجا مرگ، لیکن چشنده بودند
مرگ نخستین را و نگاهداشت ایشان را خدای از عذاب
دوزخ. ﴿۵۶﴾ به سبب بخشایش از جانب پروردگار تو،
این است فیروزی بزرگ. ﴿۵۷﴾ جز این نیست که آسان
ساختیم قرآن را به زبان تو تا بود که ایشان پندپذیر شوند.
﴿۵۸﴾ پس منتظر باش، هرآیینه ایشان نیز منتظرانند.
﴿۵۹﴾

سُورَةُ الجَاثِيَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ٢
إِنَّ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٣ وَفِي
خَلۡقِكُمۡ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ
٤ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مِن رِّزۡقٖ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَا
وَتَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ ءَايَٰتٞ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٥ تِلۡكَ
ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتۡلُوهَا عَلَيۡكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَ
ٱللَّهِ وَءَايَٰتِهِۦ يُؤۡمِنُونَ ٦ وَيۡلٞ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٧
يَسۡمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسۡتَكۡبِرٗا
كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٖ ٨ وَإِذَا عَلِمَ
مِنۡ ءَايَٰتِنَا شَيۡـًٔا ٱتَّخَذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ
مُّهِينٞ ٩ مِّن وَرَآئِهِمۡ جَهَنَّمُۖ وَلَا يُغۡنِي عَنۡهُم مَّا
كَسَبُواْ شَيۡـٔٗا وَلَا مَا ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَۖ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هَٰذَا هُدٗىۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٌ ١١ ۞ٱللَّهُ
ٱلَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ ٱلۡبَحۡرَ لِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ فِيهِ
بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢
وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا
مِّنۡهُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ١٣

سوره جاثیه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم[1]. ﴿۱﴾ فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۲﴾ هرآیینه در آسمان‌ها و زمین نشانه‌ها است باوردارندگان را. ﴿۳﴾ و در آفرینش شما و در آفرینش آنچه پراکنده می‌سازد از جانوران، نشانه‌ها است قومی را که یقین می‌کنند. ﴿۴﴾ در آمدوشدِ شب و روز و در آنکه فرود آورد خدا از آسمان روزی را، پس زنده کرد به سبب باران زمین را بعد مرده بودن آن و در گردانیدن بادها نشانه‌ها است قومی را که درمی‌یابند. ﴿۵﴾ این نشانه‌های خدا است، می‌خوانیم آن را بر تو به راستی. پس به کدام سخن بعد پند خدا و آیت‌های او ایمان آرند؟!. ﴿۶﴾ وای هر دروغگوی گناهکار را. ﴿۷﴾ می‌شنود آیاتِ خدا راکه خوانده می‌شود بر وی، باز لازم می‌گیرد کفر تکبر کرده. گویا نشنیده است آن را، پس مژده ده او را به عذاب درد دهنده. ﴿۸﴾ و چون واقف شد بر چیزی از آیات ما تمسخر گیرد آن را آن جماعت ایشان را است عذاب خوار کننده. ﴿۹﴾ آن طرف ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را و دفع نکند نیز آنکه دوستان گرفته‌اند بجز خدا و ایشان راست عذاب بزرگ. ﴿۱۰﴾ این قرآن هدایت است و آنان‌که کافر شدند به آیات پروردگار خویش ایشان راست عذاب درد دهنده از جنس عقوبت سخت. ﴿۱۱﴾ خدای آن است که مسخّر کرد برای شما دریا را تا روان شوند کشتی‌ها در آن به فرمان او و تا طلب معیشت کنید از فضل او و بود که شما شکرگزاری کنید. ﴿۱۲﴾ و مسخر کرد برای شما آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است، همه یکجا پدید آورده از جانب خود. هرآیینه در این مقدمه نشانه‌ها است گروهی را که تفکّر می‌کنند. ﴿۱۳﴾

۱- یعنی باران.

قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَغۡفِرُواْ لِلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ
لِيَجۡزِيَ قَوۡمَۢا بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنۡ عَمِلَ
صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ
تُرۡجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ
وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُم بَيِّنَٰتٖ مِّنَ
ٱلۡأَمۡرِۖ فَمَا ٱخۡتَلَفُوٓاْ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ
بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقۡضِي بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا
كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلۡنَٰكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٖ مِّنَ
ٱلۡأَمۡرِ فَٱتَّبِعۡهَا وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٨﴾
إِنَّهُمۡ لَن يُغۡنُواْ عَنكَ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـٔٗاۚ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ
بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۖ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَٰذَا
بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمۡ
حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن نَّجۡعَلَهُمۡ
كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحۡيَاهُمۡ
وَمَمَاتُهُمۡۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ
وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿٢٢﴾

بگو مسلمانان را که: درگذر کنند از آن جماعت که توقع
روزهای خدا ندارند[1] تا سزا دهد خدا گروهی را از ایشان
به حسب آنچه می‌کردند. ﴿۱۴﴾ هر که بکند کار شایسته،
پس نفع او راست و هر که بد کاری کند پس وبال برو
است باز به سوی پروردگار خویش رجوع کرده خواهد
شد. ﴿۱۵﴾ و هرآیینه دادیم بنی اسراییل را کتاب و
دانشمندی و پیغامبری و روزی دادیم ایشان را از نعمتهای
پاکیزه و فضیلت دادیم ایشان را بر عالمها. ﴿۱۶﴾ و دادیم
ایشان را نشانه‌ها واضح در باب دین، پس اختلاف نکردند
مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش از روی تعدّی با
یکدیگر، هرآیینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز
قیامت در آنچه اختلاف می‌کردند در آن. ﴿۱۷﴾ باز
ساختیم تو را بر راه ظاهر از دین، پس پیروی کن آن را و
پیروی مکن خواهش آنان‌که نمی‌دانند. ﴿۱۸﴾ هرآیینه
ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از عقوبت خدا و
هرآیینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض‌اند و خدا
کارساز متقیان است. ﴿۱۹﴾ این قرآن، دلیل‌ها که واضح
است مردمان را و هدایت است و بخشایش گروهی را که
یقین می‌کنند. ﴿۲۰﴾ آیا پنداشتند آنان‌که کردند جرمها
که بکنیم ایشان را مانند آنان‌که ایمان آوردند و کارهای
شایسته کردند، یکسان باشند زندگانی ایشان و مردن ایشان
بد حکم ایشان است این حکم. ﴿۲۱﴾ و آفرید خدا
آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست و تا عاقبت کار جزا داده
شود هر شخصی به حسب آنچه عمل کرده است و بر
ایشان ستم کرده نشود. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمالِ ایشان باشد.

أَفَرَءَيۡتَ مَنِ ٱتَّخَذَ إِلَٰهَهُۥ هَوَىٰهُ وَأَضَلَّهُ ٱللَّهُ عَلَىٰ
عِلۡمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمۡعِهِۦ وَقَلۡبِهِۦ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ
غِشَٰوَةً فَمَن يَهۡدِيهِ مِنۢ بَعۡدِ ٱللَّهِۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾
وَقَالُواْ مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا ٱلدُّنۡيَا نَمُوتُ وَنَحۡيَا وَمَا
يُهۡلِكُنَآ إِلَّا ٱلدَّهۡرُۚ وَمَا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِنۡ هُمۡ
إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ مَّا
كَانَ حُجَّتَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئۡتُواْ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ
يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَخۡسَرُ ٱلۡمُبۡطِلُونَ
﴿٢٧﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٖ جَاثِيَةٗۚ كُلُّ أُمَّةٖ تُدۡعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَٰبِهَا
ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَٰذَا كِتَٰبُنَا
يَنطِقُ عَلَيۡكُم بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّا كُنَّا نَسۡتَنسِخُ مَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
فَيُدۡخِلُهُمۡ رَبُّهُمۡ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡمُبِينُ
﴿٣٠﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَفَلَمۡ تَكُنۡ ءَايَٰتِي تُتۡلَىٰ
عَلَيۡكُمۡ فَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡ وَكُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّجۡرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا
قِيلَ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَٱلسَّاعَةُ لَا رَيۡبَ فِيهَا قُلۡتُم
مَّا نَدۡرِي مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنّٗا وَمَا نَحۡنُ
بِمُسۡتَيۡقِنِينَ ﴿٣٢﴾

آیا دیدی کسی را که معبود خود گرفته است خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر، بنهاد بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده؟! پس کیست که راه نماید او را بعد خدا آیا پند نمی‌گیرید؟. ﴿۲۳﴾ و گفتند: نیست زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی ما، می‌میریم و زنده می‌شویم و هلاك نمی‌کند ما را مگر زمانه! و نیست ایشان را به این مقدّمه هیچ دانش نیستند ایشان مگر گمان کننده. ﴿۲۴﴾ و چون خوانده شود بر ایشان آیت‌های ما واضح آمده نبود شبهه ایشان مگر آنکه گویند: بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان؟. ﴿۲۵﴾ بگو: خدا زنده می‌کند شما را باز می‌میراند شما را باز جمع کند شما را بر روز قیامت، هیچ شبهه نیست در آن و لیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۶﴾ و خدای راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و روزی که قایم شود قیامت، آن روز زیانکار شوند تباه‌کاران. ﴿۲۷﴾ و ببینی هر گروهی را به زانو درآمده. هر گروهی را خوانده شود به سوی نامهٔ اعمال او. گوییم: امروز جزا داده شود شما را به حسب آنچه می‌کردید. ﴿۲۸﴾ گوییم: این نامهٔ ماست که اظهار حقیقت می‌کند بر شما به راستی، هرآیینه ما می‌نوشتیم آنچه شما عمل می‌کردید. ﴿۲۹﴾ پس اما آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس درآرد ایشان را پروردگار ایشان در رحمت خود این است فیروزی ظاهر. ﴿۳۰﴾ و اما آنان‌که کافر شدند، [ایشان را گوییم]: آیا خوانده نمی‌شد بر شما آیات من، پس تکبّر کردید و قوم گناهکاران بودید؟!. ﴿۳۱﴾ و چون گفته می‌شد که وعدهٔ خدا راست است و قیامت هیچ شبهه نیست در آن گفتید: نمی‌دانیم چیست قیامت! تصوّر نمی‌کنیم آن را مگر به احتمال ضعیف و نیستیم ما یقین کننده. ﴿۳۲﴾

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا عَمِلُواْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ ٱلْيَوْمَ نَنسَىٰكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ
لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن
نَّٰصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَٰلِكُم بِأَنَّكُمُ ٱتَّخَذْتُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۚ فَٱلْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ
مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ ٱلْحَمْدُ رَبِّ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَرَبِّ ٱلْأَرْضِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ
ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ
﴿٣٧﴾

و ظاهر شد ایشان را عقوبت‌ها و آنچه به آن عمل کرده بودند و فروگرفت ایشان را آنچه به آن استهزا می‌کردند. ﴿۳۳﴾ و گفته شود: امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را و جای شما دوزخ است و نیست شما را هیچ نصرت دهنده. ﴿۳۴﴾ این عذاب به سبب آن است که شما به تمسخر گرفتید آیات خدا را و فریفته کرد شما را زندگانی دنیا، پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان رضامند ساختن خدا طلب کرده شود. ﴿۳۵﴾ پس خدای راست ستایش، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین پروردگار عالم‌ها. ﴿۳۶﴾ و او راست بزرگی در آسمان‌ها و زمین و اوست غالب با حکمت. ﴿۳۷﴾

سُورَةُ الأَحْقَافِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿٢﴾
مَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ
وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَمَّآ أُنذِرُواْ مُعْرِضُونَ
﴿٣﴾ قُلْ أَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِى مَاذَا
خَلَقُواْ مِنَ ٱلْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ ۖ ٱئْتُونِى
بِكِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَآ أَوْ أَثَٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ
صَٰدِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ
مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ وَهُمْ عَن
دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ ﴿٥﴾

سوره أحقاف

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

حم. ﴿۱﴾ فروفرستادن کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است. ﴿۲﴾ نیافریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان هر دو است مگر به تدبیر درست و به میعادی معین و آنان‌که کافر شدند از آنچه ترسانیده شد ایشان را روی گردانند. ﴿۳﴾ بگو: آیا دیدید آنچه می‌پرستید بجز خدای؟ بنمایید مرا چه چیز آفریده‌اند از زمین یا ایشان راست شرکتی در آسمان‌ها؟ بیارید به من کتابی که آمده باشد پیش از این یا بقیه از علم اگر هستید راستگوی. ﴿۴﴾ و کیست گمراه‌تر از کسی که بخواند بجز خدا چیزی را که قبول نکند خواندنش تا روز قیامت؟ و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل‌اند. ﴿۵﴾

وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ
كَٰفِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٖ قَالَ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٌ
﴿٧﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ إِنِ ٱفۡتَرَيۡتُهُۥ فَلَا تَمۡلِكُونَ
لِي مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِۚ كَفَىٰ
بِهِۦ شَهِيدَۢا بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡۖ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٨﴾
قُلۡ مَا كُنتُ بِدۡعٗا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدۡرِي مَا يُفۡعَلُ بِي
وَلَا بِكُمۡۖ إِنۡ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ وَمَآ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ
مُّبِينٞ ﴿٩﴾ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ وَكَفَرۡتُم
بِهِۦ وَشَهِدَ شَاهِدٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ مِثۡلِهِۦ
فَـَٔامَنَ وَٱسۡتَكۡبَرۡتُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ
ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡ
كَانَ خَيۡرٗا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيۡهِۚ وَإِذۡ لَمۡ يَهۡتَدُواْ بِهِۦ
فَسَيَقُولُونَ هَٰذَآ إِفۡكٞ قَدِيمٞ ﴿١١﴾ وَمِن قَبۡلِهِۦ كِتَٰبُ
مُوسَىٰٓ إِمَامٗا وَرَحۡمَةٗۚ وَهَٰذَا كِتَٰبٞ مُّصَدِّقٞ لِّسَانًا
عَرَبِيّٗا لِّيُنذِرَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٢﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ
عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِ
خَٰلِدِينَ فِيهَا جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿١٤﴾

و چون جمع کرده شوند مردمان، باشند این معبودان ایشان
را دشمن و باشند عبادت ایشان را منکر. ﴿۶﴾ و چون
خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده، گویند این
کافران سخن درست را چون بیاید بدیشان: این سحر ظاهر
است. ﴿۷﴾ بلکه می‌گویند: بربسته است آن را پیغامبر.
بگو: اگر بسته‌ام آن را، پس نمی‌توانید شما برای من از خدا
چیزی خدا داناتر است به گفتگوی شما در قرآن. بس
است خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و
اوست آمرزگار مهربان. ﴿۸﴾ بگو: نیستم من نو آمده از
پیغامبران و نمی‌دانم چه کرده خواهد شد با من و نه به شما
(یعنی در دنیا). پیروی نمی‌کنم الا به آنچه وحی فرستاده
می‌شود به سوی من و نیستم من مگر ترسانندهٔ آشکارا.
﴿۹﴾ بگو: آیا دیدید اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و
منکر شوید به آن و گواهی داده باشد گواهی از بنی
اسراییل بر قرآن، پس وی ایمان آورد و سرکشی کردید
شما، البته ستمکار باشید. هرآیینه خدا راه نمی‌نماید گروه
ستمکاران را. ﴿۱۰﴾ و گفتند کافران در حق مسلمانان:
اگر دین بهتر بودی سبقت نکردندی بر ما به سوی آن و
چون راه نیافتند به آن خواهند گفت: این دروغی است
قدیم. ﴿۱۱﴾ و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و
بخشایش، و این کتابی است باور دارنده زبان عربی آمده
برای آنکه بترساند ستمکاران را و برای مژده نیکوکاران را.
﴿۱۲﴾ هرآیینه آنان‌که گفتند پروردگار ما خدا است، باز
قایم ماندند پس هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوه
خورند. ﴿۱۳﴾ این جماعت، اهل بهشت‌اند جاویدان آنجا.
پاداش داده شوند به حسب آنچه می‌کردند. ﴿۱۴﴾

وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا
وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ
إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ
أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ
أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ
إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ نَتَقَبَّلُ
عَنۡهُمۡ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ نَتَجَاوَزُ عَن سَيِّـَٔاتِهِمۡ فِيٓ
أَصۡحَٰبِ ٱلۡجَنَّةِۖ وَعۡدَ ٱلصِّدۡقِ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ
﴿١٦﴾ وَٱلَّذِي قَالَ لِوَٰلِدَيۡهِ أُفّٖ لَّكُمَآ أَتَعِدَانِنِيٓ أَنۡ أُخۡرَجَ
وَقَدۡ خَلَتِ ٱلۡقُرُونُ مِن قَبۡلِي وَهُمَا يَسۡتَغِيثَانِ ٱللَّهَ
وَيۡلَكَ ءَامِنۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ فَيَقُولُ مَا هَٰذَآ إِلَّآ
أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ
ٱلۡقَوۡلُ فِيٓ أُمَمٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡجِنِّ
وَٱلۡإِنسِۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ خَٰسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلّٖ دَرَجَٰتٞ مِّمَّا
عَمِلُواْۖ وَلِيُوَفِّيَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوۡمَ
يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ أَذۡهَبۡتُمۡ طَيِّبَٰتِكُمۡ
فِي حَيَاتِكُمُ ٱلدُّنۡيَا وَٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهَا فَٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ
عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَسۡتَكۡبِرُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ
ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَفۡسُقُونَ ﴿٢٠﴾

و امر کردیم آدمی را در حق پدر و مادر او نیکوکاری در شکم برداشته است او را مادر او به دشواری و زاده است او را به دشواری و لا اقل مدّت بار گرفتن او و از شیر باز کردن او سی ماه است و زنده ماند تا وقتی که رسید به کمال قوّت خود و رسید بچهل سال، گفت: ای پروردگار من! الهام کن مرا تا شکر گویم در مقابلۀ نعمت تو که انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من و کار نیک کنم که خوشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن برای من در فرزندان من، هرآیینه رجوع کردم به سوی تو و هرآیینه من از مسلمانانم. ﴿۱۵﴾ آن جماعت، آنانند که قبول می‌کنیم از ایشان نیکوترین آنچه عمل کردند و درگذریم از جرم‌های ایشان در اهل بهشت باشند به وفق وعدۀ راستی که وعده داده می‌شدند. ﴿۱۶﴾ و آن شخص که گفت به پدر و مادر خود: دل تنگ شدم به نسبت شما آیا وعده می‌دهید مرا که برآورده شوم؟[۱] و هرآیینه گذشته‌اند طبقه‌های مردم پیش از من[۲] و آن دو فریاد می‌کنند به جناب خدا، می‌گویند: وای بر تو! مسلمان شو هرآیینه وعدۀ خدا راست است. پس گوید: نیست این وعده مگر افسانه‌های پیشینیان. ﴿۱۷﴾ آن جماعت، آنانند ثابت شد بر ایشان وعدۀ عذاب از جمله امّت‌ها که گذشته‌اند پیش از ایشان از جنّیان و آدمیان، هرآیینه ایشان بودند زیانکار. ﴿۱۸﴾ و هر یکی را مرتبه‌ها است به حسب آنچه عمل کردند و تا به تمام دهد خدا ایشان را جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نشوند. ﴿۱۹﴾ و روزی که پیش آورده شوند کافران بر آتش [گفته شود]: آیا ضایع کردید نعمت‌های خود را در زندگانی دنیائی خویش و بهره‌مند شدید به آن؟ پس امروز جزا داده شود شما را عذاب خواری به سبب آنکه تکبر می‌کردید در زمین ناحق و به سبب آنکه بدکاری می‌کردید[۳]. ﴿۲۰﴾

۱- یعنی از قبر.

۲- یعنی هیچ کس از ایشان باز زنده نشد، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: این تصویر است حال سعید وشقی را، پس سعید، حق خدای تعالی وحق ابوین به جا می‌آورد و به انواع نعم محظوظ می‌شود، در جمیع امور به حق تعالی رجوع می‌کند و شقی، جمع می‌کند میان کفر وبه حقوق والدین و انکار معاد و صورتِ سعید، منطبق است بر حضرت ابوبکر صدیق و غیر ایشان نیز، والله اعلم.

۞وَٱذۡكُرۡ أَخَا عَادٍ إِذۡ أَنذَرَ قَوۡمَهُۥ بِٱلۡأَحۡقَافِ وَقَدۡ
خَلَتِ ٱلنُّذُرُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ
إِلَّا ٱللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٢١﴾
قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن
كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ
وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا
تَجۡهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ
هَٰذَا عَارِضٞ مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ
فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿٢٤﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا
فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن
مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ
فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم
مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ يَجۡحَدُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَحَاقَ بِهِم
مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَا مَا
حَوۡلَكُم مِّنَ ٱلۡقُرَىٰ وَصَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ لَعَلَّهُمۡ
يَرۡجِعُونَ ﴿٢٧﴾ فَلَوۡلَا نَصَرَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ
ٱللَّهِ قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢۖ بَلۡ ضَلُّواْ عَنۡهُمۡۚ وَذَٰلِكَ إِفۡكُهُمۡ وَمَا
كَانُواْ يَفۡتَرُونَ ﴿٢٨﴾

و یاد کن برادری قوم عاد را چون بترسانید قوم خود را به سرزمین احقاف و هرآیینه گذشته بودند ترسانندگان پیش روی وی[1] و پس از وی [به این مضمون که]: عبادت مکنید مگر خدای را، هرآیینه من می‌ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ. ﴿۲۱﴾ گفتند: آیا آمده‌ای پیش ما تا بازداری ما را از پرستش معبودان خود؟! پس بیار آنچه وعده می‌دهی ما را اگر از راستگویان. ﴿۲۲﴾ گفت: جز این نیست که علم نزدیک خدا است و می‌رسانم به شما آنچه فرستاده شدم همراه او و لیکن می‌بینم که شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید. ﴿۲۳﴾ پس چون دیدند آن عقوبت را به صورت ابری روی آورده به میدان‌های ایشان، گفتند: این ابری است باراننده بر ما بلکه به حقیقت آن چیزی است که شتاب طلبید کردید آن را. بادی است که در وی عقوبت درد دهنده است. ﴿۲۴﴾ برهم زند هر چیزی را به فرمان پروردگار خویش. پس گشتند به این صفت که دیده نمی‌شد به جز خانه‌های ایشان همچنین جزا می‌دهم گروه گناهکاران را. ﴿۲۵﴾ و هرآیینه جای داده بودیم قوم عاد را در آنچه جای داده‌ایم شما را در آن و ساخته بودیم برای قوم عاد گوش و چشم‌ها و دل‌ها، پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و نه چشم‌های ایشان و نه دل‌های ایشان چیزی را از بس که انکار می‌کردند به نشانه‌های خدا و فرا گرفت به ایشان آنچه به آن استهزا می‌کردند. ﴿۲۶﴾ و هرآیینه هلاک کردیم آنچه حوالی شما است از دیه‌ها و گوناگون پدید آوردیم نشانه‌ها، بُوَد که ایشان بازگردند. ﴿۲۷﴾ پس چرا نصرت ندادند ایشان را آنان‌که معبود می‌گرفتند بجز خدا قرب خدا جویان؟! بلکه گم شدند از نظر ایشان! و همین است دروغ ایشان و آنچه بر می‌بافتند. ﴿۲۸﴾

۱- یعنی از هر جانب به این مضمون.

وَإِذۡ صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ نَفَرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ
فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوٓاْ أَنصِتُواْۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوۡاْ إِلَىٰ
قَوۡمِهِم مُّنذِرِينَ ﴿٢٩﴾ قَالُواْ يَٰقَوۡمَنَآ إِنَّا سَمِعۡنَا كِتَٰبًا
أُنزِلَ مِنۢ بَعۡدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ يَهۡدِيٓ
إِلَى ٱلۡحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٣٠﴾ يَٰقَوۡمَنَآ أَجِيبُواْ
دَاعِيَ ٱللَّهِ وَءَامِنُواْ بِهِۦ يَغۡفِرۡ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ
وَيُجِرۡكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴿٣١﴾ وَمَن لَّا يُجِبۡ دَاعِيَ
ٱللَّهِ فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَيۡسَ لَهُۥ مِن دُونِهِۦٓ
أَوۡلِيَآءُۚ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَلَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ
بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ ٱلۡمَوۡتَىٰۚ بَلَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
قَدِيرٞ ﴿٣٣﴾ وَيَوۡمَ يُعۡرَضُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ عَلَى ٱلنَّارِ
أَلَيۡسَ هَٰذَا بِٱلۡحَقِّۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَرَبِّنَاۚ قَالَ فَذُوقُواْ
ٱلۡعَذَابَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَٱصۡبِرۡ كَمَا صَبَرَ
أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسۡتَعۡجِل لَّهُمۡۚ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ
يَرَوۡنَ مَا يُوعَدُونَ لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا سَاعَةٗ مِّن نَّهَارِۭۚ بَلَٰغٞۚ
فَهَلۡ يُهۡلَكُ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿٣٥﴾

و [یاد کن] چون متوجه ساختیم به سوی تو جماعتی را از جن می‌شنیدند قرآن، پس چون حاضر شدند پیش پیغامبر، با یکدیگر گفتند: خاموش باشید پس چون تمام کرده شد بازگشتند به سوی قوم خود بیم‌کنان[1]. ﴿۲۹﴾ گفتند: ای قوم ما! هرآیینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی، باور دارندهٔ آنچه پیش از او بود، راه می‌نماید به سوی دین راست و به سوی راه درست. ﴿۳۰﴾ ای قوم ما! قبول کنید سخن دعوت کنندهٔ به سوی خدا و ایمان آرید به وی تا بیامرزد خدا برای شما بعض گناهان شما را از عذاب درد دهنده. ﴿۳۱﴾ و هر که قبول نکند گفتهٔ خواننده به خدا، پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست او را بجز خدا دوستان. آن جماعت در گمراهی ظاهراند. ﴿۳۲﴾ آیا ندیدند خدای که آفریده است آسمان‌ها و زمین و مانده نشد در آفریدن اینها، تواناست بر آنکه زنده کند مردگان را ؟آری! چنین است هرآیینه او بر هر چیز توانا است. ﴿۳۳﴾ و روزی که پیش آورده شوند کافران بر آتش، [گفته شود]: آیا نیست این وعده درست؟! گفتند: آری! قسم به پروردگار ما! درست است. گفت: پس بچشید عقوبت را به سبب آنکه کافر می‌بودید. ﴿۳۴﴾ پس صبر کن چنانکه صبر کرده بودند خداوندان همت عالی از پیغامبران و شتاب طلب مکن عقوبت را برای ایشان. روزی که ببینند آنچه وعده داده می‌شود ایشان را چنانستی که ایشان نمانده بودند[2] مگر یک ساعت از روز. این پیغام رسانیدن است. پس هلاک کرده نخواهد شد مگر قوم بدکاران. ﴿۳۵﴾

۱- مترجم گوید: چند کس از جن پیش آن حضرتﷺ آمدند و آن حضرتﷺ در آن حالت نماز فجر می‌گزارد در بطنِ نخله قرآن استماع کردند. چون بازگشتند قوم خود را انذار نمودند اشارت به این قصه است درین آیات.

۲- یعنی در دنیا.

سُورَةُ مُحَمَّدٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ
أَعۡمَٰلَهُمۡ ١ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
وَءَامَنُواْ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٖ وَهُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡ
كَفَّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَأَصۡلَحَ بَالَهُمۡ ٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱتَّبَعُواْ ٱلۡبَٰطِلَ وَأَنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
ٱتَّبَعُواْ ٱلۡحَقَّ مِن رَّبِّهِمۡۚ كَذَٰلِكَ يَضۡرِبُ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ
أَمۡثَٰلَهُمۡ ٣ فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَضَرۡبَ
ٱلرِّقَابِ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثۡخَنتُمُوهُمۡ فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ فَإِمَّا مَنَّۢا
بَعۡدُ وَإِمَّا فِدَآءً حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلۡحَرۡبُ أَوۡزَارَهَاۚ ذَٰلِكَۖ وَلَوۡ
يَشَآءُ ٱللَّهُ لَٱنتَصَرَ مِنۡهُمۡ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَاْ بَعۡضَكُم
بِبَعۡضٖۗ وَٱلَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ
أَعۡمَٰلَهُمۡ ٤ سَيَهۡدِيهِمۡ وَيُصۡلِحُ بَالَهُمۡ ٥ وَيُدۡخِلُهُمُ
ٱلۡجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمۡ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن
تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ ٧
وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ وَأَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ ٨
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ كَرِهُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ
٩ ۞أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ
عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡۖ وَلِلۡكَٰفِرِينَ
أَمۡثَٰلُهَا ١٠ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَأَنَّ
ٱلۡكَٰفِرِينَ لَا مَوۡلَىٰ لَهُمۡ ١١

سوره محمد

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آنان‌که کافر شدند و بازداشتند مردمان را از راه خدا حبط کرد خدا اعمال ایشان را. ﴿۱﴾ و آنان‌که ایمان آوردنده و کردند کارهای شایسته و معتقد شدند به آنچه فروآورده شد بر محمد و آن راست است، آمده از پروردگار ایشان، دور ساخت از ایشان جرم‌های ایشان را و به صلاح آورد حال ایشان را. ﴿۲﴾ این به سبب آن است که کافران پیروی ناراست کردند و مؤمنان پیروی دین راست کردند که از جانب پروردگار ایشان است. همچنین بیان می‌کند خدای برای مردمان داستان‌های ایشان را. ﴿۳﴾ پس چون مصاف کنید با کافران پس بزنید گردن‌ها را، تا وقتی که خونریزی بسیار کردید در ایشان، پس محکم کنید قید را یا به احسان خلاص کردن بعد از این و یا مالی به عوض گرفتن، تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را[1]. این است حکم و اگر خواستی خدا، خود انتقام کشیدی از ایشان و لیکن می‌خواهد که امتحان کند بعض شما را با بعضی و آنان‌که کشته شدند در راه خدا، پس حبط نخواهد کرد عمل ایشان را. ﴿۴﴾ راه خواهد نمود ایشان را و نیک خواهد کرد حال ایشان را. ﴿۵﴾ و خواهد در آورد ایشان را به بهشتی که شناساکرده است ایشان را به آن. ﴿۶﴾ ای مسلمانان! اگر نصرت دهید دین خدا را نصرت دهد خدا شما را و ثابت کند قدم‌های شما را. ﴿۷﴾ و آنان‌که کافر شدند، هلاک باد ایشان را و حبط کرد خدا عمل ایشان را. ﴿۸﴾ این به سبب آن است که ایشان ناپسند کردند چیزی را که فرود آورده است خدا، پس حبط کرد عمل ایشان را. ﴿۹﴾ آیا سیر نکرده‌اند در زمین تا بنگرند چگونه بود انجام آنان‌که پیش از ایشان بودند؟ بر هم زد خدا ایشان را و کافران را می‌شود مانند این عقوبت. ﴿۱۰﴾ این به سبب آن است که خدا کارساز مسلمانان است و به سبب آن است که کافران هیچ کارساز نیست ایشان را. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند، والله اعلم.

إِنَّ ٱللَّهَ يُدۡخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ
مَثۡوٗى لَّهُمۡ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةٗ مِّن
قَرۡيَتِكَ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَتۡكَ أَهۡلَكۡنَٰهُمۡ فَلَا نَاصِرَ لَهُمۡ ﴿١٣﴾
أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ
عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم ﴿١٤﴾ مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي وُعِدَ
ٱلۡمُتَّقُونَۖ فِيهَآ أَنۡهَٰرٞ مِّن مَّآءٍ غَيۡرِ ءَاسِنٖ وَأَنۡهَٰرٞ مِّن
لَّبَنٖ لَّمۡ يَتَغَيَّرۡ طَعۡمُهُۥ وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ خَمۡرٖ لَّذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ
وَأَنۡهَٰرٞ مِّنۡ عَسَلٖ مُّصَفّٗىۖ وَلَهُمۡ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ
وَمَغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡۖ كَمَنۡ هُوَ خَٰلِدٞ فِي ٱلنَّارِ وَسُقُواْ مَآءً
حَمِيمٗا فَقَطَّعَ أَمۡعَآءَهُمۡ ﴿١٥﴾ وَمِنۡهُم مَّن يَسۡتَمِعُ إِلَيۡكَ
حَتَّىٰٓ إِذَا خَرَجُواْ مِنۡ عِندِكَ قَالُواْ لِلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ
مَاذَا قَالَ ءَانِفًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ
وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُمۡ ﴿١٦﴾ وَٱلَّذِينَ ٱهۡتَدَوۡاْ زَادَهُمۡ هُدٗى
وَءَاتَىٰهُمۡ تَقۡوَىٰهُمۡ ﴿١٧﴾ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا ٱلسَّاعَةَ أَن
تَأۡتِيَهُم بَغۡتَةٗۖ فَقَدۡ جَآءَ أَشۡرَاطُهَاۚ فَأَنَّىٰ لَهُمۡ إِذَا
جَآءَتۡهُمۡ ذِكۡرَىٰهُمۡ ﴿١٨﴾ فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ
وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ
مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ﴿١٩﴾

هرآیینه خدا درآرد آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند به بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها و آنان‌که کافر شدند، بهره بر می‌گیرند و می‌خورند چنانکه می‌خورند چهارپایان و آتش جای ایشان است. ﴿۱۲﴾ و بسیار از دیه که قوی‌تر بود از دیه تو که جلا وطن کرد تو را هلاک ساختیم ایشان را، پس نیست هیچ نصرت دهنده برای ایشان. ﴿۱۳﴾ آیا هر که باشد بر طریقهٔ روشن از جانب پروردگار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در نظر او بدکاری او را، مانند آنان‌که پیروی کردند خواهش خود را. ﴿۱۴﴾ صفت بهشتی که وعده داده شد متقیان را این است در آن بهشت جوی‌ها است از آب که به دیرماندگی متغیر نشده و جوی‌هایی است از شیر که مزهٔ او برنگشته و جوی‌هایی است از می، لذّت دهنده آشامندگان را و جوی‌هایی است از شهد صاف کرده شده و ایشان راست آنجا از هر جنس میوه‌ها و ایشان را است آمرزش از پروردگار ایشان [آیا این جماعت] مانند آن است که همیشه باشند در آتش و نوشانیده شوند آب گرم، پس پاره پاره ساخت روده‌های ایشان را. ﴿۱۵﴾ و[1] از مردمان کسی هست که گوش می‌نهد به سوی تو تا وقتی که بیرون روند از نزدیک تو. گویند به آنکه عطا کرده شد ایشان را علم: چه چیز گفت پیغامبر الحال؟ این جماعت آنانند که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و پیروی کردند خواهش نفس خود را. ﴿۱۶﴾ و آنان‌که راهیاب شدند، زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد بدیشان تقوی ایشان را. ﴿۱۷﴾ منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان؟ پس هرآیینه آمده است علامات قیامت. پس از کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان وقتی که بیاید قیامت به ایشان؟!. ﴿۱۸﴾ پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدا و طلب آمرزش کن برای گناهان خود و در حق مردان مسلمان و زنان مسلمان نیز و خدا می‌داند جای آمدورفت شما و جای ماندن شما[2]. ﴿۱۹﴾

۱- مترجم گوید: از این جا تا آخر سوره در باب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد.

۲- حاصل این آیات ذم آن شخص است که به مجلس علم درآید و به فهم حقیقتِ آن نرسد. به سبب هجومِ هوای نفس بر دل او محتاج استفسارِ دیگران گردد و تخفیف است به قیامت مثل این شخص را، والله اعلم.

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَوۡلَا نُزِّلَتۡ سُورَةٞۖ فَإِذَآ أُنزِلَتۡ
سُورَةٞ مُّحۡكَمَةٞ وَذُكِرَ فِيهَا ٱلۡقِتَالُ رَأَيۡتَ ٱلَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ نَظَرَ ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ
مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ ۝٢٠ طَاعَةٞ وَقَوۡلٞ مَّعۡرُوفٞۚ فَإِذَا
عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ فَلَوۡ صَدَقُواْ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡ ۝٢١ فَهَلۡ
عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ
أَرۡحَامَكُمۡ ۝٢٢ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ
وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ۝٢٣ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ
قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ ۝٢٤ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱرۡتَدُّواْ عَلَىٰٓ أَدۡبَٰرِهِم مِّنۢ
بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَى ٱلشَّيۡطَٰنُ سَوَّلَ لَهُمۡ وَأَمۡلَىٰ
لَهُمۡ ۝٢٥ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ
سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ
۝٢٦ فَكَيۡفَ إِذَا تَوَفَّتۡهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَضۡرِبُونَ وُجُوهَهُمۡ
وَأَدۡبَٰرَهُمۡ ۝٢٧ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ ٱتَّبَعُواْ مَآ أَسۡخَطَ ٱللَّهَ
وَكَرِهُواْ رِضۡوَٰنَهُۥ فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ ۝٢٨ أَمۡ حَسِبَ
ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخۡرِجَ ٱللَّهُ أَضۡغَٰنَهُمۡ
۝٢٩

می‌گویند مسلمانان: چرا فروفرستاده نشد سورتی؟ پس چون فرستاده شود سورتی واضح المعنی و ذکر کرده شود در آن قتال، ببینی آنان را که در دل ایشان بیماری است، می‌نگرند به سوی تو مانند نظر کردن کسی که او را بیهوشی رسیده باشد به سبب حضور موت. پس وای ایشان را!. ﴿۲۰﴾ حال ایشان به حسب ظاهر، فرمانبرداری‌ای است و سخن نیکو گفتن، پس چون مصمم شود کار اگر وعدهٔ خود راست کردندی با خدا بهتر بودی برای ایشان. ﴿۲۱﴾ پس ای ضعیف ایمانان! اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیکید از آنکه تباهکاری کنید در زمین و قطع قبیله‌داری نمایید. ﴿۲۲﴾ این جماعت، آنانند که لعنت کرد ایشان را خدا، پس کَر ساخت ایشان را و کور کرد چشم‌های ایشان را. ﴿۲۳﴾ آیا تأمّل نمی‌کنند در قرآن یا بر دل‌ها قفل آن دل‌هاست؟!. ﴿۲۴﴾ هرآیینه آنان‌که برگشتند بر جانب پشت خویش، پس از آنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرد برای ایشان و مهلت داده است ایشان را. ﴿۲۵﴾ این همه به سبب آن است که ایشان گفتند با آنان‌که ناپسند کرده‌اند چیزی را که خدا فرستاده است:(۱) فرمانبرداری شما خواهیم کرد در بعض کارها و خدا می‌داند سخن پنهان گفتن ایشان را. ﴿۲۶﴾ پس چگونه باشد حال، وقتی که قبض روح ایشان کنند فرشتگان می‌زنند روی‌های ایشان را و پشت‌های ایشان را. ﴿۲۷﴾ این عقوبت به سبب آن است که ایشان پیروی چیزی کردند که به خشم آورد خدا را و ناپسند کردند خوشنودی او را، پس ضایع ساخت «الله» اعمال ایشان را. ﴿۲۸﴾ آیا پنداشتند آنان‌که در دل‌های ایشان بیماری است که ظاهر نخواهد کرد خدا کینه‌های ایشان را؟. ﴿۲۹﴾

۱- یعنی منافقان یا یهود.

وَلَوۡ نَشَآءُ لَأَرَيۡنَٰكَهُمۡ فَلَعَرَفۡتَهُم بِسِيمَٰهُمۡۚ وَلَتَعۡرِفَنَّهُمۡ
فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ أَعۡمَٰلَكُمۡ ﴿٣٠﴾
وَلَنَبۡلُوَنَّكُمۡ حَتَّىٰ نَعۡلَمَ ٱلۡمُجَٰهِدِينَ مِنكُمۡ
وَٱلصَّٰبِرِينَ وَنَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ ﴿٣١﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَشَآقُّواْ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا
تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡهُدَىٰ لَن يَضُرُّواْ ٱللَّهَ شَيۡـٔٗا وَسَيُحۡبِطُ
أَعۡمَٰلَهُمۡ ﴿٣٢﴾ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَلَا تُبۡطِلُوٓاْ أَعۡمَٰلَكُمۡ ﴿٣٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَصَدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمۡ كُفَّارٞ
فَلَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُواْ وَتَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱلسَّلۡمِ
وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ وَٱللَّهُ مَعَكُمۡ وَلَن يَتِرَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ
﴿٣٥﴾ إِنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۚ وَإِن تُؤۡمِنُواْ وَتَتَّقُواْ
يُؤۡتِكُمۡ أُجُورَكُمۡ وَلَا يَسۡـَٔلۡكُمۡ أَمۡوَٰلَكُمۡ ﴿٣٦﴾ إِن
يَسۡـَٔلۡكُمُوهَا فَيُحۡفِكُمۡ تَبۡخَلُواْ وَيُخۡرِجۡ أَضۡغَٰنَكُمۡ
﴿٣٧﴾ هَٰٓأَنتُمۡ هَٰٓؤُلَآءِ تُدۡعَوۡنَ لِتُنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ
فَمِنكُم مَّن يَبۡخَلُۖ وَمَن يَبۡخَلۡ فَإِنَّمَا يَبۡخَلُ عَن
نَّفۡسِهِۦۚ وَٱللَّهُ ٱلۡغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُۚ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ
يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم ﴿٣٨﴾

و اگر می‌خواستیم می‌نمودیم ایشان را به تو، پس می‌شناختی ایشان[1] را به قیافۀ ایشان و البته بشناسی ایشان را در اسلوب سخن و خدا می‌داند عمل شما را. ﴿۳۰﴾ و البته امتحان کنیم شما را تا بشناسیم مجاهدان را از شما و صابران را و بیازماییم احوال شما را. ﴿۳۱﴾ هرآیینه آنان‌که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغامبر بعد از آنکه واضح شد ایشان را راه هدایت، هیچ زیان نرسانند خدا را و حبط خواهد کرد خدا عمل‌های ایشان را. ﴿۳۲﴾ ای مسلمانان! فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغامبر را و باطل مکنید عمل‌های خود را[2]. ﴿۳۳﴾ هرآیینه آنان‌که کافر شدند و بازداشتند از راه خدا باز بمردند و ایشان کافر بودند پس هرگز نخواهد آمرزید خدا ایشان را. ﴿۳۴﴾ پس سستی مکنید و به سوی صلح مخوانید و شمایید غالب و خدا با شما است، ضایع نخواهد ساخت عمل‌های شما را. ﴿۳۵﴾ جز این نیست که زندگانی دنیا بازی است و بیهودگی است و اگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید بدهد شما را مزد شما و نطلبد از شما مال شما را[3]. ﴿۳۶﴾ اگر بطلبد از شما مال شما را، پس مبالغه کند در سؤال آنگاه بخل کنید و بر روی کار آرد آن بخل، کینه‌های شما را. ﴿۳۷﴾ آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده می‌شود شما را تا خرج کنید در راه خدا، پس از شما کسی هست که بخل می‌کند و هر که بخل می‌کند، جز این نیست که بخل می‌کند از خویش[4] و خدا توانگر است و شما محتاجید و اگر روی‌گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما، باز نباشند آن جماعت مانند شما. ﴿۳۸﴾

۱- یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا می‌شد والله اعلم.

۲- یعنی به ارتداد و به ریا و سمعه.

۳- یعنی جمیع مال را.

۴- یعنی منفعت انفاق از خود بازمی‌دارد.

سُورَةُ الفَتْحِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحۡنَا لَكَ فَتۡحٗا مُّبِينٗا ١ لِّيَغۡفِرَ لَكَ ٱللَّهُ مَا
تَقَدَّمَ مِن ذَنۢبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ
وَيَهۡدِيَكَ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢ وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصۡرًا
عَزِيزًا ٣ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا ٤
لِّيُدۡخِلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡۚ
وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ ٱللَّهِ فَوۡزًا عَظِيمٗا ٥ وَيُعَذِّبَ
ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ
ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِۚ عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِۖ
وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَلَعَنَهُمۡ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَۖ
وَسَآءَتۡ مَصِيرٗا ٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ٧ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا
وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٨ لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ
وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٩

سوره فتح

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرآیینه ما حکم کردیم برای تو به فتح ظاهر[1]. ﴿۱﴾ عاقبت فتح آن
است که بیامرزد تو را خدا، آنچه که سابق گذشت از گناه تو و آنچه
پس ماند و تمام کند نعمت خود را بر تو و بنماید تو را راه راست.
﴿۲﴾ و تا نصرت دهد تو را خدا به نصرت قوی. ﴿۳﴾ اوست آن که
فرود آورده اطمینان را بر دل مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان با
ایمان سابق ایشان و خدای راست لشکر آسمان‌ها و زمین و هست
خدا دانا با حکمت. ﴿۴﴾ عاقبت نزول سکینه آن است که در آرد
مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را به بوستان‌ها می‌رود زیر آن
جوی‌ها جاویدان آنجا و زایل کند از ایشان جرم‌های ایشان را و
هست این مقدمه، نزدیک خدا فیروزی بزرگ. ﴿۵﴾ تا عذاب کند
مردان منافق را و زنان منافق را و مردان شرک آرنده را و زنان شرک
آرنده را که گمان کننده‌اند بر خدا گمان بد. بر ایشان باد مصیبت بد
و به خشم آمد خدا بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده ساخت
برای ایشان دوزخ را و بدجایی است دوزخ. ﴿۶﴾ و خدای راست
لشکر آسمان‌ها و زمین و هست خدا غالب با حکمت. ﴿۷﴾ هرآیینه
ما فرستادیم تو را اظهار حق کننده و بشارت دهنده و ترساننده. ﴿۸﴾
تا ایمان آرید ای مسلمانان به خدا و و به رسول او و تا نصرت دهید
دین خدا را و بزرگی اعتقاد کنید او را و به پاکی یاد کنید او را
بامداد و پگاه. ﴿۹﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرتﷺ به خواب دیدند، گویا آن حضرت با اصحاب در مکه داخل شدند و با اطمینانِ خاطر به حلق و قصر مشغول‌اند، پس آن سال به قصد عمره متوجه کعبه شدند وچون به حدیبیه رسیدند، کفار قریش از وصول به کعبه مانع آمدند و بعد تشویش بیسار با کفار صلح کرده بغیر از وصول به کعبه بازگشتند. خدای تعالی آن عمل را از ایشان قبول فرمود، از آن بیعت که در اثنای تشویش به جهت تأکید عزم به آن حضرتﷺ کرده بودند، راضی شده به ثواب آن عمل، فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید، به تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص به حاضران بیعت گردانید و غیر ایشان را از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیا سال آینده به ظهور رسید. پس در بابِ وعدهٔ فتوح و رد شبههٔ منافقان به سبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر حدیبیه و بیان خشنودی خود به اهلِ بیعت، این سوره نازل فرمود، والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ
أَيۡدِيهِمۡۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ
أَوۡفَىٰ بِمَا عَٰهَدَ عَلَيۡهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤۡتِيهِ أَجۡرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾
إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوۡقَ
أَى سَيَقُولُ لَكَ ٱلۡمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ شَغَلَتۡنَآ
أَمۡوَٰلُنَا وَأَهۡلُونَا فَٱسۡتَغۡفِرۡ لَنَاۚ يَقُولُونَ بِأَلۡسِنَتِهِم مَّا
لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ
شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ ضَرًّا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ نَفۡعَۢاۚ بَلۡ
كَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرَۢا ﴿١١﴾ بَلۡ ظَنَنتُمۡ أَن لَّن
يَنقَلِبَ ٱلرَّسُولُ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِلَىٰٓ أَهۡلِيهِمۡ أَبَدًا وَزُيِّنَ
ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمۡ وَظَنَنتُمۡ ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ وَكُنتُمۡ قَوۡمَۢا
بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَن لَّمۡ يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ فَإِنَّآ أَعۡتَدۡنَا
لِلۡكَٰفِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ
يَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُۚ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا
رَّحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ ٱلۡمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقۡتُمۡ إِلَىٰ مَغَانِمَ
لِتَأۡخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡۖ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُواْ كَلَٰمَ
ٱللَّهِۚ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمۡ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبۡلُۖ
فَسَيَقُولُونَ بَلۡ تَحۡسُدُونَنَاۚ بَلۡ كَانُواْ لَا يَفۡقَهُونَ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿١٥﴾

هرآیینه آنان‌که بیعت می‌کنند با تو جز این نیست که بیعت می‌کنند با خدا. دست خدا است بالای دست ایشان، پس هر که عهد بشکند پس جز این نیست که می‌شکند به ضرر نفس خود و هر که تمام کند آنچه بر آن با خدا عهد کرده است، خواهد داد او را مزد بزرگ. ﴿۱۰﴾ خواهند گفت با تو پس گذاشتگان از اعراب:[۱] مشغول کرد ما را اموال ما و فرزندان ما، پس طلب آمرزش کن برای ما می‌گویند به زبان خود آنچه نیست در دل ایشان بگو: که می‌تواند برای شما از خدا چیزی اگر خواهد زیان رسانیدن به شما یا خواهد در حق شما سود دادن؟ بلکه هست خدا به آنچه می‌کنید خبردار. ﴿۱۱﴾ [نی!] بلکه ظن کردید که بازنخواهد گشت پیغامبر و مسلمانان به سوی اهل خانهٔ خویش هرگز و آراسته شد این ظن در دل شما و ظن کردید ظن بد و گشتید قومی هلاک شده. ﴿۱۲﴾ و هر که ایمان نیاورد به خدا و پیغامبر او پس هرآیینه ما آماده کردیم برای این کافران آتش را. ﴿۱۳﴾ و خدای راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین می‌آمرزد هر که را خواهد و عذاب می‌کند هر که را خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان. ﴿۱۴﴾ خواهند گفت با تو پس گذاشتگان وقتی که روانه شوید به سوی غنیمت‌ها[۲] تا به دست آرید آن را: بگذارید ما را تا از پی شما رویم می‌خواهند که مخالفت کنند وعدهٔ خدا را. بگو: پیروی ما نخواهید کرد همچنین فرموده است خدا پیش از این پس خواهند گفت: [نی]، بلکه حسد می‌کنید با ما بلکه همیشه فهم نمی‌کردند مگر اندکی. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی آنان که در سفر حدیبیه موافقت نکردند، والله اعلم.

۲- یعنی غنیمت‌های خیبر.

قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ سَتُدۡعَوۡنَ إِلَىٰ قَوۡمٍ أُوْلِي
بَأۡسٖ شَدِيدٖ تُقَٰتِلُونَهُمۡ أَوۡ يُسۡلِمُونَۖ فَإِن تُطِيعُواْ
يُؤۡتِكُمُ ٱللَّهُ أَجۡرًا حَسَنٗاۖ وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ كَمَا تَوَلَّيۡتُم
مِّن قَبۡلُ يُعَذِّبۡكُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا ١٦ لَّيۡسَ عَلَى
ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى
ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ
جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ
عَذَابًا أَلِيمٗا ١٧ ۞لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ
يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ
ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا ١٨ وَمَغَانِمَ
كَثِيرَةٗ يَأۡخُذُونَهَاۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٩
وَعَدَكُمُ ٱللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةٗ تَأۡخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمۡ
هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيۡدِيَ ٱلنَّاسِ عَنكُمۡ وَلِتَكُونَ ءَايَةٗ
لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَيَهۡدِيَكُمۡ صِرَٰطٗا مُّسۡتَقِيمٗا ٢٠ وَأُخۡرَىٰ
لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ
كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢١ وَلَوۡ قَٰتَلَكُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
لَوَلَّوُاْ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ٢٢ سُنَّةَ
ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ
تَبۡدِيلٗا ٢٣

بگو: [یا محمد] پس گذاشتگان را از اعراب که شما خوانده خواهید شد به سوی کارزار قومی، خداوند کارزار سخت[۱] که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند. پس اگر فرمانبرداری کنید بدهد خدا شما را مزد نیک و اگر روی گردان شوید چنانکه روی گردان شده بودید پیش از این عقوبت کند شما را به عقوبت در دهنده. ﴿۱۶﴾ نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی[۲] و هر که فرمان برد خدا و رسول او را در آردش به بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها و هر که روی گردان شود عقوبت کند آن را به عقوبت درد دهنده. ﴿۱۷﴾ هرآیینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتی که بیعت می‌کردند با تو زیر درخت، پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشان را فتحی نزدیک. ﴿۱۸﴾ و غنیمت‌های بسیار که به دست آرند آن را[۳] و هست خدا غالب با حکمت. ﴿۱۹﴾ وعده داده است شما را خدا غنیمت‌های بسیار که به دست آرید آنها را، پس زود عطا کرد این غنیمت[۴] و بازداشت دست مردمان را از شما[۵] و تا باشد این مقدمه نشانه‌ای مسلمانان را و تا بنماید خدا شما را راهِ راست[۶]. ﴿۲۰﴾ و وعده داد خدا غنیمت‌های دیگر نیز که هنوز دست نیافته‌اید بر آن، دانسته است خدای آن را و هست خدا بر همه چیز توانا[۷]. ﴿۲۱﴾ و اگر جنگ می‌کردند با شما کافران البته به سوی شما می‌گردانیدند پشت را باز نمی‌یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده‌ای. ﴿۲۲﴾ [مانند] آیین خدا که گذشته است پیش از این و نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی. ﴿۲۳﴾

۱- یعنی فارس وروم و این معنی در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد، والله اعلم.

۲- یعنی در تخلف از مثل این سفر، والله اعلم.

۳- یعنی غنایم خیبر و غیره.

۴- یعنی غنایم خیبر.

۵- یعنی در حدیبیه.

۶- یعنی کفار قریش جمع شدند که آن حضرتﷺ را تشویشی رسانند. خدای تعالی دست ایشان را از قتال بازداشت وقضیه به صلح انجامید.

۷- یعنی غنایم فارس و روم.

وَهُوَ ٱلَّذِي كَفَّ أَيۡدِيَهُمۡ عَنكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ عَنۡهُم
بِبَطۡنِ مَكَّةَ مِنۢ بَعۡدِ أَنۡ أَظۡفَرَكُمۡ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾ هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَصَدُّوكُمۡ
عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡهَدۡيَ مَعۡكُوفًا أَن يَبۡلُغَ
مَحِلَّهُۥۚ وَلَوۡلَا رِجَالٞ مُّؤۡمِنُونَ وَنِسَآءٞ مُّؤۡمِنَٰتٞ لَّمۡ
تَعۡلَمُوهُمۡ أَن تَطَـُٔوهُمۡ فَتُصِيبَكُم مِّنۡهُم مَّعَرَّةُۢ بِغَيۡرِ
عِلۡمٖۖ لِّيُدۡخِلَ ٱللَّهُ فِي رَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُۚ لَوۡ تَزَيَّلُواْ
لَعَذَّبۡنَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذۡ
جَعَلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ
ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ وَكَانُوٓاْ أَحَقَّ بِهَا
وَأَهۡلَهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ﴿٢٦﴾ لَّقَدۡ صَدَقَ
ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءۡيَا بِٱلۡحَقِّۖ لَتَدۡخُلُنَّ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ
إِن شَآءَ ٱللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمۡ وَمُقَصِّرِينَ
لَا تَخَافُونَۖ فَعَلِمَ مَا لَمۡ تَعۡلَمُواْ فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ
فَتۡحٗا قَرِيبًا ﴿٢٧﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ
وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ
شَهِيدٗا ﴿٢٨﴾

و اوست آن که بازداشت دست کافران را از شما و دست شما را از کافران در میان مکّه، بعد از آنکه فیروزمند ساخت شما را بر ایشان و هست خدا به آنچه می‌کنید بینا[1]. ﴿۲۴﴾ این کفار قریش، آنانند که کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را موقوف داشته از آنکه برسد به جای خود و اگر نبودی مردمان مسلمانان و زنان مسلمانان که نمی‌دانید ایشان را، اگر نبودی خوف آنکه پی کنید سر ایشان را، پس برسد به شما گناهی به غیر دانست[2]. فتح را مؤخر کرد خدا تا درآرد هر که را خواهد بر رحمت خود اگر هم جدا می‌بودند این هر دو فریق البته عقوبت می‌کردیم کافران را عقوبت درد دهنده. ﴿۲۵﴾ آنگاه که مصمّم کردند کافران در دل خویش غیرت را از جنس غیرت جاهلیّت، پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغامبر خود و بر مسلمانان و ثابت کرد بر ایشان سخن پرهیزگاری و بودند سزاوار به آن و اهل آن و هست خدا به هر چیز دانا[3]. ﴿۲۶﴾ هرآیینه راست نمود خدا پیغامبر خود را خواب مطابق واقع [به این مضمون] که البته داخل خواهید شد به مسجد حرام اگر خدا خواسته است، ایمن شده تراشیده موی سر خود را به مقراض گرفته ترسان نشده، پس دانست آنچه ندانستید شما، پس میسّر کرد پیش از این فتحی نزدیک را . ﴿۲۷﴾ اوست آنکه فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه آن و بس است خدا اظهار کننده حق. ﴿۲۸﴾

۱- تعریض است به آن قصّه که بعد انعقاد صلح، هفتاد تن از اوباش قریش خواستند که بی‌خبر بر صحابه هجوم آرند. صحابه همه را اسیر کرده پیش ان حضرتﷺ آوردند، آن حضرت عفو فرمود. ظاهر نزدیک بنده، ضعیف است و صحیح آن است که این آیت بشارت است به فتح مکه و آوردن لفظ ماضی از جهت تحقیق وقوع بشارت است، والله اعلم.

۲- یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی و فتح عاجلاً میسر گشتی، والله اعلم.

۳- یعنی جماعتی از مسلمانان این صلح راکاره بودند. آخر الامر خدای تعالی اطمینان را به دل ایشان انداخت تا به مرضیٍّ آن حضرتﷺ رضا دادند، والله اعلم.

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ﴿٢٩﴾

محمد پیغامبر خدا است و آنان‌که همراه اویند سخت‌اند بر کافران مهربانند در میان خود. می‌بینی ایشان را رکوع کننده و سجده نماینده، می‌طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را. نشانهٔ صلاح ایشان در روی ایشان است از اثر سجده. آنچه مذکور می‌شود داستان ایشان است در تورات و داستان ایشان است در انجیل. ایشان مانند زراعتی هستند که بر آورد گیاه سبزه خود را، پس قوی کرد آن را، پس ستبر شد پس باستاد خود بر ساق‌های خود. به شگفت می‌آرد زراعت کنندگان را[1]، تا که در خشم آرد به سبب دیدن ایشان کافران را وعده داده است خدا آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند از ایشان، آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۲۹﴾

سُورَةُ الحُجُرَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ﴿١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تَشۡعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤﴾

سوره حجرات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان[2]

ای مسلمانان! پیش‌دستی مکنید روبه‌روی خدا و رسول او و بترسید از خدا هرآیینه خدا شنوای دانا است. ﴿۱﴾ ای مسلمانان! بلند مکنید آوازهای خود را بالایی آواز پیغامبر و بلند نگویید با او سخن را مانند بلند گفتن بعض شما با بعضی برای احتراز از آنکه نابود شود عمل‌های شما و شما خبردار نباشید. ﴿۲﴾ هرآیینه آنان‌که پست می‌کنند آواز خود را نزدیک پیغامبر خدا، آن جماعت آنانند که آزموده است خدا دل ایشان را برای ظهور تقوی. ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۳﴾ هرآیینه آنان‌که آواز می‌دهند تو را از پس حجرها اکثر فهم نمی‌کنند. ﴿۴﴾

۱- حاصلِ مثل آن است که اسلام در اوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند. رفته رفته غالب و بسیار شدند. عاقبت حال غلبه اسلام آن است که به خشم آرد خدای تعالی کافران را.

۲- مترجم گوید: خدای تعالی این سورت برای تعلیم آداب فرود آورد که از حضرت پیغامبرﷺ در امر و نهی پیشدستی نکنند به آن حضرت به آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق چیزی گوید، به غیر تفتیش حال، امضای عزمت ننمایند. در صورتی که میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن چگونه کنند و از استهزاء با یکدیگر و لقب بد نهادن و غیبت کردن و ظن بد کردن و به علوِّ نسب بر دیگران فخر کردن، منع کرد و ضعیف‌الایمان را بر ضعیف‌الایمان تنبیه فرمود، والله اعلم.

وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ
وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن
جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ
فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ﴿٦﴾ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ
فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ
لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ
فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ
وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ﴿٧﴾ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ
وَنِعۡمَةٗۚ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ﴿٨﴾ وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ
إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ
إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ
وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا
ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ
ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا
يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ
وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ
وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ
ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿١١﴾

و اگر ایشان صبر کردندی تا وقتی که بیرون آیی به سوی ایشان بهتر بودی ایشان را و خدا آمرزگار مهربان است[۱]. ﴿۵﴾ ای مسلمانان! اگر بیارد پیش شما فاسق خبری را، پس تفحص کنید برای احتراز از آنکه ضرر رسانید قومی را به نادانی پس پشیمان شوید بر آنچه عمل کردید. ﴿۶﴾ و بدانید که در میان شما رسول خدا است اگر فرمان برد شما را در بسیاری از کارها به رنج درافتید و لیکن خدا دوست گردانید نزدیک شما ایمان را و آراسته کرد آن را در دلهای شما و ناخوش گردانید پیش شما کفر را و فسق را و نافرمانی را. این جماعت ایشانند راه یافتگان. ﴿۷﴾ به احسان از نزدیک خدا و به نعمت و خدا دانا با حکمت است. ﴿۸﴾ و اگر دو گروه از مسلمانان با یکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میان ایشان، پس اگر تعدی کرد یکی از این دو گروه بر دیگری پس جنگ بکنید به آن گروه که تعدی می‌کند تا آنکه رجوع کند به سوی حکم خدا، پس اگر رجوع کرد صلح کنید میان ایشان به انصاف و داد دهید، هرآیینه خدا دوست می‌دارد داد دهندگان را. ﴿۹﴾ جز این نیست که مسلمانان، برادران یکدیگراند، پس صلح کنید میان دو برادر خویش و بترسید از خدا تا بر شما رحم کرده شود. ﴿۱۰﴾ ای مسلمانان! تمسخر نکند گروهی با گروهی احتمال است که آن گروه بهتر باشند از ایشان در نفس الامر و نه زنان تمسخر کنند با زنان دیگر، احتمال است که آن زنان بهتر باشند از ایشان و عیب مکنید در میان خویش و یکدیگر را به لقب‌های بد مخوانید. بدنامی است فاسقی بعد از ایمان آوردن و هر که توبه نکرد، پس آن جماعت ایشانند ستمکاران[۲]. ﴿۱۱﴾

۱- مترجم گوید: این تعریض است به حال قومی از بنی تمیم که به جهت مهمی پیش آن حضرتﷺ آمدند و چون در مسجد نیافتند و نمی‌دانستند که در کدام حجره تشریف دارند، نزدیک حجره‌ها به آواز بلند ندا کردن شروع کردند، والله اعلم.

۲- یعنی به گناهی که در جاهلیت کرده باشند، بعد از اسلام نشانِ سند نباید ساخت.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ
بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم
بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا
فَكَرِهۡتُمُوهُۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٞ رَّحِيمٞ ﴿١٢﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ
وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ
عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ﴿١٣﴾ ۞قَالَتِ
ٱلۡأَعۡرَابُ ءَامَنَّاۖ قُل لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ وَلَٰكِن قُولُوٓاْ أَسۡلَمۡنَا
وَلَمَّا يَدۡخُلِ ٱلۡإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمۡۖ وَإِن تُطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ لَا يَلِتۡكُم مِّنۡ أَعۡمَٰلِكُمۡ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ
وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ
فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلۡ
أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ
عَلَيۡكَ أَنۡ أَسۡلَمُواْۖ قُل لَّا تَمُنُّواْ عَلَيَّ إِسۡلَٰمَكُمۖ بَلِ
ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيۡكُمۡ أَنۡ هَدَىٰكُمۡ لِلۡإِيمَٰنِ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ غَيۡبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ
وَٱللَّهُ بَصِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨﴾

ای مسلمانان! احتراز کنید از بسیاری گمان بد هرآیینه بعض بدگمانی گناه است و جاسوسی مکنید و غیبت نکند بعض شما بعض را. آیا دوست می‌دارد کسی از شما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد؟ پس متنفر شوید از وی و بترسید از خدا هرآیینه خدا توبه پذیرنده مهربان است. ﴿۱۲﴾ ای مردمان! هرآیینه آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و ساختیم شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها تا با یکدیگر شناسا شوید. هرآیینه گرامی‌ترین شما نزدیک خدا پرهیزگارترین شما است هرآیینه خدا دانای خبردار است. ﴿۱۳﴾ گفتند اعراب: ایمان آوردیم. بگو: ایمان به حقیقت نیاوردید و لیکن بگویید منقاد شده‌ایم و هنوز درنیامده است ایمان در دل‌های شما و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید، کم ندهد شما را از جزای اعمال شما چیزی. هرآیینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۴﴾ جز این نیست که مؤمنان به حقیقت آنانند که ایمان آوردند به خدا و پیغامبر او و باز شبهه نکردند و جهاد نمودند به اموال خود و جان خود در راه خدا. آن جماعت، ایشانند راستگویان. ﴿۱۵﴾ بگو: آیا خبردار می‌کنید خدا را به دین خود و خدا می‌داند آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است؟! و خدا به هر چیز دانا است. ﴿۱۶﴾ منّت می‌نهند بر تو به آنکه مسلمان شده‌اند. بگو: منّت منهید بر من به اسلام خود بلکه خدا منّت می‌نهد بر شما به آنکه هدایت کرد شما را به ایمان، اگر راستگو هستید. ﴿۱۷﴾ هرآیینه خدا می‌داند پنهان آسمان‌ها و زمین و خدا بینا است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۸﴾

سُورَةُ قٓ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ ١ بَلۡ عَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم
مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡ فَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَيۡءٌ عَجِيبٌ ٢
أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗاۖ ذَٰلِكَ رَجۡعُۢ بَعِيدٞ ٣ قَدۡ عَلِمۡنَا
مَا تَنقُصُ ٱلۡأَرۡضُ مِنۡهُمۡۖ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظُۢ ٤
بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمۡ فَهُمۡ فِيٓ أَمۡرٖ مَّرِيجٍ ٥
أَفَلَمۡ يَنظُرُوٓاْ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَوۡقَهُمۡ كَيۡفَ بَنَيۡنَٰهَا
وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٖ ٦ وَٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا
وَأَلۡقَيۡنَا فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجِۢ بَهِيجٖ
٧ تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ٨ وَنَزَّلۡنَا مِنَ
ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗا فَأَنۢبَتۡنَا بِهِۦ جَنَّٰتٖ وَحَبَّ
ٱلۡحَصِيدِ ٩ وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ لَّهَا طَلۡعٞ نَّضِيدٞ ١٠
رِّزۡقٗا لِّلۡعِبَادِۖ وَأَحۡيَيۡنَا بِهِۦ بَلۡدَةٗ مَّيۡتٗاۚ كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ
١١ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَأَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ وَثَمُودُ
١٢ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ وَإِخۡوَٰنُ لُوطٖ ١٣ وَأَصۡحَٰبُ
ٱلۡأَيۡكَةِ وَقَوۡمُ تُبَّعٖۚ كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ١٤
أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ ٱلۡأَوَّلِۚ بَلۡ هُمۡ فِي لَبۡسٖ مِّنۡ خَلۡقٖ
جَدِيدٖ ١٥

سوره ق

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ق و قسم به قرآنِ با بزرگی [که تو پیغامبر خدایی] . ﴿۱﴾
بلکه تعجب کردند کافران از آنکه آمد بدیشان ترساننده از
قوم ایشان، پس گفتند آن کافران: این چیزی است عجیب.
﴿۲﴾ آیا چون بمیریم و خاک شویم، [حشر کرده شویم]
این بازگردانیدن است دور از عقل. ﴿۳﴾ هرآیینه دانسته‌ایم
آنچه کم می‌کند زمین از ایشان[1] و نزدیک ما کتابی است
نگاهدارنده[2]. ﴿۴﴾ نی، بلکه دروغ نسبت کردند سخن
راست را وقتی که بیاید بدیشان پس ایشان در کاری
شوریده‌اند. ﴿۵﴾ آیا ندیده‌اند به سوی آسمان بالای خود
چگونه بنا کرده‌ایم آن را و آراسته کرده‌ایم آن را و نیست
در آن هیچ شکافی؟. ﴿۶﴾ و زمین را گستردیم و
افکنده‌ایم در آن کوه‌ها و رویانیدیم در آن از هر نوع
خوش آینده. ﴿۷﴾ برای راه نمودن و پند دادن هر بندهٔ
رجوع کننده را. ﴿۸﴾ و فرود آوردیم از آسمان آب با
برکت، پس رویانیدیم به سبب آن بوستان‌ها و دانه که
درود می‌کنند آن را. ﴿۹﴾ و درختان خرما را بلند بالا
برآمده، آن را میوه است تو بر تو. ﴿۱۰﴾ روزی برای
بندگان و زنده ساختیم به آن شهر مرده را، همچنین باشد
برآمدن از گور. ﴿۱۱﴾ به دروغ نسبت کردند پیش از
ایشان قوم نوح و اهل رسّ و ثمود. ﴿۱۲﴾ و عاد و فرعون
و برادران لوط. ﴿۱۳﴾ و اهل ایکه و قوم تُبّع، هر یکی به
دروغ نسبت کردند پیغامبران را، پس ثابت شد وعدهٔ
عذاب من. ﴿۱۴﴾ آیا عاجز شده بودیم در آفرینش
نخستین؟ بلکه ایشان در شبهه‌اند از آفرینش نو. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی آنچه می‌خورد از جزو ایشان.

۲- یعنی لوحِ محفوظ.

وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ
وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذۡ يَتَلَقَّى
ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِيدٞ ﴿١٧﴾ مَّا
يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ﴿١٨﴾ وَجَآءَتۡ
سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾
وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِۚ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَجَآءَتۡ كُلُّ
نَفۡسٖ مَّعَهَا سَآئِقٞ وَشَهِيدٞ ﴿٢١﴾ لَّقَدۡ كُنتَ فِي غَفۡلَةٖ
مِّنۡ هَٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ ٱلۡيَوۡمَ
حَدِيدٞ ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُۥ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾ أَلۡقِيَا
فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ ﴿٢٤﴾ مَّنَّاعٖ لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٖ
مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾ ٱلَّذِي جَعَلَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَأَلۡقِيَاهُ
فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ ۞قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ
أَطۡغَيۡتُهُۥ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَٰلِۭ بَعِيدٖ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا
تَخۡتَصِمُواْ لَدَيَّ وَقَدۡ قَدَّمۡتُ إِلَيۡكُم بِٱلۡوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا
يُبَدَّلُ ٱلۡقَوۡلُ لَدَيَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ﴿٢٩﴾ يَوۡمَ
نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ﴿٣٠﴾
وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَٰذَا مَا
تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ ﴿٣٢﴾ مَّنۡ خَشِيَ
ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ٱدۡخُلُوهَا
بِسَلَٰمٖۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ ٱلۡخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا
وَلَدَيۡنَا مَزِيدٞ ﴿٣٥﴾

و هرآیینه آفریدیم آدمی را و می‌دانیم چیزی که به خاطر گذارندش نفس او و ما نزدیکتریم به آدمی از رگ جان. ﴿۱۶﴾ آنگاه که یاد می‌گیرند دو یاد گیرنده به پهلوی راست نشیننده و بر پهلوی چپ نشیننده[۱]. ﴿۱۷﴾ به زبان نمی‌آرد آدمی سخنی، مگر نزدیک او نگهبانی است مهیّا[۲]. ﴿۱۸﴾ و بیاید سختی موت به راستی. این است جزای آنچه از آن کناره می‌کردی. ﴿۱۹﴾ و دمیده شود در صور. این است روز وعدهٔ عذاب. ﴿۲۰﴾ و بیامد هر شخصی همراه او روان کننده است و گواهی دهنده[۳]. ﴿۲۱﴾ گوییم: هرآیینه بودی در بی‌خبری از این مقدمه پس برداشتیم از تو پردهٔ تو را، پس چشم تو امروز تیزبین است. ﴿۲۲﴾ و گفت فرشتهٔ همنشین او: این است آنکه نزدیک من بود حاضر کرده شده. ﴿۲۳﴾ [گوییم]: بیفکنید [ای دو فرشته] در دوزخ هر ناسپاس سرکش را[۴]. ﴿۲۴﴾ هر امساک کنندهٔ مال را درگذرنده از حدّ را هر شک آرنده را. ﴿۲۵﴾ آنکه مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس بیفکنید این هر یک را در عذاب سخت. ﴿۲۶﴾ گفت همنشین او:[۵] ای پروردگار ما! من گمراه نکردم این شخص را و لیکن وی بود در گمراهی دور. ﴿۲۷﴾ فرمود: خصومت مکنید نزدیک من و حال آنکه پیش از این فرستاده بودم به سوی شما وعدهٔ عذاب. ﴿۲۸﴾ تغیر داده نمی‌شود وعدهٔ نزدیک من و نیستم من ستم کننده بر بندگان. ﴿۲۹﴾ روزی که بگوییم دوزخ را: آیا پر شدی؟ و [دوزخ] گوید: آیا هیچ از این زیاده هست؟[۶]. ﴿۳۰﴾ و نزدیک گردانیده شود بهشت برای متقیان نه دور مانده ﴿۳۱﴾ گوییم: این است آنچه وعده داده می‌شد شما را. نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده و ادب نگاهدارنده. ﴿۳۲﴾ برای هر کسی که ترسد از خدا نادیده و پیش آمده به دل متوجه شده. ﴿۳۳﴾ گوییم: داخل شوید در بهشت همراه سلامتی، این است روز همیشه باشیدن. ﴿۳۴﴾ ایشان راست آنچه خواهند در بهشت و نزدیک ما زیاده‌ترست از آن. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی کراماً کاتبین، والله اعلم.

۲- یعنی اگر کلمهٔ حق باشد، فرشتهٔ دست راست می‌نویسد و اگر کلمه باطل باشد، فرشتهٔ دست چپ می‌نویسد، والله اعلم.

۳- مراد جنس روان کننده و گواهی دهنده است.

۴- مترجم گوید: عادت پادشاهان است که اسیر را پیش ایشان دو کس گرفته می‌آرند از این جهت دو فرشته را خطاب شود.

۵- یعنی شیاطین از انس و جن، والله اعلم.

۶- یعنی هر چند دور اندازند زیاده طلب کند، والله اعلم.

وَكَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّن قَرۡنٍ هُمۡ أَشَدُّ مِنۡهُم بَطۡشٗا
فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ هَلۡ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَذِكۡرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلۡبٌ أَوۡ أَلۡقَى ٱلسَّمۡعَ وَهُوَ
شَهِيدٞ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا
بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٖ ﴿٣٨﴾ فَٱصۡبِرۡ
عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ
ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ ٱلۡغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ
وَأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَٱسۡتَمِعۡ يَوۡمَ يُنَادِ ٱلۡمُنَادِ مِن
مَّكَانٖ قَرِيبٖ ﴿٤١﴾ يَوۡمَ يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكَ
يَوۡمُ ٱلۡخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيۡنَا
ٱلۡمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ
حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ ﴿٤٤﴾ نَّحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَقُولُونَۖ وَمَآ
أَنتَ عَلَيۡهِم بِجَبَّارٖۖ فَذَكِّرۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ
﴿٤٥﴾

و بسیار هلاک کردیم پیش از این امّت‌هاکه قوی‌تر بودند از این جماعت در دست‌درازی. پس تفحص کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی است؟. ﴿۳۶﴾ هرآیینه در این مقدمه پند است کسی را که دلی دارد یا گوش نهد متوجه شده. ﴿۳۷﴾ و هرآیینه آفریدیم آسمان‌ها و زمین و آنچه در هر دو است در شش روز و نرسید به ما هیچ ماندگی. ﴿۳۸﴾ پس صبر کن بر آنچه می‌گویند و به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش، پیش از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن. ﴿۳۹﴾ و در بعض اوقات شب به پاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز. ﴿۴۰﴾ و بشنو [این قصّه] روزی که آواز دهد آواز دهنده از جای نزدیک[1]. ﴿۴۱﴾ روزی که بشنوند نعرهٔ تند را به غیر تردد و آن روز بر آمدن ایشان است. ﴿۴۲﴾ هرآیینه ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و به سوی ما است بازگشت. ﴿۴۳﴾ روزی که بشکافد زمین از سر ایشان، بیرون آیند شتابان این برانگیختن است آسان بر ما. ﴿۴۴﴾ ما می‌دانیم آنچه می‌گویند و نیستی تو بر ایشان قهر کننده، پس پندده به قرآن هر که می‌ترسد از وعدهٔ عذاب من. ﴿۴۵﴾

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا ﴿١﴾ فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا ﴿٢﴾ فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ
يُسۡرٗا ﴿٣﴾ فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٞ
﴿٥﴾ وَإِنَّ ٱلدِّينَ لَوَٰقِعٞ ﴿٦﴾

سوره ذاریات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به بادهای پراکندهٔ خاک [وجز آن پراکنده کردنی] . ﴿۱﴾ پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بار آب. ﴿۲﴾ پس قسم به کشتی‌های روان شونده به سهولت! . ﴿۳﴾ پس قسم به فرشتگان تقسیم کنندهٔ کار![2]. ﴿۴﴾ هرآیینه وعده‌ای که کرده می‌شود به شما، راست است. ﴿۵﴾ و هرآیینه جزای اعمال بودنی است. ﴿۶﴾

۱- این تصویر هست آن راکه همه در استماع ندا مساوی باشند، والله اعلم.

۲- یعنی ارزاق و بلادها را .

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ ٧ إِنَّكُمۡ لَفِي قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ ٨
يُؤۡفَكُ عَنۡهُ مَنۡ أُفِكَ ٩ قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ١٠ ٱلَّذِينَ هُمۡ
فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ١١ يَسۡـَٔلُونَ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٢ يَوۡمَ
هُمۡ عَلَى ٱلنَّارِ يُفۡتَنُونَ ١٣ ذُوقُواْ فِتۡنَتَكُمۡ هَٰذَا ٱلَّذِي
كُنتُم بِهِۦ تَسۡتَعۡجِلُونَ ١٤ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ
١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ
مُحۡسِنِينَ ١٦ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧
وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ١٨ وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ
وَٱلۡمَحۡرُومِ ١٩ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ ءَايَٰتٞ لِّلۡمُوقِنِينَ ٢٠ وَفِيٓ
أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ ٢١ وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا
تُوعَدُونَ ٢٢ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ
أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ ٢٣ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ
ٱلۡمُكۡرَمِينَ ٢٤ إِذۡ دَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَقَالُواْ سَلَٰمٗاۖ قَالَ سَلَٰمٞ
قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ ٢٥ فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ
٢٦ فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيۡهِمۡ قَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٢٧ فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ
خِيفَةٗۖ قَالُواْ لَا تَخَفۡۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ ٢٨ فَأَقۡبَلَتِ
ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ
٢٩ قَالُواْ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ ٣٠
۞قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣١ قَالُوٓاْ إِنَّآ أُرۡسِلۡنَآ
إِلَىٰ قَوۡمٖ مُّجۡرِمِينَ ٣٢ لِنُرۡسِلَ عَلَيۡهِمۡ حِجَارَةٗ مِّن طِينٖ ٣٣
مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُسۡرِفِينَ ٣٤ فَأَخۡرَجۡنَا مَن كَانَ
فِيهَا مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٣٥

قسم به آسمان! خداوندِ راه‌ها[1]. ﴿۷﴾ هرآیینه شما در سخنی باهم اختلاف دارنده هستید. ﴿۸﴾ بازگردانیده می‌شود [از قرآن] هر که [در علم الهی از خیر] مصروف است. ﴿۹﴾ لعنت کرده شد دروغگویان را!. ﴿۱۰﴾ آنان‌که ایشان در بی خبری‌اند فراموش کننده‌اند. ﴿۱۱﴾ می‌پرسند: کی خواهد بود روز جزا؟. ﴿۱۲﴾ آری! آن روز که ایشان را در آتش عذاب کرده شود. ﴿۱۳﴾ گوییم: بچشید این عقوبت خود را. این است آنچه آن را شتاب طلب می‌کردید. ﴿۱۴﴾ هرآیینه متقیان در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند. ﴿۱۵﴾ به دست آرنده آنچه داد ایشان را پروردگار ایشان، هرآیینه ایشان بودند پیش از این نیکوکار. ﴿۱۶﴾ بودند [به این صفت که] اندکی از شب خواب کردندی. ﴿۱۷﴾ و به وقت سحر ایشان طلب آمرزش نمودندی. ﴿۱۸﴾ و در اموال ایشان حصّه‌ای مقرر بود برای سؤال کننده و برای تنگدستِ کم سؤال. ﴿۱۹﴾ و در زمین نشانه‌ها است یقین کنندگان را. ﴿۲۰﴾ و در ذات شما نشانه‌ها است آیا نمی‌نگرید؟. ﴿۲۱﴾ و در آسمان است رزق شما و آنچه وعده داده می‌شود شما را[2]. ﴿۲۲﴾ پس قسم به پروردگار آسمان و زمین! هرآیینه این خبر راست است، مانند آنکه شما سخن می‌گویید[3]. ﴿۲۳﴾ آیا آمده است پیش تو خبر مهمانان گرامیِ ابراهیم؟. ﴿۲۴﴾ چون درآمدند بر ابراهیم پس سلام گفتند. جواب سلام داد و به دل گفت: ایشان گروهی هستند ناشناخته. ﴿۲۵﴾ پس متوجه شد به سوی اهل خانهٔ خود، پس آورد کباب گوسالهٔ فربه. ﴿۲۶﴾ پس نزدیک ساخت آن را به ایشان، گفت: آیا نمی‌خورید؟. ﴿۲۷﴾ پس چون نخوردند در خاطر خود یافت از ایشان ترسی. گفتند: مترس! و بشارت دادندش به فرزندی دانا. ﴿۲۸﴾ پس پیش آمد زن ابراهیم به آوازی و طپانچه زد روی خود را (یعنی به تعجب) و گفت: آیا بزاید پیرزنی نازاییده؟!. ﴿۲۹﴾ فرشتگان گفتند: همچنین گفت پروردگار تو هرآیینه اوست با حکمتِ دانا. ﴿۳۰﴾ ابراهیم گفت: پس چیست مقصد شما ای فرستادگان؟!. ﴿۳۱﴾ گفتند: هرآیینه ما فرستاده شدیم به سوی گروهی گناهکار. ﴿۳۲﴾ تا بفرستیم بر سر ایشان سنگواری از گل. ﴿۳۳﴾ نشانمند کرده شده است نزدیک پروردگار تو برای آنان‌که از حد بیرون شده‌اند. ﴿۳۴﴾ پس برآوردیم هر که را بود در آن دیه از مؤمنان. ﴿۳۵﴾

۱- یعنی صورت‌های مختلف دارند، مانند شکل شیر و شکل بره و شکل عقرب، والله اعلم.

۲- یعنی پیش از وجود خارجی، در عالم ملکوت، رزق و عقوبت و امثال آن متصور می‌شود، والله اعلم.

۳- یعنی چنانکه در گفتن خود یقین دارید که ما البته می‌گوییم، همچنین به این خبر یقین باید آورد، والله اعلم.

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٖ مِّنَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾
وَتَرَكْنَا فِيهَآ ءَايَةٗ لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾
وَفِي مُوسَىٰٓ إِذْ أَرْسَلْنَٰهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَٰنٖ مُّبِينٖ ﴿٣٨﴾
فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِۦ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٞ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَٰهُ
وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِي ٱلْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٞ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ
أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ
أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَٱلرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ
لَهُمْ تَمَتَّعُواْ حَتَّىٰ حِينٖ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْاْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا ٱسْتَطَٰعُواْ
مِن قِيَامٖ وَمَا كَانُواْ مُنتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٖ مِّن
قَبْلُۖ إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْمٗا فَٰسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَٱلسَّمَآءَ بَنَيْنَٰهَا
بِأَيْيْدٖ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَٱلْأَرْضَ فَرَشْنَٰهَا فَنِعْمَ
ٱلْمَٰهِدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٞ
مُّبِينٞ ﴿٥٠﴾ وَلَا تَجْعَلُواْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۖ إِنِّي لَكُم
مِّنْهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ ﴿٥١﴾

پس نیافتیم آنجا غیر یک خانه از مسلمانان[۱]. ﴿۳۶﴾ و
گذاشتیم در آن دیه نشانه‌ای برای آنان‌که می‌ترسند از
عذاب درد دهنده[۲]. ﴿۳۷﴾ و در قصّهٔ موسی نشانه‌ای
است، چون فرستادیمش به سوی فرعون به دلیل واضح.
﴿۳۸﴾ پس روگردان شد همراه قوّت خود[۳] و گفت:
جادوگری یا دیوانه است. ﴿۳۹﴾ پس گرفتیم او را و لشکر
او را، پس افکندیم ایشان را در دریا و او کننده بود کاری
را که موجب ملامت باشد. ﴿۴۰﴾ و در قصّهٔ عاد نشانه‌ای
است چون فرستادیم بر ایشان بادی بی‌منفعت. ﴿۴۱﴾
نگذارد هیچ چیزی را که برسد به وی مگر سازد آن را
مانند استخوان پوسیده. ﴿۴۲﴾ و در قصّهٔ ثمود نشانه‌ای
است چون گفته شد ایشان را بهره‌مند باشید تا مدّتی.
﴿۴۳﴾ پس سر کشیدند از فرمان پروردگار خویش، پس
در گرفت ایشان را نعرهٔ تند و ایشان می‌دیدند. ﴿۴۴﴾ پس
نتوانستند برخاستن و نبودند انتقام کشنده. ﴿۴۵﴾ و هلاک
ساختیم قوم نوح را پیش از این هرآیینه ایشان بودند
گروهی بدکار. ﴿۴۶﴾ و آسمان را بنا کردیم به قوّت و
هرآیینه ما توانائیم. ﴿۴۷﴾ و زمین را گسترانیدیم، پس
نیکو گستراننده‌ایم. ﴿۴۸﴾ و از هر چیزی آفریدیم دو قسم
تا شما پندپذیر شوید[۴]. ﴿۴۹﴾ [پیغامبر گوید]: بگریزید
به سوی خدا هرآیینه من برای شما از جانب او ترسانندهٔ
آشکارم. ﴿۵۰﴾ و مقرر مکنید با خدا معبودی دیگر را،
هرآیینه من برای شما از جانب او ترسانندهٔ آشکارم.
﴿۵۱﴾

۱- یعنی خانهٔ حضرت لوط، والله اعلم.

۲- یعنی آثارِ آن سنگباران موجود است، والله اعلم.

۳- یعنی لشکر خود.

۴- یعنی اعلی و ادنی.

كَذَٰلِكَ مَآ أَتَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُواْ
سَاحِرٌ أَوۡ مَجۡنُونٌ ﴿٥٢﴾ أَتَوَاصَوۡاْ بِهِۦۚ بَلۡ هُمۡ قَوۡمٞ
طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٖ ﴿٥٤﴾ وَذَكِّرۡ
فَإِنَّ ٱلذِّكۡرَىٰ تَنفَعُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٥٥﴾ وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ
وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ
وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ ﴿٥٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو
ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذَنُوبٗا مِّثۡلَ ذَنُوبِ
أَصۡحَٰبِهِمۡ فَلَا يَسۡتَعۡجِلُونِ ﴿٥٩﴾ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ
مِن يَوۡمِهِمُ ٱلَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

همچنین نیامده است نزدیک آنان‌که پیش از ایشان بودند هیچ پیغامبری، مگر گفتند: جادوگری یا دیوانه است. ﴿۵۲﴾ آیا با یکدیگر وصیت کرده آمده‌اند [به آنکار]؟ بلکه ایشان گروهی سرکش‌اند. ﴿۵۳﴾ پس روی بازکش از ایشان، پس نیستی تو ملامت کرده شده. ﴿۵۴﴾ و پند ده، هرآیینه پند دادن سود می‌دهد مؤمنان را. ﴿۵۵﴾ و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا. ﴿۵۶﴾ نمی‌خواهم از ایشان رزق را و نمی‌خواهم که مرا طعام دهند. ﴿۵۷﴾ هرآیینه خدا همون است رزق دهنده خداوند توانایی زورآور[1]. ﴿۵۸﴾ پس هرآیینه آنان راکه ستم کرده‌اند نصیه است (یعنی از عقوبت) مانند نصیبه یاران گذشتهٔ ایشان، پس باید که شتاب طلب نکنند از من. ﴿۵۹﴾ پس وای کافران را از آن روز ایشان که وعده داده می‌شوند. ﴿۶۰﴾

سُورَةُ الطُّورِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ ﴿٢﴾ فِي رَقّٖ مَّنشُورٖ ﴿٣﴾
وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ ﴿٤﴾ وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ ﴿٥﴾ وَٱلۡبَحۡرِ
ٱلۡمَسۡجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾ مَّا لَهُۥ مِن
دَافِعٖ ﴿٨﴾ يَوۡمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوۡرٗا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ ٱلۡجِبَالُ
سَيۡرٗا ﴿١٠﴾ فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي
خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوۡمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا
﴿١٣﴾ هَٰذِهِ ٱلنَّارُ ٱلَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾

سوره طور

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به کوه طور. ﴿۱﴾ و قسم به کتاب نوشته شده!. ﴿۲﴾ در کاغذ گشاده[2]. ﴿۳﴾ و قسم به خانهٔ معمورا![3]. ﴿۴﴾ و قسم به سقف برافراشته شده![4]. ﴿۵﴾ و قسم به دریای پر کرده شده!. ﴿۶﴾ هرآیینه عذاب پروردگار تو بودنی است. ﴿۷﴾ نیست او را هیچ دفع کننده. ﴿۸﴾ روزی که جنبش کند آسمان جنبش کردنی. ﴿۹﴾ و روان شود کوه‌ها، روان شدنی. ﴿۱۰﴾ پس وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۱۱﴾ آنان‌که ایشان به بیهوده‌گویی بازی می‌کنند. ﴿۱۲﴾ روزی که به سختی روان کرده شوند به سوی آتش دوزخ روان کردنی. ﴿۱۳﴾ این است آتشی که شما آن را دروغ می‌شمرید. ﴿۱۴﴾

۱- یعنی آدمیان بنده می‌گیرند تا در مآکل ومشرب معاونت کنند، به خلاف خدا، والله اعلم.

۲- یعنی تورات یا قرآن.

۳- یعنی آنکه در آسمان است.

۴- یعنی آسمان.

أَفَسِحۡرٌ هَٰذَآ أَمۡ أَنتُمۡ لَا تُبۡصِرُونَ ﴿١٥﴾ ٱصۡلَوۡهَا
فَٱصۡبِرُوٓاْ أَوۡ لَا تَصۡبِرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡكُمۡۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ
مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَنَعِيمٖ
﴿١٧﴾ فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ وَوَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ عَذَابَ
ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ
﴿١٩﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖۖ وَزَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ
عِينٖ ﴿٢٠﴾ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ
أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن
شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٞ ﴿٢١﴾ وَأَمۡدَدۡنَٰهُم
بِفَٰكِهَةٖ وَلَحۡمٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا
كَأۡسٗا لَّا لَغۡوٞ فِيهَا وَلَا تَأۡثِيمٞ ﴿٢٣﴾ ۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ
غِلۡمَانٞ لَّهُمۡ كَأَنَّهُمۡ لُؤۡلُؤٞ مَّكۡنُونٞ ﴿٢٤﴾ وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ
عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا كُنَّا قَبۡلُ فِيٓ أَهۡلِنَا
مُشۡفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ ٱلسَّمُومِ
﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِن قَبۡلُ نَدۡعُوهُۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾
فَذَكِّرۡ فَمَآ أَنتَ بِنِعۡمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٖ وَلَا مَجۡنُونٍ
﴿٢٩﴾ أَمۡ يَقُولُونَ شَاعِرٞ نَّتَرَبَّصُ بِهِۦ رَيۡبَ ٱلۡمَنُونِ ﴿٣٠﴾
قُلۡ تَرَبَّصُواْ فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ ٱلۡمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

آیا سحر است این یا شما در نمی‌نگرید؟. ﴿۱۵﴾ درآیید
به این آتش پس صبر کنید یا نکنید برابر است بر شما، جز
این نیست که جزا داده خواهید شد به حسب آنچه
می‌کردید. ﴿۱۶﴾ هرآیینه متقیان در بوستان‌ها و نعمت‌ها
باشند. ﴿۱۷﴾ خوشحال شده به سبب آنکه نعمت داد
ایشان را پروردگار ایشان و به سبب آنکه نگاهداشت ایشان
را پروردگار ایشان از عذاب دوزخ. ﴿۱۸﴾ بخورید و
بنوشید گوارا به سبب آنچه می‌کردید. ﴿۱۹﴾ تکیه زده بر
تخت‌ها برابر یکدیگر گسترده و کدخدا کنیم ایشان را به
حوران گشاده چشم. ﴿۲۰﴾ و آنان‌که ایمان آوردند و بر
پی ایشان رفت اولاد ایشان در ایمان، برسانیم بدیشان اولاد
ایشان را و نقصان نکنیم ایشان را از جزای عمل ایشان
چیزی هر مردی به آنچه عمل کرد در گرو باشد. ﴿۲۱﴾ و
پی‌درپی عطا کنیم ایشان را میوه و گوشت از جنسی که
طلب کنند. ﴿۲۲﴾ از دست یکدیگر می‌گیرند آنجا پیالهٔ
شراب. نه بیهوده‌گویی باشد در آن و نه بزهکاری. ﴿۲۳﴾
و آمدوشد کنند حوالی ایشان نوجوانی چند از ایشان گویا
آن نوجوانان مروارید در پرده پنهان‌اند. ﴿۲۴﴾ و روی
آورد بعض ایشان بر بعض از یکدیگر سؤال‌کنان. ﴿۲۵﴾
گفتند: هرآیینه ما پیش از این در میان اهل خانهٔ خود ترسان
بودیم. ﴿۲۶﴾ پس نعمت فراوان داد ما را خدا و نگاه
داشت ما را از عذاب باد گرم. ﴿۲۷﴾ هرآیینه ما پیش از
این عبادت می‌کردیم او را، هرآیینه اوست احسان کنندهٔ
مهربان. ﴿۲۸﴾ [یا محمد] پس پند ده. نیستی به فضل
پروردگار خود کاهن و نه دیوانه. ﴿۲۹﴾ بلکه آیا
می‌گویند: شاعر است، انتظار تو می‌کشیم در حق او
حوادث زمانه را. ﴿۳۰﴾ بگو: انتظار بکشید، هرآیینه من با
شما از انتظار کشندگانم. ﴿۳۱﴾

أَمۡ تَأۡمُرُهُمۡ أَحۡلَٰمُهُم بِهَٰذَآۚ أَمۡ هُمۡ قَوۡمٞ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمۡ
يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥۚ بَل لَّا يُؤۡمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ
مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ
شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ
أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَيۡطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمۡ لَهُمۡ سُلَّمٞ يَسۡتَمِعُونَ فِيهِۖ
فَلۡيَأۡتِ مُسۡتَمِعُهُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمۡ لَهُ ٱلۡبَنَٰتُ
وَلَكُمُ ٱلۡبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن مَّغۡرَمٖ
مُّثۡقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمۡ
يُرِيدُونَ كَيۡدٗاۖ فَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمۡ
لَهُمۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٤٣﴾
وَإِن يَرَوۡاْ كِسۡفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطٗا يَقُولُواْ سَحَابٞ
مَّرۡكُومٞ ﴿٤٤﴾ فَذَرۡهُمۡ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي فِيهِ
يُصۡعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوۡمَ لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَا
هُمۡ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ
وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ
رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعۡيُنِنَاۖ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ
﴿٤٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡهُ وَإِدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ﴿٤٩﴾

آیا می‌فرماید به این عقیده عقل‌های ایشان، یا ایشان
گروهی سرکش‌اند؟. ﴿۳۲﴾ آیا می‌گویند که بر بسته
است قرآن را؟ نی! بلکه ایمان نمی‌آرند. ﴿۳۳﴾ پس باید
بیارند سخنی مانند این، اگر راستگو هستند. ﴿۳۴﴾ آیا
ایشان آفریده شده‌اند به غیر آفریننده یا ایشان خود
آفریدگارند؟. ﴿۳۵﴾ آیا ایشان آفریده‌اند آسمان‌ها و زمین
را؟ بلکه ایشان باور نمی‌کنند. ﴿۳۶﴾ آیا نزدیک ایشان
خزانه‌های پروردگار تو است یا ایشانند چیره‌دست؟.
﴿۳۷﴾ آیا ایشان را نردبانی هست که بر آن صعود کرده
می‌شوند؟ پس باید که بیارد شنوندهٔ ایشان دلیل ظاهر را.
﴿۳۸﴾ آیا خدا را دختران پیدا شوند و شما را پسران؟.
﴿۳۹﴾ آیا سؤال می‌کنی از ایشان مزدی بر رسالت، پس
ایشان از غرامت گرانبار شده‌اند؟ ﴿۴۰﴾ آیا نزدیک ایشان
علم غیب است، پس ایشان می‌نویسند؟. ﴿۴۱﴾ آیا
می‌خواهند بداندیشی؟ پس کافران ایشانند در ضرر
بداندیشی گرفتار شده. ﴿۴۲﴾ آیا ایشان را معبودی هست
بجز خدا؟ پاکی خدای راست از آنکه شریک مقرر
می‌کنند. ﴿۴۳﴾ و اگر ببینند یک پاره را از آسمان افتاده،
گویند: این ابری است بر هم نشسته. ﴿۴۴﴾ پس بگذار
ایشان را تا آنکه ملاقات کنند به آن روز خود که در آن
بیهوش کرده شوند. ﴿۴۵﴾ روزی که دفع نکند از ایشان
مکر ایشان چیزی را و نه ایشان نصرت داده شوند. ﴿۴۶﴾
و هرآیینه ستمکاران را عذابی است غیر این و لیکن اکثر
ایشان نمی‌دانند. ﴿۴۷﴾ و صبر کن به انتظار حکم
پروردگار، خود هرآیینه تو حضور چشم مایی و به پاکی
یاد کن با ستایش پروردگار خود وقتی که به صبح بر
خیزی. ﴿۴۸﴾ و بعض اوقات شب به پاکی یادکن خدا را
و عقب غایب شدن ستاره‌ها نیز. ﴿۴۹﴾

سُورَةُ النَّجۡمِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ ١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ
٢ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ
٤ عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ ٥ ذُو مِرَّةٖ فَٱسۡتَوَىٰ ٦
وَهُوَ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٧ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ٨ فَكَانَ قَابَ
قَوۡسَيۡنِ أَوۡ أَدۡنَىٰ ٩ فَأَوۡحَىٰٓ إِلَىٰ عَبۡدِهِۦ مَآ أَوۡحَىٰ ١٠ مَا
كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١ أَفَتُمَٰرُونَهُۥ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ
١٢ وَلَقَدۡ رَءَاهُ نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ ١٣ عِندَ سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ
١٤ عِندَهَا جَنَّةُ ٱلۡمَأۡوَىٰٓ ١٥ إِذۡ يَغۡشَى ٱلسِّدۡرَةَ مَا
يَغۡشَىٰ ١٦ مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ١٧ لَقَدۡ رَأَىٰ مِنۡ
ءَايَٰتِ رَبِّهِ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ ١٨ أَفَرَءَيۡتُمُ ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ ١٩
وَمَنَوٰةَ ٱلثَّالِثَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ ٢٠ أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلۡأُنثَىٰ
٢١ تِلۡكَ إِذٗا قِسۡمَةٞ ضِيزَىٰٓ ٢٢ إِنۡ هِيَ إِلَّآ أَسۡمَآءٞ
سَمَّيۡتُمُوهَآ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن
سُلۡطَٰنٍۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا ٱلظَّنَّ وَمَا تَهۡوَى ٱلۡأَنفُسُۖ
وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ ٱلۡهُدَىٰٓ ٢٣ أَمۡ لِلۡإِنسَٰنِ مَا
تَمَنَّىٰ ٢٤ فَلِلَّهِ ٱلۡأٓخِرَةُ وَٱلۡأُولَىٰ ٢٥ ۞وَكَم مِّن مَّلَكٖ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـًٔا إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ
أَن يَأۡذَنَ ٱللَّهُ لِمَن يَشَآءُ وَيَرۡضَىٰٓ ٢٦

سوره نجم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به ستاره چون فروافتد! ﴿۱﴾ گمراه نشد این یار شما[۱] و غلط نکرد راه را. ﴿۲﴾ و سخن نمی‌گوید از خواهش نفس. ﴿۳﴾ نیست قرآن مگر وحی که به سوی او فرستاده می‌شود. ﴿۴﴾ آموخته است او را فرشته بسیار با قوّت. ﴿۵﴾ صاحب حسن. پس راست اِستاد آن فرشته. ﴿۶﴾ و او به کنارهٔ بلند آسمان بود. ﴿۷﴾ باز نزدیک شد و فرود آمد. ﴿۸﴾ پس رسید به مسافت دو کمان یا نزدیک‌تر از آن. ﴿۹﴾ پس پیغام رسانید به سوی بندهٔ خدا آنچه رسانید. ﴿۱۰﴾ دروغ داخل نکرد دل پیغامبر در آنچه معاینه کرد. ﴿۱۱﴾ آیا شما گفتگو می‌کنید با پیغامبر در آنچه می‌بیند. ﴿۱۲﴾ و هرآیینه دیده بود [این فرشته را] یکبار دیگر ﴿۱۳﴾ نزدیک سدرة المنتهی. ﴿۱۴﴾ نزدیک آن سدره است بهشت آرامگاه. ﴿۱۵﴾ [فرشته را دید] وقتی که می‌پوشید سدره را آنچه می‌پوشیده[۲]. ﴿۱۶﴾ کجروی نکرد چشم پیغامبر و از مقصد تجاوز ننمود. ﴿۱۷﴾ هرآیینه معاینه کرد بعض نشانه‌های بزرگ پروردگار خود ﴿۱۸﴾ آیا دیدید لات را و عزّی را؟. ﴿۱۹﴾ و منات، سیومی [بی‌قدر] را؟. ﴿۲۰﴾ آیا شما را فرزند باشد و خدا را دختر؟! ﴿۲۱﴾ این قسمت آنگاه قسمت بی‌انصاف باشد. ﴿۲۲﴾ نیست این مگر نام‌های چند که مقرر کرده‌اید آن را شما و پدرانِ شما و فرود نیاورده است خدا بر ثبوت آن هیچ دلیلی. پیروی نمی‌کنند مگر وهم فاسد را و چیزی را که خواهش می‌کند نفس و هرآیینه آمده است ایشان را از پروردگار ایشان هدایت. ﴿۲۳﴾ آیا میسّر است آدمی را آنچه آرزو می‌کند؟. ﴿۲۴﴾ پس خدای راست آن جهان و این جهان. ﴿۲۵﴾ و بسیار فرشته‌اند در آسمان‌ها که نفع نمی‌کند شفاعت ایشان چیزی را مگر بعد از آنکه دستوری دهد خدای و رضامند شود برای هر که خواهد. ﴿۲۶﴾

۱- یعنی محمدﷺ.

۲- یعنی وقتی که انوار الهی از هر جانب سِدرَه را احاطه کرد و این در شب معراج بود، والله اعلم.

إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ لَيُسَمُّونَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ
تَسۡمِيَةَ ٱلۡأُنثَىٰ ﴿٢٧﴾ وَمَا لَهُم بِهِۦ مِنۡ عِلۡمٍۖ إِن يَتَّبِعُونَ
إِلَّا ٱلظَّنَّۖ وَإِنَّ ٱلظَّنَّ لَا يُغۡنِي مِنَ ٱلۡحَقِّ شَيۡـٔٗا ﴿٢٨﴾
فَأَعۡرِضۡ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكۡرِنَا وَلَمۡ يُرِدۡ إِلَّا
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ مَبۡلَغُهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِۚ إِنَّ رَبَّكَ
هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ
ٱهۡتَدَىٰ ﴿٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ بِمَا عَمِلُواْ وَيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ
أَحۡسَنُواْ بِٱلۡحُسۡنَى ﴿٣١﴾ ٱلَّذِينَ يَجۡتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلۡإِثۡمِ
وَٱلۡفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَۚ إِنَّ رَبَّكَ وَٰسِعُ ٱلۡمَغۡفِرَةِۚ هُوَ
أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ
فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ
بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ ﴿٣٢﴾ أَفَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي تَوَلَّىٰ ﴿٣٣﴾ وَأَعۡطَىٰ قَلِيلٗا
وَأَكۡدَىٰٓ ﴿٣٤﴾ أَعِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلۡغَيۡبِ فَهُوَ يَرَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَمۡ
لَمۡ يُنَبَّأۡ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَإِبۡرَٰهِيمَ ٱلَّذِي
وَفَّىٰٓ ﴿٣٧﴾ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ ﴿٣٨﴾ وَأَن لَّيۡسَ
لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ ﴿٤٠﴾
ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَ ٱلۡأَوۡفَىٰ ﴿٤١﴾ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ
﴿٤٢﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَضۡحَكَ وَأَبۡكَىٰ ﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ أَمَاتَ
وَأَحۡيَا ﴿٤٤﴾

هرآیینه آنان‌که باور نمی‌دارند آخرت را مسمی می‌کنند
فرشتگان را به نام دختران. ﴿۲۷﴾ و نیست ایشان را به
ثبوت این مقدمه، هیچ دانش پیروی نمی‌کنند مگر وهم را
و هرآیینه وهم نفع نمی‌دهد از شناخت حقیقت چیزی را.
﴿۲۸﴾ پس اعراض کن از کسی که روی گردان شد از یاد
کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جهانی را. ﴿۲۹﴾
این است نهایت ایشان از روی دانش[1]. هرآیینه پروردگار
تو داناست که غلط کرد راه خدا را و اوست دانا به هر که
راه یافت. ﴿۳۰﴾ و خدای راست آنچه در آسمان‌هاست و
آنچه در زمین است عاقبت کار جزا دهد آنان را که
بدکاری کردند، به حسب آنچه عمل نمودند و جزا دهد
آنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیک. ﴿۳۱﴾
آنان‌که پرهیزگاری می‌کنند از کبایر گناهان و بی‌حیایی‌ها
سوای گناهان صغیره، هرآیینه پروردگار تو بسیار آمرزش
است. اوست دانا به احوال شما وقتی که پیدا کرد شما را از
زمین و وقتی که شما بچه بودید در شکم مادران خویش.
پس ستایش مکنید خویشتن را. خدا داناتر است به کسی
که پرهیزگاری کرد. ﴿۳۲﴾ آیا دیدی کسی را که
روی‌گردان شد؟. ﴿۳۳﴾ و داد اندکی از مال و سخت دل
شد. ﴿۳۴﴾ آیا نزدیک اوست علم غیب؟ پس گویا او هر
چیز را به چشم می‌بیند. ﴿۳۵﴾ آیا خبر داده نشد به آنچه
در صحیفه‌های موسی؟ ﴿۳۶﴾ و ابراهیم که وفادار بود؟.
﴿۳۷﴾ [مضمونش آنکه] بر نخواهد داشت هیچ بردارنده
بار گناه دیگری را. ﴿۳۸﴾ و آنکه نرسد آدمی را مگر
آنچه عمل کرد. ﴿۳۹﴾ و آنکه سعی آدمی دیده خواهد
شد. ﴿۴۰﴾ باز داده خواهد شد به حسب آن سعی، جزای
تمام. ﴿۴۱﴾ و آنکه به سوی پروردگار تو است بازگشت.
﴿۴۲﴾ و آنکه او خندانید و گریانید. ﴿۴۳﴾ و آنکه او
میرانید و او زنده کرده. ﴿۴۴﴾

۱- یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان.

وَأَنَّهُۥ خَلَقَ ٱلزَّوۡجَيۡنِ ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِن نُّطۡفَةٍ
إِذَا تُمۡنَىٰ ﴿٤٦﴾ وَأَنَّ عَلَيۡهِ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُۥ
هُوَ أَغۡنَىٰ وَأَقۡنَىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُۥ هُوَ رَبُّ ٱلشِّعۡرَىٰ ﴿٤٩﴾
وَأَنَّهُۥٓ أَهۡلَكَ عَادًا ٱلۡأُولَىٰ ﴿٥٠﴾ وَثَمُودَاْ فَمَآ أَبۡقَىٰ ﴿٥١﴾
وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ هُمۡ أَظۡلَمَ وَأَطۡغَىٰ ﴿٥٢﴾
وَٱلۡمُؤۡتَفِكَةَ أَهۡوَىٰ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ
ءَالَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نَذِيرٞ مِّنَ ٱلنُّذُرِ ٱلۡأُولَىٰٓ
﴿٥٦﴾ أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ ﴿٥٧﴾ لَيۡسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ
﴿٥٨﴾ أَفَمِنۡ هَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ تَعۡجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضۡحَكُونَ وَلَا
تَبۡكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنتُمۡ سَٰمِدُونَ ﴿٦١﴾ فَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ
وَٱعۡبُدُواْ۩ ﴿٦٢﴾

و آنکه خدا آفرید دو قسم نر و ماده را. ﴿۴۵﴾ از نطفه چون ریخته شده در رحم. ﴿۴۶﴾ و آنکه بر خدا لازم است آن پیدا کردن دیگر. ﴿۴۷﴾ و آنکه او توانگر ساخت و سرمایه داد. ﴿۴۸﴾ و آنکه همونست پروردگار ستارۀ شعری. ﴿۴۹﴾ و آنکه او هلاک ساخت عاد نخستین را. ﴿۵۰﴾ و هلاک کرده ثمود را. پس هیچ‌کس را باقی نگذاشت. ﴿۵۱﴾ و هلاک کرد قوم نوح را پیش از این، هرآیینه ایشان بودند ستمکارتر و از حد گذشته‌تر. ﴿۵۲﴾ و شهر مؤتفکه را بر زمین افکند. ﴿۵۳﴾ پس پوشانید بر وی آنچه پوشانید[1]. ﴿۵۴﴾ پس از کدام یک از نعمت‌های پروردگار خود، ای آدمی! شبهه می‌کنی؟. ﴿۵۵﴾ این پیغامبر ترسانندۀ‌ای است از جنس ترسانندگان پیشین. ﴿۵۶﴾ نزدیک آمد قیامت. ﴿۵۷﴾ نیست او را سوای خدا، هیچ ظاهر کننده. ﴿۵۸﴾ آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟. ﴿۵۹﴾ و خنده می‌نمایید و نمی‌گریید! . ﴿۶۰﴾ و شما بازی کننده هستید. ﴿۶۱﴾ پس سجده کنید خدا را و پرستش نمایید. ﴿۶۲﴾

سُورَةُ القَمَرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ
يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُواْ وَٱتَّبَعُوٓاْ
أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَكُلُّ أَمۡرٖ مُّسۡتَقِرّٞ ﴿٣﴾ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مِّنَ
ٱلۡأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزۡدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكۡمَةُۢ بَٰلِغَةٞۖ فَمَا تُغۡنِ
ٱلنُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡۘ يَوۡمَ يَدۡعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَيۡءٖ نُّكُرٍ
﴿٦﴾

سوره قمر

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه[2]. ﴿۱﴾ و اگر [کافران] ببینند نشانه‌ای، اعراض کنند و گویند: سحری است قوی. ﴿۲﴾ و دروغ شمردند و پیروی خواهش خود کردند و هر چیز در وقت خود قرار گرفته است. ﴿۳﴾ و هرآیینه آمده است بدیشان از خبرها آنچه در آن پند است. ﴿۴﴾ و آمده است دانش تمام. پس فایده نمی‌دهد ترسانیدن‌ها. ﴿۵﴾ پس اعراض کن از ایشان آن روزی که بخواند خواننده به سوی چیزی ناخوش، نایش. ﴿۶﴾

۱- یعنی سنگباران کرد.

۲- اشارت است به آن قصه که کافران از حضرت پیغامبرﷺ معجزه طلب کردند. خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت، یکی بر کوه ابوقبیس و دیگر بر کوهی قیقعان، والله اعلمُ.

خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ كَأَنَّهُمۡ
جَرَادٞ مُّنتَشِرٞ ٧ مُّهۡطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِۖ يَقُولُ
ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوۡمٌ عَسِرٞ ٨ ۞ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ
نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ ٩ فَدَعَا
رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ ١٠ فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ
بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ ١١ وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ
عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ ١٢ وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ
١٣ تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا جَزَآءٗ لِّمَن كَانَ كُفِرَ ١٤ وَلَقَد
تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ١٥ فَكَيۡفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذُرِ ١٦ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ
مِن مُّدَّكِرٖ ١٧ كَذَّبَتۡ عَادٞ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ
١٨ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا صَرۡصَرٗا فِي يَوۡمِ نَحۡسٖ
مُّسۡتَمِرّٖ ١٩ تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٖ مُّنقَعِرٖ
٢٠ فَكَيۡفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ٢١ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا
ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٢٢ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ
بِٱلنُّذُرِ ٢٣ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٗا مِّنَّا وَٰحِدٗا نَّتَّبِعُهُۥٓ إِنَّآ إِذٗا
لَّفِي ضَلَٰلٖ وَسُعُرٍ ٢٤ أَءُلۡقِيَ ٱلذِّكۡرُ عَلَيۡهِ مِنۢ بَيۡنِنَا
بَلۡ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٞ ٢٥ سَيَعۡلَمُونَ غَدٗا مَّنِ ٱلۡكَذَّابُ
ٱلۡأَشِرُ ٢٦ إِنَّا مُرۡسِلُواْ ٱلنَّاقَةِ فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ فَٱرۡتَقِبۡهُمۡ
وَٱصۡطَبِرۡ ٢٧

ظاهر شده باشد بر چشم ایشان، برآیند آن روز از قبور، گویا ایشان ملخ پراکنده‌اند. ﴿۷﴾ شتاب‌کنان به سوی آن خواننده. گویند کافران: این روزیست دشوار. ﴿۸﴾ دروغ شمردند پیش از ایشان قوم نوح، پس دروغ داشتند بندهٔ ما را و گفتند: دیوانه است و با او سخن درشت گفته. ﴿۹﴾ پس دعا کرد به جناب پروردگار خود که من مغلوب شده‌ام پس انتقام بکش. ﴿۱۰﴾ پس بگشادیم درهای آسمان را به آب بسیار ریزنده. ﴿۱۱﴾ و روان کردم از زمین چشمه‌ها، پس جمع شد آب از هر جانب بنابر کاری که مقدر شده بود[۱]. ﴿۱۲﴾ و سوار کردم نوح را بر کشتی خداوند تخته‌ها و میخها. ﴿۱۳﴾ می‌رفت به حضور چشم ما به جهت انتقام برای کسی که باور نداشته بودند او را[۲]. ﴿۱۴﴾ و هرآیینه گذاشتیم این عقوبت را نشانه‌ای پس آیا هیچ پندپذیرنده است؟. ﴿۱۵﴾ پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟. ﴿۱۶﴾ و هرآیینه آسان کردیم قرآن را تا پند گیرند. پس آیا هیچ پند پذیرنده است؟. ﴿۱۷﴾ دروغ شمردند قوم عاد. پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدن‌های من؟. ﴿۱۸﴾ هرآیینه ما فرستادیم بر ایشان باد تند را در روز شوم به غایت سخت. ﴿۱۹﴾ بر می‌کند مردمان را گویا ایشان تنه‌های درخت خرمای از بیخ برکنده‌اند. ﴿۲۰﴾ پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟. ﴿۲۱﴾ و هرآیینه آسان کرده قرآن را تا پند گیرند. پس آیا هیچ پندپذیرنده‌ای است؟. ﴿۲۲﴾ دروغ شمردند قوم ثمود ترسانندگان را. ﴿۲۳﴾ پس گفتند: آیا یک آدمی را از قوم خویش پیروی کنیم؟ هرآیینه ما آنگاه در گمراهی و دیوانگی باشیم. ﴿۲۴﴾ آیا نازل کرده شد بر وی وحی از میان ما؟ [نی!] بلکه او دروغگویی خودپسند است. ﴿۲۵﴾ خواهند دانست فردا کیست دروغگوی خودپسند. ﴿۲۶﴾ هرآیینه خواهیم فرستاد ماده شتر را به جهت آزمایشی، ایشان را، پس ای صالح! منتظر ایشان باش و صبر پیش گیر. ﴿۲۷﴾

۱- یعنی هلاک قوم او.

۲- یعنی برای انتقام خصومت کنان.

وَنَبِّئۡهُمۡ أَنَّ ٱلۡمَآءَ قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡۖ كُلُّ شِرۡبٖ مُّحۡتَضَرٞ ﴿٢٨﴾
فَنَادَوۡاْ صَاحِبَهُمۡ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيۡفَ كَانَ
عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ
فَكَانُواْ كَهَشِيمِ ٱلۡمُحۡتَظِرِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ
لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٣٢﴾ كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوطِۭ بِٱلنُّذُرِ
﴿٣٣﴾ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ حَاصِبًا إِلَّآ ءَالَ لُوطٖۖ نَّجَّيۡنَٰهُم
بِسَحَرٖ ﴿٣٤﴾ نِّعۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي مَن شَكَرَ
﴿٣٥﴾ وَلَقَدۡ أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدۡ
رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِۦ فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ فَذُوقُواْ عَذَابِي
وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدۡ صَبَّحَهُم بُكۡرَةً عَذَابٞ مُّسۡتَقِرّٞ ﴿٣٨﴾
فَذُوقُواْ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾ وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ
فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدۡ جَآءَ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ ٱلنُّذُرُ ﴿٤١﴾
كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذۡنَٰهُمۡ أَخۡذَ عَزِيزٖ مُّقۡتَدِرٍ ﴿٤٢﴾
أَكُفَّارُكُمۡ خَيۡرٞ مِّنۡ أُوْلَٰٓئِكُمۡ أَمۡ لَكُم بَرَآءَةٞ فِي
ٱلزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ﴿٤٤﴾ سَيُهۡزَمُ
ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ
وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾ إِنَّ ٱلۡمُجۡرِمِينَ فِي ضَلَٰلٖ
وَسُعُرٖ ﴿٤٧﴾ يَوۡمَ يُسۡحَبُونَ فِي ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمۡ ذُوقُواْ
مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ ﴿٤٩﴾

خبردار کن ایشان را که آب مقسوم است در میان ایشان، به هر یک حصّه‌ای از آب حاضر شود ﴿۲۸﴾ پس آواز دادند یار خود را، پس دست‌درازی کرد و مجروح ساخت ﴿۲۹﴾ پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدن‌های من؟ ﴿۳۰﴾ هرآیینه ما فرستادیم بر ایشان یک نعره، پس شدند مانند حظیرهٔ[1] در هم شکسته که حظیره سازند آن را بنا کرده باشد ﴿۳۱﴾ و هرآیینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پند گیرند. پس آیا هیچ پند گیرنده هست؟. ﴿۳۲﴾ دروغی شمردند قوم لوط ترسانندگان را. ﴿۳۳﴾ هرآیینه ما فرستادیم بر ایشان باد سنگبار، مگر اهل خانهٔ لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر. ﴿۳۴﴾ به مهربانی از نزدیک خویش. همچنین جزا می‌دهیم هر که را که شکرگزاری کرد. ﴿۳۵﴾ و هرآیینه لوط ترسانیده بود ایشان را از عقوبت ما، پس مکابره کردند در آن ترسانیدن‌ها. ﴿۳۶﴾ و هرآیینه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از حفظ مهمانان او، پس محو کردیم چشم ایشان را. [پس گفتیم]: بچشید عذاب مرا و ترسانیدن‌های مرا. ﴿۳۷﴾ و هرآیینه غارت کرد ایشان را یک پگاه عقوبتی جای‌گیرنده. ﴿۳۸﴾ [پس گفتیم]: بچشید عذاب مرا و ترسانیدن‌های مرا. ﴿۳۹﴾ و هرآیینه آسان ساختیم قرآن را برای آنکه پندگیرند. پس آیا هیچ پندگیرنده است؟. ﴿۴۰﴾ و هرآیینه آمدند خویشاوندان فرعون را ترسانندگان. ﴿۴۱﴾ دروغی شمردند نشانه‌های ما را، همهٔ آنها. پس در گرفتیم ایشان را مانند در گرفتن غالب قوی. ﴿۴۲﴾ آیا کافران شما [ای قریش] بهتراند از این جماعت‌ها یا شما را حکم خلاصی است در کتاب‌های پیشین؟. ﴿۴۳﴾ آیا می‌گویند: ما جماعتی انتقام کننده‌ایم؟. ﴿۴۴﴾ شکست داده خواهد شد این جماعت را و بگردانند ایشان پشت. ﴿۴۵﴾ بلکه قیامت وعده‌گاه ایشان است و قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر است. ﴿۴۶﴾ هرآیینه گناهکاران در گمراهی و جهالتند. ﴿۴۷﴾ [یاد کن] روزی که کشیده شود ایشان را در دوزخ بر روی ایشان. [گوییم]: بچشید دست رسانیدن دوزخ را. ﴿۴۸﴾ هرآیینه ما هر چیز را پیدا کردیم به اندازهٔ مقرّر. ﴿۴۹﴾

۱- مترجم گوید: حظیره، احاطه است که از شاخ‌های خشک و خار برای گوسفند بنا کنند و آن به مرور زمان پایمال مواشی می‌گردد. خدای تعالی به آن پایمال شده تشبیه داد.

وَمَآ أَمۡرُنَآ إِلَّا وَٰحِدَةٞ كَلَمۡحِۭ بِٱلۡبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدۡ أَهۡلَكۡنَآ
أَشۡيَاعَكُمۡ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيۡءٖ فَعَلُوهُ فِي
ٱلزُّبُرِ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٖ وَكَبِيرٖ مُّسۡتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ
فِي جَنَّٰتٖ وَنَهَرٖ ﴿٥٤﴾ فِي مَقۡعَدِ صِدۡقٍ عِندَ مَلِيكٖ
مُّقۡتَدِرِۢ ﴿٥٥﴾

و نیست حکم ما مگر یک کلمه، مانند گردانیدن چشم[۱]. ﴿۵۰﴾ و هرآیینه هلاک ساختیم امثال شما را، پس آیا هیچ پندگیرنده‌ای هست؟. ﴿۵۱﴾ و هر چیزی که کرده‌اند مکتوب است در نامهٔ اعمال. ﴿۵۲﴾ و هر خُورد و بزرگ نوشته شده است[۲]. ﴿۵۳﴾ هرآیینه پرهیزگاران در بوستان‌ها و چشمه‌ها باشند. ﴿۵۴﴾ هرآیینه متقیان در مجلس راستی باشند نزدیک پادشاه توانا. ﴿۵۵﴾

سُورَةُ الرَّحۡمَٰن

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلرَّحۡمَٰنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ ﴿٢﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ ﴿٣﴾
عَلَّمَهُ ٱلۡبَيَانَ ﴿٤﴾ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ بِحُسۡبَانٖ ﴿٥﴾
وَٱلنَّجۡمُ وَٱلشَّجَرُ يَسۡجُدَانِ ﴿٦﴾ وَٱلسَّمَآءَ رَفَعَهَا
وَوَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطۡغَوۡاْ فِي ٱلۡمِيزَانِ ﴿٨﴾ وَأَقِيمُواْ
ٱلۡوَزۡنَ بِٱلۡقِسۡطِ وَلَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَٱلۡأَرۡضَ
وَضَعَهَا لِلۡأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَٰكِهَةٞ وَٱلنَّخۡلُ ذَاتُ
ٱلۡأَكۡمَامِ ﴿١١﴾ وَٱلۡحَبُّ ذُو ٱلۡعَصۡفِ وَٱلرَّيۡحَانُ ﴿١٢﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ
مِن صَلۡصَٰلٖ كَٱلۡفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَخَلَقَ ٱلۡجَآنَّ مِن مَّارِجٖ
مِّن نَّارٖ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾

سوره رحمن

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

خدا. ﴿۱﴾ آموخت قرآن را. ﴿۲﴾ آفرید آدمی را. ﴿۳﴾ و آموختش سخن گفتن. ﴿۴﴾ آفتاب و ماه به حساب مقرر می‌روند. ﴿۵﴾ و گیاه و درخت سجده می‌کنند. ﴿۶﴾ و و آسمان را برافراخت و فرود آورد ترازو را. ﴿۷﴾ [مقصد به آنکه] از حدّ تجاوز نکنید در ترازو. ﴿۸﴾ و راست سنجید به انصاف و نقصان مکنید در ترازو ﴿۹﴾ و زمین را گسترد برای آدمیان. ﴿۱۰﴾ در آن زمین میوه است و درختان خرما است خداوند غلاف‌ها. ﴿۱۱﴾ و [در آن زمین] دانهٔ خداوندِ بزررگ است و گل خوشبویی است[۳]. ﴿۱۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟![۴]. ﴿۱۳﴾ آفرید آدمی را از گل خشک مانند سفال شده. ﴿۱۴﴾ و آفرید جن را از شعلهٔ آتش. ﴿۱۵﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی در سرعت وجود مراد آسان بودن است.

۲- یعنی در لوح محفوظ.

۳- مترجم گوید: اشاره به آن است که برگ حبوب غازیه، علف دواب ایشان می‌شود، پس این علاوهٔ نعمت است.

۴- جن و انس.

رَبُّ ٱلۡمَشۡرِقَيۡنِ وَرَبُّ ٱلۡمَغۡرِبَيۡنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾ مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ يَلۡتَقِيَانِ ﴿١٩﴾
بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٞ لَّا يَبۡغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾ يَخۡرُجُ مِنۡهُمَا ٱللُّؤۡلُؤُ وَٱلۡمَرۡجَانُ ﴿٢٢﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٣﴾ وَلَهُ ٱلۡجَوَارِ
ٱلۡمُنشَـَٔاتُ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ ﴿٢٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنۡ عَلَيۡهَا فَانٖ ﴿٢٦﴾ وَيَبۡقَىٰ
وَجۡهُ رَبِّكَ ذُو ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسۡـَٔلُهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ كُلَّ يَوۡمٍ هُوَ فِي شَأۡنٖ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ
﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَٰمَعۡشَرَ ٱلۡجِنِّ
وَٱلۡإِنسِ إِنِ ٱسۡتَطَعۡتُمۡ أَن تَنفُذُواْ مِنۡ أَقۡطَارِ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ فَٱنفُذُواْۚ لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلۡطَٰنٖ
﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرۡسَلُ
عَلَيۡكُمَا شُوَاظٞ مِّن نَّارٖ وَنُحَاسٞ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا ٱنشَقَّتِ
ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ كَٱلدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُسۡـَٔلُ عَن ذَنۢبِهِۦٓ
إِنسٞ وَلَا جَآنّٞ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٤٠﴾

پروردگار دو مشرق است و پروردگار دو مغرب است[1].
﴿۱۷﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ
می‌شمردید؟!. ﴿۱۸﴾ گذاشت دو دریا را تا به هم جمع شوند.
﴿۱۹﴾ میان این هر دو حجابی است که یکی بر دیگری تعدّی
نمی‌کند. ﴿۲۰﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار
خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۲۱﴾ آید از این دو دریا مروارید
و مرجان. ﴿۲۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار
خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۲۳﴾ خدای راست کشتی‌های
روان شونده در دریا مانند کوه‌ها. ﴿۲۴﴾ پس کدام یک را از
نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۲۵﴾ هر که
هست بر زمین فانی شوند. ﴿۲۶﴾ و باقی ماند روی پروردگار
تو، خداوند بزرگی و انعام. ﴿۲۷﴾ پس کدام یک را از
نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۲۸﴾ سؤال
می‌کند از خدا هر که در آسمان‌ها و زمین است. هر روزی خدا
در حالتی است[2]. ﴿۲۹﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۳۰﴾ از همه فارغ شده
به شما متوجه شویم ای جن و انس! . ﴿۳۱﴾ پس کدام یک را
از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۳۲﴾ ای
قوم جن و انس! اگر می‌توانید که بیرون روید از کناره‌های
آسمان و زمین، پس بیرون روید نخواهید رفت مگر به قوّتی[3].
﴿۳۳﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ
می‌شمرید؟!. ﴿۳۴﴾ فرستاده خواهد شد بر شما شعله‌ای از آتش
و دود نیز پس مقابله نتوانید کرد. ﴿۳۵﴾ پس کدام یک را از
نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۳۶﴾ پس
چون بشگافد آسمان، پس شود مثل گل سرخ مانند ادیم سرخ.
﴿۳۷﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ
می‌شمرید؟!. ﴿۳۸﴾ پس آن روز سؤال کرده نشود از گناه خود
هیچ آدمی و نه جنّی. ﴿۳۹﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۴۰﴾

۱- یعنی در زمستان، آفتاب مشرق و مغرب دیگر دارد و در تابستان، مشرق و مغرب دیگر.

۲- یعنی تنعیم یا تعذیب، اسعاد یا اشقا، احیا یا اماتت، والله اعلم.

۳- یعنی و آن قوت کجا است؟

يُعۡرَفُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ بِسِيمَٰهُمۡ فَيُؤۡخَذُ بِٱلنَّوَٰصِي
وَٱلۡأَقۡدَامِ ﴿٤١﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾
هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ﴿٤٣﴾
يَطُوفُونَ بَيۡنَهَا وَبَيۡنَ حَمِيمٍ ءَانٖ ﴿٤٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلِمَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ
جَنَّتَانِ ﴿٤٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَآ
أَفۡنَانٖ ﴿٤٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا
عَيۡنَانِ تَجۡرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٖ زَوۡجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشِۢ بَطَآئِنُهَا
مِنۡ إِسۡتَبۡرَقٖۚ وَجَنَى ٱلۡجَنَّتَيۡنِ دَانٖ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ لَمۡ
يَطۡمِثۡهُنَّ إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾ كَأَنَّهُنَّ ٱلۡيَاقُوتُ وَٱلۡمَرۡجَانُ
﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾ هَلۡ جَزَآءُ
ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدۡهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيۡنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾
فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

شناخته شوند گناهکاران بقیافهٔ خود، پس گرفته شود موی
پیشانی و پای‌ها نیز ﴿۴۱﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!﴿۴۲﴾ این است آن
دوزخ که دروغ شمرده بودند آن را گناهکاران ﴿۴۳﴾
آمدوشد کنند میان آن آتش و میان آب گرم جوشنده
﴿۴۴﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش
دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۴۵﴾ کسی را که ترسیده است از
ایستادن به حضور پروردگار خویش دو بوستان باشد.
﴿۴۶﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش
دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۴۷﴾ دو بوستان خداوند شاخها
بسیار. ﴿۴۸﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار
خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۴۹﴾ در آن دو بوستان دو
چشمه می‌روند. ﴿۵۰﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۵۱﴾ در آن دو
بوستان از هر میوه دو قسم باشد. ﴿۵۲﴾ پس کدام یک را
از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۵۳﴾
تکیه زده بر فرش‌هایی که استر آن از حریر لک باشد و
میوهٔ آن دو بوستان، نزدیک بُوَد[1]. ﴿۵۴﴾ پس کدام یک
را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!.
﴿۵۵﴾ در آن کوشک‌ها حوران باشند فرو اندازنده چشم،
جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه
هیچ جنّی. ﴿۵۶﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های
پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۵۷﴾ گویا آن
حوران یا قوت و مرجانند. ﴿۵۸﴾ پس کدام یک را از
نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۵۹﴾
نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار. ﴿۶۰﴾ پس کدام
یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!.
﴿۶۱﴾ و به جز این دو بوستان دو بوستان، دیگر باشند.
﴿۶۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش
دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۶۳﴾ دو بوستان سبز که از غایت
سبزی به سیاهی می‌زنند. ﴿۶۴﴾ پس کدام یک را از
نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۶۵﴾ در
آن دو بوستان دو چشمهٔ جوشنده باشند. ﴿۶۶﴾ پس کدام
یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!.
﴿۶۷﴾

۱- یعنی به سهولت توان گرفت.

فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخۡلٌ وَرُمَّانٞ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾ فِيهِنَّ خَيۡرَٰتٌ حِسَانٞ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حُورٞ مَّقۡصُورَٰتٞ فِي ٱلۡخِيَامِ
﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ
إِنسٞ قَبۡلَهُمۡ وَلَا جَآنّٞ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ رَفۡرَفٍ خُضۡرٖ وَعَبۡقَرِيٍّ
حِسَانٖ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبَٰرَكَ
ٱسۡمُ رَبِّكَ ذِي ٱلۡجَلَٰلِ وَٱلۡإِكۡرَامِ ﴿٧٨﴾

در آن دو بوستان میوه و درختان خرما و انار باشند. ﴿۶۸﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۶۹﴾ در آن کوشک‌ها زنان برگزیدهٔ با جمال باشند. ﴿۷۰﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۷۱﴾ حوران نگاهداشته شده در خیمه‌ها. ﴿۷۲﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۷۳﴾ جماع نکرده است به آنها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنّی. ﴿۷۴﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۷۵﴾ تکیه زده باشند بر بالش‌های سبز و بساط‌های نیک. ﴿۷۶﴾ پس کدام یک را از نعمت‌های پروردگار خویش دروغ می‌شمرید؟!. ﴿۷۷﴾ با برکت است نام پروردگار تو خداوند بزرگی و انعام. ﴿۷۸﴾

سُورَةُ الوَاقِعَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيۡسَ لِوَقۡعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾
خَافِضَةٞ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ ٱلۡأَرۡضُ رَجّٗا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ
ٱلۡجِبَالُ بَسّٗا ﴿٥﴾ فَكَانَتۡ هَبَآءٗ مُّنۢبَثّٗا ﴿٦﴾ وَكُنتُمۡ أَزۡوَٰجٗا
ثَلَٰثَةٗ ﴿٧﴾ فَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ﴿٨﴾
وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ﴿٩﴾
وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلسَّٰبِقُونَ ﴿١٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي
جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٞ مِّنَ
ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَىٰ سُرُرٖ مَّوۡضُونَةٖ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيۡهَا
مُتَقَٰبِلِينَ ﴿١٦﴾

سوره واقعه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[یاد کن] آنگاه که متحقق شود قیامت. ﴿۱﴾ نیست وقت بودن آن هیچ نفس دروغگوینده[۱]. ﴿۲﴾ پست کننده است جماعتی را و بلند کننده است طایفه‌ای را. ﴿۳﴾ آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدن سخت. ﴿۴﴾ و ریزه ریزه کرده شود کوه‌ها را ریزه ریزه کردن بسیار. ﴿۵﴾ پس شود مانند غبار پراکنده. ﴿۶﴾ و شوید شما سه قسم. ﴿۷﴾ پس اهل سعادت! چه حال دارند اهل سعادت؟. ﴿۸﴾ و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟. ﴿۹﴾ و پیش روندگان! خود ایشانند پیش روندگان. ﴿۱۰﴾ آن پیش روندگان، ایشانند نزدیک کردگان. ﴿۱۱﴾ در بوستان‌های نعمت باشند. ﴿۱۲﴾ سابقان، جمعی بسیارند از پیشینیان[۲]. ﴿۱۳﴾ و اندکی‌اند از پسینیان[۳]. ﴿۱۴﴾ بر تخت‌های زربافته نشسته باشند. ﴿۱۵﴾ تکیه زده بر آن روبه‌روی یکدیگر شده. ﴿۱۶﴾

۱- یعنی همه مسلمان شوند کفر و افترا آنجا نباشد.

۲- یعنی از امم سابقه.

۳- یعنی از امت محمدیه.

يَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكۡوَابٖ
وَأَبَارِيقَ وَكَأۡسٖ مِّن مَّعِينٖ ﴿١٨﴾ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا
وَلَا يُنزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَٰكِهَةٖ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَحۡمِ
طَيۡرٖ مِّمَّا يَشۡتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٞ ﴿٢٢﴾ كَأَمۡثَٰلِ ٱللُّؤۡلُوِ
ٱلۡمَكۡنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا
يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا وَلَا تَأۡثِيمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلٗا سَلَٰمٗا
سَلَٰمٗا ﴿٢٦﴾ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ ﴿٢٧﴾
فِي سِدۡرٖ مَّخۡضُودٖ ﴿٢٨﴾ وَطَلۡحٖ مَّنضُودٖ ﴿٢٩﴾ وَظِلّٖ مَّمۡدُودٖ
﴿٣٠﴾ وَمَآءٖ مَّسۡكُوبٖ ﴿٣١﴾ وَفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ ﴿٣٢﴾ لَّا
مَقۡطُوعَةٖ وَلَا مَمۡنُوعَةٖ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٖ مَّرۡفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّآ
أَنشَأۡنَٰهُنَّ إِنشَآءٗ ﴿٣٥﴾ فَجَعَلۡنَٰهُنَّ أَبۡكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرُبًا
أَتۡرَابٗا ﴿٣٧﴾ لِّأَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾
وَثُلَّةٞ مِّنَ ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ مَآ
أَصۡحَٰبُ ٱلشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٖ وَحَمِيمٖ ﴿٤٢﴾ وَظِلّٖ مِّن
يَحۡمُومٖ ﴿٤٣﴾ لَّا بَارِدٖ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ
ذَٰلِكَ مُتۡرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ
﴿٤٦﴾ وَكَانُواْ يَقُولُونَ أَئِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا
لَمَبۡعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَ ءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلۡ إِنَّ ٱلۡأَوَّلِينَ
وَٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجۡمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَٰتِ يَوۡمٖ مَّعۡلُومٖ
﴿٥٠﴾

آمد و شد می‌کنند بر ایشان نوجوانان جاوید. ﴿۱۷﴾ با
آبخورها و ابریق‌ها و پیاله‌ها از شراب جاری. ﴿۱۸﴾ نه دردِ
سر داده شود ایشان را از آن شراب و نه بی‌هوش شوند.
﴿۱۹﴾ و آمد و رفت کنند با میوه از هر جنس که اختیار
کنند. ﴿۲۰﴾ و با گوشت مرغان از هر جنس که پسند
کنند. ﴿۲۱﴾ و ایشان راست حوران گشاده چشم. ﴿۲۲﴾
مانند مروارید پوشیده کرده شده. ﴿۲۳﴾ پاداش دهیم به
حسب آنچه می‌کردند. ﴿۲۴﴾ نشنوند در بهشت سخن
بیهوده و نه حرفی که گناه باشد. ﴿۲۵﴾ لیکن بشنوند این
سخن که هر یکی سلام می‌گوید. ﴿۲۶﴾ و اهل سعادت!
چه حال دارند اهل سعادت؟. ﴿۲۷﴾ در درختانِ کُنارِ
بی‌خار. ﴿۲۸﴾ و درختان موز تو بر تو ثمرهٔ آن. ﴿۲۹﴾ و
در سایهٔ دراز. ﴿۳۰﴾ آب ریخته شده. ﴿۳۱﴾ و در میوهٔ
بسیار ﴿۳۲﴾ نه پایان رسد و نه از آن منع کرده شود. ﴿۳۳﴾
فرش‌های برافراشته شده. ﴿۳۴﴾ هرآیینه ما آفریدیم حوران
را یک نوع آفریدن. ﴿۳۵﴾ پس ساختیم ایشان را دوشیزه.
﴿۳۶﴾ محبوب شونده نزدیک شوهران[1]، هم عمر با
یکدیگر. ﴿۳۷﴾ برای اصحاب یمین. ﴿۳۸﴾ جماعتی
بسیارند از پیشینیان. ﴿۳۹﴾ و جماعتی بسیارند از پسینیان.
﴿۴۰﴾ و اهل شقاوت! چه حال دارند اهل شقاوت؟ ﴿۴۱﴾
در باد گرم و آب گرم باشند. ﴿۴۲﴾ و در سایهٔ دود سیاه.
﴿۴۳﴾ که نه خنک باشد و نه با عزّت بُوَد. ﴿۴۴﴾ هرآیینه
ایشان بودند پیش از این به نازپرورده. ﴿۴۵﴾ و مداومت
می‌کردند بر گناه بزرگ (یعنی شرک). ﴿۴۶﴾ و
می‌گفتند: آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند
باشیم، آیا ما برانگیخته شویم؟. ﴿۴۷﴾ یا پدران نخستین ما
برانگیخته شوند؟. ﴿۴۸﴾ بگو: هرآیینه پیشینیان و پسینیان.
﴿۴۹﴾ جمع کرده شوند در میعاد روز مقرّر. ﴿۵۰﴾

۱- یعنی به فنج ودلال.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَأٓكِلُونَ مِن
شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ﴿٥٣﴾
فَشَٰرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَٰرِبُونَ شُرْبَ
ٱلْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَٰكُمْ
فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَءَيْتُم مَّا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنتُمْ
تَخْلُقُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلْخَٰلِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ
ٱلْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ
أَمْثَٰلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ
عَلِمْتُمُ ٱلنَّشْأَةَ ٱلْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَءَيْتُم
مَّا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ﴿٦٤﴾
لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا
لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ
ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ ٱلْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ
ٱلْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا
تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنتُمْ
أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ
جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِٱسْمِ
رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ ۞ فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ﴿٧٥﴾
وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

باز هرآیینه شما ای گمراهانِ دروغ شمارندگان! ﴿۵۱﴾ خواهید خورد از درخت‌های زقّوم. ﴿۵۲﴾ پس پُر خواهید کرد از آن شکم‌ها را. ﴿۵۳﴾ پس خواهید آشامید بر آن طعام از آب گرم. ﴿۵۴﴾ پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مستسقی. ﴿۵۵﴾ این است مهمانی ایشان، روز جزا. ﴿۵۶﴾ ما آفریدیم شما را، پس چرا باور نمی‌کنید؟ (یعنی اعاده را) . ﴿۵۷﴾ آیا می‌بینید آنچه می‌ریزید در رحم زنان؟[1]. ﴿۵۸﴾ آیا شما می‌آفرینـد آن را یا ما آفریننده‌ایم؟[2]. ﴿۵۹﴾ ما معین کرده‌ایم در میان شما مرگ را و نیستیم ما عاجز کرده شده. ﴿۶۰﴾ از آنکه عوض شما آریم قوی مانند شما و بیافرینیم شما را در عالمی که نمی‌دانید. ﴿۶۱﴾ و هرآیینه دانسته‌اید آفرینش نخستین را، پس چرا نه پند می‌گیرید؟. ﴿۶۲﴾ آیا دیدید آنچه می‌کارید؟. ﴿۶۳﴾ آیا شما می‌رویانید آن را یا ما رویاننده‌ایم؟. ﴿۶۴﴾ اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت را گیاهی در هم شکسته، پس به تعجب مانید، گویید: ﴿۶۵﴾ هرآیینه ما غرامت کشندگانیم. ﴿۶۶﴾ بلکه محروم ماندگانیم. ﴿۶۷﴾ آیا دیدید آن آب را که می‌آشامید؟. ﴿۶۸﴾ آیا شما فروآورده‌اید آن را از ابر یا ما فرود آرندگانیم؟. ﴿۶۹﴾ اگر خواهیم شوریگردانیم آن را، پس چرا شکر نمی‌گویید؟. ﴿۷۰﴾ آیا دیدید آن آتش را که از میان شاخ درخت بر می‌آرید؟. ﴿۷۱﴾ آیا شما آفریده‌اید درخت آن را یا ما آفریننده‌ایم؟. ﴿۷۲﴾ ما ساختیم آن درخت را برای پند و منفعت برای مسافران. ﴿۷۳﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را. ﴿۷۴﴾ پس سوگند می‌خورم به افتادن ستاره‌ها![3]. ﴿۷۵﴾ و این قسمی است بزرگ، اگر بدانید. ﴿۷۶﴾

۱- یعنی منی را.

۲- یعنی تقلب می‌کنیم منی را از حالی به حالی تا آدمی پیدا شود، والله اعلم.

۳- یعنی شهب، والله اعلم.

إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ ﴿٧٨﴾ لَّا
يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٨٠﴾ أَفَبِهَٰذَا ٱلۡحَدِيثِ أَنتُم مُّدۡهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجۡعَلُونَ
رِزۡقَكُمۡ أَنَّكُمۡ تُكَذِّبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوۡلَآ إِذَا بَلَغَتِ
ٱلۡحُلۡقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنتُمۡ حِينَئِذٖ تَنظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ
إِلَيۡهِ مِنكُمۡ وَلَٰكِن لَّا تُبۡصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوۡلَآ إِن
كُنتُمۡ غَيۡرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرۡجِعُونَهَآ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ
﴿٨٧﴾ فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلۡمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوۡحٞ وَرَيۡحَانٞ
وَجَنَّتُ نَعِيمٖ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ
﴿٩٠﴾ فَسَلَٰمٞ لَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّآ إِن كَانَ
مِنَ ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٞ مِّنۡ حَمِيمٖ ﴿٩٣﴾
وَتَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلۡيَقِينِ ﴿٩٥﴾
فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

هرآينه این کتاب، قرآنی است گرامی قدر. ﴿۷۷﴾ نوشته شده است در کتاب پوشیده. ﴿۷۸﴾ که دست نمی‌رسانند به آن مگر پاک کردگان[1]. ﴿۷۹﴾ فرستاده شده است از پروردگار عالم‌ها. ﴿۸۰﴾ آیا به این سخن، شما انکار کننده‌اید. ﴿۸۱﴾ و می‌سازید نصیب خود را آنکه شما به دروغ نسبت می‌کنید. ﴿۸۲﴾ پس آنگاه که رسد روح شخصی به نای گلو. ﴿۸۳﴾ و شما آنگاه می‌بینید. ﴿۸۴﴾ و ما نزدیکتریم به او به نسبت شما و لیکن نمی‌نگرید. ﴿۸۵﴾ پس اگر هستید غیر مقهور حکم الهی. ﴿۸۶﴾ چرا باز نگردانید روح را اگر راستگویید؟[2]. ﴿۸۷﴾ پس امّا اگر باشد مرده از نزدیک کردگانِ بارگاه الهی. ﴿۸۸﴾ پس او راست راحت و گل خوشبو و بوستان نعمت. ﴿۸۹﴾ و امّا اگر باشد از اهل سعادت. ﴿۹۰﴾ پس سلامت است ای مخاطب! خاطر تو را از اهل سعادت. ﴿۹۱﴾ و امّا اگر باشد از دروغ شمارندگانِ گمراهان. ﴿۹۲﴾ پس او راست مهمانی از آب گرم. ﴿۹۳﴾ و او راست در آوردن به دوزخ. ﴿۹۴﴾ هرآیینه این خبر درست بی‌شبهه است. ﴿۹۵﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را. ﴿۹۶﴾

سُورَةُ الحَدِيدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ يُحۡيِۦ
وَيُمِيتُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ ٱلۡأَوَّلُ
وَٱلۡأٓخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلۡبَاطِنُۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

سوره حدید

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

به پاکی یاد کرد خدا را هرچه در آسمان‌هاست و زمین است و اوست غالب دانا. ﴿۱﴾ او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین. زنده می‌کند و می‌راند و او بر هر چیز تواناست. ﴿۲﴾ اوست نخستین همه و اوست آخرینِ همه و اوست آشکارا و اوست پنهان و او به هر چیز دانا است. ﴿۳﴾

۱- یعنی در لوح محفوظ.

۲- مترجم گوید: لفظ لولا داخل است بر ترجعونها و اعادهٔ آن برای تأکید است.

هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ
ٱسْتَوَىٰ عَلَى ٱلْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا
يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۖ وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَّهُۥ
مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿٥﴾
يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ ۚ وَهُوَ
عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ
وَأَنفِقُوا۟ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ فَٱلَّذِينَ
ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ وَأَنفَقُوا۟ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ وَمَا لَكُمْ
لَا تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ ۙ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ
وَقَدْ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ ٱلَّذِى
يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِۦٓ ءَايَٰتٍۭ بَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ
ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ
﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِى مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن
قَبْلِ ٱلْفَتْحِ وَقَٰتَلَ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ ٱلَّذِينَ
أَنفَقُوا۟ مِنۢ بَعْدُ وَقَٰتَلُوا۟ ۚ وَكُلًّا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ وَٱللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ
قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥ وَلَهُۥٓ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

اوست آن که بیافرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز، باز مستقر شد بر عرش می‌داند آنچه در می‌آید به زمین و آنچه بر می‌آید از آن و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود اندر آن و او با شما است هرجاکه باشید و خدا به آنچه می کنید بینا است. ﴿۴﴾ او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و به سوی خدا بازگردانیده می‌شود کارها. ﴿۵﴾ در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد روز را در شب. و او داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۶﴾ ایمان آرید به خدا و رسول او و خرج کنید از جملهٔ آن مال که ساخته است شما را جانشین دیگران در وی، پس آنان‌که ایمان آوردند و خرج کردند از شما ایشان راست مزد بزرگ. ﴿۷﴾ چیست شما را که ایمان نیارید به خدا و رسول أو؟ دعوت می کند شما را که ایمان آرید به پروردگار خویش و هرآیینه عهد گرفته است از شما[۱]، اگر هستید باور دارنده. ﴿۸﴾ اوست آن که فرو می‌فرستد بر بندهٔ خود آیات واضح تا بیرون آرد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنی و خدا بر شما بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۹﴾ و چیست شما را که خرج نکنید در راه خدا؟ و خدای راست واپس گذاشتهٔ آسمان‌ها و زمین[۲]. برابر نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد با آن که این چنین عمل بعد از این فتح مکّه کرده باشد، آن جماعت در مرتبهٔ بزرگتراند از آنان‌که خرج کردند بعد از فتح و قتال کردند و هر یک را وعده داده است خدا حالت نیک و خدا به آنچه می کنید خبردار است. ﴿۱۰﴾ کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض دادن نیک. پس دو چند ادا کند آن قرض را برای او و او راست مزد بزرگ؟!. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی روزِ الست بربکم.
۲- یعنی هر کسی که بمیرد، آنچه بگذارد، ملکِ خدا باشد، پس به آن بخل کردن، نهایت شنیع است.

يَوۡمَ تَرَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَسۡعَىٰ نُورُهُم بَيۡنَ
أَيۡدِيهِمۡ وَبِأَيۡمَٰنِهِم بُشۡرَىٰكُمُ ٱلۡيَوۡمَ جَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن
تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ
﴿١٢﴾ يَوۡمَ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ
ٱنظُرُونَا نَقۡتَبِسۡ مِن نُّورِكُمۡ قِيلَ ٱرۡجِعُواْ وَرَآءَكُمۡ
فَٱلۡتَمِسُواْ نُورٗاۖ فَضُرِبَ بَيۡنَهُم بِسُورٖ لَّهُۥ بَابُۢ بَاطِنُهُۥ
فِيهِ ٱلرَّحۡمَةُ وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلۡعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمۡ
أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡۖ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمۡ فَتَنتُمۡ
أَنفُسَكُمۡ وَتَرَبَّصۡتُمۡ وَٱرۡتَبۡتُمۡ وَغَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ
حَتَّىٰ جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ﴿١٤﴾ فَٱلۡيَوۡمَ
لَا يُؤۡخَذُ مِنكُمۡ فِدۡيَةٞ وَلَا مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ
مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُۖ هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٥﴾
۞أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ
وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ وَلَا يَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلُ فَطَالَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَمَدُ فَقَسَتۡ
قُلُوبُهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿١٦﴾ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ
يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ قَدۡ بَيَّنَّا لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِ
لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ ٱلۡمُصَّدِّقِينَ وَٱلۡمُصَّدِّقَٰتِ
وَأَقۡرَضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا حَسَنٗا يُضَٰعَفُ لَهُمۡ وَلَهُمۡ أَجۡرٞ
كَرِيمٞ ﴿١٨﴾

یاد کن روزی که ببینی مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را به این صفت که شتابد نور ایشان را پیشِ دست ایشان و به جانبِ راستِ ایشان گفته شود: مژده باد شما را! امروز شما راست بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاوید باشید در آنجا. این است مطلب‌یابی بزرگ. ﴿۱۲﴾ روزی که گویند مردان منافق و زنان منافق با مسلمانان: به نظر شفقت نگرید به سوی ما تا روشنی گیریم از نور شما. گفته شود: بازگردید پس پشت خویش پس بجویید روشنی را[۱]، پس بنا کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه باشد اندرون آن دیوار در آنجا رحمت است و بیرون آن دیوار به جانب او عذاب است. ﴿۱۳﴾ آواز دهند منافقان مسلمانان را: آیا ما نبودیم همراه شما؟ گفتند آری! و لیکن شما در بلا افکندید خویشتن را و انتظار کردید[۲] و شک آوردید و فریفته کرد شما را آرزوها تا آنکه برسید فرمان خدا[۳] و فریب داد شما را در فرمانبرداری خدا شیطان فریبنده. ﴿۱۴﴾ پس امروز گرفته نشود از شما فدیه و نه از کافران گرفته شود. جای شما آتش است همان آتش لایق شما است و بد بازگشت است وی. ﴿۱۵﴾ آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کند دل ایشان وقتِ یاد کردن خدا و وقتِ یاد آوردن آنچه آمده است از وحی الهی و نباشند مانند آنان‌که داده شده است ایشان را کتاب پیش از این، پس دراز گذشت بر ایشان مدّت پس سخت شد دل ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۱۶﴾ بدانید که خدا زنده می‌کند زمین را بعد مرده بودن آن، هرآیینه بیان کردیم برای شما نشانه‌ها بود که شما دریابید. ﴿۱۷﴾ هرآیینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنان‌که قرض داده‌اند خدای را قرض نیک، دو چندان داده شود ایشان را و ایشان راست مزد گرامی قدر. ﴿۱۸﴾

۱- مترجم گوید: یعنی در دنیا روید تحصیل نور کنید، که این جا تحصیل نور نیست، والله اعلم.

۲- یعنی هزیمت مسلمانان را.

۳- یعنی اجل.

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ
وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمۡ لَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ وَنُورُهُمۡۖ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡجَحِيمِ
﴿١٩﴾ ٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا لَعِبٞ وَلَهۡوٞ وَزِينَةٞ
وَتَفَاخُرُۢ بَيۡنَكُمۡ وَتَكَاثُرٞ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِۖ
كَمَثَلِ غَيۡثٍ أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ
مُصۡفَرّٗا ثُمَّ يَكُونُ حُطَٰمٗاۖ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٞ
شَدِيدٞ وَمَغۡفِرَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٞۚ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ
إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ
وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا كَعَرۡضِ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أُعِدَّتۡ
لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ
مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَآ أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي
كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ
﴿٢٢﴾ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ
ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ ٱلَّذِينَ
يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ
ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

و آنان‌که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او، آن جماعت ایشانند صدّیقان و شهیدانْ نزدیک پروردگار خویش. ایشان راست مزد ایشان و نور ایشان و آنان‌که کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخند.
﴿۱۹﴾ بدانید که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگی است و آرایش است و خودستایی است در میان خویش و از یکدیگر زیادت طلبی است در مال و فرزندان مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رستنی او باز خشک شود پس زرد ببینی آن را باز درهم شکسته گردد و در آخرت عذاب سخت است و نیز آمرزش است از جانب خدا و خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره که باعث فریب باشد. ﴿۲۰﴾ سبقت کنید به سوی آمرزش از جانب خدا و به سوی بهشتی که پهنایی او مانند پهنایی آسمان و زمین باشد آماده کرده شد برای آنان‌که ایمان آوردند به خدا و پیغامبران او و این است فضل خدا، می‌دهدش به هر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگ است. ﴿۲۱﴾ نرسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آن که بیافرینیم آن مصیبت را، هرآیینه این کار بر خدا آسان است. ﴿۲۲﴾ خبر داده‌ایم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان نشوید به آنچه عطا کرد شما را و خدای تعالی دوست ندارد هر تکبّر کنندهٔ خودستاینده را.
﴿۲۳﴾ [دوست نمی‌دارد] آنان را که بُخل می‌کنند و مردمان را به بُخل می‌فرمایند و هر که روی‌گردان شود هرآیینه خدای همون است بی‌نیاز ستوده. ﴿۲۴﴾

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ
وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ
بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ
وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدۡ
أَرۡسَلۡنَا نُوحٗا وَإِبۡرَٰهِيمَ وَجَعَلۡنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ٱلنُّبُوَّةَ
وَٱلۡكِتَٰبَۖ فَمِنۡهُم مُّهۡتَدٖۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ
قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيۡنَا بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ
وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَۖ وَجَعَلۡنَا فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ
رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗۚ وَرَهۡبَانِيَّةً ٱبۡتَدَعُوهَا مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ
إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ رِضۡوَٰنِ ٱللَّهِ فَمَا رَعَوۡهَا حَقَّ رِعَايَتِهَاۖ
فَـَٔاتَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنۡهُمۡ أَجۡرَهُمۡۖ وَكَثِيرٞ مِّنۡهُمۡ
فَٰسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَءَامِنُواْ
بِرَسُولِهِۦ يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ مِن رَّحۡمَتِهِۦ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ
نُورٗا تَمۡشُونَ بِهِۦ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ
﴿٢٨﴾ لِّئَلَّا يَعۡلَمَ أَهۡلُ ٱلۡكِتَٰبِ أَلَّا يَقۡدِرُونَ عَلَىٰ شَيۡءٖ
مِّن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡفَضۡلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ
وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

هرآیینه فرستادیم پیغامبران خود را به نشانه‌های واضح و
فرود آوردیم همراه ایشان کتاب و ترازو تا عمل کنند
مردمان به انصاف و فرود آوردیم آهن را به سبب آن
جنگ سخت است و منفعت‌های دیگر است برای مردمان
و تا بداند خدا کسی را که نصرت دهد خدا را غایبانه و
پیغامبران او را، هرآیینه خدا توانای غالب است. ﴿۲۵﴾ و
هرآیینه فرستادیم نوح را و ابراهیم را و نهادیم در اولاد
ایشان پیغامبری و کتاب، پس بعض ایشان راه‌یابند و
بسیاری از ایشان، بدکارانند. ﴿۲۶﴾ باز فرستادیم از پیِ
ایشان پیغامبران خود را و از پی آوردیم عیسی، پسر مریم،
را و دادیمش انجیل و نهادیم در دل تابعان او مهربانی و
بخشایش، و گوشه‌نشینی‌ای که خود پیدا کرده بودند آن
را، ما فرض نساخته بودیم بر ایشان، لیکن اختراع کردند به
طلب خوشنودی خدا، پس نگاهداشت آن نکردند حقِّ
نگاه داشتن آن. پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند
از ایشان[1] مزد ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند. ﴿۲۷﴾
ای آنان‌که ایمان آورده‌اید! [به پیغامبران سابق]، بترسید از
خدا و ایمان آرید به پیغامبر او[2] تا بدهد شما را دو حصّه
از رحمت خود و بدهد شما را نوری که راه روید به آن و
تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۲۸﴾ [به
این مقدمه خبر داد] تا بدانند اهل کتاب که ایشان قادر
نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدانند که فضل به دست
خدا است می‌دهد آن را به هر که خواهد و خدا صاحب
فضل بزرگ است. ﴿۲۹﴾

۱- یعنی به محمدﷺ.

۲- یعنی به محمدﷺ.

سُورَةُ المُجَادلَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قَدۡ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوۡلَ ٱلَّتِي تُجَٰدِلُكَ فِي زَوۡجِهَا وَتَشۡتَكِيٓ
إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ يَسۡمَعُ تَحَاوُرَكُمَآۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ
(١) ٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَآئِهِم مَّا هُنَّ
أُمَّهَٰتِهِمۡۖ إِنۡ أُمَّهَٰتُهُمۡ إِلَّا ٱلَّٰٓـِٔي وَلَدۡنَهُمۡۚ وَإِنَّهُمۡ
لَيَقُولُونَ مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ وَزُورٗاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ
غَفُورٞ (٢) وَٱلَّذِينَ يُظَٰهِرُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ ثُمَّ يَعُودُونَ
لِمَا قَالُواْ فَتَحۡرِيرُ رَقَبَةٖ مِّن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۚ ذَٰلِكُمۡ
تُوعَظُونَ بِهِۦۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ (٣) فَمَن لَّمۡ
يَجِدۡ فَصِيَامُ شَهۡرَيۡنِ مُتَتَابِعَيۡنِ مِن قَبۡلِ أَن يَتَمَآسَّاۖ
فَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ فَإِطۡعَامُ سِتِّينَ مِسۡكِينٗاۚ ذَٰلِكَ
لِتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۗ
وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٤) إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ كُبِتُواْ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ وَقَدۡ
أَنزَلۡنَآ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖۚ وَلِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابٞ مُّهِينٞ (٥)
يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ أَحۡصَىٰهُ
ٱللَّهُ وَنَسُوهُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ (٦)

سوره مجادله

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[1]هرآیینه شنید خدای تعالی سخنِ آن زن که گفتگو می‌کرد با تو در باب شوهر خود و شکایت می‌کرد پیش خدا و خدا می‌شنید گفتگو کردن شما، هرآیینه خدا شنوای بینا است. ﴿۱﴾ آنان‌که از شما ظهار می‌کنند با زنان خود[2]، نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادرانِ ایشان الاّ آنان‌که زاده‌اند ایشان را و هرآیینه ظهار کنندگان می‌گویند سخن نامعقول می‌گویند دروغ. و هرآیینه خدا عفو کنندهٔ آمرزگار است. ﴿۲﴾ آنان‌که ظهار می‌کنند با زنان خود باز رجوع می‌کنند در مخالفت آنچه گفتند، پس واجب است آزاد کردن بنده، پیش از آنکه زن و مرد به یکدیگر دست رسانند[3]. این حکم پند داده می‌شود شما را به آن و خدا به آنچه می‌کنید خبردار است. ﴿۳﴾ پس هر که نیابد بنده را، پس بر وی واجب است روزهٔ دو ماه پی درپی، پیش از آنکه هر دو به یکدیگر دست رسانند، پس هر که نتواند این را، پس طعام دادن شصت فقیر. این حکم برای آن است که منقاد شوید به خدا و رسول او را. و این حدّهای مقرر کردهٔ خدا است و کافران را عذاب درد دهنده باشد. ﴿۴﴾ هرآیینه آنان‌که مخالفت می‌کنند با خدا و رسول او، خوار کرده شد ایشان را، چنانکه خوار کرده شد آنان‌که پیش از ایشان بودند و هرآیینه فرود آوردیم آیات واضح و کافران را عذاب خوارکننده است. ﴿۵﴾ روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا پس خبر دهد ایشان را به آنچه کرده بودند. یاد داشت آن را خدا و ایشان آن را فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطّلع است. ﴿۶﴾

۱- زنی را شوهر او گفت: «أنت علي كظهر أمي» تو بر من مانند پشت مادر منی. آن زن پیش آن حضرتﷺ این ماجرا عرض کرد. فرمود که حرام شدی آن زن کثرت عیال و قلت مال عرض کرد خدای تعالی این آیت فرستاد.

۲- یعنی تشبیه می‌دهند زنان خود را به پشت مادر.

۳- یعنی جماع کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۖ
مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا
خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ
أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا
عَمِلُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾
أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نُهُوا۟ عَنِ ٱلنَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا
نُهُوا۟ عَنْهُ وَيَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ
ٱلرَّسُولِ ۖ وَإِذَا جَآءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ ٱللَّهُ
وَيَقُولُونَ فِىٓ أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا ٱللَّهُ بِمَا نَقُولُ ۚ
حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا تَنَٰجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ
وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ وَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ ۖ
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ
ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ
شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا۟ فِى
ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا۟ يَفْسَحِ ٱللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ
ٱنشُزُوا۟ فَٱنشُزُوا۟ يَرْفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنكُمْ
وَٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ دَرَجَٰتٍ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
﴿١١﴾

آیا ندیدی که خدا می‌داند آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در
زمین است؟ نمی‌باشد با یکدیگر راز گفتن سه شخص، مگر
خدا چهارم ایشان است و نمی‌باشد راز گفتن پنج شخص، الاّ
خدا ششم ایشان است و نه کمتر از این، مگر خدا با ایشان است
ونه زیاده از این، مگر خدا با ایشان است هرکجا باشند، باز خبر
دهد ایشان را روز قیامت به آنچه کرده‌اند. هرآیینه خدا به هر
چیز داناست. ﴿۷﴾ آیا ندیدی به سوی آنان‌که منع کرده شد
ایشان را از با یکدیگر راز گفتن[۱] باز عود می کنند در آنچه از
آن منع کرده شد ایشان را و با یکدیگر راز می گویند در باب
گناه و تعدّی و نافرمان‌برداری پیغامبر، و چون بیایند پیش تو،
دعا کنند تو را به آن کلمه که دعا نکرده است تو را خدا به
آن[۲] و می گویند در دل خویش: چرا نه عذاب می کند ما را
خدا به سبب آنچه می‌گوییم؟[۳] بس است ایشان را دوزخ،
درآیند آنجا. پس بدجایی است دوزخ!. ﴿۸﴾ ای مسلمانان،
چون با یکدیگر راز گویید، پس باید که راز مگویید در باب
گناه و تعدی و نافرمان برداریِ پیغامبر و راز گویید در باب
نیکوکاری و پرهیزگاری و بترسید از خدا که به سوی او حشر
کرده خواهید شد. ﴿۹﴾ جز این نیست که راز گفتن بد، از کار
شیطان است تا اندوهگین کند مسلمانان را و نیست هیچ زیان
رساننده به ایشان مگر به ارادهٔ خدا و بر خدا باید که توکل کنند
مسلمانان. ﴿۱۰﴾ ای مسلمانان! چون گفته شود شما را که
گشاده بنشینید در مجلس‌ها، پس گشاده کنید جای را تا گشاده
کند خدا برای شما هر مشکلی را و چون گفته شود برخیزید
پس برخیزید تا بلند کند خدا مرتبه‌های برای آنان‌که ایمان
آورده‌اند از شما و آنان‌که عطا کرده شده است ایشان را علم و
خدا به آنچه می کنید خبردار است. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی یهود که راز ایشان در ایذای مسلمین بود، والله اعلم.

۲- یعنی به جای «السلام علیك»، «السام علیك» گویند. یعنی مرگ بر تو باد!

۳- یعنی اگر پیغامبر راست است، بایستی که مارا عذاب رسیدی، والله اعلم.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَـٰجَيۡتُمُ ٱلرَّسُولَ فَقَدِّمُواْ بَيۡنَ
يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَةٗۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ وَأَطۡهَرُۚ فَإِن
لَّمۡ تَجِدُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٢ ءَأَشۡفَقۡتُمۡ أَن
تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيۡ نَجۡوَىٰكُمۡ صَدَقَٰتٖۚ فَإِذۡ لَمۡ تَفۡعَلُواْ
وَتَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ
وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ١٣
۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مَّا
هُم مِّنكُمۡ وَلَا مِنۡهُمۡ وَيَحۡلِفُونَ عَلَى ٱلۡكَذِبِ وَهُمۡ
يَعۡلَمُونَ ١٤ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ عَذَابٗا شَدِيدًاۖ إِنَّهُمۡ سَآءَ
مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٥ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٦ لَّن تُغۡنِيَ
عَنۡهُمۡ أَمۡوَٰلُهُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُهُم مِّنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔاۚ أُوْلَـٰٓئِكَ
أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ١٧ يَوۡمَ يَبۡعَثُهُمُ
ٱللَّهُ جَمِيعٗا فَيَحۡلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحۡلِفُونَ لَكُمۡ
وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍۚ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡكَٰذِبُونَ
١٨ ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ
أُوْلَـٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ
ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ
أُوْلَـٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ ٢٠ كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغۡلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِيٓۚ
إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ ٢١

ای مسلمانان! چون خواهید که راز گویید با پیغامبر پس نخست بدهید پیش از راز گفتن خود خیرات را. این کار بهتر است شما را و پاکیزه‌تر است. پس اگر نیابید هرآیینه خدا آمرزگار مهربان است[1]. ﴿۱۲﴾ آیا ترسید از آنکه نخست دهید پیش از راز گفتن خود خیرات را؟ پس چون نکردید و در گذرانید خدا از شما، پس باری برپا دارید نماز را و زکات را و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را و خدا خبردار است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۳﴾ آیا ندیدی به سوی آنان‌که دوستی کردند با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان[2]، نیستند این منافقان از شما و نه از یهود و سوگند می‌خورند بر دروغ و ایشان می‌دانند. ﴿۱۴﴾ آماده ساخته است خدا برای ایشان عذاب سخت، هرآیینه بد است آنچه می‌کردند. ﴿۱۵﴾ سپر گرفته‌اند سوگندان خود را، پس بازداشتند مردم را از راه خدا، پس ایشان راست عذاب خوارکننده. ﴿۱۶﴾ دفع نخواهد کرد از ایشان مال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را. این جماعت اهل دوزخ‌اند. ایشان آنجا جاودان باشند. ﴿۱۷﴾ روزی که برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا، پس سوگند خوردند به حضور او چنانکه سوگند می‌خورند به حضور شما و می‌پندارند که ایشان بر چیزی هستند. آگاه شو! هرآیینه ایشانند دروغگوی. ﴿۱۸﴾ غالب آمده است بر ایشان شیطان، پس فراموش ساخت از خاطر ایشان یاد کردن خدا را. این جماعت لشکر شیطان است. آگاه شو! هرآیینه لشکر شیطان ایشانند زیانکاران. ﴿۱۹﴾ هرآیینه آنان‌که خلاف می‌کنند با خدا و رسول او، این جماعت در جملهٔ خوارترین مردم‌اند. ﴿۲۰﴾ حکم کرد خدا که البته غالب شوم من و غالب شوند پیغامبران من، هرآیینه خدا توانای غالب است. ﴿۲۱﴾

۱- مترجم گوید: این حکم منسوخ است به آیتی که می‌آید، والله اعلم.
۲- یعنی منافقان با یهود دوستی کردند، والله اعلم.

لَّا تَجِدُ قَوۡمًا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿٢٢﴾

سُورَةُ الحَشۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمۡ لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِۚ مَا ظَنَنتُمۡ أَن يَخۡرُجُواْۖ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمۡ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنۡ حَيۡثُ لَمۡ يَحۡتَسِبُواْۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَۚ يُخۡرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيۡدِيهِمۡ وَأَيۡدِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ فَٱعۡتَبِرُواْ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَبۡصَٰرِ ﴿٢﴾ وَلَوۡلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابُ ٱلنَّارِ ﴿٣﴾

نخواهی یافت قومی که ایمان دارند به خدا و روز آخر به این صفت که دوستی کنند با کسی که خلاف کرده است با خدا و رسول او و اگرچه آن جماعت باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان. آن مؤمنان که با کافران دوستی ندارند نوشته است خدا در دل ایشان ایمان را و قوّت داده است ایشان را به فیض غیبی از جانب خود و در آرد ایشان را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها جاویدان آنجا. خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا، ایشانند لشکر خدا. آگاه شو! هرآیینه لشکر خدا ایشانند رستگاران. ﴿۲۲﴾

سوره حشر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[1] به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت. ﴿۱﴾ اوست آن که بر آورد آنان راکه کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر. گمان نداشتید شما ای مسلمانان که برآیند و گمان می‌کردند آن کافران که نگاه دارندهٔ ایشان باشند قلعه‌های ایشان از عقوبت خدا، پس بیامد بدیشان عقوبت خدا از آنجا که نمی‌دانستند و افکند در دل ایشان ترس را. خراب می‌کردند خانه‌های خود را به دست خویش و به دست مسلمانان نیز خراب شد. پس عبرت گیرید ای خداوند دیده‌ها!. ﴿۲﴾ و اگر نه آن بود که نوشت خدا بر ایشان جلا وطنی، هرآیینه عقوبت می‌کرد ایشان را در دنیا[1] و ایشان راست در آخرت، عذاب آتش. ﴿۳﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرتﷺ چون به مدینه آمدند، با بنی نضیر صلح کردن و ایشان به سبب شقاوت ازلی، سعی عداوت آن حضرتﷺ پیش گرفتند، آن حضرتﷺ اراده فرمود که آن جماعت را جلا و طن فرماید. منفافقان آن ملاعین را پیغام فرستادند که شما قتال کنید و در جنگ استواری ورزید که ما رفیق شماایم. خدای تعالی بر خلاف ارادهٔ منافقان در اول جمع کردن لشکر بر یهود القای رُعب فرمود تا عاجز آمدند و جلا وطنی اختیار کردند و سخن اهل نفاق را نشنیدند و به قتال و تکرار جمع رجال اتفاق نیفتاد و اموال ایشان فَیٔ شد و فَیٔ آن را گویند که به غیر قتال به دست مسلمانان افتد. خدای تعالی منت بر مسلمان نهاد حکم فَیٔ بیان فرمود و از ارادهٔ منافقان خبر داد، والله اعلم.

۱- به نوعی دیگر، والله اعلم.

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۖ وَمَن يُشَآقِّ ٱللَّهَ
فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعۡتُم مِّن لِّينَةٍ أَوۡ
تَرَكۡتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا فَبِإِذۡنِ ٱللَّهِ وَلِيُخۡزِيَ
ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡهُمۡ فَمَآ
أَوۡجَفۡتُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ خَيۡلٖ وَلَا رِكَابٖ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ
يُسَلِّطُ رُسُلَهُۥ عَلَىٰ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
قَدِيرٞ ﴿٦﴾ مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡقُرَىٰ
فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ
وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ
مِنكُمۡۚ وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ
عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٧﴾
لِلۡفُقَرَآءِ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ
وَأَمۡوَٰلِهِمۡ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا وَيَنصُرُونَ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ﴿٨﴾ وَٱلَّذِينَ
تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ
إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ
وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن
يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿٩﴾

این عذاب به سبب آن است که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا، پس هرآیینه خدا سخت کنندهٔ عقوبت است. ﴿۴﴾ آنچه بریدید از درخت خرما یا گذاشتید آن را ایستاده بر بیخ خودش، پس به فرمان خدا بود و تا خوار کند بدکاران را[1]. ﴿۵﴾ و آنچه عاید گردانید خدا بر پیغامبر خود از اموال نبی نضیر، پس نتاخته بودید بر آن اسپان را و نه شترها را و لیکن خدا غالب می‌گرداند پیغامبران خود را بر هر که خواهد و خدا بر هر چیز تواناست. ﴿۶﴾ آنچه عاید گردانید خدایِ تعالی بر پیغامبر خود از اموال ساکنان دیه‌ها، پس خدای راست و پیغامبر را و خویشاوندان را[2] و یتیمان را و فقیران را و راهگذری را بیان فرمودیم تا نباشد آن «فی»، دست‌گردان میان توانگران از شما. و هرچه بدهد شما را پیغامبر، بگیرید آن را و هرچه منع کند شما را از آن باز ایستید و بترسید از خدا. هرآیینه خدا سخت کنندهٔ عقوبت است. ﴿۷﴾ آن «فی» فقیران هجرت کننده راست، آنان‌که بیرون کرده شد ایشان را از خانه‌های ایشان و اموال ایشان، می‌طلبند نعمت را از پروردگار خویش و خوشنودی را و نصرت می‌دهند خدا را و پیغامبر او را. این جماعت ایشانند راست وعده. ﴿۸﴾ و نیز آنان راست که جای گرفتند به دارالاسلام[3] و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران، دوست می‌دارند هر که را هجرت کند به سوی ایشان و نمی‌یابند در خاطر خود دغدغه‌ای از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را اختیار می‌کنند بر خویشتن و اگرچه باشد ایشان را احتیاج و هرکه را نگاه داشته شد از حرص نفس خودش، پس آن جماعت ایشانند رستگار. ﴿۹﴾

۱- یعنی قطع درخت میوه‌دار وقت جهاد، جائز است وترک آن نیز جائز، والله اعلم.

۲- یعنی خویشاوندان پیغامبر را.

۳- یعنی به مدینه.

وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا
وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي
قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾
۞أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ نَافَقُواْ يَقُولُونَ لِإِخۡوَٰنِهِمُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَئِنۡ أُخۡرِجۡتُمۡ لَنَخۡرُجَنَّ
مَعَكُمۡ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمۡ أَحَدًا أَبَدٗا وَإِن قُوتِلۡتُمۡ
لَنَنصُرَنَّكُمۡ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١١﴾ لَئِنۡ
أُخۡرِجُواْ لَا يَخۡرُجُونَ مَعَهُمۡ وَلَئِن قُوتِلُواْ لَا
يَنصُرُونَهُمۡ وَلَئِن نَّصَرُوهُمۡ لَيُوَلُّنَّ ٱلۡأَدۡبَٰرَ ثُمَّ لَا
يُنصَرُونَ ﴿١٢﴾ لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ ﴿١٣﴾ لَا يُقَٰتِلُونَكُمۡ
جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرٗى مُّحَصَّنَةٍ أَوۡ مِن وَرَآءِ جُدُرِۭۚ بَأۡسُهُم
بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞۚ تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ ﴿١٤﴾ كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ
قَرِيبٗاۖ ذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ
ٱلشَّيۡطَٰنِ إِذۡ قَالَ لِلۡإِنسَٰنِ ٱكۡفُرۡ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ
إِنِّي بَرِيٓءٞ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾

و نیز آن راست که آمدند بعد از مهاجران و انصار می‌گویند: ای پروردگار ما! بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما به ایمان آوردن و پیدا مکن در دل ما هیچ کینه به نسبت آنان‌که ایمان آوردند. ای پروردگار ما! هرآیینه تو بخشاینده مهربانی[1]. ﴿۱۰﴾ آیا ندیدی به سوی آنان‌که منافق شدند، می‌گویند آن برادران خود را که کافرانند از اهل کتاب: [به خدا] اگر جلا وطن کرده شود شما را البته بیرون شویم ما نیز همراه شما و فرمان قبول نکنیم در مقدمهٔ شما هیچ‌کس را هرگز و اگر قتال کرده شود با شما البته نصرت دهیم شما را، و خدا گواهی می‌دهد که ایشانند دروغگویان. ﴿۱۱﴾ [به خدا] اگر جلا وطن کرده شود اهل کتاب را، جلا وطن نشوند همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب نصرت ندهند ایشان را و اگر به فرض، نصرت دهند اهل کتاب را، البته بازگردانند پشت خود را بعد از آن مدد کرده نشود ایشان را. ﴿۱۲﴾ هرآیینه شما [ای مسلمانان!] با رُعب‌ترید در خاطر ایشان از خدا. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که نمی‌فهمند[2]. ﴿۱۳﴾ جنگ نکند با شما یکجا شده مگر در دیه‌ها که بر آن حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها. جنگ ایشان در میان خویش سخت‌تر است، می‌پنداری ایشان را یکجا مجتمع شده و دل‌های ایشان پراکنده است. این به سبب آن است که ایشان قومی هستند که در نمی‌یابند[3]. ﴿۱۴﴾ [داستان ایشان] مانند داستان آنان است که پیش از ایشان بودند در نزدیکی چشیدند وبالِ گناه خود را و ایشان راست عذاب دردناک[4]. ﴿۱۵﴾ [داستان منافقان با اهل کتاب] مانند داستان شیطان است، چون گفت آدمی را: کافر شو! پس چون کافر شد، گفت: هرآیینه من بی‌تعلّقم از تو، هرآیینه من می‌ترسم از خدای پروردگار عالم‌ها. ﴿۱۶﴾

۱- مترجم گوید: از این آیت معلوم شد که در فئ هر مسلمان را حق است. پس احوج فالاحوج را باید داد تا آنکه مال فئ کفایت کند، والله اعلم.

۲- یعنی از عذاب خداکه مؤجل است، پرواندارند، والله اعلم.

۳- یعنی با یکدیگر خانه جنگی‌ها دارند، مصلحت ایشان یکی نیست، والله اعلم.

۴- یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب و منهزم شدند، ایشان نیز منهزم گشتند، والله اعلم.

فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي ٱلنَّارِ خَٰلِدَيۡنِ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ
جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
وَلۡتَنظُرۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ لِغَدٖۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ
خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ
ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا
يَسۡتَوِيٓ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡجَنَّةِۚ أَصۡحَٰبُ
ٱلۡجَنَّةِ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ
جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۚ
وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ
هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ
ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ
يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

پس شد عاقبت کار این شیطان و این آدمی آنکه ایشان در آتش باشند جاویدان آنجا و این است جزای ستمکاران. ﴿۱۷﴾ ای مسلمانان! بترسید از خدا و باید که تأمّل کند هر شخصی که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا[1] و بترسید از خدا. هرآیینه خدا خبردار است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۸﴾ و مباشید مانند آنان‌که فراموش کردند خدا را، پس خدا فراموش گردانید از خاطر ایشان تدبیر حال ایشان، این جماعت ایشانند بدکاران. ﴿۱۹﴾ برابر نیست اهل دوزخ و اهل بهشت. اهل بهشت ایشانند به مطلب رسندگان. ﴿۲۰﴾ اگر فرود می‌آوردیم این قرآن را بر کوهی، هرآیینه می‌دیدی آن را نیایش کردۀ پاره پاره شده از خوف خدا و این داستان‌ها بیان می‌کنیم برای مردمان تا ایشان تأمّل کنند. ﴿۲۱﴾ اوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او، دانندۀ نهان و آشکارا. اوست بخشایندۀ مهربان. ﴿۲۲﴾ اوست آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او، پادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیب‌ها، امن دهنده، نگاهبان، غالب خود اختیار، بزرگوار. پاکی خدای راست از شریک مقرر کردن ایشان. ﴿۲۳﴾ اوست خدای آفریدگار نوپدیدآرندۀ نگارنده. او راست نام‌های نیک. به پاکی یاد می‌کنند او را هرچه در آسمان‌ها و زمین است و اوست غالب با حکمت. ﴿۲۴﴾

۱- یعنی برای روز قیامت.

سُورَةُ المُمۡتَحَنَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمۡ
أَوۡلِيَآءَ تُلۡقُونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَقَدۡ كَفَرُواْ بِمَا
جَآءَكُم مِّنَ ٱلۡحَقِّ يُخۡرِجُونَ ٱلرَّسُولَ وَإِيَّاكُمۡ أَن
تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ رَبِّكُمۡ إِن كُنتُمۡ خَرَجۡتُمۡ جِهَٰدٗا فِي
سَبِيلِي وَٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِيۚ تُسِرُّونَ إِلَيۡهِم بِٱلۡمَوَدَّةِ وَأَنَا۠
أَعۡلَمُ بِمَآ أَخۡفَيۡتُمۡ وَمَآ أَعۡلَنتُمۡۚ وَمَن يَفۡعَلۡهُ مِنكُمۡ
فَقَدۡ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ١ إِن يَثۡقَفُوكُمۡ يَكُونُواْ
لَكُمۡ أَعۡدَآءٗ وَيَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ وَأَلۡسِنَتَهُم
بِٱلسُّوٓءِ وَوَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ ٢ لَن تَنفَعَكُمۡ
أَرۡحَامُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡۚ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَفۡصِلُ
بَيۡنَكُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ٣ قَدۡ كَانَتۡ
لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ
لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ
ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ
وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ إِلَّا قَوۡلَ
إِبۡرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسۡتَغۡفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمۡلِكُ لَكَ مِنَ
ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖۖ رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا
وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤ رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ
كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ
٥

سوره ممتحنه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[(۱)]ای مسلمانان! دوست می‌گیرید دشمنان مرا و دشمنانِ خود را. می‌افکنید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و هرآیینه ایشان کافر شده‌اند به آنچه آمده است به شما از دین راست. جلا وطن می‌کنند پیغامبر را و شما را نیز برای آنکه ایمان آوردید به خدا پروردگار خویش. دوست مگیرید اگر برآمده‌اید از اوطان خود برای جهاد در راه من و بطلب رضامندیِ من. پنهان می‌فرستید به سوی ایشان پیغام به سبب دوستی و من می‌دانم آنچه پنهان می‌کنید و آنچه آشکارا می‌نمایید و هر که از شما بکند این کار، هرآیینه غلط کرد راه هموار را. ﴿۱﴾ اگر کافران بیابند شما را، دشمن باشند در حقّ شما و بگشایند به سوی شما دست‌های خود را و زبان‌های خود را به ایذا و دوست دارند که کافر شوید. ﴿۲﴾ سود نخواهند داد شما را خویشاوندان شما و نه فرزندان شما به روز قیامت. فیصل خواهد کرد خدا در میان شما و خدا به آنچه می‌کنید بیناست. ﴿۳﴾ هرآیینه هست شما را پیروی نیک با ابراهیم و آنان‌که همراه او بودند، چون گفتند قوم خود را: هرآیینه ما بی‌تعلّقیم از شما و از آنچه می‌پرستید بجز خدا. نامعتقد شدیم به شما و پدید آمد میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه، تا وقتی که ایمان آرید به خدای تنها. شما را پیروی نیک است با ابراهیم، مگر در قول ابراهیم پدر خود را که البته آمرزش طلب خواهم کرد برای تو و نمی‌توانم برای تو از خدا چیزی[(۱)]. گفت ابراهیم: ای پروردگار ما! بر تو توکل کردیم و به سوی تو رجوع نمودیم و به سوی تو است بازگشت. ﴿۴﴾ ای پروردگار ما! مکن ما را زبردست کافران و بیامرز برای ما، ای پروردگار ما! هرآیینه تویی غالب با حکمت. ﴿۵﴾

۱- مترجم گوید: آن حضرتﷺ خواستند که به فتح مکه متوجه شوند و می‌خواستند کسی اهل مکه را به قصد آن حضرت مطلع نکند تا ناگهان بر سرایشان رسند. یکی از صحابه به طرف ایشان نامه نوشت و بر قصد آن حضرت مطلع ساخت. خدای تعالی آن حضرتﷺ را اطلع داد تا آن نامه را از راه بازآوردند و خدای تعالی در باب منع از دوستی کفار نازل ساخت.

۱- یعنی در این قول اقتدا به ابراهیم نشاید کردن و استغفار برای کافر، درست نیست، والله اعلم.

لَقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِيهِمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ
ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ
ٱلۡحَمِيدُ ۝٦ ۞عَسَى ٱللَّهُ أَن يَجۡعَلَ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَ
ٱلَّذِينَ عَادَيۡتُم مِّنۡهُم مَّوَدَّةٗۚ وَٱللَّهُ قَدِيرٞۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ
رَّحِيمٞ ۝٧ لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ
فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ
وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ۝٨ إِنَّمَا
يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ
وَأَخۡرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن
تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝٩
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا جَآءَكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ
مُهَٰجِرَٰتٖ فَٱمۡتَحِنُوهُنَّۖ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِهِنَّۖ فَإِنۡ
عَلِمۡتُمُوهُنَّ مُؤۡمِنَٰتٖ فَلَا تَرۡجِعُوهُنَّ إِلَى ٱلۡكُفَّارِۖ لَا
هُنَّ حِلّٞ لَّهُمۡ وَلَا هُمۡ يَحِلُّونَ لَهُنَّۖ وَءَاتُوهُم مَّآ أَنفَقُواْۚ
وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّۚ وَلَا تُمۡسِكُواْ بِعِصَمِ ٱلۡكَوَافِرِ وَسۡـَٔلُواْ مَآ
أَنفَقۡتُمۡ وَلۡيَسۡـَٔلُواْ مَآ أَنفَقُواْۚ ذَٰلِكُمۡ حُكۡمُ ٱللَّهِ
يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡۖ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝١٠ وَإِن فَاتَكُمۡ
شَيۡءٞ مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ إِلَى ٱلۡكُفَّارِ فَعَاقَبۡتُمۡ فَـَٔاتُواْ
ٱلَّذِينَ ذَهَبَتۡ أَزۡوَٰجُهُم مِّثۡلَ مَآ أَنفَقُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ
ٱلَّذِيٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤۡمِنُونَ ۝١١

هرآیینه هست شما را به جماعت مذکوره اقتدای نیک، کسی را از شما که امید دارد ملاقات خدا را و روز آخرت را و هر که روی گردان شود، پس هرآیینه خدا بی‌نیاز ستوده کار است. ﴿۶﴾ نزدیک است خدا از آنکه پیداکند در میان شما و در میان آنان‌که دشمنی داشته‌اید با آنها دوستی را[۱] و خدا تواناست و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۷﴾ منع نمی‌کند خدا شما را از مواصلت آنان‌که جنگ نکرده‌اند با شما در مقدمۀ دین و بیرون نکرده‌اند شما را از خانه‌های شما. منع نمی‌کند از آنکه احسان کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان، هرآیینه خدا دوست می‌دارد انصاف کنندگان را. ﴿۸﴾ جز این نیست که منع می‌کند شما را خدا از مواصلت آنان‌که جنگ کرده‌اند با شما در مقدمۀ دین و بیرون کرده‌اند شما را از خانه‌های شما و معاونت دیگران کرده‌اند در بر آوردن شما، منع می‌کند از آنکه دوستی دارید با ایشان و هر که دوستی دارد با ایشان، پس آن جماعت ایشانند ستمکاران. ﴿۹﴾ ای[۲] مسلمانان! چون بیایند پیش شما زنان مسلمانان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشان را[۳]. خدا داناتر است به ایمان ایشان. پس اگر مسلمان دانید ایشان را باز نفرستید ایشان را به سوی کافران. نه این زنان حلال‌اند کافران را و نه آن کافران حلال‌اند این زنان را و بدهید به شوهران آنچه خرج کردند[۴] و نیست گناه بر شما که نکاح کنید با ایشان، چون بدهید ایشان را مهر ایشان و نگاه مدارید دست‌آویز زنان نامسلمان را[۵] و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کردند[۶]. این است حکم خدا. فیصل می‌کند میان شما و خدا دانای با حکمت است. ﴿۱۰﴾ و اگر از دست شما برود کسی از زنان شما به طرف کافران، پس عقوبت رسانید کافران را[۱]، پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان، مانند آنچه خرج کردند و بترسید از خدایی که شما او را باوردارنده‌اید[۲]. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

۲- مترجم گوید: در صلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده به مدینه می‌آمدند و بعض نساء مسلمین مرتد گشته به کفار ملحق می‌شدند. خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود، والله اعلم.

۳- یعنی قسم دهید ایشان راکه به سبب ناخوشی شوهران خود یا به سبب عشق مردان دیگر نیامده‌اند، والله اعلم.

۴- یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند، بازگردانید، والله اعلم.

۵- یعنی بر نکاح کافره اقامت نباید کرد، والله اعلم.

۶- یعنی اگر زنی مرتد شده با مشرکان ملحق شود مهر او باید طلبید اگر زنی مسلمان شده، هجرت کند، مهر او باید داد، والله اعلم.

۱- یعنی غنیمت ستانید از ایشان.

۲- مترجم گوید که: اگر کفار معاهد باشند وزنی مرتده به ایشان ملحق گردد، از ایشان مهر باید طلبید، چنانچه در آیت سابقه معلوم شده اگر کفار حربیان باشند، از غنائم اموال ایشان شوهران مرتده را مهر باید داد. بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند. نزدیک این فقیر، نسخ این احکام ثابت نشده است، پس اگر مثل حالتی که در صلح حدیبیه بود، باز رودهد تحقیق که بر همین احکام عمل کرده شود، والله اعلم.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ يُبَايِعۡنَكَ عَلَىٰٓ أَن
لَّا يُشۡرِكۡنَ بِٱللَّهِ شَيۡـٔٗا وَلَا يَسۡرِقۡنَ وَلَا يَزۡنِينَ وَلَا
يَقۡتُلۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأۡتِينَ بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ بَيۡنَ
أَيۡدِيهِنَّ وَأَرۡجُلِهِنَّ وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ
فَبَايِعۡهُنَّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُنَّ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٢﴾
يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا غَضِبَ ٱللَّهُ
عَلَيۡهِمۡ قَدۡ يَئِسُواْ مِنَ ٱلۡأٓخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلۡكُفَّارُ مِنۡ
أَصۡحَٰبِ ٱلۡقُبُورِ ﴿١٣﴾

سُورَةُ الصَّفِّ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ﴿١﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا
تَفۡعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُواْ مَا لَا
تَفۡعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ
صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ ﴿٤﴾ وَإِذۡ قَالَ مُوسَىٰ
لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ لِمَ تُؤۡذُونَنِي وَقَد تَّعۡلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ
ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡۖ فَلَمَّا زَاغُوٓاْ أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡۚ وَٱللَّهُ لَا
يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾

ای پیغمبر! چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمانان که بیعت کنند با تو به این شرط که شریک مقرر نکنند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ که بر بسته باشند آن را در میان دست‌های خویش و در میان پای‌های خویش[۱] و نا فرمانی نکنند تو را در کار نیک، پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان از خدا، هرآیینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۲﴾ ای مسلمانان! دوستی ندارید با گروهی که خشم گرفته است خدا بر آنها که ناامید شده‌اند از ثواب آخرت، چنانکه ناامید شده‌اند کافران که از اهل گوراند[۲]. ﴿۱۳﴾

سوره صف

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است و اوست غالبِ با حکمت. ﴿۱﴾ ای مسلمانان! چرا می‌گویید آنچه نمی‌کنید؟ ﴿۲﴾ بسیار ناپسندیده شد نزدیک خدا آنکه بگویید چیزی را که نکنید[۱]. ﴿۳﴾ هرآیینه خدا دوست می‌دارد آنان را که جنگ می‌کنند در راه خدا صف زده، گویا ایشان عمارتی هستند محکم با یکدیگر چسپیده. ﴿۴﴾ و [یاد کن] چون گفت موسی قوم خود را: ای قوم من! چرا می‌رنجانید مرا و هرآیینه می‌دانید که من فرستادۀ خدایم به سوی شما؟ پس وقتی که کجروی کردند، کج ساخت خدا دل ایشان را و خدا راه نمی‌نماید قوم بدکاران را. ﴿۵﴾

۱- یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند، والله اعلم.

۲- یعنی خدای تعالی حکم به عذاب ایشان کرده است، پس هرگز ایمان نیارند و ثواب نیابند، چنانچه کافران بعد مردن بر کفر توقع ثواب ندارند، والله اعلم.

۱- یعنی با خدا عهد کنید به وفا نرسانید.

وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ
ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ
وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُۖ فَلَمَّا
جَآءَهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ٦ وَمَنۡ
أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ وَهُوَ يُدۡعَىٰٓ إِلَى
ٱلۡإِسۡلَٰمِۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٧ يُرِيدُونَ
لِيُطۡفِـُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ
ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ
ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ
تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ١٠ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ
وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ
ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ١١ يَغۡفِرۡ لَكُمۡ
ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ
ٱلۡعَظِيمُ ١٢ وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ
قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٣ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ
أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّـۧنَ
مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ
فَـَٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ
فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ
١٤

و [یاد کن] چون گفت عیسی پسر مریم: ای بنی اسرائیل! هرآیینه من پیغامبر خدایم به سوی شما، باور دارندهٔ آنچه پیش دست من است از تورات و بشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد از من نام او [احمد] باشد. پس چون آمد احمد پیش ایشان با معجزه‌ها گفتند: این سحری ظاهرست.
﴿۶﴾ و کیست ستمکارتر از کسی که بر بست بر خدا دروغی را و او خوانده می‌شود به سوی اسلام؟ و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۷﴾ می‌خواهند [این کافران] که فرونشانند نور خدا را به دهن خویش و خدا تمام کنندهٔ نور خود است و اگرچه ناخوش دارند کافران.
﴿۸﴾ اوست آن که فرستاد پیغامبر خود را به هدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همهٔ آن اگرچه ناخوش دارند مشرکان. ﴿۹﴾ ای مسلمانان! آیا دلالت کنم شما را به آن سوداگری که برهاند شما را از عذاب درد دهنده؟.
﴿۱۰﴾ ایمان آرید به خدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا به اموال خود و به جان خود. این بهتر است برای شما اگر می‌دانید [اگر این چنین کنید]. ﴿۱۱﴾ بیامرزد برای شما گناهان شما را و درآرد شما را به بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها و به محل‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن. این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۲﴾ و [بدهد نعمتی] دیگر که دوست می‌دارید آن را، [آن نعمت] نصرت از جانب خدا است و فتحی قریب الحصول است و مژده بده مسلمانان را. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان! باشید نصرت دهندهٔ خدا چنانکه گفت عیسی، پسر مریم با یاران خاص خود: کیستند نصرت دهندگان من به سوی خدا متوجه شده؟ گفتند آن یاران خاص: ماییم نصرت دهندگان[1]، خدا را، پس ایمان آوردند جمعی از بنی اسراییل و کافر ماندند جمعی. پس قوّت دادیم مؤمنان را بر دشمنان ایشان، پس شدند غالب.
﴿۱۴﴾

۱- پس در ترویج دین عیسی سعی کردند.

سُورَةُ الجُمُعَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡمَلِكِ
ٱلۡقُدُّوسِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ١ هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي
ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ
وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي
ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢ وَءَاخَرِينَ مِنۡهُمۡ لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡۚ وَهُوَ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٣ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ
وَٱللَّهُ ذُو ٱلۡفَضۡلِ ٱلۡعَظِيمِ ٤ مَثَلُ ٱلَّذِينَ حُمِّلُواْ
ٱلتَّوۡرَىٰةَ ثُمَّ لَمۡ يَحۡمِلُوهَا كَمَثَلِ ٱلۡحِمَارِ يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢاۚ
بِئۡسَ مَثَلُ ٱلۡقَوۡمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ لَا
يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ هَادُوٓاْ
إِن زَعَمۡتُمۡ أَنَّكُمۡ أَوۡلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ ٱلنَّاسِ فَتَمَنَّوُاْ
ٱلۡمَوۡتَ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦ وَلَا يَتَمَنَّوۡنَهُۥٓ أَبَدَۢا بِمَا
قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ ٧ قُلۡ إِنَّ
ٱلۡمَوۡتَ ٱلَّذِي تَفِرُّونَ مِنۡهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمۡۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ
إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ
تَعۡمَلُونَ ٨

سوره جمعه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

به پاکی یاد می‌کند خدا را هر آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است خدای پادشاه نهایت پاکِ غالبِ باحکمت. ﴿۱﴾ اوست آن که برانگیخت در ناخواندگان[۱] پیغامبری از قوم ایشان می‌خواند بر ایشان آیات او را و پاک می‌کند ایشان را و می‌آموزد ایشان را کتاب و دانش و هرآیینه ایشان بودند پیش از این در گمراهی ظاهر. ﴿۲﴾ و نیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در قومی دیگر از بنی آدم که هنوز نپیوسته‌اند با مسلمانان[۲] و اوست غالبِ با حکمت. ﴿۳﴾ این است فضل خدا می‌دهدش به هر که خواهد و خدا، خداوند فضل بزرگ است. ﴿۴﴾ داستان آنان‌که نهاده شده بر سر ایشان تورات، باز نبرداشتند آن را[۳]، مانند داستان خر است که بردارد کتاب‌ها را. بد است داستان قومی که دروغ می‌شمرند آیات خدا را و خدا راه نمی‌نماید گروه ستمکاران را. ﴿۵﴾ بگو: ای یهود! اگر گمان دارید که شما دوستان خدایید بجز سایر مردمان، پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان. ﴿۶﴾ و آرزو نخواهند کرد آن را هرگز، به سبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان و خدا داناست به ستمکاران. ﴿۷﴾ بگو: هرآیینه مرگی که می‌گریزید از آن، البته وی. رسنده است به شما، باز رجوع کرده خواهید شد به سوی دانندهٔ نهان و آشکارا، پس خبر دهد شما را به آنچه می‌کردید. ﴿۸﴾

۱- یعنی عرب.

۲- فارس یعنی سائرِ عجم.

۳- یعنی به وفق آن عمل نکردند.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ
ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ
خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ
ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ
وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوۡاْ
تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا
عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ
ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿١١﴾

سُورَةُ المُنَافِقُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ قَالُواْ نَشۡهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ ٱللَّهِۗ
وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُۥ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
لَكَٰذِبُونَ ﴿١﴾ ٱتَّخَذُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُمۡ جُنَّةٗ فَصَدُّواْ عَن
سَبِيلِ ٱللَّهِۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ ثُمَّ كَفَرُواْ فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا
يَفۡقَهُونَ ﴿٣﴾ ۞وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن
يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡۖ كَأَنَّهُمۡ خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞۖ
يَحۡسَبُونَ كُلَّ صَيۡحَةٍ عَلَيۡهِمۡۚ هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ
قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ﴿٤﴾

ای مسلمانان! چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه، پس سعی کنید به سوی یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را، این بهتر است شما را اگر می‌دانید. ﴿۹﴾ پس چون تمام کرده شود نماز را متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید. ﴿۱۰﴾ و آن مسلمانان چون ببینند کاروانی را یا بازی[ای] را، متفرق شده متوجه می‌شوند به سوی آن و بگذارند تو را ایستاده[۱]. بگو: آنچه نزدیک خدا است بهتر است از بازی و از سوداگری و خدا بهترین روزی دهندگان است[۲]. ﴿۱۱﴾

سوره منافقون

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[۳]چون بیایند پیش تو منافقان، گویند: گواهی می‌دهیم که تو پیغامبر خدایی. و خدا می‌داند که تو پیغمبر اویی و خدا گواهی می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند. ﴿۱﴾ سپر گرفته‌اند قسم‌های خود را، پس بازماندند از راه خدا. هرآیینه ایشان بد است آنچه می‌کنند. ﴿۲﴾ این به سبب آن است که ایشان ایمان آوردند باز کافر شدند، پس مهر کرده شد بر دل ایشان پس ایشان نمی‌فهمند. ﴿۳﴾ و چون ببینی ایشان را، متعجب کند تو را ابدان ایشان و اگر بگویند، گوش نهی به سخن ایشان گویا ایشان چوب‌هایی‌اند به دیوار بازنهاده. می‌پندارند هر آواز تند را هلاکی بر خود! ایشانند دشمنان پس بترس از ایشان، لعنت کرد ایشان را خدا! از کجا گردانیده می‌شوند. ﴿۴﴾

۱- یعنی در خطبه.

۲- مترجم گوید: این آیت عتاب است بر اصحاب و اشارت است به آن قصّه که کاروانی از شام آمد. در اثنای خطبه ایشان را دیده متفرق شدند ودر خدمت آن حضرتﷺ نماندند، مگر دوازده شخص که حضرت ابو بکر رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه از آن جمله بودند، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق‌انگیز بر زبان آورد، آن را شخصی از انصار به عرض آن حضرتﷺ رسانید. مناقان به مجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده‌اند. این سوره در حکایت آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْاْ
رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ٥
سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن
يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ ٦
هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ
ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ
وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ٧ يَقُولُونَ لَئِن
رَّجَعْنَآ إِلَى ٱلْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ ٱلْأَعَزُّ مِنْهَا ٱلْأَذَلَّۚ وَلِلَّهِ
ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا
يَعْلَمُونَ ٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلْهِكُمْ
أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفْعَلْ
ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ٩ وَأَنفِقُواْ مِن مَّا
رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ
فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ
وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠ وَلَن يُؤَخِّرَ ٱللَّهُ نَفْسًا إِذَا
جَآءَ أَجَلُهَاۚ وَٱللَّهُ خَبِيرُۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ١١

و چون گفته شود منافقان را: بیایید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا بپیچانند سرهای خود را و بینی ایشان را که روی می‌گردانند تکبّرکنان. ﴿۵﴾ یکسان است در حق این جماعت که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نطلبی برای ایشان. نخواهد آمرزید خدا ایشان را. هرآیینه خدا راه نمی‌نماید گروه فاسقان را. ﴿۶﴾ ایشانند آنان‌که می‌گویند یاران خود را: خرج مکنید بر جماعت که نزد رسول خدایند[1] تا پراکنده شوند و خدای راست خزانه‌های آسمان‌ها و زمین و لیکن منافقان نمی‌دانند. ﴿۷﴾ می‌گویند: اگر باز رسیم به مدینه البته برآرد بزرگ‌تر، خوارتر را از مدینه[2] و خدای راست بزرگی و پیغامبر او را و مسلمانان را و لیکن منافقان نمی‌دانند. ﴿۸﴾ ای مسلمانان! مشغول نکردند شما را اموال شما و نه فرزندان شما از یاد کردن خدا و هر که بکند این کار، پس آن جماعت ایشانند زیانکاران. ﴿۹﴾ و خرج کنید از آنچه عطا کرده‌ایم شما را، پیش از آنکه بیاید به یکی از شما مرگ، پس بگوید: ای پروردگار من! کاش موقوف می‌گذاشتی مرا تا مدتی اندک تا صدقه دادمی و شدمی از صالحان!. ﴿۱۰﴾ و هرگز مهلت نمی‌دهد خدا هیچ‌کس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار است به آنچه می‌کنید. ﴿۱۱﴾

۱- یعنی بر فقرای مهاجرین.

۲- یعنی نوانگرانِ اهلِ نفاق، فقرای مسلمین را.

سُورَةُ التَّغَابُنِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۖ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ
وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ ١ هُوَ ٱلَّذِي
خَلَقَكُمۡ فَمِنكُمۡ كَافِرٞ وَمِنكُم مُّؤۡمِنٞۚ وَٱللَّهُ بِمَا
تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ ٢ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ
وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ٣ يَعۡلَمُ
مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
تُعۡلِنُونَۚ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٤ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ
نَبَؤُاْ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَبۡلُ فَذَاقُواْ وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ
وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ٥ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُۥ كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ
رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَقَالُوٓاْ أَبَشَرٞ يَهۡدُونَنَا فَكَفَرُواْ
وَتَوَلَّواْۖ وَّٱسۡتَغۡنَى ٱللَّهُۚ وَٱللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ٦ زَعَمَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ أَن لَّن يُبۡعَثُواْۚ قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبۡعَثُنَّ ثُمَّ
لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلۡتُمۡۚ وَذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٧ فَـَٔامِنُواْ
بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلنُّورِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلۡنَاۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ
خَبِيرٞ ٨ يَوۡمَ يَجۡمَعُكُمۡ لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِۖ ذَٰلِكَ يَوۡمُ
ٱلتَّغَابُنِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا يُكَفِّرۡ
عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩

سوره تغابن

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

به پاکی یاد می‌کند خدای را آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است. او راست پادشاهی و او راست ستایش و او بر همه چیز تواناست. ﴿۱﴾ اوست آن که آفرید شما را. پس بعض از شما کافر است و بعض از شما مؤمن و خدا به آنچه می‌کنید بینا است. ﴿۲﴾ آفرید آسمان‌ها و زمین به تدبیر درست و صورت بست شما را، پس نیک ساخت صورت‌های شما و به سوی اوست بازگشت. ﴿۳﴾ می‌داند آنچه در آسمان‌ها و زمین است و می‌داند آنچه پنهان می‌دارید و آنچه آشکارا می‌کنید و خدا داناست به مکنون سینه‌ها. ﴿۴﴾ آیا نیامده است به شما خبر آنان‌که کافر بودند پیش از این؟ پس چشیدند وبال کار خود را و ایشان راست عذابی درد دهنده. ﴿۵﴾ این عذاب به سبب آن است که می‌آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان با معجزه‌ها. پس گفتند: آیا آدمیان راه نمایند ما را؟ پس کافر شدند و رو گردانیدند و بی‌نیاز است خدا. و خدا توانگرِ ستوده است. ﴿۶﴾ پنداشتند کافران که برانگیخته نخواهند شد. بگو: آری! قسم به پروردگار من! البته برانگیخته شوید باز خبر داده شود شما را به آنچه می‌کردید و این بر خدا آسان است. ﴿۷﴾ پس ایمان آرید به خدا و رسول او و به نوری که فروفرستاده‌ایم[۱] و خدا به آنچه می‌کنید خبردار است. ﴿۸﴾ خبر داده شود شما را وقتی که به هم آرد شما را در روز قیامت، آن روز، روزِ ظهور غبن بعضی به نسبت بعضی باشد و هر که ایمان آرد به خدا و بکند کار شایسته، دور کند از او جرم‌های او را و درآردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، این است فیروزی بزرگ. ﴿۹﴾

۱- یعنی قرآن.

وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ
ٱلنَّارِ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٠﴾ مَآ أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ
قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُواْ ٱللَّهَ
وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَۚ فَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا ٱلۡبَلَٰغُ
ٱلۡمُبِينُ ﴿١٢﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ
ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ
أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ وَإِن
تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾
إِنَّمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَأَوۡلَٰدُكُمۡ فِتۡنَةٞۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجۡرٌ
عَظِيمٞ ﴿١٥﴾ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ
وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ
فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿١٦﴾ إِن تُقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا
حَسَنٗا يُضَٰعِفۡهُ لَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿١٨﴾

و آنان‌که کافر شدند و به دروغ نسبت کردند آیات ما را، آن جماعت اهل دوزخند جاویدان آنجا و بدجای است دوزخ ﴿۱۰﴾ نمی‌رسد هیچ مصیبت، مگر به حکم خدا و هر که رجوع کند به خدا راه نماید دل او را و خدا به هر چیز داناست. ﴿۱۱﴾ و فرمانبرداری کنید خدا را و فرمان‌برداری کنید رسول او را. پس اگر روگردان شوید، پس جز این نیست که بر پیغامبر ما پیغام رسانیدن آشکار است. ﴿۱۲﴾ خدا، هیچ معبود نیست مگر او و بر خدا باید که توکُّل کنند مؤمنان. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان! هرآیینه بعض ازواج شما و بعض اولاد شما دشمنانند در حق شما، پس بترسید از ایشان[1] و اگر درگذر کنید و روی بگردانید و بیامرزید، پس هرآیینه خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۴﴾ جز این نیست که اموال شما و اولاد شما امتحان است، و خدا نزدیک اوست مزد بزرگ. ﴿۱۵﴾ پس بترسید از خدا آن قدر که توانید و سخن شنوید و فرمانبرداری کنید و خرج کنید، بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته شد از بخل نفس خود، پس آن جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۱۶﴾ اگر قرض دهید خدا را قرض نیکو، دو چندان دهدش شما را و بیامرزد شما را و خدا قدرشناسِ بردبار است. ﴿۱۷﴾ دانندهٔ پنهان و آشکارا، غالبِ با حکمت. ﴿۱۸﴾

۱- یعنی آنکه بر بخل حمل کنند.

سُورَةُ الطَّلَاقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ
وَأَحۡصُواْ ٱلۡعِدَّةَۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ رَبَّكُمۡۖ لَا تُخۡرِجُوهُنَّ مِنۢ
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخۡرُجۡنَ إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖۚ
وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدۡ ظَلَمَ
نَفۡسَهُۥۚ لَا تَدۡرِي لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحۡدِثُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ أَمۡرٗا
١ فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ
فَارِقُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖ وَأَشۡهِدُواْ ذَوَيۡ عَدۡلٖ مِّنكُمۡ
وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ
يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ
مَخۡرَجٗا ٢ وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ
عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمۡرِهِۦۚ قَدۡ جَعَلَ
ٱللَّهُ لِكُلِّ شَيۡءٖ قَدۡرٗا ٣ وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسۡنَ مِنَ ٱلۡمَحِيضِ
مِن نِّسَآئِكُمۡ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشۡهُرٖ
وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَۚ وَأُوْلَٰتُ ٱلۡأَحۡمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن
يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مِنۡ أَمۡرِهِۦ
يُسۡرٗا ٤ ذَٰلِكَ أَمۡرُ ٱللَّهِ أَنزَلَهُۥٓ إِلَيۡكُمۡۚ وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ
يُكَفِّرۡ عَنۡهُ سَيِّـَٔاتِهِۦ وَيُعۡظِمۡ لَهُۥٓ أَجۡرًا ٥

سوره طلاق

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

ای پیغامبر! [بگو امت خود را:] چون اراده کنید طلاق دادن زنان، پس طلاق دهید ایشان را در اوّل عدّت ایشان[1] و شمار کنید عدّت را و بترسید از خدا، پروردگار خویش. بیرون مکنید ایشان را از خانه‌های ایشان و باید که ایشان بیرون نروند، مگر آنکه به عمل آرند کار بی‌حیایی آشکارا و این حدهای مقرر کردۀ خداست و هر که تجاوز کند از حدهای خدا، پس هرآیینه ستم کرد بر جان خویش. هیچ‌کس نمی‌داند شاید که خدا پیدا کند بعد از طلاق، کاری را[2]. ﴿۱﴾ پس چون نزدیک رسند [مطلقات] به میعاد خود، پس نگاه دارید ایشان را به وجهِ پسندیده یا جدا شوید از ایشان به وجه پسندیده و گواه گیرید دو کس صاحب تقوی را از قوم خود و راست اداکنید شهادت را برای خدا، این حکم، پند داده می‌شود به آن هر که مؤمن باشد به خدا و به روز آخر و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او مُخْلَصی. ﴿۲﴾ و روزی دهدش از آنجا که گمان ندارد و هر که توکّل کند بر خدا، پس خدا بس است او را. هرآیینه خدا رسنده است به مراد خود. هرآیینه ساخته است خدا هر چیز را اندازه. ﴿۳﴾ و آنان‌که ناامید شده‌اند از حیض از جمله زنان شما[1]، اگر به شبهه افتاده‌اید، پس عدّت ایشان سه ماه است و آنان‌که به سن حیض نرسیده‌اند نیز، عدت ایشان سه ماه است و خداوندان حمل، عدّت ایشان آن است که بنهند حمل خود را و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او در کار او آسانی را. ﴿۴﴾ این حکم خدا است که فرود آورد آن را به سوی شما و هر که بترسد از خدا، دور کند از وی جرم‌های او را و زیاده دهد او را مزد. ﴿۵﴾

۱- یعنی در طهری که مساس نکرده باشید.

۲- یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کند، والله اعلم.

۱- یعنی از مطلقات.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا
تُضَآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُواْ عَلَيْهِنَّۚ وَإِن كُنَّ أُوْلَٰتِ حَمْلٍ
فَأَنفِقُواْ عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّۚ فَإِنْ أَرْضَعْنَ
لَكُمْ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُواْ بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍۖ
وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُۥٓ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾ لِيُنفِقْ ذُو
سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ
ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ
سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ
عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ فَحَاسَبْنَٰهَا حِسَابًا
شَدِيدًا وَعَذَّبْنَٰهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ
أَمْرِهَا وَكَانَ عَٰقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمْ
عَذَابًا شَدِيدًاۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ يَٰٓأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْۚ قَدْ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَّسُولًا يَتْلُواْ
عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ لِّيُخْرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَمَن
يُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِي
مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًاۖ قَدْ أَحْسَنَ ٱللَّهُ
لَهُۥ رِزْقًا ﴿١١﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَٰوَٰتٍ وَمِنَ
ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّۖ يَتَنَزَّلُ ٱلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عِلْمَۢا ﴿١٢﴾

ساکن کنید زنان مطلّقه را جایی که شما می‌مانید قدر طاقت خود و ایذا مرسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان، و اگر باشند خداوندِ حمل، پس خرج کنید بر ایشان تا آنکه بنهند حمل خود را. پس اگر شیر دهند به فرمانِ شما، پس بدهید ایشان را مزد ایشان و با یکدیگر کارفرمایی کنید در میان خویش به وجه پسندیده، پس اگر مضایقه کردید، شیر خواهد داد به فرمودهٔ او زنی دیگر. ﴿۶﴾ باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعت خود و آن که تنگ کرده شد بر وی رزق او را، پس باید که خرج کند از آنچه عطا کرده است او را خدا. تکلیف نمی‌کند خدا هیچ‌کس را مگر به حسب آنچه داده است او را. پدید خواهد آورد خدا بعد از تنگدستی آسایش را. ﴿۷﴾ و بسا دیه که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغامبران او، پس حساب کردیم او را حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار. ﴿۸﴾ پس چشید سزای عمل خود و شد سر انجام کارِ او زیانکاری. ﴿۹﴾ مهیّا کرده است خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت. پس بترسید از خدای، ای خداوندان خرد! ای مسلمانان! هرآیینه فرود آورده است خدا سوی شما کتابی. ﴿۱۰﴾ [فرستاده است] پیغامبری، می‌خواند به شما آیات خدا را واضح آمده تا برآرد آنان راکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از تاریکی‌ها به سوی روشنی و هر که ایمان آرد به خدا و بکند کار شایسته، درآردش به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه. هرآیینه به وجه نیک ساخته است خدا برای او رزق را. ﴿۱۱﴾ خدا آن است که آفرید هفت آسمان و آفرید از زمین مانند آن. فرود می‌آید تدبیر کار در میان آسمان‌ها و زمین، بیان کردیم تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا است و نیز بدانید که خدا به گرد آمده است هر چیز را به اعتبار علم. ﴿۱۲﴾

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَۖ تَبۡتَغِي
مَرۡضَاتَ أَزۡوَٰجِكَۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ١ قَدۡ فَرَضَ
ٱللَّهُ لَكُمۡ تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡۚ وَٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡۖ وَهُوَ
ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ ٢ وَإِذۡ أَسَرَّ ٱلنَّبِيُّ إِلَىٰ بَعۡضِ أَزۡوَٰجِهِۦ
حَدِيثٗا فَلَمَّا نَبَّأَتۡ بِهِۦ وَأَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ عَرَّفَ
بَعۡضَهُۥ وَأَعۡرَضَ عَنۢ بَعۡضٖۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِۦ قَالَتۡ
مَنۡ أَنۢبَأَكَ هَٰذَاۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ٣ إِن
تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدۡ صَغَتۡ قُلُوبُكُمَاۖ وَإِن تَظَٰهَرَا
عَلَيۡهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوۡلَىٰهُ وَجِبۡرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ
وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَعۡدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ٤ عَسَىٰ رَبُّهُۥٓ إِن
طَلَّقَكُنَّ أَن يُبۡدِلَهُۥٓ أَزۡوَٰجًا خَيۡرٗا مِّنكُنَّ مُسۡلِمَٰتٖ
مُّؤۡمِنَٰتٖ قَٰنِتَٰتٖ تَٰٓئِبَٰتٍ عَٰبِدَٰتٖ سَٰٓئِحَٰتٖ ثَيِّبَٰتٖ
وَأَبۡكَارٗا ٥ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ
وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا
مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ
وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا
تَعۡتَذِرُواْ ٱلۡيَوۡمَۖ إِنَّمَا تُجۡزَوۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٧

سوره تحریم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[(۱)] ای پیغامبر! چرا حرام می‌کنی چیزی راکه حلال ساخته است خدا برای تو؟ می‌طلبی خوشنودی زنان خود و خدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱﴾ هرآیینه مشروع ساخته است خدا برای شما گشادن سوگندهای شما را[(۲)] و خدا کارساز شما است و اوست دانای با حکمت. ﴿۲﴾ و یاد کن چون پنهان گفت پیغامبر یا بعض ازواج خود سخنی را. پس چون افشا کرد آن سخن را و مطلع ساخت خدای تعالی پیغامبر را بر افشای آن سخن، شناسا کرد پیغامبر به بعض آن سخن و اعراض کرد از ذکر بعض. پس وقتی که خبردار کرد آن را با افشای راز آن زن، گفت: که خبر داد تو را به افشای این راز؟ پیغامبر فرمود که خبر داد مرا خدای دانای خبردار. ﴿۳﴾ [ای دو زن پیغامبر!][(۱)] اگر رجوع کنید به سوی خدا، خوش باشد. هرآیینه کج شده است دل شما و اگر باهم متفق شوید برنجانیدن پیغامبر، پس هرآیینه خدا کارساز اوست و جبرییل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد از این مددکارند. ﴿۴﴾ اگر طلاق دهد پیغامبر، شما را، نزدیک است که پروردگار او عوض دهد برای او زنان دیگر بهتر از شما، گردن نهادگان باورداراندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت به جا آرندگان روزه‌دارندگان شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان. ﴿۵﴾ ای مسلمانان! نگاه دارید خویشتن را و اهل خانهٔ خود را از آتشی که آتش‌انگیز آن مردمان باشند و سنگ‌ها نیز، بر آن آتش موکل‌اند فرشتگان درشت خو سخت رو، نافرمانی نمی‌کنند خدا را در آنچه فرموده است خدا ایشان را و می‌کنند هرچه حکم می‌شود ایشان را. ﴿۶﴾ [آن روز کوییم:] ای کافران! عذر پیش میارید امروز: جز این نیست که جزا داده می‌شود شما را به حسب آنچه می‌کردید. ﴿۷﴾

۱- مترجم گوید که: آن حضرتﷺ ماریه قبطیه را سریهٔ خود ساخته و ازواج آن حضرت، غیرت کردند. آن حضرتﷺ برای خاطرداشتِ ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آن حضرت سِرّی از اسرارِ خود با بعض ازواج اظهار فرموده و در کتمان آن مبالغه کرد، آن زوجه به دیگری اظهار نمود. آن حضرتﷺ به طریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و به نوعی از رمز آن قصه در میان نهادند و عتاب فرمودند. خدای تعالی در باب پند ازواج طاهرات و تهدید ایشان نازل ساخت، والله اعلم.

۲- یعنی به ادای کفاره.

۱- یعنی حفصه وعائشه رضی‌الله‌عنهما، والله اعلم.

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ تُوبُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا
عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ
وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَـٰرُ يَوْمَ لَا
يُخْزِى ٱللَّهُ ٱلنَّبِىَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ ۖ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ
بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَـٰنِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا
وَٱغْفِرْ لَنَآ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ
جَـٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَـٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَمَأْوَىٰهُمْ
جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٩﴾ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ
كَفَرُوا۟ ٱمْرَأَتَ نُوحٍ وَٱمْرَأَتَ لُوطٍ ۖ كَانَتَا تَحْتَ
عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَـٰلِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا
عَنْهُمَا مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا وَقِيلَ ٱدْخُلَا ٱلنَّارَ مَعَ
ٱلدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾ وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱمْرَأَتَ
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ٱبْنِ لِى عِندَكَ بَيْتًا فِى ٱلْجَنَّةِ
وَنَجِّنِى مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ
ٱلظَّـٰلِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرْيَمَ ٱبْنَتَ عِمْرَٰنَ ٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ
فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَـٰتِ
رَبِّهَا وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتْ مِنَ ٱلْقَـٰنِتِينَ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان! رجوع کنید به سوی خدا، رجوع خالص. امید است از پروردگار شما که زایل کند از شما جرم‌های شما را و در آرد شما را به بوستان‌ها، می‌رود زیر آن جوی‌ها، روزی که رسوا نکند خدای تعالی پیغامبر را و نه آنان راکه ایمان آورده‌اند همراه او. نور ایشان می‌رود میان دو دست ایشان و به جانب راست ایشان. می‌گویند: ای پروردگار ما! تمام ده برای ما نور ما را و بیامرز ما را، هرآیینه تو بر هر چیز توانایی. ﴿۸﴾ ای پیغامبر! جهاد کن با کافران و با منافقان نیز و درشت شو بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است. ﴿۹﴾ پدید آورد خدا داستانی را برای آنان‌که کافر شدند، زنِ نوح را و زن لوط را، بودند زیر نکاح دو بندهٔ شایسته از بندگانِ ما، پس خیانت کردند به آن دو بنده، پس دفع نکردند ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خدا و گفته شد: درآیید در دوزخ با درآیندگان! . ﴿۱۰﴾ و پدید آورد خدا داستانی را برای آنان‌که ایمان آوردند، زن فرعون را چون گفت: ای پروردگار من! بناکن برای من نزدیک خود خانه‌ای در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی داده مرا از قوم ستمکاران. ﴿۱۱﴾ و مریم، دختر عمران، راکه نگاه داشت فَرْج خود را، پس دمیدیم در فرج او روح خود را، و باور داشت سخنان پروردگار خود را و کتاب‌های او را و بود از فرمانبردارندگان[1]. ﴿۱۲﴾

۱- یعنی روح حضرت عیسی در رحم مریم آمد و فرج، کنایت است از رحم.

سُورَةُ المُلۡكِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ
﴿١﴾ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ
أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ﴿٢﴾ ٱلَّذِي خَلَقَ
سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗاۖ مَّا تَرَىٰ فِي خَلۡقِ ٱلرَّحۡمَٰنِ مِن
تَفَٰوُتٖۖ فَٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ هَلۡ تَرَىٰ مِن فُطُورٖ ﴿٣﴾ ثُمَّ
ٱرۡجِعِ ٱلۡبَصَرَ كَرَّتَيۡنِ يَنقَلِبۡ إِلَيۡكَ ٱلۡبَصَرُ خَاسِئٗا
وَهُوَ حَسِيرٞ ﴿٤﴾ وَلَقَدۡ زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِمَصَٰبِيحَ
وَجَعَلۡنَٰهَا رُجُومٗا لِّلشَّيَٰطِينِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لَهُمۡ عَذَابَ
ٱلسَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَۖ
وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَآ أُلۡقُواْ فِيهَا سَمِعُواْ لَهَا شَهِيقٗا
وَهِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ ٱلۡغَيۡظِۖ كُلَّمَآ أُلۡقِيَ
فِيهَا فَوۡجٞ سَأَلَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ نَذِيرٞ ﴿٨﴾ قَالُواْ
بَلَىٰ قَدۡ جَآءَنَا نَذِيرٞ فَكَذَّبۡنَا وَقُلۡنَا مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ مِن
شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ كَبِيرٖ ﴿٩﴾ وَقَالُواْ لَوۡ كُنَّا
نَسۡمَعُ أَوۡ نَعۡقِلُ مَا كُنَّا فِيٓ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٠﴾
فَٱعۡتَرَفُواْ بِذَنۢبِهِمۡ فَسُحۡقٗا لِّأَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١١﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٞ
﴿١٢﴾

سوره ملك

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

بسيار با بركت است آن خدا كه به دست اوست پادشاهی و او بر همه چيز تواناست. ﴿۱﴾ آن خدا كه آفريد موت و حيات را تا بيازمايد شما را كه كدام يک از شما نيكوتر است در عمل و اوست غالب آمرزگار. ﴿۲﴾ آن خدا كه آفريد هفت آسمان را تو بر تو. نبينی [ای بيننده] در آفرينش خدا هيچ بی‌ضابطگی. پس بازگردان چشم را آيا می‌بينی هيچ شكستگی؟. ﴿۳﴾ پس بازگردان چشم را دوباره تا بازآيد به جانب تو چشم خوار شدهٔ مانده‌گشته. ﴿۴﴾ و هرآيينه زينت داديم آسمان نزديک را به چراغ‌ها و ساختيم آن چراغ‌ها را آلات رجم شياطين و آماده كرده‌ايم برای شياطين عذاب دوزخ. ﴿۵﴾ و برای آنان‌كه كافر شده‌اند به پروردگار خود عذاب دوزخ است و آن بد جايی است. ﴿۶﴾ وقتی كه افكنده شود ايشان را به دوزخ بشنوند آن را آوازی مانند آواز خر و آن دوزخ جوش می‌زند. ﴿۷﴾ نزديک است كه پاره پاره شود از خشم. هرگاه افكنده شود به دوزخ گروهی را، سؤال كنند از آن گروه نگاهبان دوزخ: آيا نيامده بود نزديک شما هيچ پيغامبر ترساننده؟. ﴿۸﴾ بگويند: آری! آمده بود به ما ترساننده‌ای. پس دروغ داشتيم و گفتيم: نَفرود آورده است خدا هيچ چيزی را. نيستيد شما مگر در گمراهی بزرگ. ﴿۹﴾ و گويند: اگر ما می‌شنيديم يا می‌فهميديم نمی‌شديم داخل در زمره اهل دوزخ. ﴿۱۰﴾ پس اقرار كرده‌اند به گناه خويش پس لعنت باد اهل دوزخ را!. ﴿۱۱﴾ هرآيينه آنان‌كه می‌ترسند از پروردگار خويش غايبانه ايشان راست آمرزش و مزد بزرگ. ﴿۱۲﴾

وَأَسِرُّواْ قَوْلَكُمْ أَوِ ٱجْهَرُواْ بِهِۦٓۖ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ
ٱلصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ
ٱلْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ ذَلُولًا
فَٱمْشُواْ فِى مَنَاكِبِهَا وَكُلُواْ مِن رِّزْقِهِۦۖ وَإِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ
﴿١٥﴾ ءَأَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ ٱلْأَرْضَ
فَإِذَا هِىَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَمِنتُم مَّن فِى ٱلسَّمَآءِ أَن يُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ حَاصِبًاۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ
كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوَ
لَمْ يَرَوْاْ إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ وَيَقْبِضْنَۚ مَا
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا ٱلرَّحْمَٰنُۚ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَىْءٍۭ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾
أَمَّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ
ٱلرَّحْمَٰنِۚ إِنِ ٱلْكَٰفِرُونَ إِلَّا فِى غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَٰذَا
ٱلَّذِى يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُۥۚ بَل لَّجُّواْ فِى عُتُوٍّ
وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَن يَمْشِى مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِۦٓ أَهْدَىٰٓ
أَمَّن يَمْشِى سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ
ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ
وَٱلْأَفْـِٔدَةَۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ ٱلَّذِى
ذَرَأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ
مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا
ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾

و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویید آن را، هرآیینه خدا دانا است به آنچه در سینه‌ها باشد. ﴿۱۳﴾ آیا نداند کسی که آفرید و اوست باریک بین خبردار؟! ﴿۱۴﴾ اوست آنکه رام ساخت برای شما زمین را تا راه روید در نوای آن و بخورید از رزق خدا و سوی اوست برانگیختن. ﴿۱۵﴾ آیا ایمن شده‌اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرو برد شما را به زمین، پس ناگهان زمین جنبش کند؟. ﴿۱۶﴾ آیا ایمن شده‌اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما باد سنگبار؟ پس خواهید دانست چگونه است ترسانیدن من. ﴿۱۷﴾ و هرآیینه دروغ داشتند آنان‌که پیش از ایشان بودند، پس چگونه بود عقوبت من؟. ﴿۱۸﴾ آیا ندیده‌اند به سوی مرغان بالای خود گشاینده بازوی و گاه‌گاه فراهم می‌آرند؟! نگاه نمی‌دارد ایشان را مگر خدا، هرآیینه او به هر چیز بیناست. ﴿۱۹﴾ آیا کیست آنکه وی لشکر است برای شما نصرت می‌دهد شما را بجز خدا؟ نیستند کافران مگر در فریب. ﴿۲۰﴾ آیا کیست آنکه روزی دهد شما را اگر بازگیرد خدا رزق خود را؟ بلکه محکم پیوسته‌اند در سرکشی و رمیدگی. ﴿۲۱﴾ آیا کسی که برود نگونسار افتاده بر روی خود راه یافته‌تر است آیا کسی که می‌رود راست ایستاده بر راه راست؟[1]. ﴿۲۲﴾ بگو: اوست آنکه بیافرید شما را و پدید آورد برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها اندکی شکر می‌کنید. ﴿۲۳﴾ بگو: اوست آنکه پراکنده ساخت شما را در زمین و به سوی او برانگیخته خواهید شد. ﴿۲۴﴾ و می‌گویند: کافران کی باشد این وعده اگر راستگویید؟!. ﴿۲۵﴾ بگو: جز این نیست که علم نزدیک خداست و جز این نیست که من بیم‌کنندهٔ آشکارم. ﴿۲۶﴾

۱- مترجم گوید: آن مثل است کافر و مؤمن را، والله اعلم.

فَلَمَّا رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ سِيٓـَٔتۡ وُجُوهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَقِيلَ
هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تَدَّعُونَ ٢٧ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ
أَهۡلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوۡ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ
ٱلۡكَٰفِرِينَ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ٢٨ قُلۡ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ
ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيۡهِ تَوَكَّلۡنَاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ مَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ
مُّبِينٖ ٢٩ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِنۡ أَصۡبَحَ مَآؤُكُمۡ غَوۡرٗا فَمَن
يَأۡتِيكُم بِمَآءٖ مَّعِينِۭ ٣٠

و آنگاه که ببینند وعده را نزدیک شده ناخوش کرده شود[1] روی آنان‌که کافر شدند و گفته شود: این است آنچه او را می‌طلبیدید. ﴿۲۷﴾ بگو: آیا دیدید اگر هلاک کند مرا خدا و آنان را که همراه منند یا رحمت کند بر ما، به هر تقدیر که خلاصی دهد کافران را از عذاب درد دهنده؟. ﴿۲۸﴾ بگو: اوست بخشاینده، به وی ایمان آوردیم و بر وی توکّل نمودیم، پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر. ﴿۲۹﴾ بگو: آیا دیدید اگر شود آب شما فرورفته، پس که بیارد برای شما آب روان را؟. ﴿۳۰﴾

سُورَةُ القَلَمِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ ١ مَآ أَنتَ بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ
بِمَجۡنُونٖ ٢ وَإِنَّ لَكَ لَأَجۡرًا غَيۡرَ مَمۡنُونٖ ٣ وَإِنَّكَ
لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ ٤ فَسَتُبۡصِرُ وَيُبۡصِرُونَ ٥
بِأَييِّكُمُ ٱلۡمَفۡتُونُ ٦ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَن ضَلَّ
عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِٱلۡمُهۡتَدِينَ ٧ فَلَا تُطِعِ
ٱلۡمُكَذِّبِينَ ٨ وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ فَيُدۡهِنُونَ ٩ وَلَا تُطِعۡ
كُلَّ حَلَّافٖ مَّهِينٍ ١٠ هَمَّازٖ مَّشَّآءِۭ بِنَمِيمٖ ١١ مَّنَّاعٖ
لِّلۡخَيۡرِ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ١٢ عُتُلِّۭ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ١٣ أَن
كَانَ ذَا مَالٖ وَبَنِينَ ١٤ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ
أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٥

سوره قلم

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ن و قسم به قلم [اعلی] و به آنچه می‌نویسند [فرشتگان]!. ﴿۱﴾ نیستی تو به فضل پروردگار خود دیوانه. ﴿۲﴾ و هرآیینه تو را است مزد بی‌نهایت. ﴿۳﴾ و هرآیینه تو بر خوی بزرگی. ﴿۴﴾ پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید. ﴿۵﴾ که به کدام یک از شما دیوانگی است. ﴿۶﴾ هرآیینه پروردگار تو داناتر است با کسی که غلط کرد راه او را و او نیز داناتر است به راه یافتگان. ﴿۷﴾ پس فرمان مبر دروغ‌دارندگان را. ﴿۸﴾ آرزو کردند که ملایمت کنی تا ایشان نیز ملایمت کنند. ﴿۹﴾ و فرمان قبول مکن هر بسیار سوگند خورندهٔ محقر را. ﴿۱۰﴾ هر عیب کننده را، هر رونده به سخن چینی را. ﴿۱۱﴾ هر بخل کننده و به مال از حد گذشتهٔ گنه کار را. ﴿۱۲﴾ هر سخت روی را بعد از این همه، ملحق را نه از اصل ایشان را[2]. ﴿۱۳﴾ به سبب آنکه هست صاحب مال و فرزندان. ﴿۱۴﴾ [تکذیب کرد] چون خوانده شود بر وی آیات ما، گوید: افسانهٔ پیشینیان است. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی سیاه کرده شود.

۲- یعنی سنت خدا آن است که مردم بد اصل غالباً متّصف به این صفاب رذیله باشند.

سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ ﴿١٦﴾ إِنَّا بَلَوۡنَٰهُمۡ كَمَا بَلَوۡنَآ
أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ إِذۡ أَقۡسَمُواْ لَيَصۡرِمُنَّهَا مُصۡبِحِينَ ﴿١٧﴾ وَلَا
يَسۡتَثۡنُونَ ﴿١٨﴾ فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ
نَآئِمُونَ ﴿١٩﴾ فَأَصۡبَحَتۡ كَٱلصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾ فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ
﴿٢١﴾ أَنِ ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰرِمِينَ ﴿٢٢﴾
فَٱنطَلَقُواْ وَهُمۡ يَتَخَٰفَتُونَ ﴿٢٣﴾ أَن لَّا يَدۡخُلَنَّهَا ٱلۡيَوۡمَ
عَلَيۡكُم مِّسۡكِينٞ ﴿٢٤﴾ وَغَدَوۡاْ عَلَىٰ حَرۡدٖ قَٰدِرِينَ ﴿٢٥﴾ فَلَمَّا
رَأَوۡهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ ﴿٢٦﴾ بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ
أَوۡسَطُهُمۡ أَلَمۡ أَقُل لَّكُمۡ لَوۡلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾ قَالُواْ سُبۡحَٰنَ
رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ
يَتَلَٰوَمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَآ إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَآ
أَن يُبۡدِلَنَا خَيۡرٗا مِّنۡهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ
ٱلۡعَذَابُۖ وَلَعَذَابُ ٱلۡأٓخِرَةِ أَكۡبَرُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٣٣﴾
إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٣٤﴾ أَفَنَجۡعَلُ
ٱلۡمُسۡلِمِينَ كَٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ
﴿٣٦﴾ أَمۡ لَكُمۡ كِتَٰبٞ فِيهِ تَدۡرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمۡ فِيهِ لَمَا
تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمۡ لَكُمۡ أَيۡمَٰنٌ عَلَيۡنَا بَٰلِغَةٌ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ
إِنَّ لَكُمۡ لَمَا تَحۡكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلۡهُمۡ أَيُّهُم بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾
أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَآءُ فَلۡيَأۡتُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ ﴿٤١﴾
يَوۡمَ يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ وَيُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلسُّجُودِ فَلَا
يَسۡتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

داغ خواهیم نهاد او را بر بینی[1]. ﴿۱۶﴾ هرآیینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندانِ بوستان را، چون قسم خوردند که البته درو کنند بوستان را صباح کنان. ﴿۱۷﴾ و انشاء الله نمی‌گفتند. ﴿۱۸﴾ پس به گرد آمد بر آن بوستان بلایی از جانب پروردگار تو[2] و ایشان خفته بودند. ﴿۱۹﴾ پس شد مانند زراعت بریده شده. ﴿۲۰﴾ پس با یکدیگر آواز دادند صباح‌کنان. ﴿۲۱﴾ که پگاه روید به کشت خود اگر درد کننده‌اید. ﴿۲۲﴾ پس رفتند با یکدیگر سخن پنهان گویان. ﴿۲۳﴾ باید که داخل نشود در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری. ﴿۲۴﴾ و پگاه رسیدند بر نیت بخل، توانا به زعم خود. ﴿۲۵﴾ پس آنگاه که دیدند آن بوستان را، گفتند: هرآیینه ما غلط کننده راهیم[3]. ﴿۲۶﴾ نه! بلکه ما محروم کردگانیم. ﴿۲۷﴾ گفت بهترین ایشان: آیا نگفته بودم شما را که چرا تسبیح نمی‌گویید؟[4]. ﴿۲۸﴾ گفتند: به پاکی یاد می‌کنیم پروردگار خود را، هرآیینه ما ستمکار بودیم. ﴿۲۹﴾ پس روی آوردند بعض ایشان بر بعض با یکدیگر ملامت‌کنان. ﴿۳۰﴾ گفتند ای وای ما را، هرآیینه ما بودیم از حدّ گذشته. ﴿۳۱﴾ امید است از پروردگار ما که عوض دهد ما را بوستانی بهتر از این، هرآیینه ما به سوی پروردگار خویش توقع دارندگانیم. ﴿۳۲﴾ همچنین است عذاب و هرآیینه عذاب آخرت بزرگتر است، کاش می‌دانستند! . ﴿۳۳﴾ هرآیینه متقیان را نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌های نعمت باشد. ﴿۳۴﴾ آیا گردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران؟. ﴿۳۵﴾ چیست شما را، چگونه مقرر می‌کنید؟. ﴿۳۶﴾ آیا نزدیک شما کتابی هست که در وی تلاوت می‌کنید [این مضمون] که: ﴿۳۷﴾ هرآیینه شما را باشد در معاد آنچه اختیار می‌کنید. ﴿۳۸﴾ آیا شما را عهدهای محکم است بر ذمهٔ ما که حکم آن تا به قیامت باقی باشد [به این مضمون] که هرآیینه شما راست آنچه مقرر کنید. ﴿۳۹﴾ بپرس از مشرکان کدام یک از ایشان به این مقدمه، متعهد است. ﴿۴۰﴾ آیا این مشرکان را شریکان هستند؟ پس باید که بیارند شریکان خود را اگر راستگویند. ﴿۴۱﴾ روزی که جامه برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشان را به سوی سجده، پس نتوانند. ﴿۴۲﴾

۱- کنایت است از رسواکردن.

۲- یعنی آتش درگرفت.

۳- یعنی این بوستان دیگر است، بوستان ما نیست.

۴- یعنی رجوع به خدا کنید.

خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۖ وَقَدۡ كَانُواْ يُدۡعَوۡنَ إِلَى
ٱلسُّجُودِ وَهُمۡ سَٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرۡنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا
ٱلۡحَدِيثِۖ سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمۡلِي
لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمۡ تَسۡـَٔلُهُمۡ أَجۡرٗا فَهُم مِّن
مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمۡ عِندَهُمُ ٱلۡغَيۡبُ فَهُمۡ يَكۡتُبُونَ ﴿٤٧﴾
فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ إِذۡ
نَادَىٰ وَهُوَ مَكۡظُومٞ ﴿٤٨﴾ لَّوۡلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعۡمَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ
لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ مَذۡمُومٞ ﴿٤٩﴾ فَٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ
مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ
لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ
لَمَجۡنُونٞ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

سُورَةُ الحَاقَّةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَآقَّةُ ﴿١﴾ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحَآقَّةُ ﴿٣﴾
كَذَّبَتۡ ثَمُودُ وَعَادُۢ بِٱلۡقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهۡلِكُواْ
بِٱلطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٞ فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ
﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ سَبۡعَ لَيَالٖ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومٗاۖ
فَتَرَى ٱلۡقَوۡمَ فِيهَا صَرۡعَىٰ كَأَنَّهُمۡ أَعۡجَازُ نَخۡلٍ خَاوِيَةٖ
﴿٧﴾ فَهَلۡ تَرَىٰ لَهُم مِّنۢ بَاقِيَةٖ ﴿٨﴾

نیایش[1] ظاهر باشد بر چشم‌های ایشان، فروگیرد ایشان را خواری و هرآیینه خوانده می‌شد ایشان را به سجده، حال آنکه ایشان بی‌علت بودند. ﴿۴۳﴾ پس بگذار مرا با کسی که دروغ می‌شمرد این سخن را. پایه پایه خواهیم کشید این جماعت را از آن راه که نمی‌دانند. ﴿۴۴﴾ و مهلت خواهم داد ایشان را، هرآیینه حیلهٔ من محکم است. ﴿۴۵﴾ آیا می‌طلبی از این جماعت مزدی؟ پس ایشان از تاوان گرانبارند. ﴿۴۶﴾ آیا نزدیک این جماعت علم غیب است، پس ایشان می‌نویسند؟. ﴿۴۷﴾ پس صبر کن به انتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی[2]، چون دعا کرد و او پر از غم شده بود. ﴿۴۸﴾ اگر نه آن است که دریافت او را رحمتی از جانب پروردگار او، البته برتافته می‌شد به زمین بی‌گیاه و او بد حال بودی[3]. ﴿۴۹﴾ پس برگزیدش پروردگار او، پس ساخت او را از جملهٔ صالحان. ﴿۵۰﴾ و هرآیینه نزدیک‌اند کافران که بلغزانند تو را به چشم‌های نیز خود، چون شنیدند قرآن را[4] و می‌گویند: هرآیینه این پیغامبر دیوانه است. ﴿۵۱﴾ و به حقیقت نیست این قرآن مگر پندی، عالم‌ها را. ﴿۵۲﴾

سوره حاقه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قیامت. ﴿۱﴾ چیست آن قیامت؟[5]. ﴿۲﴾ و چه چیز خبردار کرد تو را که چیست آن قیامت؟. ﴿۳﴾ دروغ شمرد قبیلهٔ ثمود و عاد قیامت را. ﴿۴﴾ امّا ثمود، پس هلاک کرده شد ایشان را به نعرهٔ تند. ﴿۵﴾ و امّا عاد، پس هلاک کرده شد ایشان را به باد سخت از حد در گذشته. ﴿۶﴾ خدای برگماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هشت روز نهایت نحس. پس می‌دیدی [ای بیننده] آن قوم را بر زمین افتاده گویا ایشان تنه‌های درخت خرمای از کهنگی برهم شده‌اند. ﴿۷﴾ پس آیا می‌بینی ایشان را هیچ بقیه؟. ﴿۸﴾

۱- در صحیحین است و لفظ حدیث از بخاری است که ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت می‌کند از رسول الله ﷺ که شنید او را که می‌فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ما ساقِ خود را پس سجده‌کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و سجده نتواند کسی که در دنیا به جهت ریا و سمعه سجده می‌کرد. پس کوشش می‌کند که سجده کند، ولی به آن قادر نمی‌شود، زیراکه پشت او یک طبق مثل تخته راست می‌شود.

۲- یعنی یونس علیه السلام.

۳- لیکن رحمت در رسید و بدحال نشد.

۴- و این کنایه است از شدت عداوت ایشان.

۵- مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنی آیت است عقوبتِ ثابت، چیست آن عقوبتِ ثابت و هر چیز مطلع ساخت تو را که چیست آن عقوبتِ ثابت، بعد از آن چند عقوبتِ گذشته را بیان فرمود.

وَجَآءَ فِرۡعَوۡنُ وَمَن قَبۡلَهُۥ وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ بِٱلۡخَاطِئَةِ
﴿٩﴾ فَعَصَوۡاْ رَسُولَ رَبِّهِمۡ فَأَخَذَهُمۡ أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً ﴿١٠﴾ إِنَّا
لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ ﴿١١﴾ لِنَجۡعَلَهَا
لَكُمۡ تَذۡكِرَةٗ وَتَعِيَهَآ أُذُنٞ وَٰعِيَةٞ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي
ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ ﴿١٣﴾ وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ
فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ ﴿١٤﴾ فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾
وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ ﴿١٦﴾ وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ
أَرۡجَآئِهَاۚ وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ
﴿١٧﴾ يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا
مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقۡرَءُواْ
كِتَٰبِيَهۡ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَٰقٍ حِسَابِيَهۡ ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي
عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا
دَانِيَةٞ ﴿٢٣﴾ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَآ أَسۡلَفۡتُمۡ فِي ٱلۡأَيَّامِ
ٱلۡخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِشِمَالِهِۦ فَيَقُولُ
يَٰلَيۡتَنِي لَمۡ أُوتَ كِتَٰبِيَهۡ ﴿٢٥﴾ وَلَمۡ أَدۡرِ مَا حِسَابِيَهۡ ﴿٢٦﴾
يَٰلَيۡتَهَا كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ ﴿٢٨﴾
هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ ﴿٢٩﴾ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ
ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلۡسِلَةٖ ذَرۡعُهَا سَبۡعُونَ
ذِرَاعٗا فَٱسۡلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُۥ كَانَ لَا يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ ٱلۡعَظِيمِ
﴿٣٣﴾ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ﴿٣٤﴾

و به عمل آورد فرعون و آنان‌که پیش از وی بودند و اهل موتفکات نیز گناه را. ﴿۹﴾ پس نافرمانبرداری کردند فرستادهٔ پروردگار خود را، پس در گرفت خدا آن جماعت را در گرفتن عظیم. ﴿۱۰﴾ و هرآیینه تا وقتی که از حدّ گذشت آب، سوار کردیم شما را بر کشتیِ روان. ﴿۱۱﴾ تا بکنیم این مقدمه را برای شما پندی و یاد دارد آن را گوش یاد دارنده. ﴿۱۲﴾ پس چون دمیده شود در صور یک بار دمیدن. ﴿۱۳﴾ و برداشته شود زمین و کوه‌ها را پس کوفته شود ایشان را یک بار کوفتن. ﴿۱۴﴾ پس آن روز متحقق شود قیامت. ﴿۱۵﴾ و بشکافد آسمان، پس آسمان آن روز سست شده باشد. ﴿۱۶﴾ و فرشتگان بر کناره‌های آسمان باشد و بردارند تخت پروردگار تو را بالای خویش آن روز هشت کس. ﴿۱۷﴾ آن روز پیش آورده شود شما را پنهان نماند از حال شما هیچ سرّی. ﴿۱۸﴾ امّا آن که داده شدش نامهٔ اعمال او به دست راست او، پس گوید: بگیرید! بخوانید نامهٔ اعمال مرا! . ﴿۱۹﴾ هرآیینه من معتقد بودم که من به خواهم رسید به حساب خود. ﴿۲۰﴾ پس آن شخص در زندگانی پسندیده باشد. ﴿۲۱﴾ در بهشتی بلند. ﴿۲۲﴾ که میوهٔ آن قریب الحصول است. ﴿۲۳﴾ [گفته شود:] بخورید و بیاشامید خوردن و آشامیدن گوارا، به سبب آنچه پیش فرستاده بودید در روزهای گذشته. ﴿۲۴﴾ و امّا آنان‌که داده شدش نامهٔ اعمال او به دست چپ او، پس گوید که: ای کاش داده نمی‌شد مرا نامهٔ اعمال من! . ﴿۲۵﴾ وای کاش نمی‌دانستم که چیست حساب من! . ﴿۲۶﴾ ای کاش مرگ آخر کنندهٔ کار بودی! . ﴿۲۷﴾ هیچ نفع نکرد از من مال من. ﴿۲۸﴾ زایل شد از من پادشاهی من. ﴿۲۹﴾ گفته شود: ای فرشتگان! بگیریدش پس طوق به گردن کنیدش. ﴿۳۰﴾ باز در دوزخ داخل کنیدش. ﴿۳۱﴾ باز در زنجیری که مساحتِ آن هفتاد گز باشد در آریدش. ﴿۳۲﴾ هرآیینه این شخص، ایمان نمی‌داشت به خدای بزرگ. ﴿۳۳﴾ و رغبت نمی‌داد مردمان را بر طعام دادن فقیر. ﴿۳۴﴾

فَلَيۡسَ لَهُ ٱلۡيَوۡمَ هَٰهُنَا حَمِيمٞ ﴿٣٥﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنۡ
غِسۡلِينٖ ﴿٣٦﴾ لَّا يَأۡكُلُهُۥٓ إِلَّا ٱلۡخَٰطِـُٔونَ ﴿٣٧﴾ فَلَآ
أُقۡسِمُ بِمَا تُبۡصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبۡصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُۥ
لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَاعِرٖۚ قَلِيلٗا مَّا
تُؤۡمِنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوۡلِ كَاهِنٖۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾
تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ
ٱلۡأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾ لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعۡنَا
مِنۡهُ ٱلۡوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ عَنۡهُ حَٰجِزِينَ
﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُۥ لَتَذۡكِرَةٞ لِّلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا لَنَعۡلَمُ أَنَّ مِنكُم
مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُۥ لَحَسۡرَةٌ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِنَّهُۥ
لَحَقُّ ٱلۡيَقِينِ ﴿٥١﴾ فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

پس نیست این شخص را امروز انجا خویشاوندی. ﴿۳۵﴾ و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر از زرد آب. ﴿۳۶﴾ که نخورند آن را مگر گناهکاران. ﴿۳۷﴾ پس قسم می‌خورم به آنچه می‌بینید! ﴿۳۸﴾ و به آنچه نمی‌بینید! . ﴿۳۹﴾ هرآیینه قرآن گفتار فرشتهٔ بزرگوار است. ﴿۴۰﴾ و نیست آن گفتار شاعر. اندکی ایمان می‌آرید. ﴿۴۱﴾ و نیست گفتار کاهن. اندکی پند می‌پذیرید. ﴿۴۲﴾ فرود آورده شده است از جانب پروردگار عالم‌ها. ﴿۴۳﴾ و اگر می‌بست پیغامبر بر ما بعض سخن‌ها را. ﴿۴۴﴾ هرآیینه می‌گرفتیم از او دست راست او را. ﴿۴۵﴾ باز می‌بریدیم رگ دل او را[1]. ﴿۴۶﴾ پس نیست از شما هیچ‌کس از او باز دارنده[2]. ﴿۴۷﴾ و هرآیینه قرآن، پند است پرهیزگاران را. ﴿۴۸﴾ و هرآیینه می‌دانیم که بعض شما دروغ دارنده‌اید. ﴿۴۹﴾ و هرآیینه قرآن، حسرت است بر کافران. ﴿۵۰﴾ و هرآیینه قرآن، راستِ درست است. ﴿۵۱﴾ پس به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را. ﴿۵۲﴾

سُورَةُ المَعَارِجِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَأَلَ سَآئِلُۢ بِعَذَابٖ وَاقِعٖ ﴿١﴾ لِّلۡكَٰفِرِينَ لَيۡسَ لَهُۥ
دَافِعٞ ﴿٢﴾ مِّنَ ٱللَّهِ ذِي ٱلۡمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعۡرُجُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ
وَٱلرُّوحُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥ خَمۡسِينَ أَلۡفَ سَنَةٖ
﴿٤﴾ فَٱصۡبِرۡ صَبۡرٗا جَمِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّهُمۡ يَرَوۡنَهُۥ بَعِيدٗا ﴿٦﴾
وَنَرَىٰهُ قَرِيبٗا ﴿٧﴾ يَوۡمَ تَكُونُ ٱلسَّمَآءُ كَٱلۡمُهۡلِ ﴿٨﴾
وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسۡـَٔلُ حَمِيمٌ حَمِيمٗا
﴿١٠﴾

سوره معارج

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

طلب کرد طلب کننده عقوبتی. ﴿۱﴾ بر کافران فرود آینده. نیست او را هیچ بازدارنده[3]. ﴿۲﴾ فررود آینده از جانب خدا، خداوند مرتبه‌ها. ﴿۳﴾ [که بر آن صعود کرده شود]، بالا می‌روند فرشتگان و روح نیز[4] به سوی خدا، عقوبت فرود آینده بر کافران در روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال. ﴿۴﴾ پس صبر کن، صبر نیک. ﴿۵﴾ هرآیینه کافران دور می‌بینند آن روز را. ﴿۶﴾ و ما نزدیک می‌بینمش. ﴿۷﴾ روزی که شود آسمان مانند مس گداخته. ﴿۸﴾ و شود کوه‌ها مانند پشم رنگین. ﴿۹﴾ و نپرسد هیچ خویشاوند، خویشاوند دیگر را ﴿۱۰﴾.

۱- مترجم گوید: عادت سیاف آن است که دست راست اسیر را به دست چپ خود بگیرد و شمشیر به گردن او حواله کند، لهذا به این اسلوب گفته شد.

۲- یعنی عقوبت ما را.

۳- یعنی گفتند: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢﴾﴾

۴- یعنی جبرئیل ؈.

يُبَصَّرُونَهُمۡۚ يَوَدُّ ٱلۡمُجۡرِمُ لَوۡ يَفۡتَدِي مِنۡ عَذَابِ
يَوۡمِئِذِۭ بِبَنِيهِ ﴿١١﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾ وَفَصِيلَتِهِ
ٱلَّتِي تُـٔۡوِيهِ ﴿١٣﴾ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ يُنجِيهِ ﴿١٤﴾
كَلَّآۖ إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿١٥﴾ نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾ تَدۡعُواْ مَنۡ
أَدۡبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾ وَجَمَعَ فَأَوۡعَىٰٓ ﴿١٨﴾ ۞إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ
هَلُوعًا ﴿١٩﴾ إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا ﴿٢٠﴾ وَإِذَا مَسَّهُ ٱلۡخَيۡرُ
مَنُوعًا ﴿٢١﴾ إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ
دَآئِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٢٤﴾
لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ﴿٢٥﴾ وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ
﴿٢٦﴾ وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ﴿٢٧﴾ إِنَّ
عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ ﴿٢٨﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ
حَٰفِظُونَ ﴿٢٩﴾ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ
فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ﴿٣٠﴾ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ
فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ﴿٣١﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ
وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ
﴿٣٣﴾ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾ أُوْلَٰٓئِكَ
فِي جَنَّٰتٖ مُّكۡرَمُونَ ﴿٣٥﴾ فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ قِبَلَكَ
مُهۡطِعِينَ ﴿٣٦﴾ عَنِ ٱلۡيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ ﴿٣٧﴾
أَيَطۡمَعُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُدۡخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٖ ﴿٣٨﴾ كَلَّآۖ
إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّمَّا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٩﴾

نموده شود ایشان را قرابتیان ایشان. آرزو کند گناهکار که
عوض دهد از عذاب آن روز، فرزندان خود را. ﴿۱۱﴾ و
زن خود را و برادر خود را. ﴿۱۲﴾ و نیز قبیلهٔ خود را که
جای می‌دهد او را. ﴿۱۳﴾ و نیز هر که در زمین است همه
یکجا. پس برهاند این عوض دادن، خودش را. ﴿۱۴﴾ نی!
نی! هرآیینه دوزخ آتشی است شعله زننده. ﴿۱۵﴾ پوست
سر را برکشنده. ﴿۱۶﴾ می‌خواند هر که را اعراض کرد و
روی گردان شد. ﴿۱۷﴾ و جمع مال نمود، پس درآوردند
نگاه داشت. ﴿۱۸﴾ هرآیینه آدمی آفریده شده است
ناشکیبنده. ﴿۱۹﴾ چون برسدش مصیبت، اضطراب کننده.
﴿۲۰﴾ و چون برسدش رفاهیت، بخل نماینده. ﴿۲۱﴾ مگر
نمازگذاران. ﴿۲۲﴾ آنان‌که ایشان بر نماز خویش، همیشه
باشندگانند. ﴿۲۳﴾ و آنان‌که در اموال ایشان حصّه‌ای هست
مقرر. ﴿۲۴﴾ برای سائل و بی‌مایهٔ کم سؤال. ﴿۲۵﴾ و
آنان‌که باور می‌دارند روز جزا را. ﴿۲۶﴾ و آنان‌که ایشان از
عذاب پروردگار خود، ترسندگانند. ﴿۲۷﴾ هرآیینه عذاب
پروردگار ایشان چنان است که از آن ایمن نتوان شد.
﴿۲۸﴾ و آنان‌که ایشان اندام نهانی خود را نگاهدارندگانند.
﴿۲۹﴾ مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که مالك آنها شده
است دستِ ایشان، پس هرآیینه این فریق ملامت کرده
شده نیستند. ﴿۳۰﴾ پس هر که طلب کند سوای این، پس
آن جماعت ایشانند از حد گذشتگان. ﴿۳۱﴾ و آنان‌که
ایشان امانت‌های خود را و عهدهای خود را رعایت
کنندگانند. ﴿۳۲﴾ و آنان‌که ایشان بر گواهی‌های خود
متعهد شوندگانند. ﴿۳۳﴾ و آنان‌که ایشان بر نماز خود
محافظت کنندگانند. ﴿۳۴﴾ این جماعت در بوستان‌ها
باشند، گرامی کردگانند. ﴿۳۵﴾ پس چیست کافران را به
سوی تو شتابانند؟. ﴿۳۶﴾ از جانب راست و از جانب چپ
گروه گروه شده. ﴿۳۷﴾ آیا طمع می‌کند هر شخصی از
ایشان که درآورده شود به بوستان نعمت؟. ﴿۳۸﴾ نی! نی!
هرآیینه ما آفریده‌ایم ایشان را از آنچه می‌دانند[۱]. ﴿۳۹﴾

۱- یعنی از منی.

فَلَآ أُقۡسِمُ بِرَبِّ ٱلۡمَشَٰرِقِ وَٱلۡمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ ﴿٤٠﴾
عَلَىٰٓ أَن نُّبَدِّلَ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَمَا نَحۡنُ بِمَسۡبُوقِينَ ﴿٤١﴾
فَذَرۡهُمۡ يَخُوضُواْ وَيَلۡعَبُواْ حَتَّىٰ يُلَٰقُواْ يَوۡمَهُمُ ٱلَّذِي
يُوعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوۡمَ يَخۡرُجُونَ مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ سِرَاعٗا
كَأَنَّهُمۡ إِلَىٰ نُصُبٖ يُوفِضُونَ ﴿٤٣﴾ خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ
تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞۚ ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلَّذِي كَانُواْ يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

سُورَةُ نُوحٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرۡ قَوۡمَكَ مِن قَبۡلِ
أَن يَأۡتِيَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ إِنِّي لَكُمۡ نَذِيرٞ
مُّبِينٌ ﴿٢﴾ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ﴿٣﴾ يَغۡفِرۡ
لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمۡ وَيُؤَخِّرۡكُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ
أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُۚ لَوۡ كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٤﴾ قَالَ
رَبِّ إِنِّي دَعَوۡتُ قَوۡمِي لَيۡلٗا وَنَهَارٗا ﴿٥﴾ فَلَمۡ يَزِدۡهُمۡ
دُعَآءِيٓ إِلَّا فِرَارٗا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوۡتُهُمۡ لِتَغۡفِرَ لَهُمۡ
جَعَلُوٓاْ أَصَٰبِعَهُمۡ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ
وَأَصَرُّواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ ٱسۡتِكۡبَارٗا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوۡتُهُمۡ
جِهَارٗا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّيٓ أَعۡلَنتُ لَهُمۡ وَأَسۡرَرۡتُ لَهُمۡ إِسۡرَارٗا
﴿٩﴾ فَقُلۡتُ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا ﴿١٠﴾

پس قسم می‌خورم به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌هاکه
هرآیینه ما تواناییم! . ﴿۴۰﴾ بر آنکه عوض آریم بهتر از
ایشان و نیستیم ما عاجز. ﴿۴۱﴾ پس بگذار، [یا محمد]
ایشان را که به بیهودگی درآیند و بازی کنند تا آنکه
برخورند به آن روز خود که وعده داده می‌شد ایشان را.
﴿۴۲﴾ روزی که برآیند از قبور، شتابان، گویا ایشان به
سوی نشانه می‌دوند. ﴿۴۳﴾ نیایش ظاهر شده باشد بر
دیده‌های ایشان، درگیرد ایشان را خواری. این است آن
روز که وعده داده می‌شد ایشان را. ﴿۴۴﴾

سوره نوح

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرآیینه ما فرستادیم نوح را به سوی قوم او که بترسان قوم
خود را، پیش از آنکه بیاید بدیشان عقوبتی درد دهنده.
﴿۱﴾ گفت: ای قوم من! هرآیینه من برای شما ترسانندهٔ
ظاهرم. ﴿۲﴾ [به این مضمون] که عبادت کنید خدا را و
بترسید ازو و فرمانِ من برید. ﴿۳﴾ تا بیامرزد برای شما
گناهانِ شما را و موقوف دارد شما را تا وقتی مقرّر، هرآیینه
وقت مقرر کردهٔ خدا چون بیاید هرگز موقوف داشته نشود
آن را اگر می‌دانید. ﴿۴﴾ گفت: ای پروردگار من! هرآیینه
من خواندم قوم خود را شب و روز. ﴿۵﴾ پس زیاده نکرد
در حق ایشان خواندن من، مگر گریختن را. ﴿۶﴾ و
هرآیینه من هرگاه که دعوت کردم ایشان را تا بیامرزی
برای ایشان در آوردند انگشتان خود را در گوش‌های
خویش و به خود درپیچیدند جامه‌های خویش را و
مداومت کردند بر کفر و سرکشی نمودند سرکشی تمام.
﴿۷﴾ باز هرآیینه من دعوت کردم ایشان را به آواز بلند.
﴿۸﴾ باز هرآیینه من آشکار گفتم به ایشان و پنهان گفتم
ایشان را نیز پنهان گفتنی. ﴿۹﴾ پس گفتم: طلب آمرزش
کنید از پروردگارِ خود، هرآیینه اوست آمرزنده. ﴿۱۰﴾

يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا ﴿١١﴾ وَيُمۡدِدۡكُم
بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ جَنَّٰتٖ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ
أَنۡهَٰرٗا ﴿١٢﴾ مَّا لَكُمۡ لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا ﴿١٣﴾ وَقَدۡ
خَلَقَكُمۡ أَطۡوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمۡ تَرَوۡاْ كَيۡفَ خَلَقَ ٱللَّهُ سَبۡعَ
سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ ٱلۡقَمَرَ فِيهِنَّ نُورٗا وَجَعَلَ
ٱلشَّمۡسَ سِرَاجٗا ﴿١٦﴾ وَٱللَّهُ أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ
نَبَاتٗا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمۡ فِيهَا وَيُخۡرِجُكُمۡ إِخۡرَاجٗا
﴿١٨﴾ وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ بِسَاطٗا ﴿١٩﴾ لِّتَسۡلُكُواْ
مِنۡهَا سُبُلٗا فِجَاجٗا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٞ رَّبِّ إِنَّهُمۡ عَصَوۡنِي
وَٱتَّبَعُواْ مَن لَّمۡ يَزِدۡهُ مَالُهُۥ وَوَلَدُهُۥٓ إِلَّا خَسَارٗا ﴿٢١﴾
وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا كُبَّارٗا ﴿٢٢﴾ وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ
وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسۡرٗا
﴿٢٣﴾ وَقَدۡ أَضَلُّواْ كَثِيرٗاۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلٗا
﴿٢٤﴾ مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمۡ أُغۡرِقُواْ فَأُدۡخِلُواْ نَارٗا فَلَمۡ يَجِدُواْ
لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَنصَارٗا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٞ رَّبِّ لَا تَذَرۡ
عَلَى ٱلۡأَرۡضِ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرۡهُمۡ
يُضِلُّواْ عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوٓاْ إِلَّا فَاجِرٗا كَفَّارٗا ﴿٢٧﴾ رَّبِّ
ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا
وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارَۢا
﴿٢٨﴾

تا بفرستد بر شما باران را ریزنده. ﴿۱۱﴾ و پی‌درپی دهد شما را
اموال و فرزندان و بدهد شما را بوستان‌ها و پدید آرد برای شما
جوی‌ها. ﴿۱۲﴾ چیست شما را که اعتقاد نمی‌کنید برای خدا
بزرگی را؟. ﴿۱۳﴾ و حال آنکه آفریده است شما را به
طورهای مختلف. ﴿۱۴﴾ آیا نمی‌بینید چگونه آفرید خدا هفت
آسمان را تو بر تو؟. ﴿۱۵﴾ و ساخت ماه را در میان اینها
فروزنده و ساخت آفتاب را چراغ درخشنده؟. ﴿۱۶﴾ و خدا
رویانید شما را از زمین نوعی از رویانیدن. ﴿۱۷﴾ پس باز
درآرد شما را به زمین و بیرون آرد شما را نیز از طوری بیرون
آوردن. ﴿۱۸﴾ و خدا ساخت برای شما زمین را فراشی. ﴿۱۹﴾
تا بروید در آن زمین به راه‌های گشاده. ﴿۲۰﴾ گفت نوح: ای
پروردگار من! هرآیینه این جماعت نافرمانیِ من کردند و
پیروی نمودند به کسی که زیاده نکرده است در حقّ وی مال
وی و فرزند وی، مگر زیان را[۱]. ﴿۲۱﴾ و بدسگالی کردند
رییسان بدسگالی عظیم. ﴿۲۲﴾ و گفتند: هرگز ترک مکنید
معبودان خود را و هرگز ترک مکنید ودّ و سواع و یغوث و
یعوق و نسر را[۲]. ﴿۲۳﴾ و هرآیینه گمراه کرده‌اند بسیاری را و
زیاده مده خدایا ستمکاران را، مگر گمراهی!. ﴿۲۴﴾ به سبب
گناهان خود غرق کرده شد ایشان را پس در آورده شد ایشان
را به آتش، لیک نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت
دهنده. ﴿۲۵﴾ و گفت نوح: ای پروردگار من! مگذار بر زمین
از کافران هیچ ساکن شونده. ﴿۲۶﴾ هرآیینه تو اگر بگذاری
ایشان را، گمراه سازنده بندگان تو را و نزایند مگر بدکار
ناسپاسدار را. ﴿۲۷﴾ ای پروردگار من! بیامرز مرا و پدر و مادر
مرا و هر که را که درآید به خانهٔ من ایمان آورده و جمیع
مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مده ستمکاران را، مگر هلاکی! .
﴿۲۸﴾

۱- یعنی به رؤسای کفار.

۲- و این پنج بت بودند.

سُورَةُ الجِنِّ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ٱسۡتَمَعَ نَفَرٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَقَالُوٓاْ إِنَّا سَمِعۡنَا قُرۡءَانًا عَجَبٗا ١ يَهۡدِيٓ إِلَى ٱلرُّشۡدِ فَـَٔامَنَّا بِهِۦۖ وَلَن نُّشۡرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدٗا ٢ وَأَنَّهُۥ تَعَٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَٰحِبَةٗ وَلَا وَلَدٗا ٣ وَأَنَّهُۥ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى ٱللَّهِ شَطَطٗا ٤ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن تَقُولَ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا ٥ وَأَنَّهُۥ كَانَ رِجَالٞ مِّنَ ٱلۡإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٖ مِّنَ ٱلۡجِنِّ فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا ٦ وَأَنَّهُمۡ ظَنُّواْ كَمَا ظَنَنتُمۡ أَن لَّن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ أَحَدٗا ٧ وَأَنَّا لَمَسۡنَا ٱلسَّمَآءَ فَوَجَدۡنَٰهَا مُلِئَتۡ حَرَسٗا شَدِيدٗا وَشُهُبٗا ٨ وَأَنَّا كُنَّا نَقۡعُدُ مِنۡهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمۡعِۖ فَمَن يَسۡتَمِعِ ٱلۡأٓنَ يَجِدۡ لَهُۥ شِهَابٗا رَّصَدٗا ٩ وَأَنَّا لَا نَدۡرِيٓ أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ أَرَادَ بِهِمۡ رَبُّهُمۡ رَشَدٗا ١٠ وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّٰلِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَۖ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدٗا ١١ وَأَنَّا ظَنَنَّآ أَن لَّن نُّعۡجِزَ ٱللَّهَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَن نُّعۡجِزَهُۥ هَرَبٗا ١٢ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعۡنَا ٱلۡهُدَىٰٓ ءَامَنَّا بِهِۦۖ فَمَن يُؤۡمِنۢ بِرَبِّهِۦ فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا وَلَا رَهَقٗا ١٣

سوره جن

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[۱]بگو: وحی فرستاده شد به سوی من که گوش نهادند جماعت از جن، پس گفتند: هرآیینه ما شنیدیم قرآنی عجب. ﴿۱﴾ که دلالت می‌کند به سوی راه راست، پس ایمان آوردیم به آن و شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یک را. ﴿۲﴾ [و بیان کردند آن جنیان که] بلند است بزرگی پروردگار ما، فرا نگرفته است زنی و نه فرزندی. ﴿۳﴾ و آنکه افترا می‌کرد جاهلِ ما بر خدا دروغ. ﴿۴﴾ و آنکه ما پنداشتیم که هرگز نگویند بنی آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را. ﴿۵﴾ و آنکه مردان بنی آدم پناه می‌گرفتند به مردان جن، پس زیاده کردند در حق آن جنیان سرکشی را[۲]. ﴿۶﴾ و آنکه آدمیان گمان کردند، چنانکه شما گمان کرده بودید که هرگز نفرستد خدا هیچ کس را[۳]. ﴿۷﴾ و آنکه ما دست رسانیدیم به آسمان، پس یافتیم آسمان پر کرده شده به پاسبانانِ محکم و به ستاره‌های فرود آینده. ﴿۸﴾ و آنکه می‌نشستیم پیش از این به جاها برای شنیدن[۴]، پس هر که گوش نهد الحال بیابد برای خود ستاره‌ای مهیا ساخته. ﴿۹﴾ و آنکه ما نمی‌دانیم آیا بلایی اراده کرده شد در حقّ آنان‌که در زمینند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خیر را؟. ﴿۱۰﴾ و آنان‌که از ما جمعی شایسته‌کارانند و جمع از ما سوای اینند. هستیم فِرَق [های] مختلف. ﴿۱۱﴾ و آنکه ما دانستیم که هرگز عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و عاجز نتوانیم کرد او را از جهت گریختن. ﴿۱۲﴾ و آنکه ما چون شنیدیم هدایت را، ایمان آوردیم به آن. پس هر که ایمان آرد به پروردگار خویش، پس نترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ ستمی. ﴿۱۳﴾

۱- مترجم گوید: روزی که آن حضرتﷺ نماز صبح بیرون مکه می‌خواندند، جماعتی از جن آن را استماع کردند و ایمان آوردند، خدای تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان با قوم خود درین سوره خبر داد تا قوله: ﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ والله اعلم.

۲- اشارت است به آنکه در جاهلیت چون به جایی فرود می‌آمدند، می‌گفتند: «أعوذ بسید هذا الوادی من سفهاء قومه».

۳- یعنی پیغامبر نفرستد.

۴- یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

وَأَنَّا مِنَّا ٱلۡمُسۡلِمُونَ وَمِنَّا ٱلۡقَٰسِطُونَۖ فَمَنۡ أَسۡلَمَ
فَأُوْلَٰٓئِكَ تَحَرَّوۡاْ رَشَدٗا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا ٱلۡقَٰسِطُونَ فَكَانُواْ
لِجَهَنَّمَ حَطَبٗا ﴿١٥﴾ وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ
لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقٗا ﴿١٦﴾ لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِۚ وَمَن يُعۡرِضۡ
عَن ذِكۡرِ رَبِّهِۦ يَسۡلُكۡهُ عَذَابٗا صَعَدٗا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُۥ لَمَّا
قَامَ عَبۡدُ ٱللَّهِ يَدۡعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيۡهِ لِبَدٗا ﴿١٩﴾
قُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِهِۦٓ أَحَدٗا ﴿٢٠﴾ قُلۡ إِنِّي
لَآ أَمۡلِكُ لَكُمۡ ضَرّٗا وَلَا رَشَدٗا ﴿٢١﴾ قُلۡ إِنِّي لَن
يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ أَحَدٞ وَلَنۡ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلۡتَحَدًا
﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَٰغٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِسَٰلَٰتِهِۦۚ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ لَهُۥ نَارَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ﴿٢٣﴾
حَتَّىٰٓ إِذَا رَأَوۡاْ مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعۡلَمُونَ مَنۡ أَضۡعَفُ
نَاصِرٗا وَأَقَلُّ عَدَدٗا ﴿٢٤﴾ قُلۡ إِنۡ أَدۡرِيٓ أَقَرِيبٞ مَّا
تُوعَدُونَ أَمۡ يَجۡعَلُ لَهُۥ رَبِّيٓ أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا
يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن
رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ
رَصَدٗا ﴿٢٧﴾ لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ
بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا ﴿٢٨﴾

و آنکه جمعی از ما مسلمانانند و جمعی از ما گناهکارانند، پس هر که مسلمان شد، پس آن جماعت قصد کردند راه راست را. ﴿۱۴﴾ و امّا گناهکاران، پس باشند هیزم برای دوزخ. ﴿۱۵﴾ [و نیز بگو: ای محمد که وحی فرستاده شده به سوی من که بنی آدم] اگر راست می‌استادند بر راه راست، البته می‌نوشانیدیم ایشان را آب بسیار. ﴿۱۶﴾ تا امتحان کنیم ایشان را به آن[۱] و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آردش به عذابی سخت. ﴿۱۷﴾ و آنکه مسجدها مخصوص برای خداست، پس عبادت مکنید با خدا هیچ یک را. ﴿۱۸﴾ و آنکه چون ایستاد بندهٔ خدا[۲] که عبادت کند خدا را نزدیک بودند جنّیان که بر آن بنده یکی بر دیگر چسبیده شوند[۳]. ﴿۱۹﴾ بگو: جز این نیست که عبادت می‌کنم پروردگار خود را و شریک مقرر نمی‌کنم به او هیچ یک را. ﴿۲۰﴾ بگو: هرآیینه من نمی‌توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن، طریق راستی. ﴿۲۱﴾ بگو: هرآیینه پناه ندهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیابم بجز وی پناهی. ﴿۲۲﴾ لیکن بجا آریم خبر رسانیدن از جانب خدا و تبلیغ پیغام‌های او و هر که نافرمانبرداری کند خدا را و پیغامبر او را، پس هرآیینه او راست آتش دوزخ جاویدان در آنجا همیشه. ﴿۲۳﴾ در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده می‌شود ایشان را، پس خواهند دانست کیست ناتوانتر به اعتبار نصرت دهنده و کمتر از روی شمار. ﴿۲۴﴾ بگو: نمی‌دانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده می‌شود شما را یا مقرر کند برای او پروردگار من میعادی. ﴿۲۵﴾ دانندهٔ پنهان است ،پس مطلع نمی‌سازد بر علم غیب خود هیچ یک را. ﴿۲۶﴾ مگر کسی که پسند کرد او را، مراد پیغامبر است، پس هرآیینه خدا روان می‌کند پیش دست وی و پسِ پشت وی، فرشتگان نگاهبان را. ﴿۲۷﴾ تا بداند [خدا] که به تحقیق رسانیده‌اند پیغام‌های پروردگار خود را[۴] و خدا از هر جهت به گرد آمده است بر آنچه نزدیک ایشان است و فرا گرفته است هر چیزی را از روی شمار. ﴿۲۸﴾

۱- یعنی ارزانی می‌شد و قحط نمی‌آمد.

۲- یعنی محمدﷺ.

۳- یعنی از حرص بر استماع قرآن.

۴- یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد، زیرا که آن علم است، والله اعلم.

سُورَةُ المُزَّمِّلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ ١ قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا ٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ
ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا ٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ
تَرۡتِيلًا ٤ إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلٗا ثَقِيلًا ٥ إِنَّ
نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا ٦ إِنَّ لَكَ فِي
ٱلنَّهَارِ سَبۡحٗا طَوِيلٗا ٧ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلۡ
إِلَيۡهِ تَبۡتِيلٗا ٨ رَّبُّ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
فَٱتَّخِذۡهُ وَكِيلٗا ٩ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهۡجُرۡهُمۡ
هَجۡرٗا جَمِيلٗا ١٠ وَذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ
وَمَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا ١١ إِنَّ لَدَيۡنَآ أَنكَالٗا وَجَحِيمٗا ١٢
وَطَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ وَعَذَابًا أَلِيمٗا ١٣ يَوۡمَ تَرۡجُفُ
ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ وَكَانَتِ ٱلۡجِبَالُ كَثِيبٗا مَّهِيلًا ١٤ إِنَّآ
أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ رَسُولٗا شَٰهِدًا عَلَيۡكُمۡ كَمَآ أَرۡسَلۡنَآ
إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ رَسُولٗا ١٥ فَعَصَىٰ فِرۡعَوۡنُ ٱلرَّسُولَ
فَأَخَذۡنَٰهُ أَخۡذٗا وَبِيلٗا ١٦ فَكَيۡفَ تَتَّقُونَ إِن
كَفَرۡتُمۡ يَوۡمٗا يَجۡعَلُ ٱلۡوِلۡدَٰنَ شِيبًا ١٧ ٱلسَّمَآءُ
مُنفَطِرُۢ بِهِۦۚ كَانَ وَعۡدُهُۥ مَفۡعُولًا ١٨ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ
فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ١٩

سوره مزمل

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[1]ای مرد جامه بر خود پیچیده![2]. ﴿۱﴾ قیام لیل کن مگر اندکی[3]. ﴿۲﴾ قیام نیم شب کن یا اندکی از نیم شب، کم نما. ﴿۳﴾ بر نیم شب بیفزای و ترتیل کن قرآن را به واضح خواندن. ﴿۴﴾ هرآیینه ما خواهیم نازل کرد بر تو فرمانی دشوار[4]. ﴿۵﴾ هرآیینه قیام شب زیاده‌تر است در موافقت زبان با دل و درست‌تر در تلفّظِ الفاظ. ﴿۶﴾ هرآیینه تو را در روز شغلی است بسیار. ﴿۷﴾ و یاد کن نام پروردگار خود را و از همه جهت گسسته شو، متوجه شده به سوی او نوعی گسسته شدن. ﴿۸﴾ پروردگار مشرق و مغرب است، نیست هیچ معبود مگر او، پس کارساز گیر او را. ﴿۹﴾ و صبر کن بر آنچه می‌گویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو. ﴿۱۰﴾ و بگذار مرا با دروغ شمارندگان، خداوندانِ رفاهیت و مهلت ده ایشان را اندکی. ﴿۱۱﴾ هرآیینه هست نزدیک ما قیدهای گران و آتش افروخته. ﴿۱۲﴾ و طعام گلوگیر و عذاب درد دهنده. ﴿۱۳﴾ روزی که بجنبد زمین و کوه‌ها و شوند کوه‌ها مانند تل ریگ هم پاشیده شده. ﴿۱۴﴾ هرآیینه ما فرستادیم به سوی شما پیغامبری گواهی دهنده بر شما، چنانکه فرستاده بودیم به سوی فرعون پیغامبری را. ﴿۱۵﴾ پس نافرمانبرداری کرد فرعون آن پیغامبر را، پس درگرفتیم او را درگرفتن سخت. ﴿۱۶﴾ پس اگر کافرمانید، چگونه در پناه شوید از روزی که اطفال را پیر گرداند؟!. ﴿۱۷﴾ آسمان شکافته باشد در آن روز. هست وعدهٔ خدا البته کردنی. ﴿۱۸﴾ هرآیینه این پند است، پس هر که خواهد، بگیرد راه به سوی پروردگار خویش. ﴿۱۹﴾

۱- مترجم گوید: در ابتدای اسلام، خدای تعالی قیام لیل بر آن حضرتﷺ و بر مسلمانان مؤکد گردانید و چون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد، بعد یک سال رخصت نازل فرمود. ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ﴾ إلی آخر السورة تا هرکه خواهد قیام کند و هرکه خواهد نکند و هر قدر که خواهد بخواند، والله اعلم.

۲- یعنی به سبب هیبت وحی.

۳- یعنی اگر شب‌ها نکنی گناه نباشد، والله اعلم.

۴- یعنی دعوت کفار به اسلام.

۞إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ
وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ
ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۖ
فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم
مَّرۡضَىٰ وَءَاخَرُونَ يَضۡرِبُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَبۡتَغُونَ مِن فَضۡلِ
ٱللَّهِ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ
مِنۡهُۚ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقۡرِضُواْ ٱللَّهَ قَرۡضًا
حَسَنٗاۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ
ٱللَّهِ هُوَ خَيۡرٗا وَأَعۡظَمَ أَجۡرٗاۚ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ
غَفُورٞ رَّحِيمُۢ ﴿٢٠﴾

سُورَةُ المُدَّثِّرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمۡ فَأَنذِرۡ ﴿٢﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرۡ ﴿٣﴾
وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ﴿٤﴾ وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ ﴿٥﴾ وَلَا تَمۡنُن
تَسۡتَكۡثِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَٱصۡبِرۡ ﴿٧﴾ فَإِذَا نُقِرَ فِي ٱلنَّاقُورِ
﴿٨﴾ فَذَٰلِكَ يَوۡمَئِذٖ يَوۡمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ غَيۡرُ
يَسِيرٖ ﴿١٠﴾ ذَرۡنِي وَمَنۡ خَلَقۡتُ وَحِيدٗا ﴿١١﴾ وَجَعَلۡتُ لَهُۥ
مَالٗا مَّمۡدُودٗا ﴿١٢﴾ وَبَنِينَ شُهُودٗا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدتُّ لَهُۥ
تَمۡهِيدٗا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطۡمَعُ أَنۡ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّآۖ إِنَّهُۥ كَانَ
لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا ﴿١٦﴾ سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودٗا ﴿١٧﴾

هرآیینه پروردگار تو می‌داند که تو برمی‌خیزی نزدیک به دو ثلث شب و نیمِ شب و ثلثِ شب و نیز برمی‌خیزند جماعت از آنان‌که همراه تواند و خدا اندازه می‌کند شب و روز را. دانست خدا که شما احاطه نمی‌توانید کرد قیام لیل را[۱]، پس به رحمت بازگشت بر شما، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن. دانست خدا که خواهند بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر می‌کنند در زمین، طلب روزی می‌نمایند از فضل خدا و دیگران که کارزار می‌کنند در راه خدا، پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید خدا را وام دادن نیک[۲] و آنچه پیش می‌فرستید برای خویشتن از عمل نیک، آن را بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر به اعتبار مزد و طلب آمرزش کنید از خدا، هرآیینه خدا آمرزگار مهربان است[۳]. ﴿۲۰﴾

سوره مدثر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای مرد جامه بر خود پیچیده![۴]. ﴿۱﴾ برخیز، پس بترسان!. ﴿۲﴾ و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن. ﴿۳﴾ و جامه‌های خود را پاک سازد. ﴿۴﴾ و پلیدی را دور کن. ﴿۵﴾ و نباید که چیزی بدهی زیاده طلب‌کنان[۵]. ﴿۶﴾ و برای حکم پروردگار خویش شکیبایی ورز. ﴿۷﴾ پس وقتی که دمیده شود در صور، دشوار شود حال. ﴿۸﴾ پس آن وقت و آن روز وقتِ دشوار باشد. ﴿۹﴾ بر کافران نه وقت آسان. ﴿۱۰﴾ بگذار مرا با کسی که آفریدم تنها. ﴿۱۱﴾ و دادم او را مال فراوان. ﴿۱۲﴾ و فرزندان حاضر شونده به مجالس. ﴿۱۳﴾ و وسعت دادم او را وسعت دادنی. ﴿۱۴﴾ باز طمع می‌کند که زیاده دهم. ﴿۱۵﴾ نی! نی! هرآیینه او هست به آیات ما ستیزنده. ﴿۱۶﴾ تکلیف خواهم داد او را به مشقتی. ﴿۱۷﴾

۱- یعنی مواظبت نمی‌توانید کرد.

۲- یعنی صرف مال کنید در جهاد به توقع ثواب آخرت، والله اعلم.

۳- مترجم گوید: این آیت بعد یک سال نازل شد و آن حضرتﷺ در همین سوره لاحق کردند، به جهت مناسبت ولهذا با سائر سور در اسلوب نمی‌ماند، والله اعلم.

۴- یعنی از هیبت وحی.

۵- یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند، از اخلاق رذیله است.

إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ
كَيۡفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ
أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ ﴿٢٤﴾
إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَآ
أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾ لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوَّاحَةٞ
لِّلۡبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلۡنَآ
أَصۡحَٰبَ ٱلنَّارِ إِلَّا مَلَٰٓئِكَةٗۖ وَمَا جَعَلۡنَا عِدَّتَهُمۡ إِلَّا
فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيَسۡتَيۡقِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ
وَيَزۡدَادَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِيمَٰنٗا وَلَا يَرۡتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَلِيَقُولَ ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ
وَٱلۡكَٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ
ٱللَّهُ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۚ وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ
رَبِّكَ إِلَّا هُوَۚ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا
وَٱلۡقَمَرِ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ ﴿٣٣﴾ وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ ﴿٣٤﴾
إِنَّهَا لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرٗا لِّلۡبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَآءَ
مِنكُمۡ أَن يَتَقَدَّمَ أَوۡ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا
كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّآ أَصۡحَٰبَ ٱلۡيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي
جَنَّٰتٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا
سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ﴿٤٢﴾ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾
وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ
ٱلۡخَآئِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰٓ
أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ﴿٤٧﴾

هرآیینه وی تأمّل کرد و اندازه مقرّر نمود. ﴿۱۸﴾ پس لعنت باد او را! چگونه اندازه کرد؟. ﴿۱۹﴾ باز دگر لعنت باد بر او! چگونه اندازه کرد؟. ﴿۲۰﴾ باز در نگریست. ﴿۲۱﴾ باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید. ﴿۲۲﴾ باز پشت گردانید و تکبر کرد[1]. ﴿۲۳﴾ پس گفت: نیست این قرآن، مگر جادویی که از ساحران نقل کرده می‌شود. ﴿۲۴﴾ نیست این قرآن مگر کلام آدمی. ﴿۲۵﴾ خواهم درآورد او را به دوزخ. ﴿۲۶﴾ و چه چیز مطّلع کرد تو را که چیست دوزخ؟. ﴿۲۷﴾ باقی نمی‌گذارد و ترک نمی‌کند. ﴿۲۸﴾ سوزنده است آدمیان را. ﴿۲۹﴾ بر دوزخ موکل‌اند نوزده کس[2]. ﴿۳۰﴾ و نساختیم موکّلانِ دوزخ، مگر فرشتگان را و نساخته‌ایم شمار ایشان را مگر بلا در حق کافران، تا یقین کنند اهل کتاب و تا زیاده شوند مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل کتاب و مسلمانان و تا بگویند آنان‌که در دل ایشان بیماری است و کافران: چه چیز اراده کرده است خدا به این داستان؟ همچنین گمراه می‌کند خدا هر که را خواهد و راه می‌نماید هر که را خواهد و نمی‌داند لشکر پروردگار تو را مگر او، تبارک و تعالی و نیست این، مگر پندی برای بنی آدم. ﴿۳۱﴾ نی! نی! قسم به ماه! . ﴿۳۲﴾ و قسم به شب چون پشت گرداند! . ﴿۳۳﴾ و قسم به صبح چون روشن شود! . ﴿۳۴﴾ هرآیینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است. ﴿۳۵﴾ ترساننده بنی آدم را. ﴿۳۶﴾ ترساننده است برای هر که خواهد از شما که پیشتر آید یا بازپس ماند. ﴿۳۷﴾ هر شخصی به آنچه کرد در گرو است. ﴿۳۸﴾ مگر اهل سعادت. ﴿۳۹﴾ در بوستان‌ها باشند سؤال کنند ﴿۴۰﴾ از گناهکاران. ﴿۴۱﴾ چه چیز در آورد شما را به دوزخ؟. ﴿۴۲﴾ گویند: نبودیم از نمازگزارندگان. ﴿۴۳﴾ و طعام نمی‌دادیم فقیر را. ﴿۴۴﴾ و به آنکار درمی‌آمدیم با درآیندگان. ﴿۴۵﴾ و دروغ می‌شمردیم روز جزا را. ﴿۴۶﴾ تا وقتی که آمد به ما موت. ﴿۴۷﴾

۱- مترجم گوید: این تصویر است حال کافر را که خدای تعالی او را نعمت‌ها داده باشد و او مصرّ باشد بر «كَفَرَ و عَبَسَ و بَسَرَ ثُمَّ اَدْبَرَ واستَكْبَرَ» تصویر حال تأمل و تردداست، والله اعلم.

۲- مترجم گوید: این آیت اشارت است به شبهه کفار در عدد تسعه عشر. آن حضرتﷺ آن را در همین سوره لاحق فرمودند به جهت مناسبت و لهذا با سائر سور نمی‌ماند در اسلوب، والله اعلم.

فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمۡ عَنِ ٱلتَّذۡكِرَةِ
مُعۡرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمۡ حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ ﴿٥٠﴾ فَرَّتۡ مِن قَسۡوَرَةِۢ
﴿٥١﴾ بَلۡ يُرِيدُ كُلُّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ أَن يُؤۡتَىٰ صُحُفٗا مُّنَشَّرَةٗ ﴿٥٢﴾
كَلَّاۖ بَل لَّا يَخَافُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذۡكِرَةٞ ﴿٥٤﴾ فَمَن
شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذۡكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ هُوَ أَهۡلُ
ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ القِيَامَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقۡسِمُ بِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ ﴿١﴾ وَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلنَّفۡسِ
ٱللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجۡمَعَ عِظَامَهُۥ ﴿٣﴾
بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ ﴿٤﴾ بَلۡ يُرِيدُ
ٱلۡإِنسَٰنُ لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُۥ ﴿٥﴾ يَسۡـَٔلُ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلۡقِيَٰمَةِ
﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ ٱلۡقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ
ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذٍ أَيۡنَ
ٱلۡمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡمُسۡتَقَرُّ
﴿١٢﴾ يُنَبَّؤُاْ ٱلۡإِنسَٰنُ يَوۡمَئِذِۭ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ
ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِيرَةٞ ﴿١٤﴾ وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُۥ
﴿١٥﴾ لَا تُحَرِّكۡ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعۡجَلَ بِهِۦٓ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيۡنَا
جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ ﴿١٨﴾ ثُمَّ
إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ ﴿١٩﴾

پس سود ندهد ایشان را شفاعت شفاعت کنندگان. ﴿۴۸﴾ پس
چیست ایشان را از پند روی‌گردان شده؟. ﴿۴۹﴾ گویا ایشان خران رم
کرده‌اند. ﴿۵۰﴾ که گریخته باشند از شیری. ﴿۵۱﴾ بلکه می‌خواهد هر
شخصی از ایشان که داده شود نامه‌های گشاده[1]. ﴿۵۲﴾ نی! نی!
بلکه نمی‌ترسند از آخرت. ﴿۵۳﴾ نی! نی! هرآیینه قرآن پندست.
﴿۵۴﴾ پس هر که خواهد، بخواند آن را. ﴿۵۵﴾ و یاد نمی‌کنند
بندگان، مگر وقتی که خواسته باشد خدا، اوست سزاوار آنکه از وی
بترسند و اوست سزاوار آنکه بیامرزد. ﴿۵۶﴾

سوره قیامه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم می‌خورم به روز قیامت! . ﴿۱﴾ و قسم می‌خورم به نفس ملامت
کننده![2]. ﴿۲﴾ آیا می‌پندارد آدمی که جمع نکنیم استخوان‌های او
را؟. ﴿۳﴾ آری! می‌کنیم، توانا شده بر آنکه هموار کنیم سر
انگشت‌های او را. ﴿۴﴾ بلکه می‌خواهد آدمی که معصیت کند در
زمانی که پیش روی وی است[3]. ﴿۵﴾ می‌پرسد که کی خواهد بود
روز قیامت؟. ﴿۶﴾ پس وقتی که خیره شود چشم. ﴿۷﴾ و تیره گردد
ماه. ﴿۸﴾ یکجا جمع کرده شود آفتاب و ماه. ﴿۹﴾ بگوید آدمی آن
روز که کجاست کریزگاه؟. ﴿۱۰﴾ نی! نی! نیست هیچ پناه. ﴿۱۱﴾ به
سوی پروردگار تو است امروز قرارگاه. ﴿۱۲﴾ خبر داده شود آدمی
آن روز به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود و پس گذاشته[4].
﴿۱۳﴾ بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی. ﴿۱۴﴾ اگرچه در
میان آرد عذرهای خود را. ﴿۱۵﴾ [5]مجنبان [یا محمد،] به تکرار
قرآن زبان خود را تا زود به دست آری یاد کردن آن را. ﴿۱۶﴾
هرآیینه وعده است بر ما در سینهٔ تو جمع کردن قرآن و آسان کردن،
خواندن آن را. ﴿۱۷﴾ پس چون بخواند فرشتهٔ ما آن را، دلِ خویش را
در پی خواندن او کن. ﴿۱۸﴾ باز هرآیینه وعده است برَ ما واضح
کردن آن[6]. ﴿۱۹﴾

۱- یعنی می‌گویند باید که کتاب بر هریک نازل شود.

۲- که آدمی البته مبعوث خواهد شد.

۳- یعنی آمدنی است.

۴- مثل صدقهٔ جاریه و علم باقی.

۵- مترجم گوید: چون جبرئیل پیش آن حضرتﷺ وحی آوردی، آن حضرتﷺ به حفظ آن اهتمام تمام فرمودی و هم به حضور جبرئیل قبل انقضای وحی، تکرار نمودی، تا از خاطر مبارک نرود. خدای تعالی به این معنی اشارت فرمود.

۶- مترجم گوید: ظاهر نزدیک بنده آن است که معنای آیت چنین باشد: هرآئینه وعده لازم است بر ما جمع کردن قرآن در مصاحف وحفظ وقرآئت آن عصراً بعد عصرٍ و ایضاح به تفسیر معانی آن خدای تعالی بر دست شیخین رضی الله عنهما جمع آن کرده در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند، به تجوید بخوانند و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند، والله اعلم.

كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ ٱلۡأٓخِرَةَ ﴿٢١﴾
وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ﴿٢٣﴾ وَوُجُوهٞ
يَوۡمَئِذِۭ بَاسِرَةٞ ﴿٢٤﴾ تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا فَاقِرَةٞ ﴿٢٥﴾ كَلَّآ إِذَا
بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾ وَقِيلَ مَنۡۜ رَاقٖ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلۡفِرَاقُ
﴿٢٨﴾ وَٱلۡتَفَّتِ ٱلسَّاقُ بِٱلسَّاقِ ﴿٢٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوۡمَئِذٍ
ٱلۡمَسَاقُ ﴿٣٠﴾ فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾ وَلَٰكِن كَذَّبَ
وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ يَتَمَطَّىٰٓ ﴿٣٣﴾ أَوۡلَىٰ لَكَ
فَأَوۡلَىٰ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ أَوۡلَىٰ لَكَ فَأَوۡلَىٰٓ ﴿٣٥﴾ أَيَحۡسَبُ ٱلۡإِنسَٰنُ أَن
يُتۡرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ أَلَمۡ يَكُ نُطۡفَةٗ مِّن مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ ﴿٣٧﴾ ثُمَّ
كَانَ عَلَقَةٗ فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنۡهُ ٱلزَّوۡجَيۡنِ
ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ﴿٣٩﴾ أَلَيۡسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحۡـِۧيَ
ٱلۡمَوۡتَىٰ ﴿٤٠﴾

نی! نی! بلکه [ای کافران] دوست می‌دارید دنیا را. ﴿۲۰﴾ و ترک می‌نمایید آخرت را. ﴿۲۱﴾ یک پاره روی‌های آن روز تازه باشند. ﴿۲۲﴾ به سوی پروردگار خود نظر کننده باشند. ﴿۲۳﴾ و یک پاره روی‌های آن روز پیشانی درهم کشیده باشند. ﴿۲۴﴾ توقع کنند که در میان آورده باشد به ایشان مصیبتی. ﴿۲۵﴾ نی! نی! وقتی که برسد روح به چنبر گردن. ﴿۲۶﴾ و گفته شود: کیست افسون کننده؟!. ﴿۲۷﴾ و یقین دانست مختصر که این وقت جدا شدن روح است. ﴿۲۸﴾ و بپیچید یک ساق به ساق دیگر[1]. ﴿۲۹﴾ به سوی پروردگار تو است آن روز، روان کردن. ﴿۳۰﴾ پ پس نه باور داشت آدمی و نه نماز گزارد. ﴿۳۱﴾ و لیکن دروغ شمرد و روی‌گردان گشت. ﴿۳۲﴾ باز برفت به سوی اهل خانهٔ خود خرامان شده. ﴿۳۳﴾ وای بر تو! پس وای بر تو! . ﴿۳۴﴾ باز دیگر می‌گویم: وای بر تو! پس وای بر تو! . ﴿۳۵﴾ آیا می‌پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود؟. ﴿۳۶﴾ آیا نبود نطفه‌ای از منی که ریخته می‌شد در رحم؟. ﴿۳۷﴾ باز بود خون بسته، پس بیافرید خدا، پس درست اندام کرد. ﴿۳۸﴾ پس ساخت از آن منی دو قسم را، مرد را و زن را. ﴿۳۹﴾ آیا نیست این خدا توانا بر آنکه زنده کند مردگان را؟. ﴿۴۰﴾

سُورَةُ الإِنسَانِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ حِينٞ مِّنَ ٱلدَّهۡرِ لَمۡ يَكُن
شَيۡـٔٗا مَّذۡكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ
أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا
هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّآ
أَعۡتَدۡنَا لِلۡكَٰفِرِينَ سَلَٰسِلَاْ وَأَغۡلَٰلٗا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ
ٱلۡأَبۡرَارَ يَشۡرَبُونَ مِن كَأۡسٖ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

سوره إنسان

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرآیینه آمده است بر آدمی مدتی از زمان که نبود چیزی ذکر کرده شده. ﴿۱﴾ هرآیینه ما آفریدیم آدمی را از یک پارهٔ منی در هم آمیخته از چند چیز، پس ساختیمش شنوای بینا[2]. ﴿۲﴾ هرآیینه ما دلالت کردیم آدمی را بر راه خود شکر گوینده یا ناسپاس دارنده. ﴿۳﴾ هرآیینه ما آماده ساخته‌ایم برای کافران زنجیرها و طوق‌ها و آتش افروخته. ﴿۴﴾ هرآیینه نیکوکاران می‌نوشند از پیالهٔ شراب که آمیزش وی آب چشمهٔ کافور باشد[1]. ﴿۵﴾

۱- یعنی در پای حرکت نماند.

۲- یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض از حالی به حالی می‌گردانیدیمش.

۱- مراد می‌دارم از کافور چشمه.

عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦
يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا
٧ وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا
وَأَسِيرًا ٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ
مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا
يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ١٠ فَوَقَىٰهُمُ ٱللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ
ٱلۡيَوۡمِ وَلَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ وَسُرُورٗا ١١ وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُواْ
جَنَّةٗ وَحَرِيرٗا ١٢ مُّتَّكِـِٔينَ فِيهَا عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِۖ لَا
يَرَوۡنَ فِيهَا شَمۡسٗا وَلَا زَمۡهَرِيرٗا ١٣ وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ
ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا ١٤ وَيُطَافُ عَلَيۡهِم
بِـَٔانِيَةٖ مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠ ١٥ قَوَارِيرَاْ
مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا ١٦ وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا
كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا ١٧ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا
١٨ ۞وَيَطُوفُ عَلَيۡهِمۡ وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيۡتَهُمۡ
حَسِبۡتَهُمۡ لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا ١٩ وَإِذَا رَأَيۡتَ ثَمَّ رَأَيۡتَ
نَعِيمٗا وَمُلۡكٗا كَبِيرًا ٢٠ عَٰلِيَهُمۡ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضۡرٞ
وَإِسۡتَبۡرَقٞۖ وَحُلُّوٓاْ أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٖ وَسَقَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡ
شَرَابٗا طَهُورًا ٢١ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمۡ جَزَآءٗ وَكَانَ
سَعۡيُكُم مَّشۡكُورًا ٢٢ إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ
تَنزِيلٗا ٢٣ فَٱصۡبِرۡ لِحُكۡمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعۡ مِنۡهُمۡ
ءَاثِمًا أَوۡ كَفُورٗا ٢٤ وَٱذۡكُرِ ٱسۡمَ رَبِّكَ بُكۡرَةٗ
وَأَصِيلٗا ٢٥

چشمه‌ای که می‌آشامند از آن بندگان مقرّب خدا، روان کنند آن را روان کردنی[1]. ﴿۶﴾ وفا می‌کنند به نذر و می‌ترسند از روزی که مشقت آن فاش باشد. ﴿۷﴾ و می‌دهند طعام با وجود احتیاج به آن، فقیر را و یتیم را و زندانی را. ﴿۸﴾ می‌گویند: جز این نیست که طعام می‌دهیم شما را برای ذات خدا، نمی‌طلبیم از شما مزدی و نه شکری. ﴿۹﴾ هرآیینه ما می‌ترسیم از پروردگار خود روزِ ترش روی نهایت سخت. ﴿۱۰﴾ پس نگاه داشت ایشان را خدا از سختی آن روز و رسانید ایشان را تازگی و خوشحالی. ﴿۱۱﴾ و جزا داد ایشان را به مقابلۀ صبر ایشان بوستان و جامۀ ابریشمی. ﴿۱۲﴾ تکیه زده باشند آنجا بر تخت‌ها. نبینند آنجا گرمی آفتاب را و نه سرمای تند را. ﴿۱۳﴾ و نزدیک شده باشد بر ایشان سایه‌های آن بوستان و سهل الحصول کرده شود میوه‌های آن، سهل کردنی. ﴿۱۴﴾ و آمدوشد کرده شود بر ایشان به آوندهایی از نقره و با جام‌هایی که باشند آبگینه‌ها. ﴿۱۵﴾ [مراد می‌دارم] آبگینه‌ها از نقره، اندازه کرده باشند ساقیان آن را اندازه کردنی. ﴿۱۶﴾ و نوشانیده شود ایشان را در آنجا جام شرابی که هست آمیزش آن، آب چشمه زنجبیل. ﴿۱۷﴾ که چشمه‌ای است که در بهشت که نام آن نهاده می‌شود سلسبیل. ﴿۱۸﴾ و آمدوشد کنند بر ایشان نوجوانان جاویدان. چون بینی ایشان را، پنداری که ایشان مرواریدند از رشته افشانند شده. ﴿۱۹﴾ و چون نگاه کنی آنجا، ببینی نعمت فراوان و پادشاهیِ بزرگ. ﴿۲۰﴾ بالای ایشان باشد جامه‌های سبز از دیبای نازک و نیز بالای ایشان باشند دیبای لک و زیور پوشانیده شود ایشان را دستوانه‌ها از نقره و بنوشاند ایشان را پروردگار ایشان شراب نهایت پاک. ﴿۲۱﴾ هرآیینه این نعمت هست شما را جزای اعمال و هست سعی شما قبول کرده شده. ﴿۲۲﴾ هرآیینه ما فرود آوردیم بر تو قرآن را فرود آوردنی. ﴿۲۳﴾ پس شکیبایی کن بر حکم پروردگار خود و فرمان مبر از زمرۀ بنی آدم، گناهکاری را یا ناسپاس داری را. ﴿۲۴﴾ و یاد کن نام پروردگار خود صبح و شام. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی جدولی از آن هرجا که خواهند ببرند، والله اعلم.

وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَٱسۡجُدۡ لَهُۥ وَسَبِّحۡهُ لَيۡلٗا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ
هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمۡ يَوۡمٗا
ثَقِيلٗا ﴿٢٧﴾ نَّحۡنُ خَلَقۡنَٰهُمۡ وَشَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡۖ وَإِذَا شِئۡنَا
بَدَّلۡنَآ أَمۡثَٰلَهُمۡ تَبۡدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذۡكِرَةٞۖ فَمَن
شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلٗا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن
يَشَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ﴿٣٠﴾ يُدۡخِلُ مَن
يَشَآءُ فِي رَحۡمَتِهِۦۚ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا ﴿٣١﴾

سُورَةُ المُرۡسَلَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا ﴿١﴾ فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا ﴿٢﴾
وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا ﴿٣﴾ فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا ﴿٤﴾ فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ
ذِكۡرًا ﴿٥﴾ عُذۡرًا أَوۡ نُذۡرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٞ ﴿٧﴾
فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ ﴿٨﴾ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ ﴿٩﴾
وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ ﴿١٠﴾ وَإِذَا ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ ﴿١١﴾ لِأَيِّ
يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ ﴿١٢﴾ لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٣﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ
ٱلۡفَصۡلِ ﴿١٤﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمۡ نُهۡلِكِ
ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُتۡبِعُهُمُ ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٧﴾ كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ
بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

و بعض ساعات شب نمازگزار برای او و به پاکی یاد کن او را وقت دراز شب. ﴿۲۶﴾ هرآیینه این کافران رغبت می‌کنند به دنیا و ترک می‌کنند پسِ پشت خود روز گران را. ﴿۲۷﴾ ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگِ ایشان را و چون خواهیم، عوض آریم قومی مانند ایشان به طریق بدل کردن. ﴿۲۸﴾ هرآیینه این پند است، پس هر که خواهد بگیرد به سوی پروردگار خود راه را. ﴿۲۹﴾ و نمی‌خواهید مگر وقتی که خواهد خدا، هرآیینه خدا هست دانای با حکمت. ﴿۳۰﴾ داخل می‌کند هر که را خواهد در رحمت خود و برای ستمکاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده. ﴿۳۱﴾

سوره مرسلات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به بادهای فرستاده شده به وجه نیک! . ﴿۱﴾ پس قسم به بادهای تند و زنده به طریق شدّت! . ﴿۲﴾ پس قسم به بادهای منتشر کنندهٔ ابر به پراکندن! . ﴿۳﴾ پس قسم به بادهای از هم جدا کنندهٔ ابر به پاره پاره نمودن! . ﴿۴﴾ پس قسم به جماعات فرشتگان فرود آرندهٔ وحی! . ﴿۵﴾ برای دفع عذر و برای ترسانیدن. ﴿۶﴾ هرآیینه آنچه وعده داده می‌شود شما را، البته بودنی است. ﴿۷﴾ پس وقتی که ستاره‌ها بی‌نور کرده شود. ﴿۸﴾ و وقتی که آسمان شکافته شود. ﴿۹﴾ وقتی که کوه‌ها پاره پاره نموده آید. ﴿۱۰﴾ و وقتی که پیغامبران را به میعادی معیّن جمع کرده شود[1]. ﴿۱۱﴾ برای کدام روز پیغامبران را موقوف داشته شد؟. ﴿۱۲﴾ برای روز فیصل کردن. ﴿۱۳﴾ و چه چیز خبر داد تو را که چیست روز فیصل کردن؟. ﴿۱۴﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را!. ﴿۱۵﴾ آیا هلاک نکرده‌ایم نخستیان را؟. ﴿۱۶﴾ بعد از آن در پی ایشان آریم پسینیان را. ﴿۱۷﴾ همچنین می‌کنیم با گناهکاران. ﴿۱۸﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۱۹﴾

۱- متحقق گردد آنچه متحقق شدنی است.

أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلۡنَٰهُ فِي قَرَارٖ
مَّكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَىٰ قَدَرٖ مَّعۡلُومٖ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرۡنَا فَنِعۡمَ
ٱلۡقَٰدِرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾ أَلَمۡ نَجۡعَلِ
ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا
رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ وَأَسۡقَيۡنَٰكُم مَّآءٗ فُرَاتٗا ﴿٢٧﴾ وَيۡلٞ
يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾ ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ
تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ ٱنطَلِقُوٓاْ إِلَىٰ ظِلّٖ ذِي ثَلَٰثِ شُعَبٖ ﴿٣٠﴾
لَّا ظَلِيلٖ وَلَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرۡمِي بِشَرَرٖ
كَٱلۡقَصۡرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ ﴿٣٣﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ
لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾ هَٰذَا يَوۡمُ لَا يَنطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤۡذَنُ
لَهُمۡ فَيَعۡتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَٰذَا
يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِۖ جَمَعۡنَٰكُمۡ وَٱلۡأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِن كَانَ لَكُمۡ
كَيۡدٞ فَكِيدُونِ ﴿٣٩﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ
ٱلۡمُتَّقِينَ فِي ظِلَٰلٖ وَعُيُونٖ ﴿٤١﴾ وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشۡتَهُونَ
﴿٤٢﴾ كُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ هَنِيٓـَٔۢا بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا
كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ
﴿٤٥﴾ كُلُواْ وَتَمَتَّعُواْ قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجۡرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيۡلٞ
يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا
يَرۡكَعُونَ ﴿٤٨﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ
حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیا نیافریده‌ایم شما را از آب محقّر؟. ﴿۲۰﴾ پس نهادیم آن
آب را در جای مضبوط. ﴿۲۱﴾ تا اندازهٔ معین. ﴿۲۲﴾ پس
اندازه کردیم، پس نیکو اندازه‌کننده‌گانیم ما. ﴿۲۳﴾ وای
آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۲۴﴾ آیا نساخته‌ایم زمین
را جمع کنندهٔ آدمیان؟. ﴿۲۵﴾ جمع کند زندگان را و
مردگان را. ﴿۲۶﴾ و آفریدیم در زمین کوه‌های بلند و
نوشانیدیم شما را آب شیرین. ﴿۲۷﴾ وای آن روز دروغ
شمارندگان را!. ﴿۲۸﴾ [گفته شود:] بروید به سوی
چیزیکه آن را دروغ می‌شمردید. ﴿۲۹﴾ [گفته شود:] بروید
به سوی سایهٔ صاحب سه شعبه. ﴿۳۰﴾ نه سایه سرد باشد و
نه کفایت کند از گرمی آتش. ﴿۳۱﴾ هرآیینه آن آتش
می‌افکند شررها مانند کوشک. ﴿۳۲﴾ گویا آن شررها
شتران زرد است. ﴿۳۳﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان
را! . ﴿۳۴﴾ این روز، روزی است که سخن نگویند.
﴿۳۵﴾ و نه دستوری داده شود ایشان را تا عذر تقریر
نمایند. ﴿۳۶﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۳۷﴾
این روز، روز فیصل کردن است. جمع کردیم شما را با
پیشینیان. ﴿۳۸﴾ پس اگر شما را حیله هست، بدسگالی
کنید در حق من. ﴿۳۹﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان
را!. ﴿۴۰﴾ هرآیینه متقیان در زیر سایه‌ها باشند و در
چشمه‌ها. ﴿۴۱﴾ و در میوه‌ها از جنسی که رغبت کنند.
﴿۴۲﴾ [بگوییم:] بخورید و بنوشید، خوردن و نوشیدن
گوارا به سبب آنچه می‌کردید. ﴿۴۳﴾ هرآیینه همچنین
جزا می‌دهیم نیکوکاران را. ﴿۴۴﴾ وای آن روز دروغ
شمارندگان را!. ﴿۴۵﴾ ای دروغ شمارندگان! بخورید و
بهره‌مند باشید اندکی، هرآیینه شما گناهکارید. ﴿۴۶﴾
وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۴۷﴾ و چون گفته
شود ایشان را: نماز گزارید، نماز نمی‌گذارند. ﴿۴۸﴾ وای
آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۴۹﴾ پس به کدام سخن
بعد از قرآن ایمان خواهند آورد؟. ﴿۵۰﴾

سُورَةُ النَّبَإِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ١ عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ ٢ ٱلَّذِي هُمۡ
فِيهِ مُخۡتَلِفُونَ ٣ كَلَّا سَيَعۡلَمُونَ ٤ ثُمَّ كَلَّا
سَيَعۡلَمُونَ ٥ أَلَمۡ نَجۡعَلِ ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا ٦ وَٱلۡجِبَالَ
أَوۡتَادٗا ٧ وَخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا ٨ وَجَعَلۡنَا نَوۡمَكُمۡ
سُبَاتٗا ٩ وَجَعَلۡنَا ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا ١٠ وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ
مَعَاشٗا ١١ وَبَنَيۡنَا فَوۡقَكُمۡ سَبۡعٗا شِدَادٗا ١٢ وَجَعَلۡنَا
سِرَاجٗا وَهَّاجٗا ١٣ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلۡمُعۡصِرَٰتِ مَآءٗ ثَجَّاجٗا
١٤ لِّنُخۡرِجَ بِهِۦ حَبّٗا وَنَبَاتٗا ١٥ وَجَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا ١٦ إِنَّ
يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ كَانَ مِيقَٰتٗا ١٧ يَوۡمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ
فَتَأۡتُونَ أَفۡوَاجٗا ١٨ وَفُتِحَتِ ٱلسَّمَآءُ فَكَانَتۡ أَبۡوَٰبٗا ١٩
وَسُيِّرَتِ ٱلۡجِبَالُ فَكَانَتۡ سَرَابًا ٢٠ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتۡ
مِرۡصَادٗا ٢١ لِّلطَّٰغِينَ مَـَٔابٗا ٢٢ لَّٰبِثِينَ فِيهَآ أَحۡقَابٗا
٢٣ لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرۡدٗا وَلَا شَرَابًا ٢٤ إِلَّا حَمِيمٗا
وَغَسَّاقٗا ٢٥ جَزَآءٗ وِفَاقًا ٢٦ إِنَّهُمۡ كَانُواْ لَا يَرۡجُونَ
حِسَابٗا ٢٧ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا كِذَّابٗا ٢٨ وَكُلَّ شَيۡءٍ
أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا ٢٩ فَذُوقُواْ فَلَن نَّزِيدَكُمۡ إِلَّا
عَذَابًا ٣٠

سوره نبأ

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

از چه چیز کافران با یکدیگر سؤال می‌کنند؟. ﴿۱﴾ [آری سؤال می‌کنند.] از خبری بزرگ. ﴿۲﴾ که ایشان در آن اختلاف دارند[1]. ﴿۳﴾ نی! نی! خواهند دانست. ﴿۴﴾ باز می‌گوییم: نی! نی! خواهند دانست. ﴿۵﴾ آیا نساخته‌ایم زمین را فرشی؟. ﴿۶﴾ و نساخته‌ایم کوه‌ها را میخ‌ها؟. ﴿۷﴾ و آفریدیم شما را نر و ماده. ﴿۸﴾ و ساختیم خواب شما را راحتی. ﴿۹﴾ و ساختیم شب را پرده. ﴿۱۰﴾ و ساختیم روز را وقت طلب معیشت. ﴿۱۱﴾ و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان محکم. ﴿۱۲﴾ و آفریدیم چراغی درخشنده[2]. ﴿۱۳﴾ و فرود آوردیم از ابرها آب ریزان. ﴿۱۴﴾ تا برآریم به سبب آن آب، دانه و گیاه را. ﴿۱۵﴾ و بوستان‌های درهم پیچیده. ﴿۱۶﴾ هرآیینه روز فیصل کردن هست، وقت معین. ﴿۱۷﴾ روزی که دمیده شود در صور، پس بیایید گروه گروه شده. ﴿۱۸﴾ و شکافته شود آسمان، پس باشد دروازه دروازه. ﴿۱۹﴾ و روان گرده آید کوه‌ها را، پس باشند مانند سراب. ﴿۲۰﴾ هرآیینه دوزخ است انتظار کننده. ﴿۲۱﴾ سرکشان را هست مرجع ایشان را. ﴿۲۲﴾ در آیند به دوزخ اقامت کنندگانند در آنجا مدتهای دراز. ﴿۲۳﴾ نچشند آنجا خنکی را و نه هیچ آشامیدنی را. ﴿۲۴﴾ مگر آب گرم را و زرد آب را. ﴿۲۵﴾ جزا داده شدند، جزای موافق. ﴿۲۶﴾ هرآیینه ایشان توقع نمی‌داشتند حساب را. ﴿۲۷﴾ و تکذیب می‌کردند آیات ما را به دروغ داشتن. ﴿۲۸﴾ و هر چیزی را ضبط کردیم به طریق نوشتن. ﴿۲۹﴾ پس بچشید، پس زیاده نخواهیم داد شما را مگر عقوبت. ﴿۳۰﴾

۱- مراد بعث وقیامت است.

۲- یعنی خورشید.

إِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَآئِقَ وَأَعۡنَٰبٗا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ
أَتۡرَابٗا ﴿٣٣﴾ وَكَأۡسٗا دِهَاقٗا ﴿٣٤﴾ لَّا يَسۡمَعُونَ فِيهَا لَغۡوٗا
وَلَا كِذَّٰبٗا ﴿٣٥﴾ جَزَآءٗ مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابٗا ﴿٣٦﴾ رَّبِّ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلرَّحۡمَٰنِۖ لَا يَمۡلِكُونَ
مِنۡهُ خِطَابٗا ﴿٣٧﴾ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ صَفّٗاۖ لَّا
يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنۡ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَقَالَ صَوَابٗا ﴿٣٨﴾
ذَٰلِكَ ٱلۡيَوۡمُ ٱلۡحَقُّۖ فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ مَـَٔابًا ﴿٣٩﴾
إِنَّآ أَنذَرۡنَٰكُمۡ عَذَابٗا قَرِيبٗا يَوۡمَ يَنظُرُ ٱلۡمَرۡءُ مَا
قَدَّمَتۡ يَدَاهُ وَيَقُولُ ٱلۡكَافِرُ يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَٰبَۢا ﴿٤٠﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرۡقٗا ﴿١﴾ وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشۡطٗا ﴿٢﴾
وَٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبۡحٗا ﴿٣﴾ فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبۡقٗا ﴿٤﴾
فَٱلۡمُدَبِّرَٰتِ أَمۡرٗا ﴿٥﴾ يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾ تَتۡبَعُهَا
ٱلرَّادِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٞ يَوۡمَئِذٖ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ
﴿٩﴾ يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرۡدُودُونَ فِي ٱلۡحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَءِذَا كُنَّا
عِظَٰمٗا نَّخِرَةٗ ﴿١١﴾ قَالُواْ تِلۡكَ إِذٗا كَرَّةٌ خَاسِرَةٞ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا
هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُم بِٱلسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلۡ أَتَىٰكَ
حَدِيثُ مُوسَىٰٓ ﴿١٥﴾

هرآیینه متقیان را مطلب‌یابی باشد. ﴿۳۱﴾ بوستان‌ها باشد و درختان انگور باشد. ﴿۳۲﴾ و زنان دوشیزه هم عمر با یکدگر باشند. ﴿۳۳﴾ و پیاله به شراب پر کرده باشد. ﴿۳۴﴾ نشنوند آنجا سخن بیهوده را و نه دروغ شمردن را ﴿۳۵﴾ جزا داده شد، عطا نموده شد، حساب کرده شد از جانب پروردگار تو. ﴿۳۶﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه ما بین اینهاست، خدای بخشاینده، نتواند از هیبت وی سخن گفتن. ﴿۳۷﴾ روزی که بایستد فرشتهٔ روح نام و سایر فرشتگان نیز صف زده، سخن نگویند: حاضران محشر مگر کسی که دستوری داده باشد او را خدا و گفته باشد سخن درست[1]. ﴿۳۸﴾ این روز متحقق است، پس هر که خواهد بگیرد به سوی پروردگار خود مرجع. ﴿۳۹﴾ هرآیینه ما ترسانیدیم شما را از عذاب نزدیک آینده، روزی که ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی و بگوید کافر: ای کاش من خاک بودمی!. ﴿۴۰﴾

سوره نازعات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به جماعات فرشتگان که نزع می‌کنند به وجه سختی![2]. ﴿۱﴾ و قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می‌آرند بیرون آوردنی![3]. ﴿۲﴾ و قسم به فرشتگان که شنا می‌کنند، شنا کردنی![4]. ﴿۳﴾ پس قسم به فرشتگان که سبقت می‌کنند، سبقت کردنی![5]. ﴿۴﴾ پس قسم به جماعات فرشتگان که تدبیر می‌کنند هر کاری را! آنچه گفته می‌شود بودنی است. ﴿۵﴾ روزی که بجنبد جنبنده. ﴿۶﴾ از پس وی درآید از پس درآینده[6]. ﴿۷﴾ دل‌ها آن روز ترسان باشند. ﴿۸﴾ بر دیده‌های آن جماعت خواری هویدا باشد. ﴿۹﴾ می‌گویند [کافران]: آیا بازگردانیده شویم به حالت نخستین؟. ﴿۱۰﴾ آیا چون شویم استخوان‌های بوسیده باز زنده شویم؟. ﴿۱۱﴾ گفتند: آن رجوع آنگاه رجوع زیان دهنده باشد. ﴿۱۲﴾ پس جز این نیست که آن واقعه یک آواز تند است. ﴿۱۳﴾ پس ناگهان ایشان به روی زمین آمده باشند. ﴿۱۴﴾ آیا آماده است پیش تو خبر موسی؟. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی سخن حق.

۲- یعنی یک عده ارواح را به سختی.

۳- یعنی یک عدهٔ دیگر را به طریق سهولت.

۴- یعنی در هوا شناکردنی.

۵- یعنی از یکدیگر سبقت کردنی.

۶- یعنی نفخهٔ اولی و پس نفخهٔ ثانیه به وجود آید.

إِذۡ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ ٱذۡهَبۡ إِلَىٰ
فِرۡعَوۡنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ ﴿١٧﴾ فَقُلۡ هَل لَّكَ إِلَىٰٓ أَن تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾
وَأَهۡدِيَكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخۡشَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَرَىٰهُ ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ
﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدۡبَرَ يَسۡعَىٰ ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ
فَنَادَىٰ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا۠ رَبُّكُمُ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ ٱللَّهُ
نَكَالَ ٱلۡأٓخِرَةِ وَٱلۡأُولَىٰٓ ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبۡرَةٗ لِّمَن
يَخۡشَىٰٓ ﴿٢٦﴾ ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ
سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا
﴿٢٩﴾ وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ ﴿٣٠﴾ أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا
وَمَرۡعَىٰهَا ﴿٣١﴾ وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا ﴿٣٢﴾ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَ
لِأَنۡعَٰمِكُمۡ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوۡمَ
يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ لِمَن
يَرَىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ﴿٣٨﴾
فَإِنَّ ٱلۡجَحِيمَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ
رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ
ٱلۡمَأۡوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسۡـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا ﴿٤٢﴾
فِيمَ أَنتَ مِن ذِكۡرَىٰهَآ ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَآ
أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ﴿٤٥﴾ كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ
يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾

چون آواز دادش پروردگار او به وادیِ پاک طوی نام. ﴿۱۶﴾ که برو به سوی فرعون، هرآیینه وی از حد گذشته است. ﴿۱۷﴾ پس بگو: که هیچ میل است تو را به آنکه پاکیزه شوی؟. ﴿۱۸﴾ و راه بنمایم تو را به سوی پروردگار تو، پس بترسی؟. ﴿۱۹﴾ پس بنمود فرعون آن معجزهٔ بزرگ را[1]. ﴿۲۰﴾ پس دروغ داشت و نافرمانی کرد. ﴿۲۱﴾ پس از آن مجلس بازگشت تدبیرکنان. ﴿۲۲﴾ پس جمع کرد قوم خود را، پس آواز داد. ﴿۲۳﴾ پس گفت: من پروردگار بزرگوار شمایم! . ﴿۲۴﴾ پس گرفتار کرد او را خدا به عذاب آخرت و دنیا. ﴿۲۵﴾ هرآیینه در این خبر، پندی هست برای هر که بترسد. ﴿۲۶﴾ آیا شما محکمترید در آفرینش یا آسمان؟ خدا بنا کرد آن آسمان را. ﴿۲۷﴾ بلند ساخت ارتفاع او را، پس درست ساخت آن را. ﴿۲۸﴾ و تاریک کرد شب او را و ظهور آورد روشنیِ روز او را. ﴿۲۹﴾ و زمین را بعد از آفریدن آسمان هموار کرد[2]. ﴿۳۰﴾ بیرون آورد از زمین آب او را و چراگاه او را﴿۳۱﴾ و کوهها را استوار نمود. ﴿۳۲﴾ از برای منفعت شما و چهارپایان شما. ﴿۳۳﴾ پس وقتی که بیاید قیامت. ﴿۳۴﴾ روزی که یاد کند آدمی آنچه عمل کرده بود. ﴿۳۵﴾ و ظاهر کرده شود دوزخ برای هر که دیدنش خواهد. [ثواب یا عقاب متحقق گردد] . ﴿۳۶﴾ اما کسی که از حد درگذشته باشد. ﴿۳۷﴾ و برگزیده باشد زندگانی این جهانی را. ﴿۳۸﴾ پس هرآیینه دوزخ همان است جای او. ﴿۳۹﴾ و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن به حضور پروردگار خویش و بازداشته باشد نفس را از شهوت. ﴿۴۰﴾ پس هرآیینه بهشت همان است جای او. ﴿۴۱﴾ می‌پرسند تو را از قیامت کی باشد متحقق آن؟. ﴿۴۲﴾ در چه منزلتی تو از علم آن؟. ﴿۴۳﴾ به سوی پروردگار تو است منتهی علم آن. ﴿۴۴﴾ جز این نیست که تو ترسانندهٔ کسی را که بترسد از وی. ﴿۴۵﴾ روزی که ببینند آن را، چنانستی که ایشان درنگ نکرده بودند به دنیا، مگر به یک وقت شام یا یک وقت صبحی که پیش از آن بود. ﴿۴۶﴾

۱- یعنی عصا و ید بیضا.

۲- مترجم گوید: معنای هموار کردن، همین است که می‌فرماید.

سُورَةُ عَبَسَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾ أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يُدۡرِيكَ
لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾ أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ﴿٤﴾ أَمَّا مَنِ
ٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٥﴾ فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾ وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا
يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ﴿٨﴾ وَهُوَ يَخۡشَىٰ ﴿٩﴾
فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾ كَلَّآ إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ ﴿١١﴾ فَمَن شَآءَ
ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾ فِي صُحُفٖ مُّكَرَّمَةٖ ﴿١٣﴾ مَّرۡفُوعَةٖ مُّطَهَّرَةِۭ
﴿١٤﴾ بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ ﴿١٥﴾ كِرَامِۭ بَرَرَةٖ ﴿١٦﴾ قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَآ
أَكۡفَرَهُۥ ﴿١٧﴾ مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾ مِن نُّطۡفَةٍ
خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ
فَأَقۡبَرَهُۥ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾ كَلَّا لَمَّا يَقۡضِ مَآ
أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾ فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾ أَنَّا صَبَبۡنَا
ٱلۡمَآءَ صَبّٗا ﴿٢٥﴾ ثُمَّ شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ شَقّٗا ﴿٢٦﴾ فَأَنۢبَتۡنَا
فِيهَا حَبّٗا ﴿٢٧﴾ وَعِنَبٗا وَقَضۡبٗا ﴿٢٨﴾ وَزَيۡتُونٗا وَنَخۡلٗا ﴿٢٩﴾
وَحَدَآئِقَ غُلۡبٗا ﴿٣٠﴾ وَفَٰكِهَةٗ وَأَبّٗا ﴿٣١﴾ مَّتَٰعٗا لَّكُمۡ
وَلِأَنۡعَٰمِكُمۡ ﴿٣٢﴾ فَإِذَا جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ ﴿٣٣﴾ يَوۡمَ يَفِرُّ
ٱلۡمَرۡءُ مِنۡ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾ وَأُمِّهِۦ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾ وَصَٰحِبَتِهِۦ
وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾ لِكُلِّ ٱمۡرِيٕٖ مِّنۡهُمۡ يَوۡمَئِذٖ شَأۡنٞ يُغۡنِيهِ ﴿٣٧﴾
وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ مُّسۡفِرَةٞ ﴿٣٨﴾ ضَاحِكَةٞ مُّسۡتَبۡشِرَةٞ ﴿٣٩﴾
وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ عَلَيۡهَا غَبَرَةٞ ﴿٤٠﴾ تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾
أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَفَرَةُ ٱلۡفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

سوره عبس

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

روی ترش کرد و اعراض نمود! . ﴿۱﴾ به سبب آنکه بیامد پیش او نابینا[۱]. ﴿۲﴾ و چه چیز خبردار کرد تو را، شاید وی پاک می‌شد. ﴿۳﴾ یا پند می‌شنید، پس نفع می‌دادش آن پند شنیدن. ﴿۴﴾ اما کسی که توانگر است. ﴿۵﴾ پس تو به سوی او اقبال می‌کنی. ﴿۶﴾ و زیان نیست بر تو در آنکه پاک نشود. ﴿۷﴾ و اما کسی که بیامد پیش تو شتابان. ﴿۸﴾ از خدای خود ترسان.﴿۹﴾ پس تو از وی غفلت می‌کنی. ﴿۱۰﴾ نی! نی! هرآیینه این آیات قرآن پند است. ﴿۱۱﴾ پس هر که خواهد یاد کند قرآن را. ﴿۱۲﴾ هرآیینه قرآن ثبت است در نامه‌های گرامی.﴿۱۳﴾ بلند قدر پاک کرده شده. ﴿۱۴﴾ به دست‌های نویسندگان. ﴿۱۵﴾ بزرک منش نیکوکردار[۲]. ﴿۱۶﴾ لعنت کرده شده آدمی را! چه ناسپاسدار است! . ﴿۱۷﴾ از چه چیز آفریدش. ﴿۱۸﴾ از نطفهٔ منی آفریدش، پس اندازه معین کردش. ﴿۱۹﴾ باز راه برآمد، آسان نمودش. ﴿۲۰﴾ باز بمیراندش، پس در گور کردش.﴿۲۱﴾ باز وقتی که خواست، زنده ساختش. ﴿۲۲﴾ نی! نی! به عمل نیاورد آنچه فرمودش. ﴿۲۳﴾ پس باید که در نگرد آدمی به سوی طعام خود. ﴿۲۴﴾ به سوی آنکه ما ریختیم آب را ریختنی.﴿۲۵﴾ باز شکافتیم زمین را شکافتنی. ﴿۲۶﴾ پس رویانیدیم در آن دانه را. ﴿۲۷﴾ و انگور و سبزی‌ها را. ﴿۲۸﴾ و زیتون را و درخت خرما را. ﴿۲۹﴾ و باغ‌ها را که درختان بسیار دارد. ﴿۳۰﴾ و میوه را و علف دواب را. ﴿۳۱﴾ برای منفعت شما و چهارپایان شما. ﴿۳۲﴾ پس وقتی که بیاید آواز سخت. ﴿۳۳﴾ روزی که بگریزد مرد از برادر خود. ﴿۳۴﴾ و از مادر خود و از پدر خود. ﴿۳۵﴾ و از زن خود و از فرزندان خود. ﴿۳۶﴾ هر مردی را از ایشان آن روز شغلی است که کفایت می‌کندش. ﴿۳۷﴾ یک پاره روها آن روز روشن باشند. ﴿۳۸﴾ خندان و شادمان باشند. ﴿۳۹﴾ و یک پاره روها آن روز بر آن غبار باشد. ﴿۴۰﴾ غالب آید بر وی تاریکی. ﴿۴۱﴾ این جماعت، ایشانند کافرانِ بدکاران. ﴿۴۲﴾

۱- نابینائی از فقرای صحابه به مجلس آن حضرتﷺ درآمد و به سؤال‌های مکرر تشویش داد و آن حضرتﷺ در آن حالت به دعوتِ اشراف عرب مشغول بودند، پس آن را مکروه داشتند و اعراض نمودند. خدای تعالی بر خُلق عظیم دلالت فرمود.

۲- یعنی فرشتگان از لوح نقل می‌کنند.

سُورَةُ التَّكۡوِيرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلشَّمۡسُ كُوِّرَتۡ ١ وَإِذَا ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتۡ ٢
وَإِذَا ٱلۡجِبَالُ سُيِّرَتۡ ٣ وَإِذَا ٱلۡعِشَارُ عُطِّلَتۡ ٤ وَإِذَا
ٱلۡوُحُوشُ حُشِرَتۡ ٥ وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ سُجِّرَتۡ ٦ وَإِذَا
ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ ٧ وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ٨ بِأَيِّ
ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ٩ وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتۡ ١٠ وَإِذَا
ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتۡ ١١ وَإِذَا ٱلۡجَحِيمُ سُعِّرَتۡ ١٢ وَإِذَا
ٱلۡجَنَّةُ أُزۡلِفَتۡ ١٣ عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ ١٤ فَلَآ
أُقۡسِمُ بِٱلۡخُنَّسِ ١٥ ٱلۡجَوَارِ ٱلۡكُنَّسِ ١٦ وَٱلَّيۡلِ إِذَا
عَسۡعَسَ ١٧ وَٱلصُّبۡحِ إِذَا تَنَفَّسَ ١٨ إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ
رَسُولٖ كَرِيمٖ ١٩ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي ٱلۡعَرۡشِ مَكِينٖ
٢٠ مُّطَاعٖ ثَمَّ أَمِينٖ ٢١ وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجۡنُونٖ ٢٢
وَلَقَدۡ رَءَاهُ بِٱلۡأُفُقِ ٱلۡمُبِينِ ٢٣ وَمَا هُوَ عَلَى ٱلۡغَيۡبِ
بِضَنِينٖ ٢٤ وَمَا هُوَ بِقَوۡلِ شَيۡطَٰنٖ رَّجِيمٖ ٢٥ فَأَيۡنَ
تَذۡهَبُونَ ٢٦ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٢٧ لِمَن شَآءَ
مِنكُمۡ أَن يَسۡتَقِيمَ ٢٨ وَمَا تَشَآءُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ
ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٢٩

سوره تکویر

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

وقتی که آفتاب پیچیده شود. ﴿۱﴾ و وقتی که ستاره‌ها تیره شوند. ﴿۲﴾ و وقتی که کوه‌ها روان کرده شوند. ﴿۳﴾ و وقتی که ماده شتران باربردار معطل گذاشته شود. ﴿۴﴾ و وقتی که جانوران وحشی را جمع کرده شود. ﴿۵﴾ و وقتی که دریاها را مثل آتش افروخته شود. ﴿۶﴾ و وقتی که ارواح را با اجساد جمع کرده شود. ﴿۷﴾ و وقتی که دختری را که زنده در گور کرده بودند، پرسیده شود. ﴿۸﴾ به کدام گناه کشته شد؟. ﴿۹﴾ و وقتی که نامه‌های اعمال را گشاده شود. ﴿۱۰﴾ و وقتی که آسمان را پوست برکنده شود[۱]. ﴿۱۱﴾ و وقتی که دوزخ را برافروخته شود. ﴿۱۲﴾ و وقتی که بهشت را نزدیک ساخته شود. ﴿۱۳﴾ بداند هر شخصی آنچه حاضر ساخته است. ﴿۱۴﴾ پس قسم می‌خورم به ستاره‌های بازگرونده! . ﴿۱۵﴾ سیر نمایندۀ غایب شونده[۲]. ﴿۱۶﴾ و قسم به شب چون بازگردد! . ﴿۱۷﴾ و قسم به صبح چون بدمد! . ﴿۱۸﴾ هرآیینه قرآن گفتار فرشته‌ای است گرامی قدر. ﴿۱۹﴾ صاحب توانایی با وقار نزدیک خداوند عرش. ﴿۲۰﴾ فرمانبرداری کرده شده در ملکوت آسمان متصف به امانت. ﴿۲۱﴾ و نیست این یار شما دیوانه. ﴿۲۲﴾ و هرآیینه یار شما دیده بود آن فرشته را به کرانۀ ظاهر آسمان. ﴿۲۳﴾ و نیست یار شما بر علم پنهان بخل کننده. ﴿۲۴﴾ و نیست قرآن گفتار شیطان رانده شده. ﴿۲۵﴾ پس کجا می‌روید؟. ﴿۲۶﴾ نیست قرآن مگر پند، عالم‌ها ر.ا ﴿۲۷﴾ برای هر که از زمرۀ شما بخواهد که راست‌کردار شود. ﴿۲۸﴾ و نمی‌خواهید مگر وقتی که بخواهد خدا پروردگار عالم‌ها. ﴿۲۹﴾.

۱- یعنی سرخ شود مانند برّه که پوست او مسخ کرده باشند.

۲- مترجم گوید: زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد پنج ستارۀ متحیره‌اند، چون سیر کرده به مقامی رسند از آن بازمی‌گردند و به مقامی که طی کرده بودند، اقبال نمایند. چون وقت قرآن آید، غائب شوند، والله اعلم.

سُورَةُ الانفِطَارِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ ﴿١﴾ وَإِذَا ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ ﴿٢﴾
وَإِذَا ٱلۡبِحَارُ فُجِّرَتۡ ﴿٣﴾ وَإِذَا ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ ﴿٤﴾
عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّا قَدَّمَتۡ وَأَخَّرَتۡ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ
مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلۡكَرِيمِ ﴿٦﴾ ٱلَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ
فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِيٓ أَيِّ صُورَةٖ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلۡ
تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيۡكُمۡ لَحَٰفِظِينَ ﴿١٠﴾
كِرَامٗا كَٰتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعۡلَمُونَ مَا تَفۡعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ
ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٖ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ ٱلۡفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٖ ﴿١٤﴾
يَصۡلَوۡنَهَا يَوۡمَ ٱلدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمۡ عَنۡهَا بِغَآئِبِينَ ﴿١٦﴾
وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ
ٱلدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡـٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ
يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ ﴿١٩﴾

سوره إنفطار

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

وقتی که آسمان شکافته شود. ﴿۱﴾ و وقتی که ستارگان از هم بریزد. ﴿۲﴾ و وقتی که دریاها روان کرده شود به نهایت شدّت. ﴿۳﴾ و وقتی که گورها کافته شود. ﴿۴﴾ بداند هر نفسی آنچه پیش فرستاده بود و آنچه از پس فروگذاشته بود. ﴿۵﴾ ای آدمی! چه چیز فریفت تو را به پروردگار بزرگوار تو؟. ﴿۶﴾ آن خدای که بیافرید تو را، پس درست اندام کرد تو را، پس معتدل قامت کرد تو را. ﴿۷﴾ در صورتی که خواست ترکیب داد تو را. ﴿۸﴾ نی! نی! بلکه دروغ می‌شمرید جزای اعمال را. ﴿۹﴾ و هرآیینه بر شما گماشته شده‌اند نگاهبان را. ﴿۱۰﴾ گرامی قدر نویسندگان. ﴿۱۱﴾ می‌دانند آنچه می‌کنید. ﴿۱۲﴾ هرآیینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۱۳﴾ و هرآیینه گناهکاران در دوزخ باشند. ﴿۱۴﴾ درآیند به دوزخ، روز جزای اعمال. ﴿۱۵﴾ و نباشند از آنجا غایب شده. ﴿۱۶﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را ای آدمی که چیست روز جزا؟!. ﴿۱۷﴾ باز می‌گوییم چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست روز جزا؟!. ﴿۱۸﴾ روزی است که نتواند هیچ‌کس برای هیچ‌کس هیچ فایده رسانیدن و فرمان آن روز، خدای را باشد. ﴿۱۹﴾

سُورَةُ المُطَفِّفِينَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ
يَسۡتَوۡفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ﴿٣﴾
أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٥﴾
يَوۡمَ يَقُومُ ٱلنَّاسُ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦﴾

سوره مطففين

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

وای حقوقِ مردم کاهندگان را! . ﴿۱﴾ آنان‌که چون برای خود پیمایند، بر مردمان به سختیِ تمام گیرند. ﴿۲﴾ و چون خواهند که پیموده بدهند ایشان را یا سنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند. ﴿۳﴾ آیا نمی‌دانند آن جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد؟. ﴿۴﴾ در روزی بزرگ. ﴿۵﴾ روزی که ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالم‌ها. ﴿۶﴾

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلۡفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٖ ﴿٧﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ
مَا سِجِّينٞ ﴿٨﴾ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ﴿٩﴾ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ
لِّلۡمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا
يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعۡتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ
ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّاۖ بَلۡۜ رَانَ عَلَىٰ
قُلُوبِهِم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ
يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ ﴿١٦﴾
ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّآ إِنَّ
كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ
﴿١٩﴾ كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ ﴿٢٠﴾ يَشۡهَدُهُ ٱلۡمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ
ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿٢٣﴾
تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسۡقَوۡنَ مِن
رَّحِيقٖ مَّخۡتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞۚ وَفِي ذَٰلِكَ
فَلۡيَتَنَافَسِ ٱلۡمُتَنَٰفِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسۡنِيمٍ ﴿٢٧﴾
عَيۡنٗا يَشۡرَبُ بِهَا ٱلۡمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ
كَانُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يَضۡحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّواْ بِهِمۡ
يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓاْ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمُ ٱنقَلَبُواْ
فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا رَأَوۡهُمۡ قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ﴿٣٢﴾
وَمَآ أُرۡسِلُواْ عَلَيۡهِمۡ حَٰفِظِينَ ﴿٣٣﴾ فَٱلۡيَوۡمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
مِنَ ٱلۡكُفَّارِ يَضۡحَكُونَ ﴿٣٤﴾

حقاً هرآیینه نامهٔ اعمال گناهکاران داخل شود در سجین. ﴿۷﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست سجین؟. ﴿۸﴾ کتابی است نوشته شده. ﴿۹﴾ وای آن روز دروغ شمارندگان را! . ﴿۱۰﴾ آنان‌که به دروغ نسبت می‌کند روز جزا را. ﴿۱۱﴾ و دروغ نمی‌شمرد آن را، مگر هر ستمکار گناهکار. ﴿۱۲﴾ چون خوانده شود بر وی آیات ما گوید: افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۱۳﴾ نی! نی! بلکه زنگ بسته است بر دل ایشان آنچه می‌کردند. ﴿۱۴﴾ نی! نی! هرآیینه ایشان از دیدار پروردگار خویش آن روز محجوب باشند. ﴿۱۵﴾ باز هرآیینه ایشان در آیندگان دوزخ باشند. ﴿۱۶﴾ باز گفته شود ایشان را این است آنچه شما آن را دروغ می‌شمردید. ﴿۱۷﴾ حقاً هرآیینه نامهٔ اعمال نیکوکاران داخل شود در علّیین. ﴿۱۸﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست علّیون. ﴿۱۹﴾ کتابی است نوشته شده. ﴿۲۰﴾ که حاضر شوند نزدیک آن نزدیک کردگان خدا. ﴿۲۱﴾ هرآیینه نیکوکاران در نعمت باشند. ﴿۲۲﴾ بر تخت‌ها نشسته نظر می‌کنند به هر جانب ﴿۲۳﴾ بشناسی در روی ایشان تازگی نعمت. ﴿۲۴﴾ نوشانیده شود ایشان را از شراب خالص سر به مهر. ﴿۲۵﴾ به جای موم، مُهر او مشک باشد و به همین شراب پاک باید که رغبت کنند رغبت کنندگان. ﴿۲۶﴾ و آمیختنیِ آن از آب تسنیم باشد. ﴿۲۷﴾ [مرا و می‌دارم] چشمه‌ای که می‌نوشند از آن نزدیک کردگان خدا. ﴿۲۸﴾ هرآیینه گناهکاران با مسلمانان می‌خندیدند. ﴿۲۹﴾ و چون می‌گذشتند به مسلمانان، با یکدیگر چشم می‌زدند حقارت کرده. ﴿۳۰﴾ و چون می‌گشتند به اهل خانهٔ خود، بازمی‌گشتند شادمان شده. ﴿۳۱﴾ و چون می‌دیدند مسلمانان را، می‌گفتند: هرآیینه ایشان گمراهانند. ﴿۳۲﴾ و نگاهبانان فرستاده نشده بودند بر سر مسلمانان. ﴿۳۳﴾ پس امروز مسلمانان با کافران می‌خندند. ﴿۳۴﴾

عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿٣٥﴾ هَلۡ ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ مَا كَانُواْ
يَفۡعَلُونَ ﴿٣٦﴾

سُورَةُ الانشِقَاقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ ﴿١﴾ وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ﴿٢﴾ وَإِذَا
ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ ﴿٣﴾ وَأَلۡقَتۡ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتۡ ﴿٤﴾
وَأَذِنَتۡ لِرَبِّهَا وَحُقَّتۡ ﴿٥﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ
إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ
بِيَمِينِهِۦ ﴿٧﴾ فَسَوۡفَ يُحَاسَبُ حِسَابٗا يَسِيرٗا ﴿٨﴾
وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورٗا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنۡ أُوتِيَ
كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهۡرِهِۦ ﴿١٠﴾ فَسَوۡفَ يَدۡعُواْ ثُبُورٗا ﴿١١﴾
وَيَصۡلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ كَانَ فِيٓ أَهۡلِهِۦ مَسۡرُورًا ﴿١٣﴾
إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰٓۚ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ
بَصِيرٗا ﴿١٥﴾ فَلَآ أُقۡسِمُ بِٱلشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَٱلَّيۡلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾
وَٱلۡقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرۡكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٖ ﴿١٩﴾ فَمَا
لَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقُرۡءَانُ لَا
يَسۡجُدُونَۤ۩ ﴿٢١﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾
وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾
إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ
مَمۡنُونِۭ ﴿٢٥﴾

بر تخت‌ها نشسته نظر می‌کنند به هر جانب. ﴿۳۵﴾ آیا جزا داده شد کافران را به حسب آنچه می‌کردند؟. ﴿۳۶﴾

سوره إنشقاق

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وقتی که آسمان بشگافد. ﴿۱﴾ و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار گوش کردن است. ﴿۲﴾ و وقتی که زمین را کشیده شود. ﴿۳﴾ و برتابد آنچه در آن باشد و خالی شود[۱]. ﴿۴﴾ و گوش کند فرمان پروردگار خود را و زمین، سزاوار گوش کردن است. ﴿۵﴾ ای آدمی! هرآیینه تو کار کننده‌ای تا ملاقات پروردگار خود به کوشش تمام، پس ملاقات خواهی کرد با پروردگار خود. ﴿۶﴾ اما هرکه داده شد او را نامهٔ اعمال او به دست راستش. ﴿۷﴾ پس با او حساب کرده شود حساب آسان. ﴿۸﴾ و بازگردد به سوی اهل خانهٔ خود شادان شده. ﴿۹﴾ و اما هر که داده شد او را نامهٔ اعمال او از پسِ پشتش. ﴿۱۰﴾ پس خواهد یاد کرد هلاک را. ﴿۱۱﴾ و خواهد درآمد به دوزخ. ﴿۱۲﴾ هرآیینه او بود به دنیا در اهل خانهٔ خود شادمان. ﴿۱۳﴾ هرآیینه گمان کرده بود که رجوع نکند به سوی خدایِ تعالی. ﴿۱۴﴾ آری! رجوع کردن به تحقیق است. هرآیینه پروردگار او بود به احوال او بینا. ﴿۱۵﴾ پس سوگند می‌خورم به سرخی کنارهٔ آسمانِ در اوّل شب! . ﴿۱۶﴾ و قسم می‌خورم به شب و آنچه شب آن را جمع کرده است! . ﴿۱۷﴾ و قسم می‌خورم به ماه چون تمام شود!. ﴿۱۸﴾ خواهید رسید به حالی بعدِ حالی. ﴿۱۹﴾ پس چیست این کافران را که ایمان نمی‌آرند؟[۲]. ﴿۲۰﴾ و چون خوانده می‌شود بر ایشان قرآن، سجده نمی‌کنند؟. ﴿۲۱﴾ بلکه این کافران دروغ می‌شمردند. ﴿۲۲﴾ و خدا داناتر است به آنچه در دل خود نگاه می‌دارند. ﴿۲۳﴾ پس خبر کن ایشان را به عذاب درد دهنده. ﴿۲۴﴾ لیکن آنان‌که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند، ایشان راست مزد بی‌نهایت. ﴿۲۵﴾

۱- یعنی اموات را برتابد، والله اعلم.

۲- یعنی هول موت، بعد از آن سؤالِ منکر و نکیر، بعد از آن حشر و حساب و مرور بر صراط، بعد از آن دزخ یا بهشت، والله اعلم.

سُورَةُ البُرُوجِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ ١ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ ٢
وَشَاهِدٖ وَمَشۡهُودٖ ٣ قُتِلَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡأُخۡدُودِ ٤
ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلۡوَقُودِ ٥ إِذۡ هُمۡ عَلَيۡهَا قُعُودٞ ٦ وَهُمۡ
عَلَىٰ مَا يَفۡعَلُونَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ شُهُودٞ ٧ وَمَا نَقَمُواْ
مِنۡهُمۡ إِلَّآ أَن يُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٨ ٱلَّذِي
لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ
شَهِيدٌ ٩ إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُواْ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ
لَمۡ يَتُوبُواْ فَلَهُمۡ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمۡ عَذَابُ ٱلۡحَرِيقِ
١٠ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتٞ
تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡكَبِيرُ ١١ إِنَّ
بَطۡشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ١٢ إِنَّهُۥ هُوَ يُبۡدِئُ وَيُعِيدُ ١٣
وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلۡوَدُودُ ١٤ ذُو ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡمَجِيدُ ١٥ فَعَّالٞ
لِّمَا يُرِيدُ ١٦ هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡجُنُودِ ١٧ فِرۡعَوۡنَ
وَثَمُودَ ١٨ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي تَكۡذِيبٖ ١٩ وَٱللَّهُ
مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطُۢ ٢٠ بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ ٢١ فِي لَوۡحٖ
مَّحۡفُوظِۭ ٢٢

سوره بروج

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

قسم به آسمان! خداوند برج‌ها[1]. ﴿۱﴾ و قسم به روزی که وعده کرده می‌شود![2]. ﴿۲﴾ و قسم به روزی که در هفته[3] حاضر می‌شود!. ﴿۳﴾ هلاک کرده شدند اهل خندق‌ها. ﴿۴﴾ از قِسم آتش، خداوند هیزم بسیار. ﴿۵﴾ وقتی که بر کنارۀ آن خندق نشسته بودند. ﴿۶﴾ و ایشان به آنچه می‌کردند با مسلمانان، حاضر بودند. ﴿۷﴾ و عیب نکردند از ایشان مگر این خصلت را که ایمان آرند به خدای غالب ستوده کار. ﴿۸﴾ آنکه او راست پادشاهی آسمان‌ها و زمین و خدا بر همه چیز مطلع است[4]. ﴿۹﴾ هرآیینه آنان‌که عقوبت کردند مردان مسلمانان و زنان مسلمانان را، باز توبه ننمودند، پس ایشان راست عذاب دوزخ و ایشان راست، عذاب سوختن. ﴿۱۰﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشان راست بوستان‌ها می‌رود زیر آن جوی‌ها. این است فیروزی بزرگ. ﴿۱۱﴾ هرآیینه دست‌درازی پروردگار تو سخت است. ﴿۱۲﴾ هرآیینه او آفرینش نو می‌کند و آفرینش دوباره می‌کند. ﴿۱۳﴾ و اوست آمرزگار دوستدار. ﴿۱۴﴾ او خداوند عرش گرامی قدر است. ﴿۱۵﴾ بسیار کننده است هر چیزی را که خواهد. ﴿۱۶﴾ آیا آمده است به تو خبر لشکرها؟. ﴿۱۷﴾ که فرعون و ثمود باشند. ﴿۱۸﴾ بلکه کافران دروغ شمرده‌اند. ﴿۱۹﴾ و خدا از گرداگرد ایشان گیرنده است. ﴿۲۰﴾ بلکه آن قرآن گرامی قدر است. ﴿۲۱﴾ نوشته شد در لوح محفوظ. ﴿۲۲﴾

۱- یعنی برج دوازدگان.

۲- یعنی روز قیامت.

۳- یعنی روز جمعه و قسم به روزی که حاجیان به آن روز حاضر می‌شوند، یعنی روز عرفه، هرآئینه مجازات متحقق است.

۴- مترجم گوید: پادشاه جباری رعیت خود را تکلیف کفر کرد و جون کافر نشدند، خندق‌ها را به آتش پر کرد و ایشان را به آتش افکند. خدای تعالی آن آتش را بر پادشاه و هم نشینان او مسلط ساخت تا از خندق پریده همه را پاک بسوخت، والله اعلم.

سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ﴿٢﴾
ٱلنَّجۡمُ ٱلثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِن كُلُّ نَفۡسٖ لَّمَّا عَلَيۡهَا حَافِظٞ
﴿٤﴾ فَلۡيَنظُرِ ٱلۡإِنسَٰنُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِن مَّآءٖ
دَافِقٖ ﴿٦﴾ يَخۡرُجُ مِنۢ بَيۡنِ ٱلصُّلۡبِ وَٱلتَّرَآئِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُۥ
عَلَىٰ رَجۡعِهِۦ لَقَادِرٞ ﴿٨﴾ يَوۡمَ تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُۥ
مِن قُوَّةٖ وَلَا نَاصِرٖ ﴿١٠﴾ وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجۡعِ ﴿١١﴾
وَٱلۡأَرۡضِ ذَاتِ ٱلصَّدۡعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُۥ لَقَوۡلٞ فَصۡلٞ ﴿١٣﴾ وَمَا
هُوَ بِٱلۡهَزۡلِ ﴿١٤﴾ إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدٗا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ
كَيۡدٗا ﴿١٦﴾ فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا ﴿١٧﴾

سُورَةُ الأَعۡلَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ﴿١﴾ ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾
وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾ وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ﴿٤﴾
فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ﴿٥﴾ سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ﴿٦﴾
إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ﴿٧﴾
وَنُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ ﴿٨﴾ فَذَكِّرۡ إِن نَّفَعَتِ ٱلذِّكۡرَىٰ ﴿٩﴾
سَيَذَّكَّرُ مَن يَخۡشَىٰ ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا ٱلۡأَشۡقَى ﴿١١﴾ ٱلَّذِي
يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحۡيَىٰ
﴿١٣﴾ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ ٱسۡمَ رَبِّهِۦ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾

سوره طارق

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به آسمان و قسم به چیزی که وقت شب پدید می‌آید! . ﴿۱﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چه چیز به وقت شب پدید آینده است؟. ﴿۲﴾ که آن ستارهٔ درخشنده است.﴿۳﴾ نیست هیچ شخص، مگر بر وی فرشتهٔ نگهبانی کننده است. ﴿۴﴾ پس باید که بینند آدمی از چه چیز آفریده شده است. ﴿۵﴾ از آب جهنده. ﴿۶﴾ که بر می‌آید از میان پشت مرد و استخوان سینهٔ زن. ﴿۷﴾ هرآیینه خدا بر دیگر بار آفریدن آدمی توانا است.﴿۸﴾ روزی که امتحان کرده شود ضمیرهای مردمان را. ﴿۹﴾ پس نباشد آدمی را طاقتی و نباشد یاری دهنده‌ای. ﴿۱۰﴾ قسم به آسمان! خداوند باران. ﴿۱۱﴾ و قسم به زمین! صاحب شکافتن[1]. ﴿۱۲﴾ هرآیینه قرآن سخن واضح است. ﴿۱۳﴾ و نیست قرآن، سخن بیهوده. ﴿۱۴﴾ هرآیینه کافران بداندیشی می‌کنند یک طور بد اندیشی کردنی. ﴿۱۵﴾ و من نیز بداندیشی می‌کنم یک طور بداندیشی[2]. ﴿۱۶﴾ پس مهلت ده کافران را و فروگذار ایشان را اندکی. ﴿۱۷﴾

سوره أعلی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

به پاکی یاد کن پروردگار بزرگوار خود را. ﴿۱﴾ آن که بیافرید، پس درست اندام کرد. ﴿۲﴾ و آن که اندازه کرد، پس راه نمود[3]. ﴿۳﴾ و آن که بر آورد گیاه تازه را. ﴿۴﴾ باز ساخت آن را خشک شدهٔ سیاه گشته. ﴿۵﴾ قرآن تعلیم خواهیم کرد تو را، پس فراموش نخواهی کرد. ﴿۶﴾ مگر آنچه خدا خواسته است، هرآیینه خدا می‌داند آشکارا و پنهان را[4]. ﴿۷﴾ و توفیق خواهیم داد تو را به معرفت شریعت آسان. ﴿۸﴾ پس پند ده اگر سود کند پند دادن. ﴿۹﴾ پند خواهد گرفت هر که می‌ترسد. ﴿۱۰﴾ و یکسو خواهد شد از آن پند، بدبخت‌ترین مردم. ﴿۱۱﴾ آن که خواهد درآید به آتش بزرگ. ﴿۱۲﴾ باز نمیرد آنجا و نه زنده باشد. ﴿۱۳﴾ هرآیینه رستگار گشت هر که پاک شد. ﴿۱۴﴾ و یاد کرد نام پروردگار خود را، پس نماز گذارد. ﴿۱۵﴾

۱- یعنی تا دانه بیرون آید.

۲- و این وعده روز بدر متحقق شد.

۳- یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده به حسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت برو روی کار آمد، پس این تصرف را به هدایت تعبیر فرمود، والله اعلم.

۴- مترجم گوید: فراموش گردانیدن این آیت از خاطر مبارک آن حضرتﷺ نوعی از نسخ است، والله اعلم.

بَلۡ تُؤۡثِرُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا ﴿١٦﴾ وَٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓ
﴿١٧﴾ إِنَّ هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ
إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الغَاشِيَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلۡغَٰشِيَةِ ﴿١﴾ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ
﴿٢﴾ عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ ﴿٣﴾ تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ ﴿٤﴾ تُسۡقَىٰ
مِنۡ عَيۡنٍ ءَانِيَةٖ ﴿٥﴾ لَّيۡسَ لَهُمۡ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٖ
﴿٦﴾ لَّا يُسۡمِنُ وَلَا يُغۡنِي مِن جُوعٖ ﴿٧﴾ وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ
نَّاعِمَةٞ ﴿٨﴾ لِّسَعۡيِهَا رَاضِيَةٞ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٖ ﴿١٠﴾ لَّا
تَسۡمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةٗ ﴿١١﴾ فِيهَا عَيۡنٞ جَارِيَةٞ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٞ
مَّرۡفُوعَةٞ ﴿١٣﴾ وَأَكۡوَابٞ مَّوۡضُوعَةٞ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ
مَصۡفُوفَةٞ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبۡثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى
ٱلۡإِبِلِ كَيۡفَ خُلِقَتۡ ﴿١٧﴾ وَإِلَى ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ رُفِعَتۡ
﴿١٨﴾ وَإِلَى ٱلۡجِبَالِ كَيۡفَ نُصِبَتۡ ﴿١٩﴾ وَإِلَى ٱلۡأَرۡضِ
كَيۡفَ سُطِحَتۡ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرۡ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٞ ﴿٢١﴾
لَّسۡتَ عَلَيۡهِم بِمُصَيۡطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾
فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلۡعَذَابَ ٱلۡأَكۡبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيۡنَآ إِيَابَهُمۡ ﴿٢٥﴾
ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا حِسَابَهُم ﴿٢٦﴾

بلکه اختیار می‌کنید زندگانی این جهانی را. ﴿۱۶﴾ و
آخرت بهتر است و پاینده‌تر است. ﴿۱۷﴾ هرآیینه این
مقدمه مذکور بود در صحیفه‌های نخستین. ﴿۱۸﴾
صحیفه‌های ابراهیم و موسی. ﴿۱۹﴾

سوره غاشیه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آیا آمده است به تو خبر قیامت؟. ﴿۱﴾ یک پاره روی‌های
آن روز خوار باشند. ﴿۲﴾ کار کنندهٔ محنت کشنده باشند.
﴿۳﴾ درآیند به آتش افروخته شده. ﴿۴﴾ آب نوشانیده
شوند از چشمه‌ای نهایت گرم. ﴿۵﴾ نباشد ایشان را هیچ
طعامی مگر از ضریع. ﴿۶﴾ که فربه نکند و رفع گرسنگی
ننماید[1]. ﴿۷﴾ یک پاره روی‌های آن روز تازه باشد.
﴿۸﴾ به سعی خود رضامند شده باشند. ﴿۹﴾ در بهشت
عالی. ﴿۱۰﴾ نشنوی آنجا هیچ سخن بیهوده. ﴿۱۱﴾ در
آنجا چشمه‌ای جاری باشد. ﴿۱۲﴾ در آنجا تخت‌های بلند
باشد. ﴿۱۳﴾ و کوزه‌های نهاده شده. ﴿۱۴﴾ و وساده‌های
برابر یکدیگر گذاشته. ﴿۱۵﴾ و بساط‌های نفس پراکنده
کرده. ﴿۱۶﴾ آیا نمی‌نگرند به سوی شتران، چگونه آفریده
شده؟!. ﴿۱۷﴾ و به سوی آسمان، چگونه برداشته شد؟!.
﴿۱۸﴾ و به سوی کوه‌ها، چگونه برافراشته شد؟!. ﴿۱۹﴾ و
به سوی زمین، چگونه پهن کرده شد؟!. ﴿۲۰﴾ پس پند
ده، جز این نیست که تو پند دهنده‌ای. ﴿۲۱﴾ نیستی بر
ایشان گماشته شده. ﴿۲۲﴾ لیکن هر که روی بگرداند و
کافر شود ﴿۲۳﴾ پس عذاب کندش خدا به عقوبت
بزرگ. ﴿۲۴﴾ هرآیینه به سوی ماست رجوع ایشان.
﴿۲۵﴾ باز هرآیینه بر ماست حساب ایشان.﴿۲۶﴾

۱- ضریع نام گیاه خاردار است.

سُورَةُ الفَجۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡفَجۡرِ ١ وَلَيَالٍ عَشۡرٖ ٢ وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ ٣ وَٱلَّيۡلِ
إِذَا يَسۡرِ ٤ هَلۡ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ ٥ أَلَمۡ تَرَ
كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ٦ إِرَمَ ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ ٧ ٱلَّتِي
لَمۡ يُخۡلَقۡ مِثۡلُهَا فِي ٱلۡبِلَٰدِ ٨ وَثَمُودَ ٱلَّذِينَ جَابُواْ
ٱلصَّخۡرَ بِٱلۡوَادِ ٩ وَفِرۡعَوۡنَ ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ ١٠ ٱلَّذِينَ
طَغَوۡاْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ ١١ فَأَكۡثَرُواْ فِيهَا ٱلۡفَسَادَ ١٢ فَصَبَّ
عَلَيۡهِمۡ رَبُّكَ سَوۡطَ عَذَابٍ ١٣ إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ
١٤ فَأَمَّا ٱلۡإِنسَٰنُ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ فَأَكۡرَمَهُۥ
وَنَعَّمَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكۡرَمَنِ ١٥ وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبۡتَلَىٰهُ
فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ ١٦ كَلَّاۖ بَل لَّا
تُكۡرِمُونَ ٱلۡيَتِيمَ ١٧ وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ
ٱلۡمِسۡكِينِ ١٨ وَتَأۡكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكۡلٗا لَّمّٗا ١٩
وَتُحِبُّونَ ٱلۡمَالَ حُبّٗا جَمّٗا ٢٠ كَلَّآۖ إِذَا دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ
دَكّٗا دَكّٗا ٢١ وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلۡمَلَكُ صَفّٗا صَفّٗا ٢٢
وَجِاْيٓءَ يَوۡمَئِذِۭ بِجَهَنَّمَۚ يَوۡمَئِذٖ يَتَذَكَّرُ ٱلۡإِنسَٰنُ وَأَنَّىٰ لَهُ
ٱلذِّكۡرَىٰ ٢٣

سوره فجر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به صبح! . ﴿۱﴾ و به شب‌های دهگانه![1]. ﴿۲﴾ و قسم به جفت و طاق![2]. ﴿۳﴾ و قسم به شب چون روان شود!. ﴿۴﴾ آیا در این مقدمه سوگندی معتبر است صاحب خرد را؟[3]. ﴿۵﴾ آیا ندیدی که چگونه معامله کرد پروردگار تو با قوم عاد.﴿۶﴾ [که عاد] ارم باشد خداوندِ قدرهای بلند. ﴿۷﴾ که آفریده نشد مانند آن در شهرها. ﴿۸﴾ و چگونه معامله کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگ‌های بزرگ را در وادی قری. ﴿۹﴾ و چگونه معامله کرد با فرعون صاحب میخ‌ها[4]. ﴿۱۰﴾ همهٔ این جماعت‌ها، آنان‌که سرکشی کردند در شهرها. ﴿۱۱﴾ پس بسیار به عمل آوردند در آنجا فساد را. ﴿۱۲﴾ پس بریخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب. ﴿۱۳﴾ هرآیینه پروردگار تو به کمینگاه است. ﴿۱۴﴾ اما آدمی، پس چون امتحان کندش پروردگار او، پس گرامی کندش و نعمت دهدش، پس گوید: پروردگار من گرامی ساخت مرا. ﴿۱۵﴾ و امّا چون امتحان کندش، پس تنگ سازد بر وی رزق وی را، گوید: پروردگار من حقارت کرد مرا. ﴿۱۶﴾ نی! نی! بلکه گرامی نمی‌دارید یتیم را. ﴿۱۷﴾ و یکدیگر را رغبت نمی‌دهد بر طعام دادن فقیر. ﴿۱۸﴾ و می‌خورید مال میراث را خوردن بسیار[5]. ﴿۱۹﴾ و دوست می‌دارید مال را دوست داشتن بسیار[6]. ﴿۲۰﴾ نی! نی! چون پست کرده شود بلندی زمین را، پست کردن بعد پست کردن[7]. ﴿۲۱﴾ و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده. ﴿۲۲﴾ و آورده شود آن روز دوزخ را، آن روز یاد کند آدمی و کجا باشد او را نفع آن یاد کردن. ﴿۲۳﴾

۱- یعنی عشرهٔ ذوالحجه.

۲- یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

۳- که خدا جزادهندهٔ بندگان است بر اعمال ایشان.

۴- یعنی به چهار میخ بسته عقوبت می‌کرد.

۵- یعنی زنان و یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.

۶- یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم و اطعام مسکین است آن را می‌باید کرد و شما به این صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمی‌دهید و حق ایشان را به مال خود جمع می‌کنید.

۷- یعنی جبال و اتلال را با سائر ارض برابر کرده شود.

يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يُعَذِّبُ
عَذَابَهُۥٓ أَحَدٞ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُۥٓ أَحَدٞ ﴿٢٦﴾ يَٰٓأَيَّتُهَا
ٱلنَّفۡسُ ٱلۡمُطۡمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ٱرۡجِعِيٓ إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةٗ
مَّرۡضِيَّةٗ ﴿٢٨﴾ فَٱدۡخُلِي فِي عِبَٰدِي ﴿٢٩﴾ وَٱدۡخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

سُورَةُ البَلَدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَآ أُقۡسِمُ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنتَ حِلُّۢ بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ﴿٢﴾
وَوَالِدٖ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾ لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾
أَيَحۡسَبُ أَن لَّن يَقۡدِرَ عَلَيۡهِ أَحَدٞ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهۡلَكۡتُ
مَالٗا لُّبَدًا ﴿٦﴾ أَيَحۡسَبُ أَن لَّمۡ يَرَهُۥٓ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمۡ نَجۡعَل
لَّهُۥ عَيۡنَيۡنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانٗا وَشَفَتَيۡنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيۡنَٰهُ
ٱلنَّجۡدَيۡنِ ﴿١٠﴾ فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا
ٱلۡعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي
مَسۡغَبَةٖ ﴿١٤﴾ يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ
﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ
وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ﴿١٨﴾
وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِنَا هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡـَٔمَةِ ﴿١٩﴾
عَلَيۡهِمۡ نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ ﴿٢٠﴾

گوید: ای کاش من فرستادمی عمل نیک برای زندگانیِ جاودانی خویش!. ﴿۲۴﴾ پس آن روز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچ‌کس. ﴿۲۵﴾ و به زنجیر نبندد مانند بستن او هیچ کس شود[1]. ﴿۲۶﴾ [گفته شود روح مؤمن را وقت مرگ:] ای نفس آرام گیرنده!. ﴿۲۷﴾ بازگرد به سوی پروردگار خویش، تو خوشنود شده‌ای و از تو نیز خوشنود گشته. ﴿۲۸﴾ پس درا به زمرهٔ بندگان خاص من. ﴿۲۹﴾ و درا به بهشت من. ﴿۳۰﴾

سوره بلد

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم می‌خورم به این شهر! (یعنی مکه مبارکه) . ﴿۱﴾ و تو حلال خواهی شد به این شهر[2]. ﴿۲﴾ و قسم می‌خورم به زاینده و به هرچه زاده است![3]. ﴿۳﴾ هرآیینه آفریدیم آدمی را در مشقت. ﴿۴﴾ آیا گمان می‌کند آدمی که قادر نشود بر وی هیچ‌کس؟[4]. ﴿۵﴾ می‌گوید: خرج کردم بر تو مال تو. ﴿۶﴾ آیا می‌پندارد که ندیده است او را هیچ‌کس؟. ﴿۷﴾ آیا نیافریده‌ایم برای او دو چشم را؟. ﴿۸﴾ و زبان را و دو لب را؟. ﴿۹﴾ و دلالت کردیم او را بر دو راه[5]. ﴿۱۰﴾ پس در نیامد به گذرگاه سخت[6]. ﴿۱۱﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست گذرگاه سخت. ﴿۱۲﴾ خلاص کردن برده. ﴿۱۳﴾ یا طعام دادن به روز گرسنگی. ﴿۱۴﴾ یتیم صاحب قرابت را. ﴿۱۵﴾ یا فقیر صاحب خاکساری را. ﴿۱۶﴾ بعد از آن باشد از آنان‌که ایمان آوردند و به یکدیگر وصیّت کردند به شکیبایی و به یکدیگر وصیت کردند به شفقت بر [خلق اللّٰه]. ﴿۱۷﴾ این جماعت، ایشانند اهل نیک‌بختی. ﴿۱۸﴾ و آنان‌که کافر شدند به آیات ما، ایشانند اهل بدبختی. ﴿۱۹﴾ بر ایشان آتش گماشته شود از هر جهت گردآورده شده. ﴿۲۰﴾

۱- به وجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بر آن قادر نیست، والله اعلم.

۲- یعنی تو را قتال در مکه حلال خواهد شد.

۳- یعنی آدم و جمیع ذریت او.

۴- یعنی عادت آدمی است که به قوت خود فخر کند و نبیند که چه قدر ناتوانی‌ها می‌کشد و نیز به بذل مال فخر کند و نمی‌داند که خدا او را می‌بیند که به غایت حقیر و بخیل است.

۵- یعنی خیر و شر.

۶- یعنی به حقیقت قوت آن است که این اعمال به جا آرد.

سُورَةُ الشَّمۡسِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلشَّمۡسِ وَضُحَىٰهَا ١ وَٱلۡقَمَرِ إِذَا تَلَىٰهَا ٢ وَٱلنَّهَارِ
إِذَا جَلَّىٰهَا ٣ وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰهَا ٤ وَٱلسَّمَآءِ وَمَا
بَنَىٰهَا ٥ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا طَحَىٰهَا ٦ وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا
٧ فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا ٨ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا
٩ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا ١٠ كَذَّبَتۡ ثَمُودُ بِطَغۡوَىٰهَآ
١١ إِذِ ٱنۢبَعَثَ أَشۡقَىٰهَا ١٢ فَقَالَ لَهُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ نَاقَةَ
ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا ١٣ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ
رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمۡ فَسَوَّىٰهَا ١٤ وَلَا يَخَافُ عُقۡبَٰهَا ١٥

سوره شمس

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به آفتاب و روشنی او! . ﴿۱﴾ و قسم به ماه چون از پی آفتاب در آید![۱]. ﴿۲﴾ و قسم به روز چون نمایان کند آفتاب را! . ﴿۳﴾ و قسم به شب چون بپوشاند آفتاب را! . ﴿۴﴾ و قسم به آسمان و به ذاتی که ساخت او را!. ﴿۵﴾ و قسم به زمین و به ذاتی که هموار کرد او را! . ﴿۶﴾ و قسم به نفس آدمی و درست اندام نمودن خدا او را! . ﴿۷﴾ پس قسم به انداختنِ خدا در دلش شناختِ گناه او را و تقوی او را!. ﴿۸﴾ هرآیینه رستگار شد هر که پاک ساخت نفس را. ﴿۹﴾ و هرآیینه زیانکار شد هر که به اسفل السافلین برد آن را. ﴿۱۰﴾ دروغ شمردند قوم ثمود به سبب سرکشی خود. ﴿۱۱﴾ وقتی که برخاست بدبخت‌ترین آن قوم. ﴿۱۲﴾ پس گفت ایشان را پیغامبر خدا: بگذارید ماده شتری را که خدا آفریده است و متعرض مشوید آب خوردِ او را. ﴿۱۳﴾ پس دروغ شمردند پیغامبر را، پس بکشتند ناقه را، پس عقوبت فرود آورد بر ایشان پروردگار ایشان به سبب معصیت ایشان. پس هموار کرد خدا عقوبت را بر سر ایشان[۲]. ﴿۱۴﴾ و خدا نمی‌ترسد از پاداش این عقوبت. ﴿۱۵﴾

سُورَةُ اللَّيۡلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ ١ وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ٢ وَمَا خَلَقَ
ٱلذَّكَرَ وَٱلۡأُنثَىٰٓ ٣ إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ ٤ فَأَمَّا مَنۡ
أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ ٥ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٦ فَسَنُيَسِّرُهُۥ
لِلۡيُسۡرَىٰ ٧ وَأَمَّا مَنۢ بَخِلَ وَٱسۡتَغۡنَىٰ ٨ وَكَذَّبَ
بِٱلۡحُسۡنَىٰ ٩ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡعُسۡرَىٰ ١٠ وَمَا يُغۡنِي عَنۡهُ
مَالُهُۥٓ إِذَا تَرَدَّىٰٓ ١١ إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ ١٢ وَإِنَّ لَنَا
لَلۡأٓخِرَةَ وَٱلۡأُولَىٰ ١٣ فَأَنذَرۡتُكُمۡ نَارٗا تَلَظَّىٰ ١٤

سوره لیل

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به شب چون بپوشاند!. ﴿۱﴾ و قسم به روز چون ظاهر شود!. ﴿۲﴾ و قسم به ذاتی که آفرید نر و ماده را! . ﴿۳﴾ که هرآیینه سعی شما مختلف است. ﴿۴﴾ پس اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود. ﴿۵﴾ و باور داشت ملت نیک را. ﴿۶﴾ پس توفیق دهیم او را برای رسیدن برای آسایش ﴿۷﴾ و اما هر که بخل کرد و خود را بی‌نیاز شمرد. ﴿۸﴾ و به دروغ نسبت کرد ملت نیک را. ﴿۹﴾ پس توفیق دهیم او را برای رسیدن به سرای دشواری. ﴿۱۰﴾ و هیچ دفع نکند از وی مال او وقتی که نگوسار افتد. ﴿۱۱﴾ هرآیینه بر ما لازم است راه نمودن او. ﴿۱۲﴾ و هرآیینه از آن ماست آن جهان و این جهان. ﴿۱۳﴾ پس ترسانیدیم شما را از آتشی که شعله می‌زند. ﴿۱۴﴾

۱- یعنی به شب چهاردهم.

۲- یعنی به همه رسانید.

لَا يَصۡلَىٰهَآ إِلَّا ٱلۡأَشۡقَى ﴿١٥﴾ ٱلَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٦﴾
وَسَيُجَنَّبُهَا ٱلۡأَتۡقَى ﴿١٧﴾ ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾
وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ ﴿١٩﴾ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ
وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ ﴿٢٠﴾ وَلَسَوۡفَ يَرۡضَىٰ ﴿٢١﴾

سُورَةُ الضُّحَىٰ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَٱلَّيۡلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا
قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لَّكَ مِنَ ٱلۡأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوۡفَ
يُعۡطِيكَ رَبُّكَ فَتَرۡضَىٰٓ ﴿٥﴾ أَلَمۡ يَجِدۡكَ يَتِيمٗا فَـَٔاوَىٰ
﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلّٗا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلٗا فَأَغۡنَىٰ
﴿٨﴾ فَأَمَّا ٱلۡيَتِيمَ فَلَا تَقۡهَرۡ ﴿٩﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنۡهَرۡ
﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعۡمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثۡ ﴿١١﴾

سُورَةُ الشَّرۡحِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ﴿٢﴾
ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ
مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرٗا ﴿٦﴾ فَإِذَا
فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ﴿٨﴾

در نیاید به آن آتش، مگر بدبخت‌ترین مردم. ﴿۱۵﴾ آن که
دروغ شمرد و روی‌گردان شد. ﴿۱۶﴾ و یکسو داشته خواهد
شد از آن آتش پرهیزگارترین مردم. ﴿۱۷﴾ آن که می‌دهد مال
خود را تا پاک نفس گردد. ﴿۱۸﴾ و نیست هیچ‌کس را نزد او
هیچ نعمتی که جزا داده شود. ﴿۱۹﴾ لیکن می‌دهد به طلب
رضای پروردگار بزرگوار خود. ﴿۲۰﴾ و هرآیینه خوشنود
خواهد شد. ﴿۲۱﴾

سوره ضحی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[1]قسم به وقت چاشت! . ﴿۱﴾ و قسم به شب چون بپوشد.
﴿۲﴾ فرو نگذاشت تو را پروردگار تو و دشمن نداشت. ﴿۳﴾
و هرآیینه آخرت بهتر خواهد بود تو را از دنیا. ﴿۴﴾ و البته
نعمت خواهد داد تو را پروردگار تو، پس خوشنود خواهی شد.
﴿۵﴾ آیا یتیم نیافت تو را، پس جای داد؟. ﴿۶﴾ و یافت تو را
راه گم کرده[2]، پس راه نمود. ﴿۷﴾ و یافت تو را تنگدست،
پس توانگر ساخت. ﴿۸﴾ اما یتیم را، پس ستم مکن. ﴿۹﴾ و
اما سائل را، پس بانگ مزن. ﴿۱۰﴾ و امّا به نعمت پروردگار
خود پس خبر ده. ﴿۱۱﴾

سوره شرح

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آیا گشاده نکرده‌ایم برای تو سینهٔ تو را؟. ﴿۱﴾ و دور کردیم از
تو بار تو را؟. ﴿۲﴾ آن بار که گران کرده بود پشت تو را؟.
﴿۳﴾ و بلند ساختیم برای تو ثنای تو را. ﴿۴﴾ [زیرا که]
هرآیینه متصل دشواری، آسانی است. ﴿۵﴾ البته متصل
دشواری، آسانی است. ﴿۶﴾ پس وقتی که از کاروبار فارغ
شوی، در عبادت خدا محنت‌کش. ﴿۷﴾ و به سوی پروردگار
خود تضرّع نما. ﴿۸﴾

۱- مترجم گوید: که چند روز وحی نیامده بود. کفار گفتند: «وَدَّعَهُ رَبُّهُ وَقَلاهُ» خدای تعالی برای تسلی این سوره فروفرستاد.

۲- یعنی شریعت نمی‌دانستی تو، والله اعلم.

سُورَةُ التِّينِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ١ وَطُورِ سِينِينَ ٢ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ
ٱلۡأَمِينِ ٣ لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ٤ ثُمَّ
رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ ٥ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ٦ فَمَا يُكَذِّبُكَ
بَعۡدُ بِٱلدِّينِ ٧ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ٨

سُورَةُ العَلَقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ
عَلَقٍ ٢ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ
٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ٥ كَلَّآ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ
لَيَطۡغَىٰٓ ٦ أَن رَّءَاهُ ٱسۡتَغۡنَىٰٓ ٧ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلرُّجۡعَىٰٓ
٨ أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يَنۡهَىٰ ٩ عَبۡدًا إِذَا صَلَّىٰٓ ١٠ أَرَءَيۡتَ
إِن كَانَ عَلَى ٱلۡهُدَىٰٓ ١١ أَوۡ أَمَرَ بِٱلتَّقۡوَىٰٓ ١٢ أَرَءَيۡتَ
إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰٓ ١٣ أَلَمۡ يَعۡلَم بِأَنَّ ٱللَّهَ يَرَىٰ ١٤ كَلَّا
لَئِن لَّمۡ يَنتَهِ لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ ١٥ نَاصِيَةٖ كَٰذِبَةٍ
خَاطِئَةٖ ١٦ فَلۡيَدۡعُ نَادِيَهُۥ ١٧ سَنَدۡعُ ٱلزَّبَانِيَةَ ١٨
كَلَّا لَا تُطِعۡهُ وَٱسۡجُدۡ وَٱقۡتَرِب۩ ١٩

سوره تین

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

قسم به انجیر و زیتون!. ﴿۱﴾ و قسم به طور سینا!. ﴿۲﴾ و قسم به این شهر با امن! (یعنی مکه). ﴿۳﴾ هرآیینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین صورتی. ﴿۴﴾ پس گردانیدیم آن را فروتر از همۀ فروماندگان[1]. ﴿۵﴾ مگر آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان راست اجر غیر نهایت. ﴿۶﴾ پس ای آدمی! چه چیز حمل می‌کند تو را بعدِ این همه پند بر دروغ شمردن در باب جزای اعمال؟[2]. ﴿۷﴾ آیا نیست خدا حکم کننده‌ترین حاکمان؟. ﴿۸﴾

سوره علق

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریدگار است. ﴿۱﴾ آفریدی آدمی را از خونْ پاره‌های بسته. ﴿۲﴾ بخوان و پروردگار تو بزرگوارتر است. ﴿۳﴾ آن که علم آموخت به دستیاری قلم. ﴿۴﴾ آموخت آدمی را آنچه نمی‌دانست[3]. ﴿۵﴾ حقّا هرآیینه آدمی از حد می‌گذرد. ﴿۶﴾ وقتی که می‌بیند خود را توانگر شده. ﴿۷﴾ هرآیینه به سوی پروردگار تو است رجوع. ﴿۸﴾ آیا دیدی شخصی که منع می‌کند؟. ﴿۹﴾ بنده را چون نماز گذارد. ﴿۱۰﴾ آیا دیدی که چه می‌شد اگر بر راه راست بودی؟. ﴿۱۱﴾ یا به پرهیزگاری فرمودی. ﴿۱۲﴾ آیا دیدی که چه شد اگر دروغ شمرد و روی‌گردان گشت؟. ﴿۱۳﴾ آیا ندانست این روی گرداننده که خدا می‌بیند؟[4]. ﴿۱۴﴾ نی! نی! اگر باز نخواهد ایستاد، خواهیم کشید او را به موی پیشانی. ﴿۱۵﴾ به آن موی پیشانی دروغ زن خطاکار. ﴿۱۶﴾ پس باید که فریاد کند اهل مجلس خود را. ﴿۱۷﴾ ما نیز خواهیم طلبید پیاده‌ها را[5]. ﴿۱۸﴾ نی! نی! فرمان او قبول مکن و نمازگزار و قرب خدا طلب نما. ﴿۱۹﴾

۱- یعنی وقتی که کافر شد، فطرت سلیمه را ضائع ساخت.

۲- وشاید که معنی آیت چنین باشد: پس چه چیز باعث تکذیب تو می‌شود یا محمد در مقدمۀ جزای اعمال بعد این همه پند.

۳- مترجم گوید: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ﴾ تا ﴿مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾ اول چیزی است که بر آن حضرت ﷺ نازل شد و معنای اقراء تهییٔ است برای وحی قرآن و تلاوت آن.

۴- یعنی باید دانست که عاقبت اهتدا و هدایت، بهشت است و عاقبت ضلال و اضلال، دوزخ است، پس این مدعا را به نوعی از بلاغت ادا کرده شده.

۵- یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سُورَةُ القَدۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ
ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ
ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤
سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥

سوره قدر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرآیینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر[1]. ﴿۱﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست شب قدر. ﴿۲﴾ شب قدر بهتر است از هزار ماه. ﴿۳﴾ فرود می‌آیند فرشتگان و روح در آن شب به فرمان پروردگار خویش برای سر انجام کردن هر کار. ﴿۴﴾ آن شب تا وقت طلوع فجر، محض سلامتی است. ﴿۵﴾

سُورَةُ البَيِّنَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لَمۡ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ
وَٱلۡمُشۡرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ١ رَسُولٞ
مِّنَ ٱللَّهِ يَتۡلُواْ صُحُفٗا مُّطَهَّرَةٗ ٢ فِيهَا كُتُبٞ قَيِّمَةٞ
٣ وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا
جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ ٤ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ
ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ
أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ٦ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ٧

سوره بيّنه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

نبودند کافران[2] از اهل کتاب و مشرکان جدا شونده (یعنی از آیین خود) تا وقتی که بیاید به ایشان حجت ظاهر[3]. ﴿۱﴾ که پیغمبر است از جانب خدا، می‌خواند صحیفه‌های پاک (یعنی سُوَر قرآن) . ﴿۲﴾ در آن صحیفه‌ها احکامی است راست و درست. ﴿۳﴾ و متفرّق نشدند اهل کتاب[4]، مگر بعد از آنکه آمد به ایشان حجت ظاهر. ﴿۴﴾ و فرموده نشد ایشان را، مگر آنکه عبادت کنند خدای را خالص ساخته برای او پرستش را، متدین به دین ابراهیم شده و برپا دارند نماز را و بدهند زکات را و این است احکام ملّت درست. ﴿۵﴾ هرآیینه آنان‌که کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان، در آتش دوزخ باشند، جاویدان آنجا ایشانند بدترین خلق. ﴿۶﴾ هرآیینه آنان‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، ایشانند بهترین خلق. ﴿۷﴾

۱- یعنی یک دفعه از لوح محفوظ به آسمان دنیا.

۲- یعنی حال ایشان، مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود، ازین جهت رسول فرستادیم و قرآن فرود آوردیم.

۳- یعنی ایشان را تکلیف نکردیم به ترک ادیان خویش، مگر بعد اقامت حجت ظاهر.

۴- یعنی بعض مقبول شدند و بعض مردود.

جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا
ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ
عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ ﴿٨﴾

جزای ایشان نزدیک پروردگار ایشان بوستان‌های همیشه باشیدن است، می‌رود زیر آن جوی‌ها، جاویدان آنجا همیشه، خشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا. این وعده کسی راست که بترسد از پروردگار خود. ﴿۸﴾

سُورَةُ الزَّلۡزَلَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ زِلۡزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخۡرَجَتِ ٱلۡأَرۡضُ
أَثۡقَالَهَا ﴿٢﴾ وَقَالَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوۡمَئِذٖ تُحَدِّثُ
أَخۡبَارَهَا ﴿٤﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوۡحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوۡمَئِذٖ يَصۡدُرُ
ٱلنَّاسُ أَشۡتَاتٗا لِّيُرَوۡاْ أَعۡمَٰلَهُمۡ ﴿٦﴾ فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ
ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ ﴿٧﴾ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ
﴿٨﴾

سوره زلزله

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وقتی که جنبانیده شود زمین را به آن جنبش خودش. ﴿۱﴾ و بیرون آورد زمین بارهای خویش[1]. ﴿۲﴾ و گوید انسان: چه حالت است زمین را؟. ﴿۳﴾ آن روز، تقریر کند زمین قصه‌های خود را. ﴿۴﴾ به سبب آنکه پروردگار تو حکم فرستاده است به سوی زمین. ﴿۵﴾ آن روز بازگردند مردمان بر احوال مختلف[2] تا نموده شود به ایشان جزای اعمال ایشان. ﴿۶﴾ پس هرکه کرده باشد هم سنگ یک ذرّه عمل نیک، ببیند آن را. ﴿۷﴾ و هرکه کرده باشد هم‌سنگ یک ذرّه عمل بد، ببیند آن را. ﴿۸﴾

سُورَةُ العَادِيَاتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ ضَبۡحٗا ﴿١﴾ فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا ﴿٢﴾
فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا ﴿٣﴾ فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا ﴿٤﴾ فَوَسَطۡنَ
بِهِۦ جَمۡعًا ﴿٥﴾ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٞ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُۥ عَلَىٰ
ذَٰلِكَ لَشَهِيدٞ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾
۞أَفَلَا يَعۡلَمُ إِذَا بُعۡثِرَ مَا فِي ٱلۡقُبُورِ ﴿٩﴾

سوره عادیات

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به اسبان تیزدونده به وجهی که از دَم پر شوند! . ﴿۱﴾ پس قسم اسبان آتش برآرنده به آنکه به نعل خود سنگ را بزنند! . ﴿۲﴾ پس اسبان غارت کننده چون در وقت صبح درآیند. ﴿۳﴾ پس برانگیزند به آن وقت غبار را[3]. ﴿۴﴾ پس درآیند به آن وقت در میان جماعتی[4]. ﴿۵﴾ هرآیینه آدمی به نسبت پروردگار خود ناشکرگذار است. ﴿۶﴾ و هرآیینه آدمی بر ناسپاسی خود مطلع است. ﴿۷﴾ و هرآیینه آدمی در دوست داشتن مال، مبالغه کننده است. ﴿۸﴾ آیا نمی‌داند که چون برانگیخته شود هر آنچه در گورها باشد. ﴿۹﴾

۱- یعنی گنج‌ها را.

۲- یعنی از جای حساب.

۳- یعنی به سبب دویدن.

۴- یعنی از اعدا. مترجم گوید: این قسم اشارت است به آنکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی به اسپان غازیان متعلق خواهد شد، والله اعلم.

وَحُصِّلَ مَا فِي ٱلصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّخَبِيرُۢ ﴿١١﴾

و ظاهر ساخته شود هر آنچه در سینه‌ها باشد. ﴿۱۰﴾ هرآیینه پروردگار ایشان به احوال ایشان آن روز خبردار است. ﴿۱۱﴾

سُورَةُ القَارِعَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوۡمَ يَكُونُ ٱلنَّاسُ كَٱلۡفَرَاشِ ٱلۡمَبۡثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ ٱلۡمَنفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَن ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٖ رَّاضِيَةٖ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنۡ خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ ﴿٨﴾ فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ ﴿٩﴾ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا هِيَهۡ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةُۢ ﴿١١﴾

سوره قارعه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قیامت!. ﴿۱﴾ چیست آن قیامت؟!. ﴿۲﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست آن قیامت؟. ﴿۳﴾ [قیامت متحقّق شود] روزی که باشند مردمان مانند پروانه‌های پراکنده ساخته. ﴿۴﴾ و باشند کوه‌ها مانند پشم رنگین محلوج نموده. ﴿۵﴾ پس اما هرکه گران باشد پله‌های حسنات او. ﴿۶﴾ پس آن شخص در گذران پسندیده است. ﴿۷﴾ و اما هر که سبک شد پله‌های حسنات او. ﴿۸﴾ پس جایِ ماندن آن شخص، هاویه باشد. ﴿۹﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست هاویه؟!. ﴿۱۰﴾ آتشی است جوشنده. ﴿۱۱﴾

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾

سوره تکاثر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

غافل کرد شما را از یکدیگر، بسیار طلبی مال. ﴿۱﴾ تا وقتی که رسیدید به گورستان‌ها[۱]. ﴿۲﴾ نی! نی! خواهید دانست. ﴿۳﴾ باز می‌گویم: نی! نی! خواهید دانست. ﴿۴﴾ نی! نی! اگر بدانید حقیقت کار را به علم یقین [غافل نمی‌شدید]. ﴿۵﴾ البته خواهید دید دوزخ را. ﴿۶﴾ باز البته خواهید دید دوزخ را دیدن ظاهر بی‌شبهه. ﴿۷﴾ باز البته سؤال کرده خواهید شد آن روز از نعمت[۱]. ﴿۸﴾

۱- یعنی مدفون شدید.

۱- یعنی در مقابلهٔ آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سُورَةُ العَصۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلۡعَصۡرِ ١ إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣

سوره عصر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به زمان. ﴿۱﴾ هرآیینه آدمی در زیان است. ﴿۲﴾ مگر مگر آنان‌که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کردند و یکدیگر را وصیّت کردند به دین درست و یکدیگر را وصیّت کردند به شکیبایی. ﴿۳﴾

سُورَةُ الهُمَزَةِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَيۡلٞ لِّكُلِّ هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ ١ ٱلَّذِي جَمَعَ مَالٗا وَعَدَّدَهُۥ ٢ يَحۡسَبُ أَنَّ مَالَهُۥٓ أَخۡلَدَهُۥ ٣ كَلَّاۖ لَيُنۢبَذَنَّ فِي ٱلۡحُطَمَةِ ٤ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡحُطَمَةُ ٥ نَارُ ٱللَّهِ ٱلۡمُوقَدَةُ ٦ ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡـِٔدَةِ ٧ إِنَّهَا عَلَيۡهِم مُّؤۡصَدَةٞ ٨ فِي عَمَدٖ مُّمَدَّدَةِۭ ٩

سوره همزه

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

وای هر عیب کنندهٔ غیبت گوینده را!. ﴿۱﴾ آن که فراهم آورد مال را و نگاه داشت آن را. ﴿۲﴾ می‌پندارد که مال او زندگی جاوید دهدش!. ﴿۳﴾ نی! نی! البته انداخته خواهد شد به حطمه. ﴿۴﴾ و چه چیز مطلع ساخت تو را که چیست حطمه؟!. ﴿۵﴾ آتش خدا، افروخته شده!. ﴿۶﴾ که غالب شود بر دل‌ها. ﴿۷﴾ هرآیینه آن آتش بر ایشان گماشته شده است. ﴿۸﴾ در ستون‌های دراز درآورده شده است. ﴿۹﴾

سُورَةُ الفِيلِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَلَمۡ تَرَ كَيۡفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ ١ أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ فِي تَضۡلِيلٖ ٢ وَأَرۡسَلَ عَلَيۡهِمۡ طَيۡرًا أَبَابِيلَ ٣ تَرۡمِيهِم بِحِجَارَةٖ مِّن سِجِّيلٖ ٤ فَجَعَلَهُمۡ كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۭ ٥

سوره فیل

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[1] آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو با اهل فیل؟. ﴿۱﴾ آیا نساخت بداندیشی ایشان را در بی‌فایدگی؟. ﴿۲﴾ و فرستاد بر ایشان جانوران فوج فوج. ﴿۳﴾ می‌انداخت به سوی ایشان سنگریزه‌ها از سنگ گل. ﴿۴﴾ پس ساخت ایشان را مانند آخر و باقی مانده بعد از خوردن دوابّ. ﴿۵﴾

۱- مترجم گوید: ابرهه، پادشاه یمن، عزم هدم کعبه کرد و فیلان بسیار و لشکر بی‌شمار به هم آورد، چون نزدیک کعبه رسید، خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا هلاک کند.

سُورَةُ قُرَيۡشٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ ١ إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ
٢ فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ٣ ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن
جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ ٤

سوره قریش

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

برای شکر الفت دادن قریش. ﴿۱﴾ [یعنی] الفت دادن ایشان به سفر زمستان و تابستان. ﴿۲﴾ باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را. ﴿۳﴾ آن که طعام داد ایشان را از بهر آنکه گرسنه بودند و امن داد ایشان را از بهر آنکه ترسان بودند. ﴿۴﴾

سُورَةُ المَاعُونِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ
ٱلۡيَتِيمَ ٢ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ ٣ فَوَيۡلٞ
لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥
ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦ وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧

سوره ماعون

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

آیا دیدی آن شخص را که دروغ می‌شمرد جزای اعمال را؟. ﴿۱﴾ پس آن شخص مردی است که به اهانت می‌راند یتیم را. ﴿۲﴾ و رغبت نمی‌دهد بر طعام دادن فقیر. ﴿۳﴾ پس وای آن نمازگزاران را!. ﴿۴﴾ آنان که ایشان از نماز خود غفلت می‌ورزند. ﴿۵﴾ آنان‌که ایشان ریا می‌کنند. ﴿۶﴾ و عاریت نمی‌دهند ماعون را[1]. ﴿۷﴾

سُورَةُ الكَوثَرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ ١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ ٢
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ ٣

سوره کوثر

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

[یا محمد] هرآیینه ما عطا کردیم تو را کوثر[2]. ﴿۱﴾ پس نمازگزار برای پروردگار خود و شتر را نحر کن. ﴿۲﴾ هرآیینه دشمن تو، همان است دم بریده. ﴿۳﴾

۱- یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو، مانند آن. مترجم گوید: نصف این سوره تصویر حال کافر است و نصف، تصویر حالِ منافق، والله اعلم.

۲- کوثر نام حوضی است که در آخرت خواهد بود. امت آن حضرتﷺ از آن خواهند آشامید.

سُورَةُ الكَافِرُونَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ۝١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ۝٢
وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا
عَبَدتُّمۡ ۝٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ۝٥ لَكُمۡ
دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ۝٦

سوره کافرون

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

بگو: ای کافران! ﴿۱﴾ پرستش نمی‌کنم آنچه شما می‌پرستید. ﴿۲﴾ و نه شما پرستش می‌کنید آنچه می‌پرستمد. ﴿۳﴾ و نه من پرستش خواهم کرد آنچه شما می‌پرستید. ﴿۴﴾ و نه شما پرستش خواهید کرد آنچه من می‌پرستم. ﴿۵﴾ شما را دین شما است و ما را دین من است!. ﴿۶﴾

سُورَةُ النَّصۡرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ وَٱلۡفَتۡحُ ۝١ وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ
يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا ۝٢ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ
وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا ۝٣

سوره نصر

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

وقتی که بیاید نصرت خدا و به ظهور آید فتح. ﴿۱﴾ و ببینی که مردمان داخل می‌شوند در دین خدا فوج فوج. ﴿۲﴾ پس به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود و آمرزش طلب کن از وی، هرآیینه خدا هست به رحمت رجوع کننده[۱]. ﴿۳﴾

سُورَةُ المَسَدِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ ۝١ مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ مَالُهُۥ وَمَا
كَسَبَ ۝٢ سَيَصۡلَىٰ نَارٗا ذَاتَ لَهَبٖ ۝٣ وَٱمۡرَأَتُهُۥ
حَمَّالَةَ ٱلۡحَطَبِ ۝٤ فِي جِيدِهَا حَبۡلٞ مِّن مَّسَدِۭ ۝٥

سوره مسد

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

هلاک باد دو دست[۲] ابی لهب و هلاک باد ابو لهب![۳]. ﴿۱﴾ هیچ دفع نکرد از سر ابو لهب مال او و آنچه پیدا کرده بود. ﴿۲﴾ خواهد درآمد به آتشِ صاحب شعله. ﴿۳﴾ و زن او نیز [درآید، مراد می‌دارم] بردارندۀ هیزم را[۱]. ﴿۴﴾ در گردن او رسنی است از لیف خرما[۲]. ﴿۵﴾

۱- یعنی این همه علامت قرب اجل توست یا محمد، پس در استعداد آخرت مقید شو.

۲- آن حضرت اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود: ابی لهب سنگ به طرف آن حضرت انداخت که آیا برای این کار ما را جمع کرده بودی؟ این سوره نازل شد.

۳- دو دست کنایه از ذات اوست.

۱- یعنی سخن چینی کننده.

۲- یعنی به خفه کردن تعذیب کرده شود.

سُورَةُ الإِخۡلَاصِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ
٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤

سوره إخلاص

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

بگو: خدا یگانه است. ﴿۱﴾ خدا بی‌نیاز است. ﴿۲﴾ نه زاد و نه زاده شده. ﴿۳﴾ و نیست هیچ کس او را همسر. ﴿۴﴾

سُورَةُ الفَلَقِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن
شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ
٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥

سوره فلق

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

بگو: پناه می‌گیرم به پروردگار صبح. ﴿۱﴾ از شرّ هرچه آفریده است. ﴿۲﴾ و از شرّ شبِ تاریک، چون تاریکی او منتشر شود. ﴿۳﴾ و از شرِ زنان سحر کننده در گره‌ها دم زننده. ﴿۴﴾ و از شرّ هر حاسد چون حسد کند. ﴿۵﴾

سُورَةُ النَّاسِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ
ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي
يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦

سوره ناس

به نام خداوند بخشندۀ مهربان

بگو: پناه می‌گیرم به پروردگار مردمان. ﴿۱﴾ پادشاه مردمان. ﴿۲﴾ معبود مردمان. ﴿۳﴾ از شرّ وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد. ﴿۴﴾ [باز پس رونده] آنکه وسوسه می‌افکند در سینه‌های مردمان. ﴿۵﴾ از جنس جن باشد یا از جنس مردمان. ﴿۶﴾

صدق الله العظيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم

حمدِ نامحدود، خدای تبارک و تعالی را که به رأفت تامّه، قرآن را برای بندگانِ خود نازل فرمود، تا مرضیِّ او را از نارمضیّ باز شناسند و از مکائد نفس و ظلماتِ اعمالِ قبیحه و اخلاق خبیثه خلاص شوند و به حظیرة القُدس راه یابند و نزد پروردگارِ خویش مرضیّ باشند. ممکن نبود که از این مهلکه تجارتی میسّر شود، اگر خود دستگیری نفرمودی و متصوّر نبود که از این ظلماتِ متراکمه خلاصی به دست آید، اگر خود راه ننمودی. منّتِ او تعالی قلب و قالب ما را احاطه کرده است، وجود او ظاهر و باطن ما را در گرفته.

درود و سلام بر آن حضرتِ عالی مقام که ما را بر سعادتِ دارین مطّلع ساخت و مصالح نشأتین به وجهِ اَتَمّ بیان فرمود؛ پس هیچ بیانی نباشد واضح‌تر از بیان آن حضرتﷺ، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آن حضرتﷺ. نیک بخت‌ترین ما آنست که اتّباع سنّت آن حضرتﷺ کند و بد بخت‌ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود.

وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُه، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَسَلَّم.

امّا بعد، نصیحت و نیک‌خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان، رنگی دیگر دارد و اقتضاء دیگر می‌نماید و لهذا علماء دین و کُبراء اهل یقین، در تفسیر و احادیث و عقاید و فقه و سلوک، تصانیف متنوّعه ساخته‌اند و توالیف گوناگون پرداخته؛ طائفه‌ای شاهراه اطناب اختیار نموده‌اند و فرقه‌ای کوچهٔ اختصار پیش کرده؛ جماعتی به زبان عجم سخن گفته‌اند و گروهی به لغت عرب دُر سفته. و در این زمانه که ما در آنیم و در این اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان اقتضا می‌کند که ترجمه‌ی قرآن عظیم به زبان فارسی سلیس و روزمره‌ی متداول، بی‌تکلّف فضیلت نمایی و بی‌تصنّع عبارت‌آرایی به غیر تعرّض قصص مناسبه و به غیر ایراد توجیهات منشعبه، تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکسان فهم کنند و صغار و کبار به یک وضع ادراک نمایند؛ لهذا این فقیر را داعیهٔ این امر خطیر به خاطر ریختند و خواه مخواه بر سر آن آوردند. یک چند در تفحّص ترجمه‌ها افتاد تا هرکه را که از تراجم، غیرِ آن که به خاطر مقرّر شده است مناسب یابد در ترویج آن کوشد و کَیفَ ما اَمْکَن، پیش اهلِ عصر مرغوب نماید. در بعض تطویل مُمِلّ یافت و در بعض تقصیر مُخِلّ، هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد، لاجرم عزمِ تألیفِ ترجمه‌ی دیگر مصمّم شد و تسوید ترجمه زهراوین بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتّفاق افتاد و آن سلسله از هم گسست. بعد سال‌هایی چند، عزیزی[1] پیش این فقیر، خواندن قرآن با ترجمه‌ی آن شروع کرد. این صورت، سلسله جنبان آن عزم شد و بر سر آن آورد که به قدر خواندن، سبقاً سبقاً نوشته شود؛ چون قریب ثلث قرآن رسیده شد، آن عزیز را سفری پیش آمد و این تحریر در حیّزِ توقف اُفتاد. بعد مدّتی باز تقریبی پیدا شد، درگیر بار آن خطره پارینه را یاد آورد و تا در ثلث قرآن کشیده بود چون لِلاَکثَرِ حُکمُ الکُلِّ مقرر است، به بعض یاران گفته شد که آن مسوّده را تبییض کنید و آن ترجمه را مقرون به آیاتِ قرآن نویسید تا نسخه‌ی مستقل

۱- شاه عاشق الهی مرحوم.

گردد و آن یارِ سعادتمند، روز عید الأضحی سَنَة خَمْسِینَ بَعدَ الفٍ وَالْمائَةِ در تبییض شروع نمود؛ چون تبییض به آخر تسوید رسید. باز عزم را انبعاثی پدید آمد و تا آخرِ قرآن مسوّد شد وَکانَ خَتمُ التَّسویدِ فِي أَوائِلِ شَعبانَ وَخَتمُ التَّبییضِ فِي أَوائِلِ رمضانَ سَنَةَ إِحدَی وَخَمسِینَ. بعد از آن در سنه‌ی سِتٍ وَخَمسِینَ به اهتمام برادرِ دینی عزیز القدر، **خواجه محمّد امین أَکْرَمَهُ اللهُ تَعالی بِشُهُودِهِ** آن کتاب را رواجی پیدا شد و در حیّز مداولت آمد و نسخ متعدّده گشت و اهلِ عصر به آن اقبال نمودند.

لله الحمد که آن نقش که خاطر می‌بست آمد آخر زپسِ پرده‌ی تقدیر پدید

قبل از شروع به مقصود، لا بد از تمهید مدّمه؛ تا خوض در این کتاب خصوصاً و در فنِّ ترجمه‌ی قرآن عموماً بر وجهِ بصیرت واقع شود.

مقدّمه در بیان مقصدی چند که تقدیم آن بر کتاب، رسمِ قدیم مصنّفان است:

این کتاب از فنّ ترجمه‌ی قرآن عظیم است؛ مدلول نظم عربی را به عبارت فارسی ادا کرده شد با رعایت نحو و ملاحظه‌ی تقدیم ما حَقُّهُ التَّقْدِیمُ واظهارِ محذوف و موافقت نظم ترجمه با نظم قرآن در ترتیبِ الفاظ، إلاّ در جایی که به سبب اختلاف لغتین، رکاکتِ لفظ یا تعقیدِ دلالت لازم می‌شد، و آنچه ضروری است از اسباب نزول و توجیه مشکل به قدر ضرود به کار آید، به وجهی که درین چیزها مثل کتاب وجیز و جلالین باشد و حامل بر مشاکلهٔ وجیز و جلالین، شهادت حجّة الإسلام غزالی است بر آن که خواننده مثل وجیز طبقه‌ی سفلی از علم تفسیر درمی‌یابد.

و نام این کتاب «**فَتْحُ الرَّحمن بِتَرْجَمَةِ القُرآن**» مقرر کرده شد و نام مصنّف این کتاب «**أحمد بن عبدالرّحیم**» است و لقبِ مشهور وَلی اللهُ الدّهْلَوِي وَطَناً العمری نَسَباً أَحْسَنَ اللهُ إِلَیْهِ وَإِلی مَشائِخِهِ وَوَالِدَیْهِ.

و مرتبه‌ی این کتاب بعدِ خواندن متنِ قرآن و رسائلِ مختصر فارسی است، تا فهم لسان فارسی بی‌تکلّف دست دهد و به تخصیص صبیان اهل حِرَف و سپاهیان که توقّع استیفاء علوم عربیه ندارند، در اوّل سنِّ تمیز، این کتاب را به ایشان تعلیم باید کرد، تا اوّل چیزی که در جوفِ ایشان اُفتد معانیِ کتاب الله باشد و سلامت فطرت از دست نرود و سخنِ ملاحده که به مرقّع صوفیه‌ی صافیه مستتر شده، عالم را گمراه می‌سازند، فریفته نکنند و او را حرف معقولیان و سخن منبوذ بی‌انتظام، لوحِ سینه را ملوّث نسازد و نیز آنان که بعد انقضاء شطر عمر، توفیق توبه یابند و تحصیلِ علوم نتوانند، این کتاب ایشان را باید آموخت تا در تلاوتِ قرآن، حلاوتی یابند و منفعت آن در حقِّ جمهور مسلمانان متوقّع است؛ إِنْ شاءَ اللهُ العَظِیم.

امّا در حقِّ صبیان و مبتدیان خود ظاهر است چنان که گفته آمد و سایر ابناء روزگار که اکثر اوقات به شغلِ معاش مشغول‌اند در وقتِ فراغ باید که با یکدیگر حلقه حلقه بنشینند و کسی که بر عبارتِ فارسی قدرت داشته باشد و اندکی از فنِّ تفسیر بهره یافته یا بر عزیزی این ترجمه را گذرانیده بود، به قدر وسعتِ وقت، یک دو سوره با ترجمه‌ی آن به ترتیل و تبیین وقوف بر کلام تام بخواند تا همه بشنوند و به معانیِ آن محظوظ شوند و تشبّه پیدا کرده باشند با صحابه‌ی کرام که به همین دستور حلقه حلقه می‌نشستند و قاری ایشان قرائت می‌کرد؛ این قدر فرق است که صحابه‌ی کرام به سلیقه‌ی

خود، زبان عربی فهم می‌کردند و این جماعت به توسط ترجمه‌ی فارسیه. و چنان که یارانِ سعادتمند، مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی و گلستان شیخ سعدی و منطق الطّیر شیخ فریدالدّین عطّار و قصص فارابی و نفحات مولانا عبدالرّحمن و امثال آن نقل مجلس دارند، چه باشد اگر این ترجمه را به همان اسلوب در میان آرند و حصّه از شغلِ خاطر به ادراکِ آن گمارند، اگر آن شغل با کلامِ اولیاء الله است، این شغلِ کلام الله است و اگر آن مواعظِ حکیمان است، این مواعظِ احکم الحاکمین است و اگر آن مکتوباتِ عزیزان است، این مکتوباتِ ربّ العزت است. شَتَّانَ بَيْنَ الْـمَرْتَبَتَيْنِ اگر انصاف دهی، فایده‌ی اصلی از نزولِ قرآن اتّعاظ است به مواعظِ آن و اهتداست به هدایت آن، نه صرف تلفّظ با آن، اگرچه تلفّظِ آن هم مغتنم است؛ پس چه مسلمانی به دست آورده است کسی که مدلول قرآن را نفهمد؟ و کدام حلاوت دارد، آن که مدلول کلام الله را نداند؟!

و امّا آنان که بر لغتِ عربیه اطّلاعی تام دارند و تفاسیر را بر اُستادان گذرانیده‌اند، حاجتِ خواندن این ترجمه ندارند، لیکن امیدواری از فضلِ حضرتِ باری آنست که اگر این جماعت درین کتاب نظر کنند، تحت لفظ قرآن پیش ایشان روشن‌تر شود و بر مختارات از نحو و شرح غریب و غیر آن اطّلاع یابند و بسا فایده‌ای که پیش از مطالعه‌ی آن نشنیده‌اند و ندیده باشند، به تازگی استفاده نمایند. و این ترجمه بنابر شفقتِ خلق الله مُؤَلّف شد و ایشان استقصاء وجوه اعراب و استیفاء توجیهاتِ کلام را و استیعاب قصص را احتمال ندارند و اگر به تحصیل علوم الهیّه تکلیف داده شود، معلوم نیست که آن صورت متحقّق شود یا نه و بعد تحقق آن صورت یُمکِن که داعیه‌ی تعمّق در آن علوم پیدا شود و تمام عمر در این داعیه مصروف گردد، چنان که اکثر اهل علوم الهیّه را می‌بینیم، هیچ بهتر از آن نیست که درجه‌ی اَدنی از علم تفسیر در اوّل عمر اکتساب کرده شود، تا اکثر علوم الهیّه به دست آید. این نیز معمّد و مؤیّد در اتمامِ مقصد وی بود و اگر به دست نیاید، حصّه‌ای از مقصود به دست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد.

صنما رهِ قلندر سزد ار به من نمایی　　　که دراز و دور دیدم ره و رسم پارسایی

و طریق تحریر در این کتاب آنست که هر آیتی را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه‌ی آن، نشانِ متعارف و روزمره‌ی متداول اختیار نموده آمد و هرچه زیاده از تحت اللّفظ است، اگر یک دو کلمه است به لفظ «یعنی» یا مثلِ آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل، اوّل آن به لفظِ «مترجم گوید» و آخر آن به لفظِ «وَاللهُ أَعْلَم» مُعَلَّم کرده شد و مَهْما اَمْکَن در قصصِ متعلّقه‌ی قرآن، اکتفاء یک دو فقره لازم دیده شد و در اسبابِ نزول از قصصِ متطوّله، نکته‌ای انتزاع نموده شد و تا امکانِ رعایت سیاقِ آیات، ضروری دانسته آمد.

و استمداد این کتاب در آن‌چه متعلّق به نقل است، از اصحّ تفاسیر محدّثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبارِ ضعیفه و موضوعه احتراز نموده شد و قصصِ اسرائیلیّه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیثِ خیرالبشر علیه وعلی آلهِ الصّلوات والتّسلیمات داخل کرده نشد، إلاّ در جایی که کشف معنی به غیر ایرادِ آن نمی‌شود و الضَّرُوراتُ تُبِيحُ الْـمَحظُورات.

و این ترجمه، ممتاز است از ترجمه‌های دیگر به چند وجه:

یکی آن که نظمِ قرآن را به مثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد با اظهارِ مراد و لطافتِ تعبیـر. و از آنچـه در ترجمه‌های دیگر یافته می‌شود از اطنابِ عبارتِ ترجمه و رکاکتِ تعبیر و اعجام مراد، به قدر امکان احتراز نموده شد.

دیگر آن که سایر تراجم از دو حالت خالی نیست: یا ترک کرده‌اند قصصِ متعلّقه به قرآن مطلقاً یـا اسـتیفاء جمیـع آن نموده‌اند؛ و در این ترجمه، راهِ متوسّط اختیار نموده شد؛ پس جایی که معنی آیت موقوف است بر قصّه، به قدر ضرورت، دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جایی که معنی آیت موقوف بر قصّه نبود، ترک نموده آمد.

سوم آن که از توجیهات متنوّعه، توجیه اقوی به اعتبار عربیه واضح به اعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف از ظاهر اختیار نموده شد و کسی که تفسیر وجیز و تفسیر جلالین که به منزلهٔ اصل این ترجمه‌اند، بنابر تفاسیر مطالعـه کنـد درین حرف شک ندارد.

چهارم آن که این ترجمه به وجهی واقع شده است که شناسنده‌ی نحو از آن اعراب قرآن و تعیین محذوف و مرجـع ضمیر و محلّ لفظی که در عبارت مقدّم و مؤخّر کرده شده است، می‌تواند دانست و آن که شناسنده‌ی نحو نیست، از اصل غرض محروم نماند.

پنجم آن که ترجمه‌ها خالی از دو حالت نیستند: یا ترجمه‌ی تحت اللفظ می‌باشد یا ترجمه‌ی حاصل المعنی و در هـر یکی وجوه خلل بسیار درمی‌یابد و این ترجمه جامع است در هر دو طریق و هر خللی را از آن خلل‌ها علاجی مقرر کرده شد و این سخن دراز است در رساله‌ی قواعد ترجمه بیان کرده آید.

و آن که گفتیم این ترجمه مُشعِر است به وجوهِ اعراب، کلمه‌ای است مجمله، بسیطی می‌طلبد، اندکی خـاطر را بـه آن متوجّه باید ساخت. لفظ «است» علامت به ربطی است که در میانِ حاشیتین جمله‌ی اسمیه و ظرفیه باشد «زید قائم است»، «زید کجاست» و علامت اسناد فعل به فاعل، تقدیم فاعل و متّصل‌آوردنِ فعل، «زید اِستاد»[1] و عند الضّرورة «اِستاد زیـد» نیز می‌توان گفت و مفعول‌به نائب مناب فاعل می‌باشد، یا نه، به حرف «را» مقرون می‌شود. «زدم زید را» و «زده شـد زیـد را» و به نوعی از تسامح می‌توان گفت «زید زده شد» و اگر قرینه، قائم باشد، حذف «را» جایز است و مفعـول مطلـق اگـر برای عدد باشد، به «یکبارکردن» و «دوبارکردن» می‌توان تقریر کرد. و اگر برای نوع باشد، به «یک نوع کردن» و «یک طور کردن» و اگر غیر مصدر را به جای مصدر قائم کرده باشند، گویند «ضربتُ سَوطا»، «زدم یک چابک»، و اگر از غیـر لفـظ فعل باشد «قَرأتُ سرداً» «خواندم به طریق پی در پی خواندن»، و اگر مجرد برای تأکید باشد از قبیل **سبحان الله** و **وعدالله** از قبیل اختلاف لغتین است بدون تکلّف و ارجاع به حرفِ دیگر میسّر نشود و اگر مفعول‌له باشد به معنی «غـرض» باشـد به لفظِ «برای» یا به لفظِ «تا» و تصویر مصدر به صورت جمله «ضَرَبْتُه تَأْدیباً» «زدمش برای ادب دادن»، یا «تا ادب دهم». و اگر به معنی «حاصل» باشد به لفظِ «به علّتِ» و «به حکمِ» و «به مقتضی» و امثال آن «قَعَدَ جُبْنَاً»، «نشست به علّتِ نامردی»، و اگر به معنی احتراز باشد به لفظِ «برای احتزار» و «برای احتیاط» و امثال آن «ضربته أَن یّقولَ النَّاسُ مـا ضَـرَبَه»، «زدمـش برای اجتناب از آن که گویند، نزدمش». و مفعول‌فیه به لفظِ «در مکان» باشد یا «در زمان»، و مفعول‌معه به لفظِ با، «اِستوی

۱- اِستاد = ایستاد.

الماءُ والخَشَبَةَ» «برابر شد آب با چوب» و «حال» اگر کلمه‌ی مفرد باشد به اشتقاق لفظی که موضوع برای حال باشد «جِئتُ راکباً» «سوار آمده‌ام» و اگر جمله‌ی ملتئمه از فعل ذی‌الحال باشد به ایصال لفظِ «کرده» و «کُنان» و مثل آن، «جاءَ زیدٌ يَتَبَخْتَرُ فِي مَشْيِهِ»، «زید آمد تبختر کنان در رفتار خود» و اگر جمله‌ی ملتئمه از فعل ذی‌الحال باشد لاچار لفظِ «حال آن که» زیاد کرده شود و هرچند در اصل لغت فارسیه نیست، «حال» در زبان عربی به معنی شتّی[1] آید: گاهی مؤکّد باشد: «جاءَنِي أبوكَ عَطُوفاً» و گاهی به معنی تهَيُّأ: «فَادخُلوها خالِدِينَ» و گاهی به معنی قصد آید: «جِئتُ أشكُو إِلَيْه» و در فارسی این معانی مستعمل نیست و «تمییز» اگر از عددی یا وزنی یا پیمانه یا ماضی باشد به صیغه‌ی تمییز یا به اضافت یا لفظ «از» بیان کرده شدنی است، نزدیک رطل گندم، یک صاع از جو، و اگر از اسم اشاره باشد به لفظِ صفت «ماذا أَرادَ اللهُ بهذا مثلاً» «چه چیز اراده کرده است خدا به این مثل» و اگر نسبت باشد به نحو بل فاعل یا مفعول کرده شد یا «از روی» و «از جهت و «به اعتبار» فزوده آمد. «زید حَسَنٌ داراً»، «زید نیک است از روی خانه» و «به اعتبار خانه»؛ و گاهی در فارسی مضمون تمییز را به نوعی از تصرف که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود «ضاقَ قلباً»، «تنگ‌دل شد»، «هُوَ قاسِيٌ قلباً»، «وی سخت‌دل است» و گاهی در عربی، «مفعول»، به غیر توسط حرف جرّ باشد و در فارسی ایراد حرف جرّ لازم شود ﴿فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ﴾، «کفایت خواهد کرد تو را خدا از شر ایشان» و مثل ﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗا﴾، «و گفته‌اند فرزند گرفت خدا» و مثل «أَعْطَيْتُ زَيداً دِرهَماً»، «درهم دادم زید را» و مثل «كانَ زَيدٌ قَائِماً»، «زید اِستاده بود»، «جَعَلتُ زيداً عَبْدِي» «زید را بنده خود ساختم». درین صورت‌ها تقدیم و تأخیر را بر خود همواره باید ساخت و گاهی جمله را که به تأویل مصدر ساخته باشند، به مصدر مفرد تقریر توان کرد و مصدر مفرد را با جمله‌ی مصدّره به «أَنْ» مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول باصله‌اش به کلمه‌ی مفرده و بالعکس «وقال الّذي آمَنَ»، «گفت آن مسلمان»، «والذين آمنوا»، «مسلمانان»، «والذين أوتوا الكتاب»، «أهل كتاب»، و این در آن صورت است که معنی واضح باشد و مثل ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ۝١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ۝٢﴾، «هر آیینه رستگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نمازِ خویش خشوع‌کنندگانند»؛ یعنی اگر موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن موصوف کرده شد و علامت تخصیصی که از تقدیم معمول مستفاد می‌شود، در فارسی نیز تقدیم آنست، «کُم» و «هُم» و«هُوَ» و «إيّاهُ»؛ و در بعض مواضع به «خود» تعبیر کرده می‌شود و در فارسی می‌توان گفت شما راستگویید یا ایشان راست‌گو. احتیاج آن نیست که گویند ایشانند راست‌گویان و اگر «مظهر» را موضع «مضمر» وضع کرده باشند، لفظ آن زائد کرده شد تا مربوط باشد و در فارسی علامت جمع به فعل ملحق کنند هرچند فاعل مظهر باشد «قَامَ هَؤُلَاءِ»، «اِستادند ایشان» و «واو» وفا بسیار است که زاید باشد و بسیار است که در فارسیه معنی آن ربط به غیر ذکر عطف و تعقیب درست شود؛ پس اگر رکاکت لفظ درین صورت در ترجمه لازم می‌آید، ترک کرده شد.

۱- گوناگون.

بالجمله دقائق فنٍّ ترجمه بسیار است و مقصود اینجا بیان انموذجی است؛ چون این فقیر خوض در ترجمه بدون معاونت کسی و بدون رجوع به کتابی کرده است و در اوقات مختلفه با وجود اشتغال بال به سایر علوم محرّر نموده احتمال دارد در بعض مواضع وفا با این التزامات متحقق نشده باشد. یاران سعادتمند که آن قواعد را مستحضر داشته باشند، به حکمِ اخوّتِ دینی، نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آن کوشند وَلیُصْلِحْهُ مَن جادَ مَقُولاً. وصیّت این فقیر به کاتبان این ترجمه آنست که عبارتِ قرآن را به خطّ جلیّ و اعراب و حُمْرَة از ترجمه متمیّز سازند و احتیاط کنند که در الفاظ مترجمه تحریفی راه نیابد و در مواضع اشتباه، کلامِ تام را به نقطه‌ی حُمْرَة از ما بعد جدا نمایند و ترکیب اضافی و توصیفی را به کسره‌ی مضاف و موصوف، مُعَلَّمْ سازند تا بر مبتدیان روشن‌تر شود و اگر در ترجمه، لفظی که به نسبتِ مبتدیان غریب می‌نماید یا تقریری که بر اذهان صبیان صعوبتی می‌نهد یافته شود، یاران سعادتمند بر حاشیه‌ی کتاب، معنی آن نویسند تا بر هیچ فردی مشکل نشود.

﴿إِنۡ أُرِيدُ إِلَّا ٱلۡإِصۡلَٰحَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُۚ وَمَا تَوۡفِيقِيٓ إِلَّا بِٱللَّهِۚ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ٨٨﴾.

ولی الله دهلوی رحمه الله

سلسله اسانید شاه ولی الله

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبدالرحيم عفى عنه: قرأت القرآن كله من أولّه إلى آخره برواية حفص عن عاصم على الصّالح الثقة حاجي محمد فاضل السندي سنة ١١٥٤هـ. قال: تلوته إلى آخره برواية حفص على الشيخ عبدالخالق المتوفى شيخ القرآء بمحروسة «دلى» قال: قرأت القرآن كلّه بالقراءات السّبع على الشيخ البقري والبقري تلا بها على شيخ القرّاء بزمانه الشيخ عبدالرحمن اليمني و قرأ اليمني بها على والده الشيخ سجادةَ اليمني وعلى الشّهاب أحمد بن عبدالحق السّنباطي بتلاوته كذلك على الشيخ السجادة المذكور و قرأ الشيخ سجادة كذلك على الشيخ أبي نصر الطّهلاوي و قرأ الطهلاوي كذلك على شيخ الإسلام زكريا بتلاوته على بُرهَانِ القلقلي والرضوان أبي النّعيم العقبى و قرأ كل منهما على إمام القرّاء والمحدثين محرر الروايات والطرق أبي الخير محمد بن محمد بن علي بن يوسف الجزري صاحب كتاب النشر. وله طرق كثيرة ذكرها في النشر. منها سلسلة مختصة بتسلسل التلاوة والقراءة أيضاً يطلبن من جهة صاحب التيسير فلنقتصر ههنا على تلك السلسلة قال الجزري: قرأت التيسير وقرأت به القرآن كله من أوّله الى آخره على شيخي الإمام الصالح العالم قاضي المسلمين أبي العباس أحمد بن الشيخ الإمام أبي عبدالله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفى بدمشق المحروسة رحمه الله. وقال لي: قراءةً وقرأت به القرآن على والدي و أخبرني أنه قرأه و قرأ به القرآن العظيم على الشيخ الإمام أبي محمد القاسم بن أحمد القاسم بن أحمد بن الموفق العراقي قال: قرأته وقرأت به على المشائخ الأئمة المقرئين أبي العباس أحمد بن يحيى بن عون الله الخصار وأبي عبدالله محمد بن سعيد بن محمد المراوي وأبي عبدالله محمد بن أيوب بن محمد بن نوح العافقي الأندليسين قال كل منهم: قرأته و قرأت به على الشيخ إمام أبي الحسن علي بن محمد بن هذيل البلنسي قال: قرأت وتلوت به على أبي داؤد سليمان بن نجاح قال قرأته وتلوت به على مؤلّفه الإمام أبي عمرو الداني قال الجزري: وهذا أعلى إسناد يُوجد اليوم في الدنيا متّصلاً واختص هذا الإسناد بتسلسل التلاوة والقراءة والسّماع ومني إلى المؤلف كلهم علماء أئمة ضابطون قال الداني في كتاب التيسير: قرأت القرآن كلّه برواية حفص على أبي الحسن طاهر بن غلبون المقرء قال: قرأت بها على أبي الحسن علي بن محمد صالح الهاشمي الضرير المقرئ بالبصرة قال: قرأت بها على أبي العباس أحمد بن سهل الأشناني قال: قرأت بها على أبي محمد عبيد بن الصّباح قال: قرأت على حفص قال: قرأت على عاصم قال الدّاني: وأخذ عاصم القرآن عن أبي عبدالرحمن بن حبيب السلمي و عن زر بن حبيش أمّا أبو عبدالرحمن فعن عثمان بن عفان وعلي بن أبي طالب وأبي بن كعب وزيد بن ثابت وعبدالله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم. تمت

به نام آن که جان را فکرت آموخت

گفتار مصحّح

ترجمۀ شاه ولی الله محدث دهلوی (م ١١٧٦ یا ١١٧٩ ق) در میان ترجمه‌های قدیم قرآن کریم جایگاهی بلند و ارزشی شایان دارد، چنانکه از نثری شیوا، سبکی ساده و برابر گزینی‌ای مناسب برخوردار است و اگرچه در عصری صورت پذیرفته که فن ترجمه شکل حرفه‌ای نیافته بود و به تبعِ آن ویژگی‌های یک ترجمۀ حرفه‌ای و امروزین را دارا نیست، امّا جلوه‌ها و امتیازات فراوانی دارد که می‌تواند نظر پژوهشگران عرصۀ وحی الهی را به خود جلب کند.

این ترجمه به صورت زیرنویس بارها در هند، پاکستان و افغانستان و اخیراً در عربستان به تنهایی و یا همراه با تفسیر حسینی اثر ملاحسین واعظ کاشفی، به طور غیر مطبوعی طبع یافته است.

به رغم تمام نیکویی‌های این ترجمه عواملی همچون درست نانویسی واژگان، عدم سجاوندی، اشکالات و اغلاط فراوان چاپی، چاپ عکسی از روی دستنوشت، عدم آشنایی لازم خطاط با زبان و نگارش فارسی و رسم الخط درست آن... همه و همه دست به دست هم داده بودند تا ارزش واقعی آن را به میزان قابل ملاحظه‌ای فروکاهند.

به عنوان نمونه «شبهه» را «شبه»، «نشانه‌ای» را «نشانه»، «شنوای دانا» را «شنوا دانا، «صحیفه‌ها» را «صحیفها»، «بیماری‌ای است» را «بیماری‌ست» نوشتن، کافی است که خوانندۀ گرامی را به هزاران اشکال نوشتاری از اینگونه و یا حتّی بدتر از آن در چاپ‌های موجود از این ترجمه آگاه سازد.

اگرچه همۀ موارد پیش گفته نمی‌تواند چشم تیزبینِ راستجویانِ قرآنی را از خیره شدن به ارزش حقیقی این ترجمه بازدارند، امّا می‌طلبد که قرآنْ أنیسان دانشور به تصحیح این ترجمه براساس مبانیِ نوین تصحیح متون کهن همت گمارند، که برای انجام این مهم علاوه بر همه پیش‌نیازهای لازم، آگاهی و اطلاع از فارسی دری شرط مسلّم و ضروری تصحیح این ترجمه است.

کاری را که ما انجام داده‌ایم تصحیح به معنای علمیِ آن نیست، زیرا ملاحظاتی همچون برداشت اقبال‌کنندگان این ترجمه از امانت و عدم دسترسی به نسخۀ اساس و نسخه‌های معتمد بدل و بضاعت اندک این ناچیز در تصحیح متون، مانع از آن شد که تصحیح به معنای حقیقی آن صورت پذیرد، بلکه ما به پیشنهاد مسؤول محترم نشر احسان، جناب آقای یعقوبی، تنها با اعتماد بر نسخۀ طبع یافته این اثر همراه با تفسیر حسینی «در «تاج کمپانی لمیتد». پاکستان. کراچی.) و نیز نسخه‌ای که در «نورانی کُتُب خانه» (پاکستان. پیشاو. بازار قصه‌خوانی) انتشار یافته است براساس آیین نگارش و رسم الخط امروزینِ فارسیِ معمول در ایران اقدام تصحیح به درست‌نویسی و سجاوندی (نقطه‌گذاری) آن کرده‌ایم که امید است فتح بابی برای آنان باشد که شوق تصحیح چنین متون گران سنگی را در سر دارند.

در نهایت لازم می‌دانم چند واژه‌ای را که مهجوریتی در کاربرد آنها صورت پذیرفته و یا حدّاقل برای فارسی‌زبانان دیار ما به راحتی قابل فهم نیست، از نظر بگذرانیم.

در جایْ جایِ این ترجمه کلمات «بازوپس» به معنای «آنگاه و سپس»، «رخت» به معنای «متاع»، «خداوند» بـه معنـای «صاحب اختیار»، «دستوری» به معنای «حکم و اذن» و «همچنین» به معنای «چنین» به کار رفته است.

نیز قید «چنانچه» که برای شرط است به معنای «چنانکه» که برای تشبیه است و کلمهٔ «فرمودن» بـه معنـای «دسـتور و فرمان دادن» استعمال شده است. چنانکه آمده است: «شیطان به ایشان می‌فرماید» که بـدیهی اسـت مفهـومی را کـه مـا از فرمایش به معنای گفتار بزرگی قابل احترام در نظر داریم، بیان نمی‌کند.

امید می‌رود اندک خدمت این ناچیز مقبول درگاه الهی واقع شود و نفع این ترجمه عام گردد. آمین.

مسعود انصاری

بسم الله الرحمن الرحیم

سخن ناشر

قرآن کریم، واپسین پیام آسمانی‌ای است که بر دل حضرت محمّدﷺ نشست و ضمن بازگفت آموزه‌های پیامبران پیشین و تأکید بر پیروی از فرامین آنان، آموزه‌ها و پیام‌های نوینی برای جامعه‌ی بشری به ارمغان آورد که گره‌گشای معضلات و بغرنج‌های دوران بلوغِ اندیشگی آدمیان باشد؛ این پیام‌ها و آموزه‌ها هرچند بنا به ضرورت، به زبان عربی تبیین شدند، اما از آنجا که حد و مرز نمی‌شناختند و خطاب به تمامی بشر در سراسر گیتی نازل شده بودند، بی‌درنگ مرزهای زبانی و زمانی را در نور دیدند، بر دل هر بشر در هر زمانه‌ای نشستند و به سخن پیامبرﷺ: خانه‌ای گلین و پشمین نماند که از آن تهی باشد!

در این میان ترجمه‌ی متن استوار قرآن به زبان‌های گوناگون، بهترین راه برای نیل بدین مقصود بود؛ لذا در درازای سده‌ها و سالیان بسیار، ترجمه‌های بی‌شماری از این کلام جان‌بخش ایزد منان به زبان‌های گوناگون صورت پذیرفت؛ ترجمه‌ی شاه ولی الله دهلوی به نام فتح الرحمن بترجمة القرآن، از آن دست ترجمه‌هایی است که در روزهای نیاز سختِ مسلمانان به درک اسرار کلام الهی و ژرف‌نگری در زوایای آشکار و نهان آن صورت پذیرفته است؛ مترجم، خود در مقدمه‌ای ارزشمند به نیکویی و عوامل و انگیزه‌های پرداختن به این ترجمه را بازگفته است.

به گواهی تمامی قرآن‌پژوهان و مترجمان قرآن کریم که با ترجمه‌ی شاه ولی الله آشنایی دارند، این ترجمه یکی از ترجمه‌های وزین و استواری است که ساختار نحوی و صرفی آن کاملاً با آیات قرآن کریم منطبق است و در عین حال از استواری و استحکام بسیاری نیز برخوردار است.

اهمیت این ترجمه‌ی گران‌سنگ، به تنهایی انگیزه‌ای است کافی تا هر ناشری به چاپ و عرضه‌ی آن همت گمارد و بر همین اساس به کرات توسط ناشران بی‌شمار در کشورهایی چون پاکستان، افغانستان و هندوستان به زیور طبع آراسته و گاه نیز با اندک تغییری به همراه تفسیر حسینی به دوستداران معارف قرآنی عرضه شده است.

این خود انگیزه‌ای نیرومند بود تا ما را به اندیشه‌ی تصحیح انتقادی ترجمه و چاپ مرغوب آن فرو برد، بدین سبب پس از چندی کنکاش و رایزنی با پاره‌ای دوستان و صاحب‌نظران بنابر آن نهاده شد تا به این اندیشه جامه‌ی عمل پوشانده و نسبت به چاپ آن، گام‌های لازم برداشته شود.

بدیهی است که چاپ آثار و منابع متعلق به روزگاران گذشته، اصول و قواعد ویژه‌ای دارد و روشن‌ترین اصل در این باب، تصحیح متون مزبور با کمترین دخالت و یا دستبرد مصحّح در آن‌ها است؛ بدین معنا که مصحّح، گریزی جز آن ندارد که با مقابله‌ی نسخ – در صورت وجود چند نسخه – درست‌ترین عبارت صاحب اثر را انتخاب و از دخالت‌دادن خامه‌ی خویش خودداری کند؛ جز در مواردی که در متن، افتادگی یا اشتباه فاحش وجود داشته باشد.

در تصحیح ترجمه‌ی شاه ولی الله نیز همین شیوه رعایت شده است و با وجود پاره‌ای نظر گاه‌ها در باب ویرایش و به روز کردن ترجمه، بنابر آن نهاده شد که با پایبندی به اصول و قواعد تصحیح متون، اثری معتبر و گران‌سنگ در قالب

اصلیِ آن به جامعه‌ی کتاب‌خوان و قرآن‌پژوه عرضه کرد؛ زیرا تغییر و ویرایش آن موجب می‌شد تا ترجمه‌ای دیگر جز ترجمه‌ی صاحب اثر عرضه شود و بدیهی است که چنین کاری پسندیده و خوشایند نخواهد بود!

در آن روزها کار تصحیح متن، به نویسنده و مترجم محترم، جناب آقای مسعود انصاری، سپرده شد و ایشان نیز ترجمه را بازنویسی و رسم الخط آن را به رسم الخط امروزی تبدیل نمودند و از آنجا که در مقدمه‌ی خویش شیوه‌ی کارشان را تبیین کرده‌اند، ناشر نیازی به بازگفت آن در این مجال نمی‌بیند.

از طرحِ نخستِ موضوعِ تصحیح و چاپ این اثر گران‌سنگ مدت‌ها می‌گذرد و اکنون در اختیار خوانندگان و قرآن‌پژوهان قرار می‌گیرد.

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد

شاید وسواس بسیار در چگونگی طبع این اثر و رایزنی پیوسته با صاحب‌نظران این عرصه، عامل اصلی این تأخیر بوده است! به هر صورت خدای را سپاسگزاریم که زمینه‌های چاپ این ترجمه را فراهم آورد و اینک در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. با این توضیح که ناشر براساس همان دقت در پایبندی به متن، در معدود مواردی هم که ناگزیر از آوردن کلمه یا توضیح اضافه‌ای بود، با علامت ستاره (*) آن را از متن اصلی متمایز ساخت.

این نکته هم بایسته‌ی گفتن است که شاه ولی الله دهلوی با نگارش مقدمه‌ای پرمحتوا، ضمن بازگفت رهیافت خود در ترجمه، به مسائلی عام‌تر در این خصوص نیز پرداخته است؛ نظر به موضوعات مطرح شده در آن سطور، جای آن داشت که مقدمه، جداگانه و در قالب رساله‌ای مستقل در باب ترجمه‌ی قرآن، در دسترس علاقمندان قرار گیرد و جای بسی شگفتی است که در نسخ طبع یافته از آن ترجمه، اثری از مقدمه‌ی مزبور نیست! و تنها در نسخه‌ای نایاب که از طریق جناب مفتی محمد قاسم قاسمی، مدرس حوزه‌ی دارالعلوم زاهدان، در اختیار ناشر قرار گرفت، امکان دسترسی به آن فراهم شد که خوشبختانه با این عنایت کریمانه‌ی ایشان و توجه خاص نشر احسان به اهمیت این نوشتار و جایگاه آن در بسط پژوهش‌های قرآنی، اینک برای اولین بار در این چاپ در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد.

در خصوص چگونگی چاپ این اثر، بایستی گفت که در چاپ‌های دیگر، توضیحات و تعلیقات مترجم در حاشیه‌ی متن و ترجمه نیز ذیل آیات قرار گرفته است؛ در این چاپ، توضیحات و تعلیقات به پانوشت انتقال یافته و ترجمه در صفحه‌ی مقابل قرار گرفته است و امید است که در چاپ‌های بعدی، امکان درج ترجمه در زیر سطرها نیز فراهم آید.

در تنظیم صفحه‌آرایی ترجمه‌ی مقابل، ترجمه و شماره‌ی هر آیه از سر سطر آغاز شده است؛ ولی از آنجا که برخی از توضیحات و تعلیقات، اندکی مبسوط‌اند و آیات جزءهای آخر قرآن کریم نیز کوتاه‌اند، در صفحه‌آرایی – برای جلوگیری از ریزشدن فونت حروف – اجزای آخر، ناگزیر از این شیوه چشم پوشیده و ترجمه‌ی آیات به صورت پیوسته قرار گرفته است و هرجا که ترجمه‌ی آیه‌ی پیشین پایان یافته، ترجمه‌ی آیه‌ی پسین درج شده است.

در پایان بر خود لازم می‌داند از جناب آقای امید بهرامی‌نیا که با بازخوانی نهایی و مقابله‌ی متن با نسخ مختلف و نشانه‌گذاری آن، از اشتباهات احتمالی کاسته و در نتیجه بر غنای متن افزودند، کمال تشکر را داشته باشد و بهروزی روافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

امید است که انتشار این ترجمه‌ی گران‌سنگ در قالبی مرغوب و زیبا، مورد اقبال قرآن‌دوستان و قرآن‌پژوهان قرار گیرد و در آینده نیز بتوان کارهایی بهتر از این در دسترس جامعه‌ی قرآن‌دوست خویش قرار داد؛ إن شاء الله.

نشر احسان